صورت مشروح مذاکرات

مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران

جلسه سی و دوم تا پنجاهم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه سی و دوم تا پنجاهم

نام کتاب: .....صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
(جلد دوم ـ جلسهٔ سی‌ودوم تا پنجاهم)
ناشر: .....ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی
نوبت و تعداد چاپ: چاپ اول ـ ده هزار جلد
تاریخ انتشار: ..... آذرماه ۱۳٦٤ مصادف با ششمین سالگرد همه پرسی و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
چاپ و صحافی:.....چاپخانهٔ مجلس شورای اسلامی
قیمت دوره سه جلدی: سیصد و پنجاه تومان

بسم الله الرحمن الرحیم

(جلد دوم ـ جلسهٔ سی و دوم تا پنجاهم)

فهرست مطالب

جلسهٔ سی‌ودوم ۸۳۳
« سی وسوم ۸۵۱
« سی‌وچهارم ۸۷۹
« سی وپنجم ۹۱۳
« سی‌وششم ۹۴۱
« سی وهفتم ۹۷۷
« سی وهشتم ۱۰۱۳
« سی ونهم ۱۰۴۱
« چهلم ۱۰۷۳
« چهل‌ویکم ۱۱۰۵
« چهل ودوم ۱۱۳۷
« چهل‌وسوم ۱۱۵۵
« چهل‌وچهارم ۱۱۸۵
« چهل‌وپنجم ۱۲۰۷
« چهل‌وششم ۱۲۳۳
« چهل‌وهفتم ۱۲۶۱
« چهل‌وهشتم ۱۲۴۸
« چهل ونهم ۱۳۱۳
« پنجاهم ۱۳۴۵

جلسهٔ سی و دوم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ده و سی دقیقه روز پنجم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با پنجم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه وطرح وتصویب اصل ۵۶ (اصل هفتاد ویکم).
۲ — طرح و تصویب اصل ۵۷ (اصل هفتادو دوم).....
۳ — طرح و تصویب اصل ۵۸ (اصل هشتادو چهارم).....
۴ — طرح و تصویب اصل ۶۰ (اصل هفتاد و سوم).....
۵ — طرح و تصویب اصل ۶۱ (اصل هفتاد و چهارم).....
۶ — طرح و تصویب اصل ۵۹ (اصل هشتاد و پنجم).....
۷ — طرح و تصویب اصل ۶۲ (اصل هفتاد و پنجم).....
۸ — طرح و تصویب اصل ۶۳ (اصل هفتاد و ششم).....
۹ — صورت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ قبل.....
۱۰ — پایان جلسه.....

۱ — اعلام رسمیت جلسه و طرح و تصویب اصل ۵۶ (اصل هفتاد و یکم)

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. جلسه رسمی است و کارمان را آغاز میکنیم‌دستور جلسه خدمت همه آقایان ارسال شده است. اصل ۵۶ مطرح است که میخوانم:

اصل ۵۶ (اصل هفتاد و یکم) — مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

با اکثریت اعضاء حالا اصل ۵۶ مطرح است که مورد رأی واظهار نظر قرار بگیرد. در باره این اصل نظری نیست؟ (دکتر نوربخش — به عقیده من اگر به جای «مقرر» ، «چهارچوب» بگذاریم بهتر است.) «چهارچوب» قدری دائره‌اش ضیق میشود. کلمه «مقرر» انسب است. (سبحانی — چهارچوب مال نجارها است.) (خزعلی — آیا از نظرمذهب کامل است؟) اجازه بدهید سایر آقایان هم بیایند ، چون چند نفر نیامده‌اند بهتر است کمی تأمل کنیم تا دوستان بیشتری در رأی شرکت بکنند . برای بار دیگر اصل ۵۶ را میخوانم و اعلام رأی میکنم. (به شرح سابق قرائت شد) لطفاً گلدانها را برای رأی ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده‌حاضردرجلسه‌شصت‌وپنج‌نفر،تعداد آراء شصت‌ودو رأی، آراء موجود درگلدان شصت و سه رأی، یک رأی خارج شد بنا براین تعداد آراء شصت و دو رأی، موافق پنجاه وهشت‌نفر، مخالف هیچ، ممتنع چهارنفرتصویب‌شد، تکبیر. (حضارسه‌مرتبه تکبیرگفتند)

۲ — طرح و تصویب اصل ۵۷ (اصل هفتاد و دوم)

نایب رئیس — اصل پنجاه و هفت قرائت میشود.

اصل ۵۷ — مجلس شورای ملی نمیتواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر از نظر اسلام با اکثریت‌فقها و شورای نگهبان و از نظر قانون اساسی با اکثریت همه اعضای آن است.

دکتر شیبانی — باید «فقهای» باشد یک «ی» لازم دارد.

نایب رئیس — نسبت به این اصل سؤالی هست؟

خزعلی — از نظر مذهب هم بنویسید.

فوزی — اینکه نوشته شد «با اصول و احکام و قوانین اساسی» این «و» عاطفه است و به جای آن «یا» باید باشد.

نایب رئیس — بلی تذکر خوبی است و ضروری هم نمیزند. (فوزی — مراد نصف به‌علاوه یک نمایندگان است.) طبق آنچه که در اصل می‌آید یعنی بر طبق آنچه که انجامی‌آید

اگر دیدیم که نصف بعلاوه یک کافی است تصویب میکنیم . دیگر سؤالی نیست ؟ (بعضی از نمایندگان — روشن شد.) آقای فاتحی، آقای اکرمی،آقای حجتی، آقای جوادی سؤالی دارید؟ (نمایندگان — روشن شد) آقای موسوی جزایری سؤالی دارید؟

موسوی جزایری — همانطوریکه آقای خزعلی گفتند کلمه «اسلام» را هم قیدبفرمائید. (بنی‌صدر — فقها هستند.)

نایب رئیس — بلی این چیزی را تغییر نمیدهد و به چیزی ضرر نمیزند بنابراین اجازه بدهید به همین صورت به رأی بگذاریم آقای منتظری فرمایشی دارید؟

منتظری — به عقیده بنده لفظ «انطباق» لازم دارد چون آنجا مذهب نوشتیم و اینجا هم باید مذهب باشد.

نایب رئیس — آقای حاجی طرخانی سؤالی دارید بفرمائید .

حاجی طرخانی — اشکال بنده ناشی ازتعبیر کلمه «از نظراسلام» و «ازنظر قانون اساسی» است چون بهتر آن بوده که چنین نوشته شود : « از جهت اسلام» و « از جهت قانون اساسی » وبه‌مفاد اصل هیچ اشکالی ندارم .

نایب رئیس — خیر ، قانون اساسی که در اینجا آمده با آنچه که‌متن احکام‌اسلامی است نسبت کلی و مصداق کامل دارد به این معنی که آنچه ما درسایر اصول قانون اساسی آورده‌ایم اظهارنظر کرده‌ایم که‌با اصول کلی اسلام مطابقت دارد، دراین موردمتخصصان دیگر هم میتوانند اظهار نظر کنند که آیا واقعاً با آن جنبه‌های کلی که‌اسلام میگوید تطبیق‌میکند یا خیر ، اما آنجا که مربوط به‌متن احکام باشد ، مثلا در مسائل مربوط به کشور میگوئیم رأی اکثریت نمایندگان ملاك تصمیم‌گیری دولت باشد واین یک‌اصل کلی است که‌ما از اسلام فهمیده‌ایم وبا قانون اسلام هم مغایرت ندارد واما تشخیص اینکه این اکثریت آیانصف بعلاوه یک یا دوسوم اکثریت مناسب است ، این مربوط به‌آشنائی با خصوصیات مورد نظراست که تصمیم در بارهٔ این قسمت را بعهده اکثریت کل شورای نگهبان میگذاریم ولی تصمیم دربارهٔ آن چیزهائی که‌مربوط به‌متن احکام است بعهده فقهای شورای نگهبان‌گذاشته‌می‌شود.

(منتظری — اگر کلمه «انطباق» را بیاوریم بنظرم اصلح باشد.) آنوقت باید این کلمه‌راتکرار کنیم. بنابراین همین رابه‌رای میگذاریم لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی‌ببرید. (مکارم‌شیرازی— درآن اصل «و» را اصلاح فرمودید و کلمه «فقها» باید «فقهای» باشد .) بلی «و» تبدیل به«ی» شد وآن را هم «فقهای» کردیم یعنی اصلا غلط‌چاپی‌بوده است ، «فقهای» بوده است و«و» خوانده‌اند . بنابراین اصل ۵۷ را بااصلاحاتی که شد یکبار دیگر می‌خوانم ورأی می‌گیریم:

اصل ۵۷ (اصل هفتاد ودوم) — مجلس شورای ملی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول مذهب رسمی کشوریاقانون اساسی مغایرت داشته باشد . تشخیص این امر ازنظر اسلام با اکثریت فقهای شورای‌نگهبان واز نظر قانون اساسی با اکثریت همه اعضای آن است.

(اخذ رأی بعمل آمد ونتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذرأی شصت وپنج نفر ، شمارهٔآراء شصت‌و پنج رأی ، موافق پنجاه وهشت نفر، مخالف یک‌نفر، ممتنع شش‌نفر، بنابراین تصویب شد تکبیر. (حضارسه مرتبه‌تکبیر گفتند)

۳ — طرح و تصویب اصل ۵۸ (اصل هشتاد و چهارم)

نایب‌رئیس — اصل ۵۸ مطرح است که میخوانم:

اصل ۵۸ — هرنماینده دربرابر تمام ملت مسئول است وحق‌دارد درتمام مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

نایب‌رئیس — برای اینکه‌این مطلب برای کسانی که‌درجلسات بحث نبودند روشن‌بشود تذکرداده‌میشود که‌روح این‌اصل‌برای کسانی که‌درخارج‌جلسه هم‌هستند یادآوری‌باشد، ونیزاز آنجاکه‌برمبنای اسلام هر فرد مسلمان نسبت به‌مسائل مربوط به‌همهٔ امت مسئولیت دارد، نمایندهٔ یک محل از طرف آنها نسبت به‌همه مسئولیتها نمایندگی دارد وحامل مسئولیت یک یک‌موکلین‌خود هست. این اصل براین اساس تنظیم شده که نمایندهٔ مناطق، فقط خودشان را مسئول منطقه خودشان ندانند بنابراین هر نماینده در مجلس نسبت به همگان مسئولیت عام دارد که‌این مسئولیت را از موکلین خود برعهده گرفته است.

« هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است وحق دارد در تمام مسائل داخلی وخارجی کشور اظهار نظر نماید. » پیشنهاد شده است که «تمام» اولی بشود « همه». آقای مقدم‌مراغه بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — نمایندگان مجلس شورای ملی یا همه نمایندگان ؟

نایب‌رئیس — این معلوم است که وقتی‌گفتیم نماینده، شامل همه‌میشود، وچون کلمه «تمام» دومرتبه تکرارشده است «تمام» دوم را میگذاریم «همه».

کیاوش — ذکر شود نمایندهٔ مجلس شورای ملی.

نایب‌رئیس — معلوم است که نمایندهٔ مجلس شورای‌ملی‌است. آقای‌فاتحی‌نظری‌دارید؟

فاتحی — بطوریکه از اصل مستفاد میشود به‌تمام‌نمایندگان داخلی‌وخارجی اجازه داده است که‌درهمهٔ امور اظهارنظرکنند، این از نظر اسلام صحیح نیست زیرا کسی که در اموری تخصصی ندارد ووارد نیست نباید اظهار نظر بکند مگر در اموری که‌واقعاً تخصص داشته‌باشد مجاز است.

نایب‌رئیس — آقای فاتحی پیدا است که این‌تأمین جهت آن عمومات هم از خود آن موضوع معلوم میشود مثلا کسی که‌نماینده یک منطقه‌ای است به‌اونمی‌گویند شما فقط‌درباره آن منطقه حرف بزنید.

فاتحی — پس بطور کلی روشن نیست.

نایب‌رئیس — بنده میگویم اصلا اینجاتخصص مطرح نیست جهت‌عموم از خودعبارت فهمیده میشود، آقای کریمی.

کریمی — منظور ازاین اصل‌این است که هرنماینده‌ای در مجلس شورای‌ملی حق‌دارد در تمام مسائل داخلی‌وخارجی اظهار نظر نماید،این اطلاقش‌آنجا می‌آید که یک‌نماینده‌ای، دربارهٔفرمانداری یا استانداری یا بخشداری حق اظهار نظر ندارد ونمی‌تواند دخالت بکند.

نایب‌رئیس — خیرآقا می‌تواند اظهار نظر بکند ولی حق دخالت ندارد، ملاحظه‌بفرمائید آنجا دخالت نمیکند درجای خودش دخالت میکند. مردم برجریان امور دولت ناظر هستند این نماینده درمواردی که خود مردم این کاررا انجام ندهند یا صحیح نباشد مستقیماً انجام بدهند

بجای آنها انجام میدهد.

کریمی— نماینده حق بازرسی ندارد و فقط حق اظهار نظر دارد و چون وکیل است میتواند اظهار نظر بکند. (مکارم شیرازی — آن درمجلس است که حق دارد.)

نایب‌رئیس — خیرآقا فقط درمجلس نیست در بیرون هم میتواند نظر خودش را اظهار بکند ما میخواهیم بگوئیم مجلس شورای ملی یکی از مظاهر ملت برجریان امور است.(مکارم شیرازی — مگر سایر مردم نمی‌توانند اظهار نظر بکنند؟)

نبوی — حق اظهار نظر ، حق مداخله دراسرهم هست آیا همه افراد می‌توانند درتمام امور مثلا در موارد نظامی و امور سری هم مداخله بکنند؟

نایب رئیس — اصولا حق اظهار نظر مستلزم حق مداخله نیست در مورد آن چیزهائی که جزو اسرار نظامی است نمیتواند مداخله کند ولی میتواند اظهار نظربکند که مثلا بگوید ازنظر من امور این پادگان خوب اداره نمیشود، آقای عرب بفرمائید.

عرب — بنده میخواستم عرض کنم همانطوریکه هرنماینده‌ای دربرابر تمام ملت مسئول است تمام ملت هم ازنظرحمایت ازنماینده دربرابر هرنماینده‌ای مسئول هستند. پس تنهامردم یک منطقه مستلزم این نیستند که تمام مشکلات خودشان را به‌نمایندهٔشان بگویند، منتها میتوانند به‌آن نماینده‌ای بگویند که ازنظر تخصص اولویت دارد.

نایب رئیس— آنجا فهمیده میشود، بنظر نمیرسد که اشکالی داشته باشد. آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — تذکر بنده درمورد بعضی از برادران است که‌گاهی مطالبی را میفرمایند که اسلام‌چنین‌نمیگوید. خلاصه با جوی که‌دربیرون وجوددارد وحاکی است که‌تمام مطالب‌مجلس را میشنوند و می‌بینند، دقت بفرمائید که‌گفتار بنده‌ای که کاملا از اسلام اطلاع ندارم که‌اسلام اینطورمیگوید یا نمیگوید و همه میتوانند اظهارنظر بکنند خواهش میکنم این مورد را تذکر بدهید که بعضی ازبرادران بنام اسلام چیزی نگویندبلکه بگویندنظرخود بنده این‌است که‌افراد نباید نظارت بکنند وچون این موضوع ازنظر اسلام درست نیست باعث ازبین رفتن آبروی همه ما است، مخصوصاً که‌روزی ایشان فرمودند که‌دراسلام اجازه حزب نمی‌دهند ما چقدر دربیرون ازمجلس باید پدرمان دربیاید و آقایان دانشمندان کوشش بکنند تا این را از دامنمان پاك کنند که این را اسلام نگفته و بندهٔ کم سوادگفته‌ام .

فاتحی — من بارها عرض کرده‌ام که این نظر شخصی من است وهمیشه‌گفته‌ام این حزب، حزب خدا است و درمقابلش حزب شیطان است.

دکتربهشتی — دربرابر این سؤالات بنده پاسخ میدهم نمایندگان محترم توجه دارند که ما در مسیری هستیم که میخواهیم به‌خواست خداوند درمیان مردم و همهٔ افراد وگروهها و سازمانهائی که مردم مسئولیتی‌بردوش آنها نهاده‌اند پرده‌ها بالا زده شود و ما و مردم مثل همیشه همان‌طوریکه در زندگی عادیمان‌هم اینطور هستیم در رابطه نزدیك وصمیمی قرار داشته باشیم. خودتان توجه دارید مطالبی که اینجاگفته میشود منعکس کنندهٔ این‌است که منتخبین مردم با طرز فکرهای مختلف وبا برداشتهای مختلف دورهم می‌نشینند و هرکسی نظرش را می‌گوید. آقای بشارت، اگربنام اسلام و بنام آزادی وبنام حقوق و اقتصاد مطلبی گفته میشود معلوم است که این نظرشخصی آن شخص در اقتصاد است والا یک اقتصاددان

دیگرهم ممکن است‌بیاید وبگوید ازنظر اقتصادی مطلب جور دیگراست وحرف مقابلش رابزند. بگذارید مردم و خود ما کم کم عادت کنیم که فضا را برای اظهارنظر مطالبمان باز بگذاریم چون بعضی سوء تفاهمها ممکن است پیش بیاید که بنده‌گمان میکنم با باز نگهداشتن فضا در آینده بهتر قابل حل باشد . البته درست است در این حالت خاصی که هستیم سوء تفاهم و سوءتعبیرزود پیش می‌آید، وخیلی زود برخورد ورنجش پیدا می‌شود، بلی این‌برخوردها لوازم این مرحله است که امیدوارم این مرحله رابا سلامت وخوبی بگذرانیم و درپایان (انشاءالله) بتوانیم یک قانون اساسی اصیل اسلامی وجامع و مترقی‌و پیشرفته تحویل جامعه و ملت بدهیم، آنوقت همه این حرفها ازبین می‌رود. آقای هاشمی نژاد سؤالی دارید بفرمائید .

هاشمی نژاد — افرادی که درمملکت هستند وقتی به‌عنوان نماینده انتخاب میشوند، معنایش این است که علاوه بروظیفه‌ای که فردفرد افراد دارند یک مسئولیت دیگری را این شخص پذیرفته است ولو ازیک منطقهٔ خاصی انتخاب شده باشد اما چون شغل او در رابطه‌با کارکلی کشور ارتباط دارد بنابراین بطوریکه‌یکی از برادران هم‌گفتند نیازی نیست که‌اظهار نظرش‌حتماًدرمجلس‌چنین‌بوده باشد زیرا از مجلس که بیرون‌آمد مثل‌افراد دیگر یک فردعادی است وهمان مسئولیت‌عمومی را دارد ولی این اظهارنظر راهم بایدبکند چون یک مسئولیت خاصی به‌او داده‌ایم و اوهم پذیرفته است بنابراین معنی‌ندارد که این حق را از اوسلب‌بکنیم.

نایب‌رئیس — ماهم این حق را سلب نمیکنیم. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — عرض بنده این است که ما اینها را سه مرتبه بررسی کرده‌ایم حالا اگر دیدیم اشتباهاتی وجود دارد باید یادآوری بکنیم همانطورکه گفتیم دراین اصل عبارت نارسا است زیرا وقتی میگوئیم دربرابرهمهٔ ملت مسئول است حق دارد اظهارنظربکند امامیدانیم حق بیان ونظر مربوطبه‌تمام مردم اعم از نماینده و غیر نماینده است نه‌اینکه چون نماینده است ودرمقابل همهٔ مردم حق اظهار نظردارد چنین حقی به‌او داده‌اند بنابراین باید این عبارت را یک طوری اصلاح بفرمائید.

نایب‌رئیس — بنده توضیح میدهم که دراینجا اظهارنظر یک نماینده مانند اظهار نظر یک مقام مسئول است مثلا اظهارنظری که درمجلس می‌کند دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای است . آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنده همانطورکه آقای مکارم شیرازی فرمودند معتقدم که این عبارت نارسا است وپیشنهادی هم تقدیم کرده‌ام که اگرممکن است قرائت بفرمائید.

نایب‌رئیس — بسیارخوب، آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — به‌عقیده بنده این عبارت صحیح است زیرا که نتیجه وثمرهٔ آن درست است.

نایب‌رئیس — بسیارخوب پس شما تأیید میفرمائید که صحیح است ولی اینکه فرمودند پیشنهادها رابخوانیم، اگر پیشنهادی است که در جلسهٔ قبل نداده‌اید اشکالی‌ندارد والا اگر بناباشد همان‌مطالب صبح تکرار بشود که نقض غرض است.

مقدم‌مراغه‌ای ـ به‌سبب مذاکراتی که انجام شد باید خدمتتان عرض کنم که وظیفهٔ نمایندگی فقط اظهار نظر نیست زیرا اینجا نوشته‌شده «هرنماینده دربرابر تمام ملت مسئول‌است» نمایندگانی که ازطرف ملت انتخاب میشوند یک وظیفه‌ای دارند که به‌آنها واگذار میشود ما میخواهیم بگوئیم که نمایندگان تنها نمایندهٔ انتخابی حوزهٔ خودشان نیستند بلکه از طرف

قاطبهٔ ملت ایران نمایندگی دارند، من درپیشنهادی که خدمتتان دادم این مطلب را نوشتم که اگر صلاح بدانید قرائت بفرمائید.

نایب رئیس — من مایلم که بخوانم ولی مایل نیستم ازنظمی که خود شمابرای‌ادارهٔ کار جلسه تعیین فرموده‌اید عدول کنم و کار خودسرانه‌ای انجام بدهم، سؤال بنده این‌است که آیا شما اینها را درجلسهٔ صبح گفته‌اید یاخیر؟(مقدم مراغه‌ای — خیرنگفته‌ام) اگر این مطلب را درجلسهٔگروه مشترك نگفته‌اید من پیشنهادتان را قرائت میکنم ایشان نوشته‌اند «نمایندگان‌مجلس شورای‌ملی درانجام وظایف نمایندگی، نمایندگان قاطبه ملت ایران میباشند.» آقای غفوری بفرمائید.

دکترغفوری — بنده پیشنهادی خدمتتان فرستاده‌ام که فکرمیکنم مفید باشد «براساس مسئولیت نمایندگی اظهار نظر کند».

نایب‌رئیس — آقای دکترشیبانی بفرمائید.

دکترشیبانی — آقای غفوری درکمیسیون تشریف داشتند بنابراین بایستی پیشنهاداتشان را درکمیسیون مطرح میفرمودند که درکمیسیون رسیدگی شود و جناب آقای مراغه‌ای هم‌صبح درحدود یکساعت دیرتشریف آوردند ، بهتر بود ایشان‌هم صبح بموقع تشریف می‌آوردند ودر کمیسیون پیشنهادشان را مطرح میکردند. نظراکثر نمایندگان براینست که همان پیشنهاداولیه مطرح و رأی‌گیری شود.

نایب‌رئیس — بنابراین متن را برای رأی‌گیری قرائت میکنم:

اصل ۸۵ (اصل هشتاد و چهارم)— هرنماینده در برابر تمام ملت مسئول است وحق دارد درهمهٔ مسائل داخلی وخارجی کشور اظهارنظرنماید.

(دراین هنگام رأی‌گیری بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر قرائت شد)

نایب‌رئیس— عده حاضردرجلسه شصت وهفت نفر،تعداد کل آراء شصت وهفت‌رأی، شمارهٔ موافقین شصت نفر، مخالف دونفر، ممتنع پنج نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر.(حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند)

٤ — طرح و تصویب اصل ٦٠ (اصل هفتاد و سوم)

نایب رئیس — آقای موسوی بفرمائید.

موسوی تبریزی — اصل ۵۹ درکمیسیون بررسی نشده است،اگر آقایان موافقت‌میفرمایند اصول ٦٠ و٦١ مورد بررسی قرارگیرد واصل ۵۹ برای بعد بماند.

نایب‌رئیس— بسیار خوب، اشکالی ندارد . بنابراین اصول ٦٠ و٦١ را بررسی می کنیم و آخر جلسه رابه‌اصل۵۹ اختصاص میدهیم . اصل ٦٠ را قرائت میکنم :

اصل ٦٠ (اصل هفتاد و سوم) — شرح وتفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس‌شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری نیست که دادرسان درمقام تمیزحق از قوانین‌میکنند.

مفاد این اصل روشن است چون قاضی قانون را فقط برمصادیقش تطبیق میکند که در شأن قاضی است ولی در اینجا قصد اینست که‌تفسیری کلی برای قانون بشود که‌در شأن مجلس شورای ملی است . سؤالی نیست؟ (اظهاری نشد) بنابراین به‌این اصل با ورقه رأی می‌گیریم . (دراین هنگام اخذ رأی بعمل آمد ونتیجه بشرح زیر قرائت شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت وهفت نفر، تعدادآراءشصت وهفت رأی ، موافق پنجاه وهفت‌نفر، مخالف دونفر، ممتنع هشت‌نفر ، تصویب شد، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند)

۵ — طرح و تصویب اصل ۶۱ (اصل هفتاد و چهارم)

نایب‌رئیس — اصل ۶۱ را می‌خوانم :

اصل ۶۱ — لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به‌مجلس تقدیم میشودطرحهای قانونی نیز به‌پیشنهاد حداقل پانزده نفر ازنمایندگان در مجلس شورای‌ملی قابل‌طرح است.

درمورد این اصل جهت آقایان توضیح کافی داده شده است وبرای اینکه دیگران هم‌به محتوا ومفاد اصل بیشتر آشنائی حاصل کنند توضیح میدهم. آنچه که از طرف دولت پیشنهاد میشود ومجلس باید آنها را تصویب ویا اظهار نظر ویارد کند ،اصطلاحاً به‌آن لایحه‌میگویندو آن چیزی که خود مجلس وکمیسیونها ونمایندگان تهیه‌میکنند، اصطلاحاً به‌آن طرح گفته میشود. اینست که در این اصل‌گفته شده است، آنچه‌در مجلس طرح میشود یاباید‌لایحهٔ‌قانونی باشد که از طرف دولت پس از تصویب هیأت وزیران به‌مجلس بیاید ودر مجلس‌مورداظهار نظر وبررسی ورأی قرار بگیرد ویاباید حداقل پانزده نفر از نمایندگان طرحی را پیشنهاد کنند و یکنفر یا دونفر از نمایندگان حق‌پیشنهادطرح ندارند . برای اینکه اگر طرحی‌طرفدار دارد باید سعی شود قبل از اینکه به‌مجلس بیاید پانزده نفر طرفدار برایش پیدا شود که وقت مجلس بی‌جهت‌گرفته‌نشود. آقای‌قرشی بفرمائید.

قرشی — رأی‌بگیرید .

نایب رئیس — آقای طاهری خرم‌آبادی.

طاهری خرم‌آبادی — درگروه شش راجع به‌قوه‌قضائیه اینطور تصویب شدکه‌ما وزیر دادگستری نداشته باشیم و نمایندهٔ قوه قضائیه مستقلا لوایحی را که تنظیم میکندتقدیم‌مجلس کند. بنابراین اگر اینطور تصویب‌شود برای آن مسأله در اینجا پیش‌بینی نشده است

نایب‌رئیس — به‌هر حال بایددر رابطه بامجلس، مسیرهای مشخصی پیش‌بینی‌شود . زیرا ممکن است در آینده گفته‌شود لایحه را قوهٔ قضائیه تهیه میکند ولی ازطریق دولت یا از طریق کمیسیون دادگستری به‌مجلس می‌دهد که‌در اینصورت مسأله تمام است.

طاهری خرم‌آبادی— در آنجا اینطور پیش‌بینی شده است که نماینده‌ای از طرف‌شورای عالی قضائی مستقیماً با مجلس در ارتباط باشد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید چون این اصول بایکدیگر مرتبط‌هستند ، چه‌فرق میکند از این طرف چیزی اضافه‌شود وبعدناچار شوید کم کنید. بنابراین اگر چیزی کم‌بودبعداًمیتوان اضافه کرد ، اینست که‌بهتر است کارمان پیش‌برود واین اصلاحات در پایان‌انجام گیرد که وقت هم‌گرفته نشود . آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — من یک‌اصلاح عبارتی دارم، در سطردوم بجای«نیز به» ، «با»گذاشته شود ، چون دوموضوع جدا است . موضوع این است که مطالب چطور در مجلس عنوان شود، یابصورت لایحهٔ قانونی است یا طرح قانونی که‌اینها دومسأله از هم‌جدا هستند بنابراین«نیزبه» زائد است وبهتر است‌بجایش «با» گذاشته شود .

نایب‌رئیس— متشکرم. این کلمه «نیز» ازاین‌نظراست که در هردومورد یک مسأله کلی هست و چیزی تقدیم مجلس میشود و اشکالی هم بوجود نمی‌آورد.

منتظری — اگر بنویسیم «و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان» بهتر است.

نایب رئیس — بلی به نظر می‌آید تذکر آقای منتظری نقطه نظر آقای مراغه‌ای را هم تأمین میکند و اشکالی هم بوجود نمی‌آید و آن اینست که اینطور نوشته شود : «لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران بـه مجلس تقدیم میشود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان درمجلس شورای ملی قابل طرح است.» البته باید تذکر بدهم که چندین‌بار خدمت دوستان گفته شده است که این قبیل اصلاحات لفظی که در محتوا هیچگونه تأثیری ندارد بهتر است برای پایان کار باشد، چون ما ناچاریم یکبار دیگر کل این اصول را از نظر الفاظ‌باتمرکز بیشتر رسیدگی کنیم. بنابراین متشکر میشویم که اگر چیزی از این‌قبیل هست کتباً مرقوم بفرمایند که درآنموقع بررسی شود. پس این اصل را به همین صورت اصلاح‌میکنیم و یک «و» به‌جای خط تیره می‌آوریم و «نیز» را حذف میکنیم و اصل به این ترتیب به رأی گذاشته میشود:

اصل ۹۶ (اصل هفتاد و چهارم) — لوایح قانونی پس‌ازتصویب هیأت وزیران به‌مجلس تقدیم‌میشود وطرحهای‌قانونی به‌پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان درمجلس‌شورای‌ملی قابل طرح است.

(در این هنگام اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر قرائت شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگـام اخـذ رأی شصت و هفت نفر ، شمارهٔ آراء شصت و هفت رأی، موافق شصت و چهار نفر، مخالف ندارد، ممتنع سه نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

یزدی — قبل از اینکه اصل بعدی را مطرح بفرمائید، اصل مربوط به مذاکرات مجلس و اصل مربوط به مرزها به‌دلیل اینکه هر دو اصل صبح امروز کاملا بررسی شده و آقایان هم آماده هستند به نظر میرسد مقدم بر این اصل باشد که میخواهید مطرح بفرمائید، بنابراین اگر صلاح میدانید این دو اصل را مطرح بفرمائید.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید ، تا اصل ۹۵ بررسی میشود آن دو اصل را هم خواهند آورد آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — عدهٔ زیادی از دوستان تلفن کردند و تماس گرفتند که این مقدار وقتی که مانده است و شاید کمبود وقتی که آقایان را تهدید میکند سبب تسریع درکار شده است و نگران بودند که نکند این سرعت به صحت ضربه بزند. اینست که اگر ممکن است یک تذکری بفرمائید که اولا این سرعت به صحت ضربه نمیزند، مضافاً به اینکه در اصولی که زیاد بحث میشد به اعتبار کلی بودن بود و این اصول که حالا مطرح است بحث‌انگیز نیست.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید برای چندمین‌بار این مطلب را به اطلاع ملت انقلابی مسلمان‌عزیزایران برسانیم که اولا برای‌ااین رویه‌ای که تا اینجا به‌آن رسیده‌ایم نشان‌دهنده یک واقعیت است و آن اینست کـه چـون این نـوع کـار ، یک نوع کار تازه بوده است ناچار بودیم شیوه‌های کار دسته‌جمعی را یک یک آزمایش کنیم تا به شیوه بهتر برسیم و این طبیعت

تکامل در طرز کار است و چرا ما از آنچه مقتضای طبیعت و پیشرفت و تکامل در شیوهٔ کار است نگران باشیم. نمایندگان شما در این مجلس در طول این مدت که حدود چهل روز بیشترنیست، شیوه‌های مختلف را تجربه کردند و آخرین شیوه نسبت به شیوه‌های قبلی موفقیت‌آمیز تر بوده و این یک نقطه مثبت وقوت کار است. به همین دلیل حالا کار سرعت بیشتری دارداز این گذشته چون نمایندگان در طول این مدت با یکدیگر روی مسائل زیاد بحث کرده‌اندتفاهمشان آسانتر شده است که اینهم یک امر طبیعی است. اینرا هم عرض کنم که اگرگاهی در جلسه گفتگوهای چندجانبه پیش می‌آید شاید برای مردم ما که سالهاست در جلسات قانونگذاری نبوده‌اند یک امر عجیبی باشد، ولی برای نسل ما که جلسات قانونگذاری نسبتاً آزاد سالهای یکهزار و سیصد و سی و یک و یکهزار و سیصد و سی و دو را از نزدیک دیده است یعنی به‌عنوان تماشاگر جلسات آنموقع را میدیدیم مسأله عادی است زیرا در آنموقع جنجالها با عده بیشتری و حتی بر سر یک مسأله جزئی پیش می‌آمد البته کاملتر و بهتر اینست که حتی‌الامکان جو جلسه آرام باشد و اظهارنظرها آرام صورت بگیرد ولی همهٔ ما طبیعت انسانی داریم و گاهی در طبیعت انسانی این هیجانها پیش می‌آید که نباید برای هیچکس نگران کننده باشد. بنابراین نه آن هیجانها نگران کننده باید باشد و نه اتخاذ یک شیوهٔ بهتر و سرعت بردارتر، چرا که میتوانیم در عین دقت و رسیدگی، اصول بیشتری را هر روز بررسی و تصویب کنیم . از این گذشته نکته‌ای را که برادرمان آقای پرورش تذکر دادند نکته بجائی است زیرا اصول، مختلف است و روی بعضی از اصول واقعاً اختلاف‌نظرزیاد است ولی بعضی از اصول‌سرراست‌تر است ورویش‌سریعتر توافق حاصل میشود .

دکتر قائمی — همانطورکه مستحضر هستید دیروز هم برای سرعت درکار به جناب‌آقای منتظری‌پیشنهاد شده بود این‌مسأله به‌رأی‌گذاشته شود که فعلا نطق‌های قبل از دستور حذف شود و جناب آقای منتظری فرمودند این جلسه هم مثل گذشته ادامه یابد و برای روزهای بعدتصمیم گرفته شود . من‌فکرمیکنم وقت اتخاذ تصمیم الان باشد .

نایب‌رئیس — بسیار خوب ولی اتخاذ تصمیم را به بعد از بررسی اصل ۹۰ موکول می‌کنیم.

۶ — طرح و تصویب اصل ۹۰ (اصل هشتاد و پنجم)

نایب‌رئیس — اصل ۹۰ مطرح است که‌قرائت می‌کنم:

اصل ۹۰ — سمت‌نمایندگی قائم به‌شخص است وقابل واگذاری به‌دیگری نیست مجلس نمیتواند اختیار قانونگذاری را به‌شخص یا هیأتی واگذارکند، ولی در موارد ضروری میتواند اختیار وضع بعضی ازقوانین‌را به‌کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در اینصورت این قوانین در مدتی که‌مجلس تعیین‌می‌نماید بصورت آزمایشی بارعایت اصل پنجاه وهفتم اجرا می‌شود وتصویب نهائی آنها بامجلس‌خواهد بود .

نایب‌رئیس — بنده برای دوستانی که صبح نبودند این توضیح را میدهم که‌وقتی‌مردم کسی را به‌عنوان نماینده انتخاب‌میکنند وکیل‌مردم هست ولی وکیل درتوکیل‌نمیتواندباشد یعنی نمیتواند سمت نمایندگی را به دیگری واگذار کندبنابراین باید خودش در قانونگذاری شرکت کند، لهذا وقتیکه همهٔ نمایندگان باید مستقیماً در قانونگذاری شرکت کنند پس‌دیگر

اختیار قانونگذاری را به یک شخص یا یک هیأت نمی‌توانند واگذار کنند ، کمیسیونها هم معمولا مسئول بررسی وتهیه‌گزارش هستند نه‌مسئول تصویب قانون، بنابراین حتی کمیسیونهای داخلی مجلس هم حق تصویب قانون را ندارند ولی‌گاهی لایحه‌ای یا طرحی به‌مجلس عرضه میشود که‌مناسب است برای مدت کوتاهی بطور محدود یاغیرمحدود بصورت آزمایشی برای مدت معین به‌اجرا در بیاید ومجلس طبق آن تصمیم نهائی را بگیرد چون این سابقهٔ‌تجربی در زندگی اجتماعی و قانونگذاری وجود دارد اینست که میگوئیم «ولی در موارد ضروری مجلس میتواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی بدهد ودراینصورت این قوانین درمدتی که‌مجلس در خود آن اختیاری که میدهد باید تعیین کند»چون‌گاهی بدون مدت بوده‌و فاجعه‌ها به‌بار آمده‌است بنابراین بصورت آزمایشی انجام میشودولی بارعایت‌اصل پنجاه‌وهفتم که مخالف با قوانین اسلام نباشد چون یک‌روز هم نمیشود یک قانونی را اجرا کرد که مخالف با قانون اسلام باشد وتصمیم نهائی آن هم بامجلس است. این‌توضیح را برای کسانیکه‌درجلسهٔ گروه‌ها نبودند عرض کردم . خوب در این باره مثل‌اینکه دوستان اسم نوشته‌اند آقای بنی‌صدر فرمایشی دارید ؟

بنی‌صدر — میخواستم بگویم در آخرسطر چهارم بجای «شصت‌وشش»بایدنوشته شود «پنجاه وهفت».

نایب‌رئیس — بلی قبلا شصت وشش بوده و حالا پنجاه وهفت شده‌است. آقای‌خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — من باتوجه به‌تمام صحبت‌هائی که کرده‌اید این تفویض را که‌معارض‌با قسمت اول است صحیح نمیدانم یعنی بازتوکیل‌است ومحظوری که در مقررات آزمایشی‌بوده است به‌علت وقت‌کم بوده ، به‌هر حال به‌هر صورتی که‌باشد نباید به‌کمیسیونها اختیار وضع قانون داده شود چون وضع‌قانون معنایش تصویب قانون است . کمیسیونها بایدگزارششان‌رابه مجلس‌بدهند وپس از تصویب مجلس آن را بطور موقت وآزمایشی به‌اجرا بگذارند این چیز عادی است ومجلس آنرا رسیدگی وتصویب‌میکند نه‌اینکه دست کمیسیونها را باز بگذاریم و کمسیونها برای اولین باردر دنیا قوه مقننه هم بشوند.

نایب‌رئیس — متشکرم البته عرض میکنم این‌بار اول نیست وسابقه دارد ثانیاًوقتی در قانون اساسی ما این‌اصل را نوشتیم وکالتی که‌مردم ، یعنی انتخاب کنندگان به نمایندگان میدهند در چهارچوب قانون اساسی هست. بنابراین، اول این‌مشکل حل‌میشود وراجع به‌اینکه فرمودید به‌مجلس بیاورند عنایت بفرمائید کار جلسهٔ عمومی مجلس نباید آنقدرسنگین‌شود که رسیدگی به‌لوایح وطرحها شش‌ماه یا هشت‌ماه به عقب بیفتد این کار هم پرخسارت است وهم رویهم رفته امکان اینکه جلسهٔ‌عمومی فرصت کافی‌برای‌رسیدگی به‌لوایح وطرحها،عزل‌ونصب‌ها در سطح وزرا و مسائل‌مملکتی داشته باشد بیشتر به‌سود مملکت است تا اینکه یک‌طرح آزمایشی بدون تصویب مجلس اجرا شده باشد ، بنظر گروه ما اینطور آمده است.

خامنه‌ای — بطور مثال در مورد نظامنامهٔ ما که شورای موقت به‌کمیسیونی آزادی‌داده بود توجه داشتید که‌محظور پیش آمد وباعث اشکال شد .

نایب‌رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی‌تبریزی — اینکه‌فرمودید ملت وکیل‌گرفته وکیل در توکیل نیست، خوب در

مواقع ضرور باید وکالت باطل شود نه‌اینکه وکالت را بدهیم به کمیسیون که او این کار را بکند، این ازنقطه نظر شرعی‌است واما از نقطه نظرسیاسی اگر وکلا این‌اختیار را داشته باشند که‌هنگام ضرورت این اختیار را به کمیسیونها بدهند که‌آنها داروئی را برای‌آزمایش تصویب بکنند، نه‌اینکه خطمشی اسلام درسیاست واقتصاد مبهم است‌وابهامش هم از این نظر است که تابه‌حال روشن نشده است‌پس به‌لطایف‌الحیل ممکن است از این قانون چه‌از نظر اقتصادی‌وچه ازنظر سیاسی سوء استفاده‌هائی بشود.

نایب رئیس — متشکرم آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — در اینجا نوشته شده است «به شخصی یا هیأتی واگذارکند» منظور از این شخص یا هیأت غیر از نمایندگان است؟

نایب رئیس — بلی البته این از سنت‌های سیئه است که مجالس مقننه گاهی اوقات مسائلی راکه حتی در حد قانون بوده است اظهارنظرش را به دولتها واگذارکرده‌اند که به‌شکل تصویب‌نامه عمل کنند، اینست که میخواهیم جلوی این قبیل اعمال گرفته شود.

قرشی — کلمه «غیر از نمایندگان» بگذاریم بهتر نیست؟

نایب رئیس — آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکترآیت— من معتقدم مدتی‌راکه کمیسیون‌ها حق وضع قانون دارند باید مشخص‌شود یعنی بنویسیم در مدت معینی نه اینکه بگوئیم کمیسیون تا آخر دوره میتواند قانون وضع بکند.

نایب رئیس — خود مجلس وقتیکه میخواهد به کمیسیون اختیار بدهد موظف است متناسب با موضوع مدت آنرا هم معین کند.

دکتر آیت — در اینجا آمده است ولی مدتی که کمیسیون حق قانونگذاری دارد ذکر نشده است مثلا باید ذکر شود که شش ماه یا دو ماه حق این کار را دارد نه تا آخر دوره.

نایب رئیس — کم‌لطفی میفرمائید. عنایت بفرمائید ما میگوئیم کمیسیون باید در هر موردی مجوز بگیرد مثلا میگویند در این مورد حق داری تصمیمی بگیری ولی محدود، پس مورد دارد وکلی نیست و باید مشخص شود.

دکتر آیت — پس موردش باید مشخص شود.

نایب رئیس — آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — در حکم قانون یا حکم شرع قلت وکثرت تأثیری ندارد، همچنین وکیل حق توکیل ندارد فرق نمیکند که برای یک دفعه باشد یا برای صددفعه و اما اینکه آقای دکتر بهشتی فرمودند که‌درچهارچوب قانون اساسی مردم به‌وکلا رأی‌داده‌اند این‌حرف صحیح نیست زیرا صدی نود مردم از قانون اساسی اطلاعی ندارند.

نایب رئیس — متشکرم، البته وظیفه وکلا است که وقتی‌نطق انتخاباتی میکنند لااقل این قسمت‌های قانون اساسی راکه حساس است به موکلین‌شان بگویند. آقای فاتحی‌بفرمائید.

فاتحی — در موارد ضروری که اختیار تصویب بعضی از قوانین به بعضی ازکمیسیونها داده میشود اگر مجلس رسمیت داشت و شورای نگهبان بررسی میکرد که قوانینش مطابق با شرع باشد اشکالی نداشت اما چون احتمال دارد که از نظر شورای نگهبان نگذرد ، لذا قید «با تأیید شورای نگهبان» در اینجا بیاید بهتر است.

نایب رئیس — نوشته‌ایم با رعایت اصل پنجاه و هفتم که اگر اصل پنجاه و هفتم را

بخوانید این مطلب آنجا هست. آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — اینکه ایشان فرمودند برای اولین بار در دنیا ما این کار را کرده‌ایم اینطور نیست در قوانین دیگر دنیا حتی به قوهٔ مجریه اختیارات فوق‌العاده‌ای داده‌اند که اصل شانزدهم قانون اساسی فرانسه که مربوط به اختیارات رئیس جمهور است نمونه آنست. (یکی از نمایندگان — به کمیسیون کسی اختیار نداده است.) حالا ما آمده‌ایم اختیاراتی را از قوهٔ مجریه گرفته‌ایم و داده‌ایم به مجلس که تالی فاسدش خیلی کمتر باشد والا باید می‌دادیم به مقام دیگری که آنوقت هر چه را تصویب میکرد به اجرا میگذاشت.

نایب رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — اینکه اختیار وضع قوانین را به کمیسیونها بدهیم این وکیل در توکیل نیست تا با صدر این اصل منافات پیدا کند این از قبیل کار تصویبی است گاهی وکیل کار مباشری دارد گاهی کار تصویبی دارد و گاهی کمیسیونها را متخصص‌تر و واردتر می‌بینیم و به آنها اختیار میدهیم تا خودشان هم نظارت بکنند.

نایب رئیس — مشابه اصطلاحی نداریم بیرون خدمتتان توضیح میدهیم که این هم مصداق آن است ولی محدود است.

سبحانی — وکیل در توکیل نیست از اول جنابعالی چنین معنا کردید که همه خیال کردند وکیل در توکیل است، این ازقبیل کارهای تصویبی است. وکیل در توکیل یعنی به کسی میگویند که تو وکیل هستی، خداحافظ.

نایب رئیس — آقای سبحانی حالا که اصرار دارید توضیحش را گوش بدهید. (نمایندگان — احتیاج به توضیح ندارد رأی بگیرید.) آقایان میگویند توضیح این رابنده بیرون خدمتتان عرض بکنم پس اجازه بفرمائید من متن را برای اعلام رأی میخوانم:

اصل ۵۹ (اصل هشتاد و پنجم) — سمت نمایندگی قائم به شخص است وقابل واگذاری به دیگری نیست مجلس نمیتواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی درموارد ضروری میتواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند، در اینصورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید بصورت آزمایشی با رعایت اصل ۵۷ اجرا میشود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود.

گلدانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد ونتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نمایندگان حاضر در جلسه شصت وهفت نفر، آراء موجود درگلدان شصت وهشت رأی، یک رأی باطل شد، موافقین ۵۲ نفر، مخالف دو نفر و ممتنع سیزده نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند)

۷ — طرح و تصویب اصل ۶۲ (اصل هفتاد و پنجم)

نایب رئیس — اصل بعدی را میخوانم این اصل را صبح از گروه هفت نفری منتخب، به‌جلسهٔ مشترک گروهها فرستادند و در آنجا بدون تغییر، مورد تأیید قرار گرفته است بنابراین به‌نظر میرسد اشکالی نداشته باشد واصل ۶۲ میشود که‌میخوانم:

اصل ۶۲ (اصل هفتاد وپنجم) — طرحهای قانونی وپیشنهادها واصلاحاتی که‌نمایندگان

درخصوص لوایح قانونی عنوان میکنند وبه تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه های عمومی می انجامد درصورتی قابل طرح در مجلس است که درآن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

این توضیح برای دوستانی که نبوده اند داده میشود چون آن کسیکه بصورت روزانه و مستمر بامسائل درآمد وهزینه سروکار دارد بنابراین اگر قوهٔ مقننه میخواهد به قوه مجریه پیشنهادی بدهد که مستلزم اینست که باید هزینه ها را بالا ببرد یا درآمدی را کم بکند باید به او بگوید که جای خالی را از کجا پر کند ونمی توانند بگویند ما تصویب کردیم حالا خودت جایش را پیدا کن، این قابل عمل نیست. خوب، اگر روشن است ومطلبی نیست رأی بگیریم. (نمایندگان — روشن است) پس به همین صورتی که خوانده شد رأی میگیریم گلدانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد ونتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نمایندگان حاضر هنگام اخذ رأی شصت و شش نفر، تعداد کل آراء شصت وشش رأی، موافق پنجاه وهشت نفر، مخالف سه نفر، ممتنع پنج نفر، بنابراین تصویب شد تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

۸ — طرح و تصویب اصل ۶۳ (اصل هفتاد و ششم)

نایب رئیس — اصل ۶۳ یک اصل بسیار کوتاه است که در گروه هفت نفری تهیه شده است وبه جلسه مشترك گروهها فرستاده شده است وبررسی ویادداشت کرده اند که بدون تغییر تصویب شد ومی خوانم:

اصل ۶۳ (اصل هفتاد و ششم) — مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در هریک از امور کشور را دارد.

دیگر دوران اینکه به نمایندگان بگویند به شما مربوط نیست سپری شده است نسبت به این اصل نظری هست؟ (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم.

(اخذ رأی بعمل آمد ونتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت وشش نفر، تعداد آراء شصت و شش رأی، موافق شصت وپنج نفر، مخالف هیچ وممتنع یک نفر، بنابراین تصویب شد تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

۹ — صورت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ قبل

نایب رئیس — اجازه بفرمائید اول صورت اسامی غایبین و دیرآمدگان را قرائت کنم بعد راجع به نطق قبل از دستور تصمیم بگیریم.

بنی صدر — به اینکه اسم بنده جزو دیرآمدگان است اعتراض دارم زیرا ما را به یک کار دیگری مشغول میکنید آنوقت اینجا جزو دیرآمدگان اسم بنده را هم قرائت میفرمائید.

نایب رئیس — غایبین عصر چهارشنبه آقایان: مهندس سحابی، حائری، نوربخش، هاشمی نژاد.

دیرآمدگان آقایان: باهنر سی وچهار دقیقه، بنی صدر چهل وپنج دقیقه که این آقایان در جلسه دیگری که قرار بوده است در همان موقع تشکیل شود شرکت داشته اند، بهشتی سی و

هشت دقیقه که بنده دیروز و پریروز به‌علت کسالت نتوانستم بموقع بیایم، خادمی پنجاه‌دقیقه، خامنه‌ای هفده‌دقیقه، رحمانی هفده‌دقیقه، فوزی سی‌وسه‌دقیقه، مراغه‌ای پنجاه‌دقیقه، مرادزهی چهل وسه دقیقه، یزدی سی دقیقه. آقای منتظری هم آخر جلسه به‌علت کسالت یک‌ساعت‌زودتر رفتند. (منتظری— یک ساعت نبود) بلی کمترازیک ساعت، اما راجع به‌مسألهٔ نطق‌قبل‌ازدستور ما یک روز ونصفی‌آن‌سوقعی که‌گروه مسئول تهیه آئین‌نامه‌بودند، به‌دوستان مجال دادیم که نطقهای قبل از دستور پی درپی داشته باشند واین‌نگرانی را داشتیم که به‌تنگنائی وقت بر می‌خوریم باتوجه به‌ضیق وقت اجازه بدهید که‌نطق قبل از دستور را نداشته باشیم مگر اینکه واقعاً ضرورتی ایجاب بکند واین ضرورت لااقل به‌تصویب هیأت‌رئیسه هم برسد ویا اکثریت آراء هیأت رئیسه باشد. (کرمی— با تصویب‌شورای‌نگهبان باشد.) بنابراین اگرمسأله‌ای پیش بیایدهم‌زمینه‌های ضروری ازبین نمی‌رود وهم تا آنجا که میسر است وقت کافی برای رسیدگی به‌اصول بیشتری داریم اگر با این نظر موافق هستید بفرمائید، آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی— من‌آنچه را که در باره خودم می‌خواهم عرض بکنم اینست که بایدبه من وقت بدهید چون من هم‌وقت‌گرفته‌بودم که وقت من‌گرفته شد وبه‌من نرسید من حقی دارم و دیگران هم‌باید ازحق خودشان دفاع بکنند.

نایب رئیس— آقای بشارت بفرمائید.

بشارت— چگونه می‌شود آقایانی که نطق‌شان راکرده‌اند بیایند برای‌ما تکلیف روشن بکنند که‌آیا نطق قبل از دستور باشد یا نباشد پس آنهائی که نطق کرده‌اند بروند کنار وآنهائی که نکرده‌اند رأی مخالف ویا موافقشان مؤثر باشد.

نایب‌رئیس— بنابراین صبح شنبه صورت اسامی دوستان را جدا می‌کنیم بعد از دوستانی که رطب خورده نیستند در باره رطب نظرخواهی می‌کنیم.

سبحانی— دیروز عصر یک اعتراضی راجع به‌مجلس خبرگان آوردند اینجا وپخش کردند لابد جنابعالی هم دیدید واطلاعات هم‌آنرا چاپ کرده باید جواب این به‌صورت روشن داده‌شود جناب آقای منتظری دو کلمه فرمودند ودیگر مجالی برای سایرین نماند. این ضرورتها الان‌هست واگر بخواهید دراین روزنه را ببندید که صحیح نیست.

نایب‌رئیس— اگرآقایان موافقید مدتش را هشت دقیقه کنیم. (دکترآیت— کم است.) آقای قائمی بفرمائید.

دکترقائمی— چون بنده این پیشنهادرا کرده‌ام اجازه بفرمائید عرض کنم یک وقت است که همانطور که جناب‌آقای سبحانی فرمودند بحثی است که درروزنامه چاپ می‌شود ویابه‌صورت جزوه منتشر می‌کنند این را باید مجلس جواب بدهد نه‌بنده‌ای که ازقبل یک‌سری مطالب را مثلا در زمینهٔ تربیت یا مسائل دیگر تهیه کرده‌ام بحث کنم معلوم نیست که نماینده‌ای که می‌خواهد تشریف بیاورد اینجا نطق قبل از دستور بکند به‌آن سؤالات بتواند پاسخ بدهد بلکه باید هیأت رئیسه مجلس یاگروهی که منتخب هیأت‌رئیسه است بیایند جواب بدهند. بنابراین اگر بنا است بحثی در پاسخ به روزنامه یا رادیو بشود مجلس باید تصمیم بگیرد نه آن کسی که می‌خواهد نطق قبل از دستور بکند.

نایب‌رئیس— آقای موبد شهزادی بفرمائید.

موبدشهزادی— دیگراسم نویسی نکنید یا اگر اسم‌نویسی کردید باید آقایان روی نوبت

صحبت کنند .

نایب‌رئیس— آقای رشیدیان بفرمائید .

رشیدیان— اولا این‌مسأله مربوط می‌شود به‌تمام نمایندگان وتمام ملت ایران وچه‌بسا باشند افرادی در مجلس که روی ایراداتی که به مجلس خبرگان گرفته‌اند تحقیق کرده‌اند وبتوانند به‌موقع محققانه جواب بدهند که در آنموقع به‌علت موقعیت‌خاصی که یکی از آقایان در هیأت رئیسه دارد نمی‌تواند جواب بدهد یا ایراد روی شخص اوهست و ازنظر ادبی‌وانسانی می‌خواهد یک قدری تحمل نشان بدهد دراینجا هرفردی باید بتواندنظر خودش‌را بگوید چون بنا شده است که ما ساعت سه بیائیم ولی آقایان ساعت سه‌وده دقیقه می‌آیند. من پیشنهادمیکنم که قبل از رسمیت جلسه یعنی همان ساعت سه که آمدیم آن شخص صحبت کند و مطالبش ازطریق رادیو هم پخش می‌شود، واین‌راهم بگویم که بسیاری از مسائل راما به‌علتی دررکود گذاشتیم در حالیکه پیشنهاد شد وتصویب‌هم شد که درموردش بحث وگفتگو شود ولی‌متأسفانه درپردهٔ ابهام مانده است حالا شایعه درست می‌کنند که مجلس خبرگان چنین وچنان است، در حالیکه خود ملت خبرندارد، اما کاسه‌های ازآش داغتر، آنهائی که نفوذی درتوده مردم‌ندارند یعنی ورشکستگان سیاسی، آنهائی که خودشان را سیاست کار می‌دانستند قیم مردم شده‌اند پس باید به‌آنها پاسخ منطقی داده شود زیرا مردم‌حامی‌مجلس‌خبرگان هستند مگر ما مردم را مجبور کردیم که به‌ما رأی بدهند؟ این‌خود مردم بودند که به‌ما رأی دادند. بنابراین به‌عقیدهٔ بنده باید به‌این مطالب پاسخ کافی داده شود .

نایب‌رئیس— پیشنهاد آقای رشیدیان، پیشنهاد معقول وخوبی است و به وقت ما بطور معمول هم‌هیچ ضرر نمی‌زند اتفاقاً همانطورکه آقایان درقانون اساسی قبلی هم ملاحظه‌فرمودید برای شروع مذاکرات حدنصابی تعیین نشده بود. حالا ما برای اینکه مذاکرات مربوط‌به‌قانون اساسی پس ازاینکه عده نمایندگان به‌حد نصاب رسید شروع شود خواستیم که بانظر آقایان نطق قبل از دستور ساعت سه با هر تعداد نماینده‌ای که اینجا هستند شروع شود ودرآن چند دقیقه‌ای که عدهٔ نمایندگان کامل می‌شود هم وقت ازبین نرفته وهم کاری انجام شده است. موافقین بااین نظرکه نطق قبل ازدستور با آغاز جلسه شروع بشود بدون اینکه حدنصاب باشد دست بلند کنند. (اکثریت دست بلند کردند) تصویب شد .

طاهری اصفهانی— می‌فرمائید نطق قبل از دستورساعت سه باهر عده‌ای که حاضربودند شروع شود امروز آقایان می‌دانند که سرساعت سه نطق قبل از دستور شروع می‌شود ولی یک ربع یا ده دقیقه یا بیست دقیقه دیر می‌آیند و عده‌ای که سرساعت حاضر می‌شوند دونفر یا سه نفر خواهند بود .

۱۰ — پایان جلسه

نایب‌رئیس— خیر تأخیرها ازهمان ساعت سه حساب می‌شود. جلسه ختم می‌شود .

(جلسه ساعت دوازده وهفت دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسه سی و سوم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و پنج دقیقه روز پنجم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با پنجم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ — بیانات قبل از دستور آقای ناصر مکارم شیرازی. . . . . .
۲ — طرح اصل ۶۴. . . . . .
۳ — طرح اصل ۶۵. . . . . .
۴ — طرح اصل ۶۶. . . . . .
۵ — طرح و تصویب اصل ۶۷ (اصل هشتادم). . . . . .
۶ — طرح اصل ۶۸. . . . . .
۷ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — بیانات قبل از دستور آقای ناصر مکارم شیرازی

نایب رئیس— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نطق قبل‌از دستور را شروع می‌کنیم‌آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همانطوریکه همهٔ آقایان مسبوق هستند اخیراً در گوشه و کنار مملکت زمزمه‌هائی برخلاف مجلس خبرگان شروع شده است و کتابچه‌ای هم در این زمینه انتشار پیدا کرده که به دست آقایان هم رسیده است،البته در آنجا بحث‌هائی شده که مربوط به مجلس خبرگان نیست، مربوط به دادگاههای ویژه و امثال آن است که بنده وارد آن بحث‌ها نمی‌شوم، ولی یک ایرادهائی هم به مجلس خبرگان گرفته شده است و از آنجائیکه این نطق‌های قبل از دستور برای همین قرار داده شده و یکی از هدفهایش این است که گاهی این مسائلی که پیش می‌آید درباره آن صحبت بشود. ملاحظه فرموده‌اید که نوشته‌اند مجلس خبرگان از مسیر اصلیش منحرف شده، وقتی ذیل این عنوان را مطالعه می‌کنیم دو سه مطلب بیشتر نیست و این دو سه مطلب را بهتر است رویش تجزیه و تحلیل کنیم. یکی از مسائلی که تحت این عنوان نوشته‌اند این است که چرا مجلس خبرگان در قانون اساسی اصول اعتقادی اسلام را عنوان کرده و در آنجا آورده است و دیگر اینکه چرا تکیه روی مسائل اسلام واحکام اسلامی می‌کند، احکام‌اسلامی را همه‌قبول دارند کسی‌نیست که‌مخالف‌آن‌باشد بنابراین‌نیازی ندارد در قانون اساسی روی آن تأکید بشود و سومین مطلبی که در آنجا تکیه برآن کرده‌اندایین است که در قانون اساسی باید نیازهای زمان و مکان در نظر گرفته شود و باید اصولی تنظیم شود که شایستهٔ یک ملت مترقی بوده باشد و مجلس خبرگان این مسائل را تأمین نکرده‌است. من عین سخنان آنان را نقل کردم تا بتوانیم بیطرفانه درباره این مسائل قضاوت کنیم. درجواب اینگونه سخنان باید گفت اولا آنهائی که این مسائل را می‌نویسند و پخش میکنند آیا مصوبات مجلس خبرگان را تا اینجا بررسی کرده‌اند؟ با آینده‌اش کاری‌ندارم، شما را به‌خدا قسم اصولی‌را که تاکنون در قانون اساسی در مجلس خبرگان تصویب شده است با اعلامیه حقوق بشر، با قانون‌های اساسی به اصطلاح ممالک مترقی جهان مقایسه کنید، ببینید که چه چیز در آنجا هست که به‌صورت اکمل در همین مقدار مواردی که تاکنون تصویب شده است وجود ندارد. شما آقایان در جریان بودید و من به عنوان یادآوری عرض می‌کنم و برای اینکه کسانی که سخنان ما را می‌شنوند آنها هم توجه به این مسائل پیدا بکنند، از جمله مسائلی که در این‌چند روز در این مجلس تصویب کردیم ، ده مسأله مهم بود که عالیترین تجلیات یک قانون مترقی و شامل تمام نیازمندیهای یک جامعهٔ آزاد و آباد و مستقل و مرفه و با ایمان در آن منعکس بود. من فهرست‌وار به اصولی که تصویب شده است اشاره می‌کنم: ما در اصل چهارم حاکمیت ملی تصویب کرده‌ایم و مطابق آن، حکومت از آن خداست و از طرف خداوند به‌دست

مردم سپرده شده و همهٔ مردم در تعیین سرنوشت خودشان باید شرکت داشته باشند، و هیچ گروه و یا هیچ فرد نمی‌تواند این حق‌الهی مسلم، یعنی حق حاکمیت ملی را به خودش تخصیص بدهد و یا در مسیر شخص یا گروهی درآورد، آیا در قانون‌های اساسی کشورهای دیگر از این برتر پیش‌بینی شده است؟ در اصل بیست و پنج وحدت و مساوات اقوام و مبارزه‌با هرگونه نژادپرستی پیش‌بینی و تصویب شد. در اصل بیست و شش مسأله تفتیش عقاید با صراحت ممنوع شده و هیچکس به صرف داشتن عقیده‌ای مجازات نخواهد شد و مورد مؤاخذه و پرسش قرار نخواهد گرفت. در اصل بیست و هشتم هرگونه سانسور، بازرسی، ضبط، افشاء در نامه‌ها و در مکالمات تلفنی، در تلگراف‌ها و در همه اینها به حکم قانون اساسی ممنوع شناخته شده.در اصل سی احزاب و جمعیت‌ها همه آزاد معرفی شده‌اند، منتها چون نظام، نظام جمهوری اسلامی است باید در چهارچوبهٔ مسائلی که با جمهوری اسلامی سازگاری داشته باشد و با آن تضاد بوجود نیاورد ، باشد یعنی به تعبیر دیگر توطئه‌ای برضد نظام نباشد والا بقیهٔ مسائل آزاد شمرده شده است. آن تأمین اجتماعی که در اصل سی و سه پیش‌بینی شده و به تصویب رسیده است شاید وسیعترین نوع تأمین اجتماعی باشدکه در مترقی‌ترین قوانین دنیا پیش‌بینی شده است،از نظرپیری و ازکارافتادگی‌افراد بی‌سرپرست‌و افرادوامانده،کودکان‌و خلاصه هرگونه‌نیاز اجتماعی در جامعه بوده باشدکه به نحوی از انحاء گروهی یا فردی احتیاج به‌حمایت داشته باشد، دراین مسأله تأمین‌اجتماعی دراصل سی وسه پیش‌بینی شده‌است. در مسأله آزادی تا آن اندازه تأکید شده است که دیروز این اصل تصویب شد که حتی آقایان سختگیری کردند که ظرف بیست و چهار ساعت هر کسی دستگیر میشود فوراً باید در همانجا برایش اعلام کنند چرا دستگیرشدی ودر مدت‌بیست وچهار ساعت پرونده‌اش را تحویل دادگاه بدهند وبلافاصله دادگاه تشکیل بشود ، حالا بفرمائید ببینیم قانون مترقی در دنیا که شما دم از آن میزنید آیا حقوق انسان را بیش از این پیش‌بینی کرده است که‌هرکس‌رادستگیرمی کنند فوراًعلت دستگیریش را به‌اوبگویند ودرعرض بیست وچهار ساعت پرونده‌اش به‌دادگاه صالحه‌دادەشودتا فوراً مقدمات محاکمه عادلانه فراهم شود ، منظورتان از آن قانون مترقی چیست؟ آیا بهتر از این است؟ این مسأله‌ای است که در اصل‌چهل ویک‌تصویب شد واز مجلس‌خبرگان‌گذشت. مسألهٔ شکنجه که‌هنوزدر دنیا سروصدایش همه‌جا را گرفته، هرگونه شکنجه ممنوع شمرده شدو بهیچ وجه اجازه داده نشد،حتی ملاحظه کردید که یکی از برادرانمان گفت که‌ممکن است مسأله بسیار مهمی باشد وبایک سیلی زدن طرف اعتراف بکنداین مقدارش را باید به‌قانون‌اجازه بدهیم، با اینکه این مسأله‌ای بود که در خور مطالعه بود ولی باز برای محکم کاری و اینکه هیچگونه‌سوءاستفاده‌نشود،دراین قانون‌هیچگونه‌استثنائی‌قائل نشدیم وگفتیم‌شکنجه‌مطلقاً‌ممنوع است حتی اگر مهمترین اسرار بایک سیلی زدن‌فاش بشود، جایز نیست،حالا بفرمائیدببینیم در کجای دنیا قانون‌های مترقی‌تر از این قانون‌پیش‌بینی شده است؟ درمسأله‌داشتن مسکن،آنقدر برنامه وقانون عالی تنظیم شد که‌حتی بعضی از دوستان ایرادمیکردندکه باردولت خیلی سنگین خواهد شد ، حتی‌تنها به‌خانواده‌تأکید نشد بلکه فردهم‌نوشته‌شده که‌اگر یک‌فرد هم بدون خانواده‌باشد حق‌دارد مسکن مناسبی داشته‌باشد ودولت‌موظف‌است زمینه‌رفع‌این نیاز اجتماعی را فراهم کند واین‌دراصل چهل وپنج پیش‌بینی شد وبالاخره دراصل‌چهل‌وشش مسألهٔ‌آموزش وپرورش رایگان تاپایان دورهٔ متوسطه،به‌کشورهای اروپائی ودیگر دنیا بروید،

تعلیمات رایگان آنها را ملاحظه بکنید وببینید آیابرای همه بیش از پایان متوسطه پیش‌بینی شده است؟ وتازه دردوره عالی هم تاسرحد خودکفائی آنهم بطوررایگان مسأله‌تحصیلات برای مردم پیش‌بینی شده‌است؟ بنده دلم‌می‌خواهدآنهائیکه این حرفها را میزنندبیایند به‌جای شعار دادن وبه‌جای اینکه سربی‌صاحب را بتراشند قوانینی که خودشان معتقد هستند مترقی است، از کشورهای‌مترقی دنیا بیاورند وبنشینند در کنار این قوانین که‌تا حالا تصویب شده ومقایسه بکنند ببینیم این‌برنامه‌ها چه چیز کمتر دارد، اگر بیشتر از آن نباشد، کجای آن کمتراست نباید انسان بی‌انصافی کند، نباید انسان زحمات گروهی را که‌شب وروز برای تنظیم یک قانون اساسی مترقی در سایهٔ اسلام وایمان زحمت می‌کشند نادیده بگیرد . تنها چیزی که اینها داشتند این است که‌می‌گویند چرا اصول اسلام را اینجا گنجانده‌اید ، جواب این سؤال معلوم است، ما نمایندگان مردم هستیم، همان مردمی که نودوهشت‌ودودهم‌درصدشان به جمهوری اسلامی رأی دادند وازماهی‌خواهند که‌قانونی تنظیم کنیم براساس جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی از دوکلمه ترکیب شده ، جمهوری واسلامی ، جنبه‌های مردمی وجنبه‌های اسلامی ، اگر ما این اصول را پایه‌قرار ندهیم، جمهوری اسلامی جنبهٔ دکور وتشریفات پیدا می‌کند. بنابراین، این‌اصول‌پایه است‌وبعدحقوقی که‌درآن سرچشمه‌گرفته شده است‌مامترقی‌ترین قوانین را در اسلام داریم. آیا این حقوق ملت که براساس این اصول در قانون اساسی که تاکنون پیشنهاد شده است آیا یک سلسله اصولی مترقی، پاسخگو به‌تمام‌نیازهای فرد وجامعه نیست؟ آیا اگر بانظامهای طاغوتی سابق مقایسه کنیم از زمین تاآسمان‌فاصله ندارد؟شما مثل اینکه‌می‌خواهید سربسته کلاهی سربعضی از مردم بگذارید، میگوئید که آقا اصول اسلام را مسلماً همه‌قبول دارند نمیخواهد بنویسید. اگر همه‌قبول دارند چرا ننویسیم؟اگر نظام جمهوری اسلامی است شترسواری دولا دولا نمی‌شود ، اگر نمایندگان ملت برای تنظیم قانون اساسی و برای جمهوری اسلامی هستند نمی‌شود بگوئیم که‌اینها چیزی را تنظیم بکنند که‌اسلام درآن نباشد . پس اسلام نوشته شده وتمام حقوق هم نوشته شده است. چون وقت محدود است‌یک جملهٔ دیگری را هم عرض‌می‌کنم وفکر می‌کنم مسأله‌مهمی که‌اینها را ناراحت‌ساخته مسألهٔ ولایت‌فقیه‌است. برادران‌وخواهران، کسانی که‌سخنان‌مرا می‌شنوید، فرض‌می‌کنم‌درباره‌ولایت‌فقیه یک‌اصل کلی‌سربسته‌نوشته‌شده‌است‌شما اجازه بدهید شرح این‌مسأله بزودی‌خواهد آمد وآنوقت تصدیق‌می‌کنید که‌تضادی در قانون نیست. مسألهٔ‌دیکتاتوری‌مطرح‌نیست،نقض‌حاکمیت ملی نیست، چیزی‌است که‌در اراده مردم می‌جوشد و در مسیر منافع مردم‌است. شما یک اصل کلی را بگیرید ورویش قضاوت کنید بدون اینکه شرحش را بدانید،این‌خلاف‌هربرنامه‌ومبنا ومنطقی است‌آنچه تسویه به‌آن شده‌است که جای‌دغدغه‌ای نیست وآنچه‌هم کلی‌گفته شده است‌شرحش درآینده خواهد آمد. باید عرض کنم که افرادی هستند که ناراحتی ازجاهای دیگری دارند ، منتها آن‌ها را نمی‌توانند صریحاً اظهاربکنند. اخیراً شروع کرده‌اند به‌حمله کردن به‌مجلس خبرگان. مجلس خبرگان انشاءالله درآیندهٔ نزدیک برنامه‌اش تمام می‌شود ونتیجه کارش‌رادر معرض قضاوت وافکار عمومی می‌گذارد وآنوقت ملت ایران تصدیق خواهند کرد که یک‌قانون شایسته ومتناسب بانیاز ومترقی وجامع برای او تهیه شده است. این بطور خلاصه بود که‌عرض کردم. والسلام علیکم ورحمةالله‌وبرکاته .

نایب‌رئیس— آقای حجتی پنج دقیقه وقت خوسته‌اند راجع به‌مطلبی که‌مربوط‌به‌خودشان

هست صحبت بکنند حالا آقای حجتی اگرفکر می‌کنید در این پنج‌دقیقه می‌توانید مطالبتان را ایراد کنید بفرمائید. (حجتی— پنج‌دقیقه کافی نیست.)

۲ — طرح اصل ۶۴

نایب‌رئیس— پس‌موکول می‌کنیم به یک نطق قبل‌از دستور، بنابراین وارد دستور می‌شویم، اصل شصت‌وچهار مطرح است که‌آنرا قرائت می‌کنم:

اصل ۶۴— بناها و اموال دولتی که جنبه نفائس ملی دارد قابل انتقال به غیر نیست مگر به تصویب مجلس شورای ملی.

نایب‌رئیس— اگر دراین زمینه سؤالی هست بفرمائید.

اشراقی— سؤال من‌این است که «مگر به تصویب مجلس شورای ملی» را حذف بکنند چون اینگونه اموال غیرقابل انتقال است وجزو نفائس مملکت است. ممکن است بعضی از افراد مجلس شورا راگول بزنند وبه‌یک ترتیبی این اموال را دست بدست کنند. طوری بکنید که اینگونه اموال غیرقابل انتقال باشد.

نایب‌رئیس— ازنظر کلی همین که می‌فرمائید صحیح است ومن هم به‌عنوان‌نظرگروه‌عرض می‌کنم نه‌به‌عنوان مسئول اداره جلسه. ازنظر کلی همینطور است وجامعه باید بکوشد تا نفائس ملیش را نگهدارد، اما به صورت استثنائی‌گاهی پیش می‌آید که یکی از نفائس ملی‌ما بایددر یک‌گوشهٔ دیگر دنیا هم باشد تا معرف فرهنگ ما باشد، آنطرف راهم باید مورد توجه قراربدهیم اینها برای موارد استثنائی است. می‌گوئیم مجلس شورای ملی که نمایندگان ملت درآنجا هستند ببینند فرستادن یکی‌ازنفائس نمونه کوچک ملی‌ما که چه‌بسا ده‌نمونه دیگرش هم‌درکشورهست ونمونه‌منحصربفردنیست، با رعایت تمام‌این‌جنبه‌ها اگریکی ازاین‌نمونه‌ها را تصویب کردند که درفلان‌موزه‌دنیابفرستند تا معرف فرهنگمان باشد، جائی که معرف‌فرهنگ‌های دیگرهم هست.

اشراقی— پس منظور از انتقال این است که ببرند درجاهای دیگر وگاهگاهی نمایش بدهند وبه معنای فروختن نباشد ؟

نایب‌رئیس— نه‌فرضاً اهداء کنند چیزی راکه ما ده نمونه از آن داریم، یکی ازاین نمونه‌ها را اهداء کنند به یکی ازموزه‌های معروف دنیا تا آنجا معرف ونمونه‌ای از فرهنگمان باشد. اینها را ملت هم ازنظر کلی می‌پذیرد، فقط نکته این است که به‌تاراج ندهند. آن‌چیزی که ذهن همه را مشغول می‌کند این‌است که مبادا اینها را به تاراج بدهند. خوب این‌را همه‌مان موافقیم که به تاراج ندهند، منتها همینطورکه ما اینجا نمایندگان ملت هستیم‌وتااین اندازه دقت می‌کنیم که نمونه‌اش هم به تاراج نرود، ان‌شاءالله نمایندگان بعدی هم همین دقت را خواهند کرد. آقای اکرمی فرمایشی دارید بفرمائید.

اکرمی— این‌قابل انتقال که شما می‌فرمائید به‌ذهن من نمی‌رسد.

فاتحی— اصولا هرکشوری‌موزه‌ای دارد ونفائسش را درموزهٔ کشور خودش قرار می‌دهد وکشورهای خارج افرادش اگربخواهند آثار باستانی ونفائس آن کشور را ببینند موظف هستند که‌به‌آن کشور مسافرت بکنند و این الزام نمی‌کند به‌اینکه اجازه بدهیم نفائس ملی ازکشور خارج بشود و درکشور دیگری درمعرض دید مردم قرار بگیرد وبنده دراین زمینه پیشنهادی دارم که تقدیم می‌کنم.

نایب‌رئیس— پیشنهادتان را لطف بفرمائید. عرض شد هیچوقت چیزهای منحصر بفرد را دراختیار آنها نمی‌گذارند، اینها چیزهائی است که نمونه‌های متعددی دارد و اگریک نمونه از این نفائس در آنجا باشد فکر می‌کنم مانعی نداشته باشد. آقای ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — بناهای تاریخی در این اصل حذف شده و مشترکات عمومی که در پیش‌نویس بود آنهم نیست. اموال غیرمنقول دولتی و تپه‌ها و بعضی از جاهائی که حفاری بشود کرد مثل رودبار یا بعضی جاها که نفائسی در آن وجود دارد، آنوقت تکلیف اینها دراین مواد قانونی در هیچ جا پیش‌بینی نشده است.

نایب رئیس — متشکرم اینها چیزهائی است که قانون عادی معین می‌کند . آقایان انتظار نداشته باشید که در این قانون اساسی یکایک مسائل عیناً معین بشود، الان که داریم خدمتتان صحبت می‌کنم برطبق لایحه قانونی مصوبه شورای انقلاب تکلیف همهٔ اینها مشخص شده یعنی الان قانونی وجود دارد که جلوی همه اینها را میگیرد وبعداً هم مجلس شورای‌ملی دراین زمینه باید قوانین عادی را بگذراند تا دخل وتصرف درآنها برحسب تغییر شرایط آسان باشد. قانون اساسی باید آنجاهائی که سد کامل می‌شود آنجا را مشخص کند. فقط نسبت به‌این ذیل بنویسیم: «قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی آنهم در مورد اشیائی که منحصر بفرد نباشد» که در این زمینه دست را اینجا بسته باشید.

سبحانی — من پیشنهاد می‌کنم همانطورکه در بعضی از موارد سه چهارم نمایندگان را شرط می‌کنید اینجا هم سه چهارم ذکر بشود. با تصویب اکثریت نباشد بلکه با سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد.

نایب رئیس — سه چهارم خیلی زیاد است اقلا دو سوم باشد. البته اگر بخواهیم جلو چیزهائی را بگیریم جایش همین‌جاست. یکی از دوچیز را اینجا می‌شود گذاشت یا رأی را ببریم بالا که مسأله یک قدری محکمتر باشد یا اینکه لااقل مسأله چیزهائی که منحصر بفرد است اینجا قید بکنیم. شاید اگر رأی را ببریم بالا بهتر باشد که فقط مورد استثنائی نباشد، یعنی بگذاریم «مگر با تصویب مجلس شورای ملی آنهم با دو سوم آراء».

صافی — اینجا بنویسید «قابل انتقال مجاز نیست» نه اینکه قابل انتقال نیست، چون «قابل‌انتقال نیست» یعنی با تصویب مجلس شورا هم قابل انتقال نمیشود.

نایب رئیس — خیر، یک اصطلاح حقوقی وجود دارد که میگویند این سند ملکی قابل انتقال به غیر نیست یک مگر را میگذارند و اشکالی هم ندارد.

طاهری اصفهانی — ما اینجا دو چیز داریم یکی بناها و یکی اموال دولتی ، آیا این نفائس ملی شامل هر دو می‌شود یا فقط شامل اموال دولتی است؟ اگر به هر دو بخورد آن جواب شما قانع کننده نیست که ما میخواهیم فرهنگمان گاهی در خارج‌تجلی بکند و پی به‌فرهنگ ما ببرند، این در واقع مربوط به‌اموال منقول است که بدهید به آنها ببرند که فرهنگ ما آنجا متجلی بشود. اما بناها که جنبه نفائس ملی دارند دیگر نمی‌تواند در توجیه شما داخل بشود.

نایب رئیس — نباشد، ما نخواستیم که استثناء را به‌هم بزنیم.

ربانی شیرازی — من پیشنهاد می‌کنم هردوقید رابگذاریم. درمورد آنهائی که منحصر بفرد است به هیچ وجه قابل انتقال نیست.

نایب رئیس — تصادفاً آقای ربانی، این به‌طور کلی بدنیست که ما جلوی خروج چیزهای نفیس منحصر بفرد را برای همیشه بگیریم.

ربانی املشی — به این معنی‌است که ما به دوسوم نمایندگان مردم‌هم اعتمادنمی کنیم.

نایب رئیس — نه اینطور نیست والا همهٔ قانون اساسی این معنی را میدهد. آقای یزدی بفرمائید.

یزدی— سؤال این است که اینجا دومطلب است، یکی‌نفائس که‌حیثیت نفیس‌بودنش مانع می‌شود از اینکه بفروش برود و یکی هم خود بناها، عبارت هر دو تغییر کرده است. بناها و اموال دولتی که جنبه نفائس دارد در هر حالیکه بناهای دولتی ولو جنبه نفائس هم نداشته باشد فروشش مبنی برتصویب است. (نایب‌رئیس — چرا؟) مثلا ساختمان مجلس را میخواهند بفروشند. (نایب رئیس — بفروشند.) بدون تصویب مجلس؟

نایب‌رئیس — بله،مثل اینکه دولت می‌آید یک‌میلیارد تومان ماشین‌آلات میفروشد ، حالا یک‌ساختمانی‌است که‌نفیس هم‌نیست،میفروشداینها چه‌فرقی‌دارد؟ یادبستانی‌است‌می‌خواهد بفروشد. (یزدی — بناهای دولتی که‌جنبه نفائس ندارد بفروشد؟)بله، بفروشد ، تصویب مجلس نمی‌خواهد. پس بنابراین ، این‌اصل را به‌اینصورت باورقه به‌رأی میگذارم: «بناها و اموال دولتی که جنبهٔ نفائس ملی دارد قابل انتقال به‌غیرنیست مگر باتصویب‌دوسوم نمایندگان مجلس‌شورای ملی به‌شرط آنکه از نفائس منحصر بفرد نباشد».

ربانی املشی—«جنبه نفائس ملی دارد» غلط‌است‌باید بنویسید «که‌از نفائس‌ملی‌باشد» .

نایب‌رئیس — بسیار خوب همین تغییر را میدهم.

اشراقی — آقا این انتقال به‌غیر ظهورش این است که‌درفروختن وهدیه کردن به‌غیر است نه‌خارج از مملکت بردن . اینجور انتقال در اینگونه نفائس‌جائز نیست مثلاما کاخ مسعودیه را برداریم وبفروشیم چه‌معنی دارد ؟ ما فرضاً نفائس زیادی داریم اگر آنهارا انتقال بدهیم به فلان تاجر و به فلان دلال آیا این جایز است ؟ (نایب رئیس — خوب آقا ما نوشتیم که‌جایز نباشد .) شما فرمودید که‌انتقال به‌خارج مملکت است که‌آنجا به‌نمایش بگذارند این مطلب دیگری است .

نایب‌رئیس — خیر آقا ، این توضیح برای این بود که اصولا استثنائی داشته باشد شما یکبار دیگر دقت بفرمائید بنده می‌خوانم : «بناها واموال دولتی که از نفائس ملی باشد قابل انتقال به‌غیرنیست مگر باتصویب دوسوم نمایندگان مجلس شورای ملی به‌شرط آنکه ازنفائس منحصربفردنباشد» بنابراین آن ساختمانی که‌میفرمائیدمنحصربفرداست، مطلقاًنمی‌توانندبفروشند فکرمی کنم کافی است برای رأی‌گرفتن. (باریک‌بین—این بناها واموال دولتی از نظر قانون اسلام ، نباید با اجازه حاکم‌شرع باشد؟) همه‌چیز باید بااجازهٔحاکم شرع باشد، همهٔ‌تصرفات دولت باید با اجازه او باشد این راکه‌نباید در هرمادهٔ قانونی اصلی بگذاریم. (باریک‌بین — یعنی دولت یکی یکی اجازه میگیرد؟) یکی یکی نه ، اجازهٔ کلی میدهد . (باریک‌بین—کار کلی را بله ، ولی این کار شخصی است.) اینهم کلی است . میگویند درکلیه امور حسبیه‌ای که‌به اجازهٔ فقیه احتیاج دارد شما مجاز هستید . (ربانی شیرازی — اگر موافق‌باشید بنویسیم ملی وباستانی.)نه،نمیخواهد برای اینکه‌ماسی‌خواهیم کلی در نظر بگیریم‌وباستانی استثناءاست. اجازه بفرمائید آقای کیاوش وبعضی از دوستان بابودن این ذیل مخالف‌هستند بفرمائید چرا؟

کیاوش — برای اینکه غرض از این اصل این است که یک‌چیزنفیسی بماند ومتجلی فرهنگ مملکت باشد. گاهی ممکن است شیئی باشد که تجلی دهنده هیچ چیزی از کشور نباشد ومنحصربفرد هم باشد وضرورتی هم‌نداشته باشد.

نایب‌رئیس — آنوقت دیگر جزو نفائس ملی نیست. (کیاوش — ممکن است‌نفیس هم باشد ولی‌مورد نیاز مملکت نباشد.) عنایت‌بفرمائید، نوشتیم: «که از نفائس ملی باشد» پس‌باید یک‌ارزش فرهنگی برای کشور داشته باشد تا بگویند «که ازنفائس‌ملی‌باشد.» (ربانی‌املشی — نسبت به‌این قید اخیر بادست رأی‌بگیرید.)

نایب‌رئیس — نسبت به‌این قید اخیرآقایان به‌مفاهیم‌توجه کنید. چرا، برای‌اینکه یک‌اصل اینجوری را به‌خاطراین ذیلش که ممکن است ده‌نفر مخالف داشته باشد وچهل نفر موافق‌باشند قرار نگذاریم که دراین اصول معطل این حرفها بشویم. این ذیل مضرنیست چیزی است که واقعاً برای حفاظت آثار ما مفید است وفکر نمی‌کنم اصرار حتی یکی از دوستان روی نبودنش آنقدر موجه باشد که اصلا تصویب اصل را به‌خطر بیندازد.

ربانی‌املشی — آخرچیزی هم درمملکت ما باشد، نفیسه هم‌هست اگرما این‌را به‌یک مملکت دیگرهم بفروشیم‌گم نمی‌شود وازبین نمی‌رود، می‌رود دریک موزه ودربالایش‌می‌نویسند از مملکت ایران، ولی درازاء فروش این‌ما می‌توانیم ده‌هزار جمعیت را خانه دار بکنیم، چرا ما اینکار را نکنیم؟ اگر دوسوم نمایندگان ملت تصویب کردند ونظر دادند که خانه‌دارشدن مردم بهتر است از داشتن این نفیسه، حالا منحصر بفرد هم هست چه اشکالی دارد؟

نایب‌رئیس — آقای دانش راد بفرمائید.

دانش‌راد — جواب آقای ربانی‌املشی این است که وجود این نفائس درکشور موجب جاذبهٔ توریستی می‌شود ومردم را جلب می‌کند وازاین راه علاوه برافتخار، درآمدی برای‌مملکت است، بنابراین آن مسأله‌ای که ایشان فکر می‌کنند، ازاین راه جبران می‌شود.

نایب‌رئیس — بطورکلی آقای ربانی مسأله‌این است که درطول تجربهٔ‌گذشته، در طول این مدت اسنادی ازعلوم اسلامی‌ما وآثار هنری وصنعتی وفرهنگی ما ربوده شده که دوستان در برابر هرنوع روزنه ربودن حق دارند حساس باشند چون بعضی چیزهایش را واقعاً محال است که به این مملکت بازگردانیم و چون اینگونه مسائل ثروت‌های یک نسل نیست، بلکه ثروت نسلهاست این است که یک مقدار مراقبت درآن فکر نمی‌کنم ضرری داشته باشد.

رشیدیان — اگر جنابعالی تذکر بفرمائید که همهٔ مصوبات مجلس از شورای نگهبان که غالباً فقها هستند می‌گذرد، دیگر این بحث‌ها را ما اینجا نخواهیم داشت.

نایب رئیس — بسیار خوب، اجازه بفرمائید پس برای اخذ رأی با ورقه می‌خوانم:

اصل ٤٤ — بناها واموال دولتی که از نفائس ملی‌باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب دوسوم نمایندگان مجلس شورای ملی به‌شرط آنکه از نفائس منحصر بفرد نباشد.

لطفاً گلدانها را برای رأی‌گرفتن ببرید.

(آقایان دکتر روحانی وعضدی درمحل نطق حاضر شدند وپس از شمارش آراء نتیجه بقرار زیر اعلام گردید.)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی را اعلام می‌کنم عدهٔ حاضر در جلسه پنجاه و سه نفر، شمارهٔ آراء پنجاه و سه رأی، موافق چهل و شش نفر، مخالف یک نفر، ممتنع شش نفر،

بنابراین این اصل با چهل و شش رأی به‌تصویب نرسید وبرای بررسی بیشتر به‌گروه فرستاده می‌شود .

پرورش— وقتیکه تعداد حاضر درجلسه زیاد نیستند و عده‌ای هم احتیاطاً رأی ممتنع می‌دهند معمولا همینطور می‌شود .

طاهری اصفهانی— اجازه بدهید عرض کنم. من رأی مثبت هم داده‌ام ولی بعضی از دوستان می‌گویند این ذیل اصل را حذف کنید ورأی جدید بگیرید خلاف آئین‌نامه هم نیست این تجربه‌ای هست ضرر هم ندارد .

۳ — طرح اصل ۶۵

نایب‌رئیس— من‌فکر نمی‌کنم آن ذیل خیلی اثر داشت به‌هرحال اجازه بفرمائید اصل ۶۵ را می‌خوانم:

اصل ۶۵— عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی وقراردادهای دیگر ازاین قبیل باید به‌تصویب مجلس شورای ملی برسد .

نایب‌رئیس— در این زمینه نظری هست ؟ آقای ربانی بفرمائید .

ربانی‌شیرازی— «ازاین قبیل» یعنی چه؟ بگوئید «عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌هاوقراردادهای بین‌المللی دیگرباید به‌تصویب مجلس شورای‌ملی برسد» .

نایب‌رئیس—منظورایشان‌این است که‌بنویسند:«عهدنامه‌هاومقاوله‌نامه‌ها وقراردادهای بین‌المللی دیگر» که عبارت سرراست‌تر باشد البته ممکن است بعضی ازاینها بین‌المللی نباشد ببینید مثلا «عهدنامه» ممکن است‌با یک کشور ویک‌گروه باشد «مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی» اصطلاحاً برای تمام کشورها است «قراردادهای‌دیگرازاین‌قبیل» که عهدنامه‌نیست ومقاوله‌نامه هم نیست ولی شبیه اینها است. آقای رشیدیان بفرمائید .

رشیدیان — یک مطلبی هست که‌به‌نظر من باید به‌تمام این اصول افزوده بشودودرآنها گنجانده بشود وآن این است که‌این عهدنامه‌ها وقراردادها ومقاوله‌نامه‌های بین‌المللی راه‌نفوذ استعمار را درگذشته باز میکرده وخطر این را دارد که‌اقتصاد مملکت، سیاست مملکت،فرهنگ مملکت در دست بیگانه قبضه بشود ، بنابراین‌شرط احتیاط آن است که ما این قدرت‌ونفوذ رئوس این قراردادها را در اشخاص ومراجع مختلف پخش کنیم. بهتر آن است که‌علاوه بر مجلس شورای ملی ، مقامات و مراجع دیگری که در نظر است در این قانون اساسی گنجانده شوند، ذیل این قراردادها را امضاء کنند مثل‌شورای رهبری ومقام رهبری ویا تصریح شود کل شورای نگهبان ومراجع دیگر که این موضوع یک‌مقدار تحکیم شود .

نایب‌رئیس — آقای هاشمی نژاد تذکری دارید ؟

هاشمی‌نژاد — عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌های بین‌المللی که‌اینجا آورده شده است،درمورد عهدنامه‌اگر بین یک کشور بایک کشور دیگر باشد قاعدتاً به‌آن بین‌المللی اطلاق میشود،لازم نیست که‌در رابطه باده ، پانزده کشورباشد آنچیزی که مامی‌فهمیم این است که بین‌المللی شامل همهٔ اینها هست مثلا بین دولت ایران بایک دولت دیگر عهدنامه‌این است.(نایب رئیس — اینطور نیست .) چرا اینطور است‌هرچیزی که در رابطه کشور با خارج از کشورباشد آنرا شامل‌می‌شود .

نایب‌رئیس — اینها یک‌اصطلاحی است . آن چیزی که‌درذهن من‌است این است که قرارداد یک کشوربایک کشور دیگر مشمول قوانین وقواعد حقوق بین‌الملل‌است اما خود قرارداد رانمی‌گویندقرارداد یامقاوله‌نامه بین‌المللی ، این دوتا باهم اشتباه نشودواین‌اصطلاحی را که‌جنابعالی میفرمائید برای من سابقه ذهنی ندارد که‌مثلابه‌قرارداد بین ایران وافغانستان بگویند یک‌عهدنامه بین‌المللی .

هاشمی‌نژاد — عرض من روشن نشد یک‌وقت است که اگر قراردادی بین ایران ویک کشور دیگر انجام شد این را بخودی خود نمی‌گویند قرارداد بین‌المللی، ولی در یک فصل کلی که‌بخواهیم قانون وضع بکنیم اگر بگوئیم عهدنامه‌های بین‌المللی دولت باید باتصویب مجلس‌شورای ملی‌باشد شامل عهدنامه‌های دیگر دولت بایک کشور خارجی احتمالا نمیشود .

نایب‌رئیس — بله فرمودید احتمالا نمیشود ، من که در ذهنم این‌بود که نمیشود ، دوستانی که‌با این اصطلاح مراجعه نزدیک دارند نظر میدهند . آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — هر قراردادی بادولت خارجی یک قرارداد بین‌المللی است.

نایب‌رئیس — عنایت بفرمائید آقای بنی‌صدر،ماچند اصطلاح داریم که اینها را نبایدبا هم قاطی کرد ، حقوق بین‌الملل ، مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی و عهدنامه با یک کشور دیگر، مثلا می‌گویند این‌یک عهدنامه بین‌المللی است یا نیست؟ سؤال این است می‌خواهیم ببینیم در اصطلاح موجود این چیست؟

بنی‌صدر — عرض کنم قراردادهائی که بین دولتها بسته میشود مرجع رسیدگی بین‌المللی دارد، بنابراین خود این قراردادها بین‌المللی تلقی می‌شود اعم ازاینکه بین یک دولت یایک دولت دیگر بسته شود یااینکه بین یک دولت یاچند دولت باشد فرق نمی‌کند .

نایب‌رئیس — آقای غفوری بفرمائید.

گلزاده‌غفوری — معمولا عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌ها وقتی بین یک دولت با یک دولت دیگر باشد این را نمی‌گویند بین‌المللی است ولی شامل قواعد وقوانین بین‌المللی میشود.

نایب‌رئیس — این چیزی که جنابعالی میفرمائید همان است که در ذهن من‌هم بود. آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — قراردادهای دویا چندجانبه وهمچنین قراردادهای بین‌المللی داریم.

فاتحی — در مورد این چهار اصل در کمیسیون شمارهٔ هفت بحث‌شد منظورازقراردادها، قراردادهای بین دودولت است. عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌های بین‌المللی که مورد تأیید سازمان بین‌المللی باشد وقراردادهای دوجانبه بین‌دودولت، این‌باید با تصویب مجلس‌شورای‌ملی‌باشد.

نایب‌رئیس — توضیح علاوه‌ای‌نداشت دیگر، به‌هر حال نظرها فرق دارد راجع به‌این موضوع می‌توانیم بعداً مراجعه کنیم. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — من‌عقیده‌ام‌این‌است که‌دراینجا چیزی‌رابگنجانیم که‌جلوی قراردادهاو مقاوله‌نامه‌های‌سری را بگیرد علاوه براینکه به‌تصویب برسد مردم هم از آن اطلاع پیدا کنند تاجلوی‌سری‌بودن آن‌گرفته شودچون ناراحتی‌هائی که ما دیده‌ایم همه ازطرف‌همین قراردادها و مقاوله‌نامه‌های سری بوده است‌بایدیک‌طوری بشود که مادیگر از این قراردادهای سری‌نداشته باشیم.

نایب‌رئیس — اینها به اصل دیگر مربوط است آنجا مطرح میشود . آقای حسینی‌هاشمی

بفرمائید.

حسینی‌هاشمی — اگر نظر مبارکتان باشد قرارداد کاپیتولاسیون باحدود شصت نفر تصویب شد بعقیدهٔ من قراردادهای خارجی نوعاً اگر بنااست برای یک کشوری تعهدی‌رابیاورد تصویبش بانصف بعلاوه یک کم است باید یابا دوسوم یاسه‌چهارم باشد یعنی بایک شرایط مشکلی باشد تادقت‌بیشتری رویش بشود وکاملا معلوم شود که بنفع کشور هست‌وشرط این باشد که قابل انعقاد نیست مگر باتصویب دوسوم اعضای مجلس شورای‌ملی.

نایب‌رئیس — آقای موسوی اصفهانی بفرمائید.

موسوی‌قهدریجانی — من اعتراضم این‌است که چرا باید اصلهائی که به‌این مهمی‌هست در کمیسیون مطرح نشده باشد ، البته این کمیسیونی را که‌عرض می‌کنم کمیسیون‌مشترك است چون به‌نظر من این‌دواصل فوق‌العاده اهمیت دارد وحالا که‌قرار است روی این‌اصل‌بحث شود دوپیشنهاد دارم یکی این است که یک‌چهارچوبی بطور کلی مشخص شود که‌این عهدنامه‌ها منافی بااستقلال نباشد وحافظ آزادی باشد وتمامیت ارضی را حفظ کند، بعلاوه‌یک چهارچوبی باشد که نماینده‌ها را محدود بکند در این‌موارد وعدد نمایندگانی راهم که‌بایدرأی بدهند مشخص بشود .

نایب‌رئیس — آقای دانش‌راد بفرمائید.

دانش‌راد — ما در رژیم گذشته با دولتها موافقتنامه‌هائی داشتیم مثلا با بلوك شرق موافقتنامه‌های همکاری‌داشتیم که‌مجلس تصویب میکرد وبراساس‌این موافقتنامه‌ها، مؤسسات دولتی با مؤسسات دولتی‌طرف قرارداد، دیگر بدون تصویب مجلس قرارداد می‌بست، این‌یک حالت،حالت دیگر مؤسسات دولتی بدون تصویب مجلس با مؤسسات بلوك غرب برای خرید لوازم یدکی مستقیماً معامله‌می‌کردند مثلا با آلمان یا فرانسه ، این‌باید بررسی شود که این عبارت «قراردادهای دیگر از این قبیل » مشکلاتی را برای کارخانجات‌اضافه‌نکند.

نایب‌رئیس — یعنی به‌تعبیر شما عبارت « قراردادهای دیگر از این قبیل » یک‌عنوان مبهمی‌است که‌نمی‌تواند خیلی روشن‌باشد؟من یک‌توضیحی به‌آقای موسوی‌اصفهانی(قهدریجانی) میدهم وآن‌اینکه ترتیب وشیوهٔ جدیدی که برای پیشبرد کار باتجربه‌هائی که کرده‌ایم وبه آن‌رسیدیم که‌نسبتاً روش سودمند ومفیدی است ونشانه‌آنهم این است که می‌بینید ، برطبق‌آن روش همه‌اعضای مجلس در آنجا نیستیم زیرا در آنجا آقایان یک‌گروه‌هفت‌نفری را انتخاب کرده‌اید که‌یک کار جداگانه‌ای‌بکنند ، یک مرحله‌ای از کار را انجام میدهند ومیفرستند به گروه مشترك و آنجا هم یک مرحله از کار انجام میشود و می‌فرستند به‌گروه‌اول وطبع این کار اینطور ایجاب‌می‌کند که‌همه دریک‌جانباشیم هفت نفر یک‌جاباشند وبقیه در جاهای‌دیگروبعد همه در این جلسه می‌آئیم. ماباین روش کار کردیم یک‌مقداری از اصول هم‌تهیه‌شد البته‌ما فکر نمی‌کردیم که امروزصبح بتوانیم هشت اصل را به تصویب برسانیم ولی این کار انجام شد وطبعاً اصولی که‌الان مطرح است از همان گروه هفت‌نفری آمده است وفرصت نشده‌است که به‌گروه‌مشترك برودومن فکرنمی‌کنم که اشکالی داشته باشد که روی این‌اصول درهمین جلسهٔ علنی بحث بشود وفکر کنیم که‌در جلسه مشترك هستیم. آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — اشکالاتی که آقایان گرفتند این اشکالات رفع شده برای اینکه آنچه که مربوط میشود به قراردادهای باکشورهای دیگر که امتیازی برای آنها در کشور ما ایجاد

می کند، اصل شصت وشش این اشکال را رفع می کند که نمیشود به کسی امتیاز داد و اما در مورد اینکه قرارداد می بندند که استقلال کشور ما را به خطر بیاندازند شما خودتان در کمیسیون بودید اساس استقلال در روابط خارجی ایران را ما در اصل بیست وششم بیان کردیم، بنابراین قراردادی نمیشود از طرف آنها به امضاء برسد و از طرف دیگر ما استقلال را تعریف کرده ایم گفته ایم استقلال نه تسلط و نه زیرسلطه قرار گرفتن از طرف روابط خارجی ایران و در حد این مفهوم سرزمین ایران جزء لاینفک وطن اسلامی است البته این موضوع هنوز به تصویب مجلس نرسیده ولی پیشنهاد گروه هفت نفری اینست. (تهرانی — اصل بیست و هشت را بخوانید گویاتر است.) انعقاد هرگونه قراردادی که موجب سلطهٔ یک کشور یا چند کشور خارجی بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور و ارتش و دیگر قوای مملکتی گردد ممنوع است، بنابراین نکاتی که به نظر شما می رسیده به اصطلاح شش میخه شده ان‌شاءالله ناراحتی‌شان از این طرف رفع شده باشد الا اینکه در مورد دو سوم عرض کنم که مقاوله‌نامه ها و عهدنامه ها و قراردادها همه‌اش از قبیل قراردادهای نظامی و اقتصادی نیست بندرت ازاین قراردادها انجام میشود غالباً مبادله فرهنگی یا قرارداد تجارتی و مسائل روزمره است و اگر شما اینها را بخواهید با دو سوم مقید بکنید معنایش این است که اگر ما بخواهیم یک چیزی را وارد بکنیم باید ششماه طول بکشد تا ما یک قرارداد تجارتی منعقد بکنیم و تصدیق میفرمائید که این کار عملا ممکن نیست و امیدوارم که با این توضیح مشکل رفع شده باشد. (خانم گرجی — اگر یک مورد هم پیش بیاید لازم است سه چهارم را بگذاریم که محکم کاری بشود.) دراصول دیگر که الان خواندم گذاشته‌ایم و در مورد محکم کاری هم که ما یک اصل در این مورد گذاشته‌ایم ، دیگر چند اصل بگذاریم؟ این حرف معنایش این است که در تمام اصول باید تکرار شود و این درست نیست.

نایب رئیس — آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — به‌نظرمی‌آید که یک وقت تفاوت وفرق عهدنامه هاومقاوله‌نامه ها اعتباری است والامفهوم یکی است. یک وقت طرفین متعهدمی‌شوند، یک موقع قول می‌دهند، یک وقت قرار می‌گذارند بنابراین در این صورت این عبارت صحیح به نظر نمی‌رسد که بنویسیم عهدنامه ها و مقاوله‌نامه های بین‌المللی و قراردادهای دیگر بین‌المللی.

نایب‌رئیس — برطبق اصطلاحاتی که الان هست، تعریف دقیق اینها باید اینجا روشن شود ولی این اصطلاحات درعرف حقوقی همه هست، عهدنامه، مقاوله‌نامه، ولی قرارداد یک اصطلاح کلی عام است که شامل آنها هم میشود و لذا گفتیم قراردادهای دیگر. (فوزی —ولی فرق اعتباری است.) فرق اعتباری باشد، وقتی فرق هست و اعتباری هم هست چه اشکالی‌دارد اجازه بدهید آقای آیت توضیح میدهند.

دکتر آیت — این مسأله چند حالت دارد گاهی اوقات مربوط به دو دولت است، گاهی اوقات مربوط به یک دولت با یک شرکت و یک مؤسسه‌ای است مثلا طرف دولت ایران است با یک مؤسسه‌ای یا بالعکس، آنطرف دولت است با یک مؤسسه ایرانی و گاهی اوقات یک مقاوله‌نامه هائی است که ما به آن می‌پیوندیم یعنی در خارج یک مقاوله‌نامه هائی هست و بعد ما به آنها می‌پیوندیم و همه اینها باید با تصویب مجلس باشد حالا آن مسأله دو سوم و سه چهارم را میشود تفکیک کرد ولی مقاوله‌نامه ها یک چیزهائی است که بعدیک دولت به‌آن قرارداد جهانی که قبلا وجود دارد می‌پیوندد مانند قراردادهای پستی که در حد جهانی هست

و این دولت به آن می‌پیوندد.

نایب رئیس — آقای فوزی شما و آقایان میفرمائید که ما می‌توانیم به آن عهدنامه بگوئیم، این طرز برخورد به اصطلاحات معمول نیست که ما می‌توانیم به آن چه‌چیز بگوئیم وقتی در فرهنگ حقوقی اصطلاحاتی موجود است، بنابراین هرکدام از این اصطلاحات درهمان حدود و تعاریف فرهنگ حقوقی بکار میرود حالا ما بحث کنیم که میشود به این مقاله‌نامه یا عهدنامه گفت، درست نیست یک عهدنامه‌ای هست که ما به‌آن می‌پیوندیم ولی اصطلاحاً به این مقاوله‌نامه می‌گویند. آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — این موضوع فقط شامل عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌و قراردادهای بین‌المللی‌میشود و شامل قرارداد دو جانبه ایران و یک دولت دیگر نمی‌شود. (نایب رئیس — چرا نمی‌شود؟) برای اینکه اینها بین‌المللی است.

نایب رئیس — نه آقا بعد داریم «و قراردادهای دیگر از این قبیل» (فارسی — از چه قبیل؟) از قبیل عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی.

دکتر آیت — راست می‌گویند دو جانبه و چند جانبه‌اش را باید قید کرد.

طاهری‌اصفهانی — عین اصل شصت و یک پیش‌نویس است‌بدون یک کلمه کم یا زیاد «قراردادهای دیگر از این قبیل» یعنی از قبیل بین‌المللی ظاهر عبارت این است. (نایب‌رئیس— ظاهرش این است که «از قبیل» به عهدنامه‌ها هم می‌خورد.) شما که درکمیسیون نبودید از آقایان که بودند بپرسید که از این متن چه می‌فهمند؟ ما درکمیسیون بودیم و این طور تعبیر شد که قراردادهای دیگر یعنی‌قراردادهای دیگر بین‌المللی.

نایب رئیس — خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — «و هرگونه قرارداد دیگر» بنویسید اشکال رفع می‌شود.

نایب رئیس — هرگونه قرارداد با چه کسی؟ یعنی قرارداد داخلی هم همینطور؟ اینطور نمی‌شود دوستان توجه بفرمائید مثل اینکه اگر ما بخواهیم همه اصول یا چند اصل را در یک اصل بگنجانیم مانع از این میشود که هر اصلی در جای خودش قرار بگیرد. (فارسی — قراردادها و عهدنامه‌ها با دول خارجی درکدام اصل است؟) با دولتهای خارجی که عیبی ندارد ایشان می‌گویند قراردادهای داخلی را هم شامل بشود. اصولا اجازه بدهید به مأخذ مراجعه بشود.

دکترآیت — اینجا یک کتاب آورده‌اند درباره اصطلاحات‌حقوقی که می‌خوانم: «قرارداد بین‌المللی عقدی است که اطراف آن دو یا چند دولت باشند» پس منظور قرارداد بین دو یاچند دولت بین‌المللی است. (نایب رئیس — پس آنجا هم که بین دو دولت باشد بین‌المللی گفته میشود.) توجه بفرمائید «عهدنامه نوشته‌ای است که در آن قراردادی از قراردادهای بین‌المللی ضبط شده باشد و مقاوله‌نامه نوشته‌ای حاکی از یک قرارداد بین‌المللی را گویند و به‌معنای عهدنامه است اصطلاح قرارداد بین‌المللی مناسب‌تر است».

نایب رئیس — پس اینطورکه در اینجا هست عهدنامه و مقاوله‌نامه هر دو به سند یک قرارداد گفته میشود بنابراین عهدنامه و مقاوله‌نامه بر طبق این اصطلاح میشود مترادف یکدیگر و عنوانی برای سند قرارداد، بنابراین اگر اینطور باشد این اصل عیناً از همان پیش‌نویسی که قبلا منتشر شده گرفته شده است.

دکتر آیت — و درست هم هست در قانون اساسی قبلی هم عهدنامه و مقاوله‌نامه نوشته شده است.

نایب رئیس — با این سندی که الان به عنوان مأخذ ذکر کردید این نشان میدهد که هیچ حاجتی نیست، میشود نوشت: «کلیه قراردادهای بین‌المللی باید به‌تصویب مجلس‌شورای ملی برسد.»

بنی‌صدر — عهدنامه یک چیز است و قرارداد یک چیز دیگری است.

نایب‌رئیس — آنچه درذهن ماست این‌است که مقاوله‌نامه‌گفته میشود به قراردادهائی که تهیه می‌شود و به صورت بین‌المللی هست نه بین دو دولت و درآنجا دیگران هم بتدریج به آن می‌پیوندند به این گفته می‌شود مقاوله‌نامه. ولی این مأخذی راکه‌آوردند نظر دوستانی‌را تأیید می‌کند که فکر می‌کردند یکی باشد ولی اجازه بدهید به یک مأخذ اکتفا نکنیم و به مآخذ متعدد دیگری نیز مراجعه کنیم. با اجازه نمایندگان این اصل را برای بررسی بیشتر به گروه می‌فرستیم.

٤ — طرح اصل ٦٦

نایب رئیس — حالا اصل ٦٦ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ٦٦ — دادن امتیاز تشکیل شرکتها ومؤسسات دربخش عمومی، و اعطای انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی.

نایب‌رئیس— آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — در مورد این اصل بخصوص درآنجائی که اعطای انحصار گفته است موضوع مبهم است اگر منظور دادن انحصار به خارج باشد من مخالفم که در یک موردی مثلا بگوئیم که نفت ما در انحصار فلان کشور باشد یا هر چیز دیگر، در مورد داخل هم باز اگر در انحصار دولت باشد مجاز است ولی اگر بخواهیم در انحصار یک شرکت باشد مثل تلویزیون که درگذشته در انحصار آن شخص قرار داده بودند باز من مخالف هستم.

نایب رئیس — آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — اینجا قید نشده که این تشخیص ضرورت با چه کسی است؟

نایب رئیس — وقتی اینجا می‌نویسیم «مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس» یعنی مجلس تشخیص بدهد که این ضرورت دارد یا نه.

کیاوش — در ضمن می‌خواستم عرض کنم در آن اصل شصت و چهار برای دادن یک شیئی نفیس به‌یک جائی با آنهمه فشار، تصویب دو سوم نمایندگان را پیشنهاد کردند ولی در مورد این دو اصل شصت و پنج و شصت و شش یعنی دادن همه مملکت یا نگهداری همه مملکت پیشنهاد می‌کنم هر دو اصل را بگذارید که قبلا درکمیسیون بررسی بشود و بعد به جلسه علنی بیاورند.

نایب رئیس — الان که داریم بررسی می‌کنیم اجازه بدهید ادامه بدهیم اگر دیدیم واقعاً مبهم است و اصلاحات زیادی می‌خواهد می‌بریم به جلسه مشترک گروهها وگرنه همین‌جا کارش را تمام می‌کنیم. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — وقتی می‌گوید «اعطای امتیاز» دیگر متعلقش را بیان نکرده است و این اعم است پس اجازه بدهید اینطور باشد تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت حالا چه اشخاص عادی و یا حقوقی اعم از داخلی و خارجی اگر ما اعطای امتیاز را به‌طور کلی بگوئیم ممنوع است و اگر این را هم بخواهید توضیح و تشریح کنید در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی حالا از طرف دولت به اشخاص عادی یا حقوقی اعم از داخلی یا خارجی اگر توضیح بدهید روشن میشود.

نایب رئیس — نه آقا کافی است دیگر، این مطلق است، یعنی میگوئیم ممنوع است به‌طور کلی مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای‌ملی پس اشکالی از نظر شما ندارد.

فاتحی — خلاصه چیزی که اضافه کرده‌ام منظورم این بوده و این چهار اصل در گروه هفت تنظیم شده است.

بنی‌صدر — اینکه نمی‌شود، شاید پیشنهاد فروش اسلحه داده باشند، میشود همین‌طور اسم نبریم؟ نمی‌شود، باید معلوم شود چه چیزی است.

طاهری اصفهانی — در اصل ۶۰ پیش‌نویس اینطور نوشته شده: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات عمومی».

نایب رئیس — این عمومی اینجا تبدیل شده به«در بخش عمومی» که روشن‌تر باشد.

طاهری اصفهانی — عمومی و بخش عمومی چه فرقی دارد که روشن‌تر میشود؟

نایب رئیس — برای اینکه بخش عمومی و بخش خصوصی در اقتصاد مصطلح است و خیلی روشن میفهمند گفته میشود که در بخش عمومی یعنی در آنجائیکه اموال‌عمومی و کارهای عمومی مثل راه‌آهن، جاده‌سازی و امثال اینها...

طاهری اصفهانی — مؤسسات عمومی این مفهوم را نمی‌رساند؟

نایب رئیس — به نظر من از نظر حقوقی این روشن‌تر است.

طاهری‌اصفهانی — بعدش و «اعطای امتیاز انحصار» این «امتیاز» در اینجا افتاده است.

نایب رئیس — چون زائد است به آن میگویند «اعطای انحصار».

طاهری‌اصفهانی — «در امور تجاری» آنجا تجارتی است، «و صنعتی و کشاورزی ومعادن‌و خدمات» آنجا خدمات ندارد «از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است».

نایب رئیس — خیلی خوب، اینجا هم همین است، فقط خدمات را اضافه کرده‌ایم و نیز اضافه کرده‌ایم «مگر در موارد ضرورت».

بنی‌صدر — مثلا انحصار مستشار بدهد به نظامیان امریکائی، نمی‌شود اینجا خدمات را اضافه کرده‌ایم.

طاهری اصفهانی — مستشاران را در یک اصل دیگری داشتیم.

نایب رئیس — آن یک بحث دیگر است، این یک بحث دیگر، میخواهیم بگوئیم خدمات هم مثل سایر کارهای اقتصادی است.

بنی‌صدر— خدمات تنها مستشار هم نیست، تمام کارها مثلا بانک خدمات است، تجارت خدمات است، مراکز تفریحات ورزشی خدمات است، همه اینها خدمات است، فرهنگ خدمات است، مستشاران را از باب مثال آوردم والا در اصل دیگری هم مطرح میشود، این انحصار خدمات دادن در آن زیاد فساد پیدا میشود این است که ما اینجا اضافه کردیم حالا اگر بگوئید

این ابداً ممنوع است و هیچوقت نباید داد در گروه هفت نفری و هیأت هفت نفری روی آن زیاد بحث شد این عملا شدنی نیست چون به‌حکم ضرورت ما به‌خیلی ازچیزها فعلامحتاجیم و قراردادهائی پیش می‌آید که باید منعقد گردد.

موسوی اردبیلی — انحصار نباید باشد والا قرارداد مانعی ندارد.

حجتی کرمانی — اینجا نوشته‌اید «در بخش عمومی» آنوقت در بخش خصوصی اشکالی ندارد؟

نایب رئیس — آقای حجتی آنجااصلاانحصار نیست‌اولی‌دادن امتیاز است‌دربخش‌عمومی گفته میشود امتیاز تشکیل شرکت یامؤسسه‌ای را اگر بخواهند در اقتصاد عمومی کشور به کسی بدهند حتی دادن امتیاز غیرانحصاری یعنی به‌دونفر هم‌میدهند انحصار نیست، با این وجود تصویب مجلس را میخواهد پس در بخش عمومی دادن امتیاز احتیاج به‌اجازه مجلس دارد.

حسینی‌هاشمی— اگرامتیازضرورت پیدا کرد وسه‌چهارم مجلس هم ضرورتش‌راقبول کردند و سه‌چهارم تمیز دادند که‌موجب استیلای‌خارج نیست که‌اصلا ممنوع باشد وحتماً هم‌ضرورت دارد باز میشود به‌صورت‌موقت کنترلش کرد به‌صورت‌موقت که‌مثلا پنج‌سال، پنج‌سال‌حق‌قرارداد بستن داشته‌باشند تاسرپنج‌سال دوم، دوره دوم نمایندگان مجلس که‌می‌آیندباز دوسوم یا سه چهارم آنها اگر تشخیص دادند این قرارداد قابلیت تجدید داشته باشد، خوب ملاحظه‌بفرمائید این کشورهای تحت استعمار ازکجا تحت استثمار قرار گرفته‌اند؟ از همین راه تحت استثمارقرار گرفته‌اند ، از راه آسمان‌وزمین که‌تحت استثمار قرار نگرفته‌اند .

نایب‌رئیس — خیلی مشهود است که مافعلا بنا را گذاشته‌ایم روی اسارت‌الفساد در آینده ، یعنی ما از بس در گذشته مجلس شورای ملی قابل اعتماد نداشته‌ایم و مجلس شورای شاهنشاهی داشتیم به‌جای شورای ملی ودیگرمجلس سنا هم‌مکمل آن بود وآن‌چنان‌راآن‌چنان‌تر کرده بود از بس‌دچار رنج‌گذشته بودیم حالا هرقدر هم بخواهیم به‌آینده خوش‌بین‌باشیم برایمان دشواراست. آخرآن نمایندگان، دویست‌وپنجاه‌نفر، دویست‌وهفتادنفریا سیصدنفری هم که‌ان‌شاءالله قرار است دوسه‌ماه دیگرانتخاب بشوند آنها هم‌نمایندگان ملتند واکثریت آنها میتوانند حافظ‌مصالح ومنافع‌ملت باشند چون این بیم‌ونگرانی را داریم میخواهیم در قانون اساسی آنقدر قید وبندبگذاریم که‌این خیانت‌ها پیش نیاید ولی عنایت بفرمائید که‌قید وبند زیاد سبب میشود میدان عمل‌مجالس آینده هم محدود بشود وچه‌بسا در محدودیت‌های بیش ازحد هم زیان‌های فراوانی باشد که قابل‌تحمل برای ملت ایران نباشد حالا چه باید کرد که هم ملت ما وهم نمایندگانش در اینجا نسبت به‌آینده خوش‌بین باشند ، چه عرض کنم.

طاهری اصفهانی — ما نمی‌دانیم در آینده چطور میشود ولی باید جنبه احتیاط را رعایت کنیم. حرفی که‌ایشان میزنند چه‌اشکالی دارد؟ بستگی داشته باشد به‌یک‌دوره‌نمایندگی،دوره بعد اگرصلاح دیدندتمدید کنند.

دانش‌راد — بهتر این است که‌فعلا امتیاز انحصار را ممنوع بکنید امتیاز تشکیل شرکتهای عمومی را خیلی خوب، برحسب ضرورت مجلس تصویب میکند ولی انحصار را فعلا نمی‌بینیم چندان ضرورت داشته باشد .

نایب‌رئیس — بنویسیم مطلقاً ممنوع است یامسکوت عنه‌بگذاریم.(دانش‌راد-مطلقاً

ممنوع است.) آن وقت اگر روزی خواستند بدهند باید به رفراندوم بگذارند.

دانش‌راد — من نمی‌بینم چیزی که ما ناچار باشیم این را پیش‌بینی کنیم.

مکارم شیرازی — بنده میخواهم در تکمیل مطلبی که آقای دکتر بهشتی فرمودند عرض بکنم، مباحثی که مطرح میشود غالباً دوجنبه دارد یک جنبه جلب منفعت ویک جنبه دفع ضرر. غالباً ما به دفع ضرر فکر میکنیم جلب منفعت هم مهم است مملکت باید اداره شود فرض کنید فردا برای تأمین گوشت باید بایک مؤسسه داخلی انحصاری از باب اضطرار جامعه، عنوان ثانوی، هرچه میخواهید اسمش را بگذارید دیدیم اگر به یک مؤسسه انحصاری بدهیم اداره میکند ما نباید دست را ببندیم باید جلب منفعت را در نظر داشته باشیم، دفع ضرر را هم بکنیم هر دو جنبه را در نظر داشته باشیم.

نایب رئیس — انحصار البته دوجوراست، یکی انحصار دولتی ویکی هم انحصار دادن به اشخاص. در مورد انحصار دولتی که فکر نمی‌کنم در این باره دوستان بحثی داشته باشند یعنی ممکن است در برخی موارد منحصر کردن یک کار به دولت که دست ملت است یعنی ملی کردن یک صنعت در حقیقت یک کار صحیح باشد و به صلاح ملت باشد ولی در مورد انحصار شخصی، بطور کلی دوستان این نگرانی را دارند که درست است که انحصارات شخصی ممکن است فراوانی را به بار آورد ولی از نظر دیگر هم سرمایه‌داری کشنده، راهش را به جامعه واقتصاد باز میکند، این را هم باید توجه کرد.

طاهری اصفهانی — انحصار اساساً خلاف اسلام است.

نایب رئیس — البته غیر از دولت، دولت که نه!

خانم گرجی — من اضافه کرده‌ام انواع سرمایه‌گذاریهای افراد حقوقی ووابسته به مقامات دولتی و خارجیان مقیم و غیرمقیم کشور، اگرچه برای مدت کوتاه و بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است، یعنی تمام اینها باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد قیودش را به عنوان محکم کاری یک مقدار زیادتر کرده‌ام.

کیاوش — هرگونه اعطای انحصار، به رفراندوم گذاشته شود.

نایب رئیس — ولو انحصار داخلی؟ (کیاوش — بلی).

حجتی کرمانی — پیشنهاد میکنم چون عده بقدر لازم حضورندارند ونمی‌توانیم نتیجه‌ای از این مباحثات بگیریم نفر بعدی که در لیست نطق‌های قبل از دستور و بعد از دستور نوبتشان هست بیایند بیاناتشان را بکنند.

نایب رئیس — برنامه امروز این جلسه از کار صبح شنبه‌مان میکاهد یعنی عده‌ای که امروز نظراتشان را میگویند اگر شنبه دیگر تکرار نکنند به پیشرفت کار مجلس کمک خواهند کرد.

رشیدیان — قبلا اصلی داشتیم که هر نوع سلطه و انحصار را مردود دانسته و با توجه به اینکه انحصار طلبی و داشتن انحصار منجر به سرمایه‌داریهای بزرگ میشود که فرمودید این باید مطلقاً ممنوع باشد و هر انحصاری باشد سلطه می‌آورد.

نایب رئیس — بله، به ذهن می‌آید که ما اگر بتوانیم انحصارات غیر دولتی را مطلقاً اینجا ممنوع بکنیم این به آن مسیر اقتصاد مصون از انحصارطلبیهای سرمایه‌داری نزدیکتر باشد.

بنی‌صدر — متنی که در آن گروه هفت نفری تصویب شده انحصار نداشت در قلمرو بخش عمومی ، یعنی آن بخشی که دولت اداره میکند دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات از طرف دولت ممنوع است مگر به حکم ضرورت و با تصویب مجلس شورای ملی ، بعد ما روی همین توضیحاتی که آقای مکارم فرمودند آنجا کلمهٔ انحصار را هم برای موارد اضطراری گذاشتیم که راه بسته نشود. حالا اگر این را بخواهیم حذف بکنیم بخش خصوصی که همیشه داخلی نیست گاهی فرض کنید در پتروشیمی بخواهید قراردادی ببندید و طرف حاضر نمی‌شود و میگوید باید بازار دست من باشد، یا شما باید بگوئید که اصلا اینگونه قراردادها را نمی‌بندیم یا اگرمی‌بندیدچنین موردی‌را هم پیش‌بینی بکنید، البته صرفه استقلال ما به‌این است که ازپیش بگوئیم نه، چنین قراردادهائی را نمی‌بندیم و آنها هم بدانند حتی انحصار بازار را هم به آنها نمی‌دهیم اگر قصد این است باید بحث بیشتری شود و یک نفر که کاملا به این امور وارد است بیاید و از جهت اقتصادی قضیه را درکمیسیون مشترك تشریح کند ببینیم چه تالی فاسدی دارد اگر ما این را حذف بکنیم چون ما هم در آن کمیسیون آن را حذف کرده بودیم به اصطلاح آقایان احوط این است که نباشد.

نایب رئیس— اینجا صحبت احوط نیست، صحبت استقلال کشور است نه تنها در برابر خارج بلکه در برابر متنفذین سرمایه‌دار داخل هم باید مصالح اقتصادی تودهٔ مردم و ملت و ناس رامصون نگه داشت.

دکتر گلزاده غفوری— یکی از آقایان مسأله نفع مردم را عنوان کردند در آن صورت هم ما باید در مقررات خودمان روح اسلام را در رابطه با انسانها در نظر داشته باشیم هر انحصاری مستلزم محرومیت دیگران است بنابراین همانطورکه در جلسه گفتم انحصار را فعلا کنار بگذاریم چون با روح اسلامی قابل تطبیق نیست ولو به قول ایشان جلب منفعت را در بر داشته باشد، ما این‌گونه منفعت را نمی‌خواهیم و هدف انسانی داریم.

تهرانی— ما درآن جلسه هم‌گفتیم دراسلام هیچگونه‌انحصارگری نیست یکی از ادله‌اش این است که لازمه هر انحصاری منع دیگران است منع دیگران از معاملاتی که درشرع مقدس جایز است خوب میدانید معنی‌اش این است که ما حلال خدا را حرام می کنیم و حلال محمد حلال الی یوم‌القیامه وحرامش هم همین‌جور است لذا مااین انحصاررا برداشتیم ودرقلمرو بخش عمومی یعنی آنهائی که‌مربوط‌به‌بخش‌عمومی‌است‌یعنی‌معادن، نفت که‌دولت‌استخراج‌میکند، راه‌آهن که‌اگربه‌دست‌بخش‌خصوصی بیفتدبرای اجتماع مضراست‌وپست‌وتلگراف واین‌جورچیزها بخش عمومی‌است نه‌تجارت ونه‌زراعت واین‌حرف‌ها که بگوئید جلومردم‌رانمی‌شودگرفت، درقلمروبخش عمومی، دادن امتیازتشکیل‌شرکتها ومؤسسات درامورتجارتی، صنعتی‌به‌افرادوبخشهای خصوصی ممنوع‌است یعنی دولت خودش (البته سبکش را دراصول‌دیگرنوشته‌ایم) به‌وسیله شوراها یا تعاونیها اینها را باید اداره کند نه اینکه به افراد خاصی داده بشود که مجتمع در مضیقه‌بیفتد مثلا راه‌آهن را به بخش خصوصی دادن، مجتمع را در مضیقه می‌اندازد. نفت و ذوب آهن و صنایع مادر همینطور است اما انحصارگری به‌هیچوجه ممکن نیست البته امتیاز به حکم ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی به بخش خصوصی دادن عیبی ندارد. مجلس هم منفعت مردم را در نظر میگیرد کشاورزی را بخش‌خصوصی خواست رونق دهد دولت کاری ندارد هیچ‌قید و

بندی ما برای بخش خصوصی نیاوردیم.

نایب رئیس — پس این سؤال میماند که وقتی گفتیم بخش خصوصی را رها گذاشتیم در مورد انحصارهای دولتی میخواهیم در قانون اساسی یک منع مطلق بگذاریم یا بگوئیم نه، اگر مجالس ملی آینده مصلحت دیدند در یک موردی انحصار دولتی برای داخل، یک شاخه کار که معمولا در دست بخش خصوصی است مصلحت دیده شد انحصار دولت باشد که قبلا هم در اقتصاد ایران این پیش‌آمده وحالا باید درباره‌اش نظر داد یا می‌آئیم به‌طور کلی جلویش را می‌بندیم و میگوئیم این ممنوع است یا آزاد میگذاریم و میگوئیم مشروط به تصویب مجلس یا احیاناً راه حل سومی به نظر دوستان میرسد که باید آن را مشخص کنید چون تا آن حدی که آقای تهرانی بیان داشتند آزاد گذاشتن مطلق مردم در بخش خصوصی خوب این یک طرزفکر است و در مقابلش اینکه نه، درآنجا هم مقتضای ولایت و حکومت دولت این است که اگر نمایندگان ملت، قوهٔ مقننه درآینده ترجیح داد و تشخیص داد که در یک شاخه خاص انحصار دولتی باشد اشکالی نداشته باشد این را باید اینجا مشخص کنیم.

صافی — این آن مسأله نیست ایشان گفتند حلال محمد حلال الی یوم‌القیامة ، مسأله ولایت محتاج قانون اساسی نیست.

نایب رئیس — عنایت نفرمودید ما گفتیم پس در اینجا ننویسیم انحصار دولتی مطلقاً نمی‌شود، بنویسیم اگر در یک شرایط خاصی مصلحت دیدند می‌شود، انحصار را برقرار میکنند وقتی آن مصلحت تغییر کرد، وضع عوض شد لغوش میکنند.

طاهری — مثل این است که شما بگوئید مالکیت شخصی محترم است بعد یک قید بزنید. مگر در موردی که حاکم شرع به موجب «النبی اولی بالمؤمنین» این قید نمی‌خواهد، خود بخود کنارش هست.

نایب رئیس — فرق است بین قانون اساسی و قوانین دیگر، قانون اساسی دست دولتها را در بعضی جاها می‌بندد، یعنی قانون اساسی مقداری از ولایت آینده را محدود میکند.

طاهری — به هر حال از ولایت رد شده‌اید.

نایب رئیس — قرار شده است ما پیشنهادها را بدون نام بخوانیم به این جهت پیشنهادی که الان میخوانم نویسنده‌اش را اعلام نمی‌کنم: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات عمومی در امور تجاری، صنعتی، نظامی، کشاورزی و خدمات و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است و اعطاء هرگونه امتیاز انحصاری به افراد و مؤسسات خصوصی اعم از داخلی و خارجی مطلقاً ممنوع است» بنابراین انحصار دولتی را ممنوع نکرده است بلکه اعطاء هرگونه امتیاز انحصاری به افراد و مؤسسات خصوصی را ممنوع کرده است.

مکارم شیرازی— این بحثی که دراصول گذشته تصویب شد که دولت میتواند نظارت برنیاز کند بگوید درتهران مثلا هزار نانوائی بیشتر نباشد به چه وجه شرعی هزار و یکمی را محروم میکند؟ یا در بقیه شغلها دولت میتواند منحصر به پنجاه نفر، صد نفر، برحسب نیازها بکند. و اگر ما آن را از باب حفظ نظام و عدم اختلال و ضرورت، درستش کنیم بقیه مباحثی هم که در اینجا مطرح است شبیه به همان حلال محمد آنجا چه شد؟ خوب همین‌جا بحث میشود. (رشیدیان — آنجا به طور موقت است.) خوب باشد.

نایب رئیس — اجازه بدهید توضیح مختصری بدهم این چیزی بود که به نظر خود ما

هم میرسید در آنجا ما می‌آئیم و به‌تعبیر جنابعالی به هزار نفر، به پانصد نفر یک پروانه کسبی میدهیم اینها خطری ندارد اما برحسب تجربه تاریخی، دادن انحصار یک رشته اقتصادی به یک شرکت یا یک گروه یا یک فرد، از آن چیزهائی است که راه را برای سرمایه‌داری ستمگران تا حالا در دنیا باز کرده است این به نظر میرسد که قیاس مع‌الفارق شده .

رشیدیان — مثال هائی که در زمینه امتیاز و انحصار اخیراً زده شد، به نظر من این‌مثال‌ها در این مورد درست نبود همینطور که شما یک قسمتی را فرمودید و این مسأله که فرمودند به‌صورت تعاونیها، آنوقت که به‌صورت تعاونی درمی‌آید دیگرانحصارنیست امتیازهم‌باید‌به‌صورت تعاونی باشد حالا در اسلام این چه سیستم اقتصادی است ما داریم که امتیازات کشف و بهره‌برداری از معادن مس را به یک نفر یا به سه نفر که شریکند میدهند آیا چنین چیزی در اقتصاد سالم اسلامی که علیه سلطه و علیه سرمایه‌داری کذائی مبارزه میکند میدهد ؟ بحث این نیست که دست دولت را می‌بندد ما یک اقتصادی داریم مشخص، معلوم، روشن و از همین حالا هم باید روشن بشود این را به کسی میگویند که اقتصادش نامشخص باشدسیاستش نامعلوم باشد میگویند خیلی خوب درآینده می‌آیند و فکر میکنند که چه خواهد شد اما معلوم است که در یک مملکت اسلامی که ما میخواهیم فقر را ریشه کن کنیم و سلطه‌جوئی را از بین ببریم این دادن امتیاز هم حتی لازم نیست اگر بخواهیم به صورت گروهی باشد که آن میشود جنبه ملی یا تعاونی.

نایب رئیس — امتیاز یعنی پروانه، یعنی شما الان به هرکاسبی یک پروانه کسب میدهید برای تنظیم امور، این هیچ اشکالی ندارد.

رشیدیان — در بخش عمومی، کشاورزی و معادن این به آن نمی‌خورد؟

نایب رئیس — خیر ، آنجا اینطور گفته میشود که در بخش عمومی یک وقت است دولت خودش کار میکند که هیچ بحثی نیست یک وقت است دولت میخواهد بیاید فعالیت در بخش عمومی را بدهد به یک واحد خصوصی.

رشیدیان — مثلا راه‌آهن که فرمودند.

نایب رئیس — مثلا، میخواهیم بگوئیم اینجا باید با تصویب مجلس شورای‌ملی باشد دولت بدون تصویب مجلس فعالیتهای مربوط به اقتصاد عمومی را به واحدهای خصوصی ندهد، منظوراین است. (رشیدیان — یعنی راه‌آهن را بدهد به‌یک نفر یا سه نفر؟) ببینید اداره راه‌آهن از قم به تهران را دولت میدهد به یک شرکت خصوصی، که این راه‌آهن را باقیمتهائی که معین میکند خودش هم نگهداری بکند و هم بهره‌برداری کند طبق یک قراردادی میگوئیم اگر دولت خواست این کار را بکند باید با تصویب مجلس باشد بدون تصویب‌مجلس نمیتواند چنین قراردادی را با یک فرد یا شرکت خصوصی منعقد کند. مثال دیگر کار پست است ، یکوقت نامه‌رسان‌ها کارمند دولت یا شرکت دولتی هستند یک وقت است نه، میدهد به یک واحدی توزیع نامه‌ها را به عهده میگیرد الان میدانید در ایران یک واحد پست سریع این‌جوری وجود دارد که خصوصی است میگوئیم چنین اجازه‌ای در بخش عمومی باید با تصویب مجلس باشد که در آن سوء استفاده نشود.

موسوی اردبیلی — دو اصل بعدی فکر میکنم حرفی نداشته باشد، آنها را برای رأی‌گیری مطرح کنید. (چند نفر از نمایندگان — چرا، ما راجع به آن اصول نظراتی داریم.)

نایب رئیس — اجازه بفرمائید این بحث را همین‌جا تمام میکنیم البته سه نفری هم که اسم نوشته‌اند، مطالبشان را میفرمایند که عدالت‌اجرا شده باشد و بعد سراغ اصول دیگرمیرویم.

هاشمی‌نژاد — اجازه بفرمائید، اصلی که اینجا مطرح شده فقط جنبه اسلامی ندارد که ما بنشینیم ببینیم که عنوان اولی با مبانی اولیه اسلام این کار حلال یا حرام است بحث در دادن و ندادن امتیاز است این قضیه‌ای است که باید ببینیم چه عکس‌العملهای اقتصادی برای مملکت پیش‌می‌آورد ونمی‌آورد، باید ببینیم کشورهای دیگرچه کرده‌اند، اگردوساعت هم این بحث را ادامه بدهیم باز نمی‌توانیم تصمیم بگیریم و نباید هم تصمیم بگیریم چون این هم در رابطه با مسائل اسلامی است و هم در رابطه با مسائل اقتصادی و عکس‌العملهای آن برای برای مملکت، بنابراین بهتر است از متخصصین فن دعوت بکنیم ببینیم وضع حقوقی آن به چه ترتیب است چه‌عکس‌العملی پیش می‌آورد بعد با توجه به عناوین ثانویه حکم اسلامیش را صادر کنیم.

ربانی شیرازی — من پیشنهادی داده‌ام توجه شود.

دکتر آیت — دراول این بحث من اشاره کردم وبعدصحبتهائی که درباره انحصارشد غیر ازآن نبود ما چندنوع انحصارداریم یا انحصارکاری را به‌یک‌فردیامؤسسه‌خصوصی‌میدهیم که این عمل باید ممنوع شود، و یا انحصار در مورد فرد یا مؤسسه خصوصی خارجی است که‌قطعاً باید ممنوع باشد. باقی میماند یک نوع انحصار آنهم انحصار دولتی است مثل دخانیات که الان در انحصارکیست؟ در انحصار دولت است به نفع مردم هم هست چون دولت به هر حال هرچه انحصار در اختیارش باشد امکان اینکه آنها در اختیار افراد خصوصی قرار بگیرد و منجر به تمرکز سرمایه بشود کمتر میشود. مسأله‌ای که آقای هاشمی‌نژاد گفتند یک متخصص بیاید روشن کند، احتیاج به متخصص نیست انحصار مفهومش روشن است افراد هم به این اندازه که بتوانند دراین مورد تصمیم بگیرند دراین مجلس هستند. مسأله دیگری که خواستم‌مطرح بکنم این است که گاهی اوقات دادن امتیاز انحصار ممنوع است ولی سبک مملکت طوری است که خود بخود در کشورهای سرمایه‌داری انحصار بوجود می‌آید البته در بحث اقتصاد باید پیش‌بینی بشود که ما کاری بکنیم که عملا انحصار بوجود نیاید ولو اینکه قانوناً ممنوع باشد.

نایب رئیس — پیشنهادی رسیده است که می‌خوانم: «اعطای انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات دربخش‌عمومی مطلقاً ممنوع است و همچنین دادن‌امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی است.» این به نظر من خیلی ناقص آمد که بعد روی آن بحث میکنیم.

۵ — طرح و تصویب اصل ۶۷ (اصل هشتادم)

نایب رئیس — اصل شصت و هفت را می‌خوانم:

اصل ۶۷ (اصل هشتادم) — گرفتن و دادن وام و کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

فکر میکنم با توجه به بحث‌ها و صحبتهائی که امروز صبح شد در مورد این اصل بحث زیادی نداشته‌باشیم. آقای تهرانی سؤالی دارید؟

تهرانی — خیر، فقط میگویم بنویسید با تصویب مجلس شورای ملی و شورای رهبری و بعد رأی بگیرید.

نایب رئیس — آقای تهرانی «شورای رهبری» را آنقدر وسیع نکنید که مجبور باشدبرای خودش تشکیلات و ساختمان و کارمند داشته باشد. ما اگر بخواهیم در قانون اساسی، شورای رهبری را در همه امور دخالت بدهیم ، باید در حقیقت یک دولت سومی درکشور بوجود بیاوریم. اجازه بفرمائید نقش شورای رهبری همان نقش عام که اتفاقاً مورد نظر خودمان هم هست، باشد. آقای ربانی شیرازی شما سؤالی دارید؟

ربانی شیرازی — اگر چنانچه دولت بخواهد از مردم کمک بلاعوض بگیرد مانند امور خیریه و امثال آنها، این باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد؟

نایب رئیس — این مسأله اتفاقاً در جلسه صبح مطرح شد و در جواب این سؤال گفته شد که گاهی اوقات کمکهای بلاعوضی را که دولت از افراد و یا مؤسسات خیریه میگیرد،ممکن است در آن انحرافاتی بوجود بیاید. کما اینکه درگذشته هم چنین اتفاقاتی افتاده است این است که در چنین مواردی اگر گرفتن وام جنبه‌عام دارد، مجلس یک اجازه عام در این مورد به دولت میدهد، و اگر هم چیز خاصی هست، به هر حال بهتر است که‌پای نظارت نمایندگان ملت را به میان کشید. آقای رشیدیان شما فرمایشی دارید؟

رشیدیان — بعد از کلمه «در مجلس» باید کلمه «علنی» هم اضافه شود.

نایب رئیس — ما یک اصلی را در این مورد داریم که تمام جلسات مجلس شورای ملی علنی است و مردم در جریان کار آن قرار دارند . آقای حسینی هاشمی هم سؤالی دارند و بعد از سؤال ایشان رأی میگیریم.

حسینی هاشمی — وام گرفتن از خارج نوعاً با ربا دادن همراه است و نتیجه و خصلت آنهم همان نتیجه انحصار است، نهایت در یک شکل پولی. این هم باز دو سوم نظر مجلس لازم نیست؟ در عین اینکه در نظر مبارکتان باشد، که هرگاه‌مثلا سیصدنفر نمایندگان مجلس باشند و صد و پنجاه و یک نفر به یک امری رأی بدهند طبق همین قانون رأی بـه حدکافی دارد در حالیکه ممکن است صد و چهل و نه نفر بقیه نظرشان غیر از این باشد.

نایب رئیس — شما جزء آن عده‌ای هستید که چنان به‌آینده این مملکت سوء ظن دارند، که گوئی تنها ما هستیم و این نسل که حافظ و نگهدار مملکت و قانون است. بنابراین آقا دایره‌فعالیت‌نمایندگان آینده مردم را اینقدر تنگ نکنید. اولا راجع به‌ربا که‌فرمودید، آن مسأله منتفی است چون طبق قانون اسلام حرام است و نباید گرفته شود و بدون ربا هم که بحمدالله اصلا نمیشود وامی دریافت کرد و بنابراین فکرتان راحت باشد . بعلاوه در اصل قبلی هم گفتیم، وام خارجی اصلا میسر نیست. بنابراین چون سؤال دیگری دراین مورد نیست، نسبت به این اصل با ورقه اخذ رأی میشود.

(آقایان: دکتر روحانی و عضدی «منشی‌ها» در محل نطق حاضر شدند و آراء مأخوذه را شمارش کردند و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و پنج نفر، شماره کل آراء پنجاه و شش رأی که یک رأی به‌قید قرعه خارج شد، موافق چهل و نه نفر، ممتنع پنج نفر، مخالف یک نفر، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر. (نمایندگان سه بار تکبیر گفتند)

٦ — طرح اصل ٦٨

نایب رئیس — اصل ٦٨ مطرح است که قرائت میشود .

اصل ٦٨ — استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولت در حد احتیاج و ضرورت باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

نایب رئیس — من پیشنهاد میکنم که کلمه «مستشاران» را در این اصل حذف کنیم.

طاهری اصفهانی — من پیشنهاد میکنم کلمه «فقط» بعد از کلمه «دولت» اضافه شود.

نایب رئیس — یعنی اگر در حد آن نبود نباید به تصویب برسد؟!

دکترآیت— دراینجا گفته‌ایم: «استخدام کارشناسان‌ومستشاران خارجی» ممنوع است‌پس باید اول استخدام افراد خارجی را کلا ممنوع کنیم و بعد استخدام کارشناسان را به تصویب مجلس بگذاریم.

نایب رئیس — فرد عادی معمولا خطری ایجاد نمی‌کند. اینکه میگویند استخدام کارشناسان ممنوع باشد به خاطر اینکه همیشه از ناحیه این عده خطرات زیادی برای مملکت ما بوجود آمده است وگرنه ، اگر ضرورتی ایجاب کرد می‌خواهند بتوانند که افراد عادی خارجی را استخدام کنند.

دکتر آیت — چه ضرورتی ایجاب میکند؟

نایب رئیس — گاهی اوقات ممکن است بخواهند ۱۰ نفر راننده معمولی استخدام کنند این که اشکالی ندارد.

تهرانی — کلمه «کارشناسان» را حذف کنید و رأی بگیرید.

ربانی شیرازی — مرقوم بفرمائید «استخدام بیگانگان و کارشناسان...».

نایب رئیس — اگر مقصودتان چنین باشد بایدبنویسم«استخدام کارکنان‌وکارشناسان». آقای دکتر ضیائی شما سؤالی دارید؟

دکتر ضیائی — باید بنویسیم : «استخدام اتباع بیگانه یا اتباع خارجی» یعنی استخدام اتباع بیگانه مطلقاً ممنوع باشد مگر اینکه در موارد استثنائی مجلس اجازه بدهد.

یزدی — چرا ممنوع باشد؟ ممکن است شما در یک مورد استثنائی مجبور شوید چند راننده استخدام کنید.

دکتر ضیائی — اتفاقاً صحبت من در همین مورد است چون دولت طاغوتی گذشته در حالیکه در مملکت خودمان عده زیادی بیکار بودند اتباع خارجی را ازکره و فیلیپین به عنوان راننده یا کارشناس استخدام کرد، در صورتیکه آنها حتی در کارخانجات ما به اندازه یک کارگر هم مهارت نداشتند.

مکارم شیرازی — آنها«کارنشناس» بودند. (خنده نمایندگان)

رشیدیان — من معتقدم که اول باید قید «ممنوعیت» در اینجا اضافه شود چون کلمه «ضرورت» پشت‌سرش آمده است، یعنی بنویسیم: «استخدام کارکنان خارجی ممنوع است مگر در موارد بسیار ضروری و در حد احتیاج که باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد».

نایب رئیس — پیشنهاد خوبی است، به هر حال تصمیم با آقایان است. آقای یزدی سؤالی بود؟

یزدی — من معتقدم استخدام کارکنان ولو کارشناس نباشند توقف بر تصویب مجلس شورای ملی نداشته باشد. البته دولت وقتی صلاح دانست میتواند این کار رابکند» دلیل ندارد که متوقف بکند.

دکتر آیت — اصلا همیشه این‌طور بوده است یعنی استخدام خارجی قبلاممنوع بوده‌است.

خانم گرجی — لااقل قید «موقت» را اضافه بفرمائید.

نایب رئیس — به نظر من لزومی ندارد چون استخدام که مادام‌العمر نمی‌شود.

هاشمی‌نژاد — با توجه به اینکه در سطح بین‌المللی الان عده‌ای منتظرند که ببینند ما در قانون اساسی خود چه چیزهائی را ذکر میکنیم، بنابراین باید قانون اساسی ما شامل و کامل باشد. یک مقدار احتیاطی که آقایان میفرمایند به خاطر شرایط خاصی است که درگذشته بوده است. (نایب رئیس — اتفاقاً در شرایط عام کشورمان بوده است.) بله،شرایط خاصی نسبت به کشورهای دیگر را عرض میکردم. مسأله این است که یا رژیم آینده رژیمی‌است که به‌مجلس ما احترام قائل است و آن مجلس هم با رأی ما تشکیل میشود یا اینکه اصلا کاری به این مسائل ندارد بنابراین نه دولتش و نه مجلسش هیچکدام مورد اطمینان مردم نخواهد بود. باید کاری بکنیم قانون اساسی را که به مردم ارائه میدهیم طوری برداشت نکنند که ما یک روش غیر منطقی را اتخاذ کرده‌ایم.

نایب رئیس — دو نظر در مجلس وجود دارد یکی اینکه لزوم اجازه مجلس شورای‌ملی در آینده مربوط به کارشناسان باشد و دوم اینکه اصولا استخدام اتباع بیگانه به هر طریق ممنوع گردد. یعنی عده‌ای معتقدند که این ممنوعیت و مشروطیت فقط مربوط به کارشناسان باشد، که معمولا در بین آنها مارمولکهائی پیدا میشوند که فسادها و فتنه‌هابرپا میکنند، نظر عده‌ای اینست که این ممنوعیت شامل همه اتباع بیگانه بشود ولو اینکه یک کارگر ساده‌باشد. اینجا دو نظر وجود دارد، نظر اول مستند است به اینکه جائی را که میخواهید در قانون‌اساسی ذکر کنید و به اجازه مجلس بگذارید مربوط به مواردی بکنید که خطرش بیشتر است. درباره چیزهائیکه مربوط به سیاست کلی اقتصادی مملکت است و خطری برای استقلال مملکت ندارد، این را دیگر در اینجا برایش حدی قائل نشویم چون این گونه موارد و جزئیات خیلی زیاد است ولی خوب ، عده‌ای معتقدند که این احتیاط را هم در قانون اساسی ذکر نمائیم که حتی اگر دولت خواست چند کارگر خارجی را استخدام بکند باید از مجلس اجازه‌بگیرد.

رستم شهزادی — درگذشته عده زیادی از زرتشتیان ایرانی به کشورهای هند وپاکستان و حتی بعضی ازکشورهای عربی رفته‌اند. حالا میخواهند به ایران بازگردند، البته گذرنامه خارجی دارند و تبعه کشور خارجی هم هستند ولی حالا که میخواهند برگردند مستلزم این است که بیایند و در اینجا به کاری مشغول شوند و بعد از چندی گذرنامه و شناسنامه خود را به ایرانی تبدیل بکنند، کما اینکه درگذشته هم خیلی‌ها این کار راکردند. پس حالا هم به اینها فرصت بدهیم که در اینجا کاری پیدا کنند بعد تابعیت ایران را دوباره بپذیرند.

نایب رئیس — توجه بفرمائید که ما در اینجا نمی‌توانیم به آنها این فرصت را بدهیم. دولت به هرکسی که بخواهد به ایران بیاید اول باید اجازه ورود بعد اجازه اقامت و بعد اجازه کار به او بدهد. بنابراین یک نفر بیگانه برای اشتغال در ایران باید ازسه خوان رستم‌بگذرد!

ربانی شیرازی — اصل باید بر این باشد که استخدام وکارکردن افراد خارجی درایران

ممنوع است مگر در موارد ضروری.

یزدی — چرا حتی استخدام کارگر ساده هم ممنوع باشد؟ ممکن است بخواهند کارگر مسلمان همسایه شما را که به او احتیاج است استخدام کنند، به چه دلیلی استخدام نکنند؟

نایب رئیس — من برای اینکه مسأله روشن شود مثالی میزنم. فرض بفرمائید یک‌وقتی ممکن است برای کادر علمی فلان دانشگاه چند استاد را به کار دعوت کنید و این استاد یا استادان هم یک سالی تدریس میکنند و میروند. حالا میخواهید قانون طوری نوشته شود که دولت موظف باشد برای یک یک این‌گونه موارد از مجلس شورای ملی مجوز کسب کند؟ اگر غیر از استخدام کارشناسان، استخدام چند کارگر و یا یکی دو نفر معلم را برای مملکت خطری میدانید، بسیار خوب، در همین‌جا بنویسیم. توجه داشته باشید که عرض میکنم خطر، زیرا خطر غیر از مشکلاتی است که ممکن است بوجود آید. مشکلات را دولت بایستی حل بکند و اگر نتوانست و از عهده‌اش برنیامد نمایندگان مجلس به او رأی اعتماد نمی‌دهند و در نتیجه کنار میرود. به‌نظر من حتماً باید جلو خطر را گرفت، حالا اگر استخدام چند کارگر را ضرر میدانیدونه خطر، پس دراینجا استخدام رابه کارشناسان‌خارجی محدود کنیم ولی اگرنه، درمورد کارکنان غیر کارشناس خارجی هم خطری می‌بینید در اینجا به طورکلی باید بنویسیم: «استخدام اتباع بیگانه از طرف دولت ممنوع است». (ربانی شیرازی — اصلا متخصص وارد مملکت کردن چه‌خطری دارد؟) تجربه این است که معمولا کارشناسان میتوانند در یکی از شاخه‌ها جهت بدهند، کارگر ساده که‌نمی‌تواندچنین باشد.

مکارم شیرازی — خطری را هم که‌بعضی از آقایان متذکر شده‌اند در شرایط خاصی ممکن است باشد. من معتقدم موارد جزئی را در قانون اساسی نیاوریم وفقط استخدام کارشناس از طرف دولت به تصویب مجلس شورای‌ملی باشد.

دانش‌راد — اینکه عده‌ای ازآقایان میفرمایند بنویسیم«استخدام کارشناسان خارجی ممنوع است مگر در حد احتیاج ...» این معنایش این است که استخدام بقیه خارجیهاممنوع نیست وفقط استخدام کارشناسان هست که ممنوع است. من معتقدم همان عبارت‌اولی بهتر است. نکته‌دیگری که میخواستم عرض کنم‌این است که بعضی مواقع ما کارشناس استخدام نمی‌کنیم ولی تجهیزات ووسائلی میخریم وقرارداد می‌بندیم وچند کارشناس هم باآنهامی‌آیند، یعنی درحقیقت اینها بدون اینکه در ایران استخدام شوند عملا در اینجا کار میکنند. مثلاالان در شرکت ذوب‌آهن در حدود هزار نفر خارجی هستند که در استخدام ما نیستند، دراستخدام مؤسسه خودشان هستند، در این مورد چه‌باید کرد؟

نایب‌رئیس— ما میتوانیم اصلا کلمه استخدام را هم حذف کنیم و بنویسیم: «استفاده‌از کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در حد احتیاج و ضرورت که باید به تصویب مجلس شورای ملی‌برسد».

بنی‌صدر — خیر، اینطور درست نیست، چون اگر اینطور بنویسیم آنوقت اگر دولت بخواهد از چند متخصص و کارشناس مثلا در امور اقتصادی سؤالی بکند ونظرشان را بخواهد برطبق این نوشته، این کار ممنوع است مگر اینکه دولت برود واز مجلس کسب‌مجوزبکند.

گلزاده غفوری — دومسأله اینجا هست، یکی اینکه‌استخدام‌استادان هم برای‌دانشگاه‌ها شامل‌این اصل میشود یا نه، ودوم اینکه آیا لازم نیست برای تصویب مجلس یک حدنصابی

قائل‌شویم؟ مثلا بگوئیم با تصویب دوسوم مجموع نمایندگان، به‌نظر من برای اطمینان‌خاطر مردم واحتیاط‌بیشتر اگر حد نصاب دوم سوم را در اینجا اضافه کنیم بهتر است .

نایب رئیس — این مسأله دوسوم را بـه کجاها میخواهید بکشانید ؟ یک کمی بـاید نسبت به‌آینده ونمایندگان آینده ملت خوشبین‌تر بود . باید مدیر قابل اعتماد پیدا کردوگرنه یک مدیر را در چهار چوب آهنی مشکل و دشوار قـرار دادن ، چگونه میتواند به‌نحو احسن کار بکند ؟

گلزاده غفوری — ما این شرایط سنگین واین احتیاطات را برای این قائل میشویم کـه در آینده مردم ومملکت روی پای خود بایستند، وبه حدخود کفائی برسند . ماشرایط راسنگین میکنیم تا مثل ژاپن هشتاد سال پیش که گفت تا خودمان شیشه درست نکنیم ، ریاست جمهور شیشه نمی‌خواهد ، ما هم می‌خواهیم به‌ملت به‌خود کفائی برسد وگذاشتن چنین شرایط سنگین به‌خاطر همین مسأله است .

نایب‌رئیس — شما خودتان میفرمائید دولت ژاپن این حرف را زد ما هم‌باید کاری بکنیم خود دولت وملت ما این طور فکر کنند وگرنه این مسأله‌ای را که میفرمائید در قانون اساسی آنها هم نبود . ما الان میخواهیم بایک تعداد نوشته روی کاغذ این بهشت موعود را بسازیم مابهشت موعود را انشاءالله باعمل صالح میسازیم. بنابراین‌اجازه بدهید آن‌عمل‌صالح هم که برخاسته از انگیزه‌ها است یک‌مقدار عادی‌تر باشد. آقای حجتی شما توضیحی دارید؟

حجتی کرمانی — از نظر آن «امت واحده» نباید در اینجا کشور اسلامی‌وغیراسلامی‌را از هم جدا کرد ؟

نایب رئیس — اجازه بدهید این تفسیر و تمیز به‌عهده مجلس شورای ملی باشد چـون آوردن تک‌تک‌این‌موارد وجزئیات در قانون اساسی کار را دشوارتر میکند. اگر تک‌تک‌موارد را ذکر کنیم واحیاناًیک مورد از ذهن ما فرار کند وذکر نشود ، آنوقت مشکل چند بـرابر میشود .(کیاوش — شما کارشناسان را حذف کردید ولی ممنوعیتش معلوم نشد .) کارشناس قطعاً شامل مستشار میشود وبه‌همین‌جهت کلمه «کارشناس» که‌معنای وسیعتری داردد‌راینجا ذکرکردیم ، خوب ، من این اصل را میخوانم وبه‌همین‌صورت که قرائت خواهد شد نسبت‌به آن باورقه اخذرأی میشود.

اصل۶۸ — استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در حداحتیاج وضرورت که‌باید به‌تصویب مجلس شورای ملی برسد.

(**آقایان** : دکتر روحانی‌وعضدی منشی‌ها در محل نطق حاضر شدند وپس از شمارش آراء نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد .)

نایب‌رئیس — عده‌حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه وچهارنفر ، تعداد کل آراء پنجاه ویک‌رأی، موافق چهل‌وشش‌نفر، ممتنع هفت نفرومخالف‌یک‌نفربنابراین، این اصل رأی کافی نداشت وردشد . پس این‌اصل برای بررسی‌بیشتر به کمیسیون‌برمیگردد. ما در دستور کار امروزعصر پنج اصل داشتیم که‌یک اصل آن تصویب شد وچهار اصل هم تصویب نگردید . پس امروز در جلسات صبح وعصر موفق شدیم نه‌اصل را به تصویب برسانیم که به‌قول‌معروف برای مجلس مایک رکورد تازه‌ای بود . انشاءالله صبح شنبه آینده ساعت هفت ونیم‌گروه کار خودش را آغاز میکند.

ضمناً امروز یکی از غایبین جلسه ما ، برادرمان آقای رحمانی هستند که به‌مناسبت چهلم شهادت فرزندشان در جلسه شرکت ندارند وما هم چون توفیق نداریم که درمجلس ختم ایشان شرکت کنیم از همین‌جا به‌ایشان تسلیت میگوئیم و برای شادی روح فرزندشان مرحوم مهندس رحمانی سوره حمد رامیخوانیم. (نمایندگان سوره حمد را قرائت کردند)

۷ — پایان جلسه

نایب رئیس —جلسه را ختم میکنیم ، جلسه آینده ما ، ساعت سه‌بعد از ظهرشنبه‌خواهد بود .

(جلسه ساعت هفده وسی دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ سی و چهارم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و ده دقیقه روز هفتم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با هفتم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه.....
۲ — طرح و تصویب اصل ٦٦ (اصل هفتاد و نهم).....
۳ — طرح و تصویب اصل ٦٤ (اصل هشتاد و سوم).....
٤ — طرح و تصویب اصل ٦٥ (اصل هفتاد و هفتم).....
٥ — طرح و تصویب اصل ٦٨ (اصل هشتاد و دوم).....
٦ — طرح و تصویب اصل ٦٩ (اصل هشتاد و هشتم).....
۷ — طرح اصل ۷۰.....
۸ — طرح اصل ۷۱.....
۹ — پایان جلسه.....

۱ —اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. جلسه رسمی است و کارمان را آغاز میکنیم چون مقداری از کارمان از روز پنجشنبه بعدازظهر برای امروز ماند با اجازهٔ دوستان حالا که عده‌برای شروع بحث کافی است و بعضی از دوستان هم که برای نطق قبل از دستور نوبت گرفته‌اند تشریف ندارند، نوبتشان را به جلسه‌های آینده موکول میکنیم و دستور جلسه را آغاز میکنیم.

۲ — طرح و تصویب اصل ٦٦ (اصل هفتاد و نهم)

نایب رئیس — وارد دستور جلسه میشویم سه اصل ٦٤ و ٦٥ و ٦٨ را که روز پنجشنبه مطرح کردیم و به‌گروه برگشت، تغییراتی که به نظرگروه میرسید مناسب باشد در این سه اصل داده‌ایم که مورد رأی‌گیری قرار بگیرد و چون حالا تعداد نمایندگان حاضر در جلسه به‌اندازه کافی نیست برای اینکه باز در موقع رأی‌گیری به‌محظور برنخوریم با توجه به اینکه بحث کافی هم دربارهٔ این سه اصل شده است رأی‌گیری را به آخر جلسه موکول میکنیم و حالا به بحث و بررسی اصل شصت و شش میپردازیم. (تهرانی — چرا یکدفعه رفتید سراغ اصل ٦٦؟) برای اینکه تعداد نمایندگان کافی نیست و فعلا اصل ٦٦ را میخوانیم:

اصل ٦٦ — برقراری حکومت نظامی ممنوع است ولی در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای‌ملی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید.

نایب رئیس — در این باره نظری هست؟ آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — بنده صبح هم درکمیسیون مشترک عرض کردم که این قید « شرایط اضطراری و نظیر این» یک قید مجمل و کشداری است و همان گرفتاریهائی که رژیم سابق در حکومت نظامی درست کرد، این کلمه هم همان گرفتاریها را بوجود خواهد آورد. منظور از «شرایط اضطراری و نظیر آن» چیست؟ این را حالا توجیه و تفسیر کنید زیرا آیندگان آنراچگونه توجیه و تفسیر خواهند کرد؟ اگر این قید را بردارید شاید بهتر باشد.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — ما در گروه چهارم این اصل را نوشته‌ایم مثل اینکه اشکالاتی برای آقایان پیش‌آمده که احتیاج به توضیح دادن و روشن شدن دارد.

نایب رئیس — بلی، بعداً توضیح میدهم آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — عرض بنده این است که چون این محدودیتهای ضروری خیلی روشن نیست ممکن است به‌همان حکومتهای نظامی برسد بنابراین باید طوری نوشته شود که‌روشن باشد وبه‌صورت حکومت نظامی درنیاید.

نایب‌رئیس — بسیار خوب آقای آیت بفرمائید.

دکترآیت — من هم‌نظرم نظر آقای سبحانی است به‌این صورت که اولا میتوانیم موارد اضطراری را پیش‌بینی بکنیم که‌شورش وقیام علیه حکومت‌قانونی ذکر کنیم بعد هم‌محدودیت‌ها را میتوانیم پیش‌بینی بکنیم که‌از جهت تجمع وتردد باشد ودیگر مطبوعات توقیف نشوندوسایر آزادیها هم از مردم سلب نشود .(نایب‌رئیس — یعنی اینجا شرح بدهیم؟) بلی از نظرتجمع و تردد شرح داده شود .

نایب‌رئیس — آقای طاهری اصفهانی .

طاهری اصفهانی — بنده فرمایش جناب آقای آیت وآقای سبحانی را تأیید میکنم.

نایب‌رئیس — بسیار خوب آقای ربانی املشی.

ربانی املشی — ممکن است افراد در محدودیتهای ضروری اختلاف‌نظر داشته‌باشند که محدودیت ضروری تا چه‌اندازه بایدباشد. محدودیت‌ضروری به‌نظرچه کسی؟ به‌نظرمجلس‌شورای ملی ؟

نایب‌رئیس — اینجا گفته شده « دولت حق‌دارد در موارد اضطراری وضروری باتصویب مجلس شورای ملی» پس قطعاً مجلس شورای ملی این موارد را تشخیص‌میدهد.

ربانی املشی — منظور از «باتصویب مجلس شورای ملی» چیست؟ (نایب‌رئیس— ضرورتها را میفرمائید؟) غرضم این‌محدودیتهای ضروری است . (نایب‌رئیس — آنرا هم‌مجلس نظر میدهد .) پس باید اینجا قید شود .

نایب‌رئیس — البته ، دولت محدودیتهای ضروری را هم در اصل‌ضرورت وهم‌در کیفیت باتصویب مجلس شورای ملی تعیین‌خواهد کرد وبنده فکر نمیکنم ابهامی داشته باشد.آقای فوزی بفرمائید .

فوزی — در کمیسیون این قسمت بحث شد در اینجا هم عرض میکنم اینکه‌نوشته شده با تصویب و موافقت مجلس باشد ممکن است در این برهه از زمان امکان تشکیل‌مجلس‌شورا نباشد در اینصورت تکلیف چیست ؟ آیا این محدودیت نظامی برقرار میشود یاخیر ؟پس این مطلبی است که باید تمام جوانب آن را در نظر گرفت تا در موقع پیاده کردن، مواجه‌بامشکلات نشویم .

نایب‌رئیس — آنچه را که مناسب باشد وقتی رسیدیم‌به وظایف رئیس جمهوریادولت یا شورای رهبری این موارد فوق را آنجا میگوئیم که در آنجا تا تشکیل مجلس شورا نظر آنها جانشین نظر مجلس باشد اینجا مسأله را به‌مجلس واگذار میکنیم ولی برای‌مواردفوق‌العاده میگوئیم که سه‌مقام فوق‌الذکر جانشین مجلس شورا باشند.(فوزی — فعلا این‌را قبول میکنیم تا بعداً رفع‌اشکال شود ؟) خیر منظور این است که‌اینجا استثنائی نباشد.(مکارم‌شیرازی— عرض بنده این است که اینجا توضیحاتی لازم دارد که اگر لازم شد به‌عرض برسانیم که سوء تفاهم نشود .) بسیار خوب ، آقای فاتحی بفرمائید .

فاتحی — همانطورکه آقا فرمودند این شرایط اضطراری قدری گشدار است در این باره قدری توضیح داده شود که مراد، بروز امر فوق‌العاده‌ایست که امنیت‌عمومی یا خصوصی یک شهر یا یک‌استانی در خطر باشد یا منظور همه مملکت است که‌میخواهیم این اجازه داده‌شود بهتر است داخل پرانتز در شرح شرایط اضطراری نوشته شود .

خزعلی — این عبارت « باتصویب مجلس شورای ملی موقتاً محدودیتهای اضطراری یا ضروری را برقرار می‌نماید» می‌فهماند که یک محدودیتهائی هست واشاره به‌آن است بنده‌این را نمی‌خواهم بگویم بلکه میخواهم بگویم اگر یک محدودیتهائی در حد ضرورت لازم است این عبارت را به‌اینصورت بنویسیم«یا محدودیتهائی در حد ضرورت» زیرا از محدودیتهای‌اضطراری‌و ضروری یک مصطلحی در ذهن هست وما میخواهیم آن را پیاده کنیم.

نایب‌رئیس — بسیارخوب آقای رشیدیان.

رشیدیان — بنده با این اصل مخالفم .

نایب‌رئیس — بسیار خوب، پس شما تشریف‌بیاورید وبه‌عنوان مخالف‌صحبت کنید که بعد یکی از دوستان هم‌بیایند وبه‌عنوان موافق‌صحبت کنند.

رشیدیان — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بنده بارها عرض کرده‌ام که‌چند اصل وجوددارد که پیشنهاد هم کرده‌ام که‌باید با قید مشروط مطرح یا تصویب بشود مثل عهدنامه‌هاوقراردادهاو مقاوله‌نامه‌ها که جنبه‌های بین‌المللی وخارجی دارند که امکان‌دارد راه نفوذ استعماررادر مملکت باز بکند که باید محکم‌کاری بشود ومراجع صلاحیتدار دیگری هم آنها را ببینند و امضاء کنند. اما درباره حکومت نظامی کافی است که‌اولا توجه کنیم وحکومت‌اسلامی یا حکومت ملی را در نظر بگیریم که‌همیشه درکار است وهیچ شکی‌نیست که هرکاری بکنند مردم مطیع وتابعند ولی در تصویب قانون اساسی همیشه نظر خودم شخصاً این است که‌برای ملت احتمال خطر واینطور چیزها را بیشتر درنظر میگیرم. بایدبه‌مردم یک‌مقدار قدرت بیشتری داد ودستشان را بازگذاشت ویک‌مقدارهم‌دولتها را محدود کردبنابراین اینکه درگذشته دولتها دربدر دنبال بهانه میگشتند تایک سرنخی پیدا کنند وملت را محدود کنند وآزادیهارا بگیرند، اگر مادر قانون اساسی بنویسیم که‌حکومت نظامی ممنوع ولی در حالت‌جنگ‌وشرایط‌اضطراری مجاز است ، معلوم نیست این جنگ کدام جنگ است، آیا این جنگ یک توطئه داخلی است‌یا یک‌جنگ درگوشه‌وکنارمرزی‌است، یاخارجی‌است؟ دراینجاشرایط‌اضطراری‌مبهم است،اگردولتی خدای نکرده نظر سوئی داشته باشد هرآن میتواند شرایط اضطراری اعلام‌بکند وآزادیخواهان‌و انقلابیون وحتی مردان حق را تحت همین‌اصل‌موردتعقیب وایذاء واذیت قراربدهد وآزادی‌ها را سلب بکند، روزنامه‌هاتعطیل بشوند، سخنرانی‌ها ممنوع بشود، اجتماع عمومی‌ازبین برود و به‌این‌وسیله به‌دست‌خودمان یک حربه‌ای به‌دست‌دولتهائی داده‌ایم که خدای نکرده درمعرض انحرافند، ولی اگر واقعاً دولت اسلامی یا حکومت ملی باشد که آدم اصلا حرفی ندارد، هرآن که دولت دلش خواست می‌تواند حکومت نظامی بکند چون تابع حق است. با تجربیات کمی که ما داریم معلوم نیست درآینده چه اتفاقی بیفتد و همان‌طورکه تاریخ نشان داده درآینده احتمال انحراف زیاد است‌من پیشنهاد میکنم که اگرمجبوریم به‌خاطر مواقع اضطراری یا ضروری اسمی از حکومت نظامی بیاوریم، باید این قید را بکنیم که حالت فوق‌العاده با اجازه مقام رهبری است و اگراین مرحله‌سنگین نبود می‌گفتیم با رفراندوم و چون رفراندوم یک قدری سخت است می‌گوئیم با اجازه‌مقام‌رهبری،والسلام. (نایب‌رئیس — اصلا درحالت فوق‌العاده نمی‌شود رفراندوم را برگزار کرد.)قبل ازاینکه‌حالت فوق‌العاده را اعلام بکند یک رفراندوم میشوداصولا حکومت نظامی با همه اینها مخالف است.

نایب رئیس — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید به عنوان موافق صحبت کنید.

هاشمی‌نژاد — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من فکر میکنم در این اصولی که حالا طرح میشود باید مانند گذشته عمل بشود یعنی کسانی که این اصول را نوشتند و از افراد گروه هستند یک نفر به عنوان موافق در ابتدا بیاید و توضیحات لازم را اینجا بدهد شاید توضیحات اولیه جائی برای طرح بعضی از سؤالات باقی نگذارد ولی متأسفانه اینطور نشد. (نایب رئیس — این کار صبح انجام شد این است که فعلا قرار شد یک نفر موافق در آخر صحبت بکند.) بلی ولی با وجود اینکه این سؤالات صبح مطرح شد باز متأسفانه حالا تکرار شد، در این زمینه این توضیح باید داده شود که ما در نوشتن این سری قوانین نمی‌توانیم حساب بکنیم که حکومت آینده صددرصد حکومت اسلامی است و به میزان عدل رفتار میکند و ذره‌ای هم تخطی نمی‌کند و نیز نمی‌توانیم حساب بکنیم که حکومت آینده، حکومتی است فاسد و همه مقررات و قوانین را زیرپا میگذارد و با این بدبینی قانون بنویسیم بلکه باید یک خط‌مشی معقولی را در اینجا در نظر داشته باشیم البته صبح موقعی که درگروه مطرح شد من این توضیح را دادم که در هر کشوری از کشورهای جهان بدون هیچ استثناء یک شرایط فوق‌العاده‌ای ممکن است پیش بیاید وپیش هم می‌آید دراین شرایط فوق‌العاده حکومت نمی‌تواند مانند روزها و ماهها و سالهای عادی گذشته عمل بکند، درچنین مواقعی بدترین نوع اعمال محدودیت‌برقرارکردن حکومت نظامی با آن قالب خاص دیکتاتوری و استعماری است که قهراً همه را محدود میکند و ازبین میبرد. در اینجا با توجه به اینکه حکومت نظامی با قالب مخصوص خودش و بخصوص با توجه به سابقه سوئی که ما درکشور خودمان از این بابت داریم در اینجا قید شده که حکومت‌نظامی مطلقاً اعلامش درکشور ممنوع است، ولی به هر حال نمی‌توان شرایط استثنائی راکه برای هر کشوری بدون استثناء لازم است، نادیده‌گرفت. برای آن‌سری شرایط، کشورهای‌جهان یک‌سری پیش‌بینی‌هائی کرده‌اند که بهترین و مترقی‌ترین پیش‌بینی‌ها پیش‌بینی‌های بعضی ازکشورها است که در مواقعی وضع فوق‌العاده‌ای را اعلام میکنند و در آن وضع فوق‌العاده مقرراتی را اعلام میکنند که نه واقعاً آزادی افراد را در حد معقول سلب میکند و نه اجازه میدهد که‌شرایط عادی درکشور باشد که جمعی از آن سوءاستفاده کنند البته این شرایط فوق‌العاده بستگی به‌وضع کشورها دارد. در اینجا این مسائل رعایت شده است و درابتدای این اصل هم عنوان شده است که حکومت نظامی ممنوع است ودولت درهیچ شرطی از شرایط نمی‌تواند حکومت نظامی اعلام کند مگر درحالت جنگ، جنگ یک چیزی نیست که نامفهوم باشد این تعبیرات ازنظر مفهوم یک تعبیراتی است که استاندارد بین‌المللی دارد «حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیرآن» دولت حق‌دارد البته رأساً خیر بلکه با تصویب مجلس شورای‌ملی موقتاً محدودیتهائی ایجاد کند واین کمترین کاری است که درشرایط ضروری در تمام کشورهای دنیاانجام می‌شود و این با تصویب مجلس شورای ملی است بنابراین ، این اشکال که ممکن است ازکلمه محدودیتهاسوءاستفاده کنند سوءاستفاده نمی‌شود، دولت لایحه‌ای رابه‌مجلس می‌برد ومی‌گوید وضع این است چه‌بکنیم؟ مجلس یک‌چهارچوبه‌ای را برایش‌مقررمی کند چون مجلس درکاراست بنابراین امکان سوءاستفاده به حداقل می‌رسد واینکه فرمودند ممکن‌است‌گاهی مجلسی درکار نباشد تاحال نشده که هیچگاه درمملکت مجلس به‌حال تعطیل در بیاید واصلا مجلس وجود نداشته باشد . (نایب‌رئیس— عذر می‌خواهم شاید منظورشان تعطیلات تابستانی مجلس است که‌اگر به‌آن هم پاسخ بدهید خوب است.) احیاناً ممکن است تعطیلات تابستانی باشد البته

درگروه ما هم طرح شد که یک فکری هم برای تعطیلات تابستانی و زمستانی بکنند و به این صورت نباشد که قوه مقننه را معطل بگذارند و اگر مسأله‌ای هم بود که به‌تعطیلات برخوردند حکومتها و دولتها درچنین مواقعی می‌توانند یک جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل بدهندوازنمایندگان بخواهند که بیایند ولایحه را طرح کنند. بنابراین همیشه پای مجلس درکاراست بااین ترتیب هدف این بوده است که جلوحکومت نظامی را بگیرندولی باید توضیح بدهیم که این محدودیتهائی که دولت درشرایط فوق‌العاده برقرار می‌کند هیچوقت نمی‌تواند به صورت حکومت نظامی باشد زیراحکومت نظامی به‌طورمسلم غیرقابل اجرا است ودرهیچ شرطی ازشرایط جایزنیست. بنابراین بایدمحدودیتهای دیگری غیرازحکومت نظامی باشدواین حداقل کاری است که وجوددارد وحدودش راهم مجلس شورای ملی تعیین می‌کند. (حجتی کرمانی— مجلس یک شرایطی را می‌آورد.) نمی‌تواند.(حجتی کرمانی — توجه کنید که اسمش را حکومت نظامی نمی‌گذارند. ممکن است مجلس یک شرایطی را الزامی تشخیص بدهد ودولت همان مقررات حکومت نظامی را به‌طوردیگر اجرا کند.) اگر حکومت حکومتی است که براساس قانون بخواهد رفتار کند که قانون اساسی اجازه تصویب حکومت نظامی را به هیچ صورتی نمی‌دهد واگر نخواهدروی قوانین تکیه بکند که من وشما چه‌بنویسیم جایز است وچه‌بنویسیم جایزنیست. عمل نمی‌کند. عرض کردم‌مانه می‌توانیم بگوئیم حکومت درآینده صددر صد فاسد است ونه میتوانیم بگوئیم صددر صد صالح است ماباید یک‌روش معقول ومنطقی را در جعل‌قوانین در پیش بگیریم .

موسوی تبریزی — فعلا به این سؤال بنده پاسخ بدهید این شرایط فوق‌العاده که در کشور ما است که‌ما این محکم کاری را کردیم که‌حکومت نظامی باتصویب مجلس شورای ملی برقرار شود حالا اگر این محکم کاری نبود وشورای رهبری هم بفرمایش ایشان ایجاب بکند که تمام جنبه‌ها را از نظر اسلام و غیره در نظر بگیرد چه ایرادی دارد ، اصلا ظلم و دیکتاتوری در حکومت اسلامی مفهومی ندارد.

هاشمی‌نژاد — ما قبلا از این گذشتیم. (موسوی تبریزی — شما که این محکم کاری را کرده‌اید بهتراست یک‌چیزی هم اضافه بکنید که‌یک درصد احتمال سوءاستفاده هم نباشد.) ما قبلا از آن گذشتیم که‌مجلس شورای ملی جز در چهارچوبه مقررات اسلام نمی‌تواند قانون وضع کند و آنچه که شورای ملی نظر میدهد شورای نگهبان باید روی تمام آنها نظر بدهد که خلاف‌مقررات‌هست‌یانیست. شما این را اینجا مینویسید بنده سؤال میکنم آیا این‌مخالف‌قانون اسلام یا موافق قانون اسلام است؟ به‌نظر من این مخالف باقانون اسلام نیست پس شورای ملی هم بر همین میزان رفتار میکند و مخالف قانون اسلام هم نخواهد بود و لازم نیست که در کنار هراصلی ماین قید را اضافه‌بکنیم ولی این درآن مستتر است.

نایب‌رئیس — بسیار خوب متشکرم . یک اشکالی برای بعضی‌ها که درگروه منتخب هفت‌نفری دوستان هستیم وجود دارد وآن این است که‌گاهی یک نفر از مابرای توضیح یک اصل‌درجلسه عمومی می‌آید ودوستان دیگردرغیاب ما یک اصلی را درگروه‌میان شش نفردیگر مطرح میکنند ووقتی برمی‌گردیم دیگر آن اصل کارش تمام شده است بنابراین وقتی روی‌این اصل بحث میشود نه درگروه هفت‌نفری هستیم که‌نظرمان را بگوئیم ونه در بقیه‌شصت‌وچند نفر، از جمله این مطلب درباره این اصل صادق است ومثل‌خود من که‌درآنجا موقع طرح‌اصل نبودم ووقتی برگشتم دیدم اصل‌خدمت آقایان فرستاده شده است وطبعاً فرصت پیدا نکردم نظرم

را بگویم نمی‌دانم کجا باید این نظرراگفت. به‌نظربنده اینجا یک‌قید ضرورت دارد وآن این‌است که پیشنهاد کنیم : « ولی به‌هر حال مدت آن از سی روز بیشتر نباشد » و اگر ادامه‌اش لازم بود مجدداً از مجلس نظرخواهی کنند که مدتش را به‌حداقل برسانیم.(طاهری اصفهانی — ضرورت محدودیت را مقید کنید.) بلی اگر شرایط فوق‌العاده است یک محکم‌کاری مجدد تصمیم خوبی برای این کار است.(طاهری‌اصفهانی — این «محدودیتهای ضروری» این‌ضرورت قید آن است، خود این‌ضرورت محدودیت را مقید میکند.) آن مطلبی راکه شما فرمودید علاوه است وعبارت از این است که اگر حتی ضرورت از اول‌هم دوماه باشد این را باید مجلس در دو نوبت تصویب بکند تامجلس تحت فشار نباشد، حسن این کاراین است‌که مجلس‌دراین‌کار حق‌تجدید نظر پیدا می‌کند،یعنی این را تا یکماه...

ربانی‌املشی — گفته شد که‌این جزوقانون حکومت نظامی است بعد آنجا نوشته میشود شرایط و مواردی دارد یکی از مواردش این است‌که باید مدت آن معلوم باشد که چه‌اندازه باشد یعنی از فلان مدت تجاوز نکند.

نایب‌رئیس — وقتی‌شما این را اینجا نوشتید اصولا سبب میشود که تقاضای دولتها کمتر از حدضروری باشد که‌تشخیص میدهند واگر واقعاً این ضرورت دوام هم پیدا کند وبرای مجلس هم روشن باشد روزبیست وپنجم وبیست‌وششم برای یکماه‌تقاضای‌تمدید میکنند ونتیجه این میشود که دولت‌ها حد تقاضایشان در قانون اساسی محدود میشود و امکان وسیطرهٔ آنها برمردم یک درجه ضعیف‌تر میشود این وجه پیشنهاد من دراین مورد است.

طاهری اصفهانی — اگر شما دولتها را به‌آن قسمی که درذهنتان هست جنبه منفیش را حساب میکنید من‌مقید هستم که اگر روی آن‌جنبه بخواهیم تکیه کنیم وقانون‌اساسی وشورای نگهبان فقها راناديده بگیریم باید قیدی که آقای رشیدیان‌فرمودند اضافه کنیم.

نایب‌رئیس — اگر باشد منافاتی هم باآن‌ندارد، اینکه من‌عرض کردم یک قیدزمانی‌بود که‌هربار که ضرورت دارد ، دولت مکلف به‌کسب مجوز آن باشد واگر مصلحت میدانیدودست نمایندگان ملت‌هم برای اینکه بتوانند این فشار را زودتر بردارند باز باشد، این‌پیشنهادی بود که به‌نظرم رسید وخواستم عرض بکنم چون در موقع طرح این اصل در هیچ یک از آن دو جلسه نبودم ووقتیکه برگشتم رد شده بود . حالا به‌پیشنهاد آقای رشیدیان که باید در پایان اصل اینطور بنویسیم : «ولی‌به‌هر حال باید مدت آن از سی روز تجاوز نکند و اگر هم ضرورت همچنان‌ادامه دارد، دولت موظف به‌کسب مجوز جدید ازمجلس است» بادست رأی میگیریم. موافقین با این پیشنهاد دستشان را بلند نمایند . لطفاً ببینید چند نفر هستند . حدود چهل و چهار نفر موافقند که این قید را اضافه کنیم ، اگر دوستان موافقند آن چهار نفر دیگر هم دست بلند کنند.

حجتی کرمانی — موافقم ولی در اصل‌مسأله این محدودیت‌ضروری برای من حل نشده است این را اگر حلش بکنید خوب‌است.

طاهری گرگانی — به نظرم بهتر است این‌حکومتهای نظامی با این محدودیتهای‌ضروری را باتعیین‌مدت، مجلس تصویب نماید .

نایب‌رئیس — بلی آنکه مشخص است، ببینید آقای طاهری اینکه اینجا میگوئیم‌این‌است که ما می‌آئیم یک‌قیدی در قانون اساسی میگذاریم که‌اصولا حدود توقع‌دولتها برای همیشه

محدودیت پیدا کند اگرهم واقعاً ضرورت اضافی بود، این را مجلس نظر میدهد این یک نوع درجه اطمینان بیشتری است برای اینکه دولتها از این‌سوءاستفاده نکنند. حالا نظردوستان این است که بااین چهل‌وچهار نفر وآقای حجتی هم می‌فرمایند یکنفراضافه شده، پس بااین‌چهل و پنج‌نفر رأی حالا میتوانیم این ذیل را بگذاریم ورأی بگیریم‌وچهل‌وپنج نفر اعلام کردند که موافقیم یابه‌نظر میرسد که کافی نیست واصلش را به‌رأی بگذاریم. آقای هاشمی‌نژاد پیشنهاد کردند که « ولی» حذف‌شود چون عطف میشود به حکومت نظامی یعنی اگرآن مطلبی که آقایان خواستند بیان کنند به‌جای این «ولی» باید«و» بگذارند پس‌میگوئیم«ودرحالت جنگ‌و شرایط اضطراری» که‌حالت استثناء نداشته‌باشد، این‌نظر خوبی است ویابه‌جای «و»، « نقطه» باشد وآقایان اجازه بدهند یک‌تذکری راجع‌به «ولی»بدهم که‌تذکر خوبی است بیانیکه‌آقای هاشمی‌نژاد فرمودند درموافقت بااین‌اصل معنایش همین است که‌این«ولی» نباشد «نقطه»باشد چون «ولی»معنایش این‌است که ممنوع است ولی‌دراین مورد حالت استثناء به‌خودش میدهد و هیچ مانعی هم ندارد که بجای «ولی» ، «نقطه» بگذاریم که برای همان مطلب بیان رساتری است.

رشیدیان — چرا اجازه نفرمودید به‌پیشنهاد من این قید اضافه‌شود ؟ واقعاًاگر دولت بخواهد به‌حقوق ملت تجاوز کند در عرض یک‌هفته کشور را به‌خاك وخون میکشد، یک‌ماه که‌سهل است.

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان چون گفتند که‌در جلسه این مطلب را فرمودیدوحالا هم بعد از رأی‌گیری آوردند بنده هم‌چیزی را عرض کردم چون نه‌آنجا فرصت گفتن داشتم ونه‌وظیفه خودم دانستم که بگویم ، خوب حالا بااجازه دوستان...

یزدی — چون قرار شد محدودیتها شامل‌حکومت نظامی نباشد اصولا محدودیتها پائین‌تر از حکومت نظامی است پس به‌این صورت باشد طبیعی است که استثناء و یا شبیه استثناء نباید بکار برده شود .

نایب‌رئیس— بلی ما این را برداشتیم وبرداشتن آنهم ضرری ندارد. آقای‌خزعلی‌بفرمائید.

خزعلی— آقااین یک‌مطلب بسیارحساسی‌است وغرض آقایان این‌است که با تصویب مجلس‌شورای‌ملی‌این راگذراندید وقهراً شورای نگهبان‌هم‌به‌این امرنظارت دارد و نظارتش هم شرعی‌است وازاین‌جهت تأمین‌است ولی‌گاه موقعیت کشوربقدری حاد وحساس‌است که نوبت به تشکیل مجلس نمی‌رسد مثل قضیه کردستان که‌دراینگونه موارد باید شورای رهبری‌فوری‌فرمان بدهد، این‌را حتماً رعایت بکنند. (نایب‌رئیس— ببینید آقای خزعلی جای این مسأله‌آنجابود.) این قسمت که امر فوق‌العاده‌ای است جایش دراین قسمت است وحکومت نظامی که یک‌امری است ممنوع ولی امر فوق‌العاده حساسی است که می‌خواهند دستگاههای رسانه‌ها را بگیرند واگر بسیج نکنند و رفت‌وآمدها را تعطیل نکنند به‌دست دشمن می‌افتد ومملکت درآستانه‌سقوط قرار می‌گیرد واینجا بایستی شورای رهبری فرمان قاطع وفوری صادر نماید .

نایب رئیس— آقای خزعلی عنایت نفرمودید ما باید چنین حوادثی را در حدود وظایف شورای رهبری پیش‌بینی کنیم، هیچ‌منافاتی هم بااین امر پیدا نمی‌کند و این یک مطلبی‌است مادون آن، چون در رابطه با دولت است واینجا می‌گوئیم دولت حق دارد. شما درآینده یک چیزی دارید ومسألهٔ شورای رهبری روشن شد، با اختیارات خاص خودش وبه اومی‌فرمائید

این کار را بکنید بنابراین اوبیان صحیحی دارد بدون‌اینکه این‌اصل را مخدوش بکند. حالا با اجازه دوستان خود اصل را بدون آن قسمت اضافی که قبلاً هم چهل‌وپنج رأی آورده بودبه‌رأی می‌گذاریم اگر رأی آورد که هیچ وگرنه‌آن جمله را دوباره به‌اصل اضافه می‌کنیم. موافقین با این اصل بدون آن اضافه دستشان را بلند کنند، آنهائیکه بدون اضافه‌موافقند. (عده کمی دست بلند کردند.) پس موافقین بدون‌اضافه کافی نیست بنابراین اجازه بفرمائید که آن اضافه‌رابنویسیم ویکباره به رأی بگذاریم .

جوادی— این‌باید جنبه ملی ومردمی داشته باشد واگر به‌آن مجلس اعتباری نیست چون شرح وتفسیر قانون اساسی به عهده مجلس است مگر ضرورت ایجاب بکند که مجلس یک ماه حکومت نظامی را تصویب بکند .

نایب‌رئیس— عنایت بفرمائید یعنی احتمالا مدتی یک دولت ناصالح بتواند برمجلس فشار بیاورد و مدت حکومت نظامی کوتاه می‌شود وقتی مدت کوتاه شد نمایندگان زیر بار تمدید نمی‌روند وآن حکومت نظامی را باردیگر وقتش را تمدید نمی‌کنند ویکباره حکومت‌نظامی خودبخود منقضی می‌شود ومجدداً وضع عادی می‌شود .

جوادی— بعداز یک ماه دیگر مجلس این محدودیت ضروری را تصویب می‌کند چون تفسیر قانون اساسی به عهده مجلس شورای ملی است .

نایب‌رئیس— ما که نگفتیم مجلس ناصالح است‌ما می‌گوئیم مجلس صالح است، اما دولتی می‌آید وازاین سوءاستفاده می‌کند ولی چون درحالت حکومت نظامی است فشار هست ، مجلس نمی‌تواند آزادانه عکس‌العمل خودش را انجام بدهد. وقتی ما مدت راکم بکنیم این یکماه منقضی می‌شود ومجلس می‌تواند عکس‌العمل نشان بدهد این مطلب به‌این دلیل است.

جوادی — منظور اینست که مردم راحت باشند والا نه باز همان مجلس می‌شود و همان دولت .

نایب‌رئیس— آقای مکارم بفرمائید .

مکارم‌شیرازی— مجلس حق تفسیرقانون اساسی را ندارد و فقط می‌تواند قوانین عادی‌را تفسیر کند .

نایب‌رئیس— خوب حالا من با این اضافه، اصل را به‌رأی می‌گذارم ورأی‌هم با ورقه است یک بار می‌خوانم :

اصل ۶۶ (اصل هفتاد و نهم) — برقراری حکومت نظامی ممنوع است، درحالت جنگ وشرایط‌اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای ملی موقتاً محدودیتهای ضروری برقرارنماید ولی مدت آن به‌هرحال نمی‌تواند بیش از سی‌روز باشد ودرصورتیکه ضرورت همچنان به‌حال‌خود باقی باشد، دولت موظف است مجدداً ازمجلس مجوز کسب بکند.

(اخذرأی وشمارش آراء بعمل آمد ونتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده حاضر درجلسه هنگام اخذرأی شصت‌وچهارنفر، تعداد کل آراءشصت وپنج‌رأی، یک‌رأی خارج شد، آراء موافق پنجاه رأی، آراء مخالف شش رأی، آراء ممتنع هشت رأی بنابراین، این‌اصل تصویب شد تکبیر (نمایندگان سه‌بار تکبیرگفتند)

ربانی‌املشی— بنده یک نظری راجع به‌اصلی که تصویب شد دارم دراینجا نوشته شده که باید با اجازه مجلس باشد عین این قانون درگذشته هم بوده نسبت به‌حکومت نظامی‌ها که

حکومت نظامی باید با اجازه مجلس باشد منتها حکومت نظامی را تشکیل می‌دادند ، بعد از مجلس اجازه می‌گرفتند، اینجا هم همینطور است یا نه ؟ یا حتماً باید اجازه حکومت نظامی از مجلس بگذرد وبعد تشکیل شود؟

نایب‌رئیس— خیراین معنایش این است که باید اول مجلس تصویب نماید .

ربانی‌املشی— یعنی آنها خلاف قانون می‌کردند اول حکومت نظامی را برقرار می‌کردند وبعد ازتصویب مجلس می‌گذراندند .

نایب‌رئیس— گاهی اوقات است که به دولت اختیار می‌دهند که برقرار کند وبعد به مجلس ببرد، ممکن است درگذشته هم‌همین کار را می‌کردند وآن مجوز را داشته‌اند من یادم نیست .

مکارم‌شیرازی— اختیار داده بودند به دولت درموقع اضطراری اول حکومت نظامی را برقرار کنند وبعد به تصویب مجلس برسد .

۳ — طرح و تصویب اصل ٦٤ (اصل هشتاد و سوم)

نایب‌رئیس— اصل ٦٤ قرائت می‌شود .

اصل ٦٤ (اصل هشتادوسوم)— بناها واموال دولتی که ازنفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست، مگر با تصویب مجلس‌شورای ملی، آنهم در صورتیکه از نفایس منحصر بفرد نباشد .

نایب‌رئیس— ما دراین زمینه بحث بسیارکردیم، حالا ببینیم اگر مطلبی هست بنده توضیح می‌دهم در بارهٔ این اصل صبح هم بحث شده. اگر دراصلی که هم‌روزپنجشنبه وهم‌صبح امروز رویش بحث شده مذاکره کافی است که دیگر احتیاج به بحث ندارد وتکرارش بی‌مورد است .

صدوقی— بنده یک سؤال دارم راجع به عبارت «آن هم درصورتی که ازنفایس منحصر بفرد نباشد» حال اگر از منحصرین بفرد باشد وچیزی باشد که زود ازبین برود چه‌باید کرد؟

نایب‌رئیس— اگر چنین چیزی باشد چه کسی آن را می‌خرد؟

صدوقی— خارجیها می‌خرند .

اکرمی— صبح درشورا آقای آیت تذکری دادند من فکر کردم مسألهٔ‌ایست که باید رویش احیاناً دقت شود، کسانی اموال مشخصی دارند بخصوص اسناد مثلا یک سری اسناد سیاسی وتاریخی دارند که مربوط به‌گذشته است ، اینها را اگر مردم بخواهند بفروشند چیزی است که مربوط به فرهنگ و تاریخ این مملکت است ، دولت باید بر خرید و فروش اینها یک نظارتی داشته باشد تا از بین نرود، این‌امر حالا هم وجود دارد .

نایب‌رئیس— بسیار خوب آقای فاتحی بفرمائید .

فاتحی— این‌اصل درمورد اشیاء و اسنادی‌است که دراختیار دولت قرار خواهدگرفت اما راجع به اشیائی که در مالکیت شخص قرار دارد تصمیمی نگرفته‌اند وهمچنین از حفظ آثار باستانی وحفاری تپه‌ها حرفی به‌میان نیامده، آیا برای این امور اصل دیگری درنظرگرفته شده‌یا دراین اصل اضافه خواهد شد ؟

نایب‌رئیس— آقای فاتحی یک مسائلی هست که همه‌آنها درقانون اساسی نمی‌آید

چیزهائی در قانون اساسی می‌آید که همیشگی و کلی است وباید زیربنای قانونگذاری آینده‌قرار گیرد. دربارهٔ آثار باستانی بعدها دولت قانون می‌گذراند اشکالی ندارد.

فاتحی— اشیائی که در مالکیت شخصی افراد است آنها چه می‌شود؟

نایب‌رئیس— در باره آنها هم دولت قانون می‌گذراند واینجا ما خواستیم تکلیف دولت را روشن نمائیم... آقای فارسی سؤالی داشتید ؟

فارسی— دومورد دربارهٔ انتقال نفایس ملی ذکر شده یکی اینکه اموال نفایس منحصر بفرد نباشد که در مورد اموال دولتی صدق می‌کند، آیا این موضوع را درمورد همهٔ بناها قید می‌کنید ؟

نایب‌رئیس— برای پیش قید توضیحی، اشکالی ندارد وضرر نمی‌زند می‌گوید آنها این صفت را دارند. اگر سؤالی نیست اعلام رأی بکنم ؟ (اظهاری نشد) لطفاً گلدانها را برای رأی‌گیری آماده کنید .

(اخذ رأی و شمارش آراء به عمل آمد ونتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده‌حاضر درجلسه هنگام اخذرأی شصت‌ودونفر، تعداد کل آراء شصت‌ودو رأی، آراء موافق پنجاه‌وشش رأی، مخالف هیچ، آراء ممتنع شش رأی بنابراین تصویب‌شد،تکبیر. (نمایندگان سه‌بار تکبیر گفتند)

٤ — طرح و تصویب اصل ٦٥ (اصل هفتاد و هفتم)

نایب‌رئیس— اصل ٦٥ مطرح است .

اصل ٦٥ (اصل هفتاد وهفتم)— عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

نایب‌رئیس— آقای یزدی سؤالی داشتید ؟

یزدی— سؤال این‌است که اگر سیاق این‌اصل را با اصل بعدی وقبلی تطبیق بکنیم بهتر بنظر می‌رسد که به صورت نفی و اثبات انجام گیرد یعنی به این صورت است که اول یک اعلام ممنوعیت است ، بعد یک جواز است ، اگر به این صورت باشد که اینها ممنوع است مگر با اجازه مجلس، ویا غیر معتبر است مگر با تصویب مجلس .

نایب‌رئیس— ببینید آقا اینها خیلی فرق دارد آنها یک اموری است که طبیعتش این‌است که نباشد، اقتضای اولیه در دواصل شصت‌وچهار و شصت‌وشش منع است مگر به عنوان‌ثانوی اثبات شود ولی عهدنامه‌ها اینطور نیست اینها به اقتضای مقررات اولیهٔ یک کشوری جایزاست وبایستی‌از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد وهرعمل دیگری هم باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد. آقای طاهری بفرمائید .

طاهری— اینجا عهدنامه ومقاوله‌نامه دارد، قراردادنامه وموافقت‌نامه دارد وآنروز فقط یک موضوع خوانده شد به‌هرحال چون یک مطلبی است که درآن ابهامی هست و ممکن است بعداً راهی باز بشود که فعلا از خطراتش آنچنانکه باید اطلاعی نداریم بهتر است جنبهٔ احتیاط را رعایت بکنیم واین با تصویب دوسوم رأی نمایندگان باشد، من معتقدم که حتماً بایستی باشد .

نایب‌رئیس— آقای فارسی بفرمائید .

فارسی— عرض کنم اینجا به‌دولت اجازه می‌دهد که مثلا پیش‌نویس‌عهدنامه را تهیه کند وبایک ویا چند دولت مذاکره نماید، مقاوله‌نامه‌ای تهیه ویا قراردادی ببندد ولی این قرارداد وقتی جنبه قانونی پیدا می‌کند که به تصویب مجلس شورای ملی برسد، درحالیکه ما درمورد نفت یک ممنوعیتی داشتیم که ظاهراً مجلس شورای ملی در دورهٔ چهاردهم تصویب کرد که دولت حق ندارد در مورد اعطای امتیاز نفت باهر دولتی وارد مذاکره شود یعنی این را منعش کردند که حتی مذاکره کند. بنابراین باید مذاکره برای بستن قرارداد هم با اجازه مجلس باشد مثل فروش هواپیمای جنگی و غیره.

نایب‌رئیس — پیش نویس وتهیه متن مقاوله‌نامه‌ها و قراردادها ، همه مقدمات کار است ولی وقتیکه مجلس تصویب کرد آنوقت آن مقاوله‌نامه‌ها و قراردادها قابل اجرا است تهیه مقدمات وپیش نویس احتیاج به‌تصویب مجلس ندارد.

دکترضیائی — همانطوری که آقای‌آیت‌گفتند اینهاهم بایستی باتصویب مجلس‌شورای ملی‌باشد.

نایب‌رئیس — اگر نظرشما همان نقطه نظر آقای فارسی است که به‌تصویب برسد، اگر آن نیست که دیگر احتیاج به‌تصویب ندارد. اگر دراین اصل دیگر مطلبی نیست آن‌را به‌رأی بگذاریم، لطفاً گلدانها رابرای اخذ رأی ببرید.

(اخذ رأی وشمارش آراء به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی : عده حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی شصت وسه‌نفر، تعداد کل‌آراء شصت وچهار رأی، یک رأی خارج شد، آراء موافق پنجاه و پنج رأی، آراء مخالف سه رأی، آراء ممتنع پنج رأی، تصویب شد، تکبیر. (نمایندگان سه‌بار تکبیرگفتند)

۵ — طرح و تصویب اصل ۶۸ (اصل هشتاد و دوم)

نایب‌رئیس — اصل شصت وهفت در روز پنجشنبه خوانده شد و تصویب شد. اصل شصت وهشت مطرح است آن‌روزخوانده شد وبا مختصر تغییراتی که می‌توانستیم بدهیم‌اینجا آورده‌ایم که میخوانم:

اصل۶۸— استخدام کارشناسان خارجی ازطرف دولت ممنوع است، مگردرمواردضرورت، باتصویب مجلس شورای ملی.

تهرانی — همه حرفها هم زده شده است.

کرمی — دو روز صحبت‌ها شده، هم پنجشنبه‌عصر وهم امروز صبح درجلسه مشترک.

نایب‌رئیس — بلی اجازه بدهید که سه‌نفر از آقایان که اسم نوشته‌اند، مختصرصحبت کنند که البته تکراری نباشد. آقای سبحانی مطلب تازه‌ای دارید؟

سبحانی — عرض شود نسبت این اصل با اصل ۱۲۲ که بعداً می‌آید یعنی «استخدام کارشناسان خارجی ازطرف دولت ممنوع است» کارشناسان نظامی را هم دربر میگیرد یا نمی‌گیرد؟(نایب‌رئیس — حالا بفرمائید که اصل ۱۲۲ چیست؟)بعداً ممکن است درموارد ضرورت استثناء بکنند زیرا اگر آن عام باشد اینهم در مستثنی داخل است میخواستم بدانم دراصل ۱۲۲ پیش‌نویس که «هیچ افسر وسربازخارجی‌به‌خدمت نظام ایران قبول نمی‌شود» آیا این حرف مخصص اینست؟

نایب‌رئیس — بلی طبیعی است شما که دیگر برطبق موازین واصول ... (سبحانی— نه، خواستم بفهمم) بلی آن مخصص است وهیچ تعارضی هم ندارد .

سبحانی — مسأله دیگر اینکه آیا نباید قید کنیم که استخدام مشروط به این است که در امور داخلی مداخله نکند وفقط در آن محدوده کارشان عمل کنند ؟ زیرا ما هر کارشناسی را که دیدیم مداخله کرده است . بالاخره مارگزیده از ریسمان سیاه وسفید میترسد .

نایب‌رئیس — بسیار خوب آقای مکارم شیرازی بفرمائید .

مکارم شیرازی — عرض بنده اینست که‌این قید « از طرف دولت » اگر واقعاً یک‌دولت خارجی سوء نیتی داشته‌باشد کارشناسانش را به‌عنوان یک مؤسسه خصوصی ممکن است بفرستد و همان مشکل ایجاد شود بنابراین چه مانعی دارد «از طرف دولت» را برداریم « استخدام کارشناسان خارجی ممنوع است مگر در این موارد » منتهی این اشکال میشود که دو تا کارشناس برای فلان مؤسسه پشم بافی میخواهند استخدام بکنند این را مجلس میتواند روی یک ضابطه کلی تصویب کند برای فلان موقع، دراین حدود، در این مقدار وراه سوءاستفاده بسته میشود .

نایب‌رئیس — بلی ، آقای طاهری بفرمائید .

طاهری اصفهانی — این عبارت در روز پنجشنبه « مگر در حد ضرورت» بود چطور شد «حد» برداشته شد وبجایش « مگر در موارد ضرورت» آمد ؟

نایب‌رئیس — قبلا من یادآوری کنم با اینکه نزدیک رأی‌گیری هستیم دوستان‌زیادی دارند از جلسه خارج میشوند وعملا کار جلسه را فلج‌میکنند دوستانی هم که بیرون هستند بفرمائید داخل جلسه بیایند . (یکی از نمایندگان — تا ضرورتی پیش نیاید از جلسه خارج شدن صحیح نیست.) دوستان سعی بفرمایند که کمتر از جلسه خارج شوند... آقای طاهری بفرمائید.

طاهری اصفهانی — عرضم تمام شد .

نایب‌رئیس — دراین عبارت «درموارد ضرورت»حس کردیم خود کلمه «موارد»مشخص این‌است که ما می‌خواهیم بگوئیم که مورد به‌مورد بایدباتصویب مجلس باشد چون نظرهم همین بود . بطوری که حتی آن چیزی که آقای مکارم‌میگویند داخل در این نمی‌تواند باشد ، این‌بود که دیدیم«حدضرورت» ممکن است یک‌وقت زمینه این‌باشد که بیایند یک‌حدی را به‌تصویب برسانند واین خلاف‌نظر مابود به‌همین جهت‌تبدیل کردیم به«موارد» که‌مشخص‌تر باشد.

طاهری اصفهانی — نظر بنده این است که‌یک‌جامورد ضرورت است، میگویندچون این مورد ضرورت‌دارد پنجاه نفراستخدام‌می کنیم، در صورتی که بیست‌نفرشان درحدضرورت است ، مورد، مورد ضرورت است‌اماحد ، حد ضرورت نیست.

نایب‌رئیس — بلی معمولا کمیت هم داخل‌آن تصویب میشود، آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — یکی از نمایندگان قبول وزارت کرده بنابراین از عدادنمایندگان مجلس خارج میشود وحد دوسوم میشود چهل‌وهفت نفر.

نایب‌رئیس — این اتفاقاً سؤال شد ومعلوم‌شد که ما برطبق آئین‌نامه‌هائی که داریم با قبول سمت پس از انتخاب، خود بخود از عضویت خارج نمی‌شود ، برای اینکه آن چیزی را

که شرط کرده بودند قبل از انتخاب است وبرای جلوگیری از اعمال نفوذ در مقام اجرائی است واین امر بعد از انتخاب دیگر منتفی است واین موضوع مورد بحث قرار گرفت وچنین نتیجه‌ای نگرفتیم، اجازه بدهید این اصل را برای رأی‌گیری بخوانم. آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — من نمی‌دانم بعداً بخش خصوصی وعمومی مثل گذشته خواهیم داشت‌یا نه؟ اگراحیاناً بعضی ازکارها را دولت تصدی نکند وبه‌مردم بدهد آنها میتوانند کارشناسان‌خارجی را استخدام کنند یانه؟(نایب‌رئیس — بلی این معنایش این است که میتوانند.) بدون‌نظارت دولت؟

نایب‌رئیس — دولت نظارت‌دارد ، به‌اعتباراینکه هر فردخارجی که‌بخواهد واردایران بشود ومشغول کار بشود بدون مجوز از دولت نمی‌تواند مشغول کار بشود این به‌طور کلی‌است. آقای نبوی بفرمائید.

نبوی — درموارد ضرورت تشخیص ضرورت هم‌باید بامجلس باشد بنابراین باید بنویسیم «در موارد ضرورت باتشخیص وتصویب مجلس» .

نایب رئیس — معلوم است، یعنی ضرورتش هم از همین عبارت فهمیده‌میشود. آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — در استخدام کارشناس اگر بازمثل همان حکومت نظامی محدود بشود یعنی سال به‌سال تمدید بشود که خود این یک مسأله باشد که کارشناس‌بداند اینجا نمی‌تواند جاخوش کند.

نایب رئیس — بلی مشکل است واقعاً یک مسأله فوق‌العاده‌ایست حالا دوتا کارشناس میخواهند استخدام کنند مرتباً سال به‌سال به‌تصویب مجلس برسانند آن‌طرفش هم هست که واقعاً پیدا کردن افراد ...(پرورش — درآئین‌نامه داخلی مجلس میتواند قیدبشود.) بلی درقانون اساسی نباید قید کنیم که‌دست مجلس را باز بگذاریم که اگر مجلس مصلحت‌دید همان وقت که میخواهد تصویب کند مدتش را هم محدود کند، این بهتر است برحسب مقتضیات باشد ، خوب این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم عنایت بفرمائید .

حجتی کرمانی — بخش خصوصی چطور میتواند کارشناس خارجی استخدام کند؟ یعنی همان اشکالی که بردولت وارد است بربخش خصوصی واردنیست، که‌مستشاران خارجی بیایند اینجا ؟!

نایب‌رئیس — چون بخش خصوصی ناچار است با تأیید دولت بیاورد اینست که‌یک آقابالاسر دارد که دولت باشد ولی در مورد دولت ما خواستیم که‌یک ناظر برای دولت‌تعیین کنیم که آن هم مجلس است.

حجتی کرمانی — عملا اگر دولت احتیاج به‌نظارت مجلس شورای ملی داردرکاری‌هم که‌بخش خصوصی میکند باید مجلس شورای ملی ناظرش‌باشد.

نایب‌رئیس — آقای حجتی ببینید شماهمیشه نظارت یک‌تعداد کارها را به‌دولت‌ویک تعداد کارها را به‌مجلس میدهید اگر ...

حجتی کرمانی — فلسفه‌ای که‌برای عدم نفوذ خارجی درایران درمورد دولت‌هست در بخش خصوصی هم‌هست.

نایب‌رئیس — خوب دولت جلوی آن را میگیرد یعنی چون دولت در اینجا وجود دارد

وخودش ذینفع نیست بنابراین اواین نظارت را میکند اما درجائی که دولت بخواهد خودش ذینفع است، ذینفع فرق میکند ، اجازه بدهید که اصل را بخوانم و اعلام رأی کنم .

اصل ۶۸ (اصل هشتاد ودوم) — استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است ، مگر در موارد ضرورت باتصویب مجلس شورای ملی.

لطفاً رأی بگیرید . (اخذ رأی وشمارش آراء بعمل آمد ونتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه آراء : عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت ودونفر، تعداد کل آراء شصت و دو رأی ، موافق پنجاه وپنج نفر، مخالف یک‌نفر، ممتنع شش‌نفر تصویب شد ، تکبیر . (نمایندگان سه‌بار تکبیر گفتند)

۶۹ — طرح و تصویب اصل ۶۹ (اصل هشتاد و هشتم)

نایب‌رئیس — اصل ۶۹ مطرح است که‌قرائت میکنم:

اصل ۶۹ — درهرمورد که‌نماینده‌ای ازوزیر مسئول درباره موضوعی از وظایف اوسؤال کند آن وزیر موظف به‌جواب است وجواب نبایدبیش از ده روزبه تأخیر بیفتد مگر باعذرموجه به تشخیص مجلس شورای ملی .

آقای سبحانی بفرمائید .

سبحانی — عرض کنم که این در یک قیدش یک قسمتش گفته نشده است «و جواب نباید بیش از ده روز به‌تأخیر بیفتد » حال اگر تأخیر افتاد بدون عذر موجه یا اصلا جواب‌نداد تکلیف چیست ؟

نایب‌رئیس — معمولا دولت را استیضاح میکنند که‌در اصول بعد خواهد آمد.

سبحانی — نه ، استیضاح غیر از این است ، استیضاح یک‌اشکالی در کار دولت است.

نایب‌رئیس — عرض‌می کنم وقتی که‌وزیری جواب نداد معمولا زمینه برای استیضاح فراهم میشود. (یکی از نمایندگان — برای استیضاح باید ده نفر باشند.)این‌خودش زمینه‌فراهم می کند حالا اجازه بدهید شاید گروه برایش جواب دیگر داشته باشد لطفاً دوستان‌گروه‌یادداشت کنند وبعد یکباره جواب بدهند.

سبحانی — آیا نباید روشن شود که این‌سؤال وجواب بایددرمجلس انجام‌بگیردوخارج‌از مجلس این سؤال‌ها مطرح نیست؟ مثلا یک‌وکیل‌بگوید بیا در دفترمن یاخارج.

نایب‌رئیس — از عبارت فهمیده میشود در مجلس است ، آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — یکی‌از اشکالات همین بود که آقای سبحانی گفتند که‌من معتقدم‌اضافه بشود که‌اگر وزیری جواب نداد یا حتی جواب داد وقانع کننده نبود به‌تقاضای نماینده رأی اعتماد گرفته میشود. مسألهٔ دیگر این است که فقط در مورد یکی از وزراءگفته شده است،بلکه وکیل از کل هیأت وزراء خواست سؤال‌بکند، من معتقدم این‌جمله‌هم باید بیاید، درهرموردی که نماینده‌ای از وزیر مسئول یا هیأت وزراء ... (نایب رئیس — یعنی چه از هیأت وزراء؟) مسائلی‌پیش‌می‌آید که درحدسملکت است مثلا یک کاری انجام نشده است ومخصوص به‌وزیر بخصوصی هم ممکن است نباشد .

نایب‌رئیس — چطور میشود آخر ؟ هر کاری حتماً مربوط به‌یک وزارتخانه‌است، نمیشود یک کار مربوط به‌یک وزارتخانه نباشد. اصلا معنی وزارتخانه این است که کارها را تقسیم

میکنند پس کارحتماًمربوط به یک وزارتخانه است .

دکترآیت — یک مسائلی هست در مملکت که در صلاحیت هیأت وزراء است .(نایب رئیس — مثلا...) حالا من میتوانم فکرکنم وبگویم ، هست ، توی قوانین هم‌داریم نمیشود که گفت ...

نایب‌رئیس — مسئولیت وزراء یک‌چیز، ولی چنین چیزی ظاهراً نیست بالاخره همیشه در هرکاردرست است تصویب، با هیأت وزراست.

دکترآیت — بعضی‌جاهاست که‌به یک ویا دووزارتخانه مربوط میشود . (نایب‌رئیس— خوب ، از هر دو سؤال می کنند.) به این جهت من معتقدم که هیأت وزراء را بگذارید زیرا واقعاً در گذشته هم‌بوده که از هیأت دولت در یک مورد بخصوصی‌سؤال می کردند.

نایب‌رئیس — بلی دیگر چیزی نیست؟(دکترآیت — خیر) آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — اولا این عبارت «درباره موضوعی‌از وظایف‌او» روشن نیست.(نایب‌رئیس — اگر «یکی از وظایف او» بگذاریم درست میشود ؟) عبارتی باید باشد قریب به‌همان اولی . (نایب‌رئیس— درباره یکی از وظایف او.) یا امری در حدود وظایف او، این جمله‌درست‌نیست وبعد این‌سؤال سؤالیست که‌با استیضاح فرق دارد ، یعنی سؤالیست که‌یکی از وکلاءایرادی درامری از امور وزارتخانه‌ای بنظرش میرسد وسؤالی می کند، این‌سؤال رابه چه صورت میکند؟ (نایب‌رئیس — معمولا باید کتبی باشد.) میتواند ثابت کند که سؤال کرده ، جواب نیامده است؟ (نایب‌رئیس — معمولا باید کتبی‌باشد .) از چه طریق، باپست؟ (نایب‌رئیس - خیر آقا توی مجلس .)پس این باید مشخص باشد که سؤالات نمایندگان از طریق رئیس مجلس ارسال میشود وپاسخ هم از آن طریق و ده‌روز مهلت هم‌برای پاسخ یک وزارتخانه کم است چون احتمال دارد که مرتب مجبورشوند عذرموجه درست کنندبنابراین مدت را پانزده‌روزیا یک‌قدری بیشتر کنید.

نایب‌رئیس — آقای هاشمی‌نژاد شما میخواهید توضیح بدهید یاسؤالی دارید؟(هاشمی نژاد— هردو است.) سؤالتان را حالابفرمائید و توضیحتان را آخر این بحث‌بدهید که به‌سؤالات دیگر هم توضیح داده باشید.

هاشمی‌نژاد — اجازه بدهید هر دوراخیلی مختصربیان کنم.

نایب‌رئیس — خوب بفرمائید من‌خواستم یکباره باشد.

هاشمی‌نژاد — در مورد سؤال من ، این قسمتی که‌آقای خامنه‌ای‌فرمودند کاملا مشخص است ودرست‌هم هست ملاحظه بفرمائید «در هرمورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول دربارهٔ موضوعی از وظایف او سؤال کند » باید تصریح بشود که این‌سؤال در مجلس طرح بشود و الا ممکن است در راهرو ، در بیرون ، یا در وزارتخانه باشد ونماینده فردا بگوید آقا بنده وزیر را دیدم، سؤالی کردم ، به‌من جواب نداد . بنابراین لازم است سؤال درمجلس بطور رسمی‌مطرح شود . و اما آن قسمتی که فرمودند که‌اگر بعد از ده روزپاسخ ندادچه کار بکنند، بعد از ده‌روز اگرپاسخ نداد استیضاح نمی کنند چون استیضاح دررابطه با کل دولت است اگر بناباشدهرروز یک‌نماینده‌ای یک‌سؤالی بکند وبه او جواب ندهند در مجلس استیضاح مطرح بشود که‌آن‌دولت متزلزلی است ووضع‌درهمی دارد ، واین هیچ کجای دنیا معمول نیست که‌اینجور عمل بکنند بعلاوه برای استیضاح بعداً اصل داریم این کاربه‌خاطر این است که‌یک نوع الزام‌اخلاقی‌توأم

باضمانت اجرائی اجتماعی محدود برای وزیرباشد که اگر بعد از ده روز جواب نداد در روزنامه اعلام بکنند که ما سؤال کردیم وجواب ندادند ولی استیضاح برای این موضوع اصلا معنی ندارد .

نایب‌رئیس — من‌فقط به‌عنوان یک‌توضیح به‌خود حضرتعالی عرض‌میکنم . در اصل بعد نوشتید «نمایندگان میتوانند دولت یایکی از وزراء را استیضاح کنند» بنابراین‌استیضاح از یک وزیرمعنی‌دارد . خوب آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — بابودن این اصل مخالفم .

نایب‌رئیس — بسیار خوب ، آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — اگر این سؤال مربوط به امور مملکت است وباسرنوشت مملکت بستگی دارد، این آقای وزیر که وزارتخانه‌اش خیلی منظم است ، معاون‌دارد، مشاوردارد ، برنامه‌هایش را پیش‌بینی کرده، کارهایش را هم نوشته یاگفته‌است، اولا ده‌روز هم زیاد است وبایدفوری‌جواب بدهد وبعد این‌عذر موجه هم درست نیست، هر روز میرود یک کاغذازدکتر میگیرد، میگوید من مریض‌بودم یامیرود مسافرت، اگر این آقا خلافی کرده یامسئولیتش را انجام‌نداده ولو در کشور شوروی‌دارد مذاکره میکند باید فوری‌برگردد به‌ایران وجواب بدهد تا دنیا بداند که ایران یک‌حکومتی دارد که آنی وزیر را احضار میکند وازاومسئولیت میخواهد . بنابراین‌ده‌روز زیاد است وعذر موجه هم نباید باشد، بردارید.

نایب‌رئیس — آقای عضدی بفرمائید.

عضدی — سؤالی داشتم که ازطرف آقایان طرح شد .

نایب‌رئیس — آقای مکارم سؤالی هست؟

مکارم‌شیرازی — سؤالی ندارم ، یک‌وقت بخواهند صحبت کنند جواب خواهم داد.

نایب‌رئیس — پس توضیح میخواهیدبدهید ، آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — در کمیسیون مشترك راجع به‌این جریان خیلی بحث‌شده است اول رأی‌بگیرید اگر رأی نیاورد مخالف‌میتواند صحبت‌بکند که‌من فکر میکنم احتیاج به‌صحبت مخالف نیست .

نایب‌رئیس — متشکرم ، آقای حجتی کرمانی .

حجتی کرمانی — من فقط توضیحی در مورد فرمایش شما ، در مورد وزیری که درجواب آقای هاشمی‌نژاد فرمودید دارم، ظاهراً اگرهم وزیری به‌اصطلاح کار خلافی کرده باشد به‌خاطر مسئولیت مشترك وزراء خود دولت استیضاح میشود و لذا این موضوع در پیش‌نویس وجود دارد که نمایندگان ملت می‌توانند دولت را استیضاح کنند ولو بخاطر کار یک وزیرهم که باشد هیأت دولت استیضاح میشود. (نایب‌رئیس — اصل ۷۰را مطالعه کنید.) طبق اصل ۷۰ نمایندگان میتوانند دولت را استیضاح کنند . (نایب رئیس — یا یکی از وزراء را)منتها برای خاطر یک‌وزیر، چون مسئولیت مشترك وزراء درقانون پیش‌بینی شده است کل دولت استیضاح میشود مثلا به‌خاطر کاری که وزیر بهداری کرده است.

نایب رئیس — حالا اجازه بدهید این را دراصل‌مربوط به‌استیضاح مطرح کنیم، خوب آقای فاتحی بفرمائید به‌عنوان مخالف صحبت کنید.

فاتحی — بعد از سلام به‌برادران ، ماخودمان که‌داریم دعوت به‌نظم می کنیم‌وهیأت رئیسه‌ای تعیین کردیم مناسب است که هیأت‌رئیسه ، نظم مجلس را رعایت کند ونظم بدهد

واگربناباشد فردآفرد نمایندگان هرکدام مجلس را دعوت به‌نظم وبحث کنند این بیشترخودش وقت را میگیرد . بااجازه آقایان‌بنده بابودن این اصل مخالفم، البته‌قسمتی از آنها را برادران بطور پراکنده بیان کردند وجمع بندیش به‌این‌صورت است که‌البته این اصل این بود که :

۱ — «درهرمورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول در باره موضوعی که از وظایف اوست سؤال کند آن وزیر موظف به‌جواب است وجواب‌نباید بیش از ده‌روز به‌تأخیربیفتد، مگر باعذر موجه به‌تشخیص مجلس‌شورای‌ملی»مفاد این اصل آن چنان گسترده ومطلق وهمچنین نارسا و مبهم است که‌به‌نظرمیرسدعملا نتیجه‌ای جز درگیری ، تضییع‌وقت وبه‌تأخیرافتادن کارهانخواهد داشت بخصوص آنکه باتوجه به مفاد اصل هفتاد که اجازه استیضاح هریک از وزراء را بـه نمایندگان داده است دیگر هیچ نیازی به‌وضع یک‌اصل مستقل در این‌باره آنهم به‌این‌گستردگی شمول‌باقی‌نمی‌ماند جهات اطلاق در هرمورد بدون هیچ قید وشرطی‌اجازه میدهد که‌نمایندگان حتی پرسشی که برخلاف مصلحت عمومی است مطرح کنند.

۲ — کلمه«نماینده‌ای» به‌صورت مطلق اجازه می‌دهد که‌پرسشها ولو براساس‌فقط‌تمایل شخصی باشد حتی در صورت مخالفت نمایندگان دیگر هم‌مطرح گردد .

۳ — کلمه« سؤال کند» بدون تعرض به‌اینکه سؤال‌مثلا درجلسه‌علنی باشد یا بگونه‌ای معین اجازه میدهد که‌پرسشها ولو درجلسهٔ خصوصی ودونفره باشد بازهم‌بایستی جواب‌دادهشود.

٤ — کلمه«موظف‌به‌جواب‌است» هیچ مشخص‌نشده است که درکجا وچگونه‌بـاید جواب داده شود ولذا حتی مواردی را که‌جواب فقط به‌شخص‌سؤال کننده داده شود مشمول این اطلاق خواهد بود .

جهات نارسائی :

به مقتضای این اصل پاسخ وزیر مسئول نبایـد بیش از ده روز به تأخیر فتد. در اینجا هیچ توجهی به‌اینکه در صورت تأخیر بیش از ده روز، چه‌باید کرد، نشده است واین‌عذرموجه میتواندباعث تأخیر جواب باشد درصورتی که‌مشخص‌نشده که‌بانظرچه کسی ویا کسانی بایستی موجه شناخته شود واین به نظر مجلس صحیح نیست چونکه ممکن است جمعی عذر را موجه وجمعی غیرموجه بدانند.

نایب‌رئیس — آقای موسوی‌بفرمائید.

موسوی قهدریجانی — امروز دیگر تحمل من از بین‌رفته ونمی‌توانم مطلبم را نگویم‌زیرا من دیروز درکرمانشاه بودم واکثر سؤالات روی‌یک‌مسأله‌دور میزد ومردم نگران بودند کـه چراصدای یکسری از افراد پخته وفهمیده را که مردم در طول مبارزات زندگیشان شناخته‌اند واکنون در مجلس هستند نمی‌شنوند مثلا در مورد مرحوم طالقانی زیاد سؤال میکردند. نسبت به‌دیگران زیاد سؤال می کنند . من‌فکر میکنم افرادی مثل من فرصت را از دیگران‌می‌گیریم‌و نمی‌گذاریم این مجلس به‌آن‌صورت که‌شرعی‌است ادامه‌یابد وموازین‌شرعی را رعایت‌نمی کنیم. ماباید به‌دیگران حق بدهیم زیرا در این‌مجلس همیشه بزرگان‌ساکت می‌مانند. من انتظارم اینست که دوستان یک‌مقدار رعایت بکنند وبگذارند آنها که حقشان است بیایند وصحبت کنند.

نایب رئیس— اجازه بفرمائید در بارهٔ مطلبی که برادرمان آقای موسوی را نگران کرده است توضیح بدهم.با رویه‌ای که ما اتخاذ کرده‌ایم سعی می کنم درموقع سؤالات حقی ازکسی گرفته نشود ودرمورد موافق ومخالف، البته اینطور هست که ممکن است بعضی زودتر نوبت

بگیرند که خوشبختانه درمورد این‌اصل فقط آقای فاتحی به عنوان مخالف نوبت‌گرفته بودند که صحبت کردند ولی‌انتظار ما اینست که وقتی دوستان اینجا تشریف می‌آورند، دقت بیشتری بکنند. من باید توضیحی به‌ایشان بدهم که یکی از سؤالات ویا علل مخالفتشان این‌بود که تشخیص‌عذرموجه‌با کیست؟ درحالیکه ذیل اصل‌گفته شده است «نبایدبیش از ده روز به‌تأخیر بیفتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی» آقای مکارم به عنوان موافق‌میخواهید صحبت کنید بفرمائید.

مکارم‌شیرازی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من ترجیح می‌دادم مخالفی صحبت نکند که نیازی‌به‌موافق باشدزیرا بحث ما قبلاشده است، ولی‌به‌عنوان ضرورت چون مخالفی‌صحبت کرده موافق هم بایدصحبت کند، اینست که‌وقت‌سروران‌عزیز را اشغال می‌کنم. چند ایرادبه‌این‌اصل گرفته شد که باید جواب‌گفته شود. اول‌گفتند این‌اصل‌گسترده ونارسا وباعث درگیری و تضییع وقت مجلس و امثال اینهاست. فلسفه این‌اصل واضح است زیرا یک موقع ممکن است وزیر تخلفی بکند وتخلف ممکن است دریک حوزهٔ خاصی باشد بنابراین باید نمایندگان ملت حق داشته باشند داد مردم را درمجلس بزنند. کار نمایندگان فقط تصویب قوانین نیست، بلکه وظیفه نمایندگان اینست که دادمردم وحوزهٔ انتخابیه خودشان را درمجلس بزنند. بنابراین حداقل به نماینده حق داده شده‌است که درمجلس بگوید درحوزه انتخابیه من یک چنین اقدامی ازطرف وزارت کشاورزی شده است که وزیر کشاورزی بیاید وتوضیح بدهد که به‌چه مجوزی اینکار را کرده است. بعداً یا وزیر کشاورزی نمی‌آید که مردم می‌فهمند یک چیزی‌درکار است، که خودش یک اثر درسطح عموم دارد، یا وزیر جواب می‌دهد وجوابش قانع کننده است که سوء تفاهم برطرف می‌شود وهمه متحد باهم کارها را پیش می‌برند، یا جواب قانع کننده نیست که معلوم می‌شود خیانتی شده است که باید فکری برایش بشود. بنابراین نه‌تضییع وقت‌مجلس است ونه درگیری، بلکه رساندن صدای مردم به‌گوش اولیاء امور دریک مرکز رسمی مملکت است. واما اشکال دیگر که‌گفتند اگروزیر برای جواب نیاید چه می‌شود؟ لازم نیست برای هر مسأله زندان یا مجازات تعیین کنیم، خود این یک مسأله است. من وقتی‌درسطح عموم‌به‌فلان آقاگفتم‌من‌حاضرم دراین مسأله با شما مناظره تلویزیونی‌داشته باشم وشما نیامدید مردم‌می‌فهمند یک چیزی درکارهست وخود این یک ضمانت اجرائی اجتماعی ایجاد می‌کند. و اما اینکه فرمودند درماده بعد اجازه استیضاح داده شده‌وکفایت می‌کند این درست نیست، برای اینکه استیضاح یک مرحله بالاتری است. یک‌وقتی واقعاً دریک حوزه خاص یک خلافی واقع شده است یا یک کاری در سطح مملکت شده است ولی مبهم است نباید وزیر را استیضاح کرد بلکه باید از او سؤال کرد. وقتی قوانینی برخلاف کاری ویاخیانت بدست‌بیفتد نوبت‌به‌استیضاح می‌رسد. پس دفاع ازحق‌مردم دومرحله دارد، مرحله سؤال که‌حتماً بایدباشد ومرحله استیضاح که یک مرحله بالاتری است واین حداقل چیزی است که نمایندگان مردم برعهده دارند. واما اینکه فرمودند یک کسی ممکن است تبانی داشته باشد وبخواهد اسرار مملکت به خارج درز کند ازوزیر سؤالی کند و وزیر را به‌جلسه علنی مجلس بکشاند ومسائل مطرح شود وبیگانگان بشنوند، درجلسه هفت نفری هم این بحث بود، جوابش اینست که وزیر طبق آن ماده‌ای که محل بحث واقع شده ولی هنوز تصویب نشده است حق دارد تقاضای تشکیل جلسه خصوصی کند وبگوید من جواب این سؤال را دارم، اما از مجلس خواهش می‌کنم جلسه غیرعلنی

تشکیل بدهد ومن جواب را درآنجا می‌گویم که ازاین نظر مشکلی پیش نیاید. و اما اینکه فرمودند «موظف به جواب است درکجا؟» این مورد را برای اینکه سؤال دیگران هم جواب داده شود در یک جلسه می‌شود جواب داد. وزیر موظف است در مجلس حضور پیدا کند وجواب نماینده را بدهد. اگر عبارت را کافی نمی‌دانید «حضور پیدا کند» به عبارت اضافه‌میشود ومطلب تمام خواهد شد. و اما اینکه فرمودند عذر موجه باعث تأخیر می‌شود، من فکر می‌کنم ایشان متناقض ایراد وارد کردند، از یک طرف می‌گویند وقت مجلس را می‌گیرد و از یک طرف می‌گویند اگر عذر موجه ذکر کردید ابهام پیدا می‌کند. مسلم است هرکجا عذر موجهی هست، مجلس هم تشخیص می‌دهد که عذر موجه یا غیر موجه است. پس این یک اصل مردمی است برای روشن شدن مردم کشور ورساندن دادمردم به‌گوش اولیاء امور در یک مرکز رسمی واگر عبارتش کم یا زیاد است اصلاح می‌شود زیراضرورتش کاملا روشن است.

نایب‌رئیس— آقای رشیدیان فرمایشی دارید؟

رشیدیان— درمورد ضمانت اجرائی فرمایش شما قانع کننده نبود.

ربانی شیرازی— درصورتیکه از وزیری سؤال شود یا پاسخ می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر پاسخ قانع کننده نبود آن نماینده می‌تواند نه‌نفر دیگر را با خودش همراه کند و وزیر را استیضاح کند.

نایب‌رئیس— من‌عرض کردم که معمولا زمینه را برای استیضاح فراهم می‌کند. لازم است درمورد مطلبی که برادرمان آقای موسوی‌گفتند، یک یادآوری بکنم، چون همانطورکه ملاحظه کردید صورت اسامی که ما نوشتیم تمام شد وهرکسی حرفش را زد یعنی هم مخالف حرفش را زد وهم موافق وچنان نیست برای اینکه دوستان عزیز اظهار نظر بکنند تنگنائی‌وجود داشته باشد.

موسوی قهدریجانی — اجازه بفرمائید چند کلمه‌می‌خواهم صحبت کنم.

نایب‌رئیس— اگر ممکن است بعداً صحبت بفرمائید چون می‌خواهم اعلام رأی بکنم و این توضیحی که من خدمتتان دادم برای این بود که ما اینجا هستیم ومی‌بینیم درجو جلسه هیچگونه تنگنائی برای اظهار نظر نیست، شما نکته دیگری را می‌خواستید بفرمائید و منهم‌آن نکته را فهمیدم ولی خواستم موضوع را روشن کرده باشم.

موسوی قهدریجانی— مردم احساس کرده‌اند که‌بعضی از افراد که‌صحبت‌می‌کنند‌دیگران عکس‌العمل نشان می‌دهند وعکس‌العمل بخاطر اینست که چندین‌بار درباره یک مسأله‌صحبت شده وجواب داده شده است. افراد بیرون چنین تصور می‌کنند که اینجا کسی نمی‌تواند حرفش را بزند.

نایب رئیس — بله بحمدالله همه می‌توانند بطور آزاد حرف بزنند. اصل ۶۹ را برای رأی‌گیری قرائت می‌کنم:

اصل ۶۹— درهرمورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است درمجلس حاضر شود.

نبوی— لزومی ندارد درمجلس حاضر شود می‌تواند کتباً جواب بفرستد. (نایب‌رئیس— خیر، باید درمجلس حاضر شود.) می‌تواند معاونش را بفرستد.

نایب‌رئیس— منظور اینست که بایدحاضر شود وجواب بدهد ویا معاون‌پارلمانی‌خودش

را برای جواب بفرستد که مثل حضور او است. اجازه بفرمائید من بار دیگر اصل را برای اخذ رأی قرائت می کنم :

اصل ۶۹ (اصل هشتادوهشتم)— درهرمورد که نماینده‌ای ازوزیرمسئول درباره موضوعی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است درمجلس حاضر شود وبه‌سؤال جواب بدهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر بیفتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی. لطفاً رأی بگیرید. (دراین هنگام اخذ آراء وشمارش آن‌به‌عمل آمد ونتیجه به شرح زیرقرائت شد)

نایب‌رئیس— عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت وسه نفر ، تعداد کل آراء شصت و پنج رأی، دورأی به‌قید قرعه خارج‌شد می‌شود شصت و سه رأی، موافق شصت نفر، مخالف یک نفر، ممتنع دونفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند)

۷ — طرح اصل ۷۰

نایب‌رئیس— اصل ۷۰ مطرح است که قرائت می کنم :

اصل ۷۰— نمایندگان می‌توانند دولت یا یکی از وزراء را استیضاح کنند استیضاح در صورتی قابل طرح است که حداقل به امضای ده نفر از نمایندگان برسد، پاسخ به استیضاح باید ظرف ده روز از تاریخ تقدیم آن ازطرف دولت یا وزیر مسئول داده شود مجلس پس ازاستماع پاسخ، به دولت یاآن وزیر رأی اعتماد یا عدم اعتماد می‌دهد. درصورت اخیر دولت یا وزیر مورد استیضاح معزول است ونخست‌وزیر یا آن‌وزیر نمی‌تواندد‌رهیأت دولتی که‌بلافاصله تشکیل می‌شود شرکت کند .

نایب‌رئیس— چندنفرازدوستان اسم نوشته‌اند که باید دید کدامیک ازآقایان‌سؤال‌دارند یا موافق‌یا مخالف‌هستند، آقای‌سبحانی‌بفرمائید. (سبحانی— من سؤال تکمیلی دارم.) بفرمائید.

سبحانی— دراین اصل یک شق آمده است. پس از استماع پاسخ دوصورت دارد یا رأی اعتماد می‌دهد و یا نمی‌دهد . اما یک شق را نگفته است که اگر دولت یا وزیر پاسخ ندادند چطور می‌شود، چون دراین عبارت چنین موردی نیست پس باید تکلیف آن روشن شود.

نایب رئیس— بلی ظاهراً باید دراینجا پیش‌بینی بشود ، چون باید رأی عدم اعتماد بدهند. (سبحانی— وهمچنین امتناع دولت از پاسخ دادن) اجازه بفرمائید شایددوستان‌توضیح دیگری برای این موضوع داشته باشند. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید .

طاهری اصفهانی— اگرنخست‌وزیر یاوزیردرمجلس حاضر شود وجواب قانع کننده ندهد، درقانون درج شده‌است که‌مجلس حق‌دارد‌رأی‌عدم‌اعتماد به‌اوبدهد بنابراین اولویتهائی که ما می‌گوئیم ظاهراً یکی‌ازمصادیقش دراینجاست‌چون‌وقتی‌حاضرشودوجواب قانع کننده‌ندهداین‌حق برای مجلس هست، پس وقتی برای جواب حاضر نشود به طریق‌اولی است.

نایب‌رئیس — نظر آقایان اینست که‌تصریح شود . آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — این اصل‌ناقص است. من سؤال ندارم بلکه میخواهم نقص‌آنرا بگویم.

نایب‌رئیس — پس اگرپیشنهاد تکمیلی دارید بعداً تشریف‌بیاورید وبه‌عنوان مخالف صحبت بفرمائید.

خامنه‌ای — من‌مخالف نیستم وفکرمیکنم اگر اجازه بفرمائید مطلب قابل‌حل باشد . (نایب‌رئیس — بفرمائید.) «نمایندگان‌میتوانند دولت یایکی از وزراء را استیضاح کنند»ما در

اینجا خیلی بوضوح برگزار کرده‌ایم . البته هفتاد سال‌سابقه پارلمانی هست ومایک‌رویه داریم ولی‌ماباید دلیل استیضاح را بدانیم که‌برای چیست.اینجاباید‌بگوئیم «در هرمورد ازاختیاراتش به‌علت مسامحه در اجرای قوانین یاعدم اجرا یاسوء اجرای آن» یعنی موارد استیضاح روشن باشد یعنی اگرنماینده‌ای ازنخست‌وزیر یاوزیر خوشش نیامدبهانه‌ای پیدا میکند ومانمی‌توانیم‌بگوئیم مورد استیضاح نبوده است و در قسمت‌بعد حداقل به‌امضای ده‌نفر از نمایندگان برسد .

نایب‌رئیس — حال که شما یک‌یک عبورمیکنید برای صرفه‌جوئی در وقت‌اگر بخواهیم این نکته‌ای که‌سرکار میفرمائید رعایت کنیم مناسب‌است که‌بگوئیم‌باذکردلیل‌استیضاح کند.

خامنه‌ای — این دلیل نبود که‌عرض کردم چون‌ممکن است بینهایت‌دلیل‌باشد.(مکارم شیرازی — استیضاح یک‌اصطلاح است.)

نایب رئیس — بلی یک اصطلاح پارلمانی است. آقای خامنه‌ای لطفاً ادامه‌بدهید.

خامنه‌ای — در قسمت بعدبهتر است طریقه استیضاح را روشن کنیم ومن عقیده‌ام اینست که استیضاح در مجلس شفاهاً ابراز شود وبه‌دولت کتباً ارسال شود که درمذاکرات‌مجلس هم، بیاید وپخش‌شود . بنابراین در این‌قسمتی که‌میگویند به‌امضای ده نفر از نمایندگان برسدخوب است اضافه کنیم این استیضاح باید شفاهاً درمجلس طرح وکتباً به‌دولت ارسال گردد.درقسمت سوم « پاسخ به‌استیضاح باید ظرف ده‌روز از تاریخ تقدیم آن از طرف‌دولت یاوزیرمسئول‌داده‌شود» گاهی اوقات استیضاح‌ها احتیاج به رسیدگی به‌پرونده‌ها وتهیه‌دلایل دارد واین ده روز امکان تهیه پاسخ را نمی‌دهد وباید مهلت‌بیشتری که بانظر رئیس مجلس یابه‌صورت دیگری باشددر این قسمت پیش‌بینی بکنیم. «مهلت بیشتر برای وزیر مسئول بسته به‌نظر ریاست مجلس است» وهمچنین در آن قسمتی که‌آقای سبحانی هم‌اشاره کردند من عبارتی نوشته‌ام به‌این ترتیب«هر وزیری از جواب استنکاف کند یا از عهده جواب کافی برنیاید و تخلف اواحراز شود با رأی عدم اعتماد ساقط می‌شود ودر صورتیکه عمل او برابر قانون دارای مجازاتی باشدمجازات‌خواهد شد .» این یک قید توضیحی است که مفید است واشکالی ندارد ضمناً «استیضاح معزول است» به‌جای کلمه « معزول» ، « ساقط» گذاشته شود ، وضمناً در بعضی از نقاط آراء ممتنع رابه‌حساب مخالف می‌گذارند اگر ما هم این موضوع را در اینجا پیش‌بینی کنیم بدنیست.

نایب‌رئیس — من یک‌نکته‌ای را تذکر بدهم که از رویه سؤالات برخی از دوستان چنین‌استنباط می‌شود که‌فکر می‌فرمایند همه جزئیاتی که میتواند بعداً بیاید، یعنی‌نقش‌اساسی ندارد ومربوط به‌کیفیت کار است باید در اینجا باشد، در حالیکه درقانون اساسی سعی میشود فقط آنهائیکه نقش بنیادی وتعیین‌کننده دارد نوشته شود وجزئیات میتواند بعداً بیایدویا کیفیتش درآئین‌نامه‌مجلس می‌آید. آقای مقدم مراغه بفرمائید. (مقدم‌مراغه‌ای — من با این اصل مخالف هستم.) بسیارخوب اسم جنابعالی را جزو مخالفین یادداشت‌میکنم. آقای‌موسوی تبریزی‌بفرمائید. (موسوی‌تبریزی — من موافق‌هستم.) بسیار خوب . آقای ربانی‌املشی‌بفرمائید.

ربانی املشی — دراینجا ازدومقام استیضاح‌میشود یا از وزیر ویا ازدولت که‌قاعدتاً هیأت دولت منظور است (نایب رئیس — یعنی مجموعی است.) و نخست‌وزیر تنها منظور نیست. آنوقت بعداً آمده است « و نخست‌وزیر و یا آن وزیر نمی‌تواند در هیأت دولتی که بلافاصله تشکیل‌میشودشرکت کند» در صورتیکه اگر استیضاح از هیأت دولت باشد، هیأت‌دولت دیگر نمی‌تواند در هیأت‌دولتی که بلافاصله تشکیل میشود شرکت کند نه فقط نخست وزیر .

نایب رئیس — خیر منظوراینطور نبوده است، درست است که وزراء مسئولیت مشترک دارند ولی استیضاح از هیأت دولت مستلزم این نیست که یک یک وزراء در آن مورد تقصیر خیلی برجسته‌ای داشته باشند. (ربانی املشی — یعنی تقصیر فقط متوجه نخست‌وزیر است؟) یعنی تقصیر فقط متوجه او نیست و به نظر ما مسئولیت درجه اول با او است زیرا نخست‌وزیر یک مسئولیت درجه اول در هیأت دولت دارد. این است که تقسیم کرده‌ایم و گفته‌ایم کار یا در یک وزارتخانه معین است که در این مورد مسئولیت درجه اول متوجه آن وزیر است و یادر مجموع کار دولت است که مسئولیت درجه اول متوجه نخست‌وزیر است و به همین دلیل خواسته‌اند فقط او را محروم کنند.

ربانی شیرازی — در صورتیکه به دولت یا وزیر رأی اعتماد ندهد دولت ساقط است و اعضای آن نمی‌توانند در دولت جدید شرکت کنند.

نایب رئیس — چرا هیچیک از وزراء نمی‌توانند در دولت جدید شرکت کنند؟ (ربانی شیرازی — زیرا مجلس به دولت رأی عدم اعتماد داده است نه به فرد.) سابله نقیض موجبه کلیه جزئیه است. (ربانی شیرازی — وقتی به دولت رأی اعتماد ندادید ساقط میشود.) سؤال ایشان مربوط به ذیل است که در دولت بعد نمی‌توانند شرکت کنند. ایشان این را میپرسند و میگویند در ذیل اصل گفته شده است که اگر استیضاح قانع کننده نبود و منجر به رأی عدم اعتماد شد در یک مورد گفته‌اید وزیر مربوط نمی‌تواند در کابینه بعدی شرکت کند و در مورد دولت فقط گفته‌اید نخست وزیر، در حالیکه ایشان میگویند باید گفته شود هیچیک از وزراء حق شرکت در هیأت دولت بعدی را نخواهند داشت. توضیح من این است که چون نخست وزیر در کابینه مسئولیت ویژه دارد این است که آنجائیکه اعتراض متوجه ترکیب کار دولت است فقط‌خواسته‌اند این ممنوعیت برای نخست‌وزیر باشد که‌احساس مسئولیت سنگینتر کند.

ربانی املشی — ولو اینکه این مسئولیت از ناحیه وزراء متوجه نخست وزیر شده است. (نایب رئیس — یعنی یک وزیر یا کل.) ممکن است چند تا وزیر باشد. (نایب رئیس — خوب همان چند وزیر را استیضاح میکنند.) اگر به دولت ایرادی میشود چه بسا ممکن است از ناحیه چند وزارتخانه باشد والا دولت خودش یک مسئولیت علیحده‌ای غیر از وزارتخانه‌ها ندارد.

نایب رئیس — در این مورد رویهٔ صحیح این است که بیایند و آن سه یا چهار وزیر را استیضاح کنند و همیشه اگر خواستند بگویند دولت، یعنی ملت از مجموعه کار دولت راضی نیست و از مدیریت مجموعه هیأت دولت راضی نیست و حالا که از مجموعهٔ هیأت دولت راضی نیست ممکن است در این مجموعه یک یا دو فرد لایق وجود داشته باشند اما نتوانسته‌اند به مجموعه اعتبار و آبرو بدهند. آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — به نظر من «ده نفر» زیاد است برای اینکه در ادوار مجلس داشته‌ایم که یک نفر مانند مدرس ناچار بوده است استیضاح را امضاء کند. حالا نمی‌گوئیم یکنفر ولی ده‌نفر معمولا پیدا نمیشود بهتر است پنج نفر بکنیم که استیضاح مقدور باشد.

نایب رئیس — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — وقتی میگوئید یک وزیر استیضاح میشود آیا معمول هست که به یک وزیر رأی عدم اعتماد بدهند؟

نایب رئیس — همانطورکه در مذاکرات قبلی هم پیش‌بینی شده بود قرار براین است که به هر حال این مورد در ایران معمول باشد. من الان حضور ذهن ندارم که جواب بدهم که قبلا چه چیزی معمول بوده و یا در جای دیگر چه چیز معمول است، ولی صحبت شد و قرار شد که این معمول باشد که اگر یک وزیر ناجور است کل دولت از بین نرود. آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — ایرادی که به‌ذیل این اصل شد وجنابعالی هم اقرارفرمودید که‌ذیلی لازم دارد این اصل در گروه ما بوده و ذیل هم داشته است و نمی‌دانم چرا ساقط شده است، ذیل آن این بوده است «و چنانچه دولت در مهلت مقرره برای پاسخ در مجلس حاضر نشد از طرف مجلس شورای ملی به او اخطار می‌شود تا ده روز دیگر اگر برای ادای توضیحات حاضر نشد مجلس حق دارد به او رأی عدم اعتماد بدهد.»

نایب رئیس — بلی غیاباً به او رأی عدم اعتماد بدهد.

مکارم شیرازی — آقایان گفتند دو تا ده روز، بیست روز میشود و خیلی چیزها.

نایب رئیس — آقای‌مکارم لااقل باید می‌نوشتید که در صورتیکه حاضر نشود و یا حاضر شود و پاسخ قانع کننده‌ای ندهد، لااقل هر دو صورت را می‌نوشتید. آقای‌حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — برای تکمیل فرمایش آقای خزعلی اگر در همان اخطار اولیه‌ای که به دولت میشود اعلام شود که اگر ظرف ده روز به مجلس نیاید عزل میشود. دیگر اینکه وزراء اگر مسئولیت مشترک دارند دیگر استیضاح یکی از وزراء به نظر درست نمی‌رسد و همان پیش‌نویس درست بود برای اینکه اگر مسئولیت واقعاً مشترک است به این علت است که‌اگر خطای یک وزیر در هیأت دولت مطرح شده و آنها یا اطلاع داشته‌اند یا نداشته‌اند، اگراطلاع دارند که مسئول هستند اگر هم اطلاع ندارند باز استیضاح میشوند که چرا بدون اطلاع شما فلان وزیر فلان کار را کرده بنابراین عبارت «یا یکی از وزراء» به نظر نمیرسد که درست باشد.

نایب رئیس — اجازه بدهید که من به هر دو سؤال جواب بدهم، اما راجع به اولی اگر ما اینجا نوشتیم که اگر سر ده روز هم نیامد غیاباً به او رأی عدم اعتماد می‌دهند دیگر نمایندهٔ مجلس نمی‌خواهد چون وقتی در قانون اساسی هست از آن بی‌نیاز هستیم اما راجع به مسأله دومی که سؤال فرمودید دولت می‌آید یک وزیرش را خودش عوض می‌کند آنجا چکارکرده؟ ترمیم کابینه راجع به یک وزیر است بنابراین واقعاً اگر نقصی درکار دولت ناشی از یک وزیر است این مسأله را متوجه کل دولت کردن معنی ندارد لذا در مورد مسئولیت مشترک وزراء در پیش‌نویس ظاهراً این هست. (علی‌تهرانی — در همین اصل است.) آقای تهرانی این را پیدا کنید این که عرض میکنم چیز دیگری است اجازه بدهید ببینید به چه سؤالی جواب میدهم «در مسئولیت مشترک وزارتخانه این جزء وظایف هیأت دولت است» من آنطور یادم هست که‌درپیش‌نویس‌وقتی تهیه میشد اینطورنوشته شده بود که وزراء مسئولیت مشترک دارندمگر در وظایف اختصاصی هر وزارتخانه که درآنجا وزیر مربوط مسئول است، در ذهن من هست که چنین جمله‌ای بوده است. (تهرانی — نوشته است «نخست وزیر یا وزیر مورد استیضاح نمی‌تواند در هیأت دولت شرکت کند») به هرحال ایشان می‌فرمایند در پیش‌نویس درمورد یک وزیر هم آمده است یعنی هر دو آمده ولی درمورد مسئولیت مشترک وزراء این‌تفکیک در ذهن من هست، که آن روز انجام شد آقای خزعلی بفرمائید بخوانید.

خزعلی — «هیأت وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است یعنی در اموری که به تصویب هیأت وزیران میرسد مسئول اعمال دیگران نیز هست».

نایب رئیس — این همان مطلبی است که عرض کردم در پیش‌نویس قبلی بوده است که رسیدگی شده و به این ترتیب درآمده. آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — آقای خامنه‌ای می‌فرمایند که بعداً در آئین‌نامه مجلس خودشان می‌نویسند بعضی چیزها هست که نمی‌شود مثلا این قید ده روزی که گذاشته شده شاید کافی نباشد.

نایب رئیس — این حالت کتبی بودن و این چیزها را گفتیم والا آن مطالب باید انجام شود آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — اگر در اثر عدم لیاقت یا خیانت دو سه نفر وزیر، دولت سقوط کرد به حکم «ولاتزر وازرة وزر اخری» آیا در حق بقیه وزیران ظلم نشده است؟ اینجا یک توضیحی داده شود که مسئولیت فقط متوجه آنها بوده بقیه که تقصیری ندارند، اگر اشکالی ندارد یک توضیحی بدهند.

نایب رئیس — من خدمتتان توضیح میدهم ببینید آقای قرشی یک وقت است که یک وزیر کارش عیب دارد، که‌استیضاح خودبخود متوجه اوست‌ولی یک وقت است که‌دربارهٔسه‌وزیر یا دو وزیر است آنوقت قاعده این است که استیضاح را متوجه دو یا سه وزیر بکنند ولی اگر پانزده وزیر یا دوازده نفر کارشان را خوب انجام نمی‌دهند معمول این است که می‌گویند معلوم میشود نخست‌وزیر در اداره یا انتخاب وزراء دقتش کافی نیست و کارائی لازم را ندارد درنتیجه میخواهند نخست‌وزیر را عوض کنندوبمحض اینکه‌شمانخست‌وزیر را عوض کردید کابینه ساقط می‌شودچون کابینه رامی‌شود باتغییریک وزیرحفظ کردولی باتغییرنخست‌وزیردیگرنمی‌شود کابینه را حفظ کرد، ممکن است تمام وزراء درکابینهٔ بعدی شرکت کنند، همین‌قدرکه قرار است نخست‌وزیر عوض بشود باید کل کابینه‌عوض‌بشود چرا؟ برای اینکه آن کس که همکار انتخاب میکند و وزیر انتخاب میکند معمولا نخست‌وزیر است، در فصول آینده می‌بینید که مجلس‌معمولا اول مسئولیت نخست‌وزیر را برای نخست‌وزیری قبول می‌کند، بعد او میرود وزرای خود را انتخاب و به‌مجلس معرفی میکند و از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد این است که نخست‌وزیر نقش محوری دارد یعنی با تغییر او هیأت دولت عوض می‌شود یعنی وقتی کابینه رفت و آنها رفتند منافاتی با آیه «لاتزر وازرة وزراخری» ندارد ، بلی اینکه می‌فرمائید که هیچیک از وزراء نتوانند درکابینه‌بعدی شرکت کنند که پیشنهاد یکی ازدوستان بود، آن مصداق این نیست که می‌فرمائید، آن هم خوشبختانه اینجا رعایت شده آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بنده با استفاده از افکار آقایان چیزی که به‌نظرم رسید سه نکتهٔ مبهم در این اصل هست که اگر آنها اصلاح بشود می‌توانیم روی آن تصمیم بگیریم، یکی این است که در اصل قبلی عذر موجه بود (نایب رئیس — اینجا هم یادداشت کردم) عذر موجه به تشخیص مجلس، دوم اینکه درصورتیکه در موعد مقرر پاسخ قانع کننده نداد یا اصلا حاضر به پاسخگوئی نشد (نایب رئیس — اینهم یادداشت شده) سوم رأی عدم اعتماد یعنی چه؟ رأی اعتماد را دولت باید بخواهد، بنویسیم: «دولت باید بعد ازاین رأی اعتماد بخواهد» اگر دادند می‌ماند والا اگر رأی ممتنع هم بدهند میرود، لازم نیست بنویسیم رأی عدم اعتماد. بنابراین آن عبارت «رأی عدم اعتماد» را حذف کنید وبنویسید: «دولت باید رأی اعتمادبگیرد».

تا به حال هم همین‌طور بوده است این سه نکته مبهم بود که عرض کردم.

نایب رئیس — این همان مطلبی است که آقای خامنه‌ای هم گفتند که در برخی‌موارد رأی‌ممتنع حکم رأی مخالف دارد آن دوموضوع یادداشت شده بود این هم‌بایدیادداشت‌بشود.

دکتر آیت — یک قسمت هم باید جدا بشود و بنویسیم : «اگر جواب نداد خود بخود عزل بشود» چرا رأی عدم اعتماد بدهند؟

نایب رئیس — خیر نمیشود باید رأی بدهند اینها را یادداشت می‌کنم آقای مراغه‌ای به عنوان مخالف اگر هنوز هم مخالف هستید بیائید صحبت کنید.

طاهری اصفهانی — تا آقای مراغه‌ای پشت تریبون می‌روند من عرض میکنم که این تناقض صدر و ذیل را که آقای ربانی گفتند ما جواب این را خوب نفهمیدیم اگر یکی از وزراء استیضاح شد یا جواب قانع کننده نداد و یا حاضر نشد، به چه مناسبت ذیل این نوشته است «و در صورتی که رأی اعتماد به آن وزیر داده نشد نخست‌وزیر یا آن وزیر...» آن وزیر درست، نخست‌وزیر چرا؟ اگر یک وزیر ساقط بشود نخست‌وزیر که محور کار است نباید ساقط بشود.

نایب رئیس — در آنجا نوشته شده است: «در صورت اخیر دولت یا وزیر...» یعنی یک وقت استیضاح از وزیر است ، وزیر معزول است و اگر استیضاح از کل دولت است کل دولت معزول است.

طاهری اصفهانی — نوشته است نخست‌وزیر یا آن وزیر نمی‌تواند در هیأت دولتی که بلافاصله تشکیل میشود شرکت کند.

نایب رئیس — یعنی اگر یک وزیر معزول است که دیگر هیأت دولت تشکیل نمی‌شود ولی اگر قرار است نخست‌وزیر معزول بشود که دیگر نمی‌تواند در هیأت دولت شرکت کند چون اگر یک وزیر باشد دیگر دولت جدید نیست.

طاهری اصفهانی — درست است آن یک وزیر معزول است و یک وزیر به جای اوانتخاب می کنند.

نایب رئیس — ما هم این را می‌گوئیم در این حالت که دولت تشکیل نمی‌شود نوشته شده «و نخست‌وزیر و آن وزیر نمیتواند در هیأت دولتی که بلافاصله تشکیل میشود شرکت کند» اگر وزیر مورد استیضاح است وزیر نمی‌تواند، اگر دولت مورد استیضاح است آن وقت شامل نخست‌وزیر میشود والا اگر وزیر مورد استیضاح باشد که شامل نخست‌وزیر نمی‌شود.

حجتی کرمانی — آقای‌طاهری عبارت این اصل به صورت لف و نشر مرتب است زیرا نوشته است «دولت یا وزیر مورد استیضاح معزول است» بنابراین در صورتی که دولت معزول باشد منظور نخست‌وزیر است در صورتی که وزیر مورد استیضاح باشد او نمی‌تواند شرکت کند.

نایب رئیس — صحیح است آقای‌مقدم مراغه‌ای بفرمائید .

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا . البته همانطور که‌آقای بهشتی فرمودند در ضمن سؤالات قسمتی ازمطالب عنوان شد وبنده چون گفته بودم مخالف هستم‌باید دلیل‌مخالفتم را عرض کنم بطور کلی از این‌نظر بود که این اصل به‌عقیده بنده تضعیف قوه مقننه است یعنی بااین تصور این اصل تنظیم شده که همیشه طرفداران انقلاب در مجلس هستند واکثریت باآنها خواهد بود وهیچ نگرانی وجود نخواهد داشت وحال آنکه ممکن است همیشه اینطور نباشد زیرا این قانونی که الان تدوین میشود برای یک سال ودوسال وسه‌سال نیست، درآینده‌شرایطی

ممکن است ایجاد بشود که یک نفربتواندمطالبی را عنوان بکند که سبب بیزاری مردم بشود ومردم را به‌محور اصلی انقلاب‌برگرداند وحرکتی را که‌قبلا داشته ادامه بدهد ، این قیده‌نفر ممکن است اشکال بوجود بیاورد سابقه تاریخی هم‌دارد وآقای آیت هم‌فرمودند، همان استیضاح مدرس یا استیضاحی که‌در مجلس پانزدهم‌شد، اول سه‌نفر بودند وحتی دولت موفق شد که‌دو نفر از آنها را وادار کند که استیضاحشان را پس‌بگیرند ویک نفر با افشاگری خدماتی کـه کردنامش در تاریخ ایران ضبط بشود که‌توانست موجب یک تغییرات کلی بشودبه‌اینجهت است که‌بنده فکر میکنم با مطلبی که‌آقای خامنه‌ای فرمودند که بطور کلی استیضاح نبایـد وسیله بشود وهر روز سبب ایجاد اشکال وبه‌اصطلاح نباید وسیله‌ای بشود برای چوب‌گذاشتن لای چرخ دولت، استیضاح باید موجه ومدلل باشدولی قید اینکه ده‌نفر آن را امضاء کنند مشکل است. بنده خودم در همین مجلس وقتی خواستم طرحی را تهیه کنم که پانزده‌نفر قید شده بود دیدم که چقدر اشکال دارد وبه همین جهت است که‌برای تصویب قوه مقننه بـاید شرایط روز را در نظر بگیریم ، ممکن است تاچندسال دیگر این نگرانی نباشد ولی ممکن است روزی‌بیاید که‌یکی از آقایان در آنجا یک افشاگری بکند که‌راه برای خودتان پیدا نکنیدبـه اینجهت بنده فکر میکنم ذکر وقید ده نفر از این جمله حذف بشود وذکراینکه درچه مواردی استیضاح امکان دارد باچند کلمهٔ روشن درمسائل کلی باشد . یکی هم اینکه این مطلب را دومرتبه ضمن صحبت گفتم یکی در اصل قبلی یکی هم در اینجا گفته شد که اگر وزراءنیامدند جواب بدهند چه‌خواهد شد ، باید بگویم این از وظایف‌آئین‌نامه‌است همانطوری که‌اطلاع دارید اگر وزیری برای ادای‌پاسخ به‌مجلس نیامد یابرای جواب استیضاح حاضر نشد این امر رجوع میشود به‌کمیسیون تحقیق ودر آئین‌نامه‌های مجلس پیش‌بینی شده وبعداً هم میشود که برای اینگونه موارد چه بکنند وحتماً مجلس آینده یک‌چنین آئین‌نامه‌هائی خواهدداشت.

اکرمی — آقای مراغه‌ای اگر ممکن است در موردفشاری که‌آن‌روز گفتید توضیح بدهید.

مقدم مراغه‌ای — آقای اکرمی فرمودند که‌آن روز من گفتم که‌به‌من فشار می‌آورند‌بنده این کلمهٔ فشار را آن روز عرض کردم فشار نه‌به‌آن معنی وقتی می‌بینم که‌دوستان علاقه‌دارند اصول زودتر تصویب بشود بالاخره ما همه انسان هستیم و مخصوصاً بین ما الفت و دوستی پیدا شده که بنده به‌اغلب آقایان ارادت دارم به‌این معنی وقتی که جریان را به‌این شکل می‌بینم احتیاط میکنم از آن نظر بود خود آقای علی تهرانی آن روز به‌شوخی گفتندمن به‌ایشان فشار آوردم فشار ایشان فشار به‌آن معنای اختناق نبود یک‌فشار دوستانه بود خیلی متشکرم.

صدوقی — اگر همه مثل جنابعالی احتیاط میکردند وصحبت نمی‌کردند برای پیشرفتمان خیلی بهتر بود .

نایب‌رئیس — آن مطالبی که‌باید اضافه بشود باید درست کنم وبخوانم که‌آقایان مطلع باشند ببینند این نظر دوستان را تأمین‌میکند؟ آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — ایشان استناد کردند به‌مرحوم مدرس ، مدرس یک‌مرد استثنائی بود مرحوم مدرس در اواخر علیه عبدالله مستوفی در مجلس صحبت کرد با وجودی که‌بیست نفرهم بـا او موافق بودند کاری از پیش نبرد وساکت شد وزمینه‌را آماده کرد و بعد از آماده کردن‌زمینه برنده شد زیرا در اوائل چنین نبود که‌بتواند کاری از پیش‌ببرد بعد از آماده کردن‌زمینه‌موفق شد و بعدازموفقیت‌مرحوم‌مدرس، مدرس شد زیرا در بارهٔ آن موضوع با شوروی‌ایستادگی کرد

وبافعالیت زیاد از مخالفین موافق درست کرد و سپس کار راپیش برد. بنابراین برای اینکه دستگاه مجریه متزلزل نشود قید ده‌نفر لازم است که هرروزی یک‌نقشی در مجلس نباشد.

نایب‌رئیس — آقای مرادزهی بفرمائید.

مرادزهی — این مطلب برای من روشن نشده با توجه به‌اینکه همه‌جا صحبت ازدولت میشود در جائی که به‌دولت رأی اعتماد نمی‌دهند فقط نخست‌وزیر و وزیر مربوطه نمی‌توانند درکابینه‌بعدی شرکت کنند این به‌چه دلیل است؟ توضیح داده شود.

نایب‌رئیس — من چندبار توضیح دادم (ربانی‌املشی — همان اشکالی‌راکه‌من‌داشتم‌و حل نشد ایشان هم دارند.) من توضیح میدهم تا حل بشود، مطلب اینست درآنجائی که یک وزیر استیضاح میشود وعزل‌میشود پیدا است که‌بعداً نبایدشرکت کند واین روشن است و آنجائی که کل دولت سقوط میکند وبه‌او رأی اعتماد نمی‌دهند چه‌وقت است؟ این در مواقعی نیست که‌همه وزراء بدکارمی‌کنند بلکه هنگامی است که شخص نخست‌وزیر موردعدم رضایت است. اگر نخست‌وزیر مورد عدم رضایت باشد پس او نباید در کابینهٔ بعدی شرکت کند یااگر اکثر وزراء کارشان مورد رضایت نیست که‌معمولا به‌حساب ناتوانی‌نخست وزیر گذاشته میشود یعنی اگر نخست‌وزیری کارش ،مملکت را به‌نابسامانی سوق داده که چندین وزیرش‌خوب کار نمی کنند مسئولیت محققاً متوجه شخص اوست به‌این علت او هم نبایدشرکت کند. و اما مسألهٔ مسئولیت مشترك وزراء ... (ربانی املشی — وزرائی که‌باعث تزلزل دولت شده‌اند می‌توانید دوباره آنها را بیاورید مانعی ندارد ؟) مسأله‌اینست ، مواردی پیش می‌آید که تشخیص آن مشکل‌است آن‌جائی که‌مدیریت یک نخست‌وزیر خوب نیست انصافاً اگر چهار نفر وزیر کارشان مورد رضایت باشد می‌توانند بگویند همانطورکه‌گاهی هم‌گفته‌اند که‌ما بااین نخست‌وزیر نتوانستیم کاربکنیم بدلیل اینکه در کابینه مدیریت خوبی‌نداشت‌وواقعاً اینها باید با یک نخست وزیر دیگر که مدیر باشد کارکنند! اینجا مسئولیت خوب مشخص نمی‌شود اگر نخست وزیر لایق باشد ولی یک یا دو وزیر، کارشان عیب داشته باشد ممکن است... (ربانی شیرازی — اگر دولت را به‌علت خیانتی که کرده است استیضاح کنند تکلیف‌آن‌دولت چیست؟) اگرخائن‌باشد که اورا محاکمه‌می کنند. (ربانی‌شیرازی — استیضاح در برابرچیست؟) دربرابر کمبوداست. (ربانی‌شیرازی— اگروزیری خائن شد او را چکار می کنند؟) او را دعوت‌به محاکمه می کنند وتا زمانی که تبرئه نشود نمی‌تواند وزیر بشود. (ربانی شیرازی —در یک امرکه همهٔ‌آنها نظر داده‌اند میتوانند شرکت کنند؟)اگرخیانت است نه ، خیانت غیر از کمبود ونارسائی است. (ربانی شیرازی — نظر من‌اینست که استیضاح هم در برابرخیانت است‌وهم در برابر کمبود.)این مسأله را فرمودند که‌جواب کافی نبود.

جوادی — مسأله خیانت نیست که به‌زندان برود، طبق اصل صدونهم که‌بعداً خواهد آمد اگر چنانچه چیزی به تصویب هیأت دولت برسد همهٔ وزراء مسئولند چرا در کابینه بعدی بتوانند شرکت کنند؟ هیچکدام حق‌ندارند در کابینهٔ بعدی شرکت کنند.

نایب‌رئیس — اینجا دونظراست یکی اینست که‌اگرنارسائی باشد موجب اینکه‌یک‌وزیر کاردان بتواند شرکت بکند، نیست ولی اگرخیانت بکند باید محاکمه بشود اصل هفتادم را میخوانم : « نمایندگان می‌توانند دولت یایکی از وزراء را استیضاح کنند، استیضاح درصورتی قابل طرح است که‌حداقل به‌امضای ده‌نفر از نمایندگان برسد، پاسخ به‌استیضاح باید ظرف‌ده‌روز

از تاریخ تقدیم آن از طرف دولت یا وزیر مسئول داده شود، دولت باید پس از پاسخ به‌استیضاح از مجلس نسبت به‌وزیرمورد استیضاح یا کل دولت رأی اعتماد بخواهد در صورتی که بدون عذر موجه به‌استیضاح پاسخ داده نشود مجلس می‌تواند رأی اعتماد بگیرد واگر رأی اعتماد ندهد دولت یاوزیرمورد استیضاح معزول است ونخست وزیر یا آن وزیر نمی‌تواند در هیأت‌دولتی که بلافاصله تشکیل میشود شرکت کند.»

مکارم شیرازی — عبارت «مگر به‌عذر موجه» را بیاورید جلومطلب درست میشود.

نایب‌رئیس — در هر صورت باید آنجا بنویسیم که اگر به‌استیضاح پاسخ ندهد.

سبحانی — بایک کلمه درست میشود« درصورت‌اخیر ویا امتناع دولت از پاسخ ، دولت ووزیرمورد استیضاح معزول میشوند » .

نایب‌رئیس — آنجا که‌نوشته است رأی اعتماد بخواهد آن وقتی است که خودش بخواهد، در آن‌جائی که‌دولت نیست میگوئیم‌مجلس . (علی‌تهرانی — اگر نیامد پاسخ بدهد ساقط است.) رئیس مجلس ازنمایندگان نظر میخواهد مگر اینکه نمایندگان‌اکثریت مجلس نظرشان را اظهارنکنند ومعلوم نباشد که‌رأی اعتماد داده‌اند ، اصلا میخواهید نظرخواهی‌نشود؟ (علی تهرانی — اول که نمی‌دانند حرفهایش نادرست است خیال میکنند که‌درست‌است.)این دونظراست آقای‌تهرانی(دکترآیت — اگردولت جواب‌نداد باید ساقط بشود.) خوب‌نظردوستان اینست که‌اگر دولت حاضر نشد برای جواب استیضاح، بدون رأی‌گیری ساقط باشد اجازه بدهید، مثلا دولتی راده‌نفر از نمایندگان استیضاح کردند ودولت بدون عذرموجه در موعد مقرر نیامد به‌استیضاح مجلس پاسخ بدهد می‌خواهیم‌ببینیم‌تکلیف این‌دولت چیست. یکی ازدونظرهست یکی‌اینکه بمحض نیامدن از روز یازدهم خود بخود ساقط است یایک نظراینکه درروز یازدهم مجلس می‌تواند غیاباً نسبت به‌او اظهارنظرکند بگوید این‌دولت ساقط هست یانیست،این‌دو نظر وجود دارد . حالا آقایانی که‌بانظر اول موافق هستند...

مکارم شیرازی — شاید اوکه نیامده سهل انگاری کرده ولی بازاکثریت نمایندگان می‌گویند با وجود آن سهل‌انگاری باز هم به‌این ترتیب بهتر است .

نایب رئیس — آقای مکارم نظر بنده هم همین بود که گفته شد .

حجتی کرمانی — این مسأله هم یک مطلب حقوقی است وهم یک مسأله سیاسی است و شما بدون اینکه کسی دراین زمینه یا آن زمینه مخالف وموافق صحبت بکند این مسأله را به رأی میگذارید . (نایب رئیس ـ نظرخواهی میکنم .) نظرخواهی که بدون بررسی نمی‌شود ما الان نمی‌دانیم که آیا واقعاً صلاح مملکت اینست که بدون نظرخواهی مجلس ، روز دهم که دولت نیامد خود بخود ساقط بشود یا با رأی اعتماد گرفتن و امثال و ذالک ساقط بشود این مسأله قابل بررسی است .

نایب رئیس — یعنی می فرمائید که این مقدار توضیح برای رأی دادن کافی نیست ؟ خوب اگر به نظر شما کافی نیست و مجلس هم موافق باشد که یک مخالف و یک موافق صحبت بکنند اشکالی ندارد .

یزدی — اینکه آقایان می‌گویند برمیگردد به رأی اعتماد غیابی، سابقه ندارد و مسأله چنین نیست . رأی اعتماد قبلی آن که باقی هست دراینصورت اگر بخواهند رأیی صادر کنند رأی عدم اعتماد غیابی است و این سابقه دارد .

نایب‌رئیس— آقای حجتی‌نظرشان اینست که پیرامون این نکته لازم است بیشتر بحث شود که درصورت امتناع از پاسخ به‌استیضاح تکلیف دولت چه‌میشود؟ آیا خودبخود ساقط است یا باید غیاباً دربارهٔ او درمجلس بحث شود ورئیس مجلس رأی‌گیری بکند؟ دراینجا این دونظر وجود دارد بعضی از دوستان معتقدند که‌اطلاعات وحضور ذهن و تجزیه و تحلیلشان کافی است و می‌توانند الان روی یکی ازاین دومسأله نظربدهند.

کرمی — درهیچ یک ازمجالس عالم رأی اعتماد دادن به‌دولتی که درمجلس حضور پیدا نکند اصلا وجود ندارد.

نایب‌رئیس — بلی کاملا درست است.

ربانی شیرازی — اگر حاضر نشود مستعفی شناخته میشود.

یزدی — دولت بدون اینکه عاملی برای سقوطش باشد معنی ندارد ساقط بشود.

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید الان آن چیزی را که آقایان اصرار دارید انجام نشوددارد میشود یعنی الان دونفردارند بدون نظم دراین زمینه نظرمخالف می‌دهند. سؤال من اینست که اگرفکرمی کنید اظهارنظر و بحث و تجزیه و تحلیل موافق ومخالف لازم نیست رأی بدهید به کفایت بحث، بنابراین کسانیکه موافقند که‌دیگر بحثی لازم نیست ومی‌توانند نسبت‌به‌یکی‌از دوطرف رأی بدهند یعنی موافقین باکفایت مذاکرات‌دستشان را بلند کنند. (اکثردست بلند کردند) پس رأی اکثریت اینست که مذاکرات کافی است. حالا دونظر اینجا هست یک نظر اینست که‌به‌محض‌اینکه دولت برای پاسخ نیامد خود بخود معزول شناخته میشود موافقین با این نظر دست بلند کنند. (سی ودونفر دست بلند کردند) پس رأی کافی نیست بنابراین، این اصل را برای تکمیل به‌گروه برمی‌گردانیم که درآنجا بحث بیشتری روی‌آن بشود.

هاشمی‌نژاد — مجلس حق دارد غیاباً به‌دولت رأی عدم اعتماد بدهد.

حجتی کرمانی — این آراء نشان داد که این مسأله احتیاج به بحث بیشتری دارد .

نایب‌رئیس— آقای حجتی استنتاج شما درست نیست. اما درمورد نظرآقای هاشمی‌نژاد بااینکه معلوم است ولی بنده رأی‌میگیرم، حالا موافقین با این‌نظر که مجلس‌می‌تواند غیاباً رأی عدم اعتماد یا رأی اعتماد بدهد دست بلند کنند. (سی وهفت نفردست بلند کردند) کافی نیست، بنابراین برای تکمیل برمی‌گردد به‌گروه .

حجتی کرمانی — نتیجهٔ فوری رأی‌گرفتن همینطور میشود این القاء رأی به اینصورت وبدون فکر کافی واقعاً اشتباه است ، چون مسأله یک مسألهٔ جدی است وباید قدری رویش فکر کرد.

نایب‌رئیس — آقای حجتی بالاخره شما طرفدار این هستید که تشخیص خودتان را براکثریتی که‌گفتند بحث اضافی نمی‌خواهد تحمیل کنید.

حجتی کرمانی— عمل‌مجلس نشان داد که بحث بیشتری میخواهد .

۸ — طرح اصل ۷۱

نایب رئیس — خیرآقا عمل این را نشان نداد ، ما فردا خدمتتان‌توضیح می‌دهیم که عملا نشان نداد . اصل ۷۱ قرائت میشود .

اصل ۷۱ — نمایندگان مجلس در اظهار عقیده ورأی‌خود کاملا آزادند ونمی‌توان آنهارا

به‌مناسبت عقایدی که‌در مجلس اظهار کرده یاآرائی که در مقام ایفای وظایف‌نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. اگر نماینده‌ای‌مرتکب جنحه یاجنایت‌مشهود شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد ولی جریان دستگیری اوباید فوراً به‌آگاهی مجلس برسد وتحقیق ودادرسی‌باید با حضور نماینده مبعوث مجلس انجام‌پذیرد در صورتیکه نماینده‌ای به ارتکاب جرم غیر مشهود متهم شود توقیف وبازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به‌سلب مصونیت از طرف مجلس است ولی محاکمهٔ او در دادگاه‌صالح به‌صورتی که‌مزاحم‌ایفای وظایف نمایندگی‌اودر اثناء دادرسی نباشد واجرای حکم قطعی دادگاه‌درباره او نیازی به‌سلب مصونیت ندارد.

نایب‌رئیس — اگرسؤالی هست بفرمایند ، آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — من دوسؤال خیلی کوتاه دارم یکی‌اینکه نوشته‌شده است «در اظهار عقیده‌و رأی خود کاملا آزادند» مقصود ازعقیده، آراء سیاسی‌است؟ آراء مخالف‌شرع که‌نیست؟(نایب رئیس — معلوم است .)مسأله دوم مصونیت است، همانطور که موقع تنظیم آئین‌نامه‌مطرح‌شد مصونیت یک چیزی است که‌ریشهٔ اسلامی ندارد در اسلام هرکسی مجرم شد قاضی می‌تواند او را احضار ومحاکمه کند ومصونیت عنوانی ومقامی ، ریشهٔ اسلامی ندارد .

نایب‌رئیس — در اینجا گفته شده است که«میتواند او را احضار کند» حتی‌اگردستگیرش کرد فوراًباید به‌مجلس اطلاع بدهد . ماگفته‌ایم احضار ودستگیری اواشکالی ندارد ولی بازداشتش یعنی دورنگهداشتن او ازایفای وظایف نمایندگی را باید مجلس‌رأی بدهد .

سبحانی — مصونیت که‌ایجابش ریشهٔ اسلامی ندارد وسلبش هم همینطوراست.(نایب رئیس — به همین‌معنا می‌گویند.) قاضی اگرحدود را رعایت بکند چون قاضی شرع است می‌تواند احضارش بکند واحتیاج ندارد که سلب‌مصونیت بکند. (نایب‌رئیس — اینکه خیلی آسان‌است می‌نویسیم مشروط به‌اجازه مجلس است والسلام.)«در اظهارعقیده ورأی خود » چه‌میشود ؟

نایب رئیس — آنهم معلوم است فقط برای اینکه آقایان‌دیگر هیچ نگرانی نداشته‌باشند می‌نویسیم « مشروط به‌اجازه مجلس است ».

طاهری‌اصفهانی — مصونیت بهتر است ومراد اینست که‌نمی‌شود دردادن رأی‌ممنوعش کرد مگر موقعی که‌دیگر نماینده نیست.

نایب رئیس — در هردوعبارت می‌توانیم‌سلب مصونیت را برداریم وبجایش بگذاریم «اجازه» وهیچ اشکالی هم بوجود نمی‌آید. آقای کرمی حضرتعالی مخالف‌هستید؟

کرمی — خیرمسأله استفسارات‌است، زیرا اصل مطلب صحیح است ولی استفسارات ضروری دارد زیرادراینجا نوشته شده «نمایندگان‌مجلس دراظهارعقیده ورأی خود کاملاآزادندو نمی‌توان آنها را به‌مناسبت‌عقایدی که‌درمجلس‌اظهارکرده یا آرائی...»خوب آراء اشکال‌ندارد اماقسمت اول یک ابهامات وزنندگی در ذهن می‌آورد این‌بایدروشن نوشته شود که‌آنچه‌اظهار میکنداگرمطلب سیاسی است که‌اشکالی‌ندارداما اگربخواهد ترویج‌عقاید وانحرافات کمونیستی و غیرکمونیستی را بکند که‌اظهارعقیده‌اش برخلاف‌اسلام است. این هم‌اظهار عقیده‌است وشما نوشته‌اید آزاداست.

یزدی — اظهارعقیدهٔ‌برخلاف اسلام ، برخلاف اسلام‌نیست.

کرمی — از نظراینکه‌نمایندهٔ‌مجلس است واحتمالا ممکن است‌پافشاری وتحریک بکنند عرض کردم .

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — من مخالف بااین اصل هستم .

نایب رئیس— آقای قرشی بفرمائید .

قرشی— یک اشکال اینست که نوشته شده «وتحقیق و دادرسی با حضور نمایندهٔمبعوث مجلس انجام پذیرد» این مدرك شرعی ندارد .

نایب‌رئیس— یک سؤال ازشما بکنم می‌فرمائید خلاف شرع است یا اینکه برای این‌در شرع نصی نداریم؟ مطلب دوچیز است خیلی از مسائل وقوانین وآئین‌نامه‌ها مثل آئین‌نامهٔ ترافیك نص شرعی ندارد ولی ما به‌مقتضای مصلحت، قانون وضع می کنیم. می‌فرمائید این کار خلاف نصوص شرع است؟

قرشی— اگر جعل حکم باشد اگر من مسئول شدم ویک فرد عادی بودم دادگاه من را محاکمه می کند ولی اگر فلان شخص وکیل مسئول شد باید نمایندهٔ مجلس راهم درکناراو بگذاریم .

نایب رئیس—می‌دانید چرا، یانه؟ شما الان برای هرکس که مسئول هست چون‌یک مسئولیت بزرگتر به دوش اوگذاشته‌اید او را درمعرض توطئه قرار داده‌اید بنابراین درحقیقت این مقابله با توطئه‌های احتمالی است که علیه یک شخص مسئول می‌شودویک نوع جلوگیری ازاعمال فشارها برنماینده است. دراینجا اینطور نیست که بخواهند به نماینده یک امتیاز بدهند بلکه می‌خواهند او را برای ایفای وظایف نمایندگی‌اش از تعرضات توطئه‌آمیز دور نگهدارند، مطلب اینست، حالا این‌درست‌است یانه؟ اساسش اینست، آقای کرمی بفرمائید .

کرمی— کلیه اتهامات درعالم شرع وقضا برهرکسی وارد باشد، حمال‌هم که باشد به مجرد اتهام او را بازداشت نمی کنند، اصلا درعالم شرع بازداشت نداریم اتهام ثابت که شد جلبش می کنند واگر اتهام ثابت نشد حمال باشد یا سلطان باشد درعالم قضا هیچ‌فرقی‌نمیکند.

نایب رئیس— بنابراین آنوقت سالبه به انتفاع موضوع است ، آقای قرشی بفرمائید.

قرشی— عبارت «ولی محاکمهٔ او در دادگاه صالح به صورتی که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او دراثناء دادرسی نباشد» این تقریباً مثل یک تعطیل حکم خدا است، زیرا فرض بفرمائید یک نماینده یک جرمی مرتکب شده است وباید دادرسی بشود طبق این ماده‌می‌گوئیم او را دادرسی نکنید چون باید درمجلس حاضر باشد و این مخالف‌ایفای وظایف‌نمایندگی‌اوست.

نایب رئیس— اجازه بفرمائید آقای قرشی یعنی می‌گوئید ساعت نه تادوازده باید توی مجلسی باشد که رأی بدهد محاکمه اورا درآن‌ساعت نگذارید بگذارید چهار تاهفت بعدازظهر.

کرمی— جنابعالی اینطور تفسیر می کنید والا اصل مطلب دوساعت ونیم ساعت‌ندارد.

نایب رئیس— آقای فوزی بفرمائید .

فوزی— ازظاهر عبارت «نمایندگان مجلس دراظهار عقیده آزادند»معلوم می‌شود که‌اظهار عقیده‌نسبت‌به‌جریانات مجلس است‌وازطرف دیگر البته تعقیب با دستگیری‌فرق‌دارد اینجا نوشته است «اگر نماینده‌ای‌مرتکب جنحه یا جنایتی‌شود موردتعقیب قرار می‌گیرد ولی جریان‌دستگیری او...» این عبارت صحیح به نظر نمی‌رسد بلکه باید اینطور تصحیح شود «اگر نماینده‌ای جنحه یا جنایتی مرتکب شود دستگیر می‌شود ولی جریان دستگیری او باید فوراً به‌آگاهی مجلس‌برسد» دیگر درقسمت آخر که نوشته است «ولی محاکمه او در دادگاه صالح به‌صورتی که مزاحم ایفای

وظایف نمایندگی او در اثناء دادرسی نباشد واجرای حکم...» ، «و» زائد است .

نایب رئیس— آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی‌اردبیلی— کسی که به عنوان مخالف می‌خواهد صحبت بکند باید به انتظار بنشیند ولی اشخاصی به عنوان اینکه می‌خواهند سؤال کنند بلند می‌شوند ومخالف صحبت می‌کنند آیا این روش صحیح است ؟

نایب رئیس— من‌قبل ازاینکه دوستان شروع کنند نمی‌توانم بفهمم که آیاسی‌خواهند سؤالی بکنند یا می‌خواهند مخالف صحبت کنند، آقای خزعلی بفرمائید .

خزعلی— درقسمت اظهار عقیده همانطوری که آقای سبحانی و دیگران فرمودندراجع به عقاید نیست ومربوطبه‌آراء سیاسی است، ولی درآراء سیاسی‌گاهی توهین به مقدسات می‌کنندمثلا اینکه تصویب کردید هرکسی درانتخاب شغل مناسب آزاد است به‌شرط آنکه مخالف اسلام نباشد بعداً سوءاستفاده می‌کنند ومثلا درباره می فروشی می‌گویند این مربوط به زمانی بود که یک عده اعراب دربیابان خشک زندگی می‌کردند ولی امروز روی این مسأله، اقتصاد مملکت می‌گردد یا درسورد ربا هم این مسأله را بیان می‌کنند یا برای حدزدن به زانی می‌گویند این صد تازیانه مربوط به مردم وحشی بوده است یا ممکن است یک‌حملاتی درمجلس به‌آئین‌مقدس بکنند پس باید قیدشود که اظهار نظر بکند اما بدون توهین، مثلا حق‌دارد بگوید جامعه‌امروز ممکن است این مطلب راهضم نکند اما به مقدسات مذهب درمسائل سیاسی توهین نکند .

نایب رئیس— آقای دکتر ضیائی بفرمائید .

دکتر ضیائی— می‌خواستم عرض بکنم وقتیکه مرتکب جنحه یا جنایتی مشهودشد که دیگر متهم نیست. (نایب‌رئیس— دراین مورد نوشته‌ایم که فوراً او را دستگیر کنند.) دراین اصل که قید شده «ولی جریان دستگیری او باید فوراً به‌آگاهی مجلس برسد وتحقیق و دادرسی با حضور نمایندهٔ مبعوث مجلس انجام پذیرد» او با دیگران چه‌فرقی دارد؟

۹ — پایان جلسه

نایب رئیس— خوب یک مقداری توانستیم روی این اصل بحث کنیم انشاءالله فردا صبح دوستان روی این دواصل اخیربیشتر بحث بکنند ونقطه‌نظرها منظم بشود. بنابراین فردا صبح جلسهٔ فوق‌العاده نمی‌توانیم داشته باشیم چون باید کار کافی برای عصر تهیه بکنیم‌جلسه علنی رسمی ما به‌فردا عصر موکول می‌شود وصبح فقط جلسه دوگروه است. جلسه ختم‌میشود.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی— **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ سی و پنجم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز هشتم مهر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با هشتم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای جواد فاتحی. . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۷۰ (اصل هشتاد و نهم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۷۲ (اصل هشتاد و هفتم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۷۳ (اصل نودم). . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۷۱ (اصل هشتاد و ششم). . . . . .
٦ — طرح اصل ۷۱/۱ (دنباله اصل ۷۱). . . . . .
۷ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای جواد فاتحی

نایب‌رئیس — جلسه رسمی است ومی‌توانیم نطق قبل از دستور را شروع کنیم. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نظربه‌اینکه این روزها درجراید وحتی از جانب بعضی از برادرانی که درهمین‌مجلس هستند در مورد اصل‌پنج (ولایت فقیه) مطالبی مطرح شده است خواستم‌دیدگاه خودم را درباره این اصل‌بیان کنم، لذا باید اول بدانیم‌پیامبر اسلام(ص)وائمه معصومین علیهم‌السلام چه‌مقاماتی داشته که‌در زمان‌غیبت این‌مقامات‌طبق‌روایاتی به فقیه جامع‌شرایط اعطا گردیده از قرآن مجید وهم از سنت وسیره‌پیامبراسلام استفاده میشود که‌پیامبر اسلام (ص) وائمه‌علیهم‌السلام در میان مسلمین درآن واحد دارای سه‌شأن بوده‌اند:

اول— اینکه امام ، پیشوا ومرجع‌دینی بود وسخن‌وعملش سندوحجت بود ودیگران‌باید ازوی پیروی کنند «لقد کان لکم فی‌رسول‌الله اسوة حسنه» . دوم — ولایت قضائی داشته‌یعنی حکمش دراختلافات حقوقی ومخاصمات نافذ ومضی‌بود «فلاوربک‌لا یؤمنون حتی یحکموک‌فیما شجربینهم ثم‌لایجدوا فی‌انفسهم حرجامماقضیت ویسلموا‌تسلیماً — سوره نساء» نه‌چنین است به‌پروردگارت‌سوگند ایمانشان واقعی‌نخواهد شد تا درآنچه دربینشان اختلاف شود داورت کنند سپس در دلهای خویش ازآنچه‌حکم کرده‌ای ملالی نیابند وبی‌چون وچرا تسلیم‌شوند .

سوم — پیامبراسلام گذشته از اینکه مبین وموضح احکام بود وگذشته از اینکه قاضی مسلمین بوده سائس ومدیر اجتماع مسلمین بود ، ولی‌امرمسلمین واختیاردار اجتماع. پیامبر اکرم رسماً برمردم حکومت میکرد و سیاست اجتماع مسلمین را رهبری مینمود . به حکم آیه کریمه «خذمن اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم» از مردم مالیات میگرفت و شئون مالی و اقتصادی و اجتماعی اسلامی را اداره میکرد. ما به‌آنهائیکه با ولایت فقیه مخالفت میکنند و یا حدود قدرت و اختیارات فقیه را محدود و مقید میسازند به‌موردیکه کار و امور مسلمین زمین و معوق مانده و متصدی ندارد و خلاصه حداقل دوعبارت از ولایت امور «غیب و قصر» می‌دانند عرض میکنم آیا شما این سه‌هدف اسلام را می‌توانید منکر شوید؟ هدف‌های اسلام را در نظر بگیرید و بعد ببینیم از ولایت فقیه چه‌استفاده‌ای میشود.

هدف از بعثت پیامبران و ائمه معصومین و پس از آنها فقها و علما و رسالت آنها همانا رساندن پیام خدا و بیان احکام شرعیه و مسائل حلال و حرام و سایر امور تبلیغی دینی است و این معنا (هدف انبیاء) در یک جو مساعد و مناسبی قابل پیاده و اجرا شدن است و این در صورتی است که نظام طاغوتی، حاکم بر جامعه نباشد تا مبلغ عالم اسلام‌شناس بتواند با کمال آزادی بدون مواجه شدن با مشکلات و مصائب به تبلیغ و رسالت اسلام راستین بپردازد و منصب قضاء و افتاء اجراء حدود و تعزیرات که حتماً وجزماً وسایر مناصبی که درصورت

تصدی حکومت لازم‌الاجراء است به‌اتفاق همهٔ علما از مناصب فقیه است، در صورتی عملی است که نظام حاکم برجامعه، نظامی اسلامی و با قدرت بوده وضامن اجراء داشته باشد واین معنی در طول تاریخ به تجربه ثابت گردیده که نظامهای حاکم بر جامعه از طبقات‌گوناگون قدرت را به دست گرفته‌اند و اسلام عزیز و اجراء قوانین او را به دست فراموشی سپرده‌اند. آیا تجربه تاریخ و این معنی ما را ملزم نمی‌سازد که اگر قدرت اجراء ازدست والیان و حاکمان دینی و به تعبیر دیگر فقهای خبیر و مدیر و مدبر خارج گردد مجدداً دوران سیاه تسلط نظام غیر صالح که هیچ‌گونه توجه و عنایتی به اسلام نداشته و ندارند بوجود آید؟ خوف این معنی نیست؟ شما وقتی تاریخ را ورق بزنید و حالات رهبران صددرصد ملی را مطالعه کنید می‌بینید بسیاری از آنها فقط یک بعدی بوده و آنها را از دیده اقتصاد سیاسی و فرهنگی و غیره فقط مورد توجه و مطمع نظر خویش قرار داده بودند و به اجراء سیاست دینی کاری نداشتند بلکه گاهی اصطکاک و کوبیدن علماء دینی را شعار خود ساخته بودند. من ازمعنی می‌فهمم آنهائیکه دلسوز اسلام هستند می‌دانند تا قدرت در دست فقهاء شجاع صالح نباشد اجراء احکام خدا صددرصد تضمین نمی‌شود و البته اصل حکومت و رسیدن به مقام و منصب و ریاست دنیوی هدف نهائی فقهاء دینی نبوده بلکه به‌این وسیله زمینهٔ اجراء برنامه‌های دینی و مقررات آسمانی قرآن را فراهم می‌سازند و اگر بگوئید ممکن است افرادی پیدا شوند در صحنهٔ سیاست که علاوه براینکه از سیاست و کاردانی و لیاقت رهبری برخوردارند در اجراء برنامهٔ اسلامی قرآنی زیرنظر فقها و علماء کوتاهی نمی‌کنند و فرمان آنان را اجراء می‌نمایند، ما هیچ وقت اصراری نداریم حتماً تصدی حکومت و ولایت است را فقهاء شجاع و مدبر و مدیر شخصاً به‌عهده‌بگیرندبلکه به‌فرمان رهبر چنین افرادی پیدا شوند ومجازند ازطرف فقیه باشند و کار آنان را فقیه امضاءنماید واگر اسلام راستین درچنین فرضی پیاده شود باهدف، مباینت ندارد.

موضوع دیگر اینکه خداوند درقیامت فرمان می‌دهد «وقفوهم انهم‌مسؤلون» (آنها را بازداشت کنید تا از چند چیز پرسش کنیم) ازچند چیز سؤال می‌کند، نمی‌خواهم واردآن بحث بشوم ازجمله می‌گوید «وعن‌ماله‌من‌این‌اکتسبه» (اموال واملاك خود را از چه‌طریق به‌دست آورده‌ای؟) آیا درکشور نمی‌شود قبل از قیامت از متمکنان و زمین‌خواران و ربا بگیران و نزول‌خواران‌واحتکارکنندگان‌وآنانیکه‌مالیاتهای‌اسلامی‌مربوط به‌فقرا وسادات را نداده وبالنتیجه مال موفور وثروت عظیمی به دست آورده وبا اسناد قلابی خودرا مالک‌می‌دانند«والناس‌مسلطون علی‌اموالهم وانفسهم‌ولایحل‌مال‌امرءمسلم‌الابطیب‌نفسه» را می‌خوانند وخود را درحمایت‌این قانون از تعرض مصون نگاه داشته، آیا دولت جمهوری اسلامی ازگذشتهٔ اشخاص، این‌اموال ذخیره شده و کنزها وتعدیل ثروت وازکجا آورده‌ای را اجراء نمی‌نماید؟ چنانچه دولت حقه‌امام علی‌علیه‌السلام وقتی تصدی حکومت وقدرت را بدست آورد فرمود ازگذشته‌ها صرف‌نظرنمی‌کنم و اموالی که بعضی بناحق از بیت‌المال برده‌اند پس‌می‌گیرم حتی اگر در گروکابین زنها قرار گرفته باشد. موضوع دیگراینکه دراین جو مساعد که درکشور پیدا شده آنچنانکه عظمت آن خیره کننده است بحدی که مورد غبطهٔ مسلمانان وجهانیان قرارگرفته‌ایم پس ماچرا ازاین‌فرصت استفاده نکنیم باید از رسانه های گروهی مثل رادیو وتلویزیون، این وسیله‌مردمی‌حداکثراستفاده شود وبه وسیله دانشمندان تعالیم اسلامی آموزش داده شود و واقعاً مسلمین را به احکام وبرنامه‌های اسلام توجه بدهند مخصوصاً دراطراف کشور ما هنوز خیلی هستند که با حقایق

اسلام راستین آشنائی کامل ندارند برنامه هائی جهت هدایت وتربیت آنها به وسیلهٔ افرادشایسته ترتیب یابد. با عرض معذرت ازعلما ومجتهدین واساتیدی که درجلسه حضور دارند .

۲ — طرح و تصویب اصل ۷۰ (اصل هشتاد و نهم)

نایب رئیس— دراین ورقه ای که به عنوان دستورجلسهٔ امروزبین نمایندگان توزیع شده چنداصل درج شده است که درگروه منتخب هفت نفری روی آن کار شده ودرجلسهٔ مشترك گروههای نمایندگان هم باز روی آن اصلاحاتی به عمل آمده است وبعد با نظرات اصلاحی دوستان برگشته است وبارعایت آن نظرات برای دستور جلسه امروز آماده شده است. شش اصل هم (ازاصل ۷٤ تا ۷۹) دراختیار نمایندگان قرارگرفته است که درگروه منتخب روی آن کارشده ولی درجلسه صبح گروهها فرصت بررسی وبحث روی آن پیدا نشد واین خواست دوستان بود که متن اصول رایک روز زودتر دراختیارشان بگذاریم تا بتوانند روی آنها دقت لازم وکافی به عمل بیاورند. اصل ۷۰ را می خوانم :

اصل ۷۰— نمایندگان مجلس می توانند در مواردی که لازم می دانند، هیأت وزیران یاهر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح درمجلس است که با امضای حداقل ده تن به مجلس تقدیم شود.

هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز درمجلس حاضر شود وبه آن پاسخ گوید واز مجلس رأی اعتماد بخواهد . اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. دراین صورت نخست وزیر یا وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعداز آن تشکیل می شود، عضویت پیدا کنند . درصورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ به استیضاح، درصورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد .

نایب رئیس— دیروز روی این اصل به تفصیل صحبت شده است وبه دلیل اینکه روی آن توافق نشده به گروه برگشت امروز صبح هم درگروه روی آن کار شد وبرای جلسه دوستان فرستاده شده ونظراتتان آماده است ولی باز می بینم عده ای برای بحث روی آن اسم نوشته اند. البته اگر سؤالات کوتاهی باشد اشکالی ندارد. ضمناً پیشنهاد می کنم عبارت «حداقل ده تن به مجلس» به صورت «حداقل ده نماینده به مجلس...» تصحیح شود (نمایندگان— موافقیم). در ضمن درآخر این اصل عبارت «درصورتیکه مجلس مقتضی بداند» به صورت «اگر مجلس مقتضی بداند» تصحیح شود عبارت مطلوب تر است چون قبل ازآن درهمان سطر «درصورت عدم حضور...» هم آمده بود. (نمایندگان — با این اصلاح هم موافقیم.)

سبحانی — عرض کنم آن جوابی که دادند کافی نبود به اصطلاح کیفرشان معین شده است که حق شرکت درکابینه دیگر ندارند ولو آن صورتی که حضور به هم نرساندند آنجا دیگر این مسأله باید تکرار بشود اگر حاضر نشد و رأی اعتماد نداد آیا اینها هم مکلف به همان حکم هستند؟ یعنی درکابینه دیگر حق شرکت ندارند؟ این باید در اینجا گفته بشود. سؤال دیگر اینکه باید یک وزیر هم اضافه شود «دراینصورت نخست وزیر (یا وزیر) و یا وزرای مورد استیضاح...» گاهی استیضاح از نخست وزیر است گاهی از وزراء است گاهی از یک وزیر خاص است آنهم اگر اضافه بشود، مطلب را روشن تر میکند. دیگر اینکه «ظرف مدت ده روز» یا ظرف زیاد است ویا مدت، «مدت ده روز» خوب است ولی «ظرف مدت ده روز» غلط است. (طاهری

اصفهانی — هیأت وزیران شامل نخست‌وزیر نمی‌شود؟)

نایب رئیس — چرا میشود. برای اینکه این ابهام برطرف شود و سؤال به‌جا هم هست فقط با بالا و پائین کردن یک کلمه مشکل حل میشود «اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل میشود در صورت عدم حضور هیأت وزیران یاوزیر برای پاسخ به استیضاح اگر مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد در هر دوصورت نخست‌وزیر یا وزراء مورد استیضاح نمی‌توانند...» بنابراین با این اصلاح مشکل حل میشود. (سبحانی — جواب سؤال سوم من را ندادید.) وزراء که میگویند کافی است، ظرف مدت ده روز هم با اینکه مصطلح است «مدت» آن حذف میشود. (خامنه‌ای — چند مورد بود که‌قبلا هم عرض کرده‌ام ولی مثل اینکه مجلس مقتضی نیست تکرار شود و بهتر است رأی‌گیری شود.) (قرشی — هیأت‌وزیران شامل نخست‌وزیر هم میشود؟) بله، میشود.

فاتحی — استیضاح به نحوی است که به حق اساسی نماینده مجلس تجاوز شده است زیرا همانطوریکه در اصل ۶۹ برای هر نماینده‌ای حق سؤال شناخته شده و در آن اصل آمده در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول در باره موضوعی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف به جواب است و نباید بیش از ده روز تأخیر بشود حال اگر جواب به تأخیر افتاد این نماینده آیا میتواند دولت را چونکه وزیرمسئول جواب نداده‌استیضاح کندیاخیر؟ (نایب‌رئیس- نه‌نمی‌تواند.) پس اگرنماینده میتواندااستیضاح کند با این اصل ۷۰ که‌میگویدباید به‌امضاء ده نماینده باشد منافات دارد و اگر نمی‌تواند استیضاح کند و فقط حق سؤال را دارد ولو اینکه سؤالش بی‌جواب بماند چون این قید تجاوز است به حق حاکمیت ملی واصل دیگری از همین قانون اساسی که هر نماینده‌ای از طرف همه ملت ایران مسئولیت دارد در صورتی قابل طرح است که حداقل به‌امضای ده نفر از نمایندگان برسد و این قید ده نفر، آزادی و کلای ملت را محدود میکند زیرا هر نماینده که نقصی در جریان امور کشور و یا در یک منطقه محدودی یا حوزه انتخابیه خود مشاهده نمود باید بتواند از دولت سؤال کند و اگر به او پاسخ کافی داده نشد دولت را استیضاح کند و نباید حق استیضاح را از یک نفر نماینده سلب کرد. پس پیشنهاد میشود نماینده هر شهرستان از این حق بتواند استفاده کند زیرا ممکن است روزی وضع مجلس به جائی برسد که نماینده مردمی در آن نباشد. در این صورت‌باید یک نماینده مردمی نیز بتواند مدرس‌وار در مقابل دولت بایستد جالب اینست که در قانون سابق نیز استیضاح یک نفر نماینده کافی بود.

نایب رئیس — آقای فاتحی این مطالب را دیروز هم فرمودید و به اندازه لازم پیرامونش بحث شد خواهش ما از دوستان اینست مطالبی که لااقل در جلسه علنی قبلا صحبت شده مجدداً مطرح نفرمایند. (سبحانی — دیروز بی‌جواب ماند.) آقای عزیز دیروز خدمتتان گفته شد که دولت را نمی‌توان هر روز در معرض خواست یک نماینده قرارداد و نمی‌شود نماینده‌ای را از حقش محروم کرد ولی اگر واقعاً یک نماینده‌ای در یک مجلس مردمی سؤالی را مطرح میکند که وزیر جواب قانع کننده به آن نمی‌دهد وقتی میشود گفت جواب قانع کننده نبود که این آقا نه نفر نماینده دیگر با خودش هم رأی پیدا بکند که آنها هم بفهمند این جواب قانع کننده نبود، این تخلف است، استیضاح کند ولی اگر اینقدرکم هوادار است و از افراد تکروی است که افکار شخصی شاذ دارد ، نمی‌شود دولت را در معرض سؤال‌پیچی و استیضاح افرادی

که دارای شذوذ هستند قرار بدهیم.

دکتر آیت — سؤال من در خصوص قسمت اخیر همین اصل است آنجائی که می‌گوید «درصورت عدم حضورهیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ به‌استیضاح» معتقدم که لااقل یک‌طرف قضیه بتواند صحبتش را بکند یعنی آن استیضاح کننده معمولا استیضاح را کتبی تقدیم میکند واگروزراء حاضرشدند که صحبتش را میکند وآنها جواب میدهند ولی اگرحاضرنشدند لااقل اجازه بدهید او صحبتش را بکند. (نایب رئیس — آن یک مطلبی داخلی است.) اینجا باید بگوئیم برای پاسخ به استیضاح، چون به‌هرحال استیضاح باید مطرح بشود. (نایب رئیس — استیضاح که قبلا مطرح شده است.) نه، استیضاح یک سؤال است سؤال میکند که وزیر آیا قانون را زیر پا گذاشته است؟ (نایب رئیس — این موارد را آئین‌نامه داخلی مجلس روشن میکند.) نخیر، اینها را ما نباید بگذاریم آئین‌نامه داخلی مجلس روشن بکند چون برای اولین‌بار در تاریخ دنیا به وزراء اجازه داده‌ایم که اصلا برای نماینده ملت تره خرد نکند و جواب ندهد خیلی خوب، این اصل بیسابقه را گذرانده‌اند و ما هم حرفی نداریم ولی لااقل آن طرف بتواند بیاید صحبتش را بکند وگرنه باز هم برای ثبت در تاریخ میگوییم این اصل در دنیا بیسابقه است لااقل اجازه بدهید در صورت عدم حضور وزراء چه در سؤال و چه در استیضاح بتواند حرفش را بزند لااقل فریادش را دیگر خفه نکنید اینست که من پیشنهاد میکنم بعد از «برای پاسخ به استیضاح» یک کلمه «مطرح» اگر مجلس مقتضی بداند اضافه شود.

ربانی شیرازی — استیضاح را اول در مجلس مطرح میکنند و حتی قبلا در روزنامه‌ها هم منعکس میشود.

دکتر آیت — به هر حال این باید قید بشود تا او بتواند مطابق آئین‌نامه مجلس سه ساعت صحبتش را بکند.

نایب رئیس — این تصریحی است که مورد قبول دوستان هست.

مکارم شیرازی — یک کلمه قبلا بود ولی مثل اینکه آن‌را اینجانانوشته‌اند «ظرف مدت ده روز پس از طرح در مجلس» یک «پس از طرح» درصدر بود...

نایب رئیس — بله، این هم بود، نمی‌دانم افتاده یا نه...

ربانی شیرازی — «استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضاء حداقل ده نماینده به‌مجلس تقدیم شود.»

دکتر آیت — آن غیر از طرح است، بعد از اینکه نماینده‌ای استیضاح کرد به او اجازه داده میشود سه ساعت صحبت کند اگر هیأت دولت نیامد میگویند تو این سه ساعت صحبت را نباید بکنی در صورتیکه او باید بتواند لااقل صحبتش را بکند.

نایب‌رئیس — چون استیضاح اولیه معمولا بدون شرح است‌وسنت‌هم اینست‌اجازه بدهید این دو تا اصلاح هم به عمل آید «هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح استیضاح در مجلس حاضر شوند...» ممکن است استیضاح را کتباً بدهند ما می‌خواهیم بگوئیم استیضاح در روز اول هم برای اطلاع ملت در مجلس قرائت می‌شود. در ضمن ممکن است نماینده استیضاح را بدهد به‌هیأت رئیسه که‌آنها بدهند به‌وزیر مربوط، بنابراین نوشتیم «پس‌از طرح درمجلس» که دیگر اشکالی نداشته باشد.

طاهری اصفهانی— مگر درسطر دوم ننوشته‌ایم «استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است

که باامضای حداقل ده‌تن به مجلس تقدیم شود»؟ یعنی اگرده نماینده فراهم شدند استیضاح قابل طرح درمجلس است.

نایب‌رئیس— قابل طرح‌است، حتماً طرح نخواهد شد.

طاهری اصفهانی— می‌دانم این دیگر با خود مجلس است، به شما چه مربوط است، شما نوشته‌اید قابل طرح است، حالا می‌خواهند طرح بکنند یا نکنند آن‌دیگر وظیفهٔ خودشان است.

نایب رئیس — ایشان می‌خواهند بگویند که ما اینجا اینطور بنویسیم که اصولا استیضاح‌ها را برای اطلاع ملت حتماً طرح کنند، این پیشنهادی است که دیروز هم آقای خامنه‌ای کرده بودند و امروز هم در آن چیزی که ما نوشته و خدمت دوستان فرستاده بودیم این قید را گذاشته بودیم. (طاهری اصفهانی — طرح که خواهند کرد.) اگر بگوئید مسلماً طرح می‌کنند وقتی یک عبارتی با یک جمله «پس ازطرح» ازابهام بعدی برای دوستانتان بیرون می‌آید فکر نمی‌کنم اشکال داشته باشد. عنایت بفرمائید در سطر آخر که ایشان گفتند « در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ به استیضاح نماینده مزبور دربارهٔ استیضاح خود توضیحات لازم‌را میدهد واگرمجلس مقتضی بداند...» (رحمانی — پس از رؤیت‌وزیر چون ممکن است احیاناً نسبت به استیضاح غفلت داشته باشد.) پس این اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم. (حجتی کرمانی — من اسم نوشته‌ام اجازه بدهید صحبت کنم.) بفرمائید، عذر می‌خواهم.

حجتی کرمانی — اینکه یکنفر را به عنوان اینکه شاذ است از حق استیضاح کردن محروم کنیم و بگوئیم ده نفر دیگر باید با توهم رأی باشند، ازنظر اسلامی و شرعی درست‌نیست برای اینکه هر فردی حق دارد از حضرت علی (ع) هم که باشد سؤال کند و او را مورد استیضاح قرار دهد.

نایب رئیس — سؤال غیر از استیضاح است، استیضاح یعنی مقدمهٔ متزلزل کردن دولت، سؤال را جلوتر گفته‌ایم.

حجتی کرمانی — می‌خواهیم ببینیم طرز رفتاری که مردم با حضرت علی (ع) داشتند در زمان حکومتش (نایب‌رئیس — این سؤال است) نه اصلا ایراد و اعتراض داشتند به اومیگفتند تو اصلا اشتباه میکنی حق نداری حکومت بکنی. حضرت میگفت «خلوا سبیله»، بگذارید کار خودشان را بکنند یعنی استیضاح حق یک نفر هم هست.

نایب رئیس — آخر این «خلوا سبیله» نیست، این بیش از این حد است، در حد «خلوا سبیله» روزنامه هست، سخنرانی هست، همه چیز هست. بنابراین برای اخذ رأی اصل را میخوانم:

اصل ۷۰ (اصل هشتاد و نهم) — نمایندگان مجلس می‌توانند درمواردی که لازم می‌دانند، هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نماینده به مجلس تقدیم شود. هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل میشود. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ استیضاح، نمایندگان مزبور دربارهٔ

استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و اگر مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. در هر دو صورت نخست‌وزیر یا وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت‌وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل میشود، عضویت پیدا کنند.

(نسبت به اصل ۷۰ به شرحی که در بالا آمده است اخذ رأی به عمل آمد و شمارش آراء به‌وسیله منشیان هیأت رئیسه آقایان دکتر روحانی و عضدی انجام‌گرفت و نتیجه به‌شرح زیر اعلام گردید.)

نایب رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و سه نفر، تعداد کل آراء شصت و سه رأی، آراء موافق پنجاه و هشت رأی، آراء مخالف دو رأی، آراء ممتنع سه رأی، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

۳ — طرح و تصویب اصل ۷۲ (اصل هشتاد و هفتم)

نایب رئیس — اصل ۷۲ خوانده میشود.

خزعلی — دیروز روی اصل ۷۱ گفتگوی زیاد شده و الان هم آماده شده است.

مکارم شیرازی — دوستان روی متن آن توافق نکردند.

نایب رئیس — دیروز هم روی اصل ۷۰ بحث و گفتگوی مفصل انجام گرفت هم روی اصل ۷۱.

ربانی املشی — هرچه بیشتر روی آن بحث کنید اختلاف نظرها بیشتر میشود.

نایب رئیس — روی اصل ۷۱ فردا بحث خواهیم کرد.

خزعلی — دیگر بحثی ندارد، در جلسهٔ گروه‌ها از چهل و هشت نفر، چهل و یک نفر به این اصل رأی دادند.

نایب رئیس — فعلا اصل ۷۲ را میخوانم:

اصل ۷۲ — هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورداختلاف، دولت می‌تواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

سبحانی — در ابتدای‌این اصل‌آمده است که «هیأت‌وزیران پس از تشکیل...» صحیح این است که نوشته شود «نخست‌وزیر پس از تشکیل...» چون رأی اعتماد را نخست‌وزیر می‌گیرد.

نایب رئیس — دقت‌نظر آقای‌سبحانی درموارد متعدد برای ما روشن شده است در اینجا هم اگر بخواهیم طبق سنت قوانین عبارت را بنویسیم به نظر میرسد که حرف ایشان درست‌است و بهتر است که عبارت به اینصورت باشد «نخست‌وزیر پس از تشکیل و...» (ربانی شیرازی — «پس از تشکیل دادن هیأت وزیران...») (موسوی تبریزی — «هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی نخست‌وزیر...») طبق اصل قبلی که تصویب شد حتی اگر یک وزیر مورد استیضاح باشد باید نخست‌وزیر برای او رأی اعتماد بخواهد نه خود وزیر.

مقدم مراغه‌ای — سابقه اینطور است و فکر میکنم منطقی هم باشد که هیأت دولت رأی اعتماد بخواهد بنده فکر میکنم این اصل خوب تنظیم شده است.

نایب‌رئیس — تعبیراشتباه نشود یک وقت میگوئیم دربارهٔچه کسی رأی‌اعتمادمی‌خواهند

صحیح می‌فرمائید.

مقدم مراغه‌ای — دولت باید برنامه‌ای داشته‌باشد وبعد رأی اعتماد بخواهد البته آنچه می‌فرمائید در سابق نخست‌وزیر رأی تمایل میگرفت ولی رأی اعتماد، بعد از اینکه دولت تشکیل می‌شد و برنامه‌اش را به مجلس ارائه می‌داد، تقاضای رأی اعتماد می‌کرد.

نایب رئیس — چه کسی این کار را میکند؟ همهٔ این کارها را نخست وزیر انجام می‌داده.

حجتی کرمانی — نخست‌وزیر به عنوان رئیس دولت میرود تقاضای رأی اعتماد میکند، یعنی در رأس وزرا است، دولت به وسیله نخست‌وزیر رأی می‌گیرد.

نایب رئیس — پس همین عبارت معروف متعارف را بنویسیم « دولت پس از تشکیل و معرفی...».

هاشمی‌نژاد — این خلاف آئین‌نامه است این اصلی که بررسی شده درکمیسیون هفت نفری هم آورده‌اند، حالا می‌خواهید تغییرش بدهید؟ (یکنفر از نمایندگان — تنها یک کلمه مورد استیضاح قرار میگیرد.)

نایب رئیس — اقلاخوب بود به‌آئین‌نامه استناد نمی‌کردید چون ما اینجا تغییرات‌جزئی می‌دهیم، نگوئید خلاف آئین‌نامه است.

خامنه‌ای — اگر برای دقت نظر باشد در موقعی رأی اعتماد می‌گیرند که عدم اعتماد هست، اینجا مصطلحش رأی تمایل است اگر دقتی قرار است بشود این را هم توجه بفرمائید.

نایب رئیس — کم لطفی می‌فرمائید، رأی تمایل اینست که وقتی فردی را به عنوان نخست‌وزیر معین می‌کنند او قبلا از مجلس رأی تمایل میگیرد و بعد میرود کابینه‌اش راتشکیل میدهد و در همان اولین‌بار رأی اعتماد باید بگیرد. رأی تمایل مال نخست‌وزیر است قبل از تشکیل کابینه.

طاهری گرگانی — این در گروه قوهٔ مجریه تعیین نخست‌وزیر و هیأت دولت به عهده رئیس جمهور گذاشته شده منتها با گرفتن رأی تمایل از مجلس شورای ملی. اینجا مثل اینکه اصلا به نوشته‌های گروه پنج توجهی نشده است.

یزدی — مسأله این است که هیأت دولت رأی اعتماد گرفتنش از مجلس برای تحقق و ثبوتش می‌باشد و بعد از تحقق و ثبوتش به‌هر کاری می‌تواند دست بزند و بعد موقعیتی پیش می‌آید که مجلس برای استیضاح یا سؤال می‌تواند با او ارتباط برقرارکند بنابراین، این اصل بر اصل قبلی تقدم دارد.

نایب رئیس — آنجا راجع به حق نمایندگان صحبت می‌کردیم.

یزدی — تا اعضاء دولت رسمیت‌پیدا نکرده‌اند نمایندگان از آنهاحق سؤال کردن‌ندارند.

نایب رئیس — ما جلوتر در دو سه اصل اسمی از شورای نگهبان برده‌ایم در حالیکه هنوز بحث تشکیل شورای نگهبان هم به میان نیامده است اینها را در قانون نمی‌شود گفت خیلی قطعی است ان‌شاءالله بعدها رویش کار خواهد شد.متشکرم.

دکتر آیت — صبح به عنوان مخالف در جلسهٔ گروهها مطلبی را گفتم و حالا به عنوان توضیح عرض میکنم چون پذیرفتیم که مسأله در اصول بعدی حل خواهد شد. معمولا همینطور که گفته شد هر دولتی قبل از اینکه سرکار بیاید رأی تمایل از مجلس می‌خواهد، که شماچه

کسی را می‌خواهید نخست‌وزیر بشود، نخست‌وزیر تعیین میشود و بعد هیأت دولت را تشکیل میدهد و به مجلس معرفی میکند و برنامه‌اش را به مجلس ارائه میدهد و این رأی اعتماد هم به وزرا است و هم برنامه‌ای که به مجلس ارائه میدهد ضمن اینکه من عرض میکنم مسألهٔ رأی تمایل باید در اصول بعدی حل بشود اینجا این پیشنهاد را دادم که «هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و ارائه برنامه...» که برنامه‌اش را ارائه دهد تا بر مبنای آن مجلس رأی اعتماد بدهد. (کرمی — هیأت دولت قبلا با خودش برنامه دارد.)

طاهری گرگانی — این موضوع قابل بحث است نسبت به اینکه آیا این قدرت برای رئیس جمهور هست که اگر چنانچه در آینده بین رئیس‌جمهور و رئیس هیأت دولت نزاعی درمدیریت واقع بشود چه حسابی خواهد داشت، اگر بخواهیم این را به عهده رئیس‌جمهور بگذاریم یک حساب دارد اگر بخواهیم از مجلس رأی اعتماد بگیریم حساب دیگر خواهد داشت.

نایب رئیس — من یک تذکری خدمتتان بدهم شما بدون اینکه نوبتی گرفته باشید سخنی فرمودید دوستان هم گوش کردند ولی قبل از شما الان نوبت هست خواهش میکنم برای رعایت نظم برای دفعات بعد نوبت بگیرید. آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — در این اصل در حالیکه می‌خواهیم اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی را تکمیل و مشخص کنیم، برای هیأت وزیران، تعیین تکلیف و تعیین حق شده است. درعبارت اول تعیین تکلیف و در عبارت دوم تعیین حق، ثانیاً معلوم نکرده‌ایم این مجلس است که با رأی تمایل خود کسی را مأمور تشکیل کابینه میکند، یا مقام دیگری، ثالثاً ممکن است حق معرفی را به رئیس مجلس بدهیم که با توجه به فراکسیون بندی مجلس و این که چه کسی شانس کسب رأی اعتماد اکثریت را دارد، او را به مجلس معرفی کند. رابعاً این تقلید همان اصل موجود درقانون اساسی سلطنت مشروطه است که شاه نخست‌وزیر را به‌مجلس معرفی‌میکرد و حق نصب و عزل وزیران با او بود ، اکنون می‌خواهیم حق عزل و نصب را به مجلس شورای ملی بدهیم یا به کسی مثل شاه سابق ، اسمش رئیس‌جمهور باشد یا غیر آن؟ بعلاوه رأی اعتماد مجلس به نخست‌وزیر و هیأت دولت به هنگام معرفی نیست، بلکه پس از معرفی شدن نخست‌وزیر و اظهارتمایل مجلس به‌تشکیل دولت توسط او، نخست‌وزیر به‌تشکیل کابینه و تدوین برنامه برای دولت خویش می‌پردازد و در این هنگام است که به مجلس برای گرفتن رأی اعتماد می‌آید.

نایب رئیس — مطالبیکه فرمودید در فصول آینده می‌آید، در این اصل مخالفی نیست؟ آقای سبحانی شما سؤالی دارید؟

سبحانی — خواستم عرض کنم که یک کلمه «نیز» باید قبل از کلمه «دولت» اضافه‌شود.

نایب رئیس — اتفاقاً این کلمه در عبارت قبل از آن آمده است یعنی نوشته‌ایم : «در دوران تصدی نیز در مورد مسائل... الخ». به هر حال برای اینکه پیشنهاد آقای فارسی را در مجلس طرح کرده باشیم آن را به رأی می‌گذاریم. آقای فارسی پیشنهاد کردند که بنویسیم: «هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و ارائه برنامه و پیش از هراقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد» یعنی ایشان عبارت «ارائه برنامه» را اضافه فرمودند . کسانیکه با پیشنهاد ایشان موافقند خواهش میکنم‌دستشان را بلند کنند (عده کمی دستشان را بلند کردند) این پیشنهاد تصویب نشد.

صافی — اگر مجلس رأی اعتماد نداد و فرض هم این است که نخست‌وزیر از طرف‌ولایت فقیه معرفی میشود، آنوقت بین این دو موضوع تعارض وجود ندارد؟

نایب رئیس — در فصول آینده آنجا که مربوط به وظایف نخست‌وزیر و شورای رهبری میشود این مسائل خواهد آمد. بنابراین من این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۷۲ (اصل هشتاد و هفتم) — هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش ازهر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم ومورد اختلاف، دولت می‌تواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

(آقایان: دکتر روحانی و عضدی «منشی‌ها» در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

نایب رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعداد کل‌آراء که در گلدان ریخته شد شصت و شش رأی که دو رأی به قید قرعه خارج شد. از شصت‌وچهار رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء ممتنع چهار رأی و یک رأی هم مخالف داشت‌بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

٤ — طرح و تصویب اصل ۷۳ (اصل نودم)

نایب رئیس — اصل ۷۳ مطرح است آنرا قرائت میکنم.

طاهری اصفهانی — جناب بهشتی عذر می‌خواهم قبل از اینکه اصل ۷۳ را بخوانید عرضی داشتم. اگر بدانیم که یکی از نمایندگان به عللی تا آخر کار مجلس دیگر در جلسات حضور پیدا نخواهد کرد آیا این نماینده را باید جزء نمایندگان در هنگام شمارش آراء به‌حساب بیاوریم؟

نایب رئیس — چون در آئین‌نامه این موضوع پیش‌بینی نشده است و معلوم نیست که چنین نماینده‌ای مستعفی شناخته میشود یا خیر، چاره‌ای نیست و فعلا از نظر حد نصاب این نماینده را هم به حساب می‌آوریم.

طاهری اصفهانی — این یک نفر در نتیجهٔ آراء دو سوم که برای تصویب اصول لازم است اثر می‌گذارد یعنی اگر ایشان را که الان رسماً نماینده مجلس نیستند به حساب نیاوریم میتوان با چهل و هفت نفر هم اصول را تصویب کرد.

کربی — با چهل و شش نفر می‌شود اصول را تصویب کرد، چون آقای حائری که‌شما میدانید مریض‌الاحوال هستند. آقای مهندس سحابی هم قبل از اینکه به این مقام برسندتشریف نمی‌آوردند چه برسد به الان که وزیر هم شده‌اند. آیت‌الله طالقانی هم مرحوم شدند و قاسملو هم که از اول نماینده نبود و در جلسات شرکت نکرد. بنابراین از مجموع کل نمایندگان که هفتاد و سه نفر هستند چهار نفر از آنها کسر میشود و شصت و نه نفر باقی می‌ماند که دو سوم آن، چهل و شش نفر است.

نایب رئیس — اجازه بدهید روی این مسأله بعداً بحث بکنیم. الان اصل ۷۳ مطرح است که قرائت می کنم:

اصل۷۳ — هرکس شکایتی از طرزکار مجلس یا دولت یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به‌مجلس شورای ملی عرضه کند. مجلس موظف است به‌این

شکایات رسیدگی کند وپاسخ کافی دهد ودر مواردی که‌شکایت به‌دولت یاقوهٔ قضائیه‌مربوط باشد ، رسیدگی وپاسخ کافی ازآنها بخواهد ودر مدت متناسب‌نتیجه را اعلام‌نماید ویادرموردی که‌مربوط به‌عموم باشد ، به‌اطلاع عامه برساند .

نایب رئیس — عده زیادی از دوستان نوبت گرفته‌اند که صحبت بکنند ویا مطالبی که به‌نظرشان مبهم میرسد به‌عنوان‌سؤال طرح بفرمایند. آقای ربانی شیرازی سؤالی‌دارید؟

ربانی شیرازی — در جلسه صبح هم عرض‌شد که‌مضمون این‌اصل همان‌کمیسیون عرایض است که قبلادر مجلس شورای ملی بود وصرفاً جنبه تشریفات داشت ودر حقیقت‌همان تشریفات در این اصل هم‌گذاشته شده است برای اینکه در این اصل وسیله‌ای برای اجراتعیین نشده‌که اگر چنانچه مجلس شورای ملی سؤالات مردم را دفن‌کرد وبه‌آنها پاسخ نداد ، چه مرجعی وجود دارد که‌از مجلس شورای ملی بخواهد که سؤال مردم را جواب بدهد؟ بنابراین باید در این اصل این مطلب گنجانده شود که اگر مجلس شورای ملی به‌سؤالات مردم پاسخ نداد ، آن مقام مسئول ویا آن مرجع ، مجلس را وادار کند که‌پاسخ سؤالات مردم را بدهد.

ربانی املشی — آقای رئیس اگر قرار است مطالبی که‌صبح در جلسهٔ کمیسیونها مطرح می‌شود دوباره در جلسه علنی تکرار گردد ، پس اجازه بدهید تبعیضی وجود نداشته‌باشدوهمه بتوانند در این مورد صحبت کنند.

نایب رئیس — آقای ربانی املشی من که صبح در جلسه نبودم تابدانم مطالب‌تکراری است یاخیر. آقای سبحانی مطلبی دارید؟

سبحانی — در پیش‌نویس یک‌جمله‌ای هست که اگر در اینجا اضافه بشود این اصل کاملتر می‌شود . در پیش‌نویس آمده است که‌اگر شکایت راجع به‌دولت یاقوهٔ قضائیه باشد به وزارتخانه مسئول فرستاده می‌شود تامورد رسیدگی قرار بگیرد وپاسخ کافی از آنهابخواهد،نکته دیگر اینکه گاهی شکایت از نحوهٔ کار مجلس است وگاهی شکایت از گروهی از نمایندگان مجلس ویاگروهی از اعضای دولت ویاگروهی ازقوهٔ قضائیه ، آیا جمله‌ای که در این اصل هست، این مطلب را می‌رساند ؟

نایب‌رئیس — فکر میکنم جمله رساباشد ومطلب را برساند به‌هر حال اگر پیشنهاداصلاح عبارتی دارید مرقوم بفرمائید . آقای‌موسوی تبریزی سؤالی هست؟

موسوی تبریزی — اگر شکایتمان را به‌مجلس دادیم ومجلس هم‌آنرا به‌وزارتخانهٔ‌مربوط فرستاد ولی جوابی داده نشد، در این صورت باید چه کرد؟ این سؤالی‌است که‌فکرمیکنم‌اکثر آقایان دارند. مطلب دیگر آنکه عبارتی که‌در ذیل این اصل آمده است یعنی عبارت « ودر مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید ویادر موردی که مربوط به‌عموم باشد ، به‌اطلاع عامه برساند » اینهم در جلسهٔ صبح تصویب نشد وبعداً اضافه شده است .

نایب‌رئیس — از طرف گروه توضیح میدهم که اینها معمولا مقدمهٔ سؤال نمایندگان از دولت قرار میگیرد واگر نماینده‌ای جواب سؤال خود را دریافت نکرد ویا جواب قانع کننده‌ای به‌او ندادند ، میتواند حتی دولت را استیضاح نماید ، واما راجع به‌طرز کار مجلس،این همان مسأله‌ای است که همهٔ‌اوقات پیش‌می‌آید وآن این است که‌چون تکیه‌گاه مجلس مستقیماً خود مردم هستند ، بنابراین جواب ندادن ورسیدگی نکردن به‌سؤالات وخواسته‌های مردم طبعاً آبرو واعتبار مجلس را پائین‌می‌آورد .

آقای ربانی شیرازی میفرمایند این اصل ، همان کمیسیون عرایض است که قبلا در مجلس شورای ملی بوده و جنبهٔ تشریفاتی داشت، من عرض میکنم که کدام یک از جنبه‌های مجالس قبلی تشریفاتی نبود ؟ مجلس ، مجلس متکی به‌مردم نبود که‌این بی‌اعتنائی‌هاصورت میگرفت .

ربانی شیرازی — در هر حال من‌معتقدم که در اینجا اضافه‌شود که‌اگر مجلس جواب نداد چه‌مرجعی پاسخگو خواهد بود .

نایب‌رئیس — من ازشما یک سؤال‌دارم، اگر یک‌نماینده‌ای در ادای‌وظایف نمایندگیش سستی کرد، معمولا چه کسی از او بازخواست خواهد کرد؟ موکلینش. یک چیزهائی هست که بالاخره «مافی‌العرض» منتهی میشود به یک «ما بالذات» در مورد مجلس هم واقعاً «ما بالذات» همان خود مردم است. اگر مجلس درحفظ این‌گونه پیوندها با مردم سهل‌انگاری کند، اثرمعمولی وطبیعی و عادیش این است که اعتبار و حیثیت خود را دربین مردم ازدست میدهد و یک مجلس ملی چون تنها سرمایه‌اش همین است هرگزحاضر نمی‌شود که حیثیت‌خود را آسان از دست بدهد . (ربانی شیرازی ـ یعنی اگرمجلس به‌مردم جواب نداد، مردم جلو مجلس تظاهرات کنند؟) چرا تظاهرات کنند؟ بعداً به‌چنین نمایندگانی رأی نمی‌دهند. (ربانی شیرازی ـ اگر یکی آمد و به‌مجلس شکایتی کرد، مردم ازکجا می‌دانند که مجلس جوابش را نداده است؟) مردم می‌فهمند، خودش میگوید، در روزنامه‌ها می‌نویسند وبه‌هرحال عموم آگاه خواهند شد.

موسوی‌اصفهانی — اگردوستان اعتراض نکنند که چرا مطالبی که صبح مطرح شده دوباره دراینجا تکرار میشود، چون صبح من جوابی برای سؤالم دریافت نکرده‌ام الان دوباره مطرح میکنم. اگر بنااست قوهٔ قضائیه از قوهٔ مجریه مستقل باشد، چگونه مجلس که وزیر مسئول ندارد از او سؤال می کنند وجواب می‌خواهند؟

نایب‌رئیس — درفصول آینده خواهدآمد که قوهٔ قضائیه یک نوع ارتباطی باقوهٔ‌مجریه خواهد داشت، یعنی ازطریق یک رابط اینهابه‌هم مربوط میشوند.

موسوی اصفهانی ـ سؤال دوم اینکه دراصل ۱۴۱ که دادگاه اداری مطرح شده‌است‌اگر قراراست این دادگاه برحسن جریان امور نظارت داشته باشد وبه اوشکایت بشود ، دیگرچه نیازی است که دوباره دراین اصل این مطلب را می‌آورید؟

نایب‌رئیس — توضیحش این است که مراجعهٔ مردم به‌نمایندگانشان تاوقتی که یک نظام جدیدی‌پیش بیاید و این زمینه‌را ضعیف کند ویا ازبین ببرد، حالا حالاها یک امرطبیعی خواهد بود، وما خواسته‌ایم برای این امرطبیعی که خودبخود پیش می‌آید، طرحی را درنظر گرفته باشیم.

مکارم شیرازی — بعلاوه فایدهٔ دیگرش این است که نمایندگان ازاوضاع حوزه انتخابیه خود با خبر میشوند وسؤال یا استیضاح میکنند.

اکرمی — درتوضیح فرمایشی که‌آقای‌ربانی‌املشی فرمودند که‌دراینجا زیادبحث‌نشودباید عرض کنم که، ما ضمن‌اینکه بایدبه کارمان سرعت بدهیم، نباید بحث وبررسی واقعی را فدای سرعت بکنیم یعنی حداقل بحث روی هریک از اصول بایدانجام بگیرد. مطلب دیگراینکه دراین اصل نوشته شده «در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید» معلوم نیست مدت متناسب

چند روز یا چندماه‌است.

صدوقی — اگرمیفرمایند که بحثهائیکه صبح میشود دوباره دراینجا تکرار شود، پس لااقل جلسات صبح را تعطیل کنید.

نایب‌رئیس — آقای اکرمی شما مطلبی را فرمودید که بعضی از دوستان هم‌گاهی به‌آن اشاره میکنند. توجه دارید که نظرات مردم در خارج ازمجلس همیشه یکنواخت نیست.طبیعی است که هرفرد یاگروهی نقطه نظری دارد وآنرا آزادانه بیان میکند، ولی خود جنابعالی بهتر می‌دانید که تابه‌حال هیچ اصلی نبوده‌است که درجلسهٔ علنی مطرح بکنیم و قبلا در بارهٔ آن بحث وبررسی نشده باشد، وبعدهم که به‌جلسه علنی آورده می‌شود، آنقدر بحث و اظهار نظر وسؤال دربارهٔ آن میشودتا اشکال رفع شود.

اکرمی — چون مردم هنوزکه هنوز است ذهنشان متناسب با گذشته‌است، فکرمی کنند ما دراینجافرمایشی کار می کنیم.

نایب‌رئیس— ما چندین باردراینجاازجمله پریروزبه‌اطلاع ملت‌شریف‌وعزیزایران‌رسانده‌ایم که ما صبح ها یک برنامهٔ بحث خارج ازتشریفات جلسهٔ علنی دردوگروه داریم،یک‌گروه‌هفت نفری‌که مطالب را آماده میکند وبرای بقیه اعضاء‌که دریک جلسهٔ مشترک‌گروهها ، گردهم آمده‌اند می‌فرستند.اعضاء این جلسهٔ مشترک پس از بحث وبررسی ، نتیجهٔ کار خود را دوباره به‌گروه هفت نفری می‌فرستند واین گروه مجدداً با استفاده از نظرات رسیده دستور جلسه علنی را آماده میکند، واین به‌خاطر این است که‌به‌کارمان هم سرعت بدهیم وهم‌دقت را تاحد ممکن رعایت کرده باشیم. بنابراین خود نمایندگان قرار براین گذاشته‌اند که‌بدون اینکه‌آزادی کسی سلب‌شود در جلسهٔ علنی اگر مطالب تازه‌ای هست مطرح شود ، ومسائل ومطالبی که صبح مطرح شده دوباره تکرار نشود . با همهٔ این احوال برای اینکه ملت در جریان نقطه نظرهای مجلس قرار بگیرد ، هر اصل تازه‌ای که‌در مجلس مطرح میشود گفته‌ایم که حداقل یک‌نفر موافق ویک نفر مخالف می‌توانند صحبت کنند و البته این غیر از سؤالاتی است که به‌وسیله نمایندگان‌مطرح میشود واز طرف‌گروه یک‌نفر به‌آنهاجواب‌میدهد. امیدوارم‌این‌توضیح کافی وروشنگر برای ملت عزیز ماباشد.

یزدی — مطلبی که‌عده‌ای از دوستان مطرح فرمودند که‌اگر مجلس پاسخ سؤال مردم را نداد چه‌باید کرد ، خواستم پیشنهاد کنم که‌این شخص حق‌داشته باشد سؤالش‌رادراختیار عموم بگذارد .

طاهری گرگانی — من معتقدم باید در اینجا حتماً تعیین‌مدت برای پاسخ‌سؤالات معلوم شود .

مشکینی — دربرنامهٔ اسلامی درباب قضا ، افراد از نظر جرم و ازنظر کیفر وازنظر محکمه‌ای که باید به‌آنجا مراجعه کرد ، فرق نمی کند، چه‌یک فرد کارگر ساده‌باشدوچه‌رئیس جمهور .بنابراین هرفردی حق‌دارد نماینده‌یاهمهٔ نمایندگان را استیضاح کند واز آنها اگر شکایتی دارد شکایت کند، ومرجع در اینجا دادگاه‌صالح است راجع به دولت شکایت را باید به‌دادگاه‌صالح ببرد حتی‌راجع به‌شورای نگهبان هم‌شاکی می‌تواند شکایتش را به‌دادگاه‌صالح بدهد. بنابراین شکایت از قضات به‌چه‌مناسبت به‌نمایندگان رجوع شود ؟ تمام این شکایتها باید به‌دادگاه صالح برود واگر از خود قضات‌شکایتی بود آنوقت باید به‌شورای رهبری مراجعه

کند. بنابراین این اصل، اصلی است که‌ریشهٔ اسلامی ندارد وباید حذف شود .

نایب رئیس — آقای مکارم شما اگر توضیحی‌در این مورد دارید بفرمائید.

مکارم شیرازی — راجع به تعیین مدت سؤال کردند ، عرض بنده این است که شکایات مختلف است وگاهی یک‌روزه میشود به‌آن رسیدگی کرد وگاهی هم یکی دوماه طول می‌کشد، بنابراین هیچ ضابطهٔ معین زمانی نمی‌شود برای‌آن قائل شد. واما در مورد سؤالی که آقای مشکینی‌فرمودند، بحث دراین است که‌مابرای‌احقاق‌حقوق‌مردم‌ازدوراه‌می‌توانیم‌واردشویم یک وقت است که من از کسی شکایتی دارم وبه‌دادگاه مراجعه میکنم تا آنها رسیدگی کنند، ولی‌گاهی هم هست که‌ازطریق باخبرکردن نمایندگان مجلس ومنعکس‌شدن در مجلس‌جوی بوجود می‌آورم تا من را به‌حقم برساند ، یعنی در واقع این یک نوع ضمانت اجرای معنوی‌برای رسیدن به‌حقوق است ، واین راه مانع ازطرح شکایت در مراجع صلاحیتدار دیگر نیست. این در حقیقت مضمون همان مطلب است که: « لایحب‌الله الجهربالسوء من‌القول الامن‌ظلم‌وکان‌الله سمیعاً علیما» ظلمی به‌من شده ، هم می‌توانم به‌محکمه صالحه شکایت کنم‌وهم می‌توانم از طریق نمایندگان مجلس به‌حق خود برسم ، این دوراه‌بهیچ وجه باهم‌منافات ندارد . اینکه آقای مشکینی فرمودند این اصل در اسلام زمینه ندارد ، در اسلام هم‌اگر به‌من ظلمی بشود می‌توانم درمسجد برخیزم وداد بزنم، درحالیکه محکمه در مسجد نیست، من به‌دادگاه‌مراجعه میکنم ولی در مسجد هم دادم را میزنم .

ربانی شیرازی — پس این نمی‌تواند به‌عنوان یک‌اصل در قانون اساسی باشد .

نایب رئیس — آقای رشیدیان شما صحبتی‌دارید؟

رشیدیان — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . توجه باید بفرمائید که‌این مسأله‌راجع به‌شکایت یک فرد از دولت نیست بلکه شکایت مردم از نحوهٔ کار قوای چندگانه است که احتمالا از طرف‌مردم شکایتی مطرح می‌شود . کیفیت کارویاحتی انحراف ممکن است در طرز این کارنهفته باشد، یعنی ممکن است ملت احتمال انحراف بدهد و یا انحرافی در قوای سه‌گانه ببیند که شکایت‌میکند. واما آن مطلب که‌فرمودید اگر مجلس جواب نداد اعتبارش کم میشود،قانون وقتی قرص و محکم است که ضمانت اجرائی قاطع و برنده داشته باشد نه‌آنکه ما قانون را به چیزهای اخلاقی مثل کم آبروئی وامثال آن معلق بکنیم. من پیشنهادم رابه شما داده‌ام و به آن،پیشنهاد آقای مشکینی راهم اضافه می کنم .

نایب‌رئیس— به‌جزدوستانی که صحبت فرمودند، سیزده‌نفر دیگر برای صحبت وسؤال‌اسم نوشته‌اند. آیا می‌خواهید بحث را ادامه بدهیم ویا اینکه مطلب روشن است ورأی بگیریم ؟ (صدوقی— بحث به‌حد کافی شد، رأی بگیرید.) من‌ازآقایانی که اسم‌نوشته‌اند خواهش می کنم اگر غیر ازآنچه که سؤال شد، سؤال ومطلبی دارند، بفرمایند .

کیاوش— سؤال من این بود، درمقابل قوهٔ قضائیه باید درسطر اول نوشته شود «قوهٔ مجریه» یعنی هرکس شکایتی ازمجلس و یا قوهٔ مجریه دارد، مگر اینکه آوردن دولت درسطر اول شامل رئیس جمهور هم بشود . بنابراین سؤال من این است که آیا شکایت شامل رئیس جمهور هم می‌شود یاخیر؟

نایب‌رئیس— اگر به‌جای «دولت» بنویسیم «قوه‌مجریه» شاید اشکال ایشان رفع بشود چون ماگفته‌ایم رئیس جمهور، رئیس قوهٔ مجریه است. آقای دانش‌راد شما هم مطلبی دارید؟

دانش‌راد— من همانطور که آقای اکرمی فرمودند معتقدم باید مدت زمان برای جواب سؤال یا شکایت مردم معین شود .

دکتر گلزاده غفوری— این اصل تشریفاتی است وقبلا هم بوده واصلا بدرد نمی‌خورد، به‌هرحال به رأی بگذارید .

حجتی کرمانی—منهم نظرم این‌است که یک مدت معینی دراینجاگذاشته شود .

خامنه‌ای— بیشتر شکایاتی که به مجلس می‌شود مربوط به خود دولت نیست بلکه معمولا از ادارات است. مطلب دیگر که عده‌ای از دوستان راجع به تشریفاتی بودن این اصل گفتند، ما دراینجا مقید کنیم که شکایت‌مردم به سهولت‌اخذ شود وفوری وبدون رعایت‌تشریفات به‌دست رئیس مجلس برسد. درمورد مهلت هم‌من معتقد هستم که شکایاتی که مربوط‌به‌ادارات است خود مجلس برای جواب آنها ازطرف وزارتخانه‌های مربوط، مهلتی کمتر ازسی روز معین کند .

کرمی— درجلسهٔ صبح عده‌ای از دوستان نظرشان این‌بود که‌ملجأآخری مردم یا خود رهبر ویا شورای رهبری باشد. ماگفتیم که به شورای رهبری ورهبر همیشه وهمه وقت همه می‌توانند مراجعه کنندو دیگر لزومی ندارد که درقانون اساسی ذکرشود. این‌درست مثل‌اینست که بگوئیم هرکس شکایتی دارد می‌تواند به خدا مراجعه کند. (خندهٔ نمایندگان)

رشیدیان— مطلب ایشان صحیح نیست، درحال حاضرشکایت کردن به‌آیت‌الله خمینی معنیش این است که به خدا شکایت می‌کنیم ؟

نایب‌رئیس— آقای دکترضیائی سؤالی هست بفرمائید؟

دکترضیائی— درموردداشکال جناب آقای مشکینی وجواب‌آقای‌مکارم‌می‌خواهم‌عرض کنم اشکال ایشان روی شکایت شخص بود وجواب ایشان هم همینطور، ولی دراین موردازطرزکار نمایندگان وقوهٔ مجریه وقوهٔقضائیه‌دارند شکایت می‌کنند ، شکایت برای عموم است از عموم ، و درمورد فرمایش جناب آقای خامنه‌ای که باید مرجع رسیدگی معلوم باشد، من فکر می‌کنم شورای نگهبان خوب می‌تواند رسیدگی نماید. به‌هرحال درمورد این مسأله صبح به‌حد کافی بحث شد ومطالب، تکرار مکررات است .

نایب‌رئیس— آقای منتظری هم فرمایشی دارند، می‌فرمایند وبعد به‌این اصل با ورقه اخذ رأی می‌شود .

منتظری— من‌نظرم این است که بگوئیم اگرآن مقام مسئول جواب کافی نداد انسان‌حق داشته باشد به وسیله رسانه‌های گروهی در مملکت اعلام کند که به فلان مقام شکایتی شده وآن مقام بی‌اعتنائی کرده‌است . (نایب‌رئیس— هرشخصی این حق را دارد.) بلی، ولی بایددر اینجا ذکرشود .

نایب رئیس— آقای حجتی شما هم فرمایشی دارید ؟

حجتی کرمانی— مقدمتاً عرض کنم، معمولا من صبر می‌کنم که اشکالاتم را دیگران مطرح وحل کنند واگر چنین نشد خودم چیزی راکه واجب می‌دانم مطرح می‌کنم ولذا این بدشانسی را دارم که همیشه آخر سر حرف می‌زنم و وقتی عنوان مطلبی می‌کنم آقایان همه خسته‌اند. سخن من هیچ جنبه‌ای ندارد جزاینکه توضیح بخواهم یا اینکه مسأله‌ای را لازم به توضیح بدانم. (رشیدیان— سخن دیگران هم به‌همین منظوراست.) این نحوهٔ دفاعی که‌گاهی

توسط بعضی از نمایندگان درمجلس از ولایت فقیه می‌شود، همان چیزی است که ما ازآن‌برحذر هستیم ومی‌خواهیم ولایت فقیه را به صورت انسانی واسلامی وآن چیزی که پشتوانه حاکمیت مردم هست‌معرفی کنیم. وقتی که صحبت‌می‌شود شکایت به‌شورای‌رهبری، مثل شکایت به‌خدا است بنابراین درقانون نمی‌گنجد یعنی ما از ولایت فقیه برای مردم تصویری عرضه می کنیم که برخلاف روح اسلام وروح پیغمبر و روح ولی‌امر است درحالیکه خود پیغمبر، خود امیرالمؤمنین وهمهٔ‌ائمه مورد سؤال قرار می‌گرفتند به‌آنها اعتراض می‌شده ولی‌امر، فقیه، مرجع تقلید هرکس می‌تواند ازطرف آحاد ملت مورد سؤال واستیضاح قرار بگیرد.

نایب رئیس— اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم آقای کرمی نخواستند بگویند فقیه «لایسئل‌امایفعل» است و از فقیه سؤال نمی‌شود. (حجتی— من برداشت مردم را بیان کردم.) (یکنفراز نمایندگان— اشتباه می کنید.) شما برداشت خودتان را به‌همه مردم منتقل نفرمائید. ایشان این مطلب را الان گفتند وشماهم ازآن موقع تا حالا درجلسه تشریف داشته‌اید چطور از برداشت مردم با خبر شدید ؟ (حجتی کرمانی— قبلا به‌ماگفته‌اند، به خودتان نامه نوشته‌اند از مطالبی که اینجا گفته می‌شود آنطور برداشت می کنند.) آنچه ایشان‌گفتند این بود که برای اینکه مردم بتوانند بروند پیش رهبری وشکایتشان را ازمقامات به‌او بگویند، حاجتی به وضع قانون نیست. اصل ۷۳ را به همین صورت برای اخذرأی می‌خوانم:

اصل ۷۳ (اصل نودم) — هرکس شکایتی‌ازطرزکارمجلس یاقوهٔ‌مجریه ویا قوهٔ قضائیه داشته باشد ، می‌تواند شکایت خودرا کتباً به مجلس شورای‌ملی عرضه کند. مجلس‌موظف است به‌این شکایات‌رسیدگی کند وپاسخ کافی‌دهد ودرمواردی که‌شکایت به‌قوهٔ مجریه یا قوهٔ قضائیه مربوط باشد رسیدگی وپاسخ کافی ازآنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و یا در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

(اخذرأی نسبت به‌اصل ۷۳ به‌عمل آمد وآراء به وسیله منشیان هیأت رئیسه «آقایان: دکتر روحانی وعضدی» شماره شد ونتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

نایب‌رئیس— عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذرأی شصت و هشت نفر ، تعداد کل آراء هفتاد رأی ، دو رأی به قید قرعه خارج شد ، آراء موافق پنجاه و پنج رأی ، آراء ممتنع یازده رأی ، آراء مخالف دو رأی بنابراین ، این اصل تصویب شد ، تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیر گفتند) .

۵ — طرح و تصویب اصل ۷۱ (اصل هشتاد و ششم)

سبحانی— اصل ۷۱ را مطرح کنید چون قبلا بقدرکافی پیرامون آن بحث شده است.

خامنه‌ای— درمورد قوهٔ مقننه تعدادی اصول قابل پیش بینی هست که درپیش‌نویس قبلی نبوده و این تصویب شوراها با قوهٔ مقننه منافات نداشته باشد.

نایب‌رئیس— درهیچیک ازابواب منافاتی ندارد. (خامنه‌ای— وگروه‌هفت‌نفری هم‌این آمادگی را داشته باشند...) دارند آقا، قبلا هم اعلام کرده‌ایم اگر چیزی بود لطف کنید بررسی شود.

موسوی اردبیلی— درجلسهٔ صبح دوسه تا اصل مطرح شد یکی هم اصل مصونیت‌بود که آقایان گفتند جزکلمه مصونیت تغییر دیگری لازم نیست در آن داده شود ، البته به جای آن ،

کلمه‌ای نوشته شود که همان محتوا را برساند ورأی هم دادند در حدود چهل و یک نفر با آن موافق بودند.

خزعلی— آن اصل مربوط به گروهما است طرح بفرمائید اگر سؤالی بود پاسخ می‌گوئیم.

نایب رئیس— یک مقدار تغییراتی داده شد وگروه هفت نفری یک متنی را که تغییراتی نسبت به آن چیزی که آقایان درگروه تهیه کرده بودند داشت، آن را فرستادند اگر بخواهیم آن را مطرح کنیم باید تغییرات را نادیده بگیریم و آن متن تغییرداده شده‌ای که صبح به جلسه آمده بود وجزدر مورد کلمه مصونیت روی بقیه عبارات توافق نظر بوده است مطرح کنیم. (یزدی— آقامطرح بفرمائید.) اشکالی ندارد، مطرح می کنم. (خزعلی— این متن در دستور جلسه دیروز هم بود.) متن اصل ۷۱ را در دوقسمت برای اخذ رأی می‌خوانم:

اصل ۷۱ — نمایندگان مجلس در اظهارنظر ورأی خود کاملا آزادند ونمی‌توان آنها را به‌مناسبت نظراتی که درمجلس اظهارکرده یا آرائی که درمقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

موسوی اردبیلی — صبح که تصویب شد به اینصورت بود: «نمایندگان مجلس درمقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملا آزادند و نمی‌توان آنها را به مناسبت نظرات یا آرائی که در مجلس داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد».

نایب رئیس — اصل ۷۱ را برای اخذ رأی میخوانم:

اصل ۷۱ (اصل هشتاد وششم)— نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملا آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظرات و آرائی که به این مناسبت در مجلس اظهارکرده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

(اخذ رأی نسبت به اصل ۷۱ به عمل آمد و شمارش آراء به وسیله منشیان هیأت رئیسه «آقایان دکتر روحانی و حسن عضدی» انجام شد ونتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه در موقع اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی ، سه رأی به قید قرعه خارج شد ، آراء موافق پنجاه و هشت رأی ، مخالف هیچ، آراء ممتنع سه رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۶ — طرح اصل ۷۱/۱ (دنباله اصل ۷۱)

نایب رئیس — اصل ۷۱/۱ قرائت می‌شود.

اصل ۷۱/۱ — اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه یا جنایتی مشهود شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد ولی جریان دستگیری او باید فوراً به آگاهی مجلس برسد و تحقیق و دادرسی با حضور نماینده مبعوث مجلس انجام پذیرد. در صورتیکه نماینده‌ای به ارتکاب جرم غیرمشهود متهم شود توقیف و بازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به اجازه مجلس است ولی محاکمهٔ او در دادگاه صالح به صورتی که مزاحم ایفاء وظایف نمایندگی او در اثنای دادرسی نباشد و اجرای حکم قطعی دادگاه درباره او نیازی به اجازه مجلس ندارد.

نایب رئیس — اگر در گروه اصلاحی نسبت به این اصل صورت گرفته که در اینجا منعکس نشده بفرمائید تا من وارد کنم . (موسوی اردبیلی — درگروه فقط گفته شد « مصونیت»

برداشته شود.) خوب، تبدیل شد به «اجازه». (ربانی‌شیرازی — در شق دوم این اشکال شد گفتند «ارتکاب جرم» مثل سابق «جنحه و جنایت» باشد.)

خزعلی — این اصل نکات بحث‌انگیزی دارد و چون مربوط به گروه ما است اجازه بفرمائید برای رفع ابهام توضیح عرض کنم.

نایب رئیس — این مطلبی که مطرح می‌فرمائید اول اینکه مسلمات شرع با مسائل اختلافی که فتاوی روی آن مختلف است یک جور نیست، برای اینکه آنجا که فتاوی مختلف است تا فتوای مورد اتباع یا حکومت یا فرد معین نشده باشد باز مثل این می‌ماند که قانون شرع هم به‌او نرسیده باشد این را دوستان در بحثشان حل کنند و توضیح بدهند. دوم در مورد مسلمات شرع این سؤال هست که اگر یک قانون کیفری در شرع وجود دارد و قبلا هم در قوانین جزائی ایران آمده بنابراین دیگر احتیاجی به این قید احترازی نیست چون خود بخود این مسأله قانونی شده وابلاغ هم شده است. سوم اگر قانون مسلم شرعی را سراغ داشته باشید که ازنظرشرعی جزء مسلمات شرع باشد (مسلمات اسلام) ودرقانون جزائی ایران مفعول‌عنه واقع شده باشد و قانون و نوع کیفر دیگر به جای او مقرر کرده باشند این سؤال از نظر فقهی پیش می‌آید که برای شخص مکلفی که امروز در ایران زندگی میکند، اگر به عنوان کیفر چیزی که به گوشش خورده همان کیفر قانونی باشد و نه آن کیفر اسلامی مقرر، آیا ما از نظر مبانی فقهی می‌توانیم این کیفر را دربارهٔ این جانی و جنایت کننده و مرتکب گناه و مجرم غافل اجرا بکنیم یا نه؟ این مطلب باید روشن شود.

کرمی — ما داریم در بارهٔ قوانین اسلامی صحبت می کنیم و هیچ ارتباطی بین این قوانین و قوانین گذشته و انفصال و انفکاک مابین شرع و محاکم قضائی وجود ندارد.

نایب‌رئیس — دربارهٔ این اصل عده زیادی از دوستان اسم‌نوشته‌اند ، اکثرمطالبی که عنوان می‌شود ملت آن را شنیده‌اند وصبح هم روی آنها به‌تفصیل بحث شده است، لطفاً اگر مطلب تازه عنوان نشده‌ای هست تشریف‌بیاورید وبیان کنید.

خزعلی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. به‌این‌اصل‌توجه‌بفرمائید، می‌گوید «اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه‌یاجنایتی مشهود شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد ولی جریان دستگیری او باید فوراً به‌آگاهی مجلس برسد وتحقیق‌ودادرسی باحضور نمایندهٔ مبعوث مجلس انجام پذیرد در صورتیکه‌نماینده‌ای به‌ارتکاب‌جرم‌غیرمشهود متهم‌شود توقیف وبازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به سلب مصونیت از طرف مجلس ...» در اینجا اگر «مصونیت» را برداریم و «اجازهٔ‌مجلس» را به‌جایش بنشانیم وهمینطور « به‌آگاهی مجلس برسد» یا «نمایندهٔ مبعوثی» نظارت بکند ، این‌دوراز ذهن است چون برای نماینده یک‌امتیاز زائدی برخلاف‌آنچه که در اسلام هست قائل‌شدیم اسلام همه را دربرابر قانون یکسان دانسته وما داریم برای نماینده یک‌امتیازی ، یک‌مصونیتی ، یک‌حیثیت زائدی قائل می‌شویم واین شاید از رسوبات رژیم‌طاغوتی است که ماهم ناخودآگاه بسوی او رفته‌ایم وچنین نیست ماهمه‌را ، حتی رئیس جمهور را زیر قانون ومشمول قانون می‌دانیم ، هرکه‌تخلف بکند باید کیفر ببیند ولی گاهی پست، حساس است وطمع دیگران را برمی‌انگیزد که‌دسیسه کنند وروی دسیسه کسی را از کار بیندازند و یا اینکه گاهی مسئولیت مملکت خطیر است ، اصلی دارد در مجلس میگذرد به این نماینده به‌بهانه‌ای اتهام می‌زنند واو را بازداشت می کنند تا آن اصل از مجلس بگذرد ،

پس به‌صرف اتهام ممکن است یک نظر ذی‌اثر را لغو بکنند این جهت برای پست است، بـرای وظیفه است، نه‌برای شخص ، چون پست محترم است بایدرعایت پست را کرد نه‌رعایت‌شخص را . درعهدنامهٔ‌علی (ع) نسبت به‌مالک‌اشتراین نکته‌گنجانده شده است، وقاضی را به‌آن‌چندشرط که‌ظاهراً یازده تا است‌سفارش کرده ومی‌فرماید: « واعطه‌من‌المنزلة لدیک‌مالایطمع فیه غیره‌من خاصتک‌لیأمن بذلک‌اغتیال‌الرجال له‌عندک» قاضی واجد صفات را وقتی اختیار کردی مقام و منزلت به‌اویده ، مهمش بشمار ومهمش بنما که‌دیگران وصاحبان‌طمع در مقام دسیسه برنیایند موقف او را متزلزل نکنند «لیأمن بذلک‌اغتیال‌الرجال‌له‌عندك» ، مطمئن بشود صاحبان‌طمع به بهانه‌هائی‌او را از پست نمی‌اندازند .لذا در اینجا اگر نماینده مرتکب جنحه یاجنایت مشهود شد، مانند دیگران است بلافاصله باید گرفته شود ، نماینده است‌باشد، مرتکب‌جنایت شده است مشمول کیفر میشود منتها چون ممکن است رأی او در مجلس مؤثر باشد فوری بایستی به مجلس خبر بدهند که‌نمایندهٔ شما براثر ارتکاب جرم دستگیر شده تا هم مجلس آگاه‌باشد وهم اگرتوطئه‌ای‌احساس کرد یک نماینده بفرستدبرای‌دستگاه قضائی که‌توطئه را کشف بکند وازبین ببرد لذا آنجا گفته‌ایم باید نماینده‌ای از جانب مجلس برود وخوب‌است‌قیدشود « درمظان توطئه» والا اگر در مظان توطئه نباشد فرستادن نماینده هم لازم نیست و به‌احدی نباید امتیاز داد ،فقط جائی که احتمال توطئه هست باید نماینده برود.

موسوی‌تبریزی — نماینده اگرجرم مشهودی را مرتکب شد آنجا چه‌احتمال توطئه است؟

خزعلی — علت بازرسی کردن قاضی این است که باید ببیند واقعاً این جرم است یا با چیدن زمینه‌ای بوده ، اگر بازمینه‌چینی بوده که در واقع جرم نیست همان احتمالی که قاضی می‌دهدودادگاه تشکیل‌میدهدهمان احتمال در ذهن مجلس هم‌منعقد است ، اما در جائی که صرف اتهام است، یک‌انسانی که نمایندگی از جانب نیم‌میلیون یا کم‌تر یا بیشترگرفته است مجلس هم در موقف حساسی است به‌مجرد یک اتهامی که‌شاید ثابت نشود وبزودی دفع شود، این شخص را از کار بیندازند این درست نیست‌بایستی به‌مجلس‌بگویند مجلس هم در مقام تحقیق برآید برای‌رعایت‌حقوق‌مردم ازنظراتهام این شخص بعد اجازه بدهد که دستگاه قضائی وارد درکاربشود که‌این توطئه‌باحضور نمایندگان مجلس وبانظر آنها خنثی شود نه اینکه‌اورا زود بگیرند تارأیی ازآراء مجلس کم شود . لذا ما سلب مصونیت را برداشتیم چون‌لغتی است که‌رسوبات دوران قبل را به‌خاطر می‌آورد وتداعی میکند و « بااجازه مجلس» را به جـایش گذاشتیم ومحاکمه هم درصورتیکه مزاحم ایفای وظایف‌نمایندگی نباشد مانعی نداردر موقع رأی‌گیری او را بیاورند که رأی خود را بدهد و برگردد همان‌طورکه یکی از دوستان تذکر دادند در ایام حج مجرمی که جرمش ثابت است و با همان حالت می‌آورند اعمال حج را انجام میدهد بعد دو مرتبه به زندان بازگشت داده میشود اینجا هم همینطور، می‌آورند که مخالف با انجام وظایف اجتماعیش نشده باشد و حکم قطعی دادگاه، وقتی که مطلب روشن و اتهام ثابت است اجرا می‌شود و امتیازی برایش نیست مانند دیگر افراد است، فقط حق وکالت رامحکمش کردیم که به هر اتهامی، رأی را ازکار نیندازند.

نایب رئیس — عرض میشود دوستان زیادی اسم نوشته‌اند اگر سؤالی دارید می‌فرمائید والا یک موافق صحبت کرده یک مخالف هم می‌تواند صحبت کند. بنده یکی یکی می‌پرسم ببینم چه کسی سؤال دارد چه کسانی موافق هستند و چه کسانی مخالفند. آقای سبحانی شما

موافقید یا مخالف؟ (سبحانی — مخالفم.) آقای کیاوش شما موافقید یا مخالف؟ (کیاوش — مخالفم.) آقای طاهری خرم‌آبادی شما موافقید؟ (طاهری خرم‌آبادی — بله موافق هستم.) آقای یزدی شما مخالفید یا موافق؟ (یزدی — موافقم.) آقای موسوی اردبیلی، موافقید یا مخالف؟ (موسوی اردبیلی — موافقم.) آقای موسوی تبریزی مخالفید یا موافق؟ (موسوی تبریزی — موافقم.) آقای مکارم؟ (مکارم — بنده فقط می‌خواستم یک‌جمله عرض کنم.) موافقید یا مخالف؟ (مکارم — فقط یک جمله می‌خواستم عرض کنم.) نه اجازه بدهید نظم جلسه را رعایت کنیم آقای مشکینی مخالفید یا موافق؟ (مشکینی — مخالفم.) آقای هاشمی‌نژاد موافقید یا مخالف؟

هاشمی‌نژاد — من یک سؤال دارم می‌خواستم بدانم به چه مناسبت آن اصلی را که گروه ما به عنوان اصل ۷٤ تهیه کرده بودند، حالا به عنوان ۷۱/۱ مطرح شده؟ در مورد این قسمتش که اگر جرم مشهودی را مرتکب شد بلافاصله او را مورد تعقیب قرار دهند آن قسمت آخر که موقع محاکمه یک نفر هم از مجلس باید باشد در آن نبود چرا این را اضافه کردید؟ و دوم اینکه در همان اصلی که از طرف گروه چهار داده شده بود که اگر مدت محکومیت این شخص شش ماه یا یک سال یا دو سال شد با مدت نمایندگی او که باقی هست بسنجند و ما آنجا پیش‌بینی کردیم درحالیکه در اینجا پیش‌بینی نشده و این را حذفش کرده‌اند.

نایب رئیس — بلی آقا می‌دانم من فقط می‌خواهم عرض کنم که گویا قرار براین نبود که ما بعد بیائیم اینجا و توضیح بدهیم این را احیاناً در آن جلسه می‌بایست سؤال می کردید و جواب می‌شنیدید و اینجا نباید بگوئیم که چرا این کلمه عوض شده و چرا آن کلمه عوض نشده یک اصلی را برحسب رویه‌ای که دوستان معین فرمودید و گروهی را تعیین فرمودید لابد مصلحت دیده‌اند اینطور بشود و بعد هم به گروه شما عرضه شده است این رویه را اگر بخواهیم داشته باشیم تا آخر به زحمت می‌افتیم. (هاشمی‌نژاد — می‌دانم ولی این را چگونه پیش‌بینی کردید که اگرطرف محکوم شد مدت نمایندگی‌اش...) این را می‌گویند سؤال، آقای مدنی شما موافقید یا مخالف؟ (مدنی — مخالفم.) آقای جوادی شما موافقید یا مخالف؟ (جوادی — موافق مشروط.) آقای ربانی املشی موافقید یا مخالف؟ (ربانی املشی — موافق) آقای کرمی موافقید یا مخالف؟

کرمی — من موافق با نظر آقای خزعلی هستم که طبق آن نظر صحبتهائی در اینجا ارائه کردند ما آنچه که قبل از ظهر گفتیم الان هم می‌گوئیم و بنابراین مخالفم.

نایب رئیس — آقای دکتر ضیائی شما موافقید یا مخالف؟ (دکتر ضیائی — چون مخالف شرع است مخالفم.) آقای بنی‌صدر موافقید یا مخالف؟ (بنی‌صدر — موافق .) آقای نوربخش موافقید یا مخالف؟

نوربخش — سؤالی دارم و آن این است که این مسأله در مورد خود مجلس خبرگان اگر به خاطر داشته باشید خیلی رویش بحث شد و بالاخره مصونیت برای مجلس خبرگان به تصویب رسید. درمادهٔ ۳۰ آئین‌نامه هست «مگر با سلب مصونیت ازطرف مجلس» حالا چطور شده که مصونیت را برای مجلس شورای ملی نمی‌خواهید در نظر بگیرید؟

نایب‌رئیس — آقای موسوی جزایری موافقید یا مخالف؟ (موسوی جزایری — مخالفم.) آقای پرورش شما موافقید یا مخالف؟ (پرورش — مخالفم.) آقای رحمانی موافقید یا مخالف ؟ (رحمانی — سؤالاتی دارم.) آقای رشیدیان موافقید یا مخالف؟

رشیدیان — سؤالی دارم جرمهای مشهود برچندنوع هستند ولی بعضی ازجرمها هست که غیرعمد است یعنی سهواً صورت‌گرفته‌است مثل تصادف وغیره، دراین مورد چه‌باید کرد؟ یعنی باید دستگیرشده و از وظیفه‌ای که داردبازداشته شود؟

نایب‌رئیس— بالاخره اگرجرم مشهود است باید اورا بگیرند این بستگی به‌این دارد که ببینند جرم مشهود بوده یانه و این موضوعی راکه می‌فرمائید مربوط به نماینده وغیرنماینده نیست اگر چیزی است که برای غیر نماینده درآن موقع دستگیری لازم است شامل نماینده هم میشود اگر نیست برای نماینده هم نیست مثلا تصادف را باید ببینیم حکمش راجع‌به‌غیر نماینده چیست؟

رشیدیان — بنابه‌فرمایش جناب آقای خزعلی که‌گفتند وظیفهٔ نماینده سنگین است و مسألهٔ حساسی‌هم درمجلس مطرح است این را عرض کردم وگرنه بله هرنماینده‌ای بادیگران مساوی است اما وظیفه‌اش مساوی نیست.

نایب‌رئیس — آقای مراد زهی شما موافقید یا مخالف؟ (مرادزهی — من با نحوهٔ تنظیم اصل مخالف هستم.) آقای قرشی موافقید یا مخالف؟

قرشی — ما که دراینجا جمع شدیم راجع‌به خودمان یک آئین‌نامه داخلی تنظیم کردیم آیا نمی‌شود این موضوع را مسکوت بگذارید تا نمایندگانی که بعداً می‌آیند برای خودشان آئین‌نامهٔ داخلی تنظیم کنند؟

نایب‌رئیس — البته نمایندگان بعدها حق‌دارند که یک چنین آئین‌نامه‌ای را برای خودشان تصویب کنند ولازم‌هم نیست که حتماً درقانون اساسی باشد وضرورتی ندارد. آقای طاهری‌گرگانی‌شما موافقیدیا مخالف؟ (طاهری‌گرگانی — یک تذکری دارم،فرستادن نماینده‌رابه وزارت دادگستری به‌یک جهت...)آقای حجتی حق دارند به‌من بگویند که فرق بین تذکرآقای طاهری وتذکر آقای مکارم چیست؟(حجتی — فرقش این بود که ایشان بیان کردند وآقای مکارم بیان نکردند) آقای طاهری اصفهانی، جنابعالی سؤال دارید؟ بفرمائید.

طاهری‌اصفهانی — سؤال من این‌است که اینجا نوشته شده «محاکمه در دادگاه‌صالح به‌صورتی که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او دراثناء دادرسی نباشد» چرا دراین جرم مشهود نوشته نشده؟

نایب‌رئیس — بله این به‌نظرمی‌رسد که تذکر بجائی است همینطورکه ما درآنجاگفتیم دراینجا هم اگرخواستند محاکمه‌اش بکنند...

تهرانی — درآنجا مطلقاً هست می‌خواهد مزاحم کارش بشود می‌خواهد نشود اورا می‌گیرند ولی دراینجا اینطور نیست.

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید چون آن قید ربطی به‌اجازهٔ مجلس ندارد ماآن قید رابطور کلی می‌گوئیم. آقای طاهری سؤال از دید من که یکی از اعضای‌گروه هستم سؤال واردی‌است واگرخواستیم ما این اصل را تکمیل کنیم درآنجاهم باید این قید را بگذاریم. دوستان توجه کنند سؤال‌ایشان این‌است می‌گویند آنجا بگوئید توقیف آنها احتیاجی به‌اجازهٔ مجلس ندارد درمورد محاکمه‌آنهاهم که مانگفته‌ایم احتیاجی به‌اجازهٔ مجلس دارد اما میگوئیم وقت‌محاکمه رادرهمانجاهم‌طوری‌تنظیم کنند که منافاتی با ایفای وظایف نمایندگی‌اش نداشته باشد دراین جهت هردومشترک‌است.

تهرانی — نمی‌توانید این کاررا بکنید چون مجرم است، شما میخواهید اجازه بدهید که مجرم بتواند بیاید درمجلس شرکت کند. کسی که جرمش مشهود است که دیگررأی‌او اعتبار ندارد مردم بی‌اعتماد میشوند به‌یک چنین مجلسی که ظالم آمده و درآن نشسته است.

نایب رئیس — آقای تهرانی فرض این‌است که هنوز محکوم نشده.

ربانی املشی — بحث دراین نیست که وقت محاکمه را چه‌موقع قرار بدهیم‌بحث دراین است که سلب مصونیت لازم هست یا نیست. می‌گویند در صورت اول سلب مصونیت لازم است اما در صورت دوم اگر منافات با انجام وظیفه نداشته باشد لازم نیست سلب مصونیت، بحث در این است.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای موافقید یا مخالف؟

خامنه‌ای — درجلسه صبح این موضوع رابه‌صورت پیشنهاد عرضه کردم ولی حالا سؤال خواهد بود مگرنه این است که ما این اصل را برای‌این گذاشته‌ایم وفلسفه‌اش دراین‌است که نماینده مجلس باتوجه‌به‌اهمیتی که دارد ومجوزات و مدارك شرعی‌آن راهم فرمودند، این نماینده باید در دستبرد و دسترس هرمتعرضی نباشد؟ به‌دلیل‌اینکه باهرگرفتاری برای او ممکن است که لطمه‌ای به‌حقوق عمومی بخورد ازاین جهت، سؤال من این است که شما چرا بین جرم مشهود وغیرمشهود فرق‌گذاشته‌اید باتوجه‌به مطالبی که من‌صبح گفتم‌و شما تشریف‌نداشتید جرائم مشهود و غیرمشهود را...

نایب‌رئیس — من تشخیص میدهم که این مخالفت است پس اسم شما به‌عنوان‌مخالف نوشته میشود بعد صحبت میفرمائید. حالا یک‌نفر مخالف برحسب نوبت صحبت میکند و بعد رأی می‌گیریم. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی - بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قال رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله وسلم «الناس امام الحق سواء» حدیثی است از پیغمبراکرم که تمام مردم در برابر حق که همان قانون الهی است یکسان وبرابرند، اصل اولیه در این مورد همین حدیث است ودیگر اصول‌مسلم اسلام که‌هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار بگیرد قابل تعقیب هست واگرشکایتی‌علیه او انجام بگیرد دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند بنابراین، این اصل‌اول درباب قضا است. حالا باید ببینیم آیا نسبت به‌این اصل اول وقانون‌اول مخصصی داریم یانه. آیا اینجا مسأله، مسأله تزاحم است یانه. دردرجه اول ما نباید براستحسان...(شیبانی — آیا زن حامل را حد می‌زنند یانه ؟) در مورد زن حامل خیر حد نمی‌زنند. بنابراین اصل اولیه همین است که‌وارد شده است باید ببینیم مخصص ومقیدی در احادیث وروایات هست یا نیست. به‌طورمسلم در تخصیص قانون قضائی و قوانین دیگر اسلام براستحسان ما نمی‌توانیم تکیه کنیم استحسان مبنای فقهی برای ما ندارد بعضی از مطالبی که صبح ابراز شد از نظر من اینها جنبه‌استحسانی دارد که‌در فقه ما ملاك فتوا وملاك قضاوت نیست وبرفرض اینکه ما اینها را استحسان‌نگیریم و در واقع دلیل بگیریم دلیلی که می‌تواند این حدیث نبوی را «الناس امام الحق سواء» را تخصیص بزندومقدم برآن‌باشد چه فرق میکند مقام‌وکالت ومقام ریاست جمهوری؟ آیا شما در ریاست‌جمهوری هم برمصونیت بااجازه مجلس یا اجازه مقام‌دیگرمعتقدید؟ آیادرباره‌نخست‌وزیر و وزیران هم برهمین‌تخصیص تکیه می‌کنید؟ آیا درباره مدیرکل مثلا فرهنگ‌یک استان‌این مسائل را اجراء می‌کنید؟ اگر واقعاً ذوق فقهی واجتهادی شما تجویز میکند که‌درهمه‌آنهااین

تفسیر را بکنید البته درباره وکیل هم‌چنین کاری میشود کرد در صورتیکه درباره آنها ابداً نه الزامی هست ونه مسأله دیگر، بنابراین چون درباره دیگران نمی‌شود چنین تخصیصی قائل شد درباره وکیل هم باید قانون یکی باشد نمی‌توانیم بین اینها تفرقه بیندازیم. واما در جرم مشهود یک قیدی اینجا آمده که حتماً با حضور نماینده مبعوث مجلس انجام بگیرد خود این هم یک تشریفاتی است زائد یعنی در واقع خلاف آن « الناس امام الحق سواء» است چون در بساء دیگران چنین قیدی نیست اینکه فرمودند که ممکن است مظنه تهمت باشد یک وقت است که جرم مشهود است یک کسی سیلی زده است ویا یک نفررا ترور کرده وکشته، اگرما بخواهیم در اینجا این احتمال را بدهیم که توطئه بوده مظنه توطئه خیلی کم ونادر است وآیا ما برای یک چیز نادر، میتوانیم یک‌چنین قیدی را اینجا بیاوریم؟ واما حدیثی راکه فرمودند «واعطه من المنزلة لدیک مالا یطمع فیه غیره » خوب این حدیث این مسأله را ثابت نمی کند این میخواهد بگوید قاضی را بزرگ کن قاضی را قوی کن مقام قضاوت محترم باشد خوب درمقابل این، حضرت به زرارهم فرمود هنگامی که معاویه از زرار صفات علی راسؤال کرد ، فرمود«لا ییأس الضعیف من عدله ولا یطمع اقوی فی ظلمه » اگر این تکیه‌گاه باشد نتیجه را باید عکس بگیریم نباید یک آدمی را که یک‌چنین مقام قوی دارد زمینه به‌او بدهیم که برخودش ببالد وهمه‌نوع گناه را مجاز بداند ودر انظار مردم خودش را برتر بداند وسوءاستفاده کند اگر آن حدیث هست این حدیث هم هست البته از نظر فقهی هم به یک‌معنی آن استحسان است وبه یک‌معنی این استحسان است واما اینکه فرمودند که «اجازه مجلس»را گذاشته‌اند و«مصونیت»رابرداشته‌اند این همان خودش را بیارو واسمش را نیاوراست این فرق نکرده لفظش عوض شده «با اجازه‌مجلس» یعنی اگر مجلس اجازه نداد ما در مقابل « الناس امام الحق‌سواء» نمی‌توانیم قانون را اجراء کنیم این اسم عوض کردن است. آقای مرادزهی فرمودند که شما برای نمایندگان مجلس خبرگان این موضوع را تصویب کردید آقای موسوی هم شاهد بودند که در آن جلسه ایشان فرمودند که این آثار طاغوتی است اما الان فرمودند که من موافقم وبنده تعجب میکنم.

یزدی — اولا اینکه مسأله‌شخص نیست و مسأله کار است ثانیاً قانون اهم و مهم را استحسان تعبیر نفرمائید آقایان تکیه بر یک‌استحسان نکردند تکیه‌بر یک اصل‌مسلم شرعی شده است.

نایب رئیس — آقای یزدی هم به عنوان موافق دارند صحبت خودشان را میفرمایند بدون نوبت، درباره این اصل دیروز صحبت شده امروز صبح هم صحبت شده یک موافق و یک مخالف هم صحبت کردند آقای رحمانی اگر سؤالی راجع به اموری که مبهم است دارید بفرمائید.

رحمانی — صبح من درباره این موضوع صحبت کردم و مطالبم تمام نشد اما حالا سؤالاتی دارم جواب بفرمائید. چرا در شق اول به جنحه و جنایت تعبیر کرده‌اید و در شق دوم به ارتکاب‌جرم؟ اگر جنحه و جنایت هردو به معنی جرم است همان به لفظ جرم تعبیر بفرمائید.

نایب رئیس — قبلا این سؤال شد گفتیم یکی است.

رحمانی — سؤال دیگراینست که مشهود و غیر مشهود دو لفظی است مبهم، آیا مشهود به معنی محسوس است و غیر مشهود به معنی غیرمحسوس یا مشهود به معنی مبصر است وغیر مشهود به معنی غیر مبصر و چرا مشهود و غیر مشهود را در جنحه و جنایت برای فرد ملاک قرار داده‌اید؟

نایب رئیس — جرم مشهود یک اصطلاح قضائی است و از نظر مجوز دستگیری فرق میکند در جرم غیر مشهود باید باکسب حکم از دادستان توقیف کنند ، در جرم مشهود چون فرصتی نیست و فرصت از دست میرود میگویند احتیاجی به حکم دادستان نیست‌بنابراین، این در رابطه با مطلب و اصطلاح قضائی و احکام قضائی‌اش هست. (رحمانی — خوب‌بالاخره معنای مشهود و غیرمشهود برایمان روشن نشد.)

بنی‌صدر — آقا وکیل بدون مصونیت چه جوری میتواند وکالت کند؟ مثلا اگر یک دختری در ماشینش باشد میگویند در حالت جرم مشهود بوده است؟

هاشمی‌نژاد — آنجائی که جرم مشهود باشد چرا یک کسی را در مقام دادرسی ومحاکمه بگذارند؟

نایب رئیس — آقای خزعلی توضیح دادند اگر قانع نشدید چکار باید کرد؟ (هاشمی‌نژاد — مقید کنید تا جائی که مظان توطئه در کار است مشخص شود.) توضیح میدهم که این «در مظان» را اگرگذاشتید باز معنایش اینست که دست رئیس‌مجلس را در اعمال‌نظر بازگذاشته‌اید اگر میخواهید شما به‌طورکل جلوی اعمال نظر اشخاص را بگیرید باید بدون این قید باشد. اجازه بدهید من این اصل را میخوانم و به رأی میگذارم:

اصل ۷۱/۱ (دنباله اصل ۷۱) — اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه یا جنایتی مشهود شود مورد تعقیب قرار میگیرد ولی جریان دستگیری او باید فوراً به آگاهی مجلس برسد و تحقیق و دادرسی با حضور نماینده مبعوث مجلس انجام پذیرد. درصورتیکه نماینده‌ای به‌ارتکاب جرم غیرمشهود متهم شود توقیف و بازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به اجازه مجلس است ولی محاکمه او در دادگاه صالح به صورتی که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او دراثنای دادرسی نباشد و اجرای حکم قطعی دادگاه درباره او نیازی به اجازه مجلس ندارد.

نسبت به این اصل با ورقه اخذ رأی میشود.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری را اعلام میکنم عده حاضر در جلسه شصت و شش نفر، تعداد کل آراء شصت و هشت رأی، دو رأی به قید قرعه خارج شد، آراء موافق سی و هشت رأی، آراء مخالف چهارده رأی، آراء ممتنع چهارده رأی بنابراین، این اصل تصویب نشد. (عده‌ای ازنمایندگان— الحمدلله) اجازه بفرمائید من یک توضیحی به‌مطلب آقای‌نوربخش بدهم.

مکارم شیرازی — بنده قبلا یک توضیحی بدهم که این اصل در دستور جلسه امروز نبود چون استنباط ما این بود که در گروه رأی کافی نیاورده است و احتیاج به بحث دارد الان هم حدود سه ربع تا چهل دقیقه روی این اصل بحث کردیم می‌خواستم عرض کنم که وقت مجلس بیهوده تلف نشود.

نایب رئیس — عرض میشود بر طبق آن چیزی که صبح ها عمل میکنیم روی این اصل عمل شد و موافق و مخالف هم صحبت کردند. حالا عنایت بفرمائید به‌این تذکر، آقای دکتر نوربخش و آقای مرادزهی‌این سؤال‌رامطرح کردند که چطور در مادهٔ ۳۰ آئین‌نامه چیزی شبیه مصونیت برای نمایندگان مجلس خبرگان تصویب‌شد ولی حالا تصویب‌نشد اجازه‌بدهیدمن این توضیح راهم‌برای دوستان‌و هم برای‌ملت‌ایران می‌دهم،اگر نظرتان‌باشدپیشنهاداضافه کردن‌ماده مصونیت به‌آئین‌نامه ازطرف آقای مقدم‌مراغه‌ای بود ایشان که این پیشنهاد را کردند و رویش

مفصل بحث شد همان موقع هم‌عده‌ای مخالف و عده‌ای موافق بودند منتها چون درآن موقع اولا ماده‌ای بود مربوط به یک امر موقت نه قانون اساسی ثانیاً این مادهٔ آئین‌نامه مجلس خبرگان درست با سی و هشت رأی تصویب شده ولی چون برای تصویب اصول قانون اساسی به چهل و هشت رأی احتیاج هست این اصل در اینجا تصویب نشد، این است که مجلس هیچ رویه‌اش را عوض نکرد واین نتیجه‌دوگانه مربوط است به‌دوگانه بودن میزان رأی مربوط به‌تصویب یک مطلب درآن‌موقع چون مسأله‌ای بود موقت مربوط به‌یک ماه، دوماه که کلیه مواد آئین‌نامه بانصف‌به‌علاوه یک‌تصویب شد، ولی دراینجا چون مربوط است به‌یک‌اصل‌برای نظام اجتماعی‌آینده، گفته‌ایم بایدبادوسوم آراء باشد یعنی چهل وهشت رأی وبنابراین به‌حد نصاب نرسیده اینست که امیدوارم روی این‌موضوع کاملا به‌تفاهم رسیده باشیم. آقای مرادزهی بفرمائید.

مرادزهی — ما هیچ‌اصراری روی‌اینکه این اصل حتماً به‌تصویب برسد نداریم‌به‌دلیل اینکه ما برای نظامنامه داخلی مجلس خبرگان آنرا تشخیص دادیم و به‌تصویب رساندیم. در قانون اساسی سابق هم اگر شما مراجعه کنید اصل مصونیت پارلمانی برای نمایندگان پذیرفته نشده و بعداً خود نمایندگان مجلس شورای ملی که آمدند تصمیم‌گرفته و این ماده را گذاشتند.

نایب‌رئیس — بله بعداً خود مجلس قانونگذاری میتواند تصمیم بگیرد.

مرادزهی — من فکر کردم‌آنها شاید یک مقدار محکم‌تر وشدیدتر بنویسند حال اینکه اگر دراین مجلس تصویب میشد احتمال داشت که یک مقدار متعادل باشد.

نایب‌رئیس — این موضوع میماند دراختیار مجلس شورای ملی آینده من فقط خواستم توضیح بدهم به‌سؤالی که برادران مطرح کرده بودند که آیا نمایندگان‌مجلس درچیزی که‌مربوط به‌خودشان است و درچیزی که مربوط به‌دیگران است در آینده دوموضع دارند ؟ عرض کردم‌نه یک موضع است ولی دونتیجه دارد به‌علت اختلاف حد نصاب رأی لازم برای این مرحله‌وبرای مرحله قبلی، ضمناً این را عرض کنم که قسمت اول‌این‌اصلی که همان اصل ۷۱ بود که تصویب شد که باید آزادی اظهارنظر را برای نمایندگان درمجلس‌تضمین کند این مسأله بسیار بنیادی تصویب شد این مسألهٔ دوم راکه قضائی است واگذار میکنیم به‌رأی مجلس شورای ملی، آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — قسمت دوم به‌نظرمن از اول مهمتر است و چیزی که آقایان توجه ندارند اینست که شهربانی، ژاندارمری یعنی قوائی که مقدمات را فراهم میکنند دست قوه قضائیه نیست دست قوهٔ مجریه است بنابراین به‌آسانی میشود مشهود و غیرمشهود نماینده را برایش جرم درست کرد این درتمام دنیاهم بوده در خود کشور ما هم سابقه زیادی داشته.

نایب‌رئیس— انشاءالله شما درآن مجلس به‌عنوان نماینده ملت‌تشریف‌دارید واظهارنظر میکنید اجازه بفرمائید وقت‌زیادی به‌پایان‌جلسه نداریم‌چند تذکرعرض‌می کنم یکی‌اینکه این اصولی که‌تنظیم شده لطفاً فردا درجلسه سریعتر مطرح بفرمائید ونتیجه را برای‌گروه هفت نفری بفرستید که اگر تغییراتی باید دراین اصول پیشنهادی داده بشود ما زودتر واردکنیم و دستور نهائی جلسه فردا را درصورتیکه تغییر کند برای تکثیر بدهیم. دوم‌آقای طاهری‌گرگانی نوشته‌اند که امروز روزنامه بامداد با تیتردرشت نوشته‌است که شرایط حکومت نظامی تصویب شد دوستان به‌این نوشته روزنامه بامداد انتقادی دارند ومیگویند جوجلسه مخالف با حکومت‌نظامی

بود و بعد این را صرفاً به‌عنوان یک مقدار محدود از اختیارات فوق‌العاده دولت که‌آن‌هم باید قبلا به‌تصویب‌مجلس برسد وآن‌هم با حذف کلمه «ولی» که جنبه استثناء نداشته باشد، مطرح کرد وتصویب کرد بنابراین مجلس تعمد وعنایتی داشت که این مطلب را بگوید که‌حکومت نظامی را مطلقاًرد میکند و مقداری اختیارات فوق‌العاده رابه‌صورت مستثنای منقطع به‌شرطی که قبلا مجلس شورای ملی تصویب کند به‌عهده مجلس‌گذاشته.(مدنی ـ این مطلب برای ایام جنگ و نظیر آن است.) بله درایام‌جنگ‌و نظیرآن بنابراین اینگونه تیتر نوشتن در روزنامه که «درجلسه دیروز شرایط حکومت نظامی تصویب شد» یک نوع تحریف هست دراخبار مربوط به‌این مجلس بار دیگر یادآوری میکنیم که مخبرین ونمایندگان مطبوعات و بعد خود مطبوعات درمنتقل کردن مطالب، اصل امانت را رعایت کنند وبه‌خاطراین تیترها از راه امانت منحرف نشوند وبه‌این وسیله من اعتراض نمایندگان محترم رابه‌سمع ملت ایران می‌رسانم.

۷ — پایان جلسه

نایب رئیس — این جلسه را پایان میدهیم جلسه آینده ساعت سه بعدازظهر فردا خواهد بود.

(جلسه ساعت هفده و پنجاه دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ سی‌وششم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز نهم مهر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با نهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل از دستور آقای خادمی. . . . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۷۷ (اصل نود و یکم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۷۸ (اصل نود و چهارم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۸۰ (اصل نود و ششم). . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۸۱ (اصل نود و هفتم). . . . . .
٦ — طرح اصل ۸۲. . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۸۳ (اصل نود و دوم). . . . . .
۸ — تمدید مدت مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به مدت یک ماه. . .
۹ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل از دستور آقای خادمی

نایب رئیس — نطق قبل ازدستور شروع می‌شود آقای خادمی تشریف بیاورید.

خادمی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . چون در بعضی از روزنامه‌ها دیدم که هنوز تعقیبی دارند به‌ولایت فقیه وبااینکه اینها شیعه هستند گویا از عقاید خودشان غافلند که ما را شیعه امامیه میگویند یعنی قائل به‌امامت ، که‌معنای قائل به‌امامت این‌است که‌امام‌نماینده خدا است وفرمان او واجب‌الاطاعه است واطاعت مامنحصر به‌خداوند است وتوحید درعبادت‌عقیدهٔ شیعه‌است به‌این معنا که فرمانده‌ای غیر خدا نیست وفرمانبرداری غیرخدا هم جایز نیست اینست که روح عبادت ، توحید عبادت است، فرمانبرداری است که خداوند درقرآن‌می‌فرماید «الم‌اعهد الیکم یا بنی آدم ان‌لاتعبدواالشیطان » و حال آنکه کسی شیطان را خدا نمی‌داند. معنی عبادت شیطان حرف شنوی از او است چنانچه درجای دیگر می‌فرماید « افرایت من‌اتخذ الهه‌هویه » یعنی خدای خودش را هوای نفس خودش قرار داده است که‌این معنایش فرمانبرداری هوای نفس است ، واز این رو است که محققین گفته‌اند معنی کلمه‌لااله‌الاالله توحید عبادتی است ، ونیز حضرت رضا صلوات‌الله‌علیه هم دربازار نیشابور فرمودند «وانامن شروطها» از همین جهت بود ، این است که اطاعت امام را شیعه واجب میداند . در زمان امام خود امام وبعد از امام نمایندهٔ امام است چون فرمان نماینده ، فرمان خود دستور دهنده است مثلا اگر از امر یک‌پاسبانی اطاعت می‌کنند این اطاعت دولت است که‌اورا نصب کرده است به‌این منصب، از این جهت است که می‌گوئیم اولی‌الامر هم کسی است که صاحب امر به‌او نمایندگی داده باشد که مقصود خدا است نه‌هرکس که برمردم مسلط شد اولی‌الامراست.

خلاصه نایب‌امام را شیعه، واجب‌الاطاعه می‌داند واین یک قوه محکمی است برای مملکت ما که بحمدالله تمام پیشرفت‌این مردم بی‌سلاح وبی‌اسباب برای ایمان به‌امامت‌ووجوب اطاعت فرمان امام بود که باکمال شوق وشعف سینه‌ها را مقابل گلوله‌ها قرار می‌دادند و کشته‌شدن خودشان را شهادت‌می‌دانستند ومی‌گفتند دعا کنیدماشهید شویم زیرا آرزوی‌شهادت داشتند واین قوه‌ای که خدا به‌شیعه داده است این ثروتی است خدادادی ، از این جهت‌است که‌برادران سنی ما اصرار می‌کردند که‌قید اسلام را بگذارید وشیعه را قید نکنید برای‌همین بود که‌ما این نیرو را از دست ندادیم واین ثروت بزرگی است در دست شیعه ودر زمان خـود جمهوری اسلامی هم‌این قوهٔ مستحکم باید بجا باشد زیرا بعضی از چیزها هست که‌اگر فرمان امام نباشد حرام است مثلاگمرك ، مالیات ، عوارض که چنانچه امام یا نمایندهٔ امام برای مصلحت مسلمین ومخارج مملکت صلاح دانستند وفرمان داد که این وجوه اخذ شود این‌حرام، واجب وحلال می‌شود واگر امام یا نمایندهٔ امام فرمان نداد ، حرام است این است که فرمان امام لازم است ودر اصول دین‌مایک جزئش امامت است که‌باید همیشه برای ما محفوظ‌باشد

همه‌مردم حتی‌الامکان‌باید به‌این عقیده باقی باشند ولازم‌است تمام اعضای مملکت از فرهنگ‌و پدر و مادرها که برای فرزندان آیندهٔ مملکت این عقیده را درقلوب همه جوانها مستحکم کنند تا این ثروت خداداده از دست ما شیعیان بیرون نرود واین که گفتیم ولایت فقیه ، درعین‌حال خداوند به‌مشورت امر کرده است « وشاورهم‌فی‌الامر » از این رو است که مجلس شورای ملی طرف مشورت فقیه‌است نه‌اینکه مصوبات مجلس برمردم واجب باشد ومصوبات مجلس شورای ملی هم برای اینکه شورائی است برای فقیه، این‌حکم فقیه است که اطاعتش برمردم واجب است وهر قانونی که از تصویب مجلس گذشت باید فقها هم حکم بدهند بروجود موافقت آن قانون تا برمردم واجب بشود واز آن اطاعت کنند. آن‌وقت است که‌با طوع ورغبت مال‌خودشان را می‌دهند ، جانشان را می‌دهند وبه همه چیز حاضرند ، وقتی فرمان خدا شد همه‌زیر فرمان‌خدا هستند واینکه دردهان مردم افتاده است که حکومت مردم برمردم ، این حکومت را هیچکس برمردم نداده است برای اینکه « ان‌الحکم‌الاالله» حکومت مخصوص خدا است چه‌برسد به‌اینکه مردم برسایرمردم حکومت داشته‌باشند اما جمع بین این و ولایت فقیه ومجلس شورای‌ملی‌است امیدواریم که‌خداوند همه را هدایت‌فرماید والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته .

نایب رئیس — دستور جلسه را آغاز می کنیم اصل ۷۴.

تهرانی — این‌چند اصل امروز خوانده شده وبحث هم زیاد شده است و قرار شد چند اصل برای شوراها تنظیم کنند بهتر است که دیگر اینها تکرار نشود زیرا تکرار ماسبق است لطفاً اصل ۷۷ را بخوانید.

۲ — طرح و تصویب اصل ۷۷ (اصل نود و یکم)

نایب رئیس — بسیارخوب اصل ۷۷ قرائت میشود.

اصل۷۷ - به‌منظور پاسداری از احکام‌اسلام و قانون اساسی ازنظرعدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی باآنها، شورائی بنام شورای نگهبان باترکیب زیر تشکیل میشود:

۱- شش نفر از فقهای عادل وآگاه به‌مقتضیات زمان ومسائل روز، انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲- شش نفر از حقوقدانان که به‌وسیله شورای عالی قضائی معرفی وتوسط مجلس‌شورای ملی انتخاب می‌شوند.

کرمی — بند ۲ باید حقوقدانان مسلمان باشند.

نایب‌رئیس — بله ، شش نفر از حقوقدانان مسلمان که به وسیله شورای عالی قضائی معرفی و توسط مجلس شورای ملی انتخاب می‌شوند.

کرمی — این «شش نفر انتخاب می‌شوند» غلط است باید بنویسید « تأیید می‌شوند » چون خودشان شش نفر هستند که انتخاب شده هستند .

نایب رئیس — کدام را میفرمائید؟

دکتر آیت— بند ۲ را می‌گویند، شش نفر را که نمی‌شود انتخاب کرد یاباید‌بنویسیم دوازده‌نفر که شش نفر ازمیان‌آنها باشد.

تهرانی — بنویسید شش نفر ازمیان حقوقدانان مسلمان.

نایب‌رئیس— اگرآقایان‌موافق‌باشند همان‌چیزی را که‌موردنظرشان بود بااین‌عبارت‌اینجا

تأمین بشود «شش نفر حقوقدانان که ازمیان حقوقدانان مسلمان که به‌وسیله شورای عالی قضائی به‌مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند بارأی مجلس انتخاب می‌گردند.» (کرمی— وقتی‌معرفی شدند دیگر انتخاب ندارد .) ملاحظه بفرمائید آن چیزی که قبلا بوده این است که شورای عالی‌قضائی شش نفر معرفی نکند شورای عالی قضائی ده‌نفر ، پانزده نفر معرفی کند وآنهااز میان معرفی شده‌ها شش نفر را انتخاب کنند طرح اصلی این بوده‌است، حالا بااین‌عبارت میشود آن طرح اصلی را بیان کرد «شش نفر حقوقدان که از میان حقوقدانان مسلمان که به‌وسیله شورای عالی قضائی به‌مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند با رأی مجلس انتخاب‌می‌گردند.»

طاهری اصفهانی — شش نفر حقوقدان که از بین حقوقدانان معرفی شده توسط‌مجلس شورای ملی انتخاب می‌شوند .

نایب رئیس— خوب، باید قید کنیم به‌وسیلهٔ شورای عالی قضائی.

طاهری اصفهانی — باید بگوئیم شش‌نفر حقوقدانان معرفی شده به‌وسیلهٔ شورای عالی قضائی توسط مجلس شورای ملی انتخاب می‌شوند.

نایب‌رئیس— بایدبگوئیم‌چه کسی معرفشان‌باشد، باید به‌وسیله‌شورای‌عالی‌قضائی‌باشد.

طاهری اصفهانی — عرض میکنم از بین حقوقدانان معرفی شده به وسیلهٔ شورای عالی قضائی توسط مجلس شورای ملی انتخاب می‌شوند.

نایب رئیس — بله، این هم عبارت دیگری است که می‌تواندبه‌جای این‌عبارت‌باشد.

دکترآیت — من معتقدم مشخص باشد چندنفر، دراین باره بهتراین‌است که دوازده‌نفر بنویسیم.

نایب رئیس — خوب، ببینم درباره این مسأله چه‌نظری دارند؟

سبحانی — درباره قسمت اول‌هم شش نفر انتخاب شده‌است وهم درقسمت دوم بعداً دراصل ۷۹ قضاوت را به‌عهده اکثریت‌گذاشته است به‌این نحوی که انتخاب فرموده‌ایدگاهی به‌بن‌بست میرسد چون که ازنظر تحقق با اسلام شش نفر باید باشند سه‌نفر اینطرف وسه‌نفر آن طرف و اقلیت‌واکثریت محقق نمی‌شود یااینکه‌آن شش نفر بااین‌شش‌نفر دوازده‌نفرند که می‌خواهند درباره تطبیق با قانون اساسی بحث کنند شش نفر دریک طرف وشش نفر در طرف دیگر بگذارند آن وقت چه کار خواهند کرد؟ دراینجا باید عددطاق گذارده شود که‌اقل واکثر محقق بشود تا کار به‌بن بست نرسد .

نایب‌رئیس — اگر بخواهیم شماره فقها وشماره حقوقدانان مساوی باشد که نمی‌تواند اقل واکثر باشد ونمی‌شود که زوج نباشد.(سبحانی— آن وقت شما به‌بن‌بست میرسید.) معمولا راه‌حلی درسنت بوده است وآن این است که در آن طرفی که رئیس‌باشدحرف او را می‌پذیرند چون معمولا فردی را به ریاست انتخاب می‌کنند که در اویک مقدار کفایت بیشتری باشد بنابراین دراین طور موارد که‌موارد نادری‌هم هست می‌نویسندرأی رئیس‌متبع است. آقای‌مکارم بفرمائید .

مکارم شیرازی — فرض کنید تعداد، فرد بود مثلا یازده نفربودند ممکن است از یازده‌نفر یکی‌شان غایب باشد وده نفردر جلسه حضور دارند . بالاخره یک راه حلی است که اینطور نوشته شده است .

نایب‌رئیس — بلی آقا ، صحیح است، آقای یزدی .

یزدی — جواب این سؤال صبح داده شده که در اصل ۸۲ هم‌این مسأله هست که‌پس از گذشتن سه‌سال نیمی از اعضای گروه تقلیل پیدا کند به‌اشکال‌برمیخورد پس به‌این‌دلیل باید عدد شش باشد .

نایب‌رئیس — این اشکال هم صبح مطرح شد ، پس این همه توصیه‌ای که‌صبح کردیم چه‌شد ؟ آقای دکتر روحانی بفرمائید .

دکتر روحانی — نظر من اینست که عده حقوقدانانی که از طرف شورای‌عالی قضائی به مجلس شورای ملی معرفی می‌گردند تا در بین آنها شش نفر را انتخاب نمایند مشخص بشود زیرا اگر فقط شش نفر را معرفی بکنند و مثلا دو نفر از آنان مورد تأیید قرار نگیرند مجدداً باید نفرات دیگری تا تکمیل عده شش نفر به مجلس معرفی شوند که این امر از جهات مختلف خالی از اشکال نخواهد بود، ولی اگر عده مشخص باشد مثلا دوازده‌نفر به‌مجلس معرفی بشوند تا مجلس از بین آنها شش نفر را انتخاب کند مسأله انتخاب مطرح می‌شود نه عدم تأیید و بالنتیجه هیچگونه اشکالی پیش نخواهد آمد.

نایب رئیس — توضیحش‌این است که‌عده معینی لازم نیست ما همینقدر که‌می‌گوئیم دست شورای عالی قضائی را باز می‌گذاریم که عده‌ای را معرفی کند تابتوانند از میان آنها کسانی را از شش‌نفربیشترمعرفی بکند یعنی مسلماً باید هفت‌نفر، هشت نفر، ده نفر امکان انتخابی بگذارد ، بن‌بستی هم پیش نمی‌آید چون اگر هفت‌نفر معرفی کند آنها موظفند از میان این هفت‌نفر شش نفر را انتخاب بکنند ونمی‌توانند بگویند چهار نفر از آنها یا پنج‌نفرشان را انتخاب میکنیم این چیزی را که الان به‌عنوان اصل می‌نویسیم‌معنایش این است که آنهاباید از میان هفت‌نفر شش نفر را انتخاب بکنند، حق رد کامل ندارد آقای خامنه‌ای . (خامنه‌ای— بنده مخالفم .) آقای صافی (صافی — بنده هم در یک قسمتش‌مخالفم.)خوب مخالفید، بعد می‌توانید نظر بدهید . آقای قرشی‌بفرمائید.

قرشی — این‌لفظ « عادل» به‌نظر می‌آید که این لفظی غیر توجیهی است مثلا به نظر می‌آید که‌شش نفر ازفقهای مانسبت به‌دیگران باید عادل باشند، فقیه طبعاً عادل‌است‌مگرفقهای غیرعادل هم داریم ؟

نایب‌رئیس— این واقعیتی است که در رساله های عملیه‌تان‌هم این را می‌نویسید آنجا توهینی نیست اینجا هم‌توهینی نیست ، آقای رشیدیان .

رشیدیان— باتوجه به‌ترکیب‌اعضای شورای‌قضائی که یکی ازبرادران دراین‌باره‌گفتند این مسأله حل است وبه‌بن‌بست‌نخواهد رسید چون که آن شش نفر درمقابل این شش نفر قرارندارند بلکه آن شورای‌عالی قضائی ترکیبی است از همان فقها، نماینده شورای رهبری سه‌نفر، ازمجتهدان هم سه‌نفر وچهارنفرازمیان قضات کشور که‌آگاه به‌تمام‌مسائل اسلامی‌باشند اگر با این ترکیب تا آخربه‌مجلس معرفی بشوند باآن شش نفر از فقهای منتخب ازطرف مقام رهبری باهم‌همکاری خواهند کرد.

نایب رئیس — این شورا خودشان عضو شورای نگهبان نیستند اینها عده‌ای از حقوقدانان را معرفی می‌کنند و مجلس از میان آن‌کسانی که اینها معرفی کرده‌اند انتخاب میکند و این اشخاص هم طبعاً انسانهای شایسته‌ای هستند آقای رحمانی سؤالی دارید ؟ (رحمانی — خیر مطلبی است که باید عرض کنم.) بسیار خوب ، مطلب شما سؤال است یا

مخالفید یا موافقید؟ معنای سؤال این‌است که دراین‌جا ابهامی وجوددارد وبه‌وسیله جواب رفع ابهام بشود.

رحمانی —چه ملاکی داردکه آن پنج نفر یا شش نفر فقهای عادل از طرف رهبر انتخاب می‌شوند و این شش نفرحقوقدان ازطرف مجلس انتخاب می‌شوند ؟ همین ترتیبی راکه درحقوقدانان قائل شده‌اید همین ترکیب راهم درآن مسأله قائل بشوید تا نقطه ضعفی ایجاد نکند یعنی رهبر ده نفر، دوازده نفریاعده بیشتری را معرفی بکند ومجلس شورای ملی از میان آنهاکه همه مورد تأیید رهبر و کاندیدا هستند پنج نفر یا شش نفر را انتخاب بکند.

نایب‌رئیس — یکی از دوستانی‌که میخواهد به عنوان موافق صحبت‌کند چون یک مخالف هم باید صحبت بکند، به‌این سؤال شما پاسخ می‌دهند.

رحمانی — مقصود بنده این است‌که تعهدی درکار باشدکه شوق دیکتاتوری نداشته باشد.

بشارت — دوازده نفرنقش مؤثری درتصویب قوانین درمجلس دارند، چرا این دوازده‌نفر را ملت انتخاب نکنند یا شورای رهبری معرفی‌کند به‌مجلس شورای ملی چون این‌هانمایندگان ملت هستند به‌عقیده بنده هم فقها و هم حقوقدانان را باید مجلس انتخاب‌کند.

نایب‌رئیس — این راهم نفر موافق جواب خواهد داد.

فاتحی — منظور پاسداری ازاحکام اسلام وقانون اساسی ازنظرعدم مغایرت مصوبات مجلس باقانون است اما ازنظر پاسداری از اجرای قانون لازم نیست تذکرداده بشود.

نایب‌رئیس — مادر قوه مقننه هستیم اجراء را باید دستگاه دیگری پاسداری‌کند وبه‌آن هم می‌رسیم. این دوگروه فقط‌کارشان‌کار یک‌کارشناس است، چه حقوقدانها چه فقها کارشان کار یک‌کارشناس است وجهت‌کارشناسی‌شان‌هم مشخص است یعنی نه فقیه ونه حقوقدان درباره اینکه آیا این قانون به‌صلاح مردم هست یا نیست حق اظهارنظر ندارند این تشخیص با نمایندگان‌مردم است فقط اینها به‌عنوان‌کارشناس نظرمی‌دهنداین‌چیزی‌راکه‌نمایندگان ملت به‌صلاح ملت تشخیص داده‌اند خارج از دائرهٔ شرع یا قانون اساسی نباشد بنابراین این‌شورا صرفاً شورای‌کارشناسان برای تشخیص جهت معین است.(موسوی تبریزی — تمام این‌فرمایشات درکمیسیون‌گفته شده وجواب آنها داده‌شده‌است.) بلی، انتظارماهم این‌است‌که وقتی چیزی گفته شد دیگرآقایان درباره‌اش زیاد بحث نکنند.(موسوی تبریزی — من نمی‌دانم‌آقایان برای چه اینقدراصراردارند بحث بشود.) خود جنابعالی به‌چه‌منظوراسم‌نوشته‌اید؟ (موسوی‌تبریزی— من به‌عنوان موافق اسم نوشتم.) آقای طاهری خرم‌آبادی.

طاهری خرم‌آبادی — نظر بنده راجع بـه سؤال آقـای سبحانـی است‌کـه گفتند گـاهی به‌بن‌بست میرسیم، پاسخ جنابعالی قانع‌کننده نیست برای‌اینکه وجهی ندارد‌که اگررئیس در یک‌طرف بود ما آن طرف را ترجیح بدهیم برطرف دیگر،حالا اگر دریک طرف اکثریت باشد این ظنی است‌که فکر چندنفرکه بیشتر هستند به‌واقع نزدیکتر است اما به‌صرف اینکه رئیس این شش نفـر در یک طـرف قـرار گرفت موجب ترجیح بـاشد وجهی نـدارد همانطوریکـه در پیش نویس هست چه مانعی دارد اگـر فقها را پنج نفر قرار بدهیم در مورد مسائل شرعی قهراً به بن‌بست نمی‌رسیم.

نایب‌رئیس — چرا آقا می‌ترسیم اگر یک نفر ازاین‌آقایان دریک جلسه غایب بود.

(طاهری‌خرم‌آبادی— شما اینطورفرض کنید) آن‌هم فرض‌ضعیفی‌است که مثلا درموقع رأی‌گرفتن آراء، سه وسه باشد آنهم یک فرض است که می‌کنید ولی اگر واقعاً هرراه حلی راکه برای غیبت یک نفرازآنها پیش بینی کردیم به‌این فرض نادرهم که ممکن است در موقع رأی سه‌وسه باشد باید سرایت بدهیم ملاحظه بکنید که ما بعدها همه‌اش گرفتاری‌داریم.آقای‌یزدی‌بفرمائید. (یزدی— بنده موافقم.)بسیارخوب به‌عنوان‌موافق صحبت خواهید کردآقای خامنه‌ای بفرمائید به‌عنوان مخالف صحبت کنید.

خامنه‌ای — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اصل فراز اصل دوم متمم قانون اساسی راکه به همت علمای اعلام درصدر مشروطه‌گذاشتند به‌این منظور بود که بنا نبود تقنین براساس تقنین اسلام باشد تقنین، تقنین عرفی بود، احکام دادگستری و جزائی راهم تقسیم کردند و سهم‌علما رادادند به‌دادگاه شرع که‌عملا تعطیل شد. بنابراین‌دراصل ۲ پنج نفرازمجتهدین جامع‌الشرایط را با آن شرایطحق داده‌بود که برهمین قوانین عرفی نظارت کنند که باقوانین شرع هم تضادی نداشته باشد اینها هیأت مستقلی بودند با صلاحیت ولی چون من با حقوقدانهای مملکت‌تماس دارم وصحبتهایشان راهم شنیده‌ام‌عرض میکنم با انقلاب اسلامی ایران و تغییررژیم‌به‌جمهوری اسلامی، بنیاد حقوقی این مملکت خراب شد یعنی بهم‌ریخت و ازبین رفت و ما امروز حقوق نداریم، چون تمام حقوق ما براساس حقوق فرانسه و احیاناً کشورهای دیگربود و تحصیلات دانشگاهی به‌آن اساس بود. قواعد عادی ما غیراز قانون مدنی ازآن اقتباس شده است ووکلای ما آن مطالب را خوانده بودند و اساتید همانها را درس میدادند وقضات هم روی آنها حکم میدادند. الان ما قانون نداریم به‌محض اینکه قوانینی راکه ما میخواهیم برطبق اسلام تأسیس کنیم وبه‌عمل بیاوریم، سؤال یکی از قضات این بود که تکلیف ما چه‌می‌شود گفتم تکلیف این می‌شود که مجموعه قانون را بگیرید و بخوانید، دوباره قوانین را یاد بگیریدوطبق آنها عمل کنید یعنی یک مجموعه‌ای را دراختیارتان میگذارند مثل تغییراتی که درقانون میدادند با این تفاوت که این‌اسلامی است. حقوقدانهای ما با انقلاب ازآن فعلیت ساقط شدند وشأن وبالقوه شده‌اند یعنی استعداد علم حقوق درآنها هست ولی چون‌معتقدات و معلومات و افکار وخواسته‌های‌افراد حقوقدان براساس قبل بود حالا منهدم شده ان‌شاءالله اینها درآینده باخواندن حقوق و قوانین اسلام به‌حقوق اسلام‌آشنا خواهند شد و حقوقدان اسلامی خواهند شد ودراین‌جهت بافقها هیچ تفاوتی ندارند. من‌دردیماه‌گذشته‌درتهیهٔ‌اصل پیش‌نویس‌وبخصوص دراین قسمتش مشارکت داشتم وطرزکاررا نپسندیدم چون دو پیشنهاد بود و اینرا توضیح دادند و من مخالفت کردم و بعدهم برای نوشتن‌آن پیش نویس نرفتم و این واقعیت امراست وشما آنرا نمی‌دانستید. این چیز تازه‌ای نبوده و یک فکری است که من منشأ آنرا میدانم که آقایان بیانش را ازکدام قاعده حقوقی و رویه فرانسه‌گرفته‌اند فکرخوبی است اما درجائیکه اسلام برای خودش اساس ونهادی نداشته باشد این را آوردند وگذاشتند البته ما توقع نداشتیم ازکسانیکه تحصیلات حقوقی و علمی اسلامی را ندارند، یک چنین کاری را نکنند، اما ما چرا قبول کردیم،دراینجا فرمودند به‌منظور پاسداری ازاحکام اسلام و قانون اساسی‌است احکام اسلام را آقایان مجتهدین طبعاً بلد هستند یا نیستند. قوانین اساسی اسلام را آقایان مجتهدین‌خودشان که اینجاهستندبهترمی‌دانند و از مذاکرات مجلس پایه‌علمی آنان‌معلوم‌است. غیرازاین است که‌آنها به‌اظهارنظر درقانون‌اساسی احقند؟وغیرازاین‌است که‌قانون‌اساسی غیراز

قوانین اسلامی نیست؟ شما از کجا حقوقدان می‌آورید؟ این برای من سؤال است و من واقعاً این را نمی‌دانم چون شما این مسأله را چگونه فرض کردید که این را گذاشته‌اید؟ آیا حقوقدانهائی که با سیستم حقوق ناپلئون و فرانسه و سایر کشورهای دنیا آشنا هستند با آن فکر و منطقشان می‌توانند برای شما تحلیل کنند؟ مبنای حقوق علم اصول را داریم و مبنای قانون اساسی فقه است که داریم و به طور خلاصه با وجود یک یا چند نفر مجتهد، پنج یا ده نفر مجتهد و به‌طور کلی حقوقدان اسلامی یعنی فقیه که مسلماً در آن انتخابی که خواهد شد شایسته‌ترین و مناسبترین و آشناترین انتخاب خواهد شد، دیگر چه نیازی به حقوقدان دارید که نمی‌دانید کیست و معلوماتش چیست؟ و آیا آنها در آینده با حقوقدانهای اسلامی ما جدا خواهند بود و فقها جدا و یا همانطور که الان اینجا حقوقدانهای اسلامی ما همان فقها هستند نویسندگان قانون اساسی که برای پاسداریش می‌خواهیم عده‌ای را تعیین کنیم خود آقایان هستند؟

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای وقت شما تمام است.

خامنه‌ای — این نکته را من به عنوان مطلب اساسی در صحبتم داشتم که برفرض که موردقبول نباشد، ایرادات دیگری بود که چون وقت نیست من میگذرم ولی واقعاً این مسئولیتی است برای ما که اینجا هستیم و باید پاسخگوی تاریخ و آینده ایران و دین مبین اسلام باشیم، که این حقوقدان که گذاشته‌ایم معنی‌اش چه بود و چه ویژگی داشت و چه فرقی داشت و اگر نمی‌گذاشتیم چطور می‌شد.

نایب رئیس — بر حسب نوبت آقای موسوی تبریزی به عنوان موافق صحبت بفرمایند.

رشیدیان— آقای موسوی شما درحالیکه به‌دیگران فرصت اظهارنظر نمی‌دهید پس چرا خودتان می‌خواهید صحبت کنید. شما متأسفانه با آبروی اشخاص در اینجا بازی می‌کنید زیرا ما نماینده ملت هستیم و مجبوریم مطلبی را که در مجلس استنباط می‌کنیم و درک می‌کنیم بگوئیم و همه نمایندگان هم با هم برابر هستند و مطالبی را که عرض کردم در مقابل القاء شبهه‌ای است که در خارج از مجلس شده است، و طرحی را که آقای رحمانی فرمودند یک طرح جدید و بسیار عالی است. شما چرا مخالفت می‌کنید و نمی‌گذارید افراد آزادانه حرفشان را بزنند؟ (موسوی تبریزی — من میگویم آقایان مطالب را تکرار نکنند تا وقت مجلس تلف نشود.) مکررات نیست چون مردم باید بدانند که ما با آزادی کامل حرفمان را می‌زنیم، معنی ندارد چهار نفر از گوشه مجلس بلند شوند و بگویند آقا بنشین، آن دفعه به آقای فاتحی توهین کردند معنی ندارد زیرا ما داریم برای عقیده‌مان می‌جنگیم و از هیچ قدرتی واهمه نداریم و باید مطلبمان را بگوئیم، من درییرون از جلسه نوکر آقای دستغیب هستم و پشت‌سرشان هم نماز می‌خوانم و دستشان را هم می‌بوسم اما در اینجا که آمدم به وظیفه نمایندگی عمل میکنم «از هیچ دلی نیست که راهی به خدا نیست» هر کسی برابر با وظیفه نمایندگی که از طرف مردم دارد حق دارد حرفش را بزند.

نایب رئیس — آقای رشیدیان مگر غیر از این بوده است؟

رشیدیان— خیر، خود جنابعالی میدانید که من مدافع این موضوع هستم که مجلس آزادی دارد، ولی چهار نفر از گوشه و کنار مجلس بلند می‌شوند و با حیثیت افراد بازی می‌کنند. من وقتی صحبت میکنم آبرویم را مایه میگذارم و صحبت میکنم، خدایا تو میدانی که من نظر خاصی ندارم. این چهار نفری که اینجا هستند و دائماً می‌گویند آقا صحبت نکن این برخلاف

آئین‌نامه است این مجلس یک هیأت رئیسه و یک آئین‌نامه‌ای دارد که بر طبق آن باید عمل بکنید اگر گفت ساکت باشید، بسیار خوب ولی معنی ندارد که از گوشه و کنار بگویند صحبت نکن و نگذارند کسی حرفش را بزند.

نایب رئیس — این حرف آقای رشیدیان منطقی است زیرا تصمیم درباره اینکه چه‌صحبتی بر طبق نظامنامه مجلس هست یا چه مطلبی نیست به عهدهٔ مسئولی است که در اینجا برای اینکار تعیین فرموده‌اید. (رحمانی— جواب‌سؤال بنده‌را بفرمائید.) سؤال حضرتعالی را من همان موقع خواهش کردم که دوستانی که به عنوان موافق صحبت میکنند یادداشت کنند و جواب بدهند. آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

رحمانی — آن شم دیکتاتوری دارد و برای مردم امکان دارد تعبد ما قابل قبول نباشد. درست‌است که طریقش مختلف است ولی هدف واحد است بنابراین ما باید کاری بکنیم که‌مردم بتوانند جذب بکنند.

نایب رئیس — آقای رحمانی اگر توضیح آقایان کافی نبود در پایان خدمتتان توضیح خواهیم داد.

موسوی‌تبریزی — البته بین ما وآقای رشیدیان سوءتفاهم نباشد زیرا منظور ما اینست که چون صبح از ساعت هشت الی دوازده اصول را بحث و بررسی می کنیم و تمام اشکالات را در آنجا یکی پس از دیگری می‌گوئیم و همه هم حق دارند حرف بزنند و غرض ما اینست که مطالب منقح شده‌ای را اینجا بیاوریم این مطلب را برای رفع سوءتفاهم بیان کردم.

اما این اصل ۷۷ به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی است بعد از آنکه ما نظام‌جمهوری‌اسلامی را درمملکت امضاء کردیم‌این قانون‌اساسی وجمهوری‌اسلامی‌باید حافظ هم‌داشته‌باشد احکام‌شرع مابایدحافظ داشته‌باشد البته این هم نه‌مثل یک‌مقام‌تشریفاتی که در رژیم‌طاغوتی‌برای‌پنج‌نفرحق‌وتوداده‌بودند‌اینطورهم‌نباشد که‌بدست‌فراموشی‌سپرده‌بشود که‌دولتها هرقانونی رابخواهند، وضع کنند وهرقانونی را که‌بخواهند، انشاء بکنند واختیارداشته‌باشند. حالا این شورای نگهبان برای این منظور نوشته شده است ومربوط به‌فقه‌و فقاهت‌است آنجافقط‌همین شش نفر فقیه نظارت دارند، که ببینند این قانونی که درمجلس شورای ملی می‌خواهندتصویب کنند مخالف شرع هست یا نیست وگفتیم‌شش نفرحقوقدان مسلمان‌هم با این شش نفر فقیه باشند این مطلب‌صبح هم‌در کمیسیون مطرح شد واکثریت رأی دادند. گفتم‌عقیده اسلام‌رابابد داشته باشد حالا میخواهد از مبانی حقوق اسلامی آگاه باشد یا نباشد آن را رأی ندادندگفتند شش نفرحقوقدانی که درمعتقدات، معتقدات اسلامی داشته باشند اینها با همان شش نفرفقیه عادل که منتخب رهبر یا شورای رهبری است جمع بشوند در آن قوانین که مربوط به حقوق اسلامی است (طاهری‌گرگانی— اعتقاد تنها چه‌فایده‌ای دارد؟) الان عرض میکنم، حفظ قانون و مقررات اسلامی و نیز حفظ این قانونی که ما داریم می‌نویسیم به عهدهٔ شورای نگهبان است این فلسفهٔ این اصل است. شش نفر از فقهای عادل وشش نفر از حقوقدانان ، اشکالی که آقای سبحانی ازنظر تعداد شش نفر از حقوقدانان وشش نفر از فقها فرموده بودند جوابش داده شد باید حقوقدان‌هم باشند شش‌نفر فقیه هم باشند فقیه ازنظراحکام و مسائل اسلامی و از نظر حقوق اسلامی که درچهارچوب‌اسلام است‌هم ازنظر حقوق اسلامی و هم ازنظر مسائلی که درتخصص فقیه است به‌طوری که اصول بعدی وظیفه این شش نفر را معلوم میکندآن قسمتی

که فقط مربوط به تخصص فقیه است اگر مثلا حقوقدانی که عقاید کمونیستی داشته باشد حتماً قوانین را می کشاندبه‌طرف مرام خودش ومیخواهد مطالب راهمیشه بکشاند سوی مرام خودش و یاهمیشه بین افراد شورای نگهبان اختلاف وتشنج هست ویک وقت بالاخره ممکن است بکشاند به‌طرف خودش پس اعتقادش با اعتقاد این فقها باید یکی باشدهمه آنها مسلمان باشند اینهم ضامن این مطلب است وقتی که اینها همه مسلمان شدند این دوازده نفر مسلمان بودند اینها میخواهند ازنظر معتقداتشان نظام اسلامی را درمملکت حفظ کنند و اما ازنظر حقوق مثلاآن مقدارکه مربوط به‌حقوق اسلامی است که‌متخصصین فقها هستند وحقوقدانهاهم که مسلمان هستند ناچار ازکم‌وکیف مطالب اطلاع دارند وبفرمایش یکی ازآقایان که حقوقدانی است که از حقوق اسلام اطلاعی ندارد از آن حقوق غیراسلامی آنها که متخصص درحقوق غیر اسلامی هستند اگر درمیان بگذارند ومخالف با مبانی اسلام نباشد پذیرفتن‌آنها هیچ اشکالی ندارد بنابراین، این دوازده نفر فقها و حقوقدانان درمسائل غیرحقوقی درمسائل غیرتخصصی، فقاهتی مشترکاً باید نظربدهند و درمسائل تخصصی که مربوط به‌فقاهت است ازنظرآن شش نفر استفاده میشود و مخصوص‌آن شش نفر است این ازنظرمحتوای این‌اصل و اما اشکالی که آقای رحمانی فرمودند چرا این شش نفر فقیه را باید رهبر یاشورای رهبری وآن شش‌نفر حقوقدان راعلاوه براینکه شورای عالی قضائی انتخاب میکند مجلس هم‌باید تأیید بکند آیا به‌نظر شما این دیکتاتوری است؟ اشکال شما این نبود؟ این شش نفرفقیه راکه رهبر یا شورای رهبری معرفی کرده‌است آنها راهم باید مجلس انتخاب بکند مثل‌آن شش نفر دیگر مگرغیرازاینست؟ مامیگوئیم بعدازاینکه رهبر یاشورای رهبری باآن شرایطی که برای رهبر یا شورای رهبری‌گفتیم چه‌احتیاج داریم که‌مجلس در منتخب آنها اظهارنظر بکند چه‌حاجتی‌دارید که مجلس درمبعوث و منتخب آنها بازاظهارنظر بکند؟ خود مجلس آن شورای رهبری رابه تمام معنا قبول کرده درمقام و منصب امامت و ولایت ونظارت براینکه احکام اسلام را موبمو اجرا بکند وکوچکترین تخطی نخواهدکرد ، پذیرفته بنابراین چه نیازی هست که در مبعوث شورای رهبری، مجلس دوباره اظهارنظربکند اما ازآن یکی برای‌اینکه مثلاهم مجلس‌دخالت داشته باشد مجلسی که بدون اراده زیرنظردیگران نرود، هم باید شورای رهبری معرفی‌بکند این‌هم محکم‌کاری است و هم حقی است که برای وکلا و نمایندگان قرار داده‌اند علتش اینست.

نایب رئیس — وقت شما تمام است (موسوی تبریزی — اگر وقت من تمام است بقیه دفاع باخود آقایان) بسیارخوب‌یک مخالف و یک موافق صحبت کردند یکی ازآقایان مطلبی نوشته‌است که میخوانم : «نظر بنده اینست که فقه اسلام ازهمه جهت غنی است حتی اخیراً دراجتماعی که حقوقدانان داشتند همه تصدیق کردند که تمام مبانی اصیل حقوقی ومورد نیاز درقوانین اسلام موجود است بنابراین، این مراجعه به‌حقوقدانان اگر برای مجرد شرح اصطلاحات حقوقی باشدموجب‌این‌قسمت‌نمی‌شود والا این‌توهم پیش‌می‌آید که‌فقه اسلام‌ناقص‌است‌ومسائلی پیش‌می‌آید که‌بایددرآن‌مسائل به‌حقوق‌مراجعه کردودرکنارفقه‌اسلام‌حقوق‌راهم‌نپذیریم. بنابراین حقیقتاً با این قسمت که شش نفر ازحقوقدانان درشورای نگهبان باشندمخالفم» این‌نوشته‌ازطرف آقای صافی‌بود اگر این درحدیک سؤال توضیح بخواهد توضیح میدهم وبه‌رأی میگذاریم. این قانون اساسی روشن‌تر ازاینست که این سؤالات را ما مشکل تلقی کنیم مایک‌قانون‌اساسی‌داریم

وباید بدانیم که قوانین مصوب مجلس شورای ملی آینده منحرف از قانون اساسی نیست میخواهم ببینم که تشخیص اینکه این قوانین بعدی مغایر با قانون اساسی نیست به عهده چه کسی باشد؟ واین مسأله در ممالکی که مجلس دارند مرسوم است یک مرجعی برای این امر وجود دارد منتها بانوع رابطه هائی است که خاص خودشان است مامی گوئیم چون قانون اساسی ، مبنای اساسی دارد بنابراین باید چند نفر متخصص در مسائل واحکام اسلامی باشند تا عدم مغایرت قوانین مصوب مجلس شورای ملی را با اسلام تأیید کنند وچون قانون اساسی با مبانی غیراسلامی مباینتی ندارد ولی مصادیق تطبیقی حقوقی دارد یعنی اموری دارد که در بسیاری از مکاتب حقوقی دنیا هست و مصداق حقوق اسلامی هم هست در تشخیص این مصداق صاحب فن بودن در حقوق مؤثر است در تشخیص این مصداق صاحب نظر بودن در مسائل حقوقی مؤثر است بنابراین ما می گوئیم دراینجا این حقوقدانان می آیند ونظرمی دهند. (خامنه‌ای— مثال بزنید تا روشن شود.) اجازه بدهید مثال میزنم (خامنه‌ای — در این نوع کارها که فرمودید فقها می توانندنظربدهند یانمی توانند؟) الان به‌شماجواب میدهم، خیر نمی توانند. (خامنه‌ای — حقوقدانان کشورهای دیگر فقهای آنها هستند آنهادیگر درکنار حقوقدانان، فقیه ندارند.) اگر صبر میکردیدمن داشتم جواب شما را می‌دادم مثال دارم میزنم ماگفته‌ایم که کلیه مصوبات مجلس باید مطابق قانون اساسی باشد در یک اصل گفتید که معاهده‌ها وقراردادها باید با استقلال سیاسی واقتصادی مملکت هماهنگ باشد و مخل به‌استقلال اقتصادی مملکت نباشد، تشخیص فلان قرارداد اقتصادی که مخل به‌استقلال مملکت هست یا نیست ، با چه کسی است؟ یک وقت تشخیص می‌دهید که این به‌صلاح مملکت هست یا نه یک‌وقت است می گوئیم این قرارداد به سود مملکت ماهست یانه؟ این برعهده مجلس شورای‌ملی است، یک وقت می گوئیم مخل به‌استقلال اقتصادی ماهست یا نه؟ دراین مورد کارشناسان اقتصادی هستند که‌باید اظهار نظر کنندحقوق که‌می گوئیم‌اعم‌است. (خامنه‌ای— ما اگر چند نفرازاین‌گونه حقوقدانان باسوددر ایران سراغ داشته باشیم که من هم آنهارا می‌شناسم در اینها کارشناس عهدنامه‌ها شاید پنج نفرهم‌نباشد چهار نفرشان طاغوتی بودند وفرار کردند شما خیال می کنید که‌قضات از عهود وعهدنامه‌سردر می‌آورند.) معلوم شد که‌ما قانون اساسی می‌نویسیم برطبق وضعی که الان داریم ما قانون اساسی می‌نویسیم برای ایجاد فردای بهتر از امروز، در قسمت معاهده‌های سیاسی همینطور است، در قسمت معاهده‌های دیگر همینطوراست اگر این حقوق که اینجا نوشته شده به نظرتان حقوق قضائی می‌آید و حقوق قضائی و سیاسی را شامل نمی‌شود تصریح کنیم کارشناسان شامل متخصصان حقوق سیاسی ، قضائی و اقتصادی است که روشن باشد همه اینها را شامل باشد .

ربانی‌شیرازی— دراصل بعدی‌می‌آید میگوید که این شش‌نفر حقوقدان برای این است که‌ببینند این مصوب تعارضی باقانون اساسی دارد یا نه، آیا به‌ضرر اقتصادی هست یا نه تعارضش را با قانون اساسی تمیز می‌دهند ولاغیر .

نایب‌رئیس — به‌عرض من عنایت نکردند عرض من این بود که یکی از اصول قانون اساسی این است که معاهده باید مخل به‌استقلال نباشد وقتی که‌یک کارشناس میخواهدنظر بدهد که این مصوب مجلس تناقضی‌با این اصل دارد یا نه چگونه باید تشخیص بدهد اینجا کلمه حقوقی اعم است . (حجتی کرمانی — آقای دکتر بهشتی من یک سؤال دارم.) بفرمائید.

حجتی کرمانی — حقوقدانی که باید انطباق باقانون اساسی را تشخیص بدهد به‌چه خاطرباید حقوقدان باشد؟ اگر باید اینطورباشد پس خود قانون نویس هم باید حقوقدان باشد نمی‌شود قانون را غیر حقوقدان بنویسد وحقوقدانی‌بیاید قانونی را که یک‌نفر غیر حقوقدان نوشته تفسیر کند، خواستم بگویم که مطلب آقای خامنه‌ای از یک‌جهت صحیح است اگر ماحق قانون‌نویسی داریم بنابراین می‌توانیم مفسرقانون‌هم باشیم . فقها را عرض میکنم ، من که‌فقیه نیستم. پس خود قانون‌نویسی هم حق ما نیست این را روشن بفرمائید.

کرمی — شما فقیه هستید فتوا می‌دهید که خمر حرام است این فتوای‌شما روی کلی مدارك فقهی صحیح ، اما لازم است بفهمید که‌این خمر از کجا درست شده وچه شخصی‌درست کرده این حرف به‌شما ارتباط ندارد منظور این است که تشخیصات موضوع به‌شما ارتباطی ندارد امثال این موضوع زیاد است .

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید، آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — یک‌توضیح بدهم قانون‌اساسی یک‌کلیات حقوقی غنی دارد که مخصوص‌حقوق بین‌المللی یاحقوق به‌معنای اصطلاحی آن است اجازه بفرمائید اگر فقیه‌به‌نظر شماهمان حقوقدان است پس بنابراین‌دیگر حقوقدان نمی‌خواهدباشدپنج نفر یاشش‌نفرفقیه کافی است که مصوبات مجلس را بامبانی شرعی منطبق کنند اگر احتیاج به‌حقوقدان دارد که برای نوشتن خود قانون اساسی هم‌احتیاج به‌حقوقدان داریم .

نایب رئیس — یک‌سلسله کلیاتی است که آگاهی برآنها عالمتر است اینهاتوی‌تفاصیل می‌آید وآگاهی برآنها دشوارتر است همه‌کسانی که‌اینجا نشسته‌اند می‌دانند که‌معاهده‌های بین‌المللی باید مخل به‌استقلال اقتصادی مملکت نباشد این را همه ما می‌فهمیم وچون همه ما می‌فهمیم... (حجتی کرمانی— اگر این را همه می‌فهمند دیگراحتیاج به‌حقوقدان نیست.)اجازه بفرمائید . (حجتی کرمانی — این مطالب کلی‌عام را که شما می‌فرمائید همه‌می‌دانند.) شما قرار بود تا عرض من تمام نشده صحبتی نفرمائید. ماگفته‌ایم که باید مخل به‌استقلال نباشد بنابراین ازنظراین کلی تخصصی هم نمی‌خواهدهمه‌مامی‌توانیم نظربدهیم غیرماهم میتواندنظر بدهدولی مصوبات مجلس شورای ملی وقتی تصویب میشود ومی‌خواهیم ببینیم آیا نمایندگان ملت دقت‌لازم کرده‌اند که‌آیا این مخل به‌استقلال است‌یانه وانطباقش را به‌این‌اصل‌رعایت کرده‌اند یا نه،اینجا اظهار نظر کارشناس میتواند قاطع باشد وما به‌آن اظهارنظر احتیاج داریم. شما در موضوع فقه هم که فرمودید ما نوشته‌ایم که قوانین باید برخلاف مبانی اسلامی نباشد این اصل را فقیه و غیرفقیه میداند ولی برای همین‌اصل که همه می‌دانند تشخیص اینکه فلان قانون مصوب منطبق بامبانی اسلام است یا نه،این به‌عهده فقیه‌است پس‌نمی‌توانید این‌دومقام را با هم مقایسه کنید. مقام تهیه قانون اساسی یک‌سلسله مختصات می‌خواهد، مقام انطباق و عدم آن یک‌مقام دیگر است یک‌سلسله تخصص‌هائی میخواهد که‌اینها عام وخاص من‌وجه هستند این را نفی‌نفرمائید.

حجتی کرمانی— شما خودتان درمورد مصونیت‌پارلمانی وعدم تصویبش شکایت داشتید علتش این‌بود که‌فقهای مادر مورد مصونیت پارلمانی به‌عقیده شما... (نایب‌رئیس— من‌چنین عقیده‌ای ندارم.) بالاخره آن را تصویب‌نکردند به‌علت اینکه آنرااز نظر حقوق بین‌المللی یک امتیازی‌می‌دانستند.

نایب رئیس — برحسب قراری که ماداریم این اصل را پس از طرح‌سؤالات وصحبت یک موافق و یک مخالف می‌توانیم به‌رأی بگذاریم . (صدوقی — من یک پیشنهادی دارم .) پیشنهاد شما مربوط به اصل بعدی است یکبار دیگر میخوانم (یکی از نمایندگان — اجازه بفرمائید من سؤالی دارم.) این صحبتها همه صبح در کمیسیون رد و بدل شد صبح وقتی در کمیسیون هستیم ومی‌گوئیم که جلسه بر وفق تشخیص آقایان اداره بشود آقایان‌یک مسائلی را می‌فرمایند بعد هم گاهی به من انتقاد میکنند که گاهی میدان را زیاد باز می‌گذاری و از حدود زمانی ممکن تخلف میکنی بعد اینجا خودتان می‌فرمائید نه (طاهری گرگانی — راجع به‌تعداد صحبت شد گفتید که‌این کار عملی نیست که‌شش نفر مجتهدجامع‌الشرایط باشند)اگر اجازه میدهید این اصل را هم از دستورخارج کنیم‌تابررسی بیشتری در مورد آن بشود یا اجازه بدهید که اصل را به‌رأی بگذاریم . (حجتی کرمانی — شما در یک محیط متشنج چرا می‌خواهید رأی بگیرید ؟) شماروش مجلس قانونگذاری را میدانید؟

حجتی کرمانی — اگر مجلس هنوز قانع نشده معلوم میشود که‌هنوز حرف دارند اجازه بدهید که بیایند حرفشان را بزنند وقتی بخواهید میگویندنه‌ما این را در عمل دیدیم .

ربانی املشی — همه مطابق‌آئین‌نامه‌حرفشان را زده‌اندمخالف وموافق‌صحبت کرده‌اند سؤالها هم‌مطرح شد این آقای حجتی توقع‌نداشته باشند که‌اگر اکثریت برخلاف نظر ایشان رأی دادند نظرایشان‌براکثریت‌تحمیل‌بشود .

حجتی کرمانی —نظر بنده این نیست من‌باید روشن‌بشوم که‌بعد مجبور نشوم‌رأی‌ممتنع بدهم. خدایا توشاهدی که من‌نمی‌خواهم درباره یک‌اصل‌ممتنع‌باشم این پشتوانه‌حفظ قانون اساسی است .

نایب رئیس — همه‌آقایان مثل شما متعهدهستند.

حجتی کرمانی — این مسأله شش نفر یا پنج نفر را حل‌کنید، یکی هم مسأله‌ای که آقای رحمانی‌گفت که عده‌ای که از طرف شورای رهبری معین میشوند همان حقی که مجلس شورای ملی درانتخاب‌آنها دارد در انتخاب پنج نفرقاضی هم داشته باشد.

نایب‌رئیس — شما گاهی مطالبی می‌فرمائید که به راحتی میتواند در اذهان مردم سوء تفاهم بوجود بیاورد ناچار هستم برای روشن شدن مردم از شما یک سؤال بکنم، شما می‌فرمائید که در یک مجلس قانونگذاری اعم از اینکه یک مجلس بررسی قانون اساسی باشد یا مجلس شورای ملی آینده، بحث درباره مطالب را باید آنقدرادامه بدهند که همه حاضران روشن بشوند و اصولا چنین روشی درکشورهای دنیا وجوددارد؟ پس مسأله اینکه می‌گویند به‌کفایت مذاکرات رأی بگیریدچیست؟ یعنی هنوزیک‌عده‌ای درمجلس هستند که مطلب برای آنها روشن نشده ولی اگر اکثریت مجلس‌گفتند که مذاکرات‌کافی است حقی هم ازآنان تضییع نشده ضعفی هم در قانونگذاری نیست من‌گمان نمی‌کنم هیچ سمیناری و هیچ مجلس درس و بحثی در دنیا وجود داشته باشد که مطالب برای همه شرکت‌کنندگان مویمو و صددرصد مورد قبول قراربگیرد معمول هست یک حدی برای بررسی مسائل قائل می‌شوند و بعدازآن که لااقل اکثریت حاضران‌گفتند مذاکرات‌کافی است، دیگر کافی‌است. (حجتی‌کرمانی — بنده ایرادم همیشه این بوده‌که رویه مجلس یکسان نیست شما درعصر پنجشنبه مطلب را آن‌قدرگسترده کردید...) عصر پنجشنبه را توضیح میدهم.

حجتی کرمانی — رویه همیشه این بوده که یک مخالف و یک موافق صحبت می کردند و بعدهم رأی می‌گرفتند ولی بعضی اوقات آن‌قدر مسائل را بسط وگسترش میدهید که همه خسته میشوند به‌طوری که مردم‌هم در تلویزیون می‌بینند وبعضی اوقات به‌طور فرمولی رأی میگیرید این دو روش غلط است.

نایب‌رئیس — همیشه صورتی که جلوی بنده هست از روی‌آن به‌ترتیب اجازه میدهم الان نام شماآخرین نفراست بعضی اوقات سی‌نفراسم نوشته‌اند وقتی پانزده نفرصحبت میکنند از مجلس سؤال میکنم که آیا سؤالات کافی است وقتی مجلس نظرداد که کافی است آن وقت به‌کفایت مذاکرات رأی می‌گیریم و سؤالات را تمام میکنیم. اما راجع به‌عصر پنجشنبه (حجتی — اجازه بدهید) آقا اجازه بدهید حرف من تمام شود.

کرمی — آقای حجتی شما چه‌حقی دارید که وضع مجلس را بهم می‌ریزید شما یک‌نفر هستید وبقیه هفتاد نفرهستند.

نایب‌رئیس — آقای کرمی بفرمائید بنشینید.

حجتی کرمانی — روش مجلس را اعلام کنید و همیشه یک روش را اعلام وآن‌را دنبال کنید الان شما باکم وزیادش صد روش تابه‌حال اعمال کرده‌اید من این را میگویم.

مکارم شیرازی — صبح تمام این بررسی‌ها به‌عمل آمده از ساعت سه تا کنون هم داریم صحبت میکنیم.

موسوی اردبیلی — صبح ایشان به‌من اعتراض داشت که توچرا اینقدر صحبت میکنی ولی خودش تمام وقت مجلس را میگیرد اعتراضی که به شخص من کرده به‌خود او وارداست.

نایب‌رئیس — اصل ۷۷ را میخوانم:

اصل ۷۷ (اصل نود و یکم)— به‌منظور پاسداری از احکام‌اسلام وقانون‌اساسی ازنظرعدم مغایرت‌مصوبات‌مجلس‌شورای‌ملی با آنهاشورایی‌بنام‌شورای نگهبان‌باترکیب زیرتشکیل‌میشود:

۱ـ شش نفر از فقهای عادل و آگاه به‌مقتضیات زمان و مسائل روزکه انتخاب این‌عده با رهبر و شورای رهبری است.

۲ـ شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی که از میان حقوقدانان مسلمان که به‌وسیله‌شورای‌عالی قضائی به‌مجلس شورای‌ملی معرفی میشوند با رأی مجلس انتخاب‌میگردند.

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی و شمارش آن به عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده حاضر هنگام اخذرأی شصت‌وهفت‌نفر، تعداد کل آراء شصت‌وهفت رأی، آراء موافق پنجاه وهفت‌رأی، آراء مخالف چهاررأی وآراء ممتنع شش‌رأی‌بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند)

۳ — طرح وتصویب اصل ۷۸ (اصل نود و چهارم)

نایب‌رئیس — اصل ۷۸ را می‌خوانم:

اصل ۷۸ — کلیه مصوبات‌مجلس‌شورای‌ملی باید به شورای نگهبان‌فرستاده شود.شورای نگهبان موظف است آن را ظرف حداکثر ده روز ازنظرانطباق برموازین اسلام و قانون اساسی موردبررسی قراردهد چنانچه‌آن را مغایر ببیند بایدآن را برای...

کریمی — برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند، این «باید آن‌را» زائد است.

نایب‌رئیس — بلی، «شورای نگهبان موظف است آن را ظرف حداکثر ده‌روز ازنظرانطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه مغایر ببیند، برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند در غیراین صورت قانون قابل اجرا نیست».

کریمی — درست است، باید اینطور باشد «درصورت عدم مغایرت، قانون قابل اجرااست».

مکارم‌شیرازی — اینجا در پیش‌نویس «درغیراین صورت قانون قابل اجرا است» میباشد.

تهرانی — بلی آقا اگر در ظرف ده روز نفرستاد معلوم میشود که مغایر نیست.

نایب رئیس — بلی اجازه بدهید یک سؤالی را که در نوشته آقای کریمی هست توضیح بدهم این معلوم است که وقتی مجلس تغییر داد باید برگرداند چون این مشمول آن اصل بالاست و دیگر تکرار نمی‌خواهد اینکه شما نوشتید که باید مجدداً آن را برگرداند این احتیاجی به ذکرش نیست چون این مشمول اصل ۷۷ است، وقتی تغییر داد یک مصوب جدید می‌شود و طبق اصل ۷۷ باز باید بیاید به شورا. خوب در این زمینه کسی سؤالی دارد؟ لطفاً اسامی را بنویسید.

کریمی — این جمله آخر ابهام دارد، درکجای این اصل است که مصوبات مجلس باید به‌تصویب شورای نگهبان برسد تا ارزش قانونی پیدا کند وقابل‌اجرا باشد؟ (دکترآیت — این را به‌صورت یک مؤخره نوشتند.)

نایب رئیس — اینجا یک نقطه نظری رعایت شده و آن این است که این عده موظف باشند در ظرف ده روز نظر خود را اعلام کنند. اگر در طی ده روز نظر خود را اعلام نکردند، ما تعطیل نکنیم مسائل قانونی را و مسئولیت برعهده این عده خواهد بود، این است که عبارت این‌طور نوشته شد «در غیر این‌صورت» یعنی اگر اینها مغایر ببینند باید بفرستند، اگر نفرستادند به این معنی است که مغایر ندیده‌اند. (دکتر آیت — یک اشکال دیگر هم هست.) یکی یکی با نوبت صحبت کنید آقای آیت را هم در لیست نوبت بنویسید، آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — آیا وقتی مجلس یک امری را تصویب کرد، مادام که شورای نگهبان صحه نگذاشته استعمال لفظ قانون صحیح است؟

نایب رئیس — ما که آنها را برداشتیم (سبحانی — تعبیرات هر دو قانون است.) آنها را برداشتیم.

سبحانی — بسیار خوب حال اگر به علت مفصل بودن لایحه و یا مریضی و تعطیلات و یا لزوم دقت بیشتر، شورای نگهبان موفق به بررسی لایحه نشد واقعاً قانونی میشود؟ یا باید اینجا قیدی بیاوریم که این صورتها خارج بشود؟ دوم اینکه نیاز ندارد بنویسیم مثل بعضی موارد که این اصل قابل تغییر نیست؟ یعنی از آن اصول محکم باشد که قابل تغییر نباشد؟

نایب رئیس — خیر کیفیت این اصل ممکن است عوض بشود و مثلا ده روز را بکنند پانزده روز آن چیزی که غیر قابل تغییر است انطباق با اصل اسلام است که نوشتیم. آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی — وقتی می‌نویسیم «در غیر این صورت» مصوبه اعتبار دارد یا قانون‌قابل اجرا است؟ اگر بخواهیم قراردادهای بین‌المللی که اشاره فرمودید باید حتماً ازاین کانال‌بگذرد.

نایب رئیس — باید بنویسیم مصوبه قابل اجرا است یعنی در اینجا هم صحیح این‌است

که این برای عمومش مصوبه باشد مثل جلوتر. آقای پرورش (پرورش — آقایان گفتند) آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — جمله آخر ابهام دارد «در غیر این صورت» برمیگردد به مغایر بودن و یا به خود قانون، اگرپیشنهادتان صراحت داشته باشد «قوانینی که به امضاء شورای نگهبان نرسد قابل اجرا نیست» به‌صورت منفی، یا به این صورت «با طی این مراحل است که قانونی قابل اجرا است» به این ترتیب از ابهام در می‌آید.

نایب رئیس — به توضیحی که خدمت دوستان دادم عنایت نفرمودید. توضیح داده شد که‌ما می‌خواهیم شورای‌نگهبان اگردرطی ده‌روز مسامحه‌ای کرد وقانونی را برنگردانید مسائل معطل نماند. بنابراین‌خواستیم یک‌اجبار والزام‌عملی داشته‌باشد شورای‌نگهبان بداند پس از ده روز هرگونه خلافی باشد به عهده اوست و مقید باشد در طی ده روز نظر مخالفش را بدهد واگر نظرمخالفش را نداد خود بخود معلوم میشود که قانون قابل اجرا است .

کرمی - «درغیر این صورت» و بنا به فرمایش شما شامل دوصورت است، یکی اینکه مغایر نباشد ویکی اینکه وقتی ده روزگذشت این قانون قابل‌اجرا است.

نایب رئیس — بلی اگر اینها مسامحه کردند قانون قابل اجرا است تا مرحله بعدی.

حیدری — اگر آنها ظرف ده روز جواب رد نکردند این‌قانون قابل اجرا است‌ولو مخالف قانون اساسی و اسلام هم باشد؟

نایب‌رئیس — این مسأله‌ای را که شما می‌فرمائید یک‌فرض‌ضعیفی است. آقای بنی‌صدر می‌خواهید صحبت کنید؟(بنی‌صدر— بله) اسمشان را بنویسید. آقای‌خزعلی بفرمائید.(خزعلی— این عبارت را عوض کنید.) آقایان تندنویسها نظرشان این است که آقایان بلندشوند و حرف بزنند چون‌آنها وظیفه دارند که بنویسند وصدا خوب نمی‌رسد.

خزعلی — این عبارت «ظرف حداکثر ده‌روز» غلط است بنویسید «حداکثر ظرف ده روز » دوم اینکه در ذیل بنویسید « این قانون قابل اجرا است» اگر مسامحه شد یا از سایر جهات خلاف اسلام بود مابه‌ضرس قاطع نگوئیم قابل اجرا است یک فکر دیگری بکنیم، شایددرواقع برخلاف‌اسلام بود، اینها یامسامحه کرده‌اند یاتوجه نداشتند بعد ما آنها راجریمه کنیم که‌چون شما مسامحه کردیدگناه به‌گردن شماست، ولی اگراین‌قانون‌غیراسلامی اجرا بشود، خوب نیست.

نایب‌رئیس — من مثال میزنم من یک تذکری بدهم، یک تصمیمی را فرماندار یک شهر میگیرد اصلا کاری نداریم به‌مجلس و دولت، فرماندار یک شهری یک تصمیمی‌میگیرد نظرچیست؟ نظراین‌است مادام که مغایرت این تصمیم با مبانی اسلام ظاهر وآشکار و تأیید نشده باید اجرا بشود، اصل اولی درتصمیمات اصلا این‌است که تصمیم باید قابل اجرا باشد مگر مخالفتش با اسلام ثابت‌شود.(خزعلی — ولی دراینجا خوب است احتیاط بشود... بگوئیم تا روشن نشده مخالفت آن بااسلام...) عرض بنده این است وقتی‌ما نوشتیم «درغیراین‌صورت» معنایش این‌است که اگریک چیزی را مجلس شورای ملی تصویب کرده ده روز فرصت‌قائلیم برای کنترل اینکه مخالف با اسلام و قانون اساسی نباشد وبی‌گوئیم بعدازاین ده روز قابل‌اجرا است، حالا اگر بعداز ده روز محرز شد که برخلاف اسلام یا قانون اساسی است بایدبرایش راه‌حلی فکر کنیم اما این غیرازاین‌است که شرط اجرا قراربدهیم.

مکارم شیرازی — برای رفع نگرانی آقایان نوشته شود «و اگرمغایر نبینند»(یکی از

نمایندگان — چه کسی نبیند؟)

نایب رئیس — عنایت بفرمائید اینکه فرقی نمی‌کند آنچه نظر آقایان را تأمین می‌کند این است که باید برای حالتی که پس‌ازگذشت ده روز ثابت شد...

بنی‌صدر — فردا آمد شورای نگهبان عوض کرد چون مسئولیتشان این بوده، مسامحه یعنی چه؟

نایب‌رئیس — برای اینکه این‌قانون، قانونی بودنش کامل باشدمیتوان‌راه‌حلی‌پیش‌بینی کرد و درهمین اصول‌آورد این حالت را برایش اصلی درنظرخواهیم‌گرفت.

کرمی — این اصلی که جنابعالی می‌گوئید این اصل درقوانین مصوبه مجلس ، صحت است، این درصورتی صحیح است که نمایندگان مجلس مردمان متشرع و متدین وآگاه‌به‌احکام اسلامی باشند اما اگر خیر، هرکسی به‌کسی رأی داد و آمد، یک‌نفر عوام چه میداند این مطالب چه هست وچه نیست، این‌اصل درباره اومتمشی نیست.

نایب‌رئیس — آقای موسوی زنجانی بفرمائید.(موسوی زنجانی — این جمله «مصوبات قابل اجراست» خیلی ابهام دارد.) بسیارخوب، اجازه بدهید بانوبت، آقای آیت بفرمائید.

دکترآیت — قسمت آخر این اصل مبهم نوشته شده، فرض کنیم که قانونی رفت به شورای نگهبان وشورای نگهبان آن را مغایر اسلام و قانون اساسی دانست‌برگردانید به‌مجلس و مجلس دوباره نظری داد که دوباره مغایر قانون اساسی و اسلام بود، من معتقدم‌آخرش را به‌این نحو اصلاح بکنیم وبنویسیم « ودرهرحال مصوبات مجلس وقتی قابل اجرا است که ازنظر مطابقت با اسلام و قانون اساسی به‌تصویب نهائی شورای نگهبان رسیده باشد.»

نایب رئیس — حالا اگر شورای نگهبان یک ماه طول داد چه؟

دکترآیت—شورای نگهبان را ما نمی‌توانیم‌مقید کنیم‌ماميتوانیم برایشان‌آئین‌نامه‌بنویسیم و خودشان آئین‌نامه بنویسند که جلساتشان مرتب تشکیل بشود، وگرنه نه مجلس شورا را میتوانیم مقید کنیم که ظرف ده روز یا پانزده روز یک کاری را انجام بدهد و نه شورای نگهبان را، چون فرض اینست که شورای نگهبان هم به فکر مملکت است و سوء نیت هم ندارد وظرف حداقل مدت ممکن تصویب می‌کند، وقت‌گذاشتن صحیح نیست چون باید جلساتش مرتب تشکیل بشود و به هر حال نظرش را بدهد.

نایب رئیس — اجازه بدهید تا من آن نقطه نظر گروه را عرض کنم، نقطه نظر گروه اینست که ما به جمیع جوانب توجه کنیم، هیچوقت عنان کشور و دولت را به دست چند نفر نسپاریم. یک قانونی تصویب میشود، کافی است که شورای نگهبان این را عقب بیندازد و این تأخیر خلاف مصلحت ملت باشد. (کرمی — تأخیر انداختن با وصف عدالت مجتهد هم که سازش ندارد.) محصور که‌نیست‌جناب‌آقای کرمی. (دکترآیت— فرض کنید دومجلس داریم‌شورا و سنا.) اجازه بدهید عرض من تمام بشود آقای کرمی، بنابراین اصولا اینکه چند نفری تحت عنوان شورای نگهبان کمترین امکانی برای در دست داشتن عنان امور مملکت را ولو برای دو روز، سه روز، چهار روز، ده روز داشته باشند، به نظر ما ها مصلحت نیامد ، منتها همانطوریکه عرض شد آقایان یک حالتی را می‌فرمائید که بجاست برای این حالت باید اصل دیگری تنظیم بکنیم که به راحتی هم قابل تنظیم است و آن اینست که... حالا یک مثالی دیگر عرض کنم خیلی بهتر، اگر شورای نگهبان در طی ده روز نوشت که این قانون مخالف با اسلام و

قانون اساسی نیست ولی بعد از بیست روز فهمید اشتباه کرده، ما برای آن هم باید فکری بکنیم، بنابراین اینطور می‌گوئیم که همیشه امکان اظهارنظر مجدد باشد اگر در نظر مجدد نفی کرد ، نفی او حاکم باشد، اما آن چیزی که اینجا میخواهید قرار بدهید غیر از اینست، شما میخواهید بگوئید قانون، قانونی نیست مگر مهر و امضای شورای نگهبان پایش باشد، زمان هم برایش قائل نیستید، این خیلی مشکل ایجاد میکند، بنابراین اگر آقایان موافق باشند یک اصلی را اضافه میکنم که در هر زمان شورای نگهبان تشخیص داد که...

بنی‌صدر — زندگی مردم را که نمی‌شود متزلزل کرد شما یک قانون وضع می کنید و یک حقوق و تکالیفی ایجاد می کنید یک سال بعد شورای نگهبان میگوید رأی یک سال پیش بنده اشتباه بوده و زندگی مردم هر روز متزلزل می‌شود.

نایب‌رئیس— آقای دکتربنی‌صدردر کشورهای دارای‌پارلمان، دادگاه قانون‌اساسی یعنی محکمه عالی قانون اساسی در مواردی که شکایت کنند که یک قانونی برخلاف قانون اساسی است رسیدگی و اظهار نظر می کند.

بنی‌صدر — میدانم، باید فکر آن ضرر و زیانش را هم بکند.

نایب رئیس — این رویه‌ها موجود است.

بنی‌صدر — بالاخره فکر این چیزها را هم می کنند اینطور نیست که یک نفر رفته یک کارخانه‌ای درست کرده، شما بگوئید خلاف شرع است.

نایب رئیس — این‌درست است، پس بفرمائیدبنویسیم اگر چنین شدضررها را جبران کند این اشکالی ندارد. میخواستم عرض کنم که اگر ما چنین اصلی داشته باشیم میتواند نقطه‌های ابهام را برطرف کند. آقای مکارم مطلبی هست؟ (مکارم — موافقم.) آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — معمولا درجائیکه تاریخ گفته میشود باید مبدأ تاریخ مشخص باشد در مورد «حداکثر ظرف ده روز» باید یادآوری کرد از تاریخ تصویب یا وصول یا...

نایب رئیس — درست است «وصول» است.

گلزاده غفوری — و اگرخواستید اصل دیگری اضافه کنید عجله نکنید حتماً مورد بحث قرار بگیرد برای اینکه مشکلات تازه‌ای ایجاد میکند.

نایب رئیس — بی شک ما آن اصل را در گروه شور می کنیم. آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — وقتی می‌گویند که قانون باید به شورای نگهبان فرستاده شود و شورای نگهبان بعداً به مجلس بازگرداند فرض بفرمائید مجلس حدود بیست روز زحمت کشید و یک قانون را به تصویب رسانید فرض بفرمائید که شورای نگهبان در مشهد یا در قم نشسته ، بفرستند آنجا بعد آنها تأیید بکنند و برگردانند چه اشکالی دارد که ما اینطور بنویسیم که‌اعضای‌شورای نگهبان در موقع طرح مسأله هم در مجلس باشند و جزء مجلس باشند و در آن موقع اظهارنظر بکنند که مخالفند یا مخالف نیستند، وقتی گفتند مخالفیم دیگر لایحه طرح نشود حتی در موقع تصویب هم در مجلس باشند که اظهارنظر بکنند تا در تصویب قوانین تسریع‌شود. (سبحانی — اصل ۸۰ روشن کرده است.)

نایب رئیس — بسیار خوب آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — همانطوریکه صبح هم در جلسه گفتم نظر جناب آقای طباطبائی همین

بوده که به‌جای «مصوبات»، «لوایح» بگذاریم یعنی لوایح باید قبلا به‌نظر شورای نگهبان‌برسد و انطباق یا عدم انطباقش با موازین اسلامی روشن بشود بعد در مجلس طرح بشود. من اضافه میکنم این مطلب را که شورای نگهبان اصلا موظف باشد در مجلس باشد، نه اینکه بروند در خانه‌شان بنشینند بعد همه را بفرستند آنجا.

نایب رئیس — عنایت بفرمائید به هر سه نکته توضیح میدهم و اما آن نکته اول که فرمودید لوایح اصطلاحاً لایحه... (حجتی کرمانی — طرحها یا لوایح.) (آیت — اشکال پیش می‌آورد.) پس میشود مصوبات، اشکال سر چیست؟ بنابراین مصوبات اعم است و امااینکه می‌فرمائید قبل از تصویب، خوب اینها یک چیزی را گفتند خلاف نیست در جریان تصویب یک گوشه‌اش تغییر کرد پس اینطور میشود که اینها باید آخرین نظر را بگویند خلاف نیست میشود مصوب دیگران... (حجتی کرمانی — خودشان هم به عنوان یک وکیل مجلس آنجا نشسته‌اند ونظرمیدهند.) میخواهید رأی اینها یکی از آراء باشد یا رأی ممتازباشد؟ (حجتی کرمانی — رأی ممتاز اول) اول یعنی چه وقت؟ (حجتی کرمانی — لایحه یا طرح به مجلس بیاید یا نیاید.) آقای حجتی چرا توجه نمی‌فرمائید به مطلب. عرض میکنم لایحه‌ای را نظر دادند که مطابق شرع است و به مجلس آمد و نمایندگان در لایحه تغییراتی دادند و درپایان باز اینها باید روی این تغییرات نظر بدهند یا خیر؟ (حجتی کرمانی — مسلماً نظر می‌دهند.) خوب، مثل همین میشود، و اما اینکه می‌فرمائید جایشان در مجلس باشد البته آنها نه در قم هستند نه در مشهد، شورای نگهبان باید همانجائی باشد که مجلس قانونگذاری هست.

مکارم شیرازی — در این مورد بحث شد که اگر اینها در داخل مجلس باشند تولید اشکال میکند مگر در موارد ضرورت، چون با رأی ممتاز آنجا هستند و انعکاسی دارد که اینها حق وتو دارند اما وقتی آنها آزاد باشند در بحث خودشان و اینها کار خودشان را بکنند، تولید اشکال نمی کند.

نایب رئیس — آقای بنی‌صدر بفرمائید. (حجتی کرمانی — ... آنجا ناظر بر مذاکراتند.) آقای حجتی خواهش می کنم. آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — اینکه در مجلس باشند ، اجباراً هم به آنها تحمیل میشود و هم از نظر مجلس اینطور تلقی میشود که ما یک عده‌ای قیم آنجا نصب کرده‌ایم که بچه ها زیادی فضولی نکنند اما اگر آزاد باشند هر وقت مایل بودند می‌توانند بروند و هر لایحه‌ای را مهم دیدند خودشان میروند می‌نشینند و هر لایحه را مهم ندیدند لایحه را میبرند پیش آنها.

نایب رئیس — آقای دکتر روحانی بفرمائید.

دکتر روحانی — آنطوریکه من استنباط می کنم اگر یک مصوبه مجلس را فرستادند شورای نگهبان و درظرف ده روز رسیدگی کرد وپاسخ نداد، از این نظرکه مغایرت دارد این قابل اجراست. بنابراین نفرستادن جواب، تلقی مثبت است بر قبول، پس ما چرا اینجا مثبت ننویسیم؟ یعنی بنویسیم که «شورای نگهبان موظف است در مدت ده روز نظریه خود را اعلام دارد».

نایب رئیس — این تکرار است آقای روحانی، قرار شد سؤالات تکراری نکنیم این سؤال شد و توضیح هم داده شد. آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری‌خرم‌آبادی — عرض کنم که یک فرض دیگری هم وجود دارد که برای‌آن‌فرض هم

یک فکری بفرمائید وآن اینست که اگر دراین ده روز شورای نگهبان نتوانست نظر نهائی بدهد، مخصوصاً در آن قسمت جنبه‌های تخصصی تطبیق قانون اساسی برآن لوایحی مثل عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌ها، بنابراین برای آن‌فرض هم باید فکری بشود که ده روز بگذرد ونتوانند نظرمثبت یا منفی بدهند.

نایب‌رئیس— عرض‌شد که برای مواردااستثنائی باید فکری بشود. (طاهری خرم‌آبادی— این فرض هم یکی ازآن موارد استثنائی است.) بسیار خوب آقای طاهری‌گرگانی بفرمائید.

طاهری‌گرگانی— اولا نظر آقای طباطبائی را عرض کنم، فرمودند که درست تشریح نشد. حالا اگر بنده بتوانم تشریح بکنم. ایشان‌نظرشان این بوده که‌شورای نگهبان دربرابر نمایندگان قرار نگیرد که هرروز مرتب رد کند وهمان مسأله قیم که تذکر داده شد پیش بیاید. همراه بودن اینها نظر خود بنده بود که صبح عرض کردم. همراه بودن اینها با مجلس هیچ اشکالی ندارد به علت اینکه اینها فقط به انطباق وعدم انطباق توجه دارند. راجع به آنچه‌درمجلس بحث می‌شود یک نظارتی هم دارند. راجع به تعدادش هم عرض کردم شش‌نفر عملی نیست شش نفر فقیه جامع‌الشرایط...

نایب‌رئیس— آنکه گذشت وتمام شد. آقای فوزی بفرمائید. (فوزی— مطلبی ندارم.) آقای دکتر قائمی بفرمائید.

دکترقائمی— من یک‌مطلب خیلی جزئی دارم، درباره بررسی یک‌مصوبه جهت‌تشخیص انطباق آن با موازین اسلام یک دفعه هست که شورای نگهبان احساس می‌کند که مصوبه نارسائیهائی دارد یا ایهام دارد یا مطالبش شبهه آمیز است درآن صورت می‌فرستد به مجلس برای تجدید نظر، اما آنچه که درمتن است اینست که ذکرمی‌کند مصوبه مغایر با اسلام باشد، درچنین صورتی این را باید ابطال کرد، نه‌تجدید نظر، شورای نگهبان بایستی که‌آن مصوبه‌را باطل کند چون مغایر با اسلام است. متن را ملاحظه بفرمائید.

نایب‌رئیس— بلی توضیح می‌دهم خدمتتان چون مغایرت یک وقتی دریک‌گوشه است وچون دریک‌گوشه است، می‌فرستند می‌گویند این‌گوشه‌اش با قانون‌اساسی ویا با اسلام‌مغایراست اصلاحش کنید، پس همیشه ابطال نیست‌گاهی هم اصلاح است. خوب صحبتهای دوستان تمام شد من یک‌باردیگر این‌اصل‌را برای رأی‌گیری می‌خوانم بااصلاح لفظی که‌شد وبرای‌اطمینان خاطر دوستان که می‌خواهند رأی بدهند این توضیح را عرض می‌کنم که این حالت‌هائی که تشخیص آن به‌بعد موکول می‌شود بعداً یک اصلی خواهیم آورد که این قسمت راکاملاتضمین کرده باشد و این برای اینست که جریان قانونگذاری کند نشود و دریک موارد استثنائی که آن حالت پیش بیاید یک اصلی را خواهیم داشت. (یکی‌از نمایندگان— دنباله‌اش را بگذارید برای بعد که‌آن اصل‌آمد باهم بگذارید.) آن‌راکه قرارشد بگذاریم دراصل دیگر هر نظری که می‌خواهید بدهید آنجا بدهید مگر نگرانید که آن اصل نیاید ؟

حجتی کرمانی— برای ثبت درتاریخ عرض می‌کنم الان رأی‌گیری این‌غیرازرأی‌گیریهای قبل است برای اینکه یک موافق ویک مخالف نیامدند صحبت کنند.

نایب‌رئیس— باید یکایک برای شما توضیح بدهیم بین این آقایان که اسم نوشته‌بودند کسی نبود.

حجتی کرمانی— شما نظرتان این بوده که یک مخالف ویک موافق صحبت کنند الان

توضیح بدهید .

نایب‌رئیس— دارم توضیح می‌دهم شما توضیح می‌خواهید اماگوش نمی‌دهید بعدهم رأی سفید می‌دهید. من سؤال که می کنم اگر کسی بگوید مخالف، جلوی اسمش می‌نویسم مخالف وبعد که او صحبت کرد می‌گوئیم یک موافق هم صحبت کند وقتی آقایانیکه اسم‌نوشتند همه یک توضیح یا یک سؤال کوچک داشتند موارد دیگر هم پیش آمده بود چون مخالفی نیست موافق هم صحبت نمی کند .

فارسی— نظر آقای حجتی اینست که شما وادارشان کنید که یکی به‌عنوان مخالف ویکی به عنوان موافق صحبت کنند .

نایب‌رئیس— بلی.(حجتی کرمانی— وادار نه،اعلام) اجازه بفرمائید، آقای حجتی روزی چند بار بنده را محاکمه می کنند اصل ۷۸ را قرائت می کنم :

اصل ۷۸ (اصل نود و چهارم)— کلیه مصوبات‌مجلس‌شورای‌ملی باید به‌شورای نگهبان فرستاده شود شورای نگهبان موظف است آن‌را حداکثر ظرف‌ده روز از تاریخ‌وصول از نظرانطباق برموازین‌اسلام وقانون اساسی مورد بررسی قراردهدوچنانچه آن‌را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. درغیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

(اخذرأی وشمارش آن به عمل آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده حاضرهنگام اخذرأی شصت‌وچهار نفر، شماره کل آراء شصت‌وسه‌رأی گویا یک نفرداثناء اخذ رأی وارد جلسه شده است آراء موافق‌چهل‌وهشت رأی، آراء مخالف شش رأی، آراء ممتنع نه رأی تصویب شد، تکبیر . (حضارسه‌مرتبه تکبیرگفتند)

٤ — طرح و تصویب اصل ۸۰ (اصل نود و ششم)

نایب‌رئیس— ازگروه می‌خواهم یک اصلی را برای این موارد استثنائی با درنظرگرفتن همه جوانبش تهیه بکند .

تهرانی— اگر اجازه می‌فرمائید آن اصلی که می‌خواهید الان مطرح کنید وشماره آن ۷۹ است شماره آن به ۸۰ تبدیل بشود .

نایب‌رئیس— آقای تهرانی، پیشنهاد خوبی است چون جای آن اصل که‌مورد نظرآقایان هست باقی می‌ماند. آقای ربانی املشی بفرمائید.

ربانی‌املشی— یک‌اصلی را صبح عده زیادی امضاء کردند وفرستادیم خدمتتان که‌راجع به شورای نگهبان بود .

نایب‌رئیس— آن راهم رسیدگی می کنیم. (تهرانی— نظیر همین است‌اگر آن را با این یکی کنید بهتر است.) اصل ۸۰ مطرح است که می‌خوانم :

اصل ۸۰— تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای‌ملی با احکام اسلام بااکثریت مجتهدین شورای نگهبان وتشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضاء شورای نگهبان است .

نایب‌رئیس— آقای انواری بفرمائید .

انواری— این‌اکثریت برچه ملاک است زیرا ممکن است چهار نفر از مجتهدین بگویند مغایر با احکام اسلام است ودو نفر بگویند موافق است وآن دونفر براین چهار نفر اعلم‌باشند.

نایب‌رئیس— آن شش‌نفر را طوری انتخاب می‌کنیم که دیگر دعوای اعلمیت نداشته باشند. آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی— درهیچ یک ازاین اصول منعکس نشده است که هر قانونی تا از طرف شورای نگهبان تأیید نشود قابل اجرا نیست یعنی ملت باید بدانند که این‌قانون را شورای نگهبان تأیید کرده است تا ازآن تبعیت کنند.

نایب‌رئیس— آقای‌طاهری آن ذیلی که‌راجع به‌آن‌بحث کردیم راجع به‌همین‌مطلب بود.

طاهری‌خرم‌آبادی— آن ذیل راجع به‌این‌بود که اگر آن قانون را ظرف‌ده روز برنگرداندند قانون قابل اجرا است ازآن طرفش را من می‌گویم.

نایب‌رئیس— حالا می‌خواهیم بگوئیم این‌را نمی‌خواهد. آقای فوزی بفرمائید.

فوزی— میزان تشخیص تغایر یا عدم تغایر قوانین مصوبه با احکام اسلامی چیست؟ برای اینکه احکام فقها مختلف است یک وقت ممکن است مجلس شورای ملی یک قانونی تصویب بکند که مطابق آن منظور باشد واکثراً هم همینطور است مثلا در ارث بردن زوجه از ماترك زوج یا موارد دیگر، حالا اگر اکثریت یا همه مجتهدین فقهای نگهبان مبنایشان بر مبنای مفهوم مخالف بود وآن قانونی را که درمجلس شورای‌ملی تصویب شده است موافق با قانون اسلام دانستند آن وقت تکلیف چیست؟

نایب رئیس — کاری ندارد اگر یک مرجع تقلیدی یا یک فقیهی در رساله‌اش یک فتوائی برخلاف قول مشهور بنویسد مگر نمی‌گوئید عمل به فتوای او مجزی است برای اینکه درفتوای هرکسی این امکان وجود دارد. (فوزی— میزان مبنای خودشان است؟) میزان‌فتوای خودشان‌هست والا که‌مجتهد نمی‌گفتیم مجتهد هستند وفتوایشان‌مجزی‌است‌آقای قرشی‌بفرمائید.

قرشی— این مسأله که اینجا می‌گوئیم «بااکثریت مجتهدین شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است» از این اصل اینطورفهمیده می‌شود که آن شش نفر یا هشت‌نفر حقوقدان کاملا از اسلام بی‌خبرهستند. راجع به آن جریان نوشته شده با اکثریت مجتهدین و راجع به‌این جریان نوشته شده با اکثریت همه. به عقیده من اگر طوری نوشته بشود که این تبعیض برداشته شود بهتر است.

نایب‌رئیس— یعنی دوتا شورای نگهبان باشد؟

قرشی— خیر فقط این طور باشد که تشخیص مطابقت یا عدم مطابقت با اکثریت شورای نگهبان باشد.

نایب‌رئیس— آن وقت باید عددها را طوری بکنید که حتماً یک فقیه درآنجا باشد والا ممکن است یک فقیه هم درآن شورا نباشد. آقای قرشی اینها روشن است زیرا بحث این مطالب علی‌القاعده شده است. آقای مکارم سؤالی هست؟

مکارم شیرازی— دربالا «فقها» نوشته شده ودراینجا نوشته شده «مجتهدین» ودرگروه‌هم راجع به‌این بحث شد. خواهش می‌کنم این راهماهنگ کنید.

نایب‌رئیس— معلوم است که باید بشود فقها وبحثی هم ندارد بنابراین سؤالی نیست؟

تهرانی— ایشان می‌گویند آنجائی که مساوی درمی‌آید آن طرفی که رأی رئیس هست مقدم است و در ذیل تطبیق شود.

نایب‌رئیس— این مطلب درآئین‌نامه مشخص می‌شود درآئین‌نامه می‌گویند اکثریت

چگونه باشد ومعمولا باید آئین‌نامه آنرا روشن کند بنابراین اصل‌را برای رأی‌گیری می‌خوانم :

اصل ۸۰ (اصل نود و ششم) — تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای‌نگهبان است.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— حاضران در جلسه شصت و چهارنفر، شماره کل آراء شصت و چهاررأی، آراء موافق پنجاه وهشت رأی، آراء مخالف دورأی، آراء ممتنع چهاررأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

۵ — طرح و تصویب اصل ۸۱ (اصل نود و هفتم)

نایب رئیس — اصل ۸۱ قرائت میشود.

اصل ۸۱ — به منظور تسریع درکار، اعضای شورای نگهبان می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند، اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستورکار مجلس قرارگیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

نایب رئیس — سؤالی نیست؟ (تهرانی — این هم صحبت ندارد.) آقای رحمانی فرمایشی دارید؟

رحمانی — بعد از «مذاکرات را استماع کنند» باید اضافه شود « و نظر خود را بدهند».

نایب رئیس — آقای دکتر آیت.

دکتر آیت — قسمت آخرش مبهم است یعنی معلوم نیست که در همان مجلس بایدنظر خودشان را بدهند یا خارج از مجلس.

نایب رئیس — مطلق بگذاریم راحت‌تر است ولی وقتی فوریت دارد نگاه میکنند که متناسب با فوریت چه هست و نظر می‌دهند. آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — اینکه نوشته شده است اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند حالا شاید نیامدند آیا آن ده روز قبلی به قوت خود باقی هست یا نه؟

نایب رئیس — ما می‌گوئیم موظفند که بیایند وظیفه برایشان تعیین می‌کنیم که باید بیایند اگر ندارد، باید بیایند مثل این میماند که بگویند نمایندگان نیامده‌اند، خوب‌وظیفه‌شان هست که بیایند. حالا یک بار دیگر میخوانم و اعلام رأی میکنم:

اصل ۸۱ (اصل نود و هفتم) — به‌منظورتسریع درکار،اعضای‌شورای‌نگهبان‌می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند، اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستورکار مجلس قرارگیرد، اعضای شورای نگهبان بایددر مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — حاضران در جلسه شصت و دو نفر، تعدادکل آراء شصت و دو رأی، آراء موافق پنجاه‌وهشت رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع سه‌رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

۶ — طرح اصل ۸۲

نایب رئیس — اصل ۸۲ مطرح است که میخوانم:

اصل ۸۲ — شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور و مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) را نیز به عهده دارد .

درخواست مراجعه به آراء عمومی باید از طرف رئیس‌جمهور یا دو سوم از نمایندگان مجلس شورای ملی باشد و برای اجراء به شورای نگهبان تسلیم شود.

نایب رئیس — آقای سبحانی بفرمائید. (سبحانی — راجع به این توضیح بدهید.) توضیحش این است که ما مسأله‌ای داریم به عنوان همه‌پرسی و مراجعه به آراء عمومی و همچنین انتخاب رئیس‌جمهور که چیزی است شبیه همه‌پرسی و چون انتخاب به وسیله عموم ملت و به طور مستقیم است در این موارد خواسته شده که نظارت بر این قسمت صرفاً در اختیار دولت یا رئیس‌جمهوری قبلی نباشد بلکه یک مقام مقننه‌ای یعنی یک مقامی که دور از مسائل اجرائی و دور از حب و بغض‌هائی است که در اجرا پیدا میشود او هم براین قسمت نظارت کند برای اینکه این مقام مشخص بشود در مطالعات قبلی به این نتیجه رسیدیم که‌مناسب‌ترین آن همین شورای نگهبان است البته حالا که مسأله رهبر و شورای رهبری مطرح میشود ممکن است به نظر برسد خوب است که از وظایف او باشد ولی به نظر ما همین حالا هم بهتر اینست که این کار از دایره کار رهبر و وظایف رهبری کنار باشد مسأله تنها موضوع نظارت است‌برای اینکه در هر زمان رهبر و شورای رهبری خوب است که ازکارهائی که میشود به عهده دیگران گذاشت ، فارغ باشند و واقعاً تنها مسئولیت کارهائی را داشته باشند که جز از آنها نمی‌توان انتظارداشت. (یزدی — چون فقهای شورای نگهبان از طرف رهبر یا شورای رهبری انتخاب می‌شوند در حقیقت...) بلی منظور من هم اینست که چرا مستقیماً نیست این توضیحی است که درباره این اصل خدمت دوستان داده شد حالا می‌پرسیم ببینیم از دوستان ما چه کسی سؤال دارد و چه کسی موافق و چه کسی مخالف است وکارمان را ادامه میدهیم. آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — در اول اصل نوشته شده «شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس‌جمهور و مراجعه به آراء عمومی» و بعد در آخر نوشته شده است « برای اجرا به شورای نگهبان تسلیم میشود» این موهم اینست که شورای نگهبان در اینجا نقش قوهٔ مجریه را ایفا میکندمیخواستم صریحتر از این نوشته شود که معلوم باشد که میتواند نظارت کند و اجرا را به عهده دیگران بگذارد یا اینکه می‌فرمائید اینجا تخصیص خورده است و اجرا با شورای نگهبان است این موهم است باید صریحتر باشد.

ربانی‌شیرازی— اول باید توضیح داده‌شود که مراد کدام است اجرا است یانظارت است.

نایب رئیس — نظارت است.

رحمانی — اجرا به عهده کیست این هم باید معلوم باشد والا ابهام دارد.

نایب رئیس — در حقیقت آقای رحمانی سؤالی را میفرمایند که ناچاریم مسأله را ازهم بازکنیم سؤال اینست که تقاضای برگزاری رفراندوم و همه‌پرسی برای اجرا آیا باید به شورای نگهبان یا به رئیس‌جمهور و یا به دولت داده شود چون آن چیزی که در دو سطر اول داشتیم راجع به نظارت اینها بود که کاملا مفهوم بود مجری هم که مسلماً دولت است یعنی کارهای

اجرائی همه‌پرسی که خیلی‌وسیع است و همانطورکه در این تجربه‌ای که داشتیم ملاحظه فرمودید بنابراین در اینکه مجری دستگاه دولت است بحثی نیست. شورای نگهبان هم که نمی‌تواند مستقیماً دستوری به دستگاه اجرائی بدهد بنابراین اجرا باید برعهده رئیس‌جمهور یا دولت باشد از طرف دیگر ما این طور می‌توانیم بگوئیم که اگر تقاضای همه‌پرسی را خود رئیس جمهورکرده است ما اینجا گفته‌ایم خود رئیس‌جمهور حتی اگر تقاضای همه‌پرسی دارد باید به شورای نگهبان بفرستد یعنی شورای نگهبان باید تأییدکندکه تقاضای رئیس‌جمهور بجا است. (دکترآیت— چنین چیزی را ننوشته‌است.) بنده حالا دارم بیان میکنم بعد سراغ عبارتش میرویم و همچنین اگر دو سوم نمایندگان چنین تقاضائی دارند وقتی که می‌گوئیم باید به اینجا بفرستند اگر اینها صرفاً مجری بودند صحیح بود که بگوئیم برای اجراوالااگر منظور این است که تقاضای رفراندوم دو سوم نمایندگان را باز اینها تأییدکنندکه بجا است اگر اینطور باشد بنده فکر میکنم (تهرانی — برای تأیید و اجرا) فقط میشود برای تأیید (دکتر آیت — برای جلب موافقت) (بنی‌صدر — اینجا هم مثل انجمن نظار میشود) (مکارم شیرازی — یک نقش دیگری هم دارد) خوب این نقش را میخواهند به‌او بدهند. (بنی‌صدر— نقش انجمن نظار را دارد.) پس آن دوسطر زیادی است. (کرمی— این مطالب اینجا زیادکشش دارد.) (بنی‌صدر — آن دو سطر آخر باید بیاید به جای خودش) اگر این طور باشد دو سطر آخر زیادی است اگر ما برای شورای نگهبان حق اظهار نظر در به مورد بودن یا نبودن تقاضای همه پرسی راکه از طرف رئیس‌جمهور یا دو سوم نمایندگان میرسد بخواهیم بدهیم باید در اینجا قیدکنیم و اگرنخواهیم چنین حقی بدهیم آن دو سطر آخر زیادی است، آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر — این حق را باید بدهیم برای اینکه آنها پاسدار قانون اساسی هستند و خودشان باید نظر بدهندکه آیا صحیح است که در آن دخالت بشود یا صحیح نیست که در آن دخالت شود.

نایب رئیس — رفراندوم همیشه لازم نیست که درباره قانون اساسی باشد گاهی اوقات یک مسأله‌ای هست ملاحظه کنید در اتریش همین چندی قبل این بحث پیش‌آمدکه آیا راکتور اتمی که در مرز اتریش و چکسلواکی ساخته بودند حتی بعد از اینکه ساختمانش تمام شده بود (و شاه هم وعده داده بود که تفاله‌های اتمی را بگیرد و درکویر اینجا دفن کند وآنها را از شر اشعه و تابشهای مضر این تفاله‌ها مصون نگهدارد با تمام احوال که این قول را داده بود) بالاخره ملت در باره اینکه آیا این تصمیم دولت بجا است یا نه اختلاف نظر پیداکردند و چون مسأله مهم بود با این که دولت، دولتی بودکه‌اکثریت داشت وقانونی بود چون‌مسأله مهم بود نیامد از مجلس رأی اعتماد بگیرد مثل این چیزی که ما پیش‌بینی کردیم گفت ازملت باید در این باره رأی بگیرند مسأله را به رفراندوم گذاشتند و نتیجه مثبت هم نبود و در نتیجه راکتور ساخته شده و آماده بی‌استفاده فعلا سر جای خودش قرار دارد خوب این ربطی به‌قانون اساسی ندارد.

ربانی املشی — رفراندوم ولو مربوط به قانون اساسی نباشد ولی این جهت باید بررسی شودکه این رفراندوم مطابق قانون اساسی هست مخالفی دارد یا ندارد و با شرع مخالفتی دارد یا ندارد باید بررسی شود.

تهرانی — بنویسید برای تأیید و اجرا.

مکارم شیرازی — این نکته را اشاره کنید که آیا رفراندوم مطابق قانون اساسی هست؟

سبحانی — باید یک اصلی اضافه کرد که موارد تجویز رفراندوم کجا است چون تشخیص این که آیا اینجا رفراندوم جایز است یا نیست با شورای نگهبان است که این یک اصل میشود و یک اصل دیگری هم باید نوشت که شورای نگهبان حق نظارت در چه مواردی را دارد و این دو مطلب را نباید مخلوط کرد.

نایب رئیس — اجازه میدهید بنده یک مسأله‌ای را عرض کنم فقط یک توضیح میدهم و آن وقت یک مسأله‌ای در اینجا هست که توجه به آن لازم است و آن این است که شیوه قانونگذاری تا اینجا مجلسی بود. ما الان میخواهیم بگوئیم در مواردی از آن شیوه به یک شیوه دیگر که رفراندوم باشد عدول شود. بنابراین چندان نابجا به نظر نمی‌رسد چون ما که نمی‌خواهیم بگوئیم همه‌جا حق رفراندوم هست بنابراین اظهار درباره این استثنائی که به‌شیوه قانونگذاری میخورد بالاخره از حقوق یک کسی باید باشد و مناسبترین آن همین شورای نگهبان است. آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — در مورد این اصل دو قسمت است. قسمت اول نظارت به انتخاب رئیس جمهور و مراجعه به آراء عمومی را به عهده شورای نگهبان گذاشته و بجا هم هست، اما یکی ازاشکالات ما همیشه انتخابات‌خود مجلس بوده‌است که زیرنظر قوهٔ مجریه بوده ومداخله می کرده است من معتقدم یا آن هم زیر نظر شورای نگهبان یا دیوانعالی کشور باشد یا مرجع دیگری که قوهٔ مجریه نباشد و تکلیف آن را همین‌جا بتوانیم تعیین کنیم.

حجتی کرمانی — اگر مجلس شورای ملی باشد چه اشکالی دارد؟ چون شورای نگهبان هم بالای سر مجلس شورای ملی هست.

دکتر آیت — من یک مطلب دیگر را میگویم من نظارت بر انتخابات مجلس شورای ملی را میگویم در قسمت دوم مراجعه به آراء عمومی را یا از طرف رئیس‌جمهور یا دو سوم از نمایندگان مجاز دانسته است که من معتقدم که اولا موارد رفراندوم حتماً باید در قانون اساسی پیش‌بینی شود که در چه مواردی میشود رفراندوم کرد که این هم در دنیا به طرق مختلف است. بعضی اوقات حتی قانونی را که مجلس تصویب کرده است به رفراندوم میگذارند. چنانچه در ایتالیا مسأله طلاق که مسأله مهمی بود با وجود تجویز مجلس، به رأی مردم گذاشتند. به خصوص که ما قبلا دو رفراندوم داشته‌ایم، یکی در سال ۱۳۳۲ و یکی در سال ۱۳۴۱ که هیچ کدام در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود و همان موقع سر و صدا ایجاد کرد به‌هرصورت باید موارد رفراندوم حتماً تعیین شود و بعد هم موافقت شورای نگهبان و حتی به نظر من موافقت شورای رهبری هم لازم است. چون مواردی را بعضی اوقات بر رفراندوم مراجعه میکنند که با مانع مجلس شورای ملی روبرو میشوند و می‌خواهند از بالای سر مجلس شورای ملی کارشان را انجام بدهند. این است که پیشنهاد میکنم این قسمت اخیر فعلا حذف شود و در جائی که آورده میشود در آنجا به هر حال موارد رفراندوم پیش‌بینی بشود در قسمت اول هم معتقدم انتخابات مجلس شورای ملی هم اضافه شود.

اشراقی — موارد رفراندوم را نمی‌شود تعیین کرد، چون رفراندوم در مواردی است که پیشامدی میکند و مشخص نیست که انسان آن را تعیین کند.

دکتر آیت — خیر میشود تعیین کرد و در همه قوانین دنیا هم تعیین می کنند که رفراندوم

در چه مواردی است.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — شورای نگهبان هم مطابق قانون اساسی باید بر اجرای این شیوه قانونگذاری نظارت داشته باشد.

نایب رئیس — دوستانی که سؤال دارند بفرمایند، چون الان دوستان موافق و مخالف صحبت می کنند. آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — الان مطالبی آقای دکتر آیت فرمودند ولی شورای رهبری باید تقاضای رفراندوم کند و یا ملت که توسط نمایندگانشان در مجلس این کار را می کنند. رئیس‌جمهور هماهنگ کننده است و لزومی ندارد که تقاضای رفراندوم کند.

نایب رئیس — بسیار خوب. آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — من یک متنی نوشته‌ام که مجلس شورای ملی هم زیر نظرشورای نگهبان باشد «شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس‌جمهور و انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و اجرای آن را به عهده دارد و میتواند پیشنهاد رفراندوم از طرف مجلس شورای ملی و ریاست جمهوری را تأیید یا رد نماید».

نایب رئیس — آقای عرب بفرمائید.

عرب— سؤال بنده این است که نظارت برانتخاب رئیس جمهور ومراجعه به آراء عمومی به‌عهده شورای نگهبان است به درخواست رئیس جمهور یا دوسوم نمایندگان مجلس شورای ملی اگر اینها درخواست نکردند آیا وظیفه شورای نگهبان است که مستقیماً نظارت بکند ؟

نایب‌رئیس— «نظارت» خیر «اجرا» درسطر اول «نظارت» است ودرذیل اصل نه«نظارت» می‌توانیم‌بنویسیم نه«اجرا» بلکه باید «تأیید» بنویسیم،زیرا همان‌طور که‌به‌ذهن‌شما رسیده است نظارت معنی ندارد و در دو سطر آخر «نظارت» نمی‌تواند باشد و اینجا هم «نظارت» نداریم . (عرب— درسطر بالا «نظارت» نوشته‌اید.) درسطر اول درخواست نمی‌خواهد، چون نوشته‌ایم شورای‌نگهبان این نظارت را برعهده‌دارد وآنهانمی‌توانند ازشورای نگهبان بخواهندیانخواهند ولی اینکه درذیل اصل نوشته‌ایم، درخواست رئیس جمهور ویا دوسوم نمایندگان مجلس‌شورای ملی برای مراجعه به آراء عمومی است نه درخواست نظارت .

عرب— همین مورد برای من مبهم بود که اگر آنها هم نخواهند شورای نگهبان‌میتواند نظارت کند .

نایب‌رئیس— آقای فاتحی شما سؤالی دارید ؟

فاتحی— وظیفه‌ای که برای شورای نگهبان قبلا تعیین شد آیا در این اصل می‌خواهید وظیفه اضافه‌تری برای آن قرار بدهید ؟

نایب‌رئیس— بلی این یک وظیفه جدید است. (فاتحی — این وظیفه جدید اگربه‌عهده رهبر یا شورای رهبری باشد...) این مورد قبلا گفته شده است آقای مکارم مطلبی نیست؟

مکارم‌شیرازی— من سه سؤال کوتاه دارم. اولا این ذیل چه تناسبی با این بحث دارد؟ شما می‌خواهید احکام رفراندوم را بیان کنید که آن اصل مستقل می‌خواهد، دراصل ششم، نوشته‌ایم «انتخابات‌رئیس جمهور ونمایندگان مجلس‌شورای ملی و اعضای شورا ونظایراینها... یا از راه همه‌پرسی در مواردی که دراصول دیگر این قانون معین شد...» مسائل رفراندوم را

گفته‌ایم دراصول این قانون خواهد آمد شما حقوق شورای نگهبان را می‌خواهید بگوئیدبنابراین جای بحث رفراندوم دراینجا نیست .

نایب‌رئیس — شما پیشنهاد می‌کنید که این دوسطر حذف شود؟ (دکترقائمی — در رابطه با شورای نگهبان است.)

مکارم‌شیرازی— بلی اگر این قست حذف شود سؤال من دیگر باقی نمی‌ماند. سؤال‌دیگرم این‌است که رئیس‌جمهور ومجلس ذکرشده است‌آیا اگرشورای رهبری را دراینجا قراربدهیم‌آن هم می‌تواند تقاضای رفراندوم بکند؟ وسؤال سوم این است که‌ما سابقاً یک اصل داشته‌ایم که تمام قوانین باید به نظر شورای نگهبان برسد ، حتی قوانینی که از مجلس نگذشته است یعنی اگر قانونی هم در رفراندوم تصویب شود بازهم باید به نظر شورای نگهبان برسد که آیا خلاف شرع هست یا نیست واین مورد در این اصل منعکس نشده است.

نایب‌رئیس— آقای کیاوش بفرمائید .

کیاوش— رئیس جمهور را چه کسی کاندیدا می‌کند؟ اگر شورای نگهبان کاندیدامیکند پس نظارت درآنجا به‌معنی موافقت ویا مخالفت معنی ندارد .

نایب رئیس — شورای نگهبان هیچ‌وقت نمی‌تواند کاندیدا تعیین کند. آقای قرشی بفرمائید .

قرشی— اشکال من همان بود که آقای رحمانی فرمودند وسؤالی هم داشتم که آقای مکارم فرمودند .

نایب‌رئیس — آقای ربانی املشی .

ربانی‌املشی— من دومطلب‌دارم‌یکی اینکه‌شورای‌نگهبان‌نظارت برانتخاب‌رئیس‌جمهور و مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) را برعهده دارد. تا موقعی که این قانون تصویب نشده اگر بخواهیم رئیس جمهور انتخاب بکنیم و یا رفراندوم بکنیم بدون نظارت شورای نگهبان هم امکان‌پذیر است ولی اگرقانون‌اساسی تصویب شد وما بخواهیم رئیس‌جمهور انتخاب بکنیم‌باید اول شورای نگهبان داشته باشیم که بر انتخاب رئیس‌جمهور نظارت کند، مگر اینکه قید کنیم «مگر انتخاب اول رئیس جمهور» .

نایب‌رئیس— این مورد را نباید دراین اصل بنویسیم، بلکه این قید را باید درانتخابات رئیس جمهور بنویسیم چون اینجا نوشته‌ایم «شورای نگهبان نظارت دارد» یعنی وقتی بوجود آمد و قبل از این که بوجود بیاید که چیزی را نمی‌رساند. اما درآنجا باید بنویسیم که انتخاب رئیس جمهور زیرنظر شورای نگهبان است مگر نوبت اول که شورای نگهبان وجود ندارد. (مکارم‌شیرازی— چه‌مانعی دارد که‌زودتر بنویسیم؟) نمی‌شود چون نوشته شده است‌حقوقدانهای شورای نگهبان را باید مجلس انتخاب کند. آقای ربانی املشی بفرمائید .

ربانی املشی— مطلب دوم این است که بعضی از آقایان معتقدند ذیل این اصل باید حذف شود صحیح نیست زیرا وقتی که رفراندوم انجام‌گرفت همان طوری که شورای نگهبان‌باید درباره مصوبات مجلس شورای ملی نظر بدهد .

نایب رئیس— این‌مطلب‌گفته شده است .

ربانی‌املشی— خیر مطلب دیگری می‌خواهم عرض کنم خوبست که این‌طور نوشته شود درخواست مراجعه به‌آراء عمومی باید برای احراز عدم مخالفت رفراندوم با موازین اسلام‌وقانون

اساسی قبلا به شورای نگهبان فرستاده شود.

نایب‌رئیس— بلی می‌شود به یک شکلی نوشت. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی— به‌نظرمن این‌اصل باشورای نگهبان تناسب ندارد. شورای نگهبان کارشناسان احکام اسلام یا کارشناسان تطبیق قوانین مصوب با قانون اساسی هستند که آیا تطبیق می‌کند یا نمی‌کند وآدمی که مغزش ، عقلش ، فکرش کارشناس تطابق مصوب مجلس شورای ملی با قانون اساسی است‌گماردن این افراد براین که برانتخاب رئیس جمهور ویا بر رفراندوم نظارت کنند که تقلب نشود ، آیا این کار از اینها برمی‌آید که بر دوششان می‌گذاریم یا باید فکر دیگری کرد. من فکر می‌کنم این کار ازشورای نگهبان برنمی‌آید.

نایب‌رئیس— آقای حسینی هاشمی بفرمائید .

حسینی‌هاشمی— پیشنهاد من این است که این اصل را به کمیسیون برگردانیم‌وتکمیلش کنیم زیرا اصلی که می‌خواهد عمل نظارت برکیفیت اجرای همه‌پرسی‌ها و انتخابات ولو بالواسطه با یک هیأت نظار سراسری انجام بدهد بسیار مهم است و عملی که باید طبق این اصل انجام بدهد باید مخالف با مبانی قانون اساسی که درکلیات ذکرشده نباشد و هرگونه تغییری درقانون اساسی باید سازگار با این مبانی باشد .

نایب‌رئیس— اصولا پیداست که درمورد این‌اصل نکات متعددی وجود دارد که بایدبا بحث کاملتردرجلسه مشترک گروهها مجدداً تنظیم شود زیرا این اصل‌درگروه مشترک موردبررسی قرارنگرفته است بنابراین رسیدگی به‌این اصل را موکول به بعد از رسیدگی‌گروه مشترک می‌کنم ودوستانی که نوبت‌گرفته‌اند ان‌شاءالله درگروه‌مشترک نظر خواهندداد. (ربانی‌املشی— این‌اصل سر راست است.) خیر سرراست نیست ونکات مبهمی وجود دارد وهمچنین درجلسه‌گروه مشترک هم رویش بحث نشده است . (ربانی املشی— اصول قبلی هم درجلسه‌گروه مشترک بحث نشده بود.) خوب آن اصل روشن بود ولی این‌اصل روشن نیست، بنابراین طبیعی است که ما این اصل را به‌گروه مشترک برگردانیم.

۷ — طرح و تصویب اصل ۸۳ (اصل نود و دوم)

نایب‌رئیس— اصل ۸۳ را قرائت می‌کنم :

اصل۸۳— اعضای شورای نگهبان برای‌مدت شش سال‌انتخاب می‌شوند، ولی درنخستین دوره پس ازگذشتن سه‌سال، نیمی ازاعضای هرگروه به قید قرعه تغییر می‌یابند واعضای تازه‌ای به‌جای آنها انتخاب می‌شوند .

اجازه بفرمائید توضیحی خدمت دوستان‌بدهم، چون معلوم می‌شود که‌روی این‌اصل‌بحث نشده است. (نمایندگان— بحث شده است.) بسیار خوب. آقای دکتر نوربخش مطلبی دارید؟ (دکتر نوربخش — به عنوان مخالف می‌خواهم صحبت کنم.) بسیار خوب ، آقای رحمانی. (رحمانی— من سؤالی دارم.) بفرمائید .

رحمانی — شش سال چه خصوصیتی دارد؟ بعد ازسه‌سال چه خصوصیتی هست؟ چیزی که مربوط به یک دوره چهارساله باشد، مناسب اینست که با همان دوره چهارساله پایان‌پیدا کند.

نایب رئیس — معلوم شد که توضیح لازم بوده است.

یزدی — به سؤال ایشان صبح در جلسه گروه مشترک پاسخ داده شد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید، اگر سؤال را در مجلس مطرح نکرده بودند و بلاجواب میماند اشکالی نداشت ولی حالا که مطرح کرده‌اند برای شنوندگان جوابش روشن میشود. ما می‌خواهیم شورای نگهبان حالت تداومی داشته باشد که همیشه کشور و جمهوری اسلامی دارای شورای نگهبان و قانون اساسی باشد و هیچ فترتی پیش نیاید، و ضمناً حالتی داشته‌باشد که صاحبنظران جدیدی در مقطع معین بیایند و با صاحبنظران قبلی برخورد فکری داشته باشند تا آن مهارت و حضوری که افراد در طول این اقدام فی پیدا می کنند به آنهائی که بعدمی‌آیند منتقل شود و چنان نباشد که یک دوره‌ای که می‌آیند در این قسمت کم تجربه‌باشند. (رحمانی— معارض است.) اجازه بفرمائید که من عرضم تمام بشود بعد مطلبتان را بفرمائید. شما میخواهید به عنوان مخالف صحبت کنید چون سؤال یعنی اینکه مسأله‌ای مبهم است و من توضیح میدهم که روشن شود، ولی اگر مخالفید بفرمائید که به عنوان مخالف تشریف بیاورید و صحبت کنید. آقای بشارت سؤالی دارید؟ (بشارت — اگر توضیحتان را ادامه بدهید من هم قانع خواهم شد.) بنابراین منظور اینست که فقط در نوبت اول نیمی از اینها، پس از گذشتن سه سال اول اجباراً به قید قرعه خارج میشوند چون بعد که دیگر قرعه نیست و فقط در نخستین دوره نیمی ازاعضای شورای نگهبان به قید قرعه‌خارج میشوند یعنی در حقیقت مدت کارشان سه سال است و شش‌نفر جدید برای مدت شش سال می‌آیند. نتیجه اینست که در سر هر سه سال‌شش نفر از آنها که مدت کارشان شش‌سال است وتمام شده، تجدید انتخاب میشوند وافراد جدید با آن شش نفر قبلی که سه سال سابقه کار دارند همکاری میکنند و آن تجربه و مهارت و حضوری را که آنها پیدا کرده‌اند با هر افکار تازه‌ای که تازه واردین دارند تلاقی میکند و این شورا را هم محکم و هم خلاق نگه‌میدارد. آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — اشکالی که در این اصل وجود دارد اینست که ما بعد از دوازده سال یک شورای نگهبان داریم با شش عضو و مجلس هم دوره‌اش تمام شده است.

نایب رئیس — انتخابات مجلس همیشه قبل از اتمام دوره قبلی انجام میگیرد،بنابراین مجلس همیشه وجود دارد، پس مجلس کاری به این شورا ندارد و این شورا همیشه هست. حال اگر مجلس باشد که به شورا قانون بدهد که میدهد و اگر نیست که هیچ.

دکتر آیت — خیر. شورائی داریم با شش‌نفر، البته مجلس باید بلافاصله شش نفر بعدی را انتخاب کند.

نایب رئیس — شورا همیشه دوازده نفر است. (دکتر آیت — بعد از دوازده سال شش نفر را نداریم.) آن وقت شورا نه‌نفره است و سه نفر دیگر را مجلس باید تصویب کند. به نظر من اشکالی ندارد.

یزدی — جواب ایشان با مسأله شش سال حل میشود، که آن چهار سال است و این شش سال.

نایب‌رئیس — خیر ایشان می‌فرمایند در رأس دوازده سال انتخاب آن سه نفری که حقوقدان هستند و مجلس بایدانتخاب کند با انتخابات مجلس تقارن پیدا میکند. آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — بعد از انقضای شش سال باز هم حق انتخاب مجدد دارند یا ندارند؟

نایب رئیس — بلی چون این اعضاء در کارشان ماهرتر شده‌اند و اگر صلاحیت دارند باید انتخاب شوند و انتخاب آنها مثل نمایندگان مجلس است چون برای نمایندگان مجلس که نگفتیم حق انتخاب مجدد ندارند. بنابراین اعضای شورای نگهبان هم مجدداً میتوانندانتخاب شوند. (مکارم شیرازی — منع قانونی ندارد.) اعضای شورای نگهبان کاراجرائی ندارند و آن مسأله‌ای که شما می‌شنوید میگویند رئیس‌جمهور نباید بیش از دو نوبت انتخاب شود، علتش اینست که کار اجرائی در دست او است، والا نماینده اگر چهار دوره هم انتخاب شود اشکالی ندارد. آقای عرب بفرمائید.

عرب — بنده سؤالی دارم و آن اینست که فرموده‌اید: «ولی در نخستین دوره، پس از گذشتن سه سال نیمی از اعضای هرگروه به قید قرعه تغییر می‌یابند.» اگر برحسب تصادف همین سه نفر که به قید قرعه باید تغییر پیدا کنند فعالیتشان برای جامعه بیشتر از گروهی باشد که قرعه به نامشان در نیامده است، حال یا از حقوقدانها باشند یا از فقها...

نایب رئیس — این تصادف است و این تصادفهای ضعیف شما را نگران نکند. بالاخره اشخاصی به جایشان خواهند آمد و قحط‌الرجال نخواهد بود. (آیت — می‌توانند دوباره انتخاب شوند.) بلی میتوانند دوباره انتخاب شوند، اجازه بفرمائید یکی از مخالفین صحبت کند تا بعد یک موافق صحبت کند. آقای نوربخش مخالف اول هستند، بفرمائید.

نوربخش — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این اصل معنی‌اش اینست که ما ولایت یا قدرتی که مربوط به امام است به مدت شش سال از او میگیریم و به پنج یا شش نفر فقیه میدهیم. برای این که قاعدتاً بعد از این رهبر از نظر قانونی نقشی ندارد و این فکر میکنم مخالف نظر خود ما است و همچنین مخالف ولایت‌فقیه است که آقایان همه به‌آن اعتقاد دارند. (مکارم شیرازی — ایشان مخالف این اصل نیستند.)

نایب رئیس — خیر ایشان میگویند این اصل با آن اصل ولایت فقیه مخالفت دارد و چون با آن مخالفت دارد با این اصل مخالفند.

نوربخش — من میگویم شما نمی‌توانید قدرت امام را محدود کنید یعنی شما نمی‌توانید قدرت را از امام به مدت شش سال بگیرید و به این شش نفر از فقها بدهید. من نظرم اینست که فقها را شخص رهبر میتواند تعیین بکند و هرموقع هم خواست میتواند عزل کند. یعنی ما نمی‌توانیم به‌طور ثابت بگوئیم اعضای این شورا به مدت شش سال باشند، زیرا ممکن است یکی از این فقها که انتخاب شده است، شخص رهبر بعد از مدتی تصمیمشان راجع به او عوض شود. بنابراین رهبر باید اختیار تام داشته باشد که بتواند راجع به این موضوع تصمیم بگیرد. چون ما میخواهیم ولایت را در سه قوه پیاده کنیم و من که دارم از نظر شرعی و سیاسی ازرهبرم تقلید میکنم برای او نمی‌توانم تعیین تکلیف بکنم که برای مدت شش‌سال باید ایشان را انتخاب بکنی و اگر سر سال خواستی یک نفر از این آقایان را برداری حق نداری، بنده چنین کاری را نمی‌توانم بکنم. بنابراین، این مطلب باید در این اصل روشن شود که این اشکال برطرف شود. اشکال دوم، اعضای شورای نگهبان با این وظایفی که برعهده‌شان گذاشتیم باید کلیه مصوبات مجلس شورای ملی را تصویب بکنند. بنابراین اینها نباید یک شغل دولتی یا غیر دولتی داشته باشند که بتوانند این کار را کاملاانجام بدهند. من این اشکال را خدمتتان عرض‌میکنم چون این قانون اساسی برای حالانیست و ما قانون اساسی را به‌طور کلی‌مینویسیم و یک موقع اشتباه

نشود که من در این زمان دارم مسأله را مطرح میکنم. به‌طور کلی وقتی ما رهبری را قبول کردیم باید اختیارات رهبری را هم قبول داشته باشیم یعنی نمی‌شود به فرض اگر شش نفر تعیین شدند و بعد ازدو یا سه‌سال این شش نفر صاحب قدرتی شدند نتوانند درمقابل رهبری قرار بگیرند یعنی شخص رهبر باید اختیار عزل آنها را داشته باشد و نمی‌شود به طور ثابت این شش سال را تعیین کرد.

نایب رئیس — متشکرم آقای انگجی مطلبی هست؟

انگجی — درخواست مراجعه به آراء عمومی باید از طرف شورای رهبری باشد نه رئیس‌جمهور، برای این که‌قبل از این رفراندوم هنوز رئیس‌جمهور انتخاب نشده و این کار از وظایف شورای رهبری است.

نایب رئیس — یعنی در مرحله اول ارجاع رفراندوم باید از طرف شورای رهبری باشد. (ربانی املشی — ما منظور ایشان را متوجه نشدیم.) فرمودند تقاضای رفراندوم باید از طرف شورای رهبری باشد زیرا هنوز رئیس‌جمهور انتخاب نشده است. آقای تهرانی به عنوان موافق بفرمائید.

تهرانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اشکال اول آقای نوربخش این بود که ما نمی‌توانیم شورای‌نگهبان را که ازشش‌نفر مجتهدتشکیل میشود تعیین کنیم واین شش‌نفرمجتهد را باید شورای رهبری یا رهبر تعیین کند و ما امروز نمی‌توانیم به او دستور بدهیم که برای شش سال او را تعیین کند و هرچه دلش خواست تعیین بکند، برای یک سال، دو سال یا ده سال یا بیست سال و ما نمی‌توانیم برای شورای رهبری وظیفه تعیین کنیم و اینکه ما زمان را به شش سال مقید کرده‌ایم یک وظیفه الزامی برای رهبری تعیین کرده‌ایم. جواب اینست که رهبر زمان وکسی که این نهضت عظیم به عنایت و حرکت و فعالیت ایشان تحقق پیدا کرد خودشان به آقایان رأی داده‌اند و به ما اختیار داده‌اندکه نظرات خودمان را تدوین کنیم و در اختیار ملت شریف ایران به رفراندوم بگذاریم، من‌جمله خود ایشان، زیرا وقتی که رأی دادند، کان خودشان قرار دادند و خودشان این وظیفه را برای خودشان و برای رهبرهای بعد قرارداده‌اند که‌شورای‌نگهبان را برای‌مدت‌شش‌سال‌تعیین کنند.ثانیاً اگرما فرضاً زمان‌تعیین‌نکنیم،بلاتکلیف می‌شودعلی‌ای‌حال باید یک‌زمان‌محدودباشد ویک‌مقامی باید تعیین کند وبدون‌تعیین‌نمی‌شود. پس ما در اینجا تعیین میکنیم و به رفراندوم‌گذاشته میشود و رهبر هم اجازه قبلی‌دارد وامضای بعدی هم دارد. اما اشکال دوم شما که گفتید اینها یک وقتی از اوامر شورای رهبری خارج میشوند و مدتشان اگر طولانی شد و یا شش سال شد خودشان فکر استقلال یا نظیر آن پیدا میکنند. اولا این موضوع درباره شورای نگهبان صدق نمی کند چون مجتهدینی هستند عادل و شورای رهبری اینها را انتخاب کرده است و حتی نسبت به حقوقدانهایشان هم همین‌طور است، چون حقوقدانها را شورای عالی قضائی تعیین میکند که آن شورای عالی قضائی در آینده خواهد آمد و خواهید دید که از چه افرادی تشکیل خواهد شد و از افراد برجسته و مجتهدین خواهد بود وچنین افرادی هیچ وقت این معنی دربارهشان احتمال داده نمی‌شود که مستبد و مستقل شوند و از تحت رهبری شورای رهبری خارج بشوند و ثانیاً بر فرض هم خارج بشوند شورای رهبری معزولشان میکند و احتیاجی به نوشتن ما ندارد و علاوه بر این خود مردم طردشان میکنند.

موسوی جزایری — ممکن است اینها نظراتشان از نظر فقهی مخالف با نظرشورای رهبری بشود، یعنی تعمدی ندارند بلکه نظرشان تفاوت دارد. بنابراین شرط عدالت از بین نرفته که بفرمائید اینها واجد شرایط نیستند زیرا هم مجتهد هستند و هم عادل ولی نظراتشان مطابق با نظر شورای رهبری نیست. آن وقت شورای رهبری در وسط این شش سال گیر میکند.

تهرانی — این اشکالی بود که یکی از آقایان نمایندگان در اصل قبلی کرد، ولی اینها مجتهدند و قهراً نظر و نظارتشان در مصوبات مجلس شورای ملی که طبق شرع هست یا خیر طبق اجتهاد خودشان است. اشکال شد که اجتهاد اینها با مشهور فقها من‌جمله شورای رهبری فرق داشته باشد. دقت بفرمائید این مورد دو جواب دارد یکی این که خود آقایان این راقبول دارند که هرمجتهدی به‌اجتهاد خودش می‌تواند رفتار کند و این هم وظایفی که به او محول شده طبق اجتهادش است و مجزی هم هست. البته این مورد را آقایان جواب دادند ولی بنده یک جواب بهتری دارم و آن اینست که شورای رهبری که این مجتهدها را تعیین میکند این فکر را هم کرده است و مجتهدینی را تعیین میکند که افکارشان با مشهور وفق بدهد. مثل صاحب جواهر باشد که لسان مشهور باشد نه مثل ابن جنیدی که به نوادر گرایش پیدا کند بنابراین از اول شورای رهبری کسانی را تعیین می کنند که طبق مشهور فتوا بدهند نه اینکه افکار نادری مثل مرحوم فیض و یا مرحوم نراقی یا بعضی ازقدما راداشته باشند. این کاربه‌عهده شورای رهبری است. (نوربخش — ابوموسی‌اشعری مگر تعیین نشد؟) خیر، او را حضرت امیر قبول نکرد و صحیح نیست که من قضیه‌اش را اینجا نقل کنم، چون نمی‌خواهیم در اینجا اختلاف بین برادران باشد. شما خودتان بهتر میدانید که ابوموسی اشعری را حضرت امیر قبول نکرد.

یزدی — برداشت ما اصولا از اشکال آقای دکتر نوربخش اینست که ولایت فقیه با آن شش سالی که آقایان مختار هستند چه مجتهدینشان و چه حقوقدانهایشان منافات پیدا میکند، یعنی در این شش سال آقایان یک حقی دارند که از ولایت فقیه قطع شده است در حالی که جواب اول که فرمودید جواب مسأله است چون منصوب از طرف رهبر است و قطع نشده است و دوم این که شورای نگهبان نظارت دارد نه ولایت.

تهرانی — بلی نظارت دارند و اعضای شورای نگهبان دست شورای رهبری هستند و شورای رهبری چند شعبه کار دارد که این یک شعبه‌اش است.

نایب رئیس — این‌مسأله که‌جنابعالی‌میگوئید بایددررابطه‌با ولایت‌رهبردر همه‌مسائل حل شود، چون بعدهم میگوئیم رئیس جمهور برای مدت چهارسال انتخاب می‌شود، خوب‌آنجا هم‌همین‌طور است با این که او ازاین وضعش مشکلتر است چون متصدی امور اجرائی است. بنابراین ما اینجا میتوانیم این اصل را تصویب کنیم ودراختیارات شورای رهبری که میرسیم،به جمیع جوانب آن توجه کنیم. بنابراین مطلب آقای دکترنوربخش ازاین نظر میتواند به‌عنوان یک سؤالی که در بخش حدود اختیارات و وظایف رهبری وارد میشویم مورد توجه قراربگیرد بنابراین سؤالات شده است‌ومخالف‌وموافق هم‌صحبت کرده‌اند حالامن‌اصل را دوباره قرائت‌میکنم و به‌رأی میگذارم:

اصل ۸۳ (اصل نود و دوم)— اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب میشوند، ولی ازنخستین دوره پس ازگذشتن سه‌سال، نیمی ازاعضای هرگروه به‌قید قرعه تغییر

می‌یابند و اعضای تازه‌ای به‌جای آنها انتخاب می‌شوند.

(دراین هنگام اخذ آراء و شمارش آنها به‌عمل آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضردر جلسه هنگام اخذ رأی شصت وسه نفر، شماره کل آراء شصت وچهاررأی، یک رأی به‌قیدقرعه‌خارج شد. آراء موافق پنجاه‌ودورأی، آراء مخالف‌پنج‌رأی، آراء ممتنع شش رأی، تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیرگفتند)

۸ — تمدید مدت مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به مدت‌یک ماه

نایب رئیس — روز چهارشنبه مدتی را که‌تصویب کردیم کارمان را ادامه بدهیم پایان می‌پذیردتاحالا با احتساب اصولی که ناقص‌مانده حدود هفتاد وچهاراصل را تصویب کرده‌ایم که دواصل از اینها بندهای خیلی زیاد داشت، یعنی ازنظرمحاسبه وقت نزدیک به‌نود اصل می‌شده‌است. چون آن زمان صرف شده برای آن دواصل، نزدیک زمان لازم‌برای‌تصویب‌شانزده الی‌هفده اصل میشد، بنابراین تقریباً میتوانیم بگوئیم کارمان به‌نیمه رسیده ازنظرشماره اصولی که بطور تقریب برای بررسی و تصویب در اختیار داریم. محاسبه‌ای کرده‌ایم که با رویه جدید ازجمله همین امروزکه موفق شدیم پنج اصل را بحث کنیم و به‌تصویب‌برسانیم، برای بررسی وتصویب بقیه اصول و برای چند روزی که درمرحله نهائی باید متن را طرح و تصویب نهائی کنیم حداقل سی‌روز وقت مورد نیاز است. اگر توانستیم دربیست وهشت روز انجام بدهیم حتماً در بیست وهشت روز انجام خواهیم داد برای این که اولا مسأله تهیه طرح قانون اساسی یک واجب فوری وفوتی است که هرچه زودتر انجام بگیرد بهتر است. ثانیاً هرکدام ازما مسئولیتهائی دربرابرانقلاب وجامعه ومردم داریم وهرکدام از دوستانی که ازشهرها و استانها تشریف آورده‌اند در مناطقشان مسئولیتهائی برعهده دارند که غیبت آنها از محل مسئولیتشان دشواریهائی خواهدداشت وتا حالاهم داشته است. به‌همین دلیل است که سعی فراوان بر کوتاه‌کردن مدت داریم و واقعاً اگر بتوانیم یک روز هم این مدت راکوتاهترکنیم، خواهیم کرد. با ترتیبی هم که‌صبح درجلسه‌گروهها مطرح شده این امید هست که به‌یاری خداوند و با یاری دوستان وبا توجهی که دوستان دارند که حتی شبها یک مقداری برای فردا کار بکنیم امیدوار هستیم دراین مدت‌کوتاه بتوانیم کارمان را بنحو احسن تمام کنیم و نتیجه رابرملت عزیزمان عرضه کنیم و چون این تمدید مدت احتیاج به‌تصویب دراین مجلس دارد این‌را مطرح کردم. بنابراین کسانی که با تمدید کارمان برای مدت سی روز دیگرموافق هستند لطفاً دست بلند کنند. (ازحاضرین فقط شش نفر دستشان را بلندنکردند) بنابراین با پنجاه وهفت نفر موافق و دربرابر شش نفری که یا مخالفند یا ممتنع تصویب شد و ما از روز پنجشنبه مجلس‌را به مدت سی‌روز تمدید کردیم که با محاسبه فردا وپس‌فردا، سی و دو روز وقت خواهیم‌داشت که ان شاءالله دراین مدت سی و دو روز توفیق داشته باشیم کارمان رابه پایان برسانیم. یک نکته دیگراینست که تجربه نشان داده‌است که‌اگردر روز پنجشنبه جلسه عادی را صبح بگذاریم و جلسه رسمی‌فوق‌العاده را عصر بگذاریم انسب است. بنابراین دوستانی که موافقند جلسه علنی رسمی عادی پنجشنبه‌ها دراین‌مدت صبح باشد، دست بلند کنند (اکثردست بلند کردند) تصویب شد، ولی‌به‌شرط آنکه بدانید درعصرپنجشنبه هم میخواهیم امکان جلسه‌را داشته‌باشیم.

۹ ــ پایان جلسه

نایب رئیس ــ جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده فردا سه ساعت بعداز ظهر خواهد بود.
(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ــ **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ سی وهفتم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده وهفت دقیقه روز دهم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با دهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱- اعلام رسمیت جلسه وبیانات قبل از دستورآقای حمیدالله میرمرادزهی.
۲- طرح وتصویب اصل ۷۹ (اصل نود وپنجم) .....
۳- طرح وتصویب اصل ۷٤ (اصل یکصدم) .....
٤- طرح وتصویب اصل ۷۵ (اصل یکصد ویکم) .....
۵- طرح وتصویب اصل ۷۶ (اصل یکصد ودوم) .....
۶- طرح وتصویب اصل ۷۶/۱ (اصل یکصد وسوم) .....
۷- طرح وتصویب اصل ۷۶/۲ (اصل یکصد وپنجم) .....
۸- طرح اصل ۷۶/۳ .....
۹- پایان جلسه .....

۱ — اعلام رسمیت جلسه وبیانات قبل از دستور
آقای حمیدالله میرمرادزهی

رئیس— اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم. نطق قبل از دستور شروع می‌شود، آقای اوشانا نوبتشان را به آقای میر مراد زهی داده‌اند. آقای میر مراد زهی بفرمائید.

میرمرادزهی — هر کسی حق دارد که سرنوشت خود را شخصاً به دست بگیرد. هرملتی حق دارد که سرنوشت خویش را به‌دست بگیرد وهراقدامی را که برای تحقق هدف‌ها و آمال خود لازم می‌داند، به عمل آورد. هر شهری، هر دهی، هر شهرستانی، هر ایالتی، از کوچکترین واحدگرفته تا بزرگترین واحد، باید در شکل دادن به هدف‌های عالی اجتماعی و انسانی سهیم و شریک باشد. بدون شرکت آزادانهٔ مردم در امور مملکت، نه مملکت وجود دارد و نه مردم. در دوران سلطهٔ شوم وددمنش پهلوی، در عصر تسلط امپریالیسم بر کشور ما ، در عصر نظامی شدن و ساواکی شدن کشور ما، در عصر دیکتاتوری یک فرد بر کلیه افراد، نه کشور وجود داشت و نه مردم. یک فرد خود را وصی و قیم و وکیل وکفیل یک جمع سی‌وشش میلیون نفری می‌دانست ، واسطه‌ای شده بود تا منابع حیاتی و اساسی و حتی منابع انسانی و فرهنگی هنری ما به ثمن بخس در بازارهای جهان به فروش برسد. ما در زمان سلطنت پهلوی وجود نداشتیم، خلق ایران وجود خارجی نداشت. از بازرگان تا خرمشهر، از سرخس و قوچان تا بندر عباس، مردمانی با چندین نوع زبان و فرهنگ ورسوم و آداب و سنن‌وگذشته باید دربستر تصوری که شاه از ملت داشت ریخته و دو دستی تقدیم سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری جهانی می‌شدند. در میان دهها و صدها لقب، همه از نوع شیطانی، که می‌توان به‌شاه داد، یک لقب نیزباید گنجانده شود: شاه هویت‌فروش بود. هویت کلیهٔ خلق‌های ساکن درایران را که قرنها به‌صورت یک ترکیب کامل درکنار هم زندگی کرده بودند ، برای بوجود آوردن حکومتی متمرکز که سراپا در اختیار امپریالیسم قرار بگیرد، به امپریالیست‌ها فروخت. شاه سابق وپدرش خیانتی به‌خلق‌های مختلف ایران کردند که باید تا تاریخ، تاریخ است ازآن یاد کرد، تامبادا ما که دراینجا قانون اساسی کشوررا می‌نویسیم، مرتکب‌اشتباهی بشویم که ازنوع آن خیانت شاه بشمار آید و ما را در برابرتوده‌های زحمتکش و رنجدیدهٔ ایران برای همیشه روسیاه کند.

ایران کشوری است که در آن مردمان مختلف زندگی می کنند. برخی این مردمان را خلقهای ایران می‌نامند، برخی دیگراقوام وبرخی دیگرملیت‌ها. شخصاً کلمهٔ خلق‌ها رامناسب‌تر می‌دانم قوم کلمه‌ای است مربوط به دانش انسان شناسی، قوم آریائی، قوم هند و اروپائی، قوم سامی وغیره. در واژهٔ ملیت، یک قدری‌ملیت‌گرائی افراطی ویاشاید بقول غربیان نوعی‌شووینیسم می‌بینم و نوعی جدا کردن یک خلق از خلق دیگر، انکار آنچه دو یا چند خلق مختلف از آن صحبت‌بکنند، فقط فرق‌هایشان ازنظرملی است و نه‌وجوه اشتراکشان از نظر خلقی. من به کلمه

خلق توجهی عامیانه ندارم، آن را برای ارائهٔ آنچه می‌خواهم در اینجا بگویم اساسی و دقیق می‌دانم و سعی خواهم کرد به صورت دقیق هم به کار ببرم.

مبارزهٔ خلق‌های ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و حد اقل از صد سال سابقهٔ درخشان برخوردار است. وقتی که قریب یک قرن پیش میرزای شیرازی از سامره فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد، شیراز و تهران و تبریز یکپارچه آتش بودند. مردم برانداخته شدن سلطنت قاجار و تسلط امپریالیسم انگلیس را با هم می‌خواستند. انگلستان و سلطنت ناصرالدین شاه‌خواستند رشوه‌ای به آذربایجان بدهند و اعلام کردند که آذربایجان از انحصار تنباکو مصون خواهد ماند، ولی خلق آذربایجان یک صداگفتند که انحصار تنباکو باید برای همیشه و برای کلیه نقاط ایران از بین برود. و بعدها، وقتی که در میدان ارک، اطرافیان ناصرالدین شاه به سربازان آذربایجانی دستور تیراندازی به سوی مردم بیگناه را دادند، سربازان ترک گفتند، ما به روی خلق مسلمان تیراندازی نمی کنیم و بدین وسیله همبستگی عظیم انقلابی بین خلق آذربایجان و خلق تهران و سایرخلق‌های ایران بوجود آمد.

در جنبش مشروطیت هم وقتی که محمد علیشاه مجلس را به توپ بست و آزادیخواهان بلند پایه‌ای چون صور اسرافیل و ملک‌المتکلمین را اعدام کرد، این خلق آذربایجان بود که بپاخاست و همبستگی کامل خود را با کلیهٔ نیروهای انقلابی اطراف و اکناف کشور و بویژه تهران نشان داد. نهضت‌هائی چون نهضت میرزا کوچک خان، نهضت خیابانی، نهضت کلنل محمدتقی‌خان پسیان، جملگی برای ایجاد همبستگی انقلابی درمیان کلیهٔ اقشار وطبقات و خلق‌های ایران بودند. بلوچستان و سیستان که بزرگترین لطمات وصدمات را از سلطنت‌قاجار دیده بودند، مدام چشم به‌این‌قبیل همبستگی‌های انقلابی دوخته بودند. آنان می‌دانستند که دولت متمرکز، یعنی نادیده‌گرفته‌شدن کلیهٔ ایالات مرزی، کلیهٔ خلق‌های حلقه‌زده به‌دور پایتخت. هروقت صدائی از خلق‌های ایران علیه جباریت متمرکز بلند می‌شد بلوچستان باچشم امیدوار حوادث را می‌پائید.

حتی نهضت‌های دموکراتیک که برای تحقق خودمختاری درآذربایجان وکردستان بوجود آمدند، از نوع نهضت‌های بهم‌پیوسته خلق‌ها بودند. این در پیوستگی انقلابی‌است که خلق‌ها می‌توانند یوغ امپریالیسم و استعمار و دیکتاتورها را برای همیشه بیندازند. درانقلاب کنونی ایران به رهبری امام خمینی نیز این بهم پیوستگی وجود داشت. مبارزه در راه حقوق بشر بوسیله روشنفکران در تهران، جنبش پرشورقم در دیماه پنجاه وشش، شورش عظیم مردم تبریز در بیست و نهم بهمن‌ماه و جنبش‌های سراسری کشور بوسیله کلیهٔ خلق‌های ایران در کلیهٔ شهرها، توانست طومارسلطنت را درهم‌نوردد وشاه را از ایران براند.

من دراین مبارزات روحیهٔ تجزیه‌طلبی وجدائی‌خواهی هرگز ندیده‌ام. اگربلوچستان از ایران جدا بشود، به کجا می‌خواهد بپیوندد؟ کردستان اگرازایران جدا بشود، به کجا برود؟ آذربایجان که مبارزات خلقش درکنار خلق‌های ایران بوده‌است، اگربخواهد ازایران جداشود، با سوابق تاریخی و اجتماعی و انقلابی خود درکنار سایر خلق‌های ایران چه بکند؟ من کلیهٔ کوشش‌های‌خلق‌های تحت ستم‌مضاعف‌ایران درراه دموکراسی وخودمختاری اداری‌وفرهنگی در طول این چند دههٔ‌گذشته را در راه ترکیب می‌بینم و نه‌در راه تجزیه. فکر تجزیه‌طلبی از جائی دیگرسرچشمه می‌گیرد.

این شاه بود که تجزیه‌طلب بود. این امپریالیسم بود که تجزیه‌طلب بود. من این را به دودلیل می‌گویم، نخست اینکه کلیهٔ حکومت‌های متمرکز درطول صد سال گذشته درایران براساس کوبیدن خلق‌های ایران بوجودآمد. حداقل دربارهٔ شصت سال گذشته همینقدر می‌توان گفت که رضاخان اول میرزا کوچک‌خان و شیخ محمد خیابانی و کلنل پسیان را ازمیان برداشت وبرروی سرهای بریده‌آنان، برج وباروی حکومت متمرکزخود رابنیان گذاشت. حقوق خلق‌های سرزی ایران پایمال عده‌ای نژادپرست درادارات حکومت‌متمرکزپهلوی شد. بوروکراسی رضاخانی براساس قتل آزادیخواهان این خلق‌ها بپاشد. رضاخان خط بطلان برمشروطه کشید و پسرش همین کاررا از سال ۱۳۲۰ به‌بعد، بویژه از سال ۱۳۳۲ به‌بعد عملی کرد. انجمن‌های ایالتی مشروطیت بکلی ازمیان رفت، زبان، فرهنگ، آداب‌و رسوم و هنرهای این خلق‌ها ممنوع گردید. استاندار، شهردار، رئیس شهربانی، رئیس دارائی، رئیس فرهنگ، و درواقع کلیهٔ رؤسای ادارات مناطق متعلق به‌این خلق‌ها از تهران اعزام شدند. درکلیهٔ این ایالات یک نوع دوتیرگی بوجودآمد، رؤسا از دربار و از بوروکراسی تهران وحکومت متمرکزپهلوی ومرئوسان درقشرهای پائین جملگی ازمیان خود این خلق‌ها. تجزیه‌طلبی به‌این می‌گویند که عده‌ای از مرکزبیایند ورهبران خلق‌ها رابکشند و بعد خودشان را جانشین‌آنان بکنند. حکومت متمرکزهمیشه یک حکومت تجزیه‌طلب است. آیا بریدن سرخلق‌ها از بدن آنان تجزیه‌طلبی و جدائی‌خواهی نیست؟

ثانیاً حکومت متمرکز را فقط امپریالیسم بوجود می‌آورد، نمونه‌اش حکومت رضاشاه که امپریالیسم انگلستان سرکار آورد و حکومت متمرکز محمدرضاشاه که امپریالیسم‌آمریکا خلق کرد، به‌دلیل اینکه‌امپریالیسم می‌تواند باحکومت متمرکز انواع زدو بندها را بکند ولی با حکومت غیر متمرکز نمی‌تواند. پایگاههای آمریکا دراین‌سوی وآن‌سوی عالم و ایران درنتیجهٔ زد وبندها و توطئه‌های امپریالیسم باحکومت‌های متمرکز بپاشده‌اند. اگرحکومت‌های متمرکز نبودند، در فیلیپین، اندونزی، کرهٔ جنوبی و آفریقای جنوبی این پایگاهها بوجود نمی‌آمدند، این غارتگری‌ها صورت نمی‌گرفت. استعمارحکومت متمرکزقوی می‌خواهد. خلق‌های ایران از حکومت متمرکز بیزارند.

سیستم شورائی که مرحوم‌آیت‌الله طالقانی مؤکداً آن را گوشزد میکرد، می‌تواند بخشی از مسائل خلق‌ها را حل وفصل کند. این درصورتی است که از ذیل تاصدر، کلیهٔ امورکشور به‌صورت شورائی اداره شود. شورا می‌تواند درترکیب‌دادن خلق‌ها به‌یکدیگربسیارمفید واقع شود. منظور ازاین‌ترکیب استحالهٔ ملی نیست. سنی بلوچ لازم نیست شیعهٔ فارسی زبان بشود. چنین امری فاشیستی خواهد بود، مثل دوران آریامهرخواهد بود،دورانی که درآن قراربود خلق‌های‌مختلف‌ایران ازنژادآریائی بوده باشند واگرنبودند بایدبه‌زور آریائی‌می‌شدند. نه‌دین، نه‌مذهب، نه‌زبان، نه‌فرهنگ ونه شعائر قومی و فرهنگی یک خلق رابابد برخلق دیگرتحمیل کرد. برای یک‌خلق،استانداراز‌یک خلق‌دیگرویابه‌وسیلهٔ حکومت‌مرکزی نمی‌توان‌تعیین کرد، چراکه دراین‌صورت حکومت مرکزی کلیهٔ تمایلات متمرکزشدن را درخود احیاء خواهد کرد و دوباره درآینده وسیله‌ای دردست‌دیکتاتورهای جور و واجور وقدرت‌های جهانی خواهد بود. سیستم شورائی باید سیستم انتخابی باشد از پائین به‌بالا. وباید برکلیهٔ ساخت‌ها وبافت‌های مربوط به‌انتصاب از بالاخط بطلان بکشد. آقای وزیرکشور هنگام صحبت ازسیستم شورائی از

شوراهای مختلف در کشوربه‌عنوان «جمهوری های کوچک» یاد کرده‌است. این گفته درست است ولی چیزهائی کم دارد، وآن درنظرگرفتن مسألهٔ خلق های ایران است. شمامی‌توانید یک سیستم فوق‌العاده آزاد، باز و راحت و بدون تردید دموکراتیک درقالب جمهوری اسلامی داشته‌باشید و این موقعی عملی می‌تواند باشد که سیستم شورائی را با سیستم خودمختاری‌ها درهم بیامیزید و درمرکز، یعنی درتهران‌هم کلیه تضمین های لازم را ایجاد کنید تا کلیهٔ تمایلات مربوط به‌تمرکز و انحصار وسیستم‌قدر قدرتی مرکزی ازمیان برود. برای تحقق این هدف‌ها لازم است نکات زیر درنظرگرفته بشود:

۱- سیستم شورائی یک دستگاه بسیار دموکراتیک است. کلیهٔ انتصابات باید ملغی‌شود وکلیهٔ مناصب باید جنبهٔ انتخابی داشته باشد. کلیهٔ امورکشور باید به‌صورت شورائی ادارهشود براین مسأله نباید کوچکترین استثنائی قائل شد هم کارگرکارخانه، هم روستائی وکشاورزوهم سرباز و گروهبان باید احساس شخصیت و احساس انسانیت و مسئولیت بکنند . سیستم شورائی یک دستگاه بسیارساده‌است. این سرمایه‌سالاری است، این امپریالیسم است که روابط انسانها را پیچیده، بوروکراتیک وبقول شهید بزرگ دکترعلی‌شریعتی، جن‌زده جلوه می‌دهند. کلیه روابط سالم ساده هستند.اگر روابط انسان با خدایش، رابطه‌ای است بسیار ساده، چرا باید روابط انسان با انسان‌های دیگر پیچیده باشد ؟ برای درنوردیدن طومار روابط جن‌زده و جن‌زدگی باید به‌سادگی وبداهت درروابط توجه کرد. این روابط استثماری وروابط استعماری هستند که انسانها را به‌خود و به‌دیگران بیگانه می کنند. اگر راه‌های مشاوره و مشورت باز باشد، اگر انسانها خود را یکی رئیس و دیگری مرئوس ندانند، اگرانسانها باهم رابطهٔ سالم وانسانی داشته باشند، به‌بهترین انسان درمیان خود رأی خواهند داد که ادارهٔ امور را برعهده بگیرد، بهترین افراد را برای تمشیت اورکشور انتخاب خواهند کرد، ولی بایداین سیستم شورائی‌به‌طورکامل اجرا شود. اگر دولت مرکزی یا هرگروه دیگری درمورد مسائل شورائی برای خود حق وتو قائل شوند، خودبخود سیستم شورائی را لنگ کرده‌اند. اگربلوچستان یک استاندار انتخاب کند و وزارت کشور بگوید نه، سیستم شورائی لنگ مانده است. اگرآذربایجان شهرداری انتخاب کند ویک مقام بالاتر اورا نفی کند، سیستم شورائی مخدوش مانده است. لنگ کردن یک بخش ازکارشورائی، به‌معنای‌لنگ‌گذاشتن بقیهٔ بخش‌هاهم هست. سیستم شورائی یک سیستم تام وکامل است، سیستمی است هماهنگ و موزون، یک بخش راکه فاسد کنید، بقیهٔ بخش ها راهم به‌فساد کشانده‌اید.

۲- درمملکتی که درآن چند خلق مختلف زندگی می کنند، دستگاه شورائی کامل نخواهد بود مگرآنکه دستگاه و سیستم دیگری که به‌همان اندازه سیستم شورائی دموکراتیک است، برآن افزوده‌شود. اگرکلیهٔ‌مردمی که‌درایران زندگی می کنند، معتقد به‌تشیع، متکلم به فارسی‌و از یک ملیت بودند، سیستم شورائی‌می‌توانست کلیهٔ مسائل را حل کند. ما همه می‌دانیم که چنین نیست. دراین مملکت میلیونها ترک آذربایجانی‌زبان‌زندگی می کنند، باآداب و رسوم و زبان وفرهنگ خاص خود، که دوران پهلوی آنها را تحت خفقان نگهداشته‌بود. میلیونها کرد درکشور ما هستند، میلیونها عرب، صدها هزارترکمن، وبعد خلق بلوچ است. نادیده‌گرفتن هویت تمایلات مذهبی و ملی وگرایشهای فرهنگی این خلق‌ها نادیده‌گرفتن یکی از دشواری‌های عظیم تاریخ ایران است.گمان نمی کنم قصد شما این باشد که این

میلیونها انسان را که تقریباً دوسوم کل جمعیت کشوررا تشکیل می‌دهند، بخواهید تبدیل به مسلمان فارسی زبان معتقد بـه مذهب تشیع بکنید . شما چنین قصدی را نـدارید پس چه باید بکنید کـه فردا دوباره این مشکل سر از زیر خاکستری که موقتاً برروی آن کشیده شده در نیاورد وکلیهٔ رشته‌هـای شما را پنبه نکند ؟ راهش فقط یکی است : خـودمختاری خلق‌ها را به‌رسمیت بشناسید. کلیهٔ تأکیدها را در مورد تمامیت ارضی ، استقلال کامل کشور، ومخالفت با تجزیه‌طلبی وجدائی خواهی در قانون‌اساسی بکنید ولی در ضمن خودمختاری این خلق‌ها را هم به‌رسمیت بشناسید . این تنها راه‌حل ایـــن دشواری این معضل اساسی تاریخ کشور است که در طول هشت‌ماه بعد از انقلاب بزرگترین مشکل ما بوده وحالا هم هست و اگر حل‌نکنیم در آینده هم خواهد بود .

هیچ مانعی ندارد که آذربایجان هویت خود را ، کردستان هویت خود را وسایرخلق‌ها هویت‌های خاص خود را داشته باشند . این نکته که گاهی از طرف بعضی از مقامات دولت شنیده میشود که‌آقا ، شیرازی هم به‌اندازه کرد بوکانی وبلوچ بمپوری تحت خفقان‌زندگی کرده، درست نیست. زبان فارسی را کسی از دست شیرازی وتهرانی نگرفت ،ولی ترکی وبلوچی‌وکردی را از دست خلق‌های تحت ستم گرفتند وبه‌اینان زبان شیرازی را تحمیل کردند .این‌ستم است، بریدن زبان اشخاص ستمی است بزرگ ، این را سلطنت‌پهلوی کرد شما نکنید . زبان رسمی حکومت مرکزی می‌تواند فارسی باشد ، ولی زبان رسمی یک کرد، کردی است، یک بلوچ بلوچی است، یک‌عرب، عربی است، یک آذربایجانی، ترکی آذربایجانی است. این زبان‌ها، این فرهنگ‌ها و این هویت‌ها را به‌رسمیت بشناسید ، برای خود آنان . به‌ایالات مرزی ایران ستم‌روا مدارید ، وگرنه به‌دست خود استقلال وتمامیت ارضی کشور را دفن کرده‌اید . به‌مردم ایـن ولایات حس گریز از مرکز تزریق نکنید بلکه نسخهٔ خودمختاری را که تنها تضمین علیه تجزیه‌طلبی‌وجدائی‌خواهی‌است‌برای‌آنان‌بپیچید. خودمختاری وسیستم شورائی می‌توانند دست‌در دست‌یکدیگربگذارند ومسألهٔ دموکراسی کشوررا حل کنند. دموکراسی‌ساده است،خودمختاری و تحقق حقوق دموکراتیک مسأله‌ای است ساده تنها با بوروکراتیزه کردن آن می‌توانید چوب لای چرخ انقلاب بگذارید . این چوب را که از لای چرخ بردارید ، انقلاب ادامه‌پیداخواهد کرد . سیستم شورائی بدون سیستم خودمختاری خلق‌های مختلف ایران ، اعم از فارس‌وترک و بلوچ وکرد و عرب و ترکمن ، برای ایران ، سیستم ناقصی است . خانه‌ای نسازید کـه از پای‌بست ویران باشد .

۳— برای تحقق کامل سیستم شورائی وسیستم‌خودمختاری‌لازم‌است‌تقسیمات جغرافیائی کشور عوض شود. مردم آستارا آذربایجانی هستند، خواه این شهر به استان‌گیلان، به زور چسبانده شده باشد و خواه در چهارچوب آذربایجان بماند. مهاباد شهری است متعلق به‌اکثریت کرد و بخشی است ازکردستان. آذربایجان نه‌شرقی است نه غربی، آذربایجان، آذربایجان است. این تقسیمات کاذب دوران پهلوی را برای همیشه از میان بردارید. در تفکیک هویت‌ها و خلق‌ها و شهرها، سیستم شورائی را به راحتی می‌توان به‌کار برد.آمارگیری، رأی‌گیری‌محلی و همگانی ، رفراندوم‌های مختلف بوسیلهٔ نمایندگان خود خلق‌ها ، به آسانی می‌تواند بر کلیهٔ این تقسیمات جغرافیائی کاذب پایان دهد.

۴— حکومت در زمرهٔ مقوله تضمینات است. اگر بلوچستان نمی‌خواهد از ایران جدا

شود، این یک تضمین تاریخی است، شما هم باید تضمین کنید که بلوچستان را از خود جدا نکنید. جدا نکردن به معنای قشون‌کشی به بلوچستان نیست، بلکه به معنای در نظرگرفتن حقوق متساوی و مشترك بلوچستان با سایرخلق‌های‌ایران است. قاجاریه و پهلوی،بلوچستان را از ایران جدا کردند. شاه سابق حتی اسامی شهرهای بلوچستان را هم نمی‌دانست و آیا این تجزیه‌طلبی نبود؟ پس مسأله تضمینات متقابل را در نظر بگیرید.

یکی‌از این‌تضمینات مسأله مجلس خلق‌هاست که آقای مهندس‌مقدم مراغه‌ای درگذشته بدان‌اشاره کرده‌اند. ایشان این‌مجلس‌را مجلس ایالات‌نامیده،من‌آن را مجلس‌خلق‌هامی‌خوانم. مجلس‌شورا به‌نسبت‌جمعیت‌است‌باید‌مجلس دیگری‌درتهران‌وجود داشته‌باشد نه به‌نسبت‌جمعیت، بلکه براساس تعداد خلق‌های ایران باشد. ده‌نفر از نمایندگان خلق‌فارس، ده نفر از نمایندگان آذربایجان، ده نفر ازترکمن صحرا، ده نفرازکردستان و غیره جمع می‌شوند در زیر یک سقف، و بر سه مسأله‌اساسی‌اعتبارات اقتصادی مناطق‌مختلف کشور،سیاست‌خارجی کشور ومسائل مربوط به‌ارتش‌نظارت می‌کنند، تا اینکه در این سه‌مسأله کلاهی سرهیچکدام از این خلق‌ها نرود. از آنجا که‌مجلس‌شورای‌ملی به‌نسبت جمعیت‌ازهرمنطقه‌ای نماینده‌می‌پذیرد، ممکن‌است برخی ازقوانین و مصوبات آن به‌ضرربعضی ازخلق‌ها ومناطق آنان تمام‌شود. باید سیستمی بوجود آورد که‌تضمینی باشد درمقابل‌اجحافی که ازاین طریق‌ممکن است برسردم‌یک‌منطقه‌تحمیل‌شود. این تضمین‌همان مجلس خلق‌هاست. دراین صورت بلوچستان به‌خرابه‌زار تاریخ مبدل نخواهد شد، کردستان‌فقیرنخواهدماند، آذربایجان‌مرکزپایگاههای‌خارجی نخواهد شد. پس‌خلاصه‌می‌کنم:

۱— سیستم شورائی تام‌وکامل بدون حق‌وتو ازطرف دولت ویا نیروئی دیگر درمسائل برای کل کشور.

۲— سیستم خودمختاری برای خلق‌های ایران با تأکید برروی همبستگی انقلابی کلیهٔ خلق‌های ایران ومخالفت کامل باهرنوع حس‌تجزیه‌طلبی وجدائی خواهی.

۳— تشکیل مجلس خلق‌ها با نمایندگان مساوی ازکلیهٔ خلق‌ها بعنوان تضمین دربرابر اجحافات احتمالی که ممکن است ازسوی خلقی با جمعیت بیشتر، برخلقی باجمعیت کمترتحمیل شود.

من‌اعتقادکامل دارم که اسلامی که‌من می‌شناسم، باهیچکدام ازاین سه اصل پیشنهادی مخالفتی ندارد. نه‌رهبران مذهبی‌عالم تشیع، نه‌رهبران مذهبی عالم تسنن ونه بزرگان ادیان دیگر، نمی‌توانند با این سه‌اصل انسانی، که ضامن دموکراسی وبقای آزادی درایران خواهد بود، مخالفت کنند. انقلاب‌ما، انقلابی بوده‌است علیه تمرکز ودیکتاتوری، علیه استبداد، استعمار وامپریالیسم.سه‌اصلی که شمردم ادامهٔ انقلاب‌مارا درهمهٔ سطوح تضمین خواهد کرد. متشکرم، این توضیح را نیز بایدخدمت آقایان‌بدهم که‌من ازبه‌کاربردن کلمه‌خلق منظورخاصی نداشتم، کلمه خلق را درقرآن هم‌داریم حالا آیا اگر کمونیست‌ها این کلمه رابه‌کار می‌برند ما نباید آنرا به‌کار ببریم؟ این کلمه است. (همهمه نمایندگان)

رئیس— آقایان خواهش می‌کنم بحث نکنید ضمناً وقت‌آقای مرادزهی هم تمام شد.

ربانی‌شیرازی— شما اسم تجزیه را خودمختاری می‌گذارید؟

میرمرادزهی— اسمش‌را هرچه دلتان می‌خواهد بگذارید.

رئیس— توجه بفرمائید تقاضا شده است به‌مناسبت‌چهلمین روزشهادت پاسداران‌وارتشیان

وبرادران کرد ما در پاوه و کردستان، نمایندگان بلند شوند و یک سورهٔ حمد به‌خاطر شادی روح آنان تلاوت نمایند.

(حضار قیام کردند وبه تلاوت سوره حمد پرداختند)

رئیس — اللهم‌اغفرلنا ولهم به‌جاه محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله ، حالا اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ عصر دوشنبه قرائت می‌شود.

غایبین آقایان: حائری که کسالت داشتند ومعذور بودند، سحابی مأموریت داشتندوخود من هم کسالت داشتم. نمایندگانی که تأخیر داشتند آقایان باهنر ، باریک‌بین، بنی‌صدر، دکتر بیت‌اوشانا، دکتر بهشتی، طاهری‌گرگانی، طاهری خرم‌آبادی، عرب، حسینی‌هاشمی ، حیدری، خالاتیان، رحمانی، صدوقی، دکترضیائی، کریمی، طباطبائی، فوزی، مدنی، مقدسی، خانم‌گرجی، مقدم‌مراغه‌ای، موسوی‌اردبیلی، میرمرادزهی، هاشمی‌نژاد که درساعت سه و بیست دقیقه جلسه را ترک کردند و آقای طاهری اصفهانی هم که قدری کسالت داشتند و جلسه را ترک کردند. (ربانی‌شیرازی— راجع به‌یکی ازاین افراد فرمودید که مأموریت‌داشتند.) آقای سحابی راگفتم مأموریت داشته‌اند. (ربانی‌شیرازی— ازطرف‌مجلس؟) ازطرف مجلس‌خبر، لابد مأموریت‌دیگری داشته‌اند. (اشراقی— ایشان وزیر شده‌اند.) (ربانی شیرازی— آقا ایشان وزیر شده‌اند مأموریتی نداشته‌اند، اشتباه نکنید.) نوشته‌اند «مأموریت» من هم «مأموریت» خواندم.

۲- طرح وتصویب اصل ۷۹ (اصل نود وپنجم)

رئیس— وارد دستور جلسه می‌شویم ویادآوری می‌کنم آن اصولی که مربوط به شورای نگهبان بوده است تصویب شده است ومن به‌علت کسالتی که داشتم درآن موقع حضور نداشتم وآن اصل ۷۸ بوده‌است که می‌خوانم: «اصل ۷۸— کلیهٔ مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود، شورای نگهبان موظف است آنرا حداکثر ظرف ده‌روز ازتاریخ وصول ازنظر انطباق برموازین اسلام وقانون اساسی مورد بررسی قراردهد، چنانچه آنرا مغایر ببیندبرای تجدید نظر به‌مجلس بازگرداند.» این اصلی بوده است که تصویب شده است حالا اصل ۷۹ که بلافاصله دنبال آن قرار می‌گیرد مطرح است.

اصل ۷۹ (اصل نودوپنجم)— درمواردی که شورای‌نگهبان مدت ده‌روز را برای‌رسیدگی و اظهار نظر نهائی کافی نداند، می‌تواند ازمجلس شورای ملی حداکثر برای ده روز دیگرباذکر دلیل خواستار تمدید وقت بشود.

تهرانی— این درکمیسیون مشترک به‌اتفاق آراء تصویب شده است وفکر می‌کنم کسی نظری نداشته باشد.

رئیس— اگرآقایان نظری ندارند رأی بگیریم. (اظهاری نشد) لطفا گلدانها را ببرید.

(اخذرأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

رئیس— حاضران درجلسه هنگام اخذرأی شصت‌ویک‌نفر، آراء موافق پنجاه‌وهشت‌رأی، مخالف یک رأی ، ممتنع دو رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضارسه مرتبه تکبیرگفتند)

۳- طرح وتصویب اصل ۷٤ (اصل یکصدم)

رئیس— حالا وارد اصولی که مربوط به شوراها است می‌شویم .

ربانی‌املشی— اصل دیگری راآقایان امضاء کردند وفرستادند، حالا چطورشده است که گروه هفت‌نفری آنرا رسیدگی نکرده‌اند؟ وآن اصل این بود که:«مادامی که شورای نگهبان‌نباشد مجلس قانونیت ندارد» یعنی اینطور نشود که مثل‌گذشته این پنج نفر فقها راکنار بگذارند . این را آقایان امضاء کردند حالا نمی‌دانم چطور شده است ؟

رئیس — آقای ربانی املشی الان این در اختیار ما نیست بعداً آنرا مورد بررسی قرار میدهیم واگر چنین چیزی لازم باشد بعداً اضافه میشود . حالا اصل ۷٤ قرائت میشود .

اصل ۷٤ — برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی وسایر امور رفاهی با توجه به‌مقتضیات محلی از طریق همکاری مردم اداره امور هر روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورائی به‌نام شورای ده ، بخش شهر ، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که‌اعضای آنرا مردم همان محل‌انتخاب میکنند . حدود اختیارات ونحوهٔ انتخاب ونظارت شوراهای مذکور وسلسله مراتب آنها را که‌باید با رعایت اصول وحدت ملی وتمامیت ارضی ونظام جمهوری اسلامی وتابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین میکند .

رئیس — آقای موسوی اردبیلی سؤالی دارید ؟

موسوی اردبیلی — من میخواهم از هفت دقیقه وقت مقرر استفاده کنم وصحبت کنم.

رئیس — موافقید یامخالف ؟(موسوی اردبیلی — موافقم) آقای صافی شما سؤالی دارید؟ (صافی — خیر) آقای سبحانی شما سؤالی دارید ؟

سبحانی — ما صبح یک کلمه‌ای را پیشنهاد کردیم وفرستادیم مثل اینکه در اینجا نگنجانده‌اند وآن این است که هدف از شوراها علاوه برتسریع در امور ، یک نکته دیگری‌هم هست وآن استفاده ازافکار مردم و واگذاری کار مردم به‌مردم است. چون این قید را صبح جزو تذکرات فرستادیم ولی در اینجا درج نشده است خواستم عرض کنم که‌علاوه برپیشبرد امور اجتماعی ، استفاده از افکار مردم و واگذاری کار مردم به‌مردم هم قید شود این مطلب رادوبار صبح تذکر دادیم ولی به‌آن توجه نشده است .

رئیس — بسیار خوب ، آقای مکارم شما فرمایشی دارید ؟

مکارم شیرازی — ایشان تذکردادند ولی آقایان تصویب‌نکردند.

ربانی‌شیرازی — این نظر خود ایشان است.

رئیس — آقای رحمانی شما سؤالی دارید؟

رحمانی — این «سلسله مراتب» به‌عقیدهٔ بنده باید حذف شود چون سلسله مراتب به صورتی است که موجبی برای الهام‌گرفتن شورای ده از شورای شهر وشورای شهراز شورای استان می‌شود و همچنین موجبی برای تمرکزقدرت در استانها می‌شود و چون روستانشینان دراکثر استانها وشهرستانها اکثریت دارند و طبقهٔ محروم و ضعیف هستندناراضی خواهند شد و این کار خاصیت شوراها را ازبین می‌برد و انحصارطلبی را به‌صورتی دیگر بوجود می‌آورد وبالا اختیارات وتصمیم‌گیریها را درمراکز استانها به‌عده‌ای معدود می‌سپارد.

رئیس — آقای موسوی تبریزی شمافرمایشی دارید؟(موسوی تبریزی — خیر) آقای دکترآیت شما مطلبی دارید؟ مثل اینکه نیستند وحالا نوبت خود بنده‌است. یک چیزی را اول نوشته بودم که‌آقایان آنرا تصویب نکردند ومن هم‌آنرا کنار گذاشتم و اصراری هم ندارم من نوشته بودم «برای جلوگیری از تمرکز امور» مثل‌اینکه آنرا قبول نکردند اما یک چیز را رویش اصرار دارم که باشد وشایدآقایان هم تصدیق بکنند وآن این است که دراین اصل که ما نوشته‌ایم «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانون تعیین میکند» اگر یادتان باشددرانجمنهای ایالتی‌وولایتی‌یکی‌ازچیزهائی که خیلی موردبحث بود شرایط انتخاب کننده و انتخاب شونده بود و این را ما باید قطعاً بنویسیم که شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان‌و نحوهٔ انتخاب آنها را بعداً قانون معین میکند. درمورد انتخابات مجلس شورای ملی هم شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان رانوشتیم ولی متذکرشدیم که این شرایط را بعداً قانون تعیین میکند اینجا هم باید بنویسیم که شرایطش را قانون بعداً معین میکند .

دکترقائمی — دراصل ۷۰ هست.

ربانی‌شیرازی — درقانون شوراها که شورای انقلاب تصویب کرده‌گفته شده، انتخابات شوراها با قطع نظر از ویژگیهای مذهبی و نژادی و زبانی انجام میشود.

رئیس— ما چه کار به‌آن داریم، حالا داریم دراینجا قانون اساسی می‌نویسیم، دراینجا باید فقط بنویسیم که شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانونی که به‌تصویب مجلس شورای ملی میرسد تعیین خواهدکرد که‌چه‌جور اشخاصی حق انتخاب شدن دارند. (دکتر آیت — ما اگر خودمان تعیین کنیم که بهتر است.) علی‌ایحال به‌نظر من لازم است که این باشد . (رحمانی — نحوهٔ انتخاب کافی است.) نحوهٔ انتخاب غیر از شرایط است . اگر بخواهیم این اصلاحی که عرض کردم در صورتیکه آقایان موافق باشند اینجا بنویسیم ، باید به این طریق باشد : «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود اختیارات و نحوهٔ انتخاب و نظارت» آقای مراغه‌ای شما سؤالی دارید ؟ (مقدم مراغه‌ای — من مخالفم) مخالف با اصل؟ (مقدم‌مراغه‌ای — اگر اجازه بفرمائید عرض میکنم.) آقای دانش‌راد بفرمائید.

دانش‌راد — من با حذف «مشارکت» مخالفم، برای اینکه با مصوبهٔ شورای انقلاب مغایرت دارد. شورای انقلاب صریحاً مشارکت را تأیید وتصویب کرده‌است. (یزدی— شورای انقلاب که بعد قانونیت ندارد.) ما باید به‌این موضوع جنبهٔ قانونی بدهیم، درهرصورت با حذف «مشارکت» مخالفم.

رئیس — آقای رشیدیان شما سؤالی دارید؟

رشیدیان — بنده یک طرحی خدمتتان فرستادم صبح هم اول وقت این طرح را دادم.

تهرانی — صبح داده‌اند انشاءالله برای فردا آماده می‌شود.

رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — منظور ازاین «سلسله مراتب» چیست؟ آیا این شوراها یکی بردیگری حکومت دارد یا منظور دیگری هست؟ خواستم این را توضیح بدهید.

رئیس — منظور از سلسله مراتب، معلوم است که اگراول شورای ده‌باشد بالاترازآن شورای بخش است وبعد بالاترازاین شورای شهراست وبعدش هم شورای استان‌است وبه‌همین ترتیب بالاخره‌یک چنین سلسله مراتبی وجوددارد. (قرشی — منظورم‌این‌است که آیا اینها برهم

حکومت دارند؟) مسأله‌حکومت‌نیست، مسأله‌این‌است که شورای ده،شورای بخش را انتخاب میکند وشورای بخش، شورای شهررا و شورای شهر، شورای استان را، قهراً مراتب‌آن اینطور است. آقای موسوی جزایری بفرمائید.

موسوی جزایری — بنده مطلبی داشتم و خواستم‌در دوسه کلمه عرض کنم همان چیزی‌را که آقای سبحانی‌گفتند بنده‌هم دیروز و هم امروز صبح نوشتم و دادم به‌آقای دکترعضدی چون هدف اصلی ازشوراها پیشبرد برنامه‌های مادی و امثال اینها نیست، هدف اصلی واساسی از تشکیل شورا احترام به‌شخصیت و افکار مردم است بنابراین قبل‌ازاینکه این‌جهات در بیان هدف‌ازتشکیل شورا ذکربشود بایدبه‌آن‌مطلب اشاره شود یعنی احترام به‌افکاروشخصیت‌مردم.

رئیس — همه‌اش احترام نیست بلکه ازباب این‌است که مردم هرمرکزی، خواسته‌ها و نیازهای خودشان را بهترمی‌توانند تشخیص بدهند.

موسوی جزایری — یابه‌خاطر این‌است که حاکمیت مردم حفظ شود ومردم خودشان حاکم برسرنوشت خودشان باشند.

رئیس — آقای مراغه‌ای تشریف بیاورید به‌عنوان مخالف صحبت کنید.

مقدم‌مراغه‌ای — بنام خدا. البته دراین مسأله‌شوراها صحبت زیاد شده‌است وبنده‌هم درتمام جلساتش شرکت داشته‌ام وبادقت تمام دنبال کرده‌ام آن‌چیزی راکه‌می‌خواهم‌عرض کنم، لازم است که‌گفته شود ومن تصورمیکنم اینکه اصرار می‌شود موافق ومخالف صحبت نکنندصحیح نیست چون بعضی وقتها لازم است که حرفهاگفته بشود. (همهمه‌نمایندگان)

کریمی — این صحبت‌ها چه‌ربطی به این‌اصل دارد؟

رئیس — آقا اجازه بدهید صحبتشان را بکنند.

یزدی — چه‌موقع اصرار شده‌است؟ آنجائی‌که نه‌موافق ونه‌مخالف بوده صحبتی نشده است والان هم که قراراست به‌عنوان موافق و مخالف صحبت کنند که‌ایشان‌به‌عنوان‌مخالف صحبت می‌کنند.

مقدم‌مراغه‌ای — شما بی‌حوصلگی نفرمائید.

یزدی — شما در اولین جملهٔتان می‌گوئید اصرار می‌کنید، چه‌کسی اصرار کرده‌است؟

رئیس — آقای یزدی اجازه بفرمائید صحبتشان رابکنند.

مقدم مراغه‌ای — حالا باتمدید مدت جلسات به‌مدت یک‌ساه بنده فکرمیکنم‌آن حالت عجله کمی تخفیف پیدا کرده‌باشد.

رئیس — آقای مراغه‌ای شما راجع به‌خود اصل که فرمودید مخالفید صحبت کنید.

موسوی‌تبریزی— برطبق آئین‌نامه شما باید با ماهیت این اصل مخالف باشید، درحالیکه با نحوهٔ تدوین آن موافق هستید اگر شرایطش را بخواهید اضافه یاکم کنید آئین‌نامه‌به‌شما اجازه نمی‌دهد وثانیاً اینجا اصراری برحرف نزدن موافق ومخالف نبوده‌است وکسی اصرارنکرده است که‌موافق حرف نزند و مخالف‌هم حرف نزند شما اگر مخالف هستید طبق آئین‌نامه باید با محتوای این‌اصل مخالف باشید.

رئیس — آقای موسوی بسیار خوب آقای مراغه‌ای ازشما خواهش میکنم راجع‌به‌این اصل، آنچه نظرمخالف دارید بیان کنید.

مقدم‌مراغه‌ای — ما بتدریج که اصول قانون اساسی را تصویب می‌کنیم و به‌طرف

مقصود اساسی که استقرار جمهوری اسلامی است پیش می‌رویم، برای خودمان یک خطوط اصلی تنظیم می کنیم که دیگرازآن اصول انحراف نباید داشته باشیم وبرای‌اینکه پیوستگی‌این اصول باهم حفظ شود دراین‌اصل شوراها یعنی درمطلبی که الان‌عنوان شده‌است سه‌اصل‌است که بایدباهم تلفیق شود. یکی اصل پنجم یعنی ولایت فقیه ویکی اصل حاکمیت ملی و یکی هم اصل «وشاورهم فی‌الامر» که یک اصل اسلامی است. همهٔ ما می‌دانیم حکومت ایران تا به امروز یک حکومت متمرکزی بود که در دوران پنجاه وهفت سالهٔ پهلوی‌تمرکز به‌نهایت درجه رسید زیراتمام فرامین ازمرکز صادر میشد وایالات و ولایات و دهات همه‌تحت دستورات وفرمانهای ظالمانهٔ تهران بودند و تهران به‌بهای فقیرشدن تمام مناطق وسعت پیدا کرد. همینطورکه ما امروز می‌خواهیم یک تعدیل ثروتی بین مردم بشود یعنی برای ثروتمندان یک محدودیتهائی به نفع مستضعفان ایجاد شود. (کریمی — شما میخواهید تعدیل ثروت را هم حالا بیان کنید.) شما که اهل منطق هستید و می‌دانید که برای گفتن یک مطلب صغری و کبرائی باید گفته شود. (کریمی — با این مقدمات چه وقت اصل مطلب را خواهید گفت؟) شما اجازه بدهید هفت دقیقه وقتم را حرف بزنم اگر وقتم نرسید که نمی‌گویم. عرض کردم‌بایستی مسائلی بین مناطق مختلف رعایت شود که عدالت درهمهٔ نقاط گسترش پیدا کند، برای این منظور ما سه اصل داریم که این سه اصل را باید پیاده کنیم یکی اصل شوراها است و یکی هم اصل حاکمیت مردم است و ولایت فقیه، ولایت‌فقیه که روشن‌است که برطبق آن اصول اسلامی باید در همه‌جا مستقر شود، ولی در مقابل اصل حاکمیت ملی نتیجه‌اش این است که بنده حاکمیت ملی را به دو قسمت تجزیه میکنم. یکی حاکمیت ملی است که تجزیه ناپذیر است و تنها یک حاکمیت وجود دارد و آن کشور ایران است که ما همه طرفدار وحدت این حاکمیت ملی هستیم ولی دیگری حاکمیت اداری است که مردم می‌خواهندبدانند در ایالات و ولایات اینها اختیارشان چیست و مسأله برسر این است که این اختیار را چطور عمل بکنند زیرا ما به آنها توصیه لازم را می کنیم و قانون هم هست که باید براساس شوراها باشد ولی مقدم بر شوراها مسألهٔ اختیارات است و این اختیارات راکه می‌گوئیم مقصود اختیارات درمورد حاکمیت ملی نیست مقصود اختیارات در مورد حاکمیت اداری است که می‌خواهند اینها بدانند تا چه اندازه است. آنها می‌گویند مجلس شورای ملی و حکومت مرکزی آن حاکمیتی‌را که می‌خواهد به خودش اختصاص بدهد تعیین کند و در آن چیزی که می‌ماند ما را آزاد بگذارد ما با منطقهٔ خودمان و با روحیات خودمان آزادتر هستیم و با فرهنگ خودمان آشناتر هستیم و می‌دانیم که چه کار بکنیم. خدا شاهد است این مطلب راکه عرض میکنم به‌خاطر این است که جمهوری اسلامی بعد از سالهاظلم و استبداد پیام آزادی برای مردم آورده است. مردم باید این را احساس کنند و بدانند که این حکومت دیگرحکومت سابق نیست و علاجش این است که‌اختیارات استانها واختیارات ایالات واختیارات مردم‌هرمنطقه تعیین بشود البته‌این اختیارات باید بوسیله شوراها تعیین‌بشود وبنده داخل‌شدن‌درجزئیات‌مسألهٔ شوراها را دراینجا مصلحت نمی‌دانم که عنوان کنم. زیرا ما اصولی را تصویب می کنیم که می‌گوئیم امور مملکت باید براساس شوراها باشد مسلم است که این شوراها در مورد مسائل کارگری یک‌جور است و در مورد مسائل روستائی یک‌جور دیگر است و در مسائل اجتماعی یک جور است پس ملاحظه می کنید که ما در این مطالبی که در این اصل ذکر کرده‌ایم دو راه حل است یااینکه

همانطورکه بنده پیشنهاد کردم یک مجلس ایالات باشد و مردم بیایند به اینجا و اتکایشان به آن باشد و به طور مساوی نمایندگی داشته باشند و اینها در اینجا جمع بشوند به عنوان مجلس ایالات که برخورد ایالات و مسائلی که بین ایالات است در آنجا حل و فصل شود. الان که بنده این مسأله را عرض میکنم می‌دانم در چه شرایطی دارم حرف میزنم اگر این شرایط واین هیجان امروز نبود بنده یک خرده واضحترصحبت می کردم وجلوترمیرفتم ولی چون الان وضع اینطور است این امید را شما در دلها روشن کنید که مردم بـه آینده امیدوار باشند. حالا این اصل را در قانون اساسی بگذارید ، ولی بگذارید مجلس اول که می‌آید این مطلب را حل کند که مردم ایالات مطمئن باشند. مطلب دیگراینکه من می‌خواهم این‌مجلس خبرگان مجلس دوستی وآشتی برای همهٔ مردم باشد. (عرب— دربارهٔ اصل صحبت کنید.) اجازه بفرمائید خدا شاهد است من نمی‌خواستم مطلبی بگویم ولی چون وقت مجلس یک ماه تمدید شد و بنده دیدم فرصتی هست خواستم این مطالب را عرض کنم والا برای من چه‌نفعی‌دارد که‌این‌مطلب را اینجا بگویم جز اینکه بنده علاقه به‌این جمهوری‌اسلامی دارم آیاشما میتوانید علاقه دیگری برای من فکر کنید؟

یزدی — نمایندگانی که در مجلس هستند مربوط به سراسر مملکت هستند.

رئیس — آقای یزدی‌اجازه بدهید صحبت کنند. آقای مراغه‌ای علاوه براین مایک‌شورای عالی هم داریم.

مقدم‌مراغه‌ای — بنده را منحرف نکنید اجازه بدهید از این اصل نتیجه بگیرم مجلس شورای‌ملی براساس جمعیت‌است‌یعنی‌چه؟ یعنی‌ترکمنستان‌یااصفهان یاشیراز به‌تعداد هرصدهزار یا صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده دارد یعنی تهران با پنج میلیون‌جمعیتش بر همهٔ استانها امتیاز خواهد داشت و امتیازاتی‌را که تابه‌حال‌گرفته حفظ خواهدکرد. (یزدی — نمایندگان مال سراسرمملکت هستند منطقه پرست نیستند و مسئولیت مال همه است.) ما انسان هستیم فرشته نیستیم، اگر فرشته بودیم احتیاج به‌قانون نبود.

رئیس — آقا جواب ندهید.

مقدم‌مراغه‌ای — در هرحال مادرقانون اساسی سابق‌هم سه‌اصل ۹۰و۹۱و۹۲ را داشتیم که‌این اصول اجرا نشد چرا اجرا نشد؟ برای اینکه استبداد بود ولی الان‌حکومت، حکومت جمهوری اسلامی است و این فرصتی است برای جامعهٔ ایرانی که با نفوذ اسلامی خطرهائی‌را که احتمال داده می‌شود جلویش را بگیرد و من اطمینان دارم و این را با ایمان‌عرض می کنم ونگرانی هم ندارد،درتمام استانها اسلام قوی است وصحبتش صحبت حق است وهیچ نگرانی نیست فقط به‌ایالات کمی فرصت وکمی اختیاربدهید وچون‌تابه‌حال مردم محروم بوده‌اند فرصت بدهید ویگذارید مثل بچه‌هائی که‌می‌خواهند تازه راه بیفتند، مسائل‌خودشان را خودشان اداره کنند. (اشراقی — چرا ازاین اختیار نگران هستید؟) عرض کردم با وجود اسلام جای نگرانی نیست و بنده این را با ایمان عرض میکنم نه‌اینکه برای تظاهر باشد.

اشراقی — این مطالب که می‌گوئید دنباله دارد.

ربانی‌شیرازی — دربارهٔ اصل باید صحبت کنند چرا این مطالب را می‌گویند؟

رئیس — آقای ربانی شیرازی چرا نمی‌گذارید صحبت کنند. آقای مراغه‌ای بفرمائید بنشینید وقت حضرتعالی‌هم تمام شده است.

مقدم مراغه‌ای — در بارهٔ اصل ۷۰ بنده نمی‌خواستم مصدع بشوم.

رئیس — منظورتان این‌است که اصل ۷۰ نظر شما را تأمین میکند. آقای رشیدیان پیشنهادی فرستاده‌اند که چون با خود اصل تفاوت دارد وسه امضاء هم بیشتر ندارد قابل طرح نیست. چون آقای مقدم مراغه‌ای به‌عنوان مخالف صحبت کردند الان یکنفر به‌عنوان موافق می‌تواند صحبت کند، آقای موسوی اردبیلی اولین نفر ازموافقین هستند که اسم‌نوشته‌اند. آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی‌اردبیلی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من‌ازاینکه به‌مدت هفت ونیم دقیقه وقت‌سروران عزیز را می‌گیرم معذرت می‌خواهم. یکی دوتا مطلبی بود که فکر کردم اگرخدمت‌آقایان‌عرض کنم شاید خالی ازفایده نباشد. دراین چند اصل مسألهٔ شوراها مطرح می‌شود، درمورد شوراها ۷—۸ اصل هست که انشاءالله برادران عزیزمورد مطالعه و بررسی قرارداده‌اند و احیاناً اگر اصول دیگری‌هم مربوط به‌شوراها می‌شود مطالعه خواهند فرمود وبادرنظرگرفتن اطلاعات‌وسیع، گفته‌ها، شنیده‌ها، موقعیت‌محل، امیدوارم اصولی را دراین مجلس خبرگان برای شوراها تصویب بفرمایند که نه‌حالا، بلکه بعداز مدتهای مدیدهم جنبهٔ ترقی وپیشرفت خود را حفظ کند. مسألهٔ شوراها مسأله‌ای است که افتخار دین ماست، این یک اصل قرآنی است. اگربرای ملتهای دیگر یک قرن یا نیم قرن است که مسألهٔ شوراها مطرح شده ما افتخار داریم که چهارده قرن است که این مسأله برایمان مطرح است. رهبر انقلاب‌اهمیت وتوجهی که به‌مسألهٔ شوراها دارند شاید کم‌نظیر باشد. من این مسأله را الان خدمت خواهر وبرادران عزیز عرض میکنم. روزهائیکه ایشان در پاریس تشریف داشتند و من خدمت ایشان رفته بودم یکی از مسائلی که مطرح شد مسألهٔ شوراها بود وقتی این مسأله مطرح شد نظرایشان این بود که بمحض سقوط رژیم سابق باید شوراهای منطقه اختیار مناطق خود را بدست بگیرند حتی‌قرارشد یکی دو روز اقامتم را در پاریس تمدید کنم تا چیزیکه دراین زمینه نوشته می‌شود و نوشته‌هم شد بیشتر روی‌آن بحث و بررسی شود که بررسی‌هم شد و بعد از بررسی تقریباً زوائدش حذف شد ومن متن آنرا که درپاریس نوشته بودم با خودم به‌ایران‌آوردم وتکثیر کردم وبه‌افرادیکه‌مورد نظربود وفکرمیکنم‌بعضی ازآنها شاید درهمین‌مجلس هم‌باشند، خدمتشان فرستاده شد اصل‌متنی که از پاریس آورده‌ام الان هم پیش من‌است. به‌هرحال ازآن موقع ایشان دستور فرمودند که درمورد شوراها مطالعات لازم بشود تا چیزی برای شوراها نوشته شود وبمحض اینکه رژیم سقوط کرد ، نظام شورا جای آنرا بگیرد ، منتها بعد از سقوط رژیم وضع فوق‌العاده‌ای پیش‌آمد ونظام شوراها پیاده‌نشد بعدایشان دستور فرمودند در این مورد تسریع شود، و رفقا وارادتمندان به ایشان نشستند وآئین‌نامهٔ دیگری نوشتند که‌آن‌هم الان موجود است. تاکنون چهار نظام‌نامه یا آئین‌نامه در مورد شوراها نوشته شده است خواستم عرض کنم که این مسأله، مسأله‌ای نیست که برای ما تازگی داشته باشد و یا مسأله‌ای باشد که این روزها بازار داغی پیدا کرده باشد. مسألهٔ شوراها، مسأله‌ای است اسلامی و بنای این انقلاب باید روی این اصل اسلامی و پرمحتوا برقرار شود و امیدواریم انشاءالله با حسن نیت و دقت نظری که آقایان‌دارند در تنظیم اصول مربوط به شوراها به وجه احسن دقت نظر بفرمایند و در عمل هم به همان صورت پیاده شود. خدا را گواه می‌گیرم بدون اینکه کوچکترین نظری به افراد یا گروههای خاصی داشته باشم، کلی عرض میکنم که گاهی بعضیها از بعضی الفاظ و بعضی مطالب

استفاده‌های تبلیغاتی می‌کنند، ان‌شاءالله درمیان ما و در میان برادران ما چنین افرادی وچنین گروههائی وجود ندارد. ما یک شعار دادن داریم و یک واقعیت و حسابگری و یک مسألهٔ اساسی ملی را پیاده کردن. در مقام شعار دادن همه رقم می‌شود شعار داد، اما در مقام اجرا مسأله را باید طوری اجرا کرد که به جای اینکه یک اصلاحی بشود خدای نکرده یک درهم ریختگی و یک فسادی پیش نیاید، ما همه به این موضوع معتقدیم، ولی چون من از طرف دیگران وکالت ندارم شخصاً عرض میکنم که مسألهٔ شوراها به معنای حقیقی و واقعی، از پائین به بالا حتی به معنای تنظیم کمیته‌ها، ازکمیته به نمایندهٔ کمیته، تشکیل کمیته‌ها به شکل شورای ده، و تصمیم دسته جمعی، انتقال فکر از آنجا به بالا و انتقال قدرت از دست حکومت و دولت به مردم که صاحبان اصلی‌قدرتند، باید به آنها منتقل‌شود که صاحب سرنوشتندومیبایست درسرنوشت خود به‌تمام معنا آزاد باشند. این مسأله نه مخالف دارد ، نه دودلی دارد، نه کسی در آن تردید دارد. به هر حال چون وقتم دارد تمام می‌شود و متأسفانه رسم است کسی که به عنوان موافق صحبت میکند باید در مورد حرفهای شخص مخالف هم نظراتی داشته باشد عرض میکنم که من فرمایشات برادرم آقای مراغه‌ای را یادداشت کردم ایشان فرمودند این مسأله، ولایت فقیه و حاکمیت ملی «وشاورهم فی‌الامر» مورد تلاقی این سه اصل است. بعد هم ایشان گفتند منظور ما در اینجا حاکمیت اداری است. اینها همه تنظیم شده و اگر برادران زحمتی به خود بدهند و چند تا قانونی که برای شوراها تنظیم شده مطالعه بفرمایند خواهندديد در آنجا هست یعنی همهٔ این مسائل که صحبت می‌شود به طورکامل در آنجا آمده است و تا آنجا که من اطلاع دارم نقصی وجود ندارد ، و البته اگر نقصی هم وجود داشته باشد و لازم شود با یکی دو کلمه اصلاح شود، اصلاح می‌شود. من نمی‌دانم به کجای فرمایشات ایشان متعرض شوم چون ایشان به عنوان مخالف این اصل آمدند صحبت کردند. اگر بخواهیم بگوئیم آقای مراغه‌ای مخالف این اصل است یعنی مخالف شورا است، ولی ایشان مخالفت با مسألهٔ شورا نکردند بلکه گفتند مجلس ایالت باید باشد. خوب، این چه ربطی با این اصل دارد؟ به نظر من ایشان نه با این‌اصل موافق بودند و نه مخالف. پس من در مقام رد ایشان‌نمی‌توانم چیزی عرض کنم جز اینکه‌ایشان فرمودند اصراری به اینکه کسی موافق و مخالف صحبت نکند، نداشته باشید. اگر منظورشان این است که در بعضی از اصول چون هیچ حرفی نیست و پیش ازظهر هم وقت زیادی صرف رفع ابهامات و اشکالات آن شده است، دیگر کسی در جلسهٔ علنی صحبت نمی‌کند، مسأله منتفی است چون کسی در اینگونه مواقع داوطلب صحبت نیست، البته آقایان هیأت رئیسه وظیفه دارند که‌اگر یکی از نمایندگان گفت که‌حرفی دارم ایشان اجازه بدهند حرفش را بزند همانطوریکه تا به حال اجازه داده‌اند و ما هم به همهٔ حرفها چه موافق و چه‌مخالف گوش کرده‌ایم.

رئیس — همانطورکه الان وقت شما تمام شده و به حرف ما گوش می‌دهید وبه‌صحبتتان پایان می‌دهید.

موسوی اردبیلی — بلی، جناب رئیس می‌فرمایند وقت من تمام است، من هم گوش میکنم. «علی‌عینی و علی رأسی»، ظاهراً مستمعی مثل من ندارید.

رئیس — با اجازهٔ آقایان من تذکری‌را عرض کنم.چون در قم‌وقتی که‌درس می‌خواندیم رسم ما براین بوده که وقتی مباحثه می‌کردیم‌طرف بمحض اینکه‌مبتدا را می‌گفت مامی‌فهمیدیم

که خبرش چیست، شروع می کردیم به اعتراض کردن و نمی‌گذاشتیم طرف حرفش رابزند. این رسمی‌بود که ما درطلبگی داشتیم ولی دراینجا و دراین مجلس چون غیراز ما طلبه ها،مستمعین دیگری هم هستند اجازه بدهید وقتی یکی از دوستان پشت تریبون آمد و صحبتی داشت‌حرفش را تا آخر بزند. چون دراینجا آزادی کامل حکمفرماست، هر کس هرحرف و هرعقیده‌ای دارد می‌تواند آزادانه آنرا مطرح کند وبگوید. البته بعد ازپایان سخن او اگر کسی اعتراضی دارد نوبت می‌گیرد و می‌آید صحبت میکند. مقصودم این است که طوری نشود که بحثها درهم‌وبرهم شود وگوینده نتواند مقصودش را بیان کند. آقای بنی‌صدر شما صحبتی دارید ؟

بنی‌صدر — عرض کنم که درمورد مطالب...

تهرانی — بعداز صحبت یک موافق ویک مخالف دیگرجای حرفی‌باقی نمی‌ماند.

ربانی‌شیرازی — درست می‌فرمایند شما باید آئین‌نامه را اجرا بفرمائید.

رئیس — آقای بنی‌صدر شما سؤالی دارید؟

بنی‌صدر — من‌می‌خواستم توضیحی بدهم برای آقای مراغه‌ای که متوجه باشند که‌نکات موردنظرایشان را تماماً درنظرگرفته‌ایم و درمقایسه با بقیهٔقوانین اساسی دنیا، بیشتر ازهرقانون اساسی به‌مناطق اختیار داده‌ایم.

رئیس — اگر جناب مراغه‌ای اصول ۷۶و۷۰ را مطالعه بفرمایند متوجه می‌شوند که همهٔ خواسته هایشان تأمین شده‌است. آقای غفوری شما سؤالی دارید؟

گلزاده غفوری — همانطوریکه‌یکی از دوستان فرمودند دراسلام به‌مسألهٔ شوراهابیشتراز همهٔ ادیان و همه‌جای دنیا اهمیت داده شده است تا جائیکه می‌گوید : در راه احیای این حق جا دارد مردم جانفشانی کنند وهمانطورکه آنروزگفتم «اذالم‌یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیرلکم من‌ظهرها» وقتیکه کار شما بین خودتان از راه مشورت اداره نمی‌شود پس‌در اینصورت زیرزمین برای شما بهتر است از روی‌آن. یعنی اگر بمیرید بهتر است تا زنده باشیدو ارادهٔ شما در زندگی‌تان بی‌اثر باشد. دراصل‌این ماده درصدرآن نوشته شده بود «برای تأمین مشارکت» ولی الان من‌این جمله رانمی‌بینم. می‌خواستم‌ببینم که فلسفهٔ حذف‌آن چه‌بوده‌است؟

رئیس — آقای حجتی شما سؤالی دارید؟

حجتی کرمانی — منهم پیشنهادم این‌است که همانطوریکه آقای سبحانی‌گفتند اولین جمله‌ای که بعدازکلمه «برای»گفته می‌شود این‌باشد که «به‌منظور سپردن کار مردم‌به‌مردم...» وبعدهم دراینجا قید شود که فلسفه اصلی شوراها چیست وبرای چه‌منظور است؟

تهرانی — آقا بحث کافی است موافق ومخالف صحبت کردند، رأی بگیرید.

رئیس — اجازه بدهید ببینیم آقای مراد زهی هم سؤالی دارند؟

میرمرادزهی — آقای موسوی اردبیلی درسخنانشان اینطور نتیجه‌گیری کردند که‌آقای مراغه‌ای نه موافق هستند ونه مخالف، پس لازم می‌آید یک نفرهم به‌عنوان مخالف صحبت کند.

رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای به‌عنوان مخالف صحبت کردند پس نفر دومی به‌عنوان مخالف نمی‌تواند صحبت کند. عده‌ای ازآقایان هم پیشنهاد کفایت مذاکرات داده‌اند ولی‌من قبل‌ازاینکه این اصل را بخوانم پیشنهاد خودم را درمورد اضافه کردن عبارت «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان» تکرارمی کنم کسانیکه بااین پیشنهاد موافق هستند دستشان‌را

بلند کنند (اکثر دستشان رابلند کردند) تأیید شد. پس اگراجازه می‌دهید با این اصلاح نسبت به‌این اصل رأی بگیریم.

حجتی کرمانی — همانطور که عرض کردم وآقای دکترغفوری هم فرمودند این اصل یک ابهامی دارد. اول مطلب را روشن بفرمایند بعد رأی بگیرید.

رئیس — آقای حجتی درمورد این اصل صبح به‌اندازهٔ کافی بحث شده است وبه‌نظرا کثر دوستان ابهامی وجود ندارد، بنابراین من‌این اصل را یک بار دیگر می‌خوانم تانسبت‌به آن با ورقه اخذ رأی بشود:

اصل ٧٤ (اصل یکصدم)— برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی بانوجه به‌مقتضیات محلی از طریق همکاری مردم اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان بانظارت شورائی به‌نام شورای ده،بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن‌را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب شوندگان وحدود اختیارات و نحوهٔ انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین میکند.

(آقایان: دکتر روحانی و عضدی «منشی‌ها» در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء، نتیجه به قرار زیر اعلام گردید:)

رئیس — عده حاضر در جلسه به هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعدادکل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء مخالف دو رأی، آراء ممتنع سه رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند)

٤- طرح وتصویب اصل ٧٥ (اصل یکصد ویکم)

رئیس — اصل بعدی یعنی اصل ٧٥ قرائت می‌شود.

اصل ٧٥ (اصل یکصد و یکم) — برای جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیهٔ برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها در استانها، شورایعالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود. نحوهٔ تشکیل ووظایف این‌شورا را قانون معین میکند.

رئیس — سؤالی در مورد این اصل دارید؟

خزعلی — در این اصل کلمهٔ «استانها» چهاربار تکرار شده است. من پیشنهاد میکنم بعد از عبارت «... و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها» کلمه «در استانها» حذف شود.

رئیس — آقای میرمرادزهی شما هم توضیحی دارید؟

میرمرادزهی — من معتقدم که در اینجا باید چهارچوب اختیارات شورا مشخص شود،تا در مورد جزئیات آن بعداً مجلس شورای ملی تصمیم بگیرد.

تهرانی — به عنوان یک اصل، پیشنهاد بدهند تا مورد رسیدگی قرار بگیرد.

رئیس — آقای بیت اوشانا سؤالی داشتید؟

بیت‌اوشانا — منظور از «تبعیض» چه نوع تبعیضی است؟

رئیس— یعنی بین استانها هیچ‌نوع تبعیضی وجود نداشته باشد، مثلا برای یک استان

صد میلیون تومان بودجه معین نکنند و برای استان دیگر ده‌میلیون تومان واین همان مطلبی است که آقای مراغه‌ای هم دنبالش بوده‌اند که علاوه بر نمایندگانی که در مجلس شورای‌ملی هستند به‌خاطر امور کشوری، برای اینکه خواسته‌های آن استانها به‌دولت منعکس شود از هر استانی یکی، دونماینده انتخاب می‌شوند که آنها نیازمندیها ومسائل ومشکلات منطقهٔ خود را پس‌از رسیدگی به دولت می‌فرستند این مسأله در کشورهای دیگرهم سابقه دارد مثلا درکشور آمریکا درهر استانی به عدد افراد، مثلا هردویست‌هزار نفر یک نماینده انتخاب می‌شوند ولی هراستانی یک یا دوسناتور دارد و دراین مورد تبعیضی بین استانها نیست یعنی برای هر استان بدون درنظر گرفتن تعداد جمعیتش دوسناتور درنظر می‌گیرند، که اینها می‌نشینند ومشکلات استان خود را رسیدگی وبررسی وتبادل نظر می کنند .

بیت‌اوشانا— این یک‌چیزی بود شبیه شورای ملیت یا شورای اقوام .

رئیس— ما اقوام نداریم، بلکه شورای استانها داریم که آنها همانطوری که عرض کردم می‌نشینند ومشکلات استانها را رسیدگی می کنند و بعد به‌دولت ابلاغ می کنند. سؤال دیگری نیست؟

فاتحی— بعضی از استانها نسبت به‌استانهای دیگر نیازمندیهایشان باهم فرق می کند.

ربانی‌املشی— اگریک کلمه دراینجا اضافه بکنید فکر می کنم مطلب روشن‌تر شود یعنی بنویسیم: «نحوهٔ تشکیل وحدودوظایف» چون اصل وظیفه شوراها معلوم است وحدود وظایف آنرا باید قانون معین بکند .

رئیس— مقصود از حدود وظایف همان وظایف است ، تفاوتی دارد ؟

سبحانی— من‌فکر می کنم عبارت آخر این‌اصل باید جلو وعقب برود یعنی بنویسیم:«از نمایندگان شوراهای استانها، شورایعالی استانها تشکیل می‌شود». (عده‌ای از نمایندگان— هم صبح وهم‌حالا به‌اندازهٔ کافی روی‌این‌اصل بحث‌ورسیدگی‌شده است، خواهش میکنیم‌رأی بگیرید.)

رئیس — ظاهراً اشکال اساسی‌دراین اصل وجود ندارد، نسبت به‌این اصل‌با ورقه‌اخذ رأی میشود .

(آقایان دکتر روحانی‌وعضدی « منشیها» در محل نطق حاضر شدند وآراء مأخوذه را شمارش کردند ونتیجه به‌قرار زیر اعلام‌گردید.)

رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت وچهار نفر ، تعداد کل‌آراء شصت وچهار رأی ، آراء موافق شصت ودورأی ، آراء مخالف یک‌رأی ، آراء ممتنع یک‌رأی بنابراین تصویب شد ،تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند)

۵- طرح وتصویب اصل ۷۶ (اصل یکصد و دوم)

رئیس — اصل ۷۶ قرائت می‌شود .

اصل ۷۶ — شورایعالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهائی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به‌مجلس شورای ملی ارائه نماید. این طرحها در مجلس‌موردبررسی قرار می‌گیرد .

رئیس — من خودم فکر میکنم برای محکم کردن کار باید عبارت آخر این اصل را به این‌صورت بنویسیم : «این‌طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار بگیرد ».(سبحانی— من هم

همین مطلب را می‌خواستم عرض کنم.) بسیار خوب، آقای فوزی شما سؤالی داشتید؟

فوزی — اینجا قیدشده که‌این طرحها مستقیماً یا از طریق دولت به‌مجلس شورای ملی ارائه میشود. از طریق دولت، یعنی واسطه آوردن، چه‌معنائی دارد؟ این در حقیقت‌تشریفات را زیادمیکند. چرا مستقیماً خود آنها به‌مجلس شورای ملی ارائه ندهند؟

رئیس — این‌به‌نفع خود آنها است چون از هرراهی که‌نزدیکتر باشد اقدام می‌کنند آقای مکارم شما سؤالی دارید؟

مکارم شیرازی — می‌خواستم عرض کنم که علاوه براینکه دراین قانون‌مسأله شوراها در اجرا دخالت داده شده است، اینها در امر قانونگذاری هم به نحوی مشارکت دارند. یعنی طرحی تهیه می‌کنند وبه‌مجلس ارائه‌می‌دهند ومجلس هم وظیفه دارد روی آنها مطالعه کند.

رئیس — آقای خامنه‌ای فرمایشی دارید؟

خامنه‌ای — بنده‌هم می‌خواستم عرض کنم که‌معمولا وقتی کاری از طریق شوراهابیاید به‌دلیل همین جهتی که در کارهای اجرائی هم‌هست وقتی به‌وسیله دولت یکی‌دوبار عمل میشود در حقیقت این‌یک رویه میشود ودر این مملکت ثابت شده است که‌گاهی یک‌رویه، قانونی را هم فسخ کرده است منهم در حقیقت ایراد آقای‌فوزی را دارم که‌وقتی از طریق‌دولت این طرحها به مجلس ارائه میشود امکان دخل و تصرف در آنها زیاد است ولی اگر از طریق مجلس باشد چنین نگرانی نخواهد بود بنابراین من پیشنهاد میکنم که مستقیماً به مجلس ارائه شود.

رئیس — آقای بشارت شما سؤالی دارید؟

بشارت — اینکه دراینجا نوشته شده است «این طرحها درمجلس مورد بررسی‌قرارمیگیرد» معلوم نیست که در ظرف چه‌مدتی است؟ باید یک مدتی یا یک قید فوریتی برایش درنظر گرفت تا دچارتشریفات نشود وفوری‌درمجلس به‌آنها رسیدگی شودودرصورت لزوم‌تصویب‌گردد.

رئیس — مثلا بنویسیم فوراً درمجلس مورد بررسی قرارمیگیرد. آقای بیت اوشانا شما سؤالی دارید؟

بیت‌اوشانا — آنوقتیکه درمورد مجلس شورای ملی صحبت بود دراین‌مورد صحبت‌شد که شورای استانها وشورائی مرکب از نمایندگان استانها تشکیل میشود که یک اختیاراتی خواهد داشت که شاید کمتر ازمجلس شورای ملی نباشد، ولی دراینجا عبارت طوری نوشته شده‌است که این شورا هیچگونه اختیار اجرائی ندارد وتنها حق مشاوره دارد یعنی نه‌حق اتخاذ تصمیم دارد ونه حق توصیه خیلی جدی که بتواند قابل اجرا باشد. این چنین شورائی که بطورکلی حق اتخاذ تصمیم ندارد به‌نظرم اگر در قانون اساسی نیاید بهتر است، برای‌اینکه مردم را امیدوار میکند به‌چیزیکه حق کوچکترین اتخاذ تصمیمی نخواهد داشت.

ربانی املشی — اصل بعدی‌آنچه را که مورد نظرایشان است بیان میکند.

رئیس — خانم‌گرجی سؤالی بود؟

خانم‌گرجی — برای‌اینکه این طرحهای پیشنهادی زودتربه‌مرحلهٔ اجرا درآید بایدیک قید زمانی‌برایش درنظرگرفت.

رئیس — آقای بنی‌صدر شما توضیحی دارید یا می‌خواهید سؤالی مطرح بفرمائید؟

بنی‌صدر — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض کنم که‌خلاف فرمایش ایشان‌سه‌ردیف‌اختیارات

و وظایف به‌شوراها داده شده است، یکی شرکت درتهیه برنامه‌های عمرانی که این موضوع در قوانین اساسی بعضی ازکشورها روی کاغذ هست ولی عمل نمی‌شود وما امیدواریم درکشورما عمل هم بشود دربقیهٔ جاهاهم نیست یعنی حکومت مرکزی خودش برنامه می‌نویسدومجلسش هم تصویب میکند یا مجلس ندارد و مستقلا به‌اجرا می‌گذارد و مجلسش فقط روی کاغذ است بنابراین نمی‌شودگفت هیچکاره است مثلا ما بگوئیم سازمان برنامه کاره‌ای‌نیست‌فقط کارش این‌است که برنامهٔ هفت‌ساله را تهیه میکند این مجلس است که کاره‌ای است وآن را تصویب میکند.نه، خودتهیه‌قانون‌اساسی تصویب آن‌را تشکیل‌میدهد دراصل‌دوم ما این را قراردادیم درحد پانزده نماینده که طرحهائی که تهیه می‌کنند قابل طرح درمجلس‌است وحال آنکه پنج یا ده نماینده از همان مجلس اگر طرحی تهیه کنند قابل طرح در مجلس نیست ، بنابراین این اختیار مهمی است که به‌آن مجلس عالی داده شده است حالا ایشان ایرادشان این‌است که چرا بعضی مواقع از طریق دولت، بعضی مواقع از طریق مجلس، اولا همین بالا رأی دادید مثلا یکی از مواردی که از طریق دولت انجام میشود همان برنامهٔ عمرانی است که مهمترین مورداست، اساس زندگی اقتصادی‌یک مملکت‌است،علاوه‌براینکه‌بسیاری‌ازطرحهاپیش‌می‌آید که جنبهٔ‌مالی دارد جنبه‌های اجرائی هم‌دارد که اگرازطریق دولت هم نیاید مجلس ناگزیراحاله میدهد به‌دولت که نظر اورا بداند. پس ناچار باید این نکات را در قانون اساسی پیش بینی کرد بنابراین ما اینجا تازه سلب اختیاری هم ازآن نکرده‌ایم‌گفته‌ایم اگر خواست مستقیماً بازهم بتواند بدهدیعنی اگرخواست قبلا دردولت مسأله بررسی بشود و جهاتش رسیدگی بشود که‌بعد بدون معطلی‌در مجلس طرح بشود وازآن طریق عمل بشود. دراصل بعدی‌هم درمورد انحلال شوراهای محلی اختیارات به‌او داده شده که‌آن‌هم یک اختیار مهمی است حالا راجع به‌شورای استان‌ها، ما باآقای‌مفتی‌زاده صحبت کردیم وگفتیم این‌خودمختاری که شما خواسته‌بودید سه‌تا قضیه داشت الان دراصلی که ما تصویب کردیم غیرازآن دوموردی که درتمام قوانین اساسی دنیا مربوط به‌حاکمیت ملی است حتی بقیهٔ موارد را برای اختیارات شوراهابیشتر قائل شده‌ایم.

بیت‌اوشانا — انحلال شورای استان رابه مجلس شورای ملی داده‌اید؟

بنی‌صدر — بلی انحلال شورای استان را به مجلس داده‌اند و شوراهای کوچکتر، ازاستان را به‌شوراهای عالی، بلی آقای مفتی‌زاده گفتند که درقانون شوراها اصلا شما زیادتر از خود مختاری داده‌اید ، برای اینکه اگر شوراها از حد خودشان خارج شدند شما نگفته‌اید چه خواهید کرد، پس بنابراین مرادما این بود که حتی‌المقدور مردم‌هر ناحیه درامور خود آن‌ناحیه مشارکتشان کامل باشد، بدون اینکه وحدت‌ما وکشورما به‌خطر بیفتد تاآنجا که ممکن بوده است چیزی رافروگذار نکرده‌ایم وهمه‌چیز را دراین متن آورده‌ایم حالا بقیه‌اش بستگی به‌اجرای قانون دارد که امیدواریم خوب اجرا بشود ونتایج بایسته وشایسته را برای هر منطقه‌بباربیاورد.

پرورش— آقای بنی‌صدر شورایعالی استانها را با شورای استان یکی کردند برای اینکه فرمودند انحلال شوراها به‌عهده شورایعالی استانها است در حالیکه اینها دو مقوله است و انحلال شوراها ارتباطی به شورایعالی استانها ندارد .

بنی‌صدر— من درتصور خودم‌بودم ولی‌حالا که به متن نگاه کردم دیدم حق با شمااست.

جوادی— دراصل ۷۶/۱، استاندارها وفرماندارها و بخشدارها ملزم به‌رعایت تصمیمات شوراها هستند .

بنی‌صدر— آن‌از اختیاراتشان هست، بنابراین همهٔ چیزهای لازم فراهم شده است.

حجتی کرمانی— ممکن است مجلس کمیسیونی تشکیل بدهد وبگوید این طرحها راهم داده‌ایم به کمیسیون مخصوص شورایعالی، به‌نظرمن این مسائل باید روشن بشود این طرح‌ها باید مورد بررسی قرار بگیرد وجواب داده شود که به‌چه دلیل امکان دارد و به‌چه دلیل امکان ندارد.

بنی‌صدر— ملاحظه بفرمائید، وقتی طرح شد یعنی طرح قانونی است یا مجلس می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد ما نمی‌توانیم از اینجا اختیار مجلس را سلب کنیم بگوئیم محکوم است به اینکه رأی بدهد وتصویب بکند این‌مثل یک شکایت‌نامه نیست بلکه طرحی است، ممکن است اینجا بگذارید که یک طرح قانونی تلقی می‌شود که باید مورد رد یا تصویب قرار بگیرد که هرگونه ابهام‌از بین برود.

رئیس— یا تصویب کنند یا رد کنند؟ (بنی‌صدر—بلی) مرقوم بفرمائید بصورت یک‌طرح قانونی تلقی بشود که باید مورد رد یا تصویب قرار بگیرد.

تهرانی— من پیشنهاد کفایت مذاکرات می کنم.

دکتر ضیائی— بررسی که کردند ممکن است یک مقدارش را رد و یک مقدارش را تصویب بکنند.

رئیس— اینطور بنویسیم «این‌طرحها درمجلس باید مورد بررسی قرارگیرد» (نمایندگان— باید؟) برای اخذ رأی متن را می‌خوانم:

اصل ۷۶ (اصل یکصد ودوم) — شورای عالی استانها حق دارد درحدود وظایف خود طرحهائی تهیه ومستقیما یا از طریق دولت به مجلس شورای ملی ارائه نماید. این طرحهاباید درمجلس مورد بررسی قرارگیرند.

طاهری‌گرگانی— «...این طرح‌ها باید در مجلس توسط نمایندگان آن استان مورد بررسی قرارگیرند.»

رئیس— درموقع اخذ رأی صحبت کردن وپیشنهاد دادن قدغن است.

حجتی کرمانی— اینکه درست نیست به‌پیشنهادها کم توجهی شود، ممکن است‌دو کلمه اضافه کنید وطرحی کامل‌تر بشود چه‌اشکالی دارد؟ شما برای صدسال دیگر قانون می‌نویسید، بادو کلمه اگرمحکمتر شود که بهتر است.

رئیس— همین محکم است، هرطرحی به مجلس می‌رود یا باید رد کنند یاتصویب کنند.

حجتی کرمانی— آقا به دیگران هم مجال تفکری بدهید.

رئیس— آقای حجتی کم لطفی می‌فرمائید، چون اینها سه چهار مرتبه بررسی شده، صبح هم به‌اندازه کافی دراطرافش بحث‌به‌میان آمده است.

حجتی کرمانی— می‌خواهم بگویم برخورد با مطلب به‌صورت فعلی نفی‌غلط است یعنی بعداز این کسی جرأت نمی‌کند پیشنهاد بدهد.

ربانی‌املشی— شما اقلا یک‌بار به‌یک اصلی رأی ممتنع بدهید معلوم می‌شودشماتفکرتان کامل نبوده است همیشه هم که رأی موافق می‌دهید.

حجتی کرمانی— نه، به‌بعضی چیزها که روشن نشده است رأی ممتنع داده‌ام.

(اخذ رأی به عمل آمد و آراء به‌وسیلهٔ دو نفر از منشیان هیأت رئیسه «آقایان دکتر

روحانی و عضدی شماره شد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

رئیس— عدهٔ حاضر درجلسه هنگام رأی‌گیری شصت‌و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق شصت ویک رأی، آراء مخالف‌دورأی، آراء ممتنع یک رأی، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیرگفتند)

۶- طرح وتصویب اصل ۷۶/۱ (اصل یکصد وسوم)

رئیس— اصل ۷۶/۱ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۷۶/۱— استانداراها و فرمانداراها و بخشدارها وسایرمقامات کشوری که ازطرف دولت مرکزی تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

رئیس— اینجا من نام خودم را هم در نوبت نوشته‌ام، اشکالی داشتم و آن این بود که «استانداراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند» ممکن است برداشت این بشود که آنها را رعایت می کنند مخالفت با آنها نکنند، باید بالاترازاین باشدمثلا نوشته شود «ملزم به‌رعایت و اجراء تصمیمات آنها هستند» این نظر من است «اجراء» هم می‌خواهد. (فارسی— شما اسمتان را آخر نوشته بودید اول صحبت کردید.) خیر، اول نوشته بودم.

حسینی هاشمی— اگر بنا هست در اجرا و تصمیم‌گیری و در قضا هر سه تا را بدهید به شوراها، نتیجه‌اش این می‌شود که تجزیهٔ قوا درکار نباشد، شما به سادگی به مجلس شورای ملی چنین حقی را نمی‌دهید.

رئیس— معنی «رعایت» اعم است، ممکن است معنیش این باشد وقتی که شورا یک تصمیمی‌گرفت استاندار یک کاردیگری می‌خواهد بکند و احتمالا کاری که معارض با کار شورا است انجام ندهد ، همین اما کار شورا را رعایت و امکانات اجرائیش را فراهم کند ، این را دیگر نمی‌فهماند، شورا خودش میداند، می‌تواند اجرا بکند می‌تواند اجرا نکند پس صرف رعایت کردن کافی نیست بلکه در حدود وظایف شوراها (هرچه تصمیم‌گرفتند) فرمانداربایستی امکانات در اختیار بگذارد که اجرا بشود این عرض من بود.

دکتر آیت— من با این اصل موافقم در صورتی که کسی به عنوان مخالف صحبت کرد من عرضم را می کنم.

اکرمی— درگروه دوم ما این‌جور اضافه کردیم «در تصدی مقامات فوق (یعنی استاندار و فرماندار و بخشدار) افراد ذیصلاح محلی که شوراها پیشنهاد کنند اولویت دارند».

رئیس— این یک چیز جدائی است. (میر مراد زهی— من با این اصل مخالفم.) خانم گرجی بفرمائید.

خانم‌گرجی— این استاندارها وفرماندارهائی که ازطرف دولت مرکزی تعیین می‌شوند تقریباً انتصابی هستند آیا مردم هیچ‌گونه نظری در نحوهٔ انتصاب آنها دارند؟ و اگر ندارند آنوقت «...درحدود اختیارات شوراها ملزم به‌رعایت تصمیمات آنها هستند» همانطورکه‌خودتان هم فرمودید فقط ملزم هستند رعایت کنند، مشارکت در همکاری و برنامه‌ریزی و این فعالیتها درکار نیست. (رئیس— استاندارها که از مرکز انتخاب میشوند.) خیلی خوب، انتخابی‌مردم هستند فقط می‌گویند تصمیمات شوراها را چشم، رعایت می کنیم.

پرورش— درکل اصولی که اینجا راجع به شوراها بحث میکند به اعتبار اینکه مرجع

رسیدگی به اشکالات و شکایات مطلقاً ذکر نشده است و صبح هم شاید ساعتها مورد بحث و بررسی برادران و خواهر عزیز ما بود درزمینهٔ مرجع رسیدگی که نمی‌دانستند بگویند دادگاهها یا مجلس شورای ملی تمام اینها بحث شد به علت اینکه مرجع رسیدگی مطلقاً ذکر نشده است ازاین جهت وحشت‌هست‌ازاینکه بگوئیم مردم مشارکت دارند، همکاری‌دارند،مساعدت‌دارند و باز وحشت هست از اینکه بگوئیم افرادی که در منطقه از استاندارها و فرمانداراها اولویت دارند اینها یعنی افراد محلی که حق تقدم دارند یعنی شایسته هستند اولویت داشته باشند فقط به علت اینکه مرجع رسیدگی ذکر نشده همه این وحشت را دارند.

رئیس— یعنی خانه‌های انصاف و شوراهای داوری را هم می‌خواهید جزو این شوراها قرار دهید؟

پرورش— درکل اصول این شوراها باید مرجع رسیدگی ذکر بشود تا بتوانیم تمام اینها را مورد بررسی قرار دهیم.

کیاوش— به عقیدهٔ من باید این مسأله روشن بشود که شوراها عامل اجرائی هستند یا عامل شور و مشورت؟ اگر عامل شور و مشورت باشند، در این صورت باید نوشت «در حدود اختیارات شوراها ملزم به‌رعایت‌تصمیمات واجرای تسهیلات لازم برای آنها هستند». (بنی‌صدر— اجرای تسهیلات یعنی چه؟) یک وسائلی فراهم کند که تصمیمات آنها را بتوانند اجرا بکنند.

مولوی عبدالعزیز— منظور از عرض بنده این بود که وقتی که شوراها هیچ اختیاری در انتخاب حتی بخشدارها، فرماندارها، مدیرکل‌ها ندارند پس ماچه احترامی به آراء مردم گذاشتیم وقتی که هیچ اختیاری ندارند فقط جاده بکشند و بلا تشبیه دستشوئی و حمام درست بکنند ؟

رئیس— اگر بنا شود که همهٔ اختیار استاندار و فرماندار و بخشدار هم دست مردم باشد پس دولت مرکزی چکاره است؟

مولوی عبدالعزیز— اگر این مقامات هم انتصابی باشند چه‌فرقی است بین دولت‌جمهوری اسلامی و آن دولتهای طاغوتی سابق؟

بشارت— عرض کنم این استاندارها و فرماندارها و بخشدارهائی که بعداً دولت به این صورت می‌فرستد اینها یک آدمهای کم‌قدرتی هستند قهراً قدرتشان یک مقدارگرفته شده، چون وقتی شوراها برکارشان نظارت بکنند مثل اول نمی‌توانند کاربکنند حالا یک ناراحتی پیش می‌آید چون ما در استان کهکیلویه و بویر احمد با آن درگیر هستیم اینها بلافاصله وقتی وارد محل شدند فوراً ساخت‌و پاخت می‌کنند با فئودالها و ضد انقلابیون و آن افرادی که درشوراها انتخاب نشده‌اند، اینها در مقابل شوراها قرار می‌گیرند اینست که تا مسأله‌ای برای شوراها پیش آمد مردم را تحریک می‌کنند. آنها از شوراها شکایت می‌کنند یک اختلاف بزرگی بین آن مأمورین دولت و منتخبین ملت پیش می‌آید، برای استاندارها و فرماندارها باید یک فکری کرد که اگر اینها آمدند آنجا برای کسب قدرت بیشتر یا اینکه شورا را به زانو در بیاورند یک‌طوری باشد که شوراهم بتواند اینها را یک جائی به‌محاکمه بکشاند، چون انحلال‌شوراها راگفته‌ایم اما محاکمهٔ فرماندارها و استاندارها را هیچ‌جا نگفته‌ایم.

دکتر شیبانی— بعد از اینکه آقای میر مرادزهی به عنوان مخالف با این اصل صحبت کردند من پیشنهاد کفایت مذاکرات میکنم.

میرسراد زهی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . موضع من در نطق قبل از دستور فکر میکنم تقریباً مشخص شد ولی در اینجا مسأله فرق میکند چون باید تک تک اصول مورد بررسی قرار بگیرد . برادرمان آقای بنی‌صدر در مورد شوراها اینقدر تعریف کردند که من فکر کردم بالاخره بالاتر از آن چیزهائی است که من دربارهٔ خودمختاری فکر کرده بودم در حالیکه من آن نتایجی را که ایشان اینجا از اصول مربوط به‌شوراها گرفتند، نمی‌بینم. اما در همین اصل مورد بحث فعلی، ما هرچند اصرار داشتیم به مسأله عدم تمرکز، متوجه می‌شویم که اینجا اصل مطلق تمرکز اداری پذیرفته شده است یعنی شوراها در واقع یک دکور خواهند بود اگر که تمام مقامات اداری، استاندارها، فرمانداراها، بخشدارها را دولت مرکزی تعیین بکند تمام آن اشکالاتی که من در نطق قبل ازدستورگفتم وجود خواهد داشت. چرا نباید ما در اینجا پیش‌بینی بکنیم که دولت مرکزی یا اصلا دولت، چون مرکزی در مقابل خودمختاری‌ها است، ما دولت مرکزی نداریم همه‌اش دولت است ، دولت چرا نباید اولویت‌ها را در نظر بگیرد؟ چرا افرادی را که واجد شرایط هستند از هر استان انتخاب نکند؟ چون در هر استان یک چنین شخصی حتماً وجود داردمگراینکه ما تصور کنیم‌اشخاص واجد شرایط وصلاحیت‌اصلا دراستانها وجود ندارند و باید حتماً از تهران و از بین نور چشمی‌ها انتخاب بشوند و برای حکومت کردن بر مردم استانها و ولایات فرستاده بشوند و اما مسأله دوم در حدود اختیارات شوراها، این مقامات ملزم به رعایت تصمیمات هستند، «رعایت» یعنی چه؟ اگر اینها تصمیماتی می‌گیرند که جنبهٔ قانونی دارد و برای صلاح و مصلحت آن شهر یا استان یا هر واحدی که هست اگر این تصمیماتشان جنبهٔ قانونی دارد که باید اجرا بشود و چنانچه اینها برای خودشان شعارمی‌دهند و حرف می‌زنند که آن یک مسأله دیگری است به نظر من این اصل به‌هیچ‌وجه مطلب را نمی‌رساند و باید اصلاح بشود.

عضدی— منظور آقای میر مراد زهی از خودمختاری همان فدرالیسم است که این استانها فقط در سیاست خارجی و امور دفاعی تابع حکومت مرکزی باشند آنچه که من‌استنباط میکنم موضوع حکومتهای محلی است. این شوراها درواقع حکومتهای محلی را اعمال می‌کنند و در نتیجه اینها شهرداران را انتخاب می‌کنند و شهرداران ملزم به اجرای تصمیمات اینها هستند اما فرمانداران و بخشداران، نمایندهٔ حکومت مرکزی هستند وحاکمیت ملی را اعمال می‌کنند آنها باید رعایت بکنند ولی نمایندهٔ حکومت مرکزی هستند، نه نماینده شوراها. این شهرداران هستند که ملزم به‌اجرای تصمیمات‌شوراها هستند چون‌این‌شوراها حکومتهای‌محلی هستند و این تفاوت می‌کند با آن سیستم فدرالیسم که مورد نظر آقای مراغه‌ای و آقای میر مرادزهی است .(رئیس— منظورشما از شوراها یعنی انجمن شهر که شهردار معین می‌کند؟) اینهاشهردار هم معین می‌کنند. انجمن شهرنه‌به آن صورتی که واقعاً انجمن شهر است فقط به‌خاطر اینکه‌در رژیم گذشته عمل نمی‌کرده، وگرنه انجمن شهر وظیفه‌اش کم نیست حکومت محلی وظیفه‌ای بسیار سنگین ومهمی دارد. همان چیزی‌هست که ما می‌گوئیم خود مختاری .

موسوی اردبیلی— منظور ازشوراها این مقدار که شما می‌فرمائید نیست اگربه‌عنوان‌موافق صحبت می‌فرمائید این کافی نیست. کسی دیگر باید بیاید بیشتر ازاین توضیح بدهد .

عضدی— عرض کردم، این استنباط من ازاین اصول است .

سبحانی— اگر اصل ۷۴ را ملاحظه کنید، مورد بحث شوراها را آورده است «...اجتماعی،

اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی وسایر امور رفاهی...» نه‌سیاسی نه‌اجرائی نه مسائل دیگر...

رئیس— پس‌چرا آقایان با یک کلمه «اجرا» دراینجا مخالفند؟ «...ملزم به رعایت تصمیمات واجراء آنها هستند» (چندنفر از نمایندگان— دراین خصوص بسیار بحث شده‌است.)

موسوی زنجانی— من با «ملزم به رعایت تصمیمات واجراء آنها» موافقم علاوه بر این، این اصلی را که گروه دوم تنظیم کرده‌اند «دولت باید درانتخاب استانداران، فرمانداران وسایر مقامات‌دولتی هم حتی‌الامکان اولویت محلی را مراعات کند» این اصل به اینجا اضافه شود.

دکترشیبانی— یک اصل علیحده دراین باره‌هست که به‌آن خواهیم رسید.

مکارم شیرازی— عرض بنده این است که مسائل را باید از دوجانب مورد توجه قرار داد. این آقایانی که می‌فرمایند مثلا استاندارها یا فرماندارها ازمحل انتخاب بشوند یعنی‌خود شوراها انتخاب کنند، به‌این نکته هم توجه کنند که‌اگر اینها منتخب این محلند دلیلی ندارد گوش به حرف غیرمردم این محل بدهند یعنی معنایش این است، اینها مجری تصمیمات‌اینها هستند معنایش این‌است که تجزیه کنند، باید تمام جنبه‌ها را درنظرگرفت و این جمله‌ای‌هم که حضرتعالی فرمودید چرا اینجا رعایت است واجرا نیست؟ درآن قانون شوراها که شورای انقلاب تصویب کرده است به‌اجرا تصریح شده است ولی آن را عیناً اینجا نیاورده‌اند، چرا؟ برای اینکه قانون اساسی را نمی‌شود تغییر داد باید جامع تر بشود اما این قانون را امروز اجرا نوشته‌اند اگر به بن‌بستی برخورد نکند تصمیمات شوراها همیشه اجرا می‌شود اما اگریک‌جا مشکلی ایجاد شده دست قانونگذار و مجلس شورا باز است پس‌بگذارید این اصل به‌همین صورت بماند. (بیت‌اوشانا— آن برخلاف قانون‌اساسی می‌شود.) رعایت اعم است. اجرا، همکاری راهم در بر می‌گیرد، جامع است منتها این جامع را در قانون شوراها الان به صورت اجرا نوشته‌اند که مشکلی درسطح مملکت ایجاد نکند، واگر مشکلی ایجاد بکند قانون اساسی رابه‌هم نمی‌زنیم بلکه قانون شوراها را به‌هم می‌زنیم دراین باره درگروه‌هم صحبت شده است.

رئیس— من به‌عنوان سؤال می‌خواهم از شما بپرسم. اگر چنانچه شوراها یک تصمیمی گرفتند استاندار به‌آن تصمیم کاری نداشت وگفت می‌توانید اجرا بکنید می‌توانید اجرا نکنید من به‌شما کاری ندارم فقط با شما مخالفت نمی‌کنم، رعایت کرده است یا نکرده است؟ (چند نفر از نمایندگان— ملزم به رعایت است.)

بنی‌صدر— برای اینکه ازهمه‌رفع شبهه بشود وفکر نکنند برای کلمه «خود مختاری» ما کاری نکرده‌ایم اگر اجازه می‌فرمائید من‌اصل مربوط ازقانون اساسی روسیه را می‌خوانم ببینید چه مواردی درصلاحیت حکومت مرکزی است. (رئیس— بفرمائید) البته قانون اساسی اطریش هم شبیه به‌همین است.

مادهٔ۷۳— اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به‌وسیله ارکان‌های عالی قدرت و اداره امور دولتی، حل‌وفصل امور زیرین را در صلاحیت خود دارد:

۱— پذیرش جمهوری های جدید به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تصویب‌تأسیس جمهوری‌های خودمختار و استانهای خودمختار جدید درچهارچوب جمهوری‌های متحده.

۲— تعیین مرز دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وتصویب تغییر مرزهای میان جمهوری‌های متحده.

۳— تعیین مبانی عام برای سازماندهی وفعالیت ارگان‌های قدرت و ادارهٔ امور دولتی جمهوری‌ها وارگان‌های محلی .

٤— تأمین وحدت قانونگذاری در سراسر سرزمین اتحاد شوروی و تعیین مبانی قانونگذاری اتحاد شوروی وجمهوری متحده .

٥— اجرای سیاست اجتماعی و اقتصادی واحد، رهبری اقتصاد کشور، تعیین جهات‌اساسی پیشرفت علمی وفنی واتخاذ تدابیر عمومی برای استفاده معقول ازمنابع طبیعی وحفاظت آنها ، تنظیم وتصویب‌برنامه های دولتی، رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی وتصویب‌گزارشهای مربوط به اجراء آنها .

٦— تنظیم وتصویب بودجهٔ دولتی واحد اتحاد شوروی وتصویب‌گزارش اجرای آن، رهبری نظام پولی واعتباری‌واحد، تعیین میزان مالیات‌ها ودرآمدهای واصله‌برای تشکیل‌بودجهٔ دولتی اتحاد شوروی، تعیین سیاست در زمینهٔ قیمتها وپرداخت مزد کار .

۷— رهبری امور رشته های اقتصاد ملی ومجتمع های مؤسسات ومؤسسات تابع اتحاد شوروی ونیز رهبری عمومی امور رشته های تابع مشترك اتحاد شوروی وجمهوری‌های متحده .

۸— مسائل صلح وجنگ، دفاع ازحاکمیت، حراست‌مرزهای‌دولتی وسرزمین‌اتحادشوروی سازماندهی دفاع کشور ورهبری نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی .

۹— تأمین امنیت کشور .

۱۰— نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درمناسبات بین‌المللی، روابط اتحاد شوروی بادول خارجی وسازمان‌های بین‌المللی، تعیین ترتیب عمومی وبرقراری هماهنگی در مناسبات جمهوری‌های متحده بادول خارجی و سازمان‌های بین‌المللی، بازرگانی خارجی و انواع دیگر فعالیت‌های اقتصادی درخارجه بربنیاد انحصار دولتی .

۱۱— نظارت برچگونگی رعایت قانون اساسی‌اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تأمین تطبیق‌قانونهای اساسی جمهوری‌های متحده با قانون اساسی اتحادجماهیر شوروی‌سوسیالیستی .

۱۲— حل مسائل دیگر دارای اهمیت‌عام کشوری .

یعنی درواقع اگر این‌را دقت بکنید دیگر چیزی برای‌آن شوراها وخودمختاری...

رئیس— آقای بنی‌صدر، تعیین استاندارها ورؤسای جمهور را نگفته بود .

بنی‌صدر— چرا، اول همه خواندم ارگان‌های محلی و ادارهٔ امور دولتی جمهوری‌ها... تازه دربند۱۲ می‌گوید «حل مسائل دیگر دارای اهمیت‌عام کشوری» آقای عزیز (خطاب‌به آقای میرمرادزهی) ما اینجا که برای وعده دادن وحرفهای این جوری جمع نشده‌ایم، ماواقعاً می‌خواستیم ببینیم که چه چیز در چهارچوب جمهوری اسلامی می‌توان به مردم هر استان داد تا آنجا که ممکن بود، داده‌شده، حالا قسمت مربوط را از قانون اساسی اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی‌خواندم، مال اتریش راهم ممکن است روزدیگربیاورم بخوانم هیچ‌جااین اختیاراتی راکه ما برای هرمنطقه منظورکرده‌ایم درقانون اساسی‌هیچ جمهوری تابه‌حال نیامده است این راهم برای این خواندم که شما مطمئن باشید .

تهرانی— آقایان می‌گویند استاندارها باید ازمحل باشند بهتر است آقایان دراین زمینه اصلی‌را پیشنهاد بفرمایند انشاءالله فردا مطرح وتصویب می‌شود بلکه طبق معمول استاندار ازمرکز انتخاب وبه‌نقاط مختلف کشور فرستاده نشود .

دکترآیت— صحبت‌هائی که آقای میرمرادزهی چه‌در نطق‌قبل ازدستور کردند وچه به عنوان مخالف بااین اصل وهمینطور صحبت‌های آقای مقدم مراغه‌ای احتیاج به یک نطق‌قبل قبل ازدستور دیگری دارد که جواب داده بشود و ان‌شاءالله جواب داده خواهد شد. در اینجا به‌طور مختصرعرض کنم آقای مراد زهی طوری صحبت کردند که باوجوداینکه می‌گفتند وحدت مملکت باید حفظ شود واینجا یک مملکت است، طوری صحبت کردند که‌گویا مرکز مملکت افرادش ازمریخ یا از انگلستان آمده‌اند وبلوچستان وآذربایجان واینها همه‌مستعمرهٔ‌مرکزهستند درحالیکه‌مطابق‌این قانون‌اساسی که‌خودتان‌درنوشتنش سهیم هستید ودیگران‌نیزسهیم‌اندمجلس شورای‌ملی ودولت مرکزی همه‌مبعوث کل‌مردم‌ایران‌هستند ودرایران‌اصولا استانهاترکیبشان کاملاتصنعی است‌ایران‌یک‌وحدت کامل‌داردهم ازنظر مذهب، هم‌ازنظرفرهنگ وهم‌ازنظرسایر جهات و هیچ‌جای‌دنیاصرفاً‌زبان‌یالهجه راملاك تقسیم‌بندی قرارنمی‌دهندواگرما دراینجا شورائی هم‌قرار دادیم به‌خاطر این هست که‌امور درمرکزمملکت ودریک‌جامتمرکز نشود وبورو کراسی نشود وگرنه مملکت ما همیشه یک واحد بوده است و یک واحد هم هست اگر در نظام گذشته ظلم می‌شده به تمام مملکت ظلم می‌شده است و به هیچ‌جا بیشتر از سایر جاها ظلم نمی‌شده و فقط مسألهٔ زبان که ایشان به آن اشاره کردند در آن موقع هم صحبت به زبان در هیچ جای مملکت ممنوع نبوده است که مثلا در آذربایجان کسی به ترکی و در بلوچستان کسی به بلوچی صحبت نکند یا در سایر جاها همینطور، تنها ایرادی که بود این بوده است که اینها نمی‌توانستند کتاب و روزنامه به زبان محلی خود داشته باشند این هم که در این قانون اساسی اجازه داده شده است بنابراین صحبت ایشان تمام متضاد بود، ازیک طرف می‌گویند وحدت یک کشور، از طرف دیگر اگر کسی این صحبت را بشنود مثل این است که یک عده‌ای از آمریکا یا سایر کشورها آمده‌اند و تمام امور در اینجا متمرکز است و تمام مزایا مخصوص مردم مثلا استان تهران هست و آنجاها مستعمرهٔ اینجا هستند، هیچ اینطور نیست، قانون اساسی هم همه را یکسان قلمداد کرده است تمام مردم ایران هم خودشان را یکسان و واحد می‌دانند اما در خصوص استاندارها و فرمانداراها و اینکه از مرکز منصوب می‌شوند این هم مسأله‌ای نیست یعنی مرکز، یک‌جائی جدا ازایران نیست فرد بلوچ را می‌آیند استاندار اصفهان می‌کنند، کرد را استاندار زنجان و اصفهانی را ممکنست استاندار بلوچ و همینطور... این مسأله‌ای نیست با رعایت اولویت هم که‌دراصل‌های‌بعدی خواهد آمد، می‌ماند یک مسأله، مسأله این هست که این اصل (که البته من هم پیشنهاد میکنم) که اگر استاندار یا فرماندار یا بخشدار و نظایر اینها نظرشوراها را رعایت نکردند، شوراها هم که اختیارشان معلوم است درامورفرهنگی است، در امور اقتصادی است، در امور بهداشتی است، تمام اینها ذکر شده است و یک استان هم فکر نمی‌کنم بیش از این شورا اختیار بخواهد همان‌طورکه اصل ۷۳ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی هم خوانده شد و خیلی کمتر از این به جمهوری‌ها اختیارات داده شده است حتی در ایالات متحده آمریکا و در سایر جاها هم که بررسی کنیم، چنین مسائلی به هرحال نیست موضوع این می‌ماند که من فکر میکنم دیگران هم این اعتقاد را داشته باشند که شوراها بتوانند استانداران و فرمانداران و سایر مقامات را استیضاح کنند و استیضاحشان را بفرستند به مرکزی که آن مرکز بینشان قضاوت کند همان‌طورکه درمورد شوراها حق انحلال قائل‌شده‌ایم در مورد برکناری استاندارها هم شوراها بتوانند به یک جائی شکایت بکنند و یک مرکزی ،

حالا شورایعالی استانها باشد ، مجلس شورای ملی باشد ، دیوانعالی کشور باشد ، هرجا اگر استانداری یا فرمانداری یا بخشداری نالایق بود، سوء استفاده کرد شوراها این حق را داشته باشند که آنها را استیضاح کنند البته غیر مستقیم این حق داده شده است هر فردی می‌تواند علیه استاندار اعلام جرم بکند اگر سوء استفاده کرده باشد و از حدود قانون تجاوز کرده باشد خود بخود برکنار میشود معهذا اشکالی ندارد این چنین حقی هم به شوراها داده شود والسلام علیکم و رحمةالله برکاته.

رئیس— آقای رشیدیان دوسه تذکر داده‌اند و آقای آیت پیشنهاد دادند که متنهای مستقیم را نمی‌توانیم اینجا مطرح کنیم. فقط یک جواب مختصر میدهم و آن اینکه ما که نوشتیم حدود اختیارات شوراها را قانون بعداً معین میکند، حدود اختیاراتش ممکن است این باشد که درانتخابات مجلس شورای ملی نظارت داشته باشد، دررفراندوم نظارت داشته باشد، درکار استاندار نظارت داشته باشد و اینها همه ممکن است در همان حدود اختیارات باشد، این را بعداً قانون معین میکند. ما الان نمی‌توانیم تمام اختیارات شوراها را اینجا تعیین کنیم اینکه آقایان پیشنهاد دادند که دراین اصل تعیین بشود باید بگویم که اینجا جایش نیست. (نمایندگان— رأی بگیرید) آقای حجتی تذکری دارید بفرمائید .

حجتی کرمانی— شما اولا ممنوع کنید که کسی دیگر مرتب نگوید که رأی بگیرید هر وقت خودتان فرمودید آن وقت رأی بگیرید. تذکر دیگر من از نظر اصلاح عبارتی است و آن این است که بنویسید «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری» به این صورت اگر اصلاح بشود خیلی خوب است و تذکر دوم همان پیشنهاد خودتان است که اگر کلمهٔ «اجرا» را بگذاریم به نظرم اشکال رفع می‌شود.

رئیس— در مورد استانداران، فرمانداران و بخشداران مثل اینکه حق با ایشان است، در مورد این کلمه اگر موافقید با دست رأی می‌گیریم . نمایندگانیکه موافقند که کلمهٔ «اجرا» اضافه شود دست بلند کنند (عدهٔ کمی از نمایندگان دست بلند کردند) تأیید نشد بنابراین من متن را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۷۶/۱ (اصل یکصدوسوم)— استانداران ، فرمانداران و بخشداران و سایر مقامات کشوری که ازطرف دولت مرکزی تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

(آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت‌وسه‌نفر، تعداد کل آراء شصت و پنج رأی که دورأی بقید قرعه خارج‌شد ، آراء موافق پنجاه وپنج رأی ، آراء مخالف یک‌رأی آراء ممتنع هفت رأی بنابراین، این اصل با پنجاه وپنج رأی موافق به‌تصویب رسید، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند)

۷- طرح وتصویب اصل ۷۶/۲ (اصل یکصد وپنجم)

رئیس — حالا اصل ۷۶/۲ مطرح است که‌قرائت میکنم :

صل ۷۶/۲ — تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشوری باشد.

رئیس — آقای کریمی بفرمائید .

کریمی — شما نظرتان در این اصل این است که تصمیمات شوراها در صورت مخالفت باموازین اسلام وقوانین کشوری از اعتبار ساقط وقابل اجرا نیست . منظورتان این است؟ (رئیس — بلی ، اینطور است .) ولی مفهوم این اصل اینطور نیست واگر مخالف شد چطور؟ چیزی در این مورد در این اصل نداریم .

رئیس — پیشنهاد شما این است که در آخر اصل بنویسیم : « وگرنه قابل اجرا نیست» چنین نظری دارید ؟ فرض این است که قانون اساسی همیشه باید کم لفظ و پر محتوا باشد. آقای خامنه‌ای شما سؤالی دارید ؟

خامنه‌ای — از چیزهائی که خیلی مهم است این است که باید تشخیص ومعیار مخالفتش را همین جا تعیین کنیم چون اگر مخالفت داشته باشد مسلم است که از اعتبار می‌افتد اما تشخیص مخالفت از چیزهائی است که باید تعیین بفرمائید واین موضوع را با توجه به اینکه مجلس، شورای نگهبان دارد ، تشخیص مخالفت ویا مطابقت آنرا با مقررات مملکتی و اسلامی بامجلس بگذراند، اگر نگذراند این موضوع ابتر وناقص است برای اینکه ملاك تشخیص معلوم است اما وسیلهٔ تشخیص معلوم نیست واختلاف پیش خواهد آمد .

دکتر آیت — بالاخره باید مرجع تشخیص را معین کنید .

رئیس — اجازه بفرمائید آقای خامنه‌ای ما در اصل چهارم داشتیم که «کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزائی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی وغیراینها باید براساس موازین اسلامی باشد» توجه می‌فرمائید که گفته شده‌است « کلیه قوانین ومقررات» واین تنها مربوط به مجلس وغیر مجلس نیست وبعد میگوید « این اصل بر اطلاق وعموم همهٔ اصول قانون اساسی وقوانین ومقررات دیگر حاکم است وتشخیص این امر برعهدهٔ فقهاء شورای نگهبان است» به‌نظر شما این اصل کافی نیست؟ (خامنه‌ای — به‌نظر شما کافی است ؟) بلی چون همانطوری که خواندم این اصل به‌تمام موارد وارد است واینکه در کجا باشد چنین چیزی نداریم هر جا می‌خواهد تصویب شده باشد، باید براساس موازین اسلامی باشد ودیگر به‌نظر من برای شما نباید دغدغه‌ای باشد .

طاهری گرگانی — شما آن قوانین را که در دهات نمی‌برید . یک جمله «قابل اجرا نیست » ناظر به‌حکم وزیر میتواند باشد .

دکتر آیت — خوب ، بفرمائید چه کسی تشخیص می‌دهد ؟

رئیس — فقهای شورای نگهبان تشخیص می‌دهند و در اصل چهارم تصویب کرده‌ایم یعنی گفته‌ایم که برتمام مقررات کشور ناظر است . آقای خزعلی بفرمائید .

خزعلی — اشکال آقای خامنه‌ای وارد است چرا که آن اصل چهارمی که می‌فرمائید تصویب شده است نظارت فقها را براین قانون اساسی وقوانین ومقررات دیگر تحکیم می‌کند اما اینجا تصمیمات شوراها است ومشمول هیچیک از اینها نیست . (رئیس — تصمیمات شوراها اسمش مقررات نیست ؟) تصمیمات شوراها است که می‌خواهد اجرا شود .

دکتر آیت — البته یک نقص دیگری هم هست آقای منتظری تصمیمات پنجاه وچهار هزار ده را که نمی‌شود به شورای نگهبان فرستاد .

رئیس— پس ما نمی‌توانیم در هر ده یک شورای نگهبان تشکیل بدهیم. آقای صافی بفرمائید.

صافی — عرض کنم اگر بخواهند تصمیمات همهٔ شوراها را به شورای نگهبان بفرستندو منتظر اخذ نتیجه از آنجا باشند اصلا کارها مختل میشود اینطور بنویسند که « تشخیص آن با فقهای محل است ».

رئیس — ما که فقهای محل نداریم. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — نظر من این نبود من می‌خواستم بگویم اگر گاهی اوقات بین دووسیله اجرا که یکی ازآن‌شوراها هست ویکی دیگر عمال‌دولت، اختلافی پیش بیاید در صورت اختلاف مرجع کیست ؟

رئیس — شما سؤالتان را عوض کردید سؤال اولتان این بود که تشخیص مخالفت با موازین را چه مرجعی باید بدهد.

دکتر آیت — من هم این پیشنهاد رادارم که مرجع تشخیص درصورت اختلاف عالی‌ترین دادگاه استان است.

رئیس — من این را کافی نمی‌دانم و به نظر من این اصل چهارم با این عمومیتی که دارد که می‌گوید کلیهٔ قوانین و مقررات همه باید بر طبق موازین اسلام باشد و مرجع آن هم شورای نگهبان است کافی است. (دکتر آیت — عملی نیست آقای منتظری.)

ربانی‌املشی— موافقت و مخالفت با اسلام را مردم می‌دانند و می‌دانند که اگر به‌یک موردی برخورد کردند چکار کنند می‌روند سؤال می‌کنند ما همه‌اش فرض می‌کنیم یک جائی را که دولت و ملت شاخ به شاخ شده‌اند و کار به نتیجه نمی‌رسد، در صورتیکه همیشه اینطور نیست فرضاً اگر به بن‌بست برخورد کردند آئین‌نامه و نظامنامه‌ای تهیه می‌کنند و آنجا این موضوع را معین می‌کنند.

رئیس — آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — مصوبات مجلس شورای ملی باید به تأیید شورای نگهبان برسد ولی اینجا ممکن است که مثلا در یک دهی شورا یک تصمیمی را بگیرد و بدون اطلاع دیگران مستقیم برود به قوهٔ مجریه و غالباً هم اهالی توجه ندارند علیهذا بهتر است که چند نفر از علمای شهرستانها که صلاحیت دارند در شورای استان باشند و بعد از تأیید آنها برود به قوهٔ مجریه.

رئیس — اجازه بفرمائید پس در نحوهٔ انتخاب شوراها این موضوع را ملاک قراربدهند که در هر شورای استانی، یک نفر مجتهد هم باشد. آقای غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — صحبت اساسی این است که موازین اسلام البته در نظر ما درست‌است ولی موازین اسلام تا مدون نباشد یا یک مرجع محلی همانطوری که آقای صافی گفتند نباشد و همینطور بخواهد شورای نگهبان نظر بدهد این شورا به کارها نمی‌رسد در واقع بلااثر ماندن تصمیمات شوراها است و ممکن است در محل، شوراها صلاح ندانند که این تصمیمات اجرا بشود. بنابراین باید برای موازین اسلامی یک کار مدونی انجام بدهیم.

رئیس — آقای کریمی بفرمائید.

کریمی — فرمودید که در صورت انحراف شوراها، انحلالش به تصویب چه مرجعی باشد ولی تشخیص انحراف شوراها را تکلیفی برای آن روشن نکرده‌اید، و دراینجا هم‌تصمیمات شورا درصورت اختلاف با موازین اسلامی و قوانین کشوری ملغی است و قابل اجرا نیست. آقایان یک اصل جداگانه‌ای برای تشخیص این موضوع و تشخیص آن انحراف، در نظربگیرند

و در یک‌جا پیشنهاد بکنند چون این هر دو موضوع بسیار مهم است و بایستی دربارهٔ آن نظر بدهیم، یکی سنجش اینکه کجا مخالف و کجا مخالف نیست و یکی دیگر سنجش اینکه کجا منحرف شده و کجا منحرف نشده، این دو موضوع را باید در اصول مربوط به شوراها پیش‌بینی کنید.

رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم‌شیرازی — با یک جمله مسأله حل می‌شود و آن این است که بالاخره یک مرجع می‌خواهد، علمای محل هم متعددند راهش این است که شورای نگهبان در هر محل یک نماینده از علما انتخاب میکند. پس بنویسیم: «با نمایندهٔ شورای نگهبان».

رئیس — آقای جوادی اگر مطلبی دارید بفرمائید.

جوادی — همانطوری که نباید تصمیمات شوراها مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد و همانطوری که تأسیس شوراها در تمام سطوح مملکت گسترش داده شد، مرجع تشخیص نیز باید درتمام سطوح کشورنماینده داشته باشد. دراینجا مرجع صلاحیت برای تشخیص انطباق تصمیمات با موازین اسلام و با قوانین کشور پیش‌بینی نشده و ارجاع همهٔ تصمیمات به شورای نگهبان مجلس شورای ملی شده و این موضوع گذشته ازآنکه موجب تورم مرکزیت می‌شود عملا باعث کم‌اثر ماندن تصمیم شوراها خواهد بود.

رئیس — آقای جوادی اجازه بفرمائید بعد از اینکه ان‌شاءالله مجلس شورای‌ملی تشکیل شد وشورای نگهبان هم‌تشکیل‌شد، ما می‌رویم درحضور شورای‌نگهبان و می‌گوئیم دراین اصل نوشته شده‌است که تمام قوانین ومقررات مملکت هرچه باشد بایستی زیرنظر شماباشد پس‌شما موظفید برای همهٔ استانها و شهرستانها وبخشها نماینده معین کنید که مقررات را زیرنظربگیرند.

دکترقائمی — این کارعملی نیست ما درمملکت حدود هفتاد هزار ده داریم ودرهرده یک نمایندهٔ شورای نگهبان میخواهد.

جوادی — درقانون اساسی بایستی نوشته شود که‌شورای نگهبان بایستی تا سطح ده گسترش داشته‌باشد.

رئیس — همان اصلی را که نوشته‌ایم روشن است وشورای نگهبان وظیفه دارد که خودش را تا سطح ده‌گسترش دهد. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — آقای منتظری شما به‌این جمله که «تشخیص مخالفت با شورای‌نگهبان است» بادست رأی بگیرید. اگر رأی آورد اضافه کنید اگرهم رأی نیاورد خود اصل رابه‌رأی بگذارید.

خامنه‌ای — بیاناتی که خود سرکار فرمودید وبعضی ازآقایان‌گفتند ظاهرش این‌است که درهرتصمیمی که می‌گیرند و مقرراتی که وضع می‌کنند یک نفربالای سرشان باشد همان‌کاری که شورای نگهبان در مجلس شورای ملی میکند بنده نظرم این نبود، آن وظیفه‌ای که شورای نگهبان دارد درقانون که‌قانونیت پیدا میکند و عام‌الاجرا است جداست، نظرمن دراینجا این بود که برخلاف فرمایش یکی ازآقایان که خیلی هم‌مورد اتفاقش کم است از صدتا مقرراتی که درشوراها وضع می‌شود یک مورد هست که ممکن است برخلاف موازین اسلامی باشدچون آنها ننشستند که برخلاف قوانین و موازین اسلامی چیزی را وضع کنند اگراتفاقاً دریک مورد یک اختلافی شد به‌شرط اینکه اختلاف باشد یک مرجع عامی بایستی باشد و ضمناً در وظایف

دیوانعالی کشور ما داریم که برای وحدت رویهٔ محاکم، دیوانعالی کشور مرجع است اینجا آمدند دریک جائی یک قانونی وضع کردند و دریک جای دیگر متضاد برآن،گواینکه اشکالی ندارد ولی ازنظرسملکتی این یک بام و دوهواست وباید یک وحدت رویه ایجاد بشود آن این است که «تشخیص قانونی قابل اجرا بودن این مقررات محلی و مطابقت آن با مقررات سملکتی درصورت اختلاف بانظر مجلس شورای ملی است».

پرورش — درسورد مرجع رسیدگی ومرجع تشخیص هیچیک ازآقایان قبلا یک نظرپخته‌ای نداشته‌اند اگر اجازه بفرمائید فردا یک اصلی دراین‌خصوص تنظیم بشود وبعد به‌مجلس بیاید.

رئیس — آقای پرورش اجازه بدهید ما اگراینجا بخواهیم غیرازشورای نگهبان مرجع دیگری را قرار بدهیم برخلاف این اصل چهارم است که من‌خواندم برای اینکه اصل چهارم میگوید «کلیهٔ قوانین ومقررات مدنی، جزائی وهرچه درکشورهست باید مخالف با موازین اسلام نباشد و تشخیصش هم با شورای نگهبان است» ومعنایش این‌است که قوانین تاهرکجا کش پیدا کرد ورفت، شورای نگهبان بایستی رویش نظارت داشته باشد، حال یا خودش یا اینکه نماینده بفرستد. من عقیده‌ام این‌است که دراینجا چیزی نبایستی اضافه کنیم، آقایانی که موافقند به‌اینکه اینجا یک‌جمله اضافه بشود به‌اینصورت که «تشخیص این امر با شورای‌نگهبان است» دست بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد. پس بنابراین من این اصل‌را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۷۶/۲ (اصل یکصد و پنجم) — تصمیمات شوراها نبایدمخالف موازین اسلام و قوانین کشوری باشد.

(آقایان دکتر روحانی و عضدی درمحل نطق حاضرشدند وپس‌ازشمارش آراء نتیجه به‌قرار زیر اعلام‌گردید.)

رئیس — عده حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی شصت وچهار نفر، تعداد کل آراء شصت‌و چهار رأی، آراء موافق پنجاه وشش رأی، مخالف ندارد، آراء ممتنع هشت رأی بنابراین، این اصل با پنجاه وشش رأی موافق به‌تصویب رسید، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند)

۸- طرح اصل ۷۶/۳

رئیس — اصل ۷۶/۳ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۷۶/۳ — انحلال شوراها جز درصورت انحراف از وظایف اصلی ممکن نیست. انحلال شوراهای پائین‌تراز استان توسط شورای استان و انحلال شورای استان توسط مجلس شورای ملی صورت‌خواهدگرفت. ترتیب تشکیل مجدد شورای منحل شده طبق قانون‌خواهدبود.

رئیس — آقای رحمانی — شما اشکالی‌دارید؟

رحمانی — من مخالفم.

رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — عرض کنم خدمتتان که انحلال در صورتی است که آن شورا انحراف از وظایف اصلی پیدا کند بنابراین دراینجا احتیاج دارد به‌یک مقامی که درمقام قضاوت باشد و تشخیص بدهد که عمل این آدم با وظایفش مخالف است و تشخیص این مسأله برعهدهٔ این شوراها نیست چون شورا یک مقام تصمیم‌گیری است نه یک مقام شناخت مخالفت عمل با

قانون، بنابراین دراین‌موارد قبلا باید به‌دادگاهها مراجعه شود ودادگاه تشخیص بدهد که‌این افراد از مقررات منحرف شده‌اند آنوقت شورای استان آن را منحل بکند دراین متن جملات باید یک پیوندی با «مقام دادگاهی» بخورند که معلوم شود مقام، مقام‌تشخیص وشناخت‌است.

یزدی — همین اشکال را صبح کردند وجواب هم شنیدند که خارج از بحث است وربطی هم به‌این مسأله ندارد.

رئیس — آقای ربانی املشی بفرمائید.

ربانی املشی — اینجا یک نکته است و آن اینکه انحلال همهٔ شوراها با شورای استان قرار داده شده است و انحلال شورای استان با مجلس شورای ملی است در صورتیکه یک شورائی هم داریم که مافوق شورای استان است و آن شورایعالی استانها است. شورایعالی استانها مافوق شورای استان است، مگر اینکه بخواهیم بگوئیم که انحلال همهٔ شوراها با شورایعالی استانها است و انحلال شورایعالی استانها با مجلس شورای ملی است.

رئیس — شورای استانها مراد نیست.

ربانی املشی — پس شورایعالی استانها چکاره‌اند؟

رئیس — در عرض مجلس شورای ملی است.

دکتر شیبانی — به فرض اینکه شوراهای استان خطا کردند یکی یکی آنها را مجلس شورای ملی می‌تواند منحل بکند آنها که منحل شدند آن هم منحل می‌شود و مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند.

ربانی املشی — شورایعالی استانها تشکیل می‌شود از نماینده‌ای از هر یک ازشوراهای استانها، پس بنابراین منافاتی ندارد که شورای استانها انحرافی پیدا نکنند ولی شورایعالی استانها انحراف پیدا بکند.

مکارم شیرازی — با یک کلمه این موضوع حل می‌شود و آن اینکه بنویسیم: «انحلال شورای استان یا شورایعالی استانها».

رئیس — ما نمی‌توانیم بگوئیم مجلس شورای ملی می‌تواند شورایعالی استانها را منحل کند.

بنی‌صدر — اختیار انحلال شوراهای پائین‌تر از استانها را می‌دهیم به شورایعالی استانها و اختیار انحلال استانها را می‌دهیم به مجلس.

یزدی — صبح هم به همین صورت تصویب شد.

رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — این اشکالی بود که صبح هم روی این مطلب بحث شد و جواب هم داده شد و آن این بود که شورایعالی استانها بقیهٔ شوراها را منحل کند و انحلال شوراهای استان هم با مجلس شورای ملی باشد.

رئیس — ولی مجلس شورای ملی چه مزیتی بر شورایعالی استانها دارد که بتواند آنرا منحل کند؟

دکتر قائمی — روی این موضوع بحث شده است که اینها نمایندگان ملت هستند ومظهر اراده ملت.

موسوی تبریزی — نمایندگان مجلس شورای ملی، نمایندهٔ ملت و مظهر حاکمیت ملت

هستند و وقتی که شورایعالی استانها خیانت کردند مظهر حاکمیت می‌تواند آنها را برکنار کند.

رئیس — اینها هم نمایندهٔ ملت هستند، مجلس شورای ملی را هم پس اینها منحل کنند، برای اینکه اینها هم نمایندهٔ ملت هستند و به نظر من در این مسأله بحث کافی نیست و شورایعالی استانها با مجلس شورای ملی هیچ فرقی نمی‌کند چون هر دو در رأس هستند و از طرف ملت انتخاب شده‌اند.

یزدی — یک سؤال دارم اینجا که گفته است «انحلال شوراها جز در موارد انحراف از وظایف اصلی ممکن نیست» اگر شورایعالی استانها از وظایفش انحراف پیدا کرد انحلال‌پذیر نیست؟

رئیس — در مورد مجلس شورای ملی هم همینطور است اگر وظایفش انحراف پیدا کرد چطور میشود؟

ربانی شیرازی — آقای منتظری شما یک رأی دارید نظرتان را می‌گوئید و بعد مجلس رأی می‌دهد.

رئیس — بحث کافی نیست، اجازه بفرمائید ادامهٔ این بحث برای فردا بماند.

موسوی اردبیلی — آقایان همه می‌گویند بحث کافی است و همه قبول دارند شما تنها می‌گوئید بحث کافی نیست.

رئیس — آقای بیت اوشانا بفرمائید.

بیت اوشانا — مطلبی که من عرض میکنم یک کمی ممکن است مربوط به این اصل نباشد ولی با توجه به اصل هفتم که تصویب شده بود بنا بود برای اقلیتهای ملی و مذهبی شورائی در نظر گرفته بشود و تا حالا که دارد اصول شوراها به اتمام می‌رسد در نظر گرفته‌نشده است با توجه به مطالب چند روز پیش یکی از مطبوعات عصر که اتهامات خیلی ناشایستی به‌بعضی از اقلیتهای خیلی محترم ما وارد کرده بود وآنها را متهم کرده بود که خود را از ملت ایران نمی‌دانند بااینکه ما اینجا خیلی صریح عنوان کردیم که‌اقلیتهای ملی ومذهبی جزوملت ایران‌هستند وهیچوقت خودشان را جدا از ملت ایران درطول تاریخ ندانسته‌اند، این اتهامی که این روزنامه وارد کرده بود واقعاً ناشایست ودور از حق وعدالت بود و ما به صراحت هم چند دفعه عرض کرده‌ایم که در شوراهائی که تشکیل می‌شود، یک‌گوشه‌ای هم‌برای اقلیتهای ملی ومذهبی از نظر شوراها در نظر بگیرید که آنها بتوانند فعالیت خودشان را در آن شوراها تنظیم‌بکنندویگانگیشان را بیشتر باملت ایران به‌ثبوت برسانند. اما دارد اصول شوراها به‌پایان می‌رسد وما بازهم این تقاضا وخواهش خودمان را ازدوستانمان داریم، درمورد شوراهای ملی می‌خواهیم ملت ما این اقلیتهای مذهبی را بهیچ‌وجه جدا از خودشان‌ندانند. درآن اصل هفتم وقتی کلمه «ونظائر آنها» آمد بنابود شورائی‌هم برای اقلیتهای ملی ومذهبی پیش‌بینی بشود که آنها تمام فعالیتشان اعم از ملی وفرهنگی وزبانی وادبی وغیره در آن متمرکز بشود وهمگام با ملت ایران در اصول سازندگی شرکت بکنند ما می‌خواهیم این مسأله اینجا مطرح بشود.

۹- پایان جلسه

دکتر قائمی — آیا نظرات جلسهٔ مشترک محترم هست یانیست؟

رئیس — اجازه بفرمائید وقت گذشته است، فردا روز تولد حضرت امام رضا علیه‌السلام

وتعطیل رسمی است آقایان نظرشان این است که فردا جلسه داشته باشیم یا نداشته باشیم؟ (نمایندگان — داشته باشیم .) پس نظر آقایان این است که جلسه داشته باشیم و قطعاً ما می‌دانیم که‌حضرت رضا صلوات‌الله وسلامه‌علیه هم راضی هستند که‌جلسه باشد ازباب‌اینکه کار ما کار مهمی است وبه‌تأخیر افتاده است . پس جلسهٔ امروز تعطیل می‌شود ، جلسهٔ‌آینده‌ساعت سه‌بعد از ظهر فردا خواهد بود .

(جلسه ساعت هجده وپانزده دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **حسینعلی منتظری**

جلسهٔ سی‌وهشتم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روزیازدهم مهرماه‌سال ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با یازدهم ذیقعدهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست‌آقای دکترسیدمحمدحسینی‌بهشتی (نایب‌رئیس) تشکیل‌شد.

فهرست مطالب:

۱- اعلام رسمیت جلسه وبیانات آقای دکتربهشتی بمناسبت میلادحضرت رضا (ع) وسالروز هجرت امام ونطق قبل‌از دستور آقای سبحانی ۷۶/٤

۲- طرح اصل ۷۶/٤

۳- ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۷۶/۳

٤- نطق بعد از دستور آقای حجتی کرمانی دربارهٔ مطالب منتشر شده در یکی از جراید راجع به‌مجلس خبرگان ۷۶/٤

٥- پایان جلسه ۷۶/٤

دبیر خانهٔ مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

۱ـ اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتربهشتی بمناسبت میلاد حضرت‌رضا (ع) وسالروز هجرت امام ونطق قبل از دستور آقای سبحانی

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، جلسه رسمی است فرخنده میلاد حضرت‌ثامن‌الائمه علی‌بن‌موسی‌الرضا سلام‌الله علیه را بـه همه دوستان وملت ایران تبریک میگویـم و همچنین از اینکه دیروز توفیق داشتم به نمایندگی از طرف دوستان در جلسه بزرگداشت سالـروز هجرت امام‌شرکت کنم و سخنی بگویم خوشوقت هستم که بار دیگر در این جمع از بزرگداشت و گرامیداشت این روزسازنده تاریخی برای‌ملتمان‌وجهت‌دهنده‌به‌انقلاب بزرگ‌اسلامی‌مان یادمیکنم. امیدوارم با توفیق خداوند بتوانیم وظیفه‌ای را که برای تهیه قانون اساسی جمهوری اسلامی برعهده‌گرفتیم آن‌طور که شایسته انقلاب عظیم در رابطه با ولایت ائمه‌طاهرین سلام‌الله‌علیهم اجمعین هست و میتواند تجلی بخش اسلام سازنده حقیقی باشد برآئیم . نطق قبل از دستور شروع می‌شود نوبت آقای موسوی‌جزایری است که‌تشریف ندارند آقای خالاتیان نوبت‌شما است بفرمائید (خالاتیان— وقت بنده را به‌بعد موکول بفرمائید.)آقای سبحانی بفرمائید .

سبحانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله رب‌العالمین یاداود اناجعلناك‌خلیفةفی‌الارض فاحکم بین‌الناس بالحق لتحکم بین‌الناس بالحق. موضوعی که‌الان به‌خاطرم میرسدوقبلا نیزبه فکرم بود ، به‌عرض دوستان وبرادران وجمیع آن کسانی که‌عرایض من به‌گوش‌آنان میرسد مسأله بگو مگوئی وانتقادی‌یا اشکالی است درباره مجلس‌خبرگان. این روزها در روزنامه‌ها و مجلات گاه وبیگاه اشکالاتی هست، انتقاداتی هست البته آنها در انتقادات آزادند زیرا انتقاد مقدمه‌تکامل است. در روایتی است از امام صادق علیه‌السلام که‌فعلا متن عبارت به‌خاطرم نیست اما خلاصه‌اش این است که‌شک، مقدمه یقین است، تا انسان شک‌نکند به‌یقین واقعی نمی‌رسد خود شک سبب میشود که کنجکاوی کند ویقین واقعی رابه‌دست بیاورد. باز درروایتی دیگر از امام صادق (ع) داریم کـه فرمودند : « خیر اخوانی (یا) احب اخوانی من‌اهدی الی عیوبی» گرامی‌ترین ، محبوبترین بـرادران دینی کسی است کـه اشکالات برادر دینی را به‌عنوان هدیه برساند یعنی هدیه نسبت به برادر دینی این است که اشکال او را به خود او بگوئی بنابراین، این انتقادات و اشکالات از نظر منطق اسلام بسیار خوب است ، خصوصاً اگر انتقادها دور از غرض و اشکال باشد مسلماً ما نه معصوم هستیم و نه ادعای عصمت داریم و نه خود را عقل کل میدانیم . کار ما کار بشری است کار دسته‌جمعی است ومسلماً کار بشری بدون نقص نخواهد بود . آن کاری که بی‌نقص است کـار خدا و کـار معصوم است ولی در عین‌حال با این که از هر انتقاد سازنده استقبال میکنیم و آن را مایه تکامل میدانیم چند نکته است که اینجا یادآوری می‌کنم .

در میان اشکالاتی که‌گاه و بیگاه وجود دارد ومن خودم‌دیده‌ام بعضی‌ها اشکال میکنند

وتذکر میدهند که آقایانی که در مجلس خبرگان هستند تنها فکرخود را ومعلومات خود را ملاك جعل قانون میدانند واز اندیشه‌ها وافکار دیگران بهره نمی‌گیرند وقانون اساسی که محصول فکر یک عده معین باشد نمی‌تواند به‌جمیع نیازمندیهای کشور واحتیاجات اجتماع برسد. این مطلب از نظر کلی واقعاً خوب است زیرا واقعاً اگر یک جمعیت بخواهد در فکر محدود خود برای کشور از نظر جوانب گوناگون، قانونی جعل کند نمی‌تواند یک قانون جوابگوباشد اما از نظر صغری ومصداق ومورد شهدالله خلاف واقع از آن روزی که ما اینجا آمده‌ایم وهمه‌دوستان هم براین عمل شاهدند و عمل ما هم‌بهترین گواه است ماتمام پیشنهادهائی که از طرف‌حقوقدانان نویسندگان طبقات مختلف ، دانشگاهی وغیره شده است تمام این پیشنهادها را در هفت گروه مطرح کرده وهرگروه نسبت به‌مبحث خود بررسی کرده ، دقت کرده وهر پیشنهادی را که مفید وموافق باشرع وصالح برای اجتماع دانسته است از بررسی آنها ووارد کردن‌آنهادرقانون اساسی خود داری نکرده است نه‌تنها این پیشنهادها که در حدود چهارهزار میشود موردبررسی قرار گرفته است‌حتی، قانون‌های اساسی ، پیش‌نویسهائی که مجزا نوشته‌اند حتی پیش‌نویس آن گروهی که این انتقاد را کرده است ، تمام موارد را مد نظر گرفته‌ایم که اگر نکته‌ای باشد از آن نکته و از آن تذکر استفاده کنیم. بنابراین، این قانون اساسی که نوشته میشود محصول فکر این جمعیت نیست ، این جمعیت درحقیقت به پشتیبانی آن افکار ، پیشنهادهائی که داده شده است همه آن‌ها را کاملا پخته و به صورت یک غذای سالم و زیبا عرضه کرده است بنابراین کسانی که در طرز کار ما وارد باشند و یا نباشند از نزدیک ببینند تصدیق‌خواهند کرد که چقدر ما مشتاق پیشنهاد، ارائه طریق و تذکرات هستیم و هر پیشنهادی که به اینجا می‌آید در مد نظر هست.

نکته دیگری که باز میخواستم عرض کنم مربوط به مسأله ولایت فقیه است که در یکی از روزنامه‌هائی که عصر منتشر میشود یک نامه‌ای را منتشر کرده بود باید عرض کنم درمسأله ولایت فقیه و این که فقیه میتواند متصدی یک حکومتی باشد هیچ فقیهی در این مسأله‌اختلافی ندارد اگر اختلاف نظری هم در بین باشد از نظر مراتب و درجات است تمام فقهای شیعه در این مسأله اتفاق دارند که فقیه میتواند این مناصب و مراتب را متصدی باشد حالا یکی در درجه اول تکلیف فقیه میداند که فقیه یکی از وظایف اولیه‌اش تأسیس حکومت و اداره‌حکومت است یکی هم اگر درجه اول تلقی نکند به صورت واجب کفائی تلقی می کند که اگر واقعاً جمعیتی صالح حکومتی را تأسیس کردند، از عهده فقیه ساقط است و اما اگر اقدام نکردند برفقیه لازم است به‌عنوان یک امور حسبی این کار را تثبیت کند بنابراین، این که میگویند این مسأله از نظر مراجع مورد اختلاف است، اختلاف در نتیجه نیست و همه اینها اتفاق نظر دارند وقطعاً فقیه هم صلاحیت این کار را دارد و فرد صالح تر از فقیه در این مسأله نیست. حالا گاهی درنظر گروهی به صورت واجب اولی تلقی می‌شود و گاه از نظر بعضی به صورت واجب کفائی. در هر حال تصدی فقیه نسبت به این مناصب از نظر صحت‌جای بحث و اشکال نیست این نکته‌درباره مندرجات روزنامه بود و اما نکته سوم راجع به طول کشیدن جلسه و تمدید وقت است‌مسلماً همه ما احساس میکنیم که قانون اساسی زیربنای کارهای آینده مملکت است وکاری است لازم و اساسی وکارهای دیگر به این کار بستگی دارد که هرچه زودتر به صورت یک واجب باید این کار را تنظیم بکنیم و در اختیار بگذاریم ما به این توجه داریم.

اما از طرف دیگر باید اتفاق را در نظر گرفت همه شخصیتهای علمی که در اینجا نشسته‌اند چه در مرکز و چه در خارج از مرکز اینها متصدی یک رشته وظایف و تکالیف عظیمی هستند که با بودنشان در این مجلس آن تکالیف عقب مانده کمتر پیشرفت کرده بنابراین اینها از خدا میخواهند که هرچه زودتر این وظیفه را انجام بدهند و این بار را به‌سرحدمنزل برسانند و در اختیار دولت و ملت بگذارند اما چه کنند وظیفه دینی و وظیفه انسانی ایجاب می‌کند تا اتفاقی در این قانون نباشد، از هر نظر و از همه جوانب مدنظر نباشد منتشرنکنند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «رحم‌الله امراء عمل واتقن» یا «فاتقن» . هنگامی که سعدمعاذ را دفن کردند درکنار قبر او این جمله را فرمود: «رحم‌الله امراء عمل فاتقن او عمل واتقن» بنابراین اتقان هم برای ما مطرح است زیراهم وظیفه انسانی است و هم وظیفه اسلامی ووظیفه الهی است این تمدیدها برای این است که قانون ازهمه‌جهت درمدنظرباشد و مسئولیتی را که برعهده داریم به‌تمام‌معنی این مسئولیت را انجام دهیم والا اگر قانون کامل نباشد مسلماً آینده مملکت هم تکامل خود را طی‌نخواهد کرد وما هم مانند دیگران به‌اهمیت وسرعت‌قانون‌توجه داریم امادرکناراین‌اهمیت وسرعت مسأله دیگری‌هم‌هست به‌نام‌اتقان‌وتطابق با موازین‌شرع، همین دواصلی که امروزدردستورجلسه هست ملاحظه خواهید فرمود که روی این دواصل دیروز بحث‌شد و درکمیسیونهای مشترک بررسی شد امروز صبح هم تقریباً چهارساعت درباره همین دواصلی که در دستور جلسه است بحث شده است و بعد از بحثهای فراوان، نوشته‌های فراوان پیشنهادهای گوناگون علاوه بر آن بحثهائی که درگروه هفت نفری شده است و علاوه بر بحثها و بررسی‌هائی که درگروههای قبلی شده است، الان به صورت دو قانون و دواصل درآمده است ودرحقیقت «یری‌الناس‌دهنا — فی‌القوارير صافيا ولم يدرمايجری علی راس سمسمی» ما یک نقتی را زلال درچراغ می‌بینیم اما نمی‌دانیم از استخراج نفت به صورت گل تا به صورت اشک چشم درآید چه‌مراحلی را طی می‌کند، این قانون از نظر نوع افراد چهار خط یا پنج خط است اما باید بدانند که درباره همین دو اصل چه افکار و چه برنامه‌ها و چه پیشنهادهائی طی شده است. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

نایب‌رئیس — وارد دستور جلسه میشویم برادرمان آقای حجتی کرمانی برای توضیح پیرامون مطلبی که از قول ایشان نقل شده است وقت خواسته‌اند که اگر بخواهیم صبر کنیم تا نوبت ایشان برسد وقتش می‌گذرد وبعداز پایان رسیدگی به‌این دواصل میتوانیم از بیانات ایشان استفاده بکنیم وحالا صورت غایبین را میخوانم:

آقای حائری که کسالت دارند، آقای مهندس سحابی و خود من به‌طوریکه عرض کردم قرار بود در جلسه بزرگداشت دیروز شرکت کنیم و با اجازه قبلی رفتم و آقای طاهری اصفهانی که مریض بودند و قبلا اطلاع دادند وآقای نوربخش و آقای هاشمی‌نژاد.

دوستانی که تأخیر داشتند آقایان : مراغه‌ای دوازده دقیقه ،کریمی و موسوی اصفهانی دوازده دقیقه، انواری بیست و چهار دقیقه و باهنر وبنی‌صدر و دکترشیبانی چهل وهشت و پنجاه و چهار دقیقه ، البته این سه نفر آقایان کار دیگری در جلسه‌ای دیگر داشتند و آنجا شرکت کردند ، حسینی هاشمی بیست دقیقه ، حیدری بیست و چهار دقیقه ، طاهری خرم‌آبادی چهارده‌دقیقه،خادمی سی‌ونه‌دقیقه، خالاتیان بیست‌وسه‌دقیقه، دکترغفوری چهارده‌دقیقه،فارسی پانزده دقیقه، رحمانی نوزده دقیقه، رشیدیان نوزده دقیقه، طاهری‌گرگانی شانزده دقیقه، فوزی

شانزده دقیقه، صدوقی بیست‌وشش دقیقه، قرشی شانزده دقیقه، طباطبائی هفده دقیقه، عرب شانزده دقیقه، موسوی جزایری بیست وچهار دقیقه، بشارت یازده دقیقه، خانم گرجی بیست وپنج دقیقه و آقای دکتر روحانی هم ساعت سه‌وچهل دقیقه جلسه را ترک کردند و امروز هم نیستند.

۲- طرح اصل ۷۶/٤

نایب‌رئیس— اصل ۷۶ مکملی دارد که بعداً باید به‌صورت یک اصل درشماره ردیفها دربیاید دوتا مکمل دارد.

اصل ۷۶/٤— انحلال شوراها جز درصورت انحراف از وظایف اصلی ممکن نیست، تشخیص انحراف وترتیب انحلال شوراها وطرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین میکند.

مکارم شیرازی — تشخیص مرجع میخواهد، چه کسی تشخیص میدهد؟

نایب‌رئیس — مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین میکند.

تهرانی — دراین‌باره صحبت شده و کسی اشکالی ندارد.

نایب‌رئیس — اجازه بدهید بپرسم چندنفر اسم نوشته‌اند. آقای دکتر آیت شمامخالفید یاموافق؟ (دکتر آیت — بنده مخالف هستم) . آقای پرورش سؤالی دارید ؟

پرورش — خواستم که مرجع تشخیص را توضیح دهید .

نایب‌رئیس — آقای کریمی بفرمائید.

کریمی — عرض کنم راجع به‌مرجع تشخیص که در عبارت بالا ذکرشده که «تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرزتشکیل مجدد...» میخواستم عرض کنم که ترتیب انحلال را مرجع معین نمی کند، قانون معین میکند.

نایب‌رئیس — ما میگوئیم چند چیز را قانون تعیین میکند یکی مرجع تشخیص انحراف، یکی ترتیب انحلال ویکی هم طرزتشکیل، این سه‌چیز را قانون معین میکند نمی‌گوئیم ترتیب انحلال را هم مرجع معین میکند این«ترتیب» عطف به‌تشخیص نیست‌عطف‌به‌مرجع تشخیص انحراف است. ترتیب انحلال شوراها وطرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین میکند اگر عطف به‌تشخیص بود سؤال حضرتعالی وارد بود. آقای کیاوش شما موافقید یااین که سؤالی دارید؟

کیاوش — فکر نمی کنید که تاتشکیل مجدد آنها اگر به‌جایش یک شورای جانشین باشد بهتر باشد.

نایب‌رئیس — آخر آن‌هم شورا است دیگرنمی‌شودگفت که شورائی است که جانشین بخواهد مثل یک شورائی است که مدتش تمام بشود شورای بعدی را که جانشین نمی‌گوئیم خودش شروع می کند وتا اتمام مدت کارش را انجام میدهد. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — سؤال بنده این‌است که وظایف اصلی این شوراها را درقانون جدیدخواهید گفت ؟

نایب‌رئیس — وظایف اصلی شوراها در اصل پیش‌گفته شده ودر اصول قبل تعیین شده است یعنی یک‌مقدارش گفته شده است وبعدهم‌گفته‌اند بقیه را قانون معین میکند .

حجتی کرمانی — خوب‌است که این‌وظایف اصلی را روشن‌بفرمائید که‌این قانون‌شوراها

وظایفشان معین باشد .

نایب رئیس — این که در اصول قبل آمده است .

حجتی کرمانی — چون که اگر این را کامل نکنید به اشکال برمیخوریم .

نایب رئیس — عرض کردم اینها در اصول قبل آمده یک مقدارش تعیین شده وبقیه را هم گفته اند قانون معین میکند .

حجتی کرمانی — زیرا وظایف اصلی خیلی روشن نیست، یعنی چه؟ مثلا اگر یک شورائی انحراف اخلاقی داشت وهمه، اشخاص فاسدالاخلاقی بودند ووظایفشان راهم خوب انجام دادند منتها مصلحت مسلمین نباشد که اینها اعضاء شورا باشند وباوجودی که از وظایف اصلی شان هم ممکن است منحرف نشده باشند وبازصلاح مردم نیست، اینجا چه کار باید کرد؟

نایب رئیس — ممکن است اینها اشخاصی باشند که هم درطول نمایندگی شان به وظایفشان عمل کنند وهم انحراف مضری نداشته باشند.

حجتی کرمانی — انحراف شخصی را عرض کردم زیرا ممکن است واقعاً اشخاص صالحی باشند ولی همانطور که عرض کردم به صلاح مسلمین نباشد.

نایب رئیس — همه که این طور نیستند ممکن است این فرض شما یک فرض خیلی ضعیفی باشد اگر بخواهیم تمام اعضاء را طوری در نظر بگیریم که از همه حیث شایسته باشندو وظایفشان را هم بخواهند خوب انجام بدهند این یک قدری دشوار است . آقای رشیدیان .

رشیدیان — من سؤالی دارم ، این سؤال را دربدو شروع این اصول در گروه مشترک کردم ولی جوابی داده نشد وآن این است که انتخابات این شوراها زیر نظر چه سازمانی خواهد بود؟ اگر بگوئیم زیر نظر وزارت کشور است که ممکن است اعمال نفوذهائی بشود یا اشخاصی باشند که از نظر دولت مطرود باشند وبازهم ممکن است اعمال نفوذ بشود، اگر بگوئیم که زیر نظر شورای نگهبان است یا مقامی دیگر مثل مجلس شورای ملی است که آن هم باید اینجا معلوم بشود چون در آنجا معلوم نشده است که زیر نظر چه مقامات صلاحیتدار ومرجعی انتخابات صورت می گیرد در اینجا هم خود بخود مبهم است که نتوانسته اند آن مرجعی را که منحل کننده است نام ببرند این باید روشن بشود .

نایب رئیس — حقیقت اینست که دستگاه اجرائی که خود بخود دولت است امادرباره نظارت اگر نظرتان باشد پریروز در باره شورای نگهبان در امر نظارت بحث شد وقرار شد که این قسمت تکمیل بشود . به هر حال این مسأله ای که برای تمام انتخاباتها ، از انتخاب شورای روستا گرفته تا رئیس جمهور یک فکر اساسی بکنیم وفعلا به آن خصوصیتی نمی دهیم تا یک جا برایش فکری بکنیم . آقای رشیدیان .

رشیدیان — در اصل ۱۰ هم راجع به این قسمت بحث شد .

نایب رئیس — خیر ، چون اگر کار شورای نگهبان را نتوانستیم صددر صدتمام بکنیم فکری می کنیم که ببینیم چگونه تعمیمش بدهیم واگر فعلا به آن خصوصیتی ندهیم ومعطل نشویم بهتر است ، آقای قائمی جنابعالی سؤالی دارید ؟

دکترقائمی— بلی سؤال بنده این است که موضع این اصل دربرابر قانون شوراها که اخیراً توسط شورای انقلاب به تصویب رسیده وآنچه را که ما اینجا وعده داده ایم که طرز تشکیل شوراها را قانون شوراها معین خواهد کرد چیست؟ یعنی نسبت به این قانونی که بعداً تصویب

می‌شود چه‌وضعی خواهد داشت؟

نایب‌رئیس— کلیه مصوبات شورای انقلاب به‌قوت قانونی‌خودش‌باقی میماند تاوقتی که مجلس شورای ملی آینده خلاف آنها را تصویب کند و مجلس شورای ملی آینده باید آن لوایح را رسیدگی بکند و روی آنها نظر بدهد. (دکتر قائمی — یعنی میتواند لغو بکند ؟) بلی، مصوبات شورای انقلاب درحد مصوبات مجلس شورای ملی اعتبار دارد نه‌بیشتر. آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — راجع به‌انحصار علت انحلال در انحراف است البته امکان دارد عللی دیگر ایجاب بکند که لازم باشد شورائی منحل بشوداگر منحصر نکنید و مجلس شورای ملی‌بتواند برحسب مقتضیات روز تصمیم بگیرد بهتراست فقط این قسمت در ذیلش نوشته بشود که‌ترتیب انحلال شوراها وتشکیل مجدد آنها را قانون شوراها یاقانون معین میکند چون ما نمی‌توانیم پیش‌بینی همه‌چیز را بکنیم و این حصر ممکن است درآینده مشکلاتی برای مملکت ایجاد بکند و شاهدیری مالایریه واحد.

نایب‌رئیس — آقای دکترآیت به‌عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

دکترآیت — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. شوراها ازبهترین ارکان دموکراسی وحکومت عدل هستند به‌طوری که شاید اختلاف مهم دیکتاتوری و دموکراسی درهمین باشد درحکومت استبداد فقط یک فرد تصمیم میگیرد ولی درحکومت مردم و درحکومت عدل و قانون، یک‌گروه و یک جمع که نماینده ومنتخب مردم هستند تصمیم میگیرند درنظام‌سابق‌هم ما شورا وانجمن شهر، شهرستان داشتیم البته اینها همه دکور بود یکی به‌این علت که اختیار انحلال شوراها در دست قوه مجریه بود که میتوانست مجلس را منحل کند و وزارت‌کشور هم میتوانست شوراها را منحل کند و این شوراها ازخودشان هیچ اختیاری نداشتند، حالا هم این اصلی که اینجا هست خیلی کلی وناجور تنظیم شده‌است‌گفته‌است انحلال شوراها را بعد قانون تعیین میکند.ممکن است قانون بیاید وانحلال شوراها رادراختیار قوه مجریه قراربدهد که این نقض غرض است وقتی که انحلال شورا دراختیار قوه مجریه قرارگرفت یعنی هیچ، هروقت دهدار بدش‌آمد، بخشدار بدش آمد، استاندار بدش آمد پیشنهاد میکند که شوراها را منحل بکنندما باید هم مرجع انحلال را تعیین بکنیم که حتماً باید غیراز قوه مجریه باشد وهم‌به‌طوری که روز قبل هم‌گفتم تنها شوراها قابل انحلال نباشند بلکه استاندار وفرماندار و بخشدار هم‌اگر تضادی باشورا پیدا کردند چون معمولا انحلال موقعی پیش می‌آید که بین قوه مجریه‌وشوراها توافق حاصل نشود و یک اختلافی بوجود بیاید که به‌بن‌بست میرسدبرای رفع این‌بن‌بست باید یک مرجعی غیراز قوه مجریه پیدا بشود که یا استاندار وبخشدار وفرماندار را برکناربکند و یاشوراها را منحل بکند. مسألهٔ دیگری که اینجااشاره شده‌است مسألهٔ‌انحراف شوراست. انحراف یا از قانون اساسی و قوانین عادی واسلام است که خوب، میشود مثل مجلس شورای ملی که مرجعی است که مانع اخذ تصمیمات‌قانونی ازطرف مجلس شورای‌ملی می‌شوداینهاهم یا نمایندگان شورای نگهبان یا دادگاه یا هرمرجع دیگری باید جلوی این انحراف را بگیرد اگر انحراف ازآن نظر موردتوجه باشد، و انحراف این باشد که شورا یک قوانینی وضع کندویک تصمیماتی بگیرد که قابل اجرا نباشد و امکانات را در نظرنگیرد ویامنافع وصلاح مردم رادر نظرنگیردآن‌هم باز باید یک مرجع خاصی که انحرافات را تشخیص بدهد که معمولا میتواند

دادگاهها باشند که آن شوراها را منحل کنند که ما تمام کارهارا دست قانون دادهایم، ترتیب انحلال، تشخیص انحراف وطرزتشکیل مجدد همه را بهدست قانون دادهایم درحالی که همه اینها اصول کوچکی نیست که همینطور دست قانون بدهیم کلا میتوانیم برای این مسائل یک شورائی بهمفهوم واقعی تشکیل بدهیم اگربخواهیم مثل همان شوراهای سابق دکور باشد که این اصل خوب است و اختیار آنهاهم دست قانونگذار باشدآنهم قانونی که هردوره میتواند عوض بشود و اگر بخواهیم این شوراها را محکم کنیم باید حدود اختیارات ومرجع تشخیص انحراف وترتیب انحلال و تشکیل مجددآن را، البته تاحدودی که بتوانیم باید در همین قانون پیشبینی کنیم.

نایب‌رئیس — اگر ازدوستان کسی بهعنوان موافق اسم نوشتهاست تشریف بیاورند، آقای موسوی جنابعالی اسم نوشتهاید بفرمائید صحبت کنید.

موسوی اردبیلی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . دربارهٔ این اصل بقدرکافی صحبت شد صور مختلفی که چه مرجعی برای انحلال تعیین بشود آنهم مورد بحث وبررسی قرارگرفت نظرات مختلف بود وبه‌نظر میرسید که اشکالاتی وجود دارد و محسناتی هم داشت وبالاخره قراربراین شد که‌مرجعی بایدآنها را منحل‌بکند این رااگر برای‌مراحل بعدبگذاریم ومرجع‌معینی‌رادرنظر بگیریم بهتراست زیرا فرداممکن‌است‌به‌نظربرسد که‌مردم‌بگویند اگرمرجع دیگری به‌این‌امورسیدگی میکردآسانتر وبهتربود، آن‌وقت در قانون اساسی تغییر دادنش‌مشکل است‌ولی درمجلس‌شورای ملی میتوانند این را پیش‌بینی بکنند واگر به‌اشکالی هم‌برخوردند میتوانند آن اشکال رابا وضع یک قانون دیگر رفع‌بکنند وگفتن این که ممکن است فردا بیایند وطوردیگری تنظیم بکنند،خوب حداقلش این است که من صلاح نمی‌دانم زیرا صلاحیت مابهتر از تصمیمات مجلس شورای ملی که‌درآینده تشکیل خواهد شد نیست البته آنها هم‌مثل ما انسانند وباسوادند ونمایندگان مردم هستند ، حالا باید خطوط اصلی تعیین شود واگر بخواهیم خیلی مسائل را ریز کنیم به اشکال برمیخوریم زیرا ، عملا دیدهایم زیرا بارها در باره یک‌امری تصمیم‌گرفتیم ولی بعد دیدیم که اگر تصمیم دیگری میگرفتیم بهتر بود بنابراین ، این اشکالی که ایشان فرمودند به‌نظر بنده هیچگونه وارد نیست که‌میفرمایند این مسائل کوچک‌نیست چرا اینها را به دست قانون میدهید، ما چیزی به‌دست قانون نمی‌دهیم زیرا نمایندگان‌مجلس شورای ملی همه‌منتخب مردم وازخود مردم هستند .

واما جهتی را که‌ایشان فرمودند که بایستی دربارهٔمأمورین دولت هم این مسأله‌رادر نظرگرفت ماهمأمورین دولت را در نظر گرفته‌ایم ومعنای مأمورین دولت یعنی دهدار،بخشداریا فرماندار یا استاندار که‌اگراینها اشکالاتی درکارشان بود خوب تاکنون اینها چکارمی‌کردند البته تاموقعی که‌شوراها نبود مردم شکایاتشان را به‌وزارت کشور و استاندار و غیره میبردند که همه‌اش پولتیک بود وکلک‌بازی دوره استبداد بود وکاری به آن نداریم ولی حالا هم اگر شکایتی داشتند وزارت کشور هست، دادگاه هست ، مراجع قضائی هست، مراجع صلاحیتدار هست به‌این‌جا باید مراجعه کنند البته شوراها دستشان بازتر است وبالای سرشان‌هم ناظر هست وحرفها را مستنداً میگویند .

راجع به‌علل انحراف فرمودند ، البته علل‌انحراف منحصر به‌آن جاهائی نیست که‌ایشان فرمودند . ایشان نمی‌خواستند بفرمایند منحصر است منظورشان این بود که‌مثال بزنند هم در

سایه آنها ممکن است منحرف بشوند وهم ممکن است‌علل دیگری داشته‌باشد حالا ما که‌اینجا این موضوع را پیش‌بینی کرده‌ایم، خوب انحراف است ، کارنداریم که به‌چه علتی انحراف پیش‌می‌آید یاعللش همانهائی باشد که ایشان فرمودند یاعلل‌دیگری در بین‌باشد.این مسلم است وروی تجربه که‌مردم این افراد را انتخاب کرده‌اند شورای ایده‌آل، شورای خوب ومورد رضایتی است ولی یک‌وقت هم اخلالی است یا در اصل انتخابشان یک اشکالاتی بوده ویابعد منحرف شده‌اند یا چه بوده است که‌بعداً معلوم میشود اینها خدمتی انجام نمی‌دهند ودرست‌به وظیفه‌شان عمل نمی‌کنند . اگر در کارشان اخلال هست بالاخره باید منحلش کنند چون مردم ناراضی هستند و انحلالش هم باید به‌همان ترتیبی که پیش‌بینی شده است باشد و خوب هم پیش‌بینی شده است و اگر بخواهیم بگوئیم نه‌حالا این کار را نکنیم زیرا ممکن است بعد بیایند بگویند فلان وبهمان فکر میکنم که‌این طور تردیدشاید تردیدهای با موردی نباشد .

نایب‌رئیس — موافق ومخالف صحبت کرده‌اند اگر آقایان سؤالی دارند بفرمایند آقای ربانی سؤالی دارید ؟

ربانی شیرازی — بنده یک‌سؤال دارم وآن این است که‌علت مخالفت بااصل این است که‌مرجع تشخیص انحراف کیست ولی میتواند آنرا منحل کند باید توضیح داده شود زیرادراین قانون ذکر شده است و طبعاً وقتی که ما ندانستیم که چه‌کسی میتواند شوراها را منحل کند نمی‌توانیم رأی کلی بدهیم وخوب این است که فردا کار به‌دست وزارت کشور بیفتد وترتیب انحلال را او عهده‌دار بشود .

نایب‌رئیس — شما دارید به عنوان مخالف صحبت می‌کنید واین صحیح نیست‌بنده گفتم شما میتوانیدسؤال کنید واین سؤال نیست.

ربانی‌شیرازی — بنده سؤال می‌کنم آیا پیش‌بینی شده است؟

نایب‌رئیس — خیرآقا گفتم این سؤال نیست این توضیحی است .

ربانی‌شیرازی — بنده میگویم اگر فردا یک‌طوری شد که‌به‌دست وزارت کشورافتاد آیا دراین باره پیش‌بینی شده است؟

نایب‌رئیس — بلی آقا توضیح میدهم که مرجع تشخیص این‌حرفها را قانون‌معین میکند.

ربانی شیرازی — ما حالا بیائیم قانون را به‌دست وزارت کشور بدهیم پس این شوراهااز بین میرود.

نایب‌رئیس — پس این که باز مخالف شد این سؤال نیست بنده خدمتتان توضیح میدهم که‌قانون چکار می‌کند.

ربانی شیرازی — بنده عرض میکنم ضامن اجرای شما چیست؟یعنی‌آن کسی که فردا می‌آید و منحل می‌کند وزارت کشور نباشد.

نایب‌رئیس — پاسخ این سؤالات داده شد وگفتند که نمایندگان مردم در مجلس‌شورای ملی به‌اندازه ما دلسوز مردم هستند. پاسخ این اصل چند مرتبه تکرارشده‌است یک وقتی مافکرمیکنیم درمقایسه با نمایندگان آینده ملت درمجلس شورای ملی، ما آگاهتر و تواناتر و دلسوزتر و امثال این چیزها هستیم ما که نمی‌خواهیم چنین ادعائی داشته‌باشیم.

ربانی‌شیرازی — با قطع نظر ازاشخاص ما داریم قانون مینویسیم، شما نباید بگوئیدفردا مردم مسلمان چنین وچنان‌گفتند پس ما قانون وضع نکنیم.

نایب‌رئیس — بنده عرض کردم این ادامه صحبت موافق و مخالف است و حال‌آنکه ماگفتیم اگرگوشه‌ای ازاین عبارت برکسی مبهم است سؤال کند، سؤال کردیدگفتیم همان‌چیزی است که چند مرتبه‌گفتیم، ماگفتیم که این تفاصیل واین خصوصیات و این اشکالات را در آینده قانون‌مجلس‌شورای‌ملی معین میکند. ما خیلی ازچیزها رامثل آئین‌نامه انتخابات وآئین‌نامه‌های دیگر را به‌قانون واگذارکرده‌ایم ازلحاظ کیفیت و مختصات وسایرجهات همه رابه‌کار مجلس شورای ملی موکول کرده‌ایم. آقای بنی‌صدر شما سؤالی دارید؟

بنی‌صدر — سؤال بنده این‌است که فعلا ما اینجا هفتاد نفرهستیم ممکن است فرض بفرمائید که نمایندگان شورا سیصدنفر باشند اگربه‌وزارت کشور ارجاع کرده‌اند آیا این کارصلاح میدانند یا صلاح نمی‌دانند، خواهشمندم جواب بدهید که این کار صلاح مملکت است که میکنند یا خیر؟

نایب‌رئیس — آقای طاهری سؤالی دارید؟

دکترآیت — برطبق آئین‌نامه یک موافق و یک مخالف دیگرمیتوانند صحبت‌بکنند.

نایب‌رئیس — خیر آقا نمی‌توانند مادرباره آئین‌نامه تصمیم‌گرفتیم و ازآن عدول‌نکنید.

دکترآیت — تا نیم ساعت میتوانند صحبت کنند.

طاهری‌گرگانی— بنده میخواستم عرض کنم این مجلس برای تعیین مرجع، اولویت‌دارد به‌خاطر این که برقراری شوراها یک نوع برقراری موازنه بین...

نایب‌رئیس — آقا این هم مخالف است من خیلی مایلم دوستان وقت را رعایت کنند زیرا این سؤال نیست وشما دارید به‌عنوان مخالف صحبت می‌کنید آقای فاتحی سؤال شماهم‌ازاین قبیل است؟ مخالف و موافقید یااینکه سؤالی دارید؟

فاتحی — این کلمه انحلال که شامل شهر و استان و شوراها شده است قهراً شامل مجلس شورای ملی هم میشود؟ (نایب‌رئیس — خیرآقا به‌مجلس‌شورای‌ملی متوجه نمی‌شود.) دراین عبارت چه‌قرینه‌ای وجوددارد؟

نایب‌رئیس — ماهروقت از مجلس شورای ملی به‌عبارت کوتاه یادکنیم فقط‌گفته‌ایم مجلس، یعنی ازاول تا حالا کلمه مجلس رابه‌کار برده‌ایم بنابراین وقتی‌خواستیم برای اوکوتاه یادکنیم مجلس‌گفته‌ایم. حالا من اصل را برای اخذ رأی میخوانم . (کرمی — اجازه بدهید آقایانی‌که بیرون هستند بیایند تا عده بیشتر بشود.) اجازه بدهید . آقای ربانی املشی سؤالی دارید ؟

ربانی املشی — سؤال بنده این است که شوراهائی راکه بعداً میخواهیم دراصل ذکر کنیم میخواهید مشمول این اصل باشند یا نباشند؟

نایب‌رئیس — شما میخواهید که‌مایک قیدی بگذاریم که اگر احیاناً درآینده شوراهائی داشتیم شامل این‌هم بشود؟ این علاجش این‌است که بنویسیم موضوع انحلال شوراهای اصل چند وچند؟

تهرانی — اصل دوم را بیاورید بالا و اصل اول را ببرید پائین درست میشود.

نایب‌رئیس— بنابراین ازنظر تنظیم‌اصل۷۶/۳ را ۷۶/٤ و اصل بعدی را اصل ۷۶/۳ میکنیم . بسیار خوب من این اصل را برای اخذ رأی میخوانم :

اصل ۷۶/٤ — انحلال شوراها جزدرصورت‌انحراف ازوظایف اصلی ممکن‌نیست. مرجع

تشخیص انحراف وترتیب انحلال شوراهاوطرزتشکیل‌مجدد آنها را قانون شوراهامعین‌می کند. لطفاً رأی بگیرید .

(در این هنگام اخذآراء به‌عمل‌آمدونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه وهفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه وهفت‌رأی،موافق چهل و پنج نفر ، مخالف دونفر ، ممتنع ده نفر ، بنابراین ، این اصل تصویب نشد و برای تغییرات مختصر ، به‌گروه برمیگردد .

۳- ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۷۶/۳

نایب‌رئیس — اصل ۷۶/۳ مطرح است که قرائت میکنم :

اصل۷۶/۳ — درواحدهای‌اداری، آموزشی وتولیدی باید شوراهائی باشرکت‌نمایندگان کادرهای کارکنان مختلف ...

نایب‌رئیس — به نظر من کلمه «کادرها» اضافه است. (مکارم شیرازی— «کارکنان» زیادی است .) یعنی کادرها بوده است ؟

مکارم شیرازی — بلی کادرهای مختلف .

نایب‌رئیس — در واحدهای اداری ، آموزشی وتولیدی باید شوراهائی باشرکت نمایندگان کادرهای مختلف از کارگر وسایرکارکنان تشکیل‌شوند ودر تصمیم‌گیریهاوپیشرفت کارها مشارکت کنند.

چگونگی تشکیل این‌شوراها وحدود وظایف آنها را قانون معین میکند .

طاهری اصفهانی — عبارت بدون جهت زیاد است .

نایب‌رئیس — بلی یعنی اگر « نمایندگان کارگران و سایرکارکنان » بود کافی میشد واحتیاجی به‌کلمه «مختلف» هم ندارد. بنابراین اگر آقایان‌موافق هستند متنی که‌روی‌آن‌بحث میشود این‌باشد « نمایندگان کارگران وکارکنان دیگر».

منتظری — وسایرکارکنان بهتر است .

نایب‌رئیس — بسیارخوب «نمایندگان کارگران وسایرکارکنان» ، بنابراین میشود «در واحدهای‌اداری، آموزشی‌وتولیدی‌باید شوراهائی باشرکت نمایندگان کارگران‌وسایرکارکنان».

بنی‌صدر — غلط نوشته شده است .

نایب رئیس — البته اگر باشرکت کارکنان هر واحد باشد شامل همه میشود . من دوباره‌متن را میخوانم ، آقایانی که نظراتی دارند اسم بنویسند که‌به‌نوبت صحبت کنند.

اصل۷۶/۳ — درواحدهای اداری ، آموزشی‌وتولیدی‌بایدشوراهائی باشرکت‌نمایندگان کارگران و سایرکارکنان تشکیل شوند ودر تصمیم گیریها و پیشرفت کار مشارکت کنند. چگونگی تشکیل این شوراها وحدود وظایف‌آنهاراقانون معین‌میکند .

نایب‌رئیس— دکتر آیت (دکتر آیت — من مخالفم .) آقای عرب (عرب — به‌عنوان موافق میخواهم صحبت کنم.) آقای رشیدیان (رشیدیان — دوسؤال دارم .) بفرمائید.

رشیدیان — البته من با این اصل‌مخالف هستم ولی چون آقای دکتر آیت به‌عنوان مخالف صحبت خواهند کرد ، به نظر من کافی است . در این اصل نوشته شده «نمایندگان کادرهای کارکنان مختلف از کارگر وسایر کارکنان» .

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان این قسمت به‌این صورت اصلاح شد: «نمایندگان کارگران وسایر کارکنان».

رشیدیان — در اینجا صبح پیشنهاداتی شد که فکر می‌کنم آن پیشنهادات تأمین نشده است. اول این که طبقه کارگر باید شورائی مختص خودش داشته باشد.

نایب‌رئیس — عذر میخواهم، برای این که‌رویه ما در آینده یکنواخت باشد، من به‌این مطالب شما میگویم مخالفت. (رشیدیان — خیر سؤال مطرح است.)سؤال یعنی مطلبی که توضیح لازم داشته باشد جنابعالی میفرمائید من پیشنهاد میکنم این‌طور نباشد یعنی مخالفم و بعد پیشنهاد میکنم این‌طور شود.

رشیدیان — من سؤالی دارم که شما الان متوجه خواهید شد. کارگران باید شورائی مختص خودشان داشته باشند وکارفرما یا هرکس دیگرکه در رأس کار است باید شورائی برای خودش داشته باشد حال شما میفرمائید نمایندگان اینهاباهم دارای شورائی هستند، چون هرکدام ازاینها برای منافع خودشان ازقبیل بهداشتی، رفاهی، فرهنگی و آموزشی وغیره کار میکنند، اگر به‌یک محلی رسیدندکه اختلاف پیداکردند، باتوجه‌به‌این که دراین شورا رأی‌ها با هم برابراست مرجع حل اختلاف کیست وچه کسی ازکارگر طرفداری میکندکه‌حقش را درمقابل کارفرما بگیرد؟

نایب‌رئیس — متشکرم، اتفاقاً مدتها است که این مسأله درمورد شوراها مطرح است البته نفر موافق باید به‌این سؤال جواب بدهد ولی چون درمعرض تجربه ما بوده‌است من این توضیح را میدهم‌وآن این که چیزی که موضوع این‌اصل است شورای یک‌واحداست، یعنی‌این شوراها آهنگ تضاد نداشته باشند بلکه‌آهنگ توحیدی و هماهنگی داشته باشند یعنی شورائی تشکیل شود که تضاد را ازمیان بردارد نه‌شورائی باشد که مقابله وکشمکش باشد و این‌ازاین طرف بکشد و آن ازآن طرف بلکه شورائی باشد که کارگاه ویا اداره را درجهت مصالح عموم مردم هدایت کند، منتها این کار باید با شورائی باشد از نمایندگان آنها و آن که مورد نظر بوده‌است همین‌است.

رشیدیان — کارفرما همواره برای سود بیشترتلاش میکند. بنابراین‌آن برای خودش و این هم برای خودکوشش میکند. بالاخره آن اختلاف وجود خواهد داشت.

نایب‌رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — من دو سؤال دارم یکی آموزشی باید آموزش عالی باشد چون اگرآموزش مطلق باشد ابتدائی را دربرمیگیرد و ابتدائی بالغ نیست و وقتی بالغ نباشد نمی‌توانند.

نایب‌رئیس — منظور،معلم‌ها است نه‌بچه‌ها یعنی کارکنان.(سبحانی — دانشجویان را را شرکت نمی‌دهید؟) منظور ازاین‌اصل آن نیست بلکه منظور شورای کارکنان است.

سبحانی — بسیار خوب، سؤال دیگرم این‌است که دراین اصل قید شود «واحدهای‌بزرگ اداری و آموزشی وتولیدی» زیرا دریک کارگاهی که یک استاد و دوکارگر و یا سه‌تا شاگرد است و یا قالیبافی کوچکی است، آیا درآنجا هم باید شورا باشد و اگرقید «بزرگ» را بگذاریم بهتر نیست؟

نایب‌رئیس — این را درقانون نوشته‌ایم «چگونگی تشکیل این شوراها وحدودش را قانون معین میکند.» آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.(موسوی اردبیلی — من به‌عنوان مخالف

صحبت میکنم.) آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — درآن‌طرحی که ازگروه خارج شد یک «برحسب امکانات» بود،آقایانی که موافق هستند باید جواب بدهند که چرا «برحسب امکانات»حذف شده‌است، زیرا فلسفه «برحسب امکانات» این بود که ماگام به‌گام باید پیاده کنیم والا خدای نکرده نتیجه معکوس میگیریم.

نایب‌رئیس — آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — این اصل را درجلسه عمومی نوشته‌اند ولی باید به‌این نکته توجه میفرمودند که درواحدهای اداری وآموزشی کارگر وجود ندارد.پس باید جمله را تصحیح کرد و من‌این اصل را تصحیح کرده‌ام که میخوانم: «درواحدهای اداری و آموزشی وتولیدی باید شوراهائی با شرکت نمایندگان کارکنان تشکیل شود» وبعد برای این‌که معلوم شود که خواسته‌شده است که بگویند کارگران و کارگاهها یک ویژگی دارد، این‌را این‌طور آوردم «درکارگاههای تولیدی ، شوراها باید از نمایندگان کارگر و سایر کارکنان تشکیل شود . این شوراها در تصمیم‌گیریها و پیشرفت کارها مشارکت میکنند» این اصل به‌این‌صورت متناسب میشود والا «اداری» که در آنجاها کارگرنیست و «آموزشی» که کارگر آنجا نیست.

نایب‌رئیس — دوستان میگویند درآنجاهم خدمتگزار هست و آبدارخانه ونظایراینها دارد.

بنی‌صدر — وجود چند خدمتگزار دربین عموم معلمان که نمی‌گویند باشرکت‌نمایندگان، علاوه‌براین‌آنها که کارگرنیستند.

نایب‌رئیس — آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — اولا اگر موافقت بفرمائیددرآغاز هراصلی موافق و مخالف معلوم بشودوآن کسی که موافق است کلیه سؤالات را بنویسید ویک‌جا جواب بدهد که حضرتعالی همهٔ سؤالات را جواب ندهید.

نایب‌رئیس — این کاررا الان کرده‌ایم.

پرورش — واحدهای آموزشی که دراین اصل ذکرشده، حتماً دانشجویان‌ودانش‌آموزان را شامل میشود، برای این‌که درجای دیگرقید نشده است که مراد ازواحد آموزشی، کادراداری آموزشی است و واحدهای آموزشی هم دانشجویان و هم‌دانش‌آموزان را دربرمیگیرد، که‌اینها نه‌جزء کارگران و نه‌جزء کارکنان هستند.

نایب‌رئیس — شما وقتی‌گفتید درهرواحدی نمایندگان کارگران وسایر کارکنان، اورا دیگرشامل نمی‌شود.

پرورش — دریک واحد آموزشی مثل دانشگاه ، شوراکه تشکیل میشود دانشجویان درآن شرکت می کنند یا نمی کنند؟

نایب رئیس— این سؤال را باید موافق جواب بدهد چون من سؤالات مربوط به عبارت را توضیح میدهم و سؤالات مربوط به موافق را شخص موافق جواب میدهد. آقای دکتر آیت به عنوان مخالف بفرمائید.

دکترآیت — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولا در مورد شکل کار این مجلس باید عرض کنم که شکل کار به صورتی درآمده است که بین موافق و مخالف تعادل نیست یعنی این که

آقای دکتر بهشتی به عنوان یک فرد ازگروه هفت نفری در حقیقت مانند هفت الی هشت نفر موافق صحبت میکند، یعنی هرکسی سؤال میکند ایشان به عنوان موافق جواب میدهد در حالی که صحبت مخالفین را به عنوان این که شما سؤال نمی کنید و مخالفید مانع میشوند. گروه هفت‌نفری هیچ حقوق مخصوصی ندارند که ما دراینجا اضافه‌ای به‌آنها بدهیم، به‌خصوص این که آقای مکارم هم الان طلبکار شدند وگفتند «بر حسب امکانات» راکمیسیون کل حذف کرده است. خوب این کمیسیون اختیار حذف را دارد و شما باید به ما توضیح بدهید نه ما به شما توضیح بدهیم و این مسأله‌ای است که توضیحش ضرورت داشت. (یکی ازنمایندگان— به هم باید توضیح بدهیم.)بلی به هم باید توضیح بدهیم ولی به هرحال حق ویژه‌ای برای هیچ کدام نیست.

ربانی‌املشی — شما و ما ندارد هرکس برایش اشکال یا ایرادی پیدا شد باید توضیح بدهند.

دکترآیت — من تعادل را دارم بحث میکنم، چون تعادل نیست یعنی وقتی آقای ربانی میخواهند بحث بکنند آقای دکتر بهشتی به ایشان میگویند شما دارید مخالفت میکنید ولی اگر سؤال بکنند ایشان جواب میدهند.

ربانی‌املشی — شما اجازه میدهید که یک نفر به عنوان سؤال، مخالف صحبت کند؟

دکترآیت — به‌هرحال باید در هر مجلسی یک تعادلی وجود داشته باشد اما این اصل به‌صورت آش شله‌قلمکار تنظیم شده وعلتش اینست که مسأله شوراها بسیار مهم است و زیاد رویش بحث شد و بدون پرده‌پوشی صبح آقایان برای این که خوراکی برای این جلسه تهیه کنند این اصل را تنظیم کردند. (بنی‌صدر—دیروزتنظیم شده است.) وگرنه سه‌واحدتولیدی، آموزشی و اداری هیچ وقت نمی‌تواند در یک اصل جمع شود مثل اینست که شیر و نفت و آب را در یک ظرف بریزیم بنابراین توجه داشته باشید که کارکرد شورای کارگری یک‌مسائل خاص خودش را دارد مانند مسأله مزد و شرایط کار و مسأله رابطه‌اش با کارفرما و دولت و نظائر اینها است ودانشجو و استاد یک مسائل دیگری دارند مانند نمره‌گرفتن و قبول شدن و رفاه و دهها مسأله دیگرکه هیچ ربطی به مسائل کارگری ندارد و ادارات هم مسائل‌دیگری دارند که هیچ ربطی با مسائل دوگروه دیگر ندارد من هم به خاطر این مسأله سه اصل‌تنظیم کرده بودم ودرگروه هم خواندیم. (هاشمی— رأی‌گرفته شد و سی‌و دو رأی داشت.) البته رأی هم‌گرفته نشد و روی اصلی که من تنظیم کرده‌ام بحث نیست ولی آقایان توجه داشته باشند که مسأله ادارات یک مسأله خاصی است و ما نباید با مسائل کارگری مخلوطش کنیم و مسأله دانشگاه مسألهٔ دیگری است که اگر بخواهیم هر سه را در یک اصل بگنجانیم گرفتاریهای زیادی ایجاد خواهد شد و همان‌طورکه دیدید حتی درعبارتها چه اشکالاتی بوجود آمده چون اصل مسأله را در یک اصل نمی‌شود تنظیم کرد. من شخصاً به‌این اصل‌رأی مخالف میدهم وازدیگران هم میخواهم به‌این اصل رأی مخالف بدهند تا این اصل درسه‌اصل تنظیم شود و واقعاً ادارهٔ کشاورزی شورایش را در حد فلان کارخانه قرار ندهد و بگوید من تصمیمات رئیس اداره راکنترل کنم یا فلان اداره دیگر را ، بنابراین من معتقدم این مسائل باید درسه اصل تنظیم شود تا طبیعی باشد وگرنه به همین صورتی درمی‌آید که همه گیج‌شده‌اند.

نایب رئیس — آقای آیت یک توضیحی خواستند که به من مربوط میشد و یک توضیحی که به دوگروه مربوط میشد. توضیحی که به من مربوط میشد در چند جلسه قبل آقایان گفتند اگر سؤالات مربوط به متن هست برای صرفه‌جوئی در وقت، من یا هرکس که مسئول جلسه است پاسخ بدهد و لذا آن سؤالاتی که توضیح میخواهد من پاسخ میدهم و آن سؤالاتی که جنبهٔ دفاع دارد به عهدهٔ موافق میگذارم و چون قرار است یک موافق و یک مخالف صحبت کنند اگر سؤال کننده‌ای بخواهد به‌عنوان موافق یا مخالف صحبت بکند تذکر میدهم که این مخالف است یا آن موافق ولی در صورتی که اصلح بدانید که آن سؤالات توضیحی را هم مسئول جلسه جواب ندهد، تصمیم با آقایان است. (پرورش— مسئول جلسه بایدبی‌طرف باشد.) (املشی— رأی‌گیری بفرمائید.) اجازه بفرمائید من برای برادرمان آقای پرورش توضیح بدهم. آقای پرورش آن نکته‌ای که میفرمائید کاملا صحیح است، چون بی‌طرف یعنی در مسائلی که به موافقت یا مخالفت مربوط میشود وارد بحث نشود و آن چیزی که دوستان گفتند توضیح است.

تهرانی— سخنان شما توضیح یک اصطلاح است چون نوعاً فرمایشات شما تأیید موافقت یا تأیید مخالفت است.

پرورش— آقای منتظری گاهی یک مسأله‌ای را طرح میکنند.

نایب رئیس— اجازه بفرمائید ما این حدود را مشخص کنیم. برای مثال آقای فاتحی سؤالی کردند که آیا این شوراها شامل مجلس شورای ملی هم میشود یا نه؟ خوب این را من یا کس دیگری که اینجا مسئول است میتواند پاسخ ندهد و بگذارد بماند و یا میتواند سریعاً پاسخ بدهد. این دو حالت را خود مجلس معین میکند و وقتی یک موردی را مجلس معین کرد دوستان دیگری که احیاناً با نظر اکثریت مخالفند اعتراض نفرمایند چون اعتراض آنها به نظر اکثریت است نه به آن شخصی که مسئول است.

طاهری گرگانی— راجع به مطالبی که قبلا بحث شده و تکرار میشود شما حق دارید جلوگیری کنید که در اطرافش بحث موافق و مخالف پیش نیاید ولی اگر چنانچه از مطلبی در موقع تنظیم اصل برای آمدن به جلسهٔ علنی غفلت شد و حالا بحث تازه‌ای در اطرافش میکنند اگر اینجا بخواهند موافق و یا مخالف صحبت کنند نباید مانعی داشته باشد.

نایب رئیس— این را هم به جنابعالی توضیح میدهم.

طاهری گرگانی— اصل قبلی در مورد اولویت مجلس شورای ملی یا این مجلس نسبت به تعیین مرجع تشخیص، بحثی بود که قبلا نشده بود. (تهرانی— چرا شده بود.)

نایب رئیس — این هم باز بستگی به تصمیم خود آقایان دارد، به‌این معنی که طبق آئین‌نامه قرارگذاشتیم یک موافق ویک مخالف صحبت کنند. بعد آمدید گفتید وقت یک موافق ویک مخالف را به‌دوقسمت تقسیم کنیم و مجدداً تأیید کردید همان وقت کوتاه باشد ویک مخالف و یک موافق. وقتی مسئول جلسه یک چیزی را اجرا میکند همان‌طور که عرض کردم یک وقت اعتراض به تخلف مسئول جلسه از تصمیمات جلسه است که باید این اعتراض بشود و مسئول هم اجرا کند، ولی وقتی تصمیمات مجلس اجرا میشود اعتراض منطقی نیست. و اما آنچه راجع به‌دوگروه‌بود، من منظورآقای مکارم را توضیح میدهم که بازسوءتفاهم پیش نیاید. ایشان میگویند سؤالی برایشان پیش آمده که خواسته‌اند آن موافق اصل وقتی می‌آید صحبت می‌کند، توضیح بدهد. گفتند در آنجا فلان عبارت بود، چون ایشان در آنجا نبوده‌اند که بفهمند

به چه دلیل آن عبارت را برداشته‌اند توضیح بدهند که ایشان هم قانع بشوند. فکر نمی‌کنم هیچ‌گونه امتیازخاصی برای‌گروه هفت نفری یا چهل‌و پنج نفری یا دیگران وجود داشته باشد. این نوع مطالب طبیعتاً سوء تفاهم بوجود می‌آورد و سعی کنیم نداشته باشیم.

هاشمی‌نژاد—گروه هفت‌نفری را هم مجلس تصویب کرده است.

ربانی‌شیرازی—هیأت‌رئیسه قاعدتاً بایدبی‌طرف‌باشد ومادیده‌ایم که‌بی‌طرف‌نمی‌تواند بماند و نوعاً یا به‌عنوان توضیح ویا جواب، نظرخودش را اعمال میکند. حتی بعضی اوقات‌پافشاری میکند و در برابر نمایندگان ایستادگی میکند، مثل جلسه پریروز عصر که آقای‌منتظری جلسه را اداره‌میکردند که‌تمام‌نمایندگان‌گفتنداین‌را به‌رأی بگذاریدولی‌ایشان‌گفتندنمی‌شودوآخرهم‌به‌رأی نگذاشتند. پس بنابراین هیأت‌رئیسه برای این‌که بی‌طرف بماند، سؤال را باید به‌موافق‌واگذار کند. مخالف‌اول‌صحبت‌بکند وموافق بیایدپاسخ بدهد واگر کسی‌سؤالی دارد ازخود موافق‌سؤال کند.(نایب‌رئیس— چه‌نوع سؤالی؟) هر سؤالی که‌باشد. (نایب‌رئیس— **یعنی‌سؤال‌ولو توضیح** کلمه هم باشد نظر شمااینست؟) کلمه نه ، محتوا . (نایب رئیس— من هم **محتوا** را میگویم. ببینید مثال زدم آقای فاتحی یک سؤالی کردند که اینجا دارد «شوراها» آیا این کلمهٔ شامل مجلس میشود یا نه؟) برای اینکه اشکالی‌پیش‌نیاید خود آن موافق جواب **این** را هم بدهد.

مکارم شیرازی — برای پیشرفت کار ضرر ندارد .

موسوی تبریزی — روال طبیعی کار اینست که کسی که مدیر جلسه است سؤالات را توضیح بدهد . اگر نمایندگان بیست‌سؤال متراکم بنمایند آن کسی که به‌عنوان موافق صحبت می‌کند که نمی‌تواند به‌همه سؤالات جواب بدهد و اصلا یادش میرود بنابراین سؤالات و توضیحات را مدیر جلسه بایدبدهد .

نایب‌رئیس — بنده‌این را عرض میکنم که تصمیم درباره این نوع مسائل را همیشه به‌عهده‌اکثریت آراء جلسه گذاشته‌ایم . بنده پیشنهاد آقای ربانی را مطرح میکنم اگر پیشنهاد ایشان رأی‌اکثریت را بیاورد این را بدانید که‌برای ما رعایتش آسانتر است چون کسی که برای اداره‌جلسه مسئول میشود خیلی برایش راحت‌تر است که در این گونه‌مسائل‌وارد نشود. آقای بنی‌صدر بفرمائید .

بنی‌صدر — برای این‌سؤالها خوبست که‌هر روز آن گروه هفت‌نفری وآن‌گروه‌دیگر دو نفر معین‌بکنند واینها پهلوی هم بنشینند وسؤالاتی که‌میشودبنویسند ودونفری بیایند آنجاوجواب بدهند که این ناراحتیها پیش نیاید .

نایب‌رئیس — یعنی به‌اصطلاح دونفر به‌عنوان پاسخ سؤالات جواب بدهند.

بنی‌صدر — قبل ازجلسه همدیگر را ببینند و از جو هردوجا مطلع بشوند بعد آنجا با هم به‌این‌سؤالاتی که‌میشود جواب بدهند .

نایب‌رئیس — اگر عملی باشد که خیلی خوبست .

سبحانی — بعضی از سؤالات خلق‌الساعه است .

صافی — ماتا آخرین روز مجلس میخواهیم درباره برنامه مجلس صحبت کنیم. ما باید ببینی وبین‌الله سعی بکنیم راجع به مطالب متفرقه حرفی نزنیم و اگر جواب آقای دکتر آیت را نفرموده بودید به‌هیچ‌جائی برخورد نمی‌کرد ومطلبی نبود . مطالب جوهری را هر کجاجواب لازم بود شما یا هرکس دیگر بدهد ، اما ببینید نیم‌ساعت از وقت مجلس با همین حرفهاضایع

شد و آخرش هم به هیچ جا نمی‌رسد .

نایب رئیس — جناب آقای صافی علت این که من این موضوع را یادآوری کردم اینست که‌ما میخواهیم رویه‌ای که اینجا داریم یک‌رویه عادلانه باشد . بنابراین وقتی اعتراضی میشود رویه کار را خدشه‌دار میکند واین به مصلحت هیچ مجلسی نیست وطبعاًبرای من لازم است که‌بدانم اگر نقصی هست بشناسم وبرطرف کنم واگر اشتباهی هست برای همه روشن بشود .

صدوقی — برای این که وقت آقایان تضییع نشود به‌هیچ یک از این‌سؤالات پاسخ ندهید زیرا جز تضییع وقت ما چیزی حاصل نمی‌شود .

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید ما در یک جلسه این را مورد بحث قرار خواهیم داد . آقای عرب به‌عنوان موافق بفرمائید صحبت کنید وبه‌مطالبی که‌آقایان گفتند پاسخ بدهید .

دکترشیبانی — قرار شد خود جنابعالی جواب بدهید .

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید ایشان به عنوان موافق صحبت می کنند.

عرب — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . عرض اول بنده اینست که‌آیا ما امروز یا هرروز دیگر میخواهیم برای شوراها قانون یا مرامنامه وضع کنیم ، یا نظامنامه یا آئین‌نامه یا هر چه که میخواهید حساب کنید ؟ اگر بخواهیم قانون وضع کنیم میشود یک‌لفظ قلیل‌بیاوریم که چندین معنی در آن باشد ، چه‌لزومی دارد برای چند دسته یا اصناف متعدد برای هر کدام یک اصل جداگانه بگنجانیم منتها اگربخواهیم اسامیشان رابیاوریم مثلا ادارات دانشگاهها یا کارخانجات میتوانیم در یک اصل هم نام ببریم ، اما اگر بخواهیم مرامنامه بنویسیم که‌مرامنامه به‌عهده ما نیست زیرا هرکسی برای مؤسسه‌اش آئین‌نامه‌ای در حدود خودش پیاده میکند که در این صورت اشکالی بوجود نمی‌آید. مخصوصاً برای اساتید که‌به‌این قانون آشنائی دارند می‌توانند یک لفظ کوتاه بیاورند که‌هزاران معنی در آن خوابیده است . پس مامیتوانیم برای همهٔ مؤسسات و ادارات و گروههای متعدد یک اصل پیاده کنیم که همه را شامل شود . درباره دانش‌آموزان که‌از چه حدودی میتوانند شورا داشته باشند به‌عقیده بنده از اول دوره راهنمائی به‌بعد. بنابراین هم از دانشجویان مثل گروههای کارگری و هم از دانش آموزان و هم ازمعلمین نسبت به‌افرادشان دریک شورا شرکت میکنند و هرکدام مسائل همدیگر را در ردیف‌هم و در جهت هم و گام به‌گام و دوش بدوش هم عمل میکنند . در دانشگاهها هم ، همچنین استادیاران و دانشجویان نسبت به‌افرادشان ونسبت به‌رشته‌هائی که در آن تخصص دارند جمع میشوند و شوراهائی تشکیل می‌دهند ودوش بدوش هم یکدیگر را به‌مسائل همدیگرآشنا می کنند ما میخواهیم شورا تشکیل بدهیم و قانون شورا وضع کنیم. شورائی که درهرمؤسسه‌ای تشکیل میشود ضد و نقیض یکدیگر که نیستند زیرا این مطلبی که آقای پرورش فرمودند وصبح هم آن‌را فرمودند که کارمندان خودشان یک شورا داشته باشند کارگران هم یک‌شورا، زمان سابق همین‌طور بود یعنی سه‌نفر یا چهارنفر نمایندگان کارفرماها و کارمندان بود وسندیکا به‌قول خودشان نماینده کارگرها بود. درصورتی که درمعنی اینها همه فروخته شده به کارفرماها بودند وبه‌نفع خودشان کارمیکردند، یعنی هم به‌نفع خودشان و هم به‌نفع آنها وبرای کارگر قدمی‌برنمی‌داشتند، اما ما امروز میخواهیم واصل باشیم نمی‌خواهیم فاصل باشیم. میخواهیم فاصله بین برادران کارمند وبرادران کارگر را نزدیک بکنیم و اخوت وبرادری ویگانگی‌آنها

روز به‌روز محکمتر شود و به‌هم انس پیدا کنند و درجهت‌هم و درمسائل هم کار کنند ودیگر کارمندحساب کارگر و کارگرهم حساب کارمند را ازهم جدا نمی‌کند و اینها همه باهم‌برادر بشوند و کارمند را ازکارگر و کارگر را ازکارمند جدا ندانند این بهترین راه است که کارگر و کارمند درجهت هم کار بکنند. الان من این مورد را دربعضی ازشرکتها مشاهده می‌کنم. مثلا یک نفر مهندس در رشته خودش می‌آید ویک نفرکارمند رشته خودش می‌آید و کارمندو مهندس، کارگر را آگاه‌میکنند و کارگر، کارمند ومهندس را آگاه‌می‌کند ودرجهت‌هم دارند کار می‌کنند. این شوراهادرشرکتهای‌خصوصی حق دخالت‌درثروت کارفرما را که ندارند، اینها فقط مدافع حقوق کارمند و کارگرند ودیگرنمی‌خواهند که میز محاکمهٔ ازکجاآورده‌ای را پیاده کنند، که آن مربوط به شخصیتهای عالیرتبه و ذیمقامهای مملکتی است ومربوط به شورا نیست و شورا فقط میخواهد به‌نفع کارمند و کارگر کار کند. مثلا اگر کارگری به‌علت عذر موجهی بدون اجازه یک روز سر کار نیامد مثل سابق سه‌روز جریمه‌اش نکنند، یافرض بفرمائید درباره سود کارگری، ایشان میخواهد شرکت و نظارت داشته باشد و آنچه که حق کارگر هست بدهد وآنچه حق کارمند است به‌او ردکندو تضادی باهم ندارند وبه‌آن معنی نیست که فرض بفرمائید انسان وحشت داشته باشد و ناراحتی‌هائی ایجاد بکند. البته بدون ناراحتی که نیست زیرا ناراحتی‌های کوچک ایجاد می‌شود، اما آنها به کمک برادرهای آگاه برطرف خواهد شد ودرآینده نزدیک یک کارگاههای عالی خواهیم داشت و مسائل شوراهای دهستان مثل کارخانه‌هاو کارخانجات بزرگ نیست و خیلی کوچکتر است و درآنجاها مسائل کمی ایجاد میشود و کارشان به‌آسانی جلومیرود وهرکسی به‌حقش میرسد و اگر این کارگر و کارفرما درجهت‌هم کارکنند هم برای بقاء شرکت کار میکنند هم برای دفاع ازحقوق کارگر. دیگرمسأله زیادی بوجود نخواهد آورد. یک مطلب هم هست که استادمحترم جناب‌آقای‌مکارم‌شیرازی درمورد «امکانات» فرمودند، کلمه «امکانات» صبح دراصل بود اما برداشته شد، زیرا این کلمه «امکانات» اگر درعبارت باشد دومسأله ایجاد می‌کند. یکی اینست که بهانه دست بعضی افرادمی‌شود که بخواهند درحقوق زیردستان اعمال نفوذ بکنند، این طبیعی است ویک مسأله دیگرهم هست که امکان دارد بهانه دست بعضی افراد که میخواهند ازطرف کارفرما اعمال نفوذ بکنند، بشود استفاده آنها دربرابر استفاده شورا خیلی بیشتر است و اوشدت عملش بیشتر است. به‌عقیده‌من اگر این امکانات نباشد بهتراست، چون اگر باشد برای‌آنها بهانه میشود و میگوید امکانات بایدباشد و من امکاناتش را ندارم.

نایب‌رئیس — در اینجا مسأله‌ای پیش‌آمد که در رابطه‌باآن نکته‌ای به‌نظر من رسید و حالا همان نکته را برادرمان آقای میرمراد زهی یادآوری کردند وآن‌اینست که‌ما در اینجا به مسأله واحد آموزشی نپرداخته‌ایم و مسلم است که در شورای واحد آموزشی ، نمایندگان دانشجویان یا دانش‌آموزان باید شرکت داشته باشند . حالا کیفیتش چگونه باشد آن بحث دیگری‌است ولی بدون شرکت نماینده دانشجویان ودانش‌آموزان آن شورا نمی‌تواند نقش‌اصلی خودش را داشته باشد. سؤال شد که‌آیا کلمه کارکنان آنها را هم شامل‌میشود که‌بنده‌توضیح دادم که‌این کلمه آنها را شامل نمی‌شودوفقط شامل معلمین واساتید میشود وباید برای آنها فکری بشود . حالا پیشنهاد شده است که این‌طور بنویسیم :

« در واحدهای اداری ، آموزشی وتولیدی باید شوراهائی با شرکت نمایندگان ...»حالا

بنده این پیشنهاد را تکمیل میکنم ومیگویم این‌طور بنویسیم :

« در واحدهای اداری ، آموزشی وتولیدی باید شوراهائی با شرکت‌نمایندگان کلیه گروههای ذینفع الی آخر ...» وآقای منتظری میفرمایند در تکمیل آن این‌طور بنویسیم :

« در واحدهای اداری ، آموزشی و تولیدی باید شوراهائی باشرکت نمایندگان کلیه گروههای ذینفع از قبیل کارگران ، کارمندان ، دانشجویان ، دانش‌آموزان و سایر کارکنان تشکیل شود.» (نمایندگان — اشکالی ندارد ، خیلی خوب است.)

بنی‌صدر — باید معلمان واستادان را هم اضافه کنیم .

دکتر آیت — معلمان یک‌معنی میدهد ، مدرسین یک‌معنی میدهد واستادان هم یک معنی میدهد اگر اصول جداگانه‌ای بنویسیم وهمه را مشخص کنیم، این مسائل حل میشود .

نایب‌رئیس — آقای سبحانی بفرمائید .

سبحانی — شورائی که برای دانشجو ودانش‌آموز تشکیل میشود غیر از شورائی است که برای کارگر و کارمند تشکیل میشود چون اگریک شورائی مرکب باشد از نمایندگان کارگر و کارمند ودانشجودانش‌آموز، میدانیم که‌مشکلات دانشجو ودانش‌آموز یک مشکلات خاصی است ومشکلات کارگر و کارمند مشکلات دیگری است .

نایب‌رئیس — شورای مدرسه ودبیرستان چیست ؟

سبحانی — منظورم اینست که دانش‌آموزهم جزو این شورا هست یانیست؟

نایب‌رئیس — بلی ، شورای‌دبیرستان تشکیل میشود از نمایندگان‌دانش‌آموزان‌ومعلمین و کارکنان‌آن واحد آموزشی .

سبحانی — مشکلات کارگر و کارمند چون احتیاج به‌برنامه ریزی دارد با مشکلات دانشجویان ودانش‌آموزان فرق دارد .

نایب رئیس — خیر این‌طور نیست . همین‌حالا هم شوراهائی تشکیل میشود برای هماهنگ کردن کلیه مسائل، اجازه بفرمائید بنده این را بخوانم بعد آقای دکترغفوری هم می‌خواهند یک توضیحی بدهند ودوستان دیگرهم میتوانند برای تکمیل این‌اصل توضیح بدهند، میخوانم :

«در واحدهای اداری ، آموزشی وتولیدی باید شوراهائی باشرکت نمایندگان‌همه گروههای ذینفع : کارگران ، کارمندان ، هیأت علمی که‌شامل استاد ، استاد یار ودانشیار و مربی میشود ومعلمان ودانشجویان ودانش‌آموزان ومانندانها تشکیل شود و درپیشرفت کارها شرکت کنند .» آقای دکتر غفوری بفرمائید .

گلزاده غفوری — اولا پیشنهادهائی که نوشته میشود و خدمت شما فرستاده میشود در آنجا دفن میشود چون برای صرفه‌جوئی در وقت عده‌ای ترجیح میدهند که تذکرات خودشان‌را بنویسند وشما آنجا نگاه کنید که وقت گرفته نشود ، ولی در خیلی‌موارد تجربه شده است که اینها در آنجا دفن میشود از جمله همان اول یک‌پیشنهادی بنده خدمت شما فرستادم به‌این مضمون « همه‌اعضای آن واحدها » برای این که‌اگر گروه و ذینفع وغیره بنویسیدافرادی هم که کادریک‌اداره یایک مؤسسه تولیدی نیستند ولی ذینفع هستند داخل میشوند درصورتی که ما میخواهیم بگوئیم امرهم شوری بینهم اینجا اگرصلاح میدانید نوشته شود همه اعضای واحدها ، نمایندگان کلاس اول را هم شامل میشود . اعضای آن واحد یعنی هرکس عضو

هرواحد اجتماعی است حق دارد درآنجا یا خودش یا نماینده‌اش شرکت کند با این طول و تفصیل ممکن است یک کسی بیرون بماند وانگهی کلمه ذینفع در اینجا کمی زننده است. پس باید هرعضوی و نماینده آن عضو آنجا باشد که تصمیمی که میخواهند در باره‌اش بگیرند خودش درآنجا نماینده داشته باشد.

نایب‌رئیس — اجازه میفرمائید بعضی اوقات پیشنهادهائی که می‌آید با تذکراتی که بوسیله آقایان داده میشود مشابه است به‌این جهت ما بعضی پیشنهادها را مطرح نمی‌کنیم.

گلزاده غفوری — من منظورم اینست که مسائلی که مطرح میشود با بعضی تذاکراتی که داده میشود زودترحل شود.

نایب‌رئیس — شما عنایت نفرمودید. درمقابل پیشنهاد شما وپیشنهادهای مشابه‌دیگر، سایر آقایان‌گفتند که‌صبح اصرار بوده‌است که‌نامی ازکارگران برده شود وشما به‌این تذکرتوجه نکردید. (گلزاده غفوری — مانعی ندارد میتوانید ذکرکنید اعضای‌گروهها...)خیلی خوب پس همان میشود. اگر این پیشنهاد آقای دکترغفوری یعنی کلمه «ذینفع» مطلوب به‌نظر نمی‌رسد این میتواند برای‌آن علی‌البدل باشدولی منعی از آن کار بعدی ما نبود. حالا یک‌بار دیگر میخوانم:

« در واحدهای اداری، آموزشی و تولیدی باید شوراهائی با شرکت نمایندگان‌همه اعضاء، کارگران، کارمندان، هیأت علمی و بقیه...» روی این بحثی‌نیست؟ (اظهاری‌نشد) پس اجازه می‌فرمائید این رابه‌همین صورت به‌رأی بگذاریم. آقای مدنی فرمایشی‌دارید؟

مدنی — بنده‌گفتم چرا نماینده کارفرما شرکت نکند نه‌هیأت رئیسه جواب داد ونه شخص دیگری.

نایب‌رئیس — همه اعضاء شامل حال اوهم میشود چون اوهم یک عضواست.آقای املشی بفرمائید.

ربانی املشی — دانشجو و دانش آموز اگر دراین‌شوراها شرکت داشته باشد چه‌مطالبی میتواند بگوید وچگونه خواستهایش را میتواند مطرح کند زیرا شما الان دارید همه‌رایک کاسه میکنید.

نایب‌رئیس — تفاصیل را ما هیچگاه نمی‌توانیم در قانون بیان کنیم.

ربانی املشی — درنمره قبولی این شورا میتواند دخالت کند؟

نایب‌رئیس — معلم نمره میدهد و این کار فردی است کار شورائی نیست.

ربانی املشی — مثلا درشورا شرکت میکنند ومیگویند نمره پنج برای قبولی کافی هست.

نایب‌رئیس — این از وظایف اداره کل برنامه‌ریزی وزارتخانه است. ماگفته‌ایم حدود وظایف و اختیارات را قانون معین میکند بنابراین‌تفاصیل آن را درقانون ذکرمیکنند که‌هر شورائی چکار میکند. (دکترآیت — مستخدمین جزء چه میشود؟) آن‌هم جزوکارکنان است اجازه میفرمائید با پیشنهادهای مختلفی که دوستان کردید آقای رشیدیان سؤال کرده‌اند آیا در واحدهای تولیدی کارفرما وصاحب کارخانه‌هم در شورا شرکت میکند؟ یک وقت کارفرما است ویک وقت مدیر است اگر مدیرباشد آن چیزی که شاملش میشود مدیراست یعنی کسی است که‌آنجا کار میکند. (رشیدیان — مدیر، نماینده کارفرما است و ازمنافع او دفاع میکند.) سؤال بنده اینست که اگر مدیر است یعنی خودش‌آنجا کار میکند در ردیف کارکنان دیگر

است ولی اگر میخواهد خارج ازآنجا باشد شامل حال او نمی‌شود. (رشیدیان — به‌هرحال‌باید روشن شود.) آقای حجتی‌بفرمائید .

حجتی کرمانی— این چیزی‌که الان در تفسیرش ابهام است اشکال تولید میکند الان شما برای تفسیر این دارای دونظریه مختلف هستید یعنی برای آقای رشیدیان خود همین، مسأله ایجاد کرده است یعنی باید قانون ابهام نداشته باشد.

نایب رئیس — ببینید ما در آخر نوشتیم‌که شرح این مطلب را قانون معین میکند ما در اینجا میگوئیم « نمایندگان همه اعضا باشند » تفسیر این مسأله و آن چیزی‌که آقایان میگویند باید با یک قانون مشروح بیان شود.

دکترضیائی — وقتی نوشته شود «اعضا» شامل مدیر مدرسه و مدیرکارخانه هم‌میشود.

نایب‌رئیس— آقای دانش‌راد بفرمائید.

دانش‌راد — بنده میخواهم در جواب آقای رشیدیان عرض‌کنم در یک‌کارخانه شورا درست میشود از نمایندگان‌کارگران، تکنیسین‌ها، مهندسین، حسابدارها و همه ولی اینها مسائلشان را باید با مدیرکارخانه حل‌کنند با دیوارکه حل نمی‌کنند پس یا نمایندهٔ کارفرما یا مدیرکارخانه در این شورا شرکت میکند مسائل را آنجا مطرح میکند و او میشنود وترتیب اثر میدهد بنابراین درشورا طبیعتاً نماینده کارفرما باید شرکت‌کند.

رشیدیان— و باز سؤال اول مطرح میشود که مرجع حل اختلاف درصورت وقوع اختلاف کیست؟

نایب رئیس— آقای منتظری یک پیشنهاد دارند که به‌جای آن بنده‌اول متن رامیخوانم: «در واحدهای تولیدی، آموزشی، اداری باید شوراهائی مرکب از نمایندگان همه اعضا» اما ایشان پیشنهاد میکنند بنویسیم «نمایندگان اعضای هرگروه»، «کارگران و کارمندان و هیأت علمی، معلمان، کارکنان دیگر، دانشجویان، دانش‌آموزان و مانند اینها تشکیل شود» درضمن یکی از آقایان سؤال کرده‌اند که آیا باید شوراهائی تشکیل شود یا حق دارند شورا تشکیل بدهند؟ اینجا آمده است‌که باید شورا تشکیل شود نه اینکه حق دارند شورا تشکیل بدهند، باید تشکیل شود. آقای مدنی پیشنهاد کرده‌اند که به‌دنبال این نوشته شود «همهٔ کارفرمایان».

مدنی— اگر همهٔ اعضاء بنویسید و تفصیلی ندهید مانعی ندارد ولی اگر بنا است‌که کارکنان و کارگران را به عنوان تفصیل بنویسید کارفرما را هم بنویسید.

نایب رئیس — بنابراین برمی‌گردیم بـه یکی از دو پیشنهاد یکی اینکه از تفصیل خودداری بشود و نوشته شود همهٔ اعضاء تا تفصیل‌هایش هم در هر قانونی مشخص شود و به‌این ترتیب از این‌گرفتاری‌که یکی ازقلم افتاده است و این ازقلم افتادگی ممکن است مفهوم داشته باشد پرهیز شود. آقای دکتر اوشانا بفرمائید.

بیت‌اوشانا — شورا برای شرکت مردم است نه برای شرکت افراد معینی بنام کارفرما، کارگران و سایر کارکنان، اکثر مردم کشور را تشکیل میدهند ولی کارفرمایان عدهٔ معدودی هستند اگر یک عدهٔ معدودی میخواهند شورا تشکیل بدهند خوب مجلس سنای سابق‌که بود میتوانیم همان را برای آنها تشکیل بدهیم‌که این مجلس سنا تشکیل بشود و ساختمانش هم خیلی خوب است وکارفرمایان مثل سابق اینجا تشریف بیاورند و مجلسشان را هم داشته باشند ولی کارگران وکارکنان و دانشجویان و دانش‌آموزان عامه مردم این مملکت راتشکیل

میدهند و شورا برای دخالت آنها است نه برای دخالت کارفرمایان.

گلزاده غفوری— پیشنهادی من فرستاده‌ام بخوانید و روی آن رأی بگیرید.

نایب رئیس— یک بار خواندم وگفتم آقای دکتر غفوری پیشنهادی کرده‌اند بنویسیم «باید شوراها با شرکت نمایندگان اعضای آن واحد».

یزدی— مقصود از کارفرمایان در یک واحد تولیدی که طبعاً کارگر شرکت میکند و مدیر شرکت میکند و کارفرما هم احیاناً اگر مدیر نباشد شرکت میکند نه اینکه خواسته باشیم بگوئیم کارفرمایان بنشینند در یک جلسه‌ای جدا با هم صحبت کنند. در یک واحد تولیدی کارفرما است چنانچه در یک واحد آموزشی استاد است منظور اینست پس با این توضیح شبهه ایشان باید رفع شود. (عرب— چون اسم روستا را بردید اسم کارگر هم باید برده شود.) دیگر اسم برده نمی‌شود.

عرب— بنده آن روز عرض کردم برای کارگر و روستا یک اصل درست کنید مابقی راهم یک اصل، قبول نکردید روستا و کارگر نام برده شده و یک اصل مستقل دارند اما کارگر و کارخانجات مبهم است کارفرما فردا از این اصل استفاده میکند و همان برنامه سابق پیاده میشود.

دکتر آیت— آقای عرب این مطلب را که بنده‌گفتم ولی شما مخالفت کردید، عقیدهٔ بنده این بود که سه اصل جداگانه‌ای برای آن تنظیم کنیم.

نایب رئیس— آقای عضدی هم پیشنهاد داده‌اند که «در واحدهای تولیدی و خدمات باید شوراهائی با شرکت نمایندگان کارگران و سایر کارکنان تشکیل شود این شوراها باید در برنامه‌ریزی مشارکت و بر اجرای امور نظارت‌داشته باشند و چگونگی آن را قانون معین میکند» ببینید اجازه بدهید مجلس یک تصمیم بگیرد و با تصمیم مجلس دیگر روی این اصل بیشتر از این وقت صرف نکنیم.

اگر میخواهید باشد یکی از دو تصمیم را بگیرید یا باید اصلا تفاصیل را ذکر نکنیم و بنویسیم «شرکت نمایندگان اعضای آن واحد» یا یک تعبیری مثل این و یا اگر بخواهیم تفصیل ذکر کنیم باید ذکر کنیم چه کسانی باشند و چگونه . یکی هم این مسأله که چون اصل کامل نیست برای تنظیم نهائی برگردد و به صورت دو اصل یا سه اصل به صورت دیگری به مجلس بیاید.

بنی‌صدر— این اصل درگروه هفت نفری پیشنهاد شد و بقیه روی آن نظر دادند و به این صورت درآمد حالا آمدیم در مجلس مانده‌ایم سر این مسأله که اسم کارفرما را بیاوریم یا نیاوریم. یا نظام تولیدی شیوهٔ اداره‌اش بنا را بر جدا کردن حساب سرمایه ازحساب تولید می‌گذارد در این صورت کارکنان و کارفرما خودشان یا بنا را میگذارند بر وجود کارفرما در آن صورت همهٔ اعضاء نظر را تأمین میکنند ومی‌آیند، درست است که نوع شوراهای ما با هم فرق دارند اما همه‌شان یک اصل دارند که کارشان باید شورائی باشد و کارکنان باید شرکت داشته باشند ما میخواهیم این مسأله را بگوئیم بیشترازاین که نمی‌خواهیم بگوئیم چون مثلا اگر ما بگوئیم شورای آموزشی این کم‌وکیف را دارد، این کار میشود قانونگذاری نه قانون اساسی پس بنابراین ما یک اصل را میخواهیم بگوئیم که اصل کارها بر شورا است و این شورا بایداساس کارباشد بنابراین هیچ زحمتی ایجاد نمی کند اگرقانونگذاربعداً گفت مؤسسه های تولیدی

باید این‌جوری بشود خوب شوراها تابع آن میشوند از اول که ما نمی‌توانیم لفظ کارفرما را در اینجا بگذاریم بعد فردا معلوم میشود که دستگاههای دولتی نمی‌خواهد این‌جوری اداره بشود میخواهد بر اساس شورای کارکنان باشد بعد بیاید بگوید خیر اسم من آنجا هست این که درست نیست.

نایب رئیس— آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی— من یک سؤال دارم فرض بفرمائید ده‌هزار نفر در یک واحد تولیدی سهم‌گذاری کردند آیا نمایندگان صاحبان سهام جزو اعضاء میشوند یا خیر؟

بنی‌صدر— این هیچ مسأله مبهم و مشکلی نیست قانون وقتی آمد وگفت ترتیب اداره واحدهای تولیدی این‌طور است که نمایندگان صاحبان سهام در اداره شرکت کنند خوب‌می‌آیند شرکت میکنند اما اگر ما آمدیم وگفتیم حتماً باید شرکت کنند این که صحیح نیست.

نایب رئیس— آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی— صحبت‌هائی که صبح شد مخصوصاً دربارهٔ سه پیشنهادی که آقای دکتر آیت کردند یک چیزهائی در آنجا مطرح شد و چون نه شما تشریف داشتید و نه آقای بنی‌صدر و نه آقای مکارم و خلاصه چون درجو آن جلسه نیستیدبرای شما روشن‌نمی‌شود که چرا این رأی نمی‌آورد. به‌طور کلی این اصل خیلی ابهام دارد و خیلی احتیاج به‌بررسی بیشتر دارد بنابراین احساس میشود که‌باید به کمیسیون مشترك گروهها ارجاع بشود ، زیرا مسأله خیلی مهمتر از اینست که به‌این سرعت روی آن تصمیم گرفته شود .

نایب‌رئیس — و برای این که این‌گونه موارد راه حلی پیدا کند آیا بهتر نیست وقتی که به‌چنین ابهاماتی میرسید اطلاع بدهید تاما ده‌دقیقه یایک‌ربع ساعت بیائیم آنجا ودرآن بحث شرکت کنیم و همگی به‌اتفاق آن را حل کنیم ؟ آقای عرب بفرمائید .

عرب — خیلی از کارخانجات هستند که‌وابسته به‌یک‌سازمان هستند وسهامدارانش هم یک‌هیأت مدیره‌ای تشکیل میدهند وقتی که‌هیأت مدیره دارد وسهامدارانی هستند کارفرما چطور خودش را درشورای کارگری جا کند ؟

نایب‌رئیس— استنباط من این است که...(هاشمی‌نژاد — یک‌لحظه اجازه میفرمائید؟) بفرمائید .

هاشمی‌نژاد — نوع این ابهامات شاید با توجه به‌پایان اصل برطرف شود اینهابرای‌چه تشکیل بشوند ؟ برای این که در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت کارها شرکت کنند بنابراین سهامداران نمی‌توانند جدا از این‌باشند مشمول همین مسأله‌هستند. پس دیگر یک‌واحددریک مجموعه بوسیله همه‌افراد ذینفع اداره میشود .

نایب‌رئیس — برداشت من اینست که این اصل به‌اندازه‌ای که ما بتوانیم رأی‌گیری کنیم روی آن تفاهم نشده است .

دکترضیائی — با دست رأی بگیرید اگرزمینه ندارد ارجاع میکنید به کمیسیون‌مشترك.

کربی — آقای دکتر بهشتی جلسات مشترك برای تأمین غذای جلسات علنی بایدباشد هرگاه این غذا تأمین نشد به‌جای این جلسه خشک‌وبی‌فایده، یک‌جلسه مشترك در همان‌جا منعقد بشود ویک‌اصل حسابی تحویل بدهید ما از ساعت سه تابه‌الان یک‌جلسه بی‌ارزش تشکیل داده‌ایم واین کار نبایستی تکرار بشود به‌این مطلب هم آقایان بایستی توجه بفرمایند

که هنوز از ابتدای تشکیل جلسه یک‌ربع نگذشته بلند میشوند وازجلسه بیرون میروند در موقع رأی‌گیری جمعاً خودشان پنجاه نفر هستند در خلال بیست دقیقه ، هفت هشت نفر بیرون میروند وچهل‌وهشت نفرمی‌ماند که‌اگر همهٔ اینها رأی‌مثبت بدهند این اصل رأی نمی‌آورد خوب این ضرر خیلی بزرگی‌است.

موسوی تبریزی — در جلسه‌مشترك گروهها که‌صبح تشکیل شد این مطلب مطرح شد که این‌شوراها که درواحدهای تولیدی وآموزشی منعقد میشوند اینهابایدجمع بین‌الحقوق کنند هم از نظر شرع وهم از نظر انسانی، آن چیزی که‌صبح پیشنهاد شد وآقایان هم اکثراً برآن توافق داشتند این‌بوده که مثلا در شورای واحد تولیدی نمایندهٔ کارفرما وکارگر وآنها که بالاخره حقشان اصلا درحالتی نبود یک‌چنین شورائی را تشکیل‌بدهند وبعدهم حق کارگر وهم حق کارفرما هرکسی حقی دارد در آنجا ادغام بشود آن که‌مورد نظر آقایان‌درجلسه مشترك صبح گروهها بوده این بوده است واین عبارت برای آن نارسا است .

نایب رئیس — بسیار خوب بنابراین چون عبارت نارسا است ماناچاریم اصل‌رابرگردانیم به‌گروه برای این که بابحث کافی عبارت رسائی پیدا کند وبتوانیم برای کار نهائی‌مان آن رابه اینجا برگردانیم ، این‌است که این اصل را به‌گروه برمی‌گردانیم . آقای حجتی برای یک‌توضیحی که‌می‌خواهندبدهند وقت گرفته‌اند ، آقای حجتی بفرمائید .

٤ - نطق بعد از دستور آقای حجتی کرمانی دربارهٔ مطالب منتشر شده در یکی از جراید راجع به‌مجلس خبرگان

حجتی کرمانی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. به‌طوری که همهٔ ملت ایران میدانند مجلس خبرگان با آراء آزاد مردم تشکیل شده و این را حتی دشمن‌ترین افراد نمی‌تواند انکارکند که مردم رأی داده‌اند و آقایان منتخبین‌مردم‌هستند وهمان‌طورکه یک روزدیگرهم من‌عرض کردم با همهٔ خصلتهای‌مردمی، آقایان اینجا می‌نشینند وبا مردم صحبت میکنند یکی از آن خصلتهائی که در بین ما هست اینست که حرفمان را با هم به‌طور صریح می‌زنیم‌گاهی هم اززنزاکت‌هائی که در مجالس بین‌المللی یا پارلمانها وجود دارد که خیلی مرتب و منظم و با دیسیپلین با هم مواجه میشوند اینجا از آن مسائل به‌آن‌گونه و با آن طرز اطوکشیده خبری نیست و مردم مواجه با یک سری اخلاص‌ها و صمیمیت‌ها هستند، دراین مجلس‌گاهی تندی‌هائی میشود وگاهی با فریادهای بلند صحبت میشود و اینها هیچکدام مشعر بر این نیست که یک اختلاف اصولی بین آقایان باشد کما اینکه پریروز خاطرم می‌آید پس از آن که جناب آقای کرمی آن صحبت را با من فرمودند بعداً خصوصی به‌من‌گفتند آقا از شما معذرت میخواهم که این جور صحبت کردم. (کرمی— حالا هم بنده ازشما معذرت میخواهم.) اختیار دارید و با کرامت و بزرگواری فرمودند و این حالت را در همهٔ سروران عزیزی که ما با آنها در اینجا هستیم می‌بینم و فکر میکنم همهٔ نمایندگان این حالت را احساس کرده‌اند من خیلی متأسف هستم از این که بعضی از مسائلی که دراین جلسه رخ میدهد بهانه به‌دست دیگران میدهد و آنها مطلب راسوژه‌میکنند. از جمله آن که من یک طرحی داده بودم که در روزنامه‌ها منتشر شد و آن طرح بر اساس گرفتاریهائی بود که ما در شهرستانها داشتیم. من خودم مسائلی درشهرکرمان وجود دارد که

به‌خاطر نبودن من درآنجا بوجود آمده است‌ومرتب تلگراف به‌حضرت آیت‌الله‌منتظری وحضرت آقای‌دکتربهشتی‌وسایرآقایان ودفترامام درقم که مابایدبرگردیم‌سایرآقایان‌هم درشهرستانهایشان به‌همین‌گرفتاریها مبتلا هستند. پیش از آن‌که مدت پانزده روز تمام شود من با جناب آقای منتظری و جناب آقای دکتر بهشتی و سایر دوستان این طرح را در میان‌گذاشتیم و بر این اساس بود که تنها مرجع صلاحیتدار تصویب قانون اساسی منحصراً مجلس خبرگان است برای این‌که به جز نمایندگان ملت هیچ کس حق ندارد قانون اساسی را تصویب بکند منتها آن طرح به این معنی بود که این مجلس به صورت ظریفی تا سه چهار ماه ادامه پیدا کند به‌گونه‌ای که همهٔ آقایانی که کار دارند بروند شهرستانها وکارهایشان را انجام بدهند و آن عده‌ای از همین نمایندگان که میتوانند کار را ادامه بدهند ادامه بدهند وکسانیکه به شهرها رفته‌اند آنها همچنان نماینده هستند و در پایان هم خود اینها هستند که برگردند و این قانون را به تصویب نهائی برسانند. درحقیقت آن طرح به این معنی بود که هیچ کسی جز نمایندگان مجلس خبرگان حق تصویب نهائی قانون اساسی را ندارد ولی با تمدید مدت به یک ماه آن طرح عملا ملغی است و جای بحثش نیست منتها در روزنامه خلق مسلمان یک آقائی دربارهٔ مجلس خبرگان یک مطلبی با تمسخر نوشته یعنی مجلس نمایندگان ملت و بزرگواران شخصیتهای عالی‌مقام روحانی را به مسخره‌گرفته و زیر پوشش حضرت آیت‌الله آقای شریعتمداری صحبت کرده وگفتهٔ من را و طرح من را به عنوان سپری برای حرفهای خودش قرار داده من میخواستم به اطلاع همهٔ کسانی که با غرض صحبت میکنند برسانم و از همهٔ ملت ایران استمداد کنم برای این‌که به مجلس خبرگان کمک کنند از نظر این‌که آن توطئه‌هائی که بر علیه مجلس خبرگان میشود دفع کنندچون من میدانم مردم با ما هستند ومردم به‌نمایندگانشان علاقه‌مندهستند، منتها این مسأله هم هست که نمایندگان ملت معصوم نیستند مردم معصومین را انتخاب نکرده‌اند و بنابراین ممکن است اشتباهاتی هم در اینجا بشود. اگر ما در برگزاری مجلس یا در طرح مطالب یا در تصویب پاره‌ای از مواد و اصول احیاناً دچار اشتباه شدیم و یا حرفمان مقداری دچارکم‌وکاست بود نباید بهانه به دست دشمن بدهد همهٔ کسانی که واقعاً به سرنوشت این ملت علاقه دارند باید از راه خیرخواهی با این مجلس صحبت کنند در روزنامه‌هایشان هم همین‌طور اگر طرحی دارند بنویسند همین‌طورکه آقای مکارم یک روزتذکردادند به‌نظرمن این تذکر خیلی خوب است آن اصل‌هائی که به نظرشان و به قول خودشان ارتجاعی هست در روزنامه‌ها بنویسند و بگویند این اصول را شما ارتجاعی تصویب کردید یا فلان‌جا اشکال دارد یا فلان‌اصل‌ناقص‌است بهترین کاراینست به‌طوری که آقای‌بنی‌صدردیروزمی‌گفتند این‌اصولی که اینجا به‌عنوان شورا تصویب میشود من‌درست‌اطلاع ندارم‌ولی‌ایشان‌مدعی‌بودند که‌ازمترقی‌ترین قوانین‌است که‌دربسیاری‌ازممالک وجودندارد یادرهیچ مملکتی وجودندارد‌خوب‌یک کسی‌بردارد در جواب آقای دکتربنی‌صدر بنویسد خیر آقا درفلان مملکت فلان قانونش پیشرفته‌تر از شما هست وراهنمائی کند وبگوید شما بهتر از این بنویسید. نق‌زدن‌وسوء استفاده کردن‌ازگفته‌هائی که در اینجا گفته‌میشود و زیر پوشش مراجع تقلید، مجلس خبرگان راکوبیدن به‌نظر من یک کاری است برخلاف انصاف‌وبرخلاف روح دین وبرخلاف انقلاب اسلامی‌ما، من مطالب‌زیادی دارم ولی چون آماده نیستم در یک‌مجال‌دیگری بقیه‌مسائل را در کل‌مسأله قانون اساسی و مسائل کشور و مسائل حادی که الان در مملکت در رابطه با مجلس خبرگان وجود دارد و

همچنین مسائل کلی مملکت انشاءالله وقتی که نوبت من رسید صحبت خواهم کرد. باعرض معذرت والسلام علیکم و رحمت‌الله وبرکاته.

نایب رئیس — خیلی متشکرم به‌عرض دوستان میرسانم همان‌طور که ملاحظه می‌فرمائید چون دوسه‌مسأله در پیش‌داریم که‌احتیاج به‌شور وبررسی وحتی در اثنای کار تبادل نظرهای گروهی دارد حالا جلسه را ختم میکنیم وهمین‌حالا برای این تبادل‌نظرها کارمان را در محل تشکیل گروهها آغاز میکنیم که‌وقتمان به‌هیچ عنوان نباید از دست برود یعنی درست تا وقت نماز کارمان را در آنجا ادامه‌میدهیم وفردا برای این که بتوانیم کارهائی را برای جلسه‌علنی آماده کنیم صبح هم جلسه نخواهیم‌داشت ولی انتظار ما اینست که‌صبح وعصر همه‌دوستان فعالانه در کار تهیه اصول ...

سبحانی — ساعت ده‌ونیم صبح میشود جلسه‌تشکیل داد چون تا آن ساعت برای جلسه علنی کار آماده شده است.

مکارم شیرازی — از ساعت هشت تاده ونیم مدتی وقت است ومیتوانیم اصولی را آماده طرح در جلسه بکنیم.

نایب‌رئیس — ببینید آقا بنده نگران این هستم که‌این دوسه‌اصلی که داریم، بحث تمام میخواهد و وقتی که‌بحث تمام داشتیم میتوانیم برای شنبه از همان سه‌ساعتی که داریم بیشتر استفاده کنیم اگر دیدیم که میتوانیم صبح شنبه جلسه فوق‌العاده ساعت ده ونیم تا دوازده را داشته‌باشیم به‌وسیله روزنامه صبح به‌اطلاع همه می‌رسانیم که‌بتوانند شرکت کنند ولی فعلا این‌طوربه‌نظر میرسد که‌ما فردا صبح وعصر واین‌سه‌ربع ساعت بقیه وقت‌امروز را وحتی یک‌مقدار از وقت امشب را صرف این کار کنیم .

ربانی‌املشی — چون وقت جلسه علنی پنجشنبه را انداخته‌اید به‌قبل از ظهر، بعضی‌ها که روز پنجشنبه را قبلا تعطیل میکردند حالا روز چهارشنبه را هم تعطیل کرده‌اند حالا به‌محض این که شما این را فرمودید فردا هم یک‌عده دیگرنمی‌آیند. برای این که این مسأله پیش‌نیاید شما وقت جلسه علنی را فعلا ده‌ونیم تا دوازده فردا اعلام بفرمائید اگر نتوانستیم اصولی را برای طرح در آن جلسه آماده کنیم جلسه را تشکیل نمی‌دهیم .

رشیدیان— پیشنهاد میکنم که هروقت اصل تنظیم شده‌ای برای طرح درجلسه‌آماده نبود آقایان محبت بفرمایند وشب یک‌ساعت ونیم دورهم جمع بشوند وخوراك فردا صبح را آماده کنند .

۵- پایان جلسه

نایب‌رئیس — چون به‌نظر میرسد ما برای فردا صبح ، کار کافی پخته شده معلوم‌نیست که‌داشته باشیم وبازمی‌آئیم اینجا ووقت ماییهوده تلف میشود ومطلبی را هم که آقای ربانی املشی فرمودند ما تعهد دوستان را بیش از این میدانیم بنابراین اولین جلسه قطعی علنی ماروز شنبه‌خواهد بود وجلسه را ختم میکنیم .

(جلسه ساعت هفده و پانزده دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی‌نهائی قانون اساسی— **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ سی و نهم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و هفت دقیقه روز چهاردهم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با چهاردهم ذیقعدهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه — نطق قبل از دستور آقای هرایرخالاتیان. . .
۲ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ عصر چهارشنبه یازدهم مهرماه ۱۳۵۸ .....
۳ — ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۷۶/۳ .....
۴ — ادامهٔ بحث و تصویب اصل ۷۶/۴ (اصل یکصد و ششم).....
۵ — طرح اصل ۸۴.....
۶ — پایان جلسه.....

۱ — اعلام رسمیت جلسه — نطق قبل‌از دستور آقای هرایر خالاتیان

نایب‌رئیس— جلسه رسمی است نطق قبل‌از دستور را شروع می‌کنیم. آقای دکتر خالاتیان بفرمائید.

هرایرخالاتیان— نمایندگان محترم، پیش‌ازآنکه دیدگاههای خود را دربارهٔ اصول کلی انقلاب ایران بیان کنم ناچارم علیرغم میل باطنی خودم درمورد ناراحتیهائی که اخیراً برخی‌از مقامات برای اعضای جامعهٔ ارمنی فراهم آورده‌اند، اشاره کنم.

درهفته‌های اخیر، چه‌در تهران و چه‌در بعضی از شهرستانها، ازطرف تعدادی از افراد وعناصر مسئول وغیرمسئول محدودیت‌های شغلی وصنعتی برای پاره‌ای از اقشار زحمتکش ارمنی فراهم آورده‌اند که هم‌اکنون موردبحث همهٔ محافل ومجامع ارمنی است. من میل ندارم باورود در جزئیات وقت مجلس را بگیرم و اگر لازم باشد آنها را در اختیار هیأت رئیسه قرار خواهم داد ولی باید بگویم که من وهم‌کیشان بنده اطمینان داریم که این اعمال از جانب کسانی اعمال می‌شود که در لباس‌انقلابی به انقلاب ایران ضربه وارد می‌سازند. آنها هوادار نفاق و تفرقه‌اند، مهاجرت به خارج را تشویق می‌کنند وبطورکلی مردم را نسبت به‌انقلاب بدبین می‌سازند. من به‌سهم خود اطمینان دارم که مقامات دولتی هرچه زودتر جلو این افراد و عناصر فرصت‌طلب را خواهند گرفت تا جامعهٔ ارمنی و بخصوص اقشار زحمتکش ارمنی ازاین ناراحتی ونگرانی‌رهائی یابند. وحالامختصری در باره‌انقلاب ایران، همه می‌دانند که مردم‌ایران‌انقلاب کرده‌اند. مرحلهٔ نخست این انقلاب با تغییر رژیم انجام‌گرفته است به عبارتی قالب یا ظرف جامعه تغییرکرده وقهراً محتوا ومظروف نیز باید تغییرکند.

هنوزهم نهادهای کهنه اکثراً پابرجاست که باید حتماً تغییرکند تا انقلاب به نتیجه مطلوب برسد. با توجه به‌این برداشت ما فقط یک مرحلهٔ سهم انقلاب را پشت‌سرگذاشته‌ایم‌ودر این برههٔ زمانی همزمان با مبارزهٔ اجتناب‌ناپذیر انقلاب با بازمانده‌های رژیم‌گذشته، نیاز به تدوین قانون اساسی جدید نیز به‌طور طبیعی پیدا شده ومجلس حاضر با شرکت عدهٔ معدودی‌از نمایندگان بعضی از اقشار وظیفه پیداکرده است قانون اساسی جدید را بررسی و تدوین کند. حال اگر قرار براین باشد که قانون اساسی جدید تحت تأثیر اوضاع و احوال کنونی جامعهٔ‌ایران یعنی شرایط خاص بعد از پیروزی مرحلهٔ اول انقلاب و باتوجه به مبارزه هیجان انگیز انقلاب علیه بازمانده‌های رژیم‌گذشته وتحت تأثیر احساسات حاصله ازآن تدوین‌گردد هرگز کامل و جامع نخواهد بود زیرا، اولا پدیده مبارزهٔ انقلاب با بازمانده‌های رژیم‌گذشته یک پدیده‌موقتی است وباید هرچه زودتر بازمانده‌های رژیم‌گذشته به مانند خود رژیم کهن به زباله‌دان تاریخ سپرده شود و نمی‌تواند ونباید جائی در قانون اساسی جدید داشته باشد واما آنچه باید حتماً درقانون اساسی جدید گنجانده شود، تنها تصویر اوضاع و احوال امروز این جامعهٔ ما نیست،

بلکه‌بایدابعاد تاریخی‌وجغرافیائی‌جامعهٔ آینده ایران بایک دید آینده نگر در قانون اساسی‌جدید منعکس‌گردد، زیرا نباید فراموش کرد که این مجلس در برابر تاریخ مسئول وپاسخگوست .

برای مثال جامعهٔ ایران در اواخر قرن چهاردهم خورشیدی و اوایل قرن بیست‌و یک میلادی چه‌از لحاظ کمی وچه ازلحاظ کیفی تغییرات بسیار بزرگی خواهد کرد. مثلا جمعیت کشور به‌طور تقریب از سی‌وشش میلیون نفر به حدود هشتاد میلیون نفر خواهد رسیدوبه همین نسبت کمیت و کیفیت طبقات واقوام وخلقها تغییر پیدا خواهد کرد. در مجموع طبقات زحمتکش مملکت یک اکثریت بسیار بزرگ و متشکل و آگاه از نظر سیاسی را تشکیل خواهند داد که اگر بدون توجه به‌منافع ومصالح آنها قانون اساسی جدید تدوین‌گردد چه‌بسا درآیندهٔ نه‌چندان دور همین قانون اساسی مبدل به یک عامل ترمز کننده شود .

ازسوی‌دیگرنهادهائی درجامعهٔ امروزبین ما هستند که ازسالها پیش به‌اینطرف به‌وسیلهٔ نیروهای استعمارگر خارجی و استثمار سرمایه‌داری وابستهٔ داخلی درکشور ایجاد شده‌اندطبیعتاً تا زمانی که این نهادهای کهنه از میان نرفته ونهادهای نو وسالم جایگزین آن‌ها نگشته انقلاب یا متوقف خواهد ماند ویا از مسیر اصلی منحرف خواهد شد .

بنابراین با بهره‌گیری از دانش‌آینده شناسی و با الهام از اصول مترقی ایرانی وبدون‌تقلید کورکورانه از دیگران، قانون اساسی جدید را باید تدوین وسپس به‌اجرا گذارد وحالا اصولی که حتماً باید درنظرگرفته شود :

۱— تأمین آزادیهای فردی و مصونیت جان ومال وشغل‌وحیثیت ومسکن و مکاتبات و ارتباطات افراد .

۲— تأمین آزادی اندیشه و بیان و معتقدات سیاسی، معتقدات دینی ومذهبی، مطبوعات، انتشارات، اجتماعات، تشکیل احزاب وشناسائی حق قانونی اعتصابات و تظاهرات.

۳— منع مطلق شکنجه تن و روان تحت هر عنوان .

٤— ایجاد نظام تأمین اجتماعی عمومی، برای بیکاری و پیری و بازنشستگی و فراهم آوردن امکانات استفاده همگان ازاین نظام .

٥— ایجاد نظام آموزشی رایگان برای استفادهٔ همگان و تأمین آموزش اجباری برای تحصیلات ابتدائی وسپس تعمیم آن به تحصیلات متوسطه وعالی به زبان مادری .

٦— برخورداری هر ایرانی ازکلیهٔ حقوق مدنی، اجتماعی وسیاسی برابر، بدون در نظر گرفتن قومیت، دین یا جنسیت و تساوی کامل کلیهٔ مردم در برابر قانون .

۷— تأمین دادرسی علنی و عادلانه با برخورداری از حق دفاع ومنع هرگونه مجازات بدون مجوز قانونی مصوب قبل از وقوع جرم .

۸— تفکیک کامل قوای سه‌گانه مقننه، قضائیه ومجریه از یگدیگر .

۹— تأمین استقلال و اختیار کامل و انحصاری قوهٔ مقننه به عنوان مرجع قانونگذاری .

۱۰— تأمین استقلال قوهٔ قضائیه و صلاحیت تمام آن وتأمین استقلال دادگاهها وقضات برمبنای قوانین مصوب نمایندگان منتخب مردم. (با استفاده ازهیأت منصفه در دعاوی‌جزائی، سیاسی و مطبوعاتی)

۱۱— محدود نمودن اختیارات قوهٔ مجریه به اجرای وظیفه قانونی در چهار چوب‌قوانین مصوب قوهٔ مقننه و حذف امکانات مستقیم و یا غیر مستقیم قوهٔ مجریه برای تفوق بردوقوهٔ‌دیگر.

۱۲ — تأمین مشارکت فعال کلیهٔ نیروهای مردمی بدون هیچگونه امتیاز شغلی، فرهنگی، طبقاتی، جنسی، اقتصادی یا دینی در ادارهٔ امور سیاسی کشور.

۱۳ — عمومی کردن واحدهای بزرگ تولیدی و تعمیم تدریجی آن به سایر واحدهای تولیدی و تأمین مشارکت نیروهای تولیدی در سازماندهی و ادارهٔ آنها.

۱۴ — حذف ارزش اقتصادی زمین‌های کشاورزی و خروج آن از بازار سرمایه.

۱۵ — سوق نظام توزیع ثروتها و درآمدها به سوی برابری کامل.

۱۶ — حفظ و حراست تمامیت ارضی و همچنین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.

۱۷ — تأمین خودمختاری‌های محلی جز در موارد سیاست خارجی و سیاست دفاعی و امور کلی کشور.

۱۸ — شناسائی حقوق کلیهٔ جوامع قومی و مذهبی از قبیل فارس و بلوچ و کرد و ترک و عرب و لر و ترکمن و ارمنی و آشوری و کلدانی و یهودی و مذاهب شیعه و سنی و مسیحی و کلیمی و زرتشتی و سایر ادیان، مذاهب و اقوام و تأمین آزادیهای فرهنگی، آموزشی وحفظ سنن و آداب و خصوصیات آنان.

۱۹ — برابری شهر و ده، زیرا مبارزه علیه استثمار و استعماربدون برابری شهرنشینان و و روستانشینان هرگز به نتیجهٔ مطلوب نهائی نخواهد رسید.

۲۰ — حذف مبانی میلیتاریستی و ارتش به این معنی که همهٔ ایرانیان عضو ارتش مردمی هستند و فقط در مواقع هجوم قوای خارجی از کشور دفاع می کنند.

۲۱ — تقویت و تداوم مبارزات ضد استعماری با گنجانیدن اصول لازمه در قانون‌اساسی جدید و حمایت از مبارزات همهٔ خلقهای تحت ستم جهان. (در اینجا لازم می‌دانم از مسأله ارمنی و حقوق حقهٔ ملت ارمنی یاد کنم و بر ضرورت حمایت انقلاب ایران از مسألهٔ ارمنی، با توجه به اصل سوم مصوبه تأکید نمایم.)

۲۲ — قانونی کردن ارزش کار و حقوق کارگران و تأمین و تضمین رفاه کارگران و کلیهٔ زحمتکشان.

عرض دیگری ندارم، متشکرم.

۲ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ عصر چهارشنبه یازدهم مهرماه ۱۳۵۸

نایب رئیس— اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ عصر چهارشنبه یازدهم مهرماه ۱۳۵۸ قرائت میشود.

غایبین آقایان: اشراقی - حائری- حیدری- خامنه‌ای-روحانی (با اجازه) - سبحانی- طباطبائی- فوزی- مقدسی شیرازی- نوربخش- مقدم مراغه‌ای (با اجازه) .

نمایندگانی که تأخیرداشتند آقایان: کریمی، نه‌دقیقه - ربانی‌شیرازی، نه‌دقیقه - صدوقی، نه دقیقه- رحمانی، سیزده دقیقه- رشیدیان، سیزده دقیقه- جوادی، سیزده دقیقه- فاتحی، سیزده دقیقه- طاهری‌گرگانی، پانزده دقیقه- حجتی، شانزده دقیقه- انواری، بیست‌و یک دقیقه- دکتر با هنر، پنجاه دقیقه- بنی‌صدر، سی‌و دو دقیقه- دکتر بیت اوشانا، هفده دقیقه- حسینی هاشمی، بیست و هفت دقیقه- خادمی، سی‌و چهار دقیقه- طاهری خرم‌آبادی، بیست دقیقه- فارسی،

بیست دقیقه- غفوری، هجده دقیقه- موسوی اصفهانی، بیست‌و سه دقیقه- موسوی اردبیلی، بیست‌و پنج دقیقه- موسوی جزایری، سی‌و پنج دقیقه- هاشمی‌نژاد، بیست دقیقه- خانم‌گرجی، هفتادو پنج دقیقه.

نایب رئیس— لازم به تذکر است که آقای مقدم مراغه‌ای و آقای دکتر روحانی با اجازهٔ قبلی غایب بوده‌اند.

۳ — ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۷۶/۳

نایب‌رئیس — وارد دستور می‌شویم. دستور جلسهٔ امروز ما همینطوری که خدمتتان داده شده است اصل ۷۶/۳ و اصل ۷۶/٤ است در روز چهارشنبه روی آن بحث کردیم و روز پنجشنبه نیز برای تکمیل آن بحث و گفتگوی زیادی شد و به صورت فعلی درآمد که با اصل ۸٤ جمعاً در دستور کار امروز قرارگرفت.

ربانی املشی— یک اصل دیگر هم قبلا درگروه روی آن بحث شد و آماده بود تا در جلسهٔ امروز مطرح شود، چطور از آن روز تا حالا آماده نشده است و در دستور امروز نیست؟

نایب رئیس— آقای ربانی اجازه بفرمائید فعلا همین اصول که در دستور کار امروز است مطرح کنیم، در جلسات بعد آنچه را که شما می‌فرمائید مطرح خواهد شد.

ربانی املشی— آن اصل برای طرح در جلسهٔ علنی آماده بود و حتی در جلسهٔ مشترك رأی هم گرفته شد.

دکتر آیت— آقای ربانی آن اصل سی‌و یک که می‌فرمائید درکمیسیون تصویب شد ولی متن آن تنظیم نشده و به همین جهت در دستور جلسهٔ امروز نیست.

نایب رئیس— اصل ۷۶/۳ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۷۶/۳— به منظور همکاری در تهیهٔ برنامه‌ها و اجرای قسط اسلامی، درواحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی شوراهائی مرکب ازنمایندگان کارگران ودهقانان ودیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای غیرتولیدی مرکب ازنمایندگان همهٔ گروههای عضو هرواحد تشکیل می‌شود، چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند.

نایب رئیس— آقای سبحانی سؤالی بود؟

سبحانی— به نظر من کلمهٔ «همه» یا باید در ذیل این اصل حذف شود یعنی آنجا که نوشته است «مرکب از نمایندگان همهٔ گروههای عضو» کلمهٔ «همه» حذف شود و یا اینکه در صدر این اصل هم کلمهٔ «همه» اضافه شود یعنی بنویسیم: «مرکب از همهٔ نمایندگان کارگران و دهقانان و...»

نایب‌رئیس— به‌نظرشما باهم تفاوت ندارد؟ درذیل اصل‌صحبت ازگروهها شده‌وبه‌همین جهت نوشته‌ایم: «مرکب ازنمایندگان همه‌گروهها» ولی‌درصدر این اصل نوشته‌ایم «شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگرکارکنان و مدیران و...» یعنی با تفصیل یاد شده که «همه» درآنجا این معنی را نمی‌دهد. آقای خامنه‌ای سؤالی هست؟

خامنه‌ای — یکی اینکه درقسمت اول آنچه از سابقه‌مذاکرات به‌یادم می‌آید برنامه‌ریزی و نظارت بود و درمورد اجراهم بحث شد که مشارکت یا چیز دیگرنوشته‌شود، به‌هرحال‌صرفاً برنامه نبود.

نایب‌رئیس — دراینجا هم اجرا آمده‌است. ملاحظه بفرمائید نوشته‌ایم: «به‌منظور همکاری درتهیهٔ برنامه‌ها و اجرای قسط اسلامی».

خامنه‌ای — بلی، ولی اجرای قسط اسلامی معنی «به منظور» می‌دهد یعنی «به‌منظور قسط اسلامی»، نه‌اینکه مثلا درکارخانه، اینها اجرای قسط اسلامی می‌کنند به‌نظر من این کلمهٔ اجرا مفید آن معنائی که مورد نظرتان هست، نیست. دیگراینکه درعبارت بعدی‌می‌گوید «واحدهای تولیدی، صنعتی وکشاورزی» و دربخش دیگر میگوید «و درواحدهای غیرتولیدی» که در ذهن من اینطور می‌آید که منظور شما واحدهای آموزشی یا اداری بوده است و این‌غیر تولیدی باتوجه‌به‌اینکه قبلا تولیدی، قسیم صنعتی وکشاورزی است غیرتولیدی، صنعتی و کشاورزی را می‌فهماند یعنی آن چیزی که منظور نبوده طبعاً درکلام می‌آید.

نایب رئیس — یک ویرگول بعدازکلمه «تولیدی» درصدر اصل آمده‌که اگربردارید ابهام شما رفع میشود.

خامنه‌ای — بنظر من یک کلمه «اعم» می‌خواهد یعنی بنویسیم : «واحدهای تولیدی اعم ازصنعتی وکشاورزی».

نایب‌رئیس — این رابعداً آقایان خدمتتان‌توضیح می‌دهند. آقای‌دکترقائمی سؤالی‌بود؟

دکترقائمی — درپیرو همین مطالبی که آقای خامنه‌ای فرمودند، شما واحدهای‌تولیدی را منحصرکرده‌اید به‌صنعتی وکشاورزی و از دیگرمؤسسات تولیدی بحثی نشده‌است، البته غیر تولیدی، خدمات و ادارات راهم دربرمی‌گیرد. مستحضرهستیدکه درتقسیم بندی‌های علمی از واحدهای تولیدی، بعضی از مؤسسات تحقیقی و علمی راکه فکر تولید می‌کنند و فلسفه تولید می‌کنند ازآنها هم بایستی بحث بشود، وبه‌همین جهت من دراین قسمت دوم معتقدم آنجاکه نوشته‌اید «و در واحدهای غیرتولیدی» باید حذف شود و نوشته شود «ودیگر واحدها» تاکلی‌ترباشد ومؤسسات تحقیقاتی، علمی ودانشگاهی وغیره راهم دربربگیرد،چون به هرحال‌این‌مؤسسات‌تحقیقاتی غیر تولیدی نیست، یعنی تولید میکند ولی تولید معنوی میکند.

نایب‌رئیس— دراین مورد هم دوستان جواب خواهند داد وگرنه‌خودم جواب می‌دهم. آقای مکارم سؤالی بود؟

مکارم شیرازی — اولا اینکه آقای خامنه‌ای‌گفتند قبلا برنامه‌ریزی‌هم داشته است‌آنچه به‌خط خود آقایان است الان آوردند و من دیدم نوشته شده «به‌منظورهمکاری درتهیهٔ برنامه‌ها و اجرای قسط اسلامی» و اما تذکری که می‌خواستم عرض‌کنم این‌است‌که این‌کلمه«همه» که درآخر اصل اضافه شده است این‌طور به‌ذهن می‌آورد که درقبل همهٔ‌گروهها نماینده‌نداشتند وتنها اینجا همهٔ گروهها، نماینده دارند. اگرکلمه «همه» را حذف‌کنیم مطلب خراب نمی‌شود ولی مفهومی هم پیدا نمی‌کند درآنجا نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگرکارکنان است و دراینجا هم نمایندهٔ‌گروهها پس اگرکلمه «همه» را دراین قسمت دوم برداریم ضرری نمی‌زند .

نایب‌رئیس — آقای موسوی تبریزی سؤالی بود؟

موسوی تبریزی — مطالبی راکه آقای خامنه‌ای درمورد اجرای قسط اسلامی فرمودند باید عرض‌کنم‌که مثلا اگر درکارخانه‌ای شورائی تشکیل شد ، بدین منظورکه بخواهند کارفرما ، کارگر و مدیر وتمام اعضای کارخانه هرکدام به‌حق مشروع خود برسند ، یعنی به‌همان اندازه‌ای که هرکدام کارمی‌کنند ودرنتیجه سهمی برایشان درنظرگرفته می‌شود، خود

این مسأله درحقیقت همان اجرای قسط اسلامی است که منظور ما است و دراین اصل هم‌آمده است یعنی اجرای قسط وعدل‌هم برای کارگر و هم برای کارفرما.

نایب‌رئیس — آقای اکرمی مطلبی داشتید ؟

اکرمی — همانطوری که آقای خامنه‌ای فرمودند و قبلا هم مابحث وصحبت کرده بودیم قرارشد یک کلمه «مشارکت»هم در اول این اصل اضافه شود. البته کلمه «همکاری» تاحدی همین معنی را میدهد ، ولی اگر تصریح شود که به‌منظور مشارکت و همکاری است، این به‌مراتب بهتر خواهد بود .

نایب رئیس— آقای دکترغفوری سؤالی دارید؟

گلزاده غفوری — من فکر میکنم که این کلمه « واحدهای تولیدی» بحث‌انگیز است‌و ممکن است ذهن متوجه معنی آن به‌طور دقیق‌نشود . بنابراین اگر در اینجا این کلمه قدری بازتر شود خیلی بهتر خواهد بود ، یعنی در حقیقت هریک از تشکیلات منجمله تشکیلات آموزشی ، اداری وخدمات‌هم اضافه شود، هیچ‌ضرری ندارد وآن بحث را هم خاتمه‌میدهد که مابگوئیم در آنجا تولید نمی‌کنند . بنابراین کلمه تولید به‌ما می‌فهماند که‌تولید یعنی تولید مادی ، و ما در اینجا می‌خواهیم توجه‌بدهیم که‌نه، آنها مولدند منتها حتی رشته‌های اساسی را ، مثل مهندس کشاورزی را دانشگاه تربیت می‌کند ودرست می‌کند . اگر دوستان صلاح بدانند بنویسیم « در واحدهای آموزشی، اداری وخدمات » و بعد هم «مرکب از نمایندگان همهٔ اعضاء» برای اینکه لازم نیست اینها گروه تشکیل بدهند وبعد این گروهها نمایندگان‌خود را معرفی کنند ، بلکه همهٔ اعضاء مشارکت داشته باشند .

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان فرمایشی داشتید ؟ بفرمائید .

رشیدیان — همانطوری که آقای خامنه‌ای فرمودند«به‌منظور همکاری» که‌درصدر این اصل آمده است وبعد اضافه شده « در تهیهٔ برنامه‌ها واجرای قسط اسلامی» ، آن همکاری‌در تهیهٔ اینها است ، یعنی مسئولیت رسمی را به‌اعضاء شورا ونمایندگان نمی‌دهد که قاطعیت داشته باشد . آیا اینها در تصمیم‌ها یا اجرا نظارت دارند ، کنترل دارند یا مشارکت دارند ؟ اینها باید روشن شود ، ویک سؤال دیگری هم دارم وآن‌این است که‌آیا متنی که برای این اصل‌تنظیم شده بامتن قبلی چه‌تفاوتی دارد ؟ در متن قبلی نظارت واجرا واین قبیل مسائل را روشنتر بیان کرده بود به‌نظر من باید این مسائل در این اصل تصریح شود . چند متن به‌وسیله‌آقای آیت تهیه شده بود که اگرآن رادراین اصل دخالت می‌دادیم، این اصل به‌مراتب بهتر وروشنتر نوشته میشد ، واما مسأله‌ای که آقای دکتر قائمی فرمودند ، اگر به‌جای‌غیر تولیدی ، داخل پرانتز بنویسیم«خدمات» ، همان معنی تحقیق، فرهنگ ، آموزش ومسائل معنوی را هم در برخواهد گرفت .

نایب‌رئیس — دوستانی که برای صحبت اسم نوشته بودند صحبت‌کردند الان آقای منتظری‌پیشنهادی دارند که‌در پایان‌این اصل به‌جای غیر تولیدی بنویسیم : « ودر واحدهای آموزشی واداری ومانند اینها نمایندگان گروههای‌عضو این واحدها ».

طاهری‌اصفهانی — قبلا در مورد این اصل خیلی صحبت شد وبا توجه به‌همهٔ صحبتها متن این‌اصل به‌همین صورت تنظیم گردید .

نایب رئیس — اگر بنویسیم « به منظور برقراری قسط اسلامی و همکاری در تهیه و

اجرای برنامه‌ها در واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی ...»

خامنه‌ای — کلمهٔ « تولیدی » را هم حذف کنید .

نایب‌رئیس — بله، اگر بنویسیم : « به‌منظور برقراری قسط اسلامی وهمکاری در تهیه واجرای برنامه‌ها در واحدهای صنعتی و کشاورزی ، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران‌و دهقانان ودیگر کارکنان ومدیران و... الخ » نظرتان تأمین است ؟

منتظری — متن قبلی که خیلی بهتر بود .

موسوی تبریزی — کلمه«همکاری » خوب است ، عوض نکنید .

طاهری اصفهانی — اگر کلمه «تولیدی » را حذف کنید اشکال پیدا میکند ، اجازه می‌دهید اشکالش را عرض کنم؟

نایب‌رئیس — خواهش میکنم توضیح بدهید که‌اگر تولیدی را حذف کنیم‌چه اشکالی بوجود می‌آید .

طاهری اصفهانی — آنروز هم بحث شد که‌اگر بنویسیم « واحدهای صنعتی و کشاورزی» وبعد بنویسیم « واحدهای آموزشی و اداری » این شبهه بوجود می‌آید که چه‌تفاوتی بین واحدهای کشاورزی وصنعتی با واحدهای آموزشی واداری است و روی اصراری که بعضی از دوستان داشتند که‌چون تا به‌حال در هیچیک از اصول قانون اساسی اسمی از کارگر نیامده و حتماً باید لفظ کارگر در اینجا اضافه شود ، روی اصرار دوستان این متن به این فرم نوشته شد وگرنه نوشته میشد « واحدهای تولیدی وآموزشی و اداری» و یانوشته میشد «واحدهای صنعتی ، کشاورزی ، آموزشی واداری» و اصلا از همدیگر تفکیک نمی شد . حالا اگر لفظ تولیدی را حذف کنید و بعد از آن بنویسید « در واحدهای دیگر» ، این شبهه بوجود می‌آید که‌چرا واحدهای صنعتی و کشاورزی را نوشتند وبعد از آن اضافه کردند «در واحدهای دیگر»؟ اقلا کلمهٔ تولیدی وغیر تولیدی باشد که انتزاع مطلب این باشد که مابین واحدهائی که تولید می‌کنند (والبته مقصود از تولید هم‌روشن است که تولید معنویات نیست بلکه تولید مادیات است) غیر از این دو واحد تولیدی یعنی صنعتی و کشاورزی ، واحد دیگری نداریم.

حجتی کرمانی — با آن اصلاحی که شما پیشنهاد فرمودید به نظر من خیلی از مسائل منتفی میشود ولی در کل می‌خواهم عرض کنم که اگر اصولی را که تنظیم می‌کنیم طوری نوشته شود که‌قابل تعبیر وتفسیر نباشد و کاملا روشن باشد دیگر منشأ این سوء تفاهمات که الان هم در همین مجلس پیش‌آمده ، در آینده دیگر پیش نیاید ، به‌مراتب بهتر خواهد بود .

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — اینکه بعضی از دوستان روی این جهت زیاد تکیه دارند که چون روی بعضی از مسائل صبح به‌حد کافی بحث شده و دیگر نباید در اینجا دوباره بحث شود به‌نظر من هیچ اشکالی ندارد که وقتی یکی در جلسه صبح نظری را بیان کرده ودر اقلیت بوده الان‌هم مطلبش را بیان کند. منجمله همان‌مطلبی که‌آقای اکرمی تذکر دادند. آنچه که از«شورا»انتظار میرودومتناسب با کلمهٔ‌آن‌هم هست، مسأله تصمیم‌گیری‌است. شورا برای اینست که‌تصمیم‌گیری فردی نشود بلکه بامشاورهٔ دیگران تصمیم گرفته شود، ومسألهٔ تهیهٔ‌برنامه واجرای قسط،نتیجهٔ شورا و تصمیم‌گیری است، واین اصل، اصل‌شورا است، آن که‌متناسب با اصل شوراست مسأله تصمیم‌گیری است. من‌چند شب پیش درجائی برنامه‌ای وصحبتی داشتم ودرآنجا عده‌ای اصرار

داشتند که باید مردم در تصمیم گیری مشارکت داشته باشند. تهیهٔ برنامه واجرای قسط ، درحقیقت نتیجهٔ تصمیم گیری است. تقاضا می کنم که مسأله تصمیم گیری را به نحوی در اینجا اضافه بفرمائید.

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی به‌عنوان موافق بفرمائید صحبت کنید.

طاهری اصفهانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . اگر آقایان به خاطر شریفتان مانده باشدآن روز بحث شد که ما مشورت را از کجا گرفتیم . صحبت شد که مشورت اصلا ریشهٔ‌قرآنی‌داردو ما از قرآن استنتاج کرده‌ایم . در قرآن آن که‌راجع به‌کل مشورت است دوآیه است ، یکی آیه‌ای که‌در باره مؤمنین وصفات مؤمنین صحبت می کند « وامرهم‌شوری بینهم» واین مسلماً معنایش اینست که‌مؤمنین استبداد به‌رأی ندارند وکارشان را با تکروی انجام نمی‌دهندبلکه می‌نشینند و صحبت می کنند و پس از مشورت و مشاوره آن فکری که اکثریت آراء را دارد ، می‌پذیرندوقبول‌می کنند وبعد به‌مرحلهٔ‌اجراء می‌گذارند. این همانست که‌شما درشورای‌منطقه‌ای گفتید ومطلب صحیحی هم‌هست . بعد آمدید در واحدها ، در واحدها چون مسأله درگیری با مدیریت بود ، چه‌واحدهای تولیدی ، چه واحدهای اداری وچه‌آموزشی ، این بحث پیش آمد که در این زمینه ما از قرآن چه‌می‌فهمیم؟ عرض شد که در اینجا هم «امرهم شوری بینهم» را بیاورید وهم‌آن خطابی که‌به‌پیغمبر صلی‌الله علیه وآله شده ، یعنی « وشاورهم‌فی‌الامر»پیامبر مشورت بکن ، مؤمنین با هم مشورت می کنند، پیغمبر هم بادیگران مشورت می کند واگر پسندید به حکم اینکه یک‌انسان‌متعهد ووابسته به‌خداست ، رویش تصمیم می‌گیرد . این‌بدان معنا نیست که مشورت کن واگر رأی درست وصوابی دادند ، آن را زیر پابگذار وبگو رأی من درست‌است،من رأی درست تو را نادیده می‌گیرم وروی رأی‌خود مستبدم، اینکه‌مشورت‌نمی‌شود مشورت اینست که‌انسان اگر رأی شخص یااشخاصی را صواب ودرست دانست برطبق‌آن‌تصمیم بگیرد وعمل کند . چون مسأله‌اجرا ومسألهٔ تصمیم‌گیری را درجائی که‌مساس بامدیریت‌پیدا میکند ، اگر بخواهید به‌عهده‌آحاد ونفرات‌اعضای شورا بگذارید ممکن است بعداً با درگیری‌ها ومشکلاتی مواجه شوید، پس مسألهٔ قرآنی را بیاورید واگر قرآن غیر از این را می‌رساند ، خوب آنرا بیان بفرمائید . من وآقایانی که موافق بودند گفتیم که‌از قرآن بیش از این فهمیده‌نمی‌شود چه‌از«امرهم‌شوری‌بینهم»وچه‌از«وشاورهم‌فی‌الامر»بخصوص به‌زمینه «ان‌القرآن‌یفسربعضه بعضاً» که‌اگر دریک‌جائی رئیسی‌صدر کارباشد اوموظف‌است که‌باافراد،ولوپائین‌ترین افرادمشورت کند برای‌اینکه‌ممکن‌است‌اتفاقاً رأی‌این شخص دراین‌مسأله یک‌رأی‌صوابی‌باشد. اگر رئیس یاسرپرست او راقانع کرد که‌رأی‌تودرست‌نیست که هیچ ،ولی‌اگرآن کارگریا کارمند رئیس‌خود راقانع کرد که رأی‌من درست‌است،آنوقت تصمیم‌گرفته‌میشود،چه کسی تصمیم می‌گیرد؟«فاذاعزمت»،عرض کردم که این «عزمت» خطاب به پیغمبر (ص) است یعنی‌وقتی تو با احترام و طبق آراء مردم تصمیم گرفتی، آنوقت وارد مرحلهٔ اجرا و عمل شو. عده‌ای‌گفتند که ممکن است این از خصایص حضرت پیغمبر (ص) باشد. تا مادامیکه ما دلیلی نداشته باشیم که حکمی از مختصات حضرت پیغمبر (ص) است پس ما می‌توانیم حکم‌کنیم که این حکم برای همه هست چه برای پیغمبر(ص)و چه‌برای غیر پیغمبر. این‌است که دراینجاهم مسألهٔ تصمیم‌گیری ذکرنشد ونوشته شد «به منظور همکاری درتهیه برنامه‌ها». نه مسأله اجرا ذکر شد ونه مسألهٔ تصمیم‌گیری نفرات. تصمیم‌گیری شخص مدیرآمد، برای جلوگیری از هرج ومرج، امانه مدیر مستبد بلکه مدیری که‌به‌موجب این اصل موظف است که با تمام افراد وآحادش ولو یک نفر ضعیف،

مشورت کند، واگربا استدلال، آن شخص به رئیس خود فهماند که رأی‌من رأی‌صواب است‌ورئیس هم‌جوابی نداشت، باید برطبقش تصمیم گیری کند. واما اینکه آقای دکترفرمودند که‌واحدهای‌تولیدی راحذف کنیم‌وبنویسیم‌واحدهای‌صنعتی‌و کشاورزی، من همانموقع هم‌توضیحی‌خدمتشان‌عرض کردم که بنابه‌اصراری که‌دوستان داشتند که حتماً لفظ کارگر دراینجاذکرشودناچارشدیم‌واحدها‌رابه دوقسم تقسیم کنیم یکی واحدهای تولیدی و یکی واحدهای غیر تولیدی والسلام علیکم.

خامنه‌ای — درتهیهٔ برنامه‌ها، مثلا درکارخانه‌ای‌اگر برنامه‌ها به‌معنی تصمیم‌گیری نباشد به‌چه‌معنی است؟

طاهری اصفهانی — برنامه‌ها یعنی طرق کار، طرق «اقرب‌الی‌الواقع» آنها تهیه می‌کنند اما چه کسی روی این برنامه‌ها تصمیم می‌گیرد این مهم است. ممکن است شمابرنامه‌ای در فلان جا برای خودتان تنظیم کنید اما وقتی این برنامه به‌مرحله اجرا درمی‌آید که به‌تصویب همه برسد، یعنی درحقیقت برنامه غیراز مصوبات است.

نایب رئیس— آقای دکترغفوری بفرمائید.

گلزاده‌غفوری— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نمی‌خواهیم مسأله کش پیدا کند اما ازآنجائی که ما می‌خواهیم با همین تدوین اصولی که مربوط به شورا می‌شود برجستگی اسلام را نشان بدهیم در همه‌جای دنیا مسألهٔ شورا ضرورت پیدا کرده یک تجربه‌هائی رویش شده ما ادعامان اینست که‌آنچه که دراسلام هست چون دین خدا است از همه مترقی‌تر، عالیتر و ثمربخش‌تر است. من اینجا نمی‌خواهم زیاد توضیح بدهم ولی فقط چون مسألهٔ آیهٔ قرآن‌مطرح شد ونسبت دادن به قرآن باید یک مسأله‌ای باشد که خیلی مسلم باشد به‌طور خلاصه اصلا ما ببینیم مسألهٔ شورا مصلحتش چیست؟ آیابراساس اعتماد به‌مردم است؟ و این مردم به‌خصوص‌در اینجا که مسلمان هستند ومدام ما تکیه می‌کنیم که ۹۸ درصدشان رأی داده‌اند که‌اگر ۳۰ درصدشان رأی می‌دادند دیگربا نمی‌گفتیم که این‌جورآن‌جور، پس معلوم میشود که‌مامردم را مسلمان می‌دانیم و می‌خواهیم «آنا فآنا»و باتصویب هر اصلی علاقهٔ ایشان به‌اسلام بیشتر بشود. آقا اصل براین‌است که ما به‌مردم به‌عنوان مسلمان اعتمادداریم یانه؟ فکرمی کنیم‌یک کاری اتفاق افتاده دورش یک دیوار بلند بکشیم یعنی حالا که این اتفاق افتاده مردم نتوانند ازاین دیوار آنطرف‌تر بروند بلکه باید ایمان و علاقه مردم بیشتر بشود، پس سؤال این است که شورا باید براساس اعتماد باشد یا براساس بی‌اعتمادی؟ که مدام ما بیائیم اینقدر قیود و شروط برایش‌بگذاریم معنیش‌این است که ما اطمینان نداریم شما مردم که دورهم بنشینید چه خواهد شد، بنابراین یک موازینی می‌گذاریم وبعدآن موازین‌هم احیاناً مدون نباشد بعداً هم اصل انحلال وخلاصه حالت یک سرگردانی درست کنیم. من اینجا دونکته‌را فقط اشاره میکنم، یکی به‌لغت «شورا» دوستان الحمدلله همه اهل مطالعه و تحقیق هستید لغت شورا را که درکتابهای لغت معنی می‌کنند می‌گویند «استخراج‌الرأی» یعنی مایک کاری بکنیم که طرف حرفش را بزند «استخراج‌الرأی و مراجعه‌البعض الی‌البعض» یعنی منی که می‌فهمم‌ببینم شما چه می‌فهمید، آن‌یکی چه می‌فهمد،آن یکی چه می‌فهمد، و فرض اینست که دریک واحدی همه پی یک مصلحت بهتر می‌گردند وفلسفهٔ اساسی و روانی شورا هست که ایجاد انگیزهٔ بیشتر بکند درکار بیشتر، نه‌اینکه درچهارچوب مقررات وبرای رودربایستی یک شورائی‌بامن بکنند وبعداً اگرصلاح دانستند عمل بکنند. اما راجع به‌آیه همان‌طور که خاطرمبارکتان‌مستحضر

است این آیه در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌گوید: «فبما رحمة من الله لنت لهم...» از اینجا شروع می‌شود ببینید تکیه روی چیست «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک...» چقدر استبداد؟ تو با اینکه پیغمبری با اینکه رأی تو فوق آراء است اما مسأله اینکه شما در کجا قرار گرفته‌ای و با چه کسی می‌خواهی کار بکنی «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر...» بنابراین مسأله اینست که اگر ما مردم را جمع کنیم و بگوئیم بگو ببینیم چه میگوئی و بعد هم در عمل او ببینید یک چیزی گفته احیاناً استخراج رأی سطحی از او شده و بعد زمینه به‌دست آمده ولی آن جوری نشده، این را ببینید در یک دراز مدت، اگر یک جائی ما احترام به آراء مردم بگذاریم به عنوان اینکه عضو یک جامعه هستند و در واقع مشارکت دارند این چه وحشت دارد؟ این واقعاً برای من سؤال است ما چه وحشتی داریم؟ مگر اسلام با نیروی خودش نباید پیش برود؟ حتماً با اصل قانونی باید ابدیتش تضمین بشود؟ یا باید با نیروی خودش برود؟ اگر ما کوشش بکنیم در هر واحدی واقعاً شخصیت بدهیم به افراد و اعضاء و هدف اصلی روشن باشد به‌نظر من همه به‌عنوان یک مسلمان مجاهد تمام تلاششان را خواهند کرد. بنابراین راجع به این مسأله آیه فکر نمی‌کنم اینجوری باشد که «حالا توگوش بده ببین چه‌می‌گویند بعد خودت تصمیم بگیر.» آن وقت یک مدیر کارخانه از بخش خصوصی یا بخش عمومی را مقایسه کنیم با عقل کلی که مورد آیه، آن بوده است بنابراین به‌نظر می‌رسد با توجه به معنای خود کلمهٔ شورا که «استخراج الرأی و مراجعه البعض الی البعض» باشد به عنوان اینکه ماهیت بدهیم و اصالت بدهیم و بعد با توجه به این آیه و موقعیتش که «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غلیظ القلب ...» شما فکر نمی‌کنید اگر ۲۰ مورد رأی شورا، رأی کارمند، رأی کارگر هرچه برخلاف عمل شد خود بخود یک نارضایتی بوجود می‌آید؟ مسألهٔ انحلال را هم من در آن جلسه گفتم این مسأله‌ای که اگر خود شوراهای استان در شوراهای کوچکتر نظر بدهند این خیلی طبیعی است همهٔ‌شان شورا هستند همه‌شان منتخب مردم هستند اما یک مجری بیاید یک‌جا را منحل کند بعد از اینکه منحل شد بگوئیم حالا برو به دادگاه صالح مراجعه کن آن هم مدتی طول بکشد دادگستری هم معطل و شورای جدید هم تشکیل نشود یک نارضایی عمومی را داریم تقریباً پی‌ریزی می‌کنیم من عقیده‌ام این است اگر صلاح باشد ما اعتماد بکنیم به مردم در هر واحدی و این شخصیت را به آنها بدهیم کلمهٔ مشارکت هم که سابقاً در همین اصل بود و حالا بعضی از دوستان رویش نظر دارند حرفی نیست ولی فکر می‌کنید در عمل چه خواهد شد؟ پس بر اتکاء به لغت شورا و با اتکاء بر موقعیت همان آیه «وشاورهم فی الامر» و مقدمه‌اش من فکر میکنم یک قدری اگر اساس کارمان را روی اعتماد به مردم بگذاریم بهتر نتیجه می‌گیریم و این شورا نمونه خواهد شد و از شوراهای متداول در کشورهای دیگر خیلی بهتر است برای اینکه آنجا هم بشر را تأمین نکرده است اسمشان را شورا می‌گذارند کشورشان را شوروی می‌گذارند اما مردم واقعاً احساس کم شخصیتی می‌کنند برنامه از بالا می‌آید در هر شورائی یک نفر که وابسته است به حزب حاکم در آنجا بالاخره نظر او تأمین میشود این است که مردم احساس کمبود انسانی می‌کنند ما اسلام می‌خواهیم این احساس کمبود نشود تمام خوبیهای شوراهای دنیا را داشته باشد و بدیش که بی‌اعتنائی به شخصیت انسانی مردم است که الان در شوراها هست، این نباشد.

موسوی تبریزی — اگر یک نفر ثروتمند گردن کلفت بخواهد دویست نفر، سیصد نفر

کارگر را استثمار بکند واسترعاب بکند از آنها که‌حق مشروع ومسلم به‌آنها ندهداین‌دراسلام چطور است ؟

گلزاده غفوری — اگر ما حقوق مسلم انسانی را بدانیم ، انسان ، حیوان نیست‌آقا ، این که‌الان اینجا گفتیم تولیدی وغیر تولیدی اصلا توی ذهن‌ما این است که‌تولید یعنی مادی ، انسان هم یعنی شکم ! کارگر هم‌یعنی مزد !

موسوی تبریزی — از نظر شرع شما به‌این سؤال من‌جواب بدهید.

گلزاده غفوری — مسلماً حقوق انسانی باید تأمین بشود .

موسوی تبریزی — از نظر مالکیت‌شخصی وشرعی که‌اسلام محترم شمرده است اگر بخواهد ازدست آن کسی که‌مالک‌شرعیست این را از دستش بگیرند به‌تمام معنا اختیارش رااز دستش بگیرند این چطور است؟

گلزاده غفوری — به‌نظر من این برمیگردد به‌همان‌که ما اصل را بر بی‌اعتمادی و نامسلمانی مردم گذاشته‌ایم اگر مردم مسلمان باشند و به‌آنها اعتماد داشته باشیم هیچوقت تصور نمی‌رود که آنها ظلم به‌کسی بکنند.

موسوی تبریزی — شما به‌سؤال من ازنظرشرع جواب بدهید من اگرفرضاً مالک این کاغذ هستم مقدمات ملکم راهم حاکم شرع امضاء کرده‌است شما بخواهید بدون مجوز شرعی دستم‌را ازمالم کوتاه بکنید و اختیارش را از من بگیرید این ازنظر شرعی چطوراست؟

گلزاده غفوری — مسلماً مالکیت درحدود و شرایط شرعی مورد احترام هر مسلمانی هست به‌شرط اینکه قیود وشروطش باشد.

موسوی تبریزی — پس درکارخانه اصل مالکیت کارخانه شرعیت داشته باشد نه‌این کارخانه‌دارهاکه اکثراً مالک نیستندآنجاکه مالکیت‌شرعی را امضاء کرده مالک اختیارمال خودش را دارد کارگر اختیار عمل وجانش را برای جلب بین‌الحقین گفته‌ایم به‌منظور همکاری در تهیهٔ برنامه وبرای‌اینکه قسط اسلامی و واقعاً عدالت اسلامی اجرا بشود نه‌ازکارگراستثمار بشود و نه ازمالک شرعی حقی‌گرفته بشود این قسط اسلامی است اینهاهمکاری می‌کنند به‌صور شورا، واینکه فرمودید شورا عبارت از «مراجعةالبعض الی‌البعض واخذالرأی» هست آقای طاهری هم پیش ازاین نفرمودند بعد ازآنی‌که مدیر وکارگر و تمام اعضاء کارخانه که منظورتان هست اینها یک شورائی تشکیل دادند رأی‌هایشان را روی‌هم ریختند طبق آیه «فوق کل ذی‌علم علیم» یک رأی ثابت عرضه کردند این اجرای رأی ثابت اختیارش است صاحب کارخانه است اگر تزاحم اجرا پیدا نکرد آنوقت ازنظر مسئولیت شرعی وقانونی یک مطلب دیگری دارد.

نایب‌رئیس— کم کم به‌جای طرح یک سؤال شد یک مباحثه بین‌الاثنین، معمولادوستان عزیز تجربه دارند وقتی‌که بخواهید بحثهائی راکه اینجا دوسه‌بار صورت‌گرفته تکراربکنید به‌نتیجهٔ جدیدی نمی‌رسیم چون یکوقت است بحث نشده، خوب باید بحث ادامه پیدابکند یکوقت است بحث شده آنهم نه‌یکبار، بیش ازچند بار مامحصل کلام این‌است که درمیان نمایندگان دربارهٔ نقش شورا یک نظر این‌است که شوراهم در پیشنهاد وبررسی وبرنامه‌ریزی دخالت کندهم درتصمیم‌گیری واجراء، یک نظردیگر این‌است که، نه، اجرا مربوط میشود به مدیریت ، برنامه‌ریزی مربوط میشود به همکاری شورا و مدیریت . اتفاقاً دیشب که آقای

نخست‌وزیرمسألهٔ شورا را مطرح می کردند ایشان هم نظرشان بانظرگروه دوم هماهنگ بود، ایشان هم می‌گفتند که ازنظرمشورت ونظرخواهی باید سیستم از پائین به‌بالا باشد ولی ازنظر اداره وتصمیم‌گیری و اجرا ازبالا به‌پائین باشد (من تعبیر ایشان را دارم نقل میکنم) به‌هرحال این دونظردربین‌نمایندگان وجوددارد یک نظراینکه، نه، درتصمیم‌گیریهای‌اجرائی‌هم‌وقتی‌ما سهم بدهیم به کارگران و کارکنان وکارکنان دفتری وهمهٔ کسانی که زحمت می کشند دریک واحد، سهیم شدن آنها درتصمیم‌گیری می‌تواند به‌پیشرفت کار و انسانی‌تربودن روابط کمک بکند. این دونظر وجوددارد ولی این را می‌خواهم عرض کنم که طرفداران نظردوم، این اصل را نفی و رد که نمی کنند می‌گویند کم است والا این مقدارش را قبول دارند من پیشنهاد می کنم فعلا ما این مقدارش را که اکثریت قبول دارند تصویب بکنیم وتکاملش را اجازه بفرمائید موکول کنیم به‌مراحل بعدی، چون این دست مجالس قانونگذاری آینده را برای اینکه اگر دیدند ازنظر مصلحت وموازین اسلامی وموازین کلی و اقتصادی میشود دراجرا آنها راهم شریک کنند،نمی‌بندد. این درآنجا نگفته نباشد که مایهٔ نگرانی باشد فعلا مقداری ازآن راکه مورد قبول و اتفاق اکثریت است تصویب کنیم وبیخود بحث راکش ندهیم انشاءالله آن نظر دیگر که خود بنده هم درآن جلسه عرض کردم طرفدار سهیم کردن کارکنان در اجرا هستم آن نظر را من و دوستان همفکرمان موکول کنیم به تصمیمات آیندهٔ مجلس شورای ملی.

طاهری گرگانی— راه دادن اختیارات راهم ذیل اصل بازگذاشته است.

منتظری — چون درذیل آن تعقید داشت‌این‌طور نوشتیم: «به‌منظور همکاری درتهیهٔ برنامه‌ها و اجرای قسط اسلامی، در واحدهای تولیدی، صنعتی وکشاورزی شوراهائی مرکب ازنمایندگان کارگران ودهقانان ودیگر کارکنان ومدیران‌ودر واحدهای آموزشی‌و اداری ومانند اینها شوراهائی مرکب ازنمایندگان‌گروههای عضو این واحدها تشکیل میشود». (چند نفراز نمایندگان — این متن خوب است.)

یزدی — یک سؤال مربوط به ماهیت مسأله دارم.

نایب‌رئیس — شش نفر دیگرهم قبل‌از شما اسم‌نوشته‌اند اگر شماصحبت بفرمائیدباید به‌آنها هم مجال بحث داده شود.

یزدی — درتصحیح عبارت دخالت کامل دارد.

نایب‌رئیس — لابد دیگران هم حرف بی‌ربط که نخواهند زد لابد آنها هم نظر اصلاحی دارند، اجازه بفرمائید متن رابخوانم «به‌منظور همکاری در تهیه برنامه‌ها و اجراء قسط اسلامی در...».

یزدی — به‌منظورکه آمد، اصلا ماهیت مطلب عوض میشود، اجراء قسط هدف اصل است یا اجراء قسط‌هدف‌تأسیس است؟ دوتا مطلب است اگر اجراء قسط هدف اصل باشدهمین اختلاف ماهیت اسراست که خیلی‌ها قبول ندارند یعنی درقسمت اجراهم شرکت پیدا بشود ولی اگر اجرا...

نایب‌رئیس — معلوم شد که شما بی‌اجازه‌هم صحبت می کنید لازمه‌اش این‌است که در دوجلسه من اصلا به‌شما نوبت ندهم.

یزدی — برای‌اینکه مطلب روشن بشود من قبول...

نایب‌رئیس — عرض کردم همه می‌خواهند مطلب روشن بشود ماقرارمان این بود که نظم جلسه را رعایت کنیم.

یزدی — روی این اصل صحبت نشده و رأی نمی‌آورد.

نایب‌رئیس — روی این اصل قبلا آقایان صحبت کرده‌اند اگرآقای یزدی برای شما هنوز روشن نیست به‌آن رأی ندهید. من متن را می‌خوانم:

اصل ۷۶/۳ — به‌منظور همکاری درتهیهٔ برنامه‌ها و اجرای قسط اسلامی درواحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی شوراهائی مرکب ازنمایندگان کارگران ودهقانان ودیگر کارکنان و مدیران ودر واحدهای آموزشی، اداری، خدمات و مانند اینها شوراهائی مرکب ازنمایندگان گروههای عضو هرواحد تشکیل میشود. چگونگی تشکیل این‌شوراها وحدود وظایف‌واختیارات آنها را قانون معین می کند.

طاهری اصفهانی — آنجا هم تولیدی را بیندازید.

نایب‌رئیس — بگذارید که اقلا یک حدودی‌آن را که شماگفتید حفظ میکند. لطفاً آراء خود را درگلدان‌ها بریزید.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و شمارش آراء بـه وسیله آقـایـان دکتر روحانی و عضدی «منشیان هیأت رئیسه» انجام ونتیجه به‌قرارزیر اعلام‌گردید)

نایب‌رئیس — عدهٔ حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی پنجاه وهشت نفر، تعداد کل‌آراء پنجاه‌ونه رأی، (یک رأی اضافی حذف شد) آراء موافق چهل وپنج رأی، آراء مخالف چهاررأی، آراء ممتنع نه‌رأی وبازهم تصویب نشد.

رحمانی — اجازه بفرمائید افرادی که نوبت‌گرفته بودند وفرصت نشد بحث کنند، الان صحبت بکنند.

نایب‌رئیس — پس به‌همین علت رأی نداده بودند؟

رشیدیان — ازشما و ازبرادران عزیز خواهش میکنم موقع طرح یک اصل نفرمایندرباره آن قبلا صحبت شده‌استبله، قبلا صحبت شده‌است اما اجازه بدهید که این‌دوستان‌آنچه‌به‌نظرشان می‌آید بگویند چون مسألهٔ انسانی و اسلامی مطرح است همان‌طورکه شما احساس مسئولیت شرعی می کنید آن افرادی هم‌که اشکال می کنند مسألهٔ شرعی را مدنظردارند یک مسألهٔ دیگراینکه وقتی اصلی مطرح میشود یک عده از آقایان نفرمایند رأی بگیرید، رأی بگیرید، این صحیح نیست این را برادران به‌عهدهٔ شخص مدیر وسرپرست جلسه بگذارندکه نظم جلسه حفظ بشود و ضمناً بازخواهش میکنم وقتی تذکراتی داده میشود و پیشنهاداتی، کلماتی گفته میشود اینها اصلاح بشودکه مامی‌دانیم‌که این اصل تصویب نمی‌شود ولی باز اصرار هست‌که به‌رأی‌گذاشته بشود باید باور بکنیم‌که ما روی ایمان داریم رأی می‌دهیم‌نه‌روی تبلیغات.

ربانی شیرازی — آقای یزدی پیشنهاد اصلاح لفظ را داده بودند و این را بایدپذیرفت.

نایب‌رئیس — ببینید بعدازاینکه من صحبت را قطع کردم‌ده‌نفر اسم‌نوشته‌اند وماتاحالا نزدیک به‌چهل‌دقیقه‌صرف اصلی کرده‌ایم‌که روزچهارشنبه سه‌روزپیش مفصلا روی آن صحبت شده وقرار شده برگردد پنجشنبه‌رویش کار بشود و روی آن کار شده است و حالا هم آورده‌ایم برای هراصلی باید یک‌میزان وقت‌مناسبی برای‌بحث کردن‌درنظرگرفت. یک‌مقداربحث‌ها بایددر

جلسهٔ گروهها حل بشود اگر قرار است بعدازآن جلسات از یک عده پنجاه وهفت، هشت نفری باز بیست نفر صحبت بکنند پس فایدهٔ آن جلسات دیگرچیست؟ خوب، یک عده‌ای از آقایان سؤال کردند و بنده‌هم دربست اجازه دادم آقایانی که به‌عنوان موافق می‌خواهند صحبت‌بکنند به همهٔ سؤالات پاسخ بدهند. این رویهٔ صحیح وسالم‌آن هست. موافق ومخالف‌هم صحبت کردند برای ادامه دادن بحث‌ها یک رویهٔ جدیدی را دوستان درپیش‌گرفته‌اند...

ضیائی — در آن وقتیکه دوسوم از مجموع ، مأخذ اخذ آراء شد زمانی بود که احتمال می‌دادند که همهٔشان روی وظیفه تشریف می‌آورند بنابراین دوسوم آراء ازبین ۷۳ نفر احتمال قریبی بود که اغلب اصل‌ها دراینجا تصویب بشود و با غیبت آقایان به‌علت‌گرفتاریهائی که دارند، مریضند ویا به‌هرعلت دیگرالان از میان ۵۸ نفر قهراً عده‌ای موافق ویک عده‌ای‌مخالف خواهند بود و شما تشریف داشته‌اید و آقایان هم هستند صبح ها اغلب ٤ ساعت بحث میشود خوب قهراً چند نفری ممتنع و چند نفری هم مخالف، دیگرآن مقدارمأخذ آراء بدست‌نمی‌آید من پیشنهاد میکنم همیشه دوسوم عدهٔ حاضر مأخذ رأی محسوب شود والاتجربه نشان داده است هروقت عدهٔ حاضرین کم بوده‌است ٤۸ رأی موافق نمی‌آورد.

تهرانی — از ۵۸ نفر که نمی‌شود ٤۸ نفرشان موافق باشند.

نایب رئیس — البته باید با دوستانی که امروز غایب هستند تماس بگیریم که وضع خودشان را دربرابر مجلس روشن کنند و معلوم شود چرا تشریف نمی‌آورند. از غایبین یک‌نفر هست که ازنظر کسالت عذرشان موجه است وعلی‌القاعده باید هفتاد نفر درجلسه حاضر داشته باشیم وبه آقای مهندس سحابی‌هم پریروز تذکر دادم که قبول پست وزارت منافاتی با شرکتشان درجلسات عصرهای مجلس ندارد ایشان هم‌گفتند سعی میکنم شرکت کنم ولی باز تشریف نیاورده‌اند.

ربانی شیرازی — نمایندهٔ دولت هم حق دارد در جلسهٔ نمایندگان مردم شرکت کند؟

نایب‌رئیس — برای رأی دادن خیر، ولی شرکت بله، ازنظر آئین‌نامه اشکالی‌ندارد، منظور این‌است که موقع انتخابات اعمال نفوذ نشود.

کیاوش — روش جدی‌تری‌در پیش بگیرید. این دفعه چهارم پنجم است که قرار میشود به غایبین تذکر بدهید یا علتش را بپرسید آقا تصمیمی بگیرید که اگر دوسه جلسه نیامدند کنارشان بگذارید که مردم هم بفهمند.

مقدم مراغه‌ای — راجع به‌اصلی که رد شد بحث مختصری دارم اجازه بفرمائید عنوان کنم.

نایب‌رئیس — این‌را دیگربگذارید برای موقع طرح مجدد آن.

ربانی شیرازی — اجازه بدهید آقای یزدی پیشنهادشان را برای اصلاح یک کلمه‌بدهند و با دست رأی‌گیری کنید اگر اشکال آقایان رفع شد دیگر این اصل برای روز بعد نماند.

نایب‌رئیس — من به‌آقای یزدی عرض کردم تا جائیکه ما بحث را قطع کردیم ایشان نفر هفتم می‌شدند عرض من این بود که اگر بخواهم عدالت را رعایت کنم باید به‌نفرات قبلی هم وقت صحبت بدهم پس اجازه بدهید این قسط اسلامی را که می‌فرمائید در ادارهٔ جلسات رعایت بکنم.

٤ — ادامهٔ بحث و تصویب اصل ٤/٧٦ (اصل یکصد و ششم)

نایب‌رئیس — اصل ٤/٧٦ را میخوانم:

اصل ٤/٧٦— انحلال شوراها جز درصورت انحراف از وظایف اصلی ممکن نیست.مرجع تشخیص انحراف، ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین میکند، ولی به‌هرحال شورا درصورت اعتراض به انحلال حق دارد به‌دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به‌آن رسیدگی نماید.

بشارت — من با این اصل مخالفم.

رحمانی — منهم مخالفم.

خامنه‌ای — دونکته کوچک لفظی است که می‌خواهم تذکربدهم «انحراف از وظایف اصلی» این مفهوم گنگی است بین اصلی و فرعی اشکال ایجاد میکند «وظایف و اختیارات قانونی» به‌نظرمن بهتر است، دیگراین که ما ازاین خارج ازنوبت‌های دادگاه سابقهٔ خوبی‌نداریم ظاهر خارج ازنوبت این است که همان روز رسیدگی کند ولی اگرخارج ازنوبت پشت‌سرهم باشد دعاوی دیگری‌هم‌هست‌گاهی یک ماه ممکن است طول بکشد. بااینکه اینجا تعیین روز یک قدری سنگین است من فکرمیکنم که اینهم خوب نیست وباید برای‌آن فکری کرد. تعیین‌چند روز، یعنی ده روز پانزده روز چقدر؟

نایب‌رئیس — اینکه ما آن وظایف اصلی را قانونی بکنیم عبارت روشنتر وقاطع‌تر است معقول به‌نظر میرسد از نظر دوستان همینطور است؟(عده‌ای از نمایندگان — بله) پس، ازاین نظرآقای خامنه‌ای استفاده‌می کنیم.

ضیائی — با این اصل موافقم.

طاهری گرگانی — اگرچنانچه مرجع تشخیص انحراف وترتیب انحلال غیراز دادگاههای صالح باشد باز ذیل قابل جمع است ولی اگرچنانچه مرجع دادگاه صالح باشد باز بعدازاینکه دادگاه صالح حکم کرد دو مرتبه باز می‌توانند به دادگاه صالح شکایت کنند فکر میکنم روشن نیست .

حجتی کرمانی — همان ابهامی که در آن اصل گفتم اگر رفع نشود از نظر مجالس قانونگذاری آینده ممکن است موجب سوء استفاده‌هائی بشود دراینجا هم به‌نظرم میرسد که باید یک جوری حل بشود مضافاً به‌اینکه در رأی‌گیری سابق مسأله‌ای هست که نمی دانم بگویم یانه (یکنفر از نمایندگان — نگوئید) چشم .

رشیدیان — سؤال این است که‌این اصل همان است که‌دوتا اشکال اساسی‌داشت‌یکی اینکه این شوراها زیر نظر چه‌مرجعی انتخابات را شروع می کنند وتشکیل‌می‌شوند که‌همین سؤال آن موقع از مجلس وجنابعالی شد وجواب قانع کننده‌ای نشنیدیم اگر زیر نظروزارت کشور و دولت‌باشد شوراها ممکنست درآینده درقبضهٔ قدرت‌دولت قراربگیرند. بایدمرجعی که‌انتخابات اینها را زیرنظر میگیرد روشن‌شود یکی هم مرجع انحلال .

مکارم شیرازی — بااین اصل موافقم .

بیت‌اوشانا — اینجا نوشته شده است انحلال شوراها جزدر صورت انحراف از وظایف‌اصلی ممکن نیست‌چون نقطه‌نظر اصلی مردم وقانون اساسی تشکیل‌شوراها است‌نه‌انحلال آنها، بعداز

این باید قید شود و مراجع اجرائی «دولت و مراجع اجرائی موظفند تسهیلات لازم را جهت تشکیل وگسترش شوراها ایجاد نمایند» عوض قید بعدی، برای اینکه منظوراصلی تشکیل و گسترش شوراها است.

ربانی شیرازی — این لفظ به هر حال بااینکه یک‌حال بیشتر نیست وآن‌حال انحلال است.

نایب‌رئیس — یعنی مرجع تشخیص هرکه‌باشد ، کیفیت انحلال هر چه‌می‌خواهد باشد خواسته‌ایم بگوئیم فرق نمی‌کند اینها حق شکایت دارند.آقای بشارت‌به‌عنوان‌مخالف‌بفرمائید.

بشارت — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . به‌نظر من‌بعد از مسألهٔ رهبری مهمترین مسأله در سیاست کشورداری ما مسألهٔ شوراها هست این اصل با توجه براینکه اصل قبلی رأی نیاورده الان حتی به‌رأی‌گذاری آنهم اشکال دارد اولا در مسألهٔشوراها درست است که‌ما ضوابط‌اسلامی را باید کاملا رعایت کنیم واز خودبینی که‌اسلام معین کرده تجاوزنکنیم ولی یک‌مقدار هم باید آینده‌نگر باشیم من‌یک سؤال دارم که چرا برحسب آن پیش‌بینی که قبلا شده بود که‌بنا بود ازمتفکرین ومحققین وکارشناسان در مواردلازم دعوت بشود واز افکارشان استفاده بشود که‌اگرهم‌دعوت شده من اطلاعی ندارم وباید علناً می‌فرمودند که ما از چنین افرادی دعوت می‌کنیم در جلسه‌خصوصی که‌استفاده کنیم، تالااقل ملت مابدانند که‌ما حتی از آنهائی که‌در اطاق‌ها نشسته‌اند ومقاله‌می‌نویسند وافکار انقلابی خودشان را عرضه می‌کنند وجوزمان ، هم متوجه آنها هستند وفارغ‌البال هستند خواسته‌ایم ولی نیامدند . (مکارم شیرازی — ازآنها مکرر دعوت شده است .) خوب اگر دعوت شده باید ملت بدانند غالباً اساتیدی که در محضرشان هستیم‌اینها بایک‌سری کارخانه‌دارهایابازاری‌های‌متدین وباخدا که هیچ وقت‌خیانت‌به کارگرشان نکردند واجحافی هم‌نکردند بااینها رابطه دارند شما توجه‌ندارید که‌این‌سرمایه‌دارها چقدر موذی هستند شما الان عامل‌استثمارجهان را امپریالیزم‌می‌دانید اینهادرس‌هایشان را خیلی‌روان خواندندفکرصدسال‌آیندهٔشان را هم کردندخوب‌می‌دانندچه‌بکنندو کارخانه‌دارهاوسرمایه‌دارهای وابسته به‌امپریالیزم اینها هم‌خیلی قشنگ می‌دانند که‌چه‌بکنند برای اینکه نفرمائید ازموضوع این اصل تجاوزکردی عرض میکنم که این اصل تمام به نفع همان کارخانه‌دارهاست یعنی اینها اینقدر موذی هستند که‌می‌آیند چون پول دارند همان شورائی را که تشکیل‌شده به‌نحوی می‌خرند هرروز بین شورا و مدیرعامل وکارفرما یک دعوای صعودی بوجود می‌آید و اعضای شورا شکایت می‌کنند به‌آن دادگاه خارج از نوبت سر شورا به‌دعوا گرم است . آنهم کار خودش را میکند کارگرها هر روز اعتراض‌می‌کنند که‌این شورا کاری نکرد در حالیکه شورا کاری از عهده‌اش برنمی‌آید ، شورائی که در اجرا نمی‌تواند هیچ کاری بکند به‌این شورا بگوید همکاری بکن. همکاری واجرای قسط‌اسلامی بعد از آن است که ما بنیان‌رادرست کنیم. (هاشمی‌نژاد — بحث‌آقای بشارت راجع به‌اصل قبلی است .) در زمینهٔانحلال بطور خلاصه بگویم این اصل به‌نفع کارخانه‌دار است به‌نفع‌سرمایه‌دار است واین نمی‌تواند تا آن اصل قبلی برهمان اساس که...

نایب رئیس — آقای بشارت توجه بفرمائید من همان اول خواستم به جنابعالی تذکر بدهم که گویا شما فقط این ورقهٔ دستور جلسه امروز را مورد توجه قرار داده‌اید و فکر کرده‌اید که حالا که تکلیف اصل ۷۶/۳ مشخص نشد ۷۶/٤ طرحش نابجا و بی‌مورد است اینطور نیست ما قبل از این اصل دو اصل دیگر داشتیم مربوط به شوراها، شورای روستا بود شورای

بخش بود واین میشد انحلال، اتفاقاً بیشتر مربوط به‌جائی است که اصطکاکی پیدا شود بین شوراها و بین مسئولان و بیشتر بحثی هم که ما در جلسه کردیم ناظر به این قسمت‌ها بود بنابراین اصل ۷۶/٤ را مخلوط نفرمائید اعم از اینکه اصل ۷۶/۳ به همین صورت تصویب شود یا با تغییر تصویب شود، اصلا مطرح باشد یا نباشد اصل ۷۶/٤ را با توجه به کلیهٔ بحث‌های مربوط به شوراها مطرح کرده‌ایم.

بشارت — به هر حال منظورم این است که این اصل فایده‌ای ندارد بایستی اول توجه کاملی‌روی اصل ۷۶/۳ بشود بعد این اصل مطرح بشود.

نایب رئیس — بنابراین یک مخالف صحبت کرد یک موافق هم می‌آید صحبت‌میکند آقای ضیائی به عنوان موافق صحبت میکنند بفرمائید. (ضیائی — بنده فرصتم را به آقای مکارم میدهم.) آقای مکارم بفرمائید. (مکارم — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم.) آقای مکارم یک لحظه تأمل بفرمائید. ما قبل از این راجع به شوراها پنج اصل تصویب کرده‌ایم و انواع شوراها را قبلا رویش رأی داده‌ایم و تصویب شده و تنها بحث دراصل ۷۶/۳ بوده که هنوز به‌نتیجهٔ روشن نرسیده و اصل ۷۶/٤ ناظر به همه اصول قبلی می‌تواند باشد و تأثیری هم ندارد حالا آقای مکارم صحبت بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همانطوری که بیان کردند اصول متعددی درباره شوراها تا به حال تصویب شده و می‌دانیم شوراها همانطورکه یکی از بهترین ارگانهای مملکت هست اگر خدای نکرده انحراف پیدا بکند یکی از بدترین وسائل هرج و مرج خواهد شد بنابراین همان گونه که باید در قانون، شوراها را پیش‌بینی کرد و نظام را به صورت‌شورای صحیحی که قرآن دستور به ما میدهد ترتیب بدهیم همینطور اگر شوراها منحرف شدند ما وظیفه داریم یک مرجع صالحی برایش تعیین کنیم و فلسفهٔ نوشتن این اصل هم در این‌جا همین‌است که ما نگذاریم یک وقت از شوراها نتیجهٔ معکوس بگیریم یا خدای نکرده یک وقت شوراها مقدمه‌ای بشود برای تجزیه طلبی در بعضی از مناطق، مادام که شوراها در پیشبرد اهداف جامعهٔ اسلامی همکاری می کنند باید همه‌گونه پشتیبانی از آنها کرد اگر خدای نکرده یک‌وقت منحرف بشوند باید در آنجا جلویش را گرفت هرچیزی که بسیار خوب است انحرافش بسیار خطرناک است و آنوقت با توجه به این اصل تنظیم شده البته من نمی‌خواهم بعضی از مسائلی را که در جلسهٔ مشترک گفته شده اینجا تکرارکنم اما یک اشاره میکنم آقایان نظر مبارکشان هست اینکه در اینجا نوشته شد «قانون تعیین میکند» براساس یک مطلبی بود و آن این بود که چون شوراها در مملکت ما دارد تازه پیاده میشود ما نباید در قانون اساسی دست و پای قانونگذاران آینده را ببندیم بلکه باید درقانون‌اساسی‌مسائل را یک قدری کلی‌ترپیاده کنیم که همه روز مجبور نباشیم قانون اساسی را عوض کنیم و اختیار تصمیم‌گیری در جزئیات رابگذاریم در اختیار مجلس شورای ملی آینده که نمایندگان ملت محسوب می‌شوند آنها هم طرقی‌می‌ریزند برای اجرای شوراها و طرحی می‌ریزند برای انحلال آنها، اگر یک وقت به مشکلی برخورد کردند طرحشان را اصلاح می کنند و این قانون اساسی ما دست و پای آنها را نمی‌بندد این فلسفهٔ این معنا بود که در قانون اساسی نباشد مرجع انحلال کلی ذکر بشود و قانون آینده را مجلس شورای ملی معین کند و اما اینکه آقای بشارت گفتند این به نفع کارخانه‌دارهاست من هرچه نگاه می کنم می‌بینم در این‌جا هیچ چیزی به نفع کارخانه‌دارها نیست و من متأسفم یک

جمله‌هائی اینجا گاهی گفته میشود که خدای نکرده باعث سوء تفاهم میشود ما این‌جا نوشتیم نمایندگان مردم تکلیف انحلال را تعیین کنند نمایندگان سی و شش میلیون جمعیت مسلمان این مملکت و همچنین اقلیت‌های مذهبی اینها طرفدار کارخانه‌دارها هستند؟ اینها ازقشرهای مختلف مخصوصاً کشاورزان و کارگران که اکثریت را تشکیل می‌دهند انتخاب می‌شوند و بنابراین نمایندگان کارخانه‌دارها نیستند ما حق را در اینجا داده‌ایم به دست نمایندگان آیندهٔ ملت که آنها طرز انحلال و مرجع انحلال را معین کنند کجای آن به نفع کارخانه‌دار محسوب میشود؟ من عرضم را تمام کنم و اما اینکه بعضی فرمودند در این‌جا مرجع بیان نشده باید عرض کنم مرجع بیان شده اینکه بعضی فرمودند ابهام دارد فرق است‌بین کلی گفتن و مبهم گفتن ، در این اصل هیچ ابهام نیست ، قانون آینده یعنی مجلس شورای ملی نمایندگان می‌نشینند مرجع را معین می کنند که آیا شوراهای بالاتر باید شوراهای زیردست را منحل کنند یا مجلس شورای ملی یا مقامات قضائی، این را نفرمائید ابهام دارد این کلی است هیچ ابهامی ندارد حق را به دست مجلس شورای ملی آینده داده‌ایم که بنشینند مرجع انحلال را معین کنند، بنابراین کلی‌گفتن و دست را بازگذاشتن دربررسی مسأله‌ای که هنوزمورد تجربه قرار نگرفته تا بشود احیاناً اینها را به نفع مردم کم و زیاد کرد ، این هیچگونه ابهامی ایجاد نمیکند و با توجه به این مسأله من فکر میکنم نظر همهٔ آقایان رعایت شده است دیگر جائی نمی‌ماند که ما در آن تردیدی داشته باشیم و اگر موافقت با کفایت مذاکرات بشود اصل به رأی گذاشته میشود.

نایب رئیس — سؤال آقای طاهری گرگانی این است که می‌گویند در ذیل عبارت اینگونه نوشته شود که به هر حال شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. قید بشود درموردی که آن مرجع قبلی دادگاه نباشد.

مکارم شیرازی — بله ایشان این موضوع را فرمودند و جوابش این است ما این اصل‌را به همین صورت می‌گذاریم در اختیار مجلس آینده و بگذارید آنها قید بگذارند یعنی آنها نگاه می کنند می‌بینند از یک طرف آمده‌اند دادگاه را مرجع قرار داده‌اند از یک طرف دو مرتبه می‌خواهند به دادگاه شکایت بکنند آنها طبعاً در قانون آینده‌ای که برای مرجعیت انحلال خواهند نوشت فرق می‌گذارند بین آن دادگاهی که منحل میکند و آن دادگاهی که مرجع شکایت است این وظیفه ما نیست که اینها را از هم جدا کنیم این وظیفهٔ قانونگذاران آینده است که این کار را خواهند کرد.

طاهری‌گرگانی — ممکن است قانونگذار در مجلس شورای ملی این استفاده را بکند که شما در نظر گرفتید که مرجع تشخیص انحلال و ترتیب انحلال غیر از دادگاه باشد.

مکارم شیرازی — من یک جملهٔ دیگر جواب ایشان را می‌دهم و عرایضم را تمام‌میکنم جواب این است که حتماً آنها ۲۷۰ نفر یا ۳۰۰ نفر نمایندگان ملت، این مقدار می‌فهمند که ممکن‌است یک دادگاه عادی، یک دادگاه پائین‌تر مرجع انحلال باشد یک دادگاه بالاترمرجع شکایت باشد لازم نکرده از نوشتن این جمله‌ها در آنها استفاده بکنند همانطورکه ما استفاده نمی کنیم از این جمله که حتماً مرجع انحلال باید غیر از دادگاه باشد آنها هم طبعاً افرادمتفکری دارند هیچوقت یک چنین استنباطی نخواهند کرد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید آقای طاهری خواهش میکنم. کسی روی استنباط خودش دیگر استبداد نشان ندهد سؤالی را خیلی روشن مطرح کردیم استنباط خودتان را فرمودید آقایان دیگرهم استنباطی دارند اینقدر روی این موضوع سخت نگیرید. خوب ما سؤالات را پرسیدیم پاسخ داده شد موافق و مخالف هم صحبت کردند برای رأی‌گیری...

هاشمی‌نژاد — در زمینه انحلال شوراها آنچه که تنها آفت آن است مسألهٔ مقامات اجرائی است این یک...

نایب رئیس — آقایان یک کیفیتی را برای ادارهٔ جلسه در نظر گرفتید و خودتان باید پذیرای آن باشید این که شما می‌فرمائید دیگر تذکر نیست شما می‌خواهید به عنوان یک اصلاح مخالفت با قسمتی از این اصل بکنید.

هاشمی‌نژاد — پس اجازه بدهید به صورت پیشنهاد بنویسم و خدمتتان بدهم.

نایب‌رئیس — بله بنویسید لطف کنید نظر دوستان این است که وقتی ما درجای‌خودش تصویب کنیم که دادگاهها همه یک مرحله‌ای هستند آن دیگر تخصیص دهندهٔ اینگونه اطلاقات است حداکثر که ازیک‌اطلاق فراترنیست‌این است که‌اینهاروی رأی‌دوستان اثرنگذارد آنجاهم شما آن روز درجلسه فرمودید برای‌اینکه اگراین جزئیات بخواهد باشد...

طاهری‌گرگانی — آقای دکتربهشتی روی فرمایش خود جنابعالی پس مرجع را غیراز این دادگاه صالح بایدقراربدهیم. اگر مرجع انحلال راکه قاعدتاً باید در مسائل حقوقی دادگاهها باشد اگر بخواهید دادگاه قراربدهید با این ذیل وبایک مرحله‌ای بودن هیچ رابطه‌ای‌ندارد.

نایب‌رئیس — این موضوع توضیح داده شد که مرجع غالباً غیراز دادگاه است روی‌همان بحثهائی که قبلا شد که ممکن است بگویند شورای شهرستان مرجع اظهارنظر دربارهٔ شورای روستا باشد، بنابراین مسلم این است که درهمهٔ موارد نمی‌توانیم بگوئیم مرجع دادگاه است یا شورایعالی استانها مرجع باشد برای‌شورای استان، حتی قبلا دربارهٔ آنها صحبت شده اینطور نیست که همیشه حتماً او باشد، می‌ماند یک مورد اگر آن یک مورد بود تصمیماتی‌گرفته‌میشود که دادگاه یک مرحله‌ای است این اطلاق را تقیید می‌کنید و این نشان‌دهندهٔ آن است. خوشبختانه ما حالا که داریم قانون رابررسی می‌کنیم خیلی راحت فلسفه و وجه عمومات و اطلاقات را در ادلهٔ احکام درك می‌کنیم که‌اگر قرارباشد یک حکمی را چنان بیان بکنند که هیچ‌عموم واطلاقی نداشته باشد که بعداً بخواهد بیان بشود باچه‌دشواری‌هائی روبرو می‌شویم.

رحمانی — می‌خواستم‌عرض کنم که آقایانی که به‌عنوان موافق صحبت می‌کنندخودشان را مسئول بدانند که جواب سؤالات را بدهند نه‌فقط صحبت کنند وبه‌نظرخودشان هروقت خسته شدند یا صلاح دانستند از عرشهٔ منبر پائین می‌آیند این صحیح نیست با این ابهاماتی که‌هست و دریک‌جانوبت نمی‌رسد و درجاهای دیگر به‌همین صورت یا جواب سؤالها داده نمی‌شوداین است که خواه و ناخواه بالاخره یک آرائی گرفته می‌شود.

نایب‌رئیس — درمورد سؤال آقای هاشمی‌نژاد عرض کنم که این سؤال دیروز مطرح شد و رد شد و حالا من این اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۷۶/٤ — انحلال شوراها جز درصورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست، مرجع تشخیص انحراف، ترتیب انحلال شوراهاو طرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین می‌کند.

دکتر ضیائی — ضرورتی ندارد بنویسیم «قانون شوراها معین می‌کند» اینطور بشود «قانون معین می‌کند».

نایب رئیس — ضرورتی البته ندارد «قانون معین می‌کند» هم اگربنویسیم کافی است.

منتظری — این «شوراهای» اول را بزنید و اینطور نوشته شود «انحراف و ترتیب انحلال و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون شوراها معین می‌کند».

نایب‌رئیس — اینطور که نمیشود آن مضاف الیه وآن انحراف است.

دکترضیائی — چون قانون شوراها را شورای انقلاب نوشته است نمی‌شود.

نایب رئیس — عرض کردم اگر نباشد هیچ ضرری نمی‌زند. برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۷۶/٤ (اصل یکصد و ششم) — انحلال شوراها جز درصورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست مرجع تشخیص انحراف، ترتیب انحلال شوراها وطرز تشکیل مجدد آنهارا قانون‌معین می‌کند ولی به‌هرحال شورا درصورت اعتراض به‌انحلال حق‌دارد به‌دادگاه‌صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج ازنوبت به‌آن رسیدگی نماید.

نایب رئیس — نسبت به‌این اصل با ورقه رأی‌گرفته میشود.

(آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نطق حاضر شدند و پس‌از شمارش آراء نتیجه به‌قرار زیر اعلام‌گردید)

نایب رئیس — نتیجهٔ رأی‌گیری را اعلام می‌کنم: عدهٔ حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی پنجاه ونه نفر، تعداد کل آراء پنجاه ونه رأی، آراء موافق چهل ونه رأی، آراء مخالف دو رأی آراء ممتنع هشت رأی بنابراین اصل ۷۶/٤ باچهل و نه رأی موافق به‌تصویب رسید، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند). خوب ما یک اصل ۷۶ داشتیم وآن تفصیل پیدا کرد که چون ناقص بود خواستیم تکمیلش کنیم از این اصولی بود که در اثناء برگرداندیم برای تکمیل به‌گروه، والا ردیف اصلمان ۸۳ بود که حالا رسیده‌ایم به‌اصل ۸٤ البته طبیعی است که این رقمها تغییر پیدا خواهد کرد.

دکتر قائمی — عرض کنم غیرازاین‌اصل قبلی که مطرح شدولی تصویب‌نشداگرآن‌به تصویب برسد اصول مربوط به شوراها تمام میشود درحالیکه خیلی از مسائل شوراهابلاتکلیف می‌ماند. مثلا درمورد تعارض آئین‌نامه‌های تهیه شده توسط شوراها، تعارض تصمیماتی را که شورای یک استان می‌گیرد که بن‌بستی ایجاد می‌کند.

نایب رئیس — این مسائل را قانون شوراها باید معین کند.

دکترقائمی — ولی در قانون اساسی ذکری ازاین مسائل نشده.

۵ — طرح اصل ۸٤

نایب رئیس — چرا آقا شده تفاصیل فراوان است اینها را قانون معین می‌کند حالا اصل ۸٤ مطرح است‌قرائت می‌کنم:

اصل ۸٤ — به‌منظور تحقق بخشیدن به‌اصل ولایت امر و امامت امت موضوع اصل ۵ همین قانون که ضامن اسلامی بودن نظام اجتماعی ایران و حاکمیت ملت برسرنوشت خویش است و به‌دوگانگی میان حکومت شرعی و حکومت عرفی پایان می‌دهد، رهبر یا شورای رهبری در ادارهٔ امور کشور مسئولیتهائی را که دراصول بعد تعیین می‌شود برعهده می‌گیرد.

نایب رئیس — آقای شهزادی شما نظری دارید؟

مؤیدشهزادی — من مخالف ولی فقیه نیستم ولی مخالف این «رهبر یاشورا» هستم من می‌خواهم بگویم رهبر وشورا هردوباید همراه باشد زیرا طبق رویهٔ پیغمبر که همیشه در کارها مشورت می کرد غیرازمورد رأی، وجنگ خندق یکی ازآن موارد عدیده هست وهمینطور ۱۲۰ سال‌بعداز اینکه امام درگذشت تا ما برویم یک فقیه دیگری را انتخاب کنیم یک‌مدتی وقت خواهدگذشت وبعددوباره اگر موفق نشدیم باید شورای رهبری انتخاب کنیم‌و این هم‌طول خواهد کشیدو دراین مدت سرنوشت ملت و دولت چه‌خواهد شد بنده پیشنهاد می کنم رهبری و شورا هردو توأماً همیشه باشند.

نایب رئیس — لطفاً نفر موافق به‌این سؤال جواب بدهد. آقای سبحانی بفرمائید .

سبحانی — من یک تذکری دارم وآن اینست که وجود یک رهبر باآن شرایطی که‌ما درآن اصل ۵ گفتیم، این درحقیقت یک فایدهٔ دیگری دارد که دراین‌اصل بیاید ازاین‌حاکمیت ملت بهتراست وجودیک‌فقیه عادل وآگاه باآن شرایط ، این حافظ آزادی‌است‌وجلوگیری ازاستبداد می کند و ما عملا این را لمس کرده‌ایم که هرموقع یک فقیه مقتدر در اجتماع مابوده است چه درگذشته و چه درحالا این واقعاً به‌آزادیهای ملت کمک می کند و تا حدودی یا اساساً جلوی استبداد را می‌گیرد هم درزمان مراجع‌گذشته ما این را دیده‌ایم وهم درحالا ، باتذکراتی که صبح عرض شد اگر به‌جای این جمله «وحاکمیت ملت برسرنوشت خویش » این جمله گفته بشود که آن شبهه‌ها هم رفع بشود «برای حفظ تثبیت آزادی وجلوگیری از هرنوع استبداد» این اگر جانشین آن جمله بشود هم اشکال بعضی‌ها رفع می‌شود وهم اشاره به‌یک فایدهٔ ملموس کرده‌ایم که فایدهٔ ملموس مربوط به یک فقیه مقتدری است درگذشته وحالا.

نایب‌رئیس — آقای آیت شما موافقید یامخالف؟ (آیت — من موافق مشروط هستم.) آقای مهندس دانش‌راد شما ؟

دانش راد — سؤالی دارم و آن این است اینجا صحبت از ولایت امر و امامت امت شده است ولایت امر روشن است کلمه امت را تا دو سه ساعت پیش من فکر می کردم که یعنی‌پیروان‌دین‌اسلام. توضیحی آقایان علماء به‌من دادند که‌نه‌اینطور نیست امت یعنی ملت و دربرمی‌گیرد تمام افراد کشور را که تابع‌جمهوری اسلامی هستند اگراین معنی صحیح است حرفی ندارم ولی‌اگر امت تنها پیروان دین اسلام را دربرمی‌گیرد در اینصورت تکلیف اقلیتهای دینی دیگرچه می‌شود؟ آیا آنها امامتی برایشان هست و با توجه‌به اینکه آنها بپذیرند این‌امامت را، آیا این امامت برای آنها هست یانه؟ درحال حاضر هست درآینده چه‌میشود ؟

نایب‌رئیس— متشکرم این موضوع را هم باز موافق پاسخ می‌دهد، آقای طاهری گرگانی شما موافقید یا مخالف؟(طاهری‌گرگانی — من یک اشکال عبارتی داشتم که رفع شد.)آقای یزدی شما؟(یزدی — موافقم.) آقای منتظری شما ؟

منتظری — من در این عبارت یک تضادی می‌بینم وعبارت را اصلاح کردم به طوری که‌تضاد نداشته باشد البته‌عبارت‌قبلی غلط است ومن‌رأی هم‌نخواهم داد .

نایب‌رئیس — پس شما مخالفید. آقای پرورش شما؟

پرورش — این اصلی که‌اینجا ذکر شده به‌اعتبار اینکه‌خود مسألهٔ‌شورای رهبری‌همین طور که برادران صبح هم‌گفتند یک مسألهٔ بنیادی است وتا کنون هم‌نبوده مجموعهٔ آنچیزی

که بوده یعنی ابعاد واضلاع وزوایای مختلف این بحث بایستی در دست باشد تابررسی کامل بشود تا روی این‌اصل بشود قضاوت کرد وبه‌آن رأی داد واین اصلی که اینجا ذکر شده‌است درست مثل یک‌پاراگرافی است از یک کتاب که در معرض‌آراء وافکار گذاشته شده است‌ودرست مثل یک‌ساختمانی است که‌یک‌گوشهٔ آن فقط ساخته شده است ومی‌خواهند روی کلش‌قضاوت کنند از این‌جهت من‌می‌خواهم عرض بکنم که تامجموعهٔ‌این بحث وماکت کلی‌اش تعیین نشود ودست نیاید نمی‌شود روی این اصل‌قضاوت کرد .

نایب رئیس — من‌یک‌توضیح می‌دهم چون این‌مسائل مربوط به‌ادارهٔ سادهٔ جلسه هست جلوتر عرض‌شد که ماگاهی در اصول از یک‌ارگانهائی نام نمی بریم ولی اگر بعداً معلوم شد که این‌ارگان تصویب می‌شود می‌آید در کنارارگانهای دیگری که نام‌برده‌ایم گاهی‌مظنه‌این است که‌یک ارگانی را تصویب خواهیم کرد ، از یک ارگانی نام می‌بریم اگر بعداً تصویب نشد فقط نام آن ارگان را از این اصل برمی‌داریم ولی اصل به‌قوت‌خودش باقی‌است بنابراین یادر اصول آینده ما دربارهٔ تشکیل شورای رهبری به یک‌نتیجه روشن می‌رسیم، خوب اینجا هست، یانمی‌رسیم روشن است که درآن موقع در مرحلهٔ نهائی این‌فقط یک کلمهٔ شورا از اینجابرداشته می‌شود وبقیهٔ اصل به‌حال خودش‌می‌ماندواین به‌عنوان یک‌مبنا برای سایراصولی که در آینده خواهیم داشت خواهد بود ما بالاخره که‌نمی‌توانیم تمام اصول قانون اساسی را یکجاتصویب کنیم اینجا خوشبختانه شورا مربوطبه‌یک‌چیزی است که در یک‌یادواصل‌بعد به‌آن می‌رسیم ولی‌ماگاهی یک‌ارگانی را نام می‌بریم که‌در ۳۰ اصل دیگر به‌آن می‌رسیم‌وهرگزنمی‌توانیم‌صبر کنیم تااین ۳۰ اصل‌بگذرد این بود که‌قبلا قرار گذاشتیم با هم‌گفتیم نام بردن یانام نبردن هیچکدامش فرقی ندارد منتها برحسب اینکه در مظان باشد اگر در مظان این است که‌نیست نام نمی‌بریم‌اگر در مظان این است که‌هست‌نام می‌بریم واین‌موضوع رأی دوستان رامتزلزل نکند شما یادرآینده می‌بینید که‌شورا را مجلس‌تصویب می کند که‌خودبخوداین اصل‌باقید «یا شورا» تصویب می‌شود واگر دقت بفرمائید شما در اصل‌پنجم قبلا باهمین‌عبارت‌هم‌رأی‌داده‌اید گفتید رهبر ودر صورتی که‌نباشد شورای رهبری تشکیل‌میشود به‌یک معنی، در این حد قبلا هم رأی داده شده است به‌هر حال این موضوع دوستان را نگران نکند که‌این حالت توقف‌ازبین برود .

پروش — منظور من رهبر یاشورای رهبری نبود بلکه‌گفتم این اصلی که‌اینجا هست فقط یک‌سلسله ادعا در آن شده‌است ودر این اصل باید توجه به‌این نکته‌داشت که‌ضامن اسلامی بودن نظام ایران وحاکمیت ملت برسرنوشت خویش‌اینهایک‌سری ادعاهست بایداین مجموعه اول دست خود آقایان‌باشد که ببینند آیا این حاکمیت ملی بارهبریاشورای رهبری تعارض پیدا نمی کند ، روند کلی این‌بحث وجریان این‌بحث را درکنارهم باید بفهمندتابشود روی این اصل نظر داد . (نایب‌رئیس — این مربوط به شورای رهبری نیست.) من عرض نکردم شورای رهبری .

نایب‌رئیس — من ازمطلب‌قبلتان اینطورفهمیدم. آقای‌مراغه‌ای شما؟ (مقدم‌مراغه‌ای— مخالفم.) آقای رشیدیان شما ؟

رشیدیان — اول عرض کنم در این جمله آخر که‌می‌گوید «رهبر یاشورای رهبری در ادارهٔ امور کشور مسئولیتهائی را که در اصول بعد تعیین می‌شود » از این جمله این مطلب

استنباط می‌شود که‌ما ابتدا به‌ساکن می‌خواهیم اصل رهبری را مطرح کنیم ویک وظایفی را تدوین ووضع بکنیم وبه‌عهدهٔ رهبر بگذاریم وحال آنکه شرعاً این مسئولیتها به‌عهدهٔ اونیزهست چه‌ما انتخابش بکنیم یانکنیم وما حق‌نداریم که مسئولیتهای‌اورا ازپیش‌معین بکنیم‌اگر رهبر است وشرایط رهبری را دارد ، خودش‌مسئولیتهای خودش را می‌داند بهتر آنست که بگوئیم رهبریاشورای رهبری مسئولیتهائی را به‌عهده می‌گیرد یا به‌عهده دارد به‌این‌صورت‌باشد. یک مسأله‌دیگر آن است که‌آقای پرورش‌فرمودند وگمان‌میکنم آقای منتظری‌هم می‌خواهند اشاره به‌همین موضوع بکنندحاکمیت ملت واصل ولایت است‌یک‌مسأله‌دیگراینکه‌ببینیم این‌ولی امر چگونه تعیین می‌شود . بابحثهائی که‌قبلا شده من اینجا راه‌تعیین وانتخاب ومشخص شدنش را نمی‌بینم.(نایب‌رئیس— در اصول بعدمی‌آید.) اصول بعدپیش‌من هست ودرآنجا هم نمی‌بینم.

نایب رئیس— بازهم‌داریم وهمه‌اش اینهانیست، آنهائی که‌صبح مطرح شد قسمتی از آن است . آقای موسوی زنجانی بفرمائید.

موسوی زنجانی — جمله‌ای نوشته‌شود که‌معنی داشته باشد این‌جمله‌رسانیست.

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای دکتر ضیائی بفرمائید.(دکترضیائی — بنده‌بااین‌اصل موافقم.) آقای حسینی‌هاشمی بفرمائید. (حسینی‌هاشمی — بنده مخالف مشروط هستم.) آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — عرض می‌کنم که لزومی ندارد اصول متعددی قرار بدهند اصول بعدی را هم‌همین‌جا منظور بدارید «مسئولیت‌های ذیل را به‌عهده دارد» وتمام بشود .

نایب رئیس — آقای ربانی‌املشی فرمایشی دارید؟(ربانی‌املشی — بنده‌موافقم.) آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — عرض کنم که دنبالهٔ‌سؤال‌آقای پرورش‌است ومن‌این‌مسأله را خیلی مبهم می‌دانم‌برای اینکه‌مانمی‌دانیم به‌چه‌مسئولیت‌هائی دراین‌اصل رأی می‌دهیم، چون‌نوشته که‌مسئولیت‌هائی را که در اصول‌بعد تعیین میشود به‌عهده می‌گیرد، آن مسئولیت‌هائی که‌در اصول بعد تعیین می‌شود اگر روشن بود معلوم می‌شد چه‌هست وما می‌توانستیم رأی‌بدهیم‌اصلا امکان رأی دادن به‌این اصل نیست ، برای اینکه‌مسئولیت‌ها روشن نیست ودر ضمن اینکه‌اصل اشکال آقای پرورش جاودانه‌شد ویک‌جور اشتباهی در فهم‌سؤال آقای پرورش از جانب شما صورت گرفت که‌رهبر یاشورای رهبری را فرمودید که‌بعداً معلوم می‌شود که کدامیک‌ازاینها خواهد بود ، اصولا وقتی شما این مسائل را واگذار می‌کنیدبه‌عهدهٔ‌موافق که‌جواب بدهند دیگر احتیاجی نیست که‌شما جواب‌بدهید.

نایب رئیس — آقا اینها مربوط به‌توضیحاتی است که نمی‌توانیم انبار بکنیم‌موافق باید بیاید مطالب را اینجا بگوید، این مربوط به‌کیفیت برخورد بااصول است که من باید جواب بدهم، در مورد سؤال اول‌هم همینطور است ،عرض‌می‌شود که‌مسئولیتهائی را شما به‌آن رأی می‌دهید که دراصول آینده رأی‌می‌آورد یعنی شما اینجارأیی که‌می‌دهیداین‌است،مسئولیت‌هائی را که‌بعداً بررسی‌می‌کنیم‌حدنصاب رأی را درجلسه خواهد آورد به‌عهده‌خواهدگرفت‌بنابراین روی اجمالش الان رأی می‌دهید وتفصیل وظایفش را موکول‌می‌کنید به‌آراء .

حجتی کرمانی — کسی که‌رأی می‌دهدباید با اصول بعدی موافق‌باشد تا رأی بدهد ، ممکن است بااصول بعدی‌مخالف‌باشد آنوقت چطورمی‌تواند به‌این اصل رأی‌بدهد، یا بایکی‌از

آن اصول موافق و بایکی مخالف باشد آنوقت چطور می‌تواند رأی بدهد.

نایب رئیس — آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — بنده چندتا سؤال دارم، سؤال اولم این است که در اینجا نوشته شده از بین بردن دوگانگی حکومت شرعی وعرفی، چگونه؟ دوم اینکه رابطهٔ این شورا با مرجعیت چطور تنظیم می‌شود چون اینکه در خارج تنظیم می‌شود کفایت نمی‌کند بفرمائید در قانون چطور تنظیم می‌شود، دیگر اینکه رابطه حصر ولایت به این شورا و منع دیگر فقها، بخصوص مراجع از اعمال آن، چه‌جوری ترتیب می‌دهید که فقط اعمال ولایت بکنند، ودیگر حل تعارض میان تصمیم شورای رهبری و منتخبان ملت چگونه خواهد شد، اگر در عمل این دوگانگی که می‌خواهد از بین برود تبدیل شد به‌سه‌گانگی، آن تدابیر قانونی که فکر کرده‌اید برای ممانعت کردن از اینکه هم مرجعیت باشد و هم شورا باشد وهم دولت عرفی و هم اینکه با هم ناسازگار بشوند برای اینها چه جوری فکر کرده‌اید؟

نایب رئیس — اجازه بفرمائید باید به این سؤالات شخص موافق جواب بدهد، اگر سؤالات مربوط به کیفیت طرح اصول و رأی‌گیری باشد من توضیح خواهم داد و حالات محتوائی را باید کسی که به عنوان موافق صحبت می‌کند جواب بدهد، آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — با توجه به اینکه ان‌شاءالله در آینده رهبری جهان اسلام به عهدهٔ ولی امری است که در ایران است برای اینکه ما یک مقدار این اصل را با دید وسیعتری نگاه کنیم و عکس‌العملی هم درجهان داشته باشد خوب است که اینجا اضافه شود «ضامن اسلامی بودن نظام اجتماعی ایران و گسترش نظام اسلامی در سایر کشورهای اسلامی» این اگراضافه شود یک امیدی در دلهای مستضعفین مسلمان جهان بوجود خواهد آمد، قطعاً این از وظایف ولی امر هست ولی این نظام را اگر در کشورهای اسلامی دیگر هم گسترش بدهیم بهترخواهد بود.

نایب رئیس — اولین مخالف آقای منتظری هستند بفرمائید.

منتظری — به نظر من در این تعبیری که اینجا نوشته شده یک تضادی وجود دارد ورفع این تضاد به عقیده من به این نحو است که چون در اصول بعد می‌گوئیم که رهبر یا شورای رهبری به وسیلهٔ انتخابات صورت می‌گیرد یعنی ملت خبرگان را انتخاب می‌کنند و خبرگان هم رهبر یا شورای رهبری را انتخاب می‌کنند من معتقدم که اینطور بنویسیم تا رفع تضاد بشود.

عبارتی که من نوشته‌ام این است: «به منظور تأمین اسلامی بودن نظام سیاسی واجتماعی ایران و تحقق موضوع اصل پنجم همین قانون یعنی ولایت فقیه و پایان دادن به تضادی که همواره میان حکومت شرعی و حکومت عرفی وجود داشت و به منظور احترام کامل به انتخاب ملت و آراء عمومی و احتراز از هر نحو استبداد، رهبر یا شورای رهبری منتخب ملت به تفصیل ذیل مسئولیت ولایت‌امر و امامت امت را به عهده خواهند گرفت».

نایب رئیس — پس بنابراین علت مخالفتتان را بفرمائید.

منتظری — علت مخالفت اینکه شما از یک طرف می‌گوئید اصل ولایت امر و امامت است و از طرف دیگر می‌گوئید حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش، حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش معنایش این است که ملت هر کسی را خواست انتخاب میکند و این مربوط به ولایت فقیه نخواهد بود، اما این تعریفی که من کردم می‌گوئیم که ملت احترام کامل به انتخاب فقیه

می‌گذارد نه حاکمیت ملت به‌طور اطلاق، حاکمیت ملت غلط است بلکه ملت، فقیه را انتخاب میکند، یا ملت خبرگان را انتخاب‌میکند و خبرگان هم فقیه را انتخاب میکند.

نایب رئیس — متشکرم، چون این مخالفت ایشان تقریباً مخالفت با یک جمله بود نه با کل، روی این اصل یک مخالف دیگر هم بیاید صحبت بکند، مخالف بعدی آقای مراغه‌ای است بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — به نام خدا، آقایان آیات عظام، بنده این افتخار را پیدا کردم که چندین بار در این مورد مطالبی عرض کنم و عرض هم کرده‌ام و معتقدم که ولایت فقیه بالقوه در جامعهٔ ما وجود دارد یعنی بزرگترین مرجعی است که در طول مبارزات ملی مراجع بودند که ما به آنها متوسل می‌شدیم و در آخر کار هم امام‌خمینی بودند که این نهضت را به نتیجه رساندند و ما مدیون امام هستیم. در مورد امام هم عرض کردم مادام که امام در قید حیات هستند رهبری مسلم از آن ایشان خواهد بود و حتی بنده پیشنهاد کردم که اختیارات خاصی برای امام در قانون اساسی پیش‌بینی بشود، این در مورد وضع حال که روشن است، اما راجع به اینکه ما دید وسیعتری داشته باشیم و آینده رانگاه کنیم‌وآنکه همیشه‌این انتظارراندا‌شته باشیم که‌این امام‌خمینی‌وجودداشته باشد، دراین‌موردبنده‌روزی‌نیست که‌به‌یاد فرمایشات‌آقای‌طالقانی نیفتم، یک‌روزدراینجادرآن‌اصل‌سوم که مربوط‌به‌مسائل خارجی‌بودصحبت‌شدایشان‌مطلبی‌فرمودند که‌آخرین‌جلسه‌ای بود که‌درجلسه تشریف‌داشتند،گفتند به‌جای‌اینکه دنبال لغت بگردیم وپس وپیش بکنیم‌محتوا رادرنظر بگیریم ودر قالب الفاظ‌آوردن کار آسانی است، الان این‌اصلی که مطرح است ابهام زیادی دارد از ما می‌خواهید که این اصل را تصویب بکنیم، البته چه ابهامی دارد، الان عرض می‌کنم، این اصل به عقیده بنده که می‌خواهید تصویب بکنید باید ببینید عناصر تشکیل دهندهٔ این‌اصل چه‌هست، یعنی دراینجا ما صحبت از رهبر می‌کنیم، البته عرض کردم که شرایط خاص امروز را درنظر نگیرید، شورا می‌کنید وبعد وظیفه‌اش را تعیین‌می‌کنید ولی‌اینجا می‌بینیم که برعکس است و اول وظایف را می‌نویسید و این مسأله ولایت فقیه در جامعهٔ ما یک نوع تأثیری پیدا کرده ویک حالت روانی درجامعه پیدا شده عده‌ای‌موافق‌هستند و عده‌ای مخالف این مذاکرات ، بنده بانظر آقای حجتی موافقم هرچند زیاد باشد در مورد این‌اصل بی‌فایده نیست ، چون مردم باید بفهمند که وقتی می‌گوئیم ولایت فقیه در واقع چه‌هست وحدود واختیاراتش برای آینده‌چه‌خواهد بود. عده‌ای نگران‌هستند وفکر می‌کنند که با تصویب این اصل می‌خواهند حقوق مردم را فراموش کنند واین به‌عهدهٔ ماست ، در اینجا که هستیم برای مردم روشن بکنیم مطلب را ، اگر در اینجا بحث بشود و روشن بشود نگرانیهای مردم مرتفع خواهد شد وگرنه این‌به حالت یک عقده درجامعه باقی خواهد ماند، ما دراینجا می‌گوئیم رهبر یا شورای رهبری در ادارهٔ امورکشور مسئولیتهائی را که دراصول بعد تعیین می‌شود به‌عهده می‌گیرد، من‌باید اول بفهمم چه‌تعریفی از این‌رهبر می‌شود چه تعریفی‌از این شورای رهبری می‌شود و بفهمیم که عناصر تشکیل دهنده‌اش چه‌هست البته نکته‌ای را عرض کنم چندشب پیش دریک جلسه‌ای بودیم ویکی دوتا از برادران روحانی هم‌آنجا تشریف داشتند وعده‌ای ازروحانیون‌تهران هم بودند،همه متفق‌القول‌گفتند اگر به‌هرجوری که‌می‌خواست از جامعهٔ روحانیت انتخاب بشود از اشخاصی که دراین مجلس حضور دارند بالاتر وبافضیلت‌تر پیدا نمی‌شود این‌راهمه معتقد هستیم ولی صبح باز یکی از دوستان اشاره کرد که مسألهٔ علم

و دانش یک چیز است ومسألهٔ مرجعیت ومسألهٔ مرجع تقلید بودن یک چیزدیگری است. کراراً نامه‌هائی از آذربایجان می‌رسد وهمه سؤال می کنند که آیا این مجلس خبرگان از نظر آقای شریعتمداری که دو هفته پیش اعلام شده انعکاسی پیدا کرده یانه، و دراین تعیین شده یانشده همینطور سایر مراجع، روی این اصل استدعا می کنم ما را ازمحظور خلاص کنید البته این درحد من نیست که صحبت بکنم وهمینطورهم که می‌بینید از نظر اجتماعی وسیاسی مسألهٔ، صحبت می کنم. بنده همانطورکه‌دستورالعمل است این مسائلی که صرفاً باید خبرگان مذهبی درباره‌اش صحبت بکنند اظهارنظر نمی کنم ولی‌بنده تحت‌فشار بودم، این‌مطلب هم با اینکه می‌دانستم شاید صحیح نباشد عرض کردم وبه عرض آقایان رساندم و اخذ تصمیم هم با خود آقایان است. این اصل با این‌ابهامی که دارد و سایر ابهاماتی که برادران گفتند به عقیده من قابل تصویب نیست مگر اینکه بعدیش یکی به عنوان یک واحد اصل ولایت فقیه بطوریکه صغری و کبری معلوم باشد در اینجا مطرح بشود تا بتوانیم درمورد آن اظهار نظر بکنیم ورأی بدهیم.

نایب رئیس— آقای یزدی به عنوان موافق مطلق بفرمائید.

یزدی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. مسأله‌ای که اینجا مطرح است‌یک بحث ماهوی دارد ویک بحث‌عبارتی، من با اجازهٔ آقایان تکه‌تکه این متن‌را می‌خوانم وبا ماهیتی که رویش بحث کامل شده یک نوع توضیحی وتطبیقی وموافقت‌خودم راعرض می کنم، به‌منظورتحقق بخشیدن به‌اصل ولایت امر و امامت است، موضوع اصل پنجم همین قانون همانطورکه در جلسهٔ‌مشترک عرض شد مسألهٔ رسالت یک مطلب است یعنی بیان احکام وحدود وقوانین الهی ومسأله امامت ورهبری است یعنی رهبری جامعه ورهبری مجتمع، مطلب دوم این‌است که معمولا دریک مصداق درشخص پیغمبراکرم (ص) و در ائمه معصومین صلواة‌علیهم‌اجمعین بوده است، با ادله‌ای که به صورت مبسوط بحث‌شد ونباید اینجا تکرارکنم، یعنی پیامبر اکرم یک مقام داشتند به‌نام رسالت که دراین مقام هیچ‌وظیفه‌ای نداشتند جزبیان حکم که به‌مردم بگویند احکام خدا این است وقوانین خدا این است واطاعت بکنید وبه‌من‌ارتباط ندارد «ما علی‌الرسول الاالبلاغ» این مقام رسالت، مقامی که موردبحث است تحت عنوان ولایت، مقام دوم است که برای پیغمبر اکرم با ادله‌ای که آیات شریفه‌می‌گوید «النبی اولی بالمؤمنین من‌انفسهم‌ما کان لمؤمن‌ولامؤمنة‌اذا...» وآیات دیگری که مبسوطاً بحث شده مقام ولایت را اثبات می کند این مقام ازرسالت وولایت‌درمصداق واحد شخص‌پیامبر اکرم(ص) بعدائمه معصومین(ع) و بعد می‌رسیم باآنچه که مورد بحث‌ماست، عنوان‌الفقیه‌نه یک شخص معین یعنی‌زید، یعنی‌فقیه که‌یک عنوان کلی‌است. این‌مقام ولایت به‌او داده شده یعنی مقام تصدی وتصرف دراموراست‌وادارهٔ امت اسلامی، این کلی به‌اصطلاح ما طلبه‌ها درحالت کلیت هیچوقت قابل استفاده وعمل نیست به‌هرحال باید روی یک مصداق پیاده بشود یعنی یک شخص باید به عنوان این، کلی کار را به‌دست بگیرد. اگرقرار بشود که هرکس بگوید من فقیه هستم وفقیه‌هم هست و به‌دلیل‌ادله‌ای که‌ولایت را برای فقیه ثابت کرده درهمهٔ امور می‌توانند تصرف بکنند، این همان وضعی‌است که یک مقدارگرفتار بودیم وبحث هم شده‌است وبه خاطر همین مشکل این بحث اینجا مطرح است، پس‌ناچار مصداق معین می‌شود، اینجاست که به‌آن اشکالی که در ذهن بسیاری‌ازآقایان می‌آمد باید توجه کرد که درعین اینکه ولایت ازطرف خداوند عالم جعل شده است وبه‌عنوان الفقیه توسط امام وپیامبر داده شده مردم دخالت دارند، به‌این تعبیرکه‌گاهی توسط بعضی رفقا

شد که سیستم حکومت سیستم خدا مردمی است یعنی درعین آنکه این‌عنوان ازطرف خدا معین شده است که حق تصدی امور را دارد ازطرف مردم مشخص می‌شود یعنی فرق است بین جعل حق تصرف روی الفقیه وبین‌تشخیص آنکه آن فقیه کیست، اینجا که رسیدیم می‌گوئیم که این مردم هستند که براساس ضوابط خاصی بایدبشناسند آن فقیه کیست نه‌اینکه هر کس تحت‌عنوان الفقیه بگوید من کاری به‌مردم ندارم ومطابق ادله می‌توانم درهر چیزی تصرف بکنم، بنابراین تضادی که در ذهن آقایان می‌آمد نه آن تضاد شرعی وعرفی بلکه تضاد بین‌جعل ولایت برای فقیه ، و مردمی بودن و احترام به آراء عمومی‌گذاشتن وحاکمیت ملی که در ذهن آقای منتظری هم می‌آمد که یک تضادی هست اگر فقیه حاکم است پس حاکمیت ملی چطور، و بایدعبارتی بیاوریم که حاکمیت ملی هم مشخص بشود دراینجاست که عرض می‌کنم خداوند فقیه را از همان طریقی که امام وپیامبر را به‌عنوان کلیش حق ولایت وتصدی را برایش داده ولی مردم هستند که باید انتخاب بکنند ومشخص بکنند که این شخص این‌حق را دارد، دریک مواردی به‌صورت یک درجه‌ای و دریک مواردی به صورت دو درجه‌ای، که آنچه که درطرح گروه چهار آمده است همان دو درجه‌ای است یعنی توسط خبرگان، یعنی برای اینکه مشخص کنیم کیست آن فقیهی که باید امر را به دستش بدهیم ازطریق متخصصین وخبرگان که منتخبین‌مردم هستند ومنتخبین مردم انتخاب می‌کنند پس خدا مردمی است ، مردم آراءشان محترم است و مردم مسلمان براساس اعتقادات وبراساس‌ضوابط خاص اسلامی، خبرگانی انتخاب می‌کنند، و این آقایان خبرگان هم تعیین می‌کنند که آن فقیه این است دراینجاست که مسألهٔ رهبر یا شورای رهبری مطرح می‌شود که آیا این خبرگان همیشه موظف هستند که یک فرد مشخص ومعین را بگوید که شما هستیدوفقط باید شما دخالت بکنید یا نه؟ همانطورکه در جلسهٔ مشترك به‌صورت مبسوط صحبت شد ومن اینجا فقط اشاره‌ای به‌آن می‌کنم، رهبر احتیاج به خصائصی دارد، رهبری است وبه‌دست‌گرفتن زمام یک اجتماع ساده نیست بلکه احتیاج به خصائصی دارد،گاهی می‌شود که همه خصائص لازم یا باحد نصاب لازم دروجود یک شخص مشخص است طبعاً همان فرد رهبر است وگاهی هم هست که در وجود یک شخص این خصائص نیست وبا انضمام افراد متعدد به‌هم می‌توانیم بگوئیم این‌سه نفر ویا این پنج‌نفر جمعاً آن خصائص لازم را دارند، اینجاست که مسألهٔ شورا مطرح می‌شود، لذا می‌گوئیم که اگر داشتیم فردی راکه در آن‌حدبود که همهٔ خصائص لازمه ولایت وتصدی ورهبری را دارد به‌حد نصاب، همان فرد است ازطریق انتخاب مردم به واسطهٔ خبرگان واگر نبود ازطریق شورا یعنی افرادی که همه فقیه هستند و در جمع این خصائص را دارند ، تعیین می‌شوند ، اینجا باز این توضیح رالازم است بدهیم که درواقع درعبارت‌هم هست وضامن اسلامی‌بودن مسأله هم هست وضامن اسلامی‌بودن‌نظام اجتماعی است چون برای اولین‌بار است که این سیستم حکومتی اسلامی در یک مجتمع اسلامی‌می‌خواهد پیاده شود این‌طور به‌نظر می‌آید که فقها برحسب اطلاق ادله حق ولایت وتصرفشان درامور حسبی‌باقی است واگر به‌شورائی این‌حق را دادیم منع دیگران که آقای‌بنی‌صدر فرمودنددررابطه با منع دیگران چه باید کرد، اینجا صحبت شد وبازهم اشاره می‌کنم، وقتی سه‌نفر یا پنج‌نفر توسط خبرگان معین شدند که اینها در جمع آن خصائص لازم راکه بتوانند است را اداره بکنند دارند معنایش این نیست که بقیه بهیچ‌وجه در مقام فقاهتشان به‌کلی باید کنار باشند ، بلکه اینها مقام فقاهتشان محفوظ است یعنی همان مقام رسالت یعنی مقام افتاء یعنی

مقام بیان حکم نه مقام تصدی و مقام تصدی را پس از تشخیص خبرگان که این آقایان این صفات را دارند اگر آقایان دیگر هم این صفات را دارند خبرگان طبعاً آنها را هم قرارداده‌اند و اگر این صفات را کم دارند و یا در حد نصاب ندارند طبعاً در عین اینکه فتوایش را می‌دهد مقام تصدی را ندارد یعنی نمی‌تواند داشته باشد به دلیل اینکه شرطش را ندارد بنابراین بقیهٔ افراد ممنوع نیستند و حصر نیست و رابطهٔ این شورای رهبری با بقیهٔ فقها یک رابطهٔ انحصاری نیست که وقتی اینها آمدند آن‌ها هیچ، آنها اگر شرایط را داشتند می‌توانند جزو شورا بیایند و اگر شرایط را نداشته باشند طبعاً نمی‌توانند این تصدی را داشته باشند با اینکه مقام فتوا و فقاهت را دارد بعد می‌رسیم به مسألهٔ تضادی که بین دو نوع حکومت مطرح بود که اینجا اشاره شده است تضاد بین‌حکومت شرعی و حکومت‌عرفی که از علل‌تأسیس این اصل هست، این به این منظور است که چون در گذشته حکومت ولو به نام اسلام زندگی می کردند پای‌بند به اسلام و مقررات اسلامی نبودند و برحسب ضوابط اسلامی مورد حتی امضای حکام شرعی هم نبودند، بنابراین حکومت عرفی از ایشان تعبیر می‌شده و حکام شرعی برحسب همین نظامی که اشاره شد حکومت شرعی داشتند و در بسیاری موارد هم تضاد پیدا می کردند اما در این نظامی که الان مطرح است که دولت اسلامی است و در رأس قوای متعددی که هرکدام کار خودشان را انجام می‌دهند و یک مقام به عنوان رهبر یا شورائی به عنوان رهبری حاکم است و از وظایفش نظارت برحسن جریان امور است، و از وظایفش مراقبت از اوضاع نسبت به امور قضائی و نسبت به رئیس جمهور است این دیگر طبیعی است که یک حکومت بیشتر نیست و آن حکومت شرعی و عرفی است، پس رفع تضادی که قبلا وجود داشته است و از این ببعد با این سیستم حکومتی هیچگونه تضادی وجود ندارد وقتی حتی یک مأمور سادهٔ راهنمائی در خیابان به انسان تکلیفی معین بکند که باید اینجا توقف بکنی یا سرعتت بیشتر از این نباید باشد این اگر دقت بکنیم این برگشتش به حکم الهی‌است یعنی مسئول این راهنما مسئول در مسئول، حاکم فوق که این نظام را تصویب کرده وامضاء کرده وجوب اطاعت پیدا میکند و دوتا حکومت دیگر پیدا نمی کند و یک حکومت واحداست، پس حکومت شرعی و عرفی به دو گانگی هم پایان میدهد، جملهٔ دیگر اینکه آقایان اصرار می کردند که چون وظایف روشن نیست ما نمی‌توانیم تصمیم بگیریم نسبت به‌این اصل، **جناب آقای حجتی** می‌فرمودند و آقای مراغه‌ای البته همان جوابی که آقای بهشتی فرمودند روشن است که وقتی شما اینجا می‌فرمائید که رهبری یا شورای رهبری مسئولیت‌هائی که در اصول آینده به عهده می‌گیرد قبول میکند وقتی رأی می‌دهید یعنی آنچه که در آینده خود شما رأی خواهید داد و هرچه به نظرتان صحیح نیست رأی نخواهد داد، ثانیاً اصول در دست بوده و مطرح شده واگر نظر مبارکتان باشد مخصوصاً وظایف درجسهٔ مشترک‌صبح مطرح شده وحضور ذهن دارید که مسلمات چقدر بوده .

طاهری اصفهانی — آقا من نمی‌دانم من اینطور استنباط کردم یا همه آقایان، مثل‌اینکه جنابعالی فرمودید که اگر در یک شخص موضوع الفقیه است، با یک صفات اگر این در یک شخص بود میشود رهبر، اگر این صفات در یک شخص نبود و یک مقدارش بود و یک‌مقدارش در شخص دیگری بود اینجا میشود شورای رهبری، این صددرصد غلط است. (بنی‌صدر — غلط اندر غلط) برای اینکه اگر بعضی صفات نباشد اصلا این رهبر نیست و فقیه جامع‌الشرایط

نیست. (یزدی — مسأله حد نصاب مطرح است.) مسأله شورای رهبری در جائی مطرح میشود که دو نفر، سه نفر عنوان فقاهت و عنوان صفات هرچه گفتید اگر شجاعت هم گفتید شجاعت، آگاه به‌مسائل روز «حافظ‌الدین و مطیعاً لامرمولا»، حوادث واقعه شناس وتمام اینها در اوجمع است و امتیاز احدی را بر دیگری نمی‌تواند این مجلس خبرگان بدهد، اینجاست که قهراً برای اینکه تبعیضی نشود شورا مطرح است.

یزدی — یک صورتش همین است، ولی هیچوقت منظور این نیست که اگر یکی از آنها عدالت ندارد یا فقاهت ندارد و یا آگاهی به زمان ندارد به شورا بیاید این ادعارا کسی نمی کند ولی این ادعا میشود که اگر چند نفر فقیه هستند همه فقاهت دارند و عدالت دارند وترک‌هوی دارند و آگاهی دارند حتی به فرمودهٔ شما مدیریت و مدبریت و دیگر شرایط ذکر شده رادارند ولی در حد نصاب لازم نیست یعنی عملا نشان داده شده که تنهائی نمی‌توانند درست آنچه که لازم هست هم در تشخیص و هم در عمل نمی‌توانند ولی در کنار هم که قرار می‌گیرند امت را به خوبی می‌توانند جلو ببرند در اینجا است که می‌گوئیم همکاری بکنند درکار، ولی اگر یک فردشان در همین شورا...

نایب رئیس — آقای یزدی اگر این را با یک تعبیر دیگر بگوئید که تجمعشان اقوی میکند مدیریت را، بهتر است.

یزدی — ولی اگر یکی از آنها حد کافی دارد در واقع شورا مفهومی ندارد ، اگر یک فرد در فقها دارای تمام صفات لازم هست و میتواند به خوبی امت را اداره بکند بقیهٔ مشاورین رسمی نمی‌توانند باشند و او است که رهبر است. پس منظور از نداشتن شرایط نه فقدان...

بنی‌صدر — آقای یزدی از چهار تا سؤال بنده شما یکیش را جواب دادید و در همان جوابی هم که دادید یک تناقض جدیدی درست کردید، شما میگوئید که ولایت را ملت‌میدهد. (یزدی — خیر) می‌گوئید صرف فقاهت ولایت نمی‌آورد یا اگر هم بیاورد چون ما نمی‌توانیم بی‌نظمی تحمل بکنیم مردم می‌آیند می‌گویند اینها را این چند نفر اعمال می کنند آیا شما این را می‌فرمائید؟

یزدی — خیر بنده عرض میکنم که برای انتخاب یک طبیب ، طبابت ملاک اصلی است ولی شناخت مردم ازطرق عقلائی‌است که سبب میشود که این طبیب را مسئولیت‌برایش می‌دهیم، می‌گوئیم که فقاهت ملاک جعل ولایت است بدون فقاهت و عدالت، ولی نیست و این جمع مال خداست.

بنی‌صدر — فهمیدم مسأله اقلیت و اکثریت طرح میشود و این را شما باید حل کنید وآن این است کسی که شما مراجعه می کنید به این طبیب تشخیص با شماست، تشخیص اینکه طبیب درد شما کیست، با شماست، اما نمی‌توانید منع بکنید که ایشان را صالح نمی‌دانم و آن یکی طبیب را صالح میدانم این را چه جوری می‌خواهید حل بکنید؟

نایب رئیس — کیفیت این نوع بحث‌ها مجلس ما را بر هم میزند عرض کنم که در مورد این اصل موافق و مخالف صحبت کردند، آقای مدنی فرمایشی دارید؟

مدنی — عرض کنم این جمله «دوگانگی و یا حکومت شرعی و عرفی پایان میدهد» معنایش این است که باز حکومت عرفی است و دوگانگی، در صورتی که نه، قبل از حکومت شرعی، حکومت عرفی یعنی چه؟باید اینجور نوشته شود که «و به حکومت‌های خود کامه

پایان دهد».

نایب رئیس — متشکرم، این صبح هم مطرح شد و قرار شد که بگوئیم یکی می کنیم به‌نظرم میرسد که عده‌ای از دوستان این اصل را دارای صراحت کافی برای رأی‌گیری‌نمی‌یابند و چنین ترجیح می‌دهند که سایر اصول مربوط به این اصل لااقل در جلسهٔ مشترک گروهها مشخص بشود و حدود مشخص داشته باشد تا این‌ها را بلکه بتوانیم که شاید ۵، ۶ اصل بیشتر نباشد، ما این‌ها را می‌توانیم یکجا تمام کنیم و بیاوریم به مجلس بنابراین امیدوارم فردا ساعت ۸ تا ساعت ۱۲ ما این توفیق را داشته باشیم که این چند اصل راکه رویش خیلی هم بحث شده تنظیم کنیم و سامان نهائی بدهیم و فردا عصر این اصول را یکجا به مجلس بیاوریم تا ابهامات اینگونه ، مانع تصمیم دوستان نشود و تزلزلی برای دوستان بوجود نیاورد فقط این را عرض کنم که برای اینکه جلسات صبح ما بتواند کار خودش راکامل انجام بدهد انتظار میرود که در ساعت ۸ همهٔ دوستان حضور داشته باشند.

۶ — پایان جلسه

نایب رئیس — جلسه را خاتمه می‌دهیم جلسهٔ بعدی ما فردا بعدازظهر خواهد بود.

(جلسه ساعت هفده و چهل و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهلم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده‌وده‌دقیقه روز هفدهم‌مهرماه۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با هفدهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست‌آقای‌دکترسیدمحمدحسینی‌بهشتی(نایب‌رئیس) تشکیل‌شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی در مورد وقایع ناگوار غرب کشور. . . . . .
۲ — ادامهٔ بحث و تصویب اصل ۷۶/۳ (اصل یکصد و چهارم). . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۷۷/۱ (اصل نود و سوم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۸٤ (اصل یکصد و هفتم). . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۸٥ (اصل یکصد و هشتم). . . . . .
٦ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی در مورد وقایع ناگوار غرب کشور

نایب رئیس— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. جلسه رسمی است. حوادث بسیار تلخ واخبارناگوار ناحیهٔ غرب کشور مایهٔ تأسف وتأثر عموم ملت مسلمان است،ملت مبارز ما برای برداشتن گامی دیگر در راه برقراری جمهوری اسلامی گردهم آمده وآرزوی همهٔ ما این است که با سرعت‌هرچه بیشتر به سوی پایان دادن به تصویب اصول قانون اساسی پیش برویم وبه‌جلوگام برداریم وهمچنین باهمت وجهاد وتلاش همهٔ مسلمانان‌متعهد زودتر به‌این نابسامانیهائی که این‌حوادث تلخ وناگوار رابباز آورده ومی‌آورد پایان بدهیم.

ملت‌ما، روحانیت‌ما، قیام‌کنندگان اسلامی جامعه‌ما ازهرگونه برادرکشی درهرگوشه کشور و درهرگوشهٔ دنیا بیزار هستند. پیام‌ما به مردم عزیز کردستان وخواهران وبرادران عزیز آن سامان وکلیهٔ نواحی غرب کشور این‌است که بکوشند ازپیش آمدهای تلخ واین‌قبیل چیزها باکوشش وهمت جلوگیری کنند. چند روزقبل بود که حادثه‌ای درخرمشهر و در قسمت دیگر ازغرب کشور ما باز مایه تأسف شد که به‌آن حوادث تلخ هم پایان داده شد وبه‌یاری وهمت مردان مبارز فیصله پذیرفت‌وبه‌طوری که دوستان‌صبح هم‌مکرر فرمودند که‌چرا چنین‌توطئه‌هائی درگوشه وکنارکشور رخ می‌دهد در چنین وضعی ماهمه وظیفه داریم به مردمی که‌ناآگاهانه کارهائی برخلاف مصلحت انقلابی ما انجام می‌دهند هشدار بدهیم وچه بسا ازهمین اشخاص ناآگاه اعمالی سرمی‌زند که به کشت‌وکشتار دریک‌گوشه مملکت منجر می‌گردد. ازخداوندمتعال موفقیت وانجام وظیفهٔ همهٔ مسلمانان متعهد را آرزومندم.

۲ — ادامهٔ بحث و تصویب اصل ۷۶/۳ (اصل یکصد و چهارم)

نایب‌رئیس— کارمان راآغاز می‌کنیم واصل ۷۶/۳ مطرح است که دربارهٔ شوراهای مختلف مملکت بحث می‌کند وفلسفهٔ آن برقراری قسط اصول اسلامی است این‌اصل در اینجا دوبار مطرح شده وپس ازبحث ومذاکرهٔ مفصل رأی کافی نیاورد به دلیل آنکه مطابق حدنصاب نبود اکنون یک باراین اصل را می‌خوانم:

اصل ۷۶/۳— به‌منظور تأمین قسط اسلامی وهمکاری درتهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی درپیشرفت‌امور درواحدهای تولیدی،صنعتی وکشاورزی‌شوراهائی‌مرکب ازنمایندگان کارگران، دهقانان ودیگرکارکنان ومدیران و در واحدهای‌آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهائی مرکب ازنمایندگان اعضای این واحدها تشکیل میشود. چگونگی تشکیل شوراها و حدود و وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

نایب‌رئیس— مثل اینکه پس از«چگونگی تشکیل» کلمه«این» افتاده‌است باید نوشته‌شود

«چگونگی تشکیل این شوراها... الخ». درمورد این اصل مخالف وموافق صحبت کرده‌اندوسؤال‌کننده‌ها هم جواب کافی شنیده‌اند مثل آنکه دیگرجای بحث باقی نمانده است آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — یک غلط عبارتی اینجا هست وآن این است که بعدازکلمه «تولیدی» دونقطه (:) بایدگذارده شود.

نایب‌رئیس — صحیح است. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — اصناف هم به‌ما نامه‌ای نوشته‌اند وسؤال کرده‌اند که ما جزو کدام دسته هستیم.

نایب‌رئیس — اگر دوستان صلاح بدانند باسابقه‌ای که دربحث درموضوع صنفی داریم یک کلمه «صنفی» اینجا بعدازکلمه «خدماتی» اضافه شود که دیگرجای بحث نباشد. آقای نوربخش بفرمائید.

نوربخش — دربارهٔ این سندیکاها باید بگوئیم شوراهائی مرکب ازکارگران و امثال آنها باشند که با سندیکاها اشتباه نشود چون شما سندیکاها را نمی‌شناسید به‌این معنی که‌اگر یک‌عده‌ای درکارخانه‌ای جمع شوند معلوم نیست که چه‌عده‌ای ازآنان جزو سندیکا وچه عده‌ای جزو اعضای شورا هستند مثل صنف مهندس که با شورای مهندسین فرق دارد.

نایب‌رئیس — این موضوع با این نام سابقه دارد زیرا که ماواحد صنفی داریم. آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — درهرصورت مقسم واحدها است، واحدهای تولیدی و امثال آنها است این کلمه «صنفی» در اینجا یک مفهوم وسیعتری دارد که مورد بحث ما است زیرا یک صنف را نمی‌توان یک‌واحدگفت بالاخره باید بگوییم که‌اتحادیه صنفی نمی‌تواند ازمقسم واحدها باشد.

دکترآیت — ما در پیش نویس کلمهٔ غیرتولیدی نگذاشته‌بودیم.

نایب‌رئیس — قبلا چنین چیزی داشتیم، خوب است از واحدهای صنفی که‌بتوانند در این شوراها باشند وشرکت داشته باشند نامی‌برده باشیم یعنی این چیزی که ما ازشواداریم به‌طورکلی عبارت از واحد صنف یک‌طبقه است واحدکاری داریم ومقصود این است که‌شامل این‌بشود واین هم‌سابقه‌نداشته‌باشد وخوب است از واحدهای صنفی که‌می‌تواند دارای شورا هم باشد یاد کنیم ضرری هم به‌جائی نمی‌زند.

یزدی — کلمه «صنفی» مفهوم وسیعتری دارد ودربارهٔ این کلمه بحثهای زیادی هم‌شده است واضافه کردن این کلمه مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند زیرا ما خواهیم ایجاد شوراها شامل اصناف هم بشود.

نوربخش — وقتی که‌ما کلمه صنفی را اضافه کنیم ممکن است ایجاد اشکال کندفرض کنیداگر بگویند شورای نانوایان باید تشکیل شود خیال‌می‌کنند که باید صاحبان‌نانوائی‌ها بنشینند وشورا تشکیل بدهند واگر این کلمه صنف را اضافه کنیم ممکن است یک‌قدرت‌جدیدی درمقابل شوراها ایجاد شود به‌نظر من‌اگر ممکن باشد این موضوع صنفی را در یک اصل دیگر بگنجانید بهتر است.

موسوی تبریزی — به‌نظر من‌صلاح نیست که کلمهٔ‌صنفی را اینجا اضافه کنیم زیرا ممکن است فردا مدیران این صنف یا مدیران کارخانه‌ها یک‌شورائی بین‌خودشان‌تشکیل بدهند که این شورا درمقابل آن دیگر قرار بگیرد.

نایب رئیس — آن بااین فرق میکند فقط چیزی که فرق نمی‌کند مال آن کسانی است که در دکانها و فروشگاههای بزرگ هستند که عده‌ای در آن کار می‌کنند و چیزی که فرق نمی‌کند همان قشرهای بزرگ است ، که‌آنوقت مجبورید یاشاسل خدماتش بکنیدیااینکه بگوئید آن هم یک واحد صنفی‌باشد .

موسوی تبریزی — اگر کلمهٔ صنفی را اضافه‌کنیم ممکن است فردا مدیران کارخانه‌ها یا هرصنفی یک‌شورائی بین خودشان قراربدهند آنوقت یک‌تضادی‌بین مدیران اصناف‌و کارگران عضو شوراایجاد شود .

نایب‌رئیس — این‌شبیه همان اتحادیه‌ها وسندیکاها است .

موسوی تبریزی — چطور است که اصلا کلمه صنفی را برداریم ؟

نایب‌رئیس — با این‌توضیحات که داده شد بهتر است که کلمهٔ صنفی را اضافه‌نکنیم‌و به‌همان عبارت «مانند اینها»اکتفا کنیم، بنابراین‌یکبار دیگر اصل را برای اخذ رأی می‌خوانم:

اصل ۷۶/۳ (اصل یکصد و چهارم) — به‌منظور تأمین قسط‌اسلامی وهمکاری در تهیهٔ برنامه‌ها وایجاد هماهنگی در پیشرفت اموردر واحدهای‌تولیدی ، صنعتی و کشاورزی‌شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران ، دهقانان ودیگر کارکنان و مدیران ودر واحدهای آموزشی ، اداری ، خدماتی ومانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل میشود .چگونگی تشکیل این‌شوراها ، حدود وظایف واختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

(اخذ رأی وشمارش آراء به‌عمل آمد ونتیجه‌به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده‌حاضر در جلسه شصت وسه نفر، تعداد کل آراء شصت وچهاررأی، یک‌رأی بقیدقرعه‌خارج‌شد، آراء موافق شصت ویک‌رأی، آراء مخالف‌هیچ ، آراء ممتنع‌دورأی بنابراین اصل ۷۶/۳ تصویب شد . تکبیر (حضار سه‌مرتبه‌تکبیرگفتند).

۳ — طرح و تصویب اصل ۷۷/۱ (اصل نود و سوم)

نایب رئیس — اصل ۷۷/۱ را می‌خوانم:

اصل ۷۷/۱ — مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان قانونی نیست .

نایب‌رئیس — لازم می‌دانم این‌نکته را تذکر بدهم که‌یک‌نفر در یک جلسهٔ‌سخنرانی سؤال کرده بود که چرا با شوراهای کارگری مخالفت شده وحتی گفته چرا در مجلس خبرگان فلانی مخالفت کرده است نمی‌دانم اخبار مربوط به‌این جا بااینکه مستقیماً هم پخش میشود چگونه پخش‌میشود که‌مطابق با آنچه اینجا می‌گذرد نیست.اخبار اینجا منتشر میشودتا همه بتوانند درجریان واقعیات اینجا قرار بگیرندحالا که اینجا این اصل تصویب شدبه‌این برادر سؤال کننده وهمه‌می‌گوئیم که‌خیر ، این اصل تصویب شد آن‌هم باشصت‌ویک‌رأی ازشصت‌و سه‌نفر عدهٔ حاضر در جلسه وخود من‌هم عرض کردم که‌یک مقدار نقش‌اجرائی‌هم به‌شوراها بدهیم موافقم وموافق‌بوده‌ام‌و امیدوارم که ملت عزیزما در بررسی اخبار مربوط به این مجلس دقیق باشند انشاءالله. ما درگذشته باز اصلی داشتیم که مربوط به‌شوراها بود وبررسی‌گردیم به‌شورای نگهبان که یک مکمل کم داشته که اینجا اضافه شد دراصول مربوط به شورای نگهبان اصل۷۷ دربارهٔ خودشورای نگهبان است وهدف ازایجاد آن و اعضای آنست اصل ۷۷ این است:

اصل ۷۷ــ به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی ازنظر عدم مغایرت‌مصوبات مجلس شورای ملی باآن‌ها شورائی به‌نام شورای نگهبان با ترکیب زیرتشکیل میشود:

۱ــ شش نفر از فقهای عادل و آگاه به‌مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲ـ شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیلهٔ شورایعالی قضائی ومجلس شورای‌ملی‌معرفی‌میشوند ویا به‌رأی‌مجلس‌انتخاب میگردند.

نایب رئیس ــ به‌دنبال آن یک اصلی لازم بود که نشان بدهد مجلس شورای ملی وشورای نگهبان باید باهم باشند تا قوه قانونگذاری کاملی باشد. اصل مربوط به‌این قسمت تحت عنوان اصل ۷۷/۱ است که بعدها تنظیم و داخل ردیف میشود، اصل ۷۷/۱ به‌این صورت تهیه شده است:

اصل ۷۷/۱ــ مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان قانونی نیست.

نایب‌رئیس ــ باید شورای نگهبان حتماً باشد که بتواند تشخیص انطباق و عدم انطباق مصوبات آنرا با قانون اساسی و موازین اسلامی بدهدآیا دراین زمینه نظری است؟ آقای ربانی شما مخالفید یا موافق؟ (ربانی املشی ــ من موافقم) آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی ــ عرض شود اگرما بگوئیم مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونی نیست چگونه مجلسی که خودش قانونی نیست شش نفر را برای شورای نگهبان انتخاب می کند؟ یک مقامی که قانونی نیست چگونه می‌آید عده‌ای را انتخاب می کند مگرآنکه مسألهٔ نسبیت پیش بیاید که قانون نسبی باشد، یک مرتبه می‌گوئیم که انتخاب آنهاو بار دیگر می‌گوئیم نسبت‌به مصوبات قانونی آنها، در بارهٔ قسمت اول اشکالی ندارد ولی دربارهٔ مصوبات بی‌اعتبار است‌اگراین تعبیر عوض شود و عبارت مفهوم را برساند بهتراست.

نایب رئیس ــ آقای ربانی شیرازی‌می‌گویند که نخستین‌مجلس‌شورای ملی که‌می‌خواهد نخستین شش نفر حقوقدان را انتخاب بکند این مجلس باید قانونی باشد.

ربانی‌شیرازی ــآن‌هم‌جزو مصوبات است، مثل‌خود مجلس‌شورای‌ملی که درآغاز کارش اعتبارنامه‌ها را تصویب می کند.

نایب رئیس ــ آن بااین فرق می کند و همان معنی را میدهد. (ربانی شیرازی ــ بنده یک پیشنهاد خدمتتان فرستادم.) پیشنهاد شما هنوز نرسیده است.

هاشمی‌نژاد ــ قدرت قوهٔ مقننه بدون این مطلب ناقص است بنابراین، این نمی‌تواند قانونگذاری کند حالا مشابه آن یک چیزی اضافه بکنید.

نایب رئیســ اگر بخواهید که همهٔ نکاتی را که شما می‌خواستید داشته باشدبه‌استثنای یک «اما» که ممکن است بفرمائید. اگر اینجا بنویسیم «پس ازتشکیل نخستین شورای نگهبان مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونی نیست» این مشکل برطرف‌میشود وفقط‌یک «اما» می‌ماند که قبل‌از تشکیل اضافه شود. اگر نخستین شورای نگهبان به دشواری افتاد چه میشود ؟ البته آن‌مسأله که باید مصوبات به شورای نگهبان برود این درخود اصل ۷۷ آمده دراینکه باید آنچه در مجلس شورای ملی تصویب میشود به‌آنجا برود آمده است. آقایان این اصل را ما به یک منظور کاملتری اضافه کردیم که اگر آن ترتیب مصوبات نوشته شود مسأله را تمام نمی کند، بنابراین اگر با احتمال یک‌درهزار این پیش بینی شده والا

مسأله‌ای نیست شورای نگهبان دراولین مرحله تشکیل خواهد شد این قسمت بخصوص را یعنی آن اصل ۷۷ اصل مطلب را که دارد این نکته را خواستید بگوئید که مجلس شورای ملی بدون آن اصولا قانونیت ندارد این را بنویسیم پس‌از تشکیل اولین شورای نگهبان ودیگر از آن بعد مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونیت ندارد، نشان میدهد که عرض‌من مورد توجه قرار نگرفت ما در اصل ۷۷ این تضمین را داریم که بطورکلی مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده بشود آقای مرادزهی.

مرادزهی — توضیح بدهید این کسانی که این را تنظیم کرده‌اند مرادشان چیست چون می‌بینیم کلمهٔ منظور مفهومی ندارد .

نایب‌رئیس — بسیارخوب آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — بنده خواستم دومطلب را تذکر بدهم یکی اینکه پیشنهادی‌دادم بیاورند خدمتتان که‌خواهشمندم پیشنهاد من را بخوانید. مطلب دیگر این است که مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونی نیست ودیگر اینکه تصریح شود قوانین‌مجلس شورای ملی بدون تصویب شورای نگهبان قانونیت ندارد وفقط یک‌مشکل می‌ماند که‌مردم بدانند که امضای فقیه‌هم پای قانون هست.

نایب‌رئیس — بسیار خوب آقای طاهری اصفهانی بفرمائید .

طاهری اصفهانی — من تاآنجا که‌یادم هست موقعی که‌این اصل آمد ورویش بحث‌شد این غیر از آن‌اصل۷۷ است « درغیراینصورت» یک‌قدری توی‌ذهن‌میزد این « درغیراینصورت» آیا مقصود این است که باموازین شرعی تطبیق میکند یا خیر وخوب است که در ذیل آن‌قید شود«درصورتی که مغایرت باموازین شرعی نداشته باشد» مراد این است که‌شورای نگهبان بعد از ده روزاگرنتوانند تصویب‌بکنند ودوباره‌برگردانندبه‌مجلس‌شورای‌ملی یابعد از بیست‌روزی که تمدید شد به‌خاطر این کشمکشها مجبور شویم این رااضافه کنیم.

نایب‌رئیس — بسیار خوب ، اشکالی نداردآقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — همانطوریکه آقای طاهری فرمودند این اصل‌باید طوری تصحیح شود که این اشکالها وبحثها را از بین ببرد زیرا در غیر اینصورت آیا قانون مصوبه‌قابل‌اجرا است وباید دراصل ۷۸ تصریح‌شود که « در غیر اینصورت مصوبهٔ مجلس شورای ملی باتصویب شورای نگهبان قابل‌اجرا است »یااینکه جمله‌ای اضافه شود که «هرگاه قانونی در شورای نگهبان تصویب نشد جنبه قانونی ندارد » زیرا این دردی را دوا نمی‌کند وایجادابهام یا ابهام‌میکند.

نایب‌رئیس — عده‌ای از آقایان خواستند همینطور سخن بگویند وعده‌ای هم‌اسم‌نوشته‌اند اجازه بدهید بنده یک توضیحی را که‌هم در ادارهٔ جلسه وهم در استفاده از وقت مؤثر است بدهم، راجع به‌این اصل دونقطه نظر اینجا مطرح شد یکی آنکه آقای طاهری و آقای کیاوش و بعضی از دوستان دیگر گفتند ، یک نقطه نظر دیگر اینکه به‌اعتبار اینکه چون در اصل ۷۷ می‌گوید «مصوبات مجلس شورای ملی باید برای اظهارنظربه‌شورای‌نگهبان فرستاده شود واگرتا ده‌روز رد نکردند آنوقت قانونیت پیدا می‌کند» این‌حالتی را که عواملی باشد جلوگیری از تشکیل‌شورای نگهبان‌بکند بیان نمی‌کند که این اصل به‌خاطر آن تهیه‌شد که اگر قدرت ویا عواملی مانع ایجاد شورای نگهبان شدند اصل۷۷ سالبه‌به‌انتفاء موضوع نشود.

این نقطه نظر دوم که در ذهن من یا بعضی از دوستان بود آن بود که منشأ تهیهٔ این

اصل بود که به‌این صورت دربیاید نه‌اینکه بعضی چیزهائی راکه آقایان فرمودند ودر این‌باره مفصل بحث شد و به‌هرحال این بحث آقایان به اصل ۷۷ برمی‌گردد که فعلا نمی‌توانیم آن را مطرح کنیم.

اگر دوستان‌تأیید می‌کنند که آن نقطه‌نظری که منشأ توجه به‌تنظیم این اصل بوده است، نقطه‌نظر دوم است وضمناً من‌نمی‌خواهم عرض کنم‌که بعضی از دوستان این نقطه نظر را نداشته باشند وآنچه که منشأ تغییر این اصل است وآقای کیاوش هم می‌فرمایند که‌این اصل‌باآن نقطه‌نظر دردی را دوا نمی‌کند بنابراین اجازه بدهید این اصل را با نقطه‌نظر مربوط به‌خودش مطرح کنیم نه‌در رابطه‌با نقطه نظر دیگری که مربوط به‌اصل۷۷ است اجازه‌بدهید چندتا طرح ازطرف دوستان نوشته شده است.آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — وقتی که‌این اصل مطرح شد ودرباره‌اش‌بحث‌زیادی شد صحبت این‌شد که‌چند فراز را طرح کردند ووقتی که فراز اول را طرح کردند مجلس‌شورای‌ملی را تعطیل کردند وبناشد دوباره تشکیل بدهند حالا باید کاری بکنیم که سرنوشت شورای نگهبان به سرنوشت فراز اول دچار نشود.

نایب‌رئیس — بله، متشکرم اجازه‌بدهید دوستان چند طرح نوشته‌اند که‌آن‌عبارات‌برای اصلاح همین اصل است و مثل اینکه این اصلاح این مشکل را هم حل می‌کند آقای مدنی نوشته‌اند «مجلس شورای ملی پس از تصویب اعتبارنامهٔ اعضاء اولین کارش تصویب شورای نگهبان است به طوریکه مصوبات دیگرش بدون شورای نگهبان اعتبار ندارد». یک تعبیردیگر از یکی دیگر از دوستان است: «مجلس شورای ملی قبل از تشکیل شورای نگهبان حق قانونگذاری ندارد» تعبیر دیگری مشابه همین است «مجلس شورای ملی وقتی قانونی میشود و حق قانونگذاری دارد» این «قانونی میشود» را باید حذفش کنیم «موقعی حق قانونگذاری دارد که شورای نگهبان تشکیل شده باشد». تعبیر دیگر «مجلس شورای ملی پس از انتخاب‌شورای نگهبان برای انجام وظایف خود رسمیت می‌یابد و بدون آن قانونیت ندارد».

سبحانی — نام پیشنهاد دهنده را هم ذکر کنید.

نایب رئیس — آقای سبحانی بنا است بدون ذکر نام بخوانم «مجلس شورای ملی بدون تشکیل شورای نگهبان حق قانونگذاری ندارد» که اینها همه‌اش از همین قبیل است.

مکارم شیرازی — آقا بنده پیشنهاد فرستادم خواهشمندم پیشنهادها را قرائت بفرمائید.

نایب رئیس — بله، پیشنهادتان را بفرستید عرض میشود یک تعبیر دیگر اینجا هست «مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونی نیست» همین عبارت را حفظ کنید ذیلش بنویسیم « مفاد این اصل مانع انتخاب اعضای شورای نگهبان از طرف مجلس شورای‌ملی نیست».

مکارم شیرازی — مراجع به‌انتخاب شش نفر شورای نگهبان بنده پیشنهاد دادم که‌آنها از این حکم مستثنی باشند بنده گمان میکنم...

نایب‌رئیس — بله، اینطور میشود، مفاداین‌اصل مانع انتخاب شش‌نفر حقوقدان از آن عده‌ای که‌مجلس شورای ملی برای شورای نگهبان انتخاب میکند نیست. اگر احساس‌می‌فرمائید که بیشتر باید روی این بحث بشود خوب بشود ولی به‌نظر بنده این را همینطور تماشش کنیم. آقای صافی بفرمائید.

صافی — اعضای شورای نگهبان را چکار کنیم؟

نایب رئیس — آن بحث دیگری است و گذشته است.

رشیدیان — من این قسمت را نفهمیدم خواهش میکنم توضیح بدهید.

نایب رئیس — عنایت بفرمائید توضیح میدهم «مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان تشکیل نمیشود مگر با انتخاب شش نفر حقوقدان از طرف شورای نگهبان». بنده‌گمان می‌کنم وقتی بنویسیم انتخاب شش نفر حقوقدان مستثنی‌است دیگر مسألهٔ عام را گفته‌ایم و مخصصش هم همراه آن آمده است و اشکالی هم ندارد. توجه کنید «انتخاب شش نفرحقوقدان اعضای شورای نگهبان از طرف مجلس شورای ملی از این حکم مستثنی‌است» فکر می‌کنم منظور همه را تأمین می‌کند.

رشیدیان — جز شورایعالی قضائی که آن شورایعالی قضائی حق‌انتخاب کردن را دارد.

نایب رئیس — بله، فرمایش شما صحیح است آقای ربانی بفرمائید.

ربانی — اگر شش نفر حقوقدان آمدند ولی شش نفر فقیه نیامدند چه میشود؟

نایب رئیس — باز آن نقص دارد و یک تعبیری خیلی خلاصه‌تر آمده است «مگر در انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان» این خیلی خوب است و همین را با اجازه دوستان به رأی می‌گذاریم.

عنایت بفرمائید «مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان‌قانونی نیست مگر در انتخاب‌شش نفرحقوقدان اعضای شورای نگهبان» چون اولین شورای‌نگهبان که هنوز تشکیل نشده است وقتی‌مجلس تشکیل شد ما در اصل ۷۷ داریم که «شش‌نفرحقوقدان شورای‌نگهبان را مجلس شورای ملی باید انتخاب بکند» یعنی معرفی می‌کند واینها انتخاب می‌کنند.

منتظری — آنوقت اعتبارنامه‌ها را هم خراب می‌کند.

نایب رئیس — آن بحث دیگری است و این مربوط به شورای نگهبان است، آقای رشیدیان.

رشیدیان — مگر آنکه آن شش نفر از طرف شورای‌رهبری تعیین شده باشند ولی‌شش نفر دیگر از طرف مردم معرفی شده باشند.

نایب رئیس — آن یک مسألهٔ دیگری است، توجه بفرمائید یعنی شش نفر را که‌انتخاب کرد چون کارش قانونی است تا آنها نیامده‌اند چون هنوز... پس صدر اصل چه می‌گوید؟

منتظری — همانطوریکه گفتم اعتبارنامه‌ها خراب میشود یعنی تا شورای نگهبان‌تشکیل نشود نمی‌توانند اعتبارنامه‌ها را تصویب بکنند.

نایب‌رئیس— مثل اینکه بعضی آقایان من‌جمله‌آقای رشیدیان توجه نکردند، حالا یک مجلس غیر قانونی چگونه می‌تواند آن شش‌نفرحقوقدان را ازمیان کسانی که شورایعالی‌قضائی معرفی کرده‌است انتخاب بکند؟آقای خامنه‌ای.

خامنه‌ای — با اضافه کردن مصوبات، انتخاب آن شش نفر هم انتخاب قانونی نیست و مصوبات مجلس شورای ملی قبل‌از تعیین فقهای شورای نگهبان قانونی نیست و اگرمصوبات را بگذاریم شامل انتخاب خود مجلس شورای ملی هم میشود.

نایب‌رئیس— بسیار خوب آن بحث دیگری است آقای جوادی.

جوادی — احتیاج ندارد که فلان مطلب را به‌مجلس شورای ملی ببریم ما اضافه

می‌کنیم که مجلس شورای ملی بدون تأیید فقهای نگهبان قانونی نیست و این اصل رابه همین نحو تصویب کند این نه اشکالی ایجاد میکند وآوردن کلمهٔ استثناء مشکل را حل میکند.

نایب رئیس — آن نکتهٔ دیگری است ما فعلا می‌خواهیم قانونی بودن مجلس اول را در رابطه با یک عملش یعنی انتخاب شش نفر حقوقدان تعیین کنیم چون آن شش نفر دیگر که اصلا به مجلس کاری ندارند.

ما یک وظیفه‌ای به‌عهدهٔ مجلس گذاشته‌ایم وآن اینست که «شش نفر حقوقدان را از میان کسانی که‌شورایعالی‌قضائی معرفی‌می‌کند انتخاب کند» ما می‌گوئیم نخستین مجلس که می‌خواهد این وظیفه را انجام بدهد فرضاً دراین‌اصل‌گفتیم قانونی نیست پس بایدبگوئیم مگر دراین مورد، که مجلس شورای ملی تعطیل باشد آقای اوشانا بفرمائید .

بیت اوشانا — مجلس شورای ملی بهیچ وجه تعطیل بردار نیست ما قبلا اصلی به‌همین منظورتصویب کرده‌ایم و چطور میشود که غیرقانونی‌باشد زیرا خود بخود این اصل مغایر با اصلی است که قبلا آنرا تصویب کرده‌ایم زیرا انتخاب شامل خودش هم میشود واین قانونی نیست بنابراین اشکالی پیش نمی‌آید.

نایب رئیس— با اضافه کردن اینکه مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان قانونی نیست تمام اشکالات از بین میرود.

بیت اوشانا — این راهم بنویسید که شورای نگهبان بهیچ وجه تعطیل بردار نیست.

نایب رئیس — آن تعطیل معنایش این‌است که انتخابات را انجام ندهند و انتخابات به‌ثمر نرسد و قبل از پایان دوره وضع نمایندگان دورهٔ قبل مشخص نشده باشد ، آن ناظر براین است ولی این عبارت دیگری است که بگویند شورای نگهبان بهیچ‌وجه تعطیل بردار نیست . اگر بخواهند بنویسند شورای نگهبان بهیچ‌وجه تعطیل بردار نیست باید این را بیان کنند.

بیت اوشانا— پس درحقیقت تعطیل میشود و شش نفر قاضی را به‌خاطر تعطیل بودن مجلس شورای ملی انتخاب و معرفی نکردند.

نایب‌رئیس— اجازه بفرمائید بیانش این‌است که با تعطیل‌شدن شورای نگهبان مجلس شورای ملی هم نتواند قانونگذاری کند. این در حقیقت نمی‌خواهند تعطیل کنند و این معنایش اینست که چون مجلس شورای ملی تعطیل‌بردارنیست وچون شورای نگهبان هم حتماً باید باشد پس وظیفهٔ دولت وملت این‌است که هم مجلس شورای ملی و هم شورای نگهبان را انتخاب کند. (منتظری — بنویسید مصوبات فقهای شورای نگهبان لازم‌الاجرا است.)آقای دکتر غفوری تذکر جدیدی است؟

گلزاده‌غفوری — من میخواهم سه‌نکته را تذکر بدهم :

۱ـ آیا به‌نظر دوستان‌جای حقوقی شورای نگهبان مکمل مجلس است یا منظور دومجلس بودن است؟

۲ ـ باتوجه به‌اینکه عده‌ای ازاعضای شورای نگهبان را باید شورایعالی‌قضائی تعیین کند و این طول مدت لازم دارد، آیا تصور این شده‌است که قانونی بودن مجلس مدتی طول می‌کشد؟

۳ـ عبارت با اصلاحی که شد نارسا وگنگ است.

نایب‌رئیس — بسیارخوب آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — مگر در انتخاب اعضای شورای نگهبان فقها وشورای رهبری دخالت ندارد؟

نایب‌رئیس — آن مربوطبه رهبر است مامی‌خواهیم این کاری راکه مربوط به‌اینها است بگوئیم مگراینکه مربوط به‌اینها نیست. آقای منتظری فرمایشی دارید بفرمائید.

منتظری — همانطورکه آقای طاهری فرمودند باید بگوییم که ما دوجور احکام داریم یکی احکام قرآنی وفقهی است که از روایات استفاده شده و این احکام به‌دست هرکس که رسید باید عمل بکند و یکی‌دیگر احکامی‌است که حکومتی است به‌این معنی که‌حاکم‌دریک منطقهٔ خاصی به‌واسطهٔ تطبیق کلیات برمصادیق حکم می‌کند مثلا در اسلام می‌گوید «نظم امرکم» باید امورتان منظم باشد حالا تطبیق این کلی برمصادیق اینست که یکوقتی می‌آیند عده‌ای درمجلس می‌نشینند ومی‌گویند برای‌اینکه امور منظم باشد باید مثلا رانندگی اینطوری و وضع ترافیک شهراینطوری باشد در مجلس یک قانونی برای ترافیک وضع می‌کنند این‌حکمی نیست که جزو آیهٔ قرآن یا روایت باشد اما ازکلیاتی که‌دراسلام‌بوده استفاده کرده‌اند وبعددر مجلس قانونگذاران حکم می‌کنند که لازمهٔ رانندگی این‌است ومردم باید این‌جور عمل کنند و هرکس هم که تخلف کرد اینقدر جریمه میشود.

این یک حکم حکومتی است و اگر این حکم از طرف حاکم شرع باشد حکومتش برای ما لازم‌الاتباع است و ما موظفیم که عمل کنیم و اگرمستند به‌شرع نباشد دربرابروجدان‌ضمانت اجرائی ندارد یعنی برای من شخصاً رعایتش لازم نیست بنابراین بسیاری از قوانینی که از مجلس شورای ملی می‌گذرد ازاین سنخ است که قوانین حکومتی است مادام مجتهدینی که‌ما آنها را از طرف امام (ع) ولو به نحو عمومی کلی منصوب می‌دانیم تا آنها تصویب نکنند و رویش صحه نگذارند و حکم به لزوم اجرا نکنند برای ما لازم‌الاجرا نیست بنابراین اگر بخواهیم شرعی باشد باید اینطور بگوئیم مقررات مجلس شورای ملی بدون تصویب فقهای شورای نگهبان قانونی و لازم‌الاجرا نیست درغیراین‌صورت برای ما ارزش قانونی شرعی‌ندارد و همهٔ تلاش ما اینست که این تضادی که بین حکومت عرفی و حکومت شرعی بوده‌استبرداریم وقانونی راکه درمجلس تصویب می‌شود هرکسی خودش را موظف بداند اجرا بکند اگر بنا باشد مجتهدین این را تصویب نکنند این لزوم اجرا ندارد بنابراین‌گرفتارهمان تضاد می‌شویم.

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید آقای مرادزهی نظری دارید؟

مرادزهی — بله، تصویب نظامنامه را قید کنید.

ربانی‌املشی — یک مخالف و یک موافق صحبت کردند دیگر بحث را تمام کنید چون خیلی دراین‌باره تذکرات داده شد.

مشکینی— مسأله، مسألهٔ دیگری است قانونی وضع شده برای مصوبات شورای‌نگهبان.

نایب‌رئیس — اجازه بدهید همانطورکه فرمودید مذاکره زیاد شده و این را به‌رأی بگذاریم و متن دیگری تهیه شدکه آن سکته و نارسائی راکه آقای دکتر غفوری فرمودند ندارد آن متن را می‌خوانم:«مصوبات مجلس‌شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر درتصویب اعتبار نامهٔ نمایندگان و انتخابات شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان» پس آقایانی که موافقند دستشان را بلند کنند تا همین را بعداً به‌رأی بگذاریم

(عده زیادی دست بلند کردند) تصویب شد بسیارخوب، بنابراین من این رایکباردیگر برای رأی‌گیری میخوانم. آقای حیدری.

حیدری— عرض کنم مصوبات‌مجلس‌شورای‌ملی باوجودشورای‌نگهبان‌قابل اجرامی‌باشد.

تهرانی — اگر مصوبات را بردارید و همینکه گفتیم بگذارید خوب میشود.

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید دارد روشن میشود گفتیم دوبحث است این دو بحث رااز هم جدا کنیم. یکی‌اینکه وقتی شورای نگهبان هست، مصوبات مجلس باید برای‌ده بیست‌روز به‌شورای نگهبان فرستاده شده که این دراصل ۷۷آمده وآن بحث دیگری است. عنایت‌بفرمائید یک مسألهٔ دیگری مطرح شده و آن اینکه اگرقرار بشودیک بار خدای نکرده تاریخ تکراربشود و مسألهٔ تشکیل شورای نگهبان مثل مسألهٔ فراز اول به بوته فراموشی سپرده بشود،آنوقت تکلیف چه میشود؟ دراین اصل مطلب مهمی نداریم برای اینکه اصل ۷۷ می‌گوید مصوبات را بفرستید آنجا و این وقتیست که آنجا باشد، و وقتی نباشد، درسورد نبودن اصل شورای‌نگهبان اصل ۷۷ ساکت است وحکم سالبه به انتفاء موضوع دارد.(یکی ازنمایندگان — آن عبارت اولی خوب بود.) عنایت بفرمائید من عرضم تمام بشود و اقلا مطلب آقای حیدری‌حل بشود. (موسوی تبریزی — آن عبارت اول بهتر ازاین‌بود.) بسیارخوب اجازه بدهید حالا دراینجا نمی‌خواهیم بگوئیم «مصوبات مجلس شورای ملی اگر شورای نگهبان تشکیل نشده‌باشد، اعتبار قانونی ندارد» این را می‌خواهیم بگوئیم:

اصل ۱/۷۷ (اصل نود و سوم)— مجلس شورای‌ملی بدون شورای نگهبان اعتبارقانونی ندارد مگر درسورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر اعضاء حقوقدان شورای نگهبان.

لطفاً گلدان را برای رأی‌گیری ببرید.

(اخذ رأی و شمارش آراء به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجهٔ اخذ رأی: عدهٔ حاضر شصت‌وپنج نفر، تعداد کل آراء شصت وپنج رأی، آراء موافق پنجاه وشش رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع هشت رأی، اصل تصویب شد تکبیر. (نمایندگان‌سه‌بار تکبیرگفتند)

خوب این کمبود مربوط به‌اصول‌قبل یعنی فصول قبلی‌بود حالااصل ۸٤راکه بازمقدمه‌ای برای آن مطرح شده بود درجلسهٔ اخیر فصل رهبر وشورای رهبری است‌اصل ۸٤ برای اظهار نظر خوانده میشود .

٤ — طرح و تصویب اصل ۸٤ (اصل یکصد و هفتم)

اصل ۸٤— هرگاه‌یکی ازفقهای‌جامع‌الشرایط‌مذکور دراصل پنجم‌این‌قانون‌ازطرف‌اکثریت قاطع مردم به‌مرجعیت و رهبری‌شناخته وپذیرفته شده باشد، همانگونه که درسورد مرجع‌عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب امام خمینی چنین است، این رهبر ولایت امروهمهٔ مسئولیتهای ناشی‌از آنرا برعهده دارد. درغیراینصورت خبرگان منتخب‌مردم دربارهٔ همهٔ کسانیکه صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند، بررسی‌و مشورت می کنند،هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند اورا به‌عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند وگرنه‌سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به‌عنوان اعضای شورای رهبری تعیین‌و به مردم معرفی می کنند.

نایب‌رئیس — خوب عده‌ای از دوستان اسم نوشته‌اند آقای کریمی بفرمائید.

کریمی — مسئول در اصل پنج فقها نیستند، شرایط مرجعیت و رهبری است ولذا «الف ولام» درعبارت «جامع‌الشرایط» زائد است وباید حذف شود، و«جامع‌شرایط مذکور در اصل» نوشته شود.

نایب‌رئیس — الف ولام نبوده است، تذکر بجائی است باید باشد «جامع شرایط» (یکی از نمایندگان — دارای شرایط.) بلی «دارای» بهتر است «دارای شرایط مذکور در اصل پنجم» که دیگر باآن هم اشتباه نشود آقای کیاوش.

کیاوش — من پیشنهاد می‌کنم اسم امام خمینی همانجا ذکرشود.

نایب‌رئیس — ذکرشده است.

کیاوش — منظور اسم کوچکشان است.

نایب‌رئیس — اگر دوستان تأیید کردند.

کیاوش — برای ثبت در تاریخ گفتم.

نایب رئیس — ایشان در خارج هم‌به‌همین عنوان معروفند آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — موافقم.

نایب‌رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم‌شیرازی — بحثی بود که این انتخابی که می‌کنند یعنی‌یک نفر را که‌انتخاب می‌کنند یا شورائی را، مدت دارد یانه، مادام‌العمراست یانه؟

نایب‌رئیس — این‌رابایدد راصول بعد بگوئیم ربطی‌به‌این اصل ندارد. آقای‌مکارم، عرض بنده این است که به‌هرحال این مطلب مربوط به‌اصول بعد است آقای آیت بفرمائید. (دکترآیت — من موافقم.) آقای دکتر نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش — ما سه‌تا اصل‌گذراندیم درقانون اساسی راجع به‌حاکمیت ملی،یکی اصل پنجم بوده، یکی اصل ششم ویکی اصل هفتم که اصل پنجم مربوط به‌ولایت‌فقیه، اصل ششم مربوط به‌آراء عمومی و اصل هفتم مربوط به شوراها است راجع به‌دو اصل دیگر بحثی نیست البته من ازجانب خودم‌صحبت می‌کنم، ولی راجع‌به اصل پنجم من فکر می‌کنم این‌از حقوق آن‌کسی است که ولی است یعنی آیا شخص من اصولا وکالت دارم از جانب‌ولی که راجع به‌این مسأله بحث بکنم؟ این یک سؤال.

نایب رئیس — لطفاً اولین شخص موافق که می‌خواهد صحبت بکند و آقای طاهری خرم آبادی هستند، به‌سؤال ایشان پاسخ بدهند.

دکتر نوربخش — دوم، این مسأله خودمان می‌دانیم که‌در آینده یک تغییرات بنیادی در مذهب شیعه بوجود خواهد آمد باز واقعاً خیلی ازآقایان فقها اینجا هستند و صلاحیت‌دارند ولی شخص من فکرنمی‌کنم چنین صلاحیتی را داشته باشم که راجع‌به‌مطالبی که مربوط‌به‌این مطالب است‌بحث کنم‌و وکالتش‌راهم واقعاً ندارم‌اینست که فکرنمی‌کنم مردمی‌هم که‌وکالت داده‌اندو کالت‌داده‌باشند که‌راجع به‌این موضوع هم رأی بدهم اما اینجادوسه‌سؤال‌هست مربوط به‌اینکه شما یک نفر را که انتخاب کردید حتماً باید درمقابل یک مقامی هم مسئول باشد مسئولیت رهبر درمقابل کیست؟ اینهم بهتراست مشخص بشود. (یکی‌ازنمایندگان — آقای

دکترنوربخش صبحها تشریف ندارند.)

نایب رئیس— اجازه بفرمائید آقای طاهری اینها را یادداشت بکنند وجواب بدهند.

دکترنوربخش — من اجازه گرفتم عصرها هم نیایم ولی اجازه ندادند.

نایب‌رئیس — آقای دکتر ضیائی، اگرآقایان اجازه بدهند این تذکرات را بنده بدهم بهتر است، اگر لازم شد تذکر می‌دهم آقای نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش — سؤال سوم، رابطهٔ بین رهبر و مرجع تقلید چه‌خواهدشد؟

نایب‌رئیس — متشکرم این سؤالات را آقای طاهری که به‌عنوان اولین موافق اسم نوشته‌اند جواب خواهند داد آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — من دو تذکر کوچک دارم یکی اینکه رهبر انقلاب امام خمینی همانطوریکه مرسوم است ولقب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی گفته میشود، همانطورگذاشته بشود این لقب معمول است برای همهٔ مراجع گذاشته بشود مثل اینکه یک دکتر را لقب دکترش را بیندازید اینجا بنویسید «رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی».

نایب‌رئیس — اضافه شد. (منتظری — یکی‌دیگر اینکه «ومادام‌القدره» این حق با ایشان هست.) آن در اصل بعدی است. (منتظری — دراصل بعدی نیست.) بسیارخوب آقای ربانی املشی بفرمائید.

ربانی املشی — من البته به‌این اصل رأی می‌دهم ولی... (نایب‌رئیس — یعنی سؤالی دارید یا مخالفید؟)اجازه بدهید یک سؤالی بکنم بلکه تصحیحی بکنید، نوشتید که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته وپذیرفته شده باشد، همانگونه که درمورد مرجع عالیقدر تقلید امام خمینی شده است من عرضم اینست که در مورد امام خمینی باانقلابی که‌انجام گرفت وبا نفوذی که ایشان داشتند مطلب یکسره شد وهیچکس درمقابلش نتوانست مخالفت بکند ، با وجود اینکه مخالفین در واقع وجود دارند اما نسبت به دیگران می‌خواهیم ببینیم یک‌چنین موردی اصلا امکان دارد پیدا بشودیانه؟(یکی ازنمایندگان‌امکان که‌دارد.) آیا این‌موردی را که‌به‌نظر مردم ویایک‌دسته‌ای از مردم وگروهی از مردم مصداق همین مطلب است ولی آقای رئیس جمهوری را که باید تبعیت بکند از مقام رهبری ، میگوید خیر این‌آقا هنوز به‌آن مرحله از محبوبیت نرسیده است، در این‌موردچه کسی باید حرف‌خودش‌را پیش‌ببرد ؟

نایب رئیس — آقای طاهری به‌شما جواب میدهند. آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — قسمتی از مطلب را آقای کیاوش گفتند همان اسم آیت‌الله خمینی بودودیگر اینکه‌آیاعبارت «برجستگی‌خاص» لازم است ؟

نایب رئیس— بسیارخوب آقای بشارت بفرمائید.(بشارت— یک کلمه است اضافه کنید) آقای فاتحی .

فاتحی — این عبارت بنابود به‌این صورت باشد که رهبری است مادام‌العمرهم درباره امام خمینی باشد وبناشد این عبارت اضافه شود .

نایب رئیس— آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — نام رهبر عالیقدر که‌برده شده پیشنهادمیکنم یک‌سطر بعد بیاید به‌این‌منظور که‌الان موقعیت پذیرش‌عامه‌اش را ثابت کردیم وبا آنکه همه‌مسئولیتها را فعلا به‌عهده‌دارند

ولی در این اصل مسئولیت ایشان معین نشده ما مسئولیت را هم جلو بیندازیم و بگوئیم که چنین کسی مثلا هرگاه یکی از فقهای دارای شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد ، این رهبر دارای ولایت امر است و همه مسئولیتهای ناشی از آن را به عهده دارد ، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب امام خمینی چنین است که هردو را تصویب بکنیم.

نایب رئیس — آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — در اینجا که آمده است «درغیراینصورت خبرگان منتخب مردم در بارهٔ همه...» البته از نقطه نظر موازین شرعی خبرگان افرادی هستند که قدرت علمی آنها در حد اجتهاد باشد یاقریب به اجتهاد ومعمولاعامهٔ مردم نمی‌توانند تشخیص بدهند که این افرادی را که انتخاب می‌کنند درحد اجتهاد هستند یانه بهتر اینست اینجا اضافه بشود که « باسعرفی جامعه روحانیت یاعلماء».

نایب رئیس — اجازه بفرمائید ما در اصل ۸۰ نوشتیم تمام این قسمتها را چه کسی معین کند یعنی ما وارد آن نمی‌شویم نمی‌دانم اگر نظر حضرتعالی باشد تشریف داشتید آن جلسه یاخیر؟ مفصل دراین باره بحث شدگویا تشریف نداشتید ، وبه این نتیجه رسیدیم که تمام این مسائل را طبق اصل ۸۰ بگذاریم به عهده آنکه مطالعه می‌فرماید . آقای میرمراد زهی شما سؤالی دارید یامیخواهید به عنوان موافق ویامخالف صحبت کنید؟(میرمراد زهی— من به عنوان مخالف صحبت میکنم .)بسیار خوب از دوستانی که اسم نوشته‌اند یک نفر موافق ویک مخالف صحبت میکند .

خامنه‌ای— این «دارای برجستگیهای خاص» یک کلمه‌ای است که زیاد تفاوتی نمیکند اگر به‌جای این حائز خصلتهای شرایط خاص بگذارند یک کمی بهتر میشود .

نایب رئیس — آقای دکترغفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — من می‌خواستم تذکربدهم که این یک قسمتش الان بدیهی است و مورد وفاق اکثریت مردم است وواقعاً انکارناپذیر است ولی در یک امر تجربه نشده‌ای که ما می‌خواهیم تصمیم بگیریم ، مربوط به شخصیت روحانیت شیعه است من تردید دارم که آیا صلاحیت داریم برای بعد از زمان حاضر تکلیف معلوم کنیم. من فکر میکنم روی قسمت اول تصمیم گرفته بشود وقسمت دوم را با یک شرایط وزمینه های محکمتر ، من می‌خواستم از موافق خواهش بکنم که آیا تصور نگرانیهای احتمالی بعدی شده وراجع به رفع نگرانیها چه مطالبی دارند؟

نایب رئیس — موافق لطفاً جواب بدهند آقای مرادزهی بفرمائید به عنوان مخالف، بعد هم آقای طاهری خرم‌آبادی به عنوان موافق. لطفاً سؤالاتی راهم که مخالف می‌گویند یادداشت بفرمائید که جواب بدهید و بعد رأی بگیریم.

میرمرادزهی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من در روزی که اصل پنجم یعنی مسألهٔ ولایت فقیه داشت تصویب میشد فرصتی برای صحبت نداشتم ولی روز بعد، روزی که اصل شوراها مطرح بود در رابطه با اصل پنجم من به عنوان مخالف صحبت کردم و در واقع موضوع صحبتم همان مسألهٔ ولایت فقیه بوده‌الان من مسائل قبلی را لازم به تکرار نمی‌دانم ولی با توجه به صحبت‌هائی که از آقایان شنیدم درجلسات خصوصی، چند تا سؤال برای من مطرح شده که از جمله اینکه اگر چنانچه ولی آن قدرت اجرائی را پیدا کرد اگر خدای نکرده با توجه به اینکه

ما دیگر معصوم نداریم، چه مرجعی به این تخلفات رسیدگی خواهد کرد؟ آیا فقط افکار عمومی خواهد بود یا مرجعی بالاخره هست در این مملکت که به این تخلفات رسیدگی بکند و از نظر سلسله مراتب اداری و تشکیلاتی در حقوق بین‌الملل این چه جائی خواهد داشت؟آیا باتوجه به اینکه ما در تعریف رئیس‌جمهور داریم که اولین شخص سیاسی مملکت هست از نظرروابط بین‌المللی، آیا این تعارض دارد یا نه؟ و تا آنجا که من می‌دانم مسألهٔ ولایت فقیه را در کتاب نامه‌ای از امام موسوی (کاشف‌الغطاء) در آنجا که صحبت از اولی‌الامر شده مخصوصاً صفحات ۹۷ و ۹۸، در آنجا اولی‌الامر ائمه را خطاب کرده و نگفته است که اولی‌الامر فقها هستند، که البته من در آن قسمت چون موضوع صحبت من نیست صحبتی ندارم فقط استدعا میکنم از کسی که به عنوان موافق صحبت میکند هم به سؤال اول و هم اینکه آیا با توجه به اصول مذهبی یک فقیه و ولی، ولایت بر فقهای دیگر هم دارد یا نه؟ و اگر دارد این مسأله به چه ترتیب باید حل بشود؟ عرض دیگری ندارم.

نایب رئیس — آقای طاهری خرم‌آبادی.

طاهری خرم‌آبادی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ما برای اینکه حکومتمان یک حکومت اسلامی باشد یعنی منطبق باشد بر آن شرایطی که اسلام برای حاکم معین کرده و برای اینکه مردم مسلمان خود را در مقابل این حکومت مسئول و موظف بدانند و اوامر این حکومت راامر خدا تلقی کنند و تمام تصرفات این حکومت را تصرفات شرعی و قانونی تلقی کنند و برای‌اینکه یک قدرت تخصصی با پشتوانهٔ ملت از دیکتاتوری و استعمار جلوگیری کند، در کلیات قانون اساسی اصلی تحت‌عنوان اینکه ولایت امر است برعهدهٔ فقیه‌عادل، مدیر، مدبر، شجاع یافقهائی که دارای این شرایط باشند، این اصل را گذراندیم و در اطرافش هم صحبتهای زیادی شد. همانطوریکه در بقیهٔ اصول کلی در فصول دیگر قانون اساسی آمدیم و آن اصول کلی را مشخص و شرایط و خصوصیات آن را بیان کردیم حالا رسیدیم به اصل پنجم یعنی می‌خواهیم آن اصل راکه یک اصل کلی بود، اینجا پیاده کنیم. دراینجا ما سه تا فرض داریم برای اینکه ولایت‌امر با فقیه یا فقهای جامع آن شرایط باشد یک فرض اینکه یک نفر همچون امام خمینی اکثریت قاطع ملت مسلمان ایران او را به رهبری پذیرفته باشند این فرض، فرضی است روشن قهراً ولایت امر که بعد مسئولیتهایش ذکر میشود طبق اصول بعد ، مسئولیتها به عهدهٔ این فرد است و او متصدی ولایت است و او به عنوان رهبر شناخته شده است. در این فرض ما نیازی به اینکه آراء عمومی را به صورت همه‌پرسی یا به صورت انتخابات بگیریم ، نداریم یعنی اگر چنین فردی پیدا شد که اکثریت ملت او را به عنوان رهبری پذیرفته باشند و همینجا من جواب دوست عزیزم جناب آقای ربانی را میدهم. اگر فردی بعداً پیدا شد که مثل امام خمینی مردم‌او را به رهبری پذیرفته بودند، که اصلا الان اگر ما بخواهیم نسبت به امام خمینی برویم سراغ مردم که مردم به ایشان رأی بدهندبه ما می‌خندند، برای اینکه مردم توی کوچه و بازار شب و روز فریاد می‌زدند: تا خون در رگ ماست — خمینی رهبر ماست و در گذشته هم گفتند. اگر یک چنین فردی هم بعداً پیدا شد دیگر نیاز به اینکه ما برویم و رأی بگیریم، نخواهیم داشت. این یک فرض، فرض دیگر اینکه ما رهبری با این خصوصیت و ویژگی که اکثریت قاطع مردم او را به‌رهبری پذیرفته باشند و رهبری او مشخص شده باشدبرای مردم،نداشته باشیم. اینجاست که دراین اصل به‌این شکل پیش‌بینی شده که خبرگان یعنی آنهائیکه اهل تشخیص هستند و

می‌توانندآن‌شرایط‌رادریک‌شخص یاچند شخص بیابند وتشخیص صلاحیت رادریک یاچند شخص بدهند، به‌ترتیبی که‌قانون‌معین‌میکند ودراصول بعدهم‌پیش‌بینی شده است، خبرگان‌جمع‌می‌شوند ویک‌نفر را به‌عنوان رهبریعنی یک‌نفر از مراجع را به‌عنوان رهبر تعیین‌می کنند ومعرفی می کنند ودر صورتیکه یک‌نفر را دارای این خصوصیات وویژگیها نیافتند ، یعنی چند نفر مثل هم ودر ردیف هم‌بودند اینجا قهراً به‌صورت شورای رهبری آن چند نفر را معرفی می کنند. می‌توانیم در همینجا پاسخ به‌یکی از سؤالاتی که‌شده بود بدهیم وآن این بود که رابطهٔ‌رهبری با مرجعیت چیست؟ همانطوریکه ملاحظه می‌فرمائید در اینجا اینطور پیش‌بینی شده است که این رهبری که‌به‌وسیله‌خبرگان تعیین‌می‌شود یا این رهبرانی که‌به‌وسیلهٔ‌خبرگان تعیین می‌شوند ، اینها از افرادی که‌صلاحیت مرجعیت وافتاء را دارند انتخاب‌می‌شوند بنابراین‌اینها می‌توانند از مراجع باشند ولی در عین‌حال معنی این اصل‌این نیست که‌ما مرجعیت تقلیدی را محصور دراین فرد یااین افراد کرده باشیم همانطوریکه‌الان فرض کنید افرادی هستند در عین‌حال که همهٔ‌مراجع وغیر مراجع به‌رهبری امام اذعان دارند ورهبرقاطع‌ملت ایران است وهمه اذعان دارندبه‌رهبری او در عین‌حال مراجع تقلید دیگری هم‌هستند که‌مقلدین‌زیاد دارند ،پس‌بنابراین، این‌فرد یا افرادی که‌رهبرمی‌شوند از مراجع خواهند بود ودر عین‌حال مرجعیت‌هم‌محصور در اینجانیست یعنی ممکن‌است غیر از اینها هم‌مراجع‌دیگری باشند که‌آنهامقلدینی‌داشته‌باشندولی ولایت و رهبری‌با این‌فردیا این افرادی است که از طرف‌خبرگان‌تعیین‌می‌شوند. یااگرفردی بود که‌مردم او رابه‌عنوان رهبری‌پذیرفته باشند پس رابطهٔ‌مسألهٔ رهبری بامرجعیت‌هم مشخص شد که‌رهبر از مراجع‌خواهد بود ولی در عین‌حال مرجعیت محصور در رهبری‌نیست وممکن است یک‌فردی غیرازرهبرمرجع باشد واما سؤال دیگری که بازدراین زمینه‌شد که آیاماحق‌داریم‌وظیفه‌برای‌رهبر و ولی‌امرتعیین کنیم؟ اینجا باید عرض کنم که این‌به‌معنی تعیین وظیفه برای رهبر یا رهبران نیست این‌به این نحواست یعنی‌اصولی را که‌ما تنظیم‌می کنیم معنایش تعیین وظیفه برای آنها نیست ، این معنایش‌این است که‌ماتکلیف مردم را تعیین می کنیم که بعد ازآنکه بایددر جامعهٔ اسلامی مایک رهبر یاشورای رهبری باشد،این‌رهبر یاشورای رهبری کیفیت انتخابش‌و نحوهٔ شناخت مردم نسبت‌به‌این رهبر یاشورای رهبری چگونه باید باشد؟ ما اینجا داریم یک پیش‌بینی می کنیم ، ماتعیین وظیفه برای رهبرنمی کنیم ما داریم پیش‌بینی می کنیم که رهبر را چطور باید تعیین کرد وبعد براساس آن ضوابط‌اسلامی ، چون ما برای رهبری حکومت معتقدیم که‌اسلام خطمشی معین کرده است یعنی رهبر وحاکم‌یک‌فرد مستبد وخود رأی‌نباید باشد خطمشی معین کرده است ، ما اگر در اصول بعد بیائیم و مسئولیتهائی هم برای رهبر یا شورای رهبری بیان کنیم، براساس آن مطالبی است که اسلام تعیین کرده است، یعنی‌براساس آنچه راکه ما وخبرگانی که‌اینجا تشریف دارند ، از اسلام‌دریافت نموده‌اند، مسئولیتهائی که که‌به‌عهدهٔ رهبر یارهبری است بیان میکند . سؤال‌دیگری بود که‌جناب آقای دکترغفوری فرمودند که‌ممکن است در پیاده کردن این اصل یک‌نگرانیهائی باشد خوب ، این نگرانی در پیاده کردن این اصل مثل نگرانیهائیست که‌در پیاده کردن اصول‌دیگرهم هست‌ما الان‌فرض کنید که‌برای مجلس شورای ملی، برای شورای نگهبان که یک‌نهاد تازه‌ای‌است وبه‌این‌شکل نداشتیم وهمچنین مسائل دیگر که در این قانون اساسی پیش‌بینی شده است وبعداً باید در جامعهٔ پیاده بشود ، ممکن است ما یک‌نگرانیهائی داشته‌باشیم ونمی‌شود ما به‌خاطر نگرانی،

از یک مسائل اصولی واساسی که نقش بنیادی در جامعهٔ ما ودر نظام جمهوری اسلامی که به‌آن رأی دادیم داردبه‌خاطر نگرانی از ذکر این اصول اساسی صرفنظر کنیم وبایدبرای رفع این نگرانی همت کنیم وهمه‌دست به‌دست هم‌بدهیم که‌این اصول‌واصول دیگر به‌احسن وجه پیاده بشود ، این هم راجع به‌این سؤال. واما سؤال دیگر که‌این ولایت فقیه چه‌موضعی در حکومت دارد و درکجای حکومت قرار می‌گیردبیان‌این اصول‌برای همین‌است یعنی این اصولی که می‌خواهیم ذکر کنیم برای همین است که درواقع جواب سؤالی را که‌بعضی‌دیگر کردند که‌ما چراذکر کنیم ، به‌همین‌بیان داده میشود که ما الان می‌خواهیم جای ولایت فقیه رادر قوائی که‌حاکم برمملکت هستند تعیین کنیم که ولی امر چه‌نقشی دارد وچگونه‌باید باقوای دیگر وفق داده شود. این اصول برای بیان همین مطلبی است که در این سؤال بود که چه جائی وچه نقشی دارد و اما باز مطلب دیگری بود راجع به اینکه ولی‌امر، رهبر در مقابل چه کسی مسئول است؟ جواب این مطلب هم روشن است که ولی‌امر، رهبر و بقیهٔ قوا هم در درجهٔ اول درمقابل خدا مسئولند و همهٔ ما و همهٔ ملت در مقابل خدا مسئولیم، و در درجهٔ دوم در مقابل ملت ، یعنی ملت می‌تواند از رهبر و از رهبران سؤال کند و نظارت بر اعمال آنها داشته باشد که آیا این رهبر آن مسئولیت الهی را درست انجام داده است یا نه؟ این هم راجع به این مطلب، دیگر نمی‌دانم سؤال دیگری هست یا خیر.

نایب رئیس — من این تذکر را نوشته بودم به آقای طاهری دادم که بگویند که این مسئولیت دو گونه است یکی اینکه آیا وظایف رهبریش را آنطوریکه شایسته است خوب می‌تواند انجام بدهد یا نه؟ ما در مورد نمایندگان مجلس شورای ملی چکار می کنیم آنها را مردم ناظرند ببینند آیا وظیفهٔ محدود نمایندگی خود را خوب انجام می‌دهند یا نه و در قانون هیچ مرجع دیگری برای این رسیدگی نیست و اما اگر تخلف کنند از وظایف، همه در برابرقاضی یکسان مسئولند می‌خواهد رهبر باشد و یا یک فرد عادی، آن هم به صورت مساوی مسئولند. مثل اینکه دیگر سؤالی نیست.

طاهری خرم‌آبادی — جواب راجع به سؤال اولی‌الامر را هم بدهید.

طاهری اصفهانی — و اما دو سؤال دیگر ماند یکی جواب اینکه مراد از اولی‌الامرائمه هستند، ما معتقد هستیم که فقیه جامع این شرایط در زمان غیبت ولی‌عصر (عج)، مثل زمان حضور از طرف ولی عصر (عج) نیابت دارد . در زمان خلافت مولا امیرالمؤمنین (ع) مالک اشتر دریک نقطه‌ای ازمناطق اسلامی مثلا درمصرولایت پیدا میکرد،الان‌معتقدیم که‌فقیهی که جامع‌این شرایط است ، از طرف ولی عصر (عج) نیابت دارد پس بنابراین، این منافات ندارد که ما الان اگر امرفقیه را اطاعت می کنیم در واقع داریم امر و فرمان اولی‌الامر را اطاعت می کنیم .

نایب رئیس — خیلی خوب متشکرم بفرمائید دو نفر از آقایان اسم نوشته‌اند که سؤال کنند آقای حجتی حضرتعالی بفرمائید.

حجتی کرمانی — من چند تا سؤال دارم، یکی اینکه اکثریتی که‌اینجا هست همانطوریکه در اصل پنجم بود روشن نشده است که‌این اکثریت قاطع در انتخاب این مرجع به چه طریقی قابل ارائه به دنیا هست یعنی از نظر اینکه یک سند و ملاک باشد، چطوری معین می کنید؟ درمورد امام خمینی این تظاهرات واین مسائل درعین حال مسألهٔ رهبریت ایشان را محرز کرد

ولی‌من درجلسهٔ‌گروه هم‌گفتم که این اکثریت اگر بخواهد یک‌اکثریت‌حقوقی باشد، همانطوری که امام خودشان درمورد اصل جمهوری اسلامی آن تظاهرات خیابانی راکافی ندانستند با اینکه مردم‌میلیون، میلیون می‌گفتند استقلال، آزادی، جمهوری‌اسلامی ولی‌گفتند رفراندوم‌بشود دراصل پنجم روشن نشد که این اکثریت ازچه طریق تحصیل می‌شود اینجا هم باز مبهم گذاشته است نفس این‌اصل است‌که باید روشن بشود‌که این اکثریت ازچه طریق، قانوناً روشن می‌شود وقابل ارائه است و این می‌تواند به صورت یک سند ازنظربین‌المللی باشد،منظورم ازنظر حقوقی است. مسأله دوم اینکه اینجا کنار این،مرجعیت اضافه شده درصورتی‌که دراصل پنجم کلمه مرجعیت نبود علت اینکه اضافه شده است چیست؟ مسألهٔ ولایت امریک کلمه‌ایست که ازنظر حقوقی شناخته شده نیست ازنظر فقه ما شناخته شده است ولی ازنظر حقوقی امروزخیلی شناخته شده نیست این‌بایدخیلی روشن‌باشد‌که ولی‌امریعنی چه،بعضی ازانتقاداتی راهم که‌من گاهی خواندم همین سؤال را در روزنامه‌هامطرح کرده بودند‌که ولی‌امریعنی‌چه؟ کدام امر؟ بعضی نمی‌دانند‌که ولی‌امر یعنی‌چه، مسألهٔ دیگر اینکه دراصل ۸٤ امام‌امت هم بودولی‌اینجا چرا امام امت حذف شده است؟ و دیگر اینکه «برجستگی خاص» یک‌کلمهٔ جدیدی است‌که معلوم نیست‌که «برجستگی خاص» یعنی چه وباید همان چیزهائی‌که آنجاگفته شده عیناً و صریحاً اینجاگفته شود.

کرمی— اگر اجازه بدهید من جواب این سؤال را می‌دهم. (یکی‌از نمایندگان— دریک کلمه بفرمائید ما همه مخالفیم.)

حجتی کرمانی— اختناق بوجود نیاورید بگذارید همه‌آزادانه مطالب خود را بیان کنند.

نایب‌رئیس— اداره جلسه با بنده است. (حجتی کرمانی— به‌آقای کرمی بفرمائید.) شما مطلب خودتان را بفرمائید. (کرمی— اگر اجازه بدهید من جواب یکایک سؤالات ایشان را می‌دهم.)

حجتی کرمانی— همچنین کلمه رهبر ازنظر حقوقی یک کلمهٔ شناخته شده‌ای نیست. یعنی وقتی این اصل به زبان خارجی ترجمه می‌شود وازطریق رادیوها به سراسر دنیا مخابره می‌شود باز دومرتبه همان ابهام اصل پنجم را با تمام سؤالاتی‌که داشت برمی‌انگیزد. بنابراین، این ابهامات باید روشن‌شود مضافاً به‌اینکه رابطهٔ این‌رهبر با مرجع تقلیدی‌که احیاناً ازنظرمرجعیت بالاتر است و درمذاکراتی‌که ما کردیم امکان این هست‌که یک مرجع عامتر باشد البته‌نه به آن عمومیت‌که اکثریت قاطع داشته باشد ولی یک‌عده مقلد داشته باشد‌که‌نیروی عظیمی‌پشت سرش باشد دراین صورت رابطهٔ شورای رهبری با این مرجع چه خواهد شد؟ یعنی به‌صورت‌دویا سه قدرت متجلی نمی‌شود؟ تذکر دیگری‌که باید بدهم وبه‌دوستان‌هم‌گفته‌ام این است‌که از جناب آقای آیت‌الله صدوقی خواهش می‌کنم اجازه آزادی کلام را به ما بدهند.

نایب‌رئیس— آقای حجتی شما آزادی‌کلام دارید وصحبت هم می‌کنید ولی بازهم می‌گوئید اجازه بدهید.

حجتی کرمانی— یک اشکال هم به رویهٔ کار دارم وآن این است‌که این‌اصل مانندا‌صل ولایت فقیه بحث انگیز خواهد بود وشما دوباره به صورت یک موافق ویک مخالف می‌خواهید رأی بگیرید ومردم درجریان استدلالهای شما برای این مسأله به‌طور کافی و وافی قرار ندارند و این مسأله نقص کار مجلس است نه نقص خود ماده. وباز درپایان این مسأله را تذکر بدهم

که من ازنظر تئوری، ازنظر کل وفقهی باهمهٔ این اصولی که نوشته شده و بناست مطرح شود موافقم ولی ازنظرعملی یااز نظر محظور عملی که ممکن است ایجاد شود یا اشکالاتی که ازنظر حقوقی دارد وبرای من حل نشده اگر رأی ممتنع یا هر رأی دیگری بدهم دلیل براین نیست که من با ولایت فقیه مخالفم یا اینکه دریک توطئه‌ای شرکت دارم که آقایان فکر می‌کنند آن توطئه برای این مسائل وجود دارد .

نایب‌رئیس— اجازه بفرمائید من یک تذکراتی می‌دهم تا بعد آقای آیت که به عنوان موافق اسم‌نوشته‌اند به‌سؤالات‌ایشان پاسخ بدهند. تذکرمن این‌است که ازبرادرمان آقای‌حجتی خواهش می‌کنم وقتی جلسه آرام‌است وبه‌حرف ایشان‌گوش می‌دهند، خود ایشان مرتباً‌نگویند اگر اجازه بدهید ویا اگر امکان‌بدهید، چون مجلس آرام است وحرفهای شماراگوش می‌کنند ولی با همان جمله‌ای که می‌فرمائید دچار یک نوع نگرانی می‌شود. آقای مشکینی بفرمائید .

مشکینی— من‌وقتی که آقای طاهری صحبت می‌کردند می‌خواستم یک وصلهٔ مختصری به حرفشان بزنم و ازایشان استجازه می‌کردم. راجع به‌رابطهٔ بین رهبر ومرجع می‌خواستم عرض کنم انشاءالله درآینده طوری خواهد شد که عنوان مرجع ها با عنوان شورای رهبری ادغام‌شود.

نایب‌رئیس— آقای آیت بفرمائید .

دکترآیت— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . من یکی از طرفداران ومدافع جدی این اصل هستم وشاید قبول نمایندگی این مجلس هم برای این‌بود که تا آنجائی که درقدرت دارم درگذراندن این اصل کمک‌کنم. چون حکومت اسلامی را بدون این‌اصل مستقر نمی‌بینم یعنی این‌اصل باید اجرا شود ودلایل عقلی و نقلی بسیاری دراین مورد هست دلائل نقلی‌اش درکتب فقه ذکر شده است وآقای مرادزهی که اشاره‌کردند کتاب ولایت فقیه امام را خوانده‌اند و در آنجا ولایت امر مخصوص ائمه قلمداد شده است‌گویا بقیهٔ کتاب را نخوانده‌اند که ایشان عیناً اشاره کرده‌اند که این ولایت امر درغیبت امام با فقها است . این کتاب درآن‌موقع که انتشارش سخت بوده به‌طور خاصی منتشر شده است وهمان کتاب ولایت فقیه است .

نایب‌رئیس— توضیح خودتان را برای رفع این شبهه بدهید. آقای آیت می‌گویند این کتابی را که برادرمان آقای‌مرادزهی به‌عنوان ولایت فقیه‌به‌نام کاشف‌الغطاء دیده‌اند‌این کتاب ولایت فقیه امام است که درآن موقع به دلیل خفقان در پشتش نوشته شده بود ولایت فقیه کاشف‌الغطاء .

دکترآیت— بله همینطوراست که آقای دکتربهشتی اشاره‌کردند، یعنی این کتاب مال کاشف‌الغطاء نیست بلکه کتابی است مربوط به امام خمینی که آن موقع برای اینکه ازانتشارش جلوگیری نشود این عنوان پشت جلد نوشته شده بود واکثراً هم‌می‌دانند. (جوادی—اشکالشان چیز دیگر بود.) آن را هم جواب دادم وگفتم ایشان‌گفتند در این کتاب ولایت امر مخصوص ائمه قلمداد شده است در حالی که تمام‌کتاب ضمن بحث می‌گوید بعد از ائمه، فقها همهٔ اختیارات را به عهده دارند و اگرکسی همهٔ‌کتاب را بخواند متوجه این امر خواهد شد. در مورد دلیل عقلی این مسأله مشخص است‌که هرکار باید به متخصص وکسی که درآن‌کار وارد است واگذار شود‌که یک امر بدیهی است. البته متخصصی‌که عادل و با تقوا باشد. حتی اگر بخواهید برای خانه‌تان در بسازید پیش متخصصی می‌روید و یا اگر بخواهید پیش پزشک بروید پیش متخصص آن رشته می‌روید و هرکار دیگری که بخواهیم به همین نحو

است و امر حکومت که مهمترین امر است هیچ دلیلی ندارد که ما پیش متخصصش نرویم. اما چرا پیش متخصص اسلامی می‌رویم، در این مورد دوستان اگر کتاب ژان‌ژاك‌روسو را مطالعه کرده باشند که حتماً هم مطالعه کرده‌اند، اصولا در آن کتاب مبنای دموکراسی را بر یک پیمان اجتماعی می‌گذارد و میگوید اول بشر به صورت انفرادی زندگی‌میکرد بعد به خاطر اینکه زندگیشان پیش برود آمدند و با یکدیگر پیمانی بستند و از قسمتی از آزادیها صرفنظر کردند تا بتوانند به زندگی بهتری دست پیدا کنند وهمهٔ دموکراسی را بر مبنای این اصل پیش می‌برد.

نایب رئیس— آقای آیت به وقت هم توجه بفرمائید.

دکترآیت— اگر آن‌پیمان اجتماعی درتاریخ یک بار تحقق پیدا کرده‌باشد در مورد همین اسلام است . مکتب موجود را یک عده‌ای بر اساس آن قوای مختلف تعیین می کنند اما چون وقت کم است من به سؤالاتی که آقای حجتی اشاره کردند و به یک سؤال دیگری از آقای مرادزهی که جواب داده نشد پاسخ می‌دهم. آقای مرادزهی فرمودند که آیا این ولایت امر بر اقوام دیگر هم هست یا نیست و اگر هست چگونه خواهد بود؟

نایب رئیس— بر فقهای دیگر. (دکتر آیت— من اینجا نوشته‌ام بر اقوام دیگر.)خیر بر فقهای‌دیگر. (مرادزهی— بر فقیه ولایت دارد یا خیر؟)

دکتر آیت— آن مسأله معلوم است ودرامرحکومتی بارها بحث شده است و اموری که مربوط به‌حکومت هست برهمهٔ مردم ساری وجاری است واستثنا ندارد وامور غیرحکومتی هم که مسأله‌ای نیست. آقای حجتی سؤال کرده‌اند چرا مرجعیت در این اصل آمده‌ودراصل‌پنجم نیامده‌است؟ اولا بنا نبودعین همان اصل را ما دراینجا بیاوریم چون اگربنا بود عین‌آن اصل را اینجا بیاوریم که دیگر اصلی نمی‌آوردیم این اصل تشریح آن اصل و سایر اصول است . ثانیاً این استدلال شدکه کسی که ولی امر هست باید مرجعیت هم داشته‌باشد تابین مردم‌نفوذ داشته باشد تا تصمیماتی که می‌گیرد ضمانت اجرا داشته باشد بعدگفتند این «ولی امر» یک گلمه‌ای است که از نظر حقوقی تعریف نشده است. خوب ما در همین قانون ولی امر را تعریف کرده‌ایم و اختیاراتش راگفته‌ایم، پس قانون را برای چه می‌نویسیم وقتیکه در همین قانون حدود اختیارات آمده است بنابراین تعریف هم شده است همین امر را ایشان در مورد کلمهٔ «رهبر»گفتند که در این مورد هم در این قانون تعریف کرده‌ایم و حدود و اختیاراتی که آمده است مشخص است. با اینکه بارها جواب داده شده است‌گفتند رابطهٔ رهبر با مرجع تقلیدی که طرفداران زیادی دارد چه خواهد بود؟ اگر آن شخص همانطورکه ایشان اشاره کردند کسی باشد که طرفدارانش اکثریت داشته باشند و مدیر و مدبر باشد که خودش رهبر میشود و اگر هم نباشد و فقط تعداد زیادی پیرو داشته باشد که آنرا جواب دادیم زیرا کسی که رهبر شد و در ضمن برای عده‌ای مرجع هم هست خواه ناخواه حکم و تصمیماتش برای دیگران هم لازم‌الاجرا است و تضادی بوجود نخواهد آمد برای اینکه اگر بخواهیم بگوئیم تضاد بوجود می‌آید باید بگوئیم اصلا اسلام حکومت ندارد و آقایان تا این حد را لااقل‌قبول دارند که‌اسلام حکومت دارد و حکومت قابل پیاده شدن را دارد و حکومتش هم ملوك‌الطوایفی نیست و خواه ناخواه کسی که حاکم است و از طرف اکثریت‌مردم شناخته شده و قبول شده است‌ودارای شرایط افتاء هم هست. این مسأله بارها تکرار شده است و از نظر اسلامی امرش در حدود

قوانین برای همه لازم‌الاجرا است و شرط آن این است که ما برای اسلام حکومت قائل بشویم و همه قبول داریم که اسلام حکومت دارد. یک مسألهٔ دیگر که ایشان اشاره کردند این است که گرچه از نظر خودشان جنبهٔ خصوصی پیدا میکند و ربطی به ما ندارد ولی اشاره‌اش هم بد نیست. ایشان گفتند من از نظر تئوری این مسأله را قبول دارم ولی اگر از نظر عملی رأی‌ندادم این است که قابل پیاده شدن نمی‌دانم این مثل این است که بگوئیم این اسلام قابل پیاده شدن نیست. (حجتی— شکل خاصی دارد.) شکل خاصی ندارد یک امر اسلامی است. (نایب رئیس— مباحثه نکنید.) آقای دانش‌راد هم نوشته‌اند «خواهشمند است اشاره‌ای دربارهٔ رابطه ولایت امر و امامت امت با اقلیتهای دینی کشور که در جلسهٔ قبل سؤال نموده بودم بفرمائید» ایشان هم به این مسأله اشاره کرده بودند که ولی امر با مسألهٔ ملت که من فکر میکنم سؤال ایشان این بود...

نایب رئیس — سؤالشان این است که وقتی گفته میشود «امامت امت» مفهومش همان رهبری ملت است و همه کسانیکه جزو ملت ایران شمرده می‌شوند مشمول این رهبری هستند که پاسخ ایشان این است، بلی.

دکتر آیت — بلی و حتی از این هم وسیعتر یعنی رهبری تمام ملت به عهدهٔ اوست چنانکه یک رئیس جمهور در یک کشور رئیس جمهور تمام کشور است چه آنهائی که به او رأی داده‌اند و چه آنهائی که به او رأی نداده‌اند و اصولا رهبری امت که ما می‌گوئیم یک مقداری ازاین وسیعتر است یعنی مملکت ایران را بالفعل فرا می‌گیرد و سایرجاها را ازجهاتی بالقوه زیر نظرمی‌گیرد. (منتظری — حقوق آنها را هم رعایت میکند.) بلی حقوق آنها را هم رعایت خواهد کرد.

خامنه‌ای — یکی از آقایان مراجعه کردند که روابط ولی امر با مراجع بین‌المللی چه خواهد بود؟

دکتر آیت — رابطهٔ ولی امر و مراجع بین‌المللی مسأله‌ای است که در قانون تعیین شده است چون قوانین بین‌المللی چیست؟ مثلا عهدنامه به امضای چه شخصی برسد؟ خوب در قانون ما معمولا به امضاء رئیس جمهور می‌رسد چون ما یک مقام رئیس جمهور هم در قانون پس از طی تشریفات قانونی قائل شده‌ایم یا در مجامع بین‌المللی رئیس‌جمهور شرکت میکند. اینها اموری است که به عهدهٔ رئیس‌جمهور است و به هرحال حدودی که در قانون اساسی برای رهبر امت تعیین شده است رابطه‌اش را با حقوق بین‌الملل و مراجع بین‌المللی هم تعیین میکند و من هیچ اشکالی در این مورد نمی‌بینم.

حجتی کرمانی — از نظر سازمان حکومتی چه جوری خواهد بود؟ عضو حکومت است یا خارج از حکومت است به چه شکلی است؟

دکتر آیت — داخل حکومت است و در مرکز حکومت قرار دارد. (حجتی — بایدروشن شود که در این رابطه چکاره است.)

نایب رئیس — اجازه بدهید که سؤالات خیلی فشرده جواب داده بشود که هم مشخص باشد و هم فشرده.

دکتر آیت — ایشان سؤالاتشان را دقیق مطرح بکنند.

حجتی کرمانی — موضع حقوقی‌اش از نظر سازمانی در حکومت اسلامی در چه موضعی

قرار دارد؟

نایب رئیس — در موضع امامت.

دکترآیت— درموضع امامت است که درسایرقوانین نیست ولی درقانون ما هست. چنانکه مواضعی هم در حکومتهای دیگرهست مثلا درچین صدر مائودر کجا قرارداشت و درحقوق آمریکا صدر نبود ولی درچین یک چنین آدمی وجود داشت و موضع حقوقیش هم مشخص بود و هیچ مشکل جهانی هم بوجود نمی‌آورد بااین اضافه که ما صریحاً دراین قانون اساسی حدود و اختیارات و مسئولیت‌های رهبر و امام را تعیین کرده‌ایم و همین حدود که تعیین کرده‌ایم موضع او ونقش اوراکاملا درحکومت نشان میدهد و هیچ اشکالی که شما بتوانید اشاره کنید که این اشکال خاصی بوجود می‌آید ، نیست ویک مسألهٔ دیگری که من اشاره نکردم وباز سؤال آقای حجتی بود این است که اگر یک کسی اکثریت را احراز کرد وتعین پیدا کرد مسأله ازنظر حقوقی چطور میشود؟ اگر به‌اندازه‌ای شدید باشد که دیگر احتیاجی به مجلس خبرگان نباشد مثل امام که روشن وظاهر است و موضوعی پیش نمی‌آید ولی اگر به‌آن اندازه ظاهر وآشکار نباشد که بدیهی است و درقانون تکلیفش را تعیین کرده‌ایم که به‌عهده مجلس خبرگان است که البته من‌خودم طرفدار این روش هستم که یک رأی‌گیری همیشه بشود که مسأله کاملا محرز شود که این عقیدهٔ خاص خودم هست و مسألهٔ دیگری دراین‌مورد نیست.

نایب‌رئیس — یک سؤال از برادرمان آقای حجتی ماند که من آنرا یادداشت کردم‌اگر آقای آیت جواب ندادند من توضیح بدهم و وارد رأی‌گیری بشویم.

بنی‌صدر — یک سؤال هم بنده دارم که جواب بدهید.

نایب‌رئیس — بسیار خوب ایشان فرمودند که دراصل پنجم امامت است آمده ولی اینجا نیامده است.

حجتی کرمانی — یک سؤال دیگرهم کردم.

نایب‌رئیس — من فقط سؤالات جزئی را توضیح می‌دهم وبقیه را آقایان مسئول هستند وآن این است که امامت همان رهبری است که درآنجا تحت عنوان امامت است آوردیم ودراین اصل تحت عنوان رهبری آورده‌ایم که بیان دیگری از همان امامت است لذا اینجا رهبری و ولایت امر است و دراصل پنجم امامت و ولایت امر درهر دوجا آمده است ولی آنجا امامت آمده لیکن اینجا رهبری آمده است وسؤال دیگری که فرموده بودید برای‌جهانیان مفهوم است یانه؟ باید عرض کنم یک نظام جدید، اصطلاحات جدید، سمتهای جدید، نهادهای جدید همراه دارد وآرام‌آرام دنیا می‌فهمد . اگر به‌یاری خداوند وباهمکاری صمیمانهٔ همه توفیق پیدا کردیم که نظام سالم امامت و امت را که این نظام ما نظام امامت و امت است باتمام روابط سالمی که میان امامت و امت است پیاده کنیم ان‌شاءالله آنوقت قدرت اسلام معلوم خواهد شد. (اشراقی — سؤال من این بود.) به آن میرسیم.

اشراقی — در زمان حکومت امام وبعد ازایشان درحکومت فقهای دیگرآیا فقهای‌دیگر احکامشان نافذ است یا خیر؟

نایب‌رئیس — اینرا توضیح میدهم، من داشتم سؤال ایشان را جواب میدادم. عرض میشود نظام ما البته نظام جدیدی است و نظام اسلامی امامت و امت است با همهٔ اصولی که رابطهٔ امامت و امت را در قانون اساسی مشخص میکند و امت تمام آزادیهای لازم را دارد

ولی بدون محور وسرگردان نیست ومحور دارد. انشاءالله ما توفیق پیدا می کنیم که این نظام را ضامن سعادت بکنیم وبعد ازآنکه‌ضامن سعادت کردیم مردم دنیا هم مطلب ما را خواهندفهمید.

کرمی — از قول جنابعالی که نظام جدیدی است ما ازشما نمی‌پذیریم چون این نظام ۱۴۰۰ سال درقرآن و در سنت پیغمبر و در اعمال معصومین سابقه‌داشته است.

نایب‌رئیس — جناب آقای کرمی «جدید» که می‌گوئیم یعنی دراین اعصار دنیا نمونهٔ عملی‌اش رادرعصرما جدیدمی یابند. یک‌سؤالی‌آقای‌اشراقی کردند ویک سؤالی‌آقای دکتربنی‌صدر دارند اجازه بفرمائید چون من نمی‌خواهم صحبت بکنم آقای منتظری به‌عنوان موافق جواب می‌دهند.

منتظری — سؤال آقای اشراقی این است «درزمان حکومت امام یا حکومتهای بعدی احکام فقهای دیگر نافذ است یانه؟» ما یک مسألهٔ فتوا داریم و یک مسألهٔ حکم.

اشراقی — دونفر پیش کسی رفتند و حکمی دادند آیا این حکم درفلان شهر ویا فلان قریه نافذ است؟

منتظری — حکم یعنی مسألهٔ قضاوت باشد؟

اشراقی — مدعیانی آمدند و قضی بینهما.

منتظری — اگرمراد مسألهٔ قضاوت باشد قضات ازطرف حاکم معین می‌شوند.

اشراقی — پس قضاوت آنها نافذ نیست؟

منتظری — خیر. بعدازاینکه محاکم تعیین شد قضاوت آنها نافذ نیست.

اشراقی — «الرادعلیهم کعاد» نمی‌شود «الراد علیهم کعاد علینا».

منتظری — مسألهٔفتوا غیر از مسألهٔ حکم است وبعد از اینکه حکومت تعیین شد قضات هم ازطرف حاکم‌معین می‌شوند وقضاوت آنها نافذ است وقضات منصوب آنها هستند.

نایب رئیس — نه قاضی تحکیم .

منتظری — اگر قاضی تحکیم باشد اشکالی ندارد ولی قاضی رسمی مثل زمان ائمه که حضرت امیرالمؤمنین قاضی رسمی معین‌میکرد ، ولی یک وقت قاضی تحکیم‌است ودونفر یک‌نفر را قبول‌می کنند ومی‌نشینند واوبینشان‌قضاوت میکند که‌این به‌جائی ضرر نمی‌زند، اما یک‌وقت می‌خواهند قاضی رسمی باشد که مردم به‌او مراجعه کنند که‌این قاضی رسمی باید از طرف همان حاکم رسمی معین شود. (صافی — این بیان با «فقدجعلته علیکم حاکماً» مخالف‌است.)

نایب‌رئیس— آقای بنی‌صدر بفرمائید .

بنی‌صدر — آقای جوادی مطلبی راجع به‌اینکه رهبر فرد باشد یا شورا فرمودند من درآن وقت به‌مناسبت کار دیگری فرصت نکردم نظر خودم را بدهم ودیشب مفصلا باایشان‌صحبت کردم ومن قانع‌نشدم که باید بنا را برفرد گذاشت. حالا بفرمائید چرا بنا را برشورا نگذاریم و بنا را برفردبگذاریم؟ زیرا اگر بنا را برشورا بگذاریم تا حدودی این سؤالات برطرف میشود وما می‌فهمیم که‌آن ملوك الطوایفی ازبین می‌رود وبالاخره هرکسی هست درآن شورا جمع‌می‌شوند و مردم با یک رهبری معینی سروکار دارند . حال آنکه اگر فرد باشد باز همین صحبتهائی که به‌صورت سؤال مطرح شد وجواب روشنی هم‌نگرفت سرجایش باقی خواهد ماند.

منتظری — اگر چنانچه فرض کردیم یک‌نفر امتیاز داشته باشد ودیگران در عرض او نباشند شوراقراردادن که‌معنی‌ندارد شورا درصورتی است که‌یک‌نفر ممتاز نباشد ، اما اگریک‌نفر

شاخص باشد والبته آن شاخص هم بدون شور کارها را انجام نمی‌دهد ، ولی نمی‌شود یک‌نفری که امتیاز دارد وهمهٔ مردم از او تقلید می‌کنند وهمه به‌او توجه دارند ، معذلک بیائیم و دو نفر دیگر را در عرض او قرار بدهیم چون آن یک‌نفر قهراً یک تعینی پیدا کرده است . پس ما نه‌فرد را ملاك قرار داده‌ایم نه‌شورا را بلکه گفته‌ایم اگر چنانچه یک نفر امتیاز کامل دارد که اکثریت قاطع از او تقلید می‌کنند اورهبر میشود .

بنی‌صدر — خبرگان یک‌شورائی برای اوتعیین میکند که‌او باآنها مشورت بکند.

نایب‌رئیس — آقای جوادی قبل از اینکه پیشنهاد کفایت مذاکرات‌بیاید شما اسم نوشته‌بودید نوبت شما را رعایت‌میکنم،بفرمائید.(مکارم‌شیرازی— یک‌سؤال هم‌آنجا رسیده‌است.) بلی .

جوادی — مسأله‌ای که‌شورا فرداست‌یابه‌رهبری است این‌مسأله یک‌مسأله مبنائی بود که‌تاحدودی بحث‌شد واما این اشکال را شورای رهبری حل‌نمی‌کند برای اینکه شورای‌رهبری پنج یاشش‌نفردریک‌مرکزی می‌نشینند ودربارهٔ رهبری تصمیم‌گیری‌می‌کنندمسأله‌قاضی تحکیم که در ذهن جنابعالی هم‌هست وآقایان هم‌تأیید کردند در زمان غیبت‌ماقاضی تحکیم‌نداریم. این قاضی تحکیم مال زمان حضور امام است زیراقاضی تحکیم باید شرایط‌قاضی منصوب‌راداشته باشد یعنی اجتهادمطلق ،چه دیگران مراجعه‌بکنند یانکنند ادله‌نصب او را میکرد.قاضی‌تحکیم مال زمان‌حضوراست . فقط در زمان‌حضور اگر کسی‌مجتهد هم باشد ، تا امام نصبش‌نکندسمت قضاوت‌ندارد . استثنائاً می‌توانندبه‌او مراجعه کنند که‌میشود قاضی تحکیم . اشکال جناب آقای اشراقی با شورای رهبری حل‌نمی‌شود، برای اینکه شورای رهبری معنی‌اش این نیست که با همهٔ‌مجتهدین سطح کشور مشورت کنند بنابراین آن اشکال هست واگر آن اشکال دربسیاری از شهرها هست آن را باید از یک‌راه اساسی حل کرد که‌جناب آقای منتظری اشاره کردند که دادگاه در حکومت اسلامی در اختیارحاکم‌شرع است یعنی حق‌دخالت به‌طور رسمی‌ندارد،مگر به‌اذن‌عام‌همان رهبر که‌آنوقت صحیح میشود که رهبر هم اذن‌عام‌میدهد اگر کسی مجتهدشد می‌تواند، یعنی اذن‌میدهد، تنفیذمی‌کند واگر مسأله اذن‌عام رهبر نباشد، این‌اشکال وشبهه‌رانه وحدت رهبری حل‌میکند نه‌شورای رهبری .

نایب‌رئیس — متشکرم .

کرمی — من‌جواب آقای جوادی را می‌دهم که‌اینجا ارتباطی به‌ولایت فقیه در این‌اصل ندارد.توجه بفرمائید، قضا درزمان غیبت اگربگوئیم هیچ هم تعطیل بردارنباشد «وکل‌مجتهدله حق‌القضا» مردم هم اختلاف‌پیدا نمی‌کنند در هردهی اگر یک مجتهدی پیداشد می‌تواند قضاوت‌بکند، اما آن امر به‌این اصل ارتباطی ندارد. بایستی در اصل قضا که‌می‌آید روشن‌شود که آیا قضاوت‌های خارج از دادگاه اعتبار دارد یاندارد .

نایب‌رئیس — پیشنهاد کفایت‌مذاکرات رسیده است . موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند (اکثراً دست بلند کردند) تصویب شد . بنابراین اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۸۴ (اصل یکصد و هفتم) — هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط‌مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف‌اکثریت قاطع مردم به‌مرجعیت ورهبری شناخته وپذیرفته شده باشد ، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله‌العظمی امام خمینی چنین شده است ، این‌رهبر ولایت امروهمهٔ‌مسئولیتهای ناشی از آنرا برعهده دارد . غیر اینصورت ،

خبرگان منتخب مردم درباره همهٔ کسانی که صلاحیت مرجعیت ورهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به‌عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند ، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به‌عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی میکنند.

(اخذ رأی به‌عمل آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری را اعلام میکنم، عده حاضر شصت‌وهشت نفر، تعداد کل آراء شصت وهشت رأی، آراء موافق پنجاه ونه رأی ، آراء مخالف سه رأی، آراء ممتنع شش رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

۵ — طرح و تصویب اصل ۸۵ (اصل یکصد و هشتم)

نایب رئیس — اصل ۸۵ مطرح است که‌قرائت میکنم ضمناً یکی دواصلاح لفظی هم‌در آن شده است که‌گویاتر باشد :

« قانون مربوط به‌شرایط خبرگان، عدد و کیفیت تعیین‌آنها» (سبحانی — به‌جای«تعیین» باید نوشته شود «انتخاب») به‌اینجهت تعیین نوشتیم که‌انتخاب یاغیرانتخاب هرچه‌شد شامل شود.

دکترآیت — قبلا هم‌گفتیم انتخاب‌چون منتخب مردم هستند.

نایب رئیس — متوجه هستم ما از این نظر اینطورنوشتیم که‌در آینده‌دست کسی‌رانبسته باشیم . حالا به‌متنی که‌خود آقایان آنروز تهیه کردند توجه بفرمائید . «قانون مربوط به‌عدد و شرایط خبرگان، کیفیت تعیین‌آنها »(سبحانی— ممکن است‌با اصل قبلی‌مغایرت‌داشته‌باشد.)خیر .

اصل ۸۵ — قانون مربوط به‌عدد وشرایط‌خبرگان ، کیفیت انتخاب آنها ونظامنامهٔ‌داخلی جلسات آنها برای نخستین دوره‌باید بوسیله‌اولین شورای نگهبان‌تهیه‌وبا اکثریت آراء تصویب شود وبه‌تصویب نهائی رهبر انقلاب برسد از آن پس هرگونه‌تغییر وتجدید نظر در این قانون‌از اختیارات خودمجلس خبرگان است .

نایب رئیس — در این زمینه بحثی نیست ؟

بیت‌اوشانا — به جای «عدد» باید نوشته شود « تعداد » یا « عده» .

نایب رئیس — بلی « تعداد» بنویسیم بهتر است آقای مراغه‌ای جنابعالی موافقید؟(مقدم مراغه‌ای — مخالفم .) جنابعالی بفرمائید به‌عنوان مخالف صحبت کنید آقای موسوی تبریزی شما به‌چه‌عنوان صحبت می‌فرمائید ؟(موسوی‌تبریزی — به‌عنوان موافق.)

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا. بنده این مطالبی را که‌عرض میکنم برای تاریخ است‌ومیدانم که‌حالا مؤثر نخواهد بود ولی ان‌شاءالله روزی نوه آقای بهشتی می‌آیدمجلس وسراغ کتابخانه را می‌گیرد وبعد می‌رود آنجا وصورت جلسات را می‌خواند وبعد قضاوت میکند . (ربانی‌املشی— بفرمائید نوهٔ همه، اختصاص به‌شخص خاصی ندارد.) بنده هم می‌میرم وآقایان هم همه‌خواهند مرد ولی‌ان‌شاءالله‌ایران زنده می‌ماند واسلام باقی می‌ماند ولی همه‌ماخواهیم‌مرد، لیکن‌آن‌روحی که‌انتظار بود از این‌مجلس چون این ساختمانی که اینجا ملاحظه می‌فرمائید صحنه‌های عجیب وغریبی دیده است ولی همه‌گذشته، مطلبی که‌راجع به‌این اصل بنده خواستم‌عرض کنم اینست که‌ما آمده‌ایم یک‌ابداع جدیدی که‌می‌خواهد بشود بنده‌این را صریحاً عرض‌میکنم که

تا حالا در تشیع سابقه نداشته ما میخواهیم اختیاراتی به دست یک هیأتی یعنی شورای نگهبان بدهیم عرض کردم مسأله امروزحل است تاامام باقیست این مسأله حل است واینکه عرض میکنم برای تاریخ صحبت میکنم. (کرمی — بگذارآنموقع بیا صحبت کن.)

نایب رئیس — آقای کرمی اجازه بدهید ایشان آزادانه صحبت کنند بفرمائید آقای مراغه‌ای.

مقدم مراغه‌ای — این امانتی است که به‌ما سپرده شده است دادن این اختیارات به شورای نگهبان به‌عقیده بنده صحیح نیست. (یزدی — تصویب شد وگذشت.)

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای کدام اختیارات؟

مقدم مراغه‌ای— تابه‌حال که ما سابقه نداشتیم دربارهٔ مجلس خبرگان اولا مجلس خبرگان که گفته میشود این مجلس خبرگان در نظر گرفته میشود. در حالیکه منظور این مجلس خبرگان نیست. مجلس خبرگانی که در این اصل گفته شده مجلس خبرگان دیگری است بایک اختیارات دیگر وبرای منظور دیگر حالا ما چطور می‌خواهیم دربارهٔ نحوهٔ تشکیل آن به یک شورائی یعنی شورای نگهبان اختیار بدهیم که شش نفر حقوقدان هم در آن شورا هست؟

نایب رئیس — مثل اینکه در صحبت جنابعالی ابهامی باشد فقط توضیح میدهم که حضرتعالی موضوع بحثتان برای دوستان وشنوندگان مشخص تربشود. اینجا مسئولیت خبرگان آینده فقط یک مسئولیت است ومسئولیت را در اصل ۸۴ مشخص کردیم که آنها فقط می‌آیند برای انتخاب رهبر وشورای رهبری.

مقدم مراغه‌ای — آقای بهشتی ملاحظه بفرمائید بنده نظرم اینست در این اصل نوشته شده: «کیفیت تعیین آنها ونظامنامهٔ داخلی آنها برای نخستین دوره».

نایب رئیس — چه کسانی را می‌گوید؟

مقدم مراغه‌ای — نمایندگان خبرگان را...

نایب رئیس — یعنی کسانی که انتخاب کنندهٔ شورای رهبری هستند.

مقدم مراغه‌ای — آنوقت اختیارات آنها را می‌دهند به اولین شورای نگهبان؟

نایب رئیس— بلی عیبی ندارد.

مقدم مراغه‌ای — اولین شورای نگهبان که الان معلوم نیست چه کسی هست ودر چه زمانی خواهد بود.

تهرانی— تعدادشان را، اساسنامه‌شان را وبرنامهٔ انتخاباتشان را آنها تعیین می‌کنند والا خودشان را مردم انتخاب می‌کنند.

نایب رئیس — آقای تهرانی اجازه بدهید صحبت کنند آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — به‌هر حال بنده نظرخودم را عرض میکنم آقایانی که نظر مخالفی داشته باشند می‌توانند بعداً نظرشان را بیان کنند.

نایب رئیس — بنده فقط خواستم موضوع صحبت حضرتعالی مشخص شود.

مقدم مراغه‌ای — بنده می‌گویم چنین شورائی که می‌خواهد مقررات مربوط به مجلس خبرگان وانتخاباتش وهمه چیزش را تعیین کند آیا چنین چیزی را صحیح می‌دانید؟ خداشاهد است صحیح نیست. (کرمی — آقای دکتر بهشتی یاجواب بدهید یاما می‌آئیم جواب می‌دهیم.)

نایب رئیس— آقای کرمی سؤال از شخص نیست ایشان مطلبشان را به‌صورت سؤال بیان

می‌کنند اجازه‌بفرمائید بعداً یک موافق پاسخ خواهد گفت.

مقدم‌مراغه‌ای — بنده‌برای اینکه منفی صحبت‌نکرده باشم وراه‌گشائی کرده‌باشم پیشنهاد میکنم‌لااقل به‌اولین مجلس منتخب این اختیار داده شود که‌یک‌گروهی که می‌خواهد یک چنین وضعی را باچنین اختیاراتی‌تعیین کند لااقل‌از طرف‌مردم نمایندگی داشته‌باشد.

دکتر ضیائی — آنها از طرف مردم نمایندگی دارند.

نایب رئیس — آقای دکتر ضیائی بنده خواهش کردم اجازه بدهید ایشان مطلبشان را بفرمایند و اگر آقایان اعتراضی دارند بفرمایند که اسمشان را اینجا بنویسند و روی نوبت بیایند صحبت کنند.

مقدم مراغه‌ای — دو مطلب است که هر اصلی بعد از این دو بعداً بیاید بنده این را پیش‌بینی کردم و حضور آقایان گفتم که از این ببعد این دو در هر حال تصادم هستند و آن مسألهٔ حاکمیت ملت و مسأله ولایت فقیه است که این را تا پیش خودمان حل نکنیم و خدا شاهد است که هنوز حل نشده است چون بنده سؤالاتی که اینجا میشود با دقت تعقیب میکنم و اگر می‌دانستم برای همهٔ آقایان حل شده این را عرض نمی‌کردم ولی نه برای آقایان حل‌شده و نه برای مردم ایران حل شده و ما داریم یک چیزی را از اینجا می‌گذرانیم که ابهام در آن هست ولی من می‌خواهم یک چیز روشنی باشد. به هر حال فرمودند کلی صحبت نکنید بنده‌هم اطاعت می‌کنم ولی من واگذاری چنین اختیارات را به اولین شورای نگهبان مصلحت‌نمی‌دانم شاید بهتر باشد به اولین مجلس منتخب واگذار شود.

تهرانی — اگر اجازه می‌فرمائید بنده بیایم و پاسخ ایشان را بدهم که این عین حاکمیت ملی است.

ربانی املشی — آقای مهندس مراغه‌ای هر وقت پشت میکروفون می‌آیند یک مطلبی ر می‌گویند که جنجالی ایجاد کند این بار هم که آمدند می‌گویند اگر بعد از این نوهٔ آقای‌بهشتی بیایند و صورت جلسات مجلس را ببینند آنوقت اعتراض می‌کنند این در حقیقت به این معنا است که ما این مطلب را خودمان تصویب نکردیم آقای بهشتی به ما دستور دادند و ماگفتیم بلی و اگرآقای بهشتی به ما بگویند نه ما هم می‌گوئیم نه، شما هروقت می‌روید پشت میکروفون یک مطلب علیه ما می‌گوئید.

کریمی — ایشان در بیاناتشان گفتند تصادم بین ولایت فقیه و حاکمیت ملت خواهد بود چطور این موضوع برای همه حل شده ولی برای ایشان حل نشده است؟

کرمی — آقای مراغه‌ای سه روز صبح و بعدازظهر اینجا می‌آمدید چرا حرف نمی‌زدید؟ حالا که می‌بینید اینجا تماشاگر هست حالا این مطلب را بیان می‌کنید و می‌خواهید تظاهر کنید.

مقدم مراغه‌ای — بنده مطالبم را در آن جلسات هم گفتم.

کریمی — ساکت باش.

نایب رئیس — آقای کریمی توجه بفرمائید آقای موسوی تبریزی به عنوان موافق‌صحبت می‌کنند و به‌نکاتی که آقای مراغه‌ای اینجا بیان کردند پاسخ می‌دهند. آقای‌دکتربنی‌صدر شما سؤالی دارید؟

بنی‌صدر — من می‌خواهم ببینم شما به شورای نگهبان چطور اختیار قانونگذاری داده‌اید

اقلا می‌نوشتید آئین‌نامه، یک چیزی بود خوب ایشان راست می‌گویند این یک سابقه‌ای میشود و معلوم میشود که ما دو مجلس قانونگذاری داریم.

نایب رئیس — بلی می‌نویسیم «آئین‌نامهٔ مربوط» تذکر خوبی است آقای موسوی بفرمائید.

موسوی تبریزی — این اصل ۸۰ از اول تا آخرش که در واقع تتمه اصل ۸۴ است غیراز یک جمله و یک نکته بقیه همانست که آقایان مراجع در رساله‌های خودشان نوشته‌اند حالا من تعجب میکنم چطور آدم این مسائل به اصطلاح پیش‌پا افتاده در رساله‌های عملیه را نتواند تصور بکند. ولایت فقیه و رهبری یک فرد یا رهبر به عنوان شورائی یکی از ضروریات مذهب است روز جمعه گذشته در محضر امام بودم پاسداران منطقه شش آمده بودند محضرشان آنجا صحبتی برایشان فرمودند جمله‌ای که فرمودند من یادداشت کردم که عین جملهٔشان را بگویم . ایشان فرمودند «کسی اگر بگوید اسلام منهای ولایت فقیه معنایش اینست که تا به حال اسلام را تجزیه و تحلیل نکرده است و معنای اسلام را نفهمیده است» بعد فرمودند اینقدر تقلید از غرب نکنید و اسم کلمهٔ خبرگان را هم آوردند و گفتند حتی اینها که در مجلس خبرگان هستند آنها نباید اینقدر تقلید از غرب و شرق بکنند چرا اصالت خودشان را باید از دست بدهند؟ این مطلب را صراحتاً فرمودند و نوارش هم موجود است که «کسی که مخالف ولایت فقیه است مخالف اسلام هست» و به‌نظرمن از ربقهٔ اسلام خارج است. این یک مطلب راجع به اصل ولایت فقیه. حالا بنده اول راجع به‌این اصل صحبت میکنم بعد جواب فرمایشات برادرم آقای مقدم مراغه‌ای را عرض میکنم ما گفتیم رهبر یا شورای رهبری را خبرگان تعیین بکنند چون ما رهبر را فقط نمی‌خواهیم که رهبر سیاسی باشد بلکه علاوه بر رهبر سیاسی بودن، باید مرجعیت هم داشته باشد که پشتوانهٔ مردمی داشته باشد و در مسألهٔ مرجعیت خبره می‌خواهد، این مسأله‌ای است که در رساله‌های عملی خود آقایان مراجع نوشته‌اند که حداقل دو نفر خبره در تعیین مرجع لازم هست ما هم اینجا گفته‌ایم چه کسانی هستند آن افرادی که به عنوان رهبر یا به عنوان شورای رهبری در مملکت رهبری خواهند کرد به اضافه مرجعیت‌شان، خبرگانی هستند، خبرگان یعنی آنهائی که اجتهاد اشخاص و عدم اجتهاد اشخاص را تشخیص می‌دهند و منظور این مجلس خبرگان نیست چون ولایت‌فقیه زیربنایش اجتهاد است ملاک خبره بودن اجتهاد است و آنها می‌آیند و تعیین می‌کنند. در کمیسیون بحث شد که آیا بگوئیم هفتاد نفر، جناب آقای دستغیب که الان اینجا تشریف ندارند ایشان فرمودند هفتاد نفر بعضی‌ها گفتند سیصد نفر بعضی‌ها گفتندصد نفر یا پنجاه نفر و بحث شد که از تمام بلاد و حوزه‌ها تعداد خبرگان چند نفر باید باشند بعد گفتیم بهتر است بگذاریم به عهدهٔ قانونی که بعداً می‌آید و تعدادی که خبرگان تمام بلاد و خبرگانی که درتمام حوزه‌های‌علمیه هستند صلاح بدانند این اول کیفیت انتخاب وتعدادشان را شورای نگهبان که شش نفر مجتهد جامع‌الشرایط هستند و من جمله «شرایطهم‌العداله» هست آنها تعداد و کیفیت انتخاب را بیان کنند حالا این کجایش مخالف شرع است؟ بنده نمی‌دانم کجایش مخالف حقوق بشر است. اما مسأله حاکمیت ملت که جناب آقای مقدم مراغه‌ای فرمودند این اصل ۸۴ را که با ۹۰ رأی تصویب کردید اگر این ولایت فقیه که در قسمت اول اصل ۸۰ مثل به اصطلاح رهبری امام خمینی باشد عین معنایش حاکمیت ملت است. حاکمیت ملت مگر

معنایش این نیست که مستقلا باید نظر و رأی بدهد؟ مگر حاکمیت ملت معنایش این نیست که من باید در سرنوشت خودم استقلال رأی داشته باشم؟ ببینید این ملت در پیش چشم شما است این مردم درپیش چشم شما هستند اینها همه می‌گویند حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله این را خودشان قبول دارند بعد از پذیرش مردم که ولایت فقیه از نظر اثبات در اصل پنجم هم بعد از پذیرش مردم اثباتاً پذیرش مردم را پشتوانه برای آن قرار دادیم و نه ما قرار دادیم بلکه خدا قرارداده است لهذا حاکمیت ملت عین ولایت فقیه است و اگر قسمت دومش را بفرمائید، قسمت دوم که خبرگانی بیایند و یک نفر که اوصاف ویژه و خاصی دارد از بین مراجع یا به عنوان شورای رهبری انتخاب کنند این کار با حاکمیت ملی کجایش مخالف‌است؟ اما آن چیزی که ما می‌دانیم از قانون شرع که ان‌شاءالله تا آخر هم خلاف شرع در این‌قانون اساسی بقدر پرکاه یا بقدر سر مو پیدا نخواهید کرد آنچه که ما از قانون خودمان می‌دانیم خبرگان را مردم انتخاب می‌کنند پس از اول اساس رهبری را زیرپای‌حاکمیت ملت‌می‌گذاریم، که مردم خبرگان را انتخاب بکنند و خبرگان بیایند و نظر بدهند در مورد افرادی که در رأس علمای شیعه هستند و ببینند کدام یک صفت اجتهاد، عدالت، تقوا وآن صفاتی را که برای رهبر گفتیم دارا هستند یا دارا نیستند این کجایش با حاکمیت ملت مغایرت دارد؟ من نمی‌خواهم بگویم جناب آقای مقدم مراغه‌ای عمداً مخالفت می‌کنند برای اینکه این خلاف شرع است که دربارهٔ ایشان بگویم ولی از ایشان خواهش میکنم این مسائل راکه جنبهٔ تخصصی دارد مثل مسألهٔ ولایت فقیه که بعد از غیبت کبرای امام زمان علیه‌الصلوة والسلام به اصطلاح اسلام شاهنشاهی به من و شمامعرفی کردند وحالا ما از اسلام فقط‌اسلام‌شاهنشاهی را می‌دانیم، در این مسائل که مسأله تخصصی است اگر برادران محترم یک مقدار مطالعات بیشتر داشته باشند می‌فهمند که جریان امر چیست و دیگر بیجا مخالفت نمی‌کنند پس‌بنابراین نه این اصل با حاکمیت ملت مخالفت دارد و نه خلاف شرع است و نه مخالف حقوق حقهٔ مردم است و اینکه به عهدهٔ قانون گذاشته است که شورای نگهبان و آن شش نفر، علتش اینست که ما دیدیم بهترین مرجع برای تعیین خبره و برای تعیین تعداد خبره و کیفیت‌انتخاب، همان شش نفر نواب امام زمان هستند که در رأس مجلس شورای ملی هستند و باید از نظر تطبیق قانون با شرع آنها نظارت داشته باشند، به این جهت به عهدهٔ آنها گذاشته شده است که قانون نحوهٔ تشکیل مجلس خبرگان را معین می‌کنند بعد ملت آنها را انتخاب میکند و این عین حاکمیت ملت است نه اینکه مخالف حاکمیت ملت، این عرض من بود.

مکارم شیرازی — آیا منظور شش نفر مجتهد است یا همه اعضاء؟

نایب رئیس — خیر آقا همه اعضاء.

مکارم شیرازی — من می‌گویم اگر دو طرح برای خبرگان در شورای نگهبان آمد یک طرحش را شش نفر حقوقدان و یک نفر مجتهد موافقت کرد و طرح دومش را پنج نفر مجتهد موافقت کرد با توجه به اینکه ما می‌خواهیم وضع نظام ولایت فقیه را بدهیم آنوقت معنیش اینست که این پنج تا را بگذاریم کنار و آن هفت تا را بپذیریم؟

نایب‌رئیس— پیشنهاد میشود که‌این رابکنیم دوسوم آراء. آقای‌دکتربنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — می‌خواستم جواب بدهید که چرا این را در اختیار مجلس اول نگذاشتید؟ اگر احتمال این بوده است که مجلس در روزهای اول این را تصویب نکند میشود در اینجاقید کرد

در اولین روز رسمیتش این را تصویب بکند چون این تعبیرش اینست که سوءظن به نمایندگان مردم ممکن است باشد.

نایب رئیس — خیر چنین چیزی نبوده است.

بنی‌صدر — زیرا آئین‌نامه نوشتن و قانون نوشتن از شئونات مجلس شورای ملی هست و این هم که از جمله قوانین الهی نیست که بگوئیم فقها فقط می‌توانند بفهمند. نظامنامه‌نوشتن کار مجلس است این را باید به عهدهٔ مجلس گذاشت و اینجور تعبیر نشود که شما همه چیز را خاصه می‌کنید.

نایب رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — به نظر من اشکال ندارد که ولو دو نفر مجتهد باشد با عده‌ای حقوقدان این کار را انجام بدهند این کاری که نمی‌خواهد بکند می‌خواهد نظامنامهٔ داخلی را بعداً به تصویب رهبر انقلاب برساند یا اینکه قانون انتخابات را تصویب بکند به نظر من هیچ اشکالی ندارد.

نایب رئیس — آقای بنی‌صدر چیزی که ما اینجا نوشته‌ایم شما توجه دارید که قانون انتخابات این مجلس را شورای انقلاب تهیه کرد و قانونیت آن به اعتبار تصویب شورای انقلاب است. تصویب شورای انقلاب هم قانونیت آن به اعتبار تعیین رهبر مورد تأیید ملت بود ما فکر کردیم که قانون‌انتخابات مربوط به‌خبرگان را فرض کنید دراینجا می‌نوشتیم که از حقوق شورای انقلاب فعلی هست حالا عرض من اینست که برای اینکه این ممکن است طول بکشد ماحساب کردیم که شورای نگهبان آینده چیزی است که ترکیب وخصوصیاتش، البته من فقط حقوقش را عرض میکنم،ما اگر این یک حق را با توجه به اینکه ماهیتش یکی هست ماهیت آن شورای نگهبان آینده وترکیب و ویژگی‌هایش با ترکیب وماهیت‌شورای انقلاب تقریباً مشابه به‌نظر می‌رسد با این چیزهائی که دیدیم. (فارسی — به‌جای مجلس است.) اجازه بدهید این به جای مجلس را اگر شما در قانون اساسی آمدید در یک مورد معین برای یک بار و نه برای همیشه یک حقی را به اولین شورای نگهبان دادید چون می‌دانید در اولین‌دوره‌های قانونگذاری از این‌جور چیزهائی که مربوط به اولین دوره است پیش می‌آید. (فارسی — اشکالش همین یک بار است.) حالا توضیح عرض میکنم.

کرمی — شورای نگهبان حقوقدانانش هیچ سنخیتی باخبرگان فقه ندارند اینجا منظور فقط فقهای شورای نگهبان هستند که این کار را انجام بدهند.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید چون ما نمی‌خواهیم مشکلی حل نشده مسأله‌ای دیگر بوجود بیاید آن چیزی که آقایان پیشنهاد می‌کنند اینست که بنویسیم « قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامهٔ داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید بوسیلهٔ فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنها...» (کرمی — اکثریت را باید حذف کنید) خیر آقای کرمی اینکه نمی‌شود اکثریت آراء خود آنها باید باشد. حالا بنده یک بار دیگر برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۸۵ (اصل یکصد وهشتم) — قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان ، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامهٔ داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیلهٔ فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهائی رهبر انقلاب برسد ازآن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون از اختیارات خود مجلس خبرگان‌است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و شش نفر، تعداد کل آراء شصت و هفت رأی، یک رأی به قید قرعه خارج شد ، آراء موافق پنجاه و یک رأی، آراء مخالف سه رأی، آراء ممتنع دوازده رأی بنابراین تصویب شد تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۶ — پایان جلسه

نایب رئیس — آقای تهرانی تذکری فرستاده‌اند که بنده هم قبلا می‌خواستم عرض کنم و آن اینست که «کسیکه مخالف ولایت فقیه است از ربقه اسلام خارج است» این تعبیرمناسبی به نظر نمی‌آید و به خصوص که حالا نسبت داده شد به امام، بنابراین سعی بشود که در این تعبیرها دقت بشود که مبادا سوء تفاهم‌های اساسی پیرامون انقلاب ما بوجود بیاورد . جلسه را ختم می کنیم و فردا صبح ساعت هشت جلسهٔ گروهها خواهد بود و بعدازظهر جلسهٔ علنی رسمی خواهیم داشت.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و یکم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده ودوازده دقیقه روز ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با هجدهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱- بیانات آقای دکتر بهشتی پیرامون مراسم بزرگداشت شهادت پاسداران سردشت .....
۲- طرح و تصویب اصل ۸۶ (اصل یکصد ونهم) .....
۳- طرح اصل ۸۷ .....
٤- پایان جلسه .....

۱- بیانات آقای دکتر بهشتی پیرامون مراسم بزرگداشت شهادت پاسداران سردشت

نایب‌رئیس— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . امروز هم ما وملتمان درسوگ جوانان جانباز عزیزی بسر بردیم که برای دفاع ازاسلام و انقلاب اسلامی وسرزمین اسلام در راه خدا شهید شدند. امروزصبح سه‌نفر از دوستان درمراسم تشییع آنها شرکت کردند تا سهمی ناچیزاز مجلس ما، دربزرگداشت این بزرگان به‌حق انقلاب باشد. ازخدای متعال برای آنهاطلب‌رحمت‌وسعادت هرچه بیشتر می کنیم ومی‌خواهیم که مارا هم از شهادت بی‌نصیب نگرداند وبه احترام وبه‌یاد آنها سوره‌ای ازقرآن را تلاوت می کنیم. (حضاربرای شادی روح شهدا درحال قیام سوره حمد واخلاص را تلاوت نمودند.) غفرالله‌لهم‌ولنا .

۲- طرح و تصویب اصل ۸۶ (اصل یکصد ونهم)

نایب‌رئیس— اصل ۸۶ مطرح است که قرائت می کنیم :

اصل۸۶— شرایط و صفات رهبر یا اعضای شورای رهبری :

۱ — صلاحیت علمی وتقوائی لازم برای افتاء و مرجعیت.

۲— بینش سیاسی واجتماعی وشجاعت وقدرت مدیریت لازم برای رهبری .

این‌در حقیقت چیزی جزبیان همان شرایطی که دراصل پنجم آمده بود نیست واضافه‌ای ندارد وفکر می کنم با تصویب آن اصل پنجم این‌اصل دیگر اشکالی ندارد منتها لازم بوده که اینجا هم ذکر شود ولی‌با این‌حال می‌بینم که آقایان برای صحبت کردن اسم نوشته‌اند،آقای ربانی املشی بفرمائید . (ربانی‌املشی— موافق هستم.) آقای جوادی شما ؟

جوادی— اگر درقسمت(۲) به‌جای «لازم»، «کافی» باشد بهتر است .

نایب‌رئیس— همین‌طور است وبهتر خواهد بود. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی— عرض شود «صلاحیت‌علمی» کافی به‌نظر نمی‌رسد برای این که باید دارای ملکه اجتهاد که تعبیر از او به‌قوه قدسیه‌الهیه می‌نمایند باشدوبرای رسیدن به‌آن مقدماتی لازم است که انسان بپیماید وممکن است مثلا ازمیان ده‌هزار نفر، افراد معدودی به‌این مقام رفیع برسند واین کلمه «صلاحیت‌علمی» یک لازمه اعم است وآن مقصدی راکه ما داریم نمی‌رساند که دارای قدسیه الهیه اجتهاد باشد .

نایب‌رئیس— دوستان دیگر این‌بیان راکافی دانستند متشکرم. آقای فوزی بفرمائید.

فوزی— شرایط افتاء و مرجعیت ازهفت تا یازده شرط ذکر شده است علیهذا لازم است که اینجا اضافه شود «وشرایط لازم برای افتاء ومرجعیت» اگر «شرایط‌لازم» اضافه شود معلوم می‌شود که شرایط دیگری‌هم هست .

نایب‌رئیس— بسیار خوب آقای رحمانی بفرمائید .

رحمانی— دوسؤال دارم یکی اینکه دراصل پنجم مرجعیت را ذکر نکرده‌اید ودر این اصل واصل دیگر مرجعیت را ذکر کرده‌اید. درصورتی که بین مرجعیتی که ملاك آن اعلمیت هست و بین رهبر با شرایطی که دراصل پنجم ذکر شده است تفاوت است .

نایب‌رئیس— ما این رادراصل ۸۴ و۸۵ قبلا تصویب کرده‌ایم وگذشته‌ایم‌بعدازتصویب آن دیگر جای بحث نیست .

رحمانی— خوب، مطلب دوم این‌است با وجود اصل‌پنجم این‌اصل زائد به‌نظر می‌رسد.

نایب‌رئیس— به‌هرحال اینجا مکررگفته شد که هریك ازاصول کلی زیربنای هریك‌فصل از فصول بعدی هستند بنابراین به‌شکلی درآن فصول خواهندآمد. خوب، اگر بحث دیگری نیست برای رأی‌گیری این اصل را می‌خوانم :

اصل ۸۶ (اصل یکصد و نهم)— شرایط وصفات رهبر یا اعضای‌شورای رهبری:

۱—صلاحیت علمی وتقوائی لازم برای افتاء ومرجعیت .

۲— بینش سیاسی و اجتماعی وشجاعت وقدرت مدیریت کافی برای رهبری .

ربانی‌شیرازی— «تقوائی‌لازم» صحیح نیست بنویسید «وتقوای لازم» .

نایب‌رئیس— «تقوائی» هم باشد عیبی ندارد لطفاً رأی بگیرید .

(آقایان دکتر روحانی وعضدی درمحل نطق حاضر شدند وپس از شمارش‌آراء نتیجه به قرار زیر اعلام‌گردید.)

نایب‌رئیس— نتیجه رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، عده حاضر درجلسه هنگام‌اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت‌رأی، آراء موافق پنجاه‌وهفت‌رأی، مخالف ندارد، آراء ممتنع سه‌رأی بنابراین، این اصل به تصویب رسید، تکبیر. (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

همان‌طورکه قبلا هم عرض شد چون مفاد این اصل قبلا هم تصویب شده بود توانستیم به سهولت به‌آن رأی بدهیم .

۳- طرح اصل ۸۷

نایب رئیس— اصل۸۷ مطرح است که قرائت می‌کنم :

اصل۸۷— وظایف واختیارات رهبری :

۱— تعیین فقهای شورای نگهبان .

۲— نصب‌عالیترین مقام قضائی کشور.

۳— اعلان جنگ وصلح در موارد خطر فوری وفرستادن آن به‌مجلس‌شورای ملی برای رسیدگی ورأی گیری .

۴— فرماندهی عالی کل قوا .

۵— اتخاذ تصمیم درباره عزل رئیس‌جمهور به ترتیب زیر :

هرگاه رئیس‌جمهور به خیانت وتخلف ازوظایف قانونی خود متهم شود یا در مظان‌ضعف وناتوانی درایفای وظایف خود قرارگیرد، موضوع برای رسیدگی به مجلس شورای‌ملی ارجاع می‌شود. مجلس به‌موضوع رسیدگی می‌کند ودرصورتی که اکثریت رأی دادند ، پرونده رابرای محاکمه به‌شورایعالی قضائی می‌فرستند. درصورت رأی شورایعالی قضائی به ثبوت اتهام، رهبری با درنظرگرفتن مصالح کشور تصمیم لازم را اتخاذ واجرا می‌کند .

خوب هجده نفر ثبت‌نام کرده‌اند برای صحبت ، من یکی‌یکی می‌خوانم و اول با دست رأی می‌گیریم .

«۱— تعیین فقهای شورای نگهبان» آقایانی که اینجا اسم نوشته‌اند دراین مورد اشکالی دارند؟ (نمایندگان— خیر) پس موافقین دست‌بلند کنند (اکثریت دست بلند کردند) تأیید می‌شود .

«۲— نصب عالیترین مقام قضائی کشور» دوستان در این مورد صحبتی دارند ؟ آقای منتظری بفرمائید .

منتظری— دادستان ورئیس دیوانعالی کشور دومقام محسوب می‌شوند واین جمله روشن نیست چون هردو باید ازطرف رهبر منصوب بشوند .

نایب‌رئیس— سؤال آقای منتظری این است که ازکلمه «عالیترین» یک مقام فهمیده می‌شود درحالی که ممکن است دومقام هردو عالیترین مقام قضائی کشور باشند رئیس‌دیوانعالی کشور به‌عنوان قاضی نشسته و دادستان کل کشور به عنوان قاضی ایستاده وبنابراین عبارت طوری باشد که اگر درکشور دومقام یا سه مقام همطراز قضائی وجود داشتند که هرسه‌عالیترین بودند هرسه را شامل بشود حالاما این کار را می کنیم که‌اگر درآینده دربحث قوه قضائیه‌واقعاً دیدیم چندمقام داریم در دورنهائی این را می کنیم «مقامات» ولی فعلا به‌نظر من‌شامل‌میشود، آقای دکتر قائمی بفرمائید .

دکترقائمی— ما وقتی این‌اصل را می‌نوشتیم منظورمان این‌بود که عالیترین مقام‌قضائی را رهبر یا شورای رهبری انتخاب کنند وقضات دیگر به‌وسیله این مقام منصوب شوند .

نایب‌رئیس— این‌را که نمی‌شود اینجا نوشت این‌را دراصول مربوط به قوه‌قضائیه درنظر می‌گیریم .

دکترقائمی — «عالیترین مقام قضائی» یک‌جنبه ابهامی دارد برای این که الان ما نمی‌دانیم که وزیر دادگستری عالیترین مقام به‌حساب می‌آید یا رئیس دیوانعالی کشور، ازآن جهت که ما نمی‌دانیم حکم قضات را چه کسی امضاء می کند .

نایب‌رئیس— مقامات عالی غیراز عالیترین است برای این که رؤسای هریک از شعب دیوانعالی کشور هم مقامات عالی قضائی هستند فقط اگر خیلی وسوسه هست می‌توانیم بنویسیم عالیترین مقامات عالی کشور ولی من‌گمان می کنم، این‌ابهام را زیاد اهمیت ندهیم چون‌مطلب معلوم است که چیست .

حجتی کرمانی— چرا اهمیت ندهیم؟

نایب‌رئیس— این‌ابهام اطلاقی است‌نه ابهام اجمالی، این‌اطلاق راما دراینجا محفوظ نگهداریم تا وقتی که قوه قضائیه تمام شد بعد اینجا رسماً اسم ببریم وقتی که دراصول قوه قضائیه مشخص شد که چه کسانی هستند بعد، این عنوان را برمی‌داریم نه مقامات می‌گذاریم ونه‌مقام می‌گذاریم صراحتاً می‌نویسیم نصب فلان‌وفلان. ما ممکن است یک شورایعالی‌قضائی داشته باشیم مشرف بر تمام مقامات قضائی کشور آن وقت می‌شود «نصب اعضاء شورایعالی قضائی کشور» .

حجتی کرمانی — همین را بگذارید تا ما بفهمیم به‌چه رأی میدهیم.

نایب‌رئیس — هنوز نمی‌دانیم چیست درفصول مربوط به‌قوه قضائی می‌آید و برای‌این

که بدانید به‌چه رأی میدهید باید گفت که شما به‌عالیترین مقام رأی میدهید حالا می‌خواهد فرد باشد یا گروه.

دکتر قائمی — این ابهام دارد ازاین جهت که منظور ما این است که حکم قضات بعدی را چه کسی امضاء می‌کند این مهم است.

نایب‌رئیس — جای‌آن در قوه قضائیه می‌باشد. آقای دکترغفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری— باتوجه‌به‌آن اصلی که مربوط به شورایعالی قضائی هست و پیش‌بینی شده که درآنجا یازده یا دوازده عضومی‌باشد بعضی ازاینها را رهبرنصب می‌کند وبعضی دیگر را چون با انتخاب قضات دیوانعالی کشور است بعداً تأیید میکند اگر صلاح باشد این‌طور بشود «نصب و تأیید مقامات قضائی طبق قانون».

نایب‌رئیس — به‌نظر خیلی از دوستان این عبارت همین‌طور کافی است بنابراین...

سبحانی — این‌طور بنویسید «نصب عالیترین مقامات قضائی کشور یا تنفیذآن» میخواهم قضاوت شرعی باشد.

نایب‌رئیس— شرعی است ولی باید معین کند.

حجتی کرمانی — پیشنهاد آقای دکترغفوری چه‌اشکالی‌دارد؟

نایب‌رئیس — برای‌این که هنوز معلوم نیست که چه کسی نصب میشود وچه کسی تأیید میشود.

حجتی کرمانی — بعداً تکلیفش معلوم میشود.

نایب‌رئیس — توضیح این‌است که اصلا ممکن است درآن نصب نباشد و فقط تأیید باشد.

حجتی کرمانی —گفتند طبق قانون یعنی قانون معین می‌کند.

نایب‌رئیس — ما می‌خواهیم اینجا بگوئیم مسلماً کسی را داریم که او نصب می‌کند.

حجتی کرمانی — شما در شورایعالی قضائی خواهیدرسید که یک چند نفری را منحصراً باید شورای رهبری منصوب بکند.

نایب‌رئیس — پس اصل نصب را اینجا می‌خواهیم محفوظ نگهداریم اما آن لفظ «یا» اگر بیاید طوری است که دراینجا این‌اصل «نصب» را برای او محفوظ نگه نمی‌داردبه «تأیید» فقط مربوط میشود.(ضیائی— نوشته شود «عالیترین مقامات») آقای دکترضیائی‌گفتیم وقتی عالیترین مقامات‌گفته میشود فقط طوری نیست که آن دوتائی که همطراز هستند را شامل بشود عالیترین مقامات یک عبارتی است که هنوزآن ابهام خودش را دارد بنابراین...

دکترضیائی — مقامات عالی غیر از عالیترین مقامات است عالیترین مقامات عبارت است ازسه‌نفر یا پنج نفری که باید ازطرف رهبرنصب بشوند برطبق آن اصول قضائی که‌نوشته شده است.

تهرانی — ممکن است یک نفر عالیترین مقام باشد.

نایب‌رئیس — فکرمی‌کنم که روا نباشد که بیشتر برسر این لفظ معطل بشویم. آقای طاهری بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی— به‌نظرمیرسد به‌همین شکل مطلب باشد برای این که درشورایعالی قضائی که پیش‌بینی شده اولا تعداد آن هنوز معلوم نیست. آقای دکتر غفوری میفرمایند

یازده نفر، بعضی ازاعضای کمیسیون می‌گویند هفت نفر وباز درآنجا مجتهدین این شورا هنوز معلوم نیست که همه از طرف رهبر باشند یا فقط دادستان و رئیس دیوانعالی کشور از طرف رهبر باشند نظرات‌مختلفی است که اینها بعداً باید معلوم بشود بنابراین به‌نظرمیرسد که مطلب به‌همین شکل باشد.

نایب‌رئیس — من خیال می‌کنم این‌متنی که تهیه شده اگر به‌آن رأی بدهید مخل کار آینده‌مان نخواهدبود موافقین به «نصب عالیترین مقام قضائی کشور» دست بلند کنند(اکثریت دست بلند کردند.) تأیید میشود. قسمت سه را می‌خوانم «۳- اعلان جنگ و...»

منتظری — آن قسمت «فرماندهی عالی کل قوا» را بیاورید در ردیف ۳ «اعلان جنگ و صلح الی‌آخر» را در ردیف ٤ قرار بدهید چون اول باید فرماندهی‌عالی کل قوا باشد تا بتواند اعلان جنگ یا صلح بکند.

نایب رئیس — فرقی نمی‌کند میخوانم:

«۳ — فرماندهی عالی کل‌قوا» آقای دکترآیت فرمایشی دارید؟ (آیت — من موافقم.) آقای موسوی اردبیلی شما ؟ (موسوی اردبیلی — من مخالفم.) پس اجازه بفرمائید اول یک موافق و یک مخالف صحبت کنند. آقای موسوی اردبیلی به عنوان مخالف بفرمائید .

موسوی اردبیلی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من با این اصل این‌طورکه تنظیم شده‌معتقدم هم زیادی دارد و هم کسر دارد البته کسرش را اینجا من متوجه شدم ما راجع به نصب نخست‌وزیر فکر می‌کردیم نه به‌عنوان نصب، به عنوان اینکه بالاخره باید یک جوری باشد انتصابی، حالا من عرض می‌کنم که خودم چه‌طور فکرکرده بودم انتصابی به مقام رهبری داشته باشد تا این نحو تضادی که در فکر من هست و شاید در فکر آقایان هم باشد راجع به حکومت شرعی و عرفی و امثال اینها این به‌کلی از بین برود و حداقل ما بگوئیم این‌مأذون از طرف او است منتها بحث بر سر این بود، کاندید بدهد ، کاندیدهای دیگر آزاد باشند، کاندیدهای دیگر آزاد نباشند، یک فرض آن‌هم این است که‌شرایطی که بعدبرای‌رئیس‌جمهور تعیین خواهد شد که من بعد به نظرم رسید که بهترین طرز آن اینست مرجع این که تشخیص صلاحیت بدهد مقام رهبری باشد این خودش امضای او است. (نایب رئیس — شما مربوط به‌کل اصل صحبت می‌فرمائید.) راجع به فرمانده‌کل قوا هم عرض خواهم کرد راجع به‌این موضوع کسر اصل است و من معتقدم اگر او نباشد که بالاخره روی او اصرار هم هست چون ما عزلش را گفتیم ولی راجع به نصب او اینجا چیزی نیامده من نمی‌دانم در اصل دیگرمیخواهد بیاید؟ چون اگر جای دیگر هم بیاید موردی ندارد البته این موضوعی را هم که عرض کردم فکر من نیست و در جلسه یاد گرفتم و پسندیدم که یک رأی این بود که او کاندید بدهد ورأی دیگر این بود که شرایط را وکاندیدها را هرکه می‌خواهد بدهد...

نایب رئیس — آقای موسوی عذر می‌خواهم این با رویه‌ای که ما می‌خواستیم دربررسی این اصل دنبال کنیم مغایرت دارد الان من خواهش کرده بودم کسانی که فقط درباره «فرماندهی عالی کل قوا» مطلبی دارند صحبت بفرمایند و بعداً وقتی ما بند، بند کار این اصل را تمام کردیم در آخر کار دو مرتبه سؤال می‌کنیم که آیا کسی، کسری این اصل دارد آن‌وقت دوستان می‌آیند نظرشان را میدهند.

موسوی اردبیلی — اشکالی ندارد یعنی شما میفرمائید دو مرتبه بیایم اینجا این مطالب

را تکرارکنم؟ من مطالب خودم را گفتم فقط میگویم این کسر این اصل بود و اما اضافه‌اش راجع به فرماندهی کل قوا در آن موردی که صبح هم در گروه گفتم که حدود و اطرافش معین باشد، و دیگر وقت آقایان را نمی‌گیرم فقط عرض می‌کنم اگر آقایان احتمال میدهند یک چیز دیگر لازم است اضافه شود عیبی ندارد و آن اگر نباشد من به عنوان جمله « فرماندهی کل قوا» مخالفم . (ربانی املشی — بفرمائید که صبح چه گفته‌اید چون بعضی از آقایان صبح در گروه نبودند .) آخر آقای دکتر بهشتی تذکر میدهند که وقت تمام شده . من عرض کردم در فرماندهی کل قوا آن مقداری که ما می‌خواهیم کنترل ارتش از نظر حرکتهائی که ممکن است یک وقت برخلاف مصالح کشور تمام بشود کنترل آن مقدارش باید در دست مقام رهبری باشد و هر چیزی که در این مورد است ما در اینجا بیاوریم اما فکری در این جهت که یک وقتی حرکتی در ارتش برخلاف مصالح کشور ازطرف اجانب یا عناصر داخلی، کشور را، استقلال را، جمهوری اسلامی را تهدید کند گفتم هر چیزی که در او دخالت‌دارد آن مقدار را بیاوریم و اما بقیه کارها که مربوط به اداره و تنظیمات لشکری است ودخالتی درآن مسأله ندارد نیاوریم و من چون فکر می‌کنم فرماندهی کل قوا هردوی اینها را دربرمی‌گیرد وآن قسمت دوم در شأن رسیدگی مقام یک مرجع نیست لذا با این کلمه مخالفم اما هرچیزی که درآن قسمت اول دخالت دارد با آوردن آن موافقم.

نایب‌رئیس — آقای دکترآیت به‌عنوان موافق بفرمائید.

دکترآیت— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. توجه‌بفرمائیدزبان‌فارسی‌گاهی اوقات‌لطیفه‌های‌جالبی دارد داستان معروف را شنیده‌اید که می‌گوید از سطح زمین تا لب بام ازآن من از لب بام تابه ثریا ازآن تو، ما آمدیم درمورد ولی امر درحدود شش روز یا بیشتر بحث کردیم وسروصدا ایجاد شد، مقالات نوشته شد تا اصلش به‌تصویب رسید اما حالا به‌اختیارات که رسیده‌ایم درحقیقت هیچ، شما بخوانید تنها قسمتی که می‌شودگفت حساس است و جزء اختیارات هست همین فرماندهی کل قوا است بقیه تعارف است ومطلبی نیست و این‌راهم الان می‌گویم که چرا تعارف است حالا راجع به‌این فرماندهی کل قوا عرایضم را بکنم تا بعد برسیم به تعارفات. ما یک انقلاب کرده‌ایم و بدیهی است که این انقلاب باید حفظ بشود وادامه پیدابکند. در دنیائی هستیم که می‌بینیم انقلابات متعددی شده است وکودتا شده وآن انقلاب را ازبین‌برده و عموماً وقتی برمی‌گردیم و ریشه کودتاها را پیدامی کنیم می‌بینیم درارتش بوده و علتش هم این بوده‌است که ابتکار عمل در ارتش دست دیگران بوده. اینکه ما می‌گوئیم فرماندهی عالی کل قوا باید به‌عهده رهبر باشد اول به این دلیل است که خواه ناخواه دراین قانون ما باید این فرماندهی را به‌عهده یک مقامی بگذاریم وچه‌مقامی مطمئن‌تر ازامام و رهبر است. دوم این که گفتیم می‌خواهیم مانع از بعضی از اعمال بشویم وباز آن رهبراست که می‌تواند مانع بشود این هم که گفته شد امام یا رهبر نباید درتمام امور ارتش دخالت بکند هیچ وقت فرماندهی کل قوا مفهومش این نیست من صبح هم گفتم شما قوانین اساسی دنیا را اگر بخوانید رؤسای‌جمهور وسلاطین، فرماندهی کل قوا را دارند، معمولا هم نظامی نیستنددرتمام امور هم مداخله نمی‌کنندفرماندهی کل قوا یعنی این که اولا مقامات خیلی حساس وبالای ارتش نصبشان به‌امضای او است و اوهم خودسرانه این کاررا نمی‌کند پیشنهاد می‌کنند اماتا او امضای آخر را نگذارد کار تمام نمی‌شود و این ابتکارعمل باید در دست رهبرباشد که‌دیگری

یا دیگران نتوانند مهره‌های خودشان را درپست‌های حساس بگذارند وآنها کاری راکه‌نباید، انجام بدهند. دیگراینکه آماده باش ومراحل خیلی مهم به‌دستور فرماندهی کل قوا هست و مفهومش غیرازاین هیچ چیز دیگر نیست وگفتم درتمام قوانین اساسی دنیا این موضوع ذکر شده است اگر درآنها عیب است این‌هم باید عیب باشد اگر به‌دیگری میدهیم که آن‌هم‌ممکن است عیب باشد روی این اساس هست که‌به‌خاطرجلوگیری ازکودتا تا آنجائی که ممکن‌است وبه خاطر حفظ انقلاب و تداوم انقلاب وگذشته ازآن ازنظرشرعی و مذهبی هم ولی امرمهمترین اختیارش همین است که ارتش وقوای مسلح به‌طورکلی دراختیارش باشد ولی این که ترفیعات چه‌شکلی هست چه کسی افسر میشود چه کسی امیر میشود این بدیهی است که‌یک‌قواعد و قوانینی هست حالا ازاین‌گذشته اگرهم بخواهید بعضی چیزها را جداکنید اینجا به‌طورکلی ذکرمی‌کنیم در اصول آینده می‌شود بعضی قیود را دربعضی موارد که لازم است بیاوریم همیشه رسم است درقانون اول عام را می‌آورند و بعد استثنائات را ذکرمی‌کنند پس‌فرماندهی کل قوا باید دراختیار امام باشد چون مطمئن‌ترین‌فرد است، چون‌می‌خواهیم که انقلاب ادامه پیداکند وبعد سایر مسائل را می‌شود در اختیارات هیأت دولت و رئیس جمهوری وسایرمقامات گذاشت اگر می‌خواهید استثنائاتی باشد درآنجا بیاوریم والسلام.

نایب‌رئیس — آقای مکارم به‌عنوان مخالف دوم بفرمائید صحبت کنید.

مکارم شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بنده فکرمی‌کنم مسألهٔ فرماندهی کل‌قوا، هم یک بحث کلی دارد وهم یک‌بحث خصوصی. امروز بعدازظهر دراین‌مورد یادداشتی‌مینوشتم برای‌این که این اصل به‌عقیده قاصر من یک اصل سرنوشت سازی است و این اصل راخیلی مهم میدانم و فکرمیکنم سرنوشت قانون اساسی ما تا حد زیادی به‌این اصل پیوسته است و تقاضایم این هست که آقایان هم صحبت بفرمایند. یک خرده روی این اصل با دقت بیشتری مطالعه و بررسی بفرمایند تا بهتر به جلو برویم. من با وجودی که سابقه صحبت کردن خیلی زیاد دارم ولی فکرکردم در این اصل سرنوشت‌ساز منحرف از مسیر نشوم و آن سخنانی که دارم بنویسم، مخصوصاً راجع به‌رهبری کل قوا، و قسمتی هم کلیاتی است که منطبق میشود روی مسأله رهبری کل قوا و میدانم این عرایضم بر بعضی از برادران عزیز شاید یک مقدار ناگوار باشد. تقاضا و خواهش میکنم به عنوان اینکه این اصل ، اصل سرنوشت‌سازی است و برای اینکه آزادی را هم رعایت کرده باشیم اجازه بفرمائید من عرایضم را از این ببعد از روی نوشته بخوانم.

خدایا تو میدانی من به خاطر حمایت از آئین تو و ازبندگان تو این سخنان را میگویم. من میدانم اگر به‌مصلحت شخصی بیندیشم باید حداقل دراینجا سکوت اختیارکنم زیرا حداقل آن این است که بعضی ازدوستان حاضرازمن میرنجند ولی من ان‌شاءالله ازآن‌افرادی نیستم که به‌خاطرحفظ مصالح شخصی چشم از مصالح دین تو و بندگان تو بپوشم . (همهمهٔ نمایندگان)

نایب رئیس— از دوستان خواهش میکنم نظم جلسه را رعایت کنند. ایشان خواهش کرده بودند اجازه بدهید صحبتشان را بفرمایند.

مکارم شیرازی— بنده مطالبی یادداشت کرده‌ام که بخوانم اگر اجازه میدهید میخوانم، چون به عقیدهٔ من سرنوشت قانون اساسی به این اصل وابسته است. (همهمهٔ نمایندگان)

ربانی املشی— من نمی‌دانم چرا دوستان همهمه میکنند و نسبت به حرفهای آقای مکارم

حساسیت نشان میدهند اجازه بدهید صحبتهایشان را بگویند .

نایب رئیس— بار دیگر خواهش میکنم نظم جلسه را رعایت فرمائید. آقای مکارم ادامه بدهید.

مکارم شیرازی— اگر حوصله بفرمائید و تا آخرگوش بدهید خواهید دید این مطالب، مطالب بدی نیست، و من بی‌حساب و بی‌گدار به‌آب نمی‌زنم و صحبت نمی کنم .

هاشمی‌نژاد— اکثریت دوستان معتقدند که این سخنرانی ایشان سوء اثر دارد.

مکارم شیرازی — نخوانم؟ چشم، اگر اجازه نمی‌دهید نمی‌خوانم، من به نظر شما و اکثریت احترام میگذارم. (عده‌ای از نمایندگان— بخوانید آقا، بخوانید.) چشم، ولی من انشاءالله از آن افرادی نیستم که به‌خاطرحفظ مصالح شخصی چشم ازمصالح دین تو بپوشم من این کار را نوعی شرك و بت‌پرستی میدانم. من آنچه را تشخیص داده‌ام (میان خودم و میان تو) میگویم این‌شنوندگان وبرادران‌عزیزهرچه می‌خواهند فکر کنند من آمادهٔ‌پذیرا شدن هرگونه پاسخی در این راه از این دوستانم هستم. من میدانم هریك از آقایان حاضر در گوشه‌ای از این مملکت صاحب نفوذ و احترامند، نباید آنها را رنجیده خاطرکرد ولی رضای تو بالاتر ازهمهٔ اینها است و توحید از این ملاحظات دور است «کلما شغلك عن‌الله فهو صنمك»، «هر چیز تو را از خدا دورکند بت تو است» من این اصل را یك اصل سرنوشت‌ساز میدانم من فکر میکنم اگر این اصل به همین صورت تصویب شود آیندهٔ قانون اساسی در خطر است، آیندهٔ انقلاب و آیندهٔ خون شهیدان در خطر است، و چیزی نمی‌گذرد که فاتحهٔ بقیهٔ اصول مفید و سازندهٔ این قانون نیز خوانده خواهد شد ، به همین دلیل سکوت را جایز نمی‌بینم. عزیزان و سروران من ، دلایل خودم را میگویم و از شما تقاضا دارم این اصل را اصلاح کنید و مورد تجدید نظر قرار دهید. اما دلایل مخالفت من با این بند، پنج چیز است.

۱— من به‌ولایت فقیه روز اول رأی موافق داده‌ام الان هم میدهم و تا ابد رأی خواهم داد ولی راه پیاده‌کردن ولایت‌فقیه این نیست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید بنده ولایت فقیه را نمی‌فهمم تا حدود سی سال است در حوزه‌های علمی هستم و حدود دوازده سال‌است که در حوزهٔ علمیهٔ قم درس خارج یعنی دروس عالی میگویم چند بار ولایت فقیه‌را درس‌گفته‌ام، بنابراین از ولایت فقیه حتماً چیزی می‌فهمم بر همین اساس صریحاً میگویم ما از نظر اسلامی دو وظیفه دراین قانون اساسی داریم اول اینکه قانونی برضد قوانین اسلام تصویب نشود این هدف بحمدالله دراصل شورای نگهبان به‌خوبی تأمین شد و دیروزهم با تأکید مجدد روی‌آن رأی موافق دادیم، دوم اینکه رئیس جمهورکه در رأس تمام‌قدرتهای اجرائی قراردارد اگرفقیه و مجتهد در مسائل اسلامی نیست باید مأذون از طرف فقیه باشد یعنی به‌عبارت کاملاروشن وقتی رئیس جمهور را مردم انتخاب کردند و رهبر پای‌آن صحه‌گذارد باید کارهای مملکت به دست او سپرده شود. اما این که رئیس جمهور هم منتخب مردم وهم مورد قبول فقیه و رهبر باشد...

فاتحی — آقا، ذات نایافته از هستی بخش — کی‌تواند که شود هستی بخش؟

نایب‌رئیس — آقای فاتحی چه کسی به‌شما اجازه صحبت داد؟

فاتحی — مامیگوئیم شما فقیه فرماندهی کل قوا را به‌رئیس جمهور داده واذن و امضاء او نموده...

نایب‌رئیس — آقای فاتحی چه کسی به‌شما اجازه صحبت میدهد؟ چرا نظم جلسه را رعایت نمی‌کنید؟ من به‌شما اخطار نظامنامه‌ای میدهم.

فاتحی— اگر اوفرماندهی کل قوا نبود، چگونه این قدرت را به‌رئیس جمهور میدهد که قدرت و حکومت را خدا به فقیه داده، نه مردم ونه‌ما، ما از خودمان چیزی نمی‌گوئیم این خداست که این قدرت را به‌فقیه داده. (عده‌ای از نمایندگان — آقای فاتحی چرا به نظم جلسه توجه نمی‌کنید؟ بگذاریدحرفشان‌را بزنند.)

مکارم شیرازی — اگر اجازه بدهید مطلب بعدازاین روشن میشود.

نایب‌رئیس — آقای مکارم شما ادامه بدهید.

مکارم شیرازی — اما این که رئیس جمهورهم منتخب مردم و هم مورد قبول فقیه و رهبر باشد بازهم کار دست او نباشد، معنی‌ندارد. هنگامی که علی(ع) مالک اشتر را برای حکومت مصر انتخاب کرد تمام اختیارات مصر رابه دست او سپرد، نه‌اینکه تمام سرنخ‌ها را در دست خود نگهداشت. آقایان عزیزاگر رئیس‌جمهور منتخب مردم است، امین است و ازطرف فقیه نیز حکم او امضاء شده‌چرا معامله یک بیگانه و فرد غیرقابل اعتماد به اومی‌کنید و همه اختیارات را از او می‌گیرید؟

۲- تنظیم کنندگان این اصل در چهاردیوار جوکنونی قرارگرفته‌اند و خیال می‌کنند همیشه مرد بزرگی مانند آیت‌الله‌العظمی امام خمینی برسرکار است در حالی که شاید چندین قرن بگذرد که مردی با ویژگیها و صفات عالی او و شرایط زمانی و مکانی او پیدا شود که بتوان همه کارها را به دست او سپرد. این یک استثناء تاریخ است، قانون اساسی را باید برای هرزمان وهرمکانی بنویسیم، این مرد بزرگ نجات دهنده ایران از چنگال یک استبداد دوهزار و پانصد ساله است و حساب او از دیگران جدا است، قانون اساسی یک مسألهٔ کلی هست.

۳- این اصل که نوشته شده باهمین شکل و صورت در دنیای امروز اصلا قابل اجرا نیست و بزرگترین دلیل عدم صحت یک قانون قابل اجرا نبودن‌آن است. درست‌فکر کنید دشمن در داخل وخارج ما را متهم به‌استبداد می‌کند. (یکی‌ازنمایندگان— نگوئیداستبداد، بگوئید حکومت فردی.) و ما را مخالف حاکمیت‌ملت معرفی میکند، به‌همین دلیل امام برای خلع سلاح دشمن دائماً می‌کوشد کارمردم را به‌وسیله خود مردم انجام دهد، اما این ماده ازقانون میگوید همه سرنخها به‌دست ماست. این بهترین دستاویز برای دشمن است، آنها باهمین سند خواهندگفت عده‌ای ازعلمای دینی در مجلس خبرگان نشستند و یک قانون اساسی که پایه‌های حکومت خودشان را تثبیت میکرد نوشتند و رفتند. شمارا به‌خدا قسم این کاررا نکنید، امروز ممکن است مردم چیزی نگویند اما فردا این قانون راکنار خواهندگذارد. بخدا این به‌صلاح اسلام نیست، به‌صلاح انقلاب نیست، ما حاکمیت ملت را دراصول‌گذشته تصویب کرده‌ایم کاری نکنیم که‌حاکمیت مردم‌یک شیر بی‌دم و سر واشکم شود. ولایت فقیه را اگردرست پیاده کنیم با حاکمیت مردم و اصل شورا کاملا سازگار است، اما اگر بد پیاده کنیم به‌این اصل شورا پایان میدهید و این امر قابل دوام نیست وبه‌تعبیر فقهی خودمان «مصلحت‌است و غبطه مردم مسلمان ایجاب می‌کند اختیارات مختلف راکه دلیل شرعی برآن نداریم درخودمان متمرکز نکنیم که سخت موجب ابهام است».

٤- ملت ایران به جمهوری اسلامی نود و هشت درصد رأی موافق داده و براساس آن رئیس جمهوری انتخاب خواهد کرد وبا اکثریت به‌اورأی خواهد داد اما معلوم نیست این رئیس جمهور با توجه به این اصل که نوشته شده است، چکاره است. تمام مسائل اجرائی به‌وسیله نخست‌وزیر و وزراء انجام میشود کارهای بالاترهم که به‌وسیله‌شورای رهبری انجام میشود بنابراین رئیس جمهور یک موجود معطل میباشد پس بیائید یک کار منطقی انجام دهیم یک یا چند فرد از فقها کاندیدای ریاست جمهوری شوند وقتی مردم به‌آنهارأی دادند تمام وظایف ریاست جمهوری رابه‌عهده‌بگیرند، هیچ مانعی‌ندارد اما هنگامی که فقهای ما ترجیح دهند که خودشان رئیس جمهورنباشند و خودشان به‌دیگری رأی دادند و اورا مأذون دانستند مفهومش این است که میخواهند کارهای مملکت را به‌او بسپارند بنابراین اختیارات راهم تا زمانی که اوبه‌راه خطا نرفته باید به او بسپارند، این درست‌نیست که فقهاهم بخواهند دیگری رابه‌ریاست جمهوری برگزینند و هم خود تمام اختیارات را داشته‌باشند. ولایت فقیه میگوید یکی‌ازاین دو را باید اختیارکرد، یا علی خودش باید به‌مصر برود و حکومت کندیا مالک اشتر را با فرماندهی کل قوا به‌مصر بفرستد.

٥- انگشت روی جزئیات میگذارم شما میگوئید فرماندهی کل قوا همیشه به‌عهده فقها است بنده عرض میکنم‌امروزکه امام این وظیفه را به‌عهده‌گرفته شرایط فوق‌العاده‌ای‌درکاراست به‌علاوه عرض کردم حساب امام یک حساب مخصوص او است آیا شما میگوئید برای همیشه رئیس جمهورکسی باشد و فرمانده کل قوا دیگری؟این درست به‌آن میماند که علی‌علیه‌السلام مالک اشتر را والی وحاکم مصرکند اما به‌او بگویدفرمانده کل قوای مصرتونیستی. ما باید بکوشیم مردم راباخود داشته باشیم اگرمردم با ما باشند همیشه چیز باما است اما اگر مردم از ما جدا شوند فرماندهی کل قوا نیز برای ماکاری نمی‌کند امام یک سرباز نداشت وشاه مخلوع پانصدهزار سرباز داشت، اما چون مردم با امام بودند پیروز شد وچون مردم از شاه جدا بودند شکست خورد آخرین تقاضای من این‌است سخن امام صادق (ع) رابه‌خاطربیاوریم که فرمودکسی که از وضع زمان خود آگاه باشد مورد هجوم مشکلات قرارنمی‌گیرد«العالم بزمانه لایهجم علیه‌اللوا» پس کاری نکنیم که دیگران برنده شوند، من ممنون میشوم که‌من را با دلیل قانع کنید تابه‌این‌اصل رأی موافق دهم یا لااقل درتصویب آن عجله نفرمائیدیا اگرموافقید تنظیم این اصل رابه‌عهده امام بگذاریم که مصداق‌اتم ولایت فقیه است و ازهمه ما خوش‌فکرتر و دارای وسعت ذهن و آگاهی بیشتراست. اللهم قدبلغت وظیفتی.

یزدی — من یک سؤال از آقای مکارم دارم.

نایب‌رئیس — آقای مکارم بفرمائید بنشینید، متشکر.

ربانی شیرازی — چرا نگذاشتید ایشان جواب سؤال را بدهند؟ (همهمه‌نمایندگان)

کرمی — آقای مکارم بایدبرگردد سرجای خودش و ما کلمه‌کلمه از او بپرسیم‌وایشان جواب بدهد. ایشان در سخنانشان فقیه را کمتر از همه قلمداد کردند. اگرایشان میخواهند حقیقت را بفهمند عیبی‌ندارد بیاید تابه‌او بگوئیم یا اویه ما بفهماند.

نایب‌رئیس — آقای کرمی و آقای فاتحی بفرمائید بنشینید.

فاتحی — من میخواهم دو کلمه دیگردرجواب ایشان عرض کنم.

نایب‌رئیس — آقای فاتحی شما باید نوبت بگیرید و صحبت کنید، الان اجازه صحبت

به‌شما نمی‌دهم. دوستان عنایت بفرمائید ازآنجاکه این اصل مربوط به ولایت مرجع است از همگی استدعا میکنم ادامه بحثمان طوری باشد که درآرام‌ترین شرایط باشد و در بازترین‌شرایط هم به همه دوستان فرصت داده میشودتا مطالبی که دارند دراینجا بگویند و ملت عزیزما در جریان بحث وگفتگوی روشنگر قرار بگیرند ولی شرط اصلی آن این‌است که تحمل داشته باشیم و مطلبی راکه میتوانیم پنج دقیقه دیگر بگوئیم اصرار نداشته‌باشیم الان بگوئیم‌قلم وکاغذ خدمتتان هست مطالبی که به‌نظرتان میرسد یادداشت بفرمائید و به‌نوبت تشریف بیاورید صحبت کنید. مطلب دوم این‌که بلی، آقای کرمی این نقد بجاست که وقتی‌شرایط اینجابرای گفتن مطلبی آماده است نوع تعبیرات برادرمان آقای مکارم رااگرکسی فقط وفقط‌صحبت ایشان‌را بشنود و با جو این جلسه ارتباط دیگری نداشته باشد میگویدآقای مکارم بیچاره دریک کشوری که این‌قدر خفقان هست که حتی یک مرد تحصیل کرده درحوزه‌علمیه ومدرس در حوزه علمیه جرأت نمی‌کند حرفش را بزند. باید به‌خدا پناه ببرد، بایدخدا را شاهد بگیرد، «اللهم قدبلغت» بگوید و «اللهم‌اشهد» بگوید اخلاص خودش را در بیان این مطالب بگوید که خدایا من‌از همه دنیاگذشتم تا این مطالب راگفتم. آقای مکارم، من واقعاً ازشخص شما چنین انتظاری نداشتم. مادراینجا تابه‌حال سعی‌مان براین بوده که مطالبی که‌گفتنی است‌گفته شود.من به‌عنوان مسئول جلسه حتی‌گاهی متهم میشوم که برای حفظ جلسه تند عمل میکنم. ملت عزیزما بداند که من نمی‌خواهم تند عمل کنم، من میخواهم نظم جلسه‌را حفظ کنم‌گمان نمی‌کنم‌درجو جلسه ما چنین تنگنائی که شما فرمودید احساس شود که حضرتعالی بخواهید بایک خطا به لابه مانند مطالب و نظرات خودتان را بیان بفرمائید. از این‌گذشته خود جنابعالی وهمه دوستان توجه دارید که ما تقریباً سه‌روز از داشتن جلسه علنی و رسمی محروم ماندیم برای‌اینکه صبح وعصر درجلسه سمینارگونه خود این مطالب را بیان‌کنیم، وباز توجه دارید آقای مکارم که مطالبی راکه اینجا فرمودید تقریباً همه‌را در آن جلسه هم بیان فرمودید و اگر پاسخی به حرفهای شما داده شد با همان رسم و سنتی‌بود که در بحث‌های همیشگی ما هست وبیش از آن چیز دیگری نبود. بنابراین آنچه من به عنوان مسئول جلسه از دوستان عزیز خواهش میکنم این است که دوستان بعدی که برای صحبت تشریف می‌آورند دیگر حماسه آن طرفی نسرایند این حماسه سرائیده شد، اجازه بدهندسرجایش بماند.

موسوی اردبیلی — من که میخواستم صحبت کنم شما دو سه بار به من تذکر دادید و حتی نگذاشتید حرفم را بزنم ولی جناب مکارم که صحبت میکرد و بیش از حد معمول هم صحبت کرد حتی یک تذکر هم به ایشان ندادید، توضیح بدهید بدانم چرا؟

نایب رئیس — توضیح من این است که جنابعالی وقتی خواستید صحبت کنید دیگر چنین مقدماتی نچیدید که اگر من یک جمله بگویم همه اعتراض میکنند و ملت فکر میکند در این جلسه خفقان است. به نظر بنده جناب موسوی، یکی از انواع خفقان هم «خفقان شعاری» است، خفقان حماسه‌ای است. به‌هرحال تا به‌حال سی و دو نفر برای صحبت اسم نوشته‌اند که فقط سه نفر صحبت کرده‌اند من از دوستان دیگرکه برای صحبت تشریف می‌آورند خواهش میکنم... (دکتر آیت — من تذکر آئین‌نامه‌ای دارم.) تذکر آئین‌نامه‌ای آقای آیت هم این است که... (دکتر آیت — من خودم میخواهم عرض کنم.) تذکرتان را بفرمائید جناب آیت.

دکتر آیت — من صریحاً در اینجا عرض میکنم، ما نباید تابع شعار خفقانی که آقای

دکتر بهشتی میگویند ، بشویم. من که به عنوان موافق آمدم صحبت کردم چندبار جلوی صحبتم را گرفتند و تذکر دادند. البته آقای دکتر بهشتی هیچگونه نیت بدی ندارند ومیخواهند جلسه خوب اداره شود و موافق و مخالف بتواند حرفش را بزند، اما این هم که ما باج بدهیم تحت عنوان این که آزادی نیست و خفقان است، این هم درست نیست. آقای مکارم هفت و نیم دقیقه فرصت داشتند من هم همینطور هفت و نیم دقیقه میتوانستم صحبت کنم که من ازتمام هفت و نیم دقیقه هم استفاده نکردم‌ولی ایشان دو سه برابر این مدت صحبت فرمودند و مراحل دیگری هم هست که الان جایش نیست در اینجا عرض کنم. یک داستان معروفی است که میگویند دو نفر داشتند با هم صحبت میکردند و یک نفر از اول تا آخر مرتب حرف میزد. رسیدند لب جوی آبی، کسی که حرف میزد رفت آب بنوشد و این رفیق دومی که تا به حال ساکت بود آمد یک قدری حرف بزند که رفیقش شروع کرد به تکان دادن پایش، که یعنی حالا هم تو حرف نزن. حالا مسأله من و آقای مکارم هم همینطور است چند روز قبل که من اینجا صحبت میکردم یادداشت فرستادند که رعایت نوبت بشود ولی حالا دیدیم که چطور خودشان رعایت همه چیز را کردند.

نایب رئیس — جناب آقای منتظری شما به عنوان موافق میخواهید صحبت کنید؟ (منتظری — بلی من موافقم.) بفرمائید.

منتظری — اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من اول از آقایانی که در این مجلس حضور دارند خواهش میکنم به‌رخ یکدیگر نکشید که در غرب چگونه رفتار میکنند و در دنیا چه خبر است و اگر ما مثلا این‌طور رفتار بکنیم آنها به ما می‌خندند. ماخودمان بشر هستیم و عقل و هوش داریم ملت ایران شعور دارد، هوش دارد و هوشیار است. ملت ایران جمهوری اسلامی را اختیارکرد و به آن رأی داده است ، حالا میخواهد دنیا این را بپسندد ومیخواهد دنیا نپسندد. ما درمعنویات، دنیای غرب را خیلی از خودمان‌عقب‌ترمیدانیم. حالا آنها توپ و تانک و تفنگ دارند، داشته باشند، مربوط به خودشان هست. اگر ما بخواهیم حرفهائی که در دنیا میزنند ببینیم چگونه است که محمدرضا شاهی بود و قدرت هم داشت و دنیا هم از او حمایت میکرد و جاوید شاه هم برایش میگفتند، پس چه اصراری بود که ما بیائیم انقلاب کنیم؟ ما باید حالا که انقلاب کرده‌ایم ببینیم حق و حقیقت کدام است؟ مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند و ما حالا میخواهیم قانون اساسی خود را طبق حکومت اسلامی تنظیم کنیم. معنای حکومت‌اسلامی این است که باید دستورات اسلام اجرا شود دستورات‌اسلام هم باید زیر نظر کارشناس اسلامی باشد و ما هم نگفته‌ایم که هر آخوندی کارشناس اسلام است. ملاک، عبا و عمامه نیست وملاک هر آخوندی هم نیست، بلکه متخصص اسلام به‌نظر ما کسی است که یک نفری باشد که عالم در فقه اسلام و مدیر و مدبر و شجاع و با تقوا و عادل است. آیا چنین شخصی با این خصوصیاتی که ذکر کرده‌ایم به اندازه یک آدم از اروپا برگشته‌ای که شما میخواهید او را رئیس جمهور بکنید، چیزی نمی‌فهمد؟ و یا اگر ما این آدم فقیه ، مدبر و مدیر و شجاع و با تقوا و عادل را میگوئیم فرمانده کل قوا باشد ، یعنی برود در سربازخانه و به سربازان پیش‌رو و پس‌رو بگوید، که میگوئیم نمی‌تواند؟ اگر چنین فقیهی با چنین خصوصیاتی اختیار و زمام امور کشور و فرماندهی عالی کل قوا را در دست بگیرد بهتر است، یا آدمی که از امور اسلام آگاهی ندارد؟ جناب آقای مکارم فرمودند که ما رئیس‌جمهور

را یک نفر فقیه معین کنیم، ولی ما وقتی میخواستیم شرایط رئیس‌جمهور را معین کنیم عده‌ای گفتند شرایط او غیر از ایرانی‌الاصل بودن و مسلمان بودن چیز دیگری نباید باشد، و ما جرأت نکردیم بگوئیم رئیس‌جمهور باید فقیه باشد. ما در اینجا اصرار کرده‌ایم که لااقل رئیس‌جمهور از طرف یک فقیه کاندید شود یعنی ما گفته‌ایم کسانی که میخواهند کاندید رئیس جمهوری بشوند از طرف فقیه تأیید شوند. مثلا بگوید که من این ده نفر یا بیست نفر را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری تأیید میکنم والبته بعد مردم میروند ورأی میدهند وهرکس رأی بیشتر آورد او انتخاب میشود. یعنی در حقیقت مردم او را انتخاب کرده‌اند، ولی به هر حال عده‌ای حاضر نشدند که از وظایف فقیه این مطلب هم باشد بنابراین در شرایط رئیس‌جمهور نه فقاهت را ذکر کرده‌اید و نه تأیید فقیه را. یک آدمی که میگوید من مسلمانم کافی است که رئیس‌جمهور شود. محمدرضا هم میگفت من مسلمانم و هر سال به کمرش بزند به زیارت امام رضا (ع) میرفت و آن وقت یک چنین آدمی فرمانده کل قوا باشد به مملکت ضرر نمی‌زند اما یک مجتهد مدبر و شجاع و عادل با تقوا و با آن شرایطی که ما ذکر کرده‌ایم ، او را فرمانده کل قوا بکنیم، ایراد پیدا میکند؟ البته معنی فرمانده کل قوا هم این نیست که خودش تمام کارها را انجام بدهد بلکه ممکن است به رئیس‌جمهوری که اعتماد دارد بگوید در این مدت این اختیارات به عهده شما باشد و البته اگر دید دارد پایش را کج میگذارد دیگری را به جایش انتخاب میکند و این اختیارات را به او میدهد. بعضی از ما فکر میکنیم فرمانده کل قوا یک آدم فقیهی است که در قم نشسته و او را در سربازخانه می‌آورند و میگویند برای سربازان پس‌رو و پیش‌رو کن و این، با مقام والای فقاهت او مناسب نیست. البته مقصود ما این نیست ما میگوئیم در حکومت اسلامی باید قوای مملکت در اختیار کسی باشد که آشنا به مسائل دینی و اسلامی و دلسوز مملت است، و او کارها را به مباشرت انجام نمی‌دهد بلکه به تنفیذ انجام میدهد ولی متأسفانه شما در شرایط رئیس‌جمهور شرط فقاهت را نگذاشته‌اید و حتی نگفته‌اید که لااقل یک نفر فقیه او را تأیید کند آن وقت ما بیائیم قدرت قوای سه گانه مملکت را به دست یک آدم الدنگ بدهیم که از قدرتش سوء استفاده کند. خری را ببریم بالای بام که دیگر نتوانیم آن را پائین بیاوریم. آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد، و جرأت نمی‌کند قدرت و زمان مملکت را به دست کسی که فقاهت ندارد و به علوم اسلام آشنا نیست بدهد. عرض دیگری ندارم.

موسوی اردبیلی — شما فقیه را اضافه کنید و فرمانده کل قوا را اگر به آن وضع بردارید در حقیقت همان پیشنهاد من میشود. (مکارم — ما موافقیم.)

نایب رئیس — جناب موسوی شما به من فرمودید چرا تذکر میدهم ولی وقتی خودتان بدون نوبت صحبت میفرمائید یکی هم در جواب شما یک جمله میگوید و دوست دیگری جمله دیگر و آقای فاتحی و حجتی هم دو جمله دیگر و همینطور بحث ادامه پیدا میکند. الان یک بحث در این جلسه مطرح شده و ادامه پیدا کرده است. شرط اصلی در حال حاضر اینست که رعایت نظم و آئین‌نامه بشود. تا به حال دو نفر موافق و دو نفر مخالف صحبت کرده‌اند این حداکثر آن چیزی است که در آئین‌نامه پیش‌بینی شده است. حالا اگر میخواهید باز هم‌موافق و مخالف صحبت کنند شرط اصلی آن است که رعایت آئین‌نامه بشود و البته حداکثر یک نفر موافق و یک نفر مخالف دیگر صحبت کند.

تهرانی — من نوبت گرفته‌ام که صحبت کنم و از مطالب آقای مکارم هم یادداشت برداشته‌ام اگر نوبت من شد اجازه بفرمائید صحبت کنم.

نایب رئیس — اجازه بدهید ببینم نوبت چه کسی است. آقای موسوی تبریزی شما سؤالی دارید؟ (موسوی تبریزی — من موافقم). آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — من پیشنهاد میکنم این «بند» مجدداً به کمیسیون برگردد و روی آن بحث و صحبت شود و پس از رفع ابهامات مجدداً به جلسه علنی بیاید.

نایب رئیس — آقای یزدی جنابعالی؟ (یزدی — من موافق هستم و حاضرم بیایم توضیحات لازم را عرض کنم.) آقای هاشمی‌نژاد؟ (هاشمی‌نژاد — من موافق هستم وبه‌آقای یزدی وکالت میدهم‌صحبت بفرمایند.) آقای سبحانی؟ (سبحانی— من در بندهای‌دیگرعرایضی دارم که به موقع عرض میکنم.)

هاشمی‌نژاد — اگر آقای تهرانی به عنوان موافق صحبت میکنند باید تمام مطالبی که تا به حال از طرف مخالفین گفته شده است جواب بدهند.

نایب رئیس — آقای جوادی شما موافقید یا مخالف؟ (جوادی — من تذکری دارم...) آقای خامنه‌ای؟ (خامنه‌ای — من موافقم.) آقای تهرانی، شما مطلب اضافی دارید؟

تهرانی — من تمام مطالبی را که آقای مکارم فرمودند اینجا یادداشت کردم و حاضرم به عنوان موافق بیایم و یک و یک آنها را جواب بدهم.

نایب‌رئیس — آقای طباطبائی تشریف ندارند آقای حجتی شما؟

حجتی کرمانی — من یک پیشنهادی دارم و بعد هم اگر نوبتم رسید به عنوان مخالف صحبت میکنم.

نایب رئیس — آقای قائمی شما سؤالی دارید؟ (قائمی — من در پاراگرافهای بعدی حرف دارم.) (فاتحی — من یک سؤال و یک تذکر دارم.) بسیار خوب، آقای کیاوش شما؟ (کیاوش — من به عنوان موافق‌صحبت‌میکنم.) آقای دکتر غفوری شما موافقید یا مخالف؟

گلزاده غفوری — من یک نگرانی داشتم، گفتم نوبتم را میدهم به آن‌موافقی که‌به‌عنوان معرفی نظام اسلامی برای بعد از زمان حاضر، یعنی بعد از زمان امام خمینی بتواند معرف نظام اسلامی باشد اگر چنین شخصی در بین دوستان باشد من حقم را به او میدهم تا صحبت کند. (مقدم مراغه‌ای — آقا خودتان بفرمائید صحبت کنید.)

نایب رئیس — آقای فوزی؟ (فوزی — من موافق مشروط هستم.) آقای دکتر شیبانی؟ (دکتر شیبانی — من مخالفم.) بسیار خوب، آقای بنی‌صدر شما موافقید یا مخالف؟ (بنی‌صدر — من مخالف مشروط هستم.) آقای ربانی شیرازی شما موافقید؟ (ربانی شیرازی — بلی، من موافقم.) آقایان رحمانی و طاهری گرگانی شماها موافقید؟ (رحمانی و طاهری گرگانی — بلی، ما موافقیم.) آقای دکتر روحانی شما؟ (دکتر روحانی — من موافق مشروط هستم.) آقای کرمی شما که موافقید؟ (کرمی — موافق آقا، موافق.) آقای ربانی املشی؟ (ربانی املشی — من موافقم ولی یک پیشنهادی دارم که شاید به عنوان مخالف مشروط بیایم صحبت کنم.) آقای فارسی؟ (فارسی — من موافق بدون قید شرط هستم.) (پرورش — من هم موافقم.) (اشراقی — من چند تذکری نسبت به فرمایش آقای مکارم داشتم.) آقای مرادزهی؟

(مرادزهی — من مخالفم.) (حیدری — من هم موافقم.)

نایب رئیس — اینکه من از خود آقایان پرسیدم میخواستم ببینم که مسأله موافق و مخالف مطرح است یا اینکه سؤال و تذکری هم دارند. اینطور که معلوم میشود اکثر دوستان میخواهند به عنوان مخالف و یا موافق صحبت کنند. الان نوبت آقای حجتی کرمانی است که به عنوان مخالف تشریف بیاورند صحبت کنند از کسی که به عنوان موافق بعد از آقای حجتی صحبت میکنند خواهش میکنم مطالب آقای حجتی را هم یادداشت کنند و جواب بگویند.

موسوی تبریزی — من نوبتم را به آقای یزدی میدهم.

هاشمی‌نژاد — من هم همینطور.

رشیدیان — من نوبتم را به آقای فارسی میدهم و اگر نکته‌ای را ایشان فروگذار کرد من خودم هستم. (خنده نمایندگان)

تهرانی — من تا به حال مطالب مخالفین را یادداشت کرده‌ام و حاضرم به عنوان موافق توضیح بدهم.

یزدی — فرقی نمی‌کند، من هم میتوانم نوبتم را به آقای تهرانی بدهم.

نایب رئیس — پس آقای تهرانی، شما به مطالب آقای حجتی هم توجه کنید و به حرفهای ایشان بعداً که تشریف می‌آورید جواب بدهید. آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، اللهم‌انک تعلم انه لم یکن‌الذی کان‌منا‌منافسة فی‌سلطان ولاالتماس شیئی من فضول‌الحطام ولکن لنردالمعالم من دینک و نظم‌الاصلاح فی‌بلادک. (کرمی — به گریه و زاری احتیاج نیست، مقدمات را حذف کنید.) خواهش‌میکنم جناب آقای کرمی و سایرین میان حرف زدن من چیزی اظهار ننمایند چون من اعصابم خراب است. (یزدی — مقدمات سخن را حذف کنید.) من از جناب آقای رئیس خواهش میکنم اجازه ندهند برادران با سخنان بین‌الاثنین رشته کلام از دست من خارج شود. (کیاوش — مدت صحبت ایشان محدود باشد ولی هرچه دلشان میخواهد بگویند.) تقاضا میکنم هر کس با سخنان من موافق نیست و نمی‌تواند شنیدنش را تحمل کند از جلسه بیرون برود.

نایب رئیس — آقای حجتی لطفاً رعایت بعضی از مسائل را بفرمائید.

خزعلی — ایشان عصبانی هستند اجازه بدهید ده دقیقه صحبت بکنند.

حجتی کرمانی — اجرای آئین‌نامه با رئیس جلسه است. با ایجاد تشنج در جلسه عملا خفقان بوجود می‌آید بعد مدام میگوئید کدام خفقان ؟ (کیاوش — من از اول تا حالا فقط دو تا هفت دقیقه صحبت کرده‌ام ولی شماها دیگر مجال به من نداده‌اید...) بفرمائید آقا، بفرمائید آقا بنشینید بگذارید مطلبم را عرض کنم، شما از مقدس‌ترین اصل اسلامی دارید به بدترین نوع دفاع میکنید و مردم را علیه خودتان تحریک میکنید و مملکت را به انفجار می‌کشانید. (یک نفر از نمایندگان — آقا این کار تحریک مردم است...) در مقام نمایندگی مردم در این مجلس هیچ فرقی بین من و شما نیست. (کرمی — چرا وارد اصل مطلب نمی‌شوید؟)

نایب رئیس — این گونه تذکرات را به عهده رئیس جلسه بگذارید و اگر در بعضی موارد لازمست اغماضی بشود، میشود و گمان میکنم نتیجه‌گیری خیلی بهتر باشد. بنابراین آقایان تحمل بیشتر داشته باشند تا نتیجه‌گیری بهتر بکنیم، آقای حجتی بفرمائید. (مقدم‌مراغه‌ای—

ایشان الان در حالت عادی نیستند چند دقیقه تنفس بدهید چون خود من هم در موارد مشابه این وضعیت دیگر قادر به ادامه صحبت نیستم...) آقای سراغه‌ای، ما وقتی جلسه را آرام‌میکنیم تازه شما از سر میگیرید.

حجتی کرمانی — تقاضا میکنم صلواتی ختم بفرمائید (حضار صلوات فرستادند) معمولا صلواتی که طلبه‌ها میفرستند آهسته است تکبرنکنید و بلندتر صلوات‌ختم کنید (حضار با صدای بلندتر صلوات فرستادند) امیدواریم که خداوند قلبهای همه ما را نسبت به هم مهربان‌تر کند و اختلاف نظر باعث نشود که ما خیال کنیم غرض و مرضی در کار است یا خدای نکرده به‌قول آقای حسینی کـه به من میگفت ، فکر کنیم سخنی برای طلب وجاهت است ، اینهـا چیزهـای زائل‌شدنی و رفتنی‌است ودیده‌ایم که‌هیچ ارزشی ندارد و امیدواریم اصل‌مطلب و آن سوزدل‌ما مورد نظر قرار بگیرد این مسأله مهم است. ما آدمی نیستیم که تازه وارد باشیم و ان‌شاءالله روشن هم شده است که بـرای اسلام دلمـان سوخته است و کـار کـرده‌ایم منتها ممکن است درکمان ازاسلام تا حدی باشد که درک شما از آن بیشتراست، بنابراین اگرصحبت امروز من قدری طول میکشد به خاطر این است که ما داریم خطرناک‌ترین تصمیم را در تاریخ این مملکت میگیریم این میتواند خطرناک‌تـرین و بـدتـرین تصمیم یـا بهترین و مهمترین تصمیم باشد ولی هرچه باشد همان‌طوری که عرض کردم در عمل بدترین نوع دفاع را از این تصمیم جلسه ما کرده است و همین کاری که ما تابه‌حال کرده‌ایم اثر خیلی بدی داشته است. ما این قدر حوصله نداشته‌ایم که مسأله را خارج از هرگونه احساسات و عواطف و حب و بغض‌مطالعه کنیم، غبطه است درچیست؟ سؤال ما این است، مصلحت است درچیست؟ این یک مسأله جامعه شناسی است من فقیه نیستم ولی این مسأله باید در جامعه بررسی بشود، و طرز تحقیق در جامعه شناسی غیر از اینجا نشستن و بحث کردن است این بحثهای ما همه‌اش بحثهای ذهنی است ما باید در جامعه برویم و ببینیم مصلحت جامعه‌مان بینی و بین‌الله چیست و ولایت فقیه را ما از نظر اجرائی به چه شکل بهتری میتوانیم اجرا کنیم که مزاج جامعه ما پذیرای آن باشد و هضمش کند. یک بچه‌ای که مقداری ضعیف باشد و تازه ازشیر گرفته شده باشد اگر مادرش تحمل مزاج اورا نشناسد فکرمیکند باید فوراً اورا تقویت کند ومدام به‌اوغذاهای‌نیرومند کننده و سنگین و مقوی میخورانـد کـه بیش از حـد تحمل بچه است و او را بـه خیـال خیرخـواهی اصلا تلف میکند. ولایت فقیه را اگر ما به‌یک شکلی اجرا کنیم که مزاج جامعه بپذیرد و عکس‌العمل نشان ندهد و رحمت خدا و فیض الهی و ارمغان انقلاب بداند و پاداش خون شهدای خود بداند، ما دراین مسأله موفق هستیم ولی طلایه‌ها و طلیعه‌های یک‌عکس‌العمل منفی در جامعه ما پایدار گشته است که باز هم مربوط به مسأله جامعه شناسی میشود. هواشناس‌ها وقتی ابری را در آسمان می‌بینند می‌توانند پیش‌بینی کنند که آن بی‌ثمر رد میشودیا رگباری و سیلی به‌دنبال خواهد آورد، البته حیوانات هم این تشخیص را دارند، بنابراین یک جامعه‌شناس هم اگر یک عکس‌العمل منفی را در جامعه مشاهده کرد میتواند حدس بزند با تلفیق آن با سایر نـارضائی‌هـا و تشدید شدنش به وسیله عوامل ضدانقلاب چه نتایجی ببار خواهد آورد. الان شکاف‌هائی کـه در جامعه مـا یـا به دست عوامل ضلا انقلاب یـا بـراثر ندانم کاریهای خود ما بوجود آمده اگرهرچه‌بتوانیم آن شکاف را به‌هم بچسبانیم‌جامعه ما دوام بیشتری پیدا میکند و هرچه (خواه قانون اساسی یا کمیته‌ها یا سایر عوامل) این شکاف را

عمیق‌تر کند انفجار نزدیکتر میشود. همینطور گروه‌ها دارند از هم جدا میشوند و همه‌اش براثر تبلیغات ضد روحانیت است، یک عده آدم ضد دین و ضد مملکت ولی با استعداد به این آتش دامن میزنند همانطورکه برادرمان بنی‌صدر در مقاله‌ای نوشته بود ما اگر یک پیش‌بینی جامعه‌شناسانه براثر شناخت جامعه داشته باشیم در مقابل شایعات «دیکتاتوری آخوندی» و «استبداد روحانیت» که در همه‌جای مملکت شایع کرده‌اند حقیقت را به صورت دیگری به‌مردم نشان خواهیم داد. ما دورهٔ رضاخان را یادمان نرفته است که چطورمردم را بر علیه روحانیت تحریک کرده بودند شما وقتی برعلیه اصول شش گانه منفور و لعنتی شاه که بعداً هجده، نوزده تا شد، قیام کردید مردم با شما نبودند، در زمان رضاخان براثر تبلیغات ضد روحانیت کسی شما را سوارماشین نمی‌کرد، چون مردم تصور بدی ازشما داشتند. این ازلحاظ جامعه شناسی درخور تأمل است والان هم‌باید کاری کرد که این تصورات غلط ازبین برود نگوئید آیت‌الله‌منتظری یا آقای بهشتی که قصد استبداد ندارند و به‌تصورات‌مردم‌چون‌حقیقت ندارد پس نباید به‌آن‌اعتنائی کردشما که واقعیت را می‌بینید این‌تصورات را ازمردم زائل کنید وضع روانی جامعه را درنظر بگیرید، آن جامعه‌شناسان نامرد زمان پهلوی‌ها اوضاع روانی جامعه را خراب کرده بودند حالا اصلاحش قدری زحمت دارد ازطرفی وضع زندگی مردم هم الان چندان سامان نیافته است بنیاد مستضعفین هم نتوانسته است کاری صورت دهد کارهای دولت هم محسوس نیست فردا خیل بی‌مسکن‌ها، خیل بیکارها، خیل گرسنه‌ها، خیل ناراضی‌ها به این تحصیلکرده‌های ناراضی ملحق میشوند وقشرعظیمی‌راتشکیل میدهند. مابا نوشتن این قانون اساسی بعضی تحصیلکرده‌ها را ناراضی میکنیم و مردم عادی هم که چندان از آن سر در نمی‌آورند و شاید برایشان تفاوتی نداشته باشد ولی همین روشنفکرها از زمینهٔ نارضائی‌ها استفاده میکنند مثل حزب توده که یک وقت عده زیادی را دور خود جمع کرده بود. ما باید بفهمیم غبطه است، مصلحت است درچیست آیا ولایت فقیه راکه در این اصل میخواهیم پیاده‌کنیم این تنها شکل آنست یا به اشکال دیگری که میتواند این اصل پیاده شود بارعایت اصول جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی به‌طوری که ملت ما اصل ولایت فقیه را همانگونه که هست به عنوان یک رحمت الهی ، به عنوان پاسدار اسلام، به عنوان کنترل اسلام که به دست دشمن نابود نشود بپذیرد. به‌خدا قسم که من میدانم که اکثریت شما دلتان برای اسلام می‌سوزد که میخواهید این کار رابکنید اما مثل آن مادری که به خاطر تقویت بچه‌اش او را تلف کرد نکنید، تحمل را در نظر بگیرید، یک مهندس ورزیده که عالیترین نقشه ساختمان را می‌کشد باید جنس زمین و تحمل آن‌را هم در نظر بگیرد آنچه که امروز گفته شد این مسأله هست که فکر می‌کنم آقای دکتر آیت یا بنی‌صدر گفتند که محور شورای رهبری بر دو چیز است یکی اینکه از اصول اسلامی منحرف نشود و دیگر اینکه ثبات هم داشته باشد...

دکترآیت — صحبت ایشان از هفت دقیقه و نیم متجاوز شد .

نایب رئیس — بعد آقای تهرانی هم به اندازه ایشان صحبت خواهند کرد.

حجتی کرمانی — عرض کنم که ما وقتی پیشنهاد کردیم «جمهوری‌اسلامی» برای‌اکثریت مردم مفهوم روشنی بود و عده‌ای که می‌گفتند ما از آن چیزی نمی‌دانیم به آن رأی ندادند، به هر حال در جمهوری اسلامی آنطورکه برای مردم شناخته شده است رئیس‌جمهور منتخب مردم است و او سکان این کشتی میباشد. بهترین راه این است که شرط رئیس‌جمهور شدن را

فقاهت قرار بدهیم و برای اینکه تعدد قدرت نشود و مسأله برای مردم کاملا روشن گردد امام ریاست جمهوری را بپذیرند خود من موافق این مطلب هستم و از دو ماه پیش آن را عنوان کرده‌ام و یا اینکه رئیس‌جمهور از مراجع مسلم وقت اجازه داشته باشد شورای نگهبان هم داریم بین مراجع هم اختلاف بوجود نمی‌آید. شما این شورای رهبری را برای سعی در اتحاد بوجود آورده‌اید ولی بعد از امام همین مسأله بین قدرت دینی که به نام شورای رهبری وجود دارد با مراجع آزاد، آنها نقش گذشته ما را در برابر دولت ایفا خواهند کرد همانطوری که مادر مقابل نظام شاهنشاهی کردیم یعنی آن مراجع آزادی که در شورای رهبری نیستند دائماً بااین شورای رهبری (قدرت متمرکز) در حال اختلافند حالا یا براثر اجتهاد خودشان یا بعضی مسائلی که در اجتماع پیش می‌آید یا وسایس نفسانی یا سعایتهائی که انجام میگیرد چون جامعه بی‌آسیب نیست، بنابراین اگر ما این کار را کردیم گفتیم ما شورای نگهبان هم داریم رئیس‌جمهوری هم با اختیاراتی که بعدش میرسد آنجا می‌نویسیم این رئیس‌جمهور باید مورد تصویب و تأیید مراجع مسلم وقت قرار بگیرد وقتی که این‌طور شد متهم به استبداد دینی نمی‌شوید و مسأله ولایت فقیه هم در همین است و غبطه است در همین است و انشاءالله راه حلی پیدا بشود وپیشنهادی هم دارم که این است: «تصویب این قانون موکول به بعد ازرفتن نزد ایشان بشود و تکلیف این قانون روشن بشود» عجله در این کار صحیح نیست.

با عرض معذرت از سروران خودم و کسانی که به اسلام عشق میورزند و میخواهند به اسلام خدمت بکنند. خیلی متشکرم. والسلام علیکم.

نایب‌رئیس — من از دوستان متشکرم که فرصت دادند برادرمان آقای حجتی صحبتشان را بکنند و امیدوارم هم آقای حجتی هم ملتمان، یک تعرض اولیه را به عنوان این که «پس این چه آزادی است؟» یک مرتبه شستشو دهنده آزادی تلقی نفرمایند. آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — من گفتم اگر آقای یزدی صحبت نکنند من در نوبت خود باقی هستم.

نایب رئیس — آقای یزدی هم نوبتشان را به آقای تهرانی دادند.

ربانی املشی — جنابعالی ناگزیر شدید که نادیده بگیرید وقت سخنرانی آقای حجتی را که بیش از مدت مقرر درآئین‌نامه شد، چرا ناگزیر شدید؟ برای اینکه بعضی از آقایان می‌آیند در ابتدای صحبتشان یک جوی ایجاد میکنند که مدیر جلسه ناگزیر است اجازه بدهد که آقا تا هر وقت و در هر موردی بخواهد سخنرانی بکند این سهل‌ترین سانسوری است که در اینجا بوجود می‌آید در عین حال دیگران متهم میشوند به سانسور. من با اینکه رفیق آقای حجتی هستم ولی این عمل ایشان و عذر ایشان را به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرم. برای اینکه تمام ما متهم شدیم به سانسور. آقای حجتی در ابتدا کاری میکنند که آقای بهشتی جرأت نداشته باشند که بگویند ده دقیقه، پانزده دقیقه، بیست دقیقه صحبت کن، یعنی چه؟

نایب رئیس — متشکرم.

خزعلی — مقداری از ناراحتی‌های آقای حجتی مال ده سال در زندان بودن ایشان است اینکه گفتند طلبه‌ها آهسته صلوات میفرستند چون آنها در حضور مراجع حجمی دارند و بیش از حجمشان نمی‌توانند بگویند این است که این را جور دیگر تعبیر فرمودند و خوب شد که ایشان هرچه در دل داشتند گفتند تا ملت خیال نکند حرف تازه‌ای است و ما جلو گفتن آن را

میخواهیم بگیریم .

نایب رئیس — آقای تهرانی بفرمائید.

تهرانی — بنده چون از اول گفتار آقای مکارم و بعد آقای حجتی را درست یادداشت کرده بودم و بعضی از دوستان هم وقتشان را که جلوتر از من نوبت گرفته بودند، به من مرحمت فرمودند این وظیفه به عهده من گذاشته شد و امیدوارم بتوانم از عهده‌اش برآیم یعنی حق و واقع بررسی شود، الحقیقت بنت‌البحث حقیقت دختر زیبائی است که از بحث به دست می‌آید. امیدوارم ان‌شاءالله ما هم والله علی‌العظیم بدون اینکه هیچ تعصبی در کار باشد و بخواهیم طرفی را بگیریم، تنها میخواهیم بررسی کنیم آیا گفتار این دو بزرگوار درست است؟ مورد اشکال است؟ چند درصدی از درستی دارد؟ آیا از نادرستی درصدی دارد؟ قهراً ما میخواهیم بحث بکنیم، آقای مکارم ما کاری به مقدمه فرمایششان که کم لطفی کردند نداریم و جواب هم به‌آن نمی‌دهیم و یکی از کم لطفی‌هاشان این بود که گفتند همه آقایان در گوشه و کنار مملکت قدرت دارند و مثلا ما را تهدید میکنند، این جور نیست. (مکارم شیرازی — عبارتی که من از روی این نوشته خواندم اینطور نبود...) بحث قدرت نیست، بنده عین عبارتتان را اینجا نوشته‌ام میخواهید بخوانم «هریک از آقایان در گوشه و کنار این مملکت دارای نفوذند ممکن است برای من محظوری ایجاد کنند» بله، این کم لطفی بود که شما فرمودید، این مطلبی نیست، ما هم از آن می‌گذریم. بنده گفتار ایشان را در دو قسمت خلاصه میکنم قسمت اول این بود که فرمودند من با ولایت فقیه موافقم و مخالفتی با آن ندارم ولی از ولایت فقیه ما دو چیز را توقع داریم باید به وجهی آن را بررسی و تنظیم بکنیم که ولایت فقیه حفظ بشود و به محظور هم در آینده مبتلا نشویم، محظوراتی که بعد ذکر میفرمایند پنج محظور است بعد بررسی میکنیم ایشان این دو جهتی که برای ولایت فقیه ذکر کردند یکی از آن این است که یک وقت قوهٔ مقننه و قوهٔ مجریه ما خلاصه نظام مملکت ما به خلاف اسلام نرود و یا ضد اسلام نباشد این را شورای نگهبان تأمین میکند چون شورای نگهبان برای این است که قوانین برخلاف اسلام وضع نشود و مطلب دیگر رئیس‌جمهوری که در رأس تمام قوا قرار گرفته از قبل فقیه، رئیس‌جمهوریش امضاء بشود که کارهایش نفوذ داشته باشد کان‌خودفقیه است وتمام تصرفاتش همان ولایت‌فقیه است وهمان تصرفات فقیه‌است، ایشان این را فرمودندولایت‌فقیه‌باید حافظ این دوجهت باشد و ما با اینکه میتوانیم امضاء کردن رئیس‌جمهوری را در اختیار فقیه بگذاریم میتوانیم جهت دوم را حفظ کنیم که تصرفات، تصرفات حکومت اسلامی باشد جهت اول هم که ضد اسلام نباشد شورای نگهبان حفظ میکند بعد هم اشاره به «آقا» که «آقا» رهبرانقلاب، استثنائی بودند و در آینده معلوم نیست که چنین فردی یا افرادی که جای یک فرد را بگیرد به حسب‌مصداق تحقق داشته باشد تا ما کارهائی که دست ایشان است به‌ایشان‌بسپاریم. ببینید درقسمت اول ما میخواهیم ضد اسلام نباشد میخواهیم تصرفات هم طبق امامت در اسلام باشد که برگردد به‌اطاعت خدا، ولی باید احتیاطات لازم را هم انجام بدهیم باید حتی احتمالات ضعیف را که در آینده ممکن است محظوراتی در قانون اساسی پیش بیاید با قیود و شرایط بیشتر حتی‌المقدور جلوگیری کنیم و یک محکم کاری بیشتری در نظر بگیریم که ان‌شاءالله محظوری هم پیش‌نیاید پس این دو جهت درست است و ما هم میخواهیم آن را حفظ بکنیم. اگراینکه رئیس‌جمهور دارای تمام اختیارات باشد و مقداری اختیار در دست فقیه نباشد، فقیه یا شورای رهبری، بنده

مطمئنم که در آینده نظیر «آقا» پیدا نمی‌شود درست میگویند و قهراً شورای رهبری انتخاب میشوند البته ما دعا می کنیم مانند «آقا» پیدابشود اما اگر نشد کسی که تمام‌جهات «آقا» در او نباشد قهراً شورای رهبری میشود، آن شورای رهبری که فقیه است، عادل است، جامع‌الشرایط است، مخالف هوی است و به‌اهل زمان خود شناسا است و شجاع است و آگاه است آن مقام اگر مقداری از اختیارات در دستش باشد همین که ایشان گفتند بهتر حفظ میشود نه ضداسلام میشود و هم جریان امر طبق دستور خدا و طبق ولایت فقیه میشود. در پنج اشکالی که ایشان کردند و یکی از آن را بررسی میکنیم معلوم میشود که هیچ فرق نمی کند برای مردم که تمام اختیارات دست یک نفر باشد، یک رئیس‌جمهور برگزیده بشود و تمام اختیارات اجرائی وولایتی به او محول بشود یا یک مقدارش به او محول بشود و یک مقدارش در دست ولایت فقیه‌بماند این از جهت عمل خارجی با هم دیگر احتیاج نیست والا در جهت خارجی هیچ فرقی نمی کند، مصالح ملت که ما معتقدیم ولایت فقیه حافظ منافع ملت است، حکومت اسلامی حافظ منافع ملت‌است ولذا ما معتقدیم اکثریت‌ملت‌ولایت‌فقیه را میخواهندوفقط غرض‌ورزهانمی‌خواهند اگر مصالح و منافع ملت تأمین شد همه گرایش پیدا میکنند و هیچ نارضایتی هم پیدا نخواهد شد و مردم بیشتر روی احتیاط میخواهند یک مقدار اختیارات دست رئیس‌جمهور و یک مقدار دست ولایت فقیه باشد نه همه‌اش دست یک نفر، تمرکز قدرت نیست که خطری مملکت را تهدید بکند و به انحراف مبتلا بشود که بگوید من تا آخر عمر رئیس جمهورم، چنانچه دربعضی از کشورها می‌بینیم این امرتحقق پیدا کرده است ان‌شاءالله کسی که نادرست است حتی‌مقام وزارت هم نخواهند داد و همه کسانی که روی کار می‌آیند درستکار خواهند بود اما عرض کردم پنج درصد هم که‌احتمال بدهیم، احتیاط که بدنیست ایشان هم مسلم این احتیاط را بد نمی‌داند و ملت شریف ایران هم از این احتیاط بیشتر راضی است. بعد ایشان گفتند که مردم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب میکنند وقتی که رئیس جمهور را انتخاب کردند قهراً ازخودشان‌می‌بینند دست خودشان می‌بینند و به آنچه او میگوید و دستور میدهد و میکند راضی هستند چون‌خودشان انتخاب کرده‌اند ولی ایشان میگویند که مقدار کمتری از اختیارات در دست ولایت فقیه باشد و مقدار بیشتری در دست رئیس‌جمهوری. ما هم همین را میگوئیم منتها ایشان فرمودنداگرمقداری دست ولایت فقیه باشد مردم میگویند دیکتاتوری... ولی رئیس‌جمهور را خودشان انتخاب کرده‌اند البته «مردم» را هم بعداً خواهیم گفت کدام مردم، این اشکال به‌خود شما هم وارد است، هرچه کوچک، اختیارات کم هم بدهید به ولایت فقیه، اگر ولایت فقیه از طرف مردم نباشد باز میگویند دیکتاتوری، این فرق نمی کند، البته ایشان میگویند ولایت فقیه را قبول دارم ولی اختیار کمتری به او بدهید، چه فرقی میکند؟ خوب به این هم میگویند دیکتاتوری همان مردمی که دادن فرماندهی عالی کل قوا را به‌رهبر، دیکتاتوری میگویند کاندیدا کردن رئیس‌جمهوری یا امضاء کردن حکم او را بدتر میگویند و در هر صورت آنها ایراد خواهند گرفت ما هم مثل ایشان در این اجتماع هستیم این اقلیت ناچیز همیشه ناراضی هستند. امروز در تشییع جنازه شهدای سردشت دیدیم چگونه این مردم رهبری «آقا» را تأیید میکردند و از او اجازه جانبازی در راه اسلام و اهداف آن را میخواستند و همه ولایت فقیه را میخواهند با ما هم تماس میگیرند و میگویند بهترین اصل قانون اساسی همین اصول مربوط به ولایت فقیه است که یک افرادی که عادل و دلسوز برای ملت و وابسته به خدا و پیامبر اکرم و امام زمان هستند

ناظر باشند، ولایت داشته باشند نسبت به امور مردم، این مقدار قلیلی که برادرمان اشاره کردند گاهی تحت عنوان غرب‌گرا و یا روشنفکر، هرچه هست ایراد میگیرند ولی اکثریت مردم غیراز این فکر میکنند. علاوه براین مگر ولایت فقیه انتخابی نیست؟ ریاست جمهوری انتخابی ورجوع به‌آراء عمومی است اما ولایت فقیه رجوع به آراء عمومی نیست؟ نسبت به خود رهبر اکثریت قریب به اتفاق قبولش ندارند؟ مگر درآینده مردم افراد صاحب صلاحیت را انتخاب نمی‌کنند که آنها هم خواهند نشست و این چند نفر را انتخاب خواهند کرد؟ چطور فقط رئیس جمهور را بگوئیم مردم خودشان انتخاب میکنند رهبر و یا شورای رهبری را هم که خودشان انتخاب خواهند کرد به من پاسخ بدهید چرا او را از خودشان می‌بینند ولی این را ازخودشان‌نمی‌بینند؟ بعد ایشان‌میگویند برای اینکه‌ببینیم یک‌اصل درست است یا نه‌بایدببینیم درخارج قابل اجرا هست یا نیست این حرف درست است یک نظامی که ذهنی باشد برای عالم تجمع مجردات به درد بخورد درست نیست باید اینجا اصولی تنظیم بشود که بتوان آن را در محیط خارج از اینجا پیاده کرد ولی ایشان بیان نکردند چرا مردم درخارج از اینجا آن را نمی‌پذیرند و جهتش چیست آیا مخالف حاکمیت ملی آنها است؟ این راکه خود ملت قبول دارند، با حاکمیت ملی‌شان چه‌منافاتی دارد؟ ما حاکمیت ملت را، شوراهارا،مشورت را، همه را دراین قانون‌اساسی آورده‌ایم و تمام با هم هماهنگ است و هیچ تعارضی با هم ندارد. همین ولایت فقیه هم مراجعه به آراء عمومی است، همین ولایت فقیه حاکمیت ملت است مگر فرق دارد؟ انتخاب نماینده مجلس و انتخاب فقیه یا شورای رهبری با هم چه فرقی دارد؟ بعد گفتند اگر خوب‌پیاده کنید با مزاج ملت سازگار است و دوام پیدا میکند والا پایان میگیرد، این را هم قبول داریم اما ببینیم اگر فرماندهی عالی کل قوا را به رهبر یا ولایت فقیه بدهیم این با مزاج مردم‌سازگار نیست؟ و در بیرون‌نمی‌پاید؟ و اگر این بند را حذف کنیم بقیه‌اش با طبع مردم جور درمی‌آید؟ این مزاج را ازکجا ما بدست بیاوریم؟ اگر فرماندهی عالی کل قوا به رهبر یا شورای رهبری‌یا به قول ایشان به ولایت فقیه داده شود چه محظوری پیش می‌آید که مردم ناراحت میشوند؟ چه محظوری پیش می‌آید که درخارج نمی‌پاید؟ این احتیاط بیشتری است که یک فردی که شرایط رهبر را نداشته باشد و فرمانده کل قوا باشد کودتائی نکند و خون این همه شهید راکه هنوز هم ریخته میشود هدر ندهد. این همه مال مصرف شده ، این همه‌زندان ها رفته شده ، شکنجه‌ها شده، عمرها تلف گردیده است با یک کودتا همه‌اش باطل میشود هزار و چهارصد سال‌است که می‌بینید غیراز چندصباحی که نبی‌اکرم وحضرت امیرالمؤمنین رهبراست بوده‌اندبعد کارهای مردم به دست ظلمه افتاده است و همانطورکه گفته شد در زمان پهلوی‌ها با جان و مال و نوامیس مردم چه‌ها که نکردند به خاطر اینکه حکومت اسلامی از مجرای خود خارج شده بود ، ولایت فقیه نبود حالا که فرصتی پیش‌آمده است که ما حکومت اسلامی را در مجرای خودش قرار بدهیم و یک دیکتاتوری به این ملت مسلط نشود دیگر چه اشکالی پیش‌خواهد آمد؟ این هم «فرماندهی کل‌قوا» نیست «فرماندهی عالی کل قوا» است یعنی از طرف خود کسانی را در رأس کارهای ارتش می‌گمارد، تنها نبض ارتش در دست او است حتی ممکن است خیلی از اختیارات ارتش را به دست رئیس‌جمهور بدهد، اما اگر دید رئیس‌جمهور میخواهد از اختیارات خود در ارتش سوء استفاده بکند چون فرماندهی عالی کل قوا در دست او است، جلو تصرف نابجای او را میگیرد . پس این کجایش مخالف طبع ملت است؟ این

مطابق خواسته ملت وهدفی است که خون‌ها درراه‌رسیدن به‌آن‌ریخته‌شده‌است، شکنجه‌ها دیده‌شده است،ما برای به‌دست آوردن‌همین مطلب‌قیام کرده‌ایم واین مطلب که‌گفتند دیگران‌می‌آیندجلوه فقها را میان مردم کم‌می کنند وآنها راازمردم دورنگه‌میدارند،میدانیداین وضعیت‌درزمان رضای پهلوی برای چه بود؟ برای اینکه آقایان همه کنار بودند هیچ به وضع اجتماع خودشان توجه نداشتند و در آن دخالت نمی کردند فقط همان نماز خودشان را می‌خواندند و مقداری احکام شرعی را عمل میکردند فقط چند نفری استثناء بودند و بقیه کاری به‌بقیه رویدادها نداشتند کورها، کرها، لال‌ها بی‌سرپرست بودند خودتان میدانید زمان آقای حاج‌شیخ عبدالکریم مؤسس حوزه علمیه قم و زمان مرحوم آسید ابوالحسن خیلی در امور دخالت نمی کردند و از قضایا به دور بودند و به همین دلیل مردم آنها را نمی‌شناختند، میشد آنها را معرفی کنند اینها افرادی هستند که فقط به زندگی خودشان می‌اندیشند و به اوضاع شما نظر ندارند ما هستیم که برای شما راه می‌سازیم ما هستیم که کشورتان را فرض بفرمائید صنعتی میکنیم، فرهنگ درست میکنیم، دانشگاه درست میکنیم کراراً محمدرضا شاه مخلوع در حرفهایش به این موارد اشاره کرده بود که شما چکار کردید؟ ما این کارها را کردیم، اما اگر تا اندازه‌ای اختیارات دردست فقها باشد و امروزکه بحمدالله در مقام این هستند که به وظایف اسلامی و انسانی خودشان عمل کنند و از اینها مردم کار ببینند، هیچکس نمی‌تواند نسبت به‌روحانیت ایجاد نفرت بکند چون الان روحانیت در دل مردم جای دارد و اگر درست هم به وظایفش عمل کند این وضعیت تثبیت میشود و ما برای مقام رهبری شرایط قرار دادیم. مقام رهبری نزدیک مقام‌عصمت است، نزدیک به این است که هیچوقت گناهی نکند، هیچوقت خطائی از او سر نزند چرا؟ برای‌اینکه موظف به مشورت است، موظف است که از نظر متخصصان درکارها بهره بگیرد. در قسمت دیگری از این اصل که گفته‌ایم اعلان جنگ و صلح، بی‌مقدمه که خودش این کار را نمی کند بعد از مشورت‌هائی که با متخصصان به عمل آورد و آن را ضروری دانستند توسط او یا رئیس جمهور اعلان میشود مخصوصاً این که در مجلس شورای ملی هم رسیدگی خواهد شد حضرت ابا عبدالله‌الحسین در خطبه تحف‌العقول میفرماید که بدانید هر وقت از محظور نترسیدید و به وظایفتان عمل کردید از کشته شدن نترسیدید بدانید امور الله‌ترجع علیکم وعده داده، وعده معصوم است، حق است ، قابل تخلف نیست امور الله ترد علیکم به دست شما است امور خدا، از دست شما امور خدا جاری میشود، پس این اشکال نیست که اگر فرماندهی‌عالی کل قوا را به اینها بدهیم مردم از روحانیت دور میشوند این یک عامل کنترل دیکتاتوری است و اگر به وظایف خود خوب عمل کند خواهید دید که محبوبیتش بیشترخواهد شد . دیگر ایشان فرمودند یا خود فقیه بیاید رئیس‌جمهور بشود یا یک کسی را که برای رئیس جمهوری انتخاب کرد همه کار بکند، البته همه کار نه، فقط فرماندهی کل قوا را ایشان گفتند این چه‌تنازعی است بین اینها؟ آیا کارهای رئیس‌جمهوری منحصر است تنها به فرماندهی کل‌قوا؟ یا این کار نادری است؟ (یزدی — اگرحضرت علی مالک را به مصر فرستادند...) متوجه مطالبتان‌هستم و عین این را اینجا نوشته‌ام اجازه بفرمائید عرض میکنم و اینجا هم مثال زدم به اینکه‌حضرت علی‌مالک اشتر را والی مصر کرده بود و فرماندهی کل قوا را هم برایش داده بود، اولا تاریخ ضبط کرده که حضرت‌امیرالمؤمنین وهمچنین رسول‌اکرم‌گاهی میشد که فردی رامیفرستادند جائی و برای همه امور بوده، هم برای فرماندهی کل قوا و هم اختیار داشته قاضی باشد و هم امام

جماعت و جمعه و ولی هم باشد، گاهی هم میشد که برای این چند کار چند نفر را میفرستادند، یکی‌را برای استانداری یکی را برای فرماندهی، یکی را برای قضاوت میفرستادند و از آن‌گذشته همانطور که یکی‌ازرفقا اشاره کردنددرنهج‌البلاغه آمده است که‌میگوید: من تو را میفرستم‌ولی‌در قدرت تو شریک هستم، و شریک هستم در تصرف تو، مواظب باش من امام هستم و فوق تو، و شریک هستم در اختیارات تو، در واقع حضرت‌علی خودش راجدا نکرده بود، ماهم‌میخواهیم ولایت فقیه را از قوهٔ مجریه جدا نکنیم همانطورکه امیرالمؤمنین خودش را جدا نکرده بود. (ربانی شیرازی — آقای تهرانی حضرت علی خودش فرمانده کل قوا بود و مالک اشتر فرمانده لشکر بود.) بله ما میگوئیم اصل فرماندهی عالی، در این اصل فرماندهی عالی کل قوا مطرح است، و ممکن است فرماندهی کل قوا هم داشته باشیم، و عرض کردم یا باید رئیس‌جمهور قرار ندهند و خودش بیاید متصدی بشود یا اینکه همه اختیارات را به او بدهد، آخر این چه ملاحظه‌ای است که میکنید، خود هر دو بزرگوار این را قبول دارند و تنها فرماندهی کل قوا هست که اشکال دارد، چه فرق میکند نقص به خود شما هم هست وقتی ریاست جمهور را انتخاب میکند اصلا برود در خانه‌اش بنشیند، و ولایت فقیه را رها کند و کاری هم به عزل و نصب و امضاء نداشته باشد وهیچ چیز، فقط شش نفر نگهبان را تعیین کند برای اینکه خلاف اسلام نباشد و بعد هم برود در خانه‌اش بنشیند و کاری هم نداشته باشد به خاطر اینکه ریاست جمهور تعیین کرده است، رئیس جمهور که هنوز هم در این اصل نیست که او کاندیدا بکند و اگر هم بیاورید انحصاری نیست، رئیس‌جمهوری که انتخاب میشود اگر یک مقدار قدرتش بیشتر باشد طبق مصالح مسلمین و طبق اینکه این انقلاب حفظ بشود این ثمرهٔ خونهای ریخته شده و جوری هم نباشد که خدای نکرده یک وقتی کودتائی بشود و برعلیه این کشورتوطئه‌ای نباشد خوب است، یا باید ریاست جمهور باشد و یا خودش باید کنار برود. این قسمت را باید حذف کنید، آخر این قسمت چه گناهی کرده چه محظوری این قسمت دارد؟ رئیس کل قوا چه جنایتی کرده و چه خصیصه‌ای و صفتی در او هست که اگر ما بدهیم به ولایت فقیه‌اینهمه محظوری که شما میگوئید پیش می‌آید اما عزل و چیزهای دیگر را پیش نمی‌آورد؟ باز تذکر میدهم که شما با تمام مقدماتی که چیدید و خواستید که دلسوزی بکنید بدانید که خدا شاهد است که ما هم در این جامعه هستیم و آنطوری که شما خیال میکنید نیست، اقلیت‌هائی هم هستند که هدفهای نادرستی دارند بعضی‌هایشان تحقیقاً وابسته هستند و وابسته به اجانب هستند و منافعشان در خطر افتاده است و برای حفظ منافع خود میخواهند این هیاهو را بپا کنند و امید است در آینده همین‌ها هم راضی بشوند بنده پیش‌بینی میکنم که آنها وقتی مصالح خود را مشاهده کردند با ولایت فقیه و در خارج پیاده شد و دیدند که به نفع ملت و مردم هست و همه منافعشان حفظ میشود، اقلیتها هم منافعشان حفظ خواهد شد، اینها فقط مصالح مردم را میخواهند وقتی یک نظام اجتماعی صحیح بود و مصالح اینها حفظ شد حتی اقلیت‌ها و حتی این نارضاها هم راضی میشوند ، ما باید کاری کنیم و بیشتر در فکر این باشیم که افراد ناصالح در رأس کارها قرار نگیرند، اختیار بیشتر را باید به رهبران امت و دلسوزان امت و کسانی که نزدیک به عصمت هستند و حب دنیا ندارند بدهیم تا قوهٔ مجریه تحت اختیار اینها باشد و از اینهاحرف گوش کند و بیم داشته باشد که اجرا کند اصولی که شما تصویب میکنید بالخصوص جهات اقتصادی را و نارضائی‌های اقتصادی را که وجود دارد، شما کاری بکنید که بهتر اجرا

بشود این قوانین، اگر منظم‌تر اجرا شد آنوقت مورد اتفاق همه میشود و نارضاها هم برمیگردند، بنده غرضم همین بود که مراجع گذشته مواضع خاصی داشتند و وظایف خودشان را میدانستند و موقعیتشان را هم قبول دارم که موقعیت خاصی بوده، اماخواستم عرض کنم که مردم وقتی میگفتند روحانی را سوار نکنید در ماشین و سوار نمی کردند به خاطر این بود که در جامعه نیامده بودند و دور از جامعه‌بودند ولی امروز که درجامعه آمده‌اند ان‌شاءالله که به وظایفشان عمل‌بکنند واین نارسائی‌ها هم که الان می‌بینید بعد از اینکه نظام صحیح و حکومت مستقر و حکومت ثابت اسلامی ان‌شاءالله پیاده شد و مجلس شوراتشکیل‌شد و رئیس جمهور تعیین شد و دولت مورد خواست وعلاقه ملت تحقق‌پیدا کردودیدند که این ولایت فقیه‌چه نورواشعه‌ای و چه انرژی به حکومتشان میدهد و چه انرژی به قوۀقضائیه و مجریه و مقننه میدهد اگر اینها را به چشم خودشان ببینند آنوقت گرایش بیشتری پیدا میکنند و هیچگاه نارضائی در بین آنها بوجود نمی‌آید، چون وقت بنده تمام شده به‌بحثم‌خاتمه‌میدهم .

نایب‌رئیس — ملت عزیز ایران، تحصیل کرده‌های عزیز با ایمان و همه گروههای سیاسی و اجتماعی که این سخن را میشنوید، روی سخن با همه قشرهاست با تو ای کشاورز عزیز، با تو ای کارگر عزیز، با تو ای دانشجوی عزیز، با تو ای دانش‌آموز عزیز، با تو ای فرهنگی عزیز، با تو ای دانشگاهی عزیز، با تو ای پیشه‌ور عزیز، ملاحظه کردید که در مورد اصلی که درباره رهبری است و ولایت امر مطرح بود دونظر متفاوت وجود داشت ما در حدود بیست ساعت در جلسه مشترک گروهها درباره این دو نظر با یکدیگر تبادل نظر کردیم تقریباً عموم نمایندگان شمادر طول‌مدت این بیست ساعت درجلسه مشترک‌گروهها‌توانستند نظراتشان را برای هم بیان کنندپس از این تبادل نظر طولانی طرح پیشنهادی طبق نظر اکثریت آراء به عنوان دستور جلسه دیروز و امروز تهیه شد و در این جلسه نیز فشرده مطالب مخالف و موافق با فرصتی استثنائی که به‌قول برادرانمان «برخلاف آئین‌نامه» به‌مخالف وموافق داده شد برای آگاهی شما ملت عزیز در اینجا بیان گردید ما با رأی مخفی درباره این اصول رأی‌گیری خواهیم کرد و نتیجه را هرچه باشد به‌اطلاع شما خواهیم رساند ولی تا این لحظه شما دیدید که راجع به این مسأله بسیار مهم دو نوع بینش فقهی و اسلامی وجود دارد چه در میان معممین و چه در میان غیرمعممین، بنابراین برخلاف آنچه که به شما وانمود کرده‌اند اختلاف‌نظر در مورد مسأله ولایت فقیه مسأله مقابله معمم و غیر معمم و روی در روی ایستادن روحانیون‌و غیر روحانیون هرگز نیست، مسأله مقابله دو نوع فکر و بینش اسلامی و اجتماعی است، امروز دیدید در این جلسه که چگونه این دو نوع مقابله فکری بستگی به لباس نداشت بلکه بستگی داشت صرفاً به دو نوع مطالعه و برداشت و بینش، امیدوارم‌با همه خصوصیاتی که جلسه امروزمان داشت این اثر فوری و نتیجه فوری را برای شما ملت داشته باشد که دیگر این وسوسه‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها را نپذیرید و بدانید که در این مورد هرگز مسأله در قالب‌مقابله معمم و غیر معمم و روحانی و تحصیل کرده نبوده است و نیست و نخواهد بود، ما کارمان را ادامه میدهیم درباره مطلب رأی‌گیری میکنیم نتیجه رأی را هم به اطلاع ملت میرسانیم و پس از آنکه اصول مربوط به ولایت فقیه در قانون اساسی از هر جهت مشخص شد همانطور که قبلا به ملتمان وعده داده‌بودیم میزگردهائی این‌بار پیرامون همین اصول مشخص‌خواهیم‌داشت برای روشن کردن مطلبی که اینجا تصویب شده برای ملت، چون منظورمان از این میزگردها

همین بود که بدانیم که برای ملت چه چیزی را باید روشن کرد والا اینجا که مسأله رأی‌گیری شماست که پیش از میزگرد عرض کردم حدود بیست‌ساعت بحث برای یکدیگر داشتیم‌ولی‌وقتی میخواستیم مطلب را برای ملت روشن کنیم لازم بود مشخص بشود که چیست، روی این اصل ترجیح دادیم که پس از مشخص شدن اصول با ملتمان سخن بگوئیم، من به سهم خودم به‌عنوان یک فرد از نمایندگان شما آمادگی خود را اعلام میکنم که پس ازمشخص‌شدن‌اصول، پیرامون آنها در میزگردها شرکت کنم و با هر متفکری از هر گروهی باشد به‌تبادل نظر وگفتگو بنشینیم.

حجتی کرمانی — بعد از تصویب؟

نایب رئیس — ما که نمی‌خواهیم به رفراندوم بگذاریم، بنده الان از شما دوستان سؤالی میکنم ما الان عده‌ای ازدوستانمان را می‌بینیم که درباره مطلب نوبت گرفته‌اند صحبت کنند، مقدار زیادی صحبت کرده‌ایم و نزدیک به دو ساعت است که در این باره صحبت میکنیم، از طرف یکی از دوستان پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است که رأی‌گیری پیرامون این سه بندی که مانده است بشود و ما این پیشنهاد را به رأی میگذاریم.

بنی‌صدر — ذیل آن هم یک پیشنهادی نوشته شده است.

نایب رئیس — آقای بنی‌صدر، پیشنهادهای زیادی در مورد تغییرات متن آمده است.

رشیدیان — هنوز حق مطلب ادا نشده است.

هاشمی‌نژاد — تعدادی از آقایان که موافق بودند و اسم هم نوشته بودند معتقد هستند علیرغم اینکه برادرانمان همه یک زاویه‌ای از زاویه‌ها یا چند زاویه را مشخص کردند در عین حال آنطوری که باید این مسأله با توجه به وضع امروز مجلس روشن نشد و من‌جمله خود من چنین عقیده‌ای دارم و جناب آقای یزدی و آقای رشیدیان و تعدادی از دوستان و آقای فارسی‌هم به‌عنوان موافق‌آن مقداری که باقی‌مانده وفکر میکنیم روشن‌نشده آن مقدار راهم واگذار کردیم به جناب آقای فارسی که به عنوان موافق و به مؤید فرمایشاتشان صحبت بکنند تا مردم جامعه بدانند که مسأله چیست.

نایب رئیس — از نظر میزان وقت من قید وقتی را رعایت نکردم ولی معادله وقتی را تا حالا رعایت کرده‌ام یعنی مقدار وقتی را که برادران عزیزمان آقای مکارم و آقای حجتی‌گرفتند تقریباً مساوی بوده با مقدار وقتی که برادر عزیزمان آقای تهرانی گرفتند، بنابراین اگر بخواهیم ادامه بدهیم نوبت این است که باز یک مخالف صحبت کند و بعد یک موافق.

رشیدیان — زبان آقای تهرانی یک زبان فنی و علمی بود، نه اینکه حق مطلب ادانشد بلکه خیلی دقت نظر میخواست که این مطالب فهمیده بشود اما آقایانی که به عنوان مخالف صحبت کردند شاید همه کسانی که سواد خواندن و نوشتن داشتند چون جنبه شعاری داشت فهمیدند پس اجازه بفرمائید که با همان سبک البته با استدلال روشن برای این ملت از زبان آقای فارسی یا دیگران با دلایل مستدل و با زبان ساده زوایای مبهم برای این ملت روشن بشود.

نایب رئیس — در این صورت ما بیست دقیقه وقت داریم به پایان جلسه، لازمه‌اش این است که این بیست دقیقه را تقسیم بکنیم بین یک مخالف و یک موافق بعدی اگر آقایان میخواهند موافق بعدی آقای فارسی باشند در این‌صورت مخالف بعدی نوبت آقای دکترشیبانی

است و بعدش آقای بنی‌صدر. میتوانید یکی از دو مخالف را انتخاب بکنید.

بنی‌صدر — مدت زمان مخالف را میتوانید بین ما دو نفر تقسیم بکنید.

نایب رئیس — به هرحال مخالف فقط ده‌دقیقه میتواند صحبت بکند. آقای دکتر شیبانی بفرمائید.

دکتر شیبانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در مورد رهبری امام بحثی نیست اگر در قانون هم چیزی نیاوریم به‌رهبری ایشان خدشه‌ای وارد نمی‌شود، همینطور که گاندی رهبری هند را به‌عهده داشت در قانون هند هیچ ماده‌ای برای رهبری وضع نکرده بود، ولی تمام اقداماتی که به‌نفع مملکتش بود انجام داد و به‌نحوخوبی انقلابش را به‌ثمر رساند، در مورد رهبری کل قوا در اسلام مسئولیت هست اگر کسی را گفتید رهبری کل قوا اگر خطا کرد چه جوری مجازاتش میکنید؟ ولی امر است و هیچ کاری هم نمی‌شود کرد و هیچ ماده‌ای هم در این قانون نیست که به‌این مسأله به‌چه‌نحو باید رسیدگی کرد، اگرمی‌پذیریم فرمانده کل‌قوا درصورتی که خطائی در تصمیم‌گیری نظامیش کرد بیاورید در دادگاه نظامی و محاکمه‌اش بکنید تازه میشود حقی به او داد ولی چیزی به او نداده‌اید بلکه یک چیزی هم از او گرفته‌اید، اگر بخواهید حداقل مسأله را هم مطرح کنید به عنوان اینکه تعیین رئیس ستاد مشترک، اصلا فرمانده کل قوا راچه کسی گفته که بدهید به‌رئیس‌جمهور، نه خیر ندهید به‌رئیس‌جمهور، و آن چیزی را هم که ما نوشتیم برای فرمانده کل قوا یک شورای فرماندهی تعیین کردیم و برای آن اشکالی هم که آقایان مطرح میکنند که چگونه ما برویم بدون اجازه فقیه جنگ بکنیم وجهاد بکنیم و کشته بشویم ، گفتیم یک فقیهی از شورای نگهبان در این شورای فرماندهی باشد هیچ لزومی به‌اینکه مرجع و رهبر، فرمانده کل قوا باشد نیست البته در مواقع ضروری صلاح میداند خودش به عنوان ولایت امر دخالت میکند ولی در اینکه قانون برایش سمتی به این عنوان معین بکند به نظر من به صلاح مملکت نیست و ایجاد حب و بغض میکند و رهبر باید از حب و بغض دور باشد، یعنی کاری نکنیم که مردم بر علیه او شورش بکنند وناراحت بشوند. آنچه من میگویم همانطورکه آقای دکتر بهشتی هم فرمودند روی سخنم آن افراد مسلمان تحصیل کرده است‌آن کلمه «تاریک‌فکر» راهم نمی‌خواهم بگویم و به‌درد من نمی‌خورد وآن‌را میگذارم کنار، آن افراد تحصیل کرده مسلمان مسلماً بنابراعتقادات اسلامیشان به‌مصالح مملکت فکر میکنند اگر انتقادی دارند و گله‌ای میکنند و تعارضی دارند برای اینست که بعضی‌ازمسائل برایشان روشن نشده است این مسأله‌ای را هم که مطرح میکنم به خاطر همین است فرمانده کل قوا خطرناکترین مشاغل است و اصولا لزومی ندارد فرمانده کل قوا داشته باشیم و رئیس ستاد ارتش باشد که آن هم باید تحصیلات نظامی داشته باشد و یک رهبر و مرجع نمی‌تواند تحصیلات نظامی کافی داشته باشد تا بتواند تصمیمات لازم را بگیرد. (یزدی — پس حضرت علی (ع) چطور توانست...) در مورد حضرت علی هم که مکرراً اشاره میکنیدحضرت علی علم الهی برای حکومت شرعی خود داشت و جنگ هم میکرد این فرق میکند باکسی که بعداً میخواهد فقیه بشود حداقل شصت‌سال باید تحصیل بکند می‌بینید که اکثر مراجع سنشان از شصت سال به بالا است شما چیزی نگوئید که عملی نباشد،به نظر من در هر حال پیشنهادم این است که اگر شورای فرماندهی میخواهید باشد و فقیه هم یک نماینده آنجا داشته باشد یا اینکه اصلا فرمانده کل قوا نباشد و رئیس ستاد ارتش باشد.

نایب رئیس — آقای بنی‌صدر پنج دقیقه وقت دارید که صحبت بفرمائید.

بنی‌صدر — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در مدافعات مدافعین و موافقین این اصل دو مطلب وجود دارد یکی اینکه میخواهیم جلو کودتا را بگیریم خوب کودتائی که میخواهد بشود علیه چه کسی است؟ اگر علیه دولت وقوهٔ مجریه است چطور اختیار از دست او می‌گیرید بعد با چه وسیله‌ای در مقابل کودتا خودش را حفظ بکند اتفاقاً درست به همین دلیل ترس از کودتا است که باید حساب ارتش را از حساب دولت جدا نکرد. من امروز صبح عرض کردم مخالفم با اینکه یک اختیارات تام داده شود بدون اینکه معلوم شود مجرا و اسبابش چیست، در پیش‌نویس اولیه قانون اساسی هم همین اصل بود که فرماندهی کل قوا با رئیس‌جمهوری است ولی ماآوردیم دیدیم که خیر رئیس جمهوری بدون اسباب ممکن نیست آیا او خارج از دولت میخواهد کار بکند یا از طریق دولت میخواهد کار بکند؟ اگر خارج از دولت است که همان استبداد است برای اینکه هر لحظه میتواند تصمیم بگیرد تمام دولت را نظامی بکند، اگر از طریق دولت می‌خواهد بکند میشود به این صورت که در این قانون آمده و ملاحظه بفرمائید در مورد رئیس جمهوری آیا شما می‌گفتید این اصل، اصل تشریفاتی است؟ نه برای اینکه رئیس‌جمهور باید در هیأت دولتش کار کند پس هیأت دولت باید به او پیشنهاد بکند و این خارج از آن مجرا مثل شاه سابق جداگانه اتصال نداشته باشد به قشون و هر وقت هرجور دلش خواست عمل بکند و یا قشون بتواند در او القاء شبهه بکند و یک تصمیماتی را به او تحمیل بکند که دولت از آن آگاه نیست، این است که ازلحاظ من هیچ فرقی نمی‌کند شما میگوئید که رهبری بالای همه است چه بهتر، پس همین اصلی که در پیش نویس برای رئیس جمهور پذیرفته شده بود شما بپذیرید برای رهبری، آن اصل ۳ و ۹ این است که: فرماندهی کل نیروهای نظامی با رئیس جمهوراست. شما اینجا میگوئید که باشورای رهبری است، رئیس کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی به پیشنهاد هیأت وزیران است چون بالاتر شده، میشود نوشت «هیأت وزیران و رئیس جمهور و تصویب رهبر است» این میشود عین آن اصل که مجرایش هم معلوم است، اقلا منطقش برای مردم و برای آینده معلوم باشد، این راجع به اینکه میخواهیم جلو کودتا را بگیریم، اما چیزی که دائم اینجا می‌شنویم علی‌الدوام یک طرف پاک و معصوم است و یک طرف دیگر خبیث است، رئیس‌جمهور حتماً یک کسی است که انتخاب میشود بدتر از محمدرضا، و سی و پنج میلیون مردم ایران نمی‌توانند آدمی را انتخاب بکنند که صالح باشد حتماً فاسد از آب در می‌آید و باید جلو او را گرفت، خوب در این صورت لطفاً کاری بکنید که آدم صالحی انتخاب بشود برای اینکه اگر آدم فاسد انتخاب بشود نمی‌تواند جلو این مسواد را بگیرد، این را همه میدانند و این ترتیب استدلال به نظر من همان چیزی است که به زیان استدلال کننده تمام میشود که ما احتیاجی به این کار نداریم چون یا آن شورای رهبری میخواهد با قوهٔ مجریه و قوای مملکتی کار بکند یا علیحده میخواهد کار بکند کدامیک از اینهاست؟ اگر علیحده میخواهد کار بکند که این استبداد است، اگر با آنها میخواهد کار بکند هیچ مصیبتی نیست، شما میخواهید که او هم در حکومت دخالت داشته باشد چه بهتر، مجرایش را معین بکنید تا در آن مجرا همه بدانند که این اصل چگونه پیاده خواهد شد خدا هم کارها را به اسباب انجام میدهد شما نمی‌شود اصلی را بیاورید که فرماندهی عالی کل قوا با رهبر است، چه‌جوری این را اعمال میکنید؟ کسی نمی‌داند، میفرمایند دراصول بعد معین میشود بنده عرض میکنم نه خیر قربان باید در همین جا معین بشود، اگر بخواهید همین‌جا بگذارید مطلب روشن میشود و برای مردم هم ما میتوانیم روشن بکنیم و دفاع میکنیم که این هیچگونه مخالفتی با

دموکراسی و حاکمیت ملت ندارد اما به شرط اینکه مجاری مشخص باشدآن چیزی که مزاحم آزادی‌است نبودن‌مجرا واسباب درقانونگذاری است‌مثل قانون اساسی سابق یک جمله مینویسد که عـزل و نصب وزیران با شاه است چه‌جور، معلوم نیست و یا یک جمله مینویسد فرمانده کل قوا انتخابش با شاه است چه‌جور، معلوم نیست، در یک جای دیگر نقیض این را می‌نویسد میشود همان دعواهائی که طی نشد پس بهتر است که از او عبرت بگیریم داستان محاکمه دکتر مصدق جلو چشم همه است این میگفت که طبق اصل ٤٤ قانون اساسی یا ٤٦ شاه حق ندارد عزل و نصب بکند و وزراء حق ندارند دستورات کتبی شاه را اطاعت کنند آن میگفت‌طبق اصل فلان عزل و نصب وزراء با شاه است پس این میشود همان نوع قانون اساسی،بنابراین بهتر است آن مشکلات را اینجا بـوجود نیاوریم و هیچ نگـران هم نباشید که اگر فرماندهی عالی با فقها باشد نگرانی ندارد و من هم هیچ نگران این مسأله نیستم فقط نگران این هستم که ترتیب و اسبابش معین نباشد برای اینکه فساد در آن زیاد است خدای نکرده اگر یک‌وقتی رهبر از دنیا رفت تا شما بیائید و خبرگان تشکیل بشود آقای رئیس ستاد معلوم‌نیست که تابع چه کسی هست، هر غلط خواست میتواند بکند وکودتا از اینها در می‌آید، این است که در همه‌جای دنیا تجربه کرده‌اند و این دیگر غربی و شرقی نمی‌شناسد بلکه این تجربه بشری است آوردند حساب این قشون را که سابق جدا بود از دولت بردند در دولت، حالا شما میخواهید بالای سر دولت ببرید یک مرجع هم بگذارید چه بهتر، اما مجرایش را معین کنید.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید.

کرمی — آقا این خیلی زننده است که‌مسلمانی بگوید‌من در شئون مسلمانها‌مخالف هستم.

فارسی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. با ده دقیقه وقت نمی‌شود به تمام ایراداتی که وارد کردند جواب داد، چونکه آنها در ده دقیقه ایراد وارد میکردند و استدلال هم نداشتند، فقط القاء شبهه میکردند یا شک و تردید اظهار میکردند، مثل اینکه مجرایش چیست، مجرای اعمال فرمانده کل قوا، همان مجرائی است که رئیس‌جمهور در رژیم‌های دیگر اعمال میکند و آن هم برخلاف فرمایش شما از طریق دولت نیست در دولت وزیر دفاع هست، که به ادارهٔ تشکیلات دفاع ملی می‌پردازد، فرمانده کل قواگاهی کارهایش را از همین طریق اعمال میکند و گاهی فرمان را مستقیماً صادر میکند، این تجربه‌ای که ما داشتیم درسرکوب ضدانقلاب تجزیه‌طلب وابسته به بیگانـه مرتـد، امام فرمانده کـل قوا را از بـالای سر نخست‌وزیر و دولت موقت به‌وزیردفاعش اعمال کرد، همچنانکه در رژیم‌های‌سلطنتی که فرماندهی کل قوا با شاه بود از غیر طریق وزیر دفاع هم گاهی اعمال میکند. جمهوری هم باشد همین است، یعنی هر دو مشترک هستند یعنی جمهوری و رژیم سلطنتی، در این که علاوه بر یک مقام مسئول دفاع ملی که در داخل دولت هست، در خارج از هیأت دولت ولی درکل دولت به عنوان یک نظام سیاسی، فرمانده کل قوا وجود دارد و این آن زنجیره و حلقه اصلی قدرت درتمام رژیم‌ها است فرماندهی کل‌قوا اگر تضمین نشود که در اختیار ملت باشدو مجری اراده ملت باشد تمام تضمیناتی که به شکل قانون اساسی یا غیر قانون اساسی به صورت تعبیهٔ مقامها یا تدابیر عملی صورت میگیرد همه‌اش بیفایده‌است، فرماندهی کل‌قوا فرقش بارئیس‌جمهور این است که آقای بنی‌صدر، احتمالات فساد در رئیس‌جمهور، درنخست‌وزیر و وزیر دفاع بسیار بیشتر از رهبر است، به دلیل اینکه در وزیر دفاع شرط عدالت نیست، در رئیس دولت و هیأت دولت شرط عدالت

و تقوا نیست، لازم نیست که چنین تجربه‌ای داشته باشند و اگر بگذاریم هم عملی نیست، چونکه اینها کسانی هستند که ممکن است ایمانشان ضعیف باشد اما از تخصصشان استفاده میشود همانطور که از کارشناس خارجی هم استفاده میکنیم، رهبر ما یک مقامی است که‌جایش را نمی‌شود در رژیم‌های غربی یا شرق کمونیستی پیدا کرد، کسی است که قبل از اینکه مقام رهبری و فرمانده کل قوا را به او بسپارند مقام امامت را داشته، نماینده مکتب مردم به تدریج و در طول سالها با نشان دادن سابقه عدالت و تقوا و اخلاص بـه مصالح ملت و تعالی روانی که بروز کرده به آن ایمان پیدا کرده‌اند، پس از آنکه‌او را به نام رهبر شناختند و به نام امام شناختند به نام فرمانده کل قوا با او بیعت میکنند ، آن کسانی که از تاریخ اسلام اطلاعی ندارند بدانند که پیامبر اکرم پیش از آنکه فرمانده کل قوا باشد رهبر مکتب و امام بود و به این عنوان مردم با او بیعت کردند و در دورهٔ مکی و در دورهٔ‌مدنی همان رهبر را به عنوان فرمانده کل قوا پذیرفتند، خونها و جانهایشان را به کف او سپردند، هیچکس جز این رهبری که مشخصاتش در قانون اساسی ما تدوین میشود صلاحیت این را ندارد کـه جانها و خونهای میلیونها انسان در کف او گذاشته شود، همین فرمانده کل قوا با این سابقه اخلاص و با این کفایتش در برابر خدا و مردم مسئول است، تمام قوانین جزائی در موردش صادق است، او هم یک تن است همانطور که دیروز آقای دکتر بهشتی تذکر دادند، تمام مردم هم حق نظارت دارند، چنانکه امیرالمؤمنین وقتی با او به عنوان فرمانده کل قوا و امام بیعت کردند، شرط کردند که برطبق قرآن وسنت عمل بکند، کارش مشروط است و لازمه این شرط یک نظارت دائمی بر اعمال اوست، اما اگر خطا بکند خطایش نظامی نیست چون رهبر از متخصصان استفاده میکند ممکن است شورای فرماندهی تشکیل بدهد ، همانگونه که پیامبر اکرم با اینکه علم الهی داشتند جناب آقای دکتر شیبانی، در مورد فرمانده جنگ مثل یک نفر عمل میکردند تا به من و شما درس بدهند که آنجا از تجربه متخصصان استفاده میکنند و در آن شورای فرماندهی جنگی رأی پیامبر یک رأی بود و گاهی در اقلیت قرار میگرفت و پیامبر رأی اکثریت را میپذیرفت زیرا کـه در شرکت بـا آنهـا همراه بـود ، او هم یک جان سهم گذاشته بود و دیگران هم هریک، یک‌جان وهریک در ازای آن جان یک رأی بیشترنداشتند، اما کودتاهم همیشه ممکن نیست علیه قوهٔ مجریه باشد، قوهٔ مجریه ممکن است کودتاچی باشد، همان فرمانده کل قوای ما که شاه بود علیه حکومت ملی ما دکتر مصدق از مقام فرماندهی کل قوا کودتا کرد، همین رئیس‌جمهور همان احتمالات است منتها نه به آن نسبت، چنانکه در تاریخ کشورهای دیگر گاهی رئیس جمهورها علیه ملتشان کودتا کردند برای اینکه مادام‌العمر باشند. (بنی‌صدر — علیه خودشان کودتا کردند.) چرا علیه‌خودشان؟ بنابراین‌مسأله یک‌طرف صالح و یک طرف فاسد نیست،مسأله نسبیت صلاح وفساد است، این هم که امام به‌مالک اشتر فرماندهی همان منطقه را سپرد مگر فرمـاندهی عراق را هم بـه او سپرد مگر خودش هم سرباز او شد؟ روزی که این اصل و این بند از این اصل به تصویب برسد وفرماندهی کل‌قوا به کسی سپرده شود که‌بیشتر از هر ایرانی و مسلمان دیـ ری مظهر ارادهٔ ملت است یک پیروزی بزرگی است و یک پیروزی بزرگی که در بیست و دوم بهمن به تحقق پیوست شکل قانونی پیدا میکند به مبارزه‌ای خاتمه میدهد که بیش از نیم قرن است که ما درگیرش هستیم. جامعه ما وقتی مسیرش منحرف شد که رضاخان برفرماندهی کل‌قوا دست یافت، کودتا کرد، سردارسپه شد بعد

فرمانده کل‌قوا، این نه با تغییر مجلس بود، نه از راه انتخابات، و اینکه‌مردم حتی‌فریب‌خوردند و اکثریت پارلمانی به نفع امپریالیزم انگلیس و به نفع دیکتاتوری تغییر کرد، ازطریق کودتا بر نیروی مسلح کشور دست یافتند نیروی اجرائیه را اول تصاحب کردند بعد درانتخابات‌تقلب کردند و مجلس قلابی درست کردند، راه ملت هم در طول این سالها این بود که نخست برقوهٔ مجریه تسلط پیدا کند و سپس تضمین کند یک انتخابات آزاد را که ارادهٔ ملی در طی آن انتخابات به صورت یک مجلس متظاهر بشود . تسلط بر قوهٔ مجریه همچنانکه یک هدف‌تحققی وعینی امپریالیزم انگلیس وسپس امریکا بوده‌باید‌هدف ثابت وقاطع ملت میبود که بود که ما فرماندهی کل قوا،ما فرماندهی بر ارتش، ما خود ارتش و قوهٔ مجریه را در بیست و دوم بهمن از چنگ دشمن خارج کردیم، همین فرمانده کل قوا بود که مصدق بر سرش با شاه کشمکش داشت، ابتدا وزارت دفاع را گرفت با قیام سی‌تیر، نمی‌خواست شاه فرماندهی کل قوا رابه‌نماینده ملت و حاکم ملی بدهد چرا؟ برای اینکه هرکس فرماندهی کل قوا را داشته باشد می‌تواند در جامعه تعیین سرنوشت سیاسی بکند، به همین جهت بود که دو ماه پیش از پیروزی انقلاب من جزوه‌ای نوشتم به همین معنی به نام تسلط بر قوهٔ مجریه، ما وقتی پیروز میشویم که فرماندهی کل‌قوا را داشته باشیم و برقوای کشور، ملت حاکم باشد. بهترین تضمین قانونی برای اینکه ملت در قوای مسلح کشور فرماندهی داشته باشد همین است که رهبری واجدچنان شرایط‌با طریقهٔ دموکراتیک و دقیق که یعنی دو مرحله‌ای، انتخاب بشود. باید مردم ماهم‌چون گذشته اسلامیمان با فرمانده کل‌قوا بیعت کنند، مردم مسلمان هرگز با رئیس‌جمهوری که فقط باید صلاحیت اجرائی داشته باشد و یک انسان متخصص باشد و میزان اخلاصش‌و وفاداریش به ملت لازم نیست بسیار بالا باشد بیعت نخواهند کرد . شما میفرمائید در حالی که مراجعی وجود دارند چگونه یک مرجع را میخواهید به توده‌های مردم و به پیروان سایر مراجع از نظر حاکمیت و حاکم بودن و نافذالاجرا بودن اوامرش بقبولانید ؟ ما میگوئیم با وجود رهبری مثل امام خمینی و امام خمینی‌هائی که همین انقلاب بوجود خواهد آورد و بوجود آورده است وشاگردان همان امام هستند و ادامه دهندگان راهش هستند با وجود آن ، مردم حاضر نیستند جان و خونشان را در کف دیگری بگذارند و با او بیعت بکنند، والسلام.

٤ — پایان جلسه

نایب رئیس — متشکرم، اجازه بفرمائید جلسه را ختم میکنیم و ما فردا صبح ساعت ده و نیم جلسه علنی داریم جهت به رأی گذاشتن نهائی همین اصول وقبل ازآن ساعت هشت تا ده برای تهیه اصول بعدی جلسه داریم. جلسه امروز را ختم میکنیم.

(جلسه ساعت هجده و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و دوم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ده و چهل و پنج دقیقه روز نوزدهم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با نوزدهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱- اعلام رسمیت جلسه و ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۸۷ .....
۲- پایان جلسه .....

۱ـ اعلام رسمیت جلسه و ادامهٔ بحث پیرامون اصل ۸۷

نایب‌رئیسـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اصل ۸۷ مطرح‌است، دراین‌اصل فعلا ٥ بند تنظیم شده بند اول تعیین فقهای شورای نگهبان است که دیروز مطرح شد ونظرخواهی که شد، معلوم شد که نظرموافق به‌حد کافی هست وجای بحث زیادی هم نیست، بند دوم نصب عالیترین مقام قضائی کشور است، که اینهم مطرح شد و نظرخواهی شد و نظرها باآن مساعد بوده، بند سوم مطرح شد «فرماندهی عالی کل قوا» دراین زمینه دیروز بحث شد موافق ومخالف صحبت کردند و امروز صبح هم بحث پیرامون آنرا ادامه دادیم و قراربراین بود که دوستان فقط پیرامون بند ۳ صحبت کنند به‌همین دلیل من از برادرمان آقای موسوی اردبیلی خواهش کردم که فقط روی آن صحبت کنند، ولی بعد از نفر اول و دوم بابحثی که به‌صورت نوشته برادرمان آقای مکارم داشتند که امروز هم به‌علت کار ضروری که از قبل برایشان در فارس پیش آمده بود، مسافرت کردند و شنبه برمی‌گردند، به‌علت بحث نوشته‌ای که ایشان داشتند و نخواستیم تقطیعش کنیم، این بحث عمومی روی بندها شد و تاپایان جلسه دوستان مختلف به‌صورت عمومی بحث کردند به هرحال از بند ۳ به‌اینطرف بحث‌ها به‌صورت‌عام‌صورت گرفته‌است امروز صبح، در جلسهٔ مشترک گروهها که تا ساعت ده و بیست دقیقه‌برقراربود، یک مقداردوستان مختلف پیرامون بند ۳ صحبت کردند و چنین احساس میشد که هنوز بحث آنان به‌نتیجهٔ روشنی نرسیده است بنابراین بند را واگذارمی کنیم که صبح شنبه باز مفصلتر درباره آن صحبت کنیم و بعدازاینکه نتیجهٔ‌بحث در جلسهٔ مشترک‌گروهها به‌تعبیر مشخص و روشنی رسید، آنوقت عصر شنبه ان‌شاءالله اینجا روی آن بحث خواهیم کرد. بنابراین منتقل میشویم به‌بند ٤ :

بند٤ـ اعلان جنگ و صلح درموارد خطرفوری و فرستادن آن به‌مجلس شورای ملی برای رسیدگی و رأی‌گیری.

نایب‌رئیس ـ دراین زمینه بحثی هست؟ آقای صافی‌بفرمائید.

صافی ـ اشکالاتی که در بند ۳ بود دراینجاهم وارد است، اولا «اعلان‌جنگ وصلح درموارد...» مفهومش این است که در غیر موارد خطر این اختیار را ندارد و ثانیاً فرستادن‌آن به مجلس برای رأی‌گیری باز منافات با اصل پنج دارد مگراینکه اینجور نوشته شود که «برای اخذ تصمیم نهائی پس‌از رسیدگی وبررسی مجلس».

نایب‌رئیس ـ چه‌چیزی نوشته شود؟

صافی ـ «برای اخذ تصمیم نهائی پس‌ازرسیدگی وبررسی مجلس» اعلان جنگ را فوری بدهند اما اینکه این را دائرمدار رسیدگی و رأی مجلس بکنیم، باز منافات با اصل پنج دارد همان اشکالاتی که آنجا هست، اینجا هم‌هست.

نایب‌رئیس ـ چون واقعاً نمی‌خواهیم وقتمان ضایع بشود اگر این دوستانی‌هم که اسم

نوشته‌اند باز دراین زمینه است که احساس می‌کنند بند ٤ و بند ۳ طوری به‌هم ارتباط دارد که باید یکجا حل بشود، بهتر اینست که وقتمان را صرف بند ٥ بکنیم که بکلی از بند ٤ جدا است. (منتظری — بنویسیم «پس‌از شور با مجلس شورای ملی» یعنی دیگر خودسرانه نباشد.) اجازه بدهید که موکول کنیم که با بند ۳ یکجا بحث شود چون اتفاقاً به‌نقش فرماندهٔ کل قوا هم مربوط میشود اینست که بند ٤ را موکول می‌کنیم به‌روز شنبه، بند ٥ را میخوانم:

بند ٥ — اتخاذ تصمیم دربارهٔ عزل رئیس جمهور به‌ترتیب زیر:

هرگاه رئیس جمهور به‌خیانت و تخلف ازوظایف قانونی خود متهم شود ویا در مظان ضعف وناتوانی درایفای وظایف خود قرارگیرد، موضوع برای رسیدگی به مجلس شورای ملی ارجاع میشود. مجلس به موضوع رسیدگی میکند و درصورتیکه اکثریت رأی‌داد، پرونده را برای محاکمه به‌شورایعالی قضائی میفرستد. درصورت رأی شورایعالی قضائی به‌ثبوت اتهام، رهبری با درنظرگرفتن مصالح کشور تصمیم لازم را اتخاذ و اجرا می‌کنند.

نایب‌رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی— «درصورتی که درمظان ضعف وناتوانی قرار بگیرد» ضعف وناتوانی‌جرم وتخلف ازقانون نیست که شورایعالی قضائی رسیدگی کند، شورایعالی قضائی مسائل حقوقی وجزائی را رسیدگی میکند اما ضعف‌وناتوانی‌یک مسأله تکوینی است اینرا باید ببینیم‌ضعیف است یا نیست، ناتوان است‌یانیست ؟ این نمی‌شود برود شورایعالی قضائی در صورتیکه ظاهر امر این است که اینهم باید به شورایعالی قضائی برود .

نایب‌رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید .

هاشمی‌نژاد — عرض کنم که دومسأله در اینجا مطرح است یکی اینکه رئیس جمهور مورد اتهام قرارگرفته آن هم مورد اتهام جرم وخیانتی وهنوز مشخص‌نشده که آیا مجرم‌هست یانیست بنابراین من دوتا تذکر اینجا دارم ، یکی‌اینکه این امر در جلسه علنی مجلس شورای ملی بررسی نشود ودر جلسهٔ خصوصی مورد بررسی قرار بگیرد تا در نتیجه اگر برائت او مشخص شد در اثر مبادله بعضی از حرفهای مخالف وموافق به‌پرستیژ او لطمه‌ای وارد نشود. مسأله‌دوم اینکه خود مجلس شورای ملی وقتی پرونده ارجاع شد به مجلس یک‌زمانی را برای آن معین بکند چون احتمال توطئه‌درآنجا زیاد است عوامل رئیس‌جمهور ممکن‌است پرونده‌رامعطل بکنندو بیندازند در کانال بحثهای مختلف ومدتها بگذرد وپرونده همانجا بماند ، پس یک‌زمانی را مشخص‌بکنند که‌پرونده در آن زمان معین آنجا بررسی بشود تا در نتیجه جاوی احتمال توطئه گرفته بشود .

نایب‌رئیس — آقای حیدری بفرمائید.

حیدری — اینجا در دو موضوع اشکال به‌نظر می‌رسد یکی اینکه بعد از این تشریفات عزل رئیس جمهور را به‌دست رهبر داده است وحال اینکه از نصبش صحبتی در میان نیست یعنی انتصابش با رهبر نباشد اما عزلش با رهبر باشد ، این تفکیک جوابش چیست ؟

نایب‌رئیس — یک وقت بحث در بارهٔ این است که‌این بند موافق با آنچه جنابعالی فکر میکنید ، هست یا نه ، یک وقت است که‌می‌فرمائید راجع به‌نصب هم یک‌بند جداگانه بیاید ، خوب این مربوط به‌بند جداگانه است . پس راجع به‌خود این بند نظری ندارید‌ومعتقدید که‌باید در بارهٔ نصب یک بند جداگانه نوشته شود ؟

حیدری — نظر من این است که‌اگر عزل تصویب شد که با رهبر باشد پس انتصاب بعد از اینکه رأی گرفته شد ومردم انتخاب کردند وبه‌اکثریت رأی به‌یکی از کاندیداهادادند موافقت و تأیید و انتصاب باید از طرف رهبر باشد که بعد اگر چنانچه تخلفی معلوم شد ، عزل هم بتواند بکند . خلاصه یک‌بند برای عزل وانتصاب باشد .

یکی دیگر ، اینجا گفته شده است که‌اگر رئیس جمهور متهم به‌خیانتی شد به مجلس شورای ملی ارجاع میشود ، اگر اکثریت مجلس شورای ملی‌رأی دادندورفت به شورایعالی قضائی ، در اینجا اگر بین این دو اختلاف شد ، شورایعالی‌قضائی حکم به تبرئه داد ومجلس شورای ملی به‌اکثریت حکم به‌خیانت داد و یا برعکس ، اینجا چطور میشود وبا رأی کدامیک باید عمل کرد؟

نایب‌رئیس — یکی از دوستانی که‌باید موافق صحبت کنند ، این سؤالات رایاد داشت کنند، که‌جواب بدهند . آقای قرشی جنابعالی نوبتتان است سؤالی دارید؟(قرشی— یک نفر صحبت کند بعد من صحبت میکنم .) بسیار خوب آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — « در صورت رأی شورایعالی قضائی به ثبوت اتهام » یا ثبوت جرم ؟ اول‌متهم است ، بعد از تحقیق شورایعالی قضائی رأی به مجرمیت میدهد .

نایب‌رئیس — مورد اتهام (جوادی — آن مسأله ضعف و ناتوانی هم ناقص میماند.) یعنی آن جرم نیست؟ (جوادی— خیر حتی اتهام هم نیست.) چرا، نوشته درمظان. (جوادی— درمظان ناتوانی مسأله جداست، اما این را نمی‌شودگفت ثبوت اتهام.) موضوع می‌نویسیم. (بنی‌صدر— اصلا ناتوانی را ببریم به مبحث رئیس جمهور و آنجا برایش مقرراتی وضع کنیم.) قدر مسلم این است که اینجا یک کلمه موضوع بگذاریم تا بعد جداکنیم ، مطلب دیگری نیست ؟ آقای رشیدیان بفرمائید .

رشیدیان — همانطوریکه قبلا عرض کردم در جلسهٔ مشترك دومطلب از این اصل برداشته شده است وحال آنکه مورد توافق بود باید پاسخ قانع‌کننده داده بشود ، یکی عدم صلاحیت سیاسی بوده ، یکی هم معرفی کاندیداها از طرف رهبر اما مسأله اینست که‌تنها مرجعی که‌می‌تواند به‌تمام اتهامات در هر مقام وهر موقعیتی که‌هستند رسیدگی کند باید دادگاه باشد و این در سیرهٔ اسلام هم بوده که قضات عالی رهبران را می‌آوردند و محاکمه می‌کردند وهیچکس هم نگفته است که این برخلاف‌عقل واسلام واین مسائل است به‌علاوه مجلس شورای ملی دراینجا حکم تشکیل دهندهٔ پرونده را دارد که‌نه عزل میکند ونه کاری از دستش برمی‌آید واین باید در صلاحیت دیوانعالی کشور باشد . مسأله‌دیگر اینست که هر کسی حق دارد درصورت داشتن مدارك کافی رئیس جمهور وحتی رهبر ، یعنی عالیترین مقام را هم به‌اصطلاح با آن سند ومدرك به‌دادگاه بکشاند واین نه‌کسر شأن میشود برای وی ونه پرستیژ اجتماعی او را پائین می‌آورد بلکه این ارزش والای‌اسلام است که می‌تواند همه رادر مقابل قانون برابر قرار بدهد . خود رهبر اگر دارای مدارکی است می‌تواند رئیس جمهور را مورد تعقیب قرار بدهد ، افراد عادی هم می‌توانند ، تنها در صلاحیت مجلس شورای ملی نیست . لطفاً به‌این مسائل توجه بفرمائید.

نایب‌رئیس — در جواب شما دوستانی که به عنوان موافق صحبت می‌کنند توضیح می‌دهند ویکی ازسؤالات شما مربوط میشود به‌من که جواب بدهم وآن این است که‌همان عدم

صلاحیت سیاسی در جلسه با تبادل نظر تبدیل شد به‌این تغییر که « در مظان ضعف وناتوانی در ایفای وظایف خود » .

رشیدیان — ضعف وناتوانی یکی از مصادیق عدم صلاحیت سیاسی است ، عدم‌صلاحیت سیاسی کلی است ونباید این را برداشت.

نایب‌رئیس — در جلسه اینطور تصمیم گرفته شد . آقای طاهری گرگانی بفرمائید. (قرشی — نوبت من است .) شما خودتان نخواستید در نوبت خودتان صحبت کنید . (قرشی — من گفتم یک نفر صحبت کند بعد من صحبت میکنم .) دست شما نیست ، وقتی شما آماده نبودید دیگر تعیین نوبت بعدی دست شما نیست به هر حال من نوبت شما را رعایت میکنم .

طاهری گرگانی — این ضعف وناتوانی در اینجا درست مشخص نشده است اگر چنانچه هیأت دولت را رئیس جمهور تعیین میکند وضعف وناتوانی از ناحیهٔ هیأت دولت باشد ویا عده‌ای از آن هیأت ، پیشنهاد میکنم که بعد از ضعف وناتوانی ، عدم امکان جبران ضعف و ترمیم کابینه اضافه بشود. دوم اینکه دومسأله یکی صلاحیت سیاسی ویا ضعف وناتوانی هرچه هست ، یکی هم مسألهٔ جرم است بنده نسبت به‌جرم معتقدم که‌یکسر برودبه‌دیوانعالی کشور ونماینده‌ها هم اگر از مجلس کسی را می‌خواهند بفرستند برای نظارت در دادگاه ومطالعه در پرونده ، اشکالی ندارد ، آنچه مربوط میشود به‌مجلس فقط عدم صلاحیت سیاسی است یاضعف‌و ناتوانی ، اینجهت باید مشخص بشود .

نایب‌رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — من به‌نظرم اینجا در حقیقت اسمش اینست که برای رهبر یک وظیفه‌وشأنی درست کردید ولی همه‌اش توخالی وظاهری است وهیچ وظیفه وشأنی نیست برای اینکه اولا اگرچنانچه رئیس جمهورمتهم به‌یک جرمی باشد به‌مجلس شورای ملی چه‌مربوط است؟مجلس شورای ملی مگر قاضی است که‌بخواهد در این کار دخالت بکند؟ مجلس شورای‌ملی نمایندگان ملتند ، در مصالح ملت دخالت کنند، رئیس جمهور هم یک کسی است که‌جداگانه ملت او را انتخاب کرده ، مجلس او را انتخاب نکرده است که ما شکایتش را به مجلس ببریم . بنابراین اگر متهم به‌جرمی باشد باید برود به دادگاه عالی قضائی شما نوشته‌اید « بعد از آنکه جرم در دادگاه عالی قضائی ثابت شد » جرم که در دادگاه‌عالی قضائی ثابت شد دیگر عزلش احتیاج به رهبر ندارد هر بقالی هم چنانچه از رئیس‌جمهور شکایت کرد و بردند دادگاه عالی قضائی ومعلوم شد مجرم است باید او راکنار بگذارند، شما دیگر برای رهبر یک مقام وشأنی قائل نشده‌اید بنابراین ، این یک‌امر تشریفاتی وزائد است شما خواستید به‌رهبر یک عنوان بدهید ولی پوچ وخالی. اما آنچه در این اصل مهم بوده است ،آن جهت‌است که‌تأیید کاندیداها باید از طرف رهبر باشد برای اینکه‌حکومت ، حکومت اسلامی باشد بنابراین من پیشنهاد میکنم این عبارت قطعاً باید اضافه بشود « تأیید کاندیداها برای ریاست جمهوری به‌منظور اسلامی بودن حکومت وضمانت اجرائی آن» چون اگررئیس جمهور از طرف‌رهبرتأیید نشود احکامش برای ملت لازم‌الاجرا نیست ، یعنی شما یک چیز لازم را حذف کرده‌اید ویک چیز لغو را اضافه نموده‌اید .

نایب‌رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — این‌عبارت « در مظان ضعف وناتوانی در ایفای‌وظایف خود قرار گیرد» خیلی سنگین است ، مثلا می‌توانیم بگوئیم «یادر اثر اشتباهات سیاسی در مظان ناتوانی قرار گیرد ». دوم «موضوع برای رسیدگی» این موضوع برای رسیدگی از طرف چه‌کسی ارجاع میشود ؟ از طرف رهبر یا شورای رهبری ؟ باید تعیین شود . سوم اشکال جناب آقای سبحانی بود که در صورت ضعف وناتوانی به‌شورایعالی قضائی می‌فرستند، این عبارت مثل اینکه درست نیست باید تغییر کند.

نایب‌رئیس — آقای فوزی بفرمائید.

کرمی — آنچه آقای منتظری گفتند رهبر از بقال هم یک‌درجه پائین‌تر است ، زیرابقال اگر شکایت میکند دیگر به‌مجلس ارجاع نمی‌شود ، به‌دادگاه ارجاع میشود ، ولی اینجا اول باید به‌مجلس ارجاع بشود بعد به‌دادگاه این معنایش اینست که‌فقیه از بقال پائین‌تر است.

نایب‌رئیس — تذکر دیگر اینکه آقای کرمی صبح توصیه می‌کردند که‌نظم را رعایت کنیم . (کرمی — عبارت شما رسا نبود من ناچارشدم توضیح بدهم.)

فوزی — اینجا عبارت «هرگاه رئیس جمهور به‌خیانت وتخلف از وظایف خود متهم‌شود» بنظر می‌آید که خیانت و تخلف از وظایف قانونی ، متساویند و متغایر نیستند ، علیهذا یکی از این دو عبارت زائد است و یکی هم همان که چند نفر از آقایان فرمودند در مظان ضعف و ناتوانی، که این اتهام نیست که ارجاع بشود به مجلس ومجلس هم رأی بدهد و اما آنچه آقای منتظری فرمودند قبلا در جلسهٔ مشترك بحث شده است منظور اینست که برود به مجلس شورای ملی و مجلس به عنوان شهود و بینه تشخیص بدهد بعداً برود شورایعالی قضائی در آنجا حکم لازم صادر بشود . (منتظری — خودشان شاهد دارند) (صدوقی — یک کلمه عرض کنم ؟)

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید آقای صدوقی با نوبت . (صدوقی — یک کلمه که نوبت نمی‌خواهد.) بفرمائید .

صدوقی — اینجا نوشته‌اید موضوع برای رسیدگی به‌مجلس شورای ملی ارجاع میشود ، برای رفع اشکال آقایان که چه‌کسی ارجاع میکند ، نوشته شود موضوع به‌امر رهبر برای رسیدگی به مجلس شورای ملی ارجاع میشود .

نایب‌رئیس — آقای فاتحی بفرمائید . (فاتحی — مخالفم.) آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی— اینکه نوشته شده است اکثریت، اگر اکثریت‌رأی‌بدهد وآنگاه آنرا به‌شورایعالی قضائی بفرستد مقصود چیست ؟مجلس رأی به‌چه‌چیز بدهد ؟رأی به‌عدم صلاحیت قبل‌از ثبوت جرم یا رأی‌به‌اینکه‌فرستاده بشود به‌دیوانعالی‌قضائی؟ (نایب‌رئیس— فرستاده شودبه‌دیوانعالی قضائی.) چه فایده‌ای دارد ؟ (نایب رئیس— آنرا باید موافق توضیح بدهد من فقط عرض میکنم دومی .)اکثریت رأی داد یعنی چه ؟ رأی داد که به‌شورایعالی قضائی فرستاده شود، یا رأی به سلب صلاحیت ؟ در صورت اول رأی مجلس اثری ندارد ، در صورت دوم رسیدگی قبل از ثبوت موضوع در شورایعالی قضائی است حکم به‌سلب‌صلاحیت وصحت عزل از طرف مجلس باید بعد از حکم شورایعالی قضائی باشد .

نایب‌رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — در اصل اتهام به‌خیانت و جرم همانطوریکه مصلحت کسار صرفاً این

بوده است که مجلس در جریان کار قرار بگیرد ، که اولا قدرت رئیس جمهور متزلزل نباشد وهرکسی اورا هر روز به‌دادگاه بکشد و بعد هم نمایندهٔ مستقیم ملت است ، ملت باید در جریان کار باشد، پس ارجاع به‌مجلس شورای ملی نه‌از این نظر بوده که آن جرم یا جنایت کار تخصصی مجلس است فلسفه‌اش این بوده است بنابراین آنجائیکه به خاطر جلوگیری از احتمال توطئه و حتی جائیکه متهم به ضعف هم بشود و ناتوانی جسمی هم بشود عیناً این مسأله مطرح است ، توطئه همانطوریکه در آن طرف قضیه است ، احتمال دارد از طریق متهم کردن او به‌ضعف وناتوانی هم توطئه صورت‌بگیرد، پس به‌همان علت مجلس باید دخالت کند وبعد برود دیوانعالی کشور و دیوانعالی کشور از رشته‌های تخصصی افراد مشکل را حل کند.

نایب‌رئیس — متشکرم، آقای خامنه‌ای شما سؤالی دارید؟

خامنه‌ای — عرض کنم که یک نکته همین مقام ارجاع کننده بود که جناب آقای‌صدوقی فرمودند که این اگر نباشد یک سکوت مضری درقانون هست و ایجاد دردسرمیکند. دیگراینکه راجع به‌این صلاحیت یعنی دوبخشی که رئیس جمهور متهم به خیانت بشود تعقیب میشود در مظان ضعف وناتوانی باشد بازهم تعقیب میشود، هردوی اینها یک چیزند و هردو عبارتند از صلاحیت احراز و بقا در ریاست یا نه و ازاین لحاظ اگر ایرادی شده وارد نیست وجایش اینجا هست، منتها باید از همینجا اصل دیگری پیش بینی بشود برای قوهٔ مجریه وصفات ریاست جمهوری که‌صلاحیت با یک لفظ طی‌عناصری که هر دوباشد یعنی هم خائن نباشد و هم ضعف وناتوانی نداشته باشد، ضمناً ناتوانی وضعف دراینجاگمان میکنم ازنظر حاضرین هم دوجور استنباط میشود، ضعف وناتوانی، مزاجی ومادی است یا استعدادی‌است ومدیریت، وجود ضعف وناتوانی که هر دو یک معنی دارد، این مادی بودن را تأیید میکندبنابراین به‌جای ضعف یک کلمه دیگری بایدگذاشت که به‌هرحال برساند که جنبهٔ مادی هدف نیست. دیگراینکه راجع به‌دادگاه شورایعالی قضائی هم چون درکمیسیون شش روی شورایعالی قضائی خیلی‌تکیه میشود، یک مقام اداری هست یعنی جانشین وزارت خواهد شد، مرجعیت برای حل وفصل‌امور قضائی‌در این مواقع در قوانین دیگرهم به دادگاهی‌داده میشود، منتخب از بعضی‌مستشاران دیوانعالی کشور به عنوان دادگاه‌عالی یا هراسم‌دیگر، وگذشته ازهمهٔ اینها ما اینجا این بندرا درمورد وظایف و اختیارات رهبری‌گذاشتیم که با این طول و تفصیل به قوهٔ مجریه و ترتیب عزل ریاست جمهوری مربوط میشود وهیچ منافاتی ندارد که این‌اختیار حاکم و ولی را درهمان بند با انتقال این قسمت به‌آنجا تأمین کنیم. بنابراین به‌نظر من جایش اینجا نیست.

نایب‌رئیس — آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری‌اصفهانی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من معتقدم باید درهمین‌جا بیاید ولی‌می‌توانید بگوئید یک مسألهٔ دیگر است چون ممکن است آقایان نمایندگان به‌این بندها رأی بدهند ولی این مسأله بماند. اتخاذ تصمیم دربارهٔ نصب یاعزل ریاست جمهوری به‌ترتیب زیر: نصب‌اورا بگوئیم کاندیدا بکند و مردم رأی بدهند وهرکسی اکثریت را آورد توشیح بکند. درباره‌عزلش هم مطالبی بود که آقایان فرمودند. اشکال دیگر این‌است که دراین بند لفظ زیادی خیلی وجود دارد «خیانت وتخلف از وظایف قانونی» یک مطلب است و دوتانیست «در مظان ضعف وناتوانی» این ممکن است مسائلی را بگیرد ولی اگر «عدم صلاحیت برای انجام وظایف»

بنویسم به‌نظر من بهتر است. مسألهٔ دیگر که مهم است این‌است که اتهام جرم چه‌ربطی‌به مجلس شورای ملی دارد؟ آیا اگر من متهم به‌یک جرمی می‌شدم به‌مجلس شورای ملی ارجاع می‌کنند ویامرا به‌دادگاه می‌فرستند؟ بنابراین معلوم میشود که شما برای رئیس جمهور یک امتیازی قائل شده‌اید و این امتیاز شاید همان مصونیت باشد، و در اسلام مصونیت نیست زیرا آن کتابی دست حضرت امیر را گرفت وگفت بیا پیش قاضی‌برویم حضرت فرمودند برویم. پیش قاضی رفتند و درآنجا حضرت امیرنگفت که من رئیس جمهوریا حاکم هستم و شما حق ندارید مرا پیش قاضی ببرید. آنهاپیش قاضی رفتند و طرح دعوی‌هم کردند و اتفاقاً حضرت علی محکوم هم شد. مجلس شورای ملی ابداً دراین قسمت حقی برایش نیست و همان دیوانعالی کشور اگر جرم درآن ثابت شد با توشیح ولی عزل میشود و اگر دردیوانعالی کشور جرم رد شد که هیچ.

نایب‌رئیس — برای بعضی از دوستان مانند آقای طاهری اصفهانی که کسالت داشتند و دربعضی ساعات نبودند بایدتذکری داده شود که تکرارنشود. منظور از جرائمی که دراین‌بند آمده است نظیرجرائمی ازقبیل «کتابی ادعاکرد این زره مال من است» نیست بلکه منظور جرم سیاسی و اداری و تخلف از وظایف قانونی رئیس جمهوری است و همینطور قضیه مصونیت‌هم نیست بلکه قضیهٔ بهترین تشخیص است. این دونکته را عنایت بفرمائید.(منتظری — دیوانعالی کشور جرائم سیاسی را تشخیص میدهد.) (کرمی — ارجاع دهنده‌اش کیست؟ مدعی‌اش کیست؟) آقای کرمی یادداشت کردیم دوستان توجه بفرمایندکه درمورد جرائم عادی هیچ تبعیضی نیست. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده‌غفوری — می‌خواستم در اینجا به‌دونکته اشاره شود. اول راجع به‌این است که آیا ما پذیرفته‌ایم که تکیه‌گاه و پشتوانهٔ تأمین عدالت در این جامعه دستگاه قضائی است‌یانه؟ و دستگاه قضائی که اشاره میشود درصورت لزوم می‌تواند حتی بالاترین مقام را به‌خاطر همان مسأله‌ای که هیچ حقی نیست که قبلا تکلیفی برآن مترتب نبوده باشد، به محاکمه بکشد چون واقعاً داشتن یک دستگاه قضائی سالم با اختیارات تام و وسیع درصورتیکه شرایطش را احرازکرده باشد پشتوانه یک امت است. مسألهٔ دوم راجع به‌این اصل به‌نظرمن این‌است که دراین اصل چهارنکته باید مورد توجه باشد، که اگر همان پیشنهادات رسیده درآنجا بحث میشد کار به‌اینجا نمی‌رسید:

یکی مسألهٔ تساوی دربرابرقانون است که هم این قانون قبول کرده‌است و هم اسلام به‌طریق اولی و هیچ امتیازی بین هیچکس نیست و همه دربرابر حق مساوی هستند. آنوقت اینجا این مسألهٔ تعارض کرده‌است، بااینکه رئیس جمهوری یک مقامی است مورد انتخاب مردم و متصدی امر مهم ولی به خاطر شخص اونیست که تبعیضی در قانون باشد بلکه بخاطر رعایت حقوق اجتماع است و چون در معرض اتهام هست ممکن است اسباب دردسر شود وبه‌قول معروف دودش به‌چشم مردم برود. این‌است که‌اگر مسألهٔ اتهام مطرح شد چون رسیدگی به‌اینکه این اتهام وارد هست یا نه یک مسألهٔ قضائی است واین موضوع برای رسیدگی‌خیلی کشدار است مسألهٔ اتهام را فقط متصدی قضائی باید تشخیص بدهد تا بعداً درموارد رسیدگی به‌اشکال برنخورد. بنابراین آنروزکه‌دوستان‌گفتند مسألهٔ ضابط نیست، حتماً باید یک‌دستگاه قضائی دراصل مورد اتهام به‌خاطر حفظ حقوق عمومی‌دخالت داشته باشد، و بعدهم وقتی

حکم صادر میشود حکم دستگاه قضائی مورد اعتماد دیگر تعلل برنمی‌دارد. بنابراین دونکته است یکی رسیدگی به اصل اتهام است که باید دستگاه قضائی به‌آن رسیدگی کند و بعدهم پس از ثبوت‌جرم و صدور حکم به‌نظر نمی‌رسد که دیگرما به‌اصطلاح چیزی داشته باشیم که بخواهیم تعلل کنیم ویا باتوجه‌به‌اینکه دستگاه قضائی مورد نصب وحتی تأیید رهبر است موجبی داشته باشیم که محتاج اجازه باشد.

نایب‌رئیس — برای اینکه روشن شود، منظورتان این است که دراین اصل پای مجلس شورای ملی نباید به‌میان کشیده شود.

گلزادهٔ غفوری— من پیشنهاد کرده‌ام برای رسیدگی به‌اتهام، شورائی ازنمایندگان‌مجلس ونمایندگانی ازشورایعالی قضائی و نماینده‌ای از طرف رهبر تشکیل شود. برای‌اینکه همانطور که آقای خامنه‌ای‌گفتند شورایعالی قضائی خودش محکمه نیست ودیوانعالی کشور سابقاً درمورد وزراء اینطور بود وشورایعالی قضائی فقط برای تشخیص ورود به‌اتهام تشکیل جلسه می‌داد بعد به‌دادگاههای خاصی ارجاع می‌دادند ما باید این تساوی در ارجاع به‌دادگاه را رعایت کنیم تا عدل اسلامی را معرفی کرده باشیم.

نایب‌رئیس — به‌هرحال می‌فرمائید ارجاع به مجلس معنی ندارد.

گلزادهٔ‌غفوری — همانطورکه پیشنهاد شد نمایندگانی ازمجلس ونمایندگانی ازشورایعالی قضائی و نماینده‌ای از طرف رهبر اصل اتهام را تشخیص بدهند و بعد دستگاه قضائی تصمیم گیرنده باشد.

نایب‌رئیس — آقای دکترقائمی بفرمائید.

دکترقائمی — من‌هم مثل آقای خامنه‌ای فکرمیکنم از حدود مربوط به‌این اصل خارج شده‌ایم زیرا شما از وظایف و اختیارات رهبری صحبت می‌کنید نه کیفیت عزل رئیس جمهور. مسألهٔ رئیس‌جمهور باید با توجه به‌شرایط انتخاب ونصبش باشد که اینجا مطرح نشده،بنابراین من معتقدم بند پنجم این اصل باید به‌همین نیم خط خلاصه شود «اتخاذ تصمیم در بارهٔ عزل رئیس جمهور به‌شرحی که در قوهٔ مجریه خواهد آمد» بقیه به‌عقیده من دراینجا زیادی است.

حسینی هاشمی — من تذکرات لازمی داشتم که اگر اجازه بفرمائید بعد از آقای بنی‌صدر سه‌دقیقه صحبت میکنم.

نایب‌رئیس — آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — مثل اینکه دوجرم یادواتهام برای این شخص ثابت میکند که هردواتهام از دوکانال باید رد شود و به‌رهبر برسد. راجع به آنکه جرم نیست و فقط در مظان اتهام واقع‌شدن است او مربوط باشد به‌مجلس ومجلس دربارهٔ اونظربدهد واگر ثابت شد که ضعف و ناتوانی دارد بعد رهبر تصمیم بگیرد وراجع به‌آنکه اتهام جرم است آن از ناحیهٔ دستگاه‌قضائی تصویب بشود وبه رهبر برسد وبعد وظیفهٔ رهبر را در اینجاتعیین کرده‌اید که‌اتخاذ تصمیم است یعنی حتی پس ازثبوت جرم هم ممکن است که رهبر نظر کند ودر آن حال ویا توجه به جو آن زمان صلاح نبیند که‌عزل کند وبرای بعد بماند. پس بنابراین اینکار کار رهبر است و همه‌کس نمی‌تواند اینکار را انجام بدهد که‌بعضی ازدوستان فرمودند واسم‌بعضی ازاصناف را هم بردند که به‌نظر من صحیح نیست که اسم‌بعضی از اصناف برده شود که دلیل بر تحقیر آنها بشود. به‌هر حال‌این یکی از وظایف رهبراست که در صورت اقتضا تصمیم به‌عزل‌بگیردو

یا ابقا در صورت عدم اقتضا ، بنابراین باید اینطور باشد. در آخر عرض دیگری هم دارم که نوشته شده است « در صورت رأی شورایعالی قضائی به‌ثبوت‌موضوع اتهام» این فقطیک‌صورت را شامل‌میشود برای اینکه مظان ضعف را اسم اتهام برایش اطلاق نکردیم. مظان ضعف صورت اتهام نیست پس این‌یک صورت را شامل میشود اما صورت مظان ضعف را این عبارت بعدی شامل نمی‌شود . (صدوقی — موضوع تنها باشد حل میشود .)

نایب‌رئیس — بلی موضوع تنها حل‌میکند . آقای یزدی (یزدی — موافقم) آقای فارسی بفرمائید . (فارسی — مخالفم) آقای دکتر روحانی بفرمائید. (دکتر روحانی — من تذکرات کلی در خود اصل دارم .) آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — همانطوریکه آقای مشکینی هم‌فرمودند « بادر نظر گرفتن مسائل کشور تصمیم لازم را اتخاذ واجرا کند» سازگار به‌اینکه عزل بکند یابه‌خاطر مصالحی که‌تشخیص میدهد عزل بکند نیست ، این‌باید روشن باشد که‌آیا ولی امر پس از حکم دادگاه قضائی‌ملزم به‌اجرای حکم است یا اختیار دارد که اصولا عزل بکند نه‌اینکه تأخیر بیندازد، اشکال اصلی که آقای غفوری گرفتند به‌نظر من بجا است برای اینکه شورایعالی قضائی برای استقلال قضائی حکمش متبع باشد واحتیاج به‌رهبر ندارد .

نایب‌رئیس — آقای کرمی سرکار مطلبی داشتید؟

کرمی — سه‌مطلب دربارهٔ رئیس‌جمهوری وجود دارد یکی جرم‌شخصی که‌گفتیم هیچ وخارج است ، دیگری عدم صلاحیت مواد وکار ازناحیه مادی یا از ناحیهٔ سیاسی، فقرهٔ دیگر خیانت به‌امت. در خیانت به‌امت چه کسی شاکی امت است؟ از طرف امت کیست؟ حتماً مجلس شورای ملی است. مجلس‌شورای ملی خودش به‌دادگاه‌ارجاع میکند وکس‌دیگری در بین‌نیست که به‌مجلس ارجاع کند ومجلس‌به‌دادگاه ارجاع کند پس اگر عمومی وملی باشند متصدی ملت مجلس است وخود مجلس به‌دادگاه ارجاع میکند، واما راجع به‌عدم صلاحیت‌از ناحیهٔ عدم توانائی سیاسی‌ومادی ارتباطی به‌دادگاه ندارد وقضیه همانطوری است که‌آقای سبحانی ودیگر برادران گفتند.

نایب‌رئیس — آقای فاتحی به‌عنوان مخالف‌بفرمائید صحبت کنید.

فاتحی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . دربارهٔ این اصل برای اینکه به مضمونش توجه کنیم اتخاذ تصمیم دربارهٔ عزل‌رئیس جمهوری به‌ترتیب زیر است.

هرگاه رئیس‌جمهوربه‌خیانت وتخلف ازوظایف قانونی خود متهم شود یا درمظان ضعف و ناتوانی‌درایفای وظایف خود قرار بگیرد موضوع برای رسیدگی به‌مجلس شورای ملی ارجاع می‌شود.مجلس به‌موضوع رسیدگی‌میکندودرصورتیکه‌اکثریت رأی داد پرونده را برای‌محاکمه‌به شورایعالی قضائی می‌فرستند شورایعالی قضائی به‌ثبوت اتهام، رهبری با درنظرگرفتن مصالح کشور تصمیم‌لازم را اتخاذ واجرا میکند.البته تابه‌حال حکومتهائی که‌در این کشوروهمینطور در کشورهای دیگر برمردم تسلط داشته‌اند و نحوهٔ فکرما و دید ما ازکیفیت حکومتهای آنها غالباًحکومتهای طاغوتی وجبار بوده و تا به‌حال سابقه ندارد وحق هم داریم زیرا ما همیشه افکارمان براین محور می‌گردد ومی‌چرخد که همهٔ آنچه که در اذهان ماهست از کارهائیست که‌حکومتهای جبار وطاغوتی در تمام کشورها حاکم وناظم است وغالباً در کشور خودماهم تا حال چنین بوده است وتا به‌حال حکومتهائی که برما تسلط داشته‌اند طاغوتی بوده‌اندوما

اصلا اکنون آن دید وآن فکری که‌بتوانیم یک‌حکومت عدل را مجسم کنیم، نداریم.ماالان می‌خواهیم به‌اصطلاح آن را پی ریزی کنیم واین تولد ثانوی را که‌اسلام پیدا کرده‌بعدازرهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلام یعنی حضرت محمدبن عبدالله صلی‌الله علیه وآله وسلم یگانه‌حکومتی است که‌می‌خواهد نظم وعدل اسلام را برقرارسازد. هنوزافکارما آنطورکه‌شایسته‌است نمی‌تواند در این جو فکر کند، همانطوری که پیغمبر نظامش چگونه حکومتی بود و من به برادرانی که صدای مرا می‌شنوند عرضه میدارم . افرادی که مثلا تا به‌حال از ولایت فقیه، استبداد و از این کلمات بسیاربسیار کریه می‌گویند وبه‌نظر من واقعاً کلمهٔ استبداد فقیه بزرگترین توهینها است زیرا کلمهٔ فقیه بااستبداد تضاد دارد ، فقیه وامامت امت مانند پیامبر به‌عنوان رحمت وعطوفت ومهربانی برای مردم آمده ودر حقیقت این‌وابسته به‌عواطف مردم است ، مردم در راه رهبر و امامت امت از جان ودل می‌گذرند وهرچه دارند به‌او می‌دهند و آن افکاری که ما به‌اصطلاح از حکومتهای طاغوتی داریم، ما را ملزم میکند بیاییم وقیودی دراینجا بچسبانیم. ما وقتیکه‌در اصل پنج قبول کردیم که‌در زمان غیبت ، رهبری وولایت امر وامامت‌امت‌برعهدهٔ فقیه‌عادل، با تقوا « تارکا للهوی مطیعا لامرمولی » آگاه به‌زمان ، بی‌توجه به‌دنیا است اصلا توجه بـه ریاست نداشته وبفرموده امیرالمؤمنین اگرجلوگیری ظلم ظالم از مظلوم‌نبود واجرای حق نبوداین حکومت شما از این کفش پارهٔ من که وصله دارد بی‌ارزش‌تر بود، به‌حکومت با یک‌دیده بسیار به‌اصطلاح کوچکی می‌نگرد ولی از نظر اقامهٔ حق به‌اواهمیت می‌دهد اگر ماباایندید فکر کنیم و او یکنفرعادل و« تارکاللهوی» وبدون توجه به‌مادیات وهوی وهوس‌باشد ، چنین فقیهی را فرض می‌کنیم برما مسلط است و در چنین صورتی یک موازین اسلامی در دست او هست و او مشاورینی دارد واوهمیشه در تصمیم‌گیریهای خود تکروی نمی‌کند، وحتماً مشاورین صالحی دارد ودر امورات مشورت میکند. فی‌المثل اگر رئیس جمهوری خلافی مرتکب شد،این‌خلاف هم دوقسم است . اگر نسبت به‌یکی از افراد کشور جنایتی مرتکب شد اوهم مانند دیگرافراد در دادگاهها بایدمحاکمه شود واما اگر صلاحیت ریاست جمهوری را دارا نبود واز آن خارج شد خود بخود عزل میشود . به‌نظر من این اصل چند اشکال دارد که‌به‌طور خلاصه به‌عرض آقایان می‌رسانم . اولا ارجاع به‌مجلس ، ولایت فقیه را محدود میکند ومابازفکر می‌کنیم‌یک حکومتی است که می‌خواهیم در مقابل او بایستیم وباید محدودش کنیم وبه‌مجلس ارائه‌اش می‌دهیم‌برای اینکه مجلس جلوی خودکامگی واستبداد او را بگیرد وحال آنکه مامعتقدیم او پیغمبرگونه است واو خواسته‌های ملت وخدا را می‌خواهد اجرا کند واصلا به‌صورتیکه‌بخواهد مردم درمقابل او قراربگیرند وجود ندارد، اینست که در مدت این چهارده‌قرن شما یک نفرمثل امام خمینی نمی‌توانید پیدا کنید وبه‌همین علت است که اعجاب جهانیان را واقعاًبرانگیخته است وماسی‌گوئیم اعجاز در این کشور شده است. (اشراقی— آقای فاتحی در طول چهارده قرن شما سه‌نفرنمونهٔ ایشان‌دیده‌اید؟) بنده حرف جنابعالی را تأیید میکنم که تابه‌حال نمونه‌نداشته است وبه‌این جهت است که‌مافکر می‌کنیم آیا در خوابیم یادر بیداری هستیم که چنین وضعی را مشاهده می‌کنیم این است عظمت انقلاب ما وفرمایش شماعرض بنده‌راتا حدی زمینه‌اش را آماده‌ترمیکند وبه‌همین جهت ما کلمه‌ای که بتواندابن‌معنا رابرساند جز کلمهٔ اعجاز نمی‌توانیم پیدا کنیم زیرا واقعاً معجزه‌ای است که چنین زمینهٔ صالحی بوجود آمده است پس روی این‌اصل آن فقیه خودش تمام مقررات اسلامی را رعایت میکند و ما نباید مجلس را دراین کار دخالت

بدهیم چون غالباً درحکومت‌های طاغوتی پای مجلس را درکار می‌آورند برای اینکه جلوی خودکامگی آن رهبر وآن حاکم رابگیرد. (اشراقی — اعجاز شق‌القمر است و تمام میشود و نمی‌ماند.)

نایب‌رئیس — آقای اشراقی خواهش من این است که اگرسرکار با سخن ایشان مخالف هستید نوبت بگیرید وتشریف بیاورید صحبت کنید. آقای فاتحی ازوقت شما دو دقیقه باقی‌مانده است.

فاتحی — پس بنابراین محدود نمودن بهیچ‌وجه با آنچه من فکرمیکنم صلاح نیست واین راهم باز به‌عرض برادران، سروران، مجتهدین، علما می‌رسانم که دربارهٔ ولایت فقیه هرچه من به‌عرض می‌رسانم دید شخص خود من است و آنچه هست که من خودم می‌فهمم. آنچه که من شخصاً از ولایت فقیه درك می‌کنم آن فقیهی را می‌دانم که خودش را به‌تمام مصائب ومشکلات می‌اندازد و خودش را می‌سوزاند تا دیگران را روشنی ببخشد نه‌آنکه هوی وهوس در مغزش باشد که ریاست داشته باشد بلکه فقط سر اسلام را می‌خواهد به‌اجرادرآورد دراینصورت اگرما بیائیم‌و اورا محدودش کنیم که بیاید مجلس، این مجلس کدام مجلسی‌است؟ پس بنابراین هیچ صلاحیت ندارد. دیگراینکه امتیازی هست، مگر ما نمی‌خواهیم‌طبق آیه «ان‌اکرمکم عندالله اتقیکم» وهم‌چنین طبق «لافضل‌العربی علی عجمی ولاعجمی علی عربی الا بالتقوی» تمام امتیازات را الغاء کنیم؟ بنابراین رئیس جمهور بایک نفر خدمتگزار حقیقتاً شخصیتشان برابر است و تنها مسئولیت او سنگین‌تراست والاهیچ فرقی ندارد. فی‌المثل همین خدمتگزاری که برای من چای می‌آورد از نظر اسلام با رئیس جمهور مساوی است تنها او زحمت و مسئولیتش سنگین‌تر است اسلام همه را برابر دانسته کمااینکه در صدر اسلام شخص پیغمبر و امیرالمؤمنین با مردم چنین بودند یعنی بین خودشان ویک بنده و غلام هیچ امتیازی قائل نبودند. ما یک چنین برنامه‌هائی را می‌خواهیم پیاده‌کنیم حالا انشاءالله اگر خداوند توفیق بدهد تا بتوانیم، آن یک مطلب دیگراست.

نایب‌رئیس — آقای فاتحی وقت شما تمام شد. (فاتحی — یک جمله دیگر با اجازه شما عرض میکنم.)

یزدی — اگر اسلام حکومت دارد و حکومت براساس معجزه است پس حکومت ندارد.

فاتحی — اساس مقررات اسلامی مدون است وآن کسی که دارد مقررات را خودش تنظیم میکند و «نظر فی حلالنا وفی‌حرامنا» هست او خود میداند و تشخیص می‌دهد ولی اگرصالح بود رئیس جمهور، بعدهم اگر خیانت کرد این رئیس جمهور باید به‌دادگاه مراجعه کند یعنی‌به دادگاهی که اسلامی باشد و اگر خیانتش ثابت شد فوراً عزلش می‌کنند دیگر ما بیائیم عدول از قضا کنیم بفرستیم مجلس و از مجلس پرونده تشکیل بدهند ما می‌خواهیم بگوئیم دیگر این پرونده‌بازیها و قرطاس‌بازیهاوبه‌اصطلاح امروز این اوضاع برداشته شودواگرخیانت کرد مستقیم و آناً به دادگاه انقلابی مراجعه شود و خیانتش اگرثابت شد فوراً حکم صادرشود دیگر ما این تشریفات زائدی که پرونده‌ها چند ماه یا هفته‌ها و سالها در دادگستری‌ها انباشته شود و خاك بخورد ، می‌خواهیم این مسائل تمام بشود کمااینکه مشاهده می‌فرمائید این دادگاههای انقلاب یکی از محاسنش همین زود رسیدگی کردن یعنی سرعت آنهاست باکمال معذرت از برادرم، پس به‌نظر من مقید ساختن ولایت امر را به‌هرقیدی، یعنی آن ولی که من فکرمی کنم

صلاح نیست و با اسلام تطبیق نمی کند.

نایب‌رئیس — آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — یک مسأله را اول باید طرح و حل کنیم ببینیم که اگر مغز دربدن... (یکی ازنمایندگان — صدا نمی‌رسد.) شاید یکی از بلندگوها خراب باشد به‌هرحال اگرمغزدر بدن کار خودش را از طریق اعضا انجام میدهد، آیا این به‌معنای این‌است که قوایش محدود شده است؟ آیا این امر در هیچ جای دنیا معقول هست؟ آیا پیغمبر اسلام خارج از مجاری‌دین عمل میکرد و یا تصمیمات و اختیاراتی داشت که هرجوردلش می‌خواست تصمیم می‌گرفت؟ چنین چیزی داریم ما ؟ اگر در مجاری عمل میکرد پس بهترین قانون ، قانونی است که تمام مجاریش معین شده باشد معلوم شود که این در چه سازمانی عمل میکند و عالیترین قانون ، قانونی است که محل بسیار اندك یا محلی اصلا برای ابتکارات شخصی نداشته‌باشد، این میشوداجرای کامل قانون. ماهم فکرمی کنیم که نظام اسلامی چنین نظامی‌است که اگر کاملا پیاده شد، دیگرهیچ تمایل و ارادهٔ شخصی کمترین دخالتی دراجرای قوانین نخواهدداشت قانون خودبخود اجرا خواهد شد حالا چرا درذهن بعضی ازبرادران این‌است که‌اگرمجاری‌معین نشود محدودیت می‌آورد مگرشما نمی‌خواهید که اسلام دقیقاً اجرا بشود؟ این چه حرف است بررسی‌بکنیم ببینیم که اشخاصی خواهندبود که اینها چون مخالف هوی و هوس خود عمل نمی کنند و چنین وچنان هستند، اختیار تامه دارند وبه‌همین دلیل که این کارها را نمی کنند به‌قیود شرع مقیدند و عین شرع را می‌خواهند عمل کنند خوب وقتی‌ما می‌توانیم مجاری رامعین کنیم که این شرع تحقق و صورت خارجی پیدا کند چه‌حاجت داریم به‌اینکه علی‌الدوام این‌را ازمجاری بیرون ببریم و بدهیم به‌دست شخصی حالا این شخص هرکس می‌خواهد باشد؟حالا لازم است که تا آنجا که می‌توانیم این مجاری را مشخص بکنیم، اولا خدا درقرآن مگرنفرموده است که درکارها مشورت بکن ؟آیا این مشاورت ازاختیارات اومی کاست؟ مجرایش را هم در هرجا معین کرده و همانطورکه همه می‌دانند درمقررات اسلام آمده‌است که بعضی کارنباید بشود و بعضی کار حتماً باید انجام بشود این مقررات ملت را از اعمال نظر شخصی ودلخواهی برکنار کرد یک مواردی می‌رسد که آن مجاری قابل پیش‌بینی نیست وممکن است تغییر کند این موارد است که اختیارات را پیش می‌آورد والا مواردی را که از پیش مقررشده و معین‌شده دیگرنمی‌شود آن رابه‌دلخواهی واگذارکرد.حالا کدام مجرا را ما برویم؟ مجرائی که‌پیش‌بینی شده، از جهت رسیدگی به‌مدارك است چون اینجا مسأله مسئولیت ریاست جمهوری است‌وجرم ریاست جمهوری در تخلف از قانون است، مقامی که می‌تواند به‌این مدارك جرم رسیدگی کند یا ضباط دادگستری هستند یا مقامی که خودش قانون را وضع می کند یعنی مجلس شورای‌ملی. تجربه بشر میگوید که اگر رئیس جمهور ولو به‌محاکمه‌هم کارش‌نرسد هرروز یک نفر برود به کلانتری وشکایت کند و احتمالا یک دولتی‌هم مثل دورهٔ رضاخان هرروز بخواهد اخلال در کار رئیس جمهوربکند روزی یک مرتبه آقا رابیاورند به‌کلانتری که بیا راجع به فلان مسأله توضیح بده، خوب این که رئیس جمهور نیست هیچ کاری هم نشود بی‌اعتبار است، مملکت پراکنده را چگونه این رئیس‌جمهورمی‌خواهد اداره کند؟ پس ناچارامتیاز برای شخص رئیس جمهور قائل نمی‌شوید اصلا امتیازی قائل نمی‌شوید بلکه برای مسئولیتهای ریاست جمهوری اعتنا قائل می‌شوید و برای‌اینکه مسئولیتها لوث نشود یک ترتیبی مقرر می‌دارید که این‌ترتیب

حتی‌المقدورمصون ازخطا باشد. آیا مقام رهبر معصوم است هیچ خطانمی کند؟ ممکن است، پس باید ازاین مجاری تحقیق بشود که حق کجا است این مجاری را بایدطوری معین کرد که خطایش کم باشد. (کرمی — این سه‌مورد است جنابعالی تفکیک کنید و جوابش را بدهید یکی شکایات شخصی وخصوصی‌است یکی هم عدم صلاحیت است اینها یکنواخت که نیستند.) الان جواب عرض میکنم همانطوری که ایشان گفتند جرائم رئیس جمهور، یا جرائم شخصی است که برای اودرشهربانی پرونده تشکیل می‌دهند و می‌رود دادگاه و دادگاه‌به‌جرم اورسیدگی میکند مثل اینکه ازاحمدشاه شکایت کردند و رفت به‌دادگاه ورسیدگی شد و این‌اصلا موضوع بحث ما نیست، بحث ما در تخلفاتی‌است که موجب عزل رئیس جمهور می‌شود والا اگرشراب خورد می‌برند و حدش می‌زنند این ربطی‌به‌این‌مسأله ندارد. یکی‌دیگر ناشی از مسئولیتهااست آنجا که می‌گویند امام علی علیه‌السلام را بردند دادگاه، ظاهراً برای زره بودوآن کار شخصی بود و اما درمورد حکومت و ولایت بااینکه اگربگوئیم که علی علیه‌السلام تحت فشار بودند وحکم معین کردند معهذا حکم، حکم را نپذیرفت. (کرمی— اگرمطلب‌عمومی‌است‌مدعی‌العموم کیست؟ مدعی‌العموم خود مجلس است که مجلس هم مبعوث از مردم است، این رابه‌چه کسی ارجاع می کنید؟ به‌خودشان؟) به دادگاه صالحه باید مراجعه شود پس بنابراین وقتی خود امام هم ولایت وحکومت را یک امرعمومی می‌داند نه‌یک امرشخصی، ما اورا ازاین امر عمومی می‌خواهیم مصون نگهداریم که به‌علت هر امر جزئی اورا اذیت نکنند وهرکس با او بازی نکند. این را نمی‌شود گفت‌آقا، کلانتری برداشته یک پرونده درست کرده آقای رئیس جمهوربرو درداگاه جنحه یا دادگاه جنائی، امام هم این را نمی‌پذیرفت.حالااینکه‌دیوان کشور باشد یا شورایعالی‌قضائی، شورایعالی‌قضائی چکاره است؟ یک مقام اداره کنندهٔ دستگاه قضائی است یایک‌مقام‌قضاوت کننده‌است؟اگرتصمیم براین‌شد که‌شورای قضائی، هیأت‌مدیرهٔشورایعالی قضائی است این باید ناچار برود به‌دیوان کشور و دادگاه صالحه وقتی می‌گویند دیوان کشور باز دراین مورد هم امتیازی نیست، چون مسأله ایجاد کردن رویهٔ هم شأن با مجلس است مثل دیوان کشور و این هم مسأله‌ایست که مربوط به‌عزل ریاست جمهوری‌است قانون می‌گوید که‌این درصلاحیت‌آن‌دادگاه‌است‌این که‌عیبی‌ندارد.اگرماآمدیم‌وگفتیم‌بااینکه‌این مجاری هست ومی‌توانیم تعبیر بکنیم وخطا را از بین ببریم این محدود کردن رهبر نیست . خوب شما بفرمائید که‌بنای کار بر این است که ما یک بی‌اعتمادی مطلق به‌مردم ونمایندگان‌آنهاداریم این کار صحیح نیست ما چرا این کار را بکنیم وقصد ما هم این نیست که‌چنین تعبیری‌بکنیم. شما بیائید در هر موردی در قانونگذاری که میشود وممکن است ، مجاری را معین کنید پس بنابراین وقتی کاری را میشود کرد ما چرا آن کار را نکنیم؟ این امر که اختیارات‌رهبری را محدود نمی کند بلکه برعکس تحقق به‌این رهبری میدهد ، چون شما اگر امر را از این‌مجاری بیرون‌بردید خوب به‌چه وسیله باید کار انجام بگیرد؟ یا از طریق مجاری قانونی باید تشخیص موضوع را داد یا خارج از مجاری قانونی، خوب اگرخارج از مجاری قانونی تشخیص‌داداحتمال نمی‌دهد که بشود در آن تردید کرد واین ولایت او را قطعاً مورد تردید قرار بدهد. اما اینکه چرا مجلس به این موضوع برسد دلیلش این است که یک مورد هست وآن این است که کار ضابط را می کنید در واقع چون طرف او قوهٔ مجریه است نه‌قوهٔ قضائیه، چون کار ضابط راقوهٔ مجریه انجام میدهد مثل ژاندارمری وشهربانی ، می‌گوئید نه‌آقاجان این یک مورد را من‌خودم

می‌خواهم انجام بدهم به‌مدارك خود ، خودم می‌خواهم رسیدگی کنم. مگر شهربانی را قانون مجلس ایجاد نمیکند ؟ خیر مستقل وجدائی که از قانونگذاری مجلس نیست می‌گوید من که ترا ایجاد کرده‌ام این یک‌مورد را خودم‌می‌خواهم رسیدگی بکنم. واین‌مطلب‌درباره‌هرجرم‌نیست دربارهٔ آنگونه جرائمی است ، مثل تخلف از قوانینی است که رئیس جمهور برای اجرای آن قوانین انتخاب شده . حالا می‌ماند که‌این امر را چه‌مقامی ارجاع کند به‌مجلس، این‌رادیروز هم بحث کردیم گفتند که اگر بگوئیم ارجاع کند، این معنایش این است که‌اگر دیگری به مدارکی رسید ومعلوم شد که‌جناب رئیس جمهور خطاهای فاحشی کرده این حق ندارد به مجلس ارجاع کند ، وحال آنکه ما در اصلهای قبلی تصویب کردیم که‌چنین حقی‌داردالبته اینجا ما مانع مقام رهبری نشدیم اگر به‌رهبری هم رسید رهبری ارجاع میکند، اگربه‌دیگری‌هم رسید او ارجاع میکند حالا شما می‌خواهید بگوئید از طریق رهبری ارجاع میشود که این هیچ منعی ندارد وچیزی را هم عوض نمی‌کند، اما اینکه نصب رئیس جمهوری ومعرفی داوطلب اولا آن خودش یک‌بند دیگری در اصل میشود وثانیاً همین دیروزکه در اینجا صحبت فرمانده کل‌قوا بود ما گفتیم که این چیست که در دست رهبر است؟ داوطلب معرفی کردن هم که نیست ، پس در واقع مسائل را یکی یکی طرح می‌کنید ، آن را که‌از تصویب گذراندیدحالا می‌گوئید این‌یکی در مورد معرفی کردن داوطلب. من‌خودم خدمت امام رسیدم و راجع به‌این مسأله باایشان صحبت کردم بعد از من دونفر دیگر هم‌رفتند وصحبت کردند این را باید در خارج قانون آزاد گذاشت . باید رهبر خود را موظف بداند که‌شرعاً معرفی بکند اگر کسی بخواهد ولایت کند در خارج این کار را انجام بدهد بیاورید در قانون اساسی معنایش این است که رئیس جمهور را که خودتان معرفی می‌کنید حالا می‌گوئید که‌ما حصر نمی‌کنیم، خوب اگر حصر نیست دیگر چه قیدی دارید در اینجا؟ پس اگر ایشان دیگران را از خارج معرفی کنند و اگر فقط کسانی حق دارند در انتخابات شرکت بکنند که رهبر معرفی میکند، معنای این یعنی انتخابات ، بی‌انتخابات .

وقتی من بگویم شما آزادید ، ای مردم آن کسی را که من معرفی میکنم انتخاب کنید، این امر اسمش نه‌آزادی است و نه‌جمهوری .

نایب‌رئیس — من سه‌چهار دقیقه هم وقت اضافی به‌شما دادم بفرمائید تمام کنید.

بنی‌صدر — بنابراین اگر ما بخواهیم اسلام را در جامعه تحقق بدهیم که به نظر من می‌توانیم آنچه را که با مردم باید در خارج انجام بدهیم آن کارها را انجام بدهیم والا اگر همه را بیاوریم وقید وقیود معین بکنیم این برخلاف هدفی است که ما به‌آن می‌خواهیم برسیم و تحقق بدهیم.

نایب‌رئیس— چون آقای فاتحی سه‌چهاردقیقه وقت اضافی گرفتند به‌شما هم‌همان اندازه وقت اضافی دادم که‌عدالت رعایت بشود . آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — مطابی است که درکلام جناب آقای طاهری بود وایشان هم اشاره فرمودند البته به‌این بحث چندان مربوط نیست چون ایشان فرمودند که‌در جریان محاکمه شخص حضرت امیر علیه‌السلام با آن کتابی، مثال بود ومثال هم‌درست بود در کلام ایشان آمد که حضرت محکوم شدند ایشان هم اشاره به‌اصل قضیه کردند می‌خواستم عرض کنم که‌این کلمه محکوم را باید اینجا توضیح داد که به‌دلیل این بود که در رسیدگی به‌قضیه چون

حضرت علی علیه‌السلام شاهد نداشت درحالیکه حق با ایشان بود و بعدهم خود آن کتابی آمد و زره را برگرداند وگفت مال شما است.

نایب‌رئیس — خواهر ما خانم‌گرجی فرمایشی دارید، بفرمائید.

خانم گرجی — آیا تصویب این اصل این شبهه را ایجاد نمی‌کند که درصورتی که رئیس جمهورمجرم بود رهبر حق دارد یک آدم خائن ومجرم را بر مردم حکومت بدهد؟ بعداز آنکه شورایعالی قضائی رأی به‌ثبوت آن داد پس مجرم است تا حالا متهم بود حالا با توجه به‌کلمهٔ اولش که خیانت آمده حالا یا خائن است یا مجرم، حالا آیا رهبرحق دارد یک‌آدم مجرم یا خائن را برمردم تحمیل کند ؟ این شبهه ایجاد میشود یا نمی‌شود؟ این را روشن بفرمائید.

بنی‌صدر — این سؤال را بینندگان دیدند و شنوندگان هم شنیدند. درمورد رهبر دوتا مسأله است یکی ثبات رژیم است و یکی عدم انحرافش است به‌فرض اینکه ولی اختیار داشته باشد دیگر با اختیارات خودش نمی‌تواند مثل یک عروسک بازی کند برای اینکه ثبات رژیم اسلامی حفظ بشود و انحراف هم درکار نباشد تعیین مجاری هم دقیقاً و مسلماً به‌همین دلیل است حالا این مجاری طی طریق کرده و موضوع محرز شده رئیس جمهور جرمی مرتکب‌شده که خلاف قانون است آن‌هم خلافی است که ایجاب میکند عزل اورا. اینجا باز دلخواهی است و رهبر هرطور دلش خواست عمل می‌کند یا باید دید بین اجرای فوری این حکم و مصالح عمومی جامعه تعارض پیش می‌آید یا نه ، این باید که امکان تشخیص و انتخاب داشته‌باشد.(**خانم‌گرجی** — پس شورایعالی قضائی چکاره است؟)شورایعالی قضائی کارشان این‌است که تشخیص می‌دهند که این آقا مجرم است، تمام شد. مقام قضائی کارش این‌است که با دیدن دلایل شخصی، حکم بدهد که این شخص مجرم است یانه؟ و این جرم واقع شده است به‌دست این‌آدم؟ رهبرمی‌آید مصالح عمومی جامعه رانگاه می‌کند اگر دید که الان بخواهد حکم را اجرا کند مصالح عمومی به‌خطرمی‌افتد می‌تواند اجرای حکم را به‌تأخیراندازد. (بیت‌اوشانا— شورایعالی‌قضائی‌به‌تأخیرمی‌اندازد؟) بلی اوهم می‌تواند ولی این‌امر، امرولایتی است، امرقضاوتی نیست. آنجا شورایعالی نمی‌تواند مصالح‌سیاسی را تشخیص بدهد برای‌اینکه درحدود صلاحیت او نیست در حدود رهبری است، شما زیاد نگران نباشید ، چنین موردی اگر پیش آمد ممکن است درسه‌چهار قرن یک باربیشتر نباشد اگر پیش آمد هرچه مصلحت است‌آن آدمی که با آن مشخصات که آقای فاتحی فرمودند طبق احکام دینی و مصلحت مردم عمل خواهد کرد.

کرمی — این نوشته باید تفکیک بشود ایشان اگرجواب داده باشند یک شق آنراجواب داده‌اند آن راهم ما درکمیسیون بحث کردیم و تقبل کردیم برای حفظ آبرو و اعتبار عرفی.

۲-پایان جلسه

نایب‌رئیس — وقت جلسه تمام است و طبق قرار، جلسهٔ‌رسمی و علنی روزهای پنجشنبه، صبح تشکیل میشود و درعصر جلسه‌گروهها ادامه پیدا میکند. روزشنبه صبح جلسهٔ‌گروهها تشکیل میشود وجلسهٔ علنی بعدازظهرشنبه خواهد بود. امیدوارم درجلسه صبح روزشنبه‌بتوانیم این اصول راکاملا تنظیم کنیم وعصرشنبه درجلسهٔ علنی توفیق تصویب آن را داشته باشیم.

توجه بفرمائیدبرادرمان آقای علی تهرانی تذکری را یادآوری می‌فرمایند که من بدهم وآن این است که دیروز صحبت بود در بحث ایشان راجع به‌اقلیتهائی که احیاناً دربرابر مسألهٔ ولایت فقیه قرار دارند برای نمایندگان هموطنان عزیز مسیحی و یهودی و زرتشتی ممکن بود این سوءتفاهم پیش بیاید که منظورازاین اقلیتها، اقلیتهای‌مذهبی‌است‌خواستم بگویم از قول‌ایشان که هرگز این مطلب منظور از ادای این کلمه نبود منظور اقلیتهای فکری هستند درجامعه که دربرابر نظراکثریت درزمینه ولایت فقیه هستند. این نظر آقای تهرانی بود که عرض کردم. جلسه ختم میشود.

(جلسه مقارن ظهر پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل وسوم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه روز بیست و یکم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیست و یکم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ـ ادامه بحث پیرامون اصل ۸۷ .....
۲ـ پایان جلسه .....

۱ ـ ادامه بحث پیرامون اصل ۸۷

نایب‌رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . اصل۸۷ درباره وظایف و اختیارات رهبری است در جلسه صبح پنجشنبه این اصل مطرح شد ، بند اول و دوم مورد تأیید قرار گرفت بند سوم در زمینه فرماندهی کل نیروهای مسلح مطرح شد وبعد دوستان به‌تفصیل موافق ومخالف پیرامون کل مسائل رهبری ونقش او صحبت کردند و وقتمان‌تمام شد و قرار شد امروز مجدداً درباره این اصل بررسی را ادامه بدهیم ورأی‌گیری کنیم. عصر پنجشنبه وامروز صبح در جلسه گروهها مجدداً مفصلا بحث شد ونتیجه نهائی بحث‌ها به‌این صورت که‌ملاحظه می کنیددرآمد آن را می‌خوانم :

« بند۳ — فرماندهی کل نیروهای مسلح به‌ترتیبی که در فصل مربوط به‌دفاع ملی خواهد آمد.» و برای اینکه مشخص بشود فرماندهی کل نیروهای مسلح چیست اصلی را که به‌این قسمت مربوط میشود و باید در موقع تنظیم در فصل مربوط به‌دفاع‌ملی قرار بگیرد خود اصل را تنظیم کردیم که دیگر بعداً بحثی در باره این موضوع نداشته باشیم به این صورت:

«وظایف واختیارات فرمانده کل نیروهای مسلح :

۱ — تعیین رئیس کل‌ستاد مشترك .

۲ — تعیین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی .

۳ — تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب از :

— رئیس جمهور

— نخست‌وزیر

— وزیر دفاع

— رئیس کل‌ستاد مشترك

— فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

— دومشاور به‌تعیین رهبر

٤ — تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به‌پیشنهاد شورایعالی دفاع .

٥ — اعلان جنگ و صلح وبسیج عمومی به‌پیشنهاد شورایعالی دفاع.»

مکارم شیرازی — این دواصل را جدا از هم مطرح کنید .

منتظری — من که نفهمیدم این دواصل اصلا چه میخواهد بگوید دیگران هم قطعاً نفهمیده‌اند من روی اصل ۸۷ اشکال دارم .

نایب‌رئیس — خوب ما صبح بحثهایمان را کرده‌ایم در عین حال بعضی از دوستان برای صحبت اسم نوشته‌اند ، باز یک موافق ویک‌مخالف می‌توانند صحبت کنند. آقای‌دستغیب

به‌عنوان موافق بفرمائید.

دستغیب — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در مسأله فرماندهی کل قوا که از مناصب فقیه‌عادل ذکرشده دونظر مطرح شد نظر اول اینکه حتماً باید باشد وطوری است که اگر فرماندهی کل قوا با فقیه نباشد ولایت فقیه معنی ندارد. اصل ولایت فقیهی که‌تصویب شد همین است که قدرت دردستش باشد وبتواند بسط عدل بدهد در تمام شئون کشور، اگر چنانچه قوه اجرائیه دردست فقیه نباشد ولایتش را چگونه اعمال کند؟ و بعضی نظر مخالف پیدا کرده‌اندالبته اقلی در اثر شبهه و اشکالاتی که به نظرشان رسیده ، بنابراین هر چند بحثها زیاد شد الحمدلله در چند مجلس جوابها داده شد بنده هم مختصری جواب آن سؤالات را مجملا من‌باب تذکر عرض می‌کنم. اولا مسأله امامت وولایت ازضروریات مذهب ماست، امامت وولایت عبارت‌است از اینکه از روی قاعده لطف برخدایتعالی لازم است که‌بشر را بی‌سرپرست نگذارد چنانکه‌ازروی قاعده لطف بعثت پیغمبر ثابت است امامت امام هم از روی قاعده لطف ثابت است چنانکه باید پیغمبر بفرستد تا احکام را برساند، وحی برساند همچنین برخداست که‌امام تعیین کند. امام یعنی رهبر ، هادی ، ناظم ، کسی که‌ملت را نگهداری کند وزمام امور ملت را به‌دست بگیردونگذارد طاغی‌ها وطاغوت‌ها مسلط برمسلمین گردند وآنها را زیربار ستم وشکنجه آورند واز مسیرتوحیدو صراط مستقیم منحرف سازند. نصب امام ، تعیین امام که عبارت شد از ولی امر ، امامت حقیقتش همین است. در خطبه فدکیه صدیقه طاهره صلواة الله علیها در باب حکمت تشریع احکام واصول میفرماید «واجعل امامتنا نظاماللمله» اصل امامت برای نظام امور مسلمین‌است که‌گسیخته نگردند ،که دچار طاغی‌ها نگردند، دچارستمگران نگردند ومسأله ولایت که از ضروریات مذهب ما است در جلد اول الغدیر از طریق اهل‌تسنن نقل کرده که در غدیر خم وقتی که رسول خدا صلی‌الله علیه وآله و سلم آیه‌شریفه «النبی اولی بالمؤمنین من‌انفسهم...» را فرمود یک نفر از پای منبرگفت یا رسول‌الله « ماهذه‌الولایت التی انتم احق‌بها» معنی‌ولایت چیست؟ فرمود «السمع والطاعة» برمسلمانها واجب است که از اولی‌الامر اطاعت کنند ، فرمانبرداری کنند. خلاصه‌نصب‌امام وتعیین‌امام‌اختصاص به‌یک‌دوره ودوره دیگرندارد‌باپیغمبر ممکن است که‌نبوت ختم‌شودلیکن در مورد امامت بایدتا روز قیامت خدایتعالی برای‌بشررهبر هادی وکسی که ولی امر باشد قرار دهد وبه ضرورت مذهب ما در غیبت امام عصرعجل‌الله تعالی فرجه خدایتعالی بشر را ، مسلمین را ، شیعیان را بدون رهبرقرار نداده وعدله نیابت، فقهای عدول اینها نایب‌اولی‌الامرهستند، ولی‌امرهستندوبرتمام مسلمین واجب‌است اطاعت‌امر آنها، برآنها هم واجب‌است که‌زمام امور را به‌دست بگیرند منتها اگراکثریت ملت حاضر شدند برای اطاعت آنوقت برآنها واجب میشود. اینکه می‌گویند سابقه ندارد وپس ازامیرالمؤمنین صلواة‌الله‌علیه تا زمان حاضر هیچ امامی حکومت نکرده وهیچ فقیهی ولایت پیدا نکرده وحکومت نکرده وشما میخواهید یک چیز تازه‌ای بگوئید فرق است بین حکومت‌الهی‌وحکومت دیکتاتوری وقلدری . حکومت الهی که‌حکومت امام وولی امر است وقتی است که اکثریت ملت آن را بخواهند اگر اکثریت ملت حاضر شدند برای اطاعت ، آنوقت است که برولی‌امر واجب میشود که‌بیاید میدان وزمام امر را در دست بگیرد. در قرون گذشته‌اکثریت ملت حاضرنشدند نه‌در زمان امامان ونه در زمان غیبت که تسلیم امر فقیه بشوند لذا فقها وعلما ساکت بودند چون اگر بخواهند با قهرو زور حکومت کنند که این حکومت شیطانی است حکومت دیکتاتوری‌است

فقیه عادل مثل امام است وقتی براو واجب می‌شود حکومت کند که مردم خودشان حاضر بشوند برای اطاعت، اگرحاضرنشدند اوهم‌قهری ندارد وبه زورحکومت نمی کند چنانکه این‌طور بوده است. شکر خدای را که در زمان ما که واقعاً سابقه در تاریخ ندارد اینطور شده است که اکثریت ملت حاضر شده‌اند برای اطاعت‌ازنایب امام وولی‌امر لذا الان امام خمینی‌اطال‌الله عمره برایشان قبول این‌منصب وحکومت واجب است، چرا؟ چون خلق می‌خواهدحالا که اکثریت خلق حاضر شدند برای اطاعت از ولی امر ، اگرایشان قبول نکند خلاف تکلیف عمل کرده است برایشان واجب است که‌قبول کند وبسط عدل دهد وآنچه را که‌وظیفه او است‌در اصلاح امور وحل‌مشکلات وحفظ کشور از خطر دشمن وآنچه را که‌خلاصه وظیفه‌ولی‌امراست انجام دهد. چیز تازه‌ای که‌می‌گویند هست از این جهت است والااصل وجوب اطاعت از ولی امر واطاعت ازفقیه عادل ازاصول مسلمه مذهب ما است. حکومت،حق فقیه عادل است اینهم از اصول مسلم مذهب ما است چیزتازه‌ای نیست. از گذشته،همه شما آقایان با اطلاع هستید که حکومتها را ما ظالم وغاصب می‌دانستیم نه‌تنها زمان ما، همینطور که‌به‌قهقرا برویدهمه را می‌گفتند ظلمه واعوان ظلمه، چرا؟ چون حق حکومت نداشتند ، تمام حکومتهائی که بوده دیکتاتوری بوده وبه‌قهر وغلبه بوده ، بدون خواست ملت ورضایت ملت بوده ، نه از طرف خدا مأذون بودند و نه از طرف خلق. گذشته‌ها این قسم بوده است لذا ما آنها را حکومت باطل می‌دانستیم و علما کارهای آنها را امضاء نمی کردند همه را باطل وکمک به‌آنها را حرام می‌دانستند ولی امید است ان‌شاءالله از این ببعد که ولایت سرجای خودش وحکومت سرجای خودش قرارگرفته است واکثریت ملت امضاء کرده‌اند وحاضر شده‌اند واین پیشرفت‌هم بواسطه همین است. عجیب این است که‌اصل ونشر انقلاب از ولایت فقیه شده است وپیروزی‌او به برکت ولایت فقیه شده است وحالا در تصویب قانون او بعضی‌ها تردید پیدا می کنند. تمام مردم می‌دانند این انقلاب به‌برکت ولایت فقیه انجام شد آیا کسی می‌تواند منکرشود؟ چون اکثریت ملت ولایت امام خمینی را پذیرفتند ایشان هم امرونهی کرد وفرماندهی کرد و بحمدالله انقلاب اوج گرفت تا رسید به‌جائی که پیروز شدند ، بنابراین وظیفه همه ما هست که این اصل را اهمیت بدهیم فرماندهی کل‌قوا چیزی نیست که کسی‌شک کند که‌آیااین منصب فقیه هست‌یا نه، عرض کردم که این را خدامعین کرده است منتها شرط نفوذش و اینکه‌حاکم بیاید به‌میدان،قبول‌خلق‌است قبول خلق هم که‌شده است واما اگر کسی‌اشکال کندچنانکه‌اشکال هم کرده‌اند وگفته‌اند که‌بلی،مثل‌امام‌خمینی کجا دیگرپیدا می‌شوددردوره‌های قبل نبوده ایشان نابغه بوده‌است وبعدازاین هم دیگر مثل ایشان پیدا نخواهد شد ممکن است یک فقیهی‌بعداز ایشان بیاید وچطور وچطور بشود آنوقت ما دچار دیکتاتوری روحانیت خواهیم شد. تمام‌اینها شبهه‌های واهی است البته بدانید و می‌دانید،جسارت نکنم، تذکراست هرگاه اکثر خلق حاضر شدند به‌اطاعت از ولی امر و فقیه عادل، والله‌خدایتعالی مثل خمینی و بهتر از او برایشان پیدا خواهد کرد«ما ننسخ من آیة او ننسها نأت بخیرمنها او مثلها» دیشب یکی ازتهرانیهای‌محترم می‌گفت وقتی آقای طالقانی رحمت‌الله علیه مرحوم شد ماگفتیم دیگر نماز جمعه تمام شد دیگر مثل آقای طالقانی کجا پیدا میشود ایشان تعبیرمیکرد که دیدیم آیت‌الله منتظری را خدا رساند ومی‌گفت اجتماع حالا خیلی پرکیفیت‌تر از قبل است خواستم بگویم این حرف شیطانی است که پس‌از آیت‌الله خمینی چکارخواهیم کرد، همان کسی که آقای خمینی را بوجود آورد بعداز

ایشان بهتر از او یا مثل ایشان را در رأس مسلمین قرار خواهد داد، مسلمانان را حیران نمی‌گذارد ولی شرطش حاضربودن مسلمین‌مثل حالا هست. مادامیکه خلق حاضرند اطاعت کنند از ولی امر، خدا ولی امر را برایشان مستقر خواهد داشت این اولا، و ثانیاً برفرض بگوئیم نعوذبالله فقیهی که بعد می‌آید ممکن‌است منحرف شود وممکن‌است‌دیکتاتوری کند ممکن است حب ریاست داشته باشد ممکن است فساد داشته باشد اولا این‌احتمال در ریاست جمهوری هم‌هست هرمقامی راکه شما فرماندهی کل قوا به‌او بدهید بلکه در او صدبرابر است‌چطور اگر بگویند فرماندهی کل قوا برای ریاست جمهور باشد، هیچکس هیچ حرفی نمی‌زند درحالی که صد برابراحتمال است که فساد کند و دیگر اینکه ممکن است درهمین قانون قید شود که هرگاه آن فقیهی که رهبر شده اگر انحرافی در او پیدا شد از همان مجرائی که تثبیت شده ازهمان مجرا منعزل می‌گردد. ازچه مجرائی فقیه را تثبیت کردید درقانون؟ از مجرای اکثریت خلق، خلق، خبرگان را معین کردند و خبرگان هم این رهبر را معین کرده‌اند تا این رهبر منحرف شد فوراً دومرتبه اکثریت خلق، خبرگان را تأسیس می‌کنند وهمان خبرگان عزلش می‌کنند وفقیه دیگری را سرجای اومی‌نشانند. این‌چه‌خطری‌است که شما را به‌وحشت انداخته‌است که چطور خواهد شد؟ اینهاموهومات است. معذرت می‌خواهم قدری‌صحبتم طول کشیددرخاتمه‌اولاعرض کنم روزها اینجا بنده که ساکت هستم بعضی‌ها خیال کرده‌اند که خیال ندارم اظهار عقیده کنم باید بدانند که قبلا درگروه بحثها و مذاکراتی انجام میشود ونتیجه‌اش اینجا ذکرمی‌شود، لازم نیست که اینجا همه بحث کنند اگر بخواهند شصت نفر اینجا صحبت کنند که کاری انجام نمی‌شود دونفر، سه‌نفر اگر اشکالی باشد می‌گویند و من می‌بینم همان اشکالی راکه داشتم دیگری می‌گوید من‌دیگراینجا چه‌بگویم وساکت میشوم. باید بالاخره کاری کرد که‌طول نکشد تقاضا و استدعای بنده از شما این‌است که ان‌شاءالله سعی کنید که بلکه زودتر این اصول تمام شودآن مرتبه عرض کردم علاوه برعصر، صبح هم‌دوساعت بگذارید برای جلسه علنی، کمیسیون مشترك که‌اینقدر طول می‌کشد کم نفع است البته‌آن را تعطیل نکنید وقت‌آن را دوساعت بکنید که جلسه علنی بتواند دوساعت قبل‌ازظهر تشکیل بشود که یکی دو اصل صبح بررسی بشود ان‌شاءالله وچند اصل هم عصر بررسی بشود. شما یک ماه تمدیدفرمودید و ده روز آن‌گذشته‌است دراین ده روز بفرمائید چند اصل تصویب شده است؟ استدعا می‌کنم از آقایانی که اصول را تنظیم می‌کنند، شب بلنداست، شب دورهم بنشینند چند اصل را تنظیم کنند و صبح بدهندبه کمیسیون‌مشترك وبعد بدهندبه‌جلسه‌علنی همه‌توافق بفرمائیدایرادگیری لفظی نباشد اگر لفظ زیانی‌ندارد، حرفش را هم‌نزنید، اضافه کردن یا ساقط کردن‌جمله‌ای اگرمهم نیست وزیان‌ندارد نمی‌خواهد بگوئید آقا این کلمه‌راحذف کن‌آن کلمه را چطورکن وروی این‌بحثها نقض وابرام بشود، ان‌شاءالله جدال باید رفع بشود. خیلی معذرت میخواهم والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

نایب رئیس — آقای سبحانی فرمایشی دارید بفرمائید.

سبحانی — بحثم در اینجا در مورد وظایف و اختیارات رهبری است فرماندهی، نه‌وظایف است و نه اختیارات بلکه منصب است برای اینها باید یک ترتیبی داده شود که در اینجاداخل شوند، فرماندهی عالی کل نیروها یک منصب و مقامی است این چطور در آن منتصب دایر است.

نایب رئیس — یعنی میفرمائید فرماندهی یک چیزی است که به او تعارف می کنند یا فرمان دادن برای او یک وظیفه‌ای است؟ (سبحانی — یکی از آثارش هست.) پس اجازه بفرمائید همانطور که آقای دستغیب فرمودند اطلاق کنیم. (سبحانی — آقای دستغیب هم گفتند منصب.) آقای صافی به عنوان مخالف صحبت می کنند بفرمائید.

صافی — سلام‌علیکم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض کنم آن چیزی که برای افرادی که می‌خواهند مکتبی را عرضه کنند لازم است، اول ایمان است و دوم شجاعت اینکه مکتب خودشان را عرضه بکنند. یکی ازاسرارموفقیتهای مسلمانان درصدر اسلام این بود که مکتب خودشان را به دنیا عرضه کردند و تحت تأثیر مکتب های دیگر قرار نگرفتند و مثل اینکه یک استضعاف فکری به نظر من میرسد که باز در جو این مجلس که ان‌شاءالله نیست ولی اینطور است که ما آنطور که باید، مکتب خودمان را عرضه نمی کنیم یک الفاظی را در این قانون وارد کردیم که این الفاظ در غرب یک مفاهیم خاصی دارد که با مفاهیمی که در مکتب ما است اینها مخالف است حالا می‌خواهیم با آنها، اینها را تطبیق بدهیم با آن سابقه ذهنی که هست به اشکال برمی‌خوریم حالا در این اصل چون وقت نیست که عرایضم را کاملا بگویم خلاصه می کنم. دراین اصل وقتی که انسان ملاحظه می کند می‌بیند آن چیزی که نظام شرعی رابرقرار می کند آن مسأله اصل حکومت است که آن در این اصل نیست در وظایف و اختیارات رهبری هیچ معلوم نیست که نقش رهبر در تعیین رئیس جمهور چه نقشی است و اگر رهبر در اینجا نقشی نداشته باشد، اصلا این نظام شرعی نیست هر چه شما از این اختیارات برای رهبرتعیین بکنید درست نیست. ما اصلا اصل مطلب را فراموش کرده‌ایم ولایت‌فقیه اساسش آنجا هست اگر همینطوری که آقای دستغیب فرمودند که ما می‌خواهیم حکومت ظلمه نباشد و آن حکومتها پایان پیدا کرده باشد، باید اینجا را درست کنیم و اول باید این مطلب‌معلوم بشود که نقش فقیه و ولایت فقیه درتعیین ریاست جمهوری چه نقشی است. روح مطلب اینجا است و اینطور که متأسفانه تنظیم شده است اصلا مفهومش اینست که فقیه در اینجا هیچ نقشی ندارد حالا بگوئیم بعدها معین می کنیم یا چطور می‌شود، یا در فصل های بعد می‌آید باید بگویم که جایش همین‌جا است وقتی که می‌گویند وظایف و اختیارات رهبری، باید اول معلوم بشود واگر غیر ازاین هم باشد اصلا حکومت، حکومت شرعی نیست خوب اینجا در مجلس فقها هستنداگر این را ما بخواهیم که فقط به عزل اکتفا بکنیم فایده‌ای ندارد باید نصب معلوم بشود که فقیه باید در اینجا چه کارهائی را بکند اصل براین است که نصب بتواند بکند حالا اگر خیلی ما بخواهیم دقت کنیم باید در اینجا اینطور قرار بدهیم که نامزدهای ریاست جمهوری را منحصراً باید فقیه صلاحیت آنها را در شورا بررسی کند و به‌مردم معرفی کند، این مطلب در اینجا ذکرنشده حالا ما آمده‌ایم یک فروعی را آورده‌ایم مثلا تعیین فقهای شورای نگهبان،اصل مطلب را رها کرده‌ایم و به‌اینجا رسیده‌ایم. مطلب بنده همین است که اگر بخواهیم نظام، نظام شرعی باشد حتماً باید در نصب، نقش فقیه معلوم بشود و فقیه باید در اینجا پیاده و شروع بشود و اگر این نصب نباشد هر مطلب دیگری را برای فقیه در نظر بگیریم، باز همان نظام است و نمی‌توانیم به این نظام، نظام شرعی اطلاق بکنیم حالا حاکمیت ملی می‌گویند و حاکمیت‌ملی را با معانی و مفاهیم غربی درنظر می‌گیرند و می‌بینند با این‌جور در نمی‌آید. ما باید ان‌شاءالله شجاعت این را داشته باشیم که آقایان حتماً دارند ما اصلا برای این آمده‌ایم که مکتب‌اسلام

را در اینجا عرضه کنیم و بفهمانیم که اسلام هم خودش یک نظام مستقلی است و یک نظامی است غیر از نظامهای دیگر، نه حکومت مردم برمردم است به آن معنائی که عرض کردم، نه اینکه مردم در حکومت وارد نیستند و نمی‌توانند دخالت کنند و ما به آن معنی حکومت مردم برمردم که ان‌الحکم الاالله نباشد این نمی‌شود، در اسلام حکومت خدا بر مردم است حکومت احکام شرع بر مردم‌است و از جمله همین مسأله ولایت فقیه است لذا بنده با این اصل تا آن مطلب ریاست جمهوری و نقش فقیه در اینجا کاملا معلوم نباشد، مخالفت دارم.

نایب رئیس — آقای یزدی فرمایشی دارید؟

یزدی — یک نکته در فرمایش آقای دستغیب بود اگر اجازه بفرمائید عرض کنم. (نایب رئیس — بفرمائید.) ایشان فرمودند اگر انحراف در دستگاه رهبری بوجود آمد چه باید کرد و اعلام فرمودند که از طریقی که خود رهبر یا شورای رهبری آمده است از همان طریق یعنی خبرگان، تعبیری بود که ایشان فرمودند. دراینجا بعضی از دوستان فرموده‌اند که میشود از طریق شورای نگهبان هم که از جهات مختلف هم پایه مردمی و هم پایه الهی دارد به‌عهده او گذاشته شود، یکی این مطلب بود که معمولا اگر به‌آن توجه شود مسأله حل‌میشود. مسأله دوم این است که آقای صافی فرمودند و جمهوریت را اصولا خواستند رد کنند یعنی‌مکتب را اینطور مطرح فرمودند که انتصاب است در حالی که یک ملتی مکتب را قبول کرد که‌اسلام است و بعد آن ملت کاندیداها را قبول کرد و بعد رهبر امضاء کرد دیگر مسأله حل میشود و به نظر من اشکالی که ایشان دارند رفع میشود.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای تذکری دارید؟ بفرمائید.

خامنه‌ای — من موافق مشروط هستم ولی چون موافق صحبت کرده چند تذکر هست اگر لازم می‌دانید بگویم.

نایب رئیس — بفرمائید.

خامنه‌ای — عرض کنم که این موضوع در گفته‌های دیگران هم بود یکی اینکه ما وظایف و اختیارات رهبری نوشته‌ایم و این وظایف واختیارات رهبری مفید حصر است. ما در اینجا در مقام بیان هستیم و تمام موارد وظایف و اختیارات را داریم بیان می کنیم بنابراین اشکال آقای صافی زنده میشود به دلیل اینکه ما تعیین فقهای شورای نگهبان را مربوط میدانیم به نظارت و وساطت فقیه در حاکمیت خدا در مقننه، نصب عالیترین مقام قضائی، البته من براین ایراد «عالیترین مقام» باقی هستم که اصطلاح آن چیزی را که اراده کرده‌اید نمی‌فهماند این بند هم ناظر به نظارت و دخالت فقیه در قوهٔ قضائیه است نیروهای مسلح و بقیه موارد هم که مربوط به‌او میشود اینها همه اختیاراتی هستند غیر از مجریه، نسبت به دخالت فقیه در مجریه که عمده معنای ولایت هم همان است اینجااگر نباشد با توجه به آن حصری که هست این اشکال ایجاد می کند. یا عبارت را باید ازاختیارات و وظایف‌گذاشت یا آن را مندرج کرد. دیگر اینکه عبارت اصل ملحقه کامل نیست وظایف و اختیارات فرمانده کل نیروهای مسلح که باید طبق روال قانونگذاری «عبارتست از» باشد و بعد برشمارد بـه هر حال این «عبارتست از» از دو نقطه بهتر است و ممکن است که اگر اینطور نباشد اشکالاتی بوجود بیاورد مدتها است در یک ماده قانونی دادگاهها غلط حکم می کردند به دلیل اینکه در آن مجموعه‌غلط چاپ‌شده بود. عرض کنم در دوسورد «تعیین» آورده شده است یکی تعیین رئیس کل و تعیین فرمانده کل

سپاه این تعیین بدون از...

مکارم شیرازی — آقای رئیس مگر اصل دوم مطرح است؟

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای اجازه بدهید ما اول بحثمان را روی اصل اول تمام کنیم.

خامنه‌ای — پس من نظرم را خلاصه می‌گویم، برای اینکه چون حصر را می‌رساند پس دخالتش را هم در قوهٔ مجریه باید اینجا بیاورید.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — من به نظرم میرسد که آن تصوری که ما از رهبر و رهبری داریم با توجه به اینکه هم تکیه‌گاه مردم است و هم در واقع اکثریت مردم آنطور که بیان شد پشتوانهٔ طرفداری از رهبر و درواقع افکار عمومی هستند و به‌نظر من این مواد تمام آن جهات را بطور جامع بیان نمی‌کند و چون امری است بسیار مهم یک طرح سه اصلی تهیه شده که البته من وارد این موضوع نمی‌شوم برای اینکه در اصلش من یک بحث دارم و همانطور که گفتم نگران وضع آینده هستم و نمی‌توانم نگرانیم را هم در اینجا تبیین کنم و مثل اینکه دوستان و برادرانمان هم اینطور می‌خواهند که این اصل اینجا یک‌جوری تصویب بشود و چون بستگی به سرنوشت آینده دارد من دلم میخواست یک روز در جلسه خصوصی حرفهای دیگری که دوستان دیگر دارند و آنها هم واقعاً می‌خواهند مؤلف مکتب نظام اسلامی باشند یک طوری بشود که این حرفها بیان بشود حالا هرجوری که حضرات صلاح بدانند عمل کنند تا به نفع اسلام باشد. به نظر من این اصل آن جامعیت را ندارد که ولایت فقیه در این سه مورد خلاصه بشود من می‌گویم اداره امور کشور غیر از اینها مسائل دیگری هم دارد و رهبری در اینجا آنها را شامل نمی‌شود و مثل اینکه در اینجا یک حصری هست به طور خلاصه من این اصل را ناقص می‌بینم.

نایب رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان— همانطوری که جناب‌صافی فرمودند و قبلا هم درجلسات مشترک بحث کافی شده، فرماندهی کل‌قوا را قبلا آن پیش‌نویس قانون اساسی به دست رئیس‌جمهور داده بود و در اینجا چه اشکالی داشت با اینکه رئیس‌جمهور یک فرد مجهول‌الهویه‌ای یا اصلا فاقدصفاتی بود که ما برای فقیه قید کردیم از عدالت، تقوا و پرهیزگاری چه‌دلیلی هست که‌این فرماندهی کل قوا را به‌ایشان ندادیم و در اینجا تجزیه‌اش کرده‌ایم و هر آن که این اصل را مرتباً واریز کرده‌ایم و دومرتبه نوشتیم می‌بینیم که بعضی از مسائل از آن حذف شده اول اعلام جهاد و بسیج عمومی به دست رهبر بود بدون قید و شرط و در آنجا عرض کردم که اگر اعلام جنگ‌و جهاد و بسیج عمومی به دست رهبری باشد یعنی تمام توده و ملت ایران به‌فرمان رهبربه‌حرکت درمی‌آیندآنوقت فرماندهی کل قوا یا قسمتی از آن به دست جناب رئیس‌جمهور یا رئیس ستاد ارتش باشد منهای رهبر یک تضادی ایجاد می‌شود او می‌گوید من صلاح نمی‌بینم جنگ وجهاد بشود و یک تضاد ایجاد خواهد شد آمده‌اند این را هم مشروط کرده‌اند به جنگ و جهاد، و بسیج عمومی را هم مشروط کرده‌اند به پیشنهاد شورایعالی دفاع و بعد، انحراف.(سبحانی — اصل‌دوم که‌مطرح‌نیست.) این دواصل با هم‌هستند ما که بچه نیستیم یکی‌هستند ویک‌روح مشترکی دارند یعنی اصل اول با دوم دو تا است؟ میگوید فرماندهی عالی کل‌نیروهای مسلح به ترتیبی که در فصل مربوط به دفاع ملی خواهد آمد و بلافاصله اصل دوم را آورده‌اند این دو

اصل مربوط به هم هستند. معرفی کاندیداهای ریاست‌جمهور یا نصب او حذف شده چرا حذف شده؟ رئیس‌جمهوری که فقط ایرانی باشد و مسلمان باشد او باید به وسیله فقیه معرفی بشود آقایان میگویند که فقیه مصداق ندارد. مفهومش را با آن بحثهائی که قبلا کردیم قبول داریم. این آیا محکوم کردن مذهب نیست؟ آیا این فردمسلمان خودش با دست خودش و با دلیل خودش مکتبش را محکوم نمی‌کند؟ این سخن مارکسیست لنینیست‌ها و کمونیست‌ها نیست که همه مکاتب را رد می‌کنند و می‌گویند که جنبه ذهنی دارد وجنبه ارتجاعی وایده‌آلیستی دارد؟ به‌علاوه حالا من یک‌سؤال میکنم آقایان الان مصداق ریاست‌جمهوری راتعریف‌می‌کنند چه‌کسی هست؟ ما مصداق ولایت فقیه را الان داریم چون آیت‌الله الان هستند مثل شیر هم زنده‌اند و ان‌شاءالله و به‌یاری حق و به‌کوری چشم دشمنان زنده خواهد بود، اما شما مفهوم ریاست جمهوری را می‌گوئید ما هم قبول داریم اما مصداق ندارد مصداق ریاست جمهوری کیست؟ آن آقائی است که می‌گوید امید ملت ایران، آقای دکتر شیبانی شمانمونه اعلا را به دولت دادید بگذارید ما در حضور ملت ایران این حرفها را نزنیم آن امیدی که ما داشتیم البته امام اجازه نداد و من از هیچکس هم جز خدا نمی‌ترسم. معرفی کاندیداها باید به دست رهبر باشد بعد تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به‌پیشنهاد شورایعالی. بازهم باپیشنهاد او حتی نه با مشورت او تشکیل سازمان امر به معروف و نهی‌ازمنکر که می‌تواند یک نیروی تنظیم‌کننده‌ای باشد در دست رهبر این هم حذف شده باز در اصل قبلی هم این مسائل بود و یکی پس ازدیگری حذف شده است. بعضی‌ها می‌گویند که آقا ما نگرانی داریم از مردم و من عکس آن نگرانی را دارم که اگر ماببائیم قدرت امام خمینی راکه فرماندهی عالی کل قوا را اعمال کرده چه در پاریس که به ارتش گفت فرار کنید و همه دیدیم که فرار کردند و ارتش پانصد هزار نفری به اضافه البته مستشاران آمریکائی یک‌باره فروریخت و وقتی به ایران‌تشریف آوردند آن فرماندهی قوا را اعمال کردند ما حالا بیائیم این فرماندهی کل قوا راکه طبیعتاً از انقلاب به دست آورده و به صورت طبیعی در قدرت امام خمینی هست این را محدود بکنیم و قید بزنیم آیا مردم دنیا به‌ما نمی‌خندند که شما داریدرهبری راکه دارد جلو میرود وانقلاب را سریع به پیش می‌برد قدرتش را محدود می‌کنید و شیری را آورده‌اید و در قفس کرده‌اید واین چه ریاست جمهوری است که در آینده بوجود می‌آید که اینقدر ما به او ایمان داریم و اطمینان داریم و این چه غولی است که از فقیه ساخته‌اند که ما نمونه اعلایش را دربین فقهای‌خودمان می‌بینیم، آنها امتحانشان را داده‌اند الان باز همین جا تکرار میکنم ملت ایران شاید روی‌هیچ فردی مثل دولت بازرگان انگشت نمی‌گذاشت ازمؤمن و متعهد ومخلص وهیچ قدرتی هم به قول شما در آینده مثل آیت‌الله خمینی بوجود نمی‌آید ببینید الان این ترکهائی که بوجود آمده می‌گویند ازکندی دولت است. (موسوی قهدریجانی — آقای رشیدیان این مربوط به اینجا نیست.) مربوط به‌همین‌جا است آقای موسوی، بگذار حرفم را بزنم چرا نمی‌گذارید صحبت کنم ما در مقابل رئیس سازمان امنیت نمی‌ترسیدیم شما پدر مردم را درآوردید در اینجا معنی ندارد الان می‌گویند کمیته‌ها، پاسداران،پاسدارها را بدنام کرده‌اند، کمیته‌ها را به‌دست دوست‌مارک زده‌اند واینها کسانی‌بودند که‌انقلاب را پیش بردنددولت‌می‌بایست بعد ازانقلاب،انقلابی‌عمل می‌کرد، نکرد اما آنکه در خط امام بود انقلابی عمل کرد این شکاف و این ترک مال آنجا است نه مال امام هست نه مال کمیته هست نه‌مال پاسداری است که‌در خاک و خون خودش

عاشقانه می‌غلطد. پاسداران ما در کردستان نان خشک هم گیرشان نمی‌آید روی زمین و درسرما می‌خوابند آنوقت آیا جنایت نیست که ما بیائیم اینجاپشت این‌میزها بنشینیم و بگوئیم پاسدارو کمیته و نمایندگان امام ، هر ساعت آنها را بکوبند اصلا قدرت مال توده و مال امام هست و بقیه هرچه هست طفیلی هستند بنابراین اگر می‌گویند این ترک هست به واسطه این است که امام وکسانی که در خط امام هستند اینها انقلابی عمل میکنند و دیگران فقط وعده سر خرمن میدهند و سوره‌الرحمن تفسیر میکنند این یک مسأله و مسأله دیگری که گفتند درباره کودکی که اگر غذای مقوی به او بدهند او تحمل نمی‌تواند بکند برعکس من می‌گویم انقلاب ما به قول آن پاسدار رشید ما در آبادان که وقتی شهید شد از جیش این کاغذ درآمد خطاب به پاسداران «برادران عزیزم، انقلاب ما چهارماهه است این کودک چهار ماهه را از آفتهای زمینی وزمانی هوا، سرما، گرما محفوظ نگهدارید.»ما این انقلاب هشت ماهه‌مان را از دست رهبر از دست این پدر دلسوز بگیریم و به دست چه عنصری بسپاریم و چه اطمینانی داریم که این بچه سینه‌پهلو نکند؟ بنابراین فرماندهی کل‌قوا رویش بحث شده است بعضی‌ها می‌گویند مردم نگرانند، بله ما نگرانیم که اگر اصل ولایت فقیه با تمام مشخصاتش که در حدیث و قرآن و سیره پیامبر و ائمه آمده است پیاده نشود ملت به‌آن رأی نمی‌دهد، شما با چه کسانی تماس دارید یک عده روشنفکران لوکس آنها همیشه ناراضی هستند آنهائی که درکافه‌تریاها می‌نشینند و به‌خیال خودشان‌گپ مردم را می‌زنند، حرف مردم را می‌زنند، اما خون مردم را می‌نوشند شما با توده با همان پابرهنه‌ها، آن سیگارفروشها، بلیط فروشها، آب حوضی‌ها، این کشاورزها، کارگران تماس بگیرید ببینید آنها عاشقانه گرد اسلام و گرد مکتب می‌چرخند یا نه، این چه‌مکتبی است که شما رویتان‌نمی‌شود پیاده‌اش کنید؟ مکتب اگرقابل‌پیاده شدن‌هست ازسرتا ته همه قابل پیاده شدن است ریشه‌دارد، ساقه دارد، شاخ و برگ دارد، ثمردارد، همه اینها با هم است برنامه اسلام باید مجموعاً پیاده شود بدون کم و زیاد اگر هم قابل پیاده شدن نیست خیلی خوب خداحافظ تا ما هم برویم یک مکتب ماتریالیستی بگیریم و یک مکتبی را برای خودمان ابداع بکنیم . این مکتب قابل پیاده شدن است مصداقش هم امام خمینی است و خداوند برای بوجود آوردن امام‌خمینی برای رهبری امت اگرملت بیدار وروشن باشد دررحمت خدا بازاست و «قالت‌الیهود یدالله مغلوله» گفتند که دست‌خدا برای فرستادن پیغمبربسته است «قل غلت ایدیهم» (نایب‌رئیس— قل ندارد ، غلت ایدیهم.) احسنت خیلی متشکرم. بگو دستهای خودتان بسته است شما نمی‌فهمید و دریچه چشمتان تنگ است اگر این مکتب ، مکتب وحی است مال خداست پس قابل پیاده شدن است و خدا می‌فهمد که قابل پیاده شدن هست نه جنابعالی یا آن آقائی که یک دید تنگی دارد و فقط امروز را می‌بیند و عقل‌گردی دارد نعوذبالله خدا به اندازه این عقل گرد او نمی‌فهمد؟

نایب رئیس — بسیار خوب، اجازه بدهید کارمان را سامانی بدهیم که به جلو برود. می‌بینم بیشتر انتقادات، درباره این است که اصل ۸۷ جامع اختیاراتی که آقایان لازم می‌دانند نیست. پس اجازه بدهید امروز این مقدار اختیارات را که در این اصل گنجانده‌ایم نظرخواهی کنیم و با دست رأی بگیریم و بعد از اینکه از این بندها گذشتیم ، اگر وقت بود ببینیم چه پیشنهادهای تازه‌ای میرسد تا آنها را مورد رسیدگی قرار دهیم. از برادرمان آقای دکتر غفوری هم خواهش میکنم پیشنهادهایشان را که در تکمیل این اصل است، کتباً مرقوم بفرمایند.

هاشمی‌نژاد — اگر اجازه میفرمائید یک تذکر لازمی در همین جا دارم که باید عرض کنم.

نایب رئیس — اگر پیشنهادی دارید کتباً مرقوم بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — تذکری دارم که باید در جلسه علنی گفته شود اگر اجازه نمی‌فرمائید بحث جدائی است.

نایب رئیس — پس اگر اجازه بدهید ما کارمان را بدین ترتیب دنبال کنیم که بند بند هر یک از این اصول را مطرح کنیم و مورد نظرخواهی قرار بدهیم و اگر کسری داشت، بتوانیم در همین جلسه عبارات کسری را تنظیم کنیم و اگر در همین جلسه ممکن نشد در جلسه فردا صبح تنظیم شود تا لااقل در این مورد کاری انجام گرفته باشد. (حجتی کرمانی — روی کدامیک از این دواصل که دردستور جلسه است، صحبت می‌فرمائید؟) فعلا بند بند نظرخواهی میکنیم. الان بند ۳ اصل ۸۷ و شرح این بند که در اصل بعدی آمده است، مطرح است. چون در جلسه قبل روی بندهای یک و دو اصل ۸۷ نظرخواهی شده بود دوباره آنها را مطرح نمی کنیم.

حجتی کرمانی — در بند ۳ اصل ۸۷ یعنی فرماندهی عالی کل نیروها نوشته‌اید که به ترتیبی خواهد بود که در فصل مربوط به دفاع ملی خواهد آمد. پس شما در واقع بایداصل بعدی را اول‌نظر خواهی کنید و بعد به سراغ موضوعات بعدی بروید.

نایب رئیس — بلی، یعنی «به ترتیبی که خواهد آمد» عبارت‌است از اصل بعدی.

منتظری — تا شما اصل ۸۷ را تکمیل نکنید حق ندارید به اصل بعدی بپردازید.

نایب رئیس — نه آقا، ایرادی ندارد که اصل بعدی را هم نظرخواهی کنیم.

منتظری — نه آقا ندارد ، باید اصل ۸۷ تکمیل شود بعد سراغ اصل بعدی بروید رودربایستی نداریم، ما کلاه سرمان نمی‌رود.

نایب رئیس — آقای منتظری، ما رأی‌گیری نمی‌خواهیم بکنیم‌فقط نظرخواهی می کنیم.

دکتر آیت — من هم نوبت گرفته‌ام، چند کلمه عرض دارم.

نایب‌رئیس — بلی، اسمتان اینجا هست، نوبت شما هم میرسد. به هر حال الان اصل ۸۷ مطرح است و ما داریم نظرخواهی میکنیم و تا این اصل را تکمیل نکنیم و نظر آقایان تأمین نشود با ورقه رأی‌گیری نخواهیم کرد، منتها روش ما در اصولی که بندهای متعدد دارد این است که روی هر بندی درجلسه نظرخواهی میکنیم تا وقتی خواستیم با ورقه اخذ رأی کنیم رأی به اندازه کافی داشته باشیم و دچار ابهام و اشکال نشویم، و چون اظهارنظر در بند ۳ اصل ۸۷ موکول است به‌اظهار نظر درباره بندهائی که در اصل وظایف واختیارات فرماندهی کل نیروهای مسلح آمده است یعنی اعم از اینکه شما اصل ۸۷ را منحصر به این سه بند بدانید و یا چند بند دیگر هم به آن اضافه کنید، وقتی بخواهید روی بند ۳ این‌اصل رأی‌بدهید، باید روی اصل بعدی که به همین علت هم در دستور جلسه امروز قرار داده‌ایم، نظرخواهی بکنید تا بدانید که فرماندهی عالی کل نیروها دارای چه وظایف و اختیاراتی هست و با علم به این موضوع به بند ۳ اصل ۸۷ رأی بدهید.

منتظری — بند ۳ اصل ۸۷ مربوط به اصل بعدی است پس باید درآخر رسیدگی شود . ما اول باید بندهای دیگری که در اصل ۸۷ هست رسیدگی کنیم بعداً آن بندی که مربوط

به اصل بعدی میشود بحث و بررسی کنیم.

موسوی تبریزی — تأیید بحث هم همین است تمام اختیارات ووظایف فرمانده را اول معین بکنید بعد آنچه که احتیاج به شرح دارد در آخر ذکر کنید.

دکتر بیت اوشانا — به نظر من اگر کلمه اختیارات برداشته شود و بنویسید «وظایف عمده رهبری» اشکال همه آقایان رفع میشود.

منتظری — نه، رفع نمی‌شود. همه وظایف و اختیارات باید گفته شود.

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی مطلبی بود؟

طاهری اصفهانی — اگر دراینجا گفته شود «وظایف و اختیارات رهبری به‌غیر از آنچه در قوهٔ مجریه خواهد آمد» عبارت درست میشود.

نایب رئیس — خوب، حالا که همه بدون نوبت صحبت میکنند آقای هاشمی‌نژاد چرا شما صحبت نکنید؟ بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — تذکرم، تذکری است در رابطه با آنچه که در مجلس میگذرد و این خواست من تنها نیست، بلکه خواست اکثر دوستان است که در اینجا منعکس میکنم. متأسفانه عملا تجربه نشان داد که تعدادی از دوستان علیرغم همه احتراسی که به آنها میگذاریم، گاهی ازاوقات برخلاف آنچه که قرارگذاشته شده صحبت میکنند، به‌این‌معنی که‌مثلابنا نیست اززبان دیگران حرف بزنند ولی از زبان دیگران صحبت میکنند. شماهائی که برای انسانها احترام و ارزش قائل هستید چطور ممکن است به خودتان اجازه بدهید به افرادی که در حضورتان هستند، از آنها صحبت کنید؟ من میخواهم تکلیف این مسأله را خود جنابعالی روشن بفرمائید. آیا ما خودمان میتوانیم دراین‌گونه موارد ازخود دفاع کنیم یا میتوانیم این کار را به‌حضرتعالی واگذارکنیم وشما این مهم را به‌عهده بگیرید؟ روی این اصل حدود بیست‌ساعت صحبت شد. (عده‌ای از نمایندگان — خیلی بیشتر.) و تعدادی از برادران عزیزمان که مورد اکرام ما هم هستند در آن جلسات تشریف داشتند، آنها مطلبشان را در آن جلسات بیان نمی کنند ولی بعد می‌آیند در جلسه علنی و مرتب طرح و پیشنهاد ارائه میدهند و یا بعضی از دوستان میگویند در این مورد نگرانیم. خوب، این دوست عزیز چندبار نگرانی خود را در جلسه علنی ابراز فرمودند، یا اجازه بفرمائید ایشان تشریف بیاورند و صریحاً نگرانی خود را بیان کنند وکسی هم بیاید شاید بتواند نگرانی ایشان را جواب بگوید، و اگر این برادر عزیز مصلحت نمی‌دانند که نگرانی خود را در اینجا بفرمایند چه بهتر که در این مدت دو سه روزی که این مسأله در جلسات متعدد مطرح بود نگرانیشان را میفرمودند. به علاوه ایشان میفرمایند که گویا قرار است خیلی سریع این اصل تصویب شود، مثل اینکه آدم زنده قیم و وصی لازم ندارد. به هر حال ما هم انسان هستیم درك و فهم داریم، مطالعه و بررسی میکنیم، اگر ایشان نگرانند دلیل این نیست که همه نگران هستند. متأسفانه از این تریبون مجلس کراراً استفاده منفی شده است و استفاده مثبت کمتر شده مگر امروز که آقای رشیدیان کمی صحبت کردند که متأسفانه ایشان هم مورد اعتراض قرارگرفتند. تقاضا میکنم اگر قرار است شما از حق دیگران در این گونه موارد دفاع بفرمائید، دفاع بفرمائید وازآقایان خواهش کنید که اززبان خودشان صحبت کنند نه‌اززبان دیگران، و بعد این اصول را هم به‌آقایان یادآوری کنید که برای رعایت احترام وقت دیگران، این کار را نکنند و مسائلی راکه درذهن خود آنهاست به‌نام مجلس وبه‌نام‌خبرگان درسطح

مملکت و بین عموم مردم منعکس نکنند. من امروز پیشنهادی را که چندی پیش آقای مشکینی فرمودند، تکرار میکنم که مقداری از مسائل که الان در جامعه ما مطرح است و این مسائل باید برای جامعه بازگو شود هرکس میل دارد بیاید و روی آنها صحبت کند. متأسفانه ما جنبه‌های مثبت را رعایت نمی‌کنیم به این معنی که عده‌ای از دوستان برای اینکه وقت مجلس گرفته نشود کمتر صحبت میکنند ولی آنهائی که احیاناً نظر منفی دارند و حق هم دارند که نظری داشته باشند هرچه میخواهند و هر مقدار که میخواهند صحبت میکنند. ایرادی نیست، ولی اگرقراراست این‌طور باشد به‌طرف‌مقابل هم‌حق بدهید مطالبش را بگوید، تا مردم فکرنکنند این نگرانی واقعاً مال همه نمایندگان است. ما موقعی نگران هستیم که این انقلاب را بدهیم به دست کسانی که در این مدت هشت ماه تجربه نشان داد که آنگونه که باید ، نمی‌توانند عمل کنند. مسأله ولایت فقیه این است که اگر امروز ما این را در قانون اساسی ننویسیم، فردا امام خمینی هم اگر بخواهد در یک موضوعی اظهارنظر کند میگویند تو مقام غیرمسئولی و حق نداری اظهارنظر بکنی. ما میخواهیم پای ولایت فقیه را به دولت و حکومت بکشانیم تا فردا به فقیه نگویند که تو آدم غیرمسئولی هستی و نمی‌توانی اعتراض بکنی. به‌هرحال درمورد این مسائل که‌عرض کردم ومسائل‌دیگری که‌گاهی پیش می‌آید یا خود شما به‌موقع‌دفاع کنید یا یک برنامه‌ای قرار بدهید و یا از آقایان خواهش کنید اگر صحبت میکنند از زبان خودشان صحبت کنند و به کار دیگران کاری نداشته باشند، چون دیگران هم عقل و شعور دارند ونه نسبت به آینده نگرانند، نه‌نسبت به‌این مسأله تشویش دارند، ونه میخواهند این‌مسأله باعجله رد شود. عرض دیگری ندارم.

نایب رئیس — طبیعی است که وقتی میگوئیم تا امروز نزدیک به سی ساعت دراین‌باره در این دور جدید بحث شده، غیر از بحثی که به مدت یک هفته در گروه چهار انجام گرفته بنابراین فرصتها بوده تا هر یک از دوستان هر نظری دارند بگویند . انصاف این است که بگوئیم فرصت برای اظهارنظر نبوده مسأله‌ای است که فکر نمی‌کنم مورد قبول‌و تأیید همه باشد. بلی، همیشه گفته شده که اظهار نظرها بدون مقدمه و مؤخره باشد، بدون حماسه و شعار باشد و واقعاً حالت استدلال و روشنگری و تبیین داشته باشد تا وقت کمتر ضایع شود و نتیجه بیشتر به دست آید و اگر این اصل رعایت میشد و بشود ، طبعاً از این مقدار وقت که در اختیار است می‌توانستیم و می‌توانیم نتایج بیشتری بگیریم.

صدوقی — اظهارنظرها به حد کافی شد، همه گفتیم تا این اصل با تمام قیودش تصویب نشود ، به اصول دیگر نمی‌پردازیم . شما باید این اصل را با تمام قیودش بطوری که دست فقیه در هیچ جا بسته نشود بگذرانید و تصویب کنید تا ما وارد بحث در اصول بعدی شویم‌این مطلب زبان حال اکثریت قریب به اتفاق برادران در اینجا هست.

نایب رئیس — یک قسمتهائی از این اصل پس از مذاکرات مفصل آماده شده است من از مجلس سؤال میکنم که اگر نظرتان این است که ما می‌توانیم بند ۳ را که خودبخود مستلزم طرح اصل بعدی که مبین این اصل هست مطرح کنیم و علی‌کل حال هم وقتی مابخواهیم روی اصل ۸۷ رأی گیری کنیم بدون رأی‌گیری روی اصل بعد نمی‌توانیم رأی‌گیری کنیم، چون همانطوری که عرض کردم اصل بعدی مبین بند ۳ این اصل ۸۷ است به همین دلیل هم‌بدون شماره در دستور جلسه امروز آورده‌ایم. به هر حال این مقدار از این اصل تا ظهر امروز شکل

گرفت و آماده شد برای طرح در جلسه علنی. آقایان در پایان جلسه صبح با چیزی نزدیک به اتفاق آراء آن را تأیید کردند. اگر آقایان تأیید میکنید که این بند ۳ و قسمت بعد را در همین جاسه رویش نظرخواهی کنیم و تمام کنیم و تکمیلش را به دنباله این بندها اضافه کنیم، یعنی با ورقه نسبت به اصل ۸۷ رأی نگیریم تا آنچه که به نظرتان ناقص می‌آید تکمیل کنیم، و همین کار را ادامه بدهیم. (دستغیب — در همین جلسه تکمیلش کنید.) ولی اگرآن سوءظن و بدگمانی که اشاره شد وجود دارد که اصولا نه، حتی به بند ۳ و اصول مربوط به آن هم بپردازیم پس اجازه بدهید جلسه را تعطیل کنیم و به‌جلسه‌گروهها برگردیم وپس ازآنکه آن را تکمیل کردیم دوباره به جلسه علنی برگردانیم والا به این ترتیب که دارید عمل میکنید این جلسه در حقیقت تکرار مطالب جاسه روز پنجشنبه خواهد بود.

صدوقی — شما بیش از یک ساعت و چهل دقیقه هنوز وقت دارید اگر پیشنهاد تکمیلی هست داده شود و در همین جلسه نتیجه قطعی بگیریم.

نایب رئیس — پس موافقید به این که همین مقدار که تهیه شده بند بند مطرح کنیم و رویش نظرخواهی بشود بعد به مقدار وقتی که داریم تا آنجا که ممکن است آن را تکمیل کنیم و کارمان را به جلو ببریم. با این مسأله موافقید؟ (منتظری — من مخالفم.) آقای منتظری مخالفند، پس من از مجلس سؤال میکنم.

حجتی کرمانی — یک سؤال اینجا هست و آن اینکه اگر اصل بعدی یک اصل جداگانه است همانطوری که آقای منتظری فرمودند تا اصل ۸۷ تصویب نشود و از آن نگذریم اصلا نمی‌توانیم به اصل بعدی بپردازیم.

نایب رئیس — امر دایر است به اینکه کلیه این وظایف را داخل این اصل کنید، یا از نظر حسن تنظیم بگوئید:

«بند ۳ — فرماندهی کل نیروهای مسلح به شرحی که در فصل مربوط به دفاع ملی خواهد آمد». منتها برای اینکه این «خواهد آمد» حالا مستلزم ابهام میشود ، ولی بعد از آنکه اینها یکجا چاپ شد دیگر ابهام نیست ، یعنی حالا که هنوز چاپ و تنظیم نشده ، مبهم به نظر میرسد، بنابراین قرارشد فعلا آن اصل را رویش نظرگیری کنیم و رأی بگیریم که این «خواهد آمد» در متن آینده ، از نظر رأی شما «آمده است» باشد ، منتها تنظیم عبارت را متناسب با متن نهائی تهیه کرده‌ایم، ولی مطلب را متناسب با رأی دادن و فکر میکنم یک مطلب خیلی ساده و روشن است و برای هر شنونده قابل فهم . اینجا ما یک بندی داریم در اختیارات و وظایف رهبری که می‌گوید یکی از وظایفش فرماندهی کل نیروهای مسلح است، به شرحی که خواهد آمد. کسی که میخواهد رأی بدهد باید بداند که این «شرحی که خواهد آمد» چیست تا رأی بدهد. این شرح را اینجا نوشته‌اند، و در موقع تنظیم اصول قانون اساسی این، اصل ۸۷ است و آن «شرحی که خواهد آمد» اصل ۱۲۵. یعنی شما آقای نماینده‌ای که میخواهی رأی بدهی بدان که اصل ۱۲۵ این اصل خواهد بود، مطلب خیلی روشن است.

منتظری — این بند ۳ به اصل دیگر مربوط است ولی بندهای دیگر مربوط نیست مااول آنها را که مربوط نیست تصمیم‌گیری میکنیم و بعد که تمام شد به این بند می‌پردازیم.

یزدی — مسأله‌ای که اصل بعدی ترتیبش چگونه خواهد بود، اصلا مطرح نفرمائید این مطلب، به این صورت نظرخواهی بشود، برای تکمیلش بعداً صحبت میشود و اینکه اصل

کجا واقع میشود، بگذارید برای مرحله بعد.

نایب رئیس — دوستانی که موافقند که نظرخواهی را برای بند ۳ و اصل بعدی که‌مبین بند ۳ است، الان ادامه بدهیم، لطفاً دست بلند کنند (چهل و سه نفردستشان را بلند کردند.) بنابراین اکثریت تام جلسه نظرشان اینست که ما کارمان را ادامه بدهیم.

دکتر آیت — یک توضیح دارم و آن اینکه ما در اینجا نوشته‌ایم فرماندهی عالی کل نیروهای مسلح ، صبح هم بحث شد که این را بطور مقید یا غیر مقید بنویسیم . من معتقدم یک‌بار این مطلب را بدون قید به رأی بگذاریم اگررأی آورد به تمام بحثها خاتمه داده‌میشود.

رشیدیان — معرفی کاندیداهای رئیس‌جمهوری در اینجا مشخص نشده.

نایب رئیس — اجازه بفرمایند آن چیزی راکه مجلس به آن رأی داد یعنی ادامه کار جلسه، به‌همین‌ترتیب کارمان راادامه بدهیم وبه‌جلوبرویم. مابرای اینکه وظایف واختیاراتی که فرماندهی کل نیروهای مسلح دارد روشن کنیم، اول به سراغ اصل بعدی میرویم ویک یک بندها را بررسی و نظرخواهی میکنیم، بعد از اینکه معلوم شد این بندها رأی کافی داردیا نه، دوباره به سراغ اصل ۸۷ می‌آئیم. بنابراین بند یک اصل بعدی یعنی «تعیین رئیس کل ستاد مشترک» مطرح است در این مورد نظری دارید؟

حجتی کرمانی — من باز هم تذکر میدهم که کار شما برخلاف آئین‌نامه است و تکرار میکنم تا اصل ۸۷ تصویب نشود شما نمی‌توانید به اصل بعدی بپردازید.

قرشی — ما خودمان الان رأی دادیم که کارمان به همین ترتیب جلو برود.

نایب رئیس — آقای مکارم شما روی این بند صحبتی دارید؟

مکارم شیرازی — منظور از «وظایف و اختیارات» چیست؟ اگر منظور از «وظایف» این است که حتماً باید کارش را انجام بدهد و «اختیارات» معنایش این است که اگر مصلحت دید انجام میدهد، پس اینها که در این اصل شما ذکر کرده‌اید جزء وظایف است یا اختیارات؟ من فکرمیکنم منظور شما «وظایف» است، پس کلمه «اختیارات» را حذف کنید تا ابهامی‌پیش نیاید. درغیراینصورت این عبارت معنایش این است که اگر مصلحت دید شورایعالی فرماندهی ا تشکیل میدهد و اگر هم مصلحت ندید تشکیل نمی‌دهد.

رشیدیان — وظایف و اختیارات در برابر مسئولیت است، این یک چیز بدیهی و روشن است.

نایب رئیس — آقای رشیدیان خواهش میکنم با نوبت صحبت کنید اینجا اسم عده‌ای از دوستان قبل از شما هست که هنوز صحبت نکرده‌اند.

رشیدیان — شما به مخالف اجازه صحبت میدهید ولی نوبت به موافق که میرسد میفرمائید آئین‌نامه رفتار شود. ما هر وقت برای صحبت اسم نوشتیم، نوبتمان نرسید.

نایب رئیس — آقای فارسی در مورد مطلب آقای مکارم توضیحی دارید بفرمائید.

فارسی — ما میدانیم در نظام حقوقی اسلام هیچ کس دارای حق و اختیار نمی‌شود مگر اینکه ادای وظیفه کند، به همین جهت در این اصل یک سلسله وظایف و در عین حال یک یک مقدار اختیارات هم هست.

دکتر آیت — من معتقدم اولا بنویسیم: «از وظایف و اختیارات فرمانده کل نیروهای مسلح» برای اینکه اگر در اصل اینطور ننویسیم اشکالات زیادی بوجود می‌آید ، چون ما در

این اصل مقداری از وظایف را ذکر کرده‌ایم تا وقتی بنویسیم «از وظایف واختیارات» یعنی رهبر وظایف و اختیارات دیگری هم ممکن است داشته باشد که در اینجا ذکر نشده است. مطلب دوم در مورد تعیین رئیس کل ستاد مشترک بنویسیم «عزل و نصب رئیس کل ستادمشترک» که دقیقاً در اینجا مشخص شود عزل و نصب هر دو به عهده رهبر است.

هاشمی‌نژاد — من فکر میکنم بهتر است «اختیارات» را مقدم بر«وظایف» بگذارید.

نایب‌رئیس — خوب، آقای موسوی‌تبریزی سؤالی بود؟ (موسوی تبریزی — من با این مخالفم.) باکدام یک مخالفید؟ آیا دراین بند «تعیین رئیس کل ستاد مشترک»نظر مخالف دارید؟

موسوی تبریزی — من معتقدم وظایف و اختیارات فرمانده کل نیروهای مسلح، فقط این پنج بند نیست.

سبحانی— آقای موسوی، دراینجا پنج وظیفه آمده است، شما وظایف دیگری را هم اگر به نظرتان میرسد پیشنهاد بکنید. پس شما با اصل موضوع که مخالف نیستید.

نایب رئیس — آقای مدنی فرمایشی دارید؟

مدنی — من پیشنهادی خدمتتان فرستادم چرا به آن توجهی نمی‌شود؟

نایب رئیس — پیشنهاد آقای مدنی در بند ۳ اصل ۸۷ است که فعلا در مورد آن بحث نمی کنیم، من آن را نگهمیدارم وقتی بند ۳ مطرح شد آن را هم مطرح میکنیم. فعلا کسانی که با بند یک به این ترتیب «تعیین رئیس کل ستاد مشترک» موافقند دست بلند کنند (۳۹ نفر دست بلند کردند.) پس کسانی که با این عبارت که بنویسیم «نصب و عزل رئیس کل ستاد مشترک» موافقند دستشان را بلند کنند. (اکثرموافق بودند.) تأیید شد. بند ۲ این اصل را میخوانم:

«۲ — تعیین فرمانده کل سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی» دراین بند سؤال یانظری هست؟

مکارم شیرازی — مسأله سپاه پاسداران ظاهراً یک پدیده موقت است. (صدوقی — خیر، دائمی است.) مادامی که هنوز ارتش کاملا جانیفتاده است و در شرایط فعلی، وجود سپاه پاسداران کاملا ضروری است ولی ممکن است درآینده ارتش آنچنان جا بیفتد که متوجه‌بشویم دیگر این دوگانگی لازم نیست. اگر چنین شد همه سپاه‌پاسداران میروند در ارتش اسم‌مینویسند، و ارتشی‌ها هم با اینها برادر هستند و در نتیجه، همه دست به دست هم میدهند و وظیفه خود را انجام میدهند ولی آنچه که در اینجا نوشته شده مفهومش این است که این‌دودستگاه همیشه باید بطور مجزا در مملکت وجود داشته باشد . اگر صلاح میدانید به این صورت نوشته شود: «مادامی که سپاه پاسداران تشکیل است، تعیین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی».

ربانی شیرازی — هنوز نوبت صحبت به‌من نرسیده است؟ من از اول نوبت‌گرفته بودم که حرف بزنم.

نایب رئیس — آقای ربانی، شما در بند قبل نامنویسی کرده بودید حالا در این بند هم مطلبی دارید؟

ربانی شیرازی — من از اول تا به حال چندین‌بار نوبت گرفته‌ام اگر باید در هر یک از بندها جدا جدا نوبت گرفت پس چرا به دیگران اجازه صحبت میدهید؟

نایب رئیس — آنها خلاف رفتارمیکنند شما هم اگرمیخواهید خلاف‌را تأیید کنید، بکنید.

آقای حجتی مطلبی دارید؟ (حجتی — من نوبتم را به آقای ربانی شیرازی میدهم.) بسیار خوب آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — پاسداران انقلاب نیروی اسلامی هستند که پاسدار ایدئولوژی اسلامی هستند یعنی به جای ارتش قبلی که ایدئولوژی نداشت میخواهیم سپاهی بوجود بیاوریم تربیت یافته به تأثیر از مکتب و این باقی است و از بین رفتنی نیست. بله ممکن است ارتش به معنای امروز بتدریج به همین نیروی پاسداران تبدیل شود یعنی تعلیم و تربیت سرایت پیدا کند و در درون ارتش برود بطوری که آنها هم علناً سپاه پاسداران بشوند. البته من نمی‌خواهم بگویم که سپاه پاسداران از جهت مکتبی کامل شده‌اند نه، در مسیر تعلیم مکتب هستند و ما میخواهیم این مکتب را پایه‌گذاری کنیم تا فردا ارتش کاملا به همین صورت درآید.

یزدی — علت این سؤال و جواب به خاطر این بود که جناب مکارم در جلسه صبح تشریف نداشتند وگرنه عین این سؤال و جواب در جلسه صبح مطرح شد.

نایب رئیس — آقای رشیدیان اگر مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

رشیدیان — مطلب همین بود که آقای ربانی فرمودند و فقط یک مطلب اضافه کنم که الان دشمن از سپاه پاسداران میترسد. علت اینکه الان ساواکیها، کمونیستها و دشمنان ملت ایران بیشتر به سپاه‌پاسداران حمله میکنند، هم از لحاظ طعنه‌زدن و پرستیژ اجتماعی وهم ازلحاظ کشت و کشتار، علتش همین است که پاسداران پایه عقیدتی و مکتبی دارند و به یاری حق کم کم همه ارتشیها هم‌چنین خواهند شد. البته ارتشیها زمینه مقدماتی دارند یعنی بالقوه ارتش ما متدین است و رژیم گذشته با حدود چهل و پنج هزارنفرمستشارخارجی آنها را ازاسلام و از مادر عزیزشان جدا کرده بود بنابراین بتدریج که ارتشیها هم پایه مکتبی پیدا خواهند کرد به یاری حق با سپاه پاسداران کاملا پیوند خواهند خورد و هیچ دوگانگی وجود نخواهد داشت همانطورکه الان هم‌چنین دوگانگی وجود ندارد و هر دو گروه به فرمان امام خمینی علیه دشمنان می‌جنگند.

نایب رئیس — متشکرم، آقای کیاوش شما هم مطلبی دارید؟

کیاوش — انقلاب در حقیقت با سپاه پاسداران یکی است یا به عبارت دیگر ثمره‌انقلاب، پاسداران انقلاب است. اگرنقش جوانان ازجان‌گذشته را بعد ازانقلاب درنظر بگیریم درکشوری که آشفته بود، ارتش متلاشی شده بود، هیچکس از ناموس و مال و عرضش تأمین نداشت، این جوانها با ازجان‌گذشتگی خاصی زندگی خودشان را وقف انقلاب کردند، هیچکس نمی‌تواند منکر این‌باشد سپاه پاسداران همچنانکه ثمره انقلاب بوده باید همچنان پایدار بماند.

نایب رئیس — آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — من با فرمایشات آقای ربانی شیرازی و کیاوش صددرصد موافقم سپاه پاسداران یک نهاد انقلابی است که دائمی خواهد بود منتها مسأله‌ای که آقای مکارم طرح کردند این بود که آیاماًلا آن‌دو سازمان مسلح درمملکت خواهند بود یا یک سازمان واحد؟ ما در آینده احتیاج به یک تشکیلات مسلح داریم یا دو تشکیلات ؟ و اینها در این اصل روشن نیست و به نظر میرسد ما برای همیشه یک ارتش داریم و یک سپاه پاسداران، و من هم مثل آقای ربانی عقیده‌ام این است که این سپاه پاسداران در آینده ارتش را جذب خواهد

کرد چون در واقع یک ارتش خلقی است ولی یک سازمان واحدی است دیگر لازم نیست سازمان مسلح دیگری هم وجود داشته باشد. اشکال اصلی من این است که چون سپاه پاسداران ربطش با ارتش و نیروهای مسلح روشن نیست و در قانون اساسی هم نیامده است بنابراین در اینجا به آن نمی‌شود رأی گرفت. (نایب رئیس — بعداً خواهد آمد.) چیزی که مبهم است به آن نمی‌شود رأی داد.

اشراقی — عرض کنم آن طوری که آقای مکارم فرمودند با اینکه احتیاج زیادی به‌پاسداران داریم نمی‌شود در قانون گذاشت که آنها همیشه باشند. در ترکیه آل‌عثمان یک وقتی یک قشونی درست کرد به‌نام «ینکی‌چری» بعد مدتها طول کشید تا ازدست آنها خلاص شدند بعد از وقایع زیادی توانستند از دست آنها خلاص بشوند، این موضوع را هم در نظر بگیرید.

اکرمی — ضمن تأیید فرمایشات برادرانی که در تجلیل از سپاه پاسداران مطالبی‌فرمودند خواستم عرض کنم ارتش فکر نکند ما به تربیت پذیری آنها اطمینان نداریم و یا بطورکلی آنها را قبول نداریم امیدواریم قریحاً تربیت‌پذیر شوند و در دامن اسلام آنچه راکه میخواهیم انجام بشود.

طاهری گرگانی — راجع به سپاه پاسداران در گروه پنج بحث شده اگر اجازه بدهید من توضیح میدهم. (نایب رئیس — توضیح بفرمائید.) راجع به‌سپاه پاسداران همانطوری که‌آقایان اشاره کردند یک وضع بخصوصی دارد ، در عین اینکه نهایت احترام به ارتش میشود ، ارتش یک‌وظیفه‌دارد، فرقی که‌ارتش با سپاه‌پاسداران دارداین‌است که درارتش قید نمی‌شود التزام به مبانی اسلامی و تربیت یافتن در مکتب اسلام. در ارتش هرکسی از هر گروهی واردمیشود تا تعلیمات نظامی ببیند و در آینده به درد این مرز و بوم میخورد و چه بسا خودش وسیله‌ای بشود که ما آن سپاه‌پاسداران را توسط آنها تقویت بکنیم. درپاسدارها مقیدیم که‌مؤمن به‌انقلاب و متدین باشند و در حقیقت پاسدار انقلاب این است که در گروه پنجم پاسدار به عنوان یک نیروی مستقل تنظیم شد و هیچ منافات ندارد فقط مسأله کثرت نیروی نظامی مطرح است.البته درآینده این هم تعدیل خواهد شد و وقتی سپاه پاسداران را نیروی مستقلی بشناسیم باید تنظیم کنیم که چقدر سپاه پاسداران لازم دارد چقدر ارتش. لذا اگر آقایان به نیروی پاسداری رأی بدهند استقلالش همین‌جا حفظ میشود.

منتظری — در تأیید فرمایش آقای ربانی به بیانی دیگر جمله‌ای عرض میکنم آنکه‌وظیفه اصلی ارتش است حفظ کشور در مقابل اجانب و بیگانگان میباشد. ارتش باید با فانتوم‌و تانک و توپ و مسلسل و این قبیل سلاحها مجهز باشد برای حفظ کشور از هجوم خارجی ولی پاسداران انقلاب حافظ ایدئولوژی اسلام‌هستند در داخل. چرا انقلاب میگوئیم ؟ چون انقلاب ما انقلاب اسلامی است پس این دو نیرو دو وظیفه جدا از هم دارند که با هم هیچ تماس و اصطکاکی ندارد.

نایب رئیس — گاهی اوقات بحثهائی که شروع میشود واقعاً قابل صرفنظر کردن است ملاحظه میفرمائید از آن وقت که آقای مکارم شروع کردند تا حالا داریم آن مقدار وقتی را صرف میکنیم که‌چندان هم‌بکار نیامده است چون اینجا وقتی میگوئیم عزل و نصب فرمانده کل سپاه پاسداران با رهبر است معنی آن این است که در قانون اساسی فصلی مربوط به سپاه‌پاسداران

خواهیم داشت آنجا است که ما باید مشخص کنیم این دائم است، دائم نیست، خوب اگر هم دائم نباشد این میشود «سالب به انتفاء موضوع» دیگربرای سالب به انتفاء موضوع که نمی نویسند مادام که موضوع باقی است، آن میشود مبین این. این طبیعت یک مجموعه است که نمی تواند همه توضیحات در یک اصل داده شود. مجموعه است که باید واضح و آشکار و روشن باشد اگر به این موضوع مؤمن هستیم دیگراین وضع را تکرارنکنید. خوب اینجا گفته میشود «۲ — نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.» ما میدانیم این الان موضوعی است ومدتی هم خواهد ماند اگر قرار است وقتش محدود باشد در فصل خودش باید بیاید. خوب موافقین با این بند که از وظایف و اختیارات فرماندهی کل نیروهای مسلح یا به تعبیر دیگر «نصب وعزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از وظایف رهبر و شورای رهبری باشد دست بلند کنند. (اکثر دست بلند کردند.) تقریباً همه موافق هستند بند ۳ را میخوانم:

«۳ — تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب از:

— رئیس جمهور

— نخست‌وزیر

— وزیر دفاع

— رئیس کل ستاد مشترک

— فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

— دومشاور به تعیین رهبر.»

نایب رئیس — این شورایعالی دفاع ملی است و شورایعالی دفاع ملی در این رابطه دو نقش دارد که دربند ٤و٥ خواهد آمد. یک تذکرهم بدهم چون یکی از دوستانمان یادداشتی فرستاده بودند، برای هربند اگرنظری دارید جداگانه اسم مرقوم بفرمائید.

هاشمی‌نژاد— این «دو مشاور به تعیین رهبر» ضرورتی ندارد روشن بشود که نظامی باشند، نظامی نباشند چه‌جوری باشند؟ مثلا دو نفر فقیه بفرستد؟

نایب رئیس— صبح که در جلسه گروهها صحبت شدگفتند هر جور مصلحت ایجاب بکند.

موسوی تبریزی — یکی از اعضای شورایعالی دفاع ملی رئیس جمهور است روی چه ملاك؟

نایب رئیس— این به این اعتبار است که شورایعالی دفاع ملی با همه واحدها کارش ارتباط پیدا میکند با واحد سیاسی، با واحد مالی حتی واحدهای اداری وزارت کشور و نظایر اینها منتها برای اینکه همه نخواهند در آن دخالت بکنند سه مقام را در آن دخالت داده‌اند رئیس جمهور به عنوان کسی که در رأس قوهٔ مجریه پس از امام قرار دارد و نخست‌وزیر که در صدر وزراء قرار دارد و وزیردفاع ملی که مسئول مستقیم است. (موسوی تبریزی— نخست‌وزیر روی چه ملاك؟) در آینده روشن میشود که رابطه رئیس جمهور و نخست‌وزیر با قوهٔ مجریه متفاوت است.

موسوی تبریزی — با آن بیان که آقای دکتر آیت فرمودند درشورا پنج نفرهستند(دکتر آیت— هفت نفر) رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیر دفاع و رئیس کل ستاد مشترك و فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دو مشاور به تعیین رهبر، ایشان گفتند چون رئیس جمهور نمایندهٔ مردم هست و مردم او را انتخاب کرده‌اند خواسته‌ایم درشورایعالی دفاع ملی از مردم

هم یکی باشد سؤال من این است آیا مگر فقیه نمایندهٔ مردم نیست؟ اگر این است ملاك...

نایب رئیس— خوب هر دو باشند، اگر مردم دونفر نماینده دارند، داشته باشند.

منتظری— اولا تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه در بند ٤ قرارگرفته است و آن اعلان جنگ و صلح و بسیج عمومی که الان در بند ٥ هست، خوبست بیاوریم در اول بندها و این بند ۳ که طول و تفصیل دارد در آخربندها قرار بگیرد که درهم دیگرقاطی نشود، ثانیاً یکی از وظایف رهبر تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه است به پیشنهاد شورایعالی دفاع و یکی هم اعلان جنگ و صلح و بسیج عمومی... این هفت نفر شورایعالی دفاع ملی در این میان چکاره‌اند؟ برای اینکه اعلان جنگ و صلح و بسیج عمومی را که رهبر میکند، ستاد عالی مشترك هم که داریم، فرمانده عالی نیروهای سه‌گانه هم که داریم ، هفت نفر این وسط بنام شورایعالی دفاع ملی مثلا چکار میکنند؟ وظایفشان را میخواهیم بفهمیم مثلا اگر یک کشوری به ما حمله کرد این هفت نفر بنشینند فکر کنند که ما باید از این مملکت دفاع بکنیم یا نکنیم؟ من این را نفهمیدم.

نایب رئیس— توضیحش این است که مسائل مملکتی مسائل یک خانه یا یک مغازه یا یک کارگاه کوچک نیست، مسائل یک مملکت است و هیچوقت اصلا یک نفر اینقدرحضور ذهن نسبت به همه جوانب ندارد که تصمیمی که میگیرد تصمیم بجائی باشد بنابراین رهبر هم که بخواهد تصمیم بگیرد باید جوانب خیلی نزدیکش را، آنهائی که در رأس هر یک از این نقطه‌ها قراردارند، آخرین اطلاع، آخرین نظر، آخرین پیشنهاد را در اختیار او بگذارند تا آن تصمیم که گرفته میشود تصمیم پخته‌ای باشد. ما فکرمیکنیم که قاطعیت و فوریت و منوط‌بودن به آراء دیگران... دیگر از هول آن طرف افتاده‌ایم، یک وقت می‌گفتیم که یک نفر تصمیم نگیرد مبادا عیب پیدا کند آنقدر وابستگی به این ارکان و آن سازمان و آن تشکیلات پیدا میکرد که اصلا وقتش میگذشت حالا که داریم بازمیگردیم دوباره خطرات ناشی از تصمیم‌گیری فردی را داریم نادیده میگیریم، اولا شورایعالی دفاع ملی دائماً درکشورتشکیل میشود وهمیشه آخرین امکانات و اطلاعات، نظرات استراتژیهای جنگی و دفاعی و موجبات در اختیار این‌ها قرار دارد امکانات، مقدورات، اخبار سری...

منتظری— پس بالاخره این‌ها تصمیم‌گیرنده نیستند، شورای نظامی هستند و مشاور نظامی رهبر هستند.

نایب رئیس— ولی پیشنهاد را اینها میکنند، رهبر یا تصویب میکند که مسأله تمام است یا تصویب نمی‌کند.

منتظری — فرض کنید که الان یک کشوری به ما حمله کرده است شورایعالی دفاع ملی هم هیچ پیشنهادی نکرد، آیا رهبر نبایستی فرمان بسیج عمومی بدهد؟

نایب‌رئیس— آقا ما این‌رادرهمه‌مسائل داریم، مکررهم بحث شده‌است. گاهی اینطور فکر میکنیم که دراین کشورهمه مقصرهستند مگر رهبر و شورای رهبری که از قصور منزه است یک وقت هم فکرمیکنیم که اصلا رهبری یک مجموعه است که اودررأسش‌قرارگرفته است...

منتظری— پس آنها را مشاور رهبر بگوئید اما اگر بگوئیم تصمیم‌گیرنده اینها هستند ممکنست با آن کشور خارجی بندو بست بکنند و دستور رهبر فایده نداشته باشد.

تهرانی— اگر بند ٤ و ٥ را ایشان بخوانند ایرادشان برطرف میشود.

مکارم شیرازی— ما در باب شوراها گفتیم نماینده همه‌گروهها باشند حالا این شورا چهار نفرش از طرف رهبر انتخاب میشوند و سه نفرش از طرف مردم، درحالی‌که رهبر هم از طرف مردم انتخاب شده است حال اگر از ما سؤال کنند چطور این تعادل رعایت نشده است اگر اینجا یک نفر نماینده بود به‌جای دونفر و سه نفر پیش‌بینی شده بود، شما چهار نفر اینطرف گرفته‌اید سه نفر آن طرف، این جوابش چیست؟

فارسی— اولا این حرف که چند نفر نماینده مردم چند نفرنماینده رهبر غلط است، ثانیاً اینجا سعی شده نمایندگان قوهٔ مجریه تنها شرطشان داشتن عدالت وتقوا نباشد و یکی از شرایط آنها داشتن تخصص و دانش و بینش سیاسی است از این جهت این چهار نفر را که رهبرانتخاب میکند ازبین افراد متخصص انتخاب میکند کسانی که درجه تقوایشان بالاتر از وزراء ورئیس‌جمهور هست.

منتظری— رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هردو از قوهٔ مجریه هستند بهتر نیست به‌جای نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی را بگذارید؟

فاتحی— در اینجا فرماندهی کل قوا به عهده شورایعالی دفاع ملی است و رئیس کل ستاد را رهبر معین میکند فرمانده کل سپاه پاسداران را هم او معین کرده اما در حقیقت قدرت را نیم‌بند کرده‌ایم و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیر دفاع معلوم نیست به نصب چه کسی هستند، اگر نصب رهبر باشند ما بحثی نداریم ونظر ما این است که خداوند متعال قدرتی را که به فقیه داده میتواند این چند نفر را تعیین کند و در مواقع ضروری شورا تشکیل بدهند وتصمیم قاطع بگیرند البته به شرط اینکه نصب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیر دفاع مانند رئیس کل ستاد مشترک و فرمانده کل سپاه پاسداران با رهبر باشد و اگر اینجا بخواهیم آن را تجزیه کنیم به نظر صحیح نمی‌آید.

نایب رئیس— چطور است اصلا نمایندگان مجلس شورای ملی را هم رهبر انتخاب بکند؟

خامنه‌ای— شورایعالی دفاع یک شورای تخصصی نظامی است دردرجه اول مربوط میشود به رئیس کل ستاد مشترک که عملیات رزمی با او است و از این نظر به وزیر دفاع نیاز است که با کابینه ارتباط پیدا میکند و دولت و نخست‌وزیر هم از باب اینکه رأس اینها است‌برای رئیس جمهور جائی نیست و عنوان اینکه رأس قوه مجریه است کافی نیست برای اینکه برای رئیس جمهور یک مقدار وظایفی خواهندگذاشت که بیشتر جنبه سمبولیک وحدت ملی و روابط بین‌المللی خواهد داشت و نقش اجرائی زیادی ندارد. رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر یک کار را میتوانند انجام بدهند غیر از وزیردفاع یا رئیس کل ستاد مشترک، بنابراین زائد است. دوم اینکه ما اینها را که دخالت میدهیم همانطورکه وزیر دفاع را به لحاظ وضع دولتی و اجرائی دخالت میدهند، ازقوهٔ مقننه که نماینده مستقیم مردم هستند ما هیچکس را دخالت نداده‌ایم رئیس مجلس یا نماینده‌ای از مجلس باید در این شورا شرکت داشته باشد و همچنین است اگر ما فرمانده کل سپاه پاسداران را که یک سپاه درون‌مرزی و واحد درونی است و نقش جنگی خارجی معمولا ندارد دخالت داده‌ایم آن مسئول امنیت را که معمولا وزیر امنیت خواهد بود دراینجا باید برای این جنبه‌ها درنظر بگیریم. دو مشاور در بندهای آخر این اصل معنی‌دو عضو را نمی‌دهد، اینجا حتماً باید تصریح بشود دو عضو، چون معمولا مشاور حق رأی ندارد.

نایب رئیس— وقتی در ابتدای بندها نوشته شده «مرکب از» یعنی دو مشاور هم در ردیف بقیه حق رأی هم دارند.

خامنه‌ای— مرکب هستند ولی حق رأی ندارند چون مشاور معنی عضو را نمی‌دهد و بطور کلی در این مجموعه کلمه تشکیل اینجا معنای منظور شما را نمی‌رساند برای اینکه ما میخواهیم به موجب اینکه بعد فرمودید به پیشنهاد شورایعالی دفاع ، اظهار نظر با ولی است یا نه من احساس کردم که میخواهید بگوئید «ولی» با اینها مشورت تخصصی میکند وتصویب میکند و شما خودتان کلمه تصویب را چند لحظه پیش بکار بردید ، تشکیل به معنای تأسیس است و بیش ازآن هم مسئولیت ندارد و آنها را مستقل نشان میدهد، اینجا بایدامضای مصوبات شورایعالی دفاع یا چیزی نظیر این باشد تا بفهماند شورایعالی دفاع وظیفه تخصصی خودش را در شرایط خاص انجام میدهد نظراتش را به مقام بالاتر میدهد تا آنها تصویب کنند.

کیاوش — اگر منظور از این شوراکه درنظر است فقط مشورت است، تصمیم نهائی با خود رهبر است. به این طریق پیشنهاد میکنم همانطورکه آقای منتظری هم‌فرمودندنخست‌وزیر که عضوی ازرئیس‌جمهوری هست برداشته بشود وبجایش نیروهای سه‌گانه مسلح گذاشته بشود.

جوادی — یک مقدار از این بیانات راکه آقایان فرمودند، باید رئیس مجلس هم که نمایندهٔ مردم است باشد نصب و عزل رئیس جمهور با رهبر باشد و شورایعالی مرکب از پنج نفرکافی است لازم نیست هفت نفر باشد.

حجتی کرمانی — معلوم نیست که ما رئیس‌جمهور داریم یا شورای جمهوری و تازه رئیس‌جمهور ما چه اختیاراتی دارد و ما به‌چه چیزی میخواهیم رأی بدهیم مثل اینکه‌برادران توجه نمی‌فرمایند، خوب اگر شورای جمهوری شد، بعداً اینجا مینویسیم شورای جمهوری، یا هر چه شد همان را میگذاریم قرارشد ارتباط بندها و تغییرات جزئی که مطالب یکی است ولی کلمه‌ای تغییر پیدا میکند بعداً اصلاح بشود.

قرشی — عرض بنده این است که ما اینطوراحساس میکنیم که درآینده در این مملکت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بدتر ازشمربن ذی‌الجوشن است و ازحالا به او اعلان جنگ‌میدهیم و اگر درآینده حرفی زدند مغزشان را داغون بکنیم. رهبر با رئیس کل ستاد مشترك بنشینند اعلان جنگ بدهند نخست‌وزیر هم در منزلش در خواب باشد، باید یک مسأله‌ای باشد که بتوانیم درمیان مردم توجیه بکنیم، این‌چه اشکالی‌دارد تصمیم در دست رهبر یا شورای رهبری باشد یک مقدار هم با رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیرمشورت بکنند؟ شما میگوئید آنها حق ندارند حتی مورد مشورت رهبر هم قرار بگیرند؟ من فکر میکنم اگر اینطور نباشد اصلا پیاده نخواهد شد و در عالم فکرو خیال درست است ولی مسأله ثبات مملکت و پیاده شدن آن مطرح است.

کرمی — بنده نمی‌دانم متعجبانه یا متأسفانه با همین برادران قبل‌ازظهرامروزازساعت هشت تا دوازده وده دقیقه آقای آیت و شما و آقای بنی‌صدر و آقای فارسی و آقای ربانی‌شیرازی وکسان دیگر به‌انتخاب آقایان رفتیم و این دو اصل را تدوین کردیم وبه‌وسیله بلند کردن‌دست آن را تصویب کردیم الان که آمده‌ایم اینجا مثل اینکه مردمان تازه‌ای آمده‌اند و آن آقایان اینجا نیستند یا بجای آن نوشته مورد تأیید همه، نوشته دیگری مطرح شده است. ما آقا، یا فکر و احترام و شخصیت نداریم یا فروخته به شما هستیم خوب این را بگوئید بدانیم. ما با

رجال سیاست و غیر سیاست آمیخته‌ایم الان این یک نوع بازیچه است، من نمی‌فهمم یاجلسات صبح گروهها حذف شود و آن هم به صورت جلسه علنی باشد یا در جلسات علنی مکرراً بحثهای آن جلسات مطرح نگردد، معنا ندارد تصمیمی که در جلسات مشترک گرفته میشود نادیده‌گرفته شود .

نایب‌رئیس— بنده هم نظرم همین است ومعتقدم وقتی ما صبح جلسه‌ای با گروه‌هاداریم اینجا برای بازگو کردن نتیجه آن‌جلسه میکنیم نه‌برای تکرار آن مباحث، حداکثر دونفر یکی‌به عنوان مخالف و یکی به‌عنوان موافق میتوانند اینجا صحبت‌بکنند وآقایان اگر غیر از این رویه میخواهید عمل بکنید همانطور که‌آقای دستغیب وصدوقی و کرمی وسایر دوستان میفرمایند از وقتمان نتیجه مطلوب گرفته نمی‌شود و از آقای منتظری هم خواهش میکنم اگر حالشان مساعد است صبح ها در جلسات گروه‌ها شرکت بفرمایند وگرنه یکی از دوستان بعداً مطلب را برای ایشان روشن کنند . (کرمی — از چهارشنبه گذشته تا الان اصلا کاری انجام نشده است.) موافقین با ترکیب شورایعالی دفاع ملی از این هفت نفر به شرحی که اینجا هست دست بلند کنند. (چهل و هشت نفر بابلند کردن دست این بند را تأیید کردند.) بند ٤ خوانده میشود .

«٤— تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورایعالی دفاع.»

نایب‌رئیس — معنی بند ٤ و بند ٥ این است که این مسائل از یک طرف به رهبر بستگی دارد و از طرف دیگر به‌رأی این شورایعالی ، هرکس میخواهد رأی بدهد به این مفهوم رأی بدهد.(اکثر دست بلند کردند) این بند هم تأیید شد بند ٥ را میخوانم:

«٥— اعلان جنگ وصلح وبسیج عمومی به پیشنهاد شورایعالی دفاع.»

منتظری — من مخالفم ، عرض کردم اعلان جنگ وصلح وبسیج عمومی به‌پیشنهاد شورایعالی دفاع ، حالا اگر یک‌وقت شورایعالی دفاع لزوم دفاع را متوجه نشد ، یا آنها را خریدند رهبر باید آنجا بخوابد وکشور هم از بین برود ؟ یا نه‌اگر این جوربگوئیم:

«اعلان جنگ وصلح وبسیج عمومی با مشورت شورایعالی دفاع» نه به‌پیشنهاد آنها.

بنی‌صدر — علی‌الدوام تکرار مکررات است مگر تمام کسانیکه مردم انتخاب کرده‌اند به خواب خرگوشی رفته‌اند؟ ازافراد این شورا چهارنفر راکه رهبر تعیین می کند فرض می کنیم آن سه‌نفر دیگر به خواب رفته باشند، خوب اگر همه افراد خریداری بشوند رهبر ازکجا مطلع می‌شود؟ احیاناً باید کف‌بینی بکند. پس این‌مسائل واضح است وطی قرون درهمه ملل انجام گرفته است وطریق طبیعی است که رهبر به‌چه طریق ازامور مطلع می‌شود و فقط مربوط به‌اسلام هم نیست اما این که به‌چه وسیله باید دفاع بکنند وچه دارند وچه ندارند باز می‌شود قضیه دوره قاجاریه که یک فرمان می‌دهید که بعد تمام کاسه‌وکوزه‌ها راگردن شما بشکنند، اینکه به نفع مقام رهبری است که معلوم بشود چه کسی به‌او پیشنهاد داده ومسئول کیست .

نایب‌رئیس— ایشان می‌گویند با مشورت آنها، شما دوست‌دارید به این سؤال آقای منتظری جواب بدهید ؟

بنی‌صدر— چرا آن‌طرف قضیه را فقط نگاه کنیم، اگر آنها گفتند باید دفاع کرد، رهبر بگوید نه ...

منتظری— شما می‌گوئید فرمان دفاع‌مال رهبر است، مال آنها نیست من می‌گویم فرمان

دفاع، بسیج همه مال رهبر است ولی پس ازمشورت با شورایعالی.

بنی‌صدر— عرض بنده این است که پس از مشورت مسئولیت را ازگردن اینها برمی‌دارد می‌اندازد به‌گردن رهبری و حال‌اینکه اینها مسئول این امورند اصلا ازطرف رهبر تعیین شده‌اند برای همین مسئولیت، شما می‌خواهید این مسئولیت را ازگردنشان بردارید.

نایب‌رئیس— متشکرم، توضیح لازم داده شد. بنده را می‌خوانم برای اینکه دوستان با دست رأی بدهند:

«ه— اعلان جنگ وصلح وبسیج عمومی به پیشنهاد شورایعالی دفاع.»

موافقین دست بلند کنند. (اکثر دست بلند کردند).

یزدی— مسأله اعلان جنگ و مسأله تعیین فرماندهی طریقش روشن شد مسأله نقص اصل ۸۷ دومسأله بیشتر نیست...

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید اصل۸۷ را یک توضیحی میدهم، یک مسأله‌ای را هم قبلا آقای دکترآیت‌گفته‌اند وآن اینکه‌وقتی میگوئیم وظایف‌واختیارات فرمانده کل نیروهای‌مسلح همین‌ها است ویک‌وقت است که میخواهیم آن عبارت را طوری بنویسیم که‌راه برای وظایف دیگر باز باشد، اگر بخواهیم باز باشد یعنی راهی را ویک‌اصلی را بایک قسمتی بازگذاشته‌ایم. اینجا دوسطر وجود دارد یکی نظر آقای دکتر آیت است که‌بیان فرمودند اگر مخالف این نظر وجود دارد یک نفر به‌عنوان مخالف بیاید صحبت کند. (دکتر آیت — اجازه بفرمائید توضیح بدهم چون توضیح نداده‌ام.)آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — در این مورد فرماندهی کل نیروهای مسلح اول نظر عده‌ای که خیلی هم بودند این بود که بطور اطلاق بیاید یعنی «دیگر به‌ترتیبی» دنبالش نباشد به‌اینصورت آمد وآن‌اصل بعد حدود این را مشخص می‌کند، اما فرماندهی کل‌قوا منحصر به این چیزها نیست میگوئیم چه‌چیزهاست، مثلا بسیج جزئی است اینجا میگوئیم بسیج عمومی، یک‌وقتی بسیج یک‌لشکر مطرح است وبسیج یک‌ارتش مطرح است اتفاقاً بسیاری از حوادثی که‌اتفاق می‌افتد حال همین بسیج جزئی است یعنی فلان سرلشکر، فلان قسمت را به‌حرکت‌درمی‌آورد مااگر این را بطور مطلق بگذاریم وبگوئیم که از وظایفش این‌است‌یعنی بقیه فرمانده کل قوا که در اینجا ماقید نکرده‌ایم خواه ناخواه به‌عهده رهبر است وتمام امور باید به‌امضاءاوبرسد که‌فردا نیایند بگویند که این قسمت را که‌قید کرده‌اند مال رهبر است باید امضاء کند،چون فرمانده کل قوا یعنی تمام اموری که‌مربوط به‌فرمانده کل قوا است باید امضاء اوباشد، یا باید دنبالش یک‌بندی‌اضافه کنیم که کلیه امور مربوط به‌فرماندهی کل، وفرماندهی نیروهای مسلح حتماً باید به‌امضاء امام برسد یا باید در آن بالا بنویسیم ازوظایف.

نایب‌رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

بنی‌صدر— اگر وظیفه‌ای هست همین جابشمارید، بفهمیم.

موسوی اردبیلی — بااضافه کردن یک کلمه دورچند ساعت بحث را قلم‌نگیریم بعدبگوئیم این یک‌جمله‌اش، بقیه‌اش هم باشدبعد می‌آید، اگرواقعاً ابهامی دارد وچیزهای دیگر را هم آقایان لازم میدانند ومی‌ارزد که‌یک ساعت ودوساعت وسه‌ساعت‌بنشینیم ورویش‌بحث‌بکنیم و یک چیز روشنی را اگر رأی دادند اضافه بکنیم و اگر ندادند نکنیم، نه اینکه با اضافه کردن کلمه‌ای اصل را ازکار بیندازیم، بگوئیم بقیه‌اش را هم‌بعد می‌گوئیم،این که‌درست نیست.

آقای دکترآیت یک‌مثال زدند به‌نام بسیج جزئی، بازهم‌اگرموارد دیگری دارند یکی‌دوتا الان ممکن است ایشان وما مستحضر نباشیم ، اینها را حساب بکنید وبه‌آقایان‌بگوئید.

سبحانی — آقا در اصل . ۹ داریم اعلان عفو عمومی .

نایب‌رئیس — اگر اینطور باشد که اعلان جنگ وصلح وبسیج عمومی وجزئی یااصلا بگذاریم بسیج نیروها « اعلان جنگ وصلح وبسیج نیروها به‌پیشنهاد شورایعالی دفاع» این مسأله‌را حل‌می کند کلمه عمومی را برمیداریم ومیکنیم نیروها .

موسوی اردبیلی — اول به‌این تغییر یعنی بسیج‌نیروها رأی بگیرید .

نایب‌رئیس — بسیار خوب، موافقین با این‌عبارت «اعلان جنگ‌وصلح وبسیج نیروهابه پیشنهاد شورایعالی دفاع » دستشان را بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تصویب‌نشد. عرض‌می‌شود که مایک راه داریم و آن این است ، این اصل را آقای مدنی پیشنهاد کردند که ما داخل اصل ۸۷ بکنیم به‌این ترتیب که بنویسیم «۳ — فرماندهی کل‌نیروهای مسلح به ترتیب زیر» و آن وظایف واختیارات هم برداشته‌می‌شود و به‌ترتیب این چند بند می‌آید زیرآن، موافقین بااین تغییر هم دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند.) تصویب شد ، بسیار خوب اصلا آن جمله وظایف و اختیارات فرماندهی از بین میرود و آن ترتیبی هم که در اصول بعد می‌آید از بین میرود ومی‌شود به‌ترتیب زیر، خوب حالا اصل ۸۷ تا اینجا قسمتی ازوظایف و اختیارات رهبری را مشخص کرد در سه‌وظیفه خلاصه‌می‌شود: تعیین فقهای شورای نگهبان، نصب عالیترین مقام قضائی کشور ، فرماندهی کل‌نیروهای مسلح به‌ترتیب زیر، حالا اگر کمبود دارد لطف‌بفرمائید وبنویسید وکتباً بدهید تا ببینیم‌چه هست، پس از قرائت پیشنهادها یک موافق ویک‌مخالف صحبت می کنند.

خزعلی — اعلان جنگ وصلح ، جنگ بااعلان محقق می‌شود ولی صلح فرق می کند مابابد عقد صلح را از وظایف رهبر بدانیم نه‌صرف اعلان صلح.

نایب‌رئیس — تصویب از وظایف مجلس شورای ملی است ودر آینده همه‌اینهاخواهد آمد، آنچه‌مهم است اعلانش است .

دکترآیت — کلا پیشنهادهائی که‌شده است ، یکی راجع به‌تعیین کاندیداهای‌ریاست جمهوری است وتأیید صلاحیت آنها قبل از اینکه از طرف مردم انتخاب بشوند. دیگر سازمان امر به‌معروف ونهی از منکر وامور تبلیغی تحت نظر رهبر، بازرسی نسبت به‌امور کشور، دیگر حسن جریان امور کشور ، مراجعه به‌آراء عمومی ، عفو عمومی ، کلا پیشنهادهائی که‌رسیده است بجز چندتا جداگانه که‌راجع به‌اصل تصویب شده که دیگر گذشته است ، بقیه‌را داریم بررسی می کنیم .(هاشمی‌نژاد — پیشنهاد من چیز دیگری است .)چیزی نیست قرائت‌می کنم: «حق معرفی کاندیداهای ریاست جمهوری و امضاء ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم» همین است و چیز دیگری نیست .

نایب‌رئیس — حالا تا اینجا آنچه به‌دست ما رسیده یکی یکی مطرح می کنم. سه‌چیز فعلا اینجا آمده باتوجه‌به‌یادداشتی که یک مقدار روشن نوشته‌اند: ۱ — اظهارنظردرباره‌صلاحت نامزدهای ریاست جمهوری. ۲ — عزل رئیس جمهور در مواردی که شورایعالی قضائی به تخلف وی از وظایف قانونی یا مجلس‌شورای‌ملی به‌سلب صلاحیت‌سیاسی وی رأی‌دهد. ۳ — تشکیل سازمان امربه‌معروف‌ونهی از منکر. ٤ — دستور برگزاری رفراندوم درهرمورد. ٥ — عفو

عمومی. ۶ — حق نظارت وبازرسی در امور جاری کشور.

ربانی شیرازی — عزل ونصب به‌شرحی که در قوه مجریه می‌آید.

یزدی — کاندیدا کردن غیر از اظهار نظر در صلاحیت‌است.

نایب‌رئیس — در مورد تعیین رئیس جمهوری چند پیشنهاد است، یکی به‌تعبیر معرفی نامزدهای مورد تأیید او برای ریاست‌جمهوری با حفظ‌این حق برای دیگران ، علاوه براین اظهار نظر درباره صلاحیت نامزدهائی که‌دیگران‌معرفی میکنند ویکی هم اصولا نصب رئیس جمهور به‌ترتیبی که در فصول بعد می‌آید.(یزدی — اظهار نظر حق‌طبیعی هر کسی‌است.)عرض میشود درباره آنچه که مربوط به‌روی کار آمدن رئیس جمهورهست این چندبیان آمده‌است:

یکی معرفی نامزدهای مورد تأیید وی برای ریاست جمهوری با حفظ این حق برای دیگران. دوم تأییدصلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری. سوم نصب رئیس جمهوری به‌شرحی که در فصل مربوط می‌آید. چهارم همان ۲است با شرح اضافی، تعیین یا تأییدنامزدهای‌ریاست جمهوری به‌منظور اسلامی بودن‌حکومت وضمانت اجرائی آن از نظر فقه اسلامی،خوب بنابراین یک موافق ویک مخالف میتوانند صحبت کنند واولی را دوباره قرائت‌میکنم: «معرفی نامزدهای مورد تأییدوی برای‌ریاست‌جمهوری با حفظ این‌حق‌برای‌دیگران.» فعلا این را به‌بحث‌میگذاریم آقای یزدی به‌عنوان موافق صحبت بفرمایند.

یزدی — مسأله این است که‌چون عنوان حکومت جمهوری اسلامی است، یعنی هم اسلامی بودن وهم مردمی که این اسلامی بودن را قبول دارند هر دو مطرح است در اینجا درست است که برای شرعی بودن مسأله باید آن رئیس‌جمهور با رأیی مربوط به‌این‌رهبربشود اگر بخواهیم بگوئیم که‌یک شخص را همینطور خودش معین بکند این امکان اینکه اشتباه پیش‌بیاید هست گذشته از اینکه مفهوم جمهوریت از بین رفته ، مفهوم جمهوریت یعنی همه مردم نظر بدهند ولی اگربگوئیم رهبر مثل همه‌مقامات دیگر حق داشته باشد که‌معرفی بکند کسی را به‌عنوان کاندیدا بعد مردمی که‌مکتبی‌فکر میکنند وبه‌اسلام معتقد هستند (یکی از نمایندگان —امکان دارد معرفی رهبر یکی ازطرق تشخیص صلاحیت‌باشد.) به اورأی میدهند، همینطور که‌اشاره شد در این اصل، دیگران‌هم کاندیدا معرفی میکنند بعدمردم رأی میدهند کسی که‌اکثریت آورده است رهبر میتواند امضاء وتنفیذ بکند ومن نظرم این است که تنفیذ تعبیربشود .

نایب‌رئیس — آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی— درقسمت پیشنهاد دادن این را من ضرور نمی‌دانم شرایطی برای رئیس‌جمهور باید اعتبارکرد و بعد از انتخاب مردم برای رعایت حق مردم و هم برای رعایت جمهوری اسلامی کسی که انتخاب میشود به خاطر اسلامی بودنش و پیاده‌شدن قید اسلامی باید به تصویب رهبر برسد. البته ممکن است این استفاده راکرد که رهبر نظر خودش نسبت به شخص مورد انتخاب را ابراز بکند و نگویند اعمال نظرکرد، بگوید من زید را انتخاب‌میکنم یا بین این دوسه نفرکه همه خوب و شایسته هستند من فلان کس را انتخاب میکنم، آن کسی که مورد تکیه است تصویب آخرین است، اما کاندیدا معین کردن بود و نبودش مؤثر نیست.

نایب‌رئیس — چه مطلبی را میخواهید بگوئید اگر مردم انتخاب کردند یعنی شرایط را ماگفتیم در فصل مربوط به ریاست جمهوری، که ریاست جمهور چه صفاتی باید داشته باشد و

بعد مردم انتخاب کردند. مثلا یک فردی یازده میلیون رأی آورد که این از نظر مردم واجد این شرایط است آیا معنی رأی مردم این است که ما با توجه به این شرایطی که در قانون اساسی آمده این را واجد شرایط و مورد قبول میدانیم، شما میفرمائید که بعد رهبر میتواند بگوید خیر شما اشتباه کرده‌اید و ایشان واجد شرایط نیست؟

خزعلی— برای اینکه این پیش‌آمد نکند که از اول آنها انتخاب بکنند و رهبر رد بکند، عرض کردم رهبر نظر خودش را نه اینکه اعمال بکند بلکه ابراز بکند در میان کاندیداها. بنابراین شرایط قید بشود، تصویب نهایی رهبر هم قید بشود و این قسمت کاندیداها جزو قید نیاید و ابراز نظر آزاد باشد.

نایب‌رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من با تأیید فرمایشاتی که آقای صافی داشتند و یک قسمت از فرمایشات آقای رشیدیان وآن اینکه خلاصه غرب‌زدگی منحصر نیست به اینکه انسان لباسش یا کلاهش ویا دکور منزلش مثل غرب باشد، یکی از غرب‌زدگی‌های ما این است که اعتماد به نفسمان را از دست داده‌ایم، برای اینکه نگاه کردیم به قاروقور آن اروپا و آمریکا ومثل اینکه آنها انسان هستند وهمه چیز را می‌فهمند وماهیچ چیز نمی‌فهمیم وهمه‌اش باید یک کاری بکنیم که آنها خوششان بیاید وآنها نگویند که چرا اینها اینطوری هستند. مامسلمان هستیم و اعتماد به نفس داریم وآنچه‌وظیفه اسلامی و دینی خودمان است تشخیص می‌دهیم وعمل می‌کنیم وباکمال اعتماد به نفس وآنها می‌خواهد خوششان بیاید، می‌خواهد خوششان نیاید. و این هم که می‌گویند در داخل کشور جوانها شما را مرتجع می‌دانند همه اینها دروغ است، وقتی من به دانشگاه می‌روم می‌بینم تمام جوانها دارند شعار می‌دهند برای ولایت فقیه منتها این شعارها متأسفانه در رادیو و تلویزیون گذاشته نمی‌شود وآنوقت چهارنفر جغله‌با یک نفر می‌روند وچیزی می‌گویند بعد می‌آیند می‌گویند که جوانها می‌گویند اینها مرتجع هستند، خیر اینطور نیست اکثریت قاطع ملت ایران حتی جوانهای تحصیلکرده و روشنفکر هم طرفدار ولایت فقیه و حکومت اسلامی هستند وخون دادند برای حکومت اسلامی و حکومت اگربخواهد حکومت اسلامی باشد باید متکی باشد به رهبری که ازطرف خدا معین شده ولو بواسطه ، اگر یک رئیس جمهور تمام ملت هم به او رأی بدهند ولی‌فقیه و مجتهد روی ریاست جمهوری او صحه نگذارد این برای بنده هیچ ضمانت اجرائی ندارد وازآن حکومت‌های جابرانه‌ای می‌شود که برطبق آن عمل نخواهند کرد وآن تضادی که همیشه بین حکومت ظلمیه وحکومت شرعی بوده برقرار خواهد بود و ما بحمدالله نشسته‌ایم اینجا شاید این تضاد را برطرف بکنیم، حالا برای اینکه هم جمهوری باشد وهم اسلامی‌ما آن روزی که مردم رأی می‌دادند نگفتندجمهوری فقط، نگفتند جمهوری دموکراتیک، گفتند جمهوری اسلامی یعنی در چهارچوب سلام، پس قوانین، قوانین اسلام است ومجری هم بایستی آن کسی که در رأس مجری است وفرمان میدهد کسی باشد که عالم به ایدئولوژی اسلامی برحسب آنچه که خدا معین کرده است، درکلام حضرت سیدالشهدا هست که «مجارالامورییده‌العلماءبالله‌الامناءعلی‌حلاله‌وحرامه» حالا ممکن است فقیهی بیاید در پنج‌نفر وشش نفر وهفت‌نفر دقت بکند و بگوید که مردم، ازاین چندنفرهر کدام را شما رأی بدهید من روی او صحه می‌گذارم . این چندنفر را معرفی می‌کند مثل کاری که حزب‌ها می‌کنند، حزب ها می‌آمدند دونفر را معرفی می‌کردند ولی رهبر ده نفر را معرفی

می‌کند و ده‌نفر شناخته شده را کاندیدا می‌کند ومی‌گوید یا ایهاالناس شما به‌هرکدام از این ده‌نفر رأی بدهید مورد تصویب من است، ملت‌هم با کمال آزادی رأی می‌دهند، آن کسی که رأی اکثریت آورد مورد تأیید فقیه‌هم هست، حکومتش هم حکومت شرعی ولازم‌الاجراء، اگر اینکار را نکنید حکومت، حکومت اسلامی نیست، جمهوری‌هست اما جمهوری اسلامی نیست و ۹۸/۲ مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی دادند وپنجاه‌هزار جوان ما هم برای جمهوری اسلامی شهید شدند. بیائید آنچه وظیفه اسلامیمان هست‌عمل‌بکنیم،اروپاچه می‌گویدوحاکمیت ملی چه می‌گویند و دوتا بچه نفهم چه می‌گویند اینها در واقع جزو ملت ایران نیستند، همین جوانهای دانشگاه اکثریت قاطعشان طرفدار حکومت اسلامی هستند وشعارهایشان راهم ما می‌بینیم وطرفدار ولایت فقیه هم هستند. خلاصه اعتماد به نفس داشته باشید و وحشت هم نداشته باشید و امیدوارم که وحشت هم ندارید. والسلام‌علیکم‌ورحمةالله‌وبرکاته.

نایب‌رئیس — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

موسوی جزایری — مردم می‌خواهند از نظارت برحسن جریان امور دفاع بکنند.

نایب‌رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم‌شیرازی— بنده دوجمله کوتاه‌عرض‌می‌کنم، کسی‌منکراصل ولایت‌فقیه نبوده وآنچه که آقای منتظری می‌فرمایند مردم شعار می‌دهند این مسلم است، کسی هم منکر جمهوری اسلامی نیست که شعار می‌دهند اینها در واقع مسلم است ولی بحث دراین است چه‌رقم آن را پیاده بکنیم که غبطه مردم واست درآن رعایت بشود. باید ببینیم چه رقم ولایت فقیه را به دست چه‌کسی، به‌وسیله چه‌کسی، چگونه وبه چه‌صورت پیاده بکنیم. این آقایانی که این پیشنهاد را دادند به‌این که فقیه باید کاندیداهائی معرفی‌کند وبعد از آن دست دیگران هم باز باشد شما می‌گوئید فقیهی است که مردم اورا پذیرا هستند اگر پذیرا هستندخوب کاندیداها را رأی می‌دهند وجلوی کاندیداهای دیگررا هم نگرفتیم که بگویند دیکتاتوری می‌کنید، ولی این که شما بفرمائید فرضاً تمام مردم به‌کسی رأی بدهند وفقیه قبول نداشته باشد اصلا ما همچون فرضی نداریم، فرض کردیم فقیه را مردم پذیرا شدند فقیه هم کاندیدا را معرفی کرد و این کاندیدای فقیه را مردم رأی می‌دهند، دیگر معنی ندارد فقیه یک‌طرف بایستد و مردم طرف دیگر. (ربانی‌شیرازی— معنی ولایت فقیه همین است که کاندیدا را معین کند؟)مانتیجه ولایت فقیه را داریم ازاین طریق پیاده می‌کنیم که بدون امضاء فقیه کاری نشود اما به‌این صورت که قابل قبول‌تر است باید پیاده بکنیم، یعنی کاندیداهای او مطرح، دیگران هم آزاد. اما این فقیه را فرضمان این است که مردم پذیرایش هستند خوب به‌هردو رأی می‌دهند هم ولایت فقیه هست وهم جنبه‌های دیگر.

منتظری— من‌حق دیگران را سلب نکردم، فقیه کاندیداها را معرفی کند وهرکس‌دیگری هم می‌خواهد برای خودش کاندیدا معرفی بکند.

ربانی شیرازی — آقای منتظری این‌حق، حق همگانی است وتنها حق ولایت فقیه‌نیست، کاندیدا کردن ولایت فقیه چه کسی‌گفته، همه مردم حق دارند کاندیدا معرفی کنند.

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید با این دوسه دقیقه‌ای که وقت داریم معلوم بشود مطلبی که آقای منتظری فرمودند و از آن دفاع کردند ببینیم آیا نظرشان همین است.

«معرفی نامزدهای مورد تأیید وی برای ریاست‌جمهوری به‌منظور اسلامی بودن حکومت

و ضمانت اجرائی آن از نظر فقه اسلامی بی‌آنکه معنایش ممنوع بودن دیگران ازمعرفی نامزدها باشد.» آیا نظر شما همین است ؟

منتظری— تعیین یا تأیید کاندیداهای ریاست جمهوری بدون اینکه...

هاشمی‌نژاد— این عبارت به درد قانون نمی‌خورد .

نایب‌رئیس— فردا این را بحث می‌کنیم وعبارتش راهم درست می‌کنیم .

حجتی کرمانی— من با تماس با بزرگانی ازهمین‌مجلس، که بچه‌جغله هم نیستندجاهل هم نیستند، غرب‌زده‌هم‌نیستند، واین طرز اجرای ولایت فقیه را با این‌شکل‌قبول ندارند وآنها عده‌ای ازعلماء و مراجع هستند که قبول ندارند، آن عرایض راکردم بنابراین اگر کسی شکل اجرای ولایت‌فقیه راگفت قبول ندارم، این‌دلیل‌بر اروپازدگی وجاهل بودن واینها نیست بلکه اصل ولایت فقیه مورد قبول است منتها بحث این است که جناب آقای منتظری شما باید ثابت بکنید که تنها راه منحصربه‌فرد اجرای ولایت فقیه نیست.

یزدی— این راه را بقیه هم ثابت کردند، بقیه هم اینجا تشریف دارند شما می‌فرمائید علماء هستند وآقایان هستند وچنین هست‌وچنان هست خوب، بقیه هم هستند وانحصارهم این را ثابت کرده است...

نایب‌رئیس— آقای یزدی قرار نبود بی‌نوبت صحبت بشود. آقای حجتی نظرتان را بیان کردید درست‌هم هست ونوبت هم دادم که نظرتان را بیان کنید .

منتظری— ما مخلص آقای حجتی هم هستیم (خنده نمایندگان) .

۲- پایان جلسه

نایب‌رئیس— ساعت‌شش است جلسه امروز را خاتمه می‌دهیم، ادامه‌بحثمان فردا صبح ساعت هشت در جلسه‌گروهها خواهد بود .

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس‌نهائی بررسی قانون اساسی— **دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل‌وچهارم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز بیست و دوم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر بابیست و دوم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی به مناسبت شهادت سرگرد یارجانی در مهاباد. . . . . .
۲ — ادامه بحث و تصویب اصل ۸۷ (اصل یکصد و دهم). . . . . .
۳ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتربهشتی به‌مناسبت شهادت سرگرد یارجانی در مهاباد

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در دوران انقلاب روزی نیست که به یاد شهید و یا به یاد شهیدانی نباشیم، شهادت برادر رشیدمان سرگرد یارجانی رئیس شهربانی مهاباد رقمی جدید بر ارقام شهادتهای پربار انقلاب اسلامی است. از خداوند متعال برای او وشهیدان دیگر بهترین پاداش و مقام را طلب میکنیم و این شهادت را به ملت ایران و خانواده عزیز او تبریک می‌گوئیم و باز برای گرامیداشت آن مرحوم سوره‌ای از قرآن را تلاوت میکنیم . (در این هنگام حضار به تلاوت سوره مبارکه حمد پرداختند.)

۲ — ادامه بحث و تصویب اصل ۸۷ (اصل یکصد و دهم)

نایب‌رئیس—ما با همکاری دوستان توانستیم امروز اصل ۸۷ را تکمیل کنیم البته با اصلاحاتی که دوستان پیشنهاد کردید اما در بند «ج» از قسمت سوم، این جا یک جمله «مرکب از هفت نفر اعضای زیر» هم اضافه می‌کنیم که معلوم بشود آن مشاور هم عضو هست بنابراین اینطور اصلاح میشود «تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب ازهفت‌نفراعضای‌زیر»، اصلا به‌قول‌آقایان اعضای زیر نمی‌خواهد «مرکب ازهفت نفرکه بعد شرحش درقسمت بعد می‌آید». (منتظری— مرکب از اعضاء باشد که در مواقع رأی...) نه دیگر وقتی گفتیم مرکب از اعضاء شامل همه میشود. برای تفصیلش باشد بعد به آن هم می‌رسیم یا به قول ما درباره حق و باطلش بحثی نیست. پس اینطور شد «تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضای زیر» در قسمت چهارم «امضای حکم ریاست جمهوری» به نظر رسید اگر آنجا بنویسیم «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم» صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری باید قبل از انتخاب مردم به تأیید شورای نگهبان برسد چون مخصوصاً در دورهٔ اول شورای نگهبان تشکیل نشده است پس بهتر این است که برای همیشه بنویسیم به تأیید رهبری یا شورای نگهبان و هیچ اشکالی هم ندارد که برای همیشه هم باشد «رهبری یا شورای نگهبان» (مکارم شیرازی —ولی معنایش خیلی فرق میکند.) نه آقا، فرقی نمی‌کند، یعنی یا او کافی است.

موسوی تبریزی — بنده عقیده‌ام این است که فقیه و غیر فقیه داریم پس باید این را روشن بکنیم چون حقوقدانان و غیر آنان هم داریم.

نایب رئیس — ما ناچاریم در دورهٔ اول اصلا این را بگذاریم چون ناچاریم این کار را بکنیم بنابراین می‌گذاریم برای همیشه و بعد رویش بحث می‌کنیم، بالاخره یا برای قسمت دورهٔ اول باید بگذاریم و یا رویش بعداً تصمیم بگیریم چون ما فعلا شورای نگهبان نداریم.

مکارم شیرازی — در دورهٔ اول شورای نگهبان نداریم، مگر نمی‌شود قبلا گفت به تأیید شورای نگهبان؟

نایب رئیس — چون قبل از تشکیل مجلس نمی‌شود گفت شورای نگهبان تصویب بکند یا فلان کار را بکند چون باید به این ترتیب انتخاب رئیس‌جمهور حتماً بعد از مجلس باشد و این بحثها که پیش آمده حالا رویش بحث می کنیم که ببینیم به کجا منتهی میشود و در سطر آخر بند «۶» یک غلط چاپی وجود دارد که «محکومیت» نیست «محکومین» است. «عفو یا تخفیف مجازات» و آن متنی که ما تهیه کردیم در آن کلمه « عمومی » هم نداشت و به این صورت است «عفو یا تخفیف در مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی».

مکارم شیرازی — آقادر آنجا این کلمه اشتباه نیست؟ چون نوشته شده فرماندهان عالی، به عقیده بنده فرمانده عالی نمی‌خواهد، فرمانده کافی است.

نایب رئیس — کجا است آقا؟ این که شما میفرمائید مقصود هر فرمانده است که فرمانده عالیش باشد.

مکارم شیرازی — ما در ارتش چنین چیزی هم نداریم که مثلا بگویند، فرمانده عالی نیروی زمینی، میگویند «فرمانده نیروی زمینی یا دریائی» باید اینطور نوشته شود.

نایب رئیس — آقا، مثلا یا باشد فرمانده کل نیروی زمینی یا اینکه بنویسیم فرمانده عالی، فرماندهان کل نیروهای سه گانه. (منتظری — بنویسیم فرماندهان کل...) فعلا آن مسأله مهم نیست قرار شد در اصلاحات بعدی این کار را بکنیم چون مطلب معلوم است که چیست. ما دیروز روی بندهای ۱ و۲ و۳ نظرخواهی کردیم و امروز روی بندهای ٤ و٥ و٦ صحبت می کنیم و بعد روی کل اصل با ورقه رأی‌گیری خواهیم کرد.

صدوقی — از روز سه شنبه تا به حال روی این اصل داریم صحبت می کنیم و هرچه‌باید رویش بحث بشود شده است و دیگر بیش از این نباید طول بکشد.

نایب رئیس — بسیار خوب من هم میخواهم همین کار را بکنم و فعلا با دست نظرخواهی میکنیم و بعد با ورقه رأی‌گیری خواهیم کرد.

صدوقی — همه مخالف و موافق رویش صحبت کردند و انگشت رویش می‌گذارند وقلم به قلم بحث می کنند.

نایب رئیس — امیدوارم این وضع پیش نیاید. بند چهار را قرائت میکنم:

«بند ٤ — امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری باید قبل از انتخابات به تأیید رهبری یا شورای نگهبان برسد.»

یزدی — خیال می کنم این اشتباه باشد و بند «٦» است و اگر بندهای قبل را بشماریم رفع اشتباه میشود.

نایب رئیس — خیرآقا درست است و این بند «٤» است و آنهائی که شمامیفرمائید جزو بند «د» و «ه» جزو اختیارات نیروهای مسلح و جزو فرماندهی کل است یعنی بند سه‌خودش شامل پنج قسمت است. (دکتر آیت — اگر ٤ و ٥ باشد بهتراست.)نه آنها جزو اختیارات فرماندهی کل و نیروهای مسلح است.

دکتر آیت — شورایعالی دفاع باشد و متن را ملاحظه بفرمائید تشکیل شورایعالی دفاع ملی.

نایب رئیس — الف، ب، ج بعد هم تشکیل... آقای ربانی شیرازی شما نظرتان چیست؟ (ربانی شیرازی — بنده موافق مشروط هستم و در آن باره صحبت می کنم.) بسیار خوب، موافق

مشروط، آقای ربانی املشی.

ربانی املشی — اینجا از نظر شرایط که نوشته شده ریاست جمهوری صلاحیت داوطلبی از نظر شرایط و آن چیزی که مورد بحث بود، این صلاحیت از چه نظر است؟ یک چیزمجهولی نباشد؟ (نایب رئیس — بله درست است.) آنجا را هم به تأیید شورای نگهبان تصویب کرده است، در دورهٔ اول که شورای نگهبان نداریم البته ممکن است در بعضی ازدوره‌ها هم شورای نگهبان باشد ولی در موردی که شورای نگهبان نباشد تأیید با مقام رهبری است.

نایب رئیس — میتوانیم بنویسیم «امضای حکم ریاست جمهوری پس ازانتخاب مردم صلاحیت داوطلبان...» به‌جای «صلاحیت داوطلبان» بهتراست بگذاریم «واجد شرایط بودن داوطلبان».

ربانی املشی — صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری هم از نظر شرایط.

نایب رئیس — خوب، می‌نویسیم «واجد شرایط بودن داوطلبان ریاست جمهوری» که از آن بهتر است. (تهرانی — همان صلاحیت بهتر است.) (مکارم شیرازی — آقا فقط نوشتن از حیث شرایط کافی نیست بنویسید از حیث شرایطی که در اصول این قانون آمده است یا بنویسید شرایط مذکور در این قانون.) (ربانی شیرازی — بنویسید از نظر شرایط قانونی.) (منتظری — بنویسید واجدیت شرایط ، چون شرایط تنها مفهومی ندارد یا بنویسیداحراز شرایط.) عبارت را اینطور تکمیل میکنیم « صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد». (ضیائی — این جایش اینجا است؟) اگربدون این می‌بود آقایان درباره امضاء رأی نمی‌دادند. حالا راجع به‌ذیلش صحبت می‌کنیم ما داشتیم «به‌تأیید شورای نگهبان» میتوانیم بنویسیم «و در غیاب شورای نگهبان به‌تأیید شورای رهبری» کافی است . (دکتر آیت — در اولین دوره که...) (ربانی‌شیرازی — مگر آن جمله چه‌عیبی داشت؟ بنویسید «به‌تأیید رهبری یا شورای نگهبان») میخواهیم یک کاری بکنیم که همان چیزی را که صبح تصمیم گرفته‌ایم حفظ بشود، که‌ارتباط مستقیمش با رهبری حفظ شود صبح روی این اساس گفتیم اینطور باشد فقط در موقع ضرورت که میشود درغیاب شورای نگهبان به تأیید شورای رهبری این حافظ روح تصمیم صبح است. خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — این بند را بگذارید در همان جای خودش که مربوط به شورای نگهبان است چرا اینجا آورده‌اید؟ امضای رئیس‌جمهور باشد ولی این قسمت مربوط به شورای نگهبان است. اگر شورای نگهبان بود آنوقت امضای شورای رهبری صلاحیت دارد.

نایب رئیس — اگر یادتان باشد این مطلب را صبح توضیح دادیم.

طاهری اصفهانی — در همان دورهٔ اول هم فقهای شورای نگهبان را میتوانیم داشته باشیم بنابراین در دورهٔ اول باید به تأیید شورای نگهبان باشد تا با مسأله رهبری ارتباطی پیدا نکند.

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای فاتحی.

فاتحی — برای من این مطلب روشن نیست که امضای حکم ریاست جمهوری آیاصرفاً تشریفاتی است یا اینکه اگر امضاء نکرد تکلیف چه میشود. (نایب رئیس — نه آقا این تنفیذ است.) چون مردم رئیس‌جمهور را انتخاب کرده‌اند بین انتخاب مردم و امضای او چگونه

رابطه‌ای است و آیا تراکم ایجاد نمی‌کند؟ و اگر چیزی را امضاء نکرد چه میشود؟ (نایب رئیس — جلوتر گفته شد، صلاحیت آنها را شورای نگهبان تأیید کرده است آقای فاتحی.) اشکال دیگر اینکه آیا غیر از آنهائی که شورای نگهبان تأیید کرده است کسانی دیگر هم می‌توانند کاندیدا بشوند یا نمی‌توانند؟ اگر نتوانند که تا اندازه‌ای انحصار است و صحیح نیست و اگر بتوانند که این در برابر مردم و شورا، کان اثر محسوسی نخواهد داشت چون که آنوقت دیگران هم می‌توانند در مقابل اشخاصی را کاندیدا بکنند. علی‌ایحال اینجا دوبحث پیش می‌آید که برای من هنوز روشن نشده است.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — در برابر وظایف و اختیارات مهم که به رهبر یا شورای رهبری داده شد لازم است مسئولیتی و مرجع صالحی به منظور رسیدگی به کارهای رهبر معین شود که در صورت انحراف سهوی رهبر از وظایف و تجاوز از اختیارات، آن مرجع صالح رسیدگی نماید.

طاهری اصفهانی — عرض بنده یکی راجع به تعداد هفت نفر بود که نوشته شد و یکی دیگر اینکه اگر بناباشد به تأیید رهبر نباشد و فقط به تأیید شورای نگهبان باشد این برامضای حکم ریاست جمهوری مقدم باشد. (نایب رئیس — این مطلب نوشته شده عبارت را درست بخوانید.) میدانم، عبارت را خوانده‌ام میخواهم بگویم که اثبات صلاحیت خودش قبل از انتخابات است و بنده متوجه هستم که قبل از آن‌چه آمده است.

نایب رئیس — خوب چه لزومی دارد، زیرا آنچه که مربوط به رهبری است و مهم‌است امضاء است نه صلاحیت شورای نگهبان.

طاهری اصفهانی — نکته دیگر راجع به رئیس‌جمهور است که از نظر تخلف و از نظر وظایف قانونی خودش به دیوانعالی کشور بدهد این طور نباشد که نماینده مستقیم ملت باشد و همین‌جور تسلیم کردن رئیس‌جمهور به دیوانعالی کشور صحیح نیست.

نایب رئیس — هنوز که به آن نرسیده‌ایم. آقای رشیدیان بفرمائید. (رشیدیان — به‌جای امضای حکم ریاست جمهوری، تنفیذ وتصویب اوبگذاریم بهتراست.) آقای کیاوش.(کیاوش— اگر بنای صحبت شد بنده به عنوان موافق صحبت خواهم کرد.)آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — مطلبی را که بنده میخواهم عرض کنم یکی همان نکته‌ای است که خواهرم در بخش ۲ اصل راجع به شورای نگهبان فرمودند و جایش اینجا نیست چرا راجع به آن اینجا بحث کنیم؟

نایب رئیس — گفته شد که اگر ما بخواهیم دربارهٔ ریاست جمهوری مذاکره کنیم بعداً این را به آنجا منتقل میکنیم و اینجا میتواند آزاد باشد.

هاشمی‌نژاد — مسأله دوم اینکه همین قسمت انتخاب ریاست جمهوری بعد از اینکه مردم رئیس‌جمهور را انتخاب کردند و صلاحیتی را که شورای نگهبان تشخیص میدهد دراین رابطه شما ناچار هستید تعداد زیادی از کاندیداها را که به وسیله احزاب معرفی میشوندتأیید بنمائید و این درست همان چیزی است که ما از آن اجتناب می کردیم که متهم نشویم به‌اینکه اعمال نفوذ کرده‌ایم جلو فعالیت افراد را در این جهت گرفته‌ایم برای اینکه این واقعیت‌هست که اگر ما بخواهیم تشخیص صلاحیت را بگذاریم به عهده شورای نگهبان... (نایب رئیس — صلاحیت خیر، واجد شرایط بودن.) بلی، واجد شرایط بودن، ما الان در مملکت در حدود

دویست حزب داریم که تعدادی از اینها دارند آزادانه فعالیت میکنند و اینها ممکن است یک نفر کاندیدا معرفی کنند و فردا مواجه با این مسأله شویم، در حالی که طبق پیشنهادی که شده بود آن را می‌پذیرفتیم که حق تعیین کاندیدا را مثل همه چیزها رهبر تعیین‌میکرد ما آنوقت نه جلو کاندیدا را میگرفتیم و هم آنچه را که میخواستیم می‌توانستیم بنویسیم.

نایب رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — اشکال در این است که ما در دورهٔ اول گفتیم شورای نگهبان نداریم بعد از سه چهار سال ممکن است این اشکال باشد یعنی دوره‌اش تمام میشود و به محظور بر میخوریم و از لحاظ صلاحیت شورای نگهبان دچار محظور میشویم. (نایب‌رئیس — خیر آقا تمام میشود، نصفشان.) نه، اگر از نو حساب بکند باز از نو انتخابات را شروع بکنیم در هر حال ما میخواستیم از یک محظوری فرار کنیم که مداخله رهبری و صلاحیت اینها را در صورت بودن شورای نگهبان معرفی بشوند یعنی این شخص مسلمان است سنش پنجاه سال است سوء سابقه ندارد به دیوانعالی کشور بگذاریم نسبت به آن مسأله‌دقت بکنید.

نایب رئیس — این پیشنهادی است. آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — ما درباره کل این اصل یک طرحی داده بودیم که در آن باره نفهمیدیم چطور شد که اگر بنا شد آن هم مطرح بشود و اجازه دادید بنده صحبت میکنم.

موسوی تبریزی — برای دورهٔ اول که رهبری را با این عبارت میگوئید به تأیید رهبری یا شورای نگهبان این البته به صورت «مانعةالجمع» است و یکی ازاین دوتا باید باشد چون که در دورهٔ اول که شورای نگهبان نداریم بعدها ممکن است تبادل نظر پیدا شود و موجب‌اشکال شود پس بنویسید که «به تأیید شورای نگهبان برسد و در صورت نبودن شورای نگهبان...»

نایب‌رئیس — همین را ما نوشتیم. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بنده تذکری دادم که به آن توجهی نشده است اول راجع به وظایف و اختیارات و بعد میرسیم به‌امضاء کردن که آیا امضاء کردن از اختیارات رئیس‌جمهور است؟ زیرا با آن بحثی که امروز صبح شد فرض براین است که اگر صلاحیت کاندیدا تأیید شد ومردم هم انتخاب کردند که رهبر هم حتماً امضاء میکند آنوقت اینجا نوشته‌ایم آن از اختیاراتش است ما ازکجا بفهمیم که این از اختیارات رئیس‌جمهور است؟

نایب رئیس — این بحث اصولا مربوط به این است که دربعضی ازبندها کلمه اختیارات قید شده باشد چون همه‌اش از وظایف است بنابراین در پایان حذف اختیارات هیچگونه اشکالی ندارد. آقای رحمانی شما چه‌نظری دارید موافقید یا مخالف؟ (رحمانی — بنده موافقم ولی اصلاحاتی هم لازم دارد.) بنده مینویسم موافق مشروط. آقای منتظری فرمایشی دارید‌بفرمائید.

منتظری — من یک جمله میگویم و آن این است که امضای حکم ریاست‌جمهوری‌پس‌از انتخاب مردم و نوشتن صلاحیت، این جمله‌ای است بی‌تناسب. برای اینکه تناسبش محفوظ باشد این جمله را بنویسید «امضای حکم ریاست جمهوری منتخب مردم پس از احرازصلاحیت داوطلبان‌به تأیید شورای نگهبان.»

نایب رئیس — بله این قسمت باید قبل از انتخاب باشد که این جمله به اینصورت درآمده است.

منتظری — بنویسید «امضای حکم ریاست‌جمهوری منتخب مردم پس‌ازاحرازصلاحیت».

نایب رئیس — ما میگوئیم که انتخاب، پس از این احراز باید باشد.

منتظری— پس بنویسید بعد از انتخاب مردم و احراز صلاحیت.

نایب رئیس — این جمله بعداً ازاینجا به بخش ریاست جمهوری منتقل میشود. آقای دکتر نوربخش.

دکتر نوربخش — راجع به وظایف و اختیارات رهبری معلوم نیست که ما وکالت داشته باشیم که داریم درباره‌اش صحبت میکنیم و اگر ما اینجا چیزی را تصویب کنیم و حال آنکه نظر رهبر نباشد. در اینجا شورای نگهبان چه‌ضوابطی دارد؟ و طبق چه ضوابطی میخواهد این را رد بکند که این شورای نگهبان‌چه صلاحیتی دارد؟

نایب رئیس — ما این را نوشتیم که از لحاظ شرایطی که در قانون می‌آید، و حق دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید. (سبحانی — مثلا سی‌سال سن دارد.) (دکترنوربخش— به‌طوری که گفته شد فکر میکنم باید دیوانعالی کشور تأیید بکند.) آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری در درجه اول رهبر باید آن را امضاء بکند این چه اشکالی دارد که شورای نگهبان را قبلا رهبر تعیین بکند و در مرتبه اول صلاحیت را آنها تعیین بکنند؟

نایب رئیس — شش نفر از شورای نگهبان را باید مجلس انتخاب بکند و این نمی‌شود مگراینکه دوستان پیشنهاد دیگری داشته باشند چون ما اینجا گفتیم «درغیاب شورای نگهبان‌با دیوانعالی کشور». (قرشی — بنویسید در دورهٔ اول با فقهای دورهٔ اول.) ما گفتیم در دورهٔ اول با فقهای شورای نگهبان. (منتظری — آقای بهشتی اگر بنویسید به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد بهترنیست؟) خیر آقا، آقای ربانی شیرازی فرمایشی دارید؟ (ربانی‌شیرازی — عرض کردم اگر مخالفی باشد بنده صحبت خواهم کرد.) بله اگر مخالفی باشد، چون شما فرمودید بنده خیال دارم مفصلا صحبت کنم. (صدوقی — خیال دارید از سر بنویسید و صحبت کنید.) آقای دکتر روحانی بفرمائید.

دکتر روحانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من قبل از اینکه مطالبم را به عرض نمایندگان محترم برسانم به این نکته اشاره‌میکنم که علت اصلی طولانی شدن بحث و تبادل نظر درباره این اصل اهمیت محتوای آنست و واقعاً جا داشت که با دقت کامل درمورد آن بررسی به‌عمل آید. گاهی بعضی افراد اظهار میدارند که ممکن است طرح و اجراء ولایت فقیه در شرایط کنونی جامعه ما به علت عدم آگاهی مردم مشکلاتی را ایجاد کند. در این‌باره با استفاده از سخن استاد شهید مطهری که واقعاً جایش در این مجلس خالی است ولی یادش همواره برای اسلام و مسلمانان گرامی و باقی است «ما باید مردمی راکه به قانون اسلام عمل نمی‌کنند اصلاح کنیم، چرا قانون را خراب کنیم» میگوئیم ما در این مجلس وظیفه داریم که در قانون اساسی حقیقت مکتب را بیان کنیم نه اینکه مکتب را فدای شرایط محیط بنمائیم. استقامت محمد (ص) درانجام رسالت خود، صبر شکوهمند بیست و پنج‌ساله علی (ع)، قیام با عظمت‌حسین (ع) و رهبری الهی آنان همه برای نگهداری مکتب بوده است.

دو روز قبل یکی از نمایندگان محترم مثالی زدند که در شوره‌زار یک مهندس نمی‌تواند نقشه ساختمان عظیمی را پیاده کند. پاسخ مختصر اینکه آیا باید نقشه صحیح و اصیل را خراب

کنیم یا زمین را برای پذیرش آماده؟ از طرف دیگر به عقیده من این تشبیه و اظهارنظر برای جامعهٔ کنونی ما صادق نیست زیرا ملت بپاخاستهٔ ایران که میرود هویت واقعی اسلامی خودرا پیدا کند، در تداوم انقلاب نشان داده است که شایستگی آن را دارد که پذیرای اسلام راستین باشد. تجلیل با شکوه جنازه شهید سرگرد یارجانی رئیس شهربانی مهاباد در امروز، تشییع کم‌نظیر جنازهٔ پاسداران شهید سردشت در چند روز قبل همه نمایانگر این واقعیت است که ملت مسلمان ما انقلاب اسلامی شکوهمند قرن حاضر را همانگونه که بدان رأی داده است با دل و جان پذیراست. در اینجا به خاطرم آمد که در بیمارستان امام رضای مشهد هنگامی که به بالین جوان ۱۸ ساله‌ای که مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود رفتم شروع کرد به گریه کردن، وقتی علت گریه او را سؤال کردم گفت چرا شهید نشده است؟ یقیناً ملتی که این چنین در راه اسلام برانگیخته شده است، میتواند دارای ارتقاء روحی لازم برای پذیرش مکتب گردد، پس سروران گرام ما باید راه انقلاب اسلامی خود را که خداوند متعال در تداوم رسالت محمد (ص) و نهضت انقلاب حسین (ع) به عنوان گرامی‌ترین ودیعه بعد از چهارده قرن به ما عطا فرموده تا به آخر ادامه دهیم.

من که در اینجا به عنوان مخالف با شکل پیشنهاد شده برای بند ٤ اصل ۸۷ صحبت میکنم توجه فقهای محترم و علمای اعلام مجلس را به حساسیت زمان نزول آیه «یاایهاالرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان‌لم تفعل فما بلغت رسالته» جلب نموده و عرض میکنم که اگر شما در این لحظه حساس به وظیفه اسلامی و تاریخی خود با تکیه برایمان، آگاهی، تخصص، جهان‌بینی و دوراندیشی اسلامی‌تان به نحو کامل عمل نکنید یقیناً در این دنیا و در آن دنیا نمی‌توانید جوابگو باشید. بنابراین ما باید قانون اساسی جمهوری اسلامی را طوری بنویسیم که براساس مکتب باشد و مورد رضای خدا و رسول او، نه آنکه احتیاط کنیم و طوری تدوین‌نمائیم که مطلوب‌طبع هر ناآشنا به‌اسلام باشد. بلی بگذاریم قانون اساسی ما اسلامی باشد هر چند که عده‌ای ناخرسندگردند، و اما اشکال بند ٤ اصل ۸۷، دراین بند پیشنهاد شده است که‌صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری از طرف شورای نگهبان بررسی‌گردد. این موضوع دو اشکال عمده دارد. اشکال اول اینکه اگر گروهها و دستجات متعدد موجود که دارای جمعیت کم می‌باشند و یقیناً برتعداد این گروهها در آینده قارچ‌وار نیز اضافه خواهد شد هر یک یا هر چند حزب نامزدی برای ریاست‌جمهوری معرفی نمایند و صلاحیت اکثر این نامزدها از طرف شورای نگهبان مورد تأیید قرار نگیرد وسیله‌ای خواهد شد برای ادامه تبلیغات ناروا در جهت اظهار نبودن آزادی لازم و تکیه‌بر انحصاری بودن مقام ریاست جمهوری برای عده‌ای خاص، هرچند که بدانند در صورت شرکت نامزدهای آنان موفقیتی به دست نخواهند آورد. اشکال دوم‌اینکه اگر احیاناً یکی از نامزدهای معرفی شده که صلاحیت او از طرف شورای نگهبان تأیید نشده است دارای طرفدارانی باشد خواهند گفت که اگر می‌گذاشتند داوطلب ما در انتخابات شرکت کند ما اکثریت آراء را به دست می‌آوردیم لذا به نظر من با توجه به نقش سازنده و پویائی که حوزه‌های علمیه و روحانیت مترقی می‌توانند برای ملت داشته باشند صلاح‌است که‌به‌طریقی از طرف رهبر یا شورای رهبری یک یا دو نامزد برای ریاست جمهوری معرفی گردد و این‌آزادی به سایر گروهها نیز داده شود که داوطلبان خود را معرفی نمایند یقیناً در صورتی که ما درعمل ابعادمختلف زندگی مردم‌را مورد توجه‌قرارداده باشیم آنها با توجه به‌اعتقاد وشناخت وعلاقه

و ایمانشان به نامزد معرفی شده از طرف مقام رهبری رأی خواهند داد و دیگر اتهام نبودن آزادی و انحصارطلبی در بین نخواهد بود . ممکن است عده‌ای از نمایندگان محترم چنین اظهارنظر نمایند که اگر نامزدی برای ریاست جمهوری از طرف گروهها آزاد باشد این خطروجود دارد که احتمالا فردی که شایستگی و صلاحیت لازم را ندارد به طریقی اکثریت آراء رابه‌دست آورد اولا اگر چنین بشود دلیل براین است که ما نتوانسته‌ایم اسلام اصیل و واقعی را به مردم بشناسانیم ونقصی درکارماست، ثانیاً با استفاده از بند ٥ همین اصل رهبر بالقوه میتواند رئیس جمهوری راکه به وظایف خود عمل ننماید عزل کند. و اما درباره امضای حکم ریاست‌جمهوری با عنایت به معنای «جمهوری» معتقدم پس از انتخاب مردم، حکم هر نامزدی که اکثریت‌آراء را به دست آورد امضاء بشود حالا چه مسأله تنفیذ و تصویب و مشروعیت مورد نظر باشد چه صرفاً رسمیت یافتن قانونی. مسلم در فصل مربوط به قوهٔ مجریه برای نامزدی ریاست جمهوری با توجه به مکتب و نظام جمهوری اسلامی باید شرایط لازم وکافی منظور گردد.

نایب رئیس — آقای کیاوش آخرین نفری هستند که در مورد این بند صحبت میفرمایند و بعد با دست نظرخواهی میکنم. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — سلام علیکم بماصبرتم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من نمی‌خواستم صحبت کنم به آقای دکتر بهشتی نوشتم اگر بناست مخالفی صحبت بکند چند کلمه‌ای هم من بگویم. گاهی است که دورنگری سبب میشود که انسان از دیدن واقعیتها و زیرپای خودش غافل میشود و چاههائی می کنند زیرپای آدم که قبل از اینکه به هدف برسد در این چاهها می‌افتد. در اختیارات‌ولایت فقیه بعضی از دوستان استناد به این مسأله میکنند که در دوره مجاهد اعظم امام خمینی هر قدرکه لازم است اختیار به امام و رهبر میدهیم اما بعد از امام چه؟ همین احتیاطات «بعد از امام چه؟» همان چاهی است که دشمن امروز در زیر پای یک یک ما و ملت ما میکند، دوستان دیگر جواب میدهند و به آیاتی متوسل میشوند «مانننسخ من آیة اونسهاالخ»، «کل یوم هوفی خیر شأن» دنیا رو به تکامل است و بر خیر بنیان نهاده شده است و بعد از امام مثل او یا بهترش خواهد آمد به این معنی که‌دنیا از حجتش هیچوقت خالی نیست اما من با توجه به اوضاع آشفته زمان و نفاق افکنی‌ها و اشاره و تذکر به این معنی که دشمن با تمام قوا به میدان آمده و با سمپاشی‌های خود به فکر تضعیف انقلاب افتاده است، میگویم که قبل از اینکه از آخر بترسیم از اول بترسیم، از زمان خود امام، ببینیم دشمن با چه چهره‌ای به میدان آمده است، اگر به این اصل توجه نکنیم که در حال حاضر عده‌ای بانقابهای متنوع خود را برای احراز مقامات آینده از جمله ریاست جمهوری آماده کرده‌اند، و باید حتماً این رهبر و یا شورای رهبری به عنوانی، مستقیم یا غیر مستقیم حتماً باید دخالت کرده باشد در انتخاب ریاست جمهوری به چاه افتاده‌ایم. اگر این بند ٤ از این اصل از تصویب نگذرد کافی است که یک نفر با داشتن شصت هزار تومان، پنجاه هزار تومان عکسهای قد و نیم‌قد از خودش چاپ بکند و در بین مردم پخش کند و خود را کاندیدای ریاست جمهوری کند اگر ریاست جمهوری دارای همان خصوصیاتی باشد که در اصلهای تهیه شده از طرف گروه پنج هست، یعنی مؤمن به انقلاب باشد، صادق باشد و یا فقیه و یا معرفی شده از طرف دو نفر فقیه باشد و یا معرفی شده از طرف استان باشد از نظر صلاحیت، در آن صورت چندان ضرورتی ندارد که رهبر یا شورای رهبری حتی درکاندیدا کردن او دخالتی کرده باشد فقط کافی است که

از نظر شرعی حق تصرفی بدهد، در حدود قوانین اسلامی که بتواند بر جان و مال مردم حاکمیت داشته و دخالت بکند اما اگر جز این باشد وامصیبتا میشود . تبلیغات روز بروز دامنه‌دارتر میشود، بیت‌المال مسلمانان همچنان که می‌بینید...(نایب رئیس—آقای کیاوش ازوقت شما یک دقیقه بیشتر نمانده است.) چشم، به این جهت پیشنهاد میکنم که این اصل با همین طریق که موجود است، یعنی یا باید خود رهبر دخالت بکند و کاندیدا برای ریاست جمهوری معرفی کندو یا از از طریق شورای نگهبان بتواند مدخلیتی در انتخاب ریاست جمهوری داشته باشد تاپنهانکاران آنچنانکه همیشه در خفا کار میکنند، نتوانند بر جان و مال مردم بی‌جهت مسلط بشوند والسلام.

نایب رئیس — یک‌موافق ویک‌مخالف هم صحبت کردند، دوستانی که بااین اصلاحی که میخوانم، به این بند نظر موافق دارند، دستشان را بلند کنند:

«امضای حکم ریاست‌جمهوری پس ازانتخاب‌مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارابودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل ازانتخابات به‌تأییدشورای نگهبان و دردورهٔ اول به‌تأیید فقهای شورای نگهبان برسد.» موافقین‌دست بلند کنند. (موسوی‌تبریزی— رهبر بگذارید.) فرقی نداردآقای‌موسوی، فقهای شورای نگهبان را هم رهبرتعیین‌میکندسراین جزئیات‌سخت‌نگیریم چون این اصل همینطورمیماند. (ربانی‌املشی— شما این را معلق به‌یک امر مجهول‌میفرمائید، بلکه فقها تعیین‌نشدند.) تعیین‌میشوند. (ربانی‌شیرازی— دردورهٔ اول‌به‌تأیید رهبر باشد.) (عده‌ای از نمایندگان — در دورهٔ اول به تأیید رهبر باشد.) البته اگر فقط در دورهٔ اول به تأیید رهبر باشد اشکالی ندارد چون فقط یک دوره است. (خزعلی — شورای نگهبان باید درست بشود چون ناظر بر انتخابات است.) اجازه بفرمائید. (قرشی — بنویسید امضاءحکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، این یک مطلب صریحی است این را به رأی بگذارید.) آن هم اشکالی ندارد برای اینکه نظر آقایان را مراعات کرده باشم آن را هم به رأی میگذارم آقای قائمی هم همین پیشنهاد را کرده بودند یک پیشنهاد اینست که اصلا آن ذیل را مطرح نکنیم و آنچه اینجا مطرح میشود «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم» باشد موافقین دست بلند کنند. (کرمی — ذیل اصلا نباشد؟) کسانی که بدون ذیل موافقند دست بلند کنند ۳۴ نفر دست بلند کردند که یادداشت می کنیم «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم (با آن ذیل) صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارابودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دورهٔ اول به تأیید رهبر برسد.» موافقین با این متن دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) امید است در رأی‌گیری نهائی هم رأی بیاورد.

مدنی — این ذیل را ولو در جای دیگری هم بنویسیم باید اینجا ذکر شود زیرا این مثل قرینه‌ای است برای صدر، تنها اگر صدر باشد، امضای آن رهبر یک نوع تشریفات است اما وقتی نوشتیم صلاحیت را آن شورای نگهبان یا رهبر تعیین خواهد کرد آن وقت معلوم میشود که امضاء تشریفاتی نیست، بعد از تأیید رهبر است.

نایب رئیس — رأی هم با این متناسب بود بند پنج را می‌خوانم:

«بند ۵ — عزل رئیس‌جمهور با در نظرگرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او.»

روی این بحثی نیست؟ میخواهیم رأی بگیریم آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — در مذاکرات هم این اشکال مطرح شد که گزارش دهنده چه کسی میتواند باشد؟ هرکسی که تخلف وی از وظایف را به دیوانعالی کشور، و عدم کفایت سیاسی وی را به مجلس شورای ملی گزارش کند آیا موظف به رسیدگی هستند یا باید یک مقام مسئولی این کار را بکند؟

نایب رئیس — توضیح این است که عرض کردم در هر قانونی نمی‌شود تمام جزئیات را ذکر کرد آنچه در این بند مهم است، این است که وقتی یکی از این دو مقام نظر به عدم صلاحیت دادند، زمینه حکم عزل است، اما چگونه؟ آن را باید قانون معین بکند لزومی ندارد ما تمام جزئیات را در قانون اساسی ذکر کنیم . آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — این لفظ «تخلف وی از وظایف قانونی» در اینجا روشن نیست بهتر است بگوئیم پس از حکم دیوانعالی کشور به خیانت وی نسبت به کشور، که یک مقدار روشن‌تر باشد.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

طاهری گرگانی — بنده قبلا هم گفته بودم الان هم تذکر میدهم، برای رفع اشکالات این پرونده سازی‌ها که ممکن است از جهات مختلف برای رئیس جمهور بشود و برای اینکه مردم هم در جریان قرار بگیرند، از شورای نگهبان، از مجلس شورای ملی، نماینده‌ای بر این جریان نظارت داشته باشد با نماینده رئیس‌جمهور.

نایب رئیس — آقای جوادی.

جوادی — مسأله عزل و نصب باید قبل از تشکیل فرماندهی باشد، بعد هم اینکه کلمه کشور را ملت کنیم که کشور تکرار نشود.

نایب رئیس — یعنی به جای مصالح کشور، مصالح ملت بنویسیم. اگر آقایان موافقت کنند جالب است . (کرمی — فرقی نمی‌کند .) بلی فرقی نمی‌کند . آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — این جمله‌ای که گذاشته‌اید «عزل رئیس‌جمهور با درنظرگرفتن مصالح کشور» این چیزی است که زمینه تهمت را فراهم میکند بهتر است بگوئیم با تشخیص صلاح یعنی حق را از نظر تشخیص به او بدهیم که اگر صلاح تشخیص داد بعد از رأی دیوانعالی کشور و مجلس شورای ملی در آن زمینه عزلش بکند.

نایب رئیس — آقای مکارم.

مکارم شیرازی — بنده اگر بگویم مخالفم باز به درازا میکشد اگر اجازه بفرمائید...

نایب رئیس — آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — عزل رئیس‌جمهور منحصر در دو مورد است یکی اینکه دیوانعالی کشور تخلف از وظایف قانونی او را احراز کند یکی هم مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او رأی بدهد حالا ممکن است رئیس‌جمهور مثل یک فردعادی در دادگستری به‌محاکمه کشیده شود، اگر فسقی را مرتکب شد ممکن است عزلش کنند یا نه؟ این نه تخلف از قانون است و نه‌عدم کفایت سیاسی.

نایب رئیس — یک نوع عدم صلاحیت سیاسی است یعنی از نظر قانون صلاحیت ندارد. (یکی از نمایندگان — عدالت شرط است؟) (منتظری — ظاهر نیست.) اگر گفته‌اید، شرط‌است. آقای نبوی بفرمائید.

نبوی — در مورد تشخیص مصالح کشور، تشخیص را هم باید رهبر بدهد؟

نایب رئیس — در این مورد بلی، آقای رحمانی موافقید یا مخالف؟ (رحمانی — مخالف مشروط) آقای عضدی. (عضدی — مخالف مشروطم.) آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — در این جمله «با در نظر گرفتن مصالح کشور» مطلب روشن نیست یعنی ممکن است دیوانعالی کشور رأی بدهد یا مجلس شورای ملی رأی بدهد ولی رهبربگوید در آن مصالح کشور ایجاب نمی کند که رئیس‌جمهور عزل شود، اشکال دیگر همان است که آقای بشارت فرمودند که من تکرار نمی کنم. درکل مسأله هم اگر وقت بدهید حرف می‌زنم.

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی‌اردبیلی — در اصلی که اینطور تنظیم شده، اگر کسی با همهٔ این مسائل موافق است ولی مثلا فقط با عفو عمومی مخالف است، دلش هم میخواهد که رأی موافق بدهد واین مسأله چطور حل میشود؟ البته منظورم رأی با دست نیست ، رأی با ورقه است، من‌باب مثال من با تمام این اصل موافقم ولی با آن قسمت مخالفم، حالا تکلیف من چیست؟ چکار باید بکنم؟

نایب رئیس — عرض می کنم خدمتتان، آقای‌علی تهرانی بفرمائید.

تهرانی — اگر کسی مخالف صحبت کند، بنده موافقم.

نایب رئیس — آقای رحمانی به عنوان مخالف صحبت میکنند شما هم به عنوان موافق صحبت کنید اگر مخالفت ایشان راجع به مسأله عزل باشد.

رحمانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. باید ابتدا سؤال بشود که این امضاء و عزل جنبه تشریفاتی دارد، یعنی عزل رئیس‌جمهور محقق است ولیکن چیزی که هست این عزل راولی‌امر انجام میدهد هروقت که با در نظر گرفتن مصالح کشور تمام شده است، ولیکن میخواهد یک‌ماه دیگر این را عزل بکند. همچنین درامضاء هم همین اشکال را داشتم، ببینیم جنبه تشریفاتی دارد یا خیر؟ متوقف است امضاء و عزل، یعنی متوقف است تصدی ریاست جمهوری و همچنین عزل ازریاست جمهوری بر امضاء و عزل ولی‌امر. اگر چنانچه بفرمائید جنبه تشریفاتی دارد، آنگاه این اشکال میشود که «با در نظر گرفتن مصالح کشور» به نظر میرسد که زیادی باشد و اگر چنانچه بفرمائید جنبه اجرائی ندارد «امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب» این معنایش به این طریق میشود که ابتدا صلاحیت او بواسطه شورای نگهبان... (طاهری گرگانی— ربطی ندارد.) اینها به‌هم مربوط است آقایان اشکالشان وارد است ولیکن اینها به‌هم ربط دارد معنایش این‌طور میشود که...

نایب رئیس — آقای طاهری ایشان صحبت میکنند و شما هم صحبتتان را کردید.

رحمانی — این مقدار از وقت من که گرفته میشود حساب نمی کنید و بعد هم روزها است که نوبت نداده‌اید پس همه را روی هم بگذارید . آن وقت لازمه‌اش این است که آنجا که صلاحیت داوطلبان قبل از انتخابات باید به تأیید شورای نگهبان برسد ، شورای نگهبان هم که از طرف ولی‌امر است ، مردم هم که انتخابش کرده‌اند ، اگرچنانچه رهبر امضاء نکند چه چیزی مانع شده است از امضاء؟ اگر تشریفاتی نباشد این معنی میشود که واجد شرایط هست و مردم هم او را انتخاب کرده‌اند و رهبر در اینجا امضاء نکرده بنابراین نتوانسته است رئیس‌جمهور بشود در اینجا هم به همین طریق است، پس بنابراین به نظر بنده

یک قدری باید رعایت بکنیم جنبه هائی را که ان‌شاءالله بیشتر آن جهت جمهوری بودنش هم ملحوظ باشد و بیشتر مردم توجه داشته‌باشند به‌آن آزادی که برحسب اصولی که دراینجا مدون شده است وقطعاً هم آن آزادی تأمین خواهد شد، تأمین شده است، این موضوعی بود که باکم و زیادش خواستم‌عرض بکنم. در این مورد که فعلادر بند پنج راجع به‌عزل صحبت می کنیم بنده میخواهم جواب‌سؤال را بدهند ببینیم که «عزل رئیس جمهور با در نظرگرفتن مصالح کشور»، این عـزل تشریفاتـی است یـا اینکه امکان دارد عزل بکند یا نکند ؟ ایـن سؤال را جواب بدهند تا بنده بقیهٔ مطالبم را عرض بکنم. جوابی که‌نمی‌دهند ، فعلا میگذارم .

سبحانی — دیوانعالی کشور موضوع را احراز می کند و میگوید «هذامتخلف» بعد یک نفر لازم است که حکم را با موضوع منطبق کند وآن کس رهبر است .

رحمانی — بعد از اینکه موضوع احراز شد .

نایب رئیس — آقای سبحانی‌بحث طرفینی نفرمائید.

رحمانی— بعد از احراز موضوع وعدم آن موضوع که‌محرز شده است آیا موجب عدم صلاحیت شده‌است‌یانه؟اگر موجب‌احراز عدم‌صلاحیت‌شده‌است، آیاموجبی‌برای عزل‌باقی مانده است‌یانه؟ به‌همین مقداراشکال اکتفامیکنم‌واگرچنانچه‌اصلاحاتی‌باشدان‌شاءالله‌به‌عمل بیاوریم که در اطراف‌این موضوع صحبت‌نشود.(نایب رئیس—جنابعالی یک‌دقیقه‌وقت‌دارید.)این هم که‌اینجا فرمودیدپس‌ازحکم دیوانعالی کشوربه‌تخلف وی‌از وظایف قانونی،اجمال‌دارد،تخلف ازوظایف قانونی‌یعنی‌چه؟ماهمه مردم‌وظایف‌قانونی‌در مقابل جمهوری‌اسلامی‌داریم،اگر بناباشد که‌تخلف از وظایف‌قانونی مربوط نباشد به‌وظایف ریاست جمهوری نباید موجب بشود که‌بگوئیم، حکم دیوانعالی کشور راجع به‌ثبوت جرم ، موجب میشود که رهبر بتواند او را عزل نماید چرا ؟به جهت اینکه تخلف از وظایف قانونی امکان دارد مؤثر نباشد در انتفاء شرایط ، شرایط‌موضوعاً، ثبوتاً وغائاً شرایط موجود باشد وتخلف از وظایف قانونی هم کرده است ، صدق می کند؟ این راهم اصلاح فرمائید که‌تخلف او از وظایف قانونی به‌چه‌صورت ، تخلف اعم است که عمدی باشد یا غیر عمدی واعم است از اینکه موجب بشود برای سلب صلاحیت یا عدم سلب صلاحیت ، نوشتن یک‌اصل در قانون اساسی با این ابهامات وضع رئیس‌جمهور را متزلزل میکند پس بنابراین‌فکرمیکنم که‌احتیاج داشته باشد در این الفاظ تجدید نظری بشود،تامعلوم شود این‌چیزی که‌موجب میشود رهبر بتواند نسبت به‌آن تخلف، تصمیم به‌عزل‌بگیرد،محدود باشد . بعد هم یا رأی مجلس شورای ملی به‌عدم کفایت سیاسی وی درآن صورتی که حکم دیوانعالی کشور به‌تخلف از وظایف قانونی است این‌هم اعم‌است از اینکه صلاحیت سیاسی داشته باشد یا نداشته باشد پس چطور شد که‌مجرد تخلف از وظایف قانونی که در آخر این سطر ، مشخص‌این‌را مجلس قراردادیم در این اکتفاء کردید به‌دیوانعالی کشور ؟ فکرمیکنم اگر چنانچه لازم بدانید غیر از رهبر مقام دیگری دخالت در عزل داشته باشد لازمه‌اش‌اینست که‌هم جنبه سیاسی را ملحوظ بکنیم وهم جنبه تخلف از وظایف قانونی را بلکه این چیزی که ما در اینجا برای عزل به‌دردمان میخورد آن شق دوم است. در این سطر که‌رأی مجلس‌شورای ملی به‌عدم کفایت سیاسی، به‌جهت اینکه شما در اینجا رأی مجلس شورای ملی به‌عدم کفایت سیاسی را مشخص دانسته‌اید برای عدم کفایت سیاسی،وآنچه اهمیت دارد برای ما ، نماز نخواندن شاید نباشد ، تخلف از وظایف قانونی شاید نباشد ، آنچه اهمیت دارد اینست کـه

کفایت سیاسی خود را از دست داده باشد. (نایب رئیس– آقای رحمانی وقت شما خیلی بیشتر شد.) الان تمام میکنم، جهت اینکه امکان دارد تخلف از وظایف قانونی کرده باشد ولیکن کفایت سیاسی او محفوظ بماند. خواهش میکنم تناقضی که این دومشخص ایجاد میکند با توجه به همه عرایضم موجب بشود که تجدید نظری در این بند بشود.

نایب رئیس — متشکرم. آقای منتظری فرمایشی دارید؟

منتظری — دیروز من درضمن بحث این اصل گفتم من سوء ظن دارم، بعضی ها خیال کردند که من مثلا نسبت به آقای دکتر بهشتی یا بعضی دوستان دیگر سوءظن دارم، این اشتباه شده است ومن چنین قصدی نداشتم، چون برای این اصل درییرون هم جنگ درست کرده اند من گفتم سوءظن دارم و منظورم این بود که یک جنگی درست کرده اند که این اصل امضاء نشود منظورم سوءظن نسبت به رفقا نبوده است خواستم رفع سوء تفاهم کرده باشم من مخلص تمام آقایان هستم.

نایب رئیس — عرض میشود که ما این رابا دست نظرخواهی کنیم. آقای طاهری اصفهانی شما سؤالی داشتید؟

طاهری اصفهانی — بلی، ولی آقای صدوقی اجازه نمی دهند عبارت «پس از حکم دیوانعالی کشور» کسی شکایت بکند به دیوانعالی کشور و دیوانعالی کشور پس از شکایت او حکم بکند. رئیس جمهور یک مقامی است که طبعاً درمظان اتهام است خوب کسی شکایت بکند چه مقامی چه قدرتی، مردم یا شخص معین یا مجلس یا خود ولی؟

نایب رئیس — این سؤال را آقای فوزی هم کردند و توضیح داده شد که تفاصیل این مطالب را قوانین عادی معین میکند چون آنچه دراینجا دخالت دارد کسی شکایت میکند نیست آنچه دراینجا دخالت دارد اینست که چه چیزی زمینه تصمیم به عزل را فراهم میکند، که حکم دیوانعالی کشوراست درآنجا به تفصیل درقانون مربوط گفته میشود که چه کسانی میتوانند شکایت کنند وچگونه شکایت کنند و چگونه جلسه ای دراین مورد بخصوص تشکیل بشود. این حرفها را درقانون خودش خواهیم گفت بنابراین بنده این را برای نظرخواهی با دست میخوانم: «عزل رئیس جمهور با درنظرگرفتن مصالح کشور پس ازحکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رئیس مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او» موافقین دست بلند کنند. (۵۲ نفر دست بلند کردند) بسیار خوب بند ۶ قرائت میشود: «عفو یا تخفیف مجازات محکومین درحدود موازین اسلامی» آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — من عفو عمومی را قبول دارم ولی تخفیف در مجازات رابه این صورت که نوشته است محکومین به نظرمن این است که هرقاضی نسبت به یک محکوم خاصی درصورتی که در فقه هم هست اگر از راه بینه ثابت شده باشد یا حق الناس باشد تخفیف نمی دهد اما اگر حق الله باشد و از راه اقرار باشد آن قاضی میتواند نسبت به او تخفیف بدهد هرقاضی درهرشهری که یک کسی را مجازات کرده اگر بخواهند بردارند وبیاورند پیش رهبر که شما تخفیف مجازات بدهید کار درستی نیست مگراینکه تخفیف عمومی همانطور که عفو عمومی هست یک تخفیف عمومی باشد که مربوط به همه کشور باشد والا تخفیف در مجازات مربوط به محکومین جزئی، این مربوط به رهبر نمی تواند باشد.

نایب رئیس — این معنایش این نیست که قاضی نتواند، گفته میشود اگرقاضی حکم داده

پس از حکم قاضی یک حقی برای ولی امر قائل میشوند پس ازاینکه قاضی اگر تخفیف هم خواسته بدهد داده باشد.

منتظری — این حقوق نه از اختیارات او هست یعنی همه قضات این اختیاررادارند؟

نایب‌رئیس — خیر این آن معنا را از نظر دوستان نمی‌رساند. (منتظری — مثل تخفیف عمومی هست.) آقای قرشی بفرمائید به‌عنوان مخالف. (دستغیب — یک مخالف ویک موافق صحبت کنند.) بلی آقا همینطور است. (منتظری — صحبت من موافق ومخالف نبود فقط یک اشکال بود.) بلی آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عفو یا تخفیف اگر برموازین اسلامی باشد این از وظایف قاضی است که قاضی یا تخفیف میدهد یا عفومیکند این مسأله دو وجه دارد یکی اینست که مجرم وقتی محکومیتش در دادگاه روشن شد و دادگاه به مجرمیت او رأی داد آنوقت دادگاه را همینطور نگهداریم وسراغ رهبربرویم، ببینیم آیا رهبرحاضربه‌تخفیف‌یاعفوهست‌یا نیست و اگر راجع به‌عفوعده‌ای ازیاغیان‌وامثال اینها باشد این‌هم باید عفوعمومی نوشته شود، نه‌اینکه کلمهٔ‌عفو تنها وآنوقت هم باز رهبر میتواند به‌توسط دیوانعالی کشور یادادگاه این عفو را برای آنها اعلام بکند لذا من نظرم اینست که‌این بند را از اینجا حذف کنیم ووظایف رهبر را سنگین نکنیم. والسلام علیکم.

نایب رئیس — آقای خزعلی‌بفرمائید.

خزعلی — بااینکه ولایت فقیه با تمام ابعادش مورد پذیرش است بلکه ولایت فقیه‌یعنی حکومت خدا و میدانیم این مطالب از جانب خدا است برملت و ملت هم درآینده بعد از پی‌بردن به‌مطالب می‌فهمند که‌این برای آنها بهترین‌حکومت است با تمام اینها می‌بینیم علی علیه‌السلام با اینکه این مقام عفو و اشعار رعیت را به‌محبت ولطف مال خودش هست به مالک‌اشتر دستور میدهد: «اشعر قلبک‌الرحمة‌للرعیه‌والطف‌بهم.» تا آنجا که میفرماید «واعطهم من عفوك وصفحک‌مثل‌الذی تحب ان‌یعطیک‌الله من عفوه وصفحه».

این مقام را واگذار میکند.به‌یک استاندار ویک حاکم که‌محبوبیت اورا در بین مردم تأمین بکند مال علی است ولی میدهد به‌یک‌استاندار یعنی یک‌مقام حاکمی، پس مابابد در عین‌اینکه میدانیم این حق فقیه است وفقیه به‌اصالت دارد ولی یک مقدار به‌رئیس جمهوری و دیگران این‌مقامات را بدهیم که‌محبوبیت وعزت در بین مردم پیدا کنند ودر آنجا قید بکنیم که مقامی است از والی واز فقیه به‌رئیس‌جمهور اعطاشده است که عفو عمومی وتخفیف در مجازات با اعطاء رهبر به‌حاکم یعنی به‌رئیس جمهور داده شده‌است.

نایب‌رئیس — یعنی پیشنهاد جنابعالی اینست که‌منتقل بشود به‌بخش مسائل مربوط به رئیس جمهور؟ (خزعلی — با تأیید اینکه مربوط بـه فقیه بوده است.) بلی، آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — من سؤالم نسبت به‌این بند نیست، سؤال من اینست که برفرض اینکه رهبر نیست مثلا فوت کرده وهنوز رهبر بعدی تعیین نشده است این وظایف محول به‌چه کسی هست؟ یک‌پیش‌بینی باید برای این بشود.

نایب‌رئیس — این ربطی به‌این اصل ندارد مربوط به‌اصل بعدی هست. آقای مکارم شیرازی به‌عنوان مخالف اسم نوشته‌اند.

مکارم شیرازی — بنده قبلا مخالف نوشته بودم حالا سؤال دارم عرض بنده اینست که ما این اصل را به‌تنهائی بنشینیم مطالعه کنیم واین همه اختیاراتی را که‌گذاشتیم در اختیار شورای رهبری وتمام قدرت‌ها متمرکز شده است در یک شورا با توجه به‌اینکه مسأله امام مطرح نیست وگفتیم همه اختیارات در مورد ایشان بجااست واینکه میگویند « مانسخ من‌آیه» همیشه مثل‌امام در آینده بزودی خواهد آمد ، این علم‌غیب است وگذشته نشان میدهد که مثل ایشان کم‌بوده. (طاهری گرگانی — ربطی به‌اینجا ندارد.) البته اینکه میگویم مربوط به اینجا نیست « مانسخ من‌آیه» مفهومش غیر از این بحث است معنیش این نیست که هر رجلی از دنیا رفت مثل او را قرار میدهیم معنی آیه این نیست والا معنی آیه روشن است.عرض بنده اینست که‌چرامامی‌آئیم این همه بار را سنگین واین همه قدرت را متمرکزوحتی تشریفاتی که‌باعث اتهام است می‌آوریم. اینجا مسأله عفو عمومی افتخاری برای رهبرنیست ولی عدد را زیاد میکنیم وقتی کسی این صفحه را میخواند می‌بیند تمام قدرتها متمرکز شده است‌واین‌سبب اتهام رهبر میشود وباری هم از دوش او بر نمی‌دارد. اساسی که در این اصل هست دوچیز است یکی بند ۱ است ویک‌هم بند ٤ است. خوب‌تعیین فقهای شورای نگهبان بسیار خوب اعضای حکم ریاست جمهوری بسیار خوب بقیه تشریفات است یامسائلی است که تشریفاتی نیست اما بدون دلیل شرعی تمرکز قدرت می‌آورد .

یزدی — این بار سنگین را خدا به‌دوش فقیه گذاشته است.

نایب رئیس— آقای یزدی اینکه نمی‌شود که شما بین‌الاثنین صحبت کنید ما قرار این جوری نداریم چون همه می‌توانند جمله جنابعالی را بگویند. آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — بنده پیشنهاد میکنم که‌یک ماده‌ای هم به‌این اضافه بشود .

نایب‌رئیس — آقای‌رشیدیان، جنابعالی به‌چه‌عنوان می‌خواهیدصحبت کنید؟(رشیدیان— سؤال دارم.) بفرمائید .

رشیدیان — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بعضی ازآقایان‌هیچ صحبت نمی‌کنند وقتی که‌زحمت کشیده شد وبحثها تمام شد آنوقت که‌میخواهند رأی بگیرند متأسفانه نمی‌دانم‌تحت‌چه‌اسمی بگویم اولا این تشریفات نیست این مقام ولایت است که ما متأسفانه به‌هر کسی رسیدیم ما انتظار داشتیم که‌قاسملو بیاید اینجا وبا این اصل ولایت‌مخالفت کند نه‌اینکه بعضی‌ازآقایان که‌اصل ولایت را به‌ظاهرقبول دارند. ما خودمان را آماده کرده بودیم برای‌مقابله‌بااو.(مکارم شیرازی — جلوی توهین را بگیرید .) (نایب‌رئیس — بسیارخوب .)تحت‌نام امام‌خمینی و تحت نام یک مصداق یک حقیقت را دارند می‌کوبند.

موسوی اردبیلی — آقای بهشتی دیروز هم بعضی صحبت‌ها اینجا شد و ما ساکت‌نشستیم اگرقراراباشد وضع اینطور باشد ما برویم دنبال کارمان.

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان بنده ازشما سؤال میکنم آیا واقعاً این سؤال بود؟

رشیدیان — مثل همان سؤال است ببینید آقا عفو عمومی حق رهبراست نه‌تشریفات است ونه بار است ونه افتخار است و اینکه همه‌اش اسم امام خمینی را می‌آورند که این استثناء است تحت این نام و این مصداق‌میخواهند حقیقت ولایت فقیه را بکوبند و ما احتیاج داریم که درطول تاریخ این استمرار پیدا کند.

مکارم‌شیرازی — بحث قابل ادامه نیست ایشان توهین میکنند وبنده ازجلسه خارج

میشوم.

موسوی اردبیلی — آقای بهشتی اشخاصی که اینجا اینطور صحبت میکنند صلاحیت صحبت کردن ندارند واگر این وضع ادامه پیدا کند جلسه را ترك خواهیم کرد.

نایب رئیس — آقای مکارم شما بفرمائید بنشینید.

رشیدیان — آقای مکارم بلندگو اینجا آماده است شما میتوانید بیائید اینجا صحبت کنید.

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان چرا شما شجاعت ندارید که بگوئید من میخواهم به‌عنوان موافق صحبت کنم میگوئید سؤال دارم. آقای رشیدیان دو انتقاد به‌دوستان وارد است چند دفعه تذکرهم داده شده باز رعایت نمی‌شود یکی اینکه کسی که میخواهد مطلبی را به‌عنوان استدلال بگوید، هیچ نیازی به‌اینگونه چاشنیهائی که‌خودش برخلاف موازین اسلام است، ندارد خود این مسألهٔ انسان تعبیری بکند که توهین باشد به‌یک برادرمسلمان. (رشیدیان — هیچ توهین نیست شما باید تشخیص بدهید یا جلسه؟) جلسه تشخیص میدهد این توهین است شما اقلا به تشخیص جلسه احترام بگذارید می‌بینید که اعتراضات‌گوناگون میشود آقا بنابراین ما توقعمان این‌است که دوستان چه‌به‌عنوان موافق وچه به‌عنوان مخالف مطلبشان را بیان کنند حاجتی به‌این حرفها نیست وهمیشه‌گفته شده که اگر ازبهترین مطلب بد دفاع کنیم و برای این بد استدلال کنیم قبل‌از هرچیز به‌این مطلب و حقیقت ظلم کرده‌ایم بنابراین انتظارم این‌است که دوستان عزیز رعایت کنند که اگر راجع به‌یک مطلب میخواهند صحبت کنندبگویند ما دلیلمان این است و دلیل مخالفت وموافقتمان این‌است پیشنهاد اصلاحی ما این‌است واگربعد ازاین بخواهند تحت‌عنوان سؤال مطالبی بگویند من راه سؤال را می‌بندم. سؤال‌این‌است که راجع به‌این مطلب اگرابهامی وجوددارد‌گفته شود والا قرارشد حداکثر یک مخالف ویک موافق‌صحبت کنند حتی آقای مکارم هم صحبت کردنشان وارد نبود ایشان مخالف بودندوآقای قرشی هم به‌عنوان مخالف صحبت خودشان را کرده‌بودند و ازآقای مکارم هم من‌گله میکنم که چرا مخالفتشان را صریحاً نفرمودند.

مکارم شیرازی — من قبلا نوبت‌گرفته بودم شما رعایت نوبت رانکردید.

نایب‌رئیس — اینطورنیست جنابعالی نفر پنجم بودید که نام شما را خواندم آقای‌قرشی به‌عنوان نفر اول اسم نوشتند وبه‌عنوان مخالف‌هم صحبت کردند. به‌هرحال... (آیت — یک خلاف آئین‌نامه‌آقای‌مکارم مرتکب شدند به‌دلیل اینکه من‌خودم آمدم راجع به‌بندپنج صحبت کنم وجنابعالی فرمودید که آن بندمطرح نیست.) بجاگفتم ویا نابجا؟(آیت — چرا بجا فرمودید و بنده هم صحبت نکردم ولی ایشان راجع به بند ۶ میخواست صحبت بکند و رفت درباره چیزهائی راکه تصویب شده بود و نظرداده شده بود مجدداً تجدید مطلع کردند.) به‌هرحال امیدوارم که همه ما بتوانیم نظم کامل را رعایت کنیم تا دیگر اشکالی پیش نیاید حالا راجع به‌بند ۶ چون دیگر سؤالی نیست و مطلب کاملا روشن است اجازه بفرمائید فقط سؤالها مطرح شود. آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — اگر اجازه بفرمائید به‌مطالبی که آقای مکارم‌گفتند بنده جواب بدهم.

نایب‌رئیس — بسیار خوب آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — عرض کنم که با اصل بند، بنده کاملا موافقم ولی یک‌اشکال دارد که اگریک کلمه اضافه شود به‌نظر بنده بهتر است وآن این‌است که عفو یا تخفیف‌مجازات محکومین

طبق موازین قانون، حق رهبراست بدون هیچ تردید اما اگر این جمله را به همین کیفیت بگذاریم فردا هم هر کسی که درهرجا محکوم شد مستقیماً به رهبر مراجعه میکند این است که من پیشنهاد میکنم برای اینکار یک مجرای قانونی درست کنند، مثلا بنویسید با پیشنهاد دیوانعالی کشور یا دادگستری، که مجرائی داشته باشد تا درنتیجه مردم و کسی که محکومیت پیدا کرده به آنجا مراجعه بکند.

نایب رئیس — تذکر قابل ملاحظه است. آقای تهرانی بفرمائید.

تهرانی — اگر کسی مخالفت کرد بنده جواب خواهم داد، جواب آقای منتظری را هم خواهم داد.

نایب رئیس — آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — عرض کنم که منظور از این اصل اجرای ولایت فقیه است و همانطور که گفتم باید معلوم شود برای ما که تنها راه اجرای ولایت فقیه...(نایب رئیس — شما اگر سؤالی دارید صحبت کنید.) درمورد اصل عمومی اش هم همینطور است اگر این مسأله به تنفیذ بتواند به دیگری احاله بشود این هم مشکلات رهبر را کمتر میکند ازاینکه مرتب به او مراجعه شود وهم اینکه مقام دیگری هم هست که کارمیکند همین مطلب درسایر وظایفی که گفته شده است می آید یعنی قابل تنفیذ است، اگر چنانچه این امور و وظایف را رهبر به دیگری احاله کند هیچوقت مخالف با ولایت فقیه نیست و من لازم میدانم دراین موقعیت درباره آن طرحی که خدمتتان دارم و با امام هم درمورد آن صحبت کردم... (نایب رئیس — آقای حجتی ما الان قرارمیگذاریم اگر سؤالی هست مطرح بفرمایند.) سؤال من این است آن طرح یک طرحی است که به نظرمن...

نایب رئیس— این سؤال راجع به این بنداست؟ (نمایندگان— اجازه بدهید رأی بگیرند طرح ایشان صبح رد شد.) آقای حجتی کرمانی من ازشما خواهش میکنم ملتزم به صدق باشید اینکه شما میفرمائید سؤال نیست هرکس سؤال دارد سؤال کند ، اگر کسی مطلب دیگری دارد به نام سؤال آنرا نگوید آخر این چه سؤالی است بفرمائید من یک مطلب دیگری دارم اگر شرایط مجلس اجازه داد اجازه میدهم که صحبت کنید. (حجتی— صدق که ما همه داریم شما هم دارید ما هم داریم ما را متهم نکنید که ما صدق نداریم.) من ازشما میپرسم سؤال دارید شما میفرمائید بلی سؤال دارم. (حجتی کرمانی— این همه تخلف از آئین نامه میشود این هم یکی ازآنها مهم نیست منظور من اینست که دربرابرآقای رشیدیان که یک لغوی هم به نظرمن رسید خواستم بگویم که دفاع ازیک اصل با تهمت زدن به دیگران فرق دارد من میخواهم از خودم دفاع کنم.) شما اجازه بفرمائیدمجلس را متشنج نکنید. (حجتی— من باید ازخودم دفاع کنم.) پس بنده جایم را میدهم به سرکار و شما جلسه را اداره کنید.

کرمی — پس ازگذشت یک هفته بلکه بیشتر و یک هفته جلوتر درگروهها ویک ماه و اندی درجلسات مشترك، ماحصل اینست شما میخواهید این اصل همه اش رایک مرتبه به رأی بگذارید میتوانید این شش بند را در شش مرتبه پشت سرهم به رأی بگذارید هرکسی مخالف بود رأی مخالف میدهد و هرکسی موافق بود رأی موافق میدهد.

نایب رئیس — من همین کاررا میخواهم بکنم. آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — من مطلبی را میخواهم توضیح بدهم که میشود آن را سؤال حساب کرد و

آن اینست که این عفو عمومی که شما اینجا نوشته‌اید جرائم سیاسی است یا کل جرائم است؟

نایب‌رئیس — اصلا عمومی نیست اینها درمتن صبح نبود ما نوشته‌ایم عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی. (دکتر آیت — خوب این اصلا صحیح نیست.) پس شما مخالف هستید؟ (دکترآیت — بلی بنده مخالفم.) آقای بشارت.

بشارت — آیا ازاین جهت که مردم دسترسی بیشتر به‌رهبر دارند مرتب مزاحم رهبر میشوند امکان ندارد این عفو عمومی را به‌فقهای شورای نگهبان تفویض کنیم وپاسخی هم برای آقای مکارم داشتم خیلی محترمانه.

نایب‌رئیس — آن‌را آقای جوادی جواب میدهند. آقای ربانی شیرازی.

ربانی شیرازی — بنده میخواستم ببینم این عفو عمومی وتخفیف در چه مجازات است. (نایب رئیس—اینکه مطلق است فعلا.) ومن پیشنهاد داشتم که‌سیاسی هم اضافه‌شود. مسأله‌دوم در حدودموازین اسلامی، چه‌لزومی دارد، مگررهبرخلافی میکند که‌ماسی‌خواهیم دست‌وپایش رابندیم؟

نایب‌رئیس — صبح جواب داده شد. آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنده میخواستم عرض کنم به عقیدهٔ بنده اینجا در حقیقت چند اصل باهم تلفیق شده است واین موجب نگرانی‌ها ومباحثات زیادی میشوداجازه‌بفرمائید در کل مطلب تعدادی موافق ومخالف صحبت کنند.

ربانی شیرازی — صبح مادر جلسه خصوصی بودیم شما اگر بخواهید من رأی بدهم این رابابد بگوئید، نباید بگوئید صبح گفته شد، من که صبح نبودم.

نایب‌رئیس — ما صبح گفتیم از آنجا که ما تمام ولایات را محدود میکنیم به‌حدود الله، ذکر حدود الله در اینجا این فایده را دارد که سایر جاها هم که حدودالله را ذکر کردیم معلوم باشد مربوط به‌فرد ومقام مشخص نیست آن شأن واقعی حدود الله باشد. آقای حسینی هاشمی سؤالی دارید؟

حسینی هاشمی— عرض بنده اینست که همانگونه که اعلام جنگ رابه رهبرواگذارمیکنیم قطعاً اعلام عفو را هم آقایان توجه‌داشته‌باشند که به‌رهبر واگذار کنیم نهایت این است که اگربخواهیم یک‌پیشنهادی نظیرشورایعالی‌دفاع ملی‌را اضافه‌بکنیم بهتراست، ولی‌این نباید از رهبربرداشته شود.

نایب‌رئیس — آقای جوادی شما به آن دونکته جواب بدهید تا رأی بگیریم.

جوادی — جواب اشکال جناب آقای منتظری اینست که‌جنایت بردو قسم است، قسم اول جنایتی است که بریک فرد واقع میشودقسم دوم جنایتی است که بر جامعه واقع میشودو یک‌جنایت عمومی نسبت به‌کشور خواهد بود قسم‌اول از بحث‌بیرون است زیرااگر برفردی جنایتی واقع شد بازماندهٔ آن شخص حق دارد که‌طبق موازین اسلام اقدام‌نماید مثلااگر کسی کشته شد بازماندهٔ او حق قصاص دارد چنانکه در آیه آمده « من‌قتل‌مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً » در این قسم رهبر اگر بخواهد اعمال ولایت نماید از راه‌اعمال‌ولایت برولی‌دم میباشدو اما قسم دوم دارای ابعاد گوناگون است زیرا عفوگاهی عمومی است وگاهی شخصی وخصوصی چنانکه تخفیف هم‌گاهی عمومی است وگاهی خصوصی یعنی جنایتی که‌از گروهی نسبت به کشور انجام گرفت رهبر طبق ولایتی که‌دارد میتواند همه‌آنها را عفو کند ویا برخی از آنان را عفو نماید چنانکه میتواند مجازات همه‌آنها را تخفیف دهد و یا مجازات برخی از آنها را تخفیف دهد وهمه‌این عفوها وتخفیف‌ها طبق‌موازین اسلام خواهد بود، وجواب اشکال‌جناب

آقای مکارم اینست که ایشان فرمودند در بین این همه وظایف و اختیارات که در این اصل به رهبر داده شد فقط بند ۱ که تعیین فقهای شورای نگهبان است و بند پنج که عزل رئیس جمهور است، سهم است و بقیه بندها اهمیت کافی ندارند ، ولی باید توجه کرد که چون قوای حاکمه در مملکت سه تا است اول قوه مقننه دوم قوه قضائیه سوم قوه مجریه این اصل ۸۷ به منظور تشریح ولایت فقیه است در تمام این سه قوه، زیرا تعیین فقهای شورای نگهبان بیان ظهور ولایت فقیه است در قوه مقننه، و تعیین عالیترین مقام قضائی کشور ظهور ولایت فقیه است در قوه قضائیه، و بقیه بندها بیان ظهور ولایت رهبر است در قوه مجریه ، پس تمام این وظایف از اهمیت کافی برخوردارند.

نایب رئیس— متشکرم . یک پیشنهادی از آقای هاشمی نژاد است که قابل ملاحظه است به این مضمون که: «عفویا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی به پیشنهاد دیوانعالی کشور» از نظر اینکه سرنوشت اصل به ابهام برنخورد ما یک راه بیشتر نداریم و آن اینست که این اصل شش بند دارد هر بند را با ورقه رأی میگیریم و رأی شماری میکنیم و بعد از اینکه همه اینها مشخص شد ، مشخص میشود که این اصل با این بندها تصویب شده است والا اگر مابخواهیم باجمع رأی گیری بکنیم باتوجه به اینکه ملاحظه فرمودید بعضی از این بندهای جزئی حرف رویش هست سرنوشت کل این اصل را که هشت روز است روی آن کار میکنیم به بن بست میکشاند، بنابراین با اجازه دوستان من بند اول را برای رأی گیری با ورقه میخوانم عرض میشود که آن مسألهٔ وظایف و اختیارات مطرح نیست چون مثلا اگر عفو آمد حتماً باید آن بالا باشد اختیارات، اگر عفو نیامد آنوقت میتواند طوری دیگر باشد که آخر کارسا رویش رأی گیری میکنیم. فعلا اعلام رأی میکنم برای بند اول به شرح زیر:

اصل ۸۷ (اصل یکصد ودهم)— وظایف و اختیارات رهبری :

۱- تعیین فقهای شورای نگهبان.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی گیری نسبت به بند اول: عده حاضر شصت ویک نفر، شمارهٔ کل آراء شصت ویک رأی، آراء موافق پنجاه و هفت رأی، مخالف هیچ ، آراء ممتنع چهار رأی تصویب شد (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند). بند ۲ را می خوانم:

۲- نصب عالیترین مقام قضائی کشور.

لطفاً رأی بگیرند (اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر شصت ویک نفر، تعداد کل آراء شصت ویک رأی، آراء موافق شصت ویک رأی، این برای دومین باراست که به اتفاق آراء مطلبی تصویب میشود. تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند). بند سوم را برای گرفتن رأی میخوانم:

۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیب زیر:

الف — نصب و عزل رئیس کل ستاد مشترک.

ب — نصب وعزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ج — تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر اعضای زیر:

رئیس جمهور

نخست وزیر

وزیر دفاع

رئیس کل ستاد مشترک
فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
دومشاور به تعیین رهبر
د — تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورایعالی دفاع.
ه — اعلان جنگ وصلح و بسیج نیروها به‌پیشنهاد شورایعالی دفاع.
لطفاً رأی بگیرید. (اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر شصت ویک نفر، شماره کل آراء شصت ویک رأی، آراء موافق پنجاه وسه رأی، آراء مخالف سه‌رأی، آراء ممتنع پنج رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند). بند ٤ را برای گرفتن رأی میخوانم:

٤— امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری ازجهت دارا بودن شرایطی که دراین‌قانون می‌آید باید قبل‌ازانتخابات به‌تأیید شورای نگهبان و در دورهٔ اول به‌تأیید رهبری برسد.

لطفاً رأی بگیرید. (اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر درجلسه شصت ویک نفر، شمارهٔ کل آراء شصت ویک رأی آراء موافق پنجاه رأی، آراء مخالف چهار رأی، آراء ممتنع هفت رأی، بنابراین به‌تصویب‌رسید، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند). بند ٥ را برای گرفتن رأی میخوانم:

٥— عزل رئیس جمهور با درنظرگرفتن مصالح کشور، پس ازحکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به‌عدم کفایت سیاسی او.

لطفاً رأی بگیرید.(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضرشصت ویک نفر، تعداد کل آراء شصت و دو رأی، یک رأی به‌قیدقرعه خارج شد، آراء موافق چهل‌و هشت‌رأی، آراءمخالف هفت رأی، آراء ممتنع‌شش رأی، بنابراین‌تصویب‌شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).بند٦را برای رأی‌گیری‌میخوانم:

٦- عفو یاتخفیف‌مجازات‌محکومین درحدودموازین‌اسلامی‌پس‌از پیشنهاددیوانعالی کشور.

لطفاً رأی بگیرید.(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر شصت ویک‌نفر، تعداد کل‌آراء شصت ویک‌رأی، آراء موافق پنجاه ودورأی، آراء مخالف‌سه‌رأی،آراء ممتنع‌شش‌رأی، بنابراین این‌بند هم‌تصویب‌شدوبالاخره کل‌این‌اصل‌تصویب‌شد تکبیر (حضارسه‌مرتبه‌تکبیر گفتند). برای اطلاع ملت ایران عرض‌میکنم مایک‌هفته برای تکمیل شدن وپخته شدن‌این اصل‌به‌بحث وگفتگودرجلسات‌گروهها ودرجلسه عمومی‌پرداختیم خواستیم تاآنجاکه در توان‌نمایندگان‌هست بتوانند بااظهار نظر خودشان این اصل را ساخته‌تر وکامل‌تر بکنند در عین‌حال مدعی نیستیم که‌هیچ اصلی از این‌اصول از هر جهت بی‌عیب ونقص است امیدواریم با این اصولی که‌تصویب میشود راه نظام اسلامی سازنده‌مان باز بشود وتکامل‌آن‌هم برعهده آیندگان باشد ان‌شاءالله.

۳ — پایان جلسه

نایب‌رئیس — چون‌دیگر مطلبی نداریم جلسه را ختم میکنم.

(جلسه ساعت هفده وده دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و پنجم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۲/۱۵ دقیقه روز بیست و سوم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیست و سوم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱- طرح و تصویب اصل ۸۸ (اصل یکصد و سیزدهم) .....
۲- طرح و تصویب اصل ۹۰ (اصل یکصد و چهاردهم) .....
۳- طرح و تصویب اصل ۹۱ (اصل یکصد و شانزدهم) .....
۴- ورود هیأت فلسطینی و چند سخنرانی به این مناسبت .....
۵- طرح و تصویب اصل ۹۲ (اصل یکصد و هفدهم) .....
۶- طرح و تصویب اصل ۹۳ (اصل یکصد و هجدهم) .....
۷- طرح و تصویب اصل ۹۴ (اصل یکصد و نوزدهم) .....
۸- طرح و تصویب اصل ۹۵ (اصل یکصد و بیستم) .....
۹- طرح اصل ۹۷ .....
۱۰- پایان جلسه .....

۱ـ طرح و تصویب اصل ۸۸ (اصل یکصد وسیزدهم)

نایب‌رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. امروز چند اصل برای دستور جلسه‌آماده شده که خدمت دوستان داده شده است ، اصل ۸۸ را قرائت می‌کنم :

اصل۸۸ — رئیس جمهور پس از رهبری عالیترین مقام رسمی کشوراست ومسئولیت اجرای قانون اساسی وتنظیم روابط قوای سه‌گانه وریاست قوهٔ مجریه را جز در اموری که‌مستقیماً به‌رهبری مربوط میشود ، برعهده دارد .

نایب‌رئیس — آقای مکارم فرمایشی دارید بفرمائید .

مکارم‌شیرازی — این کلمهٔ « پس از رهبری» کمی ناموزون است ، نوشته‌شود « پس‌از مقام رهبری » .

نایب رئیس — نظر دوستان این است که بنویسیم : « پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است ».

یزدی — در این آخر که نوشته شده «مستقیماً به‌رهبر مربوط میشود » باید نوشته‌شود «مستقیماً به‌رهبری مربوط میشود » .

نایب‌رئیس — باید رهبری باشد وازپیش هم رهبری درذهنمان‌بود. (طاهری‌اصفهانی— در پیش‌نویس هم رهبر نوشته شده بود .) (صافی — آنجا هم نوشته شود رئیس‌جمهوری‌نه رئیس جمهور.) گفتیم که بخود اوهم اطلاق میشود.

فاتحی — برای من هنوز روشن نشده که ریاست قوه مجریه را ما قبلا یک‌شورایعالی دفاعی مرکب از هفت‌نفر تنظیم کردیم وریاستش را هم به‌رهبر دادیم بعداً اینجا میگوئیم «ریاست قوه مجریه جز در اموری که‌مستقیماً به‌رهبر مربوط میشود» این به‌نظر من قدری مبهم است وباید توضیح داده شود که ریاست شورایعالی دفاعی رهبر بود ورئیس جمهور یکی از اعضاء شورایعالی دفاعی است اینجا ریاست اگرمی‌گوئیم در واقع بستگی دارد به‌نظر خودشورا یعنی هفت نفر .

نایب‌رئیس — مسأله شورایعالی دفاع غیر از مسأله‌فرماندهی کل قوا است که‌ریاست است‌این که داخل در مستثنی است فرماندهی کل‌قوا است بنابراین شمانگران نباشید عبارت رسا است مثل اینکه این اصل را می‌توانیم به‌رأی بگذاریم چون‌سرراست هم‌هست‌اگر سؤال دیگری نیست به‌رأی بگذاریم .

سبحانی — در پیش‌نویس نوشته شده « امور داخلی وروابط‌بین‌المللی » بفرمائید چرا حذف شد .

نایب‌رئیس — صبح از طرف دوستان جواب داده شد که‌اینها همه‌داخل قوه مجریه‌است وروابط‌بین‌المللی جزو وزارت‌امور خارجه‌است،قسمت‌های‌دیگرهم که‌داخلی‌است‌اینها همه‌داخل

میشود در قوه مجریه بنابراین اصل را می‌خوانم برای رأی‌گیری وبه‌این ترتیب‌اصلاح شد :

اصل۸۸ (اصل یکصد و سیزدهم) — رئیس جمهور پس از مقام رهبری عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به‌رهبری مربوط میشود، برعهده دارد.

لطفاً گلدانها را برای رأی‌گیری نزد نمایندگان ببرید .

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به شرح زیراعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه اخذ رأی را اعلام میکنم ، عده حاضر در جلسه هنگام‌رأی‌گیری پنجاه وهفت نفر، تعداد کل‌آراء پنجاه‌وهفت رأی، آراء موافق پنجاه‌وچهار رأی ، آراء مخالف یک‌رأی ، آراء ممتنع دورأی ، بنابراین تصویب شد ، تکبیر(حضارسه مرتبه تکبیر گفتند) .

اصل ۸۹ مربوط میشود به‌خصوصیات رئیس جمهور که‌امروز مقدار زیادی رویش بحث شد وچون به‌نتیجه‌نهائی نرسیدیم قرار شد فردا صبح نیم‌ساعت وقت صرف کنیم بلکه به‌یک نتیجه نهائی برسیم بنابراین، این اصل آماده‌نشد برای‌اینجا و اصل ۹۰ را قرائت می کنم :

۲- طرح وتصویب اصل ۹۰ (اصل یکصد وچهاردهم)

اصل ۹۰— رئیس جمهور برای مدت چهار سال از راه مراجعه مستقیم به آراء عمومی انتخاب میشود وانتخاب متوالی او تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است .

نایب‌رئیس — تذکری‌میدهم خدمت‌دوستان وآن‌اینکه، این‌عبارت «از راه‌مراجعه‌مستقیم به‌آراء عمومی» را ما می‌توانیم کوتاهتر بکنیم وبنویسیم‌بارأی مستقیم مردم، هم عبارت کوتاهتر میشود وهم‌بارفراندوم‌اشتباه نمی‌شود ، اگر موافق هستید همین کار را بکنیم‌یعنی «رئیس‌جمهور برای مدت چهارسال بارأی مستقیم مردم انتخاب میشود. » (پرورش — کلمه «متوالی» را «مجدد » بکنید .) ماميخواهيم بگوئيم که‌انتخاب متواليش يک‌دوره است ، والاغير متوالی چند دوره است ، اگر بخواهید عبارت را تغییر بدهید میشود «وانتخاب مجدد اوبه‌صورت متوالی تنها برای یک‌دوره بلامانع است» .

مکارم شیرازی — انتخاب متوالی، یک‌دوره را متوالی نمی‌شود گفت بلکه دوتائی‌متوالی میشود .

نایب‌رئیس — عبارت را اصلاح بفرمائید که « انتخاب مجدد او به‌صورت متوالی تنها برای یک‌دوره بلامانع است .» (رحمانی — بنده مخالفم .) انتخاب مجدد دوجوراست یک‌وقتی بلافاصله است آنوقت میگوئیم یک دوره ولی اگر بافاصله شد دوسه دوره... (خزعلی — بنده مخالفم .) آقای موسوی جزایری بفرمائید.

موسوی جزایری — بنده خواستم بفرمائید که چرا تفکیک‌شده یک دوره، ممکن است یک‌فرد لایق‌ومتقی وکاردان باشد واکثریت‌مردم هم این‌لیاقت وکاردانی را تشخیص‌بدهند.

نایب‌رئیس — آقای مکارم نظری دارید ؟ (مکارم — بنده موافقم .) آقای دکتر آیت نظری دارید ؟ (آیت — بنده نیز موافقم.) آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — بنده با تصویب این اصل قبل از اصل ۸۹ مخالفم ، برای اینکه اگر آنجا توافق حاصل نشد وتصویب نشد آنوقت تکلیف‌چیست؟

نایب‌رئیس — به‌هر حال این را باید به‌یک صورتی حل کنیم، آقای فوزی به‌نظر من

اشکالی نیست. آقای پرورش نظری دارید ؟(پرورش — بنده موافقم .)اولین مخالف‌آقای رحمانی واولین موافق آقای مکارم صحبت میکنند وبعد رأی میگیریم ، آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . اینکه رئیس‌جمهور را از راه مراجعه‌مستقیم به آراء عمومی‌انتخاب نمایندمخالف‌هستم به‌جهت اینکه راه سهلترمراجعه به‌مجلس است‌با دوسوم آراء یاسه‌چهارم آراء وامثال اینها ، چه وجهی دارد که رهبر از طریق‌مجلس خبرگان انتخاب‌میشود که‌دارای اختیارات اصلی است ولیکن رئیس جمهور از طریق آراء مستقیم مردم ، پس‌بنابراین برای حفظ تعادل لازم است که این هم از راه‌مجلس شورای ملی باشد با توجه به‌اینکه هم هزینه‌اش کمتر میشود وهم‌مقطعی کمتر دارد وهم در مقام عزل زودتر انتخابات صورت‌میگیرد عرض بنده همین بود .

نایب‌رئیس— به‌این ترتیب‌چون آقای‌خزعلی‌جهت‌مخالفتشان فرق‌میکندتشریف‌بیاورند .

خزعلی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . در این اصل . ۹ آمده است که «رئیس جمهوربرای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب میشود وانتخاب مجدد او به‌صورت متوالی تنها برای یک دورهٔ دیگر بلامانع است » روح این اصل وفلسفه این قانون این است، کسی که مسلط برقدرت شد خصوص دودورهٔ متوالی ، طوری میشود راهها را در دست دارد ومیتواند مقدرات مردم راقبضه کند ولذا صلاح این است که دورهٔ سوم مستولی برحقوق مردم‌نباشدافراد لایق در گوشه وکنار مملکت پیدا میشوند ، این مطلب درست است اما گاهی‌یک‌فرد بسیار لایقی پیدا میشود که دودوره را اداره کرده ومانند ندارد وبا این قانون دست‌اورا می‌بندیم و مسئولان این انتخاب دستشان بسته میشود، چون مسئولان عبارتند از : شورای نگهبان ورهبر وخود مردم که در انتخاب اصیل وبیدار هستند، برای دورهٔسوم‌اگر نالایق است دیگر انتخابش نخواهند کرد ، بنابراین راه را باز بگذارید خود آنها نالایق را عقب‌خواهند زد واگر ناچاریم که‌این قید را بیاوریم اقلا یک‌استثناقائل‌بشویم، بگوئیم که‌بیش از دو دورهٔ متوالی ممکن نیست الا در افرادی که به تشخیص رهبر وشورای نگهبان‌صلاحیتشان محرز است ومورد‌رضایت مردم هستند، استثنائاً چنین شخصی میتواند دوره سوم وبیشتر را حائزباشد.

نایب‌رئیس — آقای مکارم به‌عنوان موافق تشریف بیاورید .

مکارم شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دونفر ازبرادران بااین اصل‌با دومنطق مخالف بودند، اول جناب آقای رحمانی‌که ایشان عقیده داشت به‌اینکه رئیس جمهور باید به‌وسیله مجلس انتخاب بشود وسه دلیل‌داشتند که اگر خلاصه‌اش کنم دلیل اول مساوات با رهبر، دلیل دوم هزینه کمتر، دلیل سوم نصب آسانتر، و من فکر میکنم هیچکدام ازاین سه‌دلیل قانع کننده‌نیست، به‌علت‌اینکه رئیس جمهور باید یک پیوند مستقیمی بامردم داشته باشدوپیوند مستقیمش تنها از طریق مراجعه به آراء عمومی ممکن است‌واگر از طریق مجلس بوده باشد این پیوند مستقیمش با مردم از بین میرود و به‌صورت پیوند غیر مستقیم درمی‌آید و آن قدرتی که لازم است داشته باشد و همبستگی بامردم که باید داشته باشد در رئیس جمهور پیدا نمی‌شود، واما اینکه در دلیل اولشان‌گفتند که باید با رهبر مساوی باشد چون رهبر راخبرگان انتخاب میکنندبه‌قول ما این قیاس‌مع‌الفارق است برای‌اینکه رهبریک جنبه تخصصی مخصوص به خوددارد وآن مسألهٔ فقاهت وآن شرایط خاصی که تنها خبرگان میتوانند تشخیص بدهند به خلاف رئیس جمهورهمین اندازه مشخص بوده باشد لایق و پاك و امین، یک شرایطی که

در رئیس جمهور قسمتی ازآن امروز صبح ذکر شد وبه‌خواست خدا بعداً به مجلس خواهدآمد آن را مردم می‌توانند تشخیص بدهند ولی تشخیص صفات رهبر جز برای اهل خبره ممکن نیست. و اما اینکه گفتند هزینه کمتر، مسلم است که هزینه دراینجا نباید مشکلی ایجاد بکند، وقتی پای منافع ملت درکار بوده باشد و استحکامی به‌حکومت ببخشد مقدار هزینه انتخابات درمقابل آن ناچیز است. واما اینکه گفتند نصبش بعداز عزل آسانتر می‌شود، انتخاب کردن هم کار مشکل وپیچیده‌ای نیست البته یک مقدار شاید زمان بیشتری لازم داشته باشد اما آنچنان مقدار زمانی نیست که کارمملکت را به‌نابسامانی بکشد، اگر تمام اینها رابگذاریم دربرابرآن پیوند محکمی که رئیس جمهور ازطریق آراء مستقیم مردم با مردم پیدا میکند و آن قدرتی که به او میدهد و حتی مرعوب بودنش هم دربعضی شرایط اگر مجلس شرایط نابسامانی داشت مرعوب هم نمیشود بالاخره منافعش مسلماً بیشتر است و اگر ازطریق آراء مردم باشد بهتر ازاین‌است که ازطریق مجلس باشد. و اما آنچه جناب آقای خزعلی گفتند که ما نباید محروم کنیم کسی را بعداز دو دوره، چرا به‌علت اینکه ممکن است فردی لایق بوده باشد و این‌فرد لایق مثلا ده دوره هم انتخاب بشود، سنش هم اقتضا بکند واستعداد هم داشته‌باشد، چراملت ازیک چنین استعداد وسرمایه انسانی محروم بماند، وگفتند لااقل دراین قانون یک استثناء بگذارید، این البته چندتا جواب دارد که‌به‌صورت خیلی فشرده عرض میکنم اولین جواب‌اینست که فلسفه این حب که درخیلی جاها هست اینست که یک نفر جا خوش نکند و قدرتش خیلی ریشه‌دار نباشد ، غالباً دیده شده حالا افراد استثنائی را بگذاریم کنار، نظاماتی که سالیان متمادی ادامه پیدا میکند غالباً به فساد و دیکتاتوری میکشد و هنگامی که رئیس جمهور دو دوره‌گذشت بعداز هشت سال چهار سال دیگر، دوازده سال وشانزده سال به‌آن حالت باقی بماند،بیم‌استبداد درآن کم‌نیست. و اما اینکه‌فرمودند افراد استثنائی ممکن‌است پیدا بشوند، میدانیم که قوانین تابع استثنائات‌نباید باشد. (هاشمی‌نژاد— به‌نیروهای‌دیگرهم امکان‌میدهد.) بله علاوه‌براین، این راهم عرض کنم که به‌استثنائات ما نباید توجه داشته‌باشیم البته ایشان حق دارند و ممکن است‌یک موقعی فردی پیدا بشود اما رعایت این فرد نادر درمقابل آن فلسفه‌ای که در غالب موارد به استبداد کشیده میشود اگر بخواهیم بکنیم حق آن فلسفه ازبین رفته است.(طاهری اصفهانی — این جواب شما قانع کننده نبود.)توجه بفرمائید، این تجربه در دنیا هم شده و خود من هم پذیرفته‌ام که پشت سرهم برای مدت طولانی نمی‌گذارند کسی برسرقدرت باشد، ازهمه اینها گذشته کار ریاست جمهوری واقعاً یک کار خردکننده است کسی که هشت سال پشت‌سرهم بخواهد انجام وظیفه بکند نه سمبل کاری بکند، واقعاً اعصابش را میکوبد، حداقل چهارسال استراحت بکند و بعد دومرتبه بیاید، مانع انتخاب مجدد او نیستیم بلکه مانع سه‌دوره پشت سرهم هستیم، یعنی میگوئیم این آدم خیلی‌خوبی است ولی هشت سال کار از او کشیده‌ایم چهارسال استراحت بکند و دومرتبه بیاید وبازهم هشت سال دیگر پشت سرهم حق دارد بوده باشد و این یک چیز غیر منطقی نیست و اما اینکه گفتندیک استثنائی درقانون بنویسیم، برای افراد شاذ ونادر درقوانین چیزی نمی‌نویسند، عرض نمی‌کنم هرکدام ازاینها دلیل مستقل، اما این پنج شش مطلب را اگر روی‌هم اضافه بکنیم، ازمجموع همه اینها ماميتوانیم نتیجه بگیریم که‌رویهمرفته باز صلاح و مصلحت اینست که‌رئیس جمهور بافاصله‌بعداز هشت‌سال انتخاب بشود.

مشکینی — قاعده دفع ضرر راهم ازجلب منفعت ازچه... قاعدهٔ عقلائی است، این حرف آقای خزعلی را رد میکند.

مکارم شیرازی — بله، مصداقش را عرض کردم.

نایب‌رئیس — آقای طاهری سؤالی داریدبفرمائید.

طاهری‌اصفهانی — سؤال من این است‌اگر یک فردی که ازهرجهت برایش تأمین‌داریم‌و درآن چهارسالی هم‌که انتخاب شد امتحان خودش را از نظرکمی و کیفی به‌ملت و زعما داد و استعداد بدنی هم دارد این چه مانعی دارد که سه‌دورهٔمتوالی انتخاب بشود؟ و اگر درهمان دورهٔ اول‌همچون تأمینی برایش پیدا نکردیم و خائف هستیم برایش، پس برای‌دورهٔ دوم هم انتخاب نمی‌شود.

مکارم شیرازی — جواب اینست که‌ما نمی‌توانیم برای یک دورهٔ معین قانون وضع‌بکنیم ما اگر راهی بازکردیم برای سه‌دوره درواقع به‌روی همه بازکردیم، منتهاگفتیم استعداد بدنی داشته باشد وخوب باشد ودراینصورت ممکن است همه بگویند ما استعداد بدنی داریم و عده‌ای هم طرفدار داشته باشند که آدم خوبی است و این به قول آقای مشکینی وقتی روی‌هم رفته حساب میکنیم کسانی که از این قانون استفاده میکنند مثلا ده نفر هستند ، نه نفر از آنها ممکن است کارشان به‌استبداد بکشد، اما ممکن است یکی ازآنها همانطوری که شما میفرمائید سرمایه خوبی برای مملکت باشد ، آیا بخاطر آن یک سرمایه خوب که یکدهم است و آن نه‌نفری که غالباً کارشان به استبداد میکشد ماآن را انتخاب بکنیم؟ مسلماً صلاح قانون نیست.

نایب‌رئیس — متشکرم، مخالف و موافق صحبت کردند ولی آقای منتظری میفرمایند که من ازجهت سومی مخالف هستم که هیچ‌یک از دو مخالف متذکر این جهت نشدند، به‌هرحال چون دونفر مخالف صحبت کرده طبق آئین‌نامه، اگرجلسه موافقت بکند آقای منتظری میتوانندصحبت کنند. حالا موافقین به‌اینکه آقای منتظری که ازجهت‌سوم مخالف‌هستندنظرشان را بیان بکنند دستشان را بلند کنند (اکثر دست بلند کردند.) موافقت شد . آقای منتظری بفرمائید .

منتظری — اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم ، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . من از اول با اینکه یک نفر رئیس جمهور باشد مخالف بودم ، آیهٔ شریفه قرآن «وامرهم شوری بینهم» تخصیصی برایش نخورده است الا فی‌الریاست‌الجمهوریه، و ما هرچه کار بکنیم و کارها را دست یک نفر ندهیم، به‌نظرم به‌صلاح مملکت است، برای اینکه ما درکشورهای خارج هم دیده‌ایم با اینکه شاهنشاهی هم نبوده و ریاست جمهوری بوده، و رئیس جمهورش هم موقت بوده ولی در اثر اعمال‌نفوذ آن رئیس‌جمهور، خودش را رئیس جمهور دائم کرده والان هم دربعضی ازکشورها مصداق دارد که به‌ملت ریاست جمهوری مادام‌العمر خودش را تحمیل کرده، ما بجای اینکه یک رئیس جمهور داشته باشیم، باید یک شورای جمهوری داشته باشیم که اقلا سه نفر باشند، و این سه نفر در رأس قوهٔ مجریه باشند بعد از مقام رهبری منتها یک مقدار تشریفاتی هم در مملکت هست که فرضاً یک رئیس جمهوری یا یک شخصیتی ازکشور خارج میخواهد بیاید ایران، آنوقت آن سه‌نفر بین‌خودشان یک رئیسی دارند و به‌عنوان تشریفات یک نفر ازخودشان را به نام رئیس انتخاب میکنند که اداره کند آن تشریفات را، یا فرضاً اداره جلسات را به عهده بگیرد ولی در مورد تصمیم‌گیری اگر سه نفر باشند از دیکتاتوری مملکت ما دورتر خواهد شد،

و ما از باب اینکه بارها هم عرض کرده‌ام، انسان سارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد، آنوقتی که رضاشاه را آمدند بر این مملکت تحمیل کنند تمام علما و دانشمندان و روشنفکران خیال میکردند باآمدن رضاشاه ایران گلستان میشود و از اروپا هم جلو می‌افتد، رضا شاه هم اول خودش را متدین و معتقد به‌مبانی اسلامی نشان داد ولی آخرش هم دیدیم که دیکتاتورازآب درآمد، پسرش راهم که بعد ازاو دیدیم، همینطور اول با علماگرم میگرفت وتواضع میکرد ولی آخر کارگرگ شد و ازگرگ هم بدتر، اگر چنانچه بنا باشد امور مملکت دست یک نفر باشد از دیکتاتوری دور نیست از باب اینکه مقام خلاصه نوعاً غرور می‌آورد برای انسان و سکر مقام بالاترین سکرهاست، بنابراین اگر چنانچه شورای جمهوری باشد این به‌نظر من بهتر از آن یک نفر خواهد بود البته از اول هم در آن پیش‌نویس که داشتند من طرفدارشورای جمهوری بودم.

نایب‌رئیس— از میان دوستانی که‌اینجا به‌ترتیب اسم‌نوشته‌اند اسامیشان را میخوانم، یک‌نفر که‌بتواندبه‌عنوان موافق در پاسخ آقای منتظری صحبت‌بکند میتواند بیاید صحبت کند.

ربانی شیرازی — با یک موافق قضیه حل نمی‌شود چونکه این مسأله مطرح نشده، در جلسات خصوصی روی ریاست جمهوری‌فرد صحبت شده این اگر بنابودمطرح بشود می‌بایستی‌در آن کمیسیون بحث میشد که آیا شوراباشدیافرد باشد ، این‌اینجااصلا به یک‌موافق‌قضیه حل نمی‌شود .

نایب‌رئیس — یعنی این مسأله اگر هم بخواهد مورد بحث قرار بگیرد جاداردقبلا در جلسه گروهها بحث بشود. (کرمی — این شق در جلسه مشترك دیروز مطرح شد و رد شد .) به هر حال این تذکر آقای ربانی بجاست که‌چون مسأله‌ای است که ما اگر بخواهیم رویش بحث بکنیم‌جادارد در جلسه مشترك گروهها باشد ، پس اجازه بفرمائید از این بحث بگذریم و نظر آقای منتظری هم‌گفته شد ودر رابطه بااین اصل احتیاجی هم‌به‌موافق‌نیست. (منتظری — بالاخره شما یک متخصصی برای آیه پیدا بکنید.) انشاءالله ، بنابراین اصل ۹۰ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۹۰ (اصل یکصد وچهاردهم)— رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال بارأی مستقیم مردم انتخاب میشود وانتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک‌دوره دیگر بلامانع است .

لطفاً گلدانها را برای رأی‌گرفتن نزد نمایندگان ببرید .

(اخذ رأی به‌عمل‌آمد ونتیجه به‌شرح زیراعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه‌اخذ رأی را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه هنگام‌اخذ رأی شصت وچهار نفر ،تعداد کل آراء شصت وچهار رأی ، آراء موافق پنجاه ودورأی،آراءمخالف شش رأی ، آراء ممتنع شش رأی ، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه‌تکبیرگفتند).

۳- طرح وتصویب اصل ۹۱ (اصل یکصد و شانزدهم)

نایب‌رئیس — اصل ۹۱ مطرح است که‌می‌خوانم :

اصل ۹۱ — نامزدهای ریاست جمهوری باید آمادگی خود را رسماً اعلام کنند، نحوهٔ انجام انتخاب رئیس‌جمهور را قانون معین میکند.

نایب‌رئیس — این یک کلمه را میخواهد که «نامزدهای ریاست جمهوری‌پیش از

برگزاری انتخابات باید آمادگی خود را رسماً اعلام کنند». چون هیچ زمانی نداردومثل اینکه یک زمان میخواهد . (جوادی — «آمادگی خودش را اعلام میکند» یعنی پیش از برگزاری انتخابات میباشد .) (طاهری گرگانی — باید قبلا آمادگی خود را رسماً اعلام کنند.) عیبی ندارد بنویسیم « نامزدهای ریاست جمهوری باید قبلا آمادگی خود را رسماً اعلام کنند، نحوه انجام انتخابات رئیس جمهوری را قانون معین میکند.» آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — این کلمهٔ «رسماً» همیشه یک‌سفهوم استاندارد شده‌ای در همه موارد مشابه هم ندارد ، نامه رسمی، کار رسمی ، اعلام‌رسمی ، مثلادر جریان‌خبرگان مادیدیم کسانی که رسماً میخواستند آمادگی خود را اعلام کنند به‌این کیفیت بود که‌به فرمانداری‌محل‌نامه بنویسند باامضای خودشان ، بنابراین اینجا که‌نوشتیم رسماً اعلام کنند به‌چه کسی‌اعلام کنند واصلا رسمیت در این کار باچه کسی‌هست و کانالش کدام است؟ (نایب‌رئیس— این راقانون معین می کند.) قانون معین نمی کند، ملاحظه بفرمائید«نحوهٔ انجام انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می کند».

نایب‌رئیس— یکی از آئین‌نامه‌هایش هم همین است، رسماً یعنی آنطورکه در قانون می‌گوید. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی— به‌نظر من اگر «نامزدها» را «داوطلبان» بنویسیم بهتر است، این در واقع روشنتر است وحقوقی‌تر، نه اینکه ما شورای نگهبان خواهیم داشت اینها رسماً یا کتباً وبجای رسماً، کتباً باشد که رسماً یک معنای کشداری دارد آمادگی خودش را به شورای نگهبان‌اعلام می کند وشورای نگهبان هم لیست را منتشر می کند .

نایب‌رئیس— اینها جزئیات است، آقای کیاوش بفرمائید . (کیاوش— قبل ازانتخابات باید باشد.) بسیار خوب آقای کریمی بفرمائید .

کریمی— به‌دنبال بیانی که آقای هاشمی‌نژاد فرمودند آن جهت باید ذکر بشود و برای فرار از محظوری که صبح درکمیسیون مشترك متذکر شدید جملهٔ «قبلا اعلام بشود» کافی نیست باید مدت آن‌هم ذکر بشود، یعنی هم‌مرکزی راکه درخواست را تصویب می کنندوهم یک هفته، ده‌روز ویست روز... والا ممکن است دوساعت قبل از برگزاری انتخابات اعلام‌بکند وبه‌همین هم استناد بکند .

نایب‌رئیس— این تفاسیر راقانون باید بعداً معین کند، خانم‌گرجی بفرمائید .

خانم‌گرجی— می‌خواستم سؤال کنم نامزدها، داوطلبان راهم شامل می‌شود؟ به‌اصطلاح داوطلبان منفرد ؟

نایب‌رئیس— معلوم می‌شود که توضیح صبح مورد توجه دوستان قرار نگرفته به‌طوری که آقای سبحانی هم این را تکرار کردند، برادرسان آقای دکترغفوری در جلسه قبلی درآن گروه چندنفری بود این مسأله آنجا مطرح بود ونکته‌ای را ایشان تذکر دادند که ممکن است کسی شخصاً داوطلب نباشد و دیگران او را نامزد بکنند، بنابراین به‌این شخص نمی‌گویند داوطلب ولی می‌گویند نامزد، ما طوری بنویسیم که اینگونه افراد هم مشمول باشند.آقای‌دکتر آیت بفرمائید .

دکترآیت— من می‌خواستم توضیحی در مورد شروع بدهم که مثلا سه‌ماه قبل باید شروع بشود البته فرمودید که این هم مربوط به اصول بعدی می‌شود .

نایب‌رئیس— آقای مکارم بفرمائید.

مکارم‌شیرازی— می‌خواستم عرض بکنم که هم داوطلبان بنویسید وهم نامزدها چون داوطلب، نامزد را در برنمی‌گیرد ونامزدهم داوطلب را.

نایب‌رئیس— چرا، هر داوطلبی را می‌گویند نامزد، وخودش، خودش را نامزد کرده.

مکارم‌شیرازی — دوم اینکه کلمه «قبلا» را اگر بگذاریم مفهومش این است که قبل از نامزدی.

نایب‌رئیس — حقیقتش این‌است که باید کلمه قبل از برگزاری انتخابات باشد برای اینکه اگر ننویسیم ممکن است تا اثنای انتخابات چیزی نگوید وبعد مثلا بگوید که‌آماده‌هستم، بنابراین آنچه اول عرض کردم بجاست یعنی «قبل از شروع انتخابات» آقای فوزی بفرمائید. (فوزی— منظور از قانون آیا مصوبه مجلس شورا است یا غیرآن ؟) خیر، قانون یعنی‌آن مقرراتی که دراین لحظات ارزش قانونی دارد بنابراین ممکن است قانون مجلس شورای ملی باشدوقبل ازآن قانون شورای انقلاب. آقای دکتر باهنر بفرمائید. (باهنر— به‌جای نحوه انجام انتخابات بگذارید نحوه برگزاری انتخابات.) درست است پیشنهاد بجائی است، خوب پس به‌هرحال متن را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۹۱ (اصل یکصد و شانزدهم)— نامزدهای ریاست‌جمهوری‌بایدقبل‌ازشروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند، نحوه برگزاری انتخاب‌رئیس جمهور را قانون معین‌می کند. لطفاً گلدانها را برای گرفتن رأی نزد دوستان ببرید.

(اخذرأی بعمل آمد ونتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— نتیجه اخذرأی را اعلام می کنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت وچهار نفر،تعداد کل آراء شصت وچهار رأی، آراء موافق پنجاه ونه رأی،آراء مخالف چهار رأی، آراء ممتنع یک رأی، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

٤- ورود هیأت فلسطینی وچند سخنرانی به‌این مناسبت

(درساعت شانزده هیأت فلسطینی که درمیان آنها هانی‌الحسن نماینده دفترسازمان آزادی بخش فلسطین وابوجهاد رهبر عملیات نظامی الفتح دیده می‌شدند همراه با دکتر یزدی وزیر امور خارجه ایران به جلسه وارد شدند.)

نایب‌رئیس— ما دراین لحظه میزبان مهمانهای عزیزی ازملت برادر وعزیز فلسطین هستیم ونیم‌ساعتی از وقت جلسه را برای پذیرائی ازاین‌مهمانهای عزیزمان اختصاص می‌دهیم برادرمان آقای ابوجهاد فرمانده عالی نیروهای فلسطینی وآقای هانی‌الحسن و دوستان دیگر تشریف آورده‌اند اول به‌آنها خیر مقدم می‌گوئیم.

(دراین هنگام هیأت‌رئیسه به‌طرف آنان آمده وخوش‌آمد گفتند وآیت‌الله‌منتظری رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی پشت‌تریبون رفتند.)

آیت‌الله‌منتظری— اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سلام بر ابوجهاد که به‌حق ابوجهاد مکنی شده‌اند. سلام ما برهمه برادران وخواهران فلسطینی، سلام ما بررهبر فلسطین برادر ابوعمار، سلام ما برهمه برادران وخواهران فلسطینی که در اسرائیل در زندان وتحت شکنجه بسر می‌برند من ازطرف همه نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی به جناب

آقای ابوجهاد برادرمان وسایر برادران فلسطینی که در مجلس بررسی تشریف آورده‌اند خیرمقدم می‌گویم، به مجلس ما خوش‌آمدید، به‌ایران‌ما که منزل خودتان است خوش آمدید. همبستگی ملت ایران با برادران فلسطینی تازگی ندارد همان وقتی که ملت ایران تحت ظلم دولت‌طاغوتی محمدرضا بود هرچند آن دولت به‌اسرائیل کمک می‌کرد اما دلهای ملت ایران برای برادران فلسطینی می‌طپید. من شخصاً به‌یاد دارم هنگامی که درزندان بودم بااینکه برادران وخواهران ما را در شهرهای ایران به شهادت می‌رساندند ولی اخبار لبنان وفلسطین که به‌ما می‌رسید همه ما را ناراحت می‌کرد وبه فکر برادران وخواهران بودیم الان هم توجه دارند که برای اعلام همبستگی نسبت به برادران وخواهران فلسطینی که در زندان‌های اسرائیل درحال اعتصاب غذا هستند دانشجویان دانشگاههای ایران اعلام روزه سیاسی کرده‌اند وامروز ازقم به‌من تلفن کردند که حوزه علمیه قم وبازاری‌های قم همه روزه‌گرفته‌اند وهمه در دانشکده علوم اقتصادی وسیاسی قم مجتمع شده‌اند به عنوان تحصن برای اعتراض به‌این عمل دولت اسرائیل غاصب که حقوق برادران فلسطینی ما را نادیده می‌گیرد، البته همهٔ ما این گناه را از بالاتر از اسرائیل می‌دانیم. اسرائیل یکی‌ازایادی امپریالیزم آمریکا است که آنها همه‌منافع کشورهای جهان سوم را می‌خواهند دراختیار داشته باشند، اسرائیل طفل نامشروع دولت آمریکا است. امیدواریم ان‌شاءالله همینطورکه ملت ایران دراثر ایمان و استقامت و دراثر همبستگی و اتحاد همه‌اقشار و دراثر رهبری صحیح رهبر بزرگ ما حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی به پیروزی رسید ملت فلسطین هم دراثر همبستگی که می‌دانیم دارند و دراثر ایمان و تقوا وهمبستگی با اسلام و رهبری صحیح رهبران بزرگ‌همچون آقای ابوعمار وآقای ابوجهاد وسایر رهبران به‌پیروزی کامل برسند وفلسطین ومسجدالاقصی که قبله اول مسلمین است ازدست اسرائیل‌غاصب نجات پیدا کند. من یک تذکر هم به‌همه برادران وخواهرانی که ممکن است صدای من را بشنوندمیدهم وآن اینکه به ملت فلسطین وسایر برادرانی که درحال‌جهاد ومبارزه هستندبه‌هرنحوی که هست باید کمک کرد، کمکهای معنوی بجای خود، اما اقسام کمک‌ها بایدباشد برای اینکه اگریک مسلمان دراقصی نقاط عالم‌گرفتاری داشته باشد (هرنحوگرفتاری) برادران دیگر درهرجا باشند به‌مقدار وسعت و امکان خودشان لازمست به‌آنها کمک کنند «المؤمنون اخوة المسلمون اخوه» همه باهم بالاخره برادریم، امیدواریم ان‌شاءالله یک روزی جشن پیروزی برادران فلسطینی‌را درفلسطین ودرمسجدالاقصی بگیریم وشرکت کنیم. به‌امید پیروزی همه‌مسلمین وهمه‌مستضعفین جهان. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

مترجم— الاخ ابوجهاد، الاخوة المرافقون، سلامی و سلام‌الشعب‌الایرانی‌البطل و سلام زملائی فی هذاالمجلس و سلام قائدالثورة‌الاسلامیة‌المظفرة علیکم اخوتنا فی‌الجهاد و اخوتنا فی‌النضال یطیب لی باسمی‌وباسم اعضاء مجلس‌الخبراء، المکلف‌بالتصویت علی‌دستورالجمهوریة الاسلامیةالایرانیة ان ارحب بکم بیننا. انکم فی بیوتکم، انتم فی بلدکم ایران، بلد فلسطین، ثورتکم ثورتنا مبادئکم مبادئنا و قضیتکم قضیتنا اننا نعرف ان‌الشاه کان یساعد اسرائیل ولکن الشعب الایرانی کله کان مع‌الثورة‌الفلسطینیة و انا حین کنت فی‌السجن کان قلبی ینبض بحبکم وکان اخوتنا فی‌السجن یتلقون اخبارکم بکل رحابة صدر، انتصارکم کان انتصارا لنا جمیعاً والیوم، حیث یضرب عن‌الطعام‌المعتقلون السیاسیون فی سجون اسرائیل فان‌الشعب‌الایرانی متمثلا فی فئات ثوریة کثیرة من طلاب‌الجامعات و غیرهم اعلنواالصوم‌السیاسی تضامناً

مع المعتقلین السیاسیین فی سجون اسرائیل، ولقد جاءنی هذا الصباح خبر مفاده ان طلاب الحوزة العلمیة فی مدینة قم المقدسة هم و بقیة الفئات ایضاً قد اعلنوا الصوم السیاسی وانهم سیجتمعون فی کلیة الاقتصاد والعلوم السیاسیة احتجاجا علی ما یتلقاه اخوتنا الفلسطینیون فی سجون اسرائیل من التعذیب والحرمان. ایها الاخوة المناضلون اننا نعرف ان وراء اسرائیل الامبریالیة الامریکیة. فاسرائیل مولود غیر شرعی للولایات المتحدة الامریکیة التی ترید استعمار العالم الثالث، ولکن بالاعتماد علی الله وکما انتصرت الثورة الاسلامیة فی ایران بقیادة سماحة آیة الله العظمی الامام الخمینی ادام الله ظله و بوحدة کلمة الشعب فاننا نرجو ان تنتصر الثورة الفلسطینیة بقیادة ابی عمار و قیادة ابی جهاد و بقیة الاخوة الفلسطینیین، الحکمة عن طریق اتباع القیادة و عن طریق وحدة الشعب الفلسطینی ، وعن طریق التمسک بمبادی الاسلام و مبادی القرآن . اننی ارجو ان تتحرر فلسطین کل فلسطین ، و ان تتحرر اولی القبلتین و ارض النبوات فلسطین و ارجو ان نحتفل فی یوم ما بتحریر فلسطین فی المسجد الاقصی و هنا یجب ان اذکر من یسمع کلامی ان علی کافة الشعوب ان تساعد الشعب الفلسطینی بکل انواع المساعدة لان النبی الاکرم صلی الله علیه و آله و سلم کان یقول «المؤمنون کالجسد الواحد اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الاعضاء بالسهر والحمی» والقرآن الکریم یقول «انما المؤمنون اخوة» و هکذا فان من واجب کل الشعوب ان تساعد الشعوب المناضلة المؤمنة و فی الختام ارحب بکم مرة اخری. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

نایب رئیس— الاخ ابو جهاد.

ابوجهاد— بسم الله الرحمن الرحیم. والصلاة والسلام علی سیدنا محمد سید الانبیاء والمرسلین. الاخ رئیس المجلس، الاخوة الاعضاء انه لشرف عظیم لنا الیوم ان نقف لنتحدث الی مجلس الخبراء فی جمهوریة ایران الاسلامیة، ناقلا الیکم تحیات الاخ ابوعمار والاخوة المجاهدین من قیادة فتح و منظمة التحریر الفلسطینیة و اخوانهم و ابناء شعبهم الذین یعیشون فی الارض فلسطین و حول المسجد الاقصی.

وفی الحقیقة کانت تتدافع الافکار و نحن ندخل الی هذا المجلس، نتذکر قول الله تعالی «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیٔ قدیر » و قوله تعالی « و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین».

تذکرنا کل احداث الثورة الایرانیة التی وقفت تواجه طغیان الشاه فی السنوات الماضیة و تعذب ابناء هذا الشعب کما تعذب ایضا الشعب الفلسطینی علی ایدی الطغاة الاسرائیلیین لقد کتب الله لکم النصر وانتصرتم علی الطغیان و ان الشعب الفلسطینی ینتظر علی الطریق نصرا جدیداً ان شاء الله.

عند ما کان یواجه الشعب الفلسطینی مؤامرة کامب دیفید و یواجه المؤامرات السیاسیة علی قضیته و یحکم الاعداء (الحصار) حول هذا الشعب و حول قضیة هذا الشعب یریدون ان تضعفوها اذا بنا نلمح نصرکم یأتی من بعید لیحطم حلقات الحصار وکان هذا نصراً من عند الله.

و لقد قال العدو الاسرائیلی و ناقشت قیاداته اثر هذه الثورة علیه و عبر فی تقاریره کلها ان اسرائیل کانت اکثر المتضررین من هذه الثورة، نعم لقد تضررت اسرائیل لان ثورتکم وجهت ضربة الی الا مبریالیة الامریکیة و الی قاعدتها الرئیسیة اسرائیل.

و لقد حملت ثورتكم معهادروساً كثيرة اهمها انالانسان المسلم المسلح بايديولوجية ، قادر على ان تجعله يستشهدوبدون تردد ، ذلك الانسان اذا ما اصبح جزءً من تنظيم جماهيرى واسع فانه يكون قادراًحتى بدون سلاح ان يهزم بعقيدته اكبر قوة طاغوتية مسلحة،لقداعادت هذهالثورة الى قلوبنا القناعة المطلقةبان كلمة «اللهاكبر» ليست كلمةتقال وانماهى حقيقةمادية ملموسة،ليس هناك شيئ على هذهالارض اكبرمن خالقه،بل واكثرمن ذلك فان الشعب الايرانى العظيم تحت قيادة قائدهالفذ آيةالله الخمينى قداعاد تذكير العالم الاسلامىبان « اللهاكبر » تعنى انه لايوجدظلم على هذهالارض الاويقهر وينتهى ، تعنى انه لايوجد باطل على هذهالارض الاوسيزول، تعنى انه لايوجدطاغوتالا وسيسحق ، وانالمستضعفين سوف يكتب الله لهم النصر .

لقد اخترتم طريقكم بعد ان حققتم النصر ، وثقوا ايهاالاخوة انالعالم اجمع يراقب ويتابع مايجرى عندكم حتى مايجرى فى هذهالقاعة ، وان كل المستضعفين ينتظرون انشاءالله ان تضعوا السياسة والنصوص التى تؤدى الى وحدتهم والى الدفع بهم الى طريق النصرانشاءالله .

واكثرالناس متابعة لخطواتكم وانتصاراتكم هوذلك الشعب الذى يعانى تحت الاحتلال الاسرائيلى ، الشعب الفلسطينى حول المسجدالاقصى والحرم الابراهيمى فى الخليل، هؤلاء المؤمنون يتطلعون دائماًمباركين انتصاركم الى اليوم الذى ندق فيه الابواب عليهم فاتحين انشاءالله نحمل لهم بشائرالنصر ، ومن اولئك اخوانهم الذين فى السجون والمعتقلات، هؤلاء الذين يعانون الكثير والذين سيفرحون ولاشك ويقدرون هذهالوقفةمن اخوانهم فى الجامعات و منكم ومن ابناءالشعب الايرانى الى جانبهم، ان هذا سيعطيهم مدا و دفعامعنويا فى نضالهم لمواجهة التحدى ومواجهةالغزات والسجانين ولذلك انشاءالله سوف تحمل لهم هذهايضابيارق الامل وسوف تحمل لهم علائم التأكيد على انهم ليسوا وحيدين واننصرهم قريب .

انهذا الشعب الذى يواجه الاضطهاد الاسرائيلى من جنود الاحتلال وانهذاالشعب الذى يعيش فى القدس وحول القدس فى الاراضى المحتلة، انهذاالشعب الذى يعيش فى مخيمات اللاجئين والذى يتعرض لعدوان الجيش الاسرائيلى الغازى. الذى يقصف معسكراته ويدمرقرى ابناء شعب لبنان فى الجنوب اللبنانى، هذاالشعب واخوانهم فى الجنوب اللبنانى لن تقلل عزيمتهم هذه الموجات من الاعتداءات الاسرائيلية بل انهم يقفون باملهم، يقفون بايمانهم لمواجهة هذه الاعتداءات والصبر عليها والصمودفى وجهها ومواجهة كل نتائجها. ومنذبدأ هذاالشعب نضاله تقف المؤامرات عليه ولم تتوقف الاعتداءات على مراكزه وقراه ومدنه، بل استمرت وازدادت يومابعد يوم، مؤامرات من العدوالاسرائيلى واحياناموأمرات من الاشقاء كان يواجهها هذاالشعب بصبرو الم ، وانهذاالشعب وهويواجه هذهالاعتداءات يثق بانه سيخرج من هذهالمحنة و سيحقق النصر انشاءالله.

وفى الاشهرالاخيرة ركزهذاالعد وعدوانه على الجنوب اللبنانى ، ماذا يهدف من هذاالعدوان انه يهدف الى تحطيم ارادة اولئك الصامدين فى الجنوب انه يهدف الى بذرالشقاق بين الفلسطينيين واللبنانيين فى الجنوب ، ولكن ارادة الشعب اقوى،والحمدلله واجهواذلك بصبر ومزيدمن الالتحام.

لقد كانت وحدة الشعب الفلسطينى مع الشعب اللبنانى من الجنوب واخواننا الشيعة، كانت هذه الوحدة اقوى سلاح واجهنافيه كل الهجمات الماضية، واليوم يحاول العدوباستمرار اعتداءاته ان يثيرالشقاق ولكننا نصرمن خلال التعاون والاتحاد معاً على تخطى هذهالعقبات.

والحمدلله اننانسيرفى هذاالطريق واننانتطلع دائماالى ان نواجه الاعتداءات باستمرار بهذا

الموقف الواحد الموحد .

هذه الوحدة هی التی حمت الجنوب فی الفترة الماضیة عند ماجری الاعتداء الواسع علی الجنوب اللبنانی واستطاع المقاتلون ان یواجهوا هذا العدوان الشرس ثمانیة ایام بلیالیها، قاتلوا هذا العدو الذی کان یرید ان ینهی المعرکة فی ساعات لیضع کل المقاتلین اسری بین یدیه ، ولکن الشعب بصموده والتحامه بالمقاتلین استطاع ان یواجه هذا العدوان وان یرده علی اعقابه.

ان العدو الصهیونی یهمه مناطق الجنوب اللبنانی وخاصة لان فیها میاه اللیطانی وهو الان یقیم مشاریعه فی صحراء النقب یتطلع الی المیاه ویرکز اعتداءاته علی مناطق المیاه ولذلک یتطلع الی منطقة اللیطانی یرید ان یضع یده علیها حتی یزود بحیرة طبریه التی انخفض منسوبها، یزودها بالمیاه التی یحتاج الیها .

واذا وصل الاسرائیلیون لاسمح الله الی منابع اللیطانی معنی ذلک انه زود مشاریعه التی یرید ان یروی بها صحراء النقب بما یحتاج من المیاه ، واذا صمدنا و منعناه فان ذلک یعنی جفاف مشروعاته التی خطط لها منذ ثلاث سنوات لزیادة کفاءة ومزروعات تلک الصحراء ان کید العدو سیرد الی نحره ان شاءالله وانه یریدان یشغل منظمة التحریر الفلسطینیة عن هدفها الاساسی باستمرار نضالها فی داخل الارض المحتلة وان الشعب الصامد هناک کل یوم یقوم بعملیة عسکریة فی عمق العدو و هویؤثر علی وجوده بضرباته ، ویمنع الهجرة و یهز کیان العدو الاقتصادی والسیاسی، و یحرز شعبنا بعد ذلک فی تحرکه السیاسی انتصارات کبیرة.

عند ما جاء وا بمؤامرة کامب دیفید ارادوا ان یجدوا بعض الناس الذین یؤیدون مشروع الحکم الذاتی الذی جاءت به مؤامرة کامب دیفید، ولکن الحمدلله ایمان الشعب کان قویا بربه و قویا بقضیته و لذلک استطاع هذا الشعب ان یکون فی موقف موحد و ان یقول للجمیع امام العالم اجمع لا، لن یقف واحد خلف هذا المشروع ولن یرضی واحد بهذا المشروع، و من اجل ذلک خرج وزیر خارجیة الولایات المتحدة الامریکیة بعد آخر زیارة له الی الارض المحتلة، خرج الی اروبا لیعلن امام وزراء خارجیة اروبا لم نجد فی کل فلسطین لا فی الضفة الغربیة ولا فی قطاع غزة رجلا واحدا یمکن ان یتعاون معنا فی مشروع الحکم الذاتی الذی عرضناه.

و اعلن شعبنا فی الارض المحتلة انه یلتف حول منظمة التحریر الفلسطینیة فاعطاها ذلک دفعا سیاسیا قویا، کذلک احرزت هذه المنظمة انتصاراتها ایضاً فی الساحة السیاسیة فی کل اطراف العالم.

ایها الاخوة ان ثورتکم، و شعب فلسطین یناضل، تعطیه دفعا قویا و شحنات من الایمان اقوی ولذلک نحن وشعبنا هناک یتطلع الی وقفتکم دائما الی جانبه واننا لنثق انکم بایمانکم، بقلوبکم، بحماسکم، کل شعبکم یقف الی جانب هذا الشعب الذی یواجه العدوان و انه یثق ان النصر ان شاءالله قریبا و سوف یتحقق النصر وتزول موجبات الضلال التی حلت فوق فلسطین لیشرق النور نور الایمان ان شاءالله و تشع من المسجد الاقصی انوار النصر و انوار الایمان من جدید باذن الله. حیاکم الله والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مترجم— بسم الله الرحمن الرحیم. برادر رئیس مجلس خبرگان، برادران اعضای مجلس خبرگان بزرگترین افتخار ما است که امروز میهمان شما هستیم من از طرف برادر ابو عمار و از طرف کلیه برادران مجاهد خود از رهبران سازمان الفتح و سازمان آزادی بخش فلسطین درود کلیه برادران و کلیه مردم فلسطین را به شما می‌فرستم. مردم فلسطینی که اکنون در سرزمین

فلسطین زیر سلطه اسرائیل زندگی میکنند.

ما همیشه به یاد گفتار خدا هستیم که فرمود: «قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعزمن تشاء وتذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شیء قدیر» همچنین آیهٔ دیگر که میفرماید: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین».

ما به یاد داریم تمام سرگذشت این انقلاب و سیر تاریخی این انقلاب را، روزهائی که مردم متمدیدهٔ ایران با ظلم و طغیان شاه روبرو شدند و این مردم دربرابر شکنجه های وحشیانه شاه بودند همانگونه که مردم فلسطین اکنون با شکنجه های وحشیانه اسرائیل روبروهستند. خدا برای شما پیروزی و نصر در برابر طاغوت عرضه کرد اما مردم فلسطین اکنون منتظر پیروزی دیگری هستند.

ما وقتی در برابر توطئه های کمپ دیوید و توطئه های دشمن مرتب روبرو بودیم و حصارهای سیاسی از طرف دشمن به ما تنگتر میشد پیروزی شما یک راهگشائی برای ما بود که این حلقه حصار را در هم شکست.

مقامات رهبری اسرائیل در تحلیل و بررسیهائی که پس از پیروزی انقلاب داشتند به این نتیجه رسیدند و این را درگزارشات خودگفتند که بزرگترین ضربه‌ای که درمنطقه خوردند خود اسرائیل بود چراکه این پیروزی انقلاب اسلامی ایران بزرگترین ضربه را به امپریالیسم آمریکا و اسرائیل که دست آمریکا در منطقه هست ، زد .

پیروزی انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را به ما نشان داد که اگر انسان مسلح به یک ایدئولوژی و اعتقاد باشد میتواند بدون اسلحه بر دشمن خود پیروز شود میتواند بر طغیانی که براومسلط است پیروزشود انقلابی که مرتب رهبرحکیم ایران تکرارمیکرد که با «الله اکبر» پیروز شد الله اکبری که به تمام جهان اسلام ثابت کرد ، یعنی پیروزی حق برباطل یعنی پیروزی مردم برطاغوت یعنی در نتیجه پیروزی مستضعفین برمستکبرین بود .

تمام جهان اکنون به ایران وبه تمام سیرتحولات ایران می نگرند ، تمام مستضعفین اکنون منتظر قانون وسیاست کلی کشورهستند آنها حتی از جریانات دقیق این مجلس باخبرند.

وبیشترازهمه منتظران اخبارایران، مردم ستمدیده فلسطین هستند مردمی که در زیریوغ ضربات اسرائیل زندگی میکنند بیشتر مردمی که درزندانهای اسرائیل هستند آنهامنتظرپیروزیهای پی در پی شما در ایران میباشند آنها تشکرمیکنند ازموضع گیری سیاسی وازروزسیاسی که درایران شروع کرده اید آنها بااین کار شما امیددیگری وجان دیگری از این کار پیدا میکنند ویک امید تازه‌ای برای آنها پیدا میشود.

این مردمی که اکنون در خیمه‌گاههای فلسطین، مردمیکه زیرضربات شدید اسرائیل زندگی میکنند مردمی که زیر بمباران هواپیماهای اسرائیل زندگی میکنند همچنین برادران آنها درجنوب لبنان تمام آنها باصبر واستقامت در برابر حملات وحشیانه اسرائیل استقامت میکنند و آنها باایمان وصبرمنتظرهستند تا پیروز شوند .

از زمانی که این ملت شروع به مبارزه کرد توطئه های دشمن شروع شد توطئه هائی که ازدوست ودشمن برای اومی سازند اما اوبا دلی پرقدرت وایمان در برابر آنها مبارزه میکندواو به امید پیروزی است.

ودر مدت اخیر که اسرائیل حملات شدید خود را برجنوب لبنان تمرکزمیدهد هدف اواین

است که استقامت وصبر را درهم بشکندوایجاد اختلاف وتفرقه بین برادران فلسطینی ولبنانی بکند اما او نمی‌تواند و اراده ملت قوی تر است .

از اول اتحاد ووحدت بین مردم فلسطین ولبنان وشیعه‌جنوب لبنان بود واین قوی‌ترین سلاحی است که ما در برابر حمله‌های اسرائیل داریم. اسرائیل میخواهد که این اتحادرادرهم بشکند وایجاد اختلاف وتفرقه‌بکند اما ماااصرار میکنیم وبرآن هستیم که‌این اتحاد باشد.

همین اتحاد بود که حمله شدید مدتی قبل به‌جنوب لبنان را درهم‌شکست وآن نظر اسرائیل را که‌میخواست در چند ساعت جنوب‌لبنان را اشغال کند باایستادگی هشت‌شبانه‌روز مردم‌مبارز فلسطین وجنوب لبنان نقشه‌اوخنثی گردید.

هدف اساسی اسرائیل‌از حملات به‌جنوب لبنان این‌است که به‌سرچشمهٔ رودلیطانی‌برسد تا مسیر آب رود لیطانی را ازجنوب‌لبنان به‌طرف دریاچه طبریه واریز کندوهدف‌او ازاین‌آبیاری مناطق سرزمین اشغال شده وصحرای نقب‌است .

واگراسرائیل توانست به‌این‌برنامه خود یعنی سرچشمه‌آب رودلیطانی برسد یعنی اینکه برنامه‌های سه‌ساله‌آبیاری منطقه سرزمینهای اشغال شده جامه عمل‌میپوشد اماماباید جلو این نقشه دشمن را بگیریم .

هدف اساسی اسرائیل وارد ساختن ضربات مرتب به‌ملت‌فلسطین ومبارزان‌فلسطین‌است‌تا این که ازهدف‌اساسی‌خود یعنی از بین‌بردن‌اسرائیل جلوگیری کنندهدف او مشغول کردن مبارزان فلسطین است اما بحمدالله مبارزان فلسطین روزی نیست که‌یک عمل نظامی در داخل سرزمین اشغال شده انجام ندهند آنها هدفشان محدود ساختن فعالیتهای سیاسی وتحرک‌سیاسی فلسطینی‌ها است خصوصاً پس از اینکه توطئه کمپ‌دیوید خنثی شد وآنها نتوانستندحتی یک نفر از فلسطینی‌ها را خصوصاً در سرزمین اشغال شده به‌پشتیبانی از طرح خودمختاری‌فلسطین پیدا کنند وحتی وزیر امور خارجه‌آمریکا در اروپا پس از سفر اخیر اسرائیل گفت ما حتی یک فلسطینی را درخود فلسطین پیدا نکردیم که‌پشتیبان‌طرح خودمختاری‌فلسطین باشد.

همچنین ملت فلسطین پشتیبانی خود را ازسازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد واین سبب شد که‌سازمان آزادیبخش فلسطین پیروزیهای سیاسی خود را درسطح جهان‌گسترش‌بدهد.

مردم فلسطین منتظرپشتیبانی وانقلاب شما هستند آنها با این پشتیبانی اراده و عزم خود را افزایش میدهند آنها منتظر پیروزی انقلاب خودشان هستند خصوصاً زمانی که انقلاب‌ایران پشتیبان آنها است. آنها امید دارند روزی که بیت‌المقدس آزاد شود ومرکز نور وایمان شود و مرکز آزادی تا زمانی که این ظلم وطغیان شکست بخورد ومردم ستمدیده پیروز شوند .

حیاکم‌الله والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

نایب‌رئیس— ملت عزیز ایران، خوشوقتیم که دراثنای انجام وظیفه خطیربررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این توفیق را پیدا کردیم که دراین ساختمان که یکروزی پایگاه دشمنان اسلام و است اسلام ودشمنان فلسطین وخلق مبارز فلسطین بود، ازگروهی از پیشگامان ومجاهدان پیشتاز فلسطین پذیرائی کنیم. به نمایندگی از شما ملتی که همیشه‌عشق خودتان را به‌فلسطین، آرمان فلسطین وآزاد کردن‌سرزمین فلسطین، سرزمین مسجدالاقصی،ابراز کرده‌اید، خیرمقدم می‌گوئیم .

خوب به‌یادم می‌آید که نزدیک به بیش ازسی‌سال پیش بود که درایران به رهبری

روحانیت مبارز ومتعهد ایران تظاهرات عظیمی علیه اشغال سرزمین فلسطین برپا شد و از همان روز ملت ما خودش را شریک ملت فلسطین درهمه رنجها ومحرومیتها می‌دید، وباور کنیدحتی آن‌موقع هم، درآن شرایطی که زمینه مقدمات نهضت عظیم ملی نفت درایران فراهم می‌شد، ما باور نمی کردیم که یک‌روز در چنین بنائی میزبان برادران فلسطینی‌مان باشیم.

برای ما موجب بسی خوشحالی است و آرزو می کنیم که دیری نپاید که در اینجا ودرهمه سرزمین های اسلام جشن آزادی فلسطین وپیروزی خلق مبارز فلسطین را بردشمن دژخیمش برپا کنیم. انشاءالله. (نمایندگان— انشاءالله)

صدوقی— نهضت مردم ایران درسی‌سال قبل به‌رهبری روحانیت‌مبارزمخصوصاً آیت‌الله کاشانی بود وخوب است دراینجاهم اسمی ازآن مرد بزرگ برده شود چون همکاریهای بسیار ارزنده‌ای برای ملت ما انجام داد. همچنین خوب است که از حضرت امام موسی صدرهم که بیش از یک سال است اورا مخفی وپنهان کرده‌اند، نامی برده شود و ازاو تجلیلی به‌عمل‌آید.

نایب‌رئیس— هردو را جنابعالی بیان فرمودید ومطالب ما را با بیان خودتان تکمیل فرمودید، متشکریم. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. موقع را مغتنم می‌شمارم وپیشنهاد می کنم که‌موافقت بفرمائید مجلس بررسی قانون اساسی نیزمثل سایر برادران دانشگاهی وحوزه علمیه قم برای اعلام همبستگی وتفهیم کلمه توحید به جهان و اعلام همبستگی با کلیهٔ برادران فلسطینی علی‌الخصوص برادرانی که در زیر شکنجه‌های دژخیمان صهیونیسم هستند ، فردا را روزه اعلام بدارید .

صدوقی — عرض کنم که روزهٔ ماباید به‌طریق دیگری باشد روزهٔ ما این است که کمک کنیم هر چه‌زودتر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌تصویب برسد .

نایب‌رئیس — آقای کیاوش میفرمایند مانعةالجمع هم نیست. با اجازه دوستان‌ازبرادران فلسطینی خدا حافظی میکنیم .

(در این موقع اعضاء هیأت رئیسه به‌نمایندگی از همهٔ نمایندگان مجلس خبرگان ، با هیأت فلسطینی که در جلسه علنی حضور یافته بودند ، خداحافظی کردند.)

۵- طرح وتصویب اصل ۹۲ (اصل یکصد و هفدهم)

نایب‌رئیس — خوب ، کارمان را ادامه میدهیم اصل ۹۲ مطرح است از آقای آیت خواهش میکنم قرائت بفرمایند .

اصل ۹۲ — رئیس جمهور به‌اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب میشود ولی هرگاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به‌دست نیاورد ، روز جمعه هفته‌بعد برای بار دوم رأی گرفته میشود ، در دوردوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری‌داشته‌اند شرکت‌میکنند، ولی اگربعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، ازشرکت در انتخابات منصرف شوند از میان بقیه ، دونامزدی برای انتخاب مجدد معرفی میشوند که در دورنخست بیش از دیگران رأی‌داشته‌اند .

صدوقی — بحثی ندارد ، رأی بگیرید .

نایب‌رئیس — بلی ، گویا همهٔ بحثها راجع به‌این اصل در جلسه صبح شده است. آیا

مطلب تازه‌ای دوستان دارند؟ آقای ربانی شیرازی سؤالی داشتید؟ (ربانی شیرازی— من مخالفم) مخالفید ؟ بسیار خوب ، آقای سبحانی سؤالی بود ؟

سبحانی— اولا مقید کردن به‌جمعهٔ هفته بعدشاید ازحالادست آنها رابیندد شاید مقتضیات ایجاب کند که مثلا... (هاشمی‌نژاد— مثلا روز سه‌شنبه باشد.) (خنده نمایندگان) خیر، مثلا فاصله بیشتری غیر از جمعه هفته‌بعد لازم باشد، شما هم که‌آقای هاشمی‌نژاد،علم غیب میدانید، این یک مطلب ومطالب دیگراینکه درعبارت «اگر بعضی ازنامزدهای دارندهٔ آراء بیشتر»، مقصود از آن «بعض» یکی از آن دو نفر است؟ همان‌دونفری که رأی بیشتر به‌دست آوردند؟ این مبهم است و مطلب برای خواننده روشن نیست .

نایب رئیس— توضیح بدهم، راجع به مطلب اولی که فرمودید، فاصله هرچه کمتر باشد تجربه نشان داده است بهتر است. بنابراین در اینجا هم حداقل فاصله رعایت شده است، و چون انتخاب رئیس جمهور اهمیت دارد خواسته‌ایم که از این جهت تأخیری بوجود نیاید . و اما اینکه نوشته شد «بعضی از نامزدهای دارندهٔ آراء بیشتر» لازم نیست یکی از آن دو نفر باشد. ممکن است از یک لیست ده نفری، در این فاصله پنج نفرشان منصرف شوند. بنابراین می‌گوئیم از باقیمانده نامزدها، دو نفر اول. آقای بشارت سؤالی دارید؟

بشارت— وقتی که این دو نفر فرض میکنیم سی درصد از آراء مردم را به خودشان اختصاص داده‌اند ، در حقیقت این دو نفر را نامزد بعدی کرده‌ایم ، بدین ترتیب آیا مردم را ملزم نکرده‌ایم که بین این دو نفر یکی را انتخاب کنند؟ این یک نوع اجبار برای مردم نیست؟ اینها که اینقدر محبوبیت ندارند که فقط سی‌درصد آراء مردم را برده‌اند، چطور ممکن است که مردم را وادار کنیم که حتماً یکی از آن دو نفر را انتخاب کنند؟ (نایب رئیس— به هر حال این، از بن‌بست اجتماعی بهتر است.) یک عده دیگری را نامزد کنند، شاید اینها اصلا محبوبیت اجتماعی ندارند.

نایب‌رئیس — خوب، اگر نامزدهای بعدی هم به‌همین سرنوشت دچار شدند چه‌باید کرد؟ پس بالاخره یک روزی به این مسأله میرسیم. (بشارت— دوسه بار ادامه بدهید تا...) تا ان‌شاءالله عمر ملت به انتخابات بگذرد. آقای دکتر غفوری فرمایشی بود؟

گلزاده غفوری— من میخواستم اینجا یک تذکری بدهم. اولا امیدواریم که در نظام جمهوری اسلامی ایران همه مردم مشارکت در امور اجتماعی را یک نوع تکلیف برای‌خودشان بدانند، ولی از آنجا که باید در قانون اساسی همه حوادث را پیش‌بینی کرد و در گذشته هم سوابق تلخی ازشرکت نکردن‌مردم دراین اورداشته‌ایم، دراینجا باید یک‌حداقلی برای آراء مردم در نظر بگیریم. الان از سی‌وشش میلیون جمعیت ایران حدود بیست‌و دو میلیون نفر می‌توانند‌درانتخابات شرکت کنند ورأی بدهند، یعنی‌حق رأی دادن‌دارند. با این‌چیزهائی که در اینجا نوشته شده اگر در بین نامزدهای ریاست جمهوری، یک نفر که اکثریت مطلق دارد فرض بفرمائید سه یا چهار میلیون رأی داشته باشد، آیا این شخص باز هم برگزیدهٔ همه مردم میتواند باشد ؟ بنابراین من پیشنهاد میکنم که یک حداقل و یک حد نصاب در اینجا گذاشته شود تا رئیس جمهور، مفهوم و مصداق جمهوری و جمهوری اسلامی پیدا کند و رئیس جمهور منتخب همهٔ مردم باشد. به هرحال من پیشنهاد میکنم که یک حداقل ، مثلا یک چهارم یا یک پنجم ازکل کسانی که حق رأی دارند، در اینجاگنجانده شود تا خدای ناکرده ما یک

روزی را نبینیم که کسانی به عنوان برگزیده مردم معرفی شده‌اند که واقعاً رأی اکثریت مردم را نداشته باشند.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری ، اگر این مقدار حداقل که شما میفرمائید باز هم به دست نیامد، آنوقت تکلیف مملکت چه‌میشود؟

گلزاده غفوری— آنوقت معلوم میشود که رضایت عمومی حاصل نشده و باید یک فکر اساسی کرد.

نایب‌رئیس — مملکت همینطور بلاتکلیف بماند تا یک فکری بکنیم؟

گلزاده‌غفوری — مقصود من این است که به این موضوع توجه داشته باشید و یک فکری برایش بکنید.

نایب‌رئیس — آقای یزدی فرمایشی دارید؟

یزدی — چون کلمه «نامزدها» زیاد تکرارشده، اگر درعبارت «ولی اگر بعضی‌ازنامزدهای دارنده آراء بیشتر» بنویسیم «ولی اگر بعضی ازآنان...» این‌هم مطلب را تمام میکند وهم این کلمه کمتر تکرارشده است.

نایب‌رئیس — شاید این تکرار به استحکام بیشتر بیارزد. آقای فاتحی؟

فاتحی — دراینجا آمده است که اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر از شرکت در انتخابات منصرف شوند دراینصورت ازبین نامزدها دونفری که رأی بیشتری دارند به‌مردم‌اجازه میدهیم که به‌آنها رأی بدهند ولی شاید عده‌ای از مردم تجدید نظر کرده باشند و درانتخاب مجدد به نامزدهای دیگری غیرازاین دونفر رأی بدهند و اتفاقاً رأی بیشترهم به دست بیاورند بنابراین مقید کردن مردم به‌این که حتماً به‌این دونفر از نامزها رأی بدهند جنبه شرعی‌ندارد.

نایب‌رئیس — آقای ربانی شیرازی به‌عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

ربانی‌شیرازی— مطلبی راکه آقای دکترغفوری بیان فرمودند همان‌مطلبی بود که‌من میخواستم عرض کنم وگفتار ایشان مستغنی است ازآنکه من مطلبی را بیان کنم مضافاً به‌اینکه وقتی که‌ما رئیس جمهوری را با آراء مردم انتخاب میکنیم معنایش این‌است که خواسته‌مردم برآورده شود و رئیس جمهور پشتوانه مردمی داشته باشد.اگرچنانچه درصد آراء کم‌شد به‌قسمی که مورد اعتماد اکثریت مردم نبود، این رئیس جمهور برای مردم، رئیس جمهور نمی‌شود. بایدبرای چنین بن‌بستی فکری کرد وحد نصابی دارد که اگر به‌آن حدنصاب رسید آن شخص رئیس جمهور است و اگر چنانچه به‌آن حد نصاب نرسید آنوقت باید یک فکر وچاره‌ای اندیشید.

نایب‌رئیس — ما که نمی‌توانیم مجلس را معطل کنیم. آقای دکترغفوری حدود دو هفته قبل این مطلب را درجلسه مطرح کردند و لازم بود دراین مدت دوهفته خودشان‌هم‌آن فکروچاره را می‌گفتند.(گلزاده غفوری— ما طرح میدهیم، کسی نمی‌خواند وکسی‌هم‌نمی‌پرسد.) آقای منتظری بفرمائید.

منتظری— همانطوری که‌صبح گفتم‌عبارت اینجامبهم‌وناقص‌است،برای‌اینکه اینجا که‌آمده است «در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت میکنند» صریح نیست که مقصود کسی است که اکثریت مطلق دارد یا اکثریت نسبی؟ پس باید بنویسیم «کسی که اکثریت مطلق پیدا کند رئیس جمهورخواهد بود».

قرشی — راجع به اکثریت مطلق و اینکه هیچیک‌از نامزدها چنین اکثریتی به‌دست

نیاورد، توضیح بفرمائید.

نایب‌رئیس — توضیحش این‌است که اگر ده‌نفر نامزد ریاست جمهوری هستند انتخابات برگزار میشود، چهارده میلیون نفر رأی میدهند، نفر اول هفت میلیون ویک رأی می‌آورد، در اینجا انتخابات تمام است چون این یک نفر ازچهارده میلیون رأی، اکثریت مطلق به‌دست آورده‌است‌زیرا نصف‌به‌علاوه‌یک کل آراء را دارد. پس‌دراین‌حالت که‌چهارده‌میلیون رأی به‌نام ده‌نفر در صندوقها ریخته شده وقتی نفر اول حداقل هفت میلیون ویک رأی داشته باشد، مسأله انتخابات تمام است و او رئیس جمهور است، ولی اگر نفر اول ۶۹۹۹۹۹۹ رأی ویا حتی‌درست هفت میلیون رأی آورد وبقیه آراء هم بین دیگران تقسیم شده باشد، دراینجا نفر اول اکثریت نسبی دارد ولی چون اکثریت مطلق ندارد یعنی کل‌آراء به‌دست آمده او نصف به‌علاوه یک نیست دراینجا است که‌میگوئیم باید از فرمول دوم استفاده کرد. یعنی مجدداً انتخابات رابرگزار میکنیم و نفر اول و دومی که بیش ازدیگران رأی آورده‌اند، معین میشوند وسردم فقط به‌یکی ازاین دونفر رأی میدهند وهرکدام رأی بیشتری آوردخودبخود اکثریت‌مطلق‌خواهد داشت و اوبه‌عنوان رئیس جمهور معرفی میشود.

موسوی‌تبریزی — مطلبی راکه آقای دکترغفوری فرمودندکه ممکن است روزی کار بجائی برسدکه فقط دو سه میلیون نفر درانتخابات شرکت‌کنند و رئیس جمهور با رأی این دو،سه میلیون نفر انتخاب شود، آنوقت معلوم میشودکه مردم نظام جمهوری اسلامی را نخواستند و قبول ندارند، یعنی باید اصلا به فکر یک نظام جدید باشند.

ربانی‌شیرازی — این معنایش این نیست‌که جمهوری را قبول ندارند، بلکه کاندیداها را قبول ندارند.

نایب‌رئیس — آقای عرب سؤالی بود ؟

عرب — من یک‌پیشنهاد اصلاح عبارتی دارم یعنی در صدر ماده‌باید نوشته شود«رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء...» واصلاح دیگر اینکه در آنجا که نوشته‌اید «روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته میشود » بنویسیم « اخذ رأی میشود ».

نایب‌رئیس — بسیار خوب ، آقای فوزی فرمایشی دارید ؟

فوزی — به‌نظرم اکثریت مطلق آراء فایده‌ای در انتخاب رئیس‌جمهور از حیث کثرت‌آراء ندارد زیرا بالفرض اگر در دفعه اول با هفت میلیون رأی اکثریت مطلق به‌دست نیاورد، ودر دفعهٔ دوم مثلا با سه‌میلیون رأی اکثریت مطلق را دارا باشد ، لازم می‌آید با هفت‌میلیون‌رأی برنده نباشد ولی باسه‌میلیون رأی برنده شده باشد .

نایب‌رئیس — صبح هم این مطلب را فرمودید وعرض شدکه این احتمال‌بسیارضعیف است ومعمولا به‌عکس آنچه فرمودید هست. چون وقتی در دور دوم مردم باید یکی از آن دو نفر را انتخاب کنند وسواس بیشتری به‌خرج میدهند ومعمولا آراء بیشتری در صندوقها ریخته میشود . به‌هر حال همانطوری که در پیش‌نویس قبلی هم صاحبنظران پیش‌بینی کرده بودند و ما هم کم و بیش همان مطلب را در اینجا ذکر کرده‌ایم چون حالت بن‌بست برای مملکت بهیچ‌وجه خوب نیست وبدترین حالتها است، خواسته‌ایم بدین ترتیب بن‌بست را شکسته باشیم واگر ملت می‌بیند که‌واقعاً در شرایطی است که نمی‌تواند یک‌نفر را به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کند که مورد اعتماد اکثریت مردم باشد ، حتماً یک‌فکری خواهد کرد . با اجا

دوستان یک‌بار دیگر این اصل را برای رأی گیری میخوانم:

اصل ۹۲ (اصل یکصد وهفدهم)— رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب میشود ، ولی هرگاه در دور نخست هیچیک از نامزدها چنین اکثریتی‌به‌دست نیاورد، روزجمعه‌هفته بعد برای‌باردوم رأی‌گرفته میشود، در دوردوم تنها دونفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت‌میکنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده‌آراء بیشتر ،از شرکت در انتخابات منصرف شوند ، از میان بقیه ، دو نامزدی برای انتخاب مجدد معرفی میشوند که در دور نخست‌بیش از دیگران رأی داشته‌اند .

نایب‌رئیس— از آقایان منشیها خواهش میکنم در اخذ وشمارش آراء نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت‌وچهار نفر، تعداد کل آراء شصت وشش رأی (دورأی بقیدقرعه خارج شد) آراء موافق‌پنجاه وچهار رأی، آراء مخالف پنج رأی وآراء ممتنع پنج رأی، بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه‌مرتبه‌تکبیر گفتند).

مکارم شیرازی — یک‌بار دیگر توصیه بفرمائید که‌دوستان موقعی که رأی‌میدهند توجه داشته باشند که کارتهای رأی بهم نچسبد و در نتیجه تعداد آراء بیشتر نشود .

یزدی — گاهی سهواً اینطور میشود ،عمداً کسی دورأی نمی‌دهد .

۶- طرح وتصویب اصل ۹۳ (اصل یکصد و هجدهم)

نایب‌رئیس — از آقای آیت خواهش میکنم اصل بعدی را قرائت بفرمایند.

اصل۹۳ — مسئولیت نظارت برانتخابات ریاست جمهوری برعهدهٔ شورای نگهبان‌وقبل از تشکیل‌نخستین شورای نگهبان برعهدهٔ انجمن نظارتی است که قانون تعیین میکند.

نایب‌رئیس — فکر میکنم این اصل تکمیل است وچون به‌حد کافی در جلسه‌صبح بحث شده است ، دیگر بحث ندارد .

ربانی شیرازی — فقط یک کلمه «است» را بعد از «شورای نگهبان» اضافه کنیدوبعدرأی بگیرید .

صافی — در اینجا که نوشته شده « قانون معین میکند» مقصود چه قانونی است؟

نایب‌رئیس — عرض شد وقبل از تشکیل مجلس شورای ملی ، قانون شورای انقلاب است ووقتی هم‌مجلس تشکیل شد بدیهی است که‌قوانین را مجلس شورای ملی وضع میکند. آقای فوزی شمافرمایشی دارید ؟

فوزی — اگر منظور از قانون مصوب مجلس شورای ملی باشد اشکالی متوجه‌این اصل است، والا اشکال مرتفع است .

سبحانی — در پیش‌نویس قبلی انجمن عالی نظارت نوشته شده، چرا آن را تغییر داده‌اند؟

نایب رئیس — انجمن نظارت تعبیر مصطلح روز است، به این ترتیب دوستان تذکرات خود را دادند یک بار دیگر این اصل را برای رأی‌گیری با ورقه میخوانم:

اصل ۹۳ (اصل یکصد و هجدهم) — مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهدهٔ شورای نگهبان و قبل از تشکیل شورای نگهبان بر عهدهٔ انجمن نظارتی است که قانون تعیین میکند.

نایب رئیس — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی نزد دوستان ببرید از آقایان منشیها هم خواهش میکنم در اخذ و شمارش آراء نظارت بفرمائید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهارنفر، تعداد کل آراء شصت و پنج رأی (یک رأی اضافی به قید قرعه حذف شد) آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء مخالف یک رأی و آراء ممتنع چهار رأی بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۷- طرح و تصویب اصل ۹۴ (اصل یکصد و نوزدهم)

نایب رئیس — اصل ۹۴ مطرح است البته یک اصلاح عبارتی در آن شده است عنایت بفرمائید با آن اصلاح قرائت میشود .

اصل ۹۴ — هرگاه مدت ریاست جمهوری پایان یابد و انتخاب رئیس‌جمهور جدید به‌علت اغتشاش کشور ممکن نباشد رئیس‌جمهور با تصویب مجلس شورای ملی و شورای نگهبان و دیوانعالی کشور و تأیید رهبری برای مدتی محدود که تعیین خواهند کرد به کار خود ادامه میدهد.

نایب رئیس — یک پیشنهاد اصلاحی هم من دارم راجع به خود اصل که اگر دوستان دیگر نگفتند نوبتم که رسید میگویم. آقای موسوی‌تبریزی شما نظری دارید؟ (موسوی‌تبریزی— مخالفم.) آقای فوزی شما نظری دارید؟ (فوزی — مخالفم.) آقای مکارم شما نظری دارید؟ (مکارم شیرازی — بنده پیشنهاد یک اصلاح عبارتی دارم.) اصلاحتان مطلبی است؟ (مکارم شیرازی — بله) پس اجازه بفرمائید برای بعد، آقای پرورش نظری دارید؟ (پرورش — یک اصلاح مطلبی دارم.) آقای آیت نظری دارید؟ (آیت — بنده مخالفم.) آقای دکتر قائمی نظری دارید؟ (دکتر قائمی— مخالفم.) آقای قرشی نظری دارید؟ (قرشی—این کلمه «دچاراغتشاش» را تبدیل کنید به «در موارد ضرورت.») بسیارخوب، خود بنده هم پیشنهادی دارم که اگر دوستان مخالف نگفتند خواهم گفت، آقای بنی‌صدر نظری دارید؟ (بنی‌صدر — شما در دو مورد چه پیشنهاد داشته باشم و چه اصلاح عبارتی باشد نمی‌گذارید که حرف بزنم.) آقای کیاوش نظری دارید؟ (کیاوش — بنده هم اصلاح مطلبی دارم.) آقای ربانی شیرازی نظری دارید؟ (ربانی شیرازی— من نظرم این است که «درحالت جنگ» اضافه شود.) در اینجا کسی به‌عنوان موافق اسم ننوشته است آقای تهرانی نظری دارید؟ (تهرانی— اسم بنده را به عنوان موافق بنویسید.) آقای موسوی به عنوان مخالف بفرمائید.

موسوی تبریزی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. هرگاه مدت ریاست‌جمهوری پایان یابد (آنطور که آقای دکتربهشتی اصلاح فرمودند) و انتخاب‌رئیس‌جمهورجدید به‌علت‌اغتشاش کشورممکن نباشد رئیس جمهور با تصویب مجلس الی آخر. البته یک اشکالی آقای بنی‌صدر داشتند که فرمودند و صبح جواب داده شد، اشکال دیگری که به نظر من می‌آید این است که اغتشاش درکشورممکن است از جانب خود رئیس جمهور باشد، نه از این‌نظر که جرمی مرتکب شده است یا مثلا فرض بفرمائید بگوئیم متهم است اصلا سوء اداره دارد ، سوء سیاست دارد ، سوء اداره و سیاست از آن مفاهیمی است که «یدرك ولا یوصف»، اگر اینطور باشد مثل آن مثلی

می‌ماند که بچه‌ای در بغل مادرش گریه میکرد یک سیاهی آمدگفت نه‌نه، گریه نکن و نترس بچه، گفتند آقا این بچه از تو میترسد شما بروید کنار اوگریه‌اش را قطع میکند ، بنابراین اگر علت اغتشاش کشور به وسیله رئیس جمهور باشد آن رئیس جمهور دیگر نباید دوباره رئیس جمهور باشد اگر مدت ریاست جمهوریش پایان یافته باشد باید شورائی مرکب از دیوانعالی کشور و یک فرد هم از شورای نگهبان یا اینکه خود رهبر و شورای رهبری در آن مدت این ریاست را عهده‌دار باشد و امور مملکت را خودش اداره بکند، اگر اینطور شد دیگر آن رئیس جمهور را نباید بگوئیم بدون انتخابات و بدون اینکه مجوز قانونی داشته باشد مملکت را اداره بکند چون مدت ریاستش هم سرآمده بنابراین شورای رهبری یا یک شورائی که مرکب از دیوانعالی کشور و یا از شورای نگهبانی که برای قانون اساسی داشتیم از اینها چند نفر مملکت را برای مدت موقتی اداره بکنند تا مملکت آرام بشود بعد انتخابات جدید بکنند.

نایب رئیس— متشکرم آقای فوزی مطلب دیگری دارید؟

فوزی— از یک جهتی بنده با ایشان موافق هستم از جهت دیگری خیر، و آن این است که درکمیسیون مشترك مطرح شد که ممکن است یک وقتی رئیس جمهور عملا ایجاداغتشاش و ناامنی بکند تا ریاستش ادامه پیدا کند ، برای رفع این اشکال تأیید رهبری به آن اضافه کردند ولی اضافه کردن تأیید رهبری هم این اشکال را برطرف نمی کند زیرا وقتی که مقام رهبری متوجه شد که محیط در اثر ناامنی برای انتخابات و رأی‌گیری مساعد نیست نمی‌تواند اقدامی بکند، بنابراین لازم است در این قبیل موارد شورای جمهوری، کشور را اداره کند تا اغتشاش و ناامنی برطرف شود.

دکترشیبانی — آقا بنده یک تذکری بدهم آقایان بی‌توجهی میکنند من این اصل ۹۸ را پانزده روز پیش تکثیر کردم و همین‌جا بین آقایان توزیع شد، متأسفانه مطالعه نمی کنند و می‌آیند اینجا و وقت جلسه را میگیرند، من این اصل را میخوانم: «در صورت فوت یا کناره‌گیری رئیس جمهور یا بیماری بیش از دو ماه یا سایر موجباتی که مانع از اجرای وظایف شود وظایف و اختیارات رئیس جمهور به استثنای اختیار مربوط به درخواست تجدید نظر نسبت به مصوبات مجلس ، با شورای موقت ریاست جمهوری است» و عین آن چیزی را که آقایان میخواهند اینجا هست ، به فرض اینکه آن رئیس جمهور بد کرد او را عزل میکنند و این را به‌جایش می‌آورند.

نایب رئیس — عرض میشود به این ترتیب ماحصل مطالبی که آقایان میفرمایند تبدیل میشود به پیشنهادی که با توجه به اصل بعدی که برادرمان آقای دکتر شیبانی‌خواندند اینجا راحت باید نوشت، که این هم یکی از آن حالاتی است که ادارهٔ کشور به دست شورای موقت ریاست‌جمهوری خواهد بود و مسأله دیگر تمام میشود. اگر مطلب تمام‌آقایانی که‌اینجا اسم نوشته‌اند همین است این را اینجا بیاوریم و کار را تمام بکنیم .

دکترآیت — پس این اصل به‌طور کلی زائد است و آن مورد را به همان اصلی که آقای دکتر شیبانی خواندند اضافه میکنیم .

نایب‌رئیس — عرض میشود که اینطور پیشنهاد شده است و فکر میکنم پیشنهادبجائی باشد، که ما این حالت را هم به عنوان یکی از حالات دیگر در موقع تنظیم آن اصل اضافه کنیم و اصلا این اصل را حذف میکنیم .

موسوی‌تبریزی — اجازه بفرمائید تذکری بدهم. این بحثی که ما داریم از آنجاست که مدت ریاست جمهوری تمام شده است.

نایب‌رئیس — ما هم می‌فهمیم عرض کردم که این حالت را هم به آن اصل اضافه میکنیم بنابراین با درنظرگرفتن اصل ۹۸ این اصل حذف‌می‌شود و شمارهٔ اصل‌بعدی میشود ۹۴ حالا اصل ۹۴ جدید مطرح است قرائت میشود.

اصل ۹۴— انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دورهٔ‌ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دورهٔ ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف ریاست جمهوری را انجام میدهد.

نایب‌رئیس — آقای یزدی نظری دارید؟

یزدی— جمله آخر این اصل درست نیست، یک رئیس جمهور تا قبل از اینکه مدت ریاست‌جمهوری‌اوپایان یابد به‌وظایفش‌عمل‌میکند، درجمله اول وقتی که‌گفتیم باید انتخابات یک ماه قبل از پایان مسئولیت او پایان یابد مطلب تمام است اینکه ما مجدداً بگوئیم باید تاوقتی که رئیس جمهور دومی انتخاب میشود رئیس جمهور اولی کارش را انجام بدهد او وظیفه قانونی‌اش را دارد انجام میدهد پس این جمله بعد «در فاصله انتخاب رئیس جدید تا آخر» زیادی است.

نایب‌رئیس — این فقط تصریح است یعنی یک چیزی راکه مفهوم جمله اول میرساند با تصریح تبدیل به‌منطوق کرده‌اند بنابراین با اجازهٔ آقایان یک مرتبه دیگر برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۹۴ (اصل یکصد و نوزدهم)— انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک‌ماه پیش از پایان دورهٔ ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دورهٔ ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف ریاست جمهوری را انجام میدهد.

نایب‌رئیس — نسبت به این اصل با ورقه و به صورت مخفی رأی‌گرفته میشود.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی‌گیری را اعلام میکنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت‌وسه نفر، تعداد کل آراء شصت‌وسه رأی، آراء موافق پنجاه‌وهشت رأی، آراء مخالف دورأی، آراء ممتنع سه‌رأی، بنابراین اصل ۹۴ با پنجاه و هشت رأی موافق تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

۸- طرح و تصویب اصل ۹۵ (اصل یکصد وبیستم)

نایب‌رئیس — اصل ۹۵ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۹۵— هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهائی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده، فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند مهلت انتخابات تجدید میشود.

نایب‌رئیس — مسلماً اینجا باید مدت بگذاریم به این صورت که مهلت انتخابات برای

دو هفته تمدید میشود تا این مطلب روشن بشود . آقای سبحانی نظری دارید؟

سبحانی— در بعضی از اشکالهائی که ما میکنیم شما میگوئید که این از نوادر است ودر قانون اساسی نمی‌آید. میخواهم عرض کنم این «اگر» که اینجا آمده است از نوادر نیست؟ و واقعاً یک چنین جریانی اتفاق می‌افتد و علاوه براین اگر این باشد احتمال نمی‌دهید که یک موقع از این موضوع سوء استفاده کنند و ایجاد فوت کنند و بالاخره تقاضا میکنم که این اصل حذف شود.

نایب‌رئیس — یعنی میفرمائید که این اصل یکی از ابزارهای عزرائیل است؟ آقای مکارم نظری دارید بفرمائید.

مکارم‌شیرازی— اینجا بایدیک‌چیزی اضافه شود چون‌ممکن است فوت نکند اما قادربر شرکت در ریاست جمهوری‌نباشد ، مثلا مجروحش کنند و اینکه چنان مصدوم شود که قادر بکار نباشد، و فقط فوت کافی نیست

نایب‌رئیس — آن دیگرخیلی مشکل میشود. آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر — اینجا نوشته‌اید اگر درفاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از حائزین اکثریت دور نخست فوت کند مهلت انتخابات تجدید میشود یعنی چه؟ یعنی انتخابات بکلی تجدید میشود؟

نایب‌رئیس — ما نوشته‌ایم مهلت انتخابات برای دوهفته تمدید میشود اصلاح شده‌است یعنی نفرسوم فرصت داشته باشد که بیاید و برای خودش تبلیغ کند.آقای ربانی‌شیرازی‌بفرمائید.

ربانی شیرازی — ما، ده‌نفر داوطلب داریم یک نفر ازآنها میمیرد نه‌نفر دیگر باقی‌هستند چه احتیاجی به‌این موضوع هست؟

نایب‌رئیس — ببینید آقا معمولا افراد باید یک مدتی مهلت داشته باشند تا این‌مطلب‌را برای مردم روشن کنند. بنابراین یک نفر ازآنها فوت میکند مردم فکر میکنند که الان انتخابات مربوط به‌آن دونفر اول است. طبق قانون اساسی تا وقتی مردم توجیه شوند که مربوط به‌نفردوم وسوم خواهد بود دراین حالت این یک مقدار زمان همیشه برای توجیه‌مردم لازم است ومابک فاصله داریم برای آن دوحالت که آن دونفر بتوانند روی خودشان تبلیغ کنند تا آراء مردم را جلب کنند، حالا نفر سوم هم برای اینکار این فرصت را میخواهد.

منتظری — چه‌اشکالی دارد بعداز فوت بنویسیم «یا فاقد صلاحیت شود».

نایب‌رئیس — آقا این خطرناك و خیلی مشکل است. آقای شیبانی بفرمائید.

دکترشیبانی — اینجا که نوشته شده مهلت انتخابات تجدید میشود یک منظوری بوده است وآن این‌بوده‌است که فرض کنیم یک‌کاندیدائی که مورد نظرمردم است فوت میکند. چون لیست بسته شده دیگرمردم‌نفر مورد اطمینان خودشان را نمی‌توانند انتخاب کنند به‌این جهت‌گفته‌اند تجدید بشود یعنی دوباره فرد معرفی بشود.

نایب‌رئیس — آقای دکترشیبانی ببینید نفر اول که فوت میکند مثل این‌است که‌نفراول منصرف شود دراین حالت چکار میکردید؟ میگفتید انتخابات را تجدید کنید؟

دکترشیبانی — این فرق میکند، به‌دلیل اینکه ممکن است نفر سوم مورد پذیرش‌مردم باشد ببینید نفر اول وسوم مورد پذیرش مردم هستند اگر نفر اول فوت‌کرد برای دونفر دیگر دوهفته تمدید میشودو آن نفر سوم میتواند تبلیغ کند ولی اگر نفرسوم هم ازبین رفت‌کاندیدای

مورد پذیرش مردم دیگر نمی‌ماند به‌این جهت گفته‌اند تجدید بشود آنهائی که پیشنهادشان بوده ازاین جهت بوده که مردم بتوانند کاندیدای مورد نظرشان را انتخاب کنند.

نایب‌رئیس — خوب، اصل ۹۰ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۹۰ (اصل یکصد وبیستم)— هرگاه درفاصله ده روز پیش از رأی گیری یکی از نامزدهائی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده، فوت کند، انتخابات به‌مدت دوهفته به‌تأخیر می‌افتد، اگر درفاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دونفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند مهلت انتخابات برای دوهفته تجدید میشود.

نایب‌رئیس — نسبت به‌این اصل با ورقه رأی‌گیری میشود.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی‌گیری را اعلام میکنم، عدهٔ حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی شصت‌وسه‌نفر، تعداد کل آراء شصت‌وچهاررأی که یک‌رأی‌اضافی به‌قیدقرعه‌خارج شده‌است، آراء موافق پنجاه وچهار رأی، آراء مخالف دو رأی، آراء ممتنع هفت رأی، بنابراین اصل ۹۰ با پنجاه وچهار رأی موافق به‌تصویب رسید، تکبیر (نمایندگان سه مرتبه تکبیرگفتند) .

۹- طرح اصل ۹۷

نایب‌رئیس — اصل ۹۶ مربوط است به‌سوگند که چون متن سوگندنامه را آقایان تهیه نکرده‌اند به‌فردا موکول میشود بنابراین اصل ۹۷ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۹۷ — امضای قوانین با رئیس جمهور است ولی خودداری او از امضای قانون در مهلت مقرر جز موارد مصرح در قانون اساسی نمی‌تواند اجرای قوانین را پس‌از انقضای مهلت امضاء متوقف سازد یا به تأخیراندازد. مهلت امضای قانون ده روز ازتاریخ ابلاغ قانون به‌ریاست جمهور است.

رحمانی— این اصل درجلسه مشترك مطرح نشده‌است بنابراین قابل طرح درجلسه‌نیست.

۱۰- پایان جلسه

نایب‌رئیس — بسیار خوب، اگرآقایان نظرمیدهید که بهتراست این اصول بعدی فردا مطرح بشود جلسه‌مان را پایان میدهیم جلسه آینده ساعت ۳ بعدازظهر فردا میباشد. البته آقایان فراموش نفرمایند که فردا ساعت ۸ صبح جلسه مشترك گروهها تشکیل خواهد شد.

(جلسه ساعت هفده وچهل‌وپنج دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و ششم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز بیست‌و چهارم مهرماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با بیست و چهارم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل از دستور آقای حجتی کرمانی درباره وقایع سال گذشته مسجد کرمان. . . . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۸۹ (اصل یکصد و بیست و یکم). . . . . .
۳ — ادامه بحث و تصویب اصل ۹۶ (اصل یکصد و بیست و سوم). . .
٤ — ادامه بحث و تصویب اصل ۹۷ (اصل یکصد و بیست و چهارم). .
٥ — طرح و تصویب اصل ۹۸ (اصل یکصد و بیست و دوم). . . . . .
٦ — طرح و تصویب اصل ۹۹ (اصل یکصد و بیست و نهم). . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۰۰ (اصل یکصد و بیست و هشتم). . . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۱۰۱ (اصل یکصد و بیست و پنجم) . . . . . .
۹ — طرح و تصویب اصل ۱۰۲ (اصل یکصد و سی‌ام). . . . . .
۱۰ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل از دستور آقای حجتی کرمانی درباره وقایع سال گذشته مسجد کرمان

نایب رئیس — نطق قبل از دستور شروع میشود، آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. «ولاتقولوا لمن یقتل فی‌سبیل‌الله اموات بل‌احیاء عند ربهم یرزقون»سال گذشته روز بیست و چهارم مهرماه‌روزی مثل‌امروز یکی از فاجعه‌آمیزترین وقایع دوران دودمان کثیف پهلوی یعنی حمله به مسجد جامع کرمان رخ داد . در این فاجعه برادران و خواهران کرمانی ما در معرض قساوت آمیزترین حملات وحشیانه مأمورین مزدور رژیم جنایتکار پهلوی قرار گرفتند و حمله به مقدسات دینی و قرآن‌ها و فرشهای مسجد و در و دیوار مسجد آنچنان وحشیانه و غیرقابل تصور بود که این جنایت یک نقطه عطف جدیدی در بیدار کردن افکار مردم ایران و مردم دنیا بر ضدرژیم طاغوتی بود. من در سال گذشته حمله به مسجد جامع کرمان را در زندان اوین شنیدم و بعداً که از زندان مرخص‌شدم و به کرمان رفتم و مسجد جامع کرمان را که در حال نیمه سوخته بود به وضعی دیدم که نمونه‌های حمله‌های گذشته که انسان در تاریخ میخواند را به خاطر می‌آورد.

امروز در شهر کرمان عزای عمومی است و به یاد شهدائی که در فاجعهٔ مسجد کرمان جان باختند و خون خودشان را با خون‌های مقدسی که در سراسر ایران برای پیروزی انقلاب مقدس اسلامی به رهبری امام خمینی نثار کردند درآمیختند و این خونهای مقدس همچون سیلی خروشان توانست که بنیاد کاخ ستم را براندازد و ملت ما را از قید و بند دو هزار و پانصد ساله رژیم شاهنشاهی برهاند. فجایع دستگاه اعم از سینما رکس آبادان وحمله به‌مسجد جامع کرمان و حمله به مسجد نوشیراز و همچنین بیمارستان امام‌رضا در مشهد و همچنین حرم مطهر ثامن‌الحجج و سایرفجایعی که کردند اینها همه ما را برآن میدارد که به احترام خون این شهدای پاک وبرای بارور کردن نهال‌انقلاب وبرای آنکه ملتی را که با خون شهدااز بند رهیده است به سامان برسانیم و اوضاع کشور جعفرین محمد را و این کشور پرافتخار اسلامی را سرو سامان بدهیم. بر همهٔ ما افراد ملت از بزرگ و کوچک در هر شأن و شئونی هستیم آن است که از خود بدرآئیم و برای خدا و خلق خدا کار کنیم و بدانیم که شهدای بزرگ ما در سراسر تاریخ اسلام و مخصوصاً شهدای دو سالهٔ اخیر ایران چشم براه آنند که ما به احترام خون آنها و برای بارور کردن نهال انقلاب اسلامی چه میکنیم. «ثم جعلناکم خلائف فی‌الارض من بعد هم لننظر کیف تعملون» در این فرصت کوتاه به روح همه شهدای انقلاب اسلامی ایران و شهدای فاجعه مسجد جامع و مسجد امام کرمان درود می‌فرستم و امیدوارم که همهٔ ما در راه انجام وظیفه پاسداری از انقلاب اسلامی موفق و مؤید باشیم و از دوستان و برادران‌تقاضا دارم که به احترام خون همه شهدای انقلاب اسلامی ایران و به یاد همهٔ آنها بپاخیزند و

فاتحه بخوانند.

(همهٔ حضار برپاخاستند و سوره حمد و توحید را تلاوت کردند)

نایب رئیس — غفرالله لهم و لنا.

۲ — طرح و تصویب اصل ۸۹ (اصل یکصد و بیست و یکم)

نایب رئیس— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دستور جلسه امروز مشتمل بر هفت اصل خدمت دوستان هست اول‌اصل ۸۹ است که در ردیف اصولی که داشتیم قرار داشت مربوط به سوگند رئیس جمهور است و چون متن سوگندنامه کامل نشده بود موکول شد به‌امروز که آقای آیت آن راقرائت میکنند .

اصل ۸۹ — رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوانعالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل میشود سوگندنامه زیر راقرائت و امضاء میکند:

«من به‌عنوان رئیس‌جمهور برابر قرآن کریم ودر پیشگاه ملت ایران به خداوندقادرمتعال سوگند یاد میکنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشورباشم و همهٔ استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیتهائی که بر عهده گرفته‌ام به کارگیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور و ترویج اخلاق و پشتیبانی از حق و عدالت سازم از آزادی و حرمت اشخاص وحقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم و درحراست از مرزها و استقلال سیاسی واقتصادی و فرهنگی کشورازهیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی راکه ملت به‌عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به‌منتخب ملت پس از خود بسپارم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم».

نایب رئیس — آقای یزدی بفرمائید. (یزدی — آیا «درحراست از مرزها از هیچ اقدامی دریغ نورزم» صحیح است؟) امیدواریم همه در این راه از هیچ اقدامی دریغ نورزند. بلی این تعبیر صحیحی هست. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — به نظر بنده این اصل دو اصلاح لازم دارد یکی در آنجائی که نوشته شده در جلسه‌ای که با حضوررئیس دیوانعالی کشور باید جمله «با حضوررهبر یا شورای رهبری» هم اضافه شود، و دیگر در جائی که نوشته شده « قدرتی که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است» من معتقدم که این ملت نیست که این قدرت را به رئیس جمهور سپرده است‌بلکه امام امت است که این قدرت را به او سپرده است چون همانطور که ملت او را انتخاب کرده است اگر اجازه امام است نباشد مشروعیت پیدا نمی کند.

نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — دو جمله اینجا هست که مثل اینکه باید اصلاح شود، یکی اینکه نوشته شده «سوگند نامه را بخواند و امضاء کند» درست نیست باید بنویسیم «به ترتیب زیر سوگند یاد کند و سوگندنامه را امضاء کند» یعنی مسأله انشاء را ما در اینجا باید متذکرشویم که سوگند نامه را امضاء کند نه اینکه سوگندنامه را قرائت کند. دیگر نوشته شده «همچون امینی پارسا» چنین معلوم میشود «امینی پارسا» درست نیست «همچون امین پارسا» است.

نایب رئیس — مسأله دومی که فرمودید معمول هست ولی تذکر اولی که فرمودید بجا است یعنی بنویسیم « به ترتیب زیر سوگند یاد کند و سوگندنامه را امضاء نماید » . (طاهری اصفهانی — «امضاء نماید» هم نظر ایشان را تأمین نمی‌کند.) خیر نوشته میشود «به ترتیب زیر سوگند یاد نماید و سوگندنامه را امضاء نماید» آقای موسوی اصفهانی بفرمائید.

موسوی‌اصفهانی — بنده سه پیشنهاد اصلاحی دارم یکی اینکه در قسمت اول نوشته‌شود «در جلسه علنی قسم یاد نماید» و یکی هم نوشته شود «مذهب رسمی ایران».

نایب رئیس — چون «کشور» مضاف‌الیه هرسه، مذهب رسمی و قانون اساسی و نظام جمهوری می‌باشد و راجع به تذکر اول شما همه جلسات مجلس علنی است مگر آنهائی که استثنائاً سری باشد این است که لازم نیست در اینجا قید شود.

موسوی اصفهانی — تذکر دیگر بنده این است که بجای «پشتیبانی از حق و عدالت» نوشته شود «گسترش حق و عدالت».

نایب رئیس — البته اینجا یک کلمه افتاده است چون قرار بود بنویسیم «ترویج دین و اخلاق» مثل اینکه هنگام پاک‌نویس کردن افتاده است البته تعبیرگسترش، ازتعبیر پشتیبانی زنده‌تر و پرمایه‌تر است و پیشنهاد خوبی است بنابراین می‌نویسیم:

«اعتلای کشور و ترویج دین و اخلاق و گسترش حق و عدالت» البته گسترش عدالت خوب است ولی گسترش حق یک مقداری نامفهوم است. (منتظری — بنویسیم پشتیبانی و حمایت یا حمایت و پشتیبانی.) میتوانیم گسترش را بگذاریم برای عدالت یعنی بنویسیم «ترویج دین و اخلاق و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت»، آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — در اینجا که نوشته شده «و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی» به عقیدهٔ‌بنده «قانون اساسی» باید حذف شود و نوشته شود «اعضای شورای نگهبان» و یا اینکه نوشته شود «اعضای شورای نگهبان احکام اسلام و قانون اساسی».

نایب رئیس — صبح خدمتتان عرض شد که در اصل قبل ما این شورا را دو بخش نکردیم فقط یک شورای نگهبان قانون‌اساسی داریم که همهٔ اعضای آن شورا، نگهبان قانون اساسی هستند و اظهارنظر در مورد بخشهای مربوط به انطباق با موازین اسلام مخصوص فقها است ولی دوتا شوراندارایم تنهایک شورای‌نگهبان قانون‌اساسی داریم چون یکی ازاصول‌قانون اساسی ما این است که تمام قوانین کشور باید منطبق با قوانین اسلام باشد این هم جزو قانون اساسی هست و برای اجرای این اصل آن شش نفر که تخصص دارند اظهارنظر میکنند. (فوزی — منظور من این‌است که نوشته‌شود به‌منظور پاسداری ازاحکام اسلام وقانون اساسی.) بلی این برای تأکید است، آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — آخرین کاری که میکند سپردن همین ودایع است اگر نوشته شود نگهدار باشد و بعد از هرگونه خودکامگی بپرهیزد و آن را به منتخب ملت بعد از خود بسپارد. این این جمله آخر باید یک فراز برگردد جلوتر، یعنی نوشته شود «همچون امینی پارسا و فداکار نگهدار باشم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.» اینطور بهتر است.

نایب رئیس — ملاحظه میفرمائید که فاصله میشود و ارجاع آن یک مقداری نامفهوم‌تر میشود. (کیاوش — این خودکامگی که مربوط به بعد از سپردنش که نیست قبل از سپردن

این ودیعه است.) در تمام این مراحل میگوید بپرهیزد، آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — عرض کنم که اگر بعد از پیامبر کلمه «اسلام» گذاشته شود و نوشته شود «پیروی از پیامبر اسلام» بهتر است دیگر اینکه آیا نمایندگان هم سوگندنامه‌ای دارند و نخست‌وزیر هم سوگند خواهد خورد یا نه؟

نایب رئیس — فعلا این اصل مربوط به رئیس‌جمهور است ما داریم دربارهٔ رئیس‌جمهور بحث می کنیم دربارهٔ نخست‌وزیر که بحث نمی کنیم.

سبحانی — منظورم این بود که یک کاسه‌اش بکنیم. مطلب دیگر اینکه انتخاب رئیس‌جمهور قبل از انتخابات مجلس شورای ملی است.

نایب رئیس — انتخاب رئیس‌جمهور را میفرمائید؟ (سبحانی—بلی.) معلوم نیست حالا.

سبحانی — قاعدتاً همان است طبق نقشه ما قبل از انتخابات مجلس شورای ملی است. پس اگر رئیس‌جمهور انتخاب شد چطور سوگند یاد می کند؟

نایب رئیس — شما که نقشه‌ای ندارید حالا؟ (سبحانی — یعنی طبق برداشتی که ما تا به حال کرده‌ایم.) به احتمال قوی ممکن است با هم انجام شود.

سبحانی — خوب حالا اگر رئیس‌جمهور انتخاب شد مدتها باید کار کند بدون سوگند تا انتخابات مجلس انجام بشود و شورای نگهبان هم بعد از انتخاب مجلس است.

نایب رئیس — رئیس جمهور اگر انتخاب بشود کاردولت ادامه دارد تاانتخابات‌مجلس هم انجام بشود اگر هم دوبار باشد برای اینکه تا ارکان حکومت آینده همه درست نشود نمی‌تواند حکومت ثابت سرکار بیاید ولی انشاءالله هردو با هم انجام میگیرد. آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — بنده یک اصلاح عبارتی به نظرم رسید عبارت «استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه اطهار» باید مقدم برهمه اینها باشد یعنی با استعانت از خدا همه این کارها را میکند نه‌اینکه آن کارها را بدون استعانت میکند و در وسط، استعانت از پروردگار می‌جوید، جمله «با استعانت از پروردگار و پیروی از پیامبر و ائمه‌اطهار علیهم‌السلام» بایداول باشد. بعد هم در آنجا که نوشته شده «در برابر قرآن کریم و در پیشگاه ملت» بهتر است که‌جای آنها عوض شود و نوشته شود «پیشگاه قرآن و در برابر ملت» چون پیشگاه شاید احترام بیشتری داشته باشد.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — مطالبی را که آقای کیاوش گفتند بنده تأیید میکنم برای اینکه وقت کار است که ما می‌خواهیم بگوئیم خودکامگی نکند و یکی هم این عبارت را به این ترتیب بنویسیم «قدرتی را که به عنوان امانت مقدس به من سپرده شده» تو چه کار داری که چه کسی سپرده؟ هم ازطرف مردم سپرده شده و هم ازطرف رهبر، پس باید اینطور نوشته شود «به‌عنوان امانت مقدس به من سپرده شده نگهداری کنم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و آن را به‌منتخب ملت‌بعد ازخودبسپارم.» برای‌اینکه اینطورنیست که اول بپردازد وبعد خودکامگی بکند.

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — تذکر بنده همان تذکری است که آقای سبحانی دادند ولی جواب شما

به نظر من قانع کننده نبود چون برفرض که انتخابات مجلس شورای ملی و ریاست جمهوری یک‌دفعه انجام‌بشود این‌مسأله‌مطرح است که کدام یک از اینها زودترشکل میگیرد بنابراین درموردی که انتخابات‌ریاست‌جمهوری قبل‌ازانتخابات مجلس شورای‌ملی انجام شد، پیش‌بینی لازم بشود.

نایب رئیس — معلوم میشود که عنایت نفرمودید من عرض کردم که اصلا نه فقط انتخاب رئیس‌جمهور و مجلس یعنی تا وقتی که نخست‌وزیر را انتخاب نکند و دولت را معرفی نکند و برنامه را به‌مجلس ندهد یعنی تا موقعی که تمام ارکان حکومت که‌خواهیم داشت جمع نشود آن حکومت نمی‌تواند به کار مشغول شود. (هاشمی‌نژاد — یعنی سوگندش به‌تأخیر می‌افتد؟) خیر وقتی مجلس شروع به‌کارکرد میرود سوگندش را میخورد و بعد هم میرود نخست‌وزیر معین میکند. (هاشمی‌نژاد — یعنی بعد از انتخاب این کار به‌تأخیر می‌افتد تا وقتی که مجلس شکل بگیرد؟) بلی چون اگر مجلس نباشد نمی‌تواند دولت‌انتخاب بکند ببینید چون آن دولت چه‌موقعی میتواند قدرت را در دست‌بگیرد؟ وقتی که بتواندنخست‌وزیر ووزراء داشته باشد و برنامه مصوب داشته باشد و اینها که بدون مجلس نمی‌شود بنابراین اگر در سوگندش تأخیر بیفتد چیزی نیست. (منتظری — بعد از «پیامبر» کلمه «اسلام» باید گذاشته شود.) بسیار خوب. دوستان حدود ده نفر دیگر اسم نوشته‌اند آیا تذکرات جدیدی هست؟آقای‌رحمانی تذکری دارید.

رحمانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . عرض میشود بجای «در پیشگاه ملت ایران» نوشته شود «در برابر ملت ایران»، چون نوشته شده «در برابر قرآن کریم» اگر ملت ایران را بالاتر از قرآن کریم تعبیر کنیم به وسیله لفظ پیشگاه این صحیح نیست باید بنویسیم «برابر قرآن کریم و دربرابر ملت ایران». مطلب دوم اینکه نوشته شده «پاسدار مذهب رسمی» باید نوشته شود «پاسدار دین اسلام مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی» و در جائی که نوشته شده «حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است» باید نوشته شود «حرمت اشخاص و حقوق ملت» نه حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است. آیا می‌خواهید قانون مجلس شورای ملی آن را بشناسد و توضیح بدهد وتشریح بکند وتفصیل‌بدهد که آن واضح‌تر است از قانون اساسی یا به صورت دیگری. مطلب دیگر هم اینکه نوشته شده است «استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی» مگر استقلال فقط منحصر در این سه مورد است؟ و چرا نظامی را فراموش کرده‌اند چون استقلال نظامی هم باید داشته باشیم.

نایب رئیس — آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

طاهری گرگانی — به عقیده بنده « پیشگاه » بیاید بجای «برابر» و برابر هم به جای پیشگاه «برابر نمایندگان ملت باشد» و نسبت به مذهب هم باید تبدیل شود به دین چون در اصل ۱۲ دین و مذهب توأماً رسمی شدند.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — اگر چه یک طرح شورای جمهوری است که می‌نویسیم ولی به هرحال اگر این سوگند بخواهد به قطع و وصل انشاء متمشی بشود یک چنین رئیس‌جمهوری با این تناسب من فکر کردم که در سطر پنجم که نوشته شده «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی» باید نوشته شود «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که اسلام و قانون‌اساسی»

برای اینکه به‌نظر من اسلام حقوق بیشتری برای مردم شناخته است، اگر صلاح میدانید به‌این نحو که عرض کردم نوشته شود.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر — بین کلمه «وقف» و«بسازم» فاصله است به‌عقیده من اگر عبارت‌به‌اینصورت نوشته شود «و خود را در خدمت به مردم و اعتلای کشور و ترویج اخلاق و پشتیبانی از حق و عدالت قرار دهم» و یا بنویسیم «برای خدمت به مردم وقف سازم» بهتر خواهد بود . مطلب دیگر به جای کلمه «قدرت» ، «مسئولیت» بنویسیم بهتر است یعنی به این ترتیب «مسئولیتی را که ملت به عنوان امانت...».

نایب رئیس — آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — مطالبی که بنده می‌خواستم بگویم یک قسمتش گفته شد و قسمت دیگر اینست که بنویسیم «آزادی و حرمت و حقوقی که برای ملت شناخته شده است».

نایب رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — آنجا که نوشته شده است «برابرقرآن کریم و پیشگاه ملت» بنده پیشنهاد میکنم بنویسیم «در برابر قرآن کریم و پیشگاه ملت».

نایب رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — مطلب اساسی را آقای باهنر راجع به قدرت فرمودند چند کلمهٔ دیگر است مثل ساحت مقدس قرآن و به دنبال قانون اساسی کشور و مجری مصوبات مجلس هم هست و بجای اخلاق مکتب باشد، بهتر است.

نایب رئیس — آقای کیاوش بفرمائید. (کیاوش — این جمله آخر که عرض کردم میخواستم توضیح بدهم.) قرار شد بیاوریم جلو.

کیاوش — بنده به این ترتیب درست کردم «و در ترویج دین و اخلاق و پشتیبانی از حق و گسترش حق و عدالت سازم» و چون خود را وقف کرده جمله «و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم» درآخر زشت هم هست. علاوه براین جایش اینجاست ملاحظه بفرمائید.

نایب رئیس — جای بهتری برایش پیدا کردیم و آن قبل از «استعانت» است یعنی به این ترتیب «از هیچ اقدامی دریغ نورزم و از هرگونه خودکامگی » یعنی‌در تمام این مسائل از هرگونه خودکامگی بپرهیزم.

کیاوش — فکر نمی‌کنید وقف کردن خود با خودکامگی متضاد باشد و جایش همانجا باشد ؟ پیشنهاد دیگر من اینست که اگر اولش بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اضافه کنید مؤکدتر میشود یعنی بنویسیم «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، من به عنوان ...».

نایب رئیس— یعنی در متن قسم‌نامه؟ (کیاوش— بلی چون تا به‌حال رسم نبوده‌است.) بنظر می‌آید تذکر بسیار بجائی است همانطورکه گفتید به‌نظر من هم این جمله اگر قبل از آزادی بیاید بهتر است یعنی نوشته شود «از هرگونه خودکامگی بپرهیزیم و از آزادی و حرمت اشخاص حمایت کنم». آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی— مطالب گفته شد ولی حالا من هم تأکیداً میگویم اینکه نوشته شده « در برابر قرآن کریم و در پیشگاه ملت ایران» به نظر من زننده است اگر جابجایش کنیم یعنی بنویسیم «در پیشگاه قرآن کریم و در برابرنمایندگان ملت ایران» بهتر است. مسأله دیگر اینکه

شما یک مقدار از وظایف او را نقل کرده‌اید و بعد نوشته‌اید «با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام» آیا به ذهن نمی‌زند که استعانت از صدر وظایفش باشد از وظیفه اولی که میخواهد در قسم‌نامه ذکر کند با استعانت از خداوند و پیروی از خدا؟

نایب رئیس— یکی از دوستان هم این تذکر را دادند که اینجا هم یادداشت شده است و هیچ اشکالی نمی‌بینم که این بیاید در صدر اینها.

تهرانی — چون امانتداری خیلی مشکل است استعانت را اینجا قرار دادیم به اینجهت است که میخواهد اشاره بکند که فقط امانت خیلی مشکل است.

نایب رئیس— آقای موسوی‌تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی— برای امانتداری و سپردن امانت باید به صراحت قید شود و همچنین بجای پشتیبانی «استعانت» بنویسید.

نایب رئیس— بسیار خوب، بعضی از دوستان هم‌تذکر دادند که اگربجای «پشتیبانی»، «استعانت» بگذاریم بهتر است، البته هرچه راکه آقایان انتخاب میکنند خوب است، بخصوص که بنویسیم «با استعانت از او وپیروی از پیامبر و ائمه‌اطهار» و بلافاصله بعد از نام خداوند بنویسیم «با استعانت از او» مثل این است که بگوئیم «بسمه تعالی و به نستعین».

موسوی تبریزی — قسم باید محکم باشد یعنی بین قسم و مقسم‌به فاصله‌ای نباشد به‌این طریق که من به‌خداوند سوگند یاد می‌کنم که این کار را بکنم یا این کاررا نکنم واین امانتی راکه به من سپرده‌اند، همین امانت را صحیحاً و سالماً به رئیس جمهور بعدی تحویل بدهم. (صافی— یعنی قسم باید معلق باشد.)

نایب رئیس— بسیار خوب من برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۸۹ (اصل یکصد و بیست و یکم) — رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوانعالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد میکند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

من به عنوان رئیس جمهور برابر قرآن کریم و در پیشگاه ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را درراه ایفاء مسئولیتهائی که بر عهده‌گرفته‌ام بکارگیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور و ترویج اخلاق و پشتیبانی از حق و عدالت سازم از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم و درحراست ازمرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور ازهیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه اطهارعلیهم‌السلام قدرتی راکه ملت به‌عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا وفداکار نگاهدار باشم وآن را به‌منتخب ملت پس از خود بسپارم.

رشیدیان — این جا کلمه قدرت است این قدرت نیست مسئولیت است.

نایب‌رئیس — همیشه وقتی کسی مسئولیت دارد به‌آن قدرت میدهند. (رشیدیان— مسئولیت باقدرت فرق دارد این قدرت‌نیست.) همیشه وقتی به کسی وظیفه میدهند باید اول به‌آن اختیارات بدهند، قدرت‌یعنی توانائی مثلا به‌شما هم‌توانائی میدهند که فلان کاررا انجام

بدهید زیرا دیگری نمی‌تواند این کار را بکند.

(اخذ رأی به‌عمل آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه پنجاه وهفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه وهفت رأی، آراء موافق پنجاه وسه رأی، آراء مخالف‌دورأی، آراء ممتنع دورأی تصویب شد، تکبیر(حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند). صورت غایبین وتأخیر کنندگان جلسه قبل را بخوانید.

دکتر آیت — غایبین روز یکشنبه ۲۲ مهرماه آقایان: دکتر بنی‌صدر، میرسرادزهی، حائری، ملازاده، موسوی اصفهانی.

تأخیر کنندگان آقایان: مدنی یازده دقیقه، رشیدیان یازده دقیقه، طاهری اصفهانی یازده دقیقه، دستغیب‌دوازده دقیقه، انواری دوازده دقیقه، اکرمی‌دوازده‌دقیقه، جوادی دوازده دقیقه، سبحانی یازده دقیقه، دکتر باهنر بیست وهفت دقیقه، پرورش سیزده دقیقه، فاتحی سیزده دقیقه، حجتی بیست دقیقه، شهزادی سیزده دقیقه، حسینی سیزده دقیقه، حیدری هفده دقیقه، خادمی سی‌وچهار دقیقه، شیبانی شصت وپنج دقیقه، عرب هفتاد وپنج دقیقه، کریمی شانزده دقیقه، مراغه‌ای سی ویک دقیقه، مقدسی هفده دقیقه، موسوی اردبیلی پنجاه‌ونه‌دقیقه، موسوی جزایری سی ونه دقیقه، هاشمی نژاد شانزده دقیقه.

نایب رئیس — آقای حائری کسالت دارندوآقای ملازاده‌هم‌چون به‌بلوچستان رفته‌اند مجاز بوده‌اند.

۳ — ادامه بحث و تصویب اصل ۹۶ (اصل یکصد و بیست و سوم)

نایب‌رئیس — اصل۹۶ قرائت میشود.

اصل ۹۶ — رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس را حداکثر ضمن ده روز امضاء کند وبرای اجرا در اختیار قوه مجریه بگذارد.

نایب‌رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — این کلمه «ضمن ده روز» صحیح نیست باید باشد «حداکثر ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ امضاء بکند و به‌قوه مجریه بفرستد».

نایب‌رئیس — ضمن ده‌روز از تاریخ ابلاغ. (موسوی تبریزی —«ضمن» دیگر نمی‌خواهد «حداکثر تا ده روز پس از تاریخ ابلاغ».) بسیار خوب آقای هاشمی نژاد.

هاشمی‌نژاد — اینجا دومطلب است یکی آن بود که برادر ما گفتند وگذشت، دیگراینکه نوشته «در اختیار قوه مجریه‌بگذارد» در صورتی که‌باید نوشته شود مصوبات‌مجلس شورای ملی را با توجه به‌اینکه مصوبات مجلس شورای ملی همه‌اش در اختیار قوه مجریه نیست‌وبعداً یک سری قوانین که مربوط به‌قوه قضائیه هم می‌باشد که‌آنها را هم تصویب‌می‌کنداگرعبارت جامعتری که شامل هردو بشود بگذارید بهتر است.

منتظری — اگر به‌جای قوه مجریه دولت بگذارید بهتر است.

نایب‌رئیس — دولت هم که‌بگوئیم، قوه قضائیه سوا است. (منتظری — قوه قضائیه هم جزو دولت است.) آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید. (هاشمی نژاد — اگر اینجا بنویسیم مقامات مسئول یا مقامات مربوط شامل همه‌آنها میشود.) بنویسیم در اختیار مسئولان مربوطمیگذاریم که‌دیگر هیچ ابهامی وجود نداشته باشد. (ربانی‌شیرازی — دولت بنویسید، چون‌خود دولت

دراختیار قوه مجریه میگذارد .)آن‌مربوط به‌مجلس شورای ملی است ومجلس به رئیس‌جمهور واگذار میکند اگر بگذاریم مسئولان مربوط بهتر است یعنی رئیس جمهور طبق هرقانونی که بعداً تعیین کرد دراختیارمسئولان مربوط میگذارد و مسئولان مربوط جمله‌ایست کاملتر.

منتظری — دراختیار قوه مجریه چه اشکال پیدا کرد؟ زیرا خود رئیس جمهور قوه مجریه است و او دراختیار مسئولان مربوط قرارمیدهد و یااینکه به‌آنها ابلاغ می کند وبهتر اینست که بنویسیم از راه رفراندوم این اختیارات را به‌دست‌بیاوریم واین راهم درپیش‌نویس اضافه بکنیم وهمچنین نسبت به‌قوانینی که ازطریق همه‌پرسی‌تصویب شده و به‌وسیله شورای نگهبان به‌وی ابلاغ شده است چون قوانین را بطوری که مفصلا بحث کردیم شورای نگهبان باید تأیید بکند این فقط مصوبات مجلس نیست وشامل همه میشود.

نایب‌رئیس — بهترنیست که این تیتر استثنائی رابگذاریم درهمان اصلی که مربوطبه همین موضوع است چون این بندرت اتفاق می‌افتد و صبح هم این مسأله مطرح شد «به‌رفراندوم میگذاریم که به‌رئیس جمهور داده بشود».

منتظری— درجاهای دیگرهم هست حالا چه‌اشکالی دارد که‌این‌نکته قیدبشودمصوباتی که از طریق همه‌پرسی...

نایب‌رئیس — نظردوستان چیست؟ به‌نظر میرسد که همانجا مناسبتر باشد. آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — این‌جا نوشته که حداکثر در ظرف ده روز باید ابلاغ کنند و اگر اتفاق افتاد که درعرض ده‌روز ابلاغ نشد این قانون باید معلق بماند؟

نایب‌رئیس — ما گفتیم این وظایف رئیس جمهور است و نگفتیم که اگر تأخیر شد بماند و نتیجتاً قانون هم معلق بماند، آقای سبحانی بفرمائید. (سبحانی — بنویسید «خودداری از امضاء دراجرای قانون اثری نخواهد گذاشت.») چون آنجا نوشته شده بود توشیح و امضاء واین قبیل چیزها جای این توهم‌را داشت که چنین اشکالاتی پیش بیاید ولی تخلف ازقانون که جای این حرف را نمی‌گیرد.آقای مکارم شیرازی.

مکارم‌شیرازی — اینجا حریم را ده روز قرارداده‌اید، اگر بگوئیم فقط یک امضای ساده باشد به‌این طریق می‌توانیم مسأله را حل بکنیم ولی اگر برای بررسی و تحقیقات و این حرفها است که دومرتبه باید به‌مجلس برگرداند که خوب است والااگر چنین اختیاری ندارد باایراد کردن به‌مجلس این ظرف ده روز درست نیست چون باید تا به‌دستش رسید امضاء کند.

بشارت — بعضی از وظایف رهبر مثل عفو عمومی را که وقتی رهبر امضاء فرمودند به رئیس جمهور میدهند یا دراختیار دیوانعالی کشور قرار میدهند؟ (نایب‌رئیس— آن درجای خودش می‌آید.)ملاحظه بفرمائید اگر دراختیار رئیس جمهور قراربدهند غیراز مصوبات‌چیزهای دیگری هم هست که همانطورکه آقای منتظری‌هم فرمودند بهتر است و دیگر اینکه بجای «بگذارد»، «قراردهد» بهتر است.

نایب‌رئیس — اینجا «قراردهد» صحیح‌تر است بهتر جا می‌افتد. (رحمانی— مطلبی‌را که میخواستم عرض کنم آقای منتظری فرمودند.)

دکتر نوربخش — عرض کنم درپیش نویس اصل ۸۴ قبلا آمده است وچون آن‌اصل حذف شده‌است بنده اینجا می‌بینم که وظیفه رئیس جمهور مثل مهر پای کاغذ است واگرچیزی

را رئیس جمهور امضاء نکرد تکلیف چیست؟ فرض بفرمائید چیزی مطابق میلش نبود آیا می‌تواند به مقامی دیگرارجاع کند؟چون درهیچ جا چنین سیستمی نیست و اگر نتوانست وظیفه‌اش را انجام بدهد تکلیف چیست؟

نایب‌رئیس — استعفا می‌کند. آقای دکتر باهنر.

دکتر باهنر — مطلب بنده یکی این‌است که اگرآن کلمه «ضمن» راحذف بکنیدوبنویسید حداکثر ظرف ده‌روز ودیگراینکه دراختیار دولت یا نخست‌وزیرمناسبتراست‌برای‌اینکه‌نسبت‌به وزراء ورؤسای سابق ... واگر دولت بنویسیم که‌معمولا شامل هیأت‌دولت هم میشود بهتراست.

نایب‌رئیس — ممکن است قوه قضائیه مستقل باشد وهمانطور که‌گفتیم اگر عبارت را مسئولان بنویسیم مشخص‌میشود. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — چون نخست‌وزیر در رأس است دیگر با گذاشتن کلمه نخست‌وزیر قهراً درست میشود.

نایب‌رئیس — آقای خزعلی.

خزعلی — اگر کسی مخالف باشد بنده به‌عنوان موافق صحبت خواهم کرد.

دکترآیت — من معتقدم که‌مسأله انتشار قوانین هم در اینجا بررسی بشود، چون اصولا امضاء یک مسأله تشریفاتی است زیرا قانون باید به یک وسیله‌ای منتشر شود و در اطلاع مردم قرار بگیرد.

نایب‌رئیس — آن جایش اینجا نیست و جایش در مسأله قوه مجریه یا قوه قضائیه یا نخست‌وزیر است که باید در موقع اعتبار یک قانونی قید شود که‌اعتبارش از چه‌تاریخی‌است باید بنویسیم از تاریخی که از طرف شورای نگهبان رد شده باشد وظرف ده‌روز هم‌ابلاغ بشود، آقای حیدری بفرمائید.

حیدری — اگر اضافه بکنید رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس را پس از تأیید شورای نگهبان امضاء کند ودر اختیار مسئولان مربوط قرار دهد بهتر است.

نایب‌رئیس — اینکه میگوئیم از تاریخ ابلاغ، بستگی به این دارد که‌چه کسی این ابلاغ را می‌کند اگر گفتیم که‌مجلس باید ابلاغ بکند که‌ده روز را قید کرده‌ایم ووقتی که شورای نگهبان پاسخ نداد این میشود بعد از ده روز چون ظرف ده روز بایستی ابلاغ بشود، بنابراین میتواند در پایان ده‌روز کار را انجام‌بدهد.(کرمی — ارتباط شورای نگهبان‌بامجلس است.) شورای نگهبان که مطلقاً ابلاغ نمی‌کند، چون مجلس ابلاغ می‌کند واو باید ظرف همان ده‌روز امضاء بکند ودر اختیار مسئولان مربوط قرار بدهد. یک‌وقت است که‌مجلس‌قانونی را میفرستد به‌شورای نگهبان وشورای نگهبان هم تأیید می‌کند و برمی‌گرداند بنابراین، این میشود که‌درظرف همان‌ده‌روز اول رئیس‌جمهور امضاء بکند ودراختیار مسئولان‌قراربدهد ویک وقت هم‌هست که‌این ده‌روزی که‌حداکثر مهلت است در شورای نگهبان بماند واگر هم نفرستند باز قانونیت دارد، این است که رئیس جمهور در ظرف همان ده‌روز میتواند امضاء بکند وبدهد.

منتظری — برای رئیس جمهور مدت ده‌روز لازم نیست این ده روز برای شورای نگهبان است واینطور بنویسیم «مصوبات مجلس را پس از ابلاغ باید امضاء کند» مادام که‌به‌شورای نگهبان نرسیده اصلا قانونیت ندارد.

نایب‌رئیس — ملاحظه‌بفرمائید چیزی که به‌تصویب رسیده است این است که قانونی در مجلس تصویب میشود ، یک نسخه برای رئیس جمهور و یک نسخه هم برای شورای نگهبان فرستاده میشود . در طی این ده روزی که قانون اینجا است اگر به‌تأیید شورای نگهبان رسیده باشد که در خلال این مدت رئیس‌جمهور آن را امضاء می‌کند ومیدهد ویا حداکثرعدم رد شورای نگهبان پس از ده روز باید باشد واگر ده روز طول کشید وعدم‌رد شورای نگهبان‌هم کافی بود که باز رئیس جمهور میتواند امضاء کند وبدهد . آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — در هر صورت قبل از عبور از شورای نگهبان قانونیت ندارد وبعد از آن باید ابلاغ کند . (نایب رئیس — چه کسی ابلاغ بکند ؟) شورای نگهبان می‌فرستد برای رئیس جمهوری ولی اگر به‌تأیید شورای نگهبان‌نرسید فرستادنش برای رئیس جمهوری معنی ندارد و باید پس از قانون شدن ابلاغ کند .

نایب‌رئیس — مجلس باید هر قانونی را ده روز در خود مجلس نگاه دارد وپس‌از ده روز اول (همهمه نمایندگان) آقای آیت‌بفرمائید.

دکترآیت — شورای نگهبان پس از گذشتن مدتی که در این دواصل پیش‌بینی شده است ...

نایب‌رئیس — این نظر به‌اینجا مربوط نمی‌شود این مربوط به‌آنجا است یعنی آنجانوشته پس از ابلاغ بنابراین یااین است که تصمیم میگیرید که‌ابلاغ پس از امضاء یا گذشتن‌ده روزباید باشد که مربوط به‌آنجا است به‌هر حال این مسأله‌تأثیری ندارد .

دکترآیت — اگر ماابلاغ را به‌عهده شورای نگهبان بگذاریم یعنی بگوئیم‌پس از ده‌روز شورای نگهبان قانون را به‌رئیس جمهور ابلاغ می‌کند ورئیس‌جمهورهم‌امضاء می‌کند واگر احیاناً سکوت هم ماند سکوت گذاشتنش هم‌حل میشود .

نایب‌رئیس— بسیارخوب، ولی مانمی‌خواهیم اینطور بشود ما مدتی دربارهٔ این اصل بحث کردیم که‌نمی‌خواهیم قانون در اختیار یک چنین دولتی باشد. آقای دکترآیت.

دکترآیت — ناچاراست که‌پس از مدت‌مقرر ابلاغ کند وپس‌از ابلاغ هم‌رئیس‌جمهور مجبور میشود که‌امضاء کند .

منتظری — من درباره این موضوع اینطور به نظرم رسید که مصوبات را طوری تنظیم بکنیم که جمع بین هر دوباشد یعنی یک‌وقت‌هست که‌مصوبات از راه مجلس است ویک وقت ازراه همه‌پرسی ورفراندوم است. ما نمی‌توانیم برای این بعداً یک اصلی ذکرکنیم ودرمجلس هم که باشد بازشورای نگهبان میخواهد که آنجا هم به‌وسیله‌شورای نگهبان ابلاغ میشود، اینطور می‌نویسیم «رئیس جمهورموظف است مصوبات مجلس ویا همه‌پرسی‌را پس از ابلاغ به وی امضاء کند ودر اختیار قوه‌مجریه بگذارد ».

نایب‌رئیس — این بسیار خوب است. (منتظری — چون هم این را نوشته‌ایم‌وهم‌آن را وهم مراحل قانونی خودش را طی‌کرده‌است.)آیا دوستان معتقدند که‌مسأله ده‌روزبکلی برداشته بشود ؟ (تهرانی — اول برود به‌شورای نگهبان‌بعد به رئیس جمهوری ابلاغ بشود.) (منتظری — بله) (اکثر نمایندگان — بله)

کرمی — مانگفتیم که بطورکلی برداشته شود اصولا آن چه ارتباطی بااین داردارتباط شورای نگهبان بامجلس است، ماگفتیم‌حداکثرده‌روز .

مکارم‌شیرازی— برای چه‌مطالعه‌بکند؟ اصلامطالعه‌واظهارنظر نمی‌خواهد، این‌قانون‌است.

نایب‌رئیس — اجازه بدهید، آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — آقا بنویسید « مصوبات قانونی مجلس» اگر یک « قانونی» اینجا گذاشته بشود مسأله‌حل‌می‌شود « رئیس جمهورموظف است مصوبات‌قانونی مجلس را پس‌از طی‌ده‌روز».

نایب‌رئیس — مگر در مجلس مصوبات غیر قانونی هم وجود دارد؟ مصوبات مجلس هر چه‌باشد اعم از قانون یا چیز دیگر فرق نمی کند. آقای کیاوش.

کیاوش — منظورم این است که به‌صورت قانون‌درآمده باشد واز شورای نگهبان‌گذشته باشد .

مکارم‌شیرازی — آقا اگر اضافه کنید « پس از طی‌مراحل‌قانونی» عبارت درست میشود.

یزدی — اگر آن جمله‌فوق عملی بشود دیگر این عدم رد شورای نگهبان مرتفع‌میشودو هیچ اشکالی‌هم ندارد .

موسوی‌تبریزی — در این تناقض زیاد پیدا می‌شود .

نایب‌رئیس — آن راکه‌ما تصویب کردیم وچیزی راکه‌تصویب کرده‌ایم‌نفرمائید که باید اصلاح بشود خوب اجازه‌بدهید اصل۹۶ به‌این صورت در بیاید :

رئیس‌جمهور موظف است مصوبات‌مجلس یاهمه‌پرسی را پس از طی‌مراحل‌قانونی‌وابلاغ به‌وی امضاء کند ودر اختیار مسئولان بگذارد . (نمایندگان — مدت آن‌را تعیین کنید که‌ظرف چند روز ...) (تهرانی — یا بنویسید بلافاصله یااینکه پنج روز، یا ده روز.)آقا این زمان لازم ندارد زیرا بمحض اینکه آوردند آنجا فوراً یقه‌اش را می‌چسبند که‌همین الان باید امضاء کنی، چون وقتی گفتیم «بلافاصله» باید فوراً اجرا شود ما این را موکول‌میکنیم به‌اینکه همانطورکه سایر وظایفش را انجام میدهد این‌هم مراحل‌خودش را طی بکند خوب ، بنابراین من این را برای رأی میخوانم عنایت بفرمائید.(رشیدیان ـ بنده‌مخالف هستم خوب است نوبت را رعایت بفرمائید.) بله حق شما محفوظ است .

موسوی تبریزی — صحبت کردن مخالف و موافق دربارهٔ اصولی‌که زیاد مهم نیست وقت مجلس را میگیرد این یک‌کار تشریفاتی است.

رشیدیان — همه اینقدر صحبت می کنند بنده هم چند دقیقه صحبت می کنم همینکه الان شما دارید می‌فرمائید خودش صحبت است.

نایب‌رئیس — حالا نوبت را رعایت بکنید تا ببینیم می‌توانیم منظمش بکنیم. آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. باتوجه‌به‌اینکه امضاء رئیس جمهور به منظوراین است که رئیس جمهور ازمتن قانون و مفهوم آن باخبر بشود که لایحه معمولا قبلا از طرف دولت به مجلس میرود و رویش هم زیاد بحث میشود و شناخت کافی هم دارند ثانیاً این لایحه که به مجلس میرودو در اطرافش گفتگو میشود اگرلایحه مهم بود که دربارهٔ آن بررسی می کنند وتذکرات لازم را هم باید بدهندثالثاً که دوازده‌نفر حقوقدان فقیه و متبحر این‌مصوبات را مطالعه میکنند و امضاء میکنند و دیگربه‌فرد دیگری احتیاج ندارد چون همیشه قدرتها به‌دنبال بهانه می‌گردند که سرنخی به‌دست بیاورند و روزنه‌ای را به دروازهٔ بزرگی تبدیل بکنندبه همین‌جهت اینها همواره درقانون‌اساسی گشته‌اند موضوعی رابه‌دست بیاورند ونقطه ضعفی

پیدا بکنند آهسته آهسته برای خودشان حقی ایجاد بکنند وما می‌گوئیم اینجا به‌رئیس جمهور قدرتی نداده‌ایم پس رئیس جمهور چیست؟ عروسک است؟ یا مثلا دکور است؟ واین قبیل چیزها، اولا ما به‌رئیس جمهور خیلی چیزها داده‌ایم آن را درشورای دفاع ملی هم‌تراز رهبر قرارداده‌ایم. این یکی، ثانیاً اینکه تنظیم کننده بین سه‌قوه است، رئیس قوه مجریه است، نخست‌وزیر را او معرفی و انتخاب می کند ثالثاً اگرقدرتی هم به‌او نداده باشیم بدینوسیله از تمرکزدادن قدرت به‌یک فرد جلوگیری کرده‌ایم که منجر به‌دیکتاتوری‌میشود و ما این‌رایکی ازهنرهای قانون‌اساسی‌میدانیم که‌خواسته است ازتمرکز قدرت‌جلوگیری بکند و اگرمیفرمائید که امضاء رئیس جمهور تشریفاتی است، مؤمن که کار لغو نمی کند «والذین هم عن‌اللغو معرضون» اگر این لغو است که آن را بردارید و اگر واقعاً میخواهید بهانه یا سرنخی به‌دست بدهید که‌آن هم باید تکلیفش معلوم بشود و روشن بشود و ملت ایران هم بدانند. به‌هرحال باید از دیکتاتوری جلوگیری بشود و هیچ احتیاجی هم به‌این نیست که رئیس جمهور هم امضاءبکند همانطورکه شاه هم قوانین را توشیح می کرد وبعد هم ایجاد حقی شد وبعدهم همینطور مجلس سنا مصوبات مجلس شورای ملی را امضاء وتصویب میکرد که بعدهم برای آنها خود بخود ایجادحقی میکرد و خواهشمندم که در این زمینه تجدیدنظر بفرمائید زیرا این اصل با این وضع به‌درد نمی‌خورد وباید حذف بشود، متشکرم.

نایب‌رئیس — اگر دیگر نیازی به‌صحبت موافق نیست که ما برای رأی‌گیری اصل‌را بخوانیم. معمولا وقتی می‌گوئیم که یک کسی دربرابرملت نسبت به کلیه اجرای مسائل وقوانین مسئول است بگوئیم حالا ما بدون تو و اطلاع از دفتر توهرجا که بخواهیم قوانین رامی‌فرستیم، به‌هرحال اصل ۹۶ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۹۶ (اصل یکصد و بیست و سوم) — رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یاهمه‌پرسی را پس‌ازطی مراحل قانونی و ابلاغ به‌وی امضاء کند و دراختیارمسئولان بگذارد.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده‌حاضر پنجاه‌وهفت نفر، آراء موافق چهل‌وهشت‌رأی، آراء مخالف چهار رأی،آراء ممتنع پنج رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

٤ — ادامه بحث و تصویب اصل ۹۷ (اصل یکصد و بیست و چهارم)

نایب‌رئیس — اصل ۹۷ قرائت میشود.

اصل۹۷ — رئیس جمهور فردی را برای‌نخست‌وزیری نامزد میکند و پس ازکسب رأی تمایل از مجلس شورای ملی، حکم نخست وزیری برای او صادر می‌نماید.

نایب‌رئیس — آقای‌ربانی‌شیرازی شما مخالف‌هستید؟(ربانی شیرازی—بلی) پس‌بفرمائید یک نفر موافق هم صحبت خواهد کرد.

ربانی شیرازی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. تضاد و تزاحمی که در ممالک بوجود می‌آید اکثراً به‌واسطهٔ تعداد مراجع قدرت است.وقتی که چند مرکزقدرت دریک مملکت وجود دارد اینها برای اینکه قدرت دیگری را تضعیف کنند و قدرت خود راتوسعه دهند با دیگران رودررو قرارمیگیرند، کارشکنی‌میکنند وبالنتیجه درمملکت تشنج‌واختلاف بوجودمی‌آید.درجلسه‌خصوصی قبلا من پیشنهاد کردم برای اینکه این تضاد و تزاحم بوجود نیاید یک شورائی که از تمام

قدرتها، از رهبر و رئیس جمهور و دیگران در آن وجود دارد، همه یک کاسه و یکپارچه هستند، بوجود بیاید که ادارهٔ مملکت در تحت نظر آن شورا باشد، البته آن مسأله مورد توجه واقع نشد. حالا دراینجا من پیشنهاد میکنم که ما یک نخست‌وزیر جداگانه‌ای نمی‌خواهیم، مقام رهبری‌داریم، یک شورائی که در آن شورا تمام مسئولان امور از وزراء جمع هستند و در رأس آنها رئیس جمهور قرار دارد، یک شورائی به این شکل مملکت را اداره کند. دیگر احتیاجی به نخست‌وزیر جداگانه نیست که هر روز اختلافی بین نخست‌وزیر و رئیس جمهور پیش بیاید و هر آن اینها بخواهند برای تضعیف قدرت یکدیگر با هم در بیفتند. ما اگر چنین شورائی داشته باشیم، که در این شورا قهراً وزراء در حال تغییر هستند ولی رئیس جمهور برای مدتی که پیش‌بینی شده است،سرکار است البته ممکن است یک موقعی پیش‌بیاید که عزل بشود یا استعفا بدهد ولی طبق قراردادی که در قانون است چهار سال سرکار است و در عرض این چهار سال وزرای خود را انتخاب میکند و هر وقت دید بعضی از آنها کند کاری دارند آنها را تغییر میدهد.

نایب‌رئیس — آقای آیت شما موافقید یا مخالف؟ (دکترآیت— من مخالفم منتها نه از جهتی که آقای ربانی مخالف بودند.) آقای فاتحی بفرمائید. (فاتحی— من موافقم) آقای‌رحمانی بفرمائید.

رحمانی— سؤال و توضیحی دارم، در اینجاگفته شده «رئیس جمهور فردی را» این‌عبارت کافی‌نیست، یاد کردن‌ازنخست‌وزیر که بایدمملکتی‌رااداره کند، بااین‌لفظ کافی‌نیست باید بگوئیم «هر فردی که واجد شرایط باشد» موضوع دیگر اینست که چه اشکالی دارد که رئیس جمهور افرادی را نامزد بکند، ما تابع آنچه تاکنون انجام می‌شده است نیستیم، ازابتکارات هم غافل نباید باشیم، دونفر را نامزد میکند وبه‌هرکدام که رأی تمایل بیشتری ابرازشد اونخست وزیر میشود. مطلب سوم اینست که «حکم نخست‌وزیری برای او صادرمینماید» نخست‌وزیری که با رأی تمایل حکم نخست‌وزیری میگیرد احتیاج به رأی اعتماد هم دارد، پس بهتر است اینجا به این موضوع هم اشاره بشود تا در بحث نخست‌وزیر راجع به اوبتوانیم مفصلا صحبت کنیم.

نایب‌رئیس — آقای دکتر قائمی. (دکتر قائمی— نظر مرا آقای ربانی فرمودند.) پس یک موافق هم باید صحبت کند. (دکتر آیت — مطابق قاعده من چون از یک جهت دیگر مخالفم باید صحبت بکنم.) بفرمائید صحبت کنید.

دکترآیت — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . در مورد این اصل توجه بفرمائید که ما در دنیا چند نوع نظام داریم، یک نوع نظامی هست که اصطلاحاً به آن می‌گویند «تفکیک‌مطلق» مثل نظام آمریکا که رئیس جمهور خودش وزراء را انتخاب میکند و مجلس نمی‌تواند آنها را برکنار کند و قانوناً هیچ مشورتی هم لازم نیست با مجلس بکند و یک نوع «تفکیک نسبی» است و آن به این صورت است که رئیس جمهور با مجلس مشورت میکند و رأی تمایل مجلس را میخواهد و حتی قانون میتواند به مجلس پیشنهاد کند و یا وزراء در مجلس شرکت میکنند و سایر تشریفات. در تفکیک مطلق چون خود رئیس جمهور ورزاء را انتخاب میکند و مجلس حق برکناری وزراء را ندارد، تضاد و اختلافی پیش نمی‌آید، اما درجایی که با مجلس باید مشورت بشود رسم چنین است اگر حزبی اکثریت داشت رئیس جمهور یا پادشاه بناچار و بدون چون‌و چرا رهبر حزب اکثریت را به نخست‌وزیری منصوب میکند چون بالطبع آن

نخست‌وزیر در مجلس اکثریت دارد، اگر غیر از این باشد رئیس جمهور ممکن است یک فردی را که در مجلس اکثریت ندارد، انتخاب بکند و از اول تا آخر تضاد ایجاد میشود. مثلا فرض کنید اگر در آمریکا اینطور بود، یعنی آقای کارتر که از حزب دموکرات است، در مجلس حزب جمهوریخواه اکثریت داشت، خوب اینجا اشکال پیش می‌آید کارتر میخواهد از حزب خودش نامزد بکند و مجلس هم به او رأی تمایل و اعتماد نمی‌دهد. اصولا رأی تمایل برای این بوجود آمده است که رئیس جمهور یا پادشاه کسی را انتخاب نکند که بعد مورد قبول مجلس قرار نگیرد. بنابراین قبل از اینکه رئیس جمهور کسی را برای نخست‌وزیری نامزد بکند باید رأی تمایل از مجلس بخواهد یعنی از مجلس استفسار کند که شما چه کسی را میخواهید؟ و مجلس روی زید یا عمر نظر میدهد و رئیس جمهور هم فرمان انتصاب همان شخص را صادر میکند. در تمام کشورهائیکه تفکیک نسبی است به این صورت عمل میشود وگرنه در موردی که رئیس جمهور از یک حزب باشد و اکثریت مجلس دست حزب دیگری باشد تضاد بوجود می‌آید چون نخست‌وزیر در مقابل مجلس مسئول است و مجلس به او رأی اعتماد میدهد و مجلس میتواند او را استیضاح کند. از این جهت من میخواهم این اصل به این صورت معکوس بشود که «رئیس جمهور پس از کسب تمایل مجلس، فردی را که مجلس به او رأی تمایل داده است، به نخست‌وزیری منصوب کند.»(یزدی— پس شما موافقید.) باید توضیح داده میشد.

نایب رئیس— آقای مکارم بفرمائید به عنوان موافق صحبت کنید تا بعد رأی‌گرفته‌شود.

مکارم‌شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. خیلی خلاصه عرض میکنم، مطالبی که آقایان در زمینهٔ مخالفت با این اصل بیان کردند همانها بود که امروز در جلسه مشترک گروهها بیان شد و در آنجا پاسخهائی هم داده شد و خلاصه پاسخها چنین است. ما برای حفظ کشوری مثل کشور خودمان که از اقوام و با زبانهای مختلف تشکیل شده است نیاز به یک مقام ثابت در رأس اجرا و قوه مجریه داریم البته مقام رهبری در جای خود محفوظ، اما فرض کردیم که او مستقیماً در امور اجرائی دخالت نمی‌کند چون آن شش وظیفه‌ای که برای رهبری نوشته شد، دخالت مستقیم در امور اجرائی نبود پس یک مقام ثابتی در مسائل اجرائی احتیاج داریم که حفظ وحدت ملی کند و در بحرانها و مشکلاتی که برای مملکت پیش می‌آید با ثبات او مملکت نجات یابد و بدون یک مقام ثابت ممکن است خطراتی پیش بیاید. ازطرفی میدانیم که نخست‌وزیر و وزراء مقام ثابتی نیستند و نمی‌توانند باشند چون آنها هر لحظه در مقابل مجلس مسئولند و هر موقع ممکن است مجلس آنها را تغییر بدهد اما رئیس جمهور را مجلس نمی‌تواند عوض کند بنابراین اگر ما بخواهیم نخست‌وزیر را حذف کنیم و فقط رئیس جمهوری باشد و مجلس، می‌افتیم در یک تضاد یعنی مجلس با کارهای رئیس جمهور موافق نیست و میخواهد عوضش بکند ولی نمی‌تواند چون باید چهارسال سرکار باشد و اگر نخواهد عوضش کند، نمی‌شود و لذا اینجا رئیس جمهور را در رأس گذاشته‌اند و آن کسانی که متصدی بلافاصله هستند نخست‌وزیر و وزراء هستند، که هر لحظه قابل تغییر و دگرگونی هستند اما در کنار این دگرگونیها یک عامل ثبات و وحدت بنام رئیس جمهورهست. بلی ما اگر مقام رهبری رامستقیماً در امور اجرائی دخالت داده بودیم، اینطور که آقای ربانی گفتند ممکن بود در اینجا اصلا رئیس جمهور عزل بشود، یعنی رهبر باشد و نخست‌وزیر، و لذا ما نمی‌توانیم رئیس‌جمهور را

از اینجا برداریم اگر ملاحظه کنیم درکشورهای دیگر دنیا هم که شرایطی مشابه شرایط کشور ما دارند آنها هم همه به همین شکل عمل کردند و یک مقام ثابتی بنام رئیس جمهور دارند و یک مقام متغیر بنام نخست وزیر و وزراء . و اما آنچه آقای آیت گفتند ، که اول باید رأی تمایل ازمجلس گرفته بشود وبعد کسی را نامزد کنند،بنده فکرمیکنم که‌این اشتباه است برای اینکه ما فرض کردیم که نخست‌وزیر میخواهد با رئیس جمهور همکاری بکند، رئیس جمهور باید همکار خودش را خود انتخاب بکند وبعد مجلس به‌او رأی اعتماد بدهد، ممکن است مجلس رأی تمایل بدهد به کسی که سلیقه‌اش بامن جور نیست ومن نمی‌توانم با او کار کنم و او را به‌من تحمیل کند، این ازنظر اجرائی درست نیست، بلی‌من باید موافقت مجلس راجلب کنم ولی به‌اینطریق که‌آن کسی که‌با سلیقه و فکرمن و برنامه‌من بتواند همکاری بکند، انتخابش کنم وبگویم میتوانم به‌عنوان نخست‌وزیر با او همکاری کنم حالا ای نمایندگان ملت شماهم می‌پذیرید؟ اگر نمی‌پذیرید عوض می کنم و شخص دیگری‌را می‌آورم که شما بپذیرید. ترتیب طبیعی اینست که انسان همکارش را خودش انتخاب بکند و از مجلس هم باید رأی اعتماد برای وی بگیرد.(ربانی‌شیرازی — پاسخ ایشان رابدهم؟)

نایب رئیس — خیر، مباحثه که نداریم. اصل ۹۷ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۹۷ (اصل یکصد وبیست وچهارم)— رئیس جمهور فردی را برای نخست وزیری نامزد میکند و پس‌ازکسب رأی تمایل ازمجلس شورای ملی، حکم نخست‌وزیری برای او صادر مینماید.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر شصت ویک نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق پنجا هوسه رأی،آراء مخالف سه رأی، آراء ممتنع پنج رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

۵ — طرح و تصویب اصل ۹۸ (اصل یکصد و بیست و دوم)

نایب‌رئیس — اصل ۹۸ را میخوانم:

اصل۹۸— رئیس جمهور درحدود اختیارات خویش دربرابر ملت مسئول است، نحوه رسیدگی به‌این مسئولیت را قانون معین میکند.

دکترآیت — قراربود این قسمت اخیر نباشد.

نایب رئیس — درپایان با توضیحی که داده شد، دوستان تأیید کردند که چون ممکن است پس‌از پایان کارش هم برای او محاکمه‌ای پیش بیاید، این قسمت باشد. خود شماهم بودید که توضیح دادیم.آقای جوادی بفرمائید. (جوادی— بنویسید «درحدود وظایف» وظیفه است که مسئولیت می‌آورد نه‌اختیار.) البته وظیفه اختیار میخواهد و اختیارهم وظیفه می‌آورد منتها مسئولیت... (دکتر آیت — مسئولیت درحدود اختیارات است.) معمولا میگویند اختیار مسئولیت می‌آورد این اصطلاح اجتماعی و حقوقی اینست. آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — رئیس جمهور درحدود اختیارات خویش باید دربرابر رهبر ونمایندگان‌مجلس شورای ملی وملت مسئول باشد.

نایب‌رئیس — آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — یکی موضوعی است که آقای جوادی فرمودند و علاوه‌برآن، اینجا که «نحوه رسیدگی به‌این مسئولیت را قانون معین میکند» اگر توجه بفرمائید قانون به مسئولیت رسیدگی نمی کند بلکه به‌تخلف از وظایف رسیدگی میکند، ما میگوئیم درحدود اختیاراتش مسئول است پس نحوه رسیدگی نسبت به‌تخلف صحیح است نه‌نسبت به‌مسئولیت.

نایب‌رئیس — آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — همانطوری که آقای جوادی فرمودند منتها اگر وظایف اضافه بشود روشن‌تراست یعنی بهتر است بنویسیم «وظایف و اختیارات».

نایب‌رئیس — آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — ازنظراینکه رئیس جمهور ازطرف رهبر دربه‌دست‌گرفتن مصالح مردم وامور مملکت شرعاً اختیارگرفته است، پس باید درمقابل اوهم‌مسئول باشد یعنی بهتراست بنویسیم «دربرابر رهبر یاشورای رهبری و ملت مسئول است.»

نایب‌رئیس — آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — درباب مسئولیت رئیس جمهور دربرابرملت، درجواب آقایان باید بگویم که این اختیارات عبارت ازامکانات‌همان مسئولیت است نه‌اینکه اختیار اینکه‌چیزی را انجام بدهد یاندهد. وظایف و اختیارات میشود وظایف و امکانات بنابراین بجا و روشن است و دربرابرملت مسئول است رهبر هم ریاست جمهوری را امضاء میکند برای ایفای وظایف ملت بنابراین در برابر رهبر و مجلس وقتی مسئول است که خیانتی به‌خود رهبرکرده باشد یا خیانتی به‌مجلس، نوع کارهایش مربوطبه ملت است و مسئولیتش هم باید دربرابر ملت باشد.

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — با توجه به‌اینکه رئیس جمهور ، رئیس‌قوه‌اجرائی است وفقط‌امور اجرای قانون‌اساسی ومصوبات‌مجلس شورای ملی است بنابراین باید دربرابر مجلس شورای‌ملی‌وشورای نگهبان ومقام رهبری مسئول‌باشد بخصوص که‌اگر در مقابل ملت‌مسئول است یعنی ملت‌ازچه راهی حسن انجام وظایف یاعدم انجام وظایف وی را بررسی میکند. (نایب‌رئیس — گفتیم قانون معین میکند.)آقای خزعلی فرمودند که‌رئیس‌جمهور کارهای مربوط به‌ملت را انجام میدهد، کارهای مربوط به‌ملت بردوقسم‌است یک‌قسمش قانون‌اساسی است ، یک‌قسمش هم مصوبات مجلس شورای ملی است واین بهترین راه است که نمایندگان ملت‌وشورای‌نگهبان‌این مسئولیت را از او بخواهند وبه کارها ووظایفش رسیدگی بکنند .

نایب‌رئیس — دوستان مثل اینکه مکرراً راجع به‌شورای نگهبان‌مسائلی می‌فرمائید که باآن مطلبی که‌درباره شورای‌نگهبان گفته شده ارتباطی ندارد. شورای نگهبان، شورای کارشناسان است ، کارشناس اظهار نظر در باره انطباق یاعدم انطباق یک‌قانون یا یک‌مصوب باموازین اسلام وبا قانون اساسی را می کند ونمی‌شود پای اوبه‌این کارها کشانیده بشود واما اینکه گفته‌شد مسئولیت دربرابر مجلس یادر برابرملت، نخست‌وزیرش که منتخب مجلس است دربرابر مجلس مسئول است ولی خودش چون منتخب ملت است، دربرابرملت مسئول است. آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — « درحدود» را برداریم وبنویسیم « رئیس جمهور نسبت به‌وظایف واختیارات خویش» بهتر است .

نایب‌رئیس — آقای دکتر ضیائی .

دکترضیائی — به‌نظر من این اصل زائد است برای اینکه قبلا تصویب کرده‌ایم که رئیس‌جمهور اگر انحراف‌پیدا کرد ، به‌محاکمه کشیده میشود ، این مسئولیت است ، انحراف وقتی است که‌خلاف بکند از حدود مسئولیت‌خود، پس وقتی به‌محاکمه کشیده میشود دیگر این اصل زائد است .

نایب‌رئیس — اگر نظرتان باشد آن‌فقط مربوط به‌دوران تصدی بود و محاکمه‌ای که مقدمه عزل باشد ، راجع به‌محاکمه‌ای که مقدمه عزل‌نباشد اصلا مطلبی آنجا نیامده است اصل۹۸ را برای رأی‌گیری میخوانم .

طاهری خرم‌آبادی — من در موردذیلش سؤال دارم ، ظاهر این قید اینست که یک قانونی برای رسیدگی به‌مسئولیت رئیس جمهور در حال ریاستش تدوین میشود .

نایب‌رئیس — یاخارج از آن فرقی نمی‌کند حال ریاست که‌ندارد اینجا، اینجانگفته‌اند که رئیس‌جمهور درزمان ریاست جمهوری مسئول‌است، گفته‌اند رئیس‌جمهور درحدوداختیارات خویش در برابر ملت مسئول است.(طاهری‌خرم‌آبادی — یک‌قانونی برای رسیدگی به‌مسئولیت رئیس‌جمهور تدوین میشود.) وقتی ما میگوئیم این را قانون معین‌میکند، یا مثل همه است، یا قانون معین میکند که یک‌راه خاصی دارد به‌هر حال میخواهیم بگوئیم نحوه رسیدگی به‌تخلف را قانون معین میکند. اصل ۹۸ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۹۸ (اصل یکصد و بیست و دوم) — رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایف خویش دربرابر ملت مسئول است، نحوه رسیدگی به‌تخلف از این مسئولیت را قانون‌معین‌میکند.

(اخذ رأی‌به‌عمل‌آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام‌شد)

نایب‌رئیس — عده‌حاضر پنجاه ونه نفر، تعداد کل‌آراء پنجاه ونه‌رأی ، آراءموافق پنجاه‌و یک رأی، آراء مخالف سه‌رأی، آراء ممتنع پنج رأی تصویب شد ، تکبیر(حضار سه‌مرتبه‌تکبیر گفتند) .

۶ — طرح و تصویب اصل ۹۹ (اصل یکصد و بیست و نهم)

نایب‌رئیس — اصل۹۹ قرائت میشود .

اصل۹۹ — اعطای نشانها وعناوین افتخاری دولت بارئیس‌جمهور است.

نایب‌رئیس — مثل اینکه‌بحث زیادی ندارد. آقای سبحانی.

سبحانی— اینجاعناوین افتخاری را گفتند ولی بعضی‌آنها جنبهٔ‌استحقاقی دارد مثل درجات بالای‌نظامی، آنها تکلیفش با کیست ؟

نایب‌رئیس — تکلیف آنها با فرمانده کل قوا است. آقای پرورش‌بفرمائید.(پرورش—من مخالف هستم.) آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — باز میخواهید بگوئید وثوق‌الدوله مصورالممالک، این راتوضیح بدهند ببینیم منظور چیست؟

نایب‌رئیس— آقای قرشی نگران دوله‌ها وسلطنه‌ها، ملک‌ها وممالک‌ها هستند من‌الان در ذهن ندارم یک عنوان افتخاری راکه متناسب باشد با جو جمهوری اسلامی ولی به‌هرحال قدر مسلم نشانها هست، اما درمورد عناوین افتخاری الان چیزی درنظرندارم. (کرمی—برای

تشویق شعراء ادبا، فضلا القابی میدهند.)

رحمانی— اعطای نشانها و عناوین افتخاری و غیرافتخاری دولتی بنویسید چون افتخاری خصوصیت ندارد.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — ما باید یک چیزی بفهمیم ازاین اصل ، من ازاین عناوین افتخاری چیزی نمی‌فهمم و معلوم نیست دراسلام چیزی داشته باشیم اگر واقعاً یک کسی مجتهد است یک چیزی برایش می‌نویسید یا یک کسی سرتیپ است، سرلشکر است، درجه سرلشکری را به‌او میدهند اما عناوین افتخاری یعنی چه؟ مثل عناوین افتخاری، که یک آدم بیسواد را میبرند ویک پیش بند به‌او می‌بندند و یک عکس از اومی‌گیرند این میشود دکترای افتخاری‌این‌اصلا مسخره کردن دکتری وچیزهای دیگراست پس این را باید دور ریخت.

نایب‌رئیس — دراسلام بعضی القاب مثل سیف‌الله، سیف‌الدوله ونظیر اینها بوده‌است آقای حجتی بفرمایید. (حجتی کرمانی — این اصل بوی طاغوت میدهد و چیزبدی است.)آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — هرمسأله‌ای راکه ما مطرح میکنیم چون یک سابقه ذهنی ازگذشته‌داریم فکرمی کنیم که‌داریم میرویم‌داخل همان کارها،وقتی‌میگویندعناوین‌مقصودعناوین‌سیستم‌اسلامی است چطور شما به‌عنوان کسی که فداکاری بکند درجبهه جنگ، در رشته اقتصادی، دررشته تحقیقاتی، اورا تشویق میکنید این عناوین هم درحقیقت تشویق است. الان میگوئید مجاهد شهید لقب به یک شهید میدهید یاکسانی‌که واقعاً درجبهه جنگ مشغول مبارزه بوده‌اند شما چرا اصل را برفساد میگذارید و درست بازگشت به‌گذشته؟

نایب‌رئیس — الان یک چیزی یاد من آمد به‌عنوان نمونه مثلا قهرمان کشور دریک رشته‌ای این ازعناوین تشویق کننده است. (علی‌تهرانی — افتخاری نیست.) منظور از افتخاری یعنی افتخارآور نه‌اینکه بی‌پایه وبی‌معنی باشد. (منتظری — افتخاری یعنی بی‌پایه مثل دکترای افتخاری.) پس آقایان باکلمه افتخاری آن مخالف هستید مینویسیم «اعطای نشانها و عناوین با رئیس جمهوراست».(دکترآیت — افتخاری درمقابل‌رسمی است.) (کیاوش ـ «اعطای نشانها و درجات عالی نظامی وعناوین استخدامی» بنویسید.) آقای دکتر بنی‌صدر بفرمائید .

بنی‌صدر — در زمان پنجاه سال اخیر وضع به‌اینصورت درآمد والا در تاریخ نظامی خود ایران اگر ملاحظه بفرمائید می‌بینید که دادن نشانها و عناوین حتی مهمتر از درجه نظامی بوده چنانکه در یکی از جنگهای ایران و روس بودآن کسی که زخمی شده بود از فرماندهی کل خواست که نشان بدهدگفت نه چون ازپشت زخم خوردی به‌تو درجه میدهم ولی نشان نمی‌دهم این مال دوره قاجاریه بوده و بعد فساد دوره پهلوی است علی‌الاصل این نشان‌افتخار برای‌تشویق‌است‌وبرای‌این‌است که‌مردم راتشویق کنیدبرای‌انجام کارهای‌خوب‌حالا ممکن است شما به‌عنوان تشویق لقب (برادر) را باب کنید برای کسانی که‌شجاعت بخرج میدهند .

نایب‌رئیس — اگر اجازه میدهید بنویسیم عناوین تشویقی که معلوم باشد که به کسی لقب بیخودی ندهند عناوین باشد برای تشویق.

اشراقی— لقبهائی دردوره‌قاجاریه‌بود مثل «معین‌البکاء» این یک‌چیزی‌میشودازاین‌قبیل...

نایب‌رئیس — آقای دکتر قائمی امیری .

دکترقائمی — من‌عرض کردم همان کلمه‌افتخاری‌حرف درستی‌است در بعضی از موارد در دانشگاه در یک مؤسسه علمی فردی می‌بینیم از لحاظ‌مقررات واجد شرایط رسمی نیست ولی در عمل یک‌شخصیت بزرگ علمی است که این‌دکترای افتخاری را به‌او میدهند گو اینکه دانشگاه مقررات خاص دیگری برای اینکار دارد این کلمه‌بایدباشد اشکالی ندارد.

نایب‌رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — اعطای نشانها راجع به‌امور نظامی است ورئیس جمهور میتواند آن را بدهداین عناوین افتخاری الان هست‌کما اینکه در زمان حال‌هم هست مثل عنوانی‌که رهبر ما به حضرت آیت‌الله طالقانی دادند « اباذر زمان» که در زمان پیغمبر (ص) هم‌حضرت پیغمبر(ص) یک عناوینی را به‌عمارداده بودند یامثل«ذوالشهادتین» وامثال اینها، این مطالبی است که‌در تاریخ ثبت شده ویرای آن باید یک حسابی باز کرد .

نایب‌رئیس — آقای مشکینی بفرمائید .

مشکینی — مگر همه‌عناوین باید در اسلام تنصیص شده باشد گرچه‌همین هست‌اگریک مطلب عقلانی باشد چه‌اشکالی دارد که این جمله‌باشد؟ (منتظری — این چیز خوبی نیست یک‌چیز بهتری‌بنویسید.)

خزعلی — جواب‌جناب آقای‌منتظری رامیدهم‌درباره‌جعفروقتی ازحبشه‌برگشت‌پیغمبر(ص) به او فرمود «الاامنحک‌الا اعطیک الااحبک» به‌عنوان نشان دادن اینها را به‌عنوان افتخار فرمودند .

نایب‌رئیس — اگر دوستان موافق هستید آنچه‌که مهم است اعطای نشانهای دولتی است وقتی مسأله عناوین را هم ننویسیم از کسی چیزی سلب نکرده‌ایم‌فعلا این مقدارش که‌مورد تأییداست با دست رأی میگیریم موافقین با اینکه عناوین افتخاری در اصل باشد دست بلند کنند (عدهٔ کمی دست بلند کردند) رأی کافی‌نیاورد بنابراین حذفش میکنیم. اصل ۹۹ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل۹۹ (اصل یکصد وبیست و نهم)— اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس— عدهٔ حاضر شصت‌نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، آراء موافق پنجاه‌و یک رأی، آراء مخالف چهار رأی، آراء ممتنع پنج رأی. تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۷ — طرح و تصویب اصل ۱۰۰ (اصل یکصد و بیست و هشتم)

نایب رئیس— اصل ۱۰۰ قرائت میشود. آقای پرورش بفرمائید.

پرورش— من به عنوان مخالف اجازه‌گرفته بودم که صحبت کنم من فکر میکنم که اگر کسی بود که دارای عنوانی بود شما اسم او را فراموش نمی‌کردید.

نایب رئیس— حتماً اینطور نیست ، من توضیح بدهم که رفع سوء تفاهم از شما و بقیه آقایان بشود نامها را یک تعدادش را اینطرف نوشته بودند دنباله‌اش رسیده بود به طرف دیگر، من تا پایان اسمها را خواندم فراموش کردم که از نو بخوانم شما درست می‌فرمائید.

پرورش— من قصد توهین ندارم ولی بعضی از آقایان نشانها را با درجات ارتش اشتباه

میکنند این باید توضیح داده بشود که نشان چیست و عنوان افتخاری چیست .

نایب رئیس— منظور نشان علمی و اینها است آقای کیاوش.

کیاوش— حالا که از عناوین نام برده شده پیشنهاد میکنم همین‌جا قبل از اصل ۱۰۰ یک اصلی گنجانده بشود برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدل طبق مقررات اسلامی، عناوین تشریفاتی مثل آقا و جناب و فلان از نامه‌های اداری حذف شود.

نایب رئیس— فردا در کمیسیون پیشنهاد بفرمائید. اصل ۱۰۰ خوانده میشود.

اصل ۱۰۰ (اصل یکصد و بیست و هشتم) — رئیس‌جمهور استوارنامه سفیران اعزامی به کشورهای دیگر راامضاء میکند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

نایب رئیس— بحثی نیست لطفاً رأی بگیرید.

(اخذرأی به‌عمل آمد ونتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده‌حاضر پنجاه ونه‌نفر، شماره کل‌آراء پنجاه‌ونه‌رأی، آراء موافق پنجاه‌و شش رأی ، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع سه‌رأی تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند) .

۸ — طرح و تصویب اصل ۱۰۱ (اصل یکصد و بیست و پنجم)

نایب‌رئیس— اصل ۱۰۱ قرائت می‌شود .

اصل ۱۰۱— امضای عهدنامه‌های دولت‌ایران باسایر دولتها وهمچنین امضای‌پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی بارئیس جمهور یانماینده قانونی اوست.

نایب رئیس— آقای موسوی اردبیلی فرمایشی داشتید؟ (موسوی‌اردبیلی — یک‌مطلبی ازستادارتش داده‌اند که اگر اجازه بفرمائید عرض کنم.) نوبت شما برای همین است، بفرمائید.

موسوی‌اردبیلی— راجع به‌اصل ۸۷ امروز چندنفر از ستاد ارتش آمده‌بودند وشاید نتوانستند خدمت آقایان برسند به‌من‌گفتند که من خدمت برادران عرض کنم . دوسه‌تا کلمه در آن اصل بوده یکی فرماندهی کل نیروهای مسلح که اینطوری نوشته‌شده‌گفتم اگر منظور شمااز نیروهای مسلح وزاندارمری وشهربانی را می‌خواهید شامل بشود این درست است‌اما آن اعضائی که بعد می‌خواهید بیاورید آنها نماینده‌ای ندارند و اگر منظورتان این است که آنها نباشد این اصطلاح نیروهای مسلح آنهارا هم شامل می‌شود یکی هم در پرانتز نوشته شده (رئیس کل ستاد مشترک) آنهاگفتند که سابقاً بزرگ ارتشتاران بود یک اصطلاحی بود الان که‌آن وضع‌بهم خورده همانطور ننویسید رئیس ستاد کافی است که دوجا تکرار شده. دیگر اینکه مسائلی که راجع به ارتش درکمیسیونها مطرح می‌شود تقاضا کرده‌اند اگر آقایان اجازه می‌دهید که یک نماینده از ستاد ارتش شرکت کند وتذکرات لازم را درآنجا بدهد.

نایب‌رئیس— حتماً این کار را درفصل‌مربوط به‌ارتش مراعات خواهیم کرد. خوب راجع به‌اصل ۱۰۱ بحث می کنیم، آقای دکتر نوربخش. (نوربخش — من یک اشکال کلی دارم.) مخالف‌هستید؟ (نوربخش— بلی) بفرمائید. (کرمی— نصف این‌اصل درحقیقت تصویب شده است فقط امضای رئیس جمهور می‌ماند.)

دکتر نوربخش— من‌می‌خواستم راجع به‌اصل وظایف رئیس جمهور صحبت کنم چون

اصل آخر است که مطرح است اگر اجازه بفرمائید صحبت کنم. (یکی ازنمایندگان— راجع به اصل دیگر است.)

نایب‌رئیس— اگر راجع به‌اصل دیگر است پس ازاین اصل که تمام‌شد تشریف‌بیاورید صحبت کنید. خیال کردم راجع به‌این اصل است. آقای آیت بفرمائید.

دکترآیت— نصف‌این‌اصل همانطورکه آقای کرمی‌گفتند دراصل‌دیگرتصویب شده‌است ونصف آن‌هم در جای دیگر است. اول اینکه مجلس باید تصویب بکند دوم اینکه اینجاگفتیم پس از تصویب مجلس شورای ملی و دراصول مربوط به شورای نگهبان گفتیم که تمام اینها باید برود به‌شورای نگهبان، بنابراین بعداز تصویب مجلس شورای ملی بنویسم «وطی‌مراحل قانونی».

نایب‌رئیس— این نظیر اصل چهار است و روشن است. ما در اینجا گفتیم که کلیهٔ مصوبات باید به شورای نگهبان برود اما اینکه گفتید امضاء، فرق است بین امضاء به عنوان طرف قرارداد و بین امضاء به‌عنوان این قانون، این‌ها باهم فرق دارد. (یکی از نمایندگان—آن دوامضاء را بردارید وبگذارید بعد از تصویب.) منظورتان را نفهمیدم. (یکی‌از نمایندگان—اگر امضاها را بیندازیم می‌شود «عهدنامه‌ها وپیمانها بعد از تصویب مجلس شورای ملی‌به‌امضای رئیس جمهور می‌رسد».) اگر همینطور باشد چه اشکالی دارد؟ اینکه متین و خوب است. آقای حسینی بفرمائید. (حسینی‌هاشمی— پیمانهای مربوط) هردو را نوشته‌ایم یعنی‌هم‌امضای عهدنامه‌ها و هم امضای پیمانها پس از تصویب مجلس. (یکی از نمایندگان — «پس از طی مراحل مقرر در این قانون» فراموش نکنیم که قراردادها امر خطیری است و هم حقوقدانهای نگهبان قانون اساسی و هم فقها باید در آنها نظر بدهند و نظرهم در جای خودش مقرر شده. بنابراین بجای «پس از تصویب مجلس شورای ملی» نوشته شود «پس ازطی مراحل مقرر در این قانون».) آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای— چون این اصل درقوهٔ مقننه بوده است درآنجا کلمات مقاوله‌نامه وموافقت‌نامه هم بود. اینجا یکباره پیمانهای مربوط به اتحادیه را آورده‌ایم وآن کلمات دیگر را بجزعهدنامه نیاورده‌ایم. من پیشنهاد میکنم چون کلمه قرارداد های بین‌المللی لفظی است نسبتاً جامع و شامل مقاوله‌نامه و موافقت‌نامه وبقیه میشود بنویسیم امضای کلیه قراردادهای بین‌المللی و عهدنامه‌های دولتی ایران الی آخر. برای اینکه اگر ننویسیم این یک مقداری اخص از آن خواهد بود. (نایب رئیس— عکس مسأله است.) خیر اینطور نیست چون عهدنامه برخلاف مفهوم لغوی‌اش عنوان کوچکی است یعنی مقاوله‌نامه وموافقت‌نامه را شامل نمی‌شود، ولی قرارداد همه اینها را شامل میشود. بنابراین اشکالی ندارد که ما بگذاریم که با آن اصل هم اختلاف پیدا نکند. (کرمی— در اول قراردادها هم بود.) بلی قرارداد هم بود.

نایب‌رئیس — من چیز دیگر میخواستم به ایشان یادآوری کنم.

کرمی— اصل ۶۵ چنین‌است: «عهدنامه‌هاومقاوله‌نامه‌ها وقراردادهاوموافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد».

خامنه‌ای— عهدنامه در اصطلاح یک معنای خاصی‌دارد، ولی قراردادشامل همه‌میشود.

نایب‌رئیس — بسیار خوب اگر نظر مجلس این بود آن دوکلمه را میگذاریم. آقای منتظری بفرمائید.

منتظری— من نظرم اینست که پس از تصویب مجلس شورای ملی بنویسیم «وطی مراحل قانونی آن».

نایب‌رئیس — آقای رشیدیان.

رشیدیان— در این اصل باید نوشته شود «رئیس جمهور موظف به امضای عهدنامه‌ها و پیمانها پس از تصویب مجلس شورای ملی است» نه اینکه عهدنامه‌ها و بقیه معلق بماند به امضای رئیس جمهور.

نایب‌رئیس — چرا شما توجه نمی‌کنید امضای قانون غیر امضای قرارداد است. (دکتر آیت— توضیح بفرمائید.) یک وقت است که قرارداد را باید وزیر خارجه امضاء کند نه رئیس جمهور در این حالت به‌عنوان قانونی بودن قرارداد را امضاء میکند که قانونی شده است و ابلاغ میکند و به عنوان طرف قرارداد مثلا سفیر ایران در هندوستان امضاء میکند. پس در اینجا امضاء طرف قرارداد مطرح است. این قبلا رویش صحبت نشده است. ما در اینجا میخواهیم بگوئیم طرف قرارداد رئیس جمهور یا نمایندهٔ او باشد. نمی‌خواهیم از نظر تنفیذ آن بگوئیم. آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی— این را بنویسیم «وظیفه امضای عهدنامه‌های دولتی».) این همان حرف آقای رشیدیان است.

رحمانی— چون اگر غیر از این باشد لازمه‌اش اینست که تا امضای رئیس جمهور نداشته باشد نافذ نباشد و یکی هم بعد از عبارت «پس از تصویب مجلس شورای ملی» به همان طریقی که آقای منتظری فرمودند نوشته شود «وطی مراحل قانونی» اینها مورد تأیید است و نظر بنده هم همین بوده است.

نایب‌رئیس— آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی‌شیرازی — علاوه بر امضای رئیس جمهور، وزیر مسئول هم باید امضاء کند چون ظاهر این اصل اینطور است که امضای وزیر مسئول را نمی‌خواهد وپس از تصویب فقط امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی اورا می‌خواهد.

نایب‌رئیس— معمول این است که یک قرارداد یا یک پیشنهاد یا یک ابلاغی را درطی مراحل اداری چندین امضاء می‌کنند تا به رئیس جمهور برسد. اینها مربوط به تشریفات اداری است ولازم نیست در قانون اساسی بیاید. بنابراین منظور این است که سطح این قبیل امور بالا بیاید ومی‌خواهند بگویند امضای رئیس جمهور را لازم دارد. (ربانی شیرازی— پس باید بگوئیم علاوه.) «علاوه» نمی‌خواهد متن اصل گویا است. این را هم که گفتند «وظیفه است» اصلا جای وظیفه نیست زیرا وظیفه درجائی است که ما بخواهیم یک باری را بردوش یک کسی بگذاریم. اینجا می‌خواهیم بگوئیم سطح این قراردادها سطحی است که امضای رئیس جمهور باید پایش باشد.

منتظری— برای اینکه اشکال آقایان برطرف شود، بنویسیم «عهدنامه‌های دولت ایران را همچنین رئیس جمهور امضاء می‌کند».

نایب‌رئیس— این اصل هم همینطور است.

منتظری— خیر «بارئیس جمهور است» این معنی‌اش این است که دیگر نمی‌خواهد، اما اگر بنویسیم «این قبیل امور را رئیس جمهور هم امضاء می‌نماید» اشکال برطرف می‌شود.

نایب‌رئیس— اگرآقایان موافقند کلمات مقاوله نامه وموافقت‌نامه وقرارداد رااضافه کنیم

که بین این دوتا اصل هماهنگی باشد . (تهرانی— کلمه «عهدنامه» همه آنهارا شامل‌میشود.) اضافه‌اش ضرری ندارد. بنابراین قسمت بالای اصل به اینصورت شد «امضاء عهدنامه‌ها ، مقاوله‌نامه‌ها،موافقت‌نامه‌ها، وقراردادهای‌دولت‌ایران با سایردولتها»ویکی‌هم «امضای پیمانها با دولتها نباشد بلکه با اتحادیه‌های بین‌المللی باشد» این با رئیس مجلس است . در باره قسمت زیر همانطورکه عرض کردم اگر بخواهیم یکی دوجا شورای نگهبان را بگذاریم ناچار هستیم همه‌جا آن را بگذاریم درحالی که‌اگرهیچ‌جا نگذاریم چون قبلا دریکی ازاصول‌گفته‌ایم «کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان برود» بهتر است بنابراین باید یکی از این دو رویه را انتخاب کرد، والا اگر یکجا گذارده شود وبقیه جاها گذاشته نشود این خودش تبعیض می‌شود .

منتظری— پس نویسید «پس از تصویب مجلس شورای ملی» چون تمام قوانین به مجلس شورای ملی رفته است .

طاهری‌اصفهانی — مگرقبلا نگذراندیم که مصوب مجلس، مصوب نیست مگر به‌شورای نگهبان رفته باشد که ازجنبه شرعی وحقوقی ارزیابی شود وامضاء شود. مصوبی که ما می‌گوئیم یعنی چیزی که از مجلس گذشته و شورای نگهبانش راهم‌طی کرده وبه صورت قانون درآمده باشد.

نایب‌رئیس— پس می‌گوئید احتیاج ندارد. (ربانی‌شیرازی — تصویب مجلس را بردارید بنویسید «پس‌از طی تشریفات قانونی».) موافقین با اینکه این عبارت «پس‌از تصویب‌مجلس» کافی‌است دست‌بلند کنند(سی‌ونه‌نفردست‌بلند کردند) بنابراین اجازه‌بفرمائید همین متن رابه همین صورت‌برای‌اخذرأی‌قرائت کنم. (منتظری—این‌متن‌رأی کافی‌نخواهدآوردچون‌سی‌ونه‌نفردست‌بلند کردند.)آقایان میگویندجمله «پس‌ازطی‌مراحل‌قانونی»اضافه‌شود.(منتظری—اصلامجلس‌شورای ملی هم نمی‌خواهد، بنویسید «پس ازطی‌مراحل قانونی».) (هاشمی‌نژاد — طی‌مراحل قانونی یکی امضای رئیس جمهور است.) (رحمانی — ظاهر این اصل اینطور است که توهم میشود به شورای نگهبان نمی‌رود.) شما یک اصل دارید که در آن گفته شده است کلیه مصوبات باید بدون استثناء به شورای نگهبان برود. (موسوی اردبیلی— «پس از طی مراحل قانونی را» رأی بگیرید.) موافقین با اینکه این عبارت «پس از طی مراحل قانونی» باشد دست بلند کنند. (هاشمی‌نژاد — درست نیست.) (کرمی — چرا دارید خدشه میکنید؟) اجازه بفرمائید ما داریم نظرخواهی میکنیم.

کرمی — این اصل دو قسمت است، قسمت پائین آن به اصل ۶۵ مربوط میشود که قبلا تصویب شد و صدر این اصل به اینجا مربوط است که چه کسی امضاء میکند.

نایب رئیس — اجازه‌بفرمائید رویهٔ کار رابااین وسواسها همراه‌نکنیم و«پس‌ازتصویب» ما جلوتر یک اصل گذراندیم و باز شاید چندین جای دیگر این عبارت به طور وسیع‌تر بیاید. آقای طاهری بفرمائید. (طاهری — اینها در آن داخل است و دیگر نخواهید هم داخل هم خارج و هم تأکید کنید زیرا معلوم است.) بنابراین همین متن را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۱۰۱ (اصل یکصد و بیست و پنجم) — امضای عهدنامه‌ها ، مقاوله‌نامه‌ها ، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به‌اتحادیه‌های‌بین‌المللی‌پس‌از تصویب‌مجلس‌شورای ملی‌بارئیس‌جمهوریانماینده‌قانونی‌او است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجهٔ رأی‌گیری، عده حاضر در جلسه پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، یک رأی به‌قید قرعه خارج شد، آراء موافق چهل و هشت رأی، آراء مخالف شش رأی، آراء ممتنع پنج رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیرگفتند).

نایب رئیس — چون وقت داریم از اصولی که برای دستور آماده شده است یک اصل از پیش‌نویس گروه پنجم مطرح میکنیم.

۹ — طرح و تصویب اصل ۱۰۲ (اصل یکصد و سی‌ام)

اصل ۱۰۲ — در مورد غیبت یا بیماری رئیس‌جمهور شورائی به‌نام شورای موقت‌ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوانعالی کشور وظایف او را انجام می‌دهد مشروط براینکه عذر رئیس‌جمهور برای مدتی بیش از دو ماه نباشد.

نایب رئیس — در اینجا قرار شد اضافه کنیم «اگر مدت ریاست جمهوری پایان یابد و به علت وضع فوق‌العاده انتخاب رئیس‌جمهور جدید صورت نگرفته باشد در این مورد نیز وظایف رئیس‌جمهوری برعهده شورای موقت ریاست‌جمهوری است.» در این مورد سخنی هست؟ (اظهاری نشد) دوباره اصل را می‌خوانم:

اصل ۱۰۲ — در مورد غیبت یا بیماری رئیس‌جمهور شورائی به‌نام شورای موقت‌ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوانعالی کشور وظایف او را انجام میدهد، مشروط براینکه عذر رئیس جمهور برای مدتی بیش از دو ماه نباشد. هرگاه دوره ریاست جمهوری پایان یابد و به علت وضع فوق‌العاده انتخاب رئیس‌جمهوری جدید صورت نگرفته باشد نیز وظایف ریاست جمهوری را این شورا برعهده میگیرد.

دکتر آیت — در موردی که رئیس جمهور عزل هم میشود اضافه کنید. (منتظری — شورای نگهبان راهم اضافه کنید.)

اشراقی — در یک اصل گفته‌ایم اگر دوران رئیس‌جمهوری تمام شده باشد و نتوانند رئیس‌جمهوری را انتخاب کنند، ایام او را تمدید کنند.

نایب رئیس — این اصل حذف شد و شما تشریف نداشتید. آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — در اینجا از طرف رهبر یا شورای رهبری دو نفر باید در شورای‌جمهوری‌دخالت داشته باشند که پنج‌نفر شوند.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — «هرگاه پایان یابد» درست نیست، یعنی وقتی دوره رئیس‌جمهوری پایان یافت و انتخابات هم شروع نشده بود ما باید بگوئیم «انتخابات در موقع لازم نشود انجامش بدهیم» نه اینکه «پایان یابد» این جمله غلط است.

نایب رئیس — تا وقتی که هست‌نباید این کار را بکنند بلکه پس از پایان یافتن دوره او اگر طبق قانون رئیس جمهور جدید انتخاب نشده باشد. (مکارم شیرازی — عبارت این نبود حالا درست شده.) خیر مطلب همین بود. آقای ربانی شیرازی بفرمائید. (ربانی شیرازی —رئیس شورای نگهبان.) آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — من فکر میکنم اولا این شورا یک مقدار تقلید از همان شورای سلطنتی‌است

که رئیس مجلس و غیره بود و هیچکدام از اینها پای رهبر و شورای رهبری و شورای نگهبان در آن نیست، دوم‌اینکه پیشنهاد میکنم این شورا همیشه درکنار رئیس‌جمهور به صورت رسمی باشد و ترکیبش طوری باشد که از افراد رسمی نباشند بلکه یک افرادی باشند که عدالت داشته باشند.

نایب رئیس — تنها مسأله‌ای که پیشنهاد میشود بودن رئیس شورای نگهبان در شورای جمهوری است. (موسوی اردبیلی — رئیس دیوانعالی کشور نماینده رهبر است.) بلی و بخصوص عرض شده شورای نگهبان را یک طوری بگیریم که وظایفش‌متناسب با تخصصش وتخصصش‌متناسب با وظایفش‌باشد. شما همه‌جا پای‌شورای نگهبان را به‌میان‌میکشید‌نمی‌دانم این تا چه حد است، چون وقتی رئیس دیوانعالی کشور هست و یا رئیس مجلس شورای ملی هست... بنابراین من ذیل را می‌نویسم و برای رأی گیری قرائت می کنم:

اصل ۱۰۲ (اصل یکصد و سی‌ام) — در مورد غیبت یا بیماری رئیس جمهور شورائی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوانعالی کشور وظایف او را انجام میدهد ، مشروط براینکه عذر رئیس جمهور برای مدتی بیش از دو ماه نباشد. در مورد عزل رئیس‌جمهور یا در مواردی که ریاست جمهوری‌یکنفر پایان یافته و رئیس جمهور جدید هنوز انتخاب نشده نیز وظایف ریاست جمهوری برعهده این شورا است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر در جلسه پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و نه رأی، آراء موافق پنجاه و دو رأی، آراء مخالف یک رأی ، آراء ممتنع شش رأی بنابراین، این اصل تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۱۰ — پایان جلسه

نایب رئیس — ان‌شاءالله بقیه اصول را در جلسه فردا صبح برای جلسه فردا عصر آماده میکنیم، جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت هفده و چهل و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و هفتم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۳/۱۰ دقیقه روز بیست و پنجم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیست و پنجم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱- اعلام رسمیت جلسه .....
۲- طرح و تصویب اصل ۱۰۳ (اصل یکصد وسی ویکم).....
۳- طرح و تصویب اصل ۱۰۴ (اصل یکصد وسی ودوم).....
۴- طرح و تصویب اصل ۱۰۵ (اصل یکصد و بیست وهفتم).....
۵- طرح و تصویب اصل ۱۰۶ (اصل یکصد وبیست و ششم).....
۶- طرح و تصویب اصل ۱۰۷ (اصل یکصد وسی وسوم).....
۷- طرح و تصویب اصل ۱۰۸ (اصل یکصد وسی وچهارم).....
۸- طرح و تصویب اصل ۱۰۹ (اصل یکصد وسی وپنجم).....
۹- طرح و تصویب اصل ۱۱۰ (اصل یکصد وچهل و دوم).....
۱۰- پایان جلسه .....

۱ـ اعلام رسمیت جلسه

نایب‌رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. جلسه رسمی است. در دستور جلسه‌امروز چهارشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸، اصولی که تهیه شده است، قراردارد. امیدواریم بتوانیم در این جلسه به همه آن اصول بپردازیم.

۲ـ طرح وتصویب اصل۱۰۳ (اصل یکصد وسی ویکم)

نایب رئیس— اولین اصلی که اکنون مطرح است، اصل ۱۰۳ است که خوانده میشود.

اصل ۱۰۳— در صورت فوت، کناره‌گیری یا عزل رئیس جمهور یا بیماری بیش از دوماه یا موجبات دیگری ازاینگونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است حداکثر ظرف پنجاه روز نسبت به انتخاب رئیس جمهور جدید اقدام کند و تا تعیین او، وظایف و اختیارات وی را جز در امر همه‌پرسی برعهده دارد.

نایب رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای فرمایشی دارید بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای— بنام خدا اجازه می‌خواهم قبل از اینکه در مورد این اصل صحبت کنم در مورد خبری که به‌عرض همه آقایان رسیده، توضیحی عرض کنم. آقایان ملاحظه فرمودند که دیشب روزنامه‌های اطلاعات وکیهان و امروز هم روزنامه عصر، خبری در مورد توطئه علیه حضرت آیت‌الله شریعتمداری درج کردند. از همان دیشب که خبر منتشر شد تلفن‌های زیادی از تبریز و سایر نقاط آذربایجان شد و یک حالت نگرانی عجیبی در همه مردم پیدا شده بود و همه میخواستند بدانند که این توطئه ازچه قرار بوده، مخصوصاً که عواملی از خارج مأمور این کار شده بودند. بنده درتماسی که با قم‌گرفتم حضرت آیت‌الله شریعتمداری این مطلب را تأیید فرمودند و فرمودند این مربوط به چند روز پیش بوده و ایشان البته با بزرگ‌منشی که همیشه داشته و دارند، مطلب را به سادگی برگزار کردند ولی همانطورکه لابد از اخبار رادیوشنیدید امروز در همه شهرهای آذربایجان و مخصوصاً تبریز، مردم با هیجان فوق‌العاده‌ای اضطراب و نگرانی خودشان را اعلام کردند و در تظاهرات و راهپیمائی‌ها نیز خواسته‌هائی داشتند که آنها را به‌صورت قطعنامه عنوان کردند، و اصرار داشتند که از مقامات و مسئولان دولتی خواسته شود که توضیحات رسمی در این مورد داده شود. چون همانطورکه مسبوق هستید و همه آقایان هم در مناطق مختلف حتماً همین موقعیت را دارند، حضرت آیت‌الله شریعتمداری در آذربایجان موقعیت خاص دارند بنده خواستم از مقام ریاست استدعا کنم که به هر طریق که صلاح می‌دانند از مسئولین انتظامی مملکتی جویای حال شوند و حقیقت امر را برای عموم اعلام کنند و همچنین تدابیر لازم برای حفظ جان ایشان و همه آیات عظام و مراجع تقلید، اتخاذ شود، این بود عرض بنده. و اما راجع به‌خود اصل حقیقت اینست که مخالفت آنچنانی

نیست و فقط در مدت دو ماه ، بنده فکر می کنم اگر تغییری داده شود، خیلی بهتر خواهد بود. (ضیائی— یعنی مدت کم شود یا زیاد؟) به عقیده بنده مدت باید زیادتر شود، عرض دیگری ندارم متشکرم.

نایب‌رئیس — آقای مکارم شما؟

مکارم‌شیرازی — عرض بنده اینست که در صدر این اصل، یا همه ویرگول‌ها را بردارید و «یا» بنویسید یا برای اینکه مطلب و روال جمله یکنواخت شود «یا» ها را حذف کنید و ویرگول بگذارید.

نایب رئیس— بله، می‌توانیم دوتا «یا» ی اول جمله را حذف کنیم و بجایش ویرگول بگذاریم و فقط «یا» ی آخری می‌ماند. آقای رحمانی سؤالی دارید؟

رحمانی— در صدر این اصل که نوشته شده «در صورت فوت ،کناره‌گیری یا عزل رئیس جمهور یا بیماری بیش از دو ماه» معنایش این است که اگر رئیس جمهور به مدت دوماه بیمار شود برای انتخاب رئیس جمهور جدید اقدام خواهد شد.

نایب‌رئیس — خیر آقا. اگر چنین باشد مشمول اصل قبلی میشود. (رحمانی— پس این چه معنایی دارد؟) در اصل قبلی شورای موقت هست ولی اقدام برای انتخاب رئیس جمهور جدید نیست. دراینجا شورای موقت هست و انتخاب رئیس جمهور جدید هم هست.(رحمانی— پس عبارت بیش از دوماه را حذف کنید.) منظور این‌است که اگر تشخیص بدهند بیماریش بیش از دوماه طول خواهد کشید آنوقت نسبت به انتخاب رئیس جمهور جدید اقدام می‌شود. آقای فاتحی فرمایشی دارید؟

فاتحی— دراینجااین‌سؤال‌پیش می‌آید که ما درانتخابات‌رئیس‌جمهوری قبلا ذکر کرده وشرط کرده بودیم که کاندیداها باید به‌تأیید شورای‌نگهبان برسد وسپس رهبر یا شورای‌رهبری اعتبار نامه او را امضاء کند. فرمان شروع انتخابات هم به عهده رهبر یا شورای رهبری‌هست، ولی ما دراینجا مجدداً یک شورائی درست کرده‌ایم پس‌آنچه که قبلا تصویب کردیم یعنی شورای نگهبان وشورای رهبری وخود رهبر آنها چکاره خواهند بود که ما دراینجا یک شورای دیگری را موظف به‌انجام این کار کرده‌ایم؟

نایب‌رئیس— آن یک امر دائمی است ولی دراینجا یک امر استثنائی است که ممکن است در عمر سی‌ساله یک کشور یکبار هم این مسأله پیش نیاید آنها شورای دائمی هستند ولی دراینجا پیش‌بینی شده است که اگر چنین وضع استثنائی پیش‌آمد وظیفه رئیس جمهوری به‌عهده چه شورائی خواهد بود . (فاتحی— چرا این امر استثنائی را هم به‌عهده شوراهای‌دائمی نگذاریم؟) این‌سه‌نفر هرسه دراین شورا هم هستند، ما یک شورای دیگری درست نمی کنیم. آقای کیاوش فرمایشی دارید ؟

کیاوش— برای اینکه این‌اصل از قبح مطلع بیرون بیاید و دارای حسن مطلعی بشود وصدر این اصل با فوت ومرگ شروع نشود می‌توانیم به‌این صورت اصلاح کنیم: «درصورت کناره‌گیر ی، عزل، بیماری بیش ازدوماه، فوت ویا موجبات دیگری‌از اینگونه...»

نایب‌رئیس— آقای کیاوش. فکرنمی کردم در یک مجلس انقلابی «مرگ» چیزنامطلوبی باشد. (کیاوش— «مرگ» با «شهادت» تفاوت بسیار دارد.) آقای خامنه‌ای پیشنهادی دارید؟

خامنه‌ای — کلمه «اقدام» چون معنی «آغـاز» هم می‌دهد ، بنابراین پیشنهاد می کنم

عبارت را بدین صورت اصلاح بفرمائید «حداکثر ظرف پنجاه روز انتخاب رئیس جمهور جدید را انجام دهد.» به‌نظرم مطلب روشن‌تر خواهد شد. (دکتر شیبانی— رأی بگیرید آقا.)

نایب‌رئیس— به‌نظر من هم اگر این مطلب اصلاح شود کاملترخواهد بود بنابراین اگر بخواهیم پیشنهاد آقای خامنه‌ای را رعایت کرده باشیم بهتر است بنویسیم «...موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود». آقای قرشی مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

قرشی— « موجبات دیگری از اینگونه » یعنی چه؟ اگر بنویسیم «موجبات دیگری مانند اینها» بهتر نیست ؟

طاهری‌گرگانی— اگر یک «طبق مقررات» دراینجا بگذاریم اشکال رفع می‌شود.

نایب‌رئیس— «طبق مقررات» آن منظور را تأمین نمی‌کند، چون منظور ایشان این‌است که‌آیا می‌خواهید این‌پنجاه روز برای اقدام برای انتخاب رئیس جمهور باشد؟ این در حقیقت یک سؤالی است که آقای خامنه‌ای فرمودند. این سؤال و ابهام برای عده‌ای از دوستان دیگر هم پیش آمده است که آیا مجلس می‌خواهد پنجاه روزبه‌شورا وقت‌بدهد تا کارانتخابات رئیس جمهور جدید را شروع کند یا پنجاه روز به شورا وقت بدهد که انتخابات را به پایان برساند، نظر مجلس چیست؟ (عده‌ای از نمایندگان— منظور اینست که تا پنجاه روز پایان بیابد.) موافقین به‌اینکه تا پنجاه روزپایان‌بیابد، دست‌بلند کنند (اکثردستشان را بلند کردند) تأییدشد.

خانم‌گرجی— اگر رئیس جمهور مریض شد باید از همان روز اول اقدام کنند.

نایب‌رئیس— ممکن است وقتی مریض می‌شود پیش‌بینی کنند که بیماری او زودترازسه وچهارماه دیگر بهبود نخواهد یافت اگر چنین پیش بینی شد آنوقت برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید اقدام می‌کنند و اگر هم پیش بینی نکردند که بعد ازگذشت دو ماه خواهد بود . (دکتر بیت‌اوشانا— کلمه «بیماری» رااز اینجا بردارید.) من این‌اصل رابرای رأی‌گیری می‌خوانم :

اصل۳۰۱ (اصل یکصدو سی ویکم)— درصورت فوت، کناره‌گیری ، عزل رئیس‌جمهور، بیماری وی بیش از دوماه یا موجبات دیگری ازاینگونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود وتا تعیین او ، وظایف و اختیارات وی را جز درامر همه‌پرسی برعهده دارد.

رشیدیان— همه‌پرسی به عهده چه کسی است ؟

نایب‌رئیس— بعداً می‌آید. (رشیدیان— همه‌پرسی به عهده شورای نگهبان است.)آقای رشیدیان من اصل را برای رأی‌گیری خواندم خواهش می‌کنم بعد از اعلام اخذرأی سؤال نفرمائید .

رشیدیان— به‌هرحال دراین مورد توضیح داده نشد. اگر می‌خواهید رأی بگیرید اول به کفایت مذاکرات رأی بگیرید اگر تصویب شد آنوقت اعلام رأی باورقه بفرمائید .

نایب‌رئیس— آقای رشیدیان، شما بعد ازآنکه اعلام اخذرأی می‌شود سؤال می‌فرمائید و انتظار دارید به سؤالتان مفصلا جواب داده شود. به‌هرحال خواهش می‌کنم اخذرأی‌رانسبت به‌این اصل به‌همان صورت که قرائت کردم شروع بفرمائید .

(اخذرأی به‌عمل آمد ونتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر در جلسه هنگام اخذرأی پنجاه‌وهشت‌نفر،

تعداد کل آراء پنجاه وهشت رأی، آراء موافق پنجاه‌وچهار رأی، آراء ممتنع سه‌رأی وآراءمخالف یک رأی ، تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند) .

ضمناً من به برادرمان آقای رشیدیان هم توضیح بدهم که‌اگر موقع اعلام رأی صحبت شود طبعاً رأی‌گیری‌سالم‌نخواهد بود. مامی‌توانیم «خطا» را دردورآخرهم جبران کنیم‌ولی «نظم» را هیچوقت نمی‌توانیم جبران کنیم باید پابپای کارمان نظم‌هم جلو برود. (رشیدیان — طبق آئین‌نامه یک نفرموافق یک نفر مخالف باید صحبت کنند.) درآئین‌نامه نوشته شده که می‌توانند صحبت کنند نه اینکه حتماً یک نفر موافق و یک نفر مخالف باید صحبت کنند. به علاوه‌امروز داوطلب صحبت کسی نبود وگرنه اجازه صحبت به‌او داده می‌شد. آقای باریک‌بین سؤالی‌دارید؟

باریک‌بین — رئیس جمهور قبلی در صورت فوت یا کناره‌گیری و یا عزل، معلوم است که شورا می‌تواند بعد از آن مدت یااولین فرصت به‌انتخاب رئیس‌جمهور جدید اقدام کند، امااگر بیماری رئیس‌جمهور بیش از دوماه طول کشید و هنوز هم از مقام خود عزل نشده است چگونه و چطور شورا رئیس جمهور جدید را انتخاب می کند ؟

نایب‌رئیس— وقتی می‌گوئیم شورا اقدام می کند یعنی بیماری بیش از دوماه خودبخود حکم استعفا را دارد .

دکترآیت — پس باید این موضوع درقانون نوشته شود .

۳- طرح وتصویب اصل ۱۰۴ (اصل یکصد وسی ودوم)

نایب‌رئیس — وقتی میگوئیم باید اقدام کند این درحقیقت حکم‌استعفای رئیس جمهور را دارد درعین حال این یک نکته‌ای است که اگر لازم باشد درشور نهائی‌روی آن تصمیم خواهیم‌گرفت. اصل بعدی یعنی اصل ۱۰۴ مطرح است ازآقای آیت خواهش میکنم آن را قرائت بفرمایند.

اصل ۱۰۴ — درمدتی که وظایف رئیس جمهور برعهدهٔ شورای موقت ریاست جمهوری است دولت را نمی‌توان استیضاح کرد یا به‌آن رأی عدم اعتماد داد یابرای تجدیدنظر درقانون اساسی اقدام نمود.

نایب‌رئیس — آقای پرورش سؤالی هست؟

پرورش — دراصل قبلی علاوه بر وظایف «اختیارات»هم آمده بود ولی دراینجا نوشته‌اید که «درمدتی که وظایف رئیس جمهور برعهده شورای موقت ریاست جمهوری است» یعنی از «اختیارات» اسمی برده نشده است. یا اختیارات را درآن اصل حذف کنید ویا دراینجا هم اضافه بفرمائید.

نایب رئیس — سؤال بجائی است ببینیم چه کسی جواب مناسب به‌آن خواهد داد. آقای خامنه‌ای فرمایشی دارید بفرمائید؟

خامنه‌ای — من به‌این رأی عدم اعتماد ایراد دارم به‌دلیل‌اینکه رأی عدم اعتماددردو موقع است، یکی بعداز استیضاح که طبعاً وقتی استیضاح نکنند رأی عدم‌اعتماد نیست.دوم‌درآن موقعی که نخست‌وزیر رأساً برای کسب اعتماد بیشتری تقاضای رأی اعتماد میکند. ما استیضاح را که‌گذاشتیم برای این‌است که خوب، یک موقع هست که فرصت میگذرد که استیضاح کنند واگر نکرد دریک مهلت بعد، چون این عللش‌برای مجلس باقی است، این حق هم باقی است

وچیزی تضییع نمی‌شود. تجدید نظر در قانون اساسی هم همچنین، اما برای رأی عدم اعتماد این وظیفه دولت است، که در آن موقع رأی اعتماد نخواهد، وظیفه مجلس نیست چون مجلس دو راه دارد، میتواند رأی عدم‌اعتماد بدهد و یا ندهد. ما ازاین دوطرف، یک طرفش را ممنوع کرده‌ایم ، یعنی همیشه مجلس را موظف کرده‌ایم که رأی اعتماد بدهد و رأی اعتماد دادن به معنای این‌است که با علم به عدم صلاحیت دولت یا هیأت وزیران آنها را از روی اضطرار قبول کرده است و این غیر از استیضاح است که فرصت باقی است. دولت مشغول کار میشود و مجلس با علم به عدم صلاحیت‌آنها، درحقیقت رأی اعتماد زوری و اجباری داده‌است. بنابراین به‌عقیده من هیچ ضرورت ندارد که رأی عدم اعتماد را دراینجا بگذاریم برای‌اینکه رأی عدم اعتماد شق دوم که دولت می‌آید قبل‌از استیضاح وبدون استیضاح، رأی اعتماد می‌خواهد، یک عمل تشریفاتی است. خوب، دولت برود کار خودش رابکند و اگر رأی اعتماد خواست بعد دولت می‌تواند رأی اعتماد بگیرد و میتواند هم نگیرد.

نایب‌رئیس — آقای دکتر آیت فرمایشی بود؟

دکتر آیت — دراینجا آمده است که «دولت را نمی‌توان استیضاح کرد یا به‌آن رأی عدم اعتماد داد.» حالا اگر ما بنویسیم «دولت را نمی‌توان استیضاح یا برکنارکرد» عبارت بهتر نیست؟ چون اگر خود دولت کناره‌گیری کرد ما دیگر نمی‌توانیم به‌مجلس تکلیف کنیم که به زور دولت را سر کار نگهدارد.

نایب رئیس — پس اگر عبارت را اینطور اصلاح کنیم که «دولت را نمی‌توان استیضاح کردیا برای‌گرفتن رأی اعتماد یا تجدیدنظر در قانون اساسی اقدام نمود.»به‌نظر شمابهترنیست؟

دکترضیائی — در دومورد به دولت رأی اعتماد یا عدم اعتماد میدهند. یک وقت در کارهای مهم مملکتی است که پیشنهادمیشود به‌دولت رأی اعتماد یا رأی عدم اعتماددادهشود ویک وقت هم موقعی است که دولت را استیضاح میکنند، ولی دراین مدتی که شورای موقت ریاست جمهوری، عهده‌دار وظایف رئیس جمهور میشود، دراین موقع یکی ازکسانی که عضو این شوراست نخست وزیرمیباشد. بنابراین اگر بخواهند رأی عدم‌اعتماد به‌دولت بدهند نخست وزیر از شورا برکنار میشود.

نایب‌رئیس — حرف آقای خامنه‌ای این‌است که این عبارت ولو با احتمال ضعیف، قابل این معنی است که اگر دولتی آمد تقاضای رأی اعتماد کرد مجلس حق ندارد به‌او رأی عدم اعتماد بدهد بلکه موظف است به‌او رأی اعتماد بدهد.

هاشمی نژاد — یک احتمال دیگرهم دارد. اگر دولت را استیضاح کردند قبل‌از آنکه استیضاح خاتمه پیدا کند و به مرحله رأی اعتماد یا عدم اعتماد برسد نخست‌وزیر سریض شد و شورا تشکیل گردید یعنی استیضاح قبلا شده ولی هنوز رأی عدم اعتماد از طرف مجلس داده نشده است دراین رابطه قابل تصور است.

نایب‌رئیس — باتوجه‌به‌مطالب دوستان معلوم میشود پیشنهاد آقای دکتر آیت‌سالم‌تر ازهمه اینها میشود پس بنویسیم«...دولت را نمی‌توان استیضاح یا برکنارکرد یا برای تجدید نظر در قانون اساسی اقدام نمود.» آقای مکارم مطلبی دارید بفرمائید.

مکارم شیرازی — این باز درست درنمی‌آید چون ممکن است مثلا خیانتی از دولت‌ثابت شود ، برکنارش می کنیم ولی به او رأی عدم اعتماد نمی‌دهیم . به‌نظر من همین عبارت

خوب است.

نایب‌رئیس — بله، مطلب آقای مکارم بجاست، چون عدم اعتماد و غیراز برکنارکردن بخاطریک خیانت، بین است. دراین وضعیت‌که دولت خائن است خوب، شورای موقت‌خودش کشور را اداره‌کند. آقای رشیدیان سؤالی بود؟

رشیدیان — درقسمت پایانی این اصل‌که نوشته شده «یا برای تجدید نظر درقانون اساسی اقدام نمود.» چون در پیش نویس قبلی اعلام همه‌پرسی وشاید پیشنهاد تجدیدنظردر قانون اساسی به‌عهده رئیس جمهور بوده، همانطور دست نخورده این قسمت‌هم آمده است. همانطورکه دراصل ۱۰۳ هم سؤال‌کردم مثل اینکه مسألهٔ همه‌پرسی به‌عهده رئیس جمهور است وحال آنکه فکرمیکنم اینطور نباشد. بنابراین اینجا میرساندکه در زمانی‌که مثلا رئیس جمهور بیمار است نمی‌شود همه‌پرسی‌کرد یعنی مثل اینکه فرمان همه‌پرسی به‌دست این آقااست یا تجدیدنظر در قانون اساسی به‌دستور ایشان صورت میگیرد درحالی‌که باز من فکر میکنم تجدیدنظر در قانون اساسی به‌عهده رئیس جمهور نیست.

نایب‌رئیس — یک نوع کارهائی هست معمولا جنبه فوریت ندارد و درعین حالی‌که جنبه فوریت ندارد درمملکت یک نوع هیجان بوجود می‌آورد. منظور این‌است‌که این نوع کارها در موقعی باشدکه ارکان اداره‌کننده مملکت سرجای خود باشند و یکی از ارکان مملکت هم رئیس جمهور است.

رشیدیان — ما سیستم حکومتی پیش‌نویس را بهم زده‌ایم. (نایب‌رئیس — ما کاری به پیش نویس نداریم، شما به سؤال من پاسخ بگوئید.) اجازه بفرمائید عرض‌میکنم. ما سیستم به‌اصطلاح حکومتی پیش‌نویس را بهم زده‌ایم، بطوری‌که رئیس جمهور رکن اساسی مملکت محسوب میشود و حال‌آنکه باتوجه‌به بحث‌های قبلی رکن اساسی مملکت همان شورای رهبری و رهبری وشورای نگهبان و مجلس شورای ملی خواهد بود، وهمانطوری‌که آقایان میدانند اختیارات رئیس جمهور بقدری محدود شده است‌که او دیگر نمی‌تواند رکن اساسی دربرابر شورای رهبری یا رهبر باشد.

نایب‌رئیس — متشکر، آقای عضدی سؤالی دارید بفرمائید.

عضدی — به‌نظرم این عبارت «دولت را نمی‌توان استیضاح‌کرد» درست نیست بهتر است بنویسید «هیأت وزیران را نمی‌توان استیضاح‌کرد».

نایب‌رئیس — دولت معانی‌گوناگونی داردکه برحسب قرینه درهرجائی معنیش‌فهمیده میشود دراینجا هیأت دولت منظور است و هیأت دولت شامل رئیس جمهور نمی‌شود . آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — به‌نظرم عبارت باید بدین‌صورت نوشته شودکه «دولت رانمی‌توان استیضاح کرد یا به‌آن رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر درقانون اساسی اقدام‌نمود».

نایب‌رئیس— پیشنهادتان ازنظرعبارت مناسب‌تر وبهتراست. آقای دکترشیبانی فرمایشی دارید بفرمائید.

دکترشیبانی — ممکن است مجلس شورای ملی بخواهد درقانون اساسی تجدیدنظرکند. اینکه میگوئیم تجدید نظر در قانون اساسی نشود برای این‌است‌که وضع مملکت‌کاملا آرام شود تا بتوان رئیس جمهور را انتخاب‌کرد .

نایب‌رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای به‌عنوان آخرین نفر دراین اصل اگر صحبتی دارید بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنده تصور میکنم مشکلاتی که این اصل ایجاد میکند بیشتر از تسهیلاتش خواهد بود. برای‌اینکه وقتی ما شورائی داریم بجای رئیس جمهور، وظایف رئیس جمهوری قطع نمی‌شود، ولی اگرما این استثناء را دراینجا بگذاریم یعنی دراین مدت دوماهه قانون اساسی معوق است و یک شرایط و قانون اضطراری حاکم است بنابراین من معتقدم با بودن شورای موقت ریاست جمهوری، وظایف ریاست جمهوری اجرا خواهد شد و دیگر لزومی ندارد یک شرایط استثنائی قائل‌شویم.

نایب‌رئیس — لطفاً توجه بفرمائید من این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ٤ . ١ (اصل یکصد و سی ودوم) — درمدتی که‌وظایف رئیس‌جمهور برعهده شورای موقت ریاست جمهوری است دولت را نمی‌توان استیضاح کرد یابه آن رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی اقدام نمود .

لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید. ازآقایان منشیها هم خواهش میکنم دراخذ و شمارش آراء نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس— عده حاضردرجلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، شماره کل آراء شصت‌رأی، آراء موافق پنجاه ویک رأی، آراء ممتنع پنج رأی و آراء مخالف چهار رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

٤- طرح وتصویب اصل ١ . ٥ (اصل یکصد و بیست وهفتم)

نایب‌رئیس— ازآقای آیت خواهش می‌کنم اصل بعدی (اصل ٥ . ١) را قرائت بفرمایند.

اصل ٥ . ١— هرگاه رئیس جمهور لازم بداند جلسه هیأت وزیران درحضور او وبه‌ریاست وی تشکیل میشود.

نایب‌رئیس — درمورد این اصل دوستان مطلبی دارند؟

دکترنوربخش — درمورد این اصل یکی دوسؤال داشتم که اگر اجازه بفرمائید واشکالی ندارد عرض کنم.

نایب‌رئیس — خیر قربان، هیچ اشکالی ندارد بفرمائید مطلبتان را بگوئید.

دکترضیائی — ایشان صبحها درجلسه شرکت نمی‌کنند برای همین است که دراینجا برایشان سؤالی مطرح می‌شود، یعنی درحقیقت ایشان در بحث‌های جلسات ما نیستند.

نایب‌رئیس — ایشان به‌علت موقعیت شغلیشان صبحها با اجازه درجلسات شرکت نمی‌کنند، و اگر دربحث نیستند عیبی ندارد درعوض درباغ هستند.(خنده نمایندگان)

دکترنوربخش — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض کنم که تذکر وسؤالی که بنده اینجا مطرح میکنم به‌نظرم در جلسه صبح مطرح نشده به‌همین جهت در اینجا چندکلمه‌ای عرض میکنم. با تصویب اصل ٥ . ١ نظام سیاسی که ما برای مملکت درنظرگرفته‌ایم بحثش تمام میشود یعنی شالوده نظام سیاسی مملکت ما ریخته شد و اگر ما اشکالاتش را دراینجا نبینیم و یا حل نکنیم ویا جواب ندهیم ممکن است این اشکالات بعداً برای ملت مطرح شود ویا

تاریخ اصولا این اشکالات را برای ما مطرح کند این است که من یکی دوسؤال مطرح کردم که خواهش میکنم هرکدام از آقایان میخواهند پاسخش را بفرمایند. اول اینکه اصولا رئیس جمهوری که به‌این ترتیب در قانون اساسی ما پیش‌بینی کرده‌ایم با این وظایف، چه‌باری میتواند از روی دوش ملت بردارد؟ چون شما در حقیقت یک پستی را پیش‌بینی کرده‌اید، رئیس جمهور آئین‌نامه‌ها را مهر بزند و هیچ نوع دخالتی را هم حق ندارد درمصوبات بکند، ویا اینکه برود به‌استقبال یا بدرقه مهمانان در فرودگاه ویا اینکه جوایز را تقسیم کند. غیرازاین من وظیفهٔ اصلی دیگری ندیدم که به‌رئیس جمهور داده شده باشد. این است که اگر واقعاً رئیس جمهور فقط جنبهٔ تشریفات دارد لااقل در اینجا مشخص کنید. سؤال دومم این است که آیا این نظامی که الان ریخته شده است اصولا اسمش «نظام‌جمهوری» هست یا خیر؟ یعنی آیا اصل اول همین قانون را که ما تصویب کردیم و۹۸/۲ درصد مردم این مملکت‌هم به‌آن رأی داده‌اند، محترم شمرده شده است یانه؟ چون تفاوت اصلی بین نظامهای جمهوری با نظامهای خودکامه و استبدادی دراین است که در نظامهای جمهوری هیچ نوع پست دائمی درنظرگرفته نمی‌شود. درصورتی که درآن اصل و دراین قانون‌پست رهبری، یک پست دائمی وهمیشگی است. البته دریک مورد خاص، برای یک رهبر خاص، که به‌گردن ملت ایران حق دارد میتوان چنین موردی را پیش‌بینی کرد و هیچ اشکالی هم نداردولی اگر ما امیدوار باشیم که این قانون اساسی بخواهد برای مدت دویست سال، سیصد سال وبرای یک مدت خیلی طولانی عمل شود، آیا ترسی‌ازآن نیست که آن رهبری که در رأس قراردارد ازخط وظایف خود خارج شود؟و اگر چنین شد تکلیف چیست؟ من بازهم تأکید میکنم روی زمان حاضر بحث نمی‌کنم چون در زمان حاضر اغلب افراد شناخته شده‌اند.ما ازیک سیستمی به‌یک‌سیستمی دیگر آمده‌ایم وآن افرادی که واقعاً انقلابی هستند خودشان را نشان داده‌اند، آب دیده‌شده‌اند و دراین سیستم دارند خدمت میکنند، ولی ما صحبت از زمان حاضر نمی‌کنیم. من یک بار دیگر هم عرض کردم که وقتی بـه تاریخ مراجعه میکنیم می‌بینیم کـه بعد از پیغمبر (ص) ، «هارون‌الرشیدها» امورمسلمین را به‌دست‌گرفتند. این است که من میگویم آیا ما پیش‌بینی‌چنین وضعی را برای آینده کرده‌ایم که اگر چنین وضعی پیش آمد چه‌باید کرد؟ ویا اصولا از حالا کاری بکنیم که درآینده چنین وضعی برایمان پیش نیاید. عرض‌دیگری ندارم، متشکرم.

نایب‌رئیس — خوب، این یک سؤالی بود که‌به اصول مربوط میشد، ونه به‌این اصل یعنی سؤال ایشان به‌کل بحث مربوط میشد. سؤال آقای نوربخش را به‌سادگی میتوان حداکثر در پنج جمله خلاصه کرد. اگر دوست اولی که نوبت برای صحبت‌گرفته‌اند واقعاً با همین پنج جمله جواب میدهند من اولی میدانم که ایشان جواب بدهند والا اجازه بدهید من درست با پنج جمله کوتاه‌جواب ایشان را بدهم تاهرچه زودتربه کارمان برسیم.

هاشمی‌نژاد — اگر نفر اولی که اسم نوشته است بنده باشم نوبتم را به حضرتعالی‌میدهم که جواب ایشان را بفرمائید. (نایب رئیس — نوبت حضرتعالی است.) پس من نوبتم را به جنابعالی واگذار میکنم تا حق مطلب را ادا بفرمائید.

نایب‌رئیس — خیلی‌متشکرم، من درچندجمله خیلی‌خلاصه‌عرض‌میکنم اولا رئیس جمهور، غیر از آنها که فرمودید، در انتخاب نخست‌وزیر نقش تعیین کننده دارد، هماهنگی قوای سه‌گانه که درحقیقت مدیریت نهائی مملکت است، دراین مورد هم نقش فوق‌العاده دارد.عضو

شورایعالی دفاع است ، نقش مهمی دارد، بنابراین نقشهای مهم دیگری هم به او واگذار شده که در شأن یک رئیس‌جمهور فعال است. (یزدی — در رأس قوهٔ مجریه هم قرار دارد.) بله، اما مسألهٔ اینکه آیا نظام ما جمهوری می‌ماند یا نه، ما در آن اصل پنج گفته‌ایم و در اصول بعد هم این را تأکید کرده‌ایم که رهبری، به هر حال منتخب و مورد پذیرش مردم است. بنابراین هیچ نوع حکومتی بر مردم بدون دخالت تام رأی مردم وجود ندارد، منتها مردم در رأیی که می‌دهند، رأی می‌دهند به یک جهتی که قبلا برطبق عقیدهٔشان پذیرفته‌اند، یعنی در داخل آن جهت رأی می‌دهند . عیناً مثل اینکه ما برای رئیس جمهور یک صفاتی قائل هستیم و به او هم در داخل یک جهاتی رأی می‌دهند. ضمناً این تذکربجاست که پیشنهاد شده‌است که درمورد رسیدگی به وضع رهبر، اگر رهبر خدای نکرده از اصول رهبری منحرف شد، برای او هم مثل سایر مقامات، مقام رسیدگی معین کرده‌ایم و دوستان اصولی را تهیه و پیشنهاد کرده‌اند که پس از بررسی در جلسه کمیسیونها و گروه مشترک به جلسه علنی آورده خواهد شد. متشکرم.

مقدم مراغه‌ای — من یک سؤالی دارم و این سؤال اغلب از ما میشود که در آن سه‌روز آخر که مهلت بررسی نهائی برای بعضی اصول است، امکان اینکه اگر تعارضات فاحشی باشد که مردم به صورت مدلل بتوانند ارائه کنند، آیا امکان این هست که بشود در آن اصول تجدید نظر کرد یا نه؟

نایب رئیس — چرا مردم برای آن سه روز می‌گذارند؟ ما از اول شروع این مجلس از ملت عزیزمان خواهش کرده‌ایم که در اثنای کار مجلس هر انتقاد و نظری دارند ، بفرمایند. الان ملت ما کاملا در جریان این جلسات هست و مکرر هم عرض کرده‌ام که جلسات صبح ما یک جلسه خصوصی نیست بلکه جلسه مشترک گروه‌هاست و می‌بینید که هیچ آهنگ جلسات خصوصی را هم ندارد و درست یک سمینار گونه‌ای از همه گروهها است، بنابراین ما چیز خصوصی نداریم. ملت ما در جریان کار مجلس خبرگان به صورت مفصل هست، از همه مردم خواهش کرده‌ایم که اگر مطلبی دارند بفرستند و مطمئن باشند که مطالب هم خوانده میشود. امروز یک برادری نامه‌ای خطاب به من و خطاب به برادرعزیزمان آیت‌الله‌منتظری نوشته بود و فکر کرده بود که آیا ما آن را می‌خوانیم یا نه، در صورتی که همین امروز که این نامه‌به‌دست بنده رسید من آن را خواندم. این را می‌گویم که ملت ما بداند که ما این نامه ها را می‌خوانیم و ترتیب اثر هم می‌دهیم و امیدوار هستیم هر نظری هست زودتر بدهند تا در جریان کارمان به‌دستمان برسد و بتوانیم به موقع به آن ترتیب اثر بدهیم.

هاشمی‌نژاد — شما جواب سؤال ایشان را ندادید، ایشان سؤالشان این بود که در سه‌روز آخر اگر نظری ارائه شود، آیا جائی برای تغییر هست یا نیست؟

نایب رئیس — البته، فقط عرض کردم که بهتر اینست که این نظرات زودتر و قبل از رسیدن آن سه روز به دست ما برسد. مثل اینکه مطلب دیگری نیست، بنابراین اصل ۱۰۵ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۱۰۵ (اصل یکصد و بیست و هفتم) — هرگاه رئیس‌جمهور لازم‌بداند جلسه هیأت وزیران در حضور او به ریاست وی تشکیل میشود.

نایب رئیس — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید. از آقایان منشی‌ها هم خواهش میکنم که در اخذ و شمارش آراء نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک‌نفر، شماره کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع دو رأی ، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

حجتی کرمانی — مثل اینکه بحث در مورد ریاست جمهوری اینجا تمام میشود.

نایب رئیس — بلی حالا رسیده‌ایم به قسمت ب، قوهٔ مجریه که مربوط به وزراء هست.

حجتی کرمانی — عرض کنم من یک پیشنهادی داشتم راجع به این مسأله صرفنظر از آن مباحثی که قبلا بود درباره ریاست‌جمهوری و به‌طور کلی این مقامات در زمان امام‌خمینی، اگر مقتضی‌هست من عرضم را بکنم چون بحث من مربوط است به ریاست جمهوری و ولایت امر در زمان امام خمینی و فصل مربوط به‌این موضوع دارد تمام میشود. با اینکه حالم خوب نیست ولی به خصوص برای این موضوع اینجا آمده‌ام چون در اینمورد طرحی دارم.

نایب رئیس — همانطور که مسبوق هستید لازم است که طرحها قبلا در جلسه صبح مطرح بشود و بعد هم هیچیک از فصولی که ما تا حالا از آن گذشته‌ایم بسته نشده شمامی‌دانید که ما در بعضی از این فصول بعضی از اصول را داشتیم که ناتمام ماند و برای اینکه بتوانیم به این اصولی که مانده است و پیشنهادهائی که میرسد رسیدگی کنیم، این موضوع را موکول کرده‌ایم به پایان کار، حضرتعالی هم میتوانید اولا طرحتان را در جلسه صبح شنبه مطرح بفرمائید تا آنجا پخته‌تر بشود چون هر طرحی اول باید در جلسه گروهها مطرح بشود و بعد ازآن عنداللزوم در جلسهٔ علنی هم مطرح میشود ولی الان دستور جلسه‌مان اینست که ما این اصلی که اینجا هست بررسی بکنیم. در هرصورت این را عرض کنم که فصل مربوط به هیچ قسمتی بسته نمی‌شود جنابعالی و هر یک از دوستان برای هر یک از اصول قبلی مطلبی دارید که باید مطرح بشود اینها را سریعاً آماده کنید و در اختیار دوستان قرار بدهید ما که‌نمی‌خواهیم‌سخنرانی کنیم می‌خواهیم یک مطلبی واقعاً رویش بحث و بررسی بشود و چون میخواهیم‌بحث و بررسی کنیم شما طرحتان را قبلا آماده کنید و تکثیر کنید و در اختیار دوستان قرار بدهید تا آنها مطالعه کنند و بتواند مورد شور قرار بگیرد.

حجتی کرمانی — راجع به این موضوع صبح گفتم و فکر میکنم در جلسه علنی هم گفتم که ما این طرح را با آقای غفوری نوشتیم و حتی یک ملاقات کوتاهی در این مورد با امام داشتیم و این مسأله را هم آنجا گفتیم و ایشان نفی‌نکردندمیخواستم‌عرض کنم که مااین کاری که شما میفرمائید کرده‌ایم در جلسه صبح و جلسه علنی مطرح کرده‌ایم ولی توجه و عنایتی به آن نشده است.

نایب رئیس — نکرده‌اید آقای حجتی، شما چیزی را که تهیه کرده بودید من از شما پرسیدم که بقیه‌اش چه؟ گفتید ناقص است جنابعالی خودتان فرمودید که ناقص است اجازه بفرمائید به هرحال دستور جلسه را ادامه بدهیم.

۵- طرح وتصویب اصل۱۰۶ (اصل یکصد و بیست وششم)

نایب رئیس — آقایان عنایت بفرمائید یک اصل صبح بررسی و تأیید شد ولی در دستور از قلم افتاده است به عنوان اصل ۱۰۶ که قرائت میشود.

اصل ۱۰۶ — تصویب‌نامه و آئین‌نامه‌های دولت پس ازتصویب هیأت وزیران به‌اطلاع رئیس جمهور میرسد و در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیاید برای تجدید نظر به هیأت وزیران میفرستد.

نایب رئیس — آقای رشیدیان نظری دارید؟

رشیدیان — این تصویب‌نامه که به وسیله هیأت دولت وضع میشود آیا این باید منطبق با قانون اساسی و قوانین مجلس شورای ملی باشد یا نه؟ و ما در جاهای دیگر گفتیم که تطبیق اینگونه قوانین در صلاحیت مراجع دیگر است چون ممکن است بعضی از تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های داخلی دولت واقعاً مخالف با قانون اساسی و قوانین مجلس شورای ملی باشد و اگر واقعاً بخواهیم تشخیص یا تطبیق بدهیم، این کار رئیس جمهور نمی‌تواند باشد یا کار مجلس است یا شورای نگهبان یا هر مرجع صلاحیتدار دیگر منظور من آئین‌نامه‌ها نیست منظور تصویب‌نامه‌ها است.

نایب رئیس — فرق نمی‌کند آئین‌نامه‌ها هم همین حالت را دارد ببینید معمولا مسائل قانونی سلسله مراتب دارد قانون اساسی داریم که فرع برآن، قوانین مجلس شورای ملی است و در اینجا معلوم شد که شورای نگهبان برای تطبیق این قوانین با قانون اساسی روی این قوانین نظارت میکند. وقتی برای اجراء این قوانین دست دولت آمد ، در راه اجرای قانون یک سلسله مقررات خاص و تفصیلی لازم میشود که اینها را هیأت دولت تصویب میکند به صورت آئین‌نامه، اینها اصلا باید منطبق با قوانین باشد یعنی اینها مستقیماً باید با قانون منطبق باشد اگر با قانون منطبق بود خودبخود با قانون اساسی و قوانین شرع هم منطبق هست و اگر با قانون مخالف بود می‌تواند با آنها هم مخالف باشد این را باید آن کسی که مسئول اجرا هست چون مسئولیتش به عهده او است در نظر داشته باشد همینطور که تهیه و اجرایش به عهده او است مسئولیتش هم به عهده او است و ما گفتیم مسئولیتش به عهده رئیس جمهور است. آقای عرب بفرمائید. (عرب — این کلمه قوانین مبهم به نظر میرسد کدام قوانین، قوانین مدنی یا قوانین شرعی؟) نه آقا قوانین یعنی آن چه در مملکت ارزش قانونی دارد و ازکتابهای قانون درمی‌آورند و مصوبات مجلس است. آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی— رئیس‌جمهور اگر اهل‌ذوق باشد یعنی هم فعل را تا اندازه‌ای بداند هم‌قانون‌را، خوب است و به‌نظر او اگر دید مخالف است برمی‌گرداند به‌مجلس و مجلس کارخودش را انجام میدهد اما اگر تشخیص نداد و درواقع مخالف بود و به‌جریان افتاد، ممیز در اینجا کیست؟

نایب رئیس — آقای خزعلی من این موضوع را توضیح دادم ببینید آقا اینها تمام مسئولیت اجرا است یعنی ما گفتیم مسئول اداره امور مملکت برطبق قانون رئیس‌جمهور است. (خزعلی — یک شورائی شبیه شورای نگهبان باید خودش برای خودش تشکیل بدهد.)حتماً یک شورای حقوقی دارد چون الان وزارت دادگستری هم یک شورای حقوقی دارد اما اینها در شئون اجرا است و چیز تازه‌ای نیست. (رشیدیان — تفاوت تصویب‌نامه و آئین‌نامه را ممکن است برای من توضیح بدهید؟) تصویب نامه‌ها مربوط است به یک تصمیم‌گیری درمورد یک چیز و آئین‌نامه‌ها معمولا مربوط است به تفصیل اجرای یک اصل یا یک قانون، بنابراین آئین‌نامه شرح تفصیلی اجرای یک قانون را می‌گوید و تصویب‌نامه در یک‌مورد خاص است.

رشیدیان — یعنی ابتدا به ساکن شروع میکند برای اجرا و تدوین بعضی ازکارهائی که

مجلس خبر ندارد.

نایب رئیس — اینطور نیست تصویب‌نامه و آئین‌نامه هر دو برای اجرای قانون است. آقای دکترآیت بفرمائید.

دکتر آیت — اشکال اینست که اولا ما در این قانون حدود اینکه چه وقت دولت می‌تواند تصویب‌نامه صادر کند، تعیین نکردیم و این در قانون باید مشخص بشود بخصوص اینکه ما درگذشته از این جهت ضرر دیده‌ایم تنها دولت علم ششصد تصویب‌نامه که خلاف قوانین عادی که هیچ، خلاف قانون اساسی بود گذراند که حق گذراندن این تصویب‌نامه‌ها را نداشتند، ودولتهای متعدد دیگرهم همینطور، بعددیدیم اصلا تصویب‌نامه هائی هست که مالیات وضع میکند و پول میگیرد در حالی که ما حتی برای شورای ده میخواستیم یک مرجعی درست کنیم که قانون خلاف اسلام نداشته باشد چگونه در مورد تصویب‌نامه همینطور میخواهیم رها کنیم، من معتقدم که در این مورد بیشتر ما محکم کاری کنیم.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — عرض کنم که اولا آوردن تصویب‌نامه اینجااشکال‌ندارد ولی‌تصویب‌نامه عبارت از مقرراتی است که وقتی مجلس در حال کار نیست این اختیار را به دولت میدهند که لوایح خودش را تصویب کند و بمحض شروع مجلس اینها را برای تصویب به مجلس ببرد البته آئین‌نامه مقررات داخلی قوانین است این تصویب‌نامه‌ها در اینجا ضرری ندارد ولی یک اشکالی اینجا هست که برای تجدیدنظر اگر همیشه این حق را رئیس‌جمهور داشته باشدممکن است که در موقعی که بین رئیس‌جمهور و دولت اختلاف باشد مرتب ایجاد اشکال کند تا بالاخره نظرخودش راتحمیل کند. برای‌این‌حق تجدیدنظر یک نوبت یادونوبت یک چنین‌چیزی باید قائل شد که برای یک بار یا دوبار این حق را داشته باشد والا تا آخر این باعث تعویق کار میشود.

نایب رئیس — متشکرم، آقای ضیائی شما اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

دکترضیائی — عرض کنم قبلا تمام این تصویب‌نامه‌هائی که درهیأت‌دولت تصویب میشود باید به مجلس شورای ملی برود و شورای نگهبان نظارت میکند بنابراین قانونی که آنجا از زیر دست سیصد نفر یا دویست و هفتاد و پنج نفر بگذرد و شورای نگهبان هم نظارت بکند دیگر چطور میشود که هیچکس از اینها نمی‌فهمد فقط یک نفر میفهمد؟

دکترشیبانی — عرض کنم یک اصل پیشنهادی هست که بعداً به‌مجلس می‌آید وآن این است که میخوانم:

علاوه‌برمواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین میشود هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به‌وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد، ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. هریک از وزیران نیزدرحدود وظایف خویش ومصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه وصدور بخشنامه را دارد.

نایب‌رئیس — بلی این اصل در پایان دستور جلسه امروز هست دوستان عنایت‌بفرمایند مثل‌اینکه یک چیزی برای دوستان مبهم شده آن را روشن کنیم. آقا دولت که حق‌قانونگذاری ندارد، دولت حق دارد لایحه تهیه کند و ببرد به‌مجلس وآن چیزی را که آقای خامنه‌ای گفتند

که تصویب نامه یعنی اینکه یک وقتی که قوه مقننه در کار نیست دولت می‌تواند یک چیزی را تصویب کند، اینطور نیست این یک حق استثنائی است که مجلس می‌تواند به‌دولت بدهد یا ندهد . انواع تصویب‌نامه‌خیلی زیاد است من عرض کردم گاهی یک تصمیمات جزئی هست برای مثال می‌گویم، دریک قانونی پیش‌بینی میشود که این اعتبار برای فلان‌مصرف هست ولی تخصیص مبلغی ازآن برای کاری مشابه با آن باید با تصویب هیأت وزیران باشد یامی‌گویند اصلا پرداخت آن باید با تصویب هیأت وزیران باشد ازاین‌قبیل چیزها درجریان امور مملکتی زیاد داریم یعنی تصمیماتی است درمورد معین، آئین‌نامه نیست که یک چیزی است که روال کار است برای اجرای یک قانون، تصمیمی است درمورد معین ولی از وظایف هیأت دولت‌است بنابراین تصویب‌نامه‌ها انواع و اقسام گوناگون دارد اگر تصویب‌نامه‌ای بخواهد جانشین قانون باشد یا مقدمه قانون باشد آن را باید حتماً مجلس شورای ملی چنین حقی را بدهد قبلا این‌گفته شده است که ازوظایف و اختیارات دولت نیست‌این‌است که‌آقایان قاطی نفرمائید چون یک امر بسیار ساده‌ای‌هست. آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید. (مقدم مراغه‌ای— من مخالفم.) آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — عرض کنم آن چیزی که درمتن آمده که اگر تصویب‌نامه‌ها وآئین‌نامه‌ها برخلاف قوانین باشد، این همان چیزی است که دوستان تذکر دادند که بعید بنظر میرسد که آنقدرمخالفت آشکاری داشته باشد که دیگران متوجه نشده باشند و ایشان متوجه بشوند. مسألهٔ دیگری که فکرمیکنم ضرورت بیشتری داشت که‌اینجا مطرح بشود این‌است که‌آئین‌نامه مسائل‌داخلی یک تشکیلاتی است حالا یا نخست‌وزیری یاجای دیگری، دراین زمینه احتمال برخورد رئیس‌جمهور و هیأت‌دولت زیاد است که ممکن است یک تاکتیکی را او برای ادارهٔ مملکت پیشنهاد کند که این نمی‌پذیرد وباتوجه به‌اینکه اینها می‌خواهند همکاری بکنندقهراً اختلاف بین اینها در زمینه‌آئین‌نامه‌ها ازاین نظر، نه ازنظر مطابقت یا عدم مطابقت باقوانین، این اختلاف کاملا قابل پیش‌بینی هست درحالی که برای این موضوع دراینجا پیش‌بینی‌نشده است.

نایب‌رئیس— دراینجا اصولا نخواستیم‌برای‌این اختلاف یک‌پیش‌بینی بکنیم،گفتیم به رئیس جمهور فقط حق می‌دهیم نظیر آن حقی که به‌شورای نگهبان دادیم چون رئیس قوه مجریه است و یکی از مسئولیتهایش این‌است که‌نباید بگذارد چیزی برخلاف قانون صورت بگیرد به‌او حق میدهیم که فقط اظهار نظربکند که این برخلاف قانون هست یا نیست ولذا مواردا‌صطکاك هم‌تقریباً به‌آن صورتی که‌آقایان‌گفتند نیست. (هاشمی‌نژاد—این مورد اصطکاکی که بنده‌عرض کردم پیش‌بینی شده است یا خیر؟) نه‌حق او نیست، حق هیأت دولت است. (هاشمی‌نژاد — می‌دانم حق هیأت دولت است ولی میخواهند باهم‌همکاری بکنند.) آقای دکترغفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری— دراصطلاح حقوقی، آئین‌نامه به‌دوقسم تقسیم میشود یک‌آئین‌نامه‌هائی هستند ماهوی یعنی ماهیت یک مسأله‌ای را طرح می‌کند و این حتماً باید به‌وسیله مجلس باشد وآئین‌نامه‌هائی هستند اجرائی که بعد از اینکه یک قانونی‌گذرانده میشود و درآن می‌گویند آئین‌نامه‌اجرائی آنرا بعداً هیأت وزیران تصویب می‌کند بنابراین خوب است که اینجا کلمه‌اجرائی گذاشته شود تا شامل آئین‌نامه‌های ماهوی نشود.

نایب‌رئیس — به اصل ۱۱۳ که رسیدیم اگر آنجا قید نشده باشد قید خواهیم کرد. (مکارم شیرازی — در آنجا قید شده است.) بسیار خوب‌می‌گویند در آنجا قید شده است. آقای مقدم‌مراغه‌ای به‌عنوان مخالف بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا. بنده این مطالبی را که می‌خواهم عرض کنم شایدیک قسمتی از آن برمی‌گردد به‌مطالبی که برادر عزیز نوربخش در اینجا گفتند. (تهرانی— بنده از شما تقاضا دارم خلاف آئین‌نامه‌رفتار نکنید.) هنر یک قانون اساسی در این است که بتواند تعادلی بین قوائی که‌پیش‌بینی شده است ایجاد بکند یعنی قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه‌مقننه این‌قوائی که هست، به‌مناسبت این که این چند روز یک‌حالی استثنائی پیدا شد در ترکیب این‌قوا، بعضی مطالب در اینجا به‌اجمال برگزار شد رئیس‌جمهور، رئیس قوای مملکت هست یعنی منتخب مردم است. (تهرانی — به‌این اصل‌مربوط نیست.) چرا آقا رئیس‌جمهور رئیس قوای مملکت است یعنی قوه قضائیه، قوه مقننه، قوه اجرائیه به‌نوعی این سه‌قوه را به‌هم‌تلفیق میدهد. کار رسیدگی به‌اینکه ببینیم یک‌عملی موافق یا مخالف قانون است از وظایف رئیس جمهور نمی‌تواند باشد، یا شما می‌خواهید یک‌اختیاری به‌رئیس مملکت‌بدهید یعنی حق وتو که‌دولت یک‌عملی را انجام‌میدهد، یا قوه مقننه‌یک قانونی را می‌گذراند، رئیس‌جمهورحق‌وتو دارد، این یک‌امری است علیحده ولی اینکه شما به‌رئیس‌جمهور این حق را واگذار کنید که درمواردی او بگوید این موافق قانون است یا نیست، این‌صحیح. نیست تشخیص اینکه چه چیزی مخالف قانون هست یانیست این باقوه قضائیه مملکتی است این کار در عمل‌است. یک مطلب دیگری هم هست‌تعادلی که‌عرض می‌کنم این است که خطر دموکراسی همیشه این است که‌پارلمان سنگ راه پیشرفت بشود به‌علت عدم ثباتی که بوجود می‌آورد، دولتها را بیاورد وببرد بالاخره آن دویست و هفتاد نفری که آنجا نشسته‌اند بشر هستند اگر فرشته بودند هیچ مسأله‌ای نبود اینها خواستها ونیازهائی دارند که با دولت اصطکاك پیدا می‌کنند واین نظراتشان را هم اعمال می‌کنند حالا اگر دولت خیلی قوی بشود استبداد می‌شود اگر دولت ضعیف بشود آنوقت هرج ومرج میشود به‌این جهت است که تعادل لازم است. دولتی هست کارش را می‌کند، یک تصویب‌نامه‌ای گذرانده است، در مورد این تصویب‌نامه یاباید این اختیار را به‌رئیس جمهور بدهید چون دولت منتخب رئیس جمهور است که او باتصمیماتی که‌می‌گیرد وتوکند، یااینکه باید اجازه بدهید که دولت کار خودش را بکند واگر خلاف قانون بود مرجع رسیدگی قوه قضائیه است یا دیوانعالی کشور یا هر مرجع قضائی دیگر که پیش‌بینی شود. به این‌ترتیبی که اینجا اشاره شد که‌تصویب‌نامه‌ها وآئین‌نامه‌های‌دولت پس‌از تصویب‌هیأت‌وزیران به‌اطلاع رئیس جمهوربرسد، این‌یک حق‌طبیعی دولت‌است تصویب‌نامه برخلاف آنچیزی که گفته شد یعنی آن تصمیماتی که هیأت دولت به اتفاق آراء می‌گیرد و این اگر مغایر باقانون باشد به‌رئیس جمهور ارتباطی ندارد ولی میشود از نظرسیاست مملکتی‌این اختیار را به رئیس جمهور بدهیم که‌اگر یک تصمیمی هیأت دولت گرفت یایک‌آئین‌نامه‌ای وضع کرد رئیس جمهوربتواند وتوکند. آیا منظورتان این است که می‌خواهید حق وتوبه‌رئیس جمهور بدهید؟ صریحاً بفرمائید واما اگر میخواهید از نظر قانونی به‌آن رسیدگی بشودمرجع آن قوه‌قضائیه است.

نایب‌رئیس — بازهم معلوم شد که سخن آقای‌مراغه‌ای ناشی از کم‌توجهی‌به‌توضیحی

است که درباره اصل داده‌شد . گفته شد که‌وقتی ما قبلا گفتیم که رئیس جمهور مسئول امور اجرائی مملکت است ودر برابر ملت مسئول است حداقل‌مسئولیت این است که درزیر منطقه نفوذ اوچیزی برخلاف قانون صورت نگیردواین کمترین حقی است که یک‌رئیس قوه مجریه می‌تواند در مسائل مربوط به‌قوه مجریه وتصمیمات بالا که در هیأت دولت است داشته باشد. گمان نمی‌کنم مسأله ابهام داشته باشد . آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — اگر یک کلمه‌ای اضافه کنید رفع سوء تفاهم میشود وآن اینکه رئیس‌جمهور نکته مخالفت خودش را باقانون بیان کند .

نایب‌رئیس — یعنی میفرمائید بدون بیان میفرستند؟ آقای موسوی تبریزی بفرمائید. (موسوی تبریزی — من موافقم.) (منتظری — بنویسید باذکردلیل، مطلب روشن می‌شود.) عیبی ندارد پس این اصل برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل۱۰۶ (اصل یکصد وبیست و ششم) — تصویب‌نامه‌ها وآئین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیأت وزیران به‌اطلاع رئیس جمهور میرسد ودر صورتی که‌آنها را برخلاف‌قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به‌هیأت وزیران میفرستد .

نایب‌رئیس — نسبت به‌این اصل باورقه اخذ رأی میشود .

(اخذ رأی به‌عمل‌آورد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، عده حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت‌رأی، آراء موافق پنجاه وپنج‌رأی، آراء مخالف دورأی، آراء ممتنع سه‌رأی بنابراین اصل ۱۰۶ باپنجاه وپنج رأی‌موافق تصویب شد ، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

۶- طرح وتصویب اصل ۱۰۷ (اصل یکصد و سی وسوم)

نایب‌رئیس — اصل ۱۰۷ مطرح است که قرائت میشود .

اصل۱۰۷ — وزراء به‌پیشنهاد نخست‌وزیر وتصویب رئیس‌جمهور، معین وبرای‌گرفتن رأی اعتماد به‌مجلس معرفی میشوند . مسئولیت اداره‌امور کشور به‌عهده هیأت وزیران است .

تعداد وزیران وحدود صلاحیت هریک از آنان را قانون معین میکند .

نایب‌رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — چه عیبی دارد که دادگستری وزیر نداشته باشد خوب هیأت وزیران هم غالباً در کنار نخست‌وزیر گفته می‌شد پس اداره دادگستری برعهده چه کسی است ؟

نایب‌رئیس — یا وزیر دارد یا اگر ندارد از یک‌طریقی متصل میشود این‌موضوع را در جای خودش بحث می‌کنیم. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — دواصلی که به هم ارتباط ندارد اینها راکرده‌اند یک اصل ، این را مردم می‌خوانند وبه‌ما ایراد می‌گیرند مسئولیت اداره امور کشور به‌عهده هیأت وزیران است ، چه‌ربطی دارد به‌مسأله انتخاب وزراء ، این را دواصل بکنید دیگر بحثی ایجاد نمی‌کند.

نایب‌رئیس — ما از اینجا وارد یک بخش جدید شده‌ایم که‌بخش«ب» از قوه مجریه مربوط به‌هیأت وزیران است در حقیقت این اصل ، اصل اول از بخش «ب»هست ودر این‌اصل تعیین وزراء ومسئولیت آنها آمده است. آقای دکتر آیت نظری دارید؟(دکترآیت— مخالفم.)

آقای دکتر آیت به‌عنوان مخالف صحبت می کنند بفرمائید.

دکتر آیت — در مورد این اصل باوجود اینکه به‌علت رسوبات ذهنی که‌از دوهزار و پانصدسال نظام شاهنشاهی در ذهن ماسانده ورئیس‌جمهور را یک غول در نظرمان مجسم می کنیم واین چند روز هم می‌بینیم که‌چندنفری صدای « وا رئیس‌جمهورا» بلند کرده‌اند وجو برای تصویب این اصل آماده است معهذا من مخالفم برای اینکه نخست‌وزیر است که با وزراء کار می کند وبا وزراء جلسه تشکیل میدهد رئیس جمهور گاه‌گاه می‌تواند جلسه را درحضور خودش تشکیل بدهد و حتی حق رأی هم ندارد معهذا ما می‌گوئیم با تصویب رئیس جمهور نخست‌وزیر باید وزراء را تعیین بکند و حال اینکه نخست‌وزیر باید کسانی را تعیین بکند که با او هماهنگ باشند نه با رئیس جمهور و بخصوص که نخست‌وزیر درمورد وزراء و رأی اعتماد با مجلس سر و کار دارد و باز رأی تمایل ازمجلس می‌گیرد این‌است که وزراء را باید طوری انتخاب بکند که مجلس هم به‌اونظر موافق بدهد نه‌اینکه رئیس جمهور به‌اونظر موافق بدهد . من معتقد هستم که خود نخست وزیر بتواند رأساً وزرایش را انتخاب بکند و احتیاج به‌تصویب رئیس جمهور نداشته‌باشد.

نایب‌رئیس — آقای قرشی‌بفرمائید.(قرشی — عرض من مربوط به‌همان قسمتی بود که آقای مکارم گفتند.) آقای غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — میخواستم تذکر بدهم که‌اگرواقعاً خیال دارید و واقعاً آماده هست که آن اصل پیشنهادی شورای جمهوری که عبارت است از هفت شورا به‌علاوه رئیس مجلس، آن‌را مطرح بکنید، چون اگر این مسئولیت اداره کشور اینجا تصویب بشود یک مانعی است برای او چون ما اینها را مسئول اداره کشور نمی‌دانیم. اینها مسئول اجرائی هستند.بنابراین اگرمی‌خواهید آن را مورد بررسی قراربدهید این قسمت اخیر این اصل را مسکوت بگذارید و اگر چنانچه میفرمائید نه، که مسألهٔ دیگری است چون ما باید دستمان باز باشد.

نایب‌رئیس — انشاءالله درموقع خودش بحث می‌شود من به‌عنوان موافق صحبت می کنم که مسأله آقای آیت‌هم روشن بشود چون کسی دیگربه‌عنوان موافق اسم ننوشته است. ببینید فرض این‌است که همهٔ اصول بعدی را ما باید برمبنای اصول قبلی تنظیم بکنیم فرض این است که ما رئیس جمهور را به‌عنوان رئیس قوهٔ مجریه پذیرفته‌ایم و مسئولیتی برعهده‌اش گذاشته‌ایم وگفته‌ایم دربرابرملت مسئول است. اینهم که چون نخست‌وزیرمی‌خواهد باآنها کار بکند باید خودش همکارانش را معین‌بکند، عرض کنم وقتی نخست‌وزیربرای انتخاب همکارانش باید رأی بعدی دویست، سیصد نفر نماینده را رعایت بکند رعایت رأی یک‌نفر رئیس جمهور خیلی آسان‌تراست و درحقیقت همکاران نخست‌وزیر و خود نخست‌وزیر دراین قانون اساسی ازدوطریق مورد تأیید ملت قرارمی‌گیرند یکی از طریق مجلس‌شورای ملی ویکی ازطریق رئیس جمهورکه منتخب مستقیم ملت است. درحقیقت ما نباید بگوئیم تأیید رئیس جمهور، باید بگوئیم تأیید یک نفرنماینده‌ای از نماینده‌های ملت که آراء عام ملت را دارد یعنی از یک یک نمایندگان بیشتر رأی دارد بنابراین این نه‌تنها اشکالی نیست‌و نه‌تنها عزلی بوجود نمی‌آورد بلکه انسجام سیستم اداره کشور را که باتوجه به مسألهٔ اصل اساست که دراین سیستم هست یک سیستم جدید خواهد بود، بیشتر میکند و امیدواریم همه اینها واقعاً بتواند این مخروط اساست را تکمیل بکند. یک تذکری آقای‌عضدی میدهند که حدود صلاحیت کافی

نیست وبنویسیم حدود اختیارات و به‌نظرمی‌رسد که صحیح است.

ربانی املشی— آقا، رئیس‌جمهور که رئیس قوه مجریه هست هیچگونه مسئولیتی دراجرا ندارد؟ چون دراینجا می‌گوئید مسئولیت اداره کشور به‌عهده هیأت وزیران است.

نایب‌رئیس — منظور این‌است که این هیأت جمعاً این مسئولیت اورا برعهده می‌گیرند.

ربانی املشی — رئیس جمهور جزو هیأت وزیران‌است یا خارج از هیأت‌وزیران‌است؟

نایب‌رئیس — او مسئولیتش بدوش اینها می‌آید. آقای مرادزهی بفرمائید.

میرمرادزهی — این جمله «مسئولیت اداره امور کشور به‌عهده هیأت وزیران است» اضافی است باتوجه‌به‌اینکه درذیلش آمده است که «تعداد وزیران و حدود صلاحیت هریک از آنان را قانون معین می‌کند.» ادارهٔ امور کشورهمه‌اش به‌عهده قوه مجریه نیست امور کشور خیلی وسیع است، امورقضائیه هست، امورمربوط به‌ارتش هست، ما وقتی‌می‌گوئیم اداره امور کشور، شامل همه چیز میشود درحالی که اینها مسئولیتشان جداگانه مشخص است.

نایب‌رئیس — خوب با پیشنهادی‌هم که‌آقای مکارم‌دادندآن ذیل که میگوید «تعداد وزیران و حدود اختیارات» این خوب است که دراین اصل باشد اگر دوستان موافق باشیداین‌را برداریم روی این بحث بشود و به‌صورت یک اصل جداگانه‌ای بیاوریم. آقای طاهری بفرمائید.

طاهری‌اصفهانی — اگرمیخواهید بعد بحث کنید عیبی ندارد والا صلاحیت‌اینجاخوب‌است چون در مورد اختیارات مربوط میشود به‌رئیس قوه مجریه که‌اختیارات را معین میکند.

نایب‌رئیس — اگر میخواهید این اشکالات نباشد همانطور که صبح پیشنهادشداینطور بشود « مسئولیت اداره امور کشور در امور اجرائی به‌عهده هیأت‌وزیران است ».

طاهری اصفهانی — حدود صلاحیت باشد بهتر است .

تهرانی — تعداد وزیران متناسب بامتن اصل‌است چون در اول میگوید وزراءبه‌پیشنهاد نخست‌وزیر ودر ذیل هم‌میگوید تعدادشان این است .

نایب‌رئیس — پس بااجازه آقایان جمله وسط را برمیداریم بقیه برای رأی‌گیری خوانده میشود .

اصل ۱۰۷ (اصل یکصد و سی و سوم) — وزراء به‌پیشنهاد نخست‌وزیروتصویب رئیس جمهور معین وبرای گرفتن رأی اعتماد به‌مجلس معرفی میشوند . تعداد وزیران وحدوداختیارات هریک از آنان را قانون معین میکند .

(اخذ رأی به‌عمل‌آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه‌رأی‌گیری را اعلام میکنم، عده حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی‌پنجاه وهفت نفر، شماره کل آراء پنجاه وهفت رأی، آراء موافق پنجاه ودورأی، آرای مخالف یک‌رأی، آراء ممتنع چهار رأی ، بنابراین اصل ۱۰۷ باپنجاه ودورأی موافق تصویب شد، تکبیر(حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

۷- طرح وتصویب اصل ۱۰۸ (اصل یکصد و سی و چهارم)

نایب‌رئیس — اصل ۱۰۸ مطرح است که قرائت میشود .

اصل ۱۰۸ — ریاست هیأت وزیران بانخست‌وزیر است که‌برکاروزیران نظارت‌دارد وبا اتخاذ تدابیر لازم به‌هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت میپردازد وبا همکاری وزیران‌خطمشی

سیاسی دولت را تعیین واجرای قوانین را تأمین میکند . نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است .

نایب‌رئیس — آقای سبحانی نظری دارید؟

سبحانی — این کلمه «سیاسی» زائد نیست ؟ محدود میکند خط‌مشی را .

بنی‌صدر — « برنامه کاردولت » نوشته‌شود بهتراست .

نایب‌رئیس — « برنامه‌وخط‌مشی دولت را » بهتر است ، اگر دوستان با این اصلاح موافق هستند بفرمایند (نمایندگان موافقت کردند) آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — اینجا نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است‌نخست وزیر را رئیس جمهور تعیین میکند وحکم میدهد، چطور شد بااینکه رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه است وسایر مناصب را هم‌دارد نخست‌وزیر در برابر اومسئولیت نداشته باشد ؟

نایب‌رئیس — این‌سؤالی است که جوابش باید روشن باشد که وقتی رئیس جمهوراو را تعیین میکند ، یعنی وقتی دولت از دوطریق به‌ملت مربوط میشود یکی‌از طریق‌مجلس‌ویکی از طریق رئیس جمهور که طبیعت هم‌اقتضا میکند که در برابر رئیس جمهور هم‌مسئول باشد بخصوص که منتخب اوهم هست، این‌سؤال باید جواب گفته شود دوستانی که‌بعداًمیخواهند صحبت کنند به‌این‌سؤال جواب بدهند. آقای رشیدیان فرمایشی دارید بفرمائید.

رشیدیان — این اصطلاح یا جمله « خط‌مشی سیاسی دولت را تعیین میکند » اقتباس شده از کشورهائی که چندحزبی یا دوحزبی هستند وهر حزبی براساس مرامنامه یا وعده‌هائی که‌به‌مردم میدهد وقتی روی کار آمد خط‌مشی سیاسی کشور را مشخص میکند وباتوجه به چهارچوب قانون‌اساسی که‌ما داریم وقوانینی که‌باید منطبق باموازین اسلامی باشدتعیین خط مشی‌سیاسی دولت به‌عهده خود دولت نیست بلکه در بسیاری از مواقع‌طرحهائی را تحت‌عنوان لوایح تهیه میکنند وبه‌مجلس پیشنهاد میکنند، اگر پذیرفته شد به‌مرحله‌اجرا می‌گذارند واو فقط مجری به‌اصطلاح خط‌مشی تعیین شده‌ای است که مجلس وسایر مراجع قانونی دراختیارش میگذارند .

نایب‌رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — دو نحوه مسئولیت هست یکی‌مسئولیت جنبی ودیگری مسئولیت فردی‌درآن وزارتخانه خودش ، واینجا یک‌مسئولیتش تذکر داده شده است و اینجا نوشته نخست‌وزیر در برابر مجلس‌مسئول اقدامات هیأت وزیران است .

نایب‌رئیس — این کل هیأت وزیران که خودش هم جزوآنهاست مسئول کل‌است. آقای قرشی فرمایشی دارید ؟ در ضمن آقای فاتحی مطالعه بفرمائید که سؤالات بیجانکنید .

قرشی — به نظر می‌آید «و اجرای قوانین را تأمین میکند» عبارت خوبی نیست اینطور بنویسیم که « باهمکاری وزیران خط‌مشی سیاسی دولت را تعیین وقوانین را اجرا میکنند» .

فاتحی — اینجا برای من روشن نشد .

نایب‌رئیس — میرسیم به‌آنجا که‌برایتان روشن بشود ، آقای دکتر غفوری بفرمائید .

گلزاده غفوری — من فکر میکردم باز همه اینها برمیگردد به‌اینکه اگر ما نظام فکری شورائی را بپذیریم یکی از امیدهای مردم این مملکت این بود که منابع طبیعیشان مخصوصاً نفت وگازشان که‌تقریباً نوددرصد بودجهٔ مملکت را تأمین میکند این اختیارش‌به‌دست مردم

بیفتد ووزیر نفت منتخب مردم باشد نه یک عضو کابینه که اصلا سیاستش معلوم نیست . این است که فکر میکنم این مسأله « ریاست هیأت وزیران بانخست‌وزیر است» خلاصه این طرز تسلط هیأت اجرائی نباشد ومردمی باشد واگر چنانچه به‌آن شورا وبه‌شورای منابع طبیعی توجه بشود بهتر است ومن این‌مسأله را نگهمیدارم تا موقعی که‌مسأله شورا مطرح بشود وتغییرات لازم را بدهیم .

نایب‌رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید .

هاشمی‌نژاد — دومطلب دارم ، یکی‌اینکه تصور میکنم « وباهمکاری وزیران‌خط‌مشی سیاسی دولت را تعیین » این مقدار اصلا حذف بشود ، یعنی « ریاست هیأت وزیران با نخست‌وزیر است که برکار وزیران نظارت دارد وبا اتخاذ تدابیر لازم به‌هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت میپردازد واجرای قوانین را تأمین میکند » وهیچ مسأله‌ای هم دراین‌صورت پیش‌نمی‌آید . دوم‌اینکه تعیین خط‌مشی کلی کار قانون اساسی را مشخص کنیدمایک‌سیستم پارلمانی را پذیرفته‌ایم یا اصولا تا اینجا سیستم پارلمانی نه، ونظامی را بنام نظام شورائی می‌پذیریم ، چون مامعتقدیم درست آنچه که تا حالا عمل کرده‌ایم در رابطه باملت بود و نمایندگانی که انتخاب می‌شوند نمایندهٔ ملت هستند و نخست‌وزیر و وزراء هم‌همان نمایندگان هستند که به‌آنها رأی میدهند ، این که‌می‌فرمائید موکول به‌بعد کنیم این را باید مشخص بکنیم وگرنه آنچه که تا حالا تصویب کرده‌اید بگذارید کنار و برویم سریک‌سیستم جدیدی‌بنام نظام شورائی که در آن نه‌پارلمان ونه‌مسأله نخست‌وزیر به‌این صورت ونه‌رئیس جمهوربه‌این صورت وجود دارد ویک‌سیستم دیگری است .

نایب‌رئیس — اجازه بفرمائید قرار شد آقای دکتر غفوری طرحشان را تهیه و تکثیر کنند ودوستان مطالعه بکنند وببینند آیا یک نظام جدیدی است یایک مکمل براین نظام پارلمانی ، اصلا بنده خودم از نظام پارلمانی خوشم نمی‌آید یعنی صحیح نمی‌دانم بگوئیم‌نظام پارلمانی، ما نظام امامت داریم که اینها از شئونش هست ، اجازه بفرمائید بعد مشخص بشود.

فاتحی — اینجا روشن نشده که نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات‌هیأت‌وزیران است ، این کلی است آن‌چیزی که‌بعداً گفته‌شد وهریک از وزیران مسئول وظایف‌خاص خویش دربرابرمجلس‌است ولی‌دراموری که به‌تصویب هیأت وزیران‌میرسد مسئول اعمال دیگران است، اینجا اقدامات کلی است‌یعنی اقدامات شامل فردی وجمعی است .

نایب‌رئیس — بله‌متشکرم‌یک‌مسأله اینجاهست که‌قبلا بادست بایدنظرخواهی‌بکنیم و بعد اصل را به‌رأی بگذاریم . (حسینی‌هاشمی — سؤالی که فرمودید پاسخ داشت .) کدام سؤال ؟

حسینی‌هاشمی — سؤال‌فرمودید که‌چطور در برابر رئیس‌جمهور مسئول نباشد یک‌مسأله انسجام است ویک‌مسأله ادغام قدرتهاست ، برای اینکه انسجام پیدا بشود در نظام کشور طبیعتاً تعیین رئیس‌جمهور لازم است ولی اگر خواستیم مسأله‌مسئولیت را قرار بدهیم در برابر شخص رئیس‌جمهور طبیعتاً عزل را هم باید قرار بدهیم چون کسی که‌مسئول‌است‌دربرابر کسی، اختیار عزلش را هم دارد ، در اینصورت ادغام قدرتها میشودوازآن حالتی که‌بایدقدرت‌مجریه داشته باشد نسبت به‌قوه مقننه تغییر میکند.

نایب‌رئیس — متشکرم ، بنابراین من‌با توضیحی که‌آقای حسینی دادند مسأله اینکه

اضافه کنیم ...

عرب — همان‌طورکه در شوراها بحث شد مگر یکی از هیأت وزراء همین نخست‌وزیر نیست؟ در کلیه امور مملکتی باوزراء باید مشارکت داشته باشد نه‌نظارت.

نایب‌رئیس- آقای عرب‌اینکه نمی‌شود نخست‌وزیر برود در هروزارتخانه‌ای‌وبه‌جای‌آن وزیر کار بکند.

عرب — خیر از جمله کارهائی که‌وزراء دارند نخست‌وزیرهم دارد به‌اضافه ریاستی که دارد.

نایب‌رئیس — به‌هرحال به‌این میگویند نظارت، یاسباشرت است یانظارت. توجه‌بفرمائید، مسأله‌ای اینجا مطرح شد در رابطه بااین‌اصل که بادست نظرخواهی میکنیم وآن اینکه‌نخست وزیر در برابر مجلس مسئول است یا در برابر رئیس‌جمهور هم ، کسانی که‌موافقنداضافه کنیم اینکه در برابر رئیس جمهور هم مسئول است دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تصویب نشد.

هاشمی‌نژاد — این را اول توضیح بفرمائید بعد رأی بگیرید.

نایب‌رئیس — توضیح داده شد ، گفتم آیا نخست‌وزیر همانطورکه در برابر مجلس مسئول است آیا در برابر رئیس‌جمهور هم مسئول باشد؟ آقای حسینی گفتند معنای مسئولیت اینست که‌حق عزل یا حق عدم اعتماد را به‌اوبدهیم در حالی که‌در اصول بعد می‌بینید که نداده‌ایم گفته‌ایم که‌عزلش بامجلس است اینست که‌آقایان میتوانید رویش نظر بدهید که آیا در برابر رئیس‌جمهور هم مسئول است یانه .

هاشمی‌نژاد — رئیس هیأت مجریه است ودربرابرملت، رئیس‌جمهور مسئول‌است‌بنابراین اگر کاری در هیأت دولت واقع بشود بوسیله هیأت وزیران مسئولیتش با رئیس جمهور است.

نایب‌رئیس — صبح این‌نکته را گفتیم که او در حدود اختیاراتش در برابر ملت‌مسئول است، اجازه بفرمائید البته این‌قسمت رأی نیاورد، بنابراین اصل۱۰۸ را بااین اصلاحاتی که‌شد برای رأی‌گیری میخوانم :

اصل ۱۰۸ (اصل یکصد و سی‌وچهارم) — ریاست هیأت وزیران بانخست‌وزیر است که برکار وزیران نظارت دارد ویا اتخاذ تدابیرلازم به‌هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت‌میپردازد وباهمکاری وزیران برنامه وخطمشی دولت را تعیین وقوانین را اجرا میکند ، نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است .

(اخذ رأی به‌عمل‌آمد ونتیجه‌به‌شرح زیراعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه رأی را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه‌هنگام اخذ رأی پنجاه و نه‌نفر، تعداد کل پنجاه وهشت‌نفر، آراء موافق پنجاه ودورأی، آراء مخالف سه‌رأی،آراء ممتنع سه‌رأی ، بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

۸- طرح وتصویب اصل ۱۰۹(اصل یکصد و سی وپنجم)

نایب رئیس — اصل ۱۰۹ مطرح است که‌قرائت میشود.

اصل ۱۰۹ — نخست وزیرتازمانی که مورداعتمادمجلس است درسمت‌خودباقی میماند، استعفای دولت به‌رئیس جمهور تقدیم میشود وتاتعیین دولت جدید نخست‌وزیر به‌وظایف خود

ادامه میدهد .

نایب‌رئیس — آقای سبحانی نظری دارید ؟

سبحانی — از اینکه نخست‌وزیر استعفا میدهد واستعفایش هم اختیاری است معلوم میشود که نظام ، نظام وکالت است به‌اصطلاح وکیل است ووکیل مستعفی دیگرمعنی‌ندارد که اینکارها را ادامه‌بدهد علیهذا یک‌فکردیگری میشود کرد که‌معاونینشان اینکارها را انجام بدهند، مگر اینکه قید بشود استعفایش پذیرفته نمی‌شود تا اینکه... نکته‌دیگراینکه تا تعیین دولت جدید این‌نامحدود است یک‌حدی باید معین بشود ده‌روز، بیست‌روز، سی‌روز، این باید معین ومحدود بشود .

نایب‌رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — عرض کنم که « نخست‌وزیر تازمانی که‌مورد اعتماد مجلس‌است‌در سمت خود باقی میماند.» این عبارت چه‌فایده دارد؟

نایب‌رئیس— صبح تذکر داده شد که معنایش این است که رئیس جمهور نمی‌تواندو را عزل بکند یعنی تاوقتی مورد اعتماد مجلس است. (موسوی تبریزی — حق عزل ندادید که درمورد او اینطوری بکند.) این‌بیان دیگری است از اومنتها در رابطه بااینکه مجلس میتواند او را بردارد بارأی عدم اعتماد ، این در حقیقت‌بایک عبارت رابطه‌اش‌با رئیس جمهورومجلس مشخص شد وبی‌احترامی هم‌نکردیم . آقای مکارم فرمایشی دارید ؟

مکارم شیرازی — مثل اینکه این‌اصل دوسه عبارتش باید تغییر پیدا کند اگر منظور همین است که‌گفتید باید صریحاً نوشته شود که‌رئیس‌جمهورحق‌عزل نخست‌وزیر را نداردمادام که‌مورد اعتماد مجلس است.

نایب‌رئیس — صبح من این مطلب‌را عرض کردم جلسه‌مخالفت کرد.

مکارم شیرازی— انصافاً گنگ است وباید صریحاً نوشته شود ، عبارت دوم‌هم‌گنگ‌است، استعفایش را تقدیم به‌او میکند ، معنی‌اش چیست؟

نایب‌رئیس — آقای مکارم‌مشخص است، استعفا را باید به‌رئیس‌جمهور بدهد چون کسی که مسئول تعیین دولت بعدی هست رئیس جمهور است معنی‌اش اینست که‌یا رئیس جمهور سعی میکند او را متقاعد کند یادراین مدت به‌فکر انتخاب‌جانشین می‌افتد هردواتفاقاً خیلی موجه است . (مکارم شیرازی — عبارت گویای مطلب نیست.)گویای مطلب هست ولی دلیلش رانگفته.(مکارم‌شیرازی— «تقدیم‌میشود» را هم عوض کنیدچون‌یک‌جمله‌طاغوتی‌است.) کاملا درست است بجای «تقدیم میشود»، «تسلیم می‌شود» بهتر است موافقید؟ (نمایندگان— بله) پس بنویسیم « تسلیم میشود » تا بوی طاغوت برود هر چند بوی طاغوت با این چیزها نمی‌رود ، واینجا هم که طاغوت‌خانه است وبه‌این زودی بویش نمی‌رود. آقای بنی‌صدر نسبت به‌این اصل نظری‌دارید؟ (بنی‌صدر— مخالفم .) آقای هاشمی نژاد نظری دارید؟

هاشمی‌نژاد — من هم‌نظرم اینست که‌این‌قسمت اول گنگ است وباید توضیح داده‌شود.

نایب‌رئیس — آقای باریک‌بین نظری دارید؟

باریک بین — استعفای دولت ، صحبت اول در نخست وزیر بود بعد به استعفای دولت آمد، حالا نخست‌وزیر اگر با وزراء اختلاف داشته باشد خود نخست‌وزیر فقط استعفا بدهد...

نایب رئیس— استعفای یک وزیر استعفای دولت نیست و استعفای دو وزیر استعفای

دولت نیست ولی استعفای نخست‌وزیر استعفای دولت است چون باید کسی دیگر بیاید و وزراء جدیدی را انتخاب بکند.

باریک‌بین — سؤال دیگرم اینکه «تا تعیین دولت جدید نخست وزیر به وظایف خود ادامه میدهد» اگر آن نخست‌وزیر و آن دولت در اثر رأی عدم اعتماد برکنار شد و این دولتی که مورد اعتماد نیست چطور تا تعیین دولت جدید مشغول کار میشود؟

نایب رئیس— اینها فقط در حالت استعفاست وصبح هم مطرح شد، گفتیم در مورداستعفا تا تعیین دولت جدید نه در مورد عدم اعتماد، آقای فارسی بفرمائید.

فارسی— خواستم تذکر بدهم که در اصل تصریح بشود که رئیس جمهور حق عزل نخست‌وزیر را ندارد، در قانون نمی‌آید که چه کسی حق چه‌چیز را ندارد بلکه حق را تصریح میکند، آنجا که میگوید حق ندارد میخواهد حقی را برای کسی دیگر اثبات کند که اینجا مورد ندارد.

نایب‌رئیس — بسیار خوب بیان خوبی است. آقای حیدری بفرمائید.

حیدری—وقتی که نخست‌وزیرجدید تعیین‌میشود باید مدتش معلوم باشد که درچه مدتی ودراین مدت‌گذشته ازنخست‌وزیری سایر وزراء ووزارتخانه‌ها را چه کسی اداره می‌کند؟ پس این پیش‌نویس را که به‌نظر بهتر می‌رسد ، قرائت میکنم : « نخست وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس هست در سمت خود باقی میماند، استعفای دولت به رئیس جمهور داده میشود و تا تعیین دولت جدید معاونان پارلمانی نخست وزیر و هر یک از وزراء به‌جای آنان انجام وظیفه می‌نمایند. رئیس‌جمهور باید ظرف ده روز ازاستعفای‌دولت، نخست‌وزیر جدید را انتخاب واعلام نماید.»

نایب رئیس— البته در پیش‌نویس اینطور نبوده، این یک پیش‌نویس دیگری هست.

دکتر شیبانی— خواسته شامل وزرای دیگر نشود و فقط شامل نخست وزیر بشود.

نایب رئیس — درست است این نکته‌ای است که خواسته‌اند شامل وزراء نشود وزارتخانه‌ها را معاونین اداره بکنند. آقای حسینی هاشمی نظری دارید نسبت به این اصل؟ (حسینی هاشمی— موافقم) آقای طاهری اصفهانی نظری دارید؟

طاهری اصفهانی— خواستم عرض کنم که این عبارت «رئیس جمهور در برکنارکردن نخست‌وزیر حقی ندارد» خیلی قاطع است برای اینکه میگوید نخست‌وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس است در سمت خود باقی است، آقایان میگویند شما اضافه بکنید که «رئیس‌جمهور حق ندارد» چرا توهین باشد، لااقل توهین لفظی نباشد و توهین باطنی باشد.

نایب رئیس— آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — اشکال من این است که بنویسیم «رئیس جمهور موظف است استعفای او را بپذیرد و در اسرع وقت دولت جدید را تعیین کند».

نایب رئیس— نه موظف نیست و اسرع وقت معنی ندارد و به‌درد قانون هم نمی‌خورد. آقای موسوی اردبیلی فرمایشی دارید؟ (موسوی اردبیلی— موافقم.) آقای بنی‌صدر به عنوان مخالف بفرمائید.

بنی‌صدر— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ما در تصویب این قانون اساسی که تا اینجا آمدیم همه‌جا بر اساس موازنه عمل کردیم، موازنه قوا. یک وقت برای رهبری قرار بود اختیارات‌معین

کنیم آقای منتظری می‌فرمودند که ممکن است رئیس جمهوری الدنگ از آب درآید، حالا میخواهیم برای نخست وزیر اختیارات معین کنیم دوباره رئیس جمهور ممکن است قرم‌پف از آب در بیاید، به این ترتیب قانون اساسی تصویب کردن ما را مواجه می کند با تناقضاتی که علی‌الدوام باید با آن برخورد بکنیم بعضی‌هایش را حل شده و نشده ازکنارش رد بشویم، بعضی‌هایش هم می‌ماند، مثلا همین الان تصویب کردیم که نخست‌وزیر را رئیس جمهور معین میکند، وزرایش هم باید به تصویب او باشد، چرا باید به تصویب او باشد؟ یک رئیس جمهوری که کارش نشان دادن است و قرارداد امضاء کردن است میخواهد تصویب وزراء را چه کند، اگر نه، یک آدم مسئولی است که انتخاب شده برای انجام یک برنامه‌ای به او چه مربوط است که وزراء راتصویب بکند، اگر مربوطاست که تصویب بکند، چطورمیشود وقتی که هیأت دولت آن آدمی که به او مربوط است سلب اعتماد کرد باز آنها سرجایش بیایند. حالا اگر سر جایشان ماندند این آقا میگوید که من با این دولت موافق نیستم آنها هم میگویند که بیخود موافق نیستی، این چه نوع حکومتی است که ما پیدا خواهیم کرد؟ به نظر شما با وضعیتی که کشور ما دارد میشود در همچون اوضاعی کشور را اداره کرد؟ و آیا این مسأله مشکلات بوجود نمی‌آورد؟ بنابراین، این تناقض را باید حل بکنیم، یا رئیس جمهور کارش همان امور تشریفاتی است که در آن صورت اختیاج به انتخاب ملت ندارد، که ملت یک‌شخصی را انتخاب بکند و بگوید که شما بروید نشان بدهید و یا به استقبال سفیر بروید و قراردادها بعد ازطی مراحل قانونی را یک مهری پایش بگذارید، اگر خیلی هم احتیاج باشد مجلس همچون شخص را معین میکند. اگر نه رئیس جمهور واقعاً یک مقام مسئولی است که ملت معین میکند چطور میشود که به یک آدمی که منتخب دوم مردم است یعنی منتخب غیر مستقیم است، رئیس جمهور پیشنهاد میکند و مجلس رأی میدهد، به او می‌شود اختیار داد و به کسی که منتخب و مستقیم خود مردم است نمی‌شود داد از جهت اینکه قوت انتخابش هم از مجلس بیشتر است به دلیل اینکه مردم هر ناحیه‌ای به یک وکیل رأی میدهند و وکلا نمایندگان مناطق مختلف کشور هستند، این نمایندهٔ تمامی ملت است. (تهرانی— این‌چه ارتباطی به این اصل دارد؟) در اینجایش گذاشتید که میگوئید مراد ما این است که با احترامات فائقه خواستیم بگوئیم که رئیس جمهور حق ندارد عزل بکند، اینجور نوشتید منتها با احترامات نوشتید که... (تهرانی—تناقضش را بگوئید.) دارم تناقضش را میگویم ولی شما حوصله نمی کنید، تناقضش با اصل بالائی است برای اینکه نصبش با رئیس جمهور است، وزرایش هم باید با تصویب او باشد بنابراین، این حرف معنی دارد ، معنایش این است که قضیه تشریفاتی نیست و شرکت در مسئولیت است، ذیلا میگوئید که اگر این همکاری را نتوانست بکند حق ندارد، این چطور میشود که همکارمعین می کند و حق ندارد همکار را عوض بکند؟ و اینکه‌می‌گوئید بااحترامات فائقه خواستیم بگوئیم که حق عزل ندارد مگر احترامی از رئیس جمهور ساقط میشود که بگوئید حق ندارد ؟ قانون باید صریح باشد ، اگر بگوئیم حق نصب نداری آیا بی‌احترامی میشود ؟ حقوقش را معین می کنیم که این اختیار را داری و آن اختیار را نداری، منتها اگر بخواهیم این امور را از ریاست جمهور سلب بکنیم باید بگوئیم که این مقام یک مقام تشریفاتی است، بقیه اصول را هم بر طبق تشریفاتی بودن رئیس جمهور معین بکنیم. بنابراین آنجا هم که رأی دادیم باید منتخب مردم باشد تجدید نظر بکنیم، بگذاریم به‌پای مجلس و بقیه اصول هم که

بعد می‌آید مثل رفراندوم و غیره متناسب با تشریفاتی بودن این مقام معین بکنیم، اگر بنا، بر این است که او مسئول است پس این اصول باید متناسب با مسئولیت‌باشد و این اصلی که الان رأی دادید مخالفت آشکار دارد با مسئول دانستن رئیس جمهور.

نایب رئیس— آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. برادر عزیزمان آقای بنی‌صدر اشاره کردند به برادر ارشدمان جناب آقای منتظری و لذا من خطاب به ایشان میکنم اگر کس دیگری جز شما می‌گفت می‌گفتیم منطقش نفی سلطه و نفی تمرکز نیست. فرق بین اینکه تصمیم‌گیری بوسیله جمع باشد برای عزل دولت یا اینکه تصمیم یک فرد باشد ، اگر بناشد درآوردنش رئیس جمهور بتواند براحتی تأیید کند و فقط رأی اعتماد مجلس این مسأله را تثبیت کند ولی همیشه زنگ خطر نهائی که بالاتر از وقت آمدن است یعنی خوف از عزل شدن به دست یک نفر باشد نه‌تصمیم جمعی، شما این حق رابرای فقیه عادل که شرطش عدالت است وبه‌صرف اینکه از عدالت در احوال شخصیه خارج بشود بلافاصله کنار میرود و این حق را به اوندادید وگفتیم باید دیوانعالی قضائی تشخیص موضوع بدهد یا مجلس شورای ملی تشخیص موضوع بدهد آنوقت نسبت به رئیس جمهوری که این عدالت را درباره‌اش تصویب نمی‌کنیم و در عین حالی که خوشبین به آینده از هر جهت هستیم ولی خدای نخواسته در ۵۰ سال آینده رئیس جمهور فردی است که تماس دارد با سران خارج، با سران دول دیگر تماس دارد، خیلی راحت احتمال اینکه اگر عادل نباشد خیال توطئه برای اینکه دستش یک مقدار بازتر و قدرت را یک مقدار متمرکزتر به چنگ بیاورد برایش پیش بیاید. پس بنابراین اگر رئیس جمهور حق عزل را هم داشته باشد، فردی نه بصورت دسته جمعی در عین حالی که رأیش به اندازهٔ تمام وکلای مجلس باشد، افرادی که با او کار می‌کنند افراد کم شخصیتی هستند چون باید آدمهائی باشند که براحتی آبرویشان را در اختیار فرد غیر عادلی بگذارند از یک طرف ، از طرف دیگر آن افراد کم شخصیت حاضر به همکاری هستند با رئیس جمهور در ترتیب دادن طرحهائی که ملت را غافلگیر کند. اما مسأله اینکه چرا در مسأله آمدن روی کار وزیران گفتیم تصویب رئیس جمهور لازم است، برخلاف نظر بعضی از برادران عزیزی که این را می‌گفتند لازم نیست، انسجام حتماً در یک دولت لازم است، یک وقتی سخن از ادغام قدرت است و یک وقتی سخن از انسجام است، اگر بخواهیم بگوئیم که اصلا تأیید نکند رئیس قوه مجریه، ولو درست‌مشی‌اش برعلیه این باشد این طبیعتاً انسجام پیدا نمی‌شود ولی اگرگفتیم همین اندازه که انسجام باشد و تأیید باشد کافی است، آنوقت معلوم میشود که تأیید رئیس جمهور لازم هست ولی عزلش لازم نیست. اما سؤال می‌کنند که در برابر ملت مسئول است، مگر مجلس مأمور نظارت برکار دولت در داخل کشور نیست؟ مگر حق استیضاح دولت را ندارد؟ مگر دقت نمی‌کند بر وضع اجرای قوانین و مقرراتی که تصویب می‌کند؟ چگونه ما می‌توانیم ادغام کنیم قدرت را، قدرتی که قوهٔ مقننه دارد با قوهٔ مجریه؟ طبیعتاً با این اصل بهترین روش را عمل کردید هم انسجام را حفظ کردید هم تمرکز و سلطه و دیکتاتوری را به دست فردی که امضاء نمی‌کند که حتماً از شرایطش عدالت باشد ایجاد نکرده‌اید والسلام.

نایب رئیس— لطفاً دوستان جمله، جمله‌گوئی راادامه ندهند.اصل ۱۰۹ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۱۰۹ (اصل یکصد وسی و پنجم) — نخست‌وزیر تا زمانی که مورداعتماد مجلس است در سمت خود باقی می‌ماند. استعفای دولت به رئیس جمهور تسلیم میشود و تا تعیین دولت جدید نخست‌وزیر به وظایف خود ادامه میدهد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس— تعداد حاضرین در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه‌ونه نفر. تعداد کل آراء شصت رأی، (یک رأی اضافی به قید قرعه حذف شد) تعداد موافقین چهل‌و نه نفر، تعداد ممتنعین ده نفر، مخالف نداشت تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیرگفتند).

۹- طرح وتصویب اصل ۱۱۰ (اصل یکصد و چهل و دوم)

نایب رئیس— اصل ۱۱۰ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۱۰— دارائی رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط دیوانعالی کشور رسیدگی میشود که برخلاف مشروع افزایش نیافته باشد.

نایب رئیس— آقای کیاوش؟ (کیاوش— مخالفم.) آقای بشارت؟ (بشارت — موافق مشروط هستم.) آقای پرورش؟ (پرورش— موافقم.) آقای مهندس دانش‌راد؟ (دانش‌راد — اصولا من موافقم ولی راه عملی برای اجرایش وجود ندارد.) آقای عضدی؟ (عضدی— من موافقم ولی اجازه بفرمائید تذکری بدهم.) بفرمائید.

عضدی— این کار سبب میشود بعضی از وزراء سرمایه‌ای را ازکشور خارج بکنند برای همین لازم است اصلی که صبح در جلسه‌گروه‌ها مطرح بود تصویب بشود یعنی وزراء حق نداشته باشند درکشورهای خارج سرمایه‌گذاری بکنند.

نایب رئیس— دارائی که میگوئیم دارائی سابقشان هم رسیدگی میشود.

عرب— بررسی دارائی رئیس جمهور و نخست‌وزیر بعد از انتخاب شدن انجام میگیرد؟

نایب رئیس— بله بعد از انتخاب شدن بررسی میشود.

عرب— خوب، بعد از انتخاب شدن وقتی بررسی کردند و دیدند او ثروتمند است چه باید بکنند؟

نایب رئیس— آن یک بحث دیگری است.

مقدم مراغه‌ای— با توجه به اینکه شورای رهبری عالیترین مرجع است و اختیارات بیشتری دارد بنده خواستم شورای رهبری هم مشمول همین رسیدگی بشود.

نایب رئیس— یعنی به این‌صورت اصلاح کنیم که دارائی رهبر یا شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست‌وزیر... (اکثر نمایندگان— موافقیم، بسیار خوب است).

دکتر آیت— من با این اصل موافقم و چون رهبر و شورای رهبری هم اضافه شد و خوب هم هست این مطلب ذکربشود که دیوانعالی کشور رسیدگی میکند و دارائی‌آنها راقبل‌و بعداز انتخاب شدن اعلام می کند.

نایب‌رئیس— پیشنهاد جدیدی است، اجازه بفرمائید روی این پیشنهاد باید شور بشود.

طاهری‌اصفهانی — اصل خیلی خوب است ولی همانطورکه صبح هم اشاره کردم شما اینجا نوشته‌اید «همسر و فرزندان»، این آقا ممکن است فرزند منحصر بفرد پدرومادری باشد بعداً اموال زیادی به‌دست بیاورد وبه آنها منتقل کند یقین هم دارد بعد ازمرگ آنها، به‌دست

خودش می‌رسد بالنتیجه به‌این ترتیب نمی‌شود او را کنترل کرد .

نایب‌رئیس— پدر ومادر هم اضافه می‌شود، آقای دکترقائمی؟ (دکترقائمی— موافقم).

رحمانی— عرض می‌کنم که رسیدگی به‌دارائی فرزندان وهمسران بدون اتهام مجوز شرعی ندارد اگرچنانچه خواستید اینکار را بکنید رهبر وشورای رهبری وشورای جمهوری باید امضاء کنند .

دکترضیائی— یک اصلاحی به‌نظرم لازم می‌آید، این‌جمله «که برخلاف‌مشروع افزایش نیافته باشد» به‌نظر می‌رسد که درطول زندگیشان افزایش نیافته باشد در حالی که نظر این‌است که در زمان تصدی آنها دارائیشان اضافه نشده باشد .

نایب‌رئیس— وقتی قید شده قبل وبعد از خدمت رسیدگی می‌شود یعنی زمان تصدی مورد نظر است‌اگر دوستان موافق باشند به‌جای «برخلاف مشروع» بنویسیم «برخلاف‌حق» (اکثر نمایندگان اعلام موافقت کردند.) (فارسی— مجازات تخلف راهم تعیین کنید.) قانون معین می‌کند. آقای اشراقی بفرمائید. (اشراقی— رهبر را با این مطالب قاطی کردن از نظرمقام قداست او حزازت دارد.) این برای حفظ قداست او است . (مشکینی— فقط افزایشش برخلاف حق نباشد یا اصلش هم برخلاف حق نباشد؟) این پیش بینی بیشتر برای این منظور است که در دوران تصدی مرتکب خلافی نشود . آقای کیاوش به عنوان مخالف راجع به‌این اصل توضیح می‌فرمایند .

کیاوش— یارب‌المستضعفین ، ما اینجا جمع‌شده‌ایم قوانین الهی را پیاده بکنیم‌وبه‌مردم عرضه بکنیم پیاده کردن قوانین الهی یا به استناد آیات خدا است ویا به استناد طرز رفتاروزندگی وگفتار پیامبر ختمی‌مرتبت و ائمه معصومین علیهم‌السلام است یعنی قرآن به تنهائی بدون امام وبدون مفسر به قول آیت‌الله مشکینی ناشناخته می‌ماند وهدر می‌رود. شناختن زندگی پیامبر در زمان حیاتش از طرز زندگیش، از طرز رفتارش صبح وشام معلوم می‌شد ولی‌الان با مراجعه به تحریر وگفتارشان آیات خدا را می‌توانیم معنی بکنیم وبه صورت قوانین دربیاوریم. وقتی توجه می‌کنیم به‌زندگی پیامبر که «کان‌قوته‌الشعیر وقوده‌الصحف» که‌خوراکش نان‌جوین بود،وهیزم وآتش زنه‌اش برگ خرما، می‌فهمیم که معنی « لاتسرفوا ان‌الله‌لایحب‌المسرفین » یعنی چه و می‌توانیم براین مبنا اقتصاد اسلامی را پی‌ریزی بکنیم. به زندگی پیامبر که نگاه‌بکنیم‌می‌بینیم تیپش از تیپ پابرهنه‌ها است، هوادار محرومین ومظلومین که درطول تاریخ بار برده‌اند و در زیر بارهای‌گران خرد شده‌اند بناچار پیامبر توجه خاصی داشته درجهتی برای نجات این طبقه. فرازی از فرمان علی‌علیه‌السلام به مالک اشتر صبح در کمیسیون قرائت شد که نشان می‌داد چگونه باید جلو تجاوزات حکام وفرمانداران راگرفت. آیا کافی است که فقط دیوانعالی یا یک منبعی بعد از ارتکاب خلافی به او رسیدگی بکند ویانه؟ علی‌علیه‌السلام آن حاکم عادل در نهج‌البلاغه فرمان می‌دهد همانا برای خاصان ونزدیکان حاکم زمینه تجاوزوبی‌انصافی‌در معاملات فراوان است «ان‌الانسان‌لطیغی‌ان‌راه استغنی». پس از این‌جهت ریشه این تجاوزگریها را با قطع وسایل و اسباب تجاوز قطع کن، و اجازه نده که اطرافیان وآشنایان تو بر قطعه‌زمینی دست یازند وکمترین چیزی‌را به تملک خود درآورند و ازاین رهگذر به نصیبها وبهره‌هابرسند. درموقعی که این خوانده می‌شد بعضیها استناد کردند که نه ، «الناس‌مسلطون علی‌اموالهم» وغیره که به‌هیچ عنوانی با اینجا ارتباط نداشت ویا کسی دیگرگفت «لاتزر وازرة وزر اخری»

بازهم ارتباطی به اینجا نداشت ...

نایب‌رئیس— آقای کیاوش به عنوان مخالف با این اصل هنوز یک کلمه نفرموده‌اید ویک دقیقه هم بیشتر وقت ندارید .

کیاوش— می‌خواهم بگویم اگر بنا است این اصل یعنی با دیوان کشور رسیدگی بشود فایده‌ای ندارد مگر اینکه اصل جمهوری تصویب شود که رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزیران وهمسران و افراد تحت تکفل آنها نباید دربانکهای خارجی حساب داشته باشند ویادرخارج ایران ملکی خریده ویا در داخل ویا در خارج در سرمایه‌گذاریهای مهم شرکت کرده باشند و اگر قبلا هم چنین تصرفی داشته باشند ملکی خریده باشند باید قبل از تصدی پستهای‌مربوطه آن را به‌ایران برگردانند یا ازآن شرکتها دست‌بکشند. به‌این‌جهت من با این‌اصل‌اعلام‌مخالفت کردم، تا آن اصل جلوتر تصویب نشود و ریشه تجاوزگریها را خشک نکنیم ودست زمامداران را به نـان و مال مردم که در اثر همین تجاوزات پیش می‌آید نبندیم فایده‌ای ندارد که دیوانعالی کشور رسیدگی بکند. ببینید اموال رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر و وزیران قبلا چقدر بوده وبعداً چقدر شده است. چه‌بسا تا بخواهید رسیدگی بکنید مثل‌حالا، فرارکرده‌اند ورفته‌اند.

اشراقی— رسول‌الله وقتی به مدینه تشریف آوردند زمینها را تقسیم کردند وبه یک نفری گفتند این اسب را سوار شو و برو تا آنجا که می‌توانی این زمین مال تو... (نایب‌رئیس — این بحثهاجایش اینجا نیست.)

کیاوش— این کلام امام باقر علیه‌السلام چیست؟ «المال مال‌الله یعضه عندالرجل و دایع، وجوزلهم‌ان‌یاکلوا قصداً ویشربوا قصداً ویلبسوا (قصداً) ویرکبوا قصداًو ینکحوا قصداً ویعودوا بما سوی‌ذلک علی‌فقراءالمؤمنین ویلموا به شعثهم» .

کریمی— من آقای کیاوش را خیلی محترم می‌دانم اما عاطفه با فقه دوتا است ایشان‌از روی عواطف خودش صحبت می‌کند ایشان نمی‌فهمد ملاکات شرعی وفقهی حد دارد. این را توجه بکنید (همهمه چند نفر) .

نایب‌رئیس— آقای پرورش بفرمائید.

پرورش— سلام‌علیکم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین. به یک مسأله باید کاملاتوجه داشت وآن اینکه اصولا بین قدرت وغرور رابطهٔ دقیقی هست مخصوصاً که اگر قدرت، قدرت اقتصادی بشود به دنبالش خود آرائیها وخودخواهیها و غرورها برای خود فرد قدرتمند وآن مؤلفه‌های قدرت ایجاد می‌شود و این یک اصل اسلامی هم هست که‌ما می‌بینیم پیشوایان ورهبران مذهبی شدیداً عمال وکـارگزارانشان را به‌این نکته توجـه می‌دادند که ما حساب شمارا می‌خواهیم و در نهج‌البلاغه مخصوصاً امیرالمؤمنین بارها به عمالش می‌گفت که برای حسابرسی آماده باشید . برای اینکه توجه بکنیم بـه اهمیت این‌اصل ما می‌بینیم که در خود قرآن کریم در سورهٔ مبارکه احزاب آنجائی که قدرت به دست مسلمین مـی‌افتد و در قله هـرم قدرت شخص پیامبر قرارمی‌گیرد وقرآن می‌فرماید «واورثکم‌ارضهم و دیارهم واموالهم وارضاًلم تطؤها...» شما را وارث برزمین ها وسرزمین ها و اموالی کردیم و سرزمینهائی که اصلا در آن گام ننهاده‌بودید وبنابراین یک چنین قدرت عظیمی دردست مسلمین است که در رأس مخروط وقله هرم‌قدرت شخص پیامبر قرار داردوبیش ازهرکس‌احتمال دارد که‌شخص پیامبر و مؤلفه های قدرت ، از ایـن قدرت اقتصادی و اجتماعی سوء استفاده بکنند . از این جهت شخص رسول که

با توجه به آیات دیگر قرآن معصوم است و از خطا مبرا است و از نظر نظامنامه زندگی چنین سوءاستفاده‌ای را نخواهد داشت بنابراین بیش ازهرکس مؤلفه‌های‌این‌قدرت احتمال سوءاستفاده از قدرت را دارند یعنی زنان پیامبر قبل ازهرکس وفرزندان پیامبر وقبل از فرزندان زنان یعنی اولین مؤلفه‌های قدرت یک قدرتمدار قدرت سوءاستفاده ازاین قدرت عظیم اجتماعی و اقتصادی را دارند. ازاین‌جهت شما می‌بینید بلافاصله بعد ازاین آیه که «...واورثکم ارضهم‌و دیارهم و اموالهم وارضاًلم‌تطؤها...» وتوجه دادن به‌اهمیت این‌قدرت، قرآن کریم بلافاصله باسؤلفه قدرت سخن می‌گوید ومی‌فرماید: «یاایهاالنبی قل لازواجک‌ان کنتن‌تردن‌الحیوة الدنیاو زینتها فتعالین امتعکن واسرحکن سراحاًجمیلا». ای کسی که در رأس این‌هرم قدرتی، اگرمی‌خواهند درکنارتوکه هم‌اکنون برقله هرم قدرت‌تکیه‌زده‌ای و تمام نیروی‌مسلمین دراختیارتوقرارگرفته است زنان تو ارادهٔ بهره‌برداری و سوء استفاده و دنیاگرائی و خود آرائی درکنار این‌قدرت‌دارند الان به‌آنها بگوکه بیائید تا طلاقتان بدهم و راه خودتان را بگیرید وبروید. بنابراین‌بلافاصله مؤلفه قدرت را اینجا ازقدرت می‌برد ولی هرکدام ازشماهاخاضع هستید، فروتن هستید درمقابل خدا ورسول، وهدفتان قیامت است و ازاین‌قدرت نمی‌خواهید سوءاستفاده بکنید خداوند برایتان اجر زیادی قائل شده است وظاهرا اینکه قرآن به‌همین جا اکتفا نمی‌کند در این آیات می‌گوید «یاایهاالنبی قل‌لازواجک» ولی بلافاصله خطاب خود خدا به زنان پیامبر است: «یا نساءالنبی من یأت‌منکن بفاحشة‌مبینة‌یضاعف لهاالعذاب‌ضعفین و...» چرا شما درکنار این مؤلفه قدرت هستید؟ بنابراین با توجه به‌این اصل درقرآن وبا توجه به حسابرسیهائی که پیشوایان دین داشتند، امیرالمؤمنین ازابن‌ابی جاوید داشت، ازابن‌عباس داشت وحتی به‌یکی ازکارگزارانش می‌گوید که من شنیده‌ام که توسوءاستفاده کردی و اموالی که اختصاص به‌یتیمان ودردمندان ومستضعفین دارد به نفع خودت برداشته‌ای، آماده حسابرسی باش که اگرچنین است باشمشیری که یک سر تو را به دوزخ خواهد برد ، تو را به دوزخ خواهم فرستاد. بنابراین مسأله حسابرسی درکنار قدرت خیلی دقیق است و چون متأسفانه در نظامهای جاهلی و جاهلیت شاهنشاهی گذشته‌چنین سوء استفاده‌ها زیاد می‌شد از این جهت وجود چنین اصلی که هیچگونه به مؤلفه‌های قدرت درکنار قدرتمندانی همانند رهبر ویا همانند اعضای شورای رهبری و یا همانند رئیس جمهور ونخست وزیر به آنان مجال خود آرائی ودنیاگرائی ندهد وجود چنین‌اصلی بسیار ، بسیار ضروری است ازاین جهت دارائی رهبر یا اعضای شورای رهبری وهمچنین رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران وهمسر وفرزندان آنان قبل وبعد از خدمت توسط دیوانعالی کشور رسیدگی می‌شود .

نایب‌رئیس— انشاءالله اصول دیگری هم به عنوان متمم این‌اصل در آینده می‌آید که بتوانیم آن چیز را که خواسته اسلام است تأمین بکنیم .

پرورش— صبح درکمیسیون جناب خزعلی جمله‌ای را از حضرت علی‌علیه‌السلام در نهج‌البلاغه خطاب به مالک‌اشتر خواندند تقاضا می‌کنم خودشان اینجا تشریف بیاورند وآن‌را مجدداً اینجا هم قرائت بفرمایند .

نایب‌رئیس— آقای خزعلی بفرمائید .

خزعلی— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دوفراز از عهدنامه علی‌علیه‌السلام به مالک اشتر نقل می‌کنم یکی راجع به خاصان و صاحبان راز نسبت به حکام و والیان، دیگری راجع به خود

عمال است که صبح خوانده نشد. معیار این است در جاهائی که مظان خیانت وجور است مالک پیشگیری کن. «ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختباراً ولا تولهم محاباة واثرة فانهما جماع من شعب الجور والخیانة» تا نیازمائی ، مقام مده زیرا اینها مرکز جور و خیانتند برای پیشگیری جور و خیانت دستوری که من می‌دهم اعمال کن، از صاحبان بیوت صالحه و کسانی که قدمت در اسلام دارند با روح اسلام آشنا هستند «وتوخ منهم اهل التجربة والحیاء من اهل البیوتات الصالحة والقدم فی الاسلام المتقدمة فانهم اکرم اخلاقاً واصح اعراضاً واقل فی المطامع اشرافاً...» از نظر روانی باید پخته شده باشند، قواعد و دستورات اسلام را در جان خود یافته باشند و از دودمانی باشند شریف و شرافتهای اعتباری، شرافتهای انسانی، اخلاقی که در مهد اخلاق ودین رشد یافته‌اند باتمام اینها «ثم تفقد اعمالهم» به اعمالشان برس «وابعث العیون من اهل الصدق والوفاء علیهم» اینجا ما گفتیم دیوانعالی کشور باید رسیدگی کند که در رأسش فقیه والاباشد. علی علیه السلام می‌گوید «وابعث العیون من اهل الصدق والوفاء علیهم» جاسوسانی، خبرگزارانی از اصل صدق (یکنفر از نمایندگان— بازرس، نه جاسوس) بله بازرسانی ازاهل صدق و وفا، وارسی کننده‌ای راستگو که هیجان اورا برنینگیزد، سوابقی با کسی دارد راه ورسمی برایش بازنکند، فقط برای حق «فان تعاهدك فی السر لامورهم حدوة لهم علی استعمال الامانة والرفق بالرعیة» این وارسی تو در پنهان نسبت به امور آنان ترغیبشان میکند بر بکاربردن امانت ولطف به رعیت « وتحفظ من الاعوان» ازاعوانت بترس، خودداری کن یعنی مراقبشان باش «فان احد منهم بسط یده الی خیانة» اگر یکی دستش به عنوان «المذلة ووسمته بالخیانة وقلدته عار التهمة» اورا به پایگاه خواری نصب کن ونام خائن براو بنه وگردن بند تهمت برگردنش بیفکن تا برای همه وهمه جا به این مطلب شناخته شود. این مال خود عمال که ریشه جوروخیانت است اما خاصان ومحرمان راز درآنها است استبداد، استیثار در آنها است، تطاول وتجاوز ودر آنها است کم انصافی ریشه این شرور رابکن، دست اینهارا نگذار بازشود، اگر دست خیانت به مالی دراز شد که «اجتمعت بها علیه عندك اخبار عیونک» که اخبار بازرسان وگزارش آنان مطلب را تثبیت کرد « اکتفیت بذلک شاهدا» اینجا دیگر بینه نمی‌خواهد وقتی ثابت شد اینها چون افراد صادق واهل وفابودند همین کافی است «فبسطت علیه العقوبة فی بدنه» عقوبت را دربدنش فرو بریز یعنی کیفربده « واخذته بما اصاب من عمله» آنچه به دست آورده بگیر «ثم نصبته بمقام ثم ان للوالی خاصة وبطانة فیهم استئثار وتطاول وقلة انصاف فی معاملة فاحسم مادة اولئک» اسباب وریشه این استئثار ، استبداد ، تطاول به مال مردم وکم انصافی درمعامله رابکن « بقطع اسباب تلک الاصول ولاتقطعن لاحد من حاشیتک وحامتک قطیعة» خاصان حاشیه نشین و خویشان نزدیک راقطعه زمینی مده «ولا یطمعن منک فی اعتقاد عقدة تضر بمن یلیها من الناس» زمینی را هم که ممکن است با مردم شریک شود، مده «فی شرب اوعمل مشترك یحملون مؤونته علی غیرهم فیکون مهنأ ذلک لهم دونک وعیبه علیک فی الدنیا والاخرة» واگرشرکت کرد ازآب برای زمین بیشتر استفاده میکند، در لاروبی قنات مؤونه را تحمیل بر آنها میکند چون فرزند والی است چون از نزدیکان صاحب قدرت است نگذار چنین شود .سودگوارای این برای او است، توبهره‌ای نمی‌بری آنها از پایگاه قدرت تو سوءاستفاده کرده‌اند وعیب دنیا و آخرت برای توباز میشود از این قدرتت مگذار استفاده کنند. بنابر این، این برای جلوگیری از استبداد وتطاول وبی انصافی‌ها است که قدرت در خدمت مردم بایدباشد نه حاشیه نشینان از آن سوءاستفاده کنند وروی همین این اصل ارزنده اسلامی تأسیس شده ولذا گفتیم بارعایت حق، اما چون برادرعزیزمان اشاره‌ای

کرد به‌روایتی که‌از ابان بن‌تغلبه از امام صادق نه از امام باقر. راویش در اول قرن چهارم بود وابان‌بن‌تغلبه درقبل‌ازسال ۱۴۸ رحلت کرده است وبین راوی‌نزدیک‌به‌امام وآن‌راوی که‌آن روایت را برای‌مانقل میکند چندین‌راوی افتاده‌است وبه‌این‌روایت برای یک‌عمل‌مستحب هم نمی‌شود استناد کرد تا چه‌رسد برای‌مال، البته بحث داریم، فقه‌غنی شیعه‌است‌ولی میخواهم بگویم به‌روایاتی که‌مرسل است‌به‌سقوط‌چند واسطه که برای‌عمل‌مستحبی هم‌سند نمی‌شود، دراموری مهم‌اسلامی نباید استناد کرد معنی فقه این‌است ،هیچ‌فقیه، هیچکس، هیچ‌عامه‌بسر به‌اندازه یک‌درهم حاضر نیست حقی را پایمال‌بکند، کسی که‌پشتیبان متطاول وسرمایه‌داراباشد فقیه که هیچ، مسلمان هم‌نخواهد بود ولی‌نباید به‌روایتی که‌ضعیف است استناد بکنیم.(هاشمی‌نژاد— دلالت هم ندارد .) این درپانزدهم «بحار» آمده ازعیاشی در اول‌قرن چهارم‌عن‌ابان‌بن‌تغلب عن‌الصادق علیه‌السلام، امام صادق درسال ۱۴۸ رحلت کرده وابان‌قبل از ایشان از دنیارفته است از قرن چهارم به‌نیمه اول قرن دوم روات افتاده است روایت قابل استناد نیست.

نایب‌رئیس — اصل ۱۱۰ برای رأی‌گیری قرائت میشود .

اصل ۱۱۰ (اصل یکصد وچهل ودوم) — دارائی رهبر یااعضای‌شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست‌وزیر ، وزیران وهمسر وفرزندان آنان قبل وبعد از خدمت توسط‌دیوانعالی کشور رسیدگی میشود که‌برخلاف حق‌افزایش نیافته باشد.

نایب‌رئیس — لطفاً برای گرفتن‌آراء گلدانها را نزد دوستان ببرید.

(اخذ رأی به‌عمل آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

نایب‌رئیس — نتیجه‌اخذرأی رااعلام‌میکنم، عده حاضردرجلسه هنگام رأی‌گیری‌پنجاه‌و هشت نفر، تعداد کل‌آراءپنجاه وهشت رأی، آراء موافق‌پنجاه ویک رأی، آراءمخالف سه‌رأی ، آراء ممتنع چهار رأی ، اصل ۱۱۰ تصویب شد، تکبیر (حضارسه‌مرتبه‌تکبیر گفتند).

۱۰- پایان جلسه

نایب‌رئیس — طبق‌قرارفردا صبح ساعت هشت‌جلسه‌بررسی‌داریم‌وساعت ده ونیم‌جلسه علنی تشکیل‌میشود . این جلسه را ختم‌میکنیم.

(جلسه‌ساعت هجده وهشت دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس‌مجلس بررسی نهائی قانون‌اساسی — **دکتر سید محمد حسینی‌بهشتی**

جلسهٔ چهل و هشتم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت‌ده و نیم روز بیست و ششم مهرماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با بیست و ششم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی مبنی بر اظهارتأسف از چهلمین روز درگذشت مفسر کبیر قرآن و مجاهد نستوه مرحوم آیت‌الله‌سیدمحمود طالقانی .....
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۱۱ (اصل یکصد و سی و ششم). .....
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۱۲ (اصل یکصد و سی و هفتم). .....
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۳ (اصل یکصد و سی و هشتم). .....
٥ — طرح اصل ۱۱٤ .....
٦ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ قبل. .....
۷ — پایان جلسه. .....

۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی مبنی بر اظهارتأسف از چهلمین روز درگذشت مفسرکبیر قرآن و مجاهد نستوه مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. امروز مصادف است با چهلمین روز فقدان عالم بزرگ و مجاهد سخت‌کوش و نستوه و عضو پر ارزش مجلس خبرگان مرحوم آیت‌الله طالقانی طاب‌ثراه. مردم ما در این چند روز به این مناسبت در دانشگاهها و در مساجد، در مؤسسات دولتی و خصوصی در تهران و شهرستانها و در سطح کشور مراسم تجلیل و یادبود و قدردانی برپا داشتند و دوستان ما به دلیل احساس تعهد و مسئولیت و زودتر به پایان رساندن کار بررسی قانون اساسی کمتر توفیق پیدا کردند که در این جلسات شرکت کنند. ما امروز عصر کارمان را به این مناسبت تعطیل میکنیم تا دوستان بتوانند در مجالسی که امروز و امشب تشکیل میشود شرکت کنند و در آغاز این جلسه هم یاد این برادر بزرگ و عزیز را گرامی میداریم و ازهمه ملت ایران وازهمه دوستان مرحوم آیت‌الله طالقانی و بخصوص از نسل جوان تحصیل کرده و آگاه و مبارز می‌خواهیم در این لحظه حساس تاریخی به نقشه شومی که استعمار اروپائی و امریکائی و اسرائیلی‌برای جنگ اعصاب، جنگ روانی، مشکل‌تراشی، آتش‌افروزی وتوطئه درگوشه‌وکنارکشور طرح کرده واجرایش را آغازکرده‌اند این قشرها وهمهٔ قشرهای دیگر همچنان با هم، هم‌فکر و هم‌پیمان و همراه باشند و منتظر آن ننشینیم که حتماً یک وحدت شکل یافته و سازمان یافته به داد این پیوند ضروری انقلابی ما برسد. ما در طول انقلاب بدون اینکه تشکیلاتی‌داشته باشیم وحدت داشتیم، همرزمی داشتیم. وحدت تشکیلاتی طول میکشد، مراحلی را باید پشت‌سر بگذارد که ان‌شاءالله به وحدت تشکیلاتی هم خواهیم رسید و با اخلاص در نیت و با اخلاص در عمل و فائق آمدن بر هرگونه خودخواهی و خودمحوری وخودپرستی‌برهمهٔ مشکلاتی که تاکنون مانع شده است‌مایک‌نوع وحدت‌تشکیلاتی بزرگ داشته باشیم پیروز خواهیم شد ولی تا رسیدن به آن روز آیا راهی جز حفظ همان پیوند و همان وحدت که برگرد محور رهبری و شعارهای مشترک است، راهی دیگر داریم؟ هرگز نه. این رهنمود رهبر انقلاب و امام امت حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی و نیز عشق و آرمان مرحوم آیت‌الله طالقانی بود و همه علمای متعهد و مبارز هم یک چنین عشق و آرمانی داشته‌اند ودارند و مردم ما و روحانیت ما و گروههای مختلف ما بخوبی میتوانند این وحدت و یکپارچگی را حفظ کنند و انقلاب شکوهمندشان را از آسیب‌های گوناگون مصون نگه دارند و خداوند تا زمانی که در راه او هستیم یار ما است و از خداوند متعال برای همه‌مان و همه ملت ایران توفیق میخواهیم و برای مرحوم آیت‌الله طالقانی اجر فراوان ورحمت و مغفرت واسعه آرزومیکنیم و برای تکریم و احترام ایشان به مناسبت چهلمین روز درگذشت او خوب است بپاخیزیم و سوره

حمد و سوره توحید را تلاوت کنیم.

(در این هنگام کلیه حضار در مجلس در حال قیام به تلاوت سوره حمد و سوره توحید پرداختند.)

دکتر شیبانی — فردا هم به همین مناسبت در دانشگاه مراسم چهلمین روز ایشان برقرار است این است که بنده خواستم تذکر بدهم چنانچه دوستان مایل باشند به نمایندگی از طرف مجلس خبرگان میتوانند شرکت کنند.

نایب رئیس — بسیار خوب، بله فردا ساعت ده و نیم دوستان میتوانند در این مراسم شرکت کنند. خوب، دستور جلسه امروز اصل ۱۱۱ است.

کرمی — اگر عده ما امروز، همین است ممکن است در رأی‌گیری برای اصول به‌اشکال و تکلف برخورد کنیم.

نایب رئیس — ما دربارهٔ این اصل بحث کردیم و آقایان هم موافق بوده‌اند و اشکالی در این باره نمی‌بینم واگراحیاناً بعضی ازآقایان اشکالی داشتند انشاءالله درهفته‌آینده رفعش میکنیم.

۲ — طرح و تصویب اصل ۱۱۱ (اصل یکصد و سی و ششم)

نایب رئیس — آقای آیت لطفاً اصل ۱۱۱ را بخوانید.

اصل ۱۱۱ — هرگاه نخست‌وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای او برگزیند باید این عزل و نصب با تصویب رئیس‌جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، ولی هرگاه پس ازابراز اعتماد مجلس به‌دولت، نیمی از اعضای هیأت‌وزیران تغییر کند، دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

نایب رئیس — خوشبختانه دیروز مفصلا در جلسه گروهها درباره این اصل بحث کردیم و سعی میکنیم با وقت کمی که داریم زودتر به رأی بگذاریم.

تهرانی — البته، به شرط اینکه‌آقایان دیگرحرفی نزنند چون همه این راتصویب کرده‌اند و اطلاع کافی از آن دارند.

نایب رئیس — بله منظور ما هم همین است، آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — هرگاه در ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از وزیران تغییر کنند، دولت‌باید از مجلس مجدداً تقاضای رأی اعتماد بکند و این در صورتی است که یکباره نیمی از وزراء کنار رفته باشند و اما اگر یک یک کنار بروند و با کنار رفتن یک یا دو نفر از آنها و گرفتن رأی اعتماد و مجلس را موافق کردن، احتیاج به رأی مجدد نخواهد داشت.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید. (مکارم شیرازی — آقا این کلمهٔ «ولی» غلط است و از این جمله استدراکی نمی‌شود باید ...) اگر در حالت قبلی رأی اعتمادبه کلی ازدولت‌لازم نبود میگوئیم فرمایش درست است اما این فرق دارد و «ولی» میخورد. آقای حسینی بفرمائید. (مکارم شیرازی — این عبارت دراز را بردارید و عبارت کوتاهتری به‌جایش بگذارید عزل و نصب وزراء...) جمله میخورد آقا، آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی — در حالی که همهٔ وزیران در برابر مجلس شورای ملی هستند آنوقت عزل یک وزیر نالایق به امضای رئیس‌جمهور منوط شده است و اگر بخواهد برای تضعیف موقعیت نخست‌وزیر استفاده بکند عزل یک وزیر را امضاء کند و آنوقت در کار دولت یک

نارسائی پیش بیاید و منجر به استیضاحش بشود. این اصل یک چنین جای پائی را برای رئیس‌جمهور باقی می‌گذارد و بنابراین عزل لازم ندارد خصوصاً با تصویبی که دیروز شد.

نایب رئیس — نتیجه‌اش این میشود که یک وزیر لایقی را اگر نخست‌وزیر بخواهدعزل بکند و چون رئیس‌جمهور مسئول است و قوهٔ اجرائیه است بخواهد نگهش بدارد، آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — بنده هم میخواهم همان مطلبی را که آقای حسینی فرمودند عرض کنم که‌اگر نخست‌وزیر بخواهد اشخاص صالحی را انتخاب بکند و به اطلاع رئیس‌جمهور برساند این باز دیکتاتوری ایجاد میکند که تمام امور را به دست رئیس‌جمهور بسپاریم. این دیگرلزومی‌ندارد زیرا کسی که نخست‌وزیر را انتخاب کرده اختیار را هم به دست او داده است، بنابراین برای‌رفع این دیکتاتوری خوب است که هم عزل و هم نصب به اطلاع رئیس‌جمهور برسد.

نایب رئیس — ما این را قبلا رأی گرفتیم و تصویب شد. آقای منتظری.

منتظری — عرض بنده این است که قبلا گفتیم رئیس‌جمهور در نصب دخالت داردولی درعزل دخالتی ندارد و وقتی که ما گفتیم عزل هم باید به‌تصویب او برسد معنایش‌اینست که او را در این کار هم دخالت داده‌ایم چون در نصب دخالت داشت ولی درعزل‌دخالت‌نداشت.

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای تهرانی بفرمائید.

تهرانی — عرض بنده این است که حرفها زده شده و تکرارش باعث اتلاف وقت است.

نایب رئیس — بله، نظر ما هم همین است، آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنده مطالبی دارم که تصمیم دارم به عنوان مخالف صحبت کنم.

نایب رئیس — به عنوان مخالف؟ بفرمائید صحبت کنید.

مقدم مراغه‌ای — به نام خدا. البته اینکه بعضی آقایان فرمودند بنده گاهی می‌آیم و گاهی نمی‌آیم درست است ولی آنچه اهمیت دارد متن قانون اساسی است.

رشیدیان — اگر اهمیت دارد پس چرا جنابعالی صبح ها نمی‌آئید و ظهر می‌آئید،اهمیتش آن موقعی است که صبحها هم تشریف بیاورید.

یزدی — بله، اشکال کار در همین است که آقا صبحها تشریف نمی‌آورند که در جلسه مشترک شرکت کنند و نتیجتاً مطلب برای ایشان کاملا روشن نیست. (همهمه نمایندگان)

نایب رئیس — آقا اجازه بدهید، آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای— خود آقایان می‌فرمایند که میلیونها خرج میشود تا این نظرات بین‌مردم پخش بشود، فرض بفرمائید بنده هم یکی از افراد هستم مثل سایر مردم بنده میخواهم اینجا آگاه بشوم. عرض بنده این است که آن کادر مشخص بدون اینکه یک برنامه‌ای روشن را تنظیم بکنیم که ما از رئیس‌جمهور چه میخواهیم؟ از دولت و از قوهٔ مقننه چه‌میخواهیم؟ سیاست کلی را در نظر داشته باشیم. ما به جز یک اصولی را که مخصوصاً گاهی اوقات هم با عجله تصویب میکنیم باید آن مسأله اساسی و اصولی را درنظربگیریم. بنده به نکات و به جمله‌بندی و این چیزها کاری ندارم ما باید ببینیم آیا به اصل تفکیک قوا که خواه و ناخواه این هیأتی را که بنده می‌بینم یعنی این قوانین و اصولی که پشت سر هم تنظیم میشود ملهم از اصل تفکیک قوا است این اصل تفکیک قوا اینجا رعایت نشده است. شما یک دولت را می‌سازید، این دولت‌یک مسئولیتی دارد ودرکنارش هم یک قوهٔ مقننه وجود دارد وبعد میگوئید وزیر را

عزل کرد. اولا شما این اختیار را به رئیس دولت میدهید ولی به عقیدهٔ بنده نمی‌شود وزیر را عزل کرد، حالا قبول کردیم که عزل کرد، شما میگوئید این وزیر بعدی که می‌آید باید با تصویب مجلس باشد چرا؟ هیچ لزومی ندارد، اگر به‌نخست‌وزیر رأی اعتماد داده‌اندبعد هم میگوئید اگر نصف بیشترش عوض شد رأی اعتماد بگیرند آن درست است ولی شما رئیس دولت را در مقابل قوهٔ مقننه ضعیف میکنید الان ما نه با قوهٔ مقننه دوستی داریم و نه با قوهٔ مجریه دشمنی، پس فردا قوهٔ مجریه یعنی آن قوه‌ای که میخواهد این مملکت را اداره بکند، شما به نخست‌وزیر این اختیارات را میدهید، یعنی این محدودیت را برایش قائل میشوید که اگر بخواهد وزیری را انتخاب بکند باید با نظر مجلس باشد، این کارش پیشرفت نمیکند شما وقتی دولت یعنی قوهٔ مجریه را درمقابل قوهٔ مقننه ضعیف میکنید این معنایش این‌است بعداً اشکالاتی پیش بیاید که اثرش معلوم خواهد شد و هزارگونه گروکشی خواهند کرد. بنده نه تنها دراین باره عرض میکنم بلکه مقصودم این است که به یک یک این اصولی که تصویب میکنیدتوجه بفرمائید که فکر این را نکنید که دولتی که در آینده می‌آید همان دولت طاغوتی است که باید آنرا کاملا محدودش کرد، این‌یک دولتی است که می‌خواهید یک برنامه بزرگ وصحیحی را اجرا بکند و اگروقتی رئیس دولت خواست وزیری را عوض بکند احتیاجی نیست که برای آن وزیر خاص ازمجلس نظر بخواهد. به عقیدهٔ بنده عزل و عوض کردن وزیر باید با تصویب رئیس‌جمهور باشد مانعی ندارد ولی اگر برای عوض کردن وزیری بخواهند ازمجلس رأی‌اعتماد بگیرند این اختلاف انداختن‌بین قوهٔ مقننه و قوهٔ مجریه است و این دخول دو طرف در یکدیگر است که درآینده مشکلاتی برای مملکت ایجاد خواهد کرد.

نایب رئیس — یعنی عبارت را اینطور بنویسیم که «ولی در اموریکه به تصویب هیأت وزیران میرسد و وزراء مسئولیت مشترک دارند». (خامنه‌ای — همین، مشخص هم بنویسیم عیبی ندارد.) معنی ندارد باید بنویسیم وزراء مسئولیت مشترک دارند اگر دوستان موافقند بنویسیم. (عده‌ای از نمایندگان — موافقیم) آقای اکرمی بفرمائید. (اکرمی — قسمت اول را که توضیح دادند، اصلاح عبارتی لازم است.) یعنی «دربرابر مجلس» بیاید جلوتر؟ هریک از وزیران در برابر مجلس... به نظر میرسد اینهم خوب نیست و باید اینطور باشد «هر یک از وزیران نسبت به‌وظایف خاص خویش در برابر مجلس مسئول است.» این منسجم است. آقای مکارم بفرمائید. (مکارم— بنده موافق هستم.) من لیست سؤالات را بستم. آقای‌موسوی جزایری بفرمائید.

موسوی جزایری — منشأ این مسئولیت مشترک این است که هیأت وزیران مشترکاً تصویب کرده‌اند، در حالیکه مسئولیت به دنبال وظیفهٔ انجام است. یک وزیر خاصی موظف بوده است این کار را انجام بدهد و غلط انجام داده است.

نایب رئیس — به استناد تصویب‌نامه هیأت دولت... (موسوی جزایری — یک مرتبه آنطور است و یک‌مرتبه هم مطابق با تصویب‌نامه انجام داده است.) حالا عبارت هم که‌عوض شد. (موسوی جزایری — عبارت نمیگوید که تصویب غلط باشد، ممکن است تصویب درست بوده ولی انجامش غلط بوده است.) نه، اینرا نمی‌رساند. (رحمانی — عبارت غلط است.)

صافی — عبارت غلط است، ظاهر این است که علت مسئولیت تصویب هیأت وزیران است در حالیکه علت مسئولیت یا تصویب غلط باید باشد، یا تخلف از تصویب.

نایب رئیس — اگربخواهیم صریحترباشد باید بنویسیم «ولی درامور یکه به استناد تصویب هیأت وزیران انجام میشود، وزراء مسئولیت مشترک دارند».

دکتر قائمی — اصلا مفهوم عوض شد اصل نمی‌خواست اینرا بگوید. (نایب رئیس — چرا؟) ما می‌خواستیم بگوئیم تصویب‌نامه‌ای که در هیأت وزیران تصویب می‌شد، در آن مورد وزراء مسئولیت مشترک دارند، در اجرا که جای بحث نیست، هر وزیری یک مسئولیتی دارد.

نایب رئیس — اینکه ما میگوئیم مسئول یک تصویب‌نامه هستند یعنی چه؟ یعنی اگر کسی به استناد این تصویب‌نامه کاری کرد و بعد معلوم شد خلاف است، مسئولیت مشترک دارند یعنی عمل مسئولیت می‌آورد. حالا آقای آیت به عنوان مخالف و آقای مکارم به عنوان موافق صحبت می کنند و بعد رأی میگیریم.

دکتر آیت — من درجلسه کمیسیون مشترک هم با این اصل مخالفت کردم، درقسمت اول که «هریک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است.» مخالفتی نیست ولی درقسمت دوم ما دایره مسئولیت مشترك راخیلی محدود کردیم فقط «دراموریکه به‌تصویب هیأت وزیران میرسد» و این مفهوم مسئولیت مشترک در حقوق امروزی نیست، دامنه مسئولیت مشترک از این وسیعتر است و قانون اساسی سابق در مورد مسئولیت مشترک جامعتر است و من اصل مربوطه را بعداً میخوانم، برای اینکه اموری در مملکت میگذرد و احتیاجی هم نیست که به‌تصویب هیأت وزیران برسد ولی مسئول، همه وزراء هستند. آن دفعه هم مثال زدم در فلان وزارتخانه شکنجه میکنند، این مخصوص وزیر دادگستری است ولی وزیر راه هم که اطلاع دارد که دارند شکنجه میدهند، مسئول است. بعضی‌ها جواب دادند که همهٔ ملت مسئول هستند ولی این فرق میکند، یک دانشجو هم مسئول است ولی او چکار میتواند بکند؟ جز اعتراض، ولی وزیر میتواند استعفا بدهد یا در هیأت وزیران مطرح کند و هزارکار دیگر میتواند بکند. مثال دیگری میزنم، آقای هویدا نخست‌وزیربود، نخست‌وزیر غیرقانونی، این آقا می‌آید یک کسی را به وزارت راه منصوب میکند، خود این پذیرفتن وزارت مسئولیت دارد، چون غیرقانونی بوده است. به هر حال من معتقدم به این صورت که در قانون اساسی سابق بوده و کاملتر است نوشته بشود «وزراء علاوه براینکه به تنهائی مسئول مشاغل مختصه‌وزارت خود هستند، به هیأت اتفاق نیز درکلیات امور در مقابل مجلس مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند» . (یکی از نمایندگان خطاب به دکتر آیت — سند شرعی ندارد ، هم غیر شرعی است، هم غیرقانونی.) هم سند شرعی دارد هم قانونی.

کرمی — مخالف شرع و حقوق و همه چیز است.

نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. آنچه در این اصل نوشته شده هم با موازین منطقی میسازد و هم شرعی بلکه بعضی از دوستان قیودی هم به آن اضافه کردند برای اینکه جنبه شرعی و منطقی آن روشن‌تر بشود و خلاصه مطلب این است که اگر ما خودمان کاری انجام دادیم مسئولیم اگر دو تائی کاری را تصویب کردیم، دوتائی مسئولیم ، اما اگر بنده با دیگری نه کار مشترکی انجام دادم و نه‌آنرا تصویب کردم ، در مقابل کار او نه منطقاًمسئولم و نه شرعاً . اصل شرعی «لاتزر وازرة وزر اخری» یک اصل مسلم اسلامی است که هیچ کس

مسئول گناه و کار دیگری نیست و مسأله مورد بحث علاوه براینکه شرعی هست منطقی هم هست. وقتی میتوانند پای مرا به‌ماجرائی بکشند که من در آن ماجرا به نحوی شرکت داشته باشم یا در تصویبش یا در انجامش و یا در هر دو، اما وقتی به هیچ نحو شرکتی نداشته‌باشم معنی ندارد. ثانیاً در مورد این مسأله آنطوری که آقای آیت پیشنهاد میکنند که وزراء حتی در آن کارهائی هم که تصویب مشترکی نداشته و بلکه در حدود صلاحیت یک وزارتخانه معینی بوده و خودش به مسئولیت خودش انجام داده ، باید مسئولیت مشترک داشته باشند ، این احتیاج به یکی از دو چیز دارد یا یک‌علم غیب یاوجود یک‌سلسله مأمور در همهٔ‌وزارتخانه‌ها. این ازکجا بفهمد که در فلان وزارتخانه جزئیات کار چگونه است؟ یا باید علم غیب داشته باشد و یا در همهٔ وزارتخانه‌ها مأمور داشته باشد که همه کارهای آنها را به او گزارش بدهند تا بتواند اعتراض بکند. و اما اینکه فرمودند دراصل قانون اساسی پیشین بوده، اتفاقاً یکی از نقاط ضعف قوانین اساسی قبلی همین بوده که اینها آمدند یک مسئولیت بی‌دلیل را بر دوش کسی گذاشته‌اند. و اما اینکه ایشان قیاس کردند به اینکه اگر یک نخست‌وزیر غیرقانونی‌مثل هویدا از دیگری دعوت کرد نباید بپذیرد، این مربوط به این بحث نیست و قیاس مع‌الفارق است. (دکتر آیت — شکنجه را هم جواب بدهید.) آنرا هم عرض میکنم، در آن مورد اساس مسأله غلط است و نخست‌وزیر غیرقانونی است و نباید دعوت وزارت او را بپذیرد بحث ما در جائیست که نخست‌وزیر قانونی است، وزارت هم قانونی است ودعوت را هم پذیرفته است،پای تصویب‌نامه را هم امضاء نکرده‌است، چه‌بسا خبر هم نداردیاخبردارد، این‌چه‌مسئولیتی‌دارد؟ و اما اینکه فرمودند شکنجه‌هائی ممکن است در جاهای دیگر بشود، البته اگر شکنجه‌ای مثلا در یک تشکیلاتی یا وزارتخانه‌ای بشود، وزیر پست و تلگراف که با خبر شده باید اعتراض بکند، باید داد بزند، باید در هیأت وزیران مطرح بکند، اما این غیر از این است که او مسئول شکنجه‌هاست. این مبتنی‌بر سوازین امر به‌معروف ونهی‌ازمنکر است منتها این وزیر یک قدرت بیشتری دارد.

نایب رئیس — بفرمائید به عنوان وسیله‌ای برای نهی از منکر باید تهدید به استعفا هم بکند .

مکارم شیرازی — همین را میخواستم عرض کنم، از باب اینکه او در هیأت وزراء است قدرت بیشتری برای نهی از منکر دارد هم میتواند افشاگری بکند و هم میتواند در هیأت وزراء بهتر مطرح بکند و هم تهدید به استعفا بکند اگر نکرد، مسئول این است که نهی از منکرنکرده است نه مسئول اینکه شکنجه‌گر است و در محاکمه شکنجه‌گر او را هم بیاورند کنار شکنجه‌گر بنشانند و محاکمه‌اش کنند.

دکتر آیت — مسئولیت جزائی نیست، سیاسی است یعنی مجلس میتواند از اوسؤال کند.

نایب رئیس — بنده دو تذکر دارم یکی اینکه بطوریکه قبلا هم سؤال کردم که اگر دوستان مطلبی دارند بفرمایند و با توضیحاتی که بعضی از آقایان دادند مطلب روشن شد و تذکر دادند که کاملا دقت بشود که روی کیفیت صحیحی باشد. خوب این روشن شد که همانطور که دوستان قبلا تذکر دادند برادران آقای سراغه‌ای چون در جلسه بحث گروهها نبودند، حالا این مطلب را مطرح میکنند عیبی ندارد که مطالبشان را حالا بفرمایند و ملت هم بشنوند تا بعدهم توضیح داده بشود ولی‌اینکه‌ایشان فرمودند من هم یکی ازافراد ملت‌شماهستم

بایدازاین فرصت بزرگی که‌ملت به‌شما داده صبح دراول وقت درجلسه‌گروهها تشریف بیاورید و به تفصیل درجریان بحثها و صحبتها قرار بگیرید، چون حیف است که شما از این فرصت استفاده نکنید و بعد بخواهید مثل دیگران این بیانات برایتان تکرار بشود، آنهم طبعاً فشرده‌تر چون اینجا منظور ما از این برنامه هم همین بود که مطالب فشرده‌تر صحبت بشود.

مقدم مراغه‌ای — رئیس باید بی‌طرف باشد ، جنابعالی با این فرمایشاتتان جانبگیری کردید و بنده هم مجبور شدم متذکر شوم.

نایب رئیس — متشکرم ، البته رئیس باید بی‌طرف باشد یعنی طرف کسی را نگیرد تا عدالت را رعایت کرده باشد رئیس باید طرفدارعدل وحق باشد، ولی مصلحت ایجاب میکند که دوستان عزیز روزها اول وقت تشریف بیاورند تا در جریان بحثها قرار بگیرند و اظهارنظر بنمایند و چه بسا که ممکن است آنجا کمک کنند بنابراین من به اعتبار وظیفه مسئولیتم عرض کردم.

دکتر ضیائی — اگر آنطور باشد میشود وکیل یعنی وقتی که آقای مراغه‌ای و یا آقای فلان بنده را وکیل کردند میشود مثل خودشان.

نایب‌رئیس — بله، حالا یک مخالف صحبت کرده و یک موافق هم میتواندصحبت‌بکند، آقای تهرانی بفرمائید. (تهرانی — بنده اسم نوشته بودم که به عنوان موافق صحبت کنم.)بلی نوبت شما محفوظ است بفرمائید.

تهرانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. با حذف مقدمات بنده میخواهم خدمت آقایان عرض کنم که در هیچیک از اصول گذشته عنوان تفکیک قوا نداشتیم حتی به نظر بنده اسلامی‌نیست البته قوا ربط لازم دارد و بایدهماهنگ باشد، با هم ارتباط داشته باشند، اما اینکه تفکیک بشوند این‌موضوع نیست. همه ما درحکم واحدیم، ما همه«المسلمون ید واحد» همه‌ما «کلکم راع وکلکم‌مسئول عن‌رعیته» این تفکیک قوا از غرب آمده است و به نظر ما صحیح نیست بنده میخواهم به‌عنوان موافق به‌اشکال ایشان جواب بدهم. اشکال آقا تنها در این‌بود که‌همه این اصل را قبول داشتند و تنها دراین مسأله بود که وقتی یک وزیری نصب میشود دیگرلازم نیست مجلس شورای ملی درباره این وزیر رأی اعتماد بدهد و استدلالشان هم به تفکیک قوا بود. اولا ما تفکیک قوا را قبول نداریم و ثانیاً چرا شما میگوئید باید ازاول رأی اعتماد را از مجلس بگیرد؟ خیر، رئیس‌جمهور ونخست‌وزیر، وزراء را تعیین می کنند و ازاول هم لازم‌نیست که رأی اعتماد از وکلای ملت بگیرند و در ابتدا هم که میگوئیم هیأت دولت وقتی تعیین شد وکلای مجلس هم باید رأی اعتماد بدهند باز منجر به این میشود که اینها بتوانند با هم همکاری کنند یعنی‌وکلای‌مجلس اینهارا بشناسند واینها وکلای مجلس را بشناسند وخودشان را مسئول بدانند و اگر احتیاج به رأی اعتماد از مجلس نباشدآنوقت وزراء هم خودشان را در مقابل مجلس مسئول‌نمی‌دانند و مجلس نمیتواند آنان را استیضاح بکند. همان حرفی که دراول هست در بقاء هم هست، چون انتصاب وزیر را هم باز باید مجلس به‌آن رأی اعتماد بدهد و و تصویب بکند چون مجلس درآینده باید استیضاح کند و درآینده خودش را در مقابل مجلس مسئول بداند، پس برفرض که تفکیک قوا هم بگوئیم برفرض‌از جهت اینکه اینها با هم کلاف بشوند، هماهنگ بشوند و با هم ارتباط داشته باشند و مجلس استیضاح بکند و این خودش را در برابر مجلس مسئول بداند برای یک وزیر هم رأی اعتماد لازم است، والسلام.

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای طاهری بفرمائید.

طاهری اصفهانی — بنده یک اشکالی دارم و آن اینست که عزل یک وزیر از طرف نخست‌وزیر آیا این به تصویب رئیس‌جمهور نیاز دارد یا نه؟

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای تهرانی سؤال ایشان را پاسخ بفرمائید.

تهرانی — اشکالی را که ایشان فرمودند این است که اینها با هم همکارند و چون همکار یکدیگر هستند ممکن است نظر رئیس‌جمهور این باشد که این وزیر خوب میتواند کار بکند و قهراً با یکدیگر همفکری و مشاوره میکنند و اگر دیدند که لازم است باقی باشد که نگهش میدارند والاعزلش میکنند. (همهمه نمایندگان)

نایب رئیس — آقا اجازه بدهید موافق و مخالف صحبت کردند و نظر بنده این است که این را به رأی بگذاریم. ما به همین کیفیتی که هست این را به رأی می‌گذاریم اصل ۱۱۱ را میخوانم و به همین مناسبت لیست را بستم که دیگر دوستان برای صحبت کردن نوبت نگیرند.

منتظری — شما به تضاد قائل نیستید آقای بهشتی؟ ما جلوتر گفته‌ایم رئیس‌جمهور در عزل وزراء دخالتی ندارد، در صورتیکه عزل وزراء هم باید به تصویب او برسد.

نایب رئیس — من دوست ندارم خارج از رویه صحبتی بشود ولی چون آقای منتظری یک سؤالی را خطاب به من فرمودند، من هم خیلی کوتاه پاسخ میدهم. ما جلوتر گفتیم که عزل دولت مستقیماً به دست رئیس‌جمهور نیست ولی وقتی دولتی که رئیس‌جمهور قبلا سر کار آورده هنوز سر کاراست وحالا میخواهد یکی از عوامل اجراء را عوض بکند، میگوئیم چون این به اعتبار اعتماد قبلی رئیس‌جمهور و به اعتبار اعتمادقبلی مجلس سر کار است، حالا که میخواهد یک مهرهٔ اصلی را عوض بکند، باید این دو اعتماد را جلب بکند یعنی هم اعتمادرئیس‌جمهور را و هم اعتماد مجلس را، حالا اگر این بخواهد در عزلش آزاد باشد نتیجه این میشود که رئیس‌جمهور بایداز دست رفتن یک مهرهٔ مفید را تحمل بکند و وقتی کس دیگری جایش آمد، بگویدچاره‌ای ندارم، حالادیگر قبول میکنم، این بود که به نظرما رسید این‌طورتنظیم شود بهتر است. (منتظری — این تضاد ندارد؟) خیر آن در مورد عزل کل دولت است. (منتظری — کل با یکی هیچ فرقی نمیکند.) (طاهری‌اصفهانی — ازمجلس برای‌عزل رأی نمی‌گیرد؟) مجلس که رأی‌اعتمادمیخواهد بدهد. (طاهری اصفهانی — برای عزل عرض میکنم.) آن خیلی فرق دارد من توضیح میدهم، رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوهٔ مجریه باید در این کار دخالت کند، بنابراین پیوند رئیس جمهور با دولت مطرح است و گفتیم که مسئولیت همه کارهای اجرائی کشور برعهدهٔ رئیس‌جمهور است و او در برابر ملت مسئول است بنابراین، این ویژگی که برای رئیس جمهور قائل شدیم به‌اعتبار این بخش است. حالا اصل ۱۱۱ را به رأی میگذاریم.

اصل ۱۱۱ (اصل یکصد و سی و ششم) — هرگاه نخست‌وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای او برگزیند باید این عزل و نصب با تصویب رئیس‌جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، ولی هرگاه پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از اعضاء هیأت وزیران تغییر کند، دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد

کل آراء پنجاه و هفت رأی، آراء موافق چهل و هشت رأی، آراء مخالف یک رأی، آراءممتنع هشت رأی، بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

کرمی — کلیه اصول باقی باید به نحو اعجاز تصویب شود. آقایان میروند بیرون ورأی کم میشود.

نایب رئیس — تشریف آوردند، شما نمی‌خواهید مجلس ما اعجاز کند؟

۳ — طرح و تصویب اصل ۱۱۲ (اصل یکصد و سی و هفتم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۲ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۱۲ — هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت وزیران میرسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.

عده‌ای از نمایندگان — صحبت ندارد، صحبتها قبلا شده است.

دکتر آیت — چرا صحبت دارد من خودم صحبت میکنم.

نایب رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — دولت در مقابل مجلس مسئول است، رئیس جمهور هم درمقابل ملت‌مسئول است، یک‌چیز سومی هم لازم است یعنی اگر رئیس‌جمهور اشتباهی دید، درمقابل رئیس‌جمهور مسئول کیست ؟

نایب رئیس — این چه ربطی به این مسأله دارد؟ (سبحانی — ناقص است، یعنی دولت نه تنها در مقابل مجلس مسئول است ، در مقابل رئیس جمهور هم مسئول است.) پس شما میگوئید دولت دربرابر رئیس جمهورمسئول است این یک اصل دیگری لازم دارد. (سبحانی— یک کلمه اضافه کنید.) این مسأله با یک کلمه حل نمی‌شود مطلب مهمی‌است. آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — بنده عرض میکنم که هر یک از وزیران در برابر مجلس و نخست‌وزیر مسئول هستند، مطلب دیگر راجع به‌ذیل اصل است، تصویب وزراء بطور مشترک، درصورتیکه عمل اختصاص به یکی از وزراء دارد، نباید موجب مسئولیت دیگران در قبال مجلس باشد.

نایب‌رئیس — منظوراین اصل هم همین است. آقای دکتر آیت بفرمائید. (دکتر آیت— من مخالفم.) آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — اینجا نوشته است مسئول اعمال دیگران هم هست و نباید مسئول باشد.

نایب رئیس — توجه بفرمائید که در صدر ماده گفته است اگر وظیفه اختصاصی است مسئول وظیفه خودش است، اگر مربوط به تصویب هیأت دولت است چون در هیأت دولت‌است پس مسئولیت مشترک است. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — هر یک از وزیران در برابر مجلس مسئول است و در آخر اصل هم آمده که دراموری که به تصویب هیأت وزیران میرسد مسئول اعمال دیگران نیز هستند، این«دیگران» باید بشود «یکدیگر».

نایب رئیس — زیاد مهم نیست و قرار شد که چنین اصلاحاتی به آخر کار موکول‌شود. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای— به‌جای همین کلمه «دیگران» برای اینکه مسئولیت مشترک را هم منظور

کرده باشیم، بهتر است بنویسیم «... به تصویب هیأت وزیران میرسد ، مسئولیت مشترک دارند».

نایب رئیس — اصل ۱۱۲ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۱۱۲ (اصل یکصد و سی و هفتم) — هر یک از وزیران نسبت به وظایف خاص خویش در برابر مجلس مسئول است، ولی در اموری که به استناد تصویب هیأت وزیران انجام شود وزراء مسئولیت مشترک دارند .

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه وشش رأی، آراء موافق چهل‌ونه رأی، آراء مخالف دورأی، آراء ممتنع پنج رأی، بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۳ (اصل یکصد و سی و هشتم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۳ قرائت میشود.

اصل ۱۱۳ — علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین میشود، هیأت‌وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد، ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف‌خویش و مصوبات هیأت‌وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد.

تهرانی — بحثی ندارد چون یک کار تخصصی است.

نایب رئیس — آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — همانطور که نسبت به مسئولیت اگر کاری مربوط به یک وزیر بود مسئولیت هم مربوط به‌همان کار میشد و اگر مسئولیت مربوط به همهٔ شان میشد آئین‌نامه‌هائی که مربوط به اجرای قوانین میشود گاهی قانونی است مربوط به یک وزارتخانه مثلا وزیر کشور برای‌اجرای انتخابات یک آئین‌نامه‌ای تنظیم میکند و آئین‌نامه‌هائی که مربوط به اجرای قوانین راجع به‌همه وزارتخانه‌ها است یعنی مربوط به هرکدام که باشد با هم تفاوت میکند، بنابراین یا باید کلمه هیأت از سطر اول برداشته شود یا در سطر دوم عبارت تغییر کند یعنی این دو تا با هم کاملا مخلوط شده.

نایب رئیس — اگر دوستان دیگری که اسم نوشته‌اند توضیح ندارند بنده خدمتتان‌توضیح میدهم. آقای منتظری بفرمائید

منتظری— من با این کلمه «روح قوانین» مخالفم ازباب اینکه یادم هست که لوایح ششگانه‌را که آورده بودند هم محمدرضا پهلوی وهم سایر ایادیش میگفتند با روح قوانین‌اساسی تطبیق میکند و با روح اسلام تطبیق میکند . چون این کلمه «با روح» خیلی کشدار است بعداً سوءاستفاده زیاد از آن میشود.

نایب رئیس — عکسش هست در اینجا میگوید «نه با متن و نه با روحش مخالف نباشد». (مکارم شیرازی — فقط بنویسید «باروح قانون».) آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — بنده عرض میکنم عبارت «ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید » بیاید در آخر

یعنی بعد از «هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات» بنویسیم «و در هرحال این مقررات هیچگاه نباید» که همه را بگیرد.

نایب رئیس — پیشنهادی دارید بنویسید. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — آئین‌نامه اجرائی دو مرتبه در این اصل تکرار شده‌است و هر دو یک مطلب را میرساند فقط تکرار شده است.

نایب رئیس — یک مطلب است ولی با دو حکم، حکم اول این است که یک وقت قوانین می‌آیند و به دولت مأموریت می‌دهند که یک کاری بکند، دوم اینکه علاوه براین، خود دولت هم برای اجرای قوانین میتواند آئین‌نامه وضع کند. آقای رشیدیان بفرمائید. (رشیدیان— بنده مطلبی ندارم.) آقای قرشی بفرمائید.

قرشی— فرق این دوتا کاملا معلوم نیست، ممکن است دربارهٔ این مطلب یک قدری توضیح بدهید.

نایب رئیس — گاهی اوقات در متن یک قانونی یک ماده‌ای هست که در آن ماده‌ذکر شده است که آئین‌نامه اجرائی این قانون را باید هیأت‌وزیران تصویب کند یعنی در خود قانون این مأموریت را به دولت میدهند این یک‌جور است. یک وقت هم یک قانونی تصویب شده و هیأت دولت می‌بینند که برای اجرای این قانون لازم است که یک بخشنامه و یا آئین‌نامه‌ای تهیه بکنند. (قرشی — این کاملا رسا است نسبت به این مطلب؟) بلی برای کسانی که به اصطلاح قوانین وارد باشند کاملا رسا است. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — در اینجا که نوشته شده «علاوه‌بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین...» چه کسی آنها را مأمور میکند؟

نایب رئیس — این روشن است که مجلس هیأت وزیران را مأمور میکند اما آنچه که آقای یزدی گفتند من توضیح میدهم و رأی‌گیری میکنیم. ببینید آقای‌یزدی آئین‌نامه‌های‌اجرائی یک وزارتخانه را حتی گاهی خود قانون می‌نویسد والان هم عمل میشود به‌این ترتیب که در متن قانون می‌نویسند آئین‌نامهٔ انتخابات را باید هیأت دولت تصویب کند چون مسأله مهم‌است برای‌اینکه همه چیز و همهٔ بارها به دوش مجلس نباشد، مجلس یک مقداری از کارها را گاهی به عهدهٔ کمیسیون می‌گذارد و گاهی به عهدهٔ هیأت دولت‌می‌گذاردبنابراین، این‌طور نیست که اگر آئین‌نامه‌ای مربوط به یک وزارتخانه‌ای بود بگوئیم به هیأت دولت چه مربوط است.

یزدی — نمی‌گوئیم به هیأت دولت چه مربوط است، میگوئیم آنچه که مجلس تصویب کرد چون قانونی است که این وزارتخانه مأمور پیاده کردن آنست و در نحوه پیاده کردن آن آئین‌نامه را تهیه میکند. (نایب‌رئیس— عجب) پس آئین‌نامه‌ای که تهیه میشود برای قانونی که مربوط به‌یک وزارتخانه است و آئین‌نامه‌ای که تهیه میشود و مربوط به سطح مملکت است و مربوط به هیأت وزراء است با هم فرق میکند.

نایب رئیس — جنابعالی به عرض من توجه نکردید گفتم آئین‌نامهٔ انتخابات مربوط به وظایف وزارت کشور است و مربوط به وزارتخانه‌های دیگر نیست ولی در عین‌حال در متن قانون می‌نویسند آئین‌نامهٔ انتخابات را باید وزارت کشور تهیه کند و به تصویب هیأت وزیران برساند، به خاطر اهمیتی که دارد. بنابراین چنین نیست که وقتی آئین‌نامه‌ای مربوط به‌یکی از وزارتخانه‌ها است‌بگوئید چه‌ارتباطی به هیأت دولت‌دارد. مثل این‌است که‌بگوئیم‌چه‌ارتباطی

به‌مجلس دارد. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — همانطورکه دیروز گفتم آئین‌نامه در اصطلاح حقوقی دو جور است آئین‌نامهٔ ساهوی و آئین‌نامهٔ اجرائی، و به‌هیچ‌صورتی هیأت دولت حق تدوین آئین‌نامه ساهوی ندارد. (نایب رئیس — اینکه در اینجا قید شده است.) در قسمت اخیر گفتار شما اینطوراستنباط میشد که حق تصویب آئین‌نامه ساهوی هم دارد. بنابراین باید تصریح شود آئین‌نامه اجرائی.

نایب رئیس — حالا هم آئین‌نامه اجرائی هست و آئین‌نامه ساهوی نیست. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — نوشته شد و علاوه بر مواردی که در قانون به هیأت وزیران حق تنظیم آئین‌نامه داده شده است. (نایب رئیس — معلوم است.) روشن نیست.

خامنه‌ای — برای اینکه آئین‌نامه و تصویب‌نامه معنای عام دارد یک چیزی هم اضافه بکنند که هر وزیری که تصویب میکند مخصوص آن وزارتخانه باشد نه اینکه در سطح کشور بخواهند اعمال کنند.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید، غیر از اینکه عبارت «ولی مفاد این مقررات هیچگاه‌نباید با قوانین مخالف باشد.» خوب است در آخر بیاید که تذکر بجائی است.

ربانی شیرازی — چون‌عبارت گنگ است من میگویم این‌طور نوشته‌شود «علاوه‌برمواردی که در قانون به هیأت وزیران حق تهیه آئین‌نامه و تصویب‌نامه داده شده است میتواند...».

نایب رئیس — بسیارخوب‌یک کلمه «قانون»اضافه‌میکنیم که‌آقایان دچاروسواس نباشند. حالا برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۱۱۳ (اصل یکصد و سی و هشتم)— علاوه بر مواردی که درقانون، هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین میشود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین وتنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه‌وآئین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه وصدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید با قوانین مخالف باشد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه و شش رأی، آراء موافق پنجاه و چهار رأی، آراء مخالف‌هیچ، آراء ممتنع دورأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۵ — طرح اصل ۱۱۴

نایب رئیس — اصل ۱۱۴ قرائت میشود.

اصل ۱۱۴ — صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به‌تصویب هیأت وزیران است. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به اطلاع مجلس برسد.

تهرانی — تمام احتیاطات در نوشتن این اصل شده است رأی بگیرید.

نایب رئیس — یعنی نیم ساعت قبل ما همه بحث‌ها را در این مورد کردیم آقایان هم ماشاءالله می‌خواهند در اینجا تمام آن مطالب را تکرار کنند. من موافقم که یک مخالف و یک

موافق صحبت کنند. (مکارم شیرازی — این کلمه «مهم» را تفسیرش نکردید.) به همین ترتیب در آنجا به‌رأی‌گذاشتیم. (رحمانی — عبارت این اصل بایداصلاح شود.) آقای مهندس‌دانش‌راد.

مهندس دانش‌راد — من معتقدم که در اینجا موضوع داوری را روشن بکنید که در قراردادهای با خارج، داوری به‌وسیله مؤسسات داخلی کشورانجام بشود و مؤسسات بین‌المللی را منع بکنید برای اینکه مشکلاتی بوجود خواهد آمد چون در گذشته به استناد همین موضوع مشکلاتی داشتیم.

نایب رئیس — یعنی پیشنهاد میفرمائید نوشته شود « و ارجاع آن به داوری در داخل کشور»؟ (مهندس دانش‌راد— بلی) معلوم است. یعنی وقتی اینجا این طور نوشتید،میشود در داخل کشور، دوستان موافقند که این قید را اضافه کنیم؟ آقای‌دانش‌راد میگویند طرف قرارداد میخواهدداخلی باشد میخواهد خارجی باشد داوریش باید داخلی باشد و تذکر خوبی‌هست.

یزدی — «و» باید «یا» باشد چون صلح و داوری دو تا مطلب است.

موسوی جزایری — معمولا نماینده داوری مرکب از طرفین دعوی میباشد.

نایب‌رئیس — به یک نفرارجاع می‌کنند و نماینده غیر ازداور است. آقای مکارم‌شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — عده‌ای با این ترتیب موافق نیستند. (نایب رئیس — با کدام؟)گاهی ممکن است خارجی باشد گاهی ممکن است داخلی باشد یا بین‌المللی باشد و نمی‌شود مقید کرد.

دکتر ضیائی — داور باید از طرفین باشد.

حسینی هاشمی — این قید لازم بود چون برای صلح هست نه برای شکایت و قضاوت.

نایب رئیس — به این منظور است که اگر فرد واجد شرایطی را در خارج پیدا کردند اشکالی نداشته باشد، آقای خامنه‌ای بفرمائید. (خامنه‌ای — بنده مخالفم.) آقای رشیدیان.

رشیدیان — قبل از اینکه بیائیم اینجا من یک پیشنهاد دادم خدمتتان که بعداً قرائت میکنم.

نایب رئیس — آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — عرض میشود اینکه نوشته شده «درمواردی که طرف دعوی خارجی باشد ودر موارد مهم داخلی باید به اطلاع مجلس برسد» چه چیز بـه اطلاع مجلس برسد و چه مرجعی به آن رسیدگی بکند؟ بهتر این است که به اطلاع مجلس برسد و مجلس روی آن تصمیم بگیرد.

نایب رئیس — آقای رحمانی اگر بگوئیم «و در مواردی که...»

رحمانی — قبلا گفته شده «در هرمورد موکول به‌تصویب هیأت‌وزیران است.» این‌ابهام میکند که تصویب هیأت وزیران به اطلاع مجلس برسد اگر چنانچه مرجع رسیدگی با یک نفر دیگر باشد اطلاع مجلس اثری ندارد.

نایب رئیس — گفتیم اطلاع برای اینکه بتوانند استیضاح کنند. آقای مکارم شیرازی بفرمائید. (مکارم شیرازی — بنده عرضی ندارم.) آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — چون دعاوی است اول باید برود به دادگاه و بعد دادگاه ارجاع به داوری بکند.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید . (موسوی تبریزی — مخالفم) آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزادهٔ غفوری — به نظر میرسد که مسأله اموال عمومی یک مسأله خیلی دامنه‌داری است و اختیارش رابه‌هیأت وزیران دادن خیلی خطرناک است وانگهی اینجا نوشته است «در هر مورد» و موارد مهمش را هم مستثنی کرده و ملاک تشخیص مهم از غیر مهم بازبه‌اختلاف برمیخورد به نظر میرسد که اصولا اینگونه تصمیمات بستگی به تصویب‌مجلس داشته باشد و آن مقدار استثنائی هم به همان اندازه باشد که مجلس به تصویب هیأت وزیران واگذار کرده است. به نظر میرسد که مجلس دراماننداری سهم بیشتری دارد و حتی‌الامکان جلوی احتمالات علیه امانت‌های ملی را باید گرفت و هرچه در این زمینه دقت شود بهتر است. به هر حال ذیل این اصل «با اطلاع مجلس» خیلی نامناسب است.

ربانی‌املشی — آقا این اصل رأی‌نمی‌آورد آنرا از دستور خارج کنید.

نایب رئیس — آقای کرمی بفرمائید. (کرمی — عرض میشود این عبارت باید اینطور نوشته شود «و یا ارجاع») این مطلب را نوشتیم، آقای آیت به عنوان مخالف صحبت میکنند و بعد یکی از دوستان به عنوان موافق. (تهرانی — بنده به عنوان موافق اسم نوشته‌ام.) بسیار خوب آقای رشیدیان نوشته‌اند: «مرجع رسیدگی به صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را مجلس شورای ملی به نسبت اهمیت موضوع تعیین خواهد کرد.» بسیار خوب آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این اصل بسیار مهمی است ما آمدیم گفتیم که‌صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و یاارجاع آن به داوری در هر مورد موکول‌به‌تصویب هیأت وزیران است. مسأله دعوای خارجی را فقط گفتم به اطلاع مجلس برسد درحالی که‌فرض بفرمائید که شما صد عدد هواپیمای فانتوم از آمریکا خریدید و یک اختلافی ایجاد شده که متجاوز از میلیاردها تومان است هیأت‌وزیران می‌آید و تصمیم میگیرد و این را مطالعه میکند میگوید ما نه طلبکاریم نه بدهکار و فقط اینرا به مجلس شورای ملی اطلاع بدهد و کارش تمام میشود در حالی که در بار اول من اعتراض کردم این مطلب را گفتم و خود مجلس هم نظر داد. گفتم مسأله قراردادهای خارجی را همه متفق بودند که اول به‌تصویب مجلس برسد موضوع اختلاف ما روی مسائل مهم داخلی بود. اینکه من گفتم دوباررأی متناقض‌شد، همین بود برای اینکه بار اول همه قبول کردند که موارد مهم داخلی هم باید به تصویب مجلس برسد حالا در این اصلی که اینجا چاپ شده در موارد مهم داخلی که به تصویب مجلس مناط نیست به جای خود، موارد خارجی را هم گفته‌اند به‌اطلاع مجلس برسد این مسأله با سرنوشت یک مملکت و میلیاردها بودجه مملکت سروکار دارد این است که اولا حتماً باید در دعواهای خارجی به هر صورت و به هر شکل با تصویب مجلس باشد در بارهٔ موارد مهم داخلی هم باید با تصویب مجلس باشد منتها تشخیص موارد مهم را می‌گذاریم به اختیار خود مجلس قانون تعیین میکند که چه مواردی مهم است و چه مواردی غیر مهم است این است نکته‌ای که اول گفتم منظورم کوبیدن مجلس نبود گفتم که من این را یکبار مطرح کردم و صحبت کردم و مجلس قبول کرد ولی امروز نمیدانم چه شکلی شد که بدون توجه به آن مطلب این اصل را نوشته‌اند.

نایب رئیس — یک مطلب را یک وقت ممکن است بیایند درست کنند خرابتر میشود شما می‌گوئید من نمیدانم چطور شده، علت ندانستن شما این است که در جلسهٔ کمیسیون‌حاضر

نبوده‌اید. بحث شد، به دنبال بحث این متن خوانده شد و بیشترین رأی را در پایان آورد و به‌عنوان دستور جلسه فرستاده شد. انتظار من این است که دوستان توجه بیشتری داشته باشند و مطلبی را که اولا برخلاف واقع و حق است و ثانیاً سوهم هر نوع نابسامانی در کارسان هست بیان نکنند و من هم قاطعانه در این مورد تذکر میدهم که سهل‌انگاری دوستان ما در بیان مطالب خلاف واقع برای ملت ما روشن باشد. آقای علی تهرانی بفرمائید.

تهرانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این‌اصل که مربوط به صلح دعاوی است نسبت‌به‌اموال و معاملات دولتی اینرا ما اگر بطور کلی جلوی دولت و فعالیت آنرا بگیریم و در هر موردی ارجاع به مجلس یا یک مقام دیگری بکنیم دولت و وزارتخانه‌ها نمی‌توانند کارشان را انجام بدهند. مثلا راهسازی یا خرید فلان‌جنس و یا فلان ماشین خلاصه متاعی که مربوط به‌مملکت و مربوط به کارشان است و نوعاً هم، این‌طور نیست که همیشه بین دو طرف قرارداد دعوائی و اختلافی پیش بیاید، قرارداد بسته میشود و طبق آن قرارداد عمل میشود پس اولا این نادر است و ثانیاً اگر بخواهیم در هرموردی چه داخلی، چه خارجی این را به‌یک مقام‌دیگری‌ارجاع بدهیم دولت نمی‌تواند امور کشور را اداره کند. همینطور که اینجا استثناء شده در مورد دعوای خارجی یا موارد مهم داخلی این را اگر آقایان اجازه بدهند و تصویب کنند به‌تصویب برسد این خوب است دیگر موارد خیلی نادرتری دعواهای خارجی و موارد مهم داخلی... (سبحانی — موارد مهم کدام است؟) تشخیص مهم بودن با مجلس است و مهم از حیث رقم معلوم است اگر از چند صد هزار تومان به بالا باشد مهم است ولی اگر در سطح صد هزار و دویست هزار بود پائین می‌آید و اشکالی ندارد و اگر به همین متن که مطرح است رأی بدهند، اشکالی ندارد.

نایب رئیس — توضیح این نکته که آقای تهرانی نفرمودند این بود که خود ایشان به نام موافق آمدند ولی در پایان همراه مخالف شدند آنچه که باید توضیح بدهم این است که اطلاع به مجلس برای این است که کاری مخفی صورت نگیرد. (آیت—شما موافقیدیامخالف؟) من دارم توضیح میدهم و اجازه هم گرفته‌ام معنایش این بود که مجلس بداند و در موقع بتواند استیضاح کند وچون‌بدون اطلاع ملت انجام بگیرد ما صحبتهای آقای‌تهرانی را به عنوان موافق تلقی میکنیم و رأی میگیریم.

موسوی تبریزی — من یک سؤال داشتم و این بدون جواب مانده است، اگر فردا در قراردادهائی که مربوط به اعمال عمومی است هیأت وزراء خواستند بین خودشان تبانی بکنند و با آن طرف قرارداد یک دعوای ظاهری درست بکنند و بعد صلح بکنند آنوقت جلوی اینگونه کارها را چطوری میتوانیم بگیریم؟ من جواب این سؤال را نشنیدم.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید اگر دوستان موافق باشند دو پیشنهاد است که مطرح میکنم. آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی — تشخیص موارد مهم را به عهده مجلس شورای ملی نگذاشته‌اند و احتمال دارد تفسیر بشود که تشخیص آن به عهده هیأت وزیران باشد بنابراین من تقاضا میکنم که یک بررسی بیشتری روی این اصل بشود زیرا اگر این اصل روشن نشود و درست تنظیم نشود درخور این قانون اساسی نیست زیرا این مسأله مربوط به اموال مملکت است و اهمیت بسزائی دارد.

نایب رئیس — دو نظر وجود دارد یکی اینکه ما نسبت به این اصل امروز رأی‌گیری میکنیم و مجدداً صبح شنبه مورد بحث قرارگیرد و به هر صورتی که در جلسه صبح شنبه تهیه شد آنرا به مجلس برگردانیم دوستانی که با این پیشنهاد موافقند دست بلند کنند، رأی کافی نیست. (عده‌ای از نمایندگان — کلمه «تصویب» را اضافه کنید و رأی بگیرید، رأی خواهد آورد.) اجازه بفرمائید دوستانی که موافقند کلمه اطلاع به تصویب تبدیل شود دست بلند کنند. این هم رأی کافی نیاورد این موکول میشود به روز شنبه، خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — اولا چرا به حرف من توجه نمی‌فرمائید و هر وقت اجازه صحبت میخواهم توجه نمی‌شود؟ ثانیاً مگر این اسوال مربوط به‌مردم نیست؟ مگر نمایندگان مجلس نمایندگان مردم نیستند؟ پس بنابراین چرا اگر اختلافی در قراردادها پیش‌آمد به اطلاع مجلس نرسد و همه‌جا صحبت از وزراء است؟ پس وکلای مجلس شورای ملی که نمایندگان مردم هستند چکاره‌اند؟

نایب رئیس — اسم جنابعالی (خطاب به خانم گرجی) و اسم ده نفر دیگر اینجا نوشته شده است منتها گفتیم که یک موافق و یک مخالف صحبت کنند، بنابراین، این اصل را برای بررسی بیشتر برمی‌گردانیم به گروهها. آقای منتظری یک تذکری دارند میدهند و بعد جلسه را ختم می کنیم، بفرمائید.

منتظری — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نامه‌ای به عنوان رئیس مجلس نوشته شده بود که شما در مجلس به آقایان نمایندگان اقلیتها فرصت نمی‌دهید که در مسائل و بحثها اظهار نظر بکنند و این را بیخود گفته‌اند و این نامه تکذیب میشود برای اینکه آقایان نمایندگان مسیحی و یهودی و زرتشتی مثل سایر آقایان نمایندگان در همه مسائلی که اینجا مطرح‌میشودحق‌اظهار نظر دارند و حق دادن رأی دارند و اظهار هم تا بحال کرده‌اند و تمام اقلیتهای مسیحی و زرتشتی و کلیمی در ایران بدانند که مورد توجه خاص هستند. (دکتر اوشانا — این نامه که نوشته‌اند صحیح نیست.) و همه مسلمانان حقوق آنها را رعایت میکنند آقای دکتر اوشانا بفرمائید.

دکتر اوشانا — چنین تضییقی نسبت به حقوق اقلیتها در مجلس وجود ندارد.

نایب رئیس — آقای دانش راد بفرمائید.

دانش‌راد— من نمیدانم این نامه ازسوی چه دسته وجمعیتی نوشته شده هروقت مطلبی قرار بوده اظهارنظر بشود قبلا ما می‌دانستیم.

نایب رئیس — آقای دکتر خالاتیان.

دکتر خالاتیان — من فرمایشات آقای منتظری را تأیید میکنم.

نایب رئیس — آقای مؤید شهزادی بفرمائید.

مؤید رستم شهزادی — بنده در اینجا به صراحت میگویم که هر وقت ما هر نظری‌داشتیم و خواستیم اظهارنظر کنیم به ما اجازه داده شده و هروقت اجازه خواسته‌ایم به ما اجازه صحبت داده شده و نظر خودمان را ابراز کرده‌ایم.

۶ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسهٔ قبل

نایب رئیس — آقای آیت صورت غایبین را می‌خوانند.

غایبین آقایان: انواری — حائری — صدوقی — سحابی — ملازاده — فوزی — مدنی.

دیرآمدگان آقایان: باهنر هفده دقیقه، بشارت شانزده دقیقه، بنی‌صدر نود دقیقه، حجتی شانزده دقیقه، ربانی شیرازی دو ساعت و سی دقیقه، قائمی یک ساعت و چهل و پنج دقیقه (با اجازه قبلی)، کرمی هفده دقیقه، کریمی شانزده دقیقه، گلزاده غفوری سی وپنج دقیقه،مقدسی بیست دقیقه، جزایری بیست و نه دقیقه، خادمی یک ساعت.

۷ — پایان جلسه

نایب رئیس — غیبت آقای مدنی با اجازه قبلی بوده است. جلسه را ختم میکنیم، جلسه آینده روزشنبه خواهد بود. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت دوازده و بیست دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ چهل و نهم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۶ و ۱۵ دقیقه روز ۲۸ مهرماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با بیست و هشتم ذیقعدهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب :

۱ — اعلام رسمیت جلسه و طرح مطالب متفرقه. . . . . .
۲ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل. . . . . .
۳ — طرح اصل ۱۱۵ . . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۶ (اصل یکصد و چهلم). . . . . .
۵ — طرح اصل ۱۱۷ . . . . . .
۶ — طرح اصل ۱۱۸ . . . . . .
۷ — پایان جلسه. . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و طرح مطالب متفرقه

نایب رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. از طرف افراد و گروه‌ها به مجلس خبرگان سؤالات زیادی می‌رسد و تقاضای پاسخ دارند. در روزنامه جمهوری اسلامی امروز در صفحه ششم در ستون «نامه‌ای از میان نامه‌ها» نامه‌ای به عنوان عده‌ای از دانش‌آموزان داراب رسیده است. دراین نامه آنها خواسته‌اند به‌حرفشان‌جواب داده شود تا معلوم بشود که‌ماحسب‌الوظیفه به‌حرف مردم توجه میکنیم و چون آدرسی، نشانی، چیزی معین نکرده‌اند، لازم دانستم که قبل از آغاز جلسه به نامه آنها جواب بدهم. ما حصل نامۀشان این است که در مدرسه آنها گروهی تبلیغ میکنند که این مجلس در پیش‌نویس قانون اساسی که قبلا تهیه شده است تغییراتی میدهد که این تغییرات در جهت خلاف حقوق مردم است. پاسخی که به این دانش‌آموزان عزیز میدهم این است که وقتی قانون اساسی با تجدید نظرهائی که این مجلس در آن میکند تمام شد و برای عرضه کردن به مردم در اختیار همۀتان قرار گرفت آن موقع است که میتوانید مقایسه کنید و ببینید کدام یک از این دو متن کاملتر است. پیش‌نویس، متنی بود نتیجه زحمات افراد و گروه‌هائی و در خور تقدیر و ارج نهادن ولی این مجلس برای این تشکیل شد که اگر نقطه‌نظرهائی بوده است که در این پیش‌نویس به آن توجه نشده، نواقصی در آن دیده شده، اینها تکمیل بشود تا متن به صورتی کاملتر برای مراجعه به آراء عمومی ارائه بشود و ما امیدواریم‌وقتی متن آماده شد و عرضه کردیم فرصت داشته باشیم که در چند جلسه قسمت به قسمت مقایسه کنیم و تغییراتی را که داده شده با دلایل آن برای ملت ایران بیان کنیم. شما دانش‌آموزان عزیز هم در آن موقع که‌خیلی طول نخواهد کشید شایدحداکثر ان‌شاءالله تا سه‌هفته دیگر (البته این مجلس کارش زودتر تمام میشود ولی آن برنامه تا سه هفته دیگر) در جریان این مقایسه قرارخواهید گرفت و نظر نهائی را آن موقع ازشما خواهیم خواست. امیدوارم این جواب فشرده و کوتاه برای شما نسل نوجوان عزیز که سرمایه امروز وفردای انقلاب‌هستید کافی باشد و جواب مفصلتر برای فرصت بعدی والسلام.

یزدی — همین الان هم قسمتهای تمام شده را می‌توانند مقایسه کنند.

نایب رئیس — البته الان هم تا اینجا که تصویب شده را می‌توانند مقایسه کنند منتها چون ازما توضیحی در این زمینه خواسته بودند عرض کردم که ان‌شاءالله پس از تکمیل همه اصول یک مقایسه همه‌جانبه‌ای خواهیم کرد.

پرورش — حالا که صحبت به اینجا رسید عرض کنم که ما چندبار است خواسته‌ایم اگر بشود در رسانه‌های گروهی ترتیب یک مصاحبه‌ای داده شود تا روی چند اصل‌خیلی موردتوجه مردم، توضیحاتی بدهیم چون هرجا برای صحبت کردن میرویم مردم پیرامون آنها از ماسؤالاتی میکنند و هنوز برایشان آن اصول مانند اصل ولایت فقیه گنگ و مبهم است به همین جهت

اشکالات بیجائی نسبت به آن عنوان میشود. روزنامه‌ها اگر کلیه اصول مصوب را یکجا چاپ کنند تا در معرض قضاوت مردم قرار گیرد بسیار بجا و مناسب است.

رستم شهزادی — ولی اشکال این است که اگر بعداً خواستیم در اصول تغییری بدهیم و از حالا در دست مردم باشد آن وقت باز ایجاد ابهام میکند.

نایب رئیس — منهم خواستم این تذکر را بدهم که اگر به‌عنوان نتیجه کار مجلس چاپ میکنند اشکالی ندارد اما اینکه بنده عرض کردم بعد از پایان، چون در پنج روز آخر ما فرصتی گذاشتیم که اگر تغییرات جزئی برای هماهنگی همه اصول لازم است داده شود. دوست داریم این مقایسه موقعی انجام شود که متن از هر نظر قطعی باشد ولی به هر حال با نکته‌ای که جنابعالی روی آن تکیه کردید منافاتی ندارد.

۲ — قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل

نایب رئیس — خوب قبل از طرح دستور جلسه امروز، اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل قرائت میشود.

آقایان: انواری، حائری، حجتی، دکتر اوشانا (ایشان بیمار هستند) سحابی، صدوقی، طباطبائی، عرب، ملازاده، فارسی، فوزی، مدنی، موسوی زنجانی، میرمرادزهی، نوربخش، هاشمی‌نژاد (نایب‌رئیس — آقای موسوی زنجانی کسالت داشتند).

۳ — طرح اصل ۱۱۵

نایب رئیس — میرویم سراغ دستور جلسه، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این اصل ۱۱۴ که درصدر دستور جلسه امروز چاپ شده است به اندازهٔ کافی در اطراف آن بحث و توافق نشده‌است بنابراین در این جلسه هم آن را مسکوت میگذاریم و اصل ۱۱۵ قرائت میشود.

اصل ۱۱۵ — نخست‌وزیر ووزیران درصورتیکه متهم به خیانت سیاسی یا توطئه برضد امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهدگرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، هیأت عمومی دیوانعالی کشور رسیدگی به عمل می‌آورد. مجازات این جرائم تابع قوانین عمومی است.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی نظرتان را بفرمائید. (ربانی شیرازی — من راجع به اصل ۱۱۴ اسم نوشته بودم.) آقای سبحانی جنابعالی بفرمائید.

سبحانی — عرض شود که من یک پیشنهاد دارم و یک اشکال، پیشنهاد این است که اصل ۱۱۵ و اصل ۱۱۶ در هم ادغام و یک اصل واحد بشود چون دراولی جرائم سیاسی‌است و در دومی حقوقی، اگر این دو اصل یکی بشود از تعداد اصول کاسته میشود و بهتر است.

نایب رئیس — شما میتوانید به عنوان مخالف تشریف بیاورید پشت تریبون وبیشتر توضیح بفرمائید.

سبحانی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اصل ۱۱۵ مقید میکند رسیدگی به خیانت سیاسی نخست‌وزیر و وزیران را به اینکه اکثریت نمایندگان مجلس رأی به تعقیب بدهند، یعنی اگر اکثریت مجلس رأی به تعقیب ندهد، دیوانعالی کشور حق رسیدگی به چنین اتهامی را ندارد. این مضمون این اصل است همینطور که درگذشته این مسأله در این مجلس مطرح شد که

مصونیت در اسلام ریشه صحیحی ندارد، هیچ فردی در برابر قانون مصون نیست و تمام افراد در برابر قانون یکسانند و مدرک این مطلب علاوه برعمومات و اطلاقات باب قضا، همان‌حدیثی است از پیغمبر اکرم که فرمود «الناس امام‌الحق سواء» و مقصود ازکلمه حق در این حدیث قانون است. تمام افراد، بزرگ و کوچک در برابر قانون یکسانند و همه باید یکنواخت محاکمه شوند. همینطورکه افراد عادی اگر متهم باشند به هرگونه‌ای که دیگران محاکمه میشوندباید نخست‌وزیر و وزیران هم به‌همین سبک محاکمه‌شوند. اینکه‌ارجاع کنیم به‌مجلس و ازمجلس رأی بخواهیم اگر مجلس رأی داد که مثلا این اتهام، اتهام واردی است آن موقع ارجاع کنیم به دیوانعالی کشور، این مصونیت است اما نه در لفظ مصونیت، واقعیت مصونیت هست اما لفظ مصونیت نیست مگر اینکه این جنبهٔ اصلاحی پیداکند و بگوئیم رسیدگی مجلس، جنبه تحقیقی دارد. این عبارت باید عوض شود مثلا مجلس، تحقیق مقدماتی کند به عنوان ضابط، به عنوان محقق، به هر عنوانی، نظریات خودش را در اختیار دیوانعالی کشور بگذارد. اگر به‌همین سبک باشد دیگر معنی مصونیت را نخواهد داشت و بی‌اشکال خواهد بود ولی به‌مجرد اینکه مجلس رأی نداد یعنی گفت از نظر من این آدم متهم نیست آیاهمین برای‌مختومه کردن پرونده کافی است یا خیر ؟ ولی امر میتواند باز پرونده را به‌جریان بیندازد ولو یک محققی، یک ضابطی رأی به‌برائت اوداد، اگر اتهام سرجایش باشد باز دست رهبر نسبت به‌اجراء پرونده در محاکم دیگر باید باز باشد. متشکرم.

نایب‌رئیس— آقای سبحانی به‌عنوان مخالف صحبت کردنداین دوستانی که اسم‌نوشته‌اند ببینیم کدام میخواهند به‌عنوان موافق صحبت‌بکنند.آقای طاهری اصفهانی شما نظرتان نسبت به‌این‌اصل چیست؟(طاهری‌اصفهانی— من‌مخالفم.) آقای‌خامنه‌ای؟(خامنه‌ای— نکته کوچکی است تذکرمیدهم.) آقای موسوی‌جزایری؟(موسوی‌جزایری— سؤالی دارم.)آقای‌موسوی‌اردبیلی (موسوی‌اردبیلی— موافقم.) بسیارخوب، دوستان دیگراگرسؤالی دارند آقای موسوی‌اردبیلی‌به‌آن پاسخ خواهندگفت. آقای دکترغفوری شما دراین اصل چه‌نظری‌دارید؟

گلزادهٔ غفوری — سؤالات من جنبهٔ قضائی دارد، یکی‌اینکه وقتی میگوئیم‌متهم به‌خیانت بشود، ازطرف چه کسی میخواهد متهم به خیانت بشود؟ اگر چنانچه خود وکلای مجلس توجه به‌این موضوع دارند با استفاده ازحق‌استیضاحشان که درموارد عادی می‌توانند استیضاح بکنند به طریق اولی در موارد خیانت سیاسی این کار را میکنند. آن وقت بعد از استیضاح رأی اعتماد میخواهد، یا نتیجه‌اش مثبت میشود یا منفی، اگر مثبت بشود و به او رأی‌اعتماد ندهند این دیگر وزیر و نخست‌وزیر نیست و مراجع قضائی بعد کار خودشان را میکنند با توجه به آن کارهائی که آنجا گذشته است و اگر نتیجهٔ استیضاح منفی بشود یعنی رأی اعتماد دوباره‌بگیرد این معنایش این نیست که دادگاه صالحه حق نداشته باشد یک اتهام سیاسی را به استناد اینکه وکلا یا نتوانسته‌اند یا درست بررسی نشده یک مصلحت اجتماعی را ندیده بگیرد و بعد اینکه مجلس نمی‌تواند رسیدگی بکند و رأی به تعقیب بدهد، رأی به تعقیب یک کار قضائی هست. بعد هم در نظام اسلامی محاکمه هرکسی در هرشغلی هم که باشد فقط به خاطررعایت مصالح‌عموم این است که بگوئیم، اصل‌اتهام ثابت بشود وگرنه تعقیب درمحکمه صالح خواهد بود وآن نظام سابق که هیأت عمومی دیوانعالی کشوربود اینجا به‌نظرنمی‌رسد که صحیح باشد.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — اینجا ارجاع میشود به هیأت عمومی دیوانعالی کشور، هیأت عمومی ضمانت کار و استحکامش بیشتر ازدیوانعالی کشور است یعنی یکی ازشعب میباشد. در بند پنج اصل ۸۷ که راجع به رئیس‌جمهور بود،پس از حکم دیوانعالی کشور بود من خواستم اینجا به‌همین مناسبت بگویم آنجا را هم در نظر بگیریم اصلاح بشود. آنهم هیأت عمومی بهتر است تا اینکه دیوانعالی کشور باشد.

نایب رئیس — متشکرم، آقای موسوی جزایری نظرتان را بفرمائید.

موسوی جزایری — سؤال منهم در همین زمینه بود که با آن اصل قبلی تناقض نداشته باشد در حالیکه مشاهده میشود این اصول ۱۱۰ و ۱۱۶ با هم تناقض دارند چون در مورد رئیس‌جمهور گفته بودیم که در مورد خیانت مربوط به دیوانعالی کشور است گرچه آخرش نتیجه‌گیری که کردیم برای عزل در نفس اتهام مرجع، شورایعالی کشور است و در مورد اتهام به عدم توانائی، مجلس. اینجا مشاهده میشود با آن اصل منافات دارد.

نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — اینجا نوشته است چنانچه اکثریت مجلس رأی به‌تعقیب داد، این دخالت قوهٔ مقننه است در مسائل‌قضائی. اگرهم‌بخواهیم بنویسیم بایدبنویسیم چنانچه‌اکثریت مجلس تشخیص داد متهم است، رأی به تعقیب نمی‌تواند بدهد مجلس حق ندارد رأی بدهد. (نایب رئیس — چه چیز را تشخیص بدهد؟) مجلس تشخیص بدهد که این اتهام قابل‌تعقیب است اما مجلس رأی به تعقیب نمی‌تواند بدهد.

نایب رئیس — بله این اصلاح عبارتی است یعنی چنانچه او تشخیص داد که این‌قابل تعقیب است...

مکارم شیرازی — در غیر این‌صورت دخالت در قوهٔ قضائیه است.

طاهری اصفهانی — من از دو جهت اشکال دارم، یکی مجلس شورای ملی صلاحیت‌این مسائل را ندارد. این مسائل منوط به افراد ذیصلاح است حالا چه در مسائل سیاسی باشد و چه در جرائم عادی. چسب که ندارد مگر بگوئیم کمیسیون قضائی مجلس شورای ملی، این یک جهت، جهت دیگر اینکه نخست‌وزیر و وزیر طبعاً متهم میشوند دیگر این طبیعی‌است‌هرچه موقعیت و شخصیت و مسئولیت انسان بیشتر میشود دامنه اتهامات هم گسترده‌ترمیشود. امروز یک اتهام، سفره‌اش در مجلس پهن‌بشود، فردا یک اتهام در مجلس سفره‌اش پهن بشود خوب این نخست‌وزیر چه‌جور در آینده میتواند کار بکند؟ اگر رفع اتهام هم بشود به هر حال سفره‌ای پهن شده و گل زبانها افتاده است این باید در یک کمیسیون مخفی، خصوصی، قضائی مجلس شورای ملی بررسی بشود و اگر آنجا تشخیص دادند مسأله قابل تعقیب است‌آنوقت عمل کنند.

دکتر آیت — گرچه عبارت میرساند ولی میخواستم قید شود «در زمان تصدی متهم‌به...» چون در قانون اساسی سابق بعد از تصدی اهم جرم را مربوط به دوران وزارت میدانستند و تشریفات لازم میدانستند، کاررا مشکل میکرد. یکی‌هم «چنانچه‌اکثرنمایندگان مجلس رأی...» کلمه نمایندگان هم قید شود.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر نظر شما چیست؟ (دکتر باهنر — با این اصل‌موافقم.) آقای دکتر قائمی.

دکتر قائمی — دو سه تا نکته هست عرض میکنم، یک نکته این است که معتقدم تنها

مسأله خیانت سیاسی و توطئه بر ضد امنیت کافی نیست، اینجا اضافه کنیم توطئه علیه اصول و مبانی عقیدتی اسلام را، چون اینهم جرم و خیانت است. نکته دیگراینکه منظور از «هیأت عمومی دیوانعالی کشور» چیست؟ چرا نمی‌گوید «دیوانعالی کشور»؟ هیأت عمومی ، با هیأت عمومی دیوانعالی کشور چه فرقی دارد؟ نکته سوم همان است که جناب طاهری فرمودند متهم کننده باید مشخص باشد تا شخصیت افراد در معرض خطر قرار نگیرد.

نایب رئیس — آقای دکتر شیبانی بفرمائید.

دکتر شیبانی — یک نکته‌ای را آقای صافی هم فرمودند و آن این است که عالی‌ترین مرجع سیاسی کشور مجلس است، اینجا هم اتهام سیاسی است، مجلس به نمایندگی از ملت‌نظر میدهد باباجان، این‌حق من تضییع شده یا نشده است؟ اگرگفت حق من تضییع شده است آنوقت قضاوت را میفرستد به دیوانعالی کشور و دیوانعالی کشور هم که میگویند هیأت عمومی یعنی تمام رؤسای شعب یک نحوه خاصی است که عالی‌ترین مرجع قضائی کشور را رسیدگی میکند و مسائل مهم مملکتی را رسیدگی میکند.

نایب رئیس — آقای کرمی بفرمائید.

کرمی— شما در بند پنج اصل ۸۷ گفته بودید و تصویب شد عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی... آنجا نه اسمی از مجلس آوردید نه از هیأت دیگری مستقیماً این اتهام تخلفش از وظایف قانونی را به دیوانعالی کشور ارجاع کردید، اینجا نخست‌وزیر و وزیر که شأناً در دولت از او کمتر هستند مقدماتی اتخاذ گردیده که باید برود به مجلس و اکثریت نمایندگان رأی به تعقیب او بدهند آنوقت پرونده‌اش به دیوانعالی کشور برود این به نظر من بسیار تبعیض است یعنی قدر نخست‌وزیر را از رئیس‌جمهور بیشتر گرفته‌اید حال اینکه در عوالم قضائی این حرفها نیست نه در رئیس جمهور ، نه در نخست وزیر و نه در وزیر ، اتهاماتی که در دادگاه بایستی از آنها صحبت بشود مستقیماً باید به دادگاه برود مجلس شورای ملی در امور قضائی دخالت ندارد.

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی که با این اصل موافق هستند به همه این مسائل پاسخ خواهند گفت.

موسوی اردبیلی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . نخست وزیر و وزیران در صورتیکه متهم به خیانت‌سیاسی یا توطئه برضد امنیت کشورگردند اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. هیأت دولت را برطبق اصولی که آقایان تصویب فرمودند مجلس تعیین میکند و در آنجا گفته شد نخست وزیر و وزیران در مقابل مجلس مسئولند معنای مسئولیت در مقابل مجلس چیست؟ مجلس در مقابل مردم مسئول است رئیس جمهور را اصلا مردم انتخاب میکنند در مقابل مردم مسئولند، اما دولت را، هیأت وزراء را، چون‌مجلس انتخاب‌میکند درمقابل مجلس مسئول است. یعنی اگر اینها انحرافی خیانتی داشته باشند مجلس حق سؤال ازآنها دارد و اینها جوابگوی مجلس بایدباشند چون آنها اینها را نصب کرده‌اند برای یک کاری، تعهد اینها در مقابل مجلس است. نخست‌وزیر یا وزیر با در نظر گرفتن مقام وزارت که دارد مورد اتهام است حالا یک وقت ممکن است انحرافی از او سر زده باشد برای مردم، این به‌عنوان یک احتمال برای مجلس مطرح بشود. یک وقتی ممکن است بازی دربیاورند و دیگران تهمتی به او بزنند بهتر ازمجلس و مناسبتر از مجلس و اولی‌تر از مجلس که رأی اعتماد به آنها داده و آنها را در

مقامی نصب کرده است و اینها مسئولیت را در مقابل مجلس پذیرفته‌اند، برای رسیدگی این کار که آیا این اتهام درست است یا درست نیست، این همکاری را ادامه بدهند یا ادامه ندهند، این تهمت صرف است به اینها زده شده یا واقعیت دارد مناسب‌تر و اولی‌تر ازمجلس چیست؟ این اتهامی که جناب آقای دکتر غفوری پرسیدند متهم کننده کیست، متهم کننده ممکن است نمایندگان مجلس باشند، احزابی که درمجلس نمایندگانی دارند و مخالف حزب نخست‌وزیر یا وزیر مورد تهمت هستند ممکن است افراد خارج، گروههای خارج باشند شایعاتی را درست کنند و در سطح مملکت رواج بدهند، دستهای داخلی و خارجی باشد، هرچه هست بالاخره وقتی صحبت به داخل مجلس کشیده شد و این دولت در مقام اتهام قرار گرفت، مجلس برای اینکه وضع خودش را با او روشن کند میخواهد برود دنبال این مسأله که این حرفهائی که درباره اومیزنند حقیقت‌دارد،حقیقت ندارد، میتوانند ادامه بدهند، می‌توانند ادامه بدهند؟ برای روشن شدن تکلیف خودشان، حالا یک‌وقت است که می‌بینند بله واقعاً شبهه هست یا مظنون است و طوری هست که نمی‌توانند به او رأی اعتماد بدهند و با او به همکاری‌ادامه بدهند، دیوانعالی کشور می‌آید، البته آمدن دیوانعالی کشور درست است موقوف‌به ارجاع مجلس نیست ممکن است یک روزی‌سند اتهام وزیر یا نخست‌وزیر دردیوانعالی کشور جمع شده‌باشد خود دیوانعالی کشور این مقام را قابل تعقیب بداند آنوقت به‌مجلس میگوید ما میخواهیم این نخست‌وزیر یا وزیر را محاکمه بکنیم. یکوقت‌هم هست دیوانعالی کشورازاینهانخواسته، خودمسأله‌به‌مجلس کشیده شده، همه یا پاره‌ای از نمایندگان مجلس‌رو در روی وزیر یا نخست‌وزیر قرار گرفته‌اند و میگویند چنین اتهامی هست و مجلس هم رسیدگی میکند و آن روز هم گفته شد مدارکی جمع‌آوری میکند، رسیدگی مقدماتی میکند تکلیف خودش را فعلا با او روشن کند. و این را نمی‌شود گفت مجلس چکاره است، در مجلس نمایندگان مردمند، بالاترین مقام سیاسی کشور است، اتهام هم اتهام سیاسی است، اگر اتهام، اتهام عمومی باشد که در بند دوم گفته شده است و مربوط به این نیست پس این اولا برای جمع‌آوری مدارک است،برای رسیدگی مقدمات است، وظیفه خودش را میخواهد با این برسد ، یک مسئولیت مستقیم در مقابل آنها دارد آنها این را دراین‌مقام‌نصب کردند واما راجع به‌اینکه‌زندان برود یا زندان‌نرود... (طاهری‌گرگانی— اجازه میفرمائید؟) اجازه بفرمائید من عرضم تمام بشود اگر وقتم اجازه داد، چشم به فرمایشات جنابعالی هم پاسخ خواهم داد . این مسأله اینست پس «نخست‌وزیر و وزیران در صورتیکه متهم به خیانت سیاسی یا توطئه برضد امنیت کشور گردند اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت» حالا اگر مورد رسیدگی قرار گرفت و اکثریت رد کردند در صورتیکه‌از طرف دیوانعالی کشور هم تعقیب نشده یکوقت مسأله این است که‌دیوانعالی کشور تعقیب میکند،او میگوید من میخواهم این را متهم بدانم مجلس میگوید ما با اکثریت اتهام شما را رد میکنیم، مسأله مصونیت وعدم مصونیت مطرح میشود. یک وقت دیوانعالی کشور این را تعقیب نکرده مجلس رسیدگی میکند مدارک را جمع‌آوری میکند اگر مدارک را کافی دید مجلس در مقابل او می‌ایستد مدارک را به دیوانعالی کشور ارجاع میدهد و میگوید این نخست‌وزیر از نظر ما متهم است و ما به عنوان نمایندگان مردم او را متهم میدانیم این هم مدارکش، تعقیب کنید. ارجاع ظاهراً به این معنا است و چنانچه اکثریت رأی نداد مدارکی هم در دیوانعالی کشور نیست و خودش تعقیب نمیکند خوب طبعاً مسأله متروک میشود و اگر اکثریت رأی نداد و

دیوانعالی کشور خودش از طرف خودش مدارکی داشته و آمد تعقیب کرد ، این اصل فکر میکنم ناظر به‌آنجا نیست ولی اگر بخواهد ناظر به آنجا هم باشد مسأله مصونیت مطرح میشود. من در آنجا با مصونیت موافق نبودم اگر آقایان در آنجا رأی به مصونیت ندادید و فکر میکردید مصونیت مخالف بعضی از موازین اسلامی است و امثال اینها، البته این در آنجا خیلی مسلم نبود، به نظرم آقایان فرمودند به دلیل... (تصویب نشد) اگر تصویب نشده باشد این صورت که دیوانعالی کشور خودش مدارکی دارد و خودش میخواهد این را تعقیب کند این اصل نباید آنجا را بگیرد. این مسأله‌ای است که در خود مجلس مطرح شده و این معنایش این است که با گفتن یک نماینده یا دو نماینده یا سه نماینده یا یک حزبی که سه نماینده در مجلس دارد با اینکه اکثریت مجلس او را مبرا میداند، مجلس در مقابل نخست‌وزیر قرار نمی‌گیرد و این هیچگونه دخالتی در امور قضائی و امور اجرائی نیست. (سبحانی — بالاخره مجلس قاضی شد یا ضابط؟) مجلس نه قاضی شد، نه ضابط. (سبحانی — پس کالحجرفی جنب‌الانسان.) نه، مجلس این‌جور شد، بنده میخواهم با شما همکاری کنم و فرض کنید شما را از طرف خود یا جمع، ما به کاری منصوب کرده‌ایم شما متهم شده‌اید، ما میخواهیم تکلیف خودمان را با شما روشن کنیم. اول می‌آئیم مدارک را بررسی میکنیم، مقدمات را می‌بینیم اگر واقعاً شما در معرض تهمت هستید همکاری‌مان را قطع میکنیم و ای بسا از شما هم شکایت میکنیم یکوقت هم می‌آئیم میرسیم می‌بینیم مسأله افواهی بوده است، ترک میکنیم و مسأله ترک میشود این اگر کالحجرفی جنب‌الانسان است، آن هم هست، اگر نیست آن هم نیست و سابقاً هم همین‌جورها بود چون وقتی مجلس شروع میشود ، مخصوصاً اگر احزاب آزاد باشند مردم هم خیلی در گفته‌هاشان مقید به اصول و موازین نباشند در مجلس طبعاً وزیر یا نخست‌وزیر از حزب خاص است و کمتر اتفاق می‌افتد احزاب دیگر او را متهم نکنند مدام متهم میکنند ، اگر ما بگوئیم به صرف اتهام یک وکیل، یا رسیدن یک‌نامه یاشایعه‌ای که یک حزب میکندمجلس همکاری خودش را با او قطع بکند واو را دست دیوانعالی کشور بدهد وضع مملکت به‌هم میخوردواینکه نمیشود، دیوانعالی کشور وقتی او را تعقیب میکند که علیهش مدارک کافی جمع‌آوری کرده باشد مجلس هم رسیدگی میکند اگر مدارکی دارد ارجاع میدهد به آنجا، همکاریش را هم بااو قطع میکند و رأی اعتماد خود را پس میگیرد و اگر نبود ادامه میدهد.

ربانی شیرازی — ظاهر اصل این است که طریق رسیدگی به اتهام فقط از این راه است یعنی به مجلس باید داده بشود مجلس رسیدگی کند، به دیوانعالی کشور داده بشود و لازمهٔ بیانات شما این‌است که دو طریق دارد، یک طریق که خود دیوانعالی کشور مستقل است، یک طریق ازکانال مجلس شورای ملی . مسأله دوم ، آیا پس از آنی که مجلس شورای ملی تشخیص داد که قابل تعقیب است و پرونده را به‌دیوانعالی کشور فرستاد باز بااین نخست‌وزیر همکاری میکند؟

موسوی اردبیلی — یک وقت به نظر ما این اتهامات وارد است باید رسیدگی بشود و تعقیب بشود اگر کار را به جائی رساند حتی سؤال کردند او باید بیاید جواب بدهد استیضاح کردند باید تقاضای رأی اعتماد بکند.

ربانی شیرازی — پس بنابراین بهترین راه این است که از اول استیضاح بشود اگرجواب قانع کننده‌ای داد که هیچ، اگرنداد، رأی‌عدم‌اعتماد داده بشود وبه‌دیوانعالی کشورارجاع شود.

موسوی اردبیلی — نه اینطور نیست.

نایب‌رئیس — مباحثه نباشد، اجازه بفرمائید به نوبت باشد، اینطور که نمی‌شود جلسه را ادامه داد. سؤالاتی شده است جنابعالی یادداشت فرموده‌اید به آنها جواب بدهید اگر سؤالات دیگری هست یک نفر دیگر می‌آید جواب میدهد.

صدوقی — سؤالاتی که ضرورت دارد مطرح کنید شما را به خدا اگر ضرورت ندارد مطرح نکنید.

موسوی اردبیلی — سؤال دوم آقای طاهری مربوط به این بود که فرمودند اگر در مجلس قرار باشد هر روز این موضوع را رسیدگی کند البته معنایش این نیست که هر روز این موضوع را رسیدگی کند اینکه میفرمایند باید به کمیسیون ارجاع بشود ، عرض کنم بله مجلس خودش راهش را می‌داند ممکن است ارجاع کند به کمیسیونی که در مجلس تشکیل می‌شود و او رسیدگی کند منافاتی ندارد. آقای مکارم و آقای آیت هم که اشکال عبارتی داشتند و فرق بین نخست وزیر و رئیس جمهور را که جناب آقای کرمی فرمودند که بنابراین لازم می‌آید نخست‌وزیر از رئیس‌جمهورمهمتر باشد، نه اینطور نیست این در مقابل مجلس مسئول است و آن در مقابل مردم مسئول است روی این جهت ممکن است آن راهی داشته باشد و این هم راهی داشته باشد.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر جنابعالی به عنوان موافق بفرمائید و به بقیه سؤالها جواب بدهید.

دکتر باهنر — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض می‌شود که پس یک مسأله روشن شد که مجلس دادگاه نیست بلکه به نوعی رسیدگی می‌کند و چرا رسیدگی می‌کند؟ برای اینکه نخست‌وزیر و وزراء در مقابل مجلس مسئول هستند این یک جهت، جهت دیگر اینکه نخست‌وزیر و وزراء متعلق به مردم هستند و در واقع کارشان و مسئولیتشان حقی است مال عموم مردم اگر بخواهند هر روز او را به دادگاه بکشند بدون آنکه مجلس که نمایندگان مردم هستند رسیدگی به‌این کار کرده باشد، درواقع تضییع حق مردم است. بنابراین در وقتی که متهم میشود چون مسئولیت اجتماعی در برابر مردم دارد خوب است که نمایندگان مردم هم به‌این مسأله رسیدگی بکنند که آیا این اتهام، صلاحیت تعقیب دارد یا ندارد. واما مسأله استیضاح پاسخش این است که استیضاح در موردی هست که نمایندگان مجلس یا همه‌شان یا حداقل ده نفرشان تشخیص بدهند که وزیر یا نخست‌وزیر تخلف از اجرای وظایف قانونی‌اش کرده و لذا از او سؤال می‌کنند که چرا فلان کار را نکردی و چرا فلان خیانت را کردی این غیر از این است که به انواع خیانتها بطور کلی که ممکن است از طرف فردی یا گروههائی یاحزبی متهم بشود. وممکن است مجلس خودش نخواهد تشخیص بدهد که کسی تخلف قانونی کرده و مستقیم این کار از طرف مجلس باشد که به استیضاح بکشد، دیگران متهم کرده‌اند مجلس رسیدگی می‌کند تا ببیند اتهام وارد هست یا قابل تعقیب هست یا نه و همیشه زمینه، زمینه استیضاح نیست. (گلزاده غفوری — این حرفهای شما ارتباط قضائی ندارد.) فرمودید مسأله استیضاح در موردی هست که نخست‌وزیر یا وزراء ...

گلزادهٔ غفوری — هرچه می‌خواهد باشد هرچه برخلاف مصالح مملکت باشد خیانت به طریق اولی است. (خانم گرجی — اگر خود مجلس متهم بکند جواب چه می‌شود؟) دراصلی

که مربوط به استیضاح بود گفته شده بود که حداقل ده نفر از نمایندگان مجلس تشخیص بدهند که ازوظایفش تخلف قانونی کرده ولذا مجلس، وزیر یا نخست‌وزیر را... (گلزاده‌غفوری— خیانت علیه کشور تخلف از وظایف قانونی نیست؟) همیشه مجلس متهم نمی‌کند، در استیضاح مجلس متهم می‌کند.

نایب‌رئیس — آقای دکتر باهنر اجازه بفرمائید من تکمیل بکنم. ببینید مسأله این است نخست‌وزیروزراء را مجلس به‌عنوان مسئولان اجرا از طرف ملت انتخاب می‌کند... (کرمی— انتخاب نمی‌کند آقا.) چرا... (کرمی — در همین اصول گذشته انتصاب نخست‌وزیر و وزراء عرض می‌شود با رئیس‌جمهور است.) اجازه بفرمائید رئیس‌جمهور نخست‌وزیر را پیشنهادمی‌کند و نخست وزیر میرود وزرایش را انتخاب می‌کند و با تأیید رئیس جمهور به مجلس پیشنهاد میکند ومجلس بعنوان نماینده ملت می‌آید نسبت‌به‌صلاحیت اینها برای ایفای این وظیفه نظر می‌دهد.بنابراین مجلس به نمایندگی از ملت در این مورد که اینها مسئولان قابل اعتمادی هستند نقشی داشته حالا یکی از وظایف مجلس شورای ملی و نمایندگان، نظارت برکار دولت و دستگاههای اجرائی است وقتی نخست‌وزیر یا وزیری متهم میشود به تخلف از وظایفش، اولین جائی که باید به اتهام رسیدگی بکند و به نمایندگی از ملت حق دارد و وظیفه‌دارد، مجلس است. مجلس باید ببیند بر طبق وظیفه نظارتی که از جانب ملت برکار دستگاههای اجرائی دارد آیا اینها واقعاً از دید او تخلف کرده‌اند یا نکرده‌اند.

کرمی — نسبت به رئیس‌جمهور چرا این کار نمی‌شود؟

نایب رئیس — حالا اجازه بفرمائید این را عمل کنیم بعد راجع به رئیس‌جمهور میرسیم.

خانم گرجی — اینجا اقامه دعوی از طرف مجلس می‌شود نه اینکه بررسی بکنند این مجلس است که اقامه دعوی کرده است.

نایب رئیس — ما نگفتیم که چه مرجعی اقامه دعوی کرده ممکن است یک نماینده مجلس اقامه دعوی کرده باشد و ممکن است عوامل دیگر، بحث این است که کسانی را که به‌عنوان مسئولان اجرائی، نمایندگان مجلس بااکثریت آراء ازطرف ملت به‌عنوان افراد مورد اعتماد برای قبول این مسئولیت‌ها رأی داده‌اند و شناخته‌اند این نمایندگان وظیفه دارند که برکار آنها هم نظارت کنند ببینند از این وظایفشان تخلف می‌کنند یا نمی‌کنند این وظیفه نمایندگان است. بنابراین وقتی که نخست‌وزیر یا وزراء متهم می‌شوند اولین جائی که باید این مسأله را رسیدگی کند به حکم وظیفه نمایندگی ، مجلس است و بعد از اینکه مجلس نظر خودش را داد به اینکه اینها در مظان این اتهام هستند و مبرا نیستند از این اتهام، آنوقت یک مسأله قضائی پیش می‌آید و آن این است که این تخلفی که اینها دارند در حدیی کفایتی و ضعف کفایت و این حرفها هست یا در حد خیانت است اگر اظهار نظر شد که این در حد خیانت و جرم است و کیفر این جرم چیست این از وظایف مراجع قضائی است بنابراین گفته شده است که پس از اینکه مجلس یک چنین نظری داد که باید پرونده به دیوانعالی کشور برای رسیدگی قضائی و اعلام رأی به جرم بودن‌و تعیین کیفر ارجاع بشود به‌آنجا ارجاع میشود، و اما همینطور که آقایان گفتند ما باید مسأله را خیلی بازکنیم چرا گفته می‌شود که حتماً باید یک چنین مقدمه‌ای را طی بکند رسیدگی مجلس منطقی است منتها آن چیزی که مورد اعتراض دوستان است این است که چرا ضرورت داشته باشد چون یک مسأله قضائی است دادگاه باید

رأساً بتواند اقدام کند این همان است که آقای موسوی هم گفتند که من هم این را می‌پذیرم. نه این اصل مخالف او است چرا گفتند در مورد اینها دادگاه رأساً این کار را نکند و بگذارد بعد از انجام این واجب سیاسی چون یک واجب سیاسی داشتیم یک واجب قضائی چرا گفتند که این واجب قضائی بعد ازانجام این واجب سیاسی باشد؟ برای اینکه مملکت وقتی مسئولیت اجرائی امورش برعهده اشخاصی است، اگر این اشخاص بخواهند مثل افراد معمولی هر روز به دادگاه کشانده شوند به خاطر تخلف از وظایفشان، یک وقت است جرائم عادی است آن مربوط به اصل بعدی است، اگر بخواهند به خاطر ادعای تخلف از وظایف قانونی‌شان هر روز به‌دادگاه کشانده شوند دستگاه اجرائی دچار تزلزل میشود . بنابراین گفته می‌شود که اول آن واجب سیاسی انجام بگیرد و این واجب قضائی بعد از آن باشد . این اصل مسأله هست حالا یا اینست که با این استدلالهائی که میشود مورد پذیرش دوستان هست‌خوب رأی‌مثبت‌میدهند...

ربانی شیرازی — از جنبه حقوقی مسأله، مجلس شورای ملی رأی تمایل داده است به نخست‌وزیر پس در حد رأی تمایل می‌تواند کار بکند. (نایب رئیس — رأی اعتماد داده آقا.) اینجا نوشته است «نامزد می کند و مجلس رأی تمایل میدهد و رئیس جمهور فرمان صادر می کند» مجلس شورای ملی می‌تواند دوکار بکند یا استیضاح بکند یا رأی عدم اعتماد بدهد ولی اگر جنبه قضائی داشته باشد مجلس شورای ملی نمی‌تواند جنبه قضائی داشته باشد. در مقابل رأی اعتماد یارأی تمایل هرکدام را شما بگوئید یا می‌تواند استیضاح بکند یا رأی عدم اعتماد بدهد ولی نمی‌تواند محاکمه کند.

نایب رئیس — آقای طاهری گرگانی فرمایشی دارید؟

طاهری گرگانی — سؤال من هم شبیه به سؤال آقایان است راجع به نخست‌وزیر و وزراء یک جهت مسئولیت است و یک جهت در معرض افکار عمومی قراردادن است که مردم اگر چنانچه دیدند که یک چنین اتهامی را بیخود میخواهند وارد کنند دفاع می کنند و اگر دیدند که اتهام وارد است نباید پشت پرده بماند و باید مردم مطلع بشوند ولی تمام این بیانات‌اقتضا می کند که مجلس حق رسیدگی داشته باشد اما اینکه دادگاه و مراجع قضائی حتماً باید از این کانال پرونده را تشکیل بدهند و اگر اکثریت رأی داد، این معنی ندارد.

دکتر باهنر — اجازه بفرمائید مسأله استیضاحی را که جناب آقای ربانی شیرازی فرمودند همیشه لازم نیست که نتیجه اتهام این باشد که یک وزیری از وزارت بیفتد یا مجازاتش این باشد که از وزارت بیفتد و یا آنکه طریق از وزارت افتادنش این باشد که از راه استیضاح وارد بشود. یک راهش استیضاح است، یک راهش هم این است که رسیدگی‌می کند اگر زمینه‌طوری هست که قابل ارجاع به دادگاه هست این را در واقع مجلس بررسی می کند ببیند این یک شایعه هست یا یک اتهام صرف است یا اینکه نه یک زمینه‌ای هست که قابل این است که به دادگاه ارجاع بشود پس برای این منظور هست. اما رأی دادگاه چه باشد، ممکن‌است‌اخراج باشد، ممکن است زندان باشد یا چیز دیگری باشد، پس همیشه لازم نیست که یا استیضاح و اخراج و یا رأی عدم اعتماد، ممکن است چیز دیگری باشد، بنابراین درصورتیکه متهم شده...

نایب رئیس — باز بحثها همینطور بدون نوبت شد و اگر تا غروب‌هم اینجا باشیم بجائی نمی‌رسیم. آقای دکتر غفوری شما مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

گلزادهٔ غفوری — من میخواهم بگویم که این جوابها اصلا ارتباطی به اصل موضوع

ندارد و مثل اینکه آقایان همینطور میخواهند صحبت بکنند. اتهام در اصطلاح حقوقی معنایش این نیست که مثلا یک کسی پشت سر کسی دیگر حرف بزند، مثل اینکه پشت سر شما حرف می‌زنند، اتهام معنایش این‌است که یک دلایل مستندی وجود داشته باشد که قابل رجوع به محکمه باشد آنوقت اینجا من سؤالم این است که آن کسی که متهم شده چه مرجعی این اتهام را وارد کرده است؟ حتماً به دستگاههای قضائی مراجعه کرده یا اینکه وکلائی دارند بالاخره این یک اتهام شایعه‌سازی نیست، شایعه را نمی‌گویند اتهام، اصل مسأله اینست که این‌اتهام وارد است یا نه واین یک‌اصل قضائی است. شما معنی قضات تحقیق راکه می‌دانید، اینها برای همین هستند که ببینند این اتهام وارد است یا نه، تا بعد برود به محکمه و دادستان رأی به‌تعقیب بدهد. اینها همه مسأله حقوقی است و تمام اینها را شما داده‌اید به مجلس پس‌اصل مسأله این است که اتهام، اتهام قضائی هست نه اتهام شایعه‌سازی و دوم کار قضات تحقیق‌را داده‌اید به مجلس و سوم که از همه مهمتر است، اگر آمد و اکثریت رأی نداد و دیوانعالی کشور دلایل زیادی دارد یعنی او از نظر قضائی متهم است، حالا همینطورولش کنند. اینها را جواب بدهید حاشیه‌پردازی که درست نیست.

نایب رئیس — خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — سؤال من اینست که اگر خود مجلس شاکی بود باید مجلس به پرونده خودش رسیدگی بکند؟ آیا مجلس صلاحیت این کار را دارد؟

دکتر باهنر — من پاسخ کوتاهی که در زمینه اتهام می‌توانم بدهم این است که آیا همه کسانی را که تعقیب می‌کنند قبلا پرونده اینها تکمیل شده و جرمشان مسلم شده و تهمت وارد شده تعقیبشان می‌کنند یا نه، همینقدرکه در مظنه یک جرم یا خیانتی قرار بگیرند می‌آیند تعقیبشان می‌کنند؟ ما می‌خواهیم بگوئیم همان مسأله‌ای که باعث تعقیب می‌شود همان مسأله را باید اول مجلس رسیدگی بکند اگر زمینه را طوری دید که قابل تعقیب است بعد تعقیب میشود.

یزدی — مجلس تعیین موضوع می‌کند و دادگاه هم حکم می‌دهد این دو تا را مخلوط کرده‌اند.

نایب رئیس — آقای کرمی بفرمائید.

کرمی — اگرشما می‌گوئید که نخست‌وزیر و وزیر،شأنشان جلیل است و از اینها نبایستی هرکس شکایت بکند دیگر اینجا، اکثریت مجلس چه ربطی دارد لو فرض مجلس سیصد نفر است صد و پنجاه و یک نفر رأی ندادند و صد و پنجاه نفر رأی دادند اتهام او ثابت نمی‌شود به‌خاطراین یک نفرآدم؟صحیحش این است که پرونده او باید به‌دادگاه برود وآنجارسیدگی‌شود.

دکتر باهنر — اگر این حق را برای مجلس قائل شدیم که رسیدگی به اتهام نخست‌وزیر و وزراء توسط مجلس انجام شود معنای این‌حق این است که اکثریت، نظرش مورد قبول‌باشد و اثر بکند. (کرمی — چه کسی این حق را میدهد این حرام است.) پس شما اصل حق را قائل نیستید اگر این حق را توانستیم به مجلس بدهیم مسأله صد و پنجاه و یک نفر و صد و چهل و نه نفر حل خواهد شد برای اینکه طبعاً هر پیشنهادی که به مجلس ارجاع شدبایستی اکثریت رویش نظر بدهند تا بتوانیم به آن، ترتیب‌اثر بدهیم.

ربانی شیرازی — اگر چنانچه تشخیص داد که پرونده باید به دیوانعالی کشور برود در

این مدتی که پرونده در دیوانعالی کشور است مثلا پنج ماه، یکسال، بیشتر، کمتر آیا مجلس شورای ملی با دولتی که متهم است به اینکه توطئه علیه امنیت کشور یا علیه رژیم کشور می‌خواسته بکند باید کار بکند؟

دکتر باهنر — اگر فرض کنیم که مسأله ارجاع به مجلس هم نبود و مستقیماً می‌گفتیم به دیوانعالی کشور ارجاع شود و بعد مجلس اطلاع پیدا کرد که وزیری متهم است و پرونده او در دیوانعالی کشور مطرح است چکار باید کرد؟ همان پاسخی که آنموقع میدهید حالا هم بدهید.

ربانی شیرازی — جواب قانع کننده‌ای نیست.

نایب رئیس — بحث نکنید ایشان نظر خودشان را گفتند، آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — در اینجا مطالبی طرح میشود که برخی از آنها ارتباطی به مدار بحث این اصل ندارد و بعض دیگر آنها درست نیست.

۱ — جریان استیضاح دولت توسط مجلس و رأی‌اعتماد دادن و یا ندادن، مربوط است به سقوط دولت و عدم سقوط آن که اصل جداگانه برای آن تصویب شد و ارتباطی به بحث کنونی ما ندارد.

۲ — جریان مصونیت نخست‌وزیر و وزیران و امتیاز آنان بر دیگران با اینکه در اسلام تمام افراد در برابر قانون خداوند یکسانند و این مطلب نیز درست نیست زیرا مفاد این اصل امتیاز نخست‌وزیر و سایر وزراء بر دیگران نیست برای اینکه در ذیل همین اصل آمده که بعد از رسیدگی به جرائم آنان مجازات آنها تابع قوانین عمومی است یعنی هیچ تفاوتی بین آنان و دیگران نمی‌باشد.

۳ — اینکه گفته شد مصونیت نخست‌وزیر و وزیران برخلاف شرع است چنانکه دربارهٔ مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس هم همین حرف گفته شد این هم درست نیست زیرا تخلف آنها یا در حق الله است و یا در حق‌الناس، اگر حق الله باشد که از بحث بیرون است و اگر حق‌الناس باشد چنانکه مدار سخن است مردم که صاحب حق هستند همانطوریکه میتوانند از اصل حق خود صرف نظر کنند میتوانند رضایت دهند که تحقیق دربارهٔ تجاوز به حق آنها از راه مجلس که نمایندگان همه اقشار ملت در آنجا شرکت دارند انجام شود و این تفاوت فقط در مقدمه رسیدگی به جرائم وزراء است و آنهم با موافقت مردم که به این قانون رأی مثبت میدهند در نتیجه مصونیت پارلمانی و همچنین مفاد این اصل بعد از تأمل کافی دربارهٔ آن خلاف شرع نخواهد بودو آنچه که در اینجا مهم است رسیدگی به جرائم سیاسی نخست‌وزیر و وزیران از جنبه قضائی است نه از لحاظ استیضاح و مانند آن.

کرمی— توجه بفرمائید این مسأله را یا باید حذف کنید یا جواب قانع کننده بدهید. آقای جوادی فرمودند که این حق‌الناس است، اکثریت مجلس که نمی‌توانند حق کلیه مردم را از بین ببرند.

دکترباهنر — پاسخی که دراین زمینه دارم این است که همانطور که سابرای رسیدگی‌های دادگاه یک مقدماتی قائل می‌شویم و عده‌ای را به عنوان ضابط تعیین می‌کنیم که از این مسیر خاص اگر رفت بعد می‌توانیم اینها را در دادگاه طرح کنیم می‌شود گفت که خیانت این عده در این شرایط طریقش این است اگر از این طریق رفت و این طریق تصویب کرد و رویش

صحه گذاشت به دادگاه ارجاع میشود اما اگر از این طریق طی نشد به دادگاه ارجاع نمی‌شود.

نایب رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — عرض شود در اصلی که قبلا مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد ما وقتی که رئیس‌جمهور را خواستیم عزل کنیم به دو طریق بود، جرائم را تقسیم کردیم به جرائم سیاسی و غیرسیاسی و نظر به اینکه مجلس را نمایندگان ملت دانستیم برای عزل رئیس‌جمهور از نظر سیاسی گفتیم مجلس اگر به تنهائی نظر بدهد کافی است و به این طریق گفتیم که«پس ازحکم دیوانعالی کشوربه تخلف وی ازوظایف‌قانونی یا رأی مجلس‌شورای‌ملی به‌عدم کفایت...» ببینید همان رأی مجلس به عدم کفایت او برای عزلش کافی بود و اما در اینجا علاوه‌براینکه مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی او داده بازحکم را ارجاع کرده‌ایم به دیوانعالی کشور این دیگرلزومی ندارد.

دکتر باهنر — آنجا بحث عزل بود و اینجا بحث عزل نیست بحث یک نوع خیانتی است که یک نوع محکومیتی خواهد داشت و ثانیاً اینجا مجلس رأی میدهد به اینکه قابل طرح در دیوانعالی کشور است و رأی به عزل یا عدم اعتماد نمی‌دهد.

نایب رئیس — اجازه بدهید من این بحث را تکمیل کنم، آقای فاتحی آنجا مسأله رأی به عدم کفایت بود، تشخیص اینکه او دیگر کاردانی و کارآئی‌اش ضعیف است و اصولا بحث خیانت و جرم و اتهام نبود آنجا گفتیم که اگر رئیس‌جمهور از باب تخلف از وظایف قانونی‌اش قرار است کنار برود باید دیوانعالی کشور رأی‌بدهد پس دقت کنید یعنی آن موردی را که‌اینجا گفتیم باید برود مجلس، آنجا نگفتیم باید برود مجلس آنجا گفتیم به دادگاه و آن شق دیگر، در اصل ۱۱۰ اصلا مطرح نیست و آن شق این است که اصلا مجلس نظر میدهد که این آدم لایقی نیست عدم لیاقت و ضعف لیاقت هیچ ارتباطی به‌مورد اصل ۱۱۰ یا اصل ۱۱۶ ندارد، این است که آن موضوع را در اینجا مقایسه نفرمائید. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — در خود اصل جای تردید نیست و خیلی روشن است و مجلس در واقع کسی را انتخاب کرده و باید استیفای ازحیثیت‌خودش و نخست‌وزیرش بکند تا بتواند درمملکت کار بکند و این با هیچ اصل اسلامی منافاتی ندارد و تبعیض هم نیست و درست اکثریت هم باید قانع بشود که او قابل تعقیب است یا نیست چون اکثریت مجلس هم انتخابش کرده‌است ولی پیشنهادی دارم و آن این است که همانطور که در رسیدگی به پرونده برای اینکه احتمال توطئه از بین برود این کانال را قرار دادید، کیفیت رسیدگی او هم باید طوری بشود که به اعتبارش لطمه‌ای وارد نشود بنابراین یا این پیشنهاد به رأی گذاشته شود که مجلس یک تعدادی را معین بکند که آنها رسیدگی بکنند یا اگر بنا است که خود مجلس رسیدگی بکند این رسیدگی در جلسه خصوصی باشد.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — در دفاع از این اصل یک مقدار صحبت‌هائی شد و ضعف استدلال باعث شد که شبهه قوی بشود.

نایب رئیس — شما به عنوان موافق میخواهید صحبت کنید؟

فارسی — میخواهم توضیح بدهم راجع به فرمایشات شما مخصوصاً که مسأله استیضاح را با محاکمه مخلوط کردید. در مواردی که نمایندگان مجلس سؤال می‌کنند یا استیضاح

می‌کنند، آنجا تخلف از انجام وظیفه وزارت است اما اینجا اصلا و به هیچ وجه ربطی به انجام وظیفه ندارد. وزیر کشاورزی ممکن است علیه امنیت کشور توطئه بکند ربطی اصلا به کار کشاورزی و وظیفه کشاورزی ندارد این اصل مربوط به این قضیه است، آنوقت برای رسیدگی به‌این کار درهمه‌دنیا هست که آمده‌اند ترتیبی اتخاذ کرده‌اند که با دقت انجام بگیرد همچنانکه جرائم سیاسی را از جرائم عادی جدا کرده‌اند وقتی که جرائم سیاسی به دادگاه میرود گفته‌اند یک هیأت منصفه بیایند به عنوان افراد متخصص در مسائل سیاسی و در فعالیتهای سیاسی تا حق کسی ضایع نشود، اینجا هم همینطور، وقتی یک وزیر متهم میشود به توطئه علیه کشور، در مجلس شورای ملی یک کمیسیون دادگستری هست اینها قضات هستند اینها کسانی هستند آقای دکتر غفوری که آئین دادرسی را برای دیوانعالی کشور تصویب می‌کنند، اینجور نقشی دارند حتماً این کمیسیون دادگستری که مرکب از قضات و مجتهدین هست این صلاحیت را به اندازه یک قاضی تحقیق دارد که بفهمد اساساً جرم سیاسی به وقوع پیوسته است یا نه واینها صلاحیتشان بیشتر از آن قاضی تحقیق است چون اتهام سیاسی است و کمیسیون‌دادگستری‌مجلس شورای ملی متخصص در جرم شناسی سیاسی است و اطلاعات سری که می‌تواندبه‌این کمیسیون بیاید ممکن است به دست قاضی تحقیق نرسد.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — من دو سه اشکال دارم یک اشکالم این است که چطور در این اصل رئیس‌جمهور را ذکر نکردید؟ در آن اصل که گذشت ما در آن، عزل رئیس‌جمهور را داشتیم گفتیم درصورتیکه تخلف از وظایف قانونی بکند. تخلف از وظایف قانونی یعنی ولو اینکه یک قانونی را عمل نکند غیر از توطئه علیه امنیت کشور یا جرم سیاسی هست. پس بنابراین برای رئیس‌جمهور هم بایستی که این معنا را در نظر بگیریم که در صورتیکه جرم‌سیاسی‌داشته‌باشد، اینکه ما در جرائم عادی رئیس‌جمهور را ذکرمی‌کنیم اما دراین اصل رئیس‌جمهوررانمی‌گوئیم درست نیست. اشکال دوم اینکه این موضوع همانطورکه گفتم هیچ مربوط به‌مجلس شورای ملی نیست آقای فارسی هم گفتند اگر میخواهید برای اینکه اینها چون منتخب ملت هستند از این جهت که‌حیثیت ملت ازبین‌نرود این کار را بکنید، بایستی به کمیسیون دادگستری‌مجلس به عنوان تشکیل پرونده اجازه بدهید که آنها یک بازجوئی بکنند ببینند واقعاً این اتهام درست است یا نه و این هم برای این است که ممکن است هر روزی یکی پیدا بشود و اینها را متهم بکند و ازکار بازشان بدارد. بنابراین بایستی برود به کمیسیون دادگستری مجلس، آنها رسیدگی بکنند، ببینند این جرم قابل تعقیب هست یا نه اگر جرم قابل تعقیب هست پرونده را بدهند به دادگاهی که برای جرائم سیاسی هست. و من بالاخره نفهمیدم که دیوانعالی کشور فرقش با دادگاه عادی چیست مگر اینکه بگوئید دیوانعالی کشور مأمور رسیدگی به جرائم سیاسی است. اشکال سوم اینکه خوب درمدت رسیدگی این نخست‌وزیر یا این رئیس‌جمهور، تکلیف کشورچه میشود آیا اینها سرکار خواهند بود یا معلق خواهند بود؟ این را هم ذکر نکرده‌اید.

دکتر باهنر — اعتراض اول ظاهراً وارد است، فکر می‌کنم که اگر آقایان موافقت کنند رئیس‌جمهور هم در اصل ۱۱۰ اضافه شود، چون در اصل بعدی هست رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران ولی در اصل ۱۱۰ فقط نخست‌وزیر و وزیران هست. رئیس جمهور را اگر موافقت بفرمائید که اضافه شود می‌شود رویش نظر داد.

کرمی — شما آنجا رأی دادید و تصویب کردید «بدون وساطت مجلس» اینجا میتوانید بگوئید با وساطت مجلس؟

دکتر باهنر — و اما اشکال دوم آقای منتظری که به کمیسیون قضائی ارجاع بشود، پاسخ این است که...

طاهری اصفهانی — رئیس جمهور را باید در فصل خودش بحث بکنیم اینجا بحث نخست‌وزیر و وزیران است.

دکتر باهنر — و اما در زمینه مسأله کمیسیون قضائی مجلس هر مسأله‌ای که در مجلس مطرح میشود طبعاً در اولین مرتبه به کمیسیون مربوط و متناسب بااین مسأله ارجاع خواهدشد. یک لایحه یا یک طرح اقتصادی، اول در کمیسیون اقتصادی مطرح خواهد شد و یا یک‌اتهامی مطرح شده در بیرون یا در روزنامه‌ها یا به‌وسیلهٔ اشخاص و ارجاع شده به مجلس، مجلس اول این را ارجاع میدهد به کمیسیون قضائی تا او روی این مسأله نظر بدهد، چه بسا در همان کمیسیون قضائی مسأله دفن بشود، مثل بسیاری از لوایح و طرحها که در کمیسیون مربوط یا تصحیح می‌شود و یا رد می‌شود و یا آماده‌اش می کنند برای طرح در جلسهٔ علنی ، بنابراین طبعاً آنچه خواستهٔ شما هست عملی خواهد شد. (منتظری — کمیسیون کافی است و احتیاجی به رأی مجلس نیست.) نه و اما چنانچه کمیسیون قضائی رسیدگی کرد و از این نظر مسأله را قابل طرح دانست حق نمایندگان مردم است که به این مسأله نظر بدهند که قابل تعقیب است یا نه.

گلزادهٔ غفوری — اگر رأی ندهند منتفی میشود؟

نایب رئیس — فعلا معنی این اصل این است، اجازه بفرمائید به رأی میگذاریم، آقای باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر — و اما اینکه چرا اتهامات سیاسی میرود به دیوانعالی کشور و جرائم عادی و معمولی میرود به دادگاههای عادی، جرائم عادی به دادگاههای عمومی دادگستری معلوم است که چرا، و اما دیوانعالی کشور تا آنجا که فعلا در ذهن ما است یک دادگاه عالی‌است برای رسیدگی به مسائل مهم سیاسی مملکتی. و اما اینکه ما در طرح قضائیمان چند نوع دادگاه خواهیم داشت، آیا دادگاههای رسیدگی به‌مسائل سیاسی جدا است و یا هیأت منصفه بایداضافه کنیم و یا صورت دیگری، این بعداً تکمیل خواهد شد و اگر بعد دیدیم که یک دادگاه‌مهمتری مسئول رسیدگی به جرائم مهم سیاسی هست ممکن است این اصطلاح را بعد اینجا عوض‌بکنیم، فعلا ما با سابقه ذهنی که از دیوانعالی کشور داریم به این اصطلاح روی می‌آوریم.

نایب رئیس — آقای میرسرادزهی فرمایشی دارید بفرمائید.

مکارم شیرازی — ترتیب کار عوض شده چهار پنج تا مخالف و چهار پنج تا موافق صحبت میکنند.

نایب رئیس — عملا اینطور شده آقای میرسرادزهی هم بفرمائید بعد به رأی میگذاریم.

موسوی تبریزی — هر کس تذکری دارد اجازه بفرمائید بدهد، این اصلی که‌اینجاهست در کمیسیون مشترک‌گروهها بحث‌شد وانگهی همانطور که آقای‌سبحانی فرمودند روحش همان صیانت است منتها ببینم آیا برای حفظ تثبیت سیاست مملکت می‌توانیم اینکار را...

نایب رئیس — این چیزی که رویش بحث شده، آقای میرسرادزهی بفرمائید.

میرمرادزهی — ما قبلا هم قانون محاکمه وزراء داشتیم هر چند که تا حالا هیچ وزیری را محاکمه نکرده‌ایم و صلاحیت رسیدگی هم داده بودند به دیوانعالی کشور هر چند که باز وظیفه‌اش رسیدگی شکلی بود نه ماهیتی ، ولی در این مورد بخصوص صلاحیت رسیدگی ماهیتی را هم داده بودند با توجه به پرونده‌ای که در مجلس بسته میشد و کمیسیون قضائی البته، کمیسیون قضائی که در مجلس هست اینها صلاحیت دارند و قوانین را اول اینها بررسی میکنند و بعد به مجلس میرود.

نایب رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — بنده با محتوای اصل موافقم ولی دو تا تذکر عبارتی‌دارم، یکی اینکه بنویسیم چنانچه اکثریت مجلس به وقوع اتهام رأی دادند، یکی هم این هیأت عمومی دیوانعالی را بنویسیم: «دادگاه صالحه».

نایب رئیس — خیلی متشکر یک کلمه اصلاح شده برای تصریح است و اصل ۱۱۵ با این اصلاح برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۱۱۵ — نخست‌وزیر و وزیران در صورتیکه در زمان تصدی متهم به خیانت‌سیاسی یا توطئه برضد امنیت کشور گردند اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، هیأت عمومی دیوانعالی کشور رسیدگی به عمل می‌آورد، مجازات این جرائم تابع قوانین عمومی است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد.)

نایب رئیس — نتیجه رأی را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی ، موافق سی و هشت نفر ، مخالف شش نفر ، ممتنع هفده نفر ، رد شد.

٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۶ (اصل یکصد و چهلم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۶ مطرح است.

مکارم شیرازی — اینهم مربوط به همان اصل قبلی است.

نایب‌رئیس — این اصل مستقلا مطابق نظر همه‌تان است، اجازه بفرمائید قرائت‌میکنم:

اصل ۱۱۶ — رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی بااطلاع مجلس شورای ملی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام میشود.

به نظر من این اصل بحثی هم ندارد.

مکارم شیرازی — این اصل صددرصد درست است ولی اگر آن اصل را بگذاریم کنار،این اصل بدون آن اصل اصلا نادرست است ، چرا؟ به دلیل اینکه جرائم عادی را گفتید ، ولی درباره جرائم غیر عادی که مهم‌تر است ساکت شدید.

نایب رئیس — عیبی ندارد، تمام این بحث‌هایی که ما کردیم شامل این مطلب هم میشد دیگر بحث به نظر من زائد است این اصل را به رأی می‌گذاریم.

خانم گرجی — این اشکالی که آقای طاهری گفتند که اینجا بحث نخست‌وزیر و وزیران است آیا در این اصل آوردن رئیس‌جمهور اشکالی ندارد؟

نایب رئیس — اشکالی ندارد البته بهتر است آنجا بیاید ولی گاهی برای جلوگیری از

تکرار ناچار میشویم. بنابراین، اصل ۱۱۶ را برای رأی‌گیری قرائت میکنم:

اصل ۱۱۶ (اصل یکصد و چهلم) — رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و نخست وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام میشود.

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی را اعلام میکنم، عده حاضر هنگام رأی‌گیری شصت و یک‌نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی، موافق پنجاه و شش نفر، مخالف هیچ، ممتنع پنج نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

همانطور که عرض کردم چون بحث در مورد هر دو اصل یکی بود بنابراین بحث تازه‌ای هم نداشتیم.

رشیدیان — با همه علاقه‌ای که هیأت رئیسه به ایجاد نظم دارد، اما مطلبی هست که باید توجه داشته باشید، یک ساعت روی این اصل بحث شده، باید خود شما این شم را داشته باشید که البته هم دارید ولی یک مقدار بیشتر باید دقت بفرمائید که‌این اصل تصویب‌نمی‌شود و آقایانیکه اینجا صحبت میکنند یا مخالفت میکنند پیشنهاداتشان را قید بکنند که چه تغییری داده شود چون یکساعت تمام روی این اصل بحث شد هیچ چیزی نه کم نه زیاد فقط یک کلمهٔ «در زمان تصدی» اضافه شد که آنهم زائد است، اگر یک مقداری تغییر و تحول پیدا میکرد و یک مقدار کلمات عوض میشدند مسلماً به این شکل رد نمیشد.

۵ — طرح اصل ۱۱۷

نایب رئیس — استنباط من این بود که این از آن قبیل نبود، در مواردی ممکن است استنباطم درست نباشد ولی در اینمورد استنباط من این بود که مجلس در دو طرف قضیه قرار دارد و این چیزی نیست که با اصلاح حلش بکنیم، بنابراین اصل ۱۱۷ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۱۷ — رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران و هیچیک از کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک مقام رسمی دولتی قبول نمایند. داشتن هر نوع شغل در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی و وکالت دادگستری و مشاور حقوقی برای آنان ممنوع است.

نخست‌وزیر میتواند بطور موقت تصدی چند وزارتخانه را بپذیرد.

سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات علمی از این قاعده مستثنی است.

نایب رئیس — آقای قرشی نظری دارید؟ (قرشی—موافقم) آقای خامنه‌ای نظری‌دارید؟

خامنه‌ای — من تذکری دارم در مورد اضافه‌شدن مشاور حقوقی در اینجا، چون اینهائی که ما اسم بردیم از نظر این است که مستقیماً در جریان کسب منافع و سوءاستفاده از مقام هستند. مشاور حقوقی و اصولا مشاور، این جا این خاصیت را ندارد و قبلا هم در پیش‌نویس نبوده به صرف اینکه یک امر حقوقی است و شباهت با وکالت دارد شامل نمی‌شود. نکته دوم

اینکه در سطر بعد که نوشته «نخست وزیر میتواند بطور موقت تصدی چند وزارتخانه را بپذیرد این ممکن است پنج ، ده وزارتخانه را شامل بشود و این عملی نیست چون حداکثر یک یا دو وزارتخانه را میشود گفت ولی نوشتن «چند» اینجا زیاد است برای اینکه نخست‌وزیر دو تا را تعیین میکند و بیست‌تا وزارتخانه را بین سه‌نفر تقسیم می‌کند واین عملی نیست و وزارتخانه‌ها مسلماً از کارشان می‌مانند.

نایب رئیس — نگفتند که وزراء تقسیم کنند فقط نخست‌وزیر، آنهم مجلس میتواند این تشخیص را بدهد که آیا در چه مرحله است.

سبحانی — این مشاور حقوقی را خود آقای خامنه‌ای در جلسه گروهها پیشنهاد کرد.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — این مقام رسمی دولتی که نوشته شده، مقام رسمی و غیر رسمی چیست؟

نایب رئیس — یعنی مقام وقتی دولتی شد خود بخود رسمی است ؟ (منتظری — بله.) سؤال آقای منتظری این است که مقام وقتی دولتی شد خود به خود رسمی است.

دکتر شیبانی — ممکن است ریاست افتخاری بدهند.

منتظری — بالاخره مقامی باید باشد و وقتی مقام، دولتی شد پس رسمی است.

نایب رئیس — لااقل تأکیدی است برای پرهیز از بعضی چیزها.

منتظری — اگر اینطوری باشد فردا میگویند همه‌اش افتخاری است بنابراین «رسمی» زیادی است.

نایب رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — بنده دو سؤال داشتم که یکی را آقای خامنه‌ای فرمودند و دوم اینکه وقتش یعنی تاکی تصدی وزارتخانه را عهده‌دار باشد، اینجا باید مشخص شود. یکی هم سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات علمی از این قاعده مستثنی است، این بیشتر وقت میگیرد،اگر منظور احتراز از اینکه وقت وزراء و نخست‌وزیر را بگیرد هست، که خود این مقام علمی وقت بیشتر میگیرد چون شب باید مطالعه بکند و صبح برود سر کلاس ، بنابراین، این‌دو تا باید معلوم بشود.

نایب رئیس — آقای عضدی نظری دارید؟ (عضدی — موافقم) خانم گرجی فرمایشی دارید؟

خانم گرجی — راجع به مشاور حقوقی وقتی استفاده سیاسی است چرا از او استفاده نشود؟

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی نظری دارید؟

طاهری اصفهانی — اولا به جای «مشاور حقوقی» باید نوشته شود «مشاورهٔ حقوقی» مسأله بعدی اینکه، شما این اصل را برای چه اینجا گذاشتید برای اینکه افرادی که مثل رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیران عهده‌دار یک مسئولیتی هستند در مقابل ملت و کشور اینها از کارشان باز نمانند، مگر اینطور نیست؟

نایب رئیس — دو چیز است، ذیلش برای جلوگیری ازاعمال نفوذ احتمالی‌است وصدرش مربوط به این است که مشاغل دولتی متراکم نشود.

طاهری اصفهانی — اگراینطور باشد باید درآن قسمت‌آخر سمت‌های‌آموزشی دردانشگاهها و مؤسسات علمی از این قاعده مستثنی است، یک قیدی میخواهد «در صورتیکه مانع کار و

مسئولیت آنها نباشد».

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بنده پیشنهادی دارم و آن این است که ما میدانیم با گذشت زمان نیازهای مملکت تغییر پیدا میکند و بعلاوه در یک شرایط ممکن است فرضاً شغل زیاد باشد و نفرات کم باشد و یا بالعکس در مسائل تخصصی، پیشنهادم این است که بگوئیم «مگر در موارد ضرورت به تصویب مجلس» یک همچون قیدی بگذارید و دست و پای مردم را هم نبندید.

نایب رئیس — آقای یزدی فرمایشی دارید؟

یزدی — روشن است که ملاک این اصل رشد اسنعدادهاست و اینکه افرادتان کافی باشد. در مسأله نخست‌وزیر که میگوئید چند تا وزارتخانه را میتواند به عهده بگیرد، لااقل این قید را بیاورید که در صورت ضرورت میتواند بطور موقت تصدی چند وزارتخانه را بپذیرد.

نایب رئیس — آقای غفوری بفرمائید.

گلزادهٔ غفوری — البته اینجا که نوشته شده رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران درست، ولی در مورد کارمندان کاری بکنید دست اینها باز باشد و دولت باید از تمام وقت اینها استفاده بکند و در مورد مشاور حقوقی و وکالت، کاری نکنید که در مضیقه باشند.

نایب رئیس — آقای طاهری گرگانی فرمایشی دارید؟

طاهری گرگانی — یکی از ابتلائات بزرگ مملکت ما مسأله همین دانش‌آموزان است که گرفتار این دبیران غیرصالح بودند و اینها به‌انواع و اقسام کلاس را میگذراندند و حتی گاهی نمره دادن در گرو این میشد که اینها در آموزشگاهها شرکت کنند و خیال میکنم که تقیید کردن این ذیل خیلی لازمتر باشد از آن، چون فرهنگ آینده، غیر از فرهنگ گذشته است.

نایب رئیس — آقای شهزادی بفرمائید.

رستم شهزادی — وقتی نخست وزیر نتوانست از عهدهٔ تصدی چندتا وزارتخانه برآید خواه ناخواه وزیر برای خودش انتخاب می کند و اگر در موقع بحرانی کسی پیدا نشد یا نتوانست پیدا کند باز خواه ناخواه خودش باید تصدی را قبول بکند، همینطور در مورد آموزش او در دانشگاهها وقتی دید کارش سخت است و از عهده‌اش برنمی‌آید و وقتش را هم نداردنمی‌رود.

نایب رئیس — آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — من معتقدم این را به عهدهٔ مجلس شورا بگذاریم چون مسأله پیچیده‌ای است فقط در مورد رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران اینجا تصمیم بگیریم و بقیه یعنی کارمندان را بگذاریم به‌عهدهٔ مجلس شورا.

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای نظری دارید؟ (مقدم مراغه‌ای — مخالفم) آقای شیبانی نظری‌دارید؟ (شیبانی — موافقم) آقای‌عضدی نظری‌دارید؟ (عضدی — موافقم) آقای‌باریک‌بین نظری دارید؟

باریک‌بین — یک جهت اینکه این مقام رسمی دولتی ظاهراً ریاست و مدیریت و معاونت و اینها را در برمی‌گیرد، اگر به‌جای «مقام»، «شغل رسمی دولتی» بگذاریم که کارمندی ادارات را هم در بربگیرد فکر میکنم بهتر باشد. جهت دیگر اینکه با در نظر گرفتن اینکه در جمهوری اسلامی رئیس‌جمهور واقعی همان رهبر است و بعد رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر که سه تا مقام

برجسته درصدر مملکت هستند اگر قانون تجویز کند که رئیس جمهور بتواند در عین حالیکه رئیس جمهور است مقام نخست‌وزیری را هم داشته باشد.

نایب رئیس — این چه ربطی به اینجا دارد؟ ما شغل ها را جدا کرده‌ایم.

باریک‌بین — این هم شغل است به‌خاطر این عرض کردم که اگر مجلس رأی عدم اعتماد به او داد از مقام نخست‌وزیر بیفتد ولی در مقام رئیس جمهوری باشد.

نایب رئیس — ما این شغل ها را قبلا تفکیک کرده‌ایم و مربوط به اصول قبل است و در دستور امروز نیست. آقای سراغه‌ای بفرمائید به عنوان مخالف صحبت بکنید.

مقدم سراغه‌ای — به نام خدا، البته بنده مطلب زیادی ندارم عرض بکنم، فقط میخواهم عرض بکنم که این را یک اصل نمی‌توان گفت بلکه یک ضد اصل است، اصل چیزی است که بر مبنای آن اصل سایر قوانین لازم بشود، اینجا آمدید مستثنیات را ذکر کردید که نباید اینکار بشود ، به عقیده بنده این باید جزو قوانین عادی باشد و هیچ لزومی ندارد که به عنوان یک اصل ذکر شود. الان ایرادی که بر ما گفته میشود این است که در یک اصل توضیحات زیادی را می‌آوریم که منع و محدود میکند و هیچگونه راهی برای آینده دستگاه حکومتی باز نمی کند و به عقیده بنده این توضیحات زائد است.

نایب رئیس — آقای قرشی بفرمائید به عنوان موافق صحبت بکنید. (یزدی — پس ممنوعیت‌ها همه‌اش ضداصل است.) آقای قرشی به عنوان موافق جواب میدهند ، بفرمائید.

قرشی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولا این اصل زمینهٔ شرعی دارد همانطوریکه در گذشته از فرمان مالک اشتر خوانده شد، و یک شرط‌هائی است به نام شرط مباح، و آن این است که من به یک شخصی میگویم کـه من ترا یا این شرط اجیر میکنم یـا فلان قـرارداد را می‌بندم بشرط اینکه فلان کار مباح را انجام‌بدهی، پس از لحاظ شرعی این اصل زمینه شرعی دارد. از لحاظ دیگر ما که نمایندگان ملت هستیم باید بعد از مطابقت با دستور خدا مصلحت ملت را در وضع قوانین در نظر بگیریم. این شرایط از دو لحاظ مصلحت ملت را در بردارد، یکی اینکه اینها بیشترفعالیتشان در مسیر کارهای ملت قرار میگیرد و دیگری اینکه از این مقامات واین مشاغلی که اینجا قید شده سوء استفاده نمی کنند و چون در صورت‌بودن این‌شرایط نمی‌توانندسوءاستفاده بکنند این به‌صلاح و مصلحت ملت است. واز طرف‌دیگر در نهج‌البلاغه داریم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به کفش خود وصله میزد و به‌ابن‌عباس فرمود این چه اندازه ارزش دارد؟ گفت ارزشی ندارد و قیمتی ندارد، فرمود به خدا سوگند امیرالمؤمنین بودن و سرپرست بودن برای‌شما در نزد من از این کفش بی‌ارزشتر است، مگر آنکه حقی را اقامه بکنم یا ظلم و مظلمه‌ای را از بین ببرم. ما میخواهیم کسانی که در رأس امور واقع میشوند اشخاصی باشند که دنیاپرست و سودجو و نظیر اینها نباشند، کسانی باشند که گرد دنیا دوستی بر دامنشان حتی‌المقدور ننشسته باشد. اما آنچه آقای رشیدیان فرمودند راجع به‌مدتش، مدت تا وقتی است که ضرورت ایجاب میکند. اما اینکه فرمودند چند وزارتخانه از عهده یک نفر نخست‌وزیر ساخته نیست این هم فکر میکنم مهم نباشد چون نخست وزیر میتواند بوسیله معاونان آن وزارتخانه تا ضرورت ایجاب میکند آن وزارتخانه را اداره بکند. اما مسأله مشاورهٔ حقوقی، اینهم آنطوریکه جناب آقای خامنه‌ای فرمود درمظان این هست که اگراین سمت را داشته‌باشند ازمقامش سوءاستفاده‌بکند و این هم به ضرر ملت تمام میشود لذا فکر می کنم این قید هم باید باشد. اما آنچه که جناب

آقای مراغه‌ای فرمودند که‌این را نمی‌شود «اصل» گفت، باید عرض کنم که یک اصل بسیار موجه متنابهی است و شاید ازسایر اصلها بالاتر و بیشتر مصلحت و صلاح است را درنظردارد و عرض کردم که‌زمینه شرعی هم دارد. و بعد که فرمودند مشکلات ایجاد میکند، به نظر من هیچ مشکلی را ایجاد نمیکند ، ما شرط می‌بندیم از همین حالا که کسی نمی‌تواند متصدی امور ما باشد که حائز این‌شرایط باشد،اگرحائزنیست برود کنار واشخاصی که واقعاًخیراندیش هستند و به‌نفع این‌ملت میتوانند با این شرایط کار بکنند آنها جلو بیایند و مقام را قبول بکنند.

نایب رئیس — آقای منتظری سؤالی دارید؟

منتظری— فرض کنید یکی درفرمانداری کارمیکند وعصر میخواهدبرودرشیروخورشید کار کند، نمی‌تواند؟ ما با عبارت «کارمندان دولت» در اینجا مخالفیم.

نایب رئیس — آقای ضیائی مطلبی بود؟

دکتر ضیائی — عرض میکنم که چرا باید عده‌ای دو سه نوع کار داشته باشند و عده زیادی بیکار بگردند؟

نایب رئیس — همینطور است ، اینها زمینه‌های بیکاری عده‌ای زیاد و پرکاری عده‌ای دیگر میشود.

ربانی شیرازی — من یک نوشته‌ای خدمتتان فرستادم، ملاحظه بفرمائید.

نایب رئیس — اینکه ربطی به این مسأله ندارد. (ربانی شیرازی — چرا، قسمت دومش مربوط میشود.) پیشنهاد آقای ربانی این است که نه تنها در هیأت مدیره بلکه در هیأت امناء هم نمی‌توانند شرکت داشته باشند. من این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم.

رشیدیان — اول اصلاحات را انجام بدهید بعد رأی بگیرید.

فاتحی — من با این اصل مخالفم.

نایب رئیس — بسیار خوب، شما اگر مخالف هستید رأی مخالف بدهید. من اصل ۱۱۷ را برای رأی‌گیری میخوانم و دیگر به هیچ سؤال و تذکری هم جواب داده نمی‌شود.

اصل ۱۱۷ — رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران وهیچیک‌ازکارمندان دولت‌نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی قبول نمایند. داشتن هر نوع شغل در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی برای آنان ممنوع است . نخست‌وزیر میتواند بطور موقت تصدی چند وزارتخانه را بپذیرد. سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات علمی از این قاعده مستثنی است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء شصت رأی (یک رأی خارج شد) آراء موافق چهل و شش رأی ، آراء مخالف چهار رأی، آراء ممتنع نه رأی، بنابراین تصویب نشد. اصل بعدی خوانده میشود.

دکتر شیبانی — تعداد نمایندگان شصت نفر بوده، در اینجا اشتباه کرده‌اند. (عده‌ای از نمایندگان — رأی گیری مخدوش است.)

تهرانی — باید دوباره رأی بگیرید چون رأی‌گیری مخدوش است.

نایب رئیس — میفرمائید رأی‌گیری مخدوش است؟

یزدی — حد نصاب برای رأی چهل و هفت نفر باید باشد یا چهل و هشت نفر ؟

نایب رئیس — این مسأله را سطرح نفرمائید فقط و فقط اگر میفرمائید رأی‌گیری مخدوش است، میتوانیم دوباره رأی بگیریم (همهمه نمایندگان) .

مقدم مراغه‌ای — اینکه روال همیشگی شد.

تهرانی — ما گفتیم چهل و هفت رأی، ملاک حد نصاب است.

نایب رئیس — یک اشکال دقیق اینجاست که برفرض مخدوش بودن، این، فقط مربوط به یک رأی میشود و این یک رأی چون اگر اضافه هم کنیم، چهل و هفت رأی میشود، باز هم حد نصاب لازم را نداریم.

پرورش — وقتی که رأی مخدوش است، باید مجدداً رأی‌گیری بشود یا نشود ؟

نایب رئیس — معنی مخدوش بودن این است که یک طرف مسأله احتمال نتیجه دیگر بدهد. چون شبهه راجع به یک رأی است به فرض اینکه یک رأی اضافه کنیم در نتیجه اثری نمی‌کند، پس باز هم نمی‌توانیم مجدداً رأی‌گیری کنیم.

ربانی شیرازی — شما دو سوم آراء را چند رأی میدانید؟

نایب رئیس — این بحثش در اینجا نیست، بنای ما تا به حال چهل و هشت رأی بوده است یعنی وقتی چهل و هشت رأی داشتیم اصل تصویب میشود.

رشیدیان — همه نمایندگان مجلس میگویند رأی مخدوش است، شما چه میگوئید؟ با یک اصلاح جزئی آنرا دوباره به رأی بگذارید.

پرورش — شما یک اصل مردمی را بعد ازاینهمه صحبت و بحث‌میخواهید رد کنید؟ خوب، یک اصلاح در آن به عمل بیاورید و مجدداً رأی بگیرید.

نایب رئیس — آقای پرورش، من به این اصل رأی موافق داده‌ام، ولی هنگام‌رأی‌گیری عده‌ای از آقایان تشریف میبرند بیرون، در نتیجه این اصل مردمی با یک رأی کمتر رد میشود. (عده‌ای ازنمایندگان— دوباره به‌رأی‌بگذارید.) ازدوستان خواهش میکنم پیشنهادی که مخالف نظم جلسه باشد به من ندهید که نمی‌پذیرم.

رشیدیان — وقتی همه نمایندگان مجلس میگویند مخدوش است‌چرا شمامقاومت‌میکنید؟

نایب رئیس — برای اینکه مسئولیتش به عهدهٔ من است.

رشیدیان — چه مسئولیتی؟ اصلاح کنید و دوباره رأی بگیرید.

ربانی شیرازی — شما آقای دکتر بهشتی تابع نظر اکثریت مجلس هستید.

نایب رئیس — در این مورد خیر. (همهمه نمایندگان)

هاشمی‌نژاد — چرا همین الان تعیین نمی‌کنید که حد نصاب در رأی چقدر است؟

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد یک وقتی است که شما میفرمائید الان دستور جلسه‌را کنار بگذاریم وراجع به‌این مسأله صحبت کنیم، این‌بحث جداگانه‌ای‌است ولی تا این لحظه در مورد تمام‌اصول ما چهل‌وهشت رأی را ملاک قرار داده‌ایم. آقایان‌جز اینکه‌وقت‌رامیگیرید ونمی‌گذارید به اصول دیگر بپردازیم، چه نتیجه‌ای دارد؟

موسوی اردبیلی — مسأله این است که اکثریت معتقدند که رأی‌گیری مخدوش است.

نایب رئیس — من که توضیح دادم آقای موسوی اردبیلی. (موسوی اردبیلی — ولی اکثریت توضیح شما را قبول ندارند.) من به این اصل رأی مثبت دادم، یعنی علاقه داشتم‌این

اصل تصویب شود ولی این علاقه من نباید باعث شود که از مجرای اصولی اداره این جلسه سهم، به خاطر این مسأله تخلف کنیم.

ربانی شیرازی — شما باید تابع اکثریت باشید. اکثریت میگوید مخدوش است و باید دوباره رأی بگیرید.

نایب رئیس — من دارم توضیح میدهم آقا، میگویم که مخدوش بودن حداکثر راجع به یک رأی است و نه بیشتر.

دکتر شیبانی — آقای بهشتی، ما الان پیشنهاد میکنیم که در همین جلسه معین کنید که دو سوم آراء چقدر است.

نایب رئیس — اجازه بدهید این بحث را خاتمه دهیم و به اصول بعدی بپردازیم.

خامنه‌ای — چون روی این اصل وقت صرف شده حذفش صلاح نیست و طرح مجددش باعث اتلاف وقت در جلسات آینده است. شما با پیشنهادی که میشود اصلاح عبارتی کنید و رأی بگیرید.

موسوی تبریزی — شما یک اصلاح عبارتی بکنید، یعنی یک کلمه «کارمندعالیرتبه» را اضافه کنید و رأی بگیرید، آنوقت من و آقای مکارم رأی مثبت میدهیم و حدنصاب می‌آورد.

نایب رئیس — آنوقت من رأی مخالف میدهم و باز تصویب نمی‌شود.

موسوی‌اردبیلی — در اینجا که چنین اشکالی پیش می‌آید چه کسی باید تصمیم بگیرد، هیأت رئیسه؟

نایب رئیس — بله آقای موسوی اردبیلی، در اینجا باید هیأت رئیسه تصمیم بگیرد. مسأله بسیار روشن است، برای اینکه در موقع رأی‌گیری مسلماً تعداد نمایندگان حاضر در جلسه بیش از شصت نفر نبوده، خدشه رأی هم مربوط به همین قسمت است که پنجاه و نه نفر بوده‌اند یا شصت نفر. بنابراین اگر فرض کنیم که شصت نفر در جلسه بوده‌اند تعداد آراء موافق از چهل و شش به چهل و هفت رأی میرسد که باز هم به حد نصاب نمی‌رسید، پس به هیچ عنوان امروز قابل تجدید رأی نیست و من اینکار را نمی‌کنم.

دکتر ضیائی — ما کاری به نتیجه رأی‌گیری نداریم، ما میگوئیم رأی مخدوش است.

ربانی شیرازی — اصلاح کنید و دوباره به رأی بگذارید. (همهمه نمایندگان) من نمیدانم چرا شما دیکتاتوری رفتار میکنید؟ (نایب رئیس — من؟ من فکر نمیکنم.) بله شما، اکثریت مجلس میگویند که یا اصلاح کنید یا دوباره‌به رأی بگذارید ولی شما مرتب توضیح میدهید که اگر یک رأی هم اضافه شود چه میشود.

نایب رئیس — اگر اکثریت بگویند که خلاف رفتار کن، من این کار را نمی‌کنم.

ربانی شیرازی — نمیگویند خلاف کنید، پیشنهاد میکنند که اصلاح کنید وتغییر بدهید و مجدداً اصل را با ورقه رأی بگیرید.

نایب رئیس — آقای عزیز ما یک آئین‌نامه‌ای برای اداره جلساتمان داریم. در آن آئین‌نامه گفته شده است که اگر اصلی به رأی گذاشته شد دیگر در همان جاسه قابل طرح نیست مگر آنکه به گروه برگردد.

ربانی شیرازی — این در صورتی است که پیشنهادی نباشد. ما الان پیشنهاد میدهیم آنرا اصلاح کنید، این که منع آئین‌نامه‌ای ندارد.

نایب رئیس — لطفاً آئین‌نامه را مطالعه کنید ببینید چنین کاری میتوانیم بکنیم؟

موسوی اردبیلی — اگر بر طبق آئین‌نامه دراینگونه موارد هیأت‌رئیسه باید تصمیم بگیرد، خوب تصمیم بگیرند.

نایب رئیس — بر طبق آئین‌نامه باید هیأت رئیسه تصمیم بگیرند، یعنی مسئول جلسه باید تصمیم بگیرد. (همهمه نمایندگان)

ربانی شیرازی — این درست نیست آقا، همه نمایندگان مجلس معتقدند که رأی‌گیری مخدوش بوده و باید دوباره رأی گرفت ولی شما قبول ندارید.

یزدی— آقای دکتر با یک کلمه غائله ختم میشود .

نایب رئیس — با کدام یک کلمه؟ همه میگویند با یک کلمه مسأله تمام است.

یزدی — اینکه شما میفرمائید خدشه دراین است که آیا پنجاه و نه‌نفردرجلسه بوده‌اندیا شصت نفر، یک ملاک دیگرخدشه هم هست. (نایب‌رئیس— آن ملاک خدشه که‌می‌فرمائید چیست؟) و آن، یک رأی اضافی تعهدی است که حتی با سند میتوانیم نشان بدهیم یعنی از دو جهت خدشه است، و چون دو جهت خدشه وجود دارد شما در رأی‌گیری تجدیدنظر بفرمائید.

نایب رئیس — آن رأی اضافی که شما میفرمائید، موافق است یامخالف؟ (یزدی — مخالف) اگر فرض کنیم که آن یک رأی، رأی مخالف هم بوده نتیجه‌ای در رأی‌گیری ندارد.

یزدی — چرا، برای اینکه وقتی به قید قرعه یک رأی اضافی را حذف فرمودید، چون‌رأی مثبت حذف شد، پس در حقیقت دو رأی مثبت از مجموع آراء مثبت حذف و خارج شده است و درعوض یک رأی هم به آراء مخالف اضافه گردیده.

نایب رئیس — پس میفرمائید دو خدشه وجود دارد؟ آنچه شما میفرمائید معنایش این است که یکی از آقایان موافقین رأی خود را درگلدان نینداخته است.

یزدی — یعنی اینکه‌یکی ازمخالفین، دورأی کبود درگلدان انداخته است تا غیر از رأی کبود خودش یک رأی به آراء مخالف اضافه شود.

نایب رئیس — بنده میگویم شصت کارت که بیشتر در اینجا نبوده است اگر درآنموقع شصت نفر در جلسه باشند و به تعبیر جنابعالی یک مخالف هم دو تا کارت درگلدان انداخته باشد، پس باید شماره کارت گلدان شصت و یک باشد، اینکه معقول نیست آقا.(همهمه نمایندگان)

رشیدیان — آقا چرا اینقدر معطل میکنید؟ شما به هیچ پیشنهادی توجه نمی‌کنید.

نایب رئیس — من حضور دوستان عرض کردم که از من،تخلف ازمقررات به استنادرأی جلسه نفرمائید.

صدوقی— آقای دکتربهشتی شما کاری به‌نتیجه نداشته باشید، آیا این رأی‌گیری‌برخلاف بوده یا نبوده؟ اگر مخدوش بوده، دوباره رأی بگیرید.

نایب رئیس — جناب صدوقی، من توضیحم را عرض کردم.

ربانی املشی — تشخیص این مسأله با هیأت رئیسه است ولی هیأت رئیسه الان بیایند تصمیم بگیرند که در این مورد یک نظرخواهی هم با دست بکنید.

نایب رئیس — آقای ربانی، من که حرفی ندارم اینجا اشتباه شد من نمی‌خواهم عرض کنم که این یک مسأله‌ای است که تصمیمش با ماهاست و آقایان نباید در این مورد تصمیم

بگیرند، بلکه بنده عرض میکنم تشخیصی که ما میدهیم این است که این اصل چون در اینجا رد شد باید مجدداً به گروه برگردد تا قابل طرح در جلسهٔ علنی باشد. پیشنهاد آقایان این است که به خاطر این اصل ما آئین‌نامه را زیرپا بگذاریم، و من عرض کردم که شخصاً خلاف نمی کنم.

ربانی شیرازی — آقایان میگویند رأی‌گیری مخدوش بوده است. (همهمه نمایندگان)

نایب رئیس — اگر همه با هم صحبت کنیم از همین بحث هم نتیجه نمی‌گیریم خواهش میکنم رعایت نظم جلسه را بفرمائید. آقای فارسی مطلبی دارید؟

فارسی — این اصل به شکلی که از کمیسیون آمده باید در اینجا مطرح شود که مطرح نشده و شما یک تغییراتی در آن داده‌اید. من پیشنهاد میکنم شما این اصل رابدون‌این‌تغییرات و به همان شکل که از کمیسیون آمده مطرح کنید و به رأی بگذارید.

خامنه‌ای— آقای رئیس اجازه بدهید من مادهٔ ۹ ٤ آئین‌نامه رامیخوانم، دراین ماده آمده است که «هرگاه اصلی از اصول در مجلس تصویب شود مجدداً قابل طرح در مجلس نیست مگر در شور نهائی که در مرحله چهارم صورت میگیرد» اما اگر یک اصلی رد شد در این مورد دیگر چیزی ندارد و آئین‌نامه در این مورد ساکت است بنابراین آنکه شما فرمودید در مورد اصلی هست که تصویب شده و دیگر قابل رأی‌گیری مجدد نیست.

نایب رئیس — ما در آئین‌نامه یک ماده دیگر هم داریم که راجع به یک مطلب دوبار رأی گرفته نمی‌شود.

خانم گرجی — اشکال وارد است و توضیح شما را نمی‌پذیرند.

پرورش — اجازه میدهید دو کلمه عرض کنم؟ (همهمه نمایندگان)

طاهری اصفهانی — چرا وقت تلف میکنید؟ اگر تصمیم با هیأت رئیسه است و مجلس تشخیص داد که باید دوباره رأی گرفته شود، نمی‌شود رأی‌گیری مجدد کرد؟

نایب رئیس — من و یا هر یک از شما که مسئول جلسه باشیم، وظیفه داریم جلسه را برطبق آئین‌نامه اداره کنیم. اگر در یک موقع مجلس و یا حتی هیأت‌رئیسه رأیی بدهد که به نظر مسئول مجلس تخلف از آئین‌نامه است این هیچوقت برای او مجوز نیست. هیچ مسئولی در هیچ جائی، نمی‌تواند برخلاف مقرراتی که وجود دارد با اینگونه عذرها، رفتار کند.

رشیدیان — شما همین اصل قبلی را مگر تغییر ندادید؟ پس چرا در این اصل میفرمائید اگر تغییری داده شود باید به گروه برگردد؟

نایب رئیس — ما در اصول قبلی اگر تغییری داده‌ایم قبل از اعلام رأی‌گیری بوده است.

دکتر ضیائی — اگر اختلاف‌نظر بین هیأت رئیسه و نمایندگان در مخدوش بودن ونبودن بود، در اینجا چه باید کرد؟ اینجا اکثریت باید تصمیم بگیرد یا هیأت رئیسه یا مسئول جلسه؟

نایب رئیس — من روی مخدوش بودن یا نبودن نظر ندادم، بلکه بنده‌عرض کردم بر فرض مخدوش بودن، چون یک رأی مخدوش، نتیجه رأی‌گیری را عوض نمی کند، بنابراین باز هم نمی‌توانیم برخلاف آئین‌نامه رفتار کنیم و رأی‌گیری را تجدید نمائیم. (یکی ازنمایندگان— ایشان مرتب حرف اول را میزنند و به هیچ وجه به رأی اکثریت احترام نمی‌گذارند.) (همهمه نمایندگان)

ربانی شیرازی — آقای بهشتی، در کجای آئین‌نامه دارد که اگر اصلی رد شد و افراد تقاضای تجدید رأی‌گیری کردند، نمی‌توان آن را دوباره به رأی گذاشت؟ (زنگ ممتد نایب رئیس)

نایب رئیس — آقایان اجازه بدهید به اصل دیگر بپردازیم این همه بحث به خاطر یک کاری که آئین‌نامه به ما اجازه نداده، جز اتلاف وقت چیز دیگری نیست. (ربانی‌شیرازی— اگر شما هرکار دلتان میخواهد میکنید، بکنید.) اگر اجازه داده بودید به اصول دیگر بپردازیم از آنوقت تا به حال دو اصل دیگر هم تصویب کرده بودیم. الان اصل ۱۱۸ مطرح است، این‌را عرض کنم که اصل ۱۱۸ باید راجع به وظیفه ارتش نوشته میشد و این اصل متأسفانه در موقع تنظیم افتاده و چاپ نشده، بنابراین آن اصل را فردا چاپ میکنیم و به جلسه‌علنی‌می‌آوریم. فعلا این اصل خوانده میشود.

٦ — طرح اصل ۱۱۸

اصل ۱۱۸ — در زمان صلح باید با حفظ تمرینات و آمادگی نظامی نیروی انسانی و امکانات دیگر ارتش در کارهای امدادی و فعالیت‌های تولیدی و جهاد سازندگی بکارافتد.

نایب رئیس — آقای فوزی فرمایشی دارید؟

فوزی — در زمان رژیم قبلی، گاهی اوقات به عنوان اینکه میخواهند این‌ماشین‌آلات سنگین ارتش را برای مؤسسات خیریه بفرستند، سوء استفاده‌هائی میکردند. بنابراین اگر دراینجا بعد ازکلمه «امدادی» یک لفظ «عمومی» اضافه شود دیگر امکان سوءاستفاده نیست.

نایب رئیس — متشکر، آقای رشیدیان؟

رشیدیان — میدانم که پیشنهاد کردن اصلا فایده ندارد، برای اینکه صد نفر پیشنهاد میکنند ولی دست آخر آن اصل با همان عبارت به رأی گذاشته میشود و رد میشود. من الان حرفم اینست که از اینجا وارد یک فصل از اصول قانون اساسی، یعنی اصول مربوط به ارتش میشویم. حالا میخواهیم ببینیم باید بدون مقدمه وارد این مطلب شد؟ یعنی از وسط مطلب شروع به طرح اصول بعدی کرد؟ (نایب رئیس — فقط یک اصل در اینجا جا افتاده.) اتفاقاً همان اصل مهم است. اول باید دروازه بحث را گشود بعد...

نایب رئیس — آقا، صبح شماها در جلسه مشترک بوده‌اید و همهٔ این مطالب در آنجا صحبت شده است.

رشیدیان — شما چرا نمی‌گذارید صحبت کنیم؟ من مخالفم و می‌خواهم صحبت کنم، نمی‌توانم؟

نایب رئیس — پس اجازه بدهید اسم شما را به عنوان مخالف یادداشت کنم. آقای طاهری گرگانی سؤالی دارید؟

طاهری گرگانی — «در زمان صلح باید با رعایت وظایف نظامی‌الخ» نوشته شود یعنی «تمرینات و آمادگی» اگر تبدیل به «رعایت وظایف» شود عبارت بهتر خواهد بود.

نایب رئیس — آقای خزعلی؟

خزعلی — عبارت «با حفظ تمرینات» کافی و گویا نیست باید نوشته شود.

«با حفظ استمرار تمرینات...»

منتظری — اینکه نوشته شده «نیروی انسانی و امکانات دیگر ارتش در کارهای امدادی و فعالیت‌های تولیدی و جهاد سازندگی بکار افتد» یعنی بطور مجانی یا اینکه اینها در اینگونه مؤسسات کار می‌کنند و چیزی هم دریافت می‌کنند؟

نایب رئیس — اینگونه فعالیت‌ها هم دولتی است و او که از دولت حقوق میگیرد، به‌او می‌گویند در زمان صلح وقتت را در این راه هم صرف کن.

منتظری — مجانی؟ اینکه با آن اصل قبلی که کارمند دولت نباید در دوجا کار کند تناقض دارد.

نایب رئیس — آقای باریک‌بین سؤالی بود؟

باریک‌بین — چنین فرمودید یک اصل دراینجا افتاده، پس باید این اصل را اصل ۱۱۹ قرار بدهیم که آن اصل سرجایش محفوظ باشد. دیگر اینکه عبارت «نیروی انسانی و امکانات دیگر ارتش» را در اول اصل قرار دهیم، از نظر عبارت و جمله‌بندی مناسبتر است.

منتظری — به جای «حفظ تمرینات» بنویسیم «انجام تمرینات».

نایب رئیس — آقای فاتحی فرمایشی دارید؟

فاتحی — اینکه می‌گوئید افراد ارتش با حفظ تمرینات نظامی، باید در کارهای امدادی و تولیدی و جهاد سازندگی هم فعالیت و کار بکنند، درست مثل این است که بگوئیم دانشجویان و طلاب علوم دینی در عین اینکه درس می‌خوانند در کارهای عمرانی و نظامی هم باید شرکت داشته باشند.

بیت‌اوشانا — باید در سازندگی مملکت شرکت کنند، این یک وظیفه برای ارتشی‌هاست.

فاتحی — به نظر من این یک تکلیف شاقی است که به گردن ارتشی‌ها می‌گذاریم. اگر این طور است پس باید برای دیگران هم، مثلا دانشجویان و طلاب علوم دینی هم تکلیف‌هائی معین کنیم و بگوئیم در عین اینکه درس می‌خوانید باید مثلا در جهاد سازندگی هم شرکت کنید. این، چرا باید اختصاص به ارتش داشته باشد؟

نایب رئیس — این الان در بعضی از کشورهای دنیا هم دارد عمل میشود. آقای ربانی شیرازی فرمایشی بود؟

ربانی شیرازی — معنای این اصل این است که ما نظام را از هم گسیخته بکنیم.

نایب رئیس — پس شما مخالفید؟ (ربانی شیرازی — بله) پس اجازه بدهید من اسمتان را یادداشت کنم. آقای هاشمی‌نژاد سؤالی دارید؟ (هاشمی‌نژاد — آنچه می‌خواستم بگویم بوسیله یکی از دوستان گفته شد.) آقای مکارم؟ (مکارم — من موافقم) بسیار خوب، پس آقای رشیدیان به‌عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید. (عده‌ای از نمایندگان — ایشان از جلسه بیرون رفته‌اند.) پس نفر دوم یعنی آقای ربانی شیرازی به عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

ربانی شیرازی — نیروی نظامی باید خود را آماده کند، تمرینات ببیند، فنون جنگی یاد بگیرد برای اینکه مجهز باشد و با دشمن مقابله کند. اگر وقتش زیاد است باید از مدت خدمت بکاهیم و اگر وقت زیاد ندارد معنا ندارد که برود در جاهای دیگر کار کند. و اگر امروز می‌بینیم ما از نیروی نظامی استفاده می‌کنیم، یک زمان استثنائی است، به حکم ضرورت است، دورانی است که الان کاری ندارند، به همین جهت از وجود آنها استفاده می‌کنیم علاوه براینکه در حال حاضر ضرورت اجتماعی هم داریم، چون بعد از انقلاب است و میخواهیم همه

نیروها را وادار به کار کنیم، ولی فردا که این ضرورت نیست دیگر معنی ندارد که نیروی نظامی را به ادارات دیگر بفرستیم، یعنی نه به امور نظامیش برسد و نه به کارهای دیگر.

نایب رئیس — آقای مکارم به عنوان موافق بفرمائید صحبت کنید.

مکارم شیرازی — این اصل، یک اصل بسیار سازنده و مفیدی است، منتها اگر جوانبش کاملا درنظر گرفته شود. ما می‌دانیم در ارتشها به‌عنوان احتیاط یک نیروی عظیم انسانی‌ویک نیروی عظیم مادی در آنجا ذخیره میشود. چه مانعی دارد در زمانیکه اینها به میدانهای جنگ نمی‌روند و در عین حال تمریناتشان را هم مداوم ادامه می‌دهند، چون یک نیروی عظیم احتیاطی هست، طبعاً می‌تواند هم از نظر نیروی انسانی و هم سرمایه‌های دیگر برای عمران و آبادی مملکت سرمایه‌گذاری کند و این کار، جلوی معطل شدن یک نیروی عظیم را خواهد گرفت. مخصوصاً یکی از افسران لایق که به انقلاب خدمت کرده راجع به همین مسأله یک پیشنهاد مفصلی داد که بسیار در خور توجه بود. او می‌گفت ما اینقدر بولدزر و ماشین‌آلات و افراد متخصص داریم، چرا در زمان صلح از وجود اینها استفاده نمی‌شود؟ و همانطور که شما فرمودید در دنیا هم این کار، عملی شده و نتیجهٔ مثبت داده است. بنابراین از این نیروی ملی به نفع ملت، بدون اینکه به ارتش ضرر زده شود، استفاده میشود. اما اینکه گفتند اگر وقتشان زیاد است مدت را محدود کنید، جوابش این است که این، درست مثل نیروی آتش نشانی است که بیست و چهار ساعت باید آماده باشند. چون جنبه احتیاطی دارند باید همیشه باشند و همیشه آماده کار هم باشند. (ربانی شیرازی — هیچ لزومی ندارد دو سال باشد، یکسال باشد.) و اما اینکه میفرمائید اگر این کار را بکنیم، ارتش متلاشی میشود، به شهادت خود ارتش، ارتش متلاشی نمی‌شود بلکه گاهی از حال رکود هم در می‌آید و یک حالت تحرک به او می‌دهد. (ربانی شیرازی — این شهادت آنهائی است که می‌خواهند ارتش را متلاشی کنند.)

نایب رئیس— آقای ربانی مباحثه نفرمائید. آقای حجتی کرمانی سؤالی هست؟

حجتی کرمانی — این اصل بسیار خوب است، منتها یک نکته به نظر من میرسد که اگر ارتش اینکار را بصورت اجبار بخواهد بکند، نتیجه دارد؟ و از نظر شرعی چه صورتی پیدا می‌کند؟

منتظری — آنچه که موجب ابهت و عظمت کشور و ارتش میشود، تشکل ارتش است که همیشه آماده و مهیا برای دفاع باشند. اگر قرار باشد جنگی پیش بیاید و یک مقداری از آنها در سقز در حال بنائی باشند و یک مقدارشان هم در خراسان در حال گندم چیدن، تا بیائیم آنها را جمع‌وجور کنیم دشمن حمله کرده و کشور متلاشی شده است. اصلا نفس تشکل، موضوعیت دارد.

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی فرمایشی دارید؟

موسوی اردبیلی — من یک سؤالی دارم و یک تذکری، ما الان اصول مربوط به ارتش را مطرح کردیم. من آن روز درخواست خود ارتش را در این مجلس مطرح کردم. الان اگر اصول مربوط به ارتش است اجازه بدهید خواسته آنها که مشورت با نماینده ارتش است، برآورده شود. من آنروز که این مسأله را مطرح کردم هم شما و آقایان قبول کردید و به نظر من الان موقعش هست که نمایندهٔ آنها هم بیاید حرفش را بشنویم. الان برادر ما آقای مکارم به نامه یک ارتشی استناد می‌کنند. اگر نظر آنها این چنین است، نماینده‌ای بفرستند تا ما هم واقعاً

بدانیم که آیا در ارتش چگونه تصمیم گرفته میشود. اکثر ما ها اطلاعی در این مورد نداریم. قبلا در شورای انقلاب راجع به ارتش، یعنی راجع به دو ارتشی عالیرتبه یک تصمیم خام گرفته شد و دیدیم چه ضربه‌ای وارد شد. من فکر می کنم خوب است نماینده ارتش هم بیایدبا او صحبت کنیم تا دوباره آنچنان تصمیمی گرفته نشود. الان همین اصول و دو سه تا اصل دیگر مربوط به ارتش که آماده میشود اجازه بفرمائید یکنفر از ما ها مأمور شود و برود با آنها صحبت کند تاوقتی در جلسه مطرح میشود، این اصول قبلا با نظر و رسیدگی آنها تهیه و تنظیم شده باشد.

نایب رئیس — این مأموریت به عهده خود جنابعالی است.

دکتر ضیائی — الان چهل و نه نفر در جلسه حضور دارند و شما می‌خواهید با چهل ونه نفر به این اصل رأی بگیرید، معلوم است که این اصل هم رأی نمی‌آورد.

نایب رئیس — ما نمی‌خواهیم رأی بگیریم، ما داریم بحث می کنیم. آقای حسینی هاشمی فرمایشی بود؟

حسینی هاشمی — اصولا رفاه اقتصادی الان ضرورت دارد و تولید ملی ضربه خورده، در مرحله کشاورزی که ان‌شاءالله تعالی تأمین میشود، بعداً حتی مرحله کارگاهش هم لازم است. اگر مدت خدمت در ارتش طولانی‌تر شود، کار جهادسازندگی به شکل نظام یافته‌تری پیش میرود. یکسال خدمتشان مخصوص یادگیری فنون نظامی باشد و بس، و یکسال بقیه مخصوص بازسازی کشور در یک نظام وسیع باشد تا ان‌شاءالله مملکت آباد و سربلند شود. علاوه براین، این کار ایجاد اشتغال می کند ، یعنی پس از پایان خدمت سربازی به همان سرباز ، زمینی را که آباد کرده واگذار می کنند و از این راه مشکلات زیاد اقتصادی را می‌توان حل کرد.

نایب رئیس — از آقای موسوی اردبیلی خواهش می کنیم در مورد مطلبی که بیان فرمودند خودشان قبول زحمت کنند و با نماینده آنها تصمیم بگیرند.

موسوی اردبیلی — اگر من از طرف هیأت رئیسه مأذون هستم دنبال این کار بروم؟

نایب رئیس — بله، الان من این را عرض کردم، شما مأذون هستید. آقای مقدم‌مراغه‌ای سؤالی بود؟

مقدم مراغه‌ای — پیشنهاداتی هم از طرف نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی شده که ادعا می کنند از طرف وزیر دفاع هم به مجلس فرستاده شده ولی از طرف مجلس خبرگان مورد توجه قرار نگرفته، اگر اجازه میدهید من این نامه را به آقای موسوی اردبیلی بدهم تا ایشان نمایندگان این گروه را هم دعوت کنند.

نایب رئیس — و لطف کنید که یک نسخه از آن را هم زیرا کس بگیرند تا فردابتوانیم در جلسه گروه‌ها از آن استفاده کنیم، متشکرم.

۷ — پایان جلسه

نایب رئیس— با اجازه دوستان جلسه را ختم می کنیم. جلسه علنی آینده، فردا ساعت سه بعدازظهر خواهد بود.

(جلسه ساعت هفده و چهل و سه دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ پنجاهم

صورت مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز بیست و نهم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیست و نهم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل ازدستور آقای مقدسی شیرازی. . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۱٤ (اصل یکصد و سی ونهم). . . . . .
۳ — طرح اصل ۱۱۵ . . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۷ (اصل یکصد و چهل و یکم) . . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۱۱۸ (اصل یکصد و چهل و سوم) . . . . . .
٦ — طرح و تصویب اصل ۱۱۹ (اصل یکصد و چهل و هفتم) . . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۲۰ (اصل یکصد و چهل و پنجم) . . . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۱۲۱ (اصل یکصدو چهل وششم). . . . . .
۹ — طرح و تصویب اصل ۱۲٤ (اصل یکصد و چهل و نهم) . . . . . .
۱۰ — پایان جلسه . . . . . .

۱ — اعلام رسمیت جلسه و نطق قبل از دستور آقای مقدسی‌شیرازی

نایب رئیس — جلسه رسمی است. آقای مقدسی فرمایشی دارید بفرمائید.

مقدسی‌شیرازی— بنده‌چند روزاست تصمیم‌دارم‌صحبت کنم. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. چون بعضی از مسائل پیش‌آمده که به نظر میرسد عده‌ای از آن سوءتعبیر میکنند بنده میخواهم برای روشن شدن اذهان عده‌ای وظیفه خودم را انجام بدهم و تا اندازه‌ای مردم را روشن کنم و به‌حکم آیهٔ «حسبناالله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیر» چند اصل هست که بنده در نظر گرفته‌ام درباره‌اش‌صحبت کنم که بااین ایام‌هم مناسب است. یکی اصل ولایت‌فقیه و امامت امت است که پس از این همه صحبتها و بحثهائی که رویش شده است و این مخالفتها که انجام گرفت که میشود گفت روی هم رفته ده روز دراطراف این اصل صحبت شد و تمام وکمال با دقت نظرهائی که بود کاملا تحت بررسی چه از لحاظ فقهی و چه اجتماعی تمام اطراف و جوانبش در نظر گرفته شد و با کمال دقت از تمام فقها و دانشمندانی که در اینجا بودند وهمه گونه اطلاعات کافی داشتند در اطراف این اصل کاملا تحقیقات شد و افرادی هم که درخارج بودند متوجه شدند. چون البته این مجلس خبرگان مجلس عظیمی است وقانون اساسی خیلی مهمی را دارد تدوین و تصویب میکند که اساس قوانین بعد واقع خواهد شد و افکار این ملت را روشن خواهد کرد، ولی اشکال در این است که دشمنان ساکت نمی‌نشینند و دشمن اصلی هم همان کسی است که منافعش از دست رفته و در خارج نشسته و تمام این دسته‌هائی که‌در اطراف و گوشه و کنار بسیج کرده است به طرف مجلس که هرچه میتوانند به دستور آن شیطان اصلی که آنجا است اعوان و انصار خودش را وادار میکند که هرچه میتوانند علیه این مجلس تبلیغ کنند و هرچه از دستشان برمی‌آید کوتاهی نکنند لذا حالا که این اصل تمام شده است شروع کرده‌اند به تبلیغات خارجی. ملت ما که مسلمان است رشد پیدا کرده دیگر گوش به‌این حرفها نمی‌دهد ولی بعضی‌ها که توجه به این مسائل ندارند و غافل هستند از این صحبتهائی که اینجا شده است ممکن است تحت تأثیر واقع بشوند و افکارشان مشوش بشود لذا ما ناچار هستیم یعنی بنده و همچنین بعضی از آقایان دیگر هم شاید وظیفه خودشان بدانند که این مسأله را محققانه برای مردم روشن کنند، که هیچ ابهامی در هیچ گوشه آن‌نباشدزیرا ماهدف بزرگی در پیش داریم چون انقلاب بزرگی انجام گرفته به این آسانی نمی‌شود از دست داد و دربارهٔ این مسائل یک عده اشخاصی جاهل که در گوشه و کنار از حقیقت مطلب خبر ندارند درباره‌اش صحبت بکنند . سه اصل است که بنده تصمیم دارم به یاری خدا یک ربع ساعت امروز و فردا و پس فردا هم ناچاراً در این‌باره صحبت بکنم چون وظیفه واجب، بنده را ملزم کرده است که درباره این سه اصل مطالبی را به عرض برسانم تا ملت ما بیدار بشوند و حقیقتاً متوجه بشوند که چه‌بوده است. یکی ازاین اصول، ولایت فقیه و امامت است، فقیه ملت وامامت

امت یک اصل است.

اصل دوم حاکمیت است که میشود دو اصل و یکی هم درباره‌اقتصاد است که‌ان‌شاءالله بعداً صحبت میکنم. اگر به حقیقت این دو اصل توجه شود این دو اصلی هستند که تفکیک ناپذیرند ، یعنی رهبری امت با اصل حاکمیت ملت اصلا از هم جدائی ندارد . یک کسی میگوید من این را قبول ندارم و آن را میخواهم این اصلا حکمی درباره امری کرده است که از هم جدا نشدنی است. حالا ان‌شاءالله باید این منطق را ثابت کنم. رهبری، یعنی رهبری الهی یک چیزی است که مثل رهبری‌های دنیایی و دیکتاتوری نیست چون شاه هم‌میگفت‌من رهبرم، اما آن رهبری مردم را به چاه می‌انداخت، آن‌دیکتاتوری بود نه رهبری به حکم اجبار اسمش را رهبری گذاشته بودند. رهبری آن است که الهی باشد همان رهبری که انبیاء (ع) و آن رهبری که ائمه هداة داشتند و معصومین داشتند و بعد هم علمای عاملین رهبری دین اسلام را ادامه دادند که حقیقتاً مکتبی است مترقی و اگر حقیقت این مکتب روشن شود تمام بشریت باید وارد این مکتب شوند . من از این رهبری تعجب میکنم و واقعاً تعجب‌آور است چون ما در خارج دیدیم و لمس کردیم که اگر این رهبری نبود تمام ملت ما هنوز زیر اسارت و ذلت بسر می‌برد. این دیکتاتور خائن کثیف زیر چکمه‌های ستمگر خود دلش‌میخواهد که مردم از خانه‌ها در بیایند و بزند و همه را بکشد . این چه نیرویی بود و چه کسی این کار را کرد؟ خدا خواست که چنین رهبری را برای ما بفرستد و اگراین رهبر روحانی نبود ما را از مملکت خارج میکردند و می‌گفتند این آخوندها بدرد نمی‌خورند و چون این رهبر روحانی و فقیه نبود هیچکس قبولش نداشت حتی خود این علما هم میگفتند کسی که فقیه نباشد بدرد رهبری ما نمی‌خورد و درست هم میگفتند. کسی که فقاهت نداشته باشد و فقیه نباشد و نتواند احکام الهی را استنباط و اجرا کند این را البته طرد میکنند و میگویند این صلاحیت فقاهت را ندارد و از روز اول کنار میرفت. معنای ولایت فقیه چیست؟ اگر حضرت آیت‌الله خمینی نایب‌الامام فقاهت نداشت از همان روز اول علما میگفتند بروید کنار، شما را لازم نداریم و قبول نداریم برای اینکه احکام خدا را نمی‌تواند استنباط بکند و کسی هم که نتوانست استنباط بکند بدرد نمی‌خورد. اما چون فقیه بود و تمام صفات و کمالات هم در وجودش بنحو اتم و اکمل بود توانست براین امت رهبری بکند و آنها را از زیربار ظلم و استثمار و استکبار بیرون بیاورد . پس ملت چه وقت به حق خودش میرسد ؟ اگر رهبرهای دنیا ودیکتاتورها بتوانند سرنوشت را تأمین کنند که حاکمیت ملت، یعنی ملت بتواند حکم بکند، آزاد باشد،ملت بتواند بگوید سرنوشت من این است من باید به حق خودم برسم و این میسر نیست مگرآن وقتی که یک رهبر صحیح جامع‌الشرایط با آگاهی کامل و تمام صفات شجاعت، تقوا، مدیر، مدبر در درآن وجود داشته باشد، ما از چنین اشخاصی رهبری میخواهیم و بحمدالله خداوند متعال یک چنین رهبر بزرگواری را به ما عنایت کرد. یک همچو شخصیت بزرگی را که خدا انتخابش کرد کدام ابر قدرتی‌میتوانست آن را از این مملکت بیرونش بکند؟ وهمه را سرجای خودش بنشاند اگر دست قدرت خدا و پشتیبانی امام زمان (ع) نبود، ما «بالایمان والبصیرة» ایمان به این مطلب داریم دست خدا بیرون آمد که این ملت از اسارت و ذلت رهائی یابد و بدانید خدائی که این قدرت‌نمائی‌ها را کرد و این همه فداکاریهائی که انجام گرفت و این همه شهدایی که در این راه شهید شدند همان خدا قدرت و توانائی دارد که این انقلاب تداوم پیدا کند تا مردم

مسلمان ایران، ملت شجاع مسلمان ما به هدف نهائی خودشان برسند و خیال نکنند این همه اخلالگری که در اطراف مملکت میکنند برای اینکه این نهضت مسلمین را از بین ببرند و نابود کنند. یک روزمی‌آیند اطراف مجلس خبرگان را میگیرند و یک روز در جای دیگرجمع میشوند هر ساعتی این شیاطین در کمینند و بدانند این کسانی که اینجا گرد آمده‌اند بدون جهت‌نیامدند با فکر و با ایمان بدون هیچگونه تکبری، مگر فقیه میتواند متکبر باشد، فقیه که تکبر ندارد،فقیه مثل امام خمینی است که پس از این همه استقامتها، دربدریها، انسان فراموش میکند واقعاً وقتی که ایشان پیروز شدند مردم در حیرت بودند که امور چگونه انجام میگیرد و با وجوداین همه دیکتاتورها چگونه میشود پیروز شد یک وقت دیدند دست قدرت خدا این رهبر بزرگوار را برانگیخت وخودش بود و خودش، نه اسلحه داشت نه چیز دیگری، فقط و فقط خدا را داشت. از همه چیز گذشت و فقط گفت «حسبناالله» خدا ما را کفایت میکند و خداهم دستگیریش کرد و ملتی را نجات داد واز اسارت وذلت رهائی بخشید. الان هم رفته درقم خانه کوچکی نشسته است که این خانه هم مال خودش نیست، مال آقای یزدی است. ببینید و بفهمید که وقتی خداوند میخواهد قدرت نمائی بکند آیت‌الله خمینی را می‌آورد و بعدش هم نگوئید که معلوم نیست چطور بشود اگردر فیض خدا، در رحمت خدا باز شد، این دانشمندانی که در نقاط دنیا مثل حوزه علمیه قم و مشهد هستند درس رهبری را از رهبر خودشان گرفته‌اند وموضع خودشان‌را پیدا کرده‌اند موضع همان موضع، رهبر همان رهبری است که انشاءالله باید پشت سر این رهبر رهبریها بوجود بیاید خدا هم کمک میکند.

«یدالله مغلوله»؟ دست خدا باز است مگر دست خدا بسته شد که این همه درگوشه و کنار می‌نشینند و برای اینکه مردم را تضعیف کنند تبلیغات سوء میکنند که مردم را گمراه کنند و ضعف وسستی در مردم پیدا بشود؟ اینها همه مربوط به عوامل ضدانقلاب است که می‌آیند میگویند نه نمی‌شود، چرا نمی‌شود؟ این شخص یا به خدا ایمان ندارد یا اینکه انصاف ندارد. بحمدالله همه چیز وجود دارد، رهبری بس بزرگوار که حقاً بنده گمان میکنم از امام زمان (ع) الهام میگیرد بله این رهبر پشتیبانی چون امام زمان (ع) دارد و حتماً امام زمان (ع) پشت سرش است. ما می‌شنویم و می‌بینیم که دیکتاتورها این همه بر بشر ظلم کردند و آنها را تاراج کردند این همه می‌شنویم که دیکتاتورهای دنیا، این ضد بشرها،مستضعفین دنیا را مرتب میکشند و زیر چکمه‌های خود مردم را نابود میکنند . خداوند چنین رهبری را برای ما فرستاد که دنیا به رهبریش اعتراف کرد . ما هنوز اینجا معطلیم، اکثر مردم باور نمی کردند که امام خمینی رهبر شوند ولی ما دیدیم که رهبر بود و رهبر شد و انشاءالله بعد از این خواهد بود و این انقلاب هم تداوم دارد وبه‌هدف نهائی خود هم انشاءالله خواهد رسید.فقط‌خواهش من از رفقا این است که سعی و کوشش بکنند که این چند صباحی را که برای ما باقی مانده است غنیمت بشمارند و درباره این مسائل خیلی تکراری فکر نکنند. برای هراصلی یک‌مخالف و یک موافق کافی است خواهش میکنم در اطراف یک موضوعی کوچک زیاد بحث‌نکنند،چون این طولانی کردن‌ها خوب نیست و اظهار مسائل تکراری هم خوب نیست چون وقت ما کم است به یاری خداوند سعی کنیم هرچه زودتر این مجلس را خاتمه بدهیم و این قانون اساسی را که میتوان گفت بهترین قانونی است که تا به حال نوشته شده است، قانونی است که باعث نجات و سعادت بشر است، مسیر رهبری را روشن کرده است، اگررهبری ولو مثل آقای خمینی هم

نباشد لکن رهبری باشد که بتواند اداره کند، اگر چنین رهبری نباشد دیکتاتورها دو مرتبه دمار ز روزگار مردم درمی‌آورند. به‌احترام خونهای شهدائی که در این راه جان خود را ازدست دادند ما میدانیم مقصر آن کسانی هستند که میخواهند تفرقه و اختلاف بوجود بیاورند. هر کس بخواهد کوچکترین خللی به این انقلاب وارد سازد مخالف قرآن و اسلام است. دیروز آقای دکتربهشتی فرمودند نامه‌ای از دانشجویان داراب رسیده است که نوشته‌اند این مجلس خبرگان درست کار نمی‌کند، اینها را تحریک کرده‌اند، اینها را گمراهشان کرده‌اند. چه کسی اینها را گمراه میکند؟ مسلمان که این کارها رانمی‌کند، مگر این خبرگان راچه کسی اینجا آورده‌است؟ ما به انتخاب مردم و با نظر آیت‌الله‌خمینی به‌اینجا آمده‌ایم. (بعضی ازنمایندگان — ما را ملت انتخاب کرده است.) بنده گفتم امام دستور ارشادی دادند و مردم هم ما را انتخاب کردند و ایشان هم فرمودند که اینها درستند اگر درست نبودند که انتخابشان نمی‌کردند و می‌گفت‌نه، اینها بدرد ما نمی‌خورد. بنده به‌صراحت عرض میکنم هردانشمند، هرحقوقدان، هرذیصلاحیتی را که مایلید بیاورید اینجا بنشیند و در مورد این قوانینی که وضع شده بحث میکنیم تا معلوم شود این قانون بهترین قانون اساسی است که برای جامعه وضع شده است. نهایت بعضی‌ها هستند که نمی‌توانند ببینند. آن دشمن سرسختی هم که منافعش از دستش رفته است، امکان ندارد که یک گوشه بنشیند و تحریکات نکند او تلاش میکند بلکه بتواند یک مملکت را به‌هم بریزد تا منافع از دست رفته خودش را دوباره بدست بیاورد. اینهامی‌خواهند اختلاف واغتشاش ایجاد بکنند. ما به‌چشم خودمان دیدیم که رمز پیشرفت ما در مملکت وحدت بود و حالاداریم ازهمدیگر جدا میشویم، یعنی ما نمی‌خواهیم این انقلاب باقی بماند؟ آیا نمی‌خواهیم مملکتمان آزاد باشد؟ یا نمی‌خواهیم این ملت به هدف خودش برسد؟ ما همه طالبیم ولی دشمن بیدار است و دارد تحریکات میکند مسلمانها هم جاهلانه، کورکورانه دارند آن وعده‌های شیطانی که ازحلقوم اشخاص ناپاک بیرون می‌آید گوش میدهند و باعث تفرقه میشود. من می‌خواهم صراحتاً به اهالی محترم داراب که آنجا نشسته‌اند برسانم، برادران دینی، خواهران دینی، ای عزیزان اسلام که خواهران و برادران شمابرای اسلام جان‌دادند متوجه‌باشید شیاطین، مخصوصاً شیطان بزرگ شما را گمراه نکند، بیچاره‌تان نکند، اینها تماماً القائاتی است که از طرف‌دشمنان شما میشود، بیدار باشید. ما ان‌شاءالله مسأله ولایت فقیه را برای شما تحقیقاً تشریح میکنیم و به تمام آن کسانی که در خود شهرستان داراب و آنهائی که در اطراف داراب هستند و به تمام آن مناطق برسانید که مگر شما توجه ندارید که دانشمندان شما از حوزه علمیه قم و از حوزه علمیه مشهد و سایر شهرستانها به دستور امام خمینی، ملت و مردم این اشخاص ذیصلاحیت را انتخاب کردند، فکر اینها فکر امام و فکر امام هم فکر اینهاست.

حجتی کرمانی — بدجوری از نمایندگان مجلس دفاع میکنید این بدترین نوع دفاع از مجلس است. آقای خمینی کی فرمودند این اشخاص را انتخاب کنید؟

نایب رئیس — آقای حجتی اجازه بدهید، آقای مقدسی بفرمائید ادامه بدهید.

مقدسی — این بدترین نوع است، شما سرجایتان بنشینید. بنده گفتم ازخارج، بنده از جو خارج از مجلس دارم صحبت میکنم، بنده از داخل مجلس چیزی نگفتم، مجلس ما محترم‌است، من که ازاول‌گفتم اینها خبرگان مردمند، مجلس‌تقصیری ندارد تقصیر ازخارج مجلس ماست. آمریکا و جنایتکارانی که منافعشان را از دست داده‌اند دارند کار را خراب میکنند مجلس

خبرگان که دارد کار خودش را انجام میدهد من کار به‌داخل مجلس ندارم صحبت من برای آن کسانی که در خارج از مجلس هستند ، می‌باشد . من می‌خواهم آنها را آگاه کنم زیرا واجب است و این خیانت به قرآن است که عده‌ای درخارج ازمجلس بنشینند و نسبت به‌مجلس خبرگان حرفهائی بزنند. این صحیح نیست که‌این‌فرصت از دست‌برودچون‌ماعلاقه‌مندیم این‌قوانین واصول تصویب بشود ووظیفه‌مان راانجام بدهیم. فردا برحسب تکلیفی که برعهده‌دارم بقیه مطالبم را بیان‌میکنم‌اکنون که وسائل تبلیغی در اختیار داریم باید از آن بنحو مشروح استفاده کنیم زیرا همین که از مجلس خارج شدیم وسیله از دستمان میرود.

۲ — طرح و تصویب‌اصل ۱۱۴ (اصل یکصد و سی و نهم)

نایب‌رئیس — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. وارد دستور میشویم دو اصل یعنی سه اصل اینجا مطرح شده است رویش هم بحث و صحبت شده یکی در آن هفته و دو اصل هم دیروز که برای اصلاحات لازم برحسب تذکرات دوستان به جلسه گروهها فرستاده شده، این اصول رایکی‌یکی میخوانیم و تصمیم نهائی را درباره‌اش میگیریم. آقای آیت اصل ۱۱۴ را بخوانید.

اصل ۱۱۴ — صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هرمورد موکول به‌تصویب هیأت وزیران است و باید به‌اطلاع مجلس نیزبرسد. در مواردیکه طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد ، موارد مهم را قانون تعیین میکند.

نایب رئیس — در این باره بقدرکافی صحبت شده است و فقط این کلمه «نیز» باید از سطر دوم برداشته شود و در سطر سوم «به تصویب مجلس نیز برسد» اضافه شود، بنابراین لطف کنید و «نیز» را از سطر دوم خط بزنید و همانجائی که‌گفتم بگذارید. درباره این‌اصل بقدر کافی در جلسه گروهها و اینجا بحث شده است ولی در عین حال می‌بینیم پنج نفر ازدوستان‌اسم نوشته‌اند آقای یزدی فرمایشی دارید؟

یزدی — معمولا قانون، کلی را معین میکند و حکم میدهد، زیرا این کلمه «مورد» مال مصداق است و پیشنهاد بنده این است که اگر به‌جای موارد «حدود» بگذارند بهتر است.

نایب رئیس — وقتی که گفته میشود «موارد مهم» شامل همه میشود، آخر مصادیق که گفته میشود مثلا مصادیق جنس اعلی اجناس بعدی هستند که آنها هم کلی هستند ، معیار اهمیت‌را قانون‌معین میکند شایدبهتر این‌باشد که بنویسیم «معیار اهمیت‌راقانون تعیین میکند». (همهمه نمایندگان)

یزدی — ولی ارزش قانون به یک بیان کلی است.

هاشمی‌نژاد — چون مواد در مجلس موارد مهم را ذکر میکند بنابراین در موارد داخلی هم باید بنویسیم حدود قوانین و اهمیت آن معلوم شود.

نایب رئیس — بسیار خوب، اجازه بدهید، آقای موسوی.

موسوی تبریزی — بنده دو اصلاح عبارتی دارم یکی راجع به اینکه موقع صلح دعاوی در اموال عمومی و دولتی و دیگر اینکه با تصویب مجلس شورای ملی و موکول به تصویب هیأت وزیران است.

گلزاده غفوری — عرض بنده یکی راجع به همان «نیز» است که شما فرمودید و دیگر

اینکه در باره موارد بنویسیم «در موارد لزوم» و در سطر آخر بنویسیم «پس از تصویب مجلس انجام بگیرد» این بهتر است.

فوزی — عرض بنده این است که صرفاً اطلاع مجلس چه نقشی دارد که اینجا نوشته‌شده است با تصویب مجلس شورای ملی؟

نایب رئیس — برای این است که بدون اطلاع دولت با تصویب مجلس به اطلاع مردم میرسد این درواقع یک نوع حفاظ است و دراین باره صبح صحبت شد. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — یک اصلاح عبارتی است، راجع به صلح و دعاوی اموال عمومی و دولتی است و ارجاع آن به داوری در هرمورد موکول به تصویب هیأت وزیران است.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای مرادزهی بفرمائید.

میر مرادزهی — بنده چون صبح نبودم حالا اگر اجازه بدهید به عنوان مخالف صحبت کنم یا یکنفر به عنوان موافق بیاید صحبت بکند تا برای من روشن شود.

نایب‌رئیس — اجازه بدهید من توضیح میدهم ببینید شاید حل بشود. صبح اینطور توضیح داده شد «در مواردی که صلح دعاوی هست البته راجع به اموال عمومی و دولتی» اگر مهم نباشد و همان تصویب هیأت وزیران کافی باشد منتها ملزم هستند که به اطلاع مجلس برسانندتا نمایندگان ملت در جریان باشند، به‌نظر شما تا اینجایش که اشکالی ندارد؟

میر مرادزهی — اگر منظور عنوان مجلس و هیأت دولت است و اگر منظور دعوائی است که مطرح میشود که از این دعاوی زیاد داریم دولت علیه اشخاص دعوی دارد و اشخاص علیه دولت دعوی دارند و ده درصد از این دعاوی شاید مربوط به دولت باشد بنابراین به‌عقیده بنده منطقی به نظر نمی‌رسد که به‌تصویب مجلس شورای ملی برسد.

نایب‌رئیس— اجازه بدهید من توضیح بدهم. آنجا که تصمیم بگیرند اقامه دعوی کنند و محاکمه کنند آنجا اجازه نمی‌خواهد نه از طرف هیأت وزیران و نه از مجلس احتیاج به اجازه ندارد ولی اگر دولت خواست به عنوان نماینده ملت و طرف دعوی چه داخلی باشد و چه‌خارجی خواستند با هم صلح کنند یعنی اگر خواستند پای دادگاه در بین نباشد آنجایی را که دادگاه دخالت میکند هیچ تصویب مجلس لازم ندارد ولی جایی که دادگاه دخالت نمی‌کند و صرفاً دولت از در صلح وارد میشود میگوئیم نتیجه کار را از طریق نمایندگان ملت به ملت میرساندو اگر هم موارد مهم باشد و یا طرف هم خارجی است اصلا نمایندگان ملت تصمیمی در این باره نمی‌گیرند، منظور این است، آقای یزدی.

یزدی — آقای بهشتی وقتی دعوی در دادگستری مطرح شد صلحش دیگر چه‌موضوعی دارد؟

نایب رئیس — صلحش خیر، بنده‌عرض نکردم صلح، گفتم آنجایی که پای دادگاه در میان نیست یعنی رأی دادگاه در بین نباشد، آقای حجتی.

حجتی کرمانی — ارجاع به داوری چیست؟

نایب رئیس — ارجاع به داوری این است که اصولا در بعضی از قراردادها قبل از اینکه به محکمه ارجاع کنند به قاضی تحکیم میدهند یعنی به داور ارجاع میکنند. خوب آقا فقط برای رأی‌گیری، اصل را میخوانیم.

اصل ۱۱۴ (اصل یکصد و سی و نهم) — صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد.

در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به‌تصویب‌مجلس نیز برسد، موارد مهم را قانون تعیین میکند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و نه رأی، آراء موافق پنجاه و سه رأی، آراء ممتنع چهار رأی، آراء مخالف دو رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۳ — طرح اصل ۱۱۵

نایب رئیس — اصل ۱۱۵ مطرح است که میخوانم :

اصل ۱۱۵ — هرگاه رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا وزیران به خیانت سیاسی متهم شوند دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی به اتهام آنها رسیدگی میکند و چنانچه اتهام در زمان تصدی آنها باشد پرونده برای مجلس شورای ملی نیز فرستاده میشود تا در باره سؤال، استیضاح یا تعلیق متهم تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

نایب رئیس — همینطور که میخواندم به نظر میرسید که میشود این کلمه «شود» آخررا اگر صلاح بدانید «گردد» بشود بهتر است ، موافقید؟ اینطور مینویسیم «پرونده برای مجلس شورای ملی نیز فرستاده میشود، تا درباره سؤال استیضاح یا تعلیق متهم تصمیم مقتضی اتخاذ گردد». آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — مطلب بنده این است که در زمان تصدی رئیس‌جمهور ، نخست‌وزیر احیاناً اگر توطئه‌ای در کار بود که کسی بخواهد آنها را به جرائم سیاسی متهم کند در مجلس برای رسیدگی به پرونده آنها کانالی باشد که به آن اتهامات وارده رسیدگی بکنند تا آن توطئه خنثی شود. بنابراین مسأله فقط در زمان تصدی آنها مطرح است ولی به قول بعضی ازدوستان اگر بنویسیم «هرگاه رئیس جمهور، نخست‌وزیر به‌خیانت سیاسی متهم شوند دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی به‌اتهام آنها رسیدگی می کند» ملاحظه بفرمائید برای اینکه کسی که یک دوره نخست‌وزیر بوده و حالا چندسال از آن تاریخ گذشته است او هم در معرض توطئه است پس بنویسید «نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور در زمان تصدی خود اگر در معرض اتهام‌قرار بگیرد بایداین کار رابکنیم» وقست‌اول ضرورتی ندارد مثل‌این میماند که ما بگوئیم «کالحجر فی‌جنب‌الانسان».

نایب رئیس — توضیح داده میشود که اصولا برای رسیدگی به جرائم نخست وزیر و وزراء در بعضی از ادوار یک نوع تشریفات اضافی بود حتی بعد از اینکه اینها از مقامشان کنار می‌رفتند یک نوع تشریفات اضافی قائل بودند این صدر برای آن تشریفات اضافی است. آقای ربانی املشی بفرمائید. (ربانی املشی — من مخالفم) آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — در اینجا به جای «یا تعلیق متهم» نوشته شود «تعلیق متهم یا هرگونه اقدام لازم دیگر».

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای. (خامنه‌ای — مخالفم) آقای کیاوش بفرمائید .

کیاوش — میخواستم پیشنهاد کنم اگر ممکن است اینطور اصلاح شود «دادگاه صالح به‌اتهام یا جرائم آنان رسیدگی می‌کند.» دوم‌اینکه آوردن اتهام درزمان تصدی، رساننده این مطلب است که جملهٔ قبل مربوط به دوران بعد از زمان تصدی است در حالیکه اینطور نیست.

نایب رئیس — «او» عام است. آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — آیا مجلس نسبت به رئیس جمهور حق استیضاح و یا تعلیق را دارد؟

نایب رئیس — خیر در مورد دیگران است. آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — در اینجا گفته شده «استیضاح یا تعلیق» من سؤال میکنم آیا رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیری که متهم است و مسلماً طبق مدارکی متهم شده است که تقریباً نزدیک به‌اثبات است برای اینکه تا مدارک مستند در دست کسی نباشد نمی‌توانند کسی را متهم کنند که‌بعد پرونده را به مجلس بفرستند آیا با توجه به این مدارک در دست، که به موجب آن متهم شده است اگر ثابت بشود، مجلس میتواند رئیس‌جمهور خائن یا نخست‌وزیر خائنی راتعلیق بکند؟

نایب رئیس — قبل از ثبوت اتهام در هیچ کجای دنیا این کار را نمی‌کنند مثلا اگر کسی بیاید شما را متهم کند فوراً شما را ازکارتان برکنار میکنند ؟

رشیدیان — لفظ «تعلیق» که گفته شده است یعنی او را معلق میکنند برای بعد از زمان تصدی یعنی جرمی دربارهٔ او ثابت شده که او را معلق میکنند.

نایب رئیس — از این اصل این مطلب استفاده نمی‌شود اینجا نگفته است پس ازاثبات جرم، مربوط به قبل ازاثبات جرم است. (رشیدیان — یعنی پس ازاثبات جرم؟) بلی‌گاهی‌مجلس صلاح میداند استیضاح را چون مجلس به دولت رأی اعتماد داده است باید در جریان امر قرار گیرد. البته‌ازنظر وظیفه خودش، کاری به وظیفه قضائی ندارد ولی از نظر سیاسی آنچه که خود مجلس صلاح میداند چه چیزی را صلاح میداند؟ این چیزها را «سؤال، استیضاح یا تعلیق» .

رشیدیان — استیضاح که مربوط به نخست‌وزیر و هیأت دولت بود،مگررئیس‌جمهور راهم میشود استیضاح کرد؟

نایب رئیس — رئیس‌جمهور را نمی‌شود ولی نخست‌وزیر را میشود. (رشیدیان — پس رئیس‌جمهور در برابر چه‌کسی مسئول است؟) رئیس جمهور در برابر ملت مسئول است. (رشیدیان — یعنی ملت تک تک باید بیایند جلویش را بگیرند.) نه آقا، در اصل مربوط به‌رئیس جمهور گفته‌ایم که در این مورد چکار میکنند. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — در اینجا نوشته شده اگر رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر متهم به خیانت سیاسی بشوند دادگاه رسیدگی میکند و بعداً برای اینکه در مجلس او را استیضاح کنند یا معلقش کنند به آنجا ارجاع میکنند در حالیکه بحث ما این است که آن کسی که شایستگی دارد که پرونده را تشکیل بدهد و به دادگاه بفرستد آن چه‌کسی است که اول رئیس را باید به دادگاه بفرستند؟ اینجا نوشته شده دادگاه پس ازاینکه پرونده را طرح کرد برای رسیدگی و استیضاح و تعلیق میفرستد اما کسی که پرونده را تشکیل داد و آماده کرد و مقتضی دانست که در دادگاه مورد بحث قرارگیرد آن شخص کیست؟

نایب رئیس — منظورتان این است که شاکی چه‌کسی هست یا تنظیم‌کننده پرونده؟ (فاتحی — کسی که پرونده را آماده میکند.) مثل سایر موارد است. (فاتحی — اگر فرد عادی از رئیس‌جمهور شکایت کرد پرونده را میبرد و آنجا تنظیم میشود؟) میبرد به‌دادستانی و اعلام

جرم میکند و دادستان از او دلایل جرم را میخواهد.

فاتحی — اگر جرائم عادی بود صحیح است ولی یک وقت جرائم سیاسی است اما در تشخیص خیانت سیاسی یک مرجع سیاسی باید شکایت کند.

نایب رئیس — یک مفسر سیاسی زبردست که تحلیل سیاسی برای روزنامه ها میکند میفهمد که الان دارند خیانت میکنند. (فاتحی — در اینجا اجازه داده شده به فرد فرد افراد ملت ولو اینکه آگاه نباشند.) آقا بدون آگاهی که کسی نمی‌رود شکایت کند. (فاتحی— مثل این است که ما بگوئیم کلاغ به چاه نمی‌افتد.) آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — معمولا یک چنین ماده‌ای را در قانون اساسی می‌آورند تا ترتیب محاکمه و تعقیب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران را مشخص کند در حالیکه در اینجا هیچ چیز را مشخص نکرده و میگوید اگر این عده متهم به خیانت سیاسی بشوند در دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی آنان محاکمه میشوند یعنی همان دادگاه که دیگران را محاکمه میکند.

نایب رئیس — یعنی حذف تشریفات کرده، خوب این اصل یک چیزی را که در دنیا معمول است نفی کرده است. (فارسی — فقط این کار را کرده است؟) یک چیز اضافه هم هست والا مسکوت عنه می‌گذاشت اگر توجه بفرمائید در آن ذیل هست که «موظف هست مجلس را در جریان قرار بدهد».

فارسی — سؤال و استیضاح مربوط به انجام وظیفه نخست‌وزیر و هیأت وزیران است و در حدود مسئولیتی است که مجلس به آنان میدهد میتواند سؤال یا استیضاح بکند و هیچ ربطی به خیانت سیاسی ندارد. صبح هم‌گفتم مثلا ممکن است وزیر کشاورزی توطئه علیه امنیت کشور بکند و یا توطئه برای کودتا بکند.

نایب‌رئیس — این ربطی به مجلس ندارد؟ (فارسی — ربطی به کار کشاورزی ندارد.) این ربطی به مجلس ندارد؟ یعنی اگر مجلس دید آنها توطئه میکنند ساکت باشد و بگوید دادگاه رسیدگی بکند ؟

فارسی — اگر وزیر کشاورزی جرم مرتکب شده و یا توطئه کودتا کرده است مجلس فقط سؤال در حدود وظیفه‌اش میکند.

نایب رئیس — نه آقا، استیضاح راجع به وظیفه سیاسی هم میکند اینکه معمول است و خود شما هم میدانید.

فارسی — راجع به توطئه کودتا استیضاح میکند؟ (نایب رئیس — بلی) استیضاح یعنی مجلس توضیح میخواهد راجع به وظیفه‌ای که به او سپرده اند.

نایب رئیس — کم لطفی میکنید آقای فارسی،وظیفه مهم سیاسی‌شان از وظیفه خاص اداری‌شان از نظر ملت خیلی مهمتر است. رأی اعتماد که میدهند که برای کار اداری نیست اینها امین سیاسی ملت هستند. (فارسی — وزیر کشاورزی امین سیاسی ملت است؟) بلی و همچنین هیأت دولت . پس برای چیست که میگوئیم هیأت‌وزیران مسئولیت مشترک دارند ؟ (فارسی — برای اجرای برنامه وزارت کشاورزی خواسته است کودتا بکند؟) خیر خارج از آن وظیفه‌اش. آقای موسوی تبریزی بفرمائید. (موسوی‌تبریزی—من مخالفم) آقای حجتی حضرتعالی سؤالی داشتید؟

حجتی کرمانی — اینکه فرمودید اعم است آیا شق اول زمان تصدی را هم میگیرد؟

نایب رئیس — بلی هم زمان تصدی و هم زمان غیرتصدی است. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — به نظرم میرسد که منظور رسیدگی به خیانت سیاسی بعد از تصدی است که دیگر سمتی ندارد و فردی عادی است که قسمت اول اصل این مطلب را میگوید و کافیست شما چیزی را تابع تشریفات نگوئید و او هم مثل مردم عادی است و طبق مقررات تعقیب میشود و راجع به قسمت دوم اگر مجلس فرض کردیم که آنقدر غافل است و بی‌خبر که حتی یک سؤال و استیضاح و تعلیق هم درباره یک خیانت سیاسی که در دادگستری هم‌برایش پرونده هست انجام نمی‌دهد بنابراین درقسمت اول اگر ذکری نکنیم مثل مردم عادی است و فایده‌ای برآن مترتب نیست و قسمت دومش هم که ارسال پرونده به مجلس است پرونده را به یک مرجع قضائی ارسال میکنند ولی اگر یک مجلس بی‌خبری بود و خواستند او را با خبر کنند یک خلاصه پرونده‌ای را برایش ارسال میکنند ولی همانطورکه بارها گفته شد آنجامرجع قضائی نیست که پرونده را به آنجا بفرستند و به هر حال این اصل خیلی پراکندگی و اشکال دارد.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری، در پاسخ برادرمان آقای فارسی عرض کردم که آن قسمت اول بر حسب پیشنهاد آقایان از جمله خود شما نفی آن چیزهائی است که تشریفاتی است یعنی بعدها یک قانون عادی هم نمی‌تواند بیاید این تشریفات را قائل بشود چون اگر ما اینجا «مسکوت عنه» بگذاریم یک قانون عادی بعداً میتواند بیاید و این تشریفات را قائل بشود، این سد آن راه است.

میرمرادزهی— جرم سیاسی هنوز در هیچ یک از کشورها تعریف نشده است که جامع و مانع باشد و ازطرفی ممکن است وزیری مثل وزیرکشاورزی مرتکب جرم سیاسی نشود یامثلا توطئه علیه کشور نکند ولی سیاستی در پیش بگیرد که کشاورزی ایران را بحدی میرساند که رشدش به زیر صفر میرسد، همانطورکه قبلا به‌منهای ۶ درجه زیر صفر رسیده بود. با اوچکار میکنید؟ با توجه به‌اینکه هروزارتخانه‌ای با توجه به وظایف خاصش یک تخصصی میخواهد چون اعمال و رفتار گذشته ایجاب میکند که جرم نمی‌شود به آنها گفت ولی در عین حال یک مفهومی دارد که کشور را به سقوط میکشاند.

نایب رئیس — جنابعالی میدانید که همه جرائم را باید قوانین عادی تعریف کندالان ما داریم قانون اساسی می‌نویسیم بنابراین بعداً قانون عادی با دقت و توجه به نکاتی که حضرتعالی ودیگران فرمودید تعریف میکند. (میرمرادزهی — تابه‌حال که تعریف نشده است.) انشاءالله جنابعالی همکاری کنید تا تعریفش کنیم.

تهرانی — من یک اشکال‌آئین‌نامه‌ای از طرف خود و عده‌ای از دوستان دارم و آن اینست که ما هم دیگر صبحها حاضر نمی‌شویم برای اینکه آقایان صبحها نمی‌آیند و بعداً دوباره باید مطالب اینجا تکرار شود و وقت مجلس تلف میشود پس اگر اینجور باشد ما هم دیگر نمی‌آئیم.

نایب رئیس — شما صبح تشریف بیاورید دوستان دیگر هم می‌آیند. آقای ربانی املشی به عنوان مخالف صحبت میکنند

ربانی املشی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. با اینکه امروز صبح تصمیم گرفته شد که پس از

آنکه آن همه بحث راجع به این اصول شد دیگر بعد از ظهر صحبتی نشود اما در عین حال من که جز یک بار از این تریبون استفاده نکردم یعنی بعد از رسمیت مجلس ولی چون این اصل مسخ شد و دومرتبه به مجلس آمد خواستم عرایضی بکنم . این اصلی که قبلا پیشنهاد شده بود و متأسفانه سی و هشت رأی آورد و رأی کافی نیاورد برای اثبات این بود که دربحاکمه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزراء روی‌حساب مأموریت ووظیفه‌ای که به‌عهده آنها گذاشته شده طی مقدماتی لازم باشد. این اصل به‌تصویب نرسید و اصلی که امروز مطرح است‌درست مسخ شده‌آن اصل‌است ودرست نقطهٔ‌مقابل آن‌اصل است. درآن‌اصل میخواست‌اثبات مقدمات بکند که همینطور هرکس نتواندرئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزراء را به‌دادگاه‌بکشاند ولی دراین اصل، آمده‌ایم وداریم این مطلب‌را اثبات میکنیم که هرکسی میتواند رئیس‌جمهور و وزراء را به دادگاه بکشد در صورتیکه طبع قضیه اقتضا میکرد که همان اصل قبلی راکه نخست‌وزیر و وزراء از طرف مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند معنای رأی اعتماد این است که‌مجلس به آنها اعتماد کرده و گفته است من قبول دارم و ما قبول داریم که شما هیأت وزیران مجری نظرات ما خواهید بود و آنچه راکه ما دستور میدهیم شما اجرا خواهید کرد شما افراد امین و مطمئنی هستید و ما به شما اعتماد کردیم وکارها را به شما محول کردیم. اگر بنا باشد یک کارهائی از طرف مجلس به نخست‌وزیر و وزراء محول شده باشد و هیأت وزیران حق نداشته باشنداز طرف خود کوچکترین اظهار وجودی مستقلا بکنند حالا اگر اینها متهم شدند که‌شما از سیاست مملکت، از سیاست مجلس شورای ملی تخلف کردید و خیانت کردید یعنی خلاف کردید و غیر از آنچه راکه مجلس دستور داده بود شما عمل کردید آیا در آنجا جا ندارد که مطلب به مجلس شورای ملی برود تا مجلس شورای ملی نظر بدهد این نخست‌وزیر مطابق میل ما رفتار کرده یا مخالف میل ما رفتارکرده ؟ و معنای رفتن به مجلس بیشتر از این نبود که‌اگر اکثریت مجلس نظر دادند که این سیاست همان سیاست خود ما هست و از طرف ما القاء شده است در آن صورت آن کسانی راکه مخالفت میکنند و وزراء را متهم میکنند لابد غرض‌ورزی میکنند و اعمال‌نظرخصوصی میکنند و نباید آنها به دادگاه بروند. حالا اگر گفتند خیر این آقا همین‌جور است و تخلف کرده است باید به دادگاه برود پس باید این اصل را که در اینجاالان مطرح است و دارد به رأی گذاشته میشود درست مسخ شده اصل قبلی است و تمام امتیازاتی را که نه برای نخست‌وزیر و وزراء بلکه امتیازی راکه ما برای ادارهٔ ملت و نمایندگان ملت قائل بودیم آن‌امتیازات را لغو کردیم وگفتیم ملت نه‌ملت،رئیس مجلس نه‌رأی‌مجلس بمحض اینکه کسی‌اینها را متهم کرد بفرمائیدبروید دادگاه وخیال‌میکنم این کارمملکت را به‌آشوب‌میکشد. ما از ریسمان سیاه و سفید ترسیده‌ایم و درست است که ترسیده‌ایم اما نباید ترس از ریسمان سیاه و سفید حتی با علم به اینکه این ریسمان سیاه و سفید است ، وجود داشته باشد. ما داریم مجلس ورأی نمایندگان سردم را نادیده میگیریم. به‌نظرمن این برای ثبات مملکت درست نیست زیرا هر روز رئیس‌جمهور و آقایان وزراء متهم خواهند شد و به دادگاه ارجاع داده‌خواهند شد.

نایب رئیس — چون مطلب همان مطلب صبح بود اگراحساس می کنید که لازم است یک نفر موافق صحبت بکند، صحبت کند. (نمایندگان — احتیاجی نیست.) بنابراین اصل را برای رأی‌گیری میخوانم.

باریک‌بین— اینکه نوشته شده «چنانچه اتهام در زمان تصدی آنها باشد پرونده‌به‌مجلس

شورای‌ملی فرستاده میشود.» من فکرمیکنم رسیدگی به‌پرونده اگردرزمان تصدی شد ممکن‌است اتهام درزمان تصدی باشد ولی رسیدگی بعد باشد آنوقت‌این‌عبارت میرساند که اگراتهام درزمان تصدی شد ولو رسیدگی بعد از زمان تصدی آنها شد باز پرونده باید به‌مجلس شورای‌ملی برود.

نایب‌رئیس — با این دقت طلبگی که می‌فرمائید ممکن است مگر چنین چیزی استفاده بشود ولی عرفاً می‌دانند که منظور چیست چون فلسفه مطلب روشن است. (باریک‌بین — اتهام غیر از رسیدگی است.) اصل ۱۱۰ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۱۱۰ — هرگاه رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا وزیران به خیانت سیاسی متهم‌شوند، دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی به اتهام آنها رسیدگی میکند و چنانچه اتهام در زمان تصدی آنها باشد پرونده به مجلس شورای ملی نیز فرستاده میشود تا در باره سؤال، استیضاح یا تعلیق متهم تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، شمارهٔ کل آراء شصت و یک رأی، موافق چهل و شش نفر، مخالف شش نفر، ممتنع نه نفر، بنابراین تصویب نشد و دیگر این را برنمی‌گردانیم.

٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۷ (اصل یکصد و چهل و یکم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۷ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۱۷ — رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی ونیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.

نخست‌وزیر میتواند در موارد ضرورت بطور موقت تصدی چند وزارتخانه را بپذیرد، سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این قاعده مستثنی است.

رشیدیان — درباره این اصل همهٔ بحث‌ها شده است.

نایب‌رئیس— بلی همهٔ بحث‌ها دو نوبت شده است، حالا امیدوارم سؤالات کوتاه باشد. آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — اینکه نوشته شده نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند حالا اگر فرض کنید یک کارمند دولتی هست و شغل دولتی دارد او در شرکتی هم نیست اما میخواهد کاسبی کند ولی به کار دولتیش کمتر میرسد. (نایب رئیس — این ممنوع نیست.) چه فرقی میکند که در شرکتی کار کند یا برود یک مغازه باز کند؟ اسمش را نوشته حقوق دولتیش را میگیرد و یک تجارتخانه هم باز کرده و برای خودش کار میکند.

نایب رئیس — عرض من اینست که در اینجا نوشته شده که اگر دریک شرکت خصوصی هم کار کند که سهام دولتی نداشته باشد ممنوع نیست.

منتظری — خیر نگفتیم، در اینجا نوشته شده «عضویت در هیأت‌مدیره انواع شرکتهای خصوصی» چه فرق می کند؟

نایب‌رئیس — بخاطر سوءاستفاده است، زیرا در آنجا هیأت مدیره و مدیر عامل به‌خاطر سوءاستفاده ذکر شده است و این اصل چند بعد دارد.

منتظری — یک بعدش این‌است که میخواهیم کار دولتیش را خوب انجام بدهد. اگر بنا باشد وقتش را در زاویه صرف کند کارش متوقف میشود خوب این یک تجارتخانه‌ای باز میکند و گاهی هم یک سری به اداره میزند و میرود.

نایب رئیس— آقای‌عرب بفرمائید. (عرب—مخالف مشروط هستم.)آقای‌خزعلی‌بفرمائید.

خزعلی — در پیش‌نویس سابق آمده بود که ریاست‌جمهور، نخست‌وزیری و نیابت آن، وزارت وقائم مقامی ومعاونت آن، استانداری وفرمانداری و دیگران، اینها ممنوع هستندحالا در اینجا عنوان کارمند استاندار و فرماندار را هم میگیرد ولی نمایندگی مجلس شورای ملی قبل بوده است که حالا در اینجا نیامده است و کارمند اداری وضعش مانند سابق نیست یکی هم عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی و عضویت در شورایعالی قضائی اینها را اگر در قسمت قضائی، کارمند میدانید ولی فقهایی که در شورای نگهبان هستند کارمند نیستند و همچنین قسمت بخصوص نمایندگی مجلس شورای ملی.

نایب رئیس — اصل پیش‌نویس یک آهنگ دیگر داشت و این آهنگ دیگر دارد و در اینجا صبح تشریف داشتید که بیشتر جلوی دو مطلب میخواست گرفته شود یکی‌چندشغلی‌بودن برای کارکنان دولت و یکی هم اعمال‌نفوذ. درحقیقت‌این‌اصل‌برای‌جلوگیری ازتمرکزمشاغل در افراد معین بود و یک نوع مبارزه با انحصار طلبی قدرت است و همچنین یک نوع‌مبارزه با اعمال‌نفوذ، زیرا در مورد شرکتهاگفته‌ایم عضویت هیأت مدیره آنها ممنوع است. آهنگ این اصل با آهنگ آن‌اصل‌خیلی فرق‌دارد این است که طبعاً بعضی مواردش هم باآن فرق میکند.

خزعلی — دربارهٔ نمایندگان مجلس هم این مطلب صادق است.

نایب رئیس — یعنی شرط کنیم که نمایندگان مجلس نمی‌توانند شغل دولتی داشته باشند میشود این را گنجاند؟

دکتر شیبانی — این جزو شرایط انتخاب شدن است.

دکتر ضیائی — شرط نمایندگی استعفا است.

نایب رئیس — باید بنویسیم از این حکم مستثنی است چون آن ذیل هم جزو این‌اصل است نمی‌توانیم از این اصل بنویسیم. آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — بنده راجع به نمایندگان مجلس میخواهم یک جمله اضافه کنم و آن این است که آقایان توجه بفرمایند که یک فلسفهٔ این اصل جلوگیری از اعمال نفوذ است و اعمال نفوذ نمایندگان مجلس از خیلی‌ها بیشتر است پس آن را هم حتماً اضافه کنید.

فارسی — ازشرایط نمایندگی است.

نایب رئیس — جای مناسبش اینجا است «نمایندگی مجلس و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی» آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — باید تصدی چند وزارتخانه با اجازه مجلس باشد.

نایب رئیس — طبعاً اینطور هست برای اینکه وقتی مجلس میخواهد رأی اعتماد بدهد دولت که می‌آید و معرفی میکند میگوید این وزارتخانه و این وزارتخانه را من به عهده دارم این است که خود بخود نظر جنابعالی تأمین است. آقای میرمرادزهی بفرمائید.

میرمرادزهی — اگر آقای تهرانی اجازه بفرمایند میخواستم سؤال کنم، آیاراجع به کادر خدمات درمانی صبح صحبت شده است یا خیر؟

نایب رئیس — بلی، صبح صحبت شد و گفتیم این راهم با توجه به جمیع جوانبش لزومی ندارد دو شغل دولتی باشد میتواند یکی دولتی و یکی آزاد باشد.

میرمرادزهی — آقای دکتر روحانی در این زمینه بهترمیدانند.

ربانی املشی — ایشان دعا میکنند که ضرورت ایجاب میکند که بعضی از افراد کادر درمانی روز بیکاری‌شان را درجای دیگر کار کنند.

نایب رئیس — منظورتان کار دولتی است؟آقای میرمرادزهی، صبح صحبت شد و گفته شد که اگر این شخص یک روز اینجا نیست لابد یک طبیب دیگر به‌جایش هست، بنابراین خوب این یک‌جا کار میکند و او هم یک‌جای دیگر کار میکند اظهارنظر آقای دکتر شیبانی از همه ما اولی‌تر است. آقای دکتر شیبانی شما بفرمائید.

دکتر شیبانی — تا به حال آنچه که بنده در بیمارستان ها دیده‌ام آن اطبائی که می‌گفتند تمام وقت باشند می‌آمدند بیمارستان و مریضها را از آنجا روانهٔ مطبشان میکردند و تابلوی مطبشان را هم خیلی بزرگ نمی‌زدند به این دلیل آنها نباید دو شغلی باشند . تمام وقت کار بکنند ولی پول بیشتری به آنها بدهند.

نایب رئیس — آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — فلسفهٔ ممنوعیت شرکت در هیأت مدیره یا عضویت در هیأت مدیره این است که از قدرتش استفاده نکند و اینکه استثناءشده است جز شرکتهای تعاونی، شرکتهای تعاونی اتفاقاً از مؤسسات انتفاعی است و این استثناء به نظر من صحیح نیست.

نایب رئیس — صبح هم مذاکره شد که منظور شرکتهای تعاونی کارمندان است نه هر شرکتی.

یزدی — شرکتهای تعاونی کارمندان هم که باشد وقتیکه این آقا یک موقعیت دولتی دارد و جزو هیأت مدیره همان قسمت باشد از موقعیتش میتواند استفاده بکند. (نایب رئیس — پس چه کسی این کار را بکند؟) میتواند عضو باشد و سهیم باشد. سهیم بودن و عضو بودن یک مسأله است و عضو هیأت مدیره بودن یک مسأله دیگر است.

نایب رئیس — آقای یزدی، تعاونی اینطورنیست تعاونی سودش مربوط به خود کارمندان است مثلا یک اداره سی نفر کارمند دارد و یک شرکت تعاونی درست میکنند و یک هیأت مدیره میخواهد شما می‌فرمائید هیأت مدیره را از خارج از این کارمندان بیاورند؟ (یزدی —خیر عرض میکنم این آقایان...) به سؤال جواب بدهید فرض کنید یک اداره هست در یک شهری و سی نفر کارمند دارد و می‌آیند یک شرکت تعاونی برای این سی نفر کارمند درست میکنند، می‌فرمائید اعضای هیأت مدیره این شرکت تعاونی‌را از خارج این اداره بیاورند؟ (یزدی—خیر، طبعاً باید از بین خودشان باشند.) آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — بنده یک تذکر آئین‌نامه‌ای دارم. بارها دراینجا یک پیشنهاد و تذکر داده شده و منطقی هم بوده است که حد نصاب اشخاص برای رأی‌گیری بیش از آن حدی است که آئین‌نامه تعیین کرده با توجه به اینکه الان من اسم پنج نفر را یادداشت کرده‌ام که اینها به کلی در مرکز نیستند و شصت و نه نفر در مرکز حاضر هستند وباز حدنصاب را چهل‌وهشت

نفر حساب میکنیم این صحیح نیست. با توجه به این اصل به این خوبی که اگر رئیس‌جمهور و سایر مقامات خیانت بکنند...

نایب رئیس — آقای رشیدیان من فقط یک تذکر آئین‌نامه‌ای به شما دارم و آن این است که ما در اثنای اینکه داریم روی یک اصل بحث میکنیم...

رشیدیان— آقای دکتر بهشتی، من نوبت‌گرفتم و این مسأله مهم است برای‌اینکه دیروز وقت ما تلف شد ویک‌ساعت‌ونیم روی یک اصل بحث شد درحالیکه یک اصل‌واقعاً اسلامی‌بود.

نایب رئیس — شما در فاصله دو اصل نوبت بگیرید و دراین باره صحبت بکنید نه‌اینکه الان ما داریم افکار... (رشیدیان — آقای دکتر من نوبت گرفتم و الان وقت تلف میشود ، همانطورکه دیروز وقت ما تلف شد.)حالا هم دارد تلف میشود. آقای عرب به عنوان مخالف بفرمائید. (مشکینی — من یک پیشنهاد داده‌ام راجع به اصل بعدی.) بسیار خوب آقای عرب به عنوان مخالف بفرمائید.

عرب — بنده دوست ندارم وقت مجلس تلف بشود اگر حرف من حل بشود من از وقت خودم میگذرم و همینجا میگویم این مسأله دوجا کارکردن باید برای همه ممنوع باشد.

نایب رئیس — آقای عرب صبح هم در جلسه پیشنهاد کردند که در قانون اساسی بنویسیم بطورکلی کارکردن در دو جا برای همه افراد ملت ایران ممنوع باشد اعم ازکارگر و کشاورز و پیشه‌ور همه... (منتظری — مأمور دولت نبایدجای دیگرکارکند.) اجازه بفرمائید چون این اصل جدیدی است جای دیگری جداگانه مطرح بشود.

منتظری — کار جدیدی نیست، بنویسیم دولتی و غیر دولتی.

حیدری — وکلائی که در استخدام دولت نیستند چرا ممنوع شوند؟

نایب‌رئیس — منظور وکلائی است که در استخدام دولتند، وکلائی که شغل دولتی ندارند ممنوع نیستند. اصل ۱۱۷ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۱۱۷ (اصل یکصد و چهل ویکم) — رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک‌شغل دولتی داشته باشند وداشتن هرنوع شغل دیگر درمؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. نخست‌وزیر میتواند در موارد ضرورت بطور موقت تصدی برخی از وزارتخانه‌ها را بپذیرد. سمت‌های آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این‌حکم مستثنی است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی، عده حاضر هنگام رأی‌گیری شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، موافق شصت نفر، مخالف یک نفر، ممتنع سه نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند) .

• — طرح و تصویب اصل ۱۱۸ (اصل یکصد و چهل و سوم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۸ قرائت میشود.

اصل ۱۱۸ — ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی ونظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

عده‌ای از نمایندگان — رأی بگیرید، در جلسه مشترک هم بحث شده است.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید که پیشنهادی از آقای مشکینی رسیده بخوانم. ایشان پیشنهادی کرده‌اند و صبح هم تذکری داشتند که در حقیقت آن تذکرشان هم در این پیشنهاد هست . ایشان چنین پیشنهاد کرده‌اند : «اصل ۱۱۸ — به مفاد آیهٔ کریمه (واعدوالهم مااستطعتم من‌قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله وعدوکم و آخرین من‌دونهم لاتعلمونهم الله‌یعلمهم) دولت جمهوری اسلامی موظف است برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور، ارتشی نیرومند درخور نیاز از افراد ملت تشکیل دهد و در تهیه تسلیحات و تجهیزات لازم همه امکانات خود را بکار گیرد.» اگر موافقید...

سبحانی — این مسأله اگر در اصل ۱۲۶ مطرح شود مناسبتر است چون برای افراد است‌و برای نظامیان نیست.

کرمی — این پیشنهاد باید در جلسه مشترک مطرح شود، اینجا مطرح نکنید.

یزدی — به نظر من آیه شریفه ذکر شود و به دنبال آیه، همین اصل ۱۱۸ نوشته شود.

نایب رئیس — آن‌که دیگر یکی میشود.

حجتی کرمانی — بگذارید خود آقای مشکینی توضیح بدهند.

نایب رئیس — بفرمائید آقای مشکینی. (مشکینی — متنش روشن است.) آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری‌اصفهانی — من یک جمله کوتاه بگویم، شما در این اصل ۱۱۸ چه نوشته‌اید ؟ نقش ارتش را، نقش ارتش پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور است، اگر این نقصی دارد به آن اضافه کنید، آنچه جناب آقای مشکینی فرمودند آن یک اصل دیگر میخواهد که جمهوری اسلامی ایران موظف است به‌موجب این آیه ارتشی مجهز بنانهد.

هاشمی‌نژاد — با توجه به سابقه این مملکت و نظام و رژیم شاهنشاهی که بود وتقویت ارتش و آن وضعی که داشتیم، این تعبیر در این شرایط به هر حال ممکن است آن‌تداعی‌معانی را پیش بیاورد.

ربانی املشی — فعلا برای این اصل رأی بگیرید آنرا بگذارید برای بعد.

نایب رئیس — مسلماً منظور از این پیشنهاد آقای مشکینی را میتوانیم فردا صبح طی یک اصل جداگانه‌ای مقدم بر این اصل‌بیاوریم و تنظیم کنیم که در حقیقت مبداء ایدئولوژیک لزوم و ضرورت ارتش باشد، پس‌آنرا موکول به فردا میکنیم و این‌اصل را که نقش‌ارتش‌هست به همین صورت به رأی میگذاریم. آقای غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — به خاطر مسأله و نقش مهمی که ارتش دارد و بخصوص که ما میخواهیم این قانون دروضع آینده ما معرف وضع اسلامی باشد، ما باید همانطوریکه ایشان‌اشاره کردند اصولی منضبط و محکمتر از این که هست تدوین کنیم. فکر میکنم علی‌الحساب اینجا بنویسیم «ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تجهیز نوین براساس نظام اسلامی...» چون ما ده، بیست هزار نفر ارتشی میخواهیم مجهز به آخرین مسائل علمی روز مربوط به ارتش، که نظارت و اشراف داشته باشد و بقیه افراد مردم همه سربازان مملکت هستند و ما یک ارتش

بیکار با چهارصد و هفتاد هزار نفر عضو با این حقوقهای گزاف و بااین وضع نارضائی نمی‌خواهیم. بنابراین من پیشنهاد میکنم «ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تجهیز نوین براساس نظام اسلامی پاسداری از...» (یکی ازنمایندگان—تجهیزات نوین روز بروز عوض میشود وبرای فردا کهنه میشود.)

نایب رئیس — آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی— بایدبنویسیم «پاسداری و دفاع».) آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — من دو سؤال دارم ، یکی اینکه کلمه دفاع اینجا نیست پاسداری برای دفاع هم کفایت میکند یا دفاع را هم بگذاریم؟ دیگر اینکه تمامیت ارضی به معنای تمامیت «خاک» تنها نیست، فضا یا قسمتی از آبهای‌ساحلی را مثل فلات قاره شامل میشود. اگراشکالی ندارد بعد از تمامیت ارضی توضیح بدهیم «در تمام جوانب فضائی وزمینی و دریائی فلات‌قاره».

نایب رئیس — از نظر اصطلاح همه اینها را شامل میشود. (خامنه‌ای — تصریح اگر احتیاط باشد، گذاشتن این چند کلمه اشکالی ندارد.) آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — عقیده من اینست که پیشنهاد آقای مشکینی با این اصل فعلی هر دو به‌یک اصل تبدیل شود و اگر صلاح میدانید با دست رأی بگیرید که آیا آنرا قرار بدهیم؟ یا اگر نمی‌خواهید، بگذارید باشد برای فردا و اصل بعدی را مطرح بکنید.

نایب رئیس — آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — مفهوم پیشنهاد آقای مشکینی این است که ما ارتشی نداریم و دولت موظف است ارتشی تشکیل بدهد و این مفهوم زننده است، اگرهم صدر و پایه را تلفیق بکنیم بدون اینکه این استفاده از آن بشود خوب است والا زننده است.

نایب رئیس — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — همان مسأله دفاع که دوستان هم فرمودند منتها نه به‌صورت تلفیق بلکه چون وزارتمان وزارت دفاع است، به جای پاسداری بنویسیم دفاع از استقلال که جالبتراست.

نایب رئیس — (خطاب به هاشمی‌نژاد) معمولا دفاع بیشتر تداعی میکند با جائی که دشمنی حمله کرده و حالا این دفاع‌میکند ولی پاسداری هردو حالت راشامل‌میشود. (رحمانی— پاسداری او دفاعی است.) دیگر عرض میکنم اعم از اینکه دفاع کرده‌اند یا نکرده‌اند.

منتظری — این اصل دیگر توضیح واضحات است مثل اینکه بگوئیم آب برای خوردن است.

نایب رئیس — آقای اشراقی بفرمائید.

اشراقی — این اصل راجع به ارتش موجود است که وظیفهٔ او را تعیین میکند، اگر این ارتش خوب نیست و به ارتشی بهتر از این نیاز داریم این باید بعداً بحث بشود و مثلا آیه‌هم در صدر آن نوشته بشود.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید. (فارسی — مخالفم.) آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — به نظرم رسید که نوشتن پیشنهاد آقای غفوری «پس از تجهیز ارتش نوین» در این موقعیت انسجام فعلی ارتش را هم به هم میزند.

نایب رئیس — به‌هم میزند. آقای فاتحی بفرمائید. (فاتحی — بعد از کلمه استقلال، کلمه آزادی هم اضافه بشود.) آقای آیت بفرمائید. (آیت — من مخالف مشروط هستم.) آقای

ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — این اصل جز وظیفه ارتش چیز دیگری را نمی‌گوید و بمنزله مدخلی است برای سایر اصول که مربوط به ارتش است و منافاتی با مسأله‌ای که آقای مشکینی گفتند، ندارد اگر نباشد آنرا هم بعد از این ذکر می‌کنند.

نایب رئیس — بلی، یک اصل هم قبل از این جا افتاد. (منتظری — اینها توضیح واضحات است.) آقای مکارم بفرمائید. (مکارم شیرازی — اگر دفاعی لازم باشد بنده موافقم.) من لیست اسامی را بستم. (طاهری اصفهانی — این اصل صبح رأی آورد.) بلی شصت رأی هم آورد. آقای فارسی به عنوان مخالف صحبت می‌کنند و آقای مکارم به عنوان موافق، بفرمائید آقای فارسی.

فارسی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. راجع به این اصل من مخالف هستم ولی با مختصر تغییری میشود موافق شد. علت مخالفت این است که می‌گوید ارتش جمهوری‌اسلامی ایران، این کدام ارتش است که در عالم واقع پاسداری از نظام جمهوری اسلامی را به عهده دارد؟ در حالیکه انقلاب ما از طریق شورش توده‌های مردم علیه همین نیروهای مسلح و همین ارتش بود و به پیروزی رسیدیم... (همهمه و اعتراض شدید نمایندگان) (نمایندگان — اجازه ندهید علیه ارتش صحبت کنند.) این ارتش باید مثل همه ادارات تجدید بنا بشود.

دکتر شیبانی — همین ارتش بود که اسلحه را در دست مردم گذاشت.

فارسی — آن قسمتی از ارتش بود. (اعتراض شدید نمایندگان)

دکترشیبانی— ایشان‌حق ندارد علیه‌ارتش‌حرف بزند، ارتش‌خدمت کرده‌است‌عده زیادی از بزرگان ارتش به خود من مراجعه کردند و گفتند علیه‌شاه قیام‌می‌کنیم، چرا اینطورمی کنید؟

فارسی — بلی آن بخش صالح ارتش است و در آن شکی نیست. (همهمه و اعتراض‌شدید نمایندگان)

نایب رئیس — آقایان بفرمائید خواهش می‌کنم سکوت و متانت را حفظ بفرمائید.

طاهری اصفهانی— خدا شاهد است بد منعکس میشود. اصلا ایشان صبح تشریف‌نداشتند و نباید حرف بزنند.

فارسی — آن آقائی که موافق است می‌آید صحبت میکند و جواب میدهد. (همهمه نمایندگان — زنگ رئیس) فعلا آقای مکارم به این سؤال جواب بدهند که منظور از ارتش، ارتش آینده است یا همین ارتش است که هست؟

پرورش — فرمانده کل قوای ارتش الان امام است. (همهمهٔ شدید نمایندگان — زنگ رئیس)

صافی — بحث در مصداق بود یا کل ارتش جمهوری اسلامی؟

نایب رئیس — آنچه قدر مسلم است این است که در این جلسه ما اگر حرفی را هم که سوءتفاهم بیاورد، وقتی در جو آرام گفته شود و در جو آرام یک نفر دیگر در مقابل او دفاع کند و او را رد کند بهتر است و بعد برادران ارتشی که هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی هستند (یزدی — و بروند) و در ساعتهای آخر انقلاب مخصوصاً به پیروزی این انقلاب کمک کردند و با در هم شکستن قدرت استبداد از درون، راه را برای پیروزی با خونریزی کمتر هموار کردند، آنها متوجه می‌شوند که برادرمان آقای فارسی چه گفته و برادرمان آقای مکارم در پاسخ ایشان چه میگویند و هیچ سوءتفاهمی هم پیش نمی‌آید. الان برادرمان آقای فارسی در

میان هیجان دوستان نتوانستند مطلبشان را بگویند. ما روا نداریم که برادرهای ارتشی مطلب یک برادر را که بیش از خیلی از ما ها به پادگانها میروند و برای ارتشی ها صحبت می کنند بدتلقی کنند. ما روا نداریم که ایشان که اینجا یک مطلبی را برای توضیح میگویند و خودشان هم گفتند که با یک تغییر موافقند، به ایشان مجال ندهیم که چه میگویند و بعدجواب بدهیم. اگر مطلبشان صحیح بود می‌پذیرفتیم، اگر از نظر ما مطلبشان غلط بود یکی از دوستان می‌آمد و رد میکرد. بنابراین عنایت بفرمائید که جو جلسه که خودش بیش از هر چیز سوء تفاهم می‌آورد آرام باشد و انتظار من و همه ملت این است که در جلسه امکان صحبت کوتاه و جواب کوتاه و روشنگری کوتاه باشد. آن حالت بیش از هر حالت دیگر متناسب با انقلاب ما، اسلام ما، تربیت اسلامی ما، جلسه ما، اخلاق اسلامی ما و نتیجه‌گیری بهتر از اینهمه زحماتی است که دوستان عزیز بر عهده‌گرفتید، مسئولیتهایتان را در شهرهایتان رها کردید آمدید اینجا و شب و روز زحمت می کشید، این است که خواهش می کنم دیگر چنین صحنه‌ای نداشته باشیم.

تهرانی — اینطور که جلسه اداره میشود، اقتضا می کند که صبح بعضی ها نیایند و صحبتها را نشنوند و آنجا بحث نشود و بعد بیایند درجلسه علنی وقت ما را بگیرند. شما رئیس مجلس هستید و برخلاف آئین‌نامه رفتار می کنید شما خودتان یکروز قرار گذاشتید (البته‌نوشته نیست) تنبیه آن کسی که صبح نیست، بعدازظهر صحبت نکند. شما دستور بدهید که همه صبح حاضر بشوند تا از کم و کیف گروهها آگاه شوند.

دکتر آیت — این چه ربطی به صبح دارد؟

جوادی — یک حدیثی است از پیغمبر (ص) میخواهم بخوانم.

نایب رئیس — آقای جوادی حدیث را بخوانید.

جوادی — «لایقطع رسول‌الله صلی‌الله‌علیه وآله وسلم کلام احد حتی یجوز فیقطعه‌بینهی او قیام». این جواب نبی اکرم بود که وسط سخن کسی حرف نمی‌زدند اگر گوینده خلاف‌میگفت از مجلس بیرون میرفت یا اعتراض میکرد. این سیره، سیره رسول اکرم بود.

هاشمی‌نژاد — ما تا حالا چنین سیره‌ای نداشتیم.

جوادی — اگر نداشتیم برخلاف شرع بود گوینده اگر خلاف کرد شنونده یا باید برخیزد یا اعتراض کند. این سیره نبی‌اکرم بود.

نایب رئیس — متشکرم. آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

طاهری گرگانی — من به سهم خودم نسبت به وضعی که در مقابل صحبتهای آقای فارسی در مجلس بوجود آمد اعتراض دارم چون‌خیلی از وزارتخانه‌های ما احتیاج به پاکسازی دارد، ولی چرا نمی‌گذارند یک مرد دانشمندی که همه چیزش را در راه انقلاب گذاشته،حرفش را بزند. فرضاً اشتباه هم کرد بعد آقای‌مکارم می‌آمداشتباهش رامرتفع میکرد.(همهمهٔ‌نمایندگان)

یزدی — با توجه به وضع ارتش، جو مخالفت درحال حاضر برای مملکت خطر داردوالا ایشان روی چشم ما و مورد احترام ما هستند.

طاهری گرگانی — من میدانم آقای یزدی، ولی حرف بعضی ها مغرضانه بود.

نایب رئیس — آقای یزدی توجه بفرمائید. (یکی از نمایندگان — به حدیثی که خوانده شد توجه بفرمائید.) آقای تهرانی عنایت بفرمائید راجع به تذکری که به من دادید، ولی ما

بعداً گفتیم فقط یک موافق و یک مخالف می‌تواند صحبت کند یعنی گفتیم بیش از این نباشد.

تهرانی — اخلاق اسلامی اقتضاء نمی‌کند وقت ما را بگیرد و به علت اینکه صبحها نمی‌آیند ما مجبور باشیم تحمل تکرار مکررات را بکنیم.

نایب رئیس — اجازه بدهید، ما این را بعداً در خدمت آقای تهرانی و دوستان عزیز حل می‌کنیم... آقای فارسی تشریف می‌آورند و اقلا مطلبشان را بیان می‌کنند چون این وضع به‌جای جلوگیری از سوء تفاهم، سوء تفاهم ایجاد کرد بنابراین...

دکتر شیبانی — اجازه بدهید من تذکرم را بدهم بعد ایشان صحبت کنند.

نایب رئیس — بفرمائید آقای شیبانی.

دکتر شیبانی — آقای فارسی در جریان انقلاب در ایران نبودند، خود شما شاهدید که فرماندهان زیادی از ارتش به شما مراجعه کردند و گفتند که ما از داخل ارتش را ستلاشی میکنیم و خود من شاهد بودم افسران زیادی مراجعه کردند که از ارتش فرار کرده بودند خود آقایان جریان لویزان را که میدانید اکثریت ارتش همراه بودند از آقای فارسی خواهش می‌کنیم که راجع به ارتش که در جریان مبارزه ما است چیزی نفرمایند، بلی ما ارتش شاهنشاهی را قبول نداریم ولی ارتش جمهوری اسلامی مورد قبول ما است.

حسینی هاشمی — (خطاب به دکتر شیبانی) نظم را شما به‌هم میزنید. درعین حال که یک فرد خبیر در امور نظامی میگوید یک موضوع را تذکر میدهم و رعایت کنید، شما به خاطر احساساتتان نمی‌گذارید توجه به نظر یک فرد خبیر بشود.

نایب‌رئیس — آقای حسینی و آقای دکتر شیبانی، بحثهای اینجوری را تمام کنید. آقای فارسی بفرمائید صحبت کنید.

کرمی — آقای بهشتی خواهش می‌کنم... خواهش میکنم برای آرامش مجلس اجازه ندهید که ایشان صحبت کنند.

فارسی — آقای کرمی سوء تفاهم شده باید برطرف شود.

نایب رئیس — آقای کرمی اجازه بدهید صحبتشان را بکنند اشکالی ندارد.

کیاوش — قبل از صحبت آقای فارسی من یک جمله بگویم. کتاب انقلاب اسلامی آقای فارسی یکی از بنیانگذاران انقلاب ایران بود که نوشته شد اما...

نایب رئیس — اجازه بدهید آقای فارسی مطالبشان را بفرمایند.

فارسی — آقای کیاوش اجازه بفرمائید، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. برادران عزیز روی حسن نیت در دفاع از افسران شرافتمند و درجه‌داران و سربازانی که به انقلاب پیوستند، بدون اینکه بگذارند من صحبتم را ولو یکی دو دقیقه ادامه بدهم، از روی دلسوزی اعتراض کردند. من به این اعتراض با تقدیر و تجلیل نگاه می‌کنم مخصوصاً آقای دکتر شیبانی که سرعت قضاوت دارند در دفاع از حق، و لازم شد اینجاتوضیح بدهم برای ملت ایران و برادران‌ارتشی. من نه اینکه الان بخواهم این حرف را بزنم، بلکه آن روزهای اول انقلاب، چند روز ازپیروزی انقلاب نگذشته بود در ورزشگاه تختی این حرف را زدم. آنروزی که بعضی از سازمانها شعار انحلال ارتش را بالا می‌بردند من آنوقت آنجا گفتم که تا حالا تعریف جنگ و پیروزی این بود که یکی از طرفین، طرف دیگر را نابود کند. این تعریف مال مائوتسه تونگ بود که ناقص است. تعریف دیگر مال ژنرال بوفر است که می‌گوید یکی از طرفین جنگ طرف دیگر را یانابود

میکند یا وادار به تسلیم. من گفتم که این تعریف دوم کاملتر است ولی ملت ایران شکل ثالثی از جنگ را عرضه کرد و آن این بود که توانست نیروی مسلح دشمن را به خودش ملحق بکند و بوسیله پیوستن این ارتشی‌های میهن‌پرست که حتی در داخل گارد که مطمئن ترین واحد ارتش بود، این افراد به ملت پیوستند و ارتش را متلاشی کردند نه اینکه در یک‌برخورد مسلحانه کاملا نیروی مسلح دشمن متلاشی بشود. ما به آدمها و انسانها و افسر و سرباز کار نداریم توده سرباز مسلماً با ملت است. درست است آقای دکتر شیبانی که من در خارج بودم ولی طرح تسلط بر قوه مجریه را من دادم و آن تئوری که هست همین است که‌توده‌های‌ارتش و حتی بخش بزرگی از افسران در وطن دوستی و ملت دوستی همطراز ما انقلابیون هستند. این قبل از انقلاب بوده است ولی این به معنای این نیست که ارتش و سازمان ارتش یک سازمان شاهنشاهی نبوده است.

هاشمی‌نژاد — پس شما در کیفیت سازمان ارتش صحبت دارید؟

فارسی — بلی من دارم این را توضیح میدهم.

نایب رئیس — لطفاً هیچکس تا صحبت تمام نشده صحبت نکند.

فارسی — بنابراین حرف ما روی سازمان ارتش است. این درست است که یک انقلابی قدیمی بشود و بگوید که شاه خائن و امپریالیسم انگلیس و آمریکا یک ارتشی درست کردند به همان شکلی که رسول اکرم و خدا و انقلابیون میخواستند؟ ما میگوئیم سازمان ارتش باید دگرگون شود و یکی از راههای دگرگونی آن تشکیل همین سپاه پاسداران انقلاب است،نیروی مسلحی که از انقلابیون وفادار بوجود آمده است. شما نگذاشتید من توضیح بدهم که اصلا ارتش انقلابی چنانکه پیامبر اکرم (ص) ساخت چگونه بود. اول ده سال و بیش از ده سال زحمت کشید انسان مجاهد تربیت کرد و بعد اسلحه به دستشان داد. ارتشی که ما به ارث بردیم به شکل دیگری بوجود آمده است ، اول دستشان اسلحه داده و یک ایدئولوژی دیگر هم به آنها تبلیغ کرده‌اند و اینطور سازمان داده‌اند و ما باید سیر بکنیم به طرف آن ارتش توحیدی همچنانکه در تمام شئون جامعه، اقتصاد، آموزش و پرورش، همه شئون را باید تحول بدهیم، این را هم باید تحول بدهیم. شک نیست که ارتش در راه تحول قدم برداشته اما می‌خواهیم بگوئیم در عالم واقع چه وقت می‌خواهیم این مسئولیت را به ارتش بدهیم؟ این را باید مسلم کنیم. در این اصل باید مسلم بشود که وظیفه دفاع از انقلاب و نظام جمهوری‌را چه وقت میخواهیم به‌ارتش بدهیم؟ در عالم واقع آن زمان باید ارتش مثل سپاه پاسدارانقلاب در آن سطح رسیده باشد که این مسئولیت به او واگذار بشود مسأله این است . متشکرم.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید. (نمایندگان — دیگر احتیاجی به سخنان موافق نیست.) شکر خدا، یعنی این اظهارنظر دوستان دربارهٔ اینکه احتیاجی به بیان آقای مکارم‌نیست در حقیقت تأیید همین نکته است که سخنان آقای فارسی برادر عزیز مبارزمان از همان آغاز، سخنی بوده که میتوانسته مورد تأیید همه قرار بگیرد و امیدوارم هیچگونه ابهامی از برای شنوندگان و بینندگان بخصوص برادران ارتشی حامی انقلاب بوجود نیامده باشد .

هاشمی‌نژاد — خود سرکار توضیح بدهید که آقای فارسی وقتی که در خارج بودند آنجا ایشان علیه امپریالیسم و صهیونیسم مشغول مبارزه بودند.

نایب رئیس — من عرض کردم که برادرمان آقای فارسی از مبارزانی هستند که باقلم

و با اقدام و قدمشان همواره در طول سالهای متمادی در مبارزه ملت ماعلیه جور و ظلم واستبداد و الحاد کوشیده‌اند. بنابراین اصل را برای رأی‌گیری میخوانم. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — عرض بنده این است که ارتش مسلماً همانطوری که آقایان عکس‌العمل نشان دادند نمی‌خواست در مقابل انقلابیون بجنگند. اگر می‌خواست بجنگد وسائلی داشت که می‌توانست خیلی چیزها را درهم بکوبد، خود اینها در سربازخانه‌ها را بازکردند، اسلحه به خواهران و برادران خود دادند و درکنارشان هم جنگیدند و انقلاب هم پیروز شد و آقا که در پاریس بود من فراموش نمی‌کنم ایشان در اعلامیه‌ها می‌نوشتند که افسران به من نامه می‌نوشتند و از من دستور میخواستند. ایشان دروغ که نمی‌گفت بنابراین از همان موقع که در پاریس بودند زمینه را می‌چیدند. اما ایشان سؤال کردند آیا ارتش فعلی یا ارتشی که درآینده بوجود خواهد آمد؟ ارتش فعلی باید از نظر ایدئولوژی اسلامی سازمان بگیرد ، باید به او تعلیمات داده بشود. فرماندهان خائن هم کنار گذاشته شدند ایدئولوژی اسلامی هم که پیاده شد بقیه‌اش میشود یک ارتش جمهوری اسلامی، کم و کسری هم نخواهد داشت.

نایب رئیس — برادرمان آقای فارسی میگویند که نوع سازماندهی هم به‌خواست خدا مطابق با ضوابط اسلامی باشد. اصل ۱۱۸ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

اصل ۱۱۸ (اصل یکصد و چهل و سوم)— ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عدهٔ حاضر در جلسه شصت و سه نفر، شماره کل آراء شصت و سه رأی، موافق پنجاه و نه نفر، مخالف یک نفر، ممتنع سه نفر، بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۶ — طرح و تصویب اصل ۱۱۹ (اصل یکصد و چهل و هفتم)

نایب رئیس — اصل ۱۱۹ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۱۹ — دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش درکارهای امدادی و تولیدی و جهادسازندگی با پرداخت دستمزد عادلانه به سربازان وظیفه استفاده کند درحدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری— درمورد این «با پرداخت دستمزد عادلانه...» باید بگویم که اگربفهمانیم که بعد از آنکه میخواهند آنها را بفرستند سراغ کارهای تولیدی و دستمزد بدهند بهتر است، والا اگر از روز اول سرباز بداند که حقوق میگیرد و تیراندازی باید یاد بگیرد، سعی میکند سراغ یک کاری برود که درآمد داشته باشد. اگر صلاح میدانید بنویسیم «پس از آموزش نظامی» یک چنین چیزی‌باشد. منظورم این است که اگر اینطور نباشدسربازان سعی‌میکنند بروند سراغ کاری که آموزش نظامی کمتر داشته باشد.

نایب رئیس — این شبیه چیزی است که در سپاه بهداشت و سپاه دانش عمل میشد که دوره آموزشی را اول می‌دیدند بعداً به آن کارها فرستاده میشدند این معلوم است. آقای فوزی بفرمائید. (فوزی — من موافق هستم.) آقای کریمی بفرمائید.

کریمی — با اجازه آقایان بنده یک تذکری راجع به این اصل و اصلهای بعدی‌میخواهم بدهم و آن این است آقایانی که اینجا تشریف دارند که با شناخت مردم انتخاب شده‌اندواینجا آمده‌اند طبق کدام آئین‌نامه حق شرکت درجلسه بعدازظهر را دارند ولی حق رأی ندارند. اگر می‌فرمائید که حق رأی دارند همه هم قبول دارند. آیا این درست است که حق حرف زدن و بیان عقیده خودش را نداشته باشد و به جرم اینکه به علتی صبح در جلسه نبوده بعدازظهر حق نداشته باشد اظهار نظر کند؟ معنایش این است که حق حرف زدن ندارد. طبق کدام آئین‌نامه کسی که صبح نبوده بعدازظهر حق حرف زدن ندارد؟

نایب رئیس — بنده خیال کردم که شما برای صحبت در محتوای اصل اجازه گرفته‌اید. سرکار کاش این مطلب را در یک‌جای مناسب میفرمودید. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — عرض من یکی این است که کلمهٔ دولت را که به این اصل اضافه کرده‌اید این اصل را بهتر نکرد برای اینکه مفهوم در زمان صلح از افراد و تجهیزات وظیفه‌ای بود که به ارتش داده میشد و این وظیفه را زیر نظارت فرماندهی با همکاری و به قصد همکاری با دولت در اختیار دولت می‌گذاشتند. این اضافه کردن کلمه دولت، دولت را مأمور این کار میکند و فرماندهی را دراین مقدار شما تخصیص داده‌اید، برای اینکه متخصص چه قبل و چه در بعد اثر خودش را دارد بنابراین اضافه کردن کلمهٔ دولت مشکلی را اینجا حل نکرده. دیگر اینکه در مورد دستمزد برای سربازان باید بگویم زیرا قبلا هم برای سرباز دستمزد خیلی کمی میدادند، این مطلب مقداری با آن اصلی که گفتیم از دو جا کسی حقوق نگیرد تعارض پیدا میکند.

نایب رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — این کلمه پرداخت دستمزد به سربازان در نظر درجه‌داران ممکن است یکنوع تبعیض تلقی بشود.

نایب‌رئیس — آنها حقوق بگیرند، اینها حقوق نمی‌گیرند. (قرشی — در موردسربازان‌یک نوع مزدوری به‌نظر می‌آید مثل اینکه خوب نیست اگراین کار را یعنی‌گرفتن حقوق در اختیار خود آنها بگذاریم یا یک مقدار حقوق سربازان را از حالا اضافه بکنند در عوض کاری که‌بعداً به آنها ارجاع میشود، من فکر میکنم این طور بهتر است.) آقای گلزاده غفوری بفرمائید.

گلزاده غفوری — همانطورکه گفتند باید بگویم که در نظام آینده فکر میکنم تمام‌مردم باید خودشان را سرباز بدانند و وظیفه دولت مجهزکردن تمام افراد است، به‌جای اینکه ما به سرباز بگوئیم که بیاید کارکند و مزد بگیرد بهتر است کارگران و مردم دیگر را سرباز کنیم یعنی همه را مجهز کنید با یک فرمان هم در موارد لزوم همه بسیج میشوند. ما یک ارتش بیست، سی‌هزارنفری بسیار مجهز و مدرن تهیه میکنیم که دستمان بالا باشد و بقیه مردم همه سرباز باشند این دستمزد دادن یک شخصیت ناجوری پیش می‌آورد و در عمل هم با اشکال مواجه خواهیم شد.

نایب رئیس — آقای دکتر قائمی.

دکتر قائمی — همین مطلبی را که آقایان فرمودند من به صورت دیگری مطرح میکنم و آن این است که هر فرد هموطن وظیفه دارد که برای مدت یک سال یا دو سال مجانی برای مملکتش کارکند. شما این مسأله مجانی را کشاندید به مسأله کار و کارگری، آنچه را هم

که قبلا به سربازها میدادند دستمزد نیست یک کمک خرج و یک پول توجیبی است که میدهند این را شما کشاندید به دستمزد عادلانه یعنی مسأله کار و کارگری و اینها، و به نظر من این اشتباه است.

نایب رئیس — آقای رحمانی.

رحمانی — این موضوع باید با تشخیص مجلس شورای ملی باشد بدون تصویب‌مجلس دولت اینکار را نکند. (دکتر آیت — اگر کسی مخالف باشد من موافق هستم.)

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی‌اردبیلی — من خواستم نظرنمایندگان ستاد و وزارت دفاع ملی راکه دیروز آمده بودند راجع به این اصول عرض کنم. این را آقایان مطالعه کردند و همه را تأیید فرمودند گفتند بسیار خوب و خیلی عالی است منتها پیشنهادات روی اصول دیگری هم‌داشتند.من برطبق اجازه‌ای که مجلس و هیأت رئیسه مجلس داده بود گفتم فردا در آن جلسه بیایند و نظرات خودشان را بگویند و مجلس را در جریان بگذارند. درهمین اصلی که الان مطرح است تنها نظرشان یک کلمه تولیدی بود که آنها فکر میکردند که اگر به سردمیاری تبدیل بشود، به‌نظر آنها بهتر است. دیگر گفتند اگر این دستمزد عادلانه برای سرباز وظیفه در این اصل نباشد آنها می‌گفتند بهتر است، و ما با هم صحبت کردیم و من دلیل اینکه چرا این دستمزد را در این اصل گذاشتیم گفتم. آنها گفتند که اگر مجلس راهی پیدا کند این جمله در اینجا نباشد از نظر ما بهتر است.

نایب رئیس — بنده یک پیشنهادی دارم به دوستان و آن این است که این مسأله‌آقای موسوی اگر ما این قسمت را بخواهیم با یک جمله بیاوریم به هر کیفیتی که نگاه میکنیم می‌بینیم حق مطلب ادا نمی‌شود. اگر این قسمت را حذف کنیم و این را موکول کنیم به آینده چون در آینده مجلس باید برای هر یک از این اصول لایحه قانونی یا طرح قانونی به تصویب برساند این را موکول کنیم به مجلس شورای ملی که نمایندگان ملت در تهیه لایحه یا طرح مربوط به‌اجرای این اصل، آنجا وظیفه خودشان را انجام خواهند داد و حقوق سرباز را رعایت خواهند کرد . چون این جمله را به هر کیفیتی که بگذارید یک مفهوم نامطلوب ممکن است بوجودبیاورد ولی بعداً که به‌صورت قانون درمی‌آید و اطراف و جوانب آن مشروحاً بیان میشود آنجا از همه محاسن استفاده میشود و از همه سوءتفاهمات هم میشود دوری کرد. اگر بدون این جمله این اصل را بگذرانیم بهتر است.

کرمی — ما از وجهه شرعی نمی‌توانیم سرباز وظیفه را اجباراً به کار ببریم بدون اینکه در برابر کاری مزدی باشد از ناحیه شرع ممنوع است. سرباز، سرباز است.

نایب رئیس — آقای عضدی بفرمائید.

عضدی — من‌معتقدم که دستمزد عادلانه حذف شود وبجای‌آن خدمات آموزش اضافه بشود یعنی بنویسیم کارهای‌تولیدی، خدمات آموزشی .

نایب رئیس— آقای مکارم بفرمائید .

مکارم شیرازی — هفت نفر از دوستان پیشنهادی داده‌اند راجع به اینکه دستمزد حذف بشود و سرباز داوطلب جانشین آن بشود. (موسوی تبریزی — به اختیار خودش بگذاریم.)

نایب رئیس — آقای کیاوش.

کیاوش — بنویسیم «دولت می‌تواند در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی و تولیدی و جهاد سازندگی داوطلبانه کمک بگیرد.»

نایب رئیس — آقای رشیدیان‌بفرمائید. (رشیدیان—عرضی ندارم.) خانم گرجی‌بفرمائید.

خانم گرجی — ما در اصل اشتباه کرده‌ایم. قرار بود از نیروهای ذخیره‌ای که آنجا هست استفاده بشود. دراین اصل آمده‌است که ازسربازان باید استفاده بشود وحال‌آنکه سربازان‌وظیفه باید یک دوران کوتاه امور و فنون جنگی را تعلیم بگیرند و بیایند بیرون، از آن نیروهائی که برای روز مبادا هست باید استفاده بشود. این کاملا کار برعکس شده است. (نایب رئیس — این کار شامل افراد میشود.) وقتی ما گفتیم با دستمزد عادلانه به سربازان وظیفه پس این‌امر هم فقط شامل سربازان وظیفه میشود.

نایب رئیس — اینطور فهمیده نمی‌شود. گفته میشود برای سربازان وظیفه اگر خواست اجرا بشود. آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — خوب است برای دستمزد بنویسیم «با عدم تحمیل بر سربازان وظیفه مگر به عنوان داوطلبی» چنین عبارتی نوشته شود که خلاصه به آنها تحمیل نشود و خودشان‌اختیار داشته باشند.

دکتر بیت اوشانا — اگر قسمت تولیدی به کلمه آبادانی تبدیل شود چون همه طرحها دارای بودجه مخصوص به خودشان هستند خود بخود بودجه آن طرحها در اختیار ارتش قرار میگیرد که اگر تجهیزاتی هم که بکار میبرند کهنه بشود از آن محل تجهیزاتشان را نو بکنند و از همان محل هم دستمزدهائی که پیش‌بینی شده است پرداخت بشود. با این ترتیب‌مسأله پرداخت هم کم کم از بین میرود و اصلاح میشود.

نایب رئیس — پیشنهاد ایشان این است که این کلمه تولیدی تبدیل به عمرانی بشود. پیشنهاد آقای موسوی تبریزی را به رأی میگذاریم. آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

طاهری گرگانی — موقعی که این اصل تنظیم میشد یک جهت عمده آن مسأله بودجه تفصیلی بود که باید به آن توجه بشود و با فرض اینکه ما ولایت فقیهی داریم که میتواند زیر این قوانین را امضاء بکند و به صورت قانون شرعی درآورد، هیچ اشکالی ندارد که‌بدون‌دستمزد باشد مگر در مواردی که آن سرباز یک وضع استثنائی داشته باشد از لحاظ بودجه و ازبیت‌المال به او رسیدگی بشود، این مطلب دیگری است و در صدر اسلام همه آقایان میدانند سربازکار خودش را میکرد و سربازی هم میکرد حتی بعضی اوقات از نظر مالی به ارتش اسلام کمک میکرد. به خاطر اینکه بتواند ارتش ما یک ارتش واقعی اسلامی باشد و حتی گاهی کمک‌مالی بکنند ، به خاطر آن تنظیم شد و فکر میکنیم که احتیاجی به دستمزد نداشته باشد.

نایب رئیس — اگر موافقید به جای «با پرداخت دستمزد عادلانه به سرباز وظیفه» که دو تا نقد رویش بود بنویسیم «با رعایت کامل موازین عدل اقتصاد اسلامی» (یکی از نمایندگان— این کافی نیست.) یا بنویسیم عدل اسلامی. می‌نویسیم «با رعایت کامل موازین عدل اسلامی» که اگر واقعاً در مورد دستمزد یا اضافه کار یا چیز دیگر ایجاب میکند این را رعایت بکنند. آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — این واقعیاتی که ما مشهودمان بوده است نباید آنها را انکارکنیم. اینها را ما دیده‌ایم ما سه سال و نیم در زندان بودیم و با همان ارتشی‌ها و سربازان محشور بودیم ما

دیدیم که این کادرهای حقوق‌بگیر نوعاً می‌رفتند می‌خوابیدند یا مشغول روزنامه خواندن بودند و تمام کارها را به سربازها تحمیل میکردند و سرباز بیچاره ناچار بود این کار را بکند و اگر چنانچه درآینده اینطور بشود البته یک عده ارتشی‌ها هستند که وظیفه‌شناس هستند و وظیفه خودشان را عمل میکنند می‌خواهند خدمت به‌مردم بکنند، اما ممکن است یک عده هم باشند مثلا یک عده سرباز را می‌فرستند به‌یک کار امدادی و میدانند باید این کار را انجام بدهند. این کادر پرسنل حقوق‌بگیر کارها را به سربازان تحمیل می‌کنند، سربازان بایدبیگاری بدهند و مفتی کار بکنند و آنها هم مشغول تفریح باشند. ما باید جلوی این کار را در آینده بگیریم باید یک طوری باشد که معلوم باشد سرباز وظیفه اصلی‌اش را انجام بدهد. سربازگیری برای این است که آماده باشند برای حفظ کشور از باب آیه «واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط‌الخیل...» ما به همین دلیل میگوئیم دولت میتواند سرباز بگیرد و مات را آماده کند برای حفظ کشور اما اینکه یک سرباز بیچاره را ببرد در یک‌جا برای کارهای عمرانی به زور درصورتی که حقوق‌بگیران باید آن کار را انجام بدهنداین صحیح نیست. این را باید یک‌طوری بنویسیم که جلوی یک چنین اجحافات گرفته شود که اگر در یک منطقه کشور یک کاری به عده‌ای ارتشی حقوق‌بگیرمحول شد نتوانند از زیربار وظیفه شانه خالی کنند. اگر بنویسیم بدون تحمیل بر سربازان مگر به عنوان داوطلب که خودشان بیایند بهتر است.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — پیشنهاد بنده را آقای منتظری فرمودند فقط خواستم بگویم که مابه‌جای افراد، کادر ثابت بنویسیم و آن جمله دستمزد به سربازان وظیفه را حذف کنیم.

هاشمی‌نژاد— من عرض میکنم بنویسیم درجهادسازندگی با حفظ آمادگی رزمی ازارتش مطلقاً استفاده کنند بعد اضافه کنیم در این باره از سربازان وظیفه فقط از داوطلب استفاده کنند با توجه به اینکه در این تعداد داوطلب برای تأمین نیاز پیدا میشود.

نایب رئیس — من با دست برای یکایک این اصلاحات رأی میگیریم هرکدام که بیشتر رأی آورد با ورقه همان را رأی می‌گیریم . یکی «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش درکارهای امدادی، آموزشی،عمرانی وجهادسازندگی‌استفاده کند، درحدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. این امر در مورد سربازان وظیفه فقط دربارهٔ داوطلبان اجرا میشود.» موافقین با این اصل دست بلند کنند. چهل و شش رأی موافق داشت. حالا به ترتیب دیگر «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش درکارهای امدادی، آموزشی، عمرانی و جهادسازندگی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید» موافقین با این اصل دست بلند کنند. این دومی چهل و هشت رأی موافق آورد پس همین دومی را به‌رأی با ورقه می‌گذاریم. آقای قائمی بفرمائید.

دکترقائمی— روزپنجشنبه بود که راجع به‌مسأله عمرانی بحث شد وبعد برای‌اینکه‌یک کلمه‌ای بگذاریم که هم کلمه عمرانی را شامل بشود و هم خدمات را، این کلمه امدادی را گذاشتند ولی کلمه تولیدی را مخصوصاً پیشنهاد کردیم که ارتش تنها مصرف‌کننده نباشد یک چیزهائی را بتواند تولید کند، شما چرا حذف کردید؟

نایب رئیس — بسیار خوب کلمه تولیدی را هم اضافه می‌کنیم. یکبار دیگر اصل را

برای رأی‌گیری میخوانم عنایت بفرمائید.

یزدی — عمرانی اشکالش این است که با آموزش قابل جمع نیست.

فاتحی — من میخواهم صحبت کنم و اجازه گرفته‌ام به عنوان مخالف صحبت کنم.

نایب رئیس — آقای فاتحی بفرمائید صحبت کنید.

فاتحی — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. مسائلی که در اینجا بحث میشود نباید سرسری گرفته شود زیرا استقلال و امنیت و تمام مزایای یک کشور بستگی به یک ارتش نیرومندی دارد و قرآن هم این دستور را از همان روز اول به ما داده است. بالاترین دستورها «واعدوالهم مااستطعتم من قوة ومن رباط‌الخیل» است، یعنی درآنزمان قرآن به‌ما دستور داده که از آخرین سیستم نظامی بهره‌مند شده و در فنون نظامی وارد شویم. اگر بخواهید سیادت اسلام را جهانی کنید باید از یک ارتش نیرومند مطابق شرایط روز استفاده کنید. در آنزمان ارتش ساده بود و همانطور که بعضی از برادران گفتند یک شمشیر و یک رباط‌الخیل بود و همه می‌توانستند سرباز باشند، اما در دنیای امروز یاد گرفتن فنون نظامی که اینهمه پیچیده است مانند بکار بردن موشکها و هواپیماها و اختراعات جدیدی که روز بروز ساخته میشود احتیاج به آموختن دارد ولی اگر ما فنون نظامی روز را بکار نبریم و بیائیم افراد ارتش راعلاوه‌بر وظیفه سرزداری که باید از سرزهای کشور اسلامی دفاع کنند و به فنون نظامی روز وارد شوند و بدانند و یاد بگیرند، به جهادسازندگی و یا درامور امدادی ببریم صحیح نیست. البته استثنائاً در مواقع زلزله و سیل و حوادث طبیعی که یک وقتی اتفاق می‌افتد، آنها و همه اجتماع بطور داوطلب اعم از زن و مرد هیچ وقت کناره‌گیری نمی کنند و کمک می کنند، اما در این اصل گفته‌ایم «دولت باید»، این کلمه «باید» از کجا است؟ اگر مشاهده می کنید که در میان آنها افرادی بیکار می‌گردند، این علتش این است که ما نخواستیم افراد ارتشمان را به یادگرفتن تعلیمات نظامی بگماریم. هنگامی که وقتشان برای تعلیم صرف شد دیگر وقتی برای آنها نمی‌ماند. ما باید افسران و سربازانمان را مجهز کنیم تا بتوانیم این استقلال و جمهوری اسلامیمان را حفظ کنیم و همینطور سرسری مثل زمان سابق نیست که شمشیرش را به دست بگیرد و این برخلاف قرآن است زیرا قرآن می‌گوید شما باید با اسلحه روز به جنگ دشمن بروید، و دعا هم لازم است بنابراین باید علم بکار بردن اسلحه‌های مدرن را آموخت و پرداختن به وظیفه سنگین و امور امدادی و جهاد سازندگی و سایر بازسازی کشور به ارتش مربوط نیست. آنها را ملزم کنید که در فنون نظامی خودشان تقویت شوند و این کلمه «باید» را که شما آورده‌اید و به نظر من صددرصد صحیح نیست، البته وقتی گفتند به‌طور داوطلب عیبی ندارد، چون اگر یک وقت یک اتفاقی افتاد و سیلی آمد، خودشان با میل و رغبت کمک می کنند نه بطور اجبار بگوئیم باید که دولت موظف باشد اینها را بیاورد، و وانگهی اینها همیشه باید آماده‌باشند زیرا دشمن همیشه مراقب ما است که چه موقع ما بیکار هستیم که همان موقع حمله کند. مثلا ارتش‌الان مشغول جهادسازندگی در فلان ده است اگر از مرز حمله کردند ما در اینجا بگوئیم ارتش ما مشغول امداد و مشغول جهادسازندگی است. چه کسی میخواهد ازمرزکشور دفاع کند؟

نایب رئیس — بسیار خوب. آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — ایشان سطر آخر را مطالعه نکرده‌اندزیرا درسطر آخر نوشته شده‌است «درحدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیب وارد نیاید» دوم اینکه اظهارنظری را که جناب‌آقای موسوی

اردبیلی از متخصصین بیان کردند نادیده گرفته‌اند و ما نمی‌توانیم نظر متخصصین را در نظر نگیریم.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — این بحث که آقای فاتحی کردند از وسائل ارتباط جمعی پخش میشود ولی آن حرفهائی که ما در جلسه مشترک زدیم و برای ما واضح است... (نایب رئیس — من توضیح میدهم.) شما بقدر کافی توضیح بدهید.

نایب رئیس — عرض میکنم، دوستان میدانند و مردم ما هم باید بدانند که اولا درباره این اصل بطور مفصل بحث شده. ثانیاً با ارتشیان محترم و دوستان مختلف تبادل‌نظر داشته‌ایم و برادران ارتشی به بسیاری از ما این را پیشنهاد داده‌اند و برادرمان آقای موسوی اردبیلی هم دیروز قرار گذاشتند که این اصول را به متخصصین ارتش نشان‌بدهند و امروز در این جلسه قبلا نظر آنها را بازگو کردند، این است که این تعبیر برادرمان آقای فاتحی که از این اصول سرسری نگذریم یک تعبیری بود که درخور کار این مجلس نبود. اصل ۱۱۹ را برای رأی‌گیری قرائت می‌کنم.

سبحانی — مطلبی است که ارتشیان فرستاده‌اند که من برای جنابعالی فرستادم لطفاً قرائت بفرمائید.

نایب‌رئیس— اصل ۱۱۹ قرائت می‌شود:

اصل ۱۱۹ (اصل یکصد و چهل و هفتم) — دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی و آموزشی و تولید و جهادسازندگی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر در هنگام اخذ رأی شصت و شش نفر، شماره کل آراء شصت و شش رأی، موافق پنجاه و شش نفر، مخالف دو نفر، ممتنع هشت نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

امیدوارم این اصل یکی از پایه‌های ملی بودن ارتش و وابستگی صمیمانه‌اش با ملت باشد. پیشنهادی که برادرمان آقای سبحانی فرستادند چون در موقع رأی‌گیری فرستادند من الان قرائت می‌کنم: «ارتش برای مقابله با دشمنان کشور اسلامی، آموزش دادن، امور عام‌المنفعه، جهادسازندگی و تبلیغات میباشد.» این پیشنهاد خود ارتشیان است و خودشان این وظایف را برای ارتش تعیین کرده‌اند. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — قبل از اینکه اصل بعدی خوانده شود من یک پیشنهاد دارم. در این اصل صحبت از دستمزد عادلانه شده بود که خوب شد که حذف شد، ولی این به خاطر این بود که استثماری در ارتش وجود نداشته باشد. من پیشنهاد میکنم اگر موافقت بفرمائید این اصل قبل از اصل بعدی اضافه شود که «هر نوع استفاده خصوصی از افراد ارتش به صورت گماشته و غیره و تجهیزات ارتش ممنوع است...».

نایب رئیس — این پیشنهاد را لطفاً فردا صبح به جلسه مشترک بدهید تا رویش شور شود زیرا عددها قابل تغییر است.

۷ – طرح و تصویب اصل ۱۲۰ (اصل یکصد و چهل و پنجم)

نایب رئیس – اصل ۱۲۰ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۰ (اصل یکصد و چهل و پنجم) – هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

نایب رئیس – نظری نیست؟ (نمایندگان– رأی بگیرید) لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس – عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، شماره کل آراء شصت و پنج رأی که یک رأی اضافی به وسیله آقای دکتر اوشانا ریخته شده است، ولی چون بعد از اعلام رأی به داخل جلسه آمده‌اند یک رأی را خارج کردند والا آراء درست‌ریخته شده است، موافق شصت و سه نفر، مخالف هیچ، ممتنع یک نفر بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۸ – طرح و تصویب اصل ۱۲۱ (اصل یکصد و چهل و ششم)

نایب رئیس – اصل ۱۲۱ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۱۲۱ – استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی، هرچند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز در ایران ممنوع است.

نایب رئیس – آقای بنی‌صدر بفرمائید.

بنی‌صدر – اگر ما خواستیم به فلسطینی‌ها در ایران پایگاه بدهیم نمی‌توانیم؟ (نایب رئیس – پایگاه می‌خواهید بدهید؟) میخواهیم در ایران تعلیمات نظامی ببینند. آیا بدهیم یا ندهیم؟ (همهمه نمایندگان).

نایب رئیس – آقای بنی‌صدر گویا نظر دوستان این است که کمکمان را به برادران فلسطینی و برادران مبارز دیگر می‌توانیم به شکل‌های دیگر بکنیم. (یکی از نمایندگان – ما آنها را خارجی نمی‌دانیم.)

بنی‌صدر – بنابراین باید بگوئیم چون ما است اسلامی هستیم آنها مشمول این حکم نمی‌شوند، یعنی باید یک چیزی باشد.

نایب رئیس – باید یک فکری کنیم که برادران مسلمان را خارجی ندانیم.

مکارم شیرازی – استثناء نمی‌شود والا اصل کم ارزش میشود.

نایب رئیس – بلی استثناء نمی‌کنیم ولی در اصول بعد باید یک فکری نسبت به خیلی از مسائل روابط اسلامیمان بکنیم که این جنبه را نداشته باشد. بنابراین اجازه بفرمائید اصل ۱۲۱ را برای رأی‌گیری بخوانم:

اصل ۱۲۱ (اصل یکصد و چهل و ششم) – استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی، هرچند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز در ایران ممنوع است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس – نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و پنج نفر، شمارهٔ کل آراء شصت و پنج رأی، موافق شصت و چهار نفر، ممتنع یک نفر، بنابراین تصویب

شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۹ — طرح و تصویب اصل ۱۲٤ (اصل یکصد و چهل و نهم)

نایب رئیس — اجازه بدهید چون وقت کم است اصل ۱۲٤ را که میدانیم بحثی ندارد و روبراه‌تر است مطرح کنیم و اصل ۱۲۲ برای فردا بماند. اصل ۱۲٤ را قرائت میکنیم.

اصل ۱۲٤ (اصل یکصد و چهل و نهم)— ترفیع درجهٔ نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

نایب رئیس — نظری نیست؟ (نمایندگان — رأی بگیرید)لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر در هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر،شمارهٔ کل آراء شصت و چهار رأی، موافق شصت و چهار نفر، بنابراین یک اصل دیگربه‌اتفاق آراء تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

۱۰ — پایان جلسه

نایب‌رئیس — با اجازه دوستان جلسه را ختم میکنم. جلسه ختم میشود، جلسه آینده فردا بعدازظهر خواهد بود

(جلسه ساعت هفده و چهل و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**